

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تصنيف السيدة



بالتربيت وعا وزيارت

دشت خط

للكاتب السيد محمد باقر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه مهدیه / الصحیفه المهدیه ( عجل الله فرجه )

نویسنده:

مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر چاپی:

الماس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۵	صحیفه مهدیه
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	فهرست مطالب
۲۷	مقدمه (۱)
۳۲	نکته مهم
۳۴	ضرورت دعا از نظر عقل و نقل
۳۹	آداب دعا
۵۲	اهمیت مداومت بر دعا
۵۳	نقش یقین در مستجاب شدن دعا
۵۷	یقین و آثار شگفت انگیز آن
۵۹	دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه
۶۳	مظلوم ترین فرد عالم
۶۶	نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی ختباط
۶۸	تجربه مهم مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی
۷۰	دعای امام عصر ارواحنا فداه
۷۵	تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۷۷	مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه
۷۷	اشاره
۷۹	۱ - فضیلت مسجد کوفه
۸۰	۲ - فضیلت مسجد سهله
۸۲	۳ - مسجد مقدس جمکران
۸۲	مسجد مقدس جمکران
۸۷	توجه به وظایف دوران غیبت

- ۹۰ ..... اعتیاد به عصر غیبت ...
- ۹۲ ..... روش فکری خود را تغییر دهید!
- ۹۵ ..... به سوی امیر عالم هستی - - - - -
- ۹۹ ..... توجّه به حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه لازم است - - - - -
- ۱۰۴ ..... انتظار - - - - -
- ۱۱۰ ..... انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! - - - - -
- ۱۱۱ ..... معرفت یا راه انتظار - - - - -
- ۱۱۴ ..... احساس حضور ، یا نشانی از معرفت - - - - -
- ۱۱۹ ..... معنای حضور چیست ؟ - - - - -
- ۱۲۱ ..... عظمت امام عصر ارواحنا فداه - - - - -
- ۱۴۴ ..... بخش اول: نمازها - - - - -
- ۱۴۴ ..... اشاره - - - - -
- ۱۴۴ ..... ۱ نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۴۴ ..... ۲ نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۴۶ ..... ۳ نماز مسجد مقدّس جمکران - - - - -
- ۱۴۶ ..... ۴ نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حله و نعماتیّه (۵) - - - - -
- ۱۴۸ ..... ۵ نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت ها - - - - -
- ۱۴۹ ..... ۶ نماز توجّه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۵۰ ..... ۷ نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهمّ - - - - -
- ۱۵۷ ..... ۸ نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۶۱ ..... ۹ نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -
- ۱۶۲ ..... ۱۰ اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز پنج شنبه - - - - -
- ۱۶۴ ..... ۱۱ نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه در شب های پنج شنبه و جمعه - - - - -
- ۱۶۵ ..... ۱۲ نماز استغاثه به نحو دیگر - - - - -
- ۱۶۵ ..... ۱۳ نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب جمعه - - - - -
- ۱۶۸ ..... ۱۴ نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه - - - - -

- ۱۵ نماز روز بیست و هفتم ماه رجب ..... ۱۶۹
- ۱۶ نماز شب نیمه ماه شعبان ..... ۱۷۱
- ۱۷ نماز دیگر در شب نیمه شعبان ..... ۱۷۱
- دعا برای ظهور...در قنوت نمازها ..... ۱۷۸
- ۱ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه در قنوت نمازها ..... ۱۷۸
- ۲ قنوت حضرت امام سجّاد علیه السلام برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان ..... ۱۷۹
- ۳ قنوت حضرت امام باقر علیه السلام قنوت حضرت امام باقر علیه السلام ..... ۱۸۲
- ۴ قنوت حضرت امام رضا علیه السلام ..... ۱۸۵
- ۵ قنوت حضرت امام جواد علیه السلام ..... ۱۸۸
- ۶ دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت ..... ۱۹۰
- ۷ قنوت حضرت امام هادی علیه السلام ..... ۱۹۴
- ۸ دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت ..... ۱۹۶
- ۹ دعای قنوت حضرت بقیّه اللّٰه عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ..... ۲۱۹
- ۱۰ دعای دوّم حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه در قنوت ..... ۲۲۱
- ۱۱ دعای سوّم آن حضرت در قنوت ..... ۲۲۷
- ۱۲ دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ..... ۲۲۷
- بخش سوم: ادعیه بعد از نمازها ..... ۲۲۸
- ۱ دعا برای ظهور حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه بعد از هر نماز واجب ..... ۲۲۸
- ۲ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه پس از نمازهای واجب ..... ۲۲۸
- ۳ دعا برای تشرف خدمت حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود ..... ۲۳۰
- ۴ دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه ..... ۲۳۱
- ۵ دعای بعد از نماز صبح ..... ۲۳۴
- ۶ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه در تعقیب نماز صبح ..... ۲۳۶
- ۷ دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح ..... ۲۳۶
- ۸ دعای دیگری برای حضرت بقیّه اللّٰه عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه بعد از نماز صبح ..... ۲۳۶
- ۹ - ۱۱ دعاهایی که حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند ..... ۲۳۶

- ۱۲ دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ..... ۲۴۱
- ۱۳ دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز ..... ۲۴۱
- ۱۴ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه پس از نماز عصر ..... ۲۴۵
- ۱۵ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اول نماز شب ..... ۲۴۸
- ۱۶ دعا برای ظهور آن حضرت عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب ..... ۲۵۰
- بخش چهارم: دعاهای ایام هفته ..... ۲۵۱
- ۱ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه ..... ۲۵۱
- ۲ صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه ..... ۲۵۲
- ۳ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه ..... ۲۵۲
- اشاره ..... ۲۵۲
- حکایت دعای علوی مصری ..... ۲۵۲
- ۴ دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه که در گرفتاری های شدید خوانده می شود ..... ۲۵۵
- اشاره ..... ۲۵۵
- روز جمعه ؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است ..... ۳۰۱
- فضیلت دعای ندبه ..... ۳۰۲
- ۵ دعای ندبه ..... ۳۰۵
- ۶ دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج ..... ۳۲۸
- ۷ دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه در روز جمعه ..... ۳۲۸
- ۸ دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه ..... ۳۲۸
- ۹ صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود ..... ۳۲۸
- ۱۰ دعا برای ظهور آن حضرت عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه در روز جمعه ، عید فطر و عید قربان ..... ۳۲۸
- اشاره ..... ۳۲۸
- حکایت صلوات ضرب اصفهانی ..... ۳۳۱
- ۱۱ صلوات ضرب اصفهانی صلوات ضرب اصفهانی ..... ۳۳۷
- ۱۲ صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۳۴۵
- بخش پنجم: دعاهای هر ماه ..... ۳۴۷

- ۳۴۷ ..... ادعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در ظهر روز عاشورا
- ۳۵۹ ..... ادعای دیگری در روز عاشورا
- ۳۶۰ ..... ادعای ایام ماه رجب ...
- ۳۶۴ ..... ادعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است
- ۳۶۶ ..... ادعای سوم در ایام ماه رجب دعای سوم در ایام ماه رجب
- ۳۷۰ ..... ادعای روز سوم ماه شعبان
- ۳۷۰ ..... دعای روز سوم ماه شعبان
- ۳۷۳ ..... فضیلت شب نیمه شعبان
- ۳۷۵ ..... ادعای شب نیمه شعبان
- ۳۷۵ ..... اشاره
- ۳۷۷ ..... فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای کمیل در آن شب
- ۳۷۹ ..... ادعای افتتاح
- ۳۹۲ ..... ادعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه
- ۳۹۳ ..... ادعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان
- ۳۹۵ ..... ادعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان
- ۴۰۵ ..... ادعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه رمضان
- ۴۰۷ ..... ادعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان
- ۴۰۹ ..... ادعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۴۱۰ ..... ادعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۴۱۲ ..... ادعای سوم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۴۱۲ ..... اشاره
- ۴۱۳ ..... از ادب شیعه نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز عید فطر
- ۴۱۵ ..... ادعای روز عید غدیر کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم
- ۴۲۳ ..... تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه از روز هیجدهم تا آخر هر ماه
- ۴۲۵ ..... بخش ششم: دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست
- ۴۲۵ ..... ادعای عهد



- ۴۲۵ ..... اشاره
- ۴۳۰ ..... معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداه -
- ۴۳۲ ..... ۲دعای عهد دیگر
- ۴۳۷ ..... ۳دعای زمان غیبت
- ۴۴۵ ..... ۴دعای زمان غیبت به روایتی دیگر
- ۴۵۷ ..... ۵دعای معرفت در زمان غیبت
- ۴۷۰ ..... ۶دعای دیگر در زمان غیبت
- ۴۷۱ ..... ۷دعای دیگری نیز در زمان غیبت
- ۴۷۲ ..... ۸دعای غریق در زمان غیبت
- ۴۷۳ ..... ۹دعایی مناسب با زمان غیبت
- ۴۷۴ ..... ۱۰دعای نجات از فتنه های آخر الزمان
- ۴۷۶ ..... ۱۱دعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان
- ۴۷۸ ..... ۱۲دعا برای حفظ شدن از شر دجال دعا برای حفظ شدن از شر دجال
- ۴۸۳ ..... ۱۳دعای فرج) إلهی عظم البلاء (
- ۴۸۵ ..... ۱۴دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام
- ۴۸۶ ..... ۱۵دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در سجده شکر
- ۴۸۸ ..... ۱۶دعای هنگام عطسه
- ۴۸۸ ..... ۱۷دعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه دعای سفر در ساعت مخصوص
- ۴۹۰ ..... ۱۸دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز
- ۴۹۳ ..... ۱۹دعای دیگر در ساعت مخصوصه آن حضرت ارواحنا فداه
- ۴۹۸ ..... ۲۰صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه
- ۵۰۰ ..... ۲۱دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها
- ۵۰۱ ..... ۲۲دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه
- ۵۰۲ ..... ۲۳دعای سهم اللیل ، از امام زمان ارواحنا فداه
- ۵۰۵ ..... ۲۴دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه
- ۵۰۷ ..... ۲۵دعای «یا نور التور» از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

- ۵۰۷ ----- ۲۶ دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات
- ۵۰۸ ----- ۲۷ دعای مهم دیگر از امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت ها
- ۵۱۰ ----- ۲۸ دعای امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه برای شفاء از بیماری ها
- ۵۱۱ ----- ۲۹ دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رهایی از سختی ها و حفظ شدن از دزدان
- ۵۱۲ ----- ۳۰ دعای دیگری از امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه برای رهایی از سختی ها و مشکلات
- ۵۱۵ ----- ۳۱ حرز امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه
- ۵۱۶ ----- ۳۲ دعای حجاب (پنهان بودن) ، از امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه
- ۵۱۸ ----- ۳۳ دعا برای فرج در روز ظهور
- ۵۱۹ ----- ۳۴ دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در اول ظهور
- ۵۲۰ ----- ۳۵ دعای شیعه هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه
- ۵۲۱ ----- ۳۶ دعای آن حضرت عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه هنگام عبور از وادی السلام
- ۵۲۳ ----- ۳۷ ثواب خواندن سوره «کَهِف»
- ۵۲۳ ----- ۳۸ ثواب خواندن سوره مبارکه «کَهِف»
- ۵۲۴ ----- ۳۹ از خواص سوره «یس»
- ۵۲۵ ----- ۴۰ فضیلت سوره های «مَسْتَبَحَات»
- ۵۲۶ ----- ۴۱ خواندن سوره «القارعه» سبب ایمنی از فتنه دَجَال است
- ۵۲۹ ----- بخش هفتم: توسل به حضرت بقیه الله علیه السلام
- ۵۲۹ ----- اشاره
- ۵۳۰ ----- جریان دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله
- ۵۳۰ ----- جریان دعای توسل ...
- ۵۳۵ ----- ۱) ... دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله دعای توسل معروف به دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله
- ۵۵۳ ----- ۲ دعای توسل به حضرت بقیه الله عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه
- ۵۵۴ ----- ۳ توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در مشکلات
- ۵۵۷ ----- ۴ توسل دیگر به حضرت بقیه الله عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه در مشکلات ( یا فارس الحجاز )
- ۵۵۸ ----- ۵ توسل دیگر ... ( یا محمد یا علی (توسل دیگر به حضرت بقیه الله عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه
- ۵۶۱ ----- ۶ توسل دیگر به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ( یا صاحب الزمان )

- ۷توشل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ..... ۵۶۱
- ۸توشل دیگر به حضرت حجت ارواحنا فداه) یا حجه القائم ..... ۵۶۱
- ۹توشل برای رفع بیماری ..... ۵۶۱
- بخش هشتم:عریضه ها ..... ۵۶۲
- اشاره ..... ۵۶۲
- جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه ..... ۵۶۳
- جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه ..... ۵۶۶
- جریان دیگر در مورد نوشتن ... ..... ۵۶۶
- ۱کیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه ..... ۵۷۰
- ۲عریضه ای به خداوندکه در عریضه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده می شود ..... ۵۷۸
- ۳عریضه استغاثه دیگری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۵۸۶
- بخش نهم:استخاره ها ..... ۵۹۰
- اشاره ..... ۵۹۰
- دعای استخاره آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد ..... ۵۹۲
- اشاره ..... ۵۹۲
- ۱دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است ..... ۵۹۲
- دعای استخاره ... ..... ۵۹۲
- نکته حایز اهمیت ! ..... ۵۹۴
- ۲دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن ..... ۵۹۵
- ۳استخاره با رقعہ ه از حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه روایت شده است ..... ۵۹۶
- انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه روایت شده است ..... ۵۹۸
- ۴استخاره اول ..... ۵۹۸
- ۵استخاره دوم ..... ۵۹۹
- ۶استخاره سوم ..... ۶۰۰
- ۷استخاره چهارم ..... ۶۰۱
- ۸استخاره پنجم ..... ۶۰۲

- بخش دهم: دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند ..... ۶۰۴
- ۱ دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی ها به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۶۰۴
- اشاره ..... ۶۰۴
- حکایت حرز یمانی ..... ۶۲۸
- ۲ حرز یمانی ..... ۶۳۳
- ۳ دعای حریقکه صبحگاهان خوانده می شود (۸) ..... ۶۴۸
- ۴ دعای الحاح از امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۶۷۰
- ۵ دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۶۷۱
- ۶ دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۶۷۳
- ۷ دعای سجده امام سجّاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ..... ۶۷۴
- اشاره ..... ۶۷۴
- حکایت دعای عبرات ..... ۶۷۶
- ۸ دعای عبرات (۲۱) ..... ۶۷۹
- بخش یازدهم: زیارت نواب امام زمان علیه السلام ..... ۶۹۶
- اشاره ..... ۶۹۶
- ۱ زیارت نواب امام زمان ارواحنا فداه ..... ۶۹۷
- ۲ زیارت نایب اول ..... ۶۹۹
- ۳ نماز برای وسعت رزق که جناب محمّد بن عثمان قدس سره نقل شده است ..... ۷۰۴
- ۴ دعای مهمّ ..... ۷۰۵
- ۵ دعای سمات که نایب دوم جناب محمّد بن عثمان قدس سره روایت شده است ..... ۷۱۳
- ۶ دعای روز عید فطر که از جناب محمّد بن عثمان قدس سره روایت شده است ..... ۷۲۸
- ۷ زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدس سرهما ..... ۷۳۸
- ۸ دعای حضرت خضر علیه السلام معروف به دعای کمیل (۱۷) ..... ۷۳۹
- خاتمه کتاب یا ملحقات ..... ۷۵۷
- بعضی از عباداتی که مورد توجه ..... ۷۵۷
- نماز شب ..... ۷۶۵

۷۶۸	..... زیارت عاشورا
۷۷۸	..... دعای بعد از زیارت عاشورا(دعای علقمه) (۴)
۷۸۸	..... ستایش مولای مان امام زمان عجل الله تعالی فرجه از زیارت جامعه کبیره
۷۹۰	..... زیارت جامعه کبیره
۸۱۰	..... زیارت امین الله و فضیلت آن
۸۱۵	..... زیارت وارث
۸۲۲	..... منابع ومصادر کتاب
۸۲۳	..... درباره مرکز

سرشناسه: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

عنوان قراردادی: الصحیفه المهدیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه مهدیه: ترجمه الصحیفه المهدیه/تالیف مرتضی مجتهدی؛ مترجم موسسه اسلامی ترجمه؛ مصحح ترجمه محمد ظریف، محمدحسین رحیمیان.

وضعیت ویراست: [ویراست ۴].

مشخصات نشر: قم: الماس، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۷۵۲ص.

شابک: ۹۷۸۹۶۴۷۷۵۳۱۴۲: ۶۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. --- دعاها

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. --- زیارتنامه ها

موضوع: زیارتنامه ها

موضوع: دعاها

شناسه افزوده: مجتهدی، مرتضی، ۱۳۳۳ -، گردآورنده

شناسه افزوده: ظریف، محمد، ۱۳۳۵ -، مصحح

شناسه افزوده: رحیمیان، محمدحسین، ۱۳۴۵ -، مصحح

شناسه افزوده: موسسه اسلامی ترجمه

رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۳ م ۳ ص ۱۴۰۳ ۸۸۳۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۵۶۶۰۰

### فهرست مطالب

مقدمه

نکته مهم ۲۳

ضرورت دعا از نظر عقل و نقل ۲۵

آداب دعا ۲۸

اهمیت مداومت بر دعا ۴۲

نقش یقین در مستجاب شدن دعا ۴۳

یقین و آثار شگفت انگیز آن ۴۵

دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه لازم و ضروری است ۴۷

مظلوم ترین فرد عالم ۵۱

نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط ۵۳

تجربه مهمّ مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی ۵۴

دعای امام عصر ارواحنا فداه برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند ۵۶

تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فرجه ۶۰

مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ۶۲

۱ - فضیلت مسجد کوفه و اینکه آنجا جایگاه نماز حضرت مهدی ارواحنا فداه در عصر ظهور است ۶۳

۲ - فضیلت مسجد سهله که مقام حضرت صاحب الزمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فرجه در آنجاست ۶۴

۳ - مسجد مقدّس جمکران ۶۶

توجه به وظایف دوران

اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه! ۷۳

روش فکری خود را تغییر دهید! ۷۵

به سوی امیر عالم هستی ۷۶

توجه به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه لازم است ۸۰

انتظار ۸۵

انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! ۹۰

معرفت یا راه انتظار ۹۱

احساس حضور، یا نشانی از معرفت ۹۳

معنای حضور چیست؟ ۹۷

عظمت امام عصر ارواحنا فداه در کلمات اهل بیت علیهم السلام ۹۸

بخش اول

نماز ها

۱- نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۱۵

۲- نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۱۵

۳- نماز مسجد مقدس جمکران ۱۱۷

۴- نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حله و نعمانیه ۱۱۸

۵- نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت ها ۱۱۹

۶- نماز توجه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه ۱۲۰

۷- نماز و دعای قرح برای رفع مشکلات مهم ۱۲۱

۸- نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۲۷

۹- نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۳۰

۱۰- اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز پنج شنبه ۱۳۱

۱۱- نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه در شب های پنج شنبه و جمعه ۱۳۲

۱۲- نماز استغاثه به نحو دیگر ۱۳۳

۱۳- نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب جمعه ۱۳۳

۱۴- نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۳۶

۱۵- نماز روز بیست و هفتم ماه رجب ۱۳۶

۱۶- نماز شب نیمه ماه شعبان ۱۳۸

۱۷- نماز دیگر در شب نیمه شعبان ۱۳۹

بخش دوم

دعاهای قنوت





زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه در قنوت نمازها ۱۴۵

۲- قنوت حضرت امام سجّاد علیه السلام برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان ۱۴۶

۳- قنوت حضرت امام باقر علیه السلام ۱۴۸

۴- قنوت حضرت امام رضا علیه السلام ۱۵۰

۵- قنوت حضرت امام جواد علیه السلام ۱۵۲

۶- دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت ۱۵۳

۷- قنوت حضرت امام هادی علیه السلام ۱۵۶

۸- دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت ۱۵۸

۹- دعای قنوت حضرت بقیّه اللّٰه عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ۱۷۱

۱۰- دعای دوّم حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه در قنوت ۱۷۳

۱۱- دعای سوّم آن حضرت در قنوت ۱۷۷

۱۲- دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ۱۷۷

بخش سوّم

ادعیه بعد از نمازها

۱- دعا برای ظهور حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه بعد از هر نماز واجب ۱۸۱

۲- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه پس از نمازهای واجب ۱۸۱

۳- دعا برای تشرف خدمت حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود ۱۸۳

۴- دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه ۱۸۴

۵- دعای بعد از نماز صبح ۱۸۶

۶- دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه در تعقیب نماز صبح ۱۸۷

۷- دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح ۱۸۸

۸- دعای دیگری برای حضرت بقیّه اللّٰه عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه بعد از نماز صبح ۱۸۸

۹- ۱۱- دعاهایی که حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند ۱۸۹

۱۲- دعا برای ظهور آن حضرت

پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ۱۹۲

۱۳ - دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز ۱۹۳

۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه پس از نماز عصر ۱۹۶

۱۵ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اول نماز شب ۱۹۸

۱۶ - دعا برای ظهور آن حضرت عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب ۲۰۰

بخش چهارم

دعاهای ایام هفته

۱ - دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه در روزهای پنجشنبه ۲۰۳

۲ - صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه ۲۰۳

۳ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه ۲۰۴

حکایت دعای علوی مصری ۲۰۵

۴ - دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه که در گرفتاری های شدید خوانده می شود ۲۰۷

روز جمعه ؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است ۲۳۸

فضیلت دعای ندبه ۲۳۹

۵ - دعای ندبه ۲۴۱

۶ - دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج ۲۵۶

۷ - دعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه در روز جمعه ۲۵۶

۸ - دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه ۲۵۷

۹ - صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود ۲۵۷

۱۰ - دعا برای ظهور آن حضرت عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه در روز جمعه ، عید فطر و عید قربان ۲۵۸

حکایت صلوات ضراب اصفهانی ۲۵۹

۱۱ - صلوات ضراب اصفهانی ۲۶۴

۱۲ - صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیه

۱۳ - فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل در هر شب جمعه ۲۷۰

بخش پنجم

دعاهای هر ماه

۱ - دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء در ظهر روز عاشورا ۲۷۳

۲ - دعای دیگری در روز عاشورا ۲۸۱

۳ - دعای ایام ماه رجب که از ناحیه مقدّسه امام زمان ارواحنا فداء صادر شده است ۲۸۲

۴ - دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدّسه رسیده است ۲۸۵

۵ - دعای سوّم در ایام ماه رجب ۲۸۶

۶ - دعای روز سوّم ماه شعبان ۲۹۰

فضیلت شب نیمه شعبان ۲۹۲

۷ - دعای شب نیمه شعبان ۲۹۳

فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای کمیل در آن شب ۲۹۵

۸ - دعای افتتاح ۲۹۶

۹ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان ۳۰۵

۱۰ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۳۰۶

۱۱ - دعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۳۰۸

۱۲ - دعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه مبارک رمضان ۳۱۴

۱۳ - دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان ۳۱۶

۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ۳۱۷

۱۵ - دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ۳۱۸

۱۶ - دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ۳۲۰

از ادب شیعه نسبت به امام زمان عجل اللّٰهُ تعالی فرجه در روز عید فطر ۳۲۱

۱۷ - دعای روز عید غدیر کسی که آن را

بخواند مانند کسی است که زیر پرچم

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و در خیمه آن حضرت باشد ۳۲۳

۱۸ - تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه از روز هیجدهم تا آخر هر ماه ۳۲۸

بخش ششم

دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست

۱ - دعای عهد ۳۳۱

معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداه ۳۳۵

۲ - دعای عهد دیگر ۳۳۷

۳ - دعای زمان غیبت ۳۴۰

۴ - دعای زمان غیبت به روایتی دیگر ۳۴۶

۵ - دعای معرفت در زمان غیبت ۳۵۴

۶ - دعای دیگر در زمان غیبت ۳۶۳

۷ - دعای دیگری نیز در زمان غیبت ۳۶۴

۸ - دعای غریق در زمان غیبت ۳۶۵

۹ - دعایی مناسب با زمان غیبت ۳۶۶

۱۰ - دعای نجات از فتنه های آخر الزمان ۳۶۶

۱۱ - دعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان ۳۶۸

۱۲ - دعا برای حفظ شدن از شر دجال ۳۷۰

۱۳ - دعای فرج ( إلهی عظم البلاء ) ۳۷۴

۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام ۳۷۵

۱۵ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در سجده شکر ۳۷۶

۱۶ - دعای هنگام عطسه ۳۷۷

۱۷ - دعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۳۷۸

۱۸ - دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز ۳۸۰

۱۹ - دعای دیگر در ساعت مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ۳۸۲

۲۰ - صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ۳۸۶

۲۱ - دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها ۳۸۷

۲۲ - دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه ۳۸۹

- دعای سهم اللیل ، از امام زمان ارواحنا فداه ۳۸۹
- ۲۴ - دعای دیگر از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه ۳۹۲
- ۲۵ - دعای «یا نور التّور» از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه ۳۹۳
- ۲۶ - دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات ۳۹۴
- ۲۷ - دعای مهم دیگر از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت ها ۳۹۵
- ۲۸ - دعای امام عصر عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه برای شفاء از بیماری ها ۳۹۷
- ۲۹ - دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رهایی از سختی ها و حفظشدن از دزدان ۳۹۸
- ۳۰ - دعای دیگری از امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه برای رهایی از سختی ها و مشکلات ۳۹۹
- ۳۱ - حرز امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه ۴۰۱
- ۳۲ - دعای حجاب (پنهان بودن) ، از امام عصر عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه ۴۰۲
- ۳۳ - دعا برای فرج در روز ظهور ۴۰۳
- ۳۴ - دعای حضرت بقیه اللّٰه ارواحنا فداه در اوّل ظهور ۴۰۵
- ۳۵ - دعای شیعه هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه ۴۰۶
- ۳۶ - دعای آن حضرت عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه هنگام عبور از وادی السلام ۴۰۷
- ۳۷ - صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ( اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی فَاطِمَةَ وَاَبْنِیْهَا ... ) ۴۰۸
- ۳۸ - ثواب خواندن سوره مبارکه «کَهِف» ۴۰۹
- ۳۹ - از خواصّ سوره «یس» ۴۱۰
- ۴۰ - فضیلت سوره های «مَسَبِحَات» ۴۱۰
- ۴۱ - خواندن سوره «القارعه» سبب ایمنی از فتنه دَجَال است ۴۱۲
- بخش هفتم
- توسّل به حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه
- جریان دعای توسّل خواجه نصیر رحمه الله ۴۱۶
- ۱ - دعای توسّل معروف به دعای توسّل خواجه نصیر رحمه الله ۴۲۰
- ۲ - دعای توسّل به حضرت بقیّه اللّٰه

۳- توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در مشکلات ۴۳۵

۴- توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا فارس الحجاز) ۴۳۸

۵- توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا محمد یا علی ... ) ۴۳۸

۶- توسل دیگر به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه (یا صاحب الزمان) ۴۴۱

۷- توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ۴۴۲

۸- توسل دیگر به حضرت حجت ارواحنا فداه (یا حجه القائم) ۴۴۲

۹- توسل برای رفع بیماری ۴۴۳

#### بخش هشتم

#### عریضه ها

جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه ۴۴۸

جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه ۴۵۰

۱- کیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه ۴۵۳

۲- عریضه ای به خداوند که در عریضه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده می شود ۴۵۹

۳- عریضه استغاثه دیگری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۴۶۴

#### بخش نهم

#### استخاره ها

دعای استخاره آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد ۴۷۱

۱- دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است ۴۷۲

نکته حایز اهمیت! ۴۷۴

۲- دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن ۴۷۴

۳- استخاره با رقعہ که از حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه روایت شده است ۴۷۶

انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه روایت شده است ۴۷۷

۴- استخاره اول ۴۷۷

۵- استخاره دوم ۴۷۸

استخاره سؤم ۴۷۹

۷- استخاره چهارم ۴۷۹

۸- استخاره پنجم ۴۸۰

بخش دهم

دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند

۱- دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی ها به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۴۸۳

حکایت حرز یمانی ۴۹۹

۲- حرز یمانی ۵۰۳

۳- دعای حریق که صبحگاهان خوانده می شود ۵۱۴

۴- دعای الحاح از امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۲۹

۵- دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۳۰

۶- دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۳۲

۷- دعای سجده امام سجاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۳۳

حکایت دعای عبرات ۵۳۵

۸- دعای عبرات ۵۳۷

بخش یازدهم

زیارت ها

استحباب زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در هر زمان و مکان ۵۵۱

زیارت حضرات معصومین علیهم السلام و هدیه ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ۵۵۲

آداب زیارت ۵۵۳

۱- زیارت آل یس ۵۶۰

۲- زیارت ندبه ۵۶۶

۳- زیارت امام زمان ارواحنا فداه در روز جمعه ۵۷۵

۴- زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه که در مشکلات و موارد ترسناک خوانده می شود ۵۷۷

۵- زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه که از حضرت بقیه الله عجل الله فرجه روایت شده است ۵۷۸

۶- زیارت ناحیه مقدسه ۵۸۰

۷- زیارت رجبیه که در حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود ۶۰۴

۸- زیارت حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام



۹- اذن ورود به حرم های ائمه علیهم السلام و سرداب مقدّس ۶۰۷

۱۰- زیارت حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه در سرداب مقدّس ۶۱۰

۱۱- زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ۶۲۴

۱۲- زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ۶۲۴

۱۳- زیارت چهارم در سرداب مقدّس ۶۲۴

۱۴- زیارت پنجم حضرت بقیّه الله عجل الله تعالی فرجه ۶۳۱

ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ۶۳۴

۱۵- زیارت ششم حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه ۶۳۵

۱۶- چگونگی سلام کردن بر امام زمان ارواحنا فداه ۶۳۹

۱۷- سلام بر آن حضرت ارواحنا فداه به شیوه ای دیگر ۶۴۰

۱۸- زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام ۶۴۰

۱۹- زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام ۶۴۳

۲۰- زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام ۶۴۷

بخش دوازدهم

زیارات توّاب امام عصر ارواحنا فداه

و بعضی از دعاهایی که اصحاب آن حضرت نقل نموده اند

۱- زیارت توّاب امام زمان ارواحنا فداه ۶۵۱

۲- زیارت نایب اوّل جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه ۶۵۳

۳- نماز برای وسعت رزق که از جناب محمّد بن عثمان قدس سره نقل شده است ۶۵۷

۴- دعای مهمّ که جناب محمّد بن عثمان قدس سره آن را بسیار عظیم و باارزش دانسته است ۶۵۸

۵- دعای سمات که از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان قدس سره روایت شده است ۶۶۴

۶- دعای روز عید فطر که از جناب محمّد بن عثمان قدس سره روایت شده است ۶۷۴

۷- زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدّس سرهما ۶۸۲

۸- دعای حضرت خضر علیه السلام معروف به

دعای کمیل ۶۸۳

خاتمه کتاب یا ملحقات

بعضی از عباداتی که مورد توجه

حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشند

نماز شب ۷۰۳

زیارت عاشورا ۷۰۶

دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه) ۷۱۲

ستایش مولای مان امام زمان عجل الله تعالی فرجه از زیارت جامعه کبیره ۷۱۹

زیارت جامعه کبیره ۷۲۱

زیارت امین الله و فضیلت آن ۷۳۴

زیارت وارث ۷۳۸

منابع و مصادر کتاب ۷۴۵

### مقدمه (۱)

حمد و سپاس خدایی را که ما را آفرید، و پیامبر خود را که خاتم انبیاء است به سوی ما فرستاد و ولایت اولیایش، ائمه هدی علیهم السلام را برای ما آشکار گردانید برای کامل کردن دین (۲) و روی آوردن به عمل ها (۳) و ما را به سوی مکارم اخلاق (۴) و بدست آوردن پاداش کردارها (۵) هدایت نمود تا در بهشت (۶) وارد شویم و در بوستان های ابدی بهشت (۷) جاوید بمانیم و به جایگاه بلندمرتبه و رفیع (۸) در بهشتی که خانه آسایش است (۹) برسیم تا فرشتگان را مشاهده کنیم که خطاب به ما بگویند: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (۱۰)؛ «سلامی که گفتاری از پروردگار مهربان است».

و درود و سلام بر آخرین پیامبران و فرستادگان خدا، ابی القاسم محمّد، که درود خدا بر او و بر خاندان پاکش باد، همان بزرگوارانی که برای بیان وظایف بشریت (۱۱) با بهترین و پاکیزه ترین کلمات (۱۲) و ارشاد بندگان به سوی دریاهاى نور (۱۳)، آمدند. آن هم در پرتو چراغی (۱۴) که مانند ستاره ای درخشان از درخت پربرکت زیتون افروخته باشد (۱۵)، و روشن گر راه های عارفان (۱۶) است، عارفانی که اراده رسیدن به شهر علم و حکمت را داشته، و از درب رستگاری (۱۷) وارد آن شهر گشته اند.

و سلام

و درود مخصوص ، بر آخرین این خاندان نور و رحمت ، قائم ایشان ، صاحب دعوت نبوی ، و نیرو و توان حیدری ، و پاکدامنی فاطمی ، و بردباری حسنی ، و شجاعت حسینی ، و عبادت سجّادی ، و سنت های نیکو و برجای ماندنی باقری ، و آثار و نشانه های جعفری ، و دانش های کاظمی ، و برهان های رضوی ، و سخاوت تقوی ، و پاکی نقوی ، و شکوه عسکری ، و غیبت الهی ، قیام کننده به حقّ و کسی که مردم را به سوی راستی مطلق فرا می خواند ، کلمه الهی و امان الهی و برهان خداوند ، پیروز به امر او و دافع از حریم او ، امام پنهان و آشکار ، برطرف کننده غصّه ها و سختی ها ، صاحب کرم و بخشش ها ، امام به حقّ ابی القاسم محمّد بن الحسن صاحب عصر و زمان ، جانشین خداوند و امام انسان ها و جتّیان ، کسی که ستاره درخشان(۱۸) در شب بسیار تاریک است ، و هم اوست که ایمنی دهنده از خطرهای سفرها و زمان ها(۱۹) است . او که سیر حفظ کننده(۲۰) در سختی ها و گرفتاری هاست .

این کتاب ، اثر ناچیزی است از بنده ضعیف و فانی ، به عنوان هدیه به شما ای سرور مهربان و بزرگوار ؛ اگر مورد قبول قرارش دهی متنی است عظیم از سوی پروردگار مَنان ؛ که به وجود مبارک شما و بخشش بی پایان شما ای صاحب زمان بر من مَنّت نهاد و این کتاب با قبول شما ، برای من باقیات صالحات(۲۱) و توشه روز جزا(۲۲) برای روزی که «ثروت و فرزندان ،

نفعی نمی بخشد» (۲۳) قرار می گیرد ، و نیز وسیله رستگاریِ سئوال کننده (۲۴) و چراغ شب زنده دار (۲۵) خواهد شد ، برای هر کسی که آن را بخواند و کلید رستگاری (۲۶) را برای گشودن درهای رحمت الهی (۲۷) طلب کند .

امیدوارم به واسطه قبول نیکوی شما - ای صاحب بخشش و بزرگواری - این کتاب آگاهی دهنده دوست (۲۸) در راه کشف کلیدهای عالم غیب (۲۹) گردد ، برای کسی که آن را با تأمل و درنگ می خواند و ان شاء الله به واسطه آن در گروه اولیاء مقربت درخواهد آمد ، همان هایی که دارای ساز و برگ های نیرومند (۳۰) هستند ، که خداوند آنان را برای یاری شما آماده کرده تا شما را یاری و کمک کنند .

پس ای عزیز ؛ «مَسْنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُرْجَاهٍ فَأَوْفٍ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» (۳۱) ؛ «ما و خاندان مان گرفتار شده ایم ، و سرمایه ناچیزی آورده ایم ؛ پس ، پیمانہ ما را بر کن و به ما صدقه بده ؛ همانا خداوند صدقه دهندگان را پاداش می دهد» .

این کتاب مجموعه ای است از نمازها و دعاها و زیارت هایی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه به دست ما رسیده و یا در مورد حضرت بقیه الله حجه بن الحسن العسكري صاحب ولایت کامل و فرمانروایی مطلق در عالم وجود - که برترین درود و سلام بر او و اجداد گرامی اش باشد - نقل شده است .

مؤلف ، در گردآوری دعاها و زیارات و ... که در کتب معتبر (۳۲) آمده و به دستش رسیده سعی داشته است و ادعا ندارد که این کتاب مجموعه کاملی از همه دعاها و ...

باشد. زیرا عصر غیبت و دوری ما از حضرت حجّت ارواحنا فداه باعث شده بسیاری از دعاهای صادر شده از ناحیه مقدّسه از دسترس ما دور بماند همانند بسیاری از نمازها و زیارات و اذکار؛ چون با کمال تأسّف در عصر غیبت به خاطر دوری و نیز غفلت ما از ساحت شریف امام ارواحنا فداه، بسیاری از آنچه که از ناحیه مقدّسه صادر شده است را نمی یابیم.

چه بسا برخی از این مطالب به دوستان بزرگوارشان رسیده که بنا به دلایلی از ما پنهان کرده اند و در جایی ثبت نکرده اند. برای اثبات این ادعا ماجرابی را که برای عالم ربّانی مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری رضوان الله تعالی علیه اتّفاق افتاده است نقل می کنیم؛ ایشان چنین فرمودند:

دوستی داشتم که با حضرت حجّت صلوات الله علیه در ارتباط بود و گاهی پیش من می آمد و تا اول انقلاب در ایران، پیوسته باهم ارتباط داشتیم؛ ولی پس از انقلاب، پیش من نیامد و او را زیارت نکردم. به هر حال زمانی برای من مشکلی پیش آمده بود و در همان ایام با او در میان گذاشتم و حلّ آن را از او درخواست کردم. آن مشکل این بود که بعضی از طلبه ها و نیز افراد دیگر به من مراجعه می کردند و کمک می خواستند، و من بعضی از آن ها را نمی شناختم و به همین دلیل شک می کردم که باید به آنان کمک کنم، یا نه؟

چون اگر به کسی که او را نمی شناسم کمک کنم ممکن است مستحقّ نباشد و در صورت کمک

نکردن ، این احتمال وجود دارد که او محتاج و مستحقّ واقعی باشد .

وقتی این مشکل را با ایشان - که با امام زمان صلوات الله علیه در ارتباط بودند - در میان گذاشتم ، به من گفتند : من إن شاء الله جواب را از امام ارواحنا فداه برایتان می آورم .

وی از پیش من رفت و بعد از چند روز برگشت و دعایی از طرف حضرت حجّت ارواحنا فداه به من عطا کرد و گفت : اگر کسی از تو چیزی خواست و تو او را نمی شناختی اول این دعا را بخوان و بعد به او چیزی بده . همانا حضرت حجّت ارواحنا فداه فرمودند :

وقتی که این دعا را بخواند امکان ندارد مراجعه کننده بتواند این مال را در جایی که رضای ما نباشد مصرف کند .

و آن دعا مختصر بود و من مکرر شاهد بودم که آن مرحوم هنگامی که شخص ناشناسی به ایشان مراجعه می کرد آن را می خواندند .

غرض از نقل این قضیه مهمّ - که پذیرش آن برای بعضی مشکل است - این بود که بدانید همه آنچه که از ناحیه مقدّسه صادر شده به دست ما نرسیده است و بسیاری از دعاها و زیارات و نمازها در قلب پاک دوستان آن حضرت مانده و برای مردم ظاهر نکرده اند تا وارد خاک شده اند .

محدّث نوری رحمه الله می فرماید : گروهی از علمای مورد اعتماد به من خبر دادند که صاحب الأمر ارواحنا فداه را در حال بیداری دیده اند و معجزات متعدّدی را از آن حضرت مشاهده کرده اند و آن حضرت بسیاری از اخبار غیبی را به ایشان خبر داده است

و ایشان را به دعاهای مستجاب دعا نمودند؛ و آن ها را از خطرهای هلاکت بار نجات داده اند که کلمات را یارای توصیف و تفصیل آن ها نیست. (۳۳)

و آنچه را که ما در این کتاب گرد آورده ایم در کتاب های معتبر آمده است و این تألیف از الطاف خداوند مهربان در حق من است. آنچه از زیبایی و خوبی که در این کتاب می بینید از تأییدات حضرت بقیه الله صلوات الله علیه می باشد و آنچه کمبود و اشتباه در این کتاب مشاهده کنید از ناحیه مؤلف می باشد.

از خداوند تعالی امید دارم که راستی و اخلاص عطا کند و این کتاب را نیز وسیله تذکر و راهی برای نزدیک شدن به خدا و ولی او حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء قرار دهد.

این کتاب (۳۴) علاوه بر مقدمه و خاتمه، دارای دوازده «باب» است، همان گونه که:

إِنَّ الشَّهْرَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا، وَأَنَّ الْأَثْمَةَ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا، وَأَنَّ النَّبِيَّ اثْنِي عَشَرَ نَبِيًّا. (۳۵)

همانا تعداد ماه ها نزد خداوند، دوازده ماه است و امامان نیز دوازده نفر هستند و به درستی که نقیبان نیز دوازده نفرند.

و بدانید که:

### نکته مهم

« إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا » (۳۶). « فَأَقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ » (۳۷).

همانا این یک وسیله یادآوری است؛ پس هر که خواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد. هر چه از آن می توانید بخوانید؛ و نماز را بپا

دارید و زکات بپردازید و برای خدا قرض و وام نیکو بدهید و (بدانید) هر خیر و خوبی که برای خویشتن پیش بفرستید ، آن را نزد خداوند بهتر و با پاداشی بزرگ تر خواهید یافت ؛ و از خداوند طلب آمرزش کنید ؛ همانا خداوند آمرزنده مهربان است .

نکته مهم :

امامان ما علیهم الصلاه والسلام در فضای سیاسی خاصی قرار داشتند که حکومت ملعون و غاصب «حبتی» (۳۸) آن را تأسیس کرده بود تا حکومت عدل علوی ، پا نگردد .

لذا به دلیل وجود طاغوت های اموی و عباسی ، فرصتی برای بیان اسرار الهی توسط امامان علیهم السلام نبود . از این رو حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام - اولین شخصی که حَقَّش غصب شد ؛ فرمانروای فرمانروایان راستین - فرمودند :

كان لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم سرّ لا يعلمه إلا قليل ... ولولا طغاه هذه الأمة لبثت هذا السرّ . (۳۹)

برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم سرّی بود که جز اندکی ، آن را نمی دانستند ... و اگر طاغوت های این امت نبودند این سرّ را فاش و منتشر می کردم .

بدین ترتیب درمی یابیم که این اسرار را برای مردم بیان نکردند و جز برای تعداد کمی از بزرگان و برترین اولیائشان فاش نساختند ، و از آنجایی که مردم توان پذیرش و نگه داری اسرار و حقایق معنوی را نداشتند ، برای ایشان فاش کردن اسرار و حقایق ممکن نبود ؛ زیرا مردم در دولت حبتی قرار داشتند که آن هم تا ظهور حکومت الهی حضرت قائم ارواحنا فداه ادامه می یابد .

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه « وَاللَّيْلِ إِذَا يَشْرُ » (۴۰) می فرماید



هی دولت حبت، فهی تسری إلی قیام القائم علیه السلام. (۴۱)

مراد از «شب» ، دولت حبت است که تا قیام قائم (صلوات اللّٰه علیه) ادامه می یابد .

به این جهت ، امامان علیهم السلام بسیاری از آن حقایق را تحت عنوان دعا و مناجات بیان فرموده اند که باید آن حقایق معنوی را در میان دعاها جستجو کنید . البتّه اهل بیت علیهم السلام که اسرار و حقایق را در دعاها و زیارت ها به دلیل جوّ سیاسی در آن عصر گنجانده اند ، منحصر به بیان آن ها نکردند ؛ بلکه مسایل مهمّ اعتقادی و معارف عالیّه ای را در دعاها و مناجات ها و زیارت ها بیان نموده اند و این حقیقت با مراجعه به آن ها ، آشکار می گردد . اهل بیت علیهم السلام به بیان بسیاری از مسایلی که تأثیر اساسی در حیات بشر دارد نیز پرداخته اند و به جامعه بشری بهترین درس های زندگی را داده اند .

در «صحیفه کامله سجّادیه» که امام عصر ارواحنا فداه درستی آن را تأیید کرده اند ، دقّت کنید تا مشاهده نمایید که امام زین العابدین علیه السلام چه حقایق بزرگی را در الفاظ کوتاه به عنوان دعا و مناجات ، بیان فرموده است . همچنین در دعاهای دیگر از آن حضرت و امامان دیگر علیهم السلام این حقیقت ، ظاهر و آشکار است .

اکنون به یک درس از درسهای زندگی که در ادعیه به ما آموخته اند ، اشاره می کنیم :

در مناجات انجیلیّه امام سجّاد علیه السلام از خداوند می خواهیم :

أَسْأَلُكَ مِنَ الْهَمِّ أَعْلَاهَا . (۴۲)

پروردگارا ؛ از همت ها برترین آن را از تو درخواست می کنم .

### **ضرورت دعا از نظر عقل و نقل**

این سخن ، هشداری از امام سجّاد علیه السلام است

برای هر کسی که دعا می‌کند و خدا را می‌خواند. یعنی دعاکننده، هر کس که می‌خواهد باشد - گرچه خود را جداً حقیر و پست می‌شمارد - بایستی از خداوند بخواهد که به او برترین همت‌ها را عنایت کند تا در سایه آن، تحوّل در زندگی خود، ایجاد نماید تا وجود او در جامعه، دارای تأثیر اساسی و مهمی باشد و این حقیقتی است که با تابش نور امام علیه السلام در قلب انسان تحقق پیدا می‌کند.

آنچه از اهل بیت علیهم السلام از دعاها به ما رسیده است طور سینیای ولایت هستند. هر کس می‌خواهد به وادی ایمن برود، و بر فراز طور سینیای هدایت بالا رود، باید کفش هایش را بیرون آورده، لباس هایش را پاک نماید و آداب دعا و مناجات را بیاموزد تا آثار عنایت و اجابت را مشاهده نماید.

آنچه بیان شد، از قرآن و روایات به دست ما رسیده است. آن‌ها را بپذیرید و فرصت را غنیمت دانسته و از رحمت الهی ناامید نباشید، که « إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ » (۴۳)؛ «همانا جز قوم کافر از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

و بر این امر یقین داشته باشید تا آن نور را ببینید و آن سز را بشناسید؛ چرا که ائمه طاهرين عليهم السلام مردم را با دعاها و مناجات خود، به آن اسرار و حقایق هدایت و راهنمایی می‌کنند.

ضرورت دعا از نظر عقل و نقل

قبل از بحث درباره آداب دعا، درباره ضرورت دعا از نظر عقل و نقل سخن می‌گوییم:

الف)

«دلیل عقلی: دور کردن زیان از خویش - در صورت امکان و توان - واجب است؛ از سویی رسیدن زیان در این دنیا به هر انسانی حتمی است. زیرا هر انسانی مسایلی دارد که عقلش را مشغول ساخته و فکرش را مشغول می‌کند و به او ضرر می‌رساند. این مسایل یا از درونش پیدا می‌شود، مثل عارضه‌ای که جسم او را دچار بیماری کند یا از خارج است همچون آزار ستمگران، و چیزهای ناپسندی که از ناحیه همسایه و یا شریک می‌رسد.

و اگر اکنون به این ضررها مبتلا نباشد عقل احتمال رویداد آنها را در آینده می‌دهد. چگونه این حقیقت را انکار نماییم و حال آن که آدمی در منزلگاه حادثه هاست و این منزلگاه هیچگاه به یک حال نیست و سختی‌های آن از او جدا نمی‌گردد.

بنابراین، ضررهای دنیا یا بر انسان وارد شده‌اند و یا وارد خواهند شد. و در صورت توان و امکان هر دو را باید از بین برد. با دعا چنین توانی حاصل می‌گردد. دعا هم که در توان است، پس در هر حال باید انسان به دعا روی آورد.

حضرت امیرالمؤمنین و سید الوصیین علیه السلام نیز بدین معنا خبر داده و فرموده‌اند:

ما من أحد ابتلی وإن عظمت بلواه بأحق بالدعاء من المعافی الذی لا یأمن من البلاء. (۴۴)

کسی که به بلایی مبتلا باشد گرچه بلایش عظیم باشد، سزاوارتر به دعا کردن نیست از شخصی که در عافیت است؛ که او هم از بلا و گرفتاری در امان نمی‌باشد.

ب (دلیل روایی: از نظر

روایات آشکار است که همه به دعا محتاج اند ، خواه به بلا مبتلا شده باشند و خواه نشده باشند . فایده دعا یا برطرف کردن بلائی است که وارد شده و یا دور کردن بدی ای است که به آدمی رسیده است ، یا به دست آوردن منفعت و فایده ای است که دلخواه می باشد ، یا پایدار کردن و نگهداری نمودن و جلوگیری از زایل شدن و از بین رفتن خیری است که موجود می باشد .

زیرا ائمه علیهم السلام دعا را به عنوان «سلاح» توصیف نموده اند و سلاح وسیله ای است که سودبخش و برطرف کننده زیان است . همچنین ، دعا را «تُرس» نامیده اند و تُرس سپری است که با آن از ناپسندی ها جلوگیری به عمل می آید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود :

أَلَا أَدْلِكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَانِكُمْ وَيُدْرِي أَرْزَاقَكُمْ ؟ قَالُوا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : تَدْعُونَ رَبِّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدَّعَاءُ . (۴۵)

می خواهید شما را به سلاحی راهنمایی کنم تا او شما را از دشمنان تان نجات دهد و روزی هایتان را بسیار نماید ؟ گفتند : بلی ای رسول خدا .

فرمود : پروردگارتان را در هر روز و شب بخوانید ؛ زیرا که دعا، اسلحه مؤمن است .

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

الدعاء ترس المؤمن ، ومتى تكثر قرع الباب يفتح لك . (۴۶)

دعا سیر مؤمن است ، و وقتی دری را زیاد کوبیدی ، سرانجام برایت باز شود .

امام صادق علیه السلام فرمود :

الدعاء أنفذ من السنان الحديد . (۴۷)

دعا نافذتر از سرنیزه آهنین است .

امام کاظم علیه السلام فرمود :

إِنَّ الدَّعَاءَ يَرِدُ مَا قَدَّرَ وَمَا لَمْ

يقدر ، قال : قلت : وما قد قدر فقد عرفته ، فما لم يقدر ؟ قال : حتى لا يكون . (۴۸)

همانا دعا باز می گرداند آنچه را تقدیر شده و آنچه را که تقدیر نشده است .

راوی می گوید : پرسیدم : «آنچه تقدیر شده است» را می دانم ، اما «آنچه تقدیر نشده است» چگونه است ؟

فرمود : دعا می کند تا در آینده بلا مقدر نشود .

امام کاظم علیه السلام در روایتی دیگر می فرماید :

عليكم بالدعاء ، فإن الدعاء والطلب إلى الله تعالى يردّ البلاء ، وقد قدر وقضى فلم يبق إلّا إمضائه فإذا دعى الله وسئل صرفه صرفه . (۴۹)

شما را سفارش می کنم به دعا کردن ؛ همانا دعا و طلب از خداوند تعالی ، بلا را دور می کند در حالی که تقدیر شده و قضای الهی بر طبق آن صورت پذیرفته ؛ ولی فقط اجرای آن باقی مانده است و اگر خداوند خوانده شود و از او بازگرداندن بلا سؤال شود ، خداوند آن را برمی گرداند .

و زراره رحمه الله از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود :

ألا أدلّكم على شيء لم يستثن فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ؟ قلت : بلى .

قال : الدعاء يردّ القضاء وقد أبرم إبراماً ، وضّم أصابعه . (۵۰)

آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در آن هیچ استثنایی نکرده است ؟ زراره گفت : آری .

آن حضرت - انگشتان مبارک شان را در هم کردند و - فرمودند : دعا قضا (تقدیر الهی) را باز می گرداند اگرچه استوار و حتمی شده باشد .

و از امام سید

العابدین علیه السلام روایت شده است که فرمود :

إِنَّ الدَّعَاءَ وَالْبَلَاءَ لِيَتَوَافِقَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، إِنَّ الدَّعَاءَ لِيرِدُ الْبَلَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبرَامًا . (۵۱)

همانا دعا و گرفتاری تا روز قیامت همراهند . دعا بلا را - حتی اگر حتمی شده باشد - دور می گرداند .

آن حضرت در جای دیگر می فرماید :

الدَّعَاءُ يَرِدُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزَلْ .

دعا ، بلائی نازل شده و نیز بلائی را که هنوز نازل نشده است باز می گرداند . (۵۲)

### آداب دعا

حال که اهمیت دعا کردن و آثار شگفت آور آن با این گفتار روشن گردید و نیز این مطلب فهمیده شد که اگر دعاکننده آداب دعا را مراعات کند به حاجت خود می رسد ، به بیان آداب دعا می پردازیم :

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي عليه السلام» نقل کرده است :

«آداب دعا را رعایت کنید و بنگرید چه کسی را می خوانید ؟ و چگونه و برای چه دعا می کنید ؟ و در مورد آنچه سؤال و درخواست می کنید تفکر و تأمل کنید که چه چیزی درخواست می کنید ، چه مقدار و برای چه آن را می طلبید ؟

به راستی که دعا طلب اجابت تمام خواسته های شما برای حضرت حق ، و خالص شدن روح و روان در مشاهده پروردگار است . همانا دعا ، برداشتن همه اختیارات از خود و تسلیم همه امور باطنی و ظاهری به خدای قادر متعال است . حال اگر شرط دعا را بجا نیاوردید نباید منتظر اجابت آن باشید ؛ همانا خداوند پنهان و آشکار را می داند پس شاید خدا را به چیزی می خوانید که خداوند از درون شما خلاف آن را می داند .

بدانید که اگر خدا ما

را به دعا امر نمی کرد و ما خدا را با اخلاص می خواندیم ، خداوند با اجابت خود به ما تفضّل می کرد ، پس حالا که به دعا امر نموده و ضامن شده اجابت را برای کسی که با شرایط آن خدا را بخواند ، چگونه خواهد بود ؟» (۵۳)

سپس می گوید : «آداب دعا عبارتند از :

اول : شروع کردن با نام خداوند .

حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود :

لا یردّ دعاء أوّله «بسم الله الرحمن الرحیم» . (۵۴)

دعایی که با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شود ، رد نمی شود .

دوم : دعا با حمد و ستایش خداوند باشد .

مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام فرموده است :

کلّ دعاء لا یكون قبله تحمید فهو أبتّر . (۵۵)

هر دعایی که قبل از آن حمد و سپاس خداوند نباشد ، ناقص است و نتیجه ندارد .

در نامه امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است :

اول ستایش و بعد درخواست کردن و طلب نمودن از خداوند. بنابراین، هنگامی که خدای عزوجل را خواندی او را حمد و ثنا بگو و ستایش کن و تمجید نما.

راوی می گوید : گفتم : چگونه او را تمجید کنم ؟

فرمود : می گویی :

یا مَنْ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ، یا مَنْ يُحَوِّلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى ، یا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ .

ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک تری؛ ای کسی که میان انسان و قلبش حایل می شوی؛ ای کسی که در چشم انداز بلندی هستی ؛ ای کسی که هیچ چیزی مانند تو نیست . (۵۶)

سوم : صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام .

پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله وسلم می فرماید :

صلواتکم علیٰ إجابہ لدعائکم ، وزکاه لأعمالکم . (۵۷)

صلوات فرستادن شما بر من ، هم باعث اجابت دعاهاى تان است و هم سبب پاکی اعمال تان می گردد .

مولای ما امام صادق علیه السلام فرمود :

لايزال الدعاء محجوباً حتى يصلى على محمد وآل محمد . (۵۸)

دعا پیوسته در حجاب است تا اینکه بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات فرستاده شود .

و نیز فرموده اند :

من كانت له إلى الله عزوجل حاجة فليبدأ بالصلاة على محمد وآله ، ثم يسأله حاجته ، ثم يختم بالصلاة على محمد وآل محمد ، فإن الله أكرم من أن يقبل الطرفين ويدع الوسط ، إذا كانت الصلاة على محمد وآل محمد لا تحجب عنه . (۵۹)

هر کسی که حاجتی از خداوند بخواهد ، باید با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام آغاز کند ، سپس حاجتش را بخواهد و آن را با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام به پایان برساند ؛ زیرا خداوند بزرگوارتر از آنست که ابتدا و انتهای دعا را قبول کند ؛ ولی وسط آن را رها کند و قبول ننماید ، زمانی که بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات فرستاده شود از او محجوب نمی شود .

چهارم : طلب شفاعت کردن است . مولای ما امام کاظم علیه السلام فرمود :

زمانی که حاجتی از خدا داشتی بگو :

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ ، فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ ، وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ ، فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا... .

خدایا ؛ من از تو درخواست می کنم به حق



محمد و علی، زیرا که آن دو بزرگوار در پیشگاه تو شأن و منزلتی و قدر و ارزشی دارند. پس به آن شأن و مقامی که نزد تو دارند بر ایشان صلوات بفرست و این خواسته را برای من انجام بده.

به درستی هنگامی که روز قیامت فرا رسد هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبر مرسل و هیچ مؤمن آزموده شده ای باقی نمی ماند مگر اینکه در آن روز محتاج به شفاعت این دو بزرگوار باشند. (۶۰)

و برای این که حاجت ها برآورده شود و به خواسته خود برسیم، به ناچار باید به پیشگاه خداوند عزّ و جلّ وسیله ای را تقدیم کنیم. به تحقیق که خداوند ما را به این امر دستور داده و فرموده است: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (۶۱)؛ «به سوی او وسیله ای بجویید»، و هیچ وسیله ای مقرب تر و ارزشمندتر از محمد و آل محمد صلی الله علیهم و سلم نیست و آن، شفاعت است.

در زیارت جامعه کبیره آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، أَلْتَبَّيْهُمُ الْأَثَرِ لَجَعَلْتَهُمْ شَفْعَانِي... .

خدایا! هر آینه اگر من شفیعیانی مقرب تر و آبرومندتر از محمد و اهل بیت نیکو کردار و بزرگوارش که پیشوایان خیرخواهند نزد تو پیدا می کردم آنها را شفیع خود قرار می دادم....

از سویی نصّ صریح روایات دلالت می کند که «وسیله»، همان ائمه علیهم السلام هستند و این منافاتی ندارد با این که ما «وسیله» را به نردبان و یا غیر آن تفسیر کنیم. (چون منظور از نردبان در اینجا وسیله ترقی و پیشرفت است).

در روایتی از رسول خدا صلی

الله عليه وآله وسلم آمده است :

هم العروه الوثقى والوسيله إلى الله. (۶۲)

آنان - یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام - دست آویز محکم و قابل اطمینان و وسیله هستند به سوی پروردگار .

سپس این آیه را قرائت فرمودند :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ » (۶۳) .

ای ایمان آورندگان ؛ تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله ای جستجو کنید .

شاید دو صفت ایمان و تقوا شرط لازم برای به دست آوردن وسیله به سوی خداوند متعال باشد ، همان طور که وسیله بدون این دو سودی ندارد .

بنابراین ، هنگامی که این دو صفت جمع شدند ، وسیله سود می بخشد ؛ چون ولایت وجود نخواهد داشت مگر با ایمان و تقوا .

پنجم : اعتراف به گناهان است .

در روایتی که از مولای ما امام صادق علیه السلام نقل شده ، می فرماید :

إنما هي المدحه ، ثم الإقرار بالذنب ثم المسأله ؛ والله ما خرج عبد من ذنب إلا بالإقرار. (۶۴)

به درستی که دعا عبارت است از ثنای خدا و بعد اقرار به گناه و بعد از آن سؤال و درخواست . به خدا قسم هیچ بنده ای از گناه خارج نمی شود مگر با اقرار به گناهش ( نزد خدای متعال ) .

ششم : این که دعا از روی غفلت و بیهودگی نباشد ، بلکه با روی آوردن دل و توجه باشد . همان طور که امام صادق علیه السلام فرمودند :

إنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دَعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبِ سَاهٍ ، فَإِذَا دَعَا فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ، ثُمَّ اسْتَقِنِ الْإِجَابَةَ. (۶۵)

خداوند دعای شخص غافل را اجابت نمی کند . بنابراین ، زمانی که دعا کردی ،

با توجه و حضور قلب دعا کن ، سپس به اجابت آن یقین داشته باش .

چون غافل ، در حقیقت دعا کننده نیست و دعا واقع نمی شود مگر با توجه قلب به سوی کسی که خوانده می شود .

هفتم : پاک بودن غذا و نوشیدنی و لباس .

چون دعای صالح از عمل صالح و درست است ، و چگونه صلاح و درستی با حرام و ناپاکی جمع خواهد شد ؟ این سخن خداوند تبارک و تعالی : « يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً » (۶۶) ؛ «ای فرستادگان الهی؛ از پاکیزه ها بخورید و عمل صالح و شایسته انجام دهید» ، دلالت می کند بر ارتباط تنگاتنگ بین عمل صالح و خوراک حلال و پاک .

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید :

من أحب أن يستجاب دعاؤه فليطيب مطعمه ومكسبه . (۶۷)

کسی که دوست دارد دعایش اجابت شود باید خوراک و کسب و کارش حلال باشد .

در حدیث دیگری آمده است :

طهر ماكلك ، ولا تدخل في بطنك الحرام . (۶۸)

طعام و خوراکت را پاک کن ، و در شکم خود حرام را داخل نکن .

در حدیث دیگری آمده است :

أطب كسبك تستجاب دعوتك ؛ فإن الرجل يرفع اللقمة إلى فيه حراماً فما تستجاب له أربعين يوماً . (۶۹)

کسب و کار و درآمد خود را پاک کن تا دعایت اجابت شود ؛ همانا شخصی که لقمه حرامی را در دهانش می برد تا چهل روز دعایش به اجابت نمی رسد .

در حدیث قدسی آمده است :

فمنك الدعاء وعلى الإجابة، فلا تحجب عني دعوه إلا دعوه أكل الحرام . (۷۰)

از تو دعا کردن و از من اجابت آن ؛ هیچ دعایی از من محجوب

نمی شود مگر دعای کسی که حرام می خورد .

مولای ما امام صادق علیه السلام می فرماید :

من سرّه أن يستجاب دعاؤه فليطيب كسبه . (۷۱)

کسی که دوست دارد دعایش به اجابت رسد ، باید کسب و کار و درآمد خود را پاک کند .

در روایت دیگری می فرماید :

إذا أراد أحدكم أن يستجاب له فليطيب كسبه ، وليخرج من مظالم الناس ، وإنّ الله لا يرفع دعاء عبد وفي بطنه حرام ، أو عنده مظلّمه لأحد من خلقه . (۷۲)

زمانی که یکی از شما بخواهد دعایش اجابت شود باید کسب و کارش را پاک کند و حقّ مردم در گردنش نباشد ؛ چون خداوند دعای بنده ای را که در شکمش غذای حرام باشد ، و حقّ احدی از مردم برگردن او باشد ، بالا نمی برد .

هشتم : پرداخت حقّ مردم که برگردن دعا کننده باشد .

مولای ما امام صادق علیه السلام فرمودند :

إنّ الله عزّوجلّ يقول : وعزّتی و جلالی لأجيب دعوة مظلوم دعانی فی مظلّمه ظلّمها ، ولأحد عنده مثل تلك المظلّمه . (۷۳)

به راستی خداوند متعال می فرماید : به عزّت و جلالم سوگند ، دعای مظلومی را که به او ظلم شده و مرا در مورد آن می خواند در حالی که خودش همان ظلم را در حق دیگری کرده است ، هرگز اجابت نمی کنم .

و مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند :

إنّ الله أوحى إلى عيسى بن مریم : قل للملأ من بنی اسرائیل : ... إنّی غیر مستجیب لأحد منکم دعوه ولأحد من خلقی قبله مظلّمه . (۷۴)

خداوند به عیسی بن مریم وحی فرستاد : به همه بنی اسرائیل بگو : ... من دعای یکی از شما

را در حالی که برای یکی از بندگانم در گردن او حقی باشد، اجابت نمی‌کنم.

نهم: ترک گناهی که مانع از برآوردن حاجت می‌شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَأَلَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَائُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ، أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ، فَيَذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا، فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلِكِ: لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَأَحْرَمَهُ إِيَّاهَا، فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجِبَ الْحَرَمَانَ مِنِّي. (۷۵)

همانا بنده ای حاجتی را از خدا طلب می‌کند و امکان دارد حاجتش زود برآورده شود یا به تأخیر بیفتد؛ در این هنگام، بنده گناهی انجام می‌دهد که خداوند تبارک و تعالی به ملک دستور می‌دهد: حاجتش را برآورده مکن و او را از آن محروم گردان چون او خود را در معرض غضب من قرار داده و موجب محرومیت از من شده است.

دهم: خوش گمان بودن به اجابت دعا.

مقصود از آن، طلب یقین است به این که خداوند خلف وعده نمی‌کند؛ زیرا در کلام خود به دعا امر کرده و مستجاب شدن آن را تضمین نموده است: «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۷۶)؛ «مرا بخوانید، تا اجابت کنم شما را»، و خداوند خلف وعده نمی‌کند؛ همان گونه که در قرآن به آن تصریح کرده است:

«وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (۷۷).

این وعده خداوند است؛ خداوند خلاف وعده اش رفتار نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

خداوند چگونه خلف وعده کند در حالی که بی‌نیاز، توانا، بسیار رحم‌کننده، مهربان و بزرگوار است؟ در حدیث آمده است:

فَإِذَا

دعوت فأقبل بقلبك ثم استيقن الإجابة (٧٩). (٧٨)

زمانی که دعا می کنی، با تمام وجود خدا را بخوان، سپس یقین به اجابت داشته باش .

یازدهم : اصرار و پافشاری در دعا .

عَلَمَهُ مَجْلِسِي رَحِمَهُ اللهُ اِنْ مَوْرِدَ رَا اَزْ اَدَابِ دَعَا شَمْرَدَه وَ فَرْمُودَه اَسْت : دَر وَحِي قَدِيمِ چَتْنِ اَمْدَه اَسْت :

لَا تَمَلَّ مِنَ الدَّعَاءِ ، فَإِنِّي لَا أَمَلُ مِنَ الْإِجَابَةِ . (٨٠)

از دعا کردن خسته نشو ؛ زیرا من از اجابت خسته نمی شوم .

عبدالعزیز طویل از امام صادق علیه السلام روایت کرده است :

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللهُ فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلِ . (٨١)

همانا بنده وقتی دعا می کند ، خداوند پیوسته در برآوردن حاجتش می باشد مادامی که شتابزدگی نکند .

همچنین از آن حضرت روایت شده است :

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فِقَامَ لِحَاجَتِهِ ، يَقُولُ اللهُ تَعَالَى : اسْتَعْجَلْ عَبْدِي أَتْرَاهُ يَظُنُّ أَنَّ حَوَائِجَهُ بِيَدِ غَيْرِي . (٨٢)

بنده وقتی عجله داشته باشد و برآوردن حاجتش را به سرعت بخواهد ، خداوند می فرماید : بنده ام شتاب کرد ، آیا گمان می کند حاجتهایش به دست غیر من است ؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّائِلَ اللِّحْوَحَ . (٨٣)

همانا خداوند ، درخواست کننده ای را که اصرار کند ، دوست دارد .

ولید بن عقبه هجری می گوید : از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود :

وَاللَّهِ ، لَا يَلْحَقُ عَبْدٌ مَوْمِنٌ عَلَى اللَّهِ فِي حَاجَةٍ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ . (٨٤)

به خدا سوگند ؛ بنده مؤمن در حاجتی اصرار نمی کند مگر این که خدا آن را برآورده می کند .

ابو الصباح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است :

إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ إِلْحَاحَ النَّاسِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ

، وَأَحَبُّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطَلَّبَ مَا عِنْدَهُ . (۸۵)

به راستی که خداوند اصرار بعضی از مردم را به بعضی دیگر در مورد خواسته هایشان ناپسند می داند ، ولی این را در مورد خودش دوست دارد ؛ همانا خداوند دوست دارد که آنچه نزد او است درخواست و طلب شود .

از احمد بن محمد بن ابو نصر روایت شده که گوید :

به ابا الحسن علیه السلام گفتم : فدایت شوم ، من از فلان سال تاکنون حاجتی را از خداوند خواستم و در حال حاضر به دلیل تأخیر در برآورده شدن آن ، بر قلب من چیزهایی خطور می کند (دچار شک و وسوسه شده ام) .

حضرت در جواب فرمودند :

يا أحمد ؛ إِيَّاكَ وَالشَّيْطَانَ أَنْ يَكُونَ لَكَ سَبِيلٌ ، حَتَّى يَقْتَطِكَ ، إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ : إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَيُؤَخَّرُ عَنْهُ تَعْجِيلَ إِجَابَتِهِ حَتَّى لَصُوتَهُ وَاسْتِمَاعَ نَحِيْبِهِ .

ثم قال : وَاللَّهِ مَا أَخَّرَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرَ لَهُمْ مِمَّا عَجَّلَ لَهُمْ فِيهَا ، وَأَيُّ شَيْءٍ فِي الدُّنْيَا . (۸۶)

ای احمد ؛ بپرهیز از این که شیطان به تو راه یابد و تو را ناامید کند ، همانا امام باقر علیه السلام می فرمود :

مؤمن از خداوند حاجتی را می طلبد ولی خداوند اجابت آن را به تأخیر می اندازد به این دلیل که صدای بنده اش را دوست دارد و می خواهد ناله او را بشنود .

سپس فرمود : به خدا قسم ، خداوند آنچه را که مؤمنان در این دنیا می طلبند به تأخیر نمی اندازد مگر این که این تأخیر برای ایشان بهتر است از آنچه برای ایشان

تعجیل فرموده است ، مگر دنیا چه ارزشی دارد ؟!

از امام صادق علیه السلام روایت شده است :

إِنَّ الْعَبْدَ الْوَالِيَّ لِلَّهِ يَدْعُو اللَّهَ فِي الْأَمْرِ يَنْوِبُهُ ، يُقَالُ لِلْمَلِكِ الْمَوْكَلُ بِهِ : إِقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَلَا تَعْجَلْهَا ، فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَصَوْتَهُ .

وَأَنَّ الْعَبْدَ الْعَدُوَّ لِلَّهِ لِيَدْعُو اللَّهَ فِي الْأَمْرِ يَنْوِبُهُ ، يُقَالُ لِلْمَلِكِ الْمَوْكَلُ بِهِ : إِقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَعَجَلْهَا ، فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَصَوْتَهُ .

قال : فيقول الناس : ما أعطى هذا إلاً لكرامته ، وما منع هذا إلاً لهوانه . (٨٧)

همانا بنده ای که دوست خداست در امری خدا را می خواند و به درگاه او ناله و زاری می کند ، پس به فرشته ای که مأمور اوست گفته می شود : حاجت بنده ام را برآورده کن ولی شتاب نکن ؛ چون دوست دارم ندا و صدای او را بشنوم .

و بنده ای که دشمن خداست خداوند را در امری می خواند و ناله می کند ، پس به فرشته ای که مأمور آن است گفته می شود : حاجتش را برآورده کن و تعجیل نما ، چون من کراهت دارم صدا و ناله او را بشنوم .

حضرت فرمود : ولی مردم چنین گویند که حاجت دسته دوم داده نشده مگر به این دلیل که کرامتی نزد خداوند دارند و حاجت دسته اول به تأخیر نیفتاده مگر به خاطر پستی آنها در درگاه خداوند .

از آن امام علیه السلام روایت شده است :

لا يزال المؤمن بخير و رضاء و رحمه من الله ما لم يستعجل فيقتط فيترك الدعاء ، قلت له : كيف يستعجل ؟

قال : يقول : قد دعوت منذ كذا وكذا ، ولا أرى الإجابة . (٨٨)

مؤمن مادامی که شتابزدگی نکند



پیوسته در خوبی، راحتی و رحمت الهی است تا آن که عجله می کند و ناامید می شود و دعا را ترک می کند.

به امام علیه السلام گفتم: چگونه عجله می کند؟

فرمود: می گوید: از فلان وقت، مدتی طولانی است که خدا را می خوانم ولی اجابت آن را نمی بینم.

و نیز آن حضرت فرمودند:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَدْعُو اللَّهَ فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ عَزَّوَجَلَّ: أَخْرُوا إِيَّابْتَهُ، شَوْقًا إِلَى صَوْتِهِ وَدَعَاةً. فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ: عِبْدِي دَعَوْتَنِي وَأَخْرَتَ إِجَابَتَكَ وَثَوَابَكَ كَذَا وَكَذَا، وَدَعَوْتَنِي فِي كَذَا وَكَذَا فَأَخْرَتَ إِجَابَتَكَ وَثَوَابَكَ كَذَا.

قال: فَيَتَمَنَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ دَعْوُهُ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حَسَنِ الثَّوَابِ. (۸۹)

همانا مؤمن خدا را در مورد حاجتش می خواند، ولی خداوند عزوجل (به ملائکه) می فرماید: اجابتش را به تأخیر بیندازید به خاطر شوق و علاقه در شنیدن صدا و دعایش. تا آن که روز قیامت فرا می رسد؛ خداوند می فرماید: بنده من؛ مرا خواندی ولی اجابت دعایت را به تأخیر انداختم و حالا در مقابل آن، ثواب تو نیز چنین و چنان است. در فلان مورد نیز دعا کردی ولی من پاسخت را به تأخیر انداختم؛ حالا ثواب تو چنان است.

حضرت فرمود: در آن هنگام که جزا و پاداش نیکوی الهی را مشاهده کرد، مؤمن آرزو می کند ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا مستجاب نمی شد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا طَلَبَ مِنَ اللَّهِ حَاجَةً فَأَلْحَقَ فِي الدُّعَاءِ،

أُستجيب له أو لم يستجب له ، وتلا هذه الآية :

« وَأَدْعُو رَبِّي عَسَى أَنْ لَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا » (٩١). (٩٠)

خداوند رحمت کند بنده ای را که از خداوند حاجتی را بخواهد و در دعا اصرار کند ؛ چه دعایش اجابت شود و یا نشود . و این آیه را تلاوت فرمودند : « او پروردگارم را می خوانم ؛ بدان امید که به خاطر خواندن خدای خود ، شقی نباشم » .

در تورات آمده است :

یا موسی ؛ من آجتی لم ینسنی ، ومن رجا معروفی ألتخ فی مسألتی .

یا موسی ؛ ائی لست بغافل عن خلقتی ولكن أحب أن تسمع ملائکتی ضجیح الدعاء من عبادی ، وتری حفظتی تقرّب بنی آدم إلیّ بما أنا مقویهم علیه ومسئبه لهم .

یا موسی ؛ قل لینی اسرائیل : لا تبظرنکم النعمه فیعاجلکم السلب ، ولا تغفلوا عن الشکر فیقارعکم الذلّ ، وألتخوا فی الدعاء تشملکم الرحمه بالإجابہ ، وتهنئکم العافیہ . (٩٢)

ای موسی ؛ آن که مرا دوست دارد فراموشم نمی کند . و کسی که امید خیر از من دارد در درخواست کردن از من اصرار می ورزد .

ای موسی ؛ من از آفریدگان خودم غافل نیستم ، اما دوست دارم فرشتگانم ضجه و فریاد دعای بندگانم را بشنوند و نگهبانان من ببینند که انسان ها و فرزندان آدم چگونه با این ناله ها که خودم آنان را به آن نیرو بخشیدم و سبب دعای آنان شدم ، به من نزدیک می شوند .

ای موسی ؛ به بنی اسرائیل بگو : نعمت شما را دچار گردنکشی و غرور نکند ؛ زیرا در این صورت به سرعت از شما گرفته می شود . از شکر غافل نشوید تا

ذلت شما را درهم نکوبد . در دعا اصرار کنید تا رحمت الهی به سبب اجابت دعا شامل حالتان شود و عافیت گوارای شما گردد .

امام باقر علیه السلام فرمود :

لا یلیح عبد مؤمن علی الله فی حاجته إلا قضاها له . (۹۳)

بنده من در حاجتش بر خداوند اصرار نمی کند مگر این که آن را برای او برآورده می کند .

از منصور صیقل روایت شده است :

قلت لأبی عبدالله علیه السلام : ربما دعا الرجل فاستجیب له ثم أصر ذلك إلى حین ؟ قال : فقال : نعم ، قلت : ولیم ذلك لیزداد من الدعاء ؟ قال : نعم . (۹۴)

به امام صادق علیه السلام عرض کردم : ممکن است کسی دعا کند و دعایش مستجاب گردد سپس تا مدتی به تأخیر بیفتد ؟

حضرت فرمود : بلی .

عرض کردم : چرا چنین می شود ؟ آیا برای این است که بیشتر دعا کند ؟

حضرت فرمود : بلی .

آن چه نقل کردیم امور مهم در آداب دعا بود و اکنون بعضی از امور را با تأکید بیشتر بیان می کنیم :

### **اهمیت مداومت بر دعا**

مداومت بر دعا و اصرار ورزیدن در ادامه آن دارای نقش بسیار مهمی در رسیدن به مقصود و بدست آوردن حاجت می باشد . و این نکته بسیار مهمی است که همه کسانی که با دعا سر و کار دارند ، باید به آن توجه داشته باشند ؛ زیرا بیشتر افراد قدرت و توانائی آن را ندارند که با خواندن یک دعا و یا یک زیارت ، و یا گفتن یک ذکر ، حاجت خود را بگیرند و به مقصودشان نایل شوند .

به عنوان مثال : در بسیاری از امراض جسمانی

اگر مرض سطحی باشد، یا تازه شروع شده و کهنه و مزمن نشده باشد می توان آن را با یک نسخه مداوا و معالجه نمود؛ ولی اگر مدت بیماری طولانی و مرض کهنه گردیده باشد، بدیهی است که محتاج به تکرار معالجه و ادامه مصرف دارو است.

در امراض روحی نیز جریان از همین قرار است، اگر شخصی گرفتاری روحی شدیدی داشته باشد و یا در اصل شدید نبوده، ولی بر اثر گذشت زمان و طولانی شدن آن، در روح جایگزین و به آن معتاد شده، در این صورت بدیهی است که مشکل این گونه گرفتاری ها را با خواندن یک بار دعا نمی توان برطرف نمود، بلکه نیاز به تکرار دعا دارد؛ همان گونه که در بسیاری از امراض جسمانی انسان محتاج تکرار و تداوم استفاده از دارو است.

بنابراین، همان گونه که در امراض جسمی مداوا را ادامه می دهیم تا دارو کاملاً اثر خود را ببخشد، در مواردی که نیاز به دعا می باشد نیز باید خواندن دعا را همچنان ادامه دهیم تا اثر آن ظاهر شود.

### **نقش یقین در مستجاب شدن دعا**

البته ممکن است افرادی با خواندن یک دعا، یا ذکر یک اسم از اسماء الله، به نتیجه برسند ولی این گونه افراد در مجتمع بشری نادر الوجود و کمیاب اند و عموم افراد نباید توقع داشته باشند که مانند آنان با خواندن یک بار دعا، نتیجه ای که آن ها می گیرند، بگیرند.

این یکی از جهاتی است که در روایات درباره الحاح و اصرار در دعا تأکید شده است.

نقش یقین در مستجاب شدن دعا

دو چیز در

اجابت دعا، دارای تأثیر فراوان و اساسی است :

۱- رفع موانع قلبی و حجاب های ظلمانی و زدودن تیرگی های درونی از قلب .

۲- ایجاد مقتضی و به وجود آوردن صفا و نورانیت باطنی .

انسان برای آنکه تیر دعایش به هدف بخورد، به این دو چیز احتیاج دارد و باید این دو را ایجاد نماید تا نوبت به اضطرار نرسد .

بنابراین : ۱- هم باید پرده های تیرگی را از قلب کنار بزند . ۲- و هم انوار الهی را جایگزین آن نماید . و یقین ، این کار را انجام می دهد . هم ظلمت ها ، تاریکی ها و شک را از قلب می زداید و هم صفا و نورانیت را در قلب انسان ایجاد می نماید .

همه کسانی که در معارف و اعتقادات صحیح به یقین رسیده اند ، دارای قلبی با صفا و نورانی بوده و هستند ؛ زیرا لازمه وجودی یقین ، روشنایی و نور در قلب است ، و نوری مانند نور یقین وجود ندارد .

حضرت امام باقر علیه السلام می فرماید :

لا نور کنور الیقین . (۹۵)

هیچ نوری مانند نور یقین نیست .

بدیهی است وقتی یقین در قلب آدمی جای گرفت و قلب نورانی گردید ، تیرگی ها و تاریکی ها از میان می روند ؛ زیرا نور و ظلمت در یک جا جمع نمی شوند .

پس با به دست آوردن یقین می توان هم تیرگی ها را که مانع اجابت دعا می باشند ، برطرف نمود و هم صفا و نورانیت را که مقتضی اجابت دعا است ، فراهم نمود .

اکنون برای آن که از نقش یقین در اجابت دعا بیشتر آگاه شوید ، به جریان مهمی که در

جلد اول کتاب «اسرار موفقیت» نقل کرده ایم، توجه کنید:

مرحوم آیه الله العظمی خوئی در رابطه با اثرات «بسم الله الرحمن الرحیم» - در صورتی که با یقین گفته شود - جریان بسیار جالبی را از شیخ احمد، خادم استاد الفقهاء مرحوم میرزای بزرگ شیرازی نقل کرده اند که وی گفته است:

مرحوم میرزا، خادم دیگری داشتند به نام شیخ محمد که پس از فوت مرحوم میرزا، از همشینی با مردم کناره گرفت.

روزی شخصی نزد شیخ محمد رفت، دید هنگام غروب آفتاب چراغ خود را از آب پر نمود و روشن کرد؛ آن شخص بسیار تعجب کرد و علت آن را از او پرسید.

شیخ محمد در جواب گفت: پس از فوت مرحوم میرزا از غم و اندوه جدایی از آن بزرگوار، معاشرت با مردم را قطع نمودم و خانه نشین گردیدم و دلم بسیار گرفته و حزن و اندوه شدید وجودم را فرا گرفته بود.

در ساعت های آخر یکی از روزها، جوانی به صورت یکی از طلاب عرب بر من وارد شد و با من انس گرفت و تا غروب نزد من ماند. از بیانات او به قدری لذت بردم که تمام غم و اندوه از دلم برطرف شد. او چند روزی نزد من آمد تا من به او مأنوس شدم.

در یکی از روزها که با من صحبت می کرد، به خاطر آمد که امشب چراغم نفت ندارد. چون در آن وقت رسم چنین بود که مغازه ها را هنگام غروب می بستند و شب همه مغازه ها بسته بود.

یقین و آثار شگفت انگیز آن

از این جهت

در فکر بودم که اگر برای خرید نفت از منزل خارج شوم، از فیض سخنان ایشان محروم می شوم، و اگر نفت خریداری نکنم، شب را باید در تاریکی بسر برم.

چون مرا متحیر یافت، متوجه من شده و فرمود: تو را چه شده است که به سخنان من خوب گوش نمی دهی؟

گفتم: متوجه گفتار شما هستم.

فرمود: هرگز، درست به آنچه می گویم دل نمی دهی!

گفتم: حقیقت این است که امشب چراغم نفت ندارد.

فرمود: بسیار جای تعجب است که این همه ما برایت حدیث خواندیم و از فضیلت «بسم الله الرحمن الرحيم» سخن گفتیم و تو این قدر بهره مند نشدی که از خرید نفت بی نیاز شوی؟!

گفتم: یادم نیست حدیثی در این باره فرموده باشید!

فرمود: فراموش کرده ای که گفتم از خواص و فواید «بسم الله الرحمن الرحيم» این است که چون آن را به قصدی بگویی، آن مقصود حاصل می شود؟ تو چراغ خود را از آب پر کن، و به این قصد که آب دارای خاصیت نفت باشد، بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم».

من قبول کردم، برخاستم چراغ خود را از آب پر نمودم و در آن هنگام به همان نیت گفتم: «بسم الله الرحمن الرحيم»، چون آن را روشن کردم، افروخته شد و شعله کشید. از آن زمان هر گاه چراغ خالی می شود، آن را از آب پر می کنم و «بسم الله الرحمن الرحيم» می گویم و روشن می کنم.

مرحوم آیه الله خوئی پس از نقل این جریان فرمودند: تعجب این

است که پس از نشر این قضیه و پخش شدن آن بین مردم، آنچه شیخ محمد عمل می کرد از اثر نیفتاد.

همان گونه که ملاحظه کردید، گفتن یک مرتبه «بسم الله الرحمن الرحيم» از روی یقین، دارای اثر شگفت و خارق العاده بوده است.

آنان که دارای اسم اعظم اند - و خیلی تعداد آن ها کم است - نیز، از همان اسم هایی که میان همه مردم متداول است استفاده می کنند؛ ولی آنچه که عمل آنان را از دیگران ممتاز می سازد، یقین آنان است؛ زیرا یقین آنان در تأثیر نامی که تلفظ می کنند، نقش اساسی دارد.

### یقین و آثار شگفت انگیز آن

چون یقین یکی از مسایل اساسی و دارای آثار بسیار مهمی می باشد، بحث درباره آن را ادامه داده و در این ارتباط مقدمه کوتاهی را بیان می کنیم:

بسیاری از کسانی که در راه سیر و سلوک و پیمودن راه معنویت تلاش می کنند، در جستجوی آنند که موانع راه خود را بشناسند و بدانند چه عواملی در آنان وجود دارد که آنان را متوقف ساخته و مانع از ترقی و پیشرفت معنوی ایشان می شود، بلکه گاهی حالت تنزل و عقب گرد روحی پیش می آورد.

آن عوامل که سبب توقف و تنزل می شوند چه چیزهایی هستند؟ و چگونه می توان آن ها را شناسایی نمود؟ و از همه مهم تر چگونه می توان آن ها را برطرف نموده و نابود ساخت؟!؟

اینها سؤالات مهمی است که برای بسیاری از کسانی که در جستجوی امور معنوی می باشند پیش می آید و نمی دانند چگونه باید مشکل خود را حل کنند؟ و چگونه به پاسخ سؤالات خود دست



یابند ؟

به دنبال این سئوالات ، سؤال اساسی تر دیگری به وجود می آید - که با به دست آوردن پاسخ آن ، مشکلات قبلی آسان می شود - و آن این است که آیا برای سیر و سلوک و گام نهادن در عالم معنی و پیمودن راه معنویت ، شناخت موانع لازم است ؟

آیا حتماً باید عواملی را که مانع پیشرفت انسان و سبب رکود و توقّف و گاه تنزل انسان می باشند ، شناسایی نموده ، سپس برای برطرف ساختن آن ها تلاش نمود ؟ یا راهی وجود دارد که با پیمودن آن ، همه موانع خود بخود ریشه کن می شود گرچه آن ها را شناسایی نکرده باشد ؟ آیا پادزهری وجود دارد که اثر همه زهرها را - از هر نوعی که باشند - ناپود سازد ؟

اگر چنین چیزی وجود داشته باشد که چاره همه دردها بوده و اثر هر گونه زهر را از بین ببرد حتماً باید در راه تحصیل و بدست آوردن آن تلاش نمود و بعد از آن نیازی به شناختن نوع زهری که انسان را گرفتار ساخته ، نمی باشد .

دعا برای ظهور امام عصر...

بعضی از بزرگان معتقدند راه هایی وجود دارد که با شناختن آن ها می توان راه صد ساله را یک شبه پیمود ؛ و عواملی وجود دارد که با آن می توان موانع را از سر راه برداشت - گرچه آن ها را شناسایی نکرده باشد - و به سر منزل مقصود رسید .

مرحوم محدّث نوری ، «یقین» را یکی از آن عوامل می داند و معتقد است تأثیر یقین آن چنان زیاد است که می تواند بدون شناخته شدن جزئیات موانع ، آثار آن ها را ریشه کن نموده و وسیله پیشرفت

را در انسان ایجاد کند .

ایشان می فرماید : کسی که می خواهد قلب خود را از صفات زشت پاک نماید و به خصلت های پسندیده زینت بخشد، بدون آن که خود را در شناخت جزئیات بیماری های قلبی و علاج آن و شناخت اضرار و نتایج آن به زحمت افکند ، باید برای تحصیل نور یقین اقدام نماید .

یقینی که وقتی در قلب جای گیرد به طور خودکار آن را از همه آلودگی ها و پلیدی ها پاک نماید و نور همه صفات پسندیده را به آن بتاباند . بدون یقین ، برطرف ساختن مرض قلبی سودی ندارد و تحصیل خصلت پسندیده ممکن نیست . به همین جهت است که می بینیم در اخبار فراوان همه خصلت های پسندیده را از ثمرات یقین قرار داده اند . (۹۶)

مرحوم محدّث نوری بعد از این کلامش فرموده است : دست کشیدن به خار مگیلان آسان تر از رسیدن به یقین است ؛ ولی کسی که دارای آن شود آن چنان قلبش نورانی می شود که موانع را از بین می برد و یا حداقل آن را بی اثر می سازد .

ما در اینجا به این مقدار اکتفا می کنیم ؛ کسانی که خواهان مطالب بیشتری درباره یقین و راه های به دست آوردن آن می باشند به کتاب «اسرار موفقیت ج ۱» بخش «یقین» مراجعه نمایند .

### **دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه**

لازم و ضروری است

پس از بیان آداب دعا می گوئیم : لازم ترین دعا در زمان غیبت ، دعا برای ظهور مولای مان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است ، زیرا او صاحب ما ، و صاحب عصر و زمان ؛ بلکه صاحب امر و سرپرست تمام جهان ها است .

آخر چگونه نسبت به آن حضرت - که پیشوا و امام

ماست - غفلت و بی توجهی کنیم؟! در حالی که این غفلت، در حقیقت بی توجهی به یکی از اصول و پایه های دین است. بدین سان، دعا برای آن حضرت باید پیش از دعا برای خویشتن، خانواده و برادران صورت گیرد.

جناب سید بن طاووس رحمه الله در «جمال الأسبوع» می فرماید: پیش تر بیان شد که بزرگان و رهبران دینی ما، توجه و اهمیت خاصی نسبت به دعا برای حضرت مهدی ارواحنا فداه در هر شب و روز داشته اند و این در زمان های گذشته مرسوم بوده است.

از این مطلب بر می آید که دعا برای آن بزرگوار، از مسایل و شیوه های مورد اهتمام مسلمانان و مؤمنان بوده است، چنان که در تعقیب نماز ظهر روایت کردیم که امام صادق علیه السلام، بیشتر و بهتر از آنچه در مورد خویش دعا کنند، در مورد حضرت مهدی ارواحنا فداه دعا نموده اند.

و نیز، در بخش اعمال شب و روز در تعقیباتی که برای نماز عصر بیان کردیم، بخش زیبایی را آوردیم که امام کاظم علیه السلام برای حضرت مهدی صلوات الله علیه به گونه ای شیوا و بهتر از دعا برای خویش، دعا فرموده اند.

اگر کسی بخواهد دلیلی برای این کار بیاورد در صورتی که جایگاه امام صادق و امام کاظم علیهما السلام را در اسلام و مسلمین بدانند؛ همین کار آن دو بزرگوار، دلیلی بسیار خوب برایش خواهد بود.

(۹۷)

نیز سید بن طاووس رحمه الله پس از بیان ثواب دعا کردن برای برادران دینی، می گوید: در جایی که دعا کردن برای برادران دینی این

قدر ارزش و ثواب داشته باشد؛ پس دعا کردن برای سلطانی که سبب خلقت تو است، و اعتقاد داری که اگر او نبود خداوند نیز تو را نمی آفرید؛ بسیار بالاتر و به مراتب باارزش تر است.

همان امامی که اگر نبود، هیچ یک از مکلفان در زمان خودش و زمان تو، به وجود نمی آمدند؛ آن بزرگوار که سبب وجود تمام حالاتی که در تو و در غیر توست، و تمام خیرات و بهره هایی است که شماها به آن می رسید.

زَنهار، زَنهار؛ از این که خودت یا یکی از مخلوقات را در دوستی و دعا کردن، بر آن عزیز، مقدم و پیش بداری؛ قلب و زبانت را هنگام دعا برای آن سرور ارجمند و والا مقام، با یکدیگر هماهنگ کن.

مبادا خیال کنی این سفارشات که می کنم، به دلیل احتیاج آن حضرت به دعای توست، هرگز؛ اگر چنین باوری داشته باشی بدان که در اعتقاد و دوستی خود، بیمار می باشی. پر واضح است، این گفتار من و سفارشات که کردم، تنها به این خاطر است که بتوانم قدری از حق بزرگ او را که بر عهده توست، به تو بشناسانم و برایت روشن کنم که چه نیکی های شایانی بر تو ارزانی داشته است.

از سویی اگر تو پیش از خودت و عزیزان و نزدیکانت، برای آن عزیز، دعا کنی، بهتر می توانی درهای اجابت الهی را فراوری خویش بازگردانی؛ زیرا درهای اجابت و پذیرش دعا را خودت - ای بنده خدا؛ - بسته ای و این کار را با جنایت هایت

انجام داده ای!

لذا هنگامی که دعا کردی برای آن مولای عزیز نزد مالک مردگان و زندگان ، امید است که به زودی و به سرعت درهای اجابت آستان الهی برای خاطر آن بزرگوار باز گردد، و پس از وارد شدن به سرای اجابت و پاسخ گویی خداوند، بتوانی برای خودت و دیگران، در زمره فزون بخشی او دعا کنی .

بدین سان ، رحمت و بزرگواری و توجه خداوند نیز به تو تعلق می گیرد ، به این جهت که در دعا ، به ریسمان و دستاویز خداوند ، آویخته و دعا کرده ای .

ممکن است بگویند: فلان شخص و فلان شخصی را می شناسم که جزو اساتید دینی تو هستند و این کار را نیز انجام نمی دهند، ولی من به خوبی آگاهم که این افراد در بی توجهی و غفلت نسبت به مولای ما ارواحنا فداه به سر می برند! و نسبت به او کوتاهی نموده اند .

در پاسخ این اشکال به شما عرض می کنم : کاری را که گفتم شما انجام بده ؛ زیرا ، این حقیقتی آشکار و روشن است، هر کسی مولای ما را واگذارد و به او بی توجهی روا دارد به خدا سوگند در اشتباهی رسواگر به سر می برد!

سید بن طاووس رحمه الله در ادامه می گوید : فکر می کنی نظر امامان علیهم السلام در این مورد چیست ؟ آیا ایشان همانند تو نسبت به اهمیت دعا برای آن حضرت ، بی توجهی نموده و آن را سبک می شمارند؟! بنابراین ، از زیاد دعا نمودن در نمازهای واجب برای آن حضرت صلوات الله علیه و برای کسی که دعا برای او جایز است خودداری نکن .

روایتی صحیح با سند خودم

از محمد بن علی بن محبوب (مرجع و استاد علمای قم در زمان خودش) نقل می‌کنم که او در کتابش به نام «المصنّف» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرتش فرمود:

كَلَّمَا كَلَّمْتُ اللَّهَ تَعَالَى فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَلَيْسَ بِكَلَامٍ .

آنچه با خدا گفتگو کنی در نماز واجب، کلام باطل کننده نماز به حساب نمی‌آید.

(سید رحمه الله می‌افزاید: (در چنین شرایطی، دیگر هیچ بهانه‌ای برای ترک دعا برای آن حضرت نداری. (۹۸)

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: بر اساس آیات قرآن و نیز احادیث، دعا از جمله بزرگ‌ترین عبادت‌هاست.

از طرفی شکی نیست که یکی از بهترین، بزرگ‌ترین و ارزشمندترین دعا‌های انسان، دعا برای کسی است که خداوند حقّ او را و دعا کردن برای او را بر تمام انسان‌ها واجب فرموده است، و نعمت‌های الهی به برکت آن حضرت بر تمام آفریدگانش سرازیر می‌شود.

نیز، شکی نیست که معنای مشغول شدن به خداوند، مشغول شدن به عبادت الهی است، پس دعا کردن برای امام عصر ارواحنا فداه به طور همیشگی، موجب توفیق الهی در بندگی و عبادت او خواهد شد و خدا او را از دوستان خود قرار خواهد داد.

### **مظلوم‌ترین فرد عالم**

نتیجه سخن آن که: مواظبت کردن بر دعا برای امام عصر، حضرت حجّت ارواحنا فداه و درخواست کردن از خداوند تعجیل فرج و ظهور آن حضرت را، و برطرف کردن غم و اندوهش را و خشنود نمودن آن امام بزرگوار، موجب دست‌یابی به دوستی خداوند و توفیق در عبادات الهی خواهد بود.

(و این مطلبی نیست که بر کسی پوشیده باشد).

پس لازم است تمام مؤمنان نسبت به این مسأله مهم همیشه و در همه جا توجه خاصی مبذول داشته و اهتمام ورزند.

از جریاناتی که درستی گفتار ما را تأیید می کند، آن است که برادر عزیز ایمانی ام، فاضل وارسته - که مؤید به تأییدات ربّانی است - جناب میرزا محمّد باقر اصفهانی که خدا سایه اش را مستدام بدارد و او را به آرزوهایش در این ایام برساند می گوید:

در خواب، یا در حالتی بین خواب و بیداری، در یکی از همین شب ها دیدم که امام بزرگوارمان، آن مولای همه آفریدگان و حجت الهی بر همه موجودات، حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلاه والسلام سخنانی (به این مضمون) فرمودند:

بر منبرها به مردم بگوئید و دستور بدهید که توبه کنند و برای فرج و تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند. این دعا، مانند نماز میت واجب کفایی نیست که اگر یک یا چند نفر از مردم آن را انجام دادند، تکلیف از دیگران برداشته شود؛ بلکه، همانند نمازهای واجب روزانه، بر هر یک از مکلفان واجب است که انجام دهند... (۹۹)

با توجه به مطالب یاد شده، لزوم دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء روشن شد.

مظلوم ترین فرد عالم

پس از آن که ضرورت دعا برای مولای مان امام زمان ارواحنا فداء را ذکر کردیم می گوئیم: متأسفانه در بیشتر مجالس مذهبی از یاد امام زمان ارواحنا فداء و دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت غفلت می شود. و اگر بدانیم

که تاکنون چقدر از آن حضرت غافل بوده ایم ، متوجه می شویم که آن حضرت مظلوم ترین فرد عالم هستند .

اکنون جریاناتی را درباره مظلومیت آن بزرگوار ذکر می کنیم :

۱ - حجه الإسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج سید اسماعیل شرفی نقل نمودند :

به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام مشغول زیارت بودم . چون دعای زائرین در قسمت بالای سر امام حسین علیه السلام مستجاب است ، در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی ارواحنا فداه مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی مثال آن بزرگوار روشن نماید .

ناگهان هنگامی که مشغول زیارت بودم خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد ، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم ؛ ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم ، پس به او سلام کردم و از ایشان سؤال کردم : آقا ؛ شما کیستید ؟

فرمودند : من مظلوم ترین فرد عالم هستم .

من مقصود آن حضرت را متوجه نشدم و با خود گفتم : شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده اند خود را مظلوم ترین فرد عالم می دانند ، در این هنگام ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست .

اینجا بود که فهمیدم خداوند دعایم را مستجاب فرموده و مرا به لقای حضرتش شرفیاب نموده ، و او مظلوم ترین فرد عالم و امام زمان من بود ، و نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم .

۲ - حجه الإسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد موسوی - که از شیفتگان حضرت امام عصر عجل الله تعالی له الفرج می باشند -



از حجه الإسلام والمسلمین عالم ربانی مرحوم آقای حاج شیخ محمد جعفر جوادی نقل نمودند که ایشان در عالم کشف، یا شهود خدمت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه مشرف شده و ایشان را بسیار غمگین می بیند از حال آن بزرگوار سؤال می کند، حضرت می فرماید:

دلم خون است، دلم خون است.

۳- حضرت امام حسین علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند:

نصیحتی از مرحوم ...

«... مهدی ما در عصر خودش مظلوم است، تا می توانید درباره آن حضرت سخن بگویید و قلم فرسایی کنید؛ آنچه درباره شخصیت این معصوم بگویید درباره همه معصومین (علیهم السلام) گفته اید؛ چون حضرات معصومین همه در عصمت و ولایت و امامت یکی هستند و چون این زمان، دوران مهدی ما است سزاوار است درباره او بیشتر گفتگو شود.

و در خاتمه فرمودند:

باز تأکید می کنم درباره مهدی ما زیاد سخن بگویید و بنویسید، مهدی ما مظلوم است، بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره اش نوشت و گفت». (۱۰۰)

### **نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط**

اکنون که از مظلومیت آن حضرت آگاه شدیم باید توجه داشته باشیم که هدف ما از دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه رسیدن به حالات و مقامات نباشد؛ بلکه خشنودی پروردگار و تقرب به خداوند و امام زمان ارواحنا فداه را ملاک عمل قرار دهیم.

اینک به این جریان مهم توجه کنید: مرحوم آقای شرفی که از منتظران ظهور امام عصر ارواحنا فداه بودند، نقل می کردند: در زمانی که برای تبلیغ، از مشهد مقدس به شهرستان ها می رفتم در یکی

از مسافرت ها چند روزی قبل از ایام ماه مبارک رمضان با یکی از دوستان در تهران به محضر مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط - که از سابقین و ثابتین در راه انتظار بودند و مردم را به این راه تشویق می نمودند - مشرف شدیم و از ایشان تقاضای راهنمایی کردیم ، و خواستیم که چیزی به ما بیاموزد .

آن بزرگوار طریقه ختم آیه شریفه « وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ » را به ما آموختند(۱۰۱) و فرمودند : اول صدقه بدهید و چهل روز ، روزه بگیرید و این ختم را در حال روزه انجام دهید .

نکته مهمی که مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط فرمودند این بود که : مقصودتان از انجام این ختم تقرب به حضرت رضا علیه السلام باشد و حاجت های مادی را در نظر نگیرید .

مرحوم آقای شرفی فرمودند : من ختم را شروع کردم ولی نتوانستم آن را ادامه دهم و ترک نمودم ، ولی دوست من موفق شد و آن را به پایان رساند . پس از آن که به مشهد مقدس برگشت ، وقتی ایشان به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام مشرف گردید ، آن حضرت را به صورت نور زیارت کرد . کم کم این حالت در ایشان تقویت شد تا توانست آن حضرت را ببیند و با آن بزرگوار صحبت نماید .

هدف ما از نقل این جریان ، نکته مهمی است که در دعاها و توسلات باید رعایت شود و آن این است که انسان علاوه بر آنکه در انجام نمازها ، دعاها و توسلات باید اخلاص را رعایت کند هدف او هم باید از انجام آن ها

، تقرب به خداوند باشد تا به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم السلام نیز نزدیک شود ، یعنی اعمالش را به نیت عبودیت و بندگی خدا انجام دهد ، نه برای رسیدن به حالات و مقامات .

یکی از افراد مشهور و صاحب نفس که دعایش اثر داشت و با آن ، گره از کار افراد می گشود ، از شخصی که او را صاحب بصیرت می دانست ، سوال کرده بود : به نظر شما من چه موقعیت و منزلتی نزد خدا دارم ؟

ایشان پس از تأمل در جواب گفته بودند : شما در کارهای خداوند زیاد دخالت کرده ای .

پس دعا کننده نباید هیچ گونه سوء استفاده ای از دعاهایش بنماید ، بلکه آن ها را باید به قصد بندگی پروردگار انجام دهد ، نه این که به وسیله آن ها دخالت در کارهای خداوند نموده و یا مردم را به سوی خود جلب نماید .

### تجربه مهمّ مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی

تجربه مهمّ مرحوم ...

اکنون جریان مهمّی را از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که دلیل بر اهمیت مسأله انتظار است نقل می کنیم :

ایشان از دوران کودکی به عبادات و ریاضت های شرعی اشتغال داشته و زحمات فراوان و طاقت فرسایی را برای رسیدن به اهداف بلند روحی و معنوی متحمل شده بودند .

ایشان هر چه از اذکار و اوراد و ختومات و همچنین نمازها و آیات قرآنی را که در مدّت عمر خود از کودکی انجام داده بودند ، یادداشت کرده و به خاطر متضمّن بودن آن نوشته بر اسرار و نکات مهمّ ، صلاح نمی دانستند که آن را در اختیار همگان قرار دهند . و به این جهت آن

را مخفی نگه داشته و پنهان می نمودند .

مرحوم والد معظّم در ارتباط با آن نوشته ها می فرمودند : مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در اواخر حیات خود آن نوشته ها را به مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی دادند . (۱۰۲)

مقصود از نقل این جریان ، نکته مهمی است که آن را مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در آخر آن کتاب مرقوم فرموده بودند و باید درس مهمی برای همه کسانی که در راه معنویات و سیر و سلوک شرعی گام برمی دارند ، باشد .

آنچه ایشان در آخر کتاب خود نوشته بودند این نکته بود که :

ای کاش این اذکار و اوراد و ختومات را در راه نزدیک شدن و تقرّب به مولایم امام زمان عجل الله تعالی له الفرج انجام می دادم .

ببینید یک شخصیت مهمّ که نام ایشان زبان زد خاصّ و عامّ بوده و هست چگونه در آخر عمر اظهار تأسّف می نماید و آرزو می کند که ای کاش هدف خود را از انجام آن اعمال ، تقرّب به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده بود .

هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی دارای قدرت مهمّ روحی بوده و از نیرو و قدرتی بسیار کم نظیر در میان افراد و چهره های شناخته شده ، بهره مند بوده است ؛ با این همه ، آرزو می کند که کاش سعی و تلاش خود را در راه تقرّب به امیر عالم هستی به کار می برد ، و بدست آوردن قدرت تصرف در افراد و بازگرداندن صحت و سلامتی را به افراد مریض و کارهایی دیگر از این قبیل را هدف خود قرار نمی داد .

بزرگ ترین درس برای

انسان ها این است که در هر مسیری که می پیمایند از تجربه های مردان بزرگ در آن راه ، تجربه آموخته و از یک عمر تلاش و کوشش آن ها استفاده کرده و از معارفی که آنان پس از سال های سال به دست آورده اند بهره مند شوند و به آخرین تجربه ها و نتیجه هایی که آنان در مسیر طولانی حیات خود به آن رسیده اند ، کاملاً توجه نموده و به آن عمل نمایند .

به این نکته توجه کنید :

استفاده از تجربه های مهم مردان بزرگ ، ارزش حیات و نتیجه زندگی را صدها برابر افزایش می دهد . پس سعی کنید به آنچه مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی تجربه نموده و در نوشته خود متذکر شده اند ، عمل نمایید و دعاها ، زیارات و سایر عباداتی را که انجام می دهید برای تقرب به پروردگار باشد تا به این وسیله به ساحت مقدس امام عصر ارواحنا فداه تقرب پیدا کنید و مقاصد کوچک و کم ارزش را ترک کنید . این حقیقتی است که اگر به آن عمل کنید از حیات و زندگی خود کاملاً نتیجه می گیرید.

### **دعای امام عصر ارواحنا فداه**

برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند

دعای امام عصر ارواحنا فداه ...

نویسنده «مکیال المکارم» می گوید : از جمله اثرات دعا برای مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه آن است که دعای آن بزرگوار شامل حال کسی می شود که برای آن حضرت دعا کند .

دلیل این مطلب آن است که علاوه بر این که ایشان بیش از هر کس نسبت به سپاسگزاری از کسی که به وی نیکی و احسان کند ، اهتمام دارند؛ در دعای حجاب خود که در کتاب «مهج الدعوات» آمده

است؛ پس از دعا برای تعجیل فرج فرموده است :

... وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِضَرْهٍ دِينَكَ مُؤَيَّدِينَ ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ ، وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنصُورِينَ ...

... هر کسی را که برای پیروزی آیین تو از من پیروی می نماید تأیید فرما ، و در راه خودت از مجاهدین و جهاد کنندگان قرار بده و بر کسانی که سوء قصدی نسبت به من و ایشان کرده اند ، یاری فرما . . .

بدون شک ، دعا برای آن حضرت و تعجیل در فرج با کفایتش، نوعی پیروی و یاری کردن آن بزرگوار است؛ زیرا یکی از نمونه های یاری دین و ایمان و یاری امام زمان ارواحنا فداه ، یاری کردن زبانی است ، و دعا برای آن حضرت از اقسام یاری کردن زبانی به حساب می آید ؛ و این چیزی نیست که بر کسی پنهان باشد .

همچنین بیان علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش ، گفتار ما را تأیید می کند . ایشان در تفسیر آیه شریفه « وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ فَاَحْسِنُوا فَكُلُوا بِأَحْسَنِّ مَنَآئِمِهَا أَوْ رُدُّوهَا » (۱۰۳) ؛ « اگر به شما ادای احترام شد، شما نیز بهتر از آن یا به همان شکل ادای احترام را پاسخ دهید» ، فرموده است : منظور از تحیت ، سلام و موارد دیگری از کارهای نیک است .

زیرا که دعا از برترین نوع احسان و نیکی است . بنابراین ، هنگامی که بنده مؤمن برای مولایش امام عصر ارواحنا فداه دعا کند و این کار را خالصانه انجام دهد ؛ مولای بزرگوارش نیز در پاداش او دعایی خالص برای او خواهد کرد . بدیهی است، دعای امام زمان ارواحنا فداه برای

شخص ، کلید تمام خیرات و خوبی ها ، و نابود کننده همه بدی ها است .

گواهی و تأیید این گفتار ، سخن مرحوم قطب راوندی در کتاب «خرائج» است ، وی می گوید :

گروهی از اهل اصفهان - که از جمله ایشان ابوالعباس احمد بن نصر؛ و ابو جعفر محمد بن علویه هستند - برایم بازگو کردند که مردی به نام عبدالرحمان در اصفهان بود و از شیعیان به حساب می آمد . از او پرسیده شد که به چه دلیل تو از بین تمام مردم روزگار خود ، امام هادی علیه السلام را انتخاب کرده و او را امام و پیشوای خود قرار دادی؟!!

وی گفته است : چیزی را مشاهده کردم که برایم واجب شده است تا او را امام خود بدانم . من مردی فقیر و بی چیز بودم ، ولی زبانی گویا داشتم و پر جرأت بودم . در یکی از سال ها مردم اصفهان مرا از شهر بیرون کردند ؛ من نیز به همراه عدّه ای که برای شکایت و دادخواهی به دیار متوکل عباسی (حاکم وقت) می رفتند ، به راه افتادم ؛ تا آن که به قصر حکومتی او رسیدیم . در این هنگام ، دستور احضار امام هادی علیه السلام را صادر کرد .

از بعضی از حاضران پرسیدم : این مردی که دستور احضارش را داده اند، کیست؟

گفتند : او یکی از فرزندان علی علیه السلام است که شیعیان او را امام و پیشوای خود می دانند . و من حتم دارم که متوکل او را برای کشتن احضار کرده است .

من گفتم: از این جا نمی روم تا ببینم او چگونه مردی است !

پس از مدّتی

آن حضرت را در حالی که سوار بر اسب بود مشاهده کردم ، مردم در سمت راست و چپ آن حضرت صف کشیده بودند و به سویش می نگریستند . با دیدن او ، محبت و دوستیش در قلبم قرار گرفت ، و برای او در درون خود مشغول دعا شدم تا خداوند او را از شر متوکل (لعین) در امان بدارد .

آن بزرگوار نگاهش را به یال اسب دوخته بود و از بین مردم حرکت می کرد ، و به راست و چپ خود نیز نگاه نمی کرد . من نیز در درون پیوسته برای او دعا می کردم . هنگامی که خواست از کنار من عبور کند ، رو به من کرد و فرمود :

استجاب الله دعاك ، وطول عمرک وكثر مالک وولدک .

خداوند ، دعایت را اجابت فرماید ؛ عمرت را طولانی ، و دارایی و فرزندان را بسیار گرداند .

آن گاه، من از شکوه و هیبت او بر خود لرزیدم و بین دوستانم افتادم؛ پرسیدند: چه اتفاقی برایت افتاده است؟

گفتم: خوبم (ولی هیچ چیزی در مورد آن جریان به هیچ کس نگفتم) . پس از این جریان به اصفهان بازگشتیم ، و به واسطه دعای آن بزرگوار، خداوند نیز راه های درآمد را به رویم گشود، به گونه ای که در حال حاضر هزار هزار درهم ارزش خانه و اموال درون خانه ام می باشد ، و بیرون از منزل نیز بسیار ثروت و دارایی دارم . ده فرزند نیز نصیب شده، و بیش از هفتاد سال از عمرم می گذرد .

من ، این مرد بزرگوار را به عنوان پیشوای خود برگزیدم و او را امام می دانم ؛ چرا که او



چیزی را که در خاطر من گذشت متوجه شد، و برایم دعا کرد و خداوند نیز دعایش را در حَقَم مستجاب فرمود.

عرض می‌کنم: ای خردمند؛ با دَقَّت اندیشه کن و ببین چگونه مولای ما امام هادی علیه السلام، پاداش دعا و احسان این مرد اصفهانی را داد، و آن گونه برایش دعا فرمود؛ با این که وقتی آن شخص برای امام علیه السلام دعا کرد، هنوز جزو پیروان امام علیه السلام نبود. آیا با وجود این جریان، می‌توانی گمان کنی در مورد امام عصر و مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداه، با این که تو از شیعیان او هستی، که اگر دعایش کنی، او در مقابل برای تو دعای خیر نمی‌کند؟!

نه؛ به خدایی که جنّ و بشر را آفرید، چنین نیست؛ بلکه، آن حضرت - اگر چه مؤمنان نسبت به این جهت بی‌توجهی می‌کنند - برای مؤمنان و شیعیانش دعا می‌کند؛ زیرا تمام احسان‌ها و نیکی‌ها از ناحیه آن حضرت است.

از جمله اموری که تأکید بر مَدَعای ما می‌نماید این است که یکی از برادران شایسته و بزرگوارم به من گفت که در عالم رؤیا حضرت مهدی صلوات الله علیه را ملاقات کرده، و آن حضرت به او فرموده اند:

إِنِّي أَدْعُو لِكُلِّ مُؤْمِنٍ يَدْعُو لِي بَعْدَ ذِكْرِ مَصَائِبِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَجَالِسِ الْعَزَاءِ .

من حتماً برای هر مؤمنی که در مجلس عزا، بعد از یاد مصیبت‌های سید الشهداء علیه السلام برایم دعا کند، دعا می‌کنم.

از خداوند درخواست توفیق دعا برای آن حضرت را داریم

### تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

تشکیل مجالس دعا ...

همان طور که می توان به تنهایی دعا کرد ، می توان به طور گروهی به دعا پرداخت . بدین شکل که مجالسی تشکیل شود و در آن ها از امام عصر ارواحنا فداه یاد شود؛ چرا که با این کار ، افزون بر این که برای امام علیه السلام دعا شده است، کارهای نیک دیگری مانند زنده کردن امر (امامت) امامان علیهم السلام ؛ بیان و بازگو کردن حدیث هایی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده است؛ و... صورت می گیرد .

نویسنده کتاب «مکیال المکارم» می گوید: یکی از تکلیف ها و وظایف مردم در زمان غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه ، آن است که مجالسی برپا کنند که در آن از امام زمان علیه السلام یاد شود ، و خوبی ها، فضیلت ها و مقامات شکوهمندش گفتگو گردد و به اطلاع همگان برسد ، و برای آن وجود شریف در آن مجالس دعا شود و از بذل و بخشش جان و مال در این راه خودداری نگردد ؛ چرا که این کارها، رواج دادن و گسترش آیین خدا، بزرگ داشتن و بالا بردن کلام خدا، و کمک کردن به یکدیگر برای انجام نیکی و تقوا، و گرامی داشتن مراسم و شعائر الهی ، و یاری نسبت به ولی پروردگار است .

افزون بر مطالبی که بیان شد و نیز ارزش های دیگری که در مورد برپایی این مجالس می توان برشمرد؛ فرمایش امام صادق علیه السلام - که در کتاب «وسائل الشیعه» و غیر آن نقل شده است - نیز بر این مطلب دلالت دارد :

تراوروا ، فإن فی زیارتکم إحياءاً لقلوبکم و ذکرراً لأحاديثنا ، وأحاديثنا تعطف بعضکم

علی بعض، فإن أخذتم بها رشدتم ونجوتم ، وإن تركتموها ضللتم وهلكتم فخذوا بها وأنا بنجانكم زعيم .(۱۰۵)

به دیدار یکدیگر بروید؛ زیرا این دید و باز دیده‌ها موجب زنده شدن دل های شما ، و بازگو کردن و یادآوری حدیث های ماست . حدیث ها و سخنان ما ، باعث همبستگی و مهربانی بیش تر بین برخی از شما با برخی دیگر خواهد شد . اگر سخنان ما را پذیرفتید و به کار گرفتید، هدایت می شوید و نجات می یابید؛ و اگر سخن ما را رها کردید، گمراه می گردید و هلاک می شوید ؛ بنابراین، شما احادیث و سخنان ما را بپذیرید و به کار بندید ، من نیز ضامن و عهده دار نجات شما می باشم .

دلالت روایت بر مطلب ما به این گونه است که : دلیل دستور دادن آن حضرت به دید و باز دید شیعیان این است که انگیزه و وسیله ای برای زنده شدن امر ( امامت ) ایشان و بازگویی احادیث شان است ؛ پس ، نتیجه می گیریم که بدون شک ، تشکیل این گونه مجالس که در آن یاد فضایل او ، و اموری که مربوط به آن حضرت است ؛ دارای برتری و استحباب است و ائمه علیهم السلام به این کار ، علاقه مند هستند .

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در حدیث «أربع مائه» ، مطالبی فرموده اند که مربوط به موضوع بحث ماست :

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا ، وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ يَنْصُرُونَنَا ، وَيَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا ، وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنَانَا ، وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا ، أَوْلَيْكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا ، الْخَيْرُ .(۱۰۶)

همانا، خدای تبارک و تعالی ، با آگاهی و روشن بینی که نسبت به زمین (و موجوداتش)

داشت، ما را برگزید؛ و شیعیان و پیروانی نیز برای ما انتخاب کرد، تا ما را یاری کنند، و به جهت شادی ما شادمان، و برای ناراحتی و اندوه ما اندوهگین باشند، و ثروت و جان خویش را در راه ما بذل و بخشش نمایند. اینان از ما هستند، و به سوی ما آیند ...

هشدار و آگاهی: می توان گفت: در برخی از زمان ها، واجب است چنین مجالسی تشکیل شود، همانند وقتی که مردم در حال کشیده شدن به انحراف و گمراهی باشند، و بتوان با تشکیل این گونه مجالس، آنان را از هلاکت و تباهی و انحراف بازداشت و به شاهراه هدایت ارشاد و راهنمایی نمود.

و جوب این امر با توجه به دلیل های امر به معروف و نهی از منکر؛ و نیز، راهنمایی گم شدگان، و نیز بازداشتن اهل بدعت و گمراهی به دست می آید. البتّه، در همه حالات تنها خدای متعال است که انسان را حفظ می کند و از گناه باز می دارد. (۱۰۷)

### **مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه**

#### **اشاره**

جهت اطلاع بیش تر خوانندگان محترم، به بررسی برخی از مکان هایی می پردازیم که ویژه آن حضرت هستند.

مرحوم محدّث نوری می فرماید: پوشیده نیست که برخی از مکان های ویژه امام عصر صلوات الله علیه که مشهور به مقام امام زمان علیه السلام می باشند؛ مکان هایی هستند مانند: وادی السلام (نجف اشرف)، مسجد سهله، مسجد حلّه، مسجد جمکران در خارج شهر مقدّس قم، و ...

به نظر می رسد برخی از کسانی که آن امام علیه السلام را دیده اند، در این مکان ها به زیارتش

شرفیاب شده اند؛ یا این که در این جاها، معجزه ای از آن حضرت نمودار شده است؛ بدین جهت، جزو مکان های شرافتمند و بابرکت به حساب می آیند، و جایی هستند که می توان با آن حضرت مأنوس شد، و فرشتگان الهی در آنجا از آسمان فرود می آیند، شیطان ها رفت و آمدشان کم است و این ها خود از وسایل و اسبابی است که موجب اجابت زودتر دعا، و پذیرش سریع تر عبادت می شود.

فضیلت مسجد کوفه ...

در برخی از روایات آمده است: خدای عزّ و جلّ دوست می دارد در مکان هایی همانند این مکان ها و مسجدها و حرم های امامان علیهم السلام، و قبرهای فرزندان امامان علیهم السلام، و قبر بندگان صالح و نیکوکار، که در شهرهای مختلف پراکنده اند پرستش شود.

این، از لطف های پنهانی خداوند است نسبت به بندگان که دچار گمراهی، یا اضطراب و ناچاری، بیماری، بدهکاری، ستمدیدی، ترس و وحشت، نیاز و احتیاج، و از این قبیل امور باشند؛ بندگان که دچار اندوه و مشکلات شده اند و قلب شان به هم ریخته و دارای ظاهری آشفته و حواسی از کار افتاده هستند. این افراد، می توانند به جاهای مزبور پناهنده شوند، و گریه و زاری نموده و به وسیله کسی که صاحب آن مقام است، به خداوند متوسّل شوند و درخواست علاج دردها و شفای بیماری ها، و برطرف شدن شرّ مردمان شرور، و دیگر گرفتاری ها را بنمایند.

در بسیاری از موارد، خواسته این افراد پاسخ داده می شود: بیماری که در حال مرضی به آن جا رفته است

، شفا گرفته و برمی گردد؛ ستم دیده ای که رفته است، برمی گردد در حالی که حقیقت را گرفته است؛ کسی که با نگرانی و اضطراب به آن اماکن شرفیاب شده است، برمی گردد در حالی که دلش آرام و خیالش راحت شده است.

البته، طبیعی است هر کس ادب و احترام بیش تری به جا آورد، بهره و خیر بیش تری نیز به دست می آورد.

و احتمال دارد تمام این مکان های شریف، جزو خانه های خدا باشند که دستور داده شده است که آن خانه ها رفیع و بلندمرتبه گردد و نام خدا در آن ها برده شود، و هر کس در آن خانه ها صبح گاهان و شام گاهان به تسبیح و ثناگویی خداوند پردازد، ستوده شده است. و این مقام، گنجایش ندارد که بیش از این به شرح و توضیح مطلب پردازیم. (۱۰۸)

#### ۱- فضیلت مسجد کوفه

و این که آنجا مصلائی حضرت مهدی ارواحنا فداه در عصر ظهور است

مسجد کوفه، یکی از مسجدهای چهارگانه است که دستور کوچ کردن به سوی آن ها و اقامت و بزرگ داشت شان داده شده است.

آن چهار مسجد: مسجد الحرام (مکه)، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم (در مدینه)، مسجد الأقصی (در بیت المقدس)، و مسجد کوفه هستند.

مسجد کوفه یکی از همان چهار مکانی است که مسافر، در آن جا اختیار دارد که نمازهای چهار رکعتی خود را به صورت کامل یا به صورت شکسته بخواند. و آن ها عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، حرم امام حسین علیه السلام و مسجد کوفه.

این مسجد جایگاه نماز پیامبران و

جانشینان ایشان بوده است؛ و به زودی محلّ برگزاری نماز امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود.

در روایتی آمده است: هزار نفر از پیامبران، و هزار نفر از اوصیاء پیامبران؛ در این مسجد، نماز به جای آورده اند. (۱۰۹)

اعمال مسجد کوفه بسیار زیاد است؛ سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر»، به بیان آن ها پرداخته است؛ و چون ممکن است موجب طولانی شدن این گفتار شود، از بازگویی آن خودداری کردیم.

## ۲- فضیلت مسجد سهله

که مقام حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در آنجاست

فضیلت مسجد سهله ...

بعد از مسجد اعظم کوفه، مسجدی از نظر فضل و مرتبه بافضیلت تر از مسجد سهله در آن مکان نیست؛ زیرا آنجا خانه ادريس و ابراهيم عليهما السلام است؛ خضر پیامبر علیه السلام نیز در آنجا وارد شد و سکونت گزید.

روایت شده است: آنجا جایگاه صالحان و پیامبران و رسولان است و روایات بسیاری در فضیلت این مسجد وارد شده است.

امام صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمود:

أتراني أنظر إلى صاحب الأمر داخلاً إلى مسجد السهلة بأهله و عياله و متّخذة منزلاً له، وإنّ الله تعالى لم يرسل نبياً قطّ إلّا و صلّى فيه، و كلّ من أقام فيه فكأنّما أقام في خيمة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ، و ما من مؤمن ولا مؤمنة إلّا و قلبه يحنّ إليه ، و فيه حجر عليه صور جميع الأنبياء صلوات الله عليهم .

و ما من أحد يصلّي فيه و يدعو بتيه خالصه إلّا أعطاه الله حاجته ، و ما من أحد يطلب فيه الأمان إلّا آمنه الله من كلّ ما يخاف

، وما من يوم أو ليلة إلا وتنزل الملائكة لزيارته وعبادة الله فيه ، وما لم أذكره لك من فضيلة هذا المسجد أكثر مما ذكرته .

آیا باور می کنی که من صاحب الأمر (صلوات الله علیه) را می نگرم در حالی که با اهل و عیالش به مسجد سهله داخل می شود و در آن مأوا می گزیند ؟ خداوند بلندمرتبه هیچ پیامبری را نفرستاد مگر این که در آنجا نماز گزارد . هر که در آنجا اقامت کند ، مثل این است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم اقامت نموده است ؛ هیچ زن و مرد مؤمنی نیست مگر این که قلبش بدان مشتاق و مایل است و در آن مسجد سنگی است که صورت های همه پیامبران در آن ، نقش بسته است .

کسی نیست که در آن مکان نماز گزارد و خداوند را با نبیتی خالص بخواند مگر این که خدا حاجتش را عطا کند . هر کس که در آنجا از خدا امان بخواهد ، خدا از آنچه که می ترسد او را ایمنی بخشد . شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت آنجا فرود نیایند و در آنجا عبادت پروردگار نمایند . آنچه از فضیلت این مسجد برای تو نگفتم ، بیش از آن است که برایت گفتم .

نیز از همان امام علیه السلام روایت شده است :

من صلّی رکعتین فی مسجد السهله ، زاد الله فی عمره عامین .

هر کس دو رکعت نماز در مسجد سهله بجا آورد ، خداوند دو سال بر عمرش بیفزاید .

در روایتی دیگر وارد شده است :

أن منه يكون النفيخ في الصور ، ويحشر من



حوله سبعون ألفاً يدخلون الجنة بغير حساب .

نسخ در صور از آنجاست ؛ و از اطراف آن مسجد هفتاد هزار نفر محشور شده و بدون حساب وارد بهشت می شوند .

ابن قولویه در «کامل الزیارات» با سند معتبر از حضر می از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضر می می گوید : به امام علیه السلام گفتم : کدام بقعه بعد از حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ، برتر است ؟ فرمود :

الكوفة يا أبا بكر ؛ هي الزكية الطاهرة ، فيها قبور النبيين المرسلين وغير المرسلين والأوصياء الصادقين ، وفيها مسجد سهيل الذي لم يبعث الله نبياً إلّا وقد صلى فيه .

ومنها يظهر عدل الله ، وفيها يكون قائمه والقوام من بعده ، وهي منازل النبيين والأوصياء والصالحين .

ای ابوبکر ؛ کوفه ؛ آنجا پاکیزه و طاهر است . در آنجا قبور پیامبران مرسل و غیر مرسل و جانشینان راستین است و در آن ، مسجد سهله است که خداوند پیامبری را برنمیگذاشته است که در آن مکان نماز نخوانده باشد .

از آنجا عدل الهی ظاهر می شود و قائم خدا و قائمان بعد از او در آنجا آیند و آن ، منزلگاه پیامبران ، اوصیاء و صالحان است . (۱۱۰)

### ۳- مسجد مقدّس جمکران

#### مسجد مقدّس جمکران

بنای این مسجد در جمکران قم ، بنا به دستور خاصّ حضرت مهدی صلوات الله علیه در بیداری صورت گرفته است .

آن گونه که شیخ نیک رفتار و عقیف ، جناب حسن بن مثله جمکرانی می گوید : در شب سه شنبه ۱۷ رمضان سال (۳۹۳) هجری قمری در منزل خوابیده بودم ؛ همین که نصف شب شد گروهی بر

درب منزلم آمده ، بیدارم نمودند و گفتند : برخیز و (حضرت) صاحب الزمان صلوات الله علیه را پاسخ گو که تو را فرا می خواند .

بلند شدم و خود را آماده ساختم . گفتم : بگذارید تا پیراهنم را بپوشم ؛ ناگهان ندایی از طرف درب آمد که آن پیراهن تو نیست . پس ، رهائش کردم و شلوارم را برداشتم . ندا آمد که این از آن تو نیست و شلوار خود را بگیر . آن را انداختم شلوار خود را برداشته و پوشیدم . برخاستم تا کلید درب را بجویم، ندا آمد که درب باز است.

هنگامی که به سوی درب آمدم ، گروهی از بزرگان را دیدم ، بر آنها سلام کردم . پاسخم دادند و به من خوش آمد گفتند و مرا به مکانی بردند که جایگاه فعلی مسجد است ؛ چون نیک نگاه کردم ، تختی دیدم که فرش هایی نیکو بر آن گسترده اند و پستی های زیبایی نهاده اند و جوانی در حدود سی ساله تکیه بر آن کرده بود .

پیرمردی در حضورش بود و کتابی در دست داشت که برای او می خواند و در اطراف او بیش از شصت مرد بودند که در آن مکان نماز می گزارند . بعضی لباس سفید بر تن کرده بودند و بعضی لباس سبز . آن پیرمرد ، خضر پیامبر بود ؛ مرا نشانند ، و آن گاه امام علیه السلام مرا به اسم صدا زده و فرمود :

نزد حسن بن مسلم برو ، و به او بگو : تو ، سال هاست که این زمین را (غاصبانه) آباد کرده و در آن زراعت می کنی ، و ما آن

را خراب می کنیم ، پنج سال است که در آن کشت و زرع کرده ای ؛ امسال هم همان گونه مشغول هستی ؛ ولی دیگر اجازه نداری به این زمین باز گردی و باید منافعی را که از کشت و زرع این زمین برده ای ، بپردازی تا در آنجا مسجد بنا گردد .

و نیز به او بگو : این زمین محترم و باارزشی است که خداوند آن را از میان دیگر مکان ها برگزیده است و بر آن ها برتری و شرافت داده است ؛ و تو آن را بر زمین های خودت افزوده ای ؛ در سزای این عمل ، خداوند دو فرزند جوانت را به مرگ گرفتار نمود ، ولی تو از این غفلت ، آگاه نشدی . اگر این دستوری را که دادم اجرا نکنی ، عذاب الهی از جایی که نمی فهمی به سراغت خواهد آمد .

جناب حسن بن مثله می گوید : گفتم : مولای من ؛ باید نشانه و علامتی داشته باشم ؛ زیرا مردم آنچه را که بدون نشانه و دلیل باشد نمی پذیرند و گفتار مرا تصدیق نخواهند کرد .

حضرت فرمود :

ما در آنجا این کار را خواهیم کرد ، تو برو و پیغام ما را برسان ؛ و نزد سید ابی الحسن (۱۱۱) نیز برو و به او بگو بیاید و محدوده زمین را معین نموده ، منافع سال های گذشته را از حسن بن مسلم بگیرد و به مردم بدهد ، تا مسجد را بنا نمایند . آنچه از هزینه ساخت مسجد ، کم می آید از غله زمینی که در رهق اردهال داریم ، کامل کند و مسجد را تمام نماید ؛ ما نصف رهق را برای

این مسجد وقف نمودیم تا هر سال غله آن را گرفته و برای عمارت مسجد صرف نماید .

به مردم بگو: بدین مکان رغبت نمایند و با اشتیاق به آن روی آورند و آن را عزیز و گرامی بدانند و در آنجا چهار رکعت نماز به جای آورند. (۱۱۲)

جناب حسن بن مثله می گوید: با خود گفتم: گویا این همان مکان است که تو آن را مسجد امام صاحب الزمان ارواحنا فداه می دانی در حالی که به جوانی که بر پشتی ها تکیه داده بود اشاره می کردی ، پس آن جوان به من اشاره فرمود که بروم. (۱۱۳)

مسجد شریف جمکران از مکان های بسیار مهم معنوی در صحنه گیتی است و کسانی که به آن مکان مقدس شرفیاب می شوند ، باید کاملاً آداب آن را رعایت نموده و از اهمیت و موقعیت معنوی آن ، آگاه باشند ؛ تا با تشرف به آن مکان پرفیض ، روح و جان خود را سرشار از معنویت نموده و وجود خویش را باصفا و نورانی سازند .

اینک بعضی از نکاتی را که دانستن آن برای افرادی که به آن مکان معنوی شرفیاب می شوند مفید است ، بیان می کنیم :

۱ - حضرت امام عصر ارواحنا فداه در بیداری توسط جناب حسن بن مثله جمکرانی به امامزاده عظیم الشأن سید ابوالحسن الرضا فرمان دادند آن مسجد مقدس را بنیان گذارد . و جریان آن در تمام منابع و مدارک به عنوان بیداری نقل شده است نه خواب .

۲ - صدها سال قبل از فرمان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به بنا کردن آن مکان مقدس ، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از

وقوع آن خبر داده اند و در روایتی که صاحب کتاب «انوار المشعشعین : ۱/۴۵۴» ذکر نموده است امیر دائره هستی و ولئی عوالم امکان حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام به تفصیل آن را در پیشگویی خود بیان نموده اند .

در آن روایت شریف در بیان عظمت مسجد مقدس جمکران سزی را بیان کرده اند که همه تاب تحمل و پذیرش آن را ندارند .

۳ - مسجد مقدس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه بزرگترین پایگاه قدرت آن حضرت پس از کوفه است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در آن روایت فرموده اند :

در عصر ظهور ، پرچم لشکریان امام عصر ( ارواحنا فداه ) بر فراز کوه سفید - که همان کوه خضر در نزدیکی مسجد است - به اهتزاز درمی آید .

۴ - نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که نه تنها مسجد مقدس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه عظمت و موقعیت خاصی دارد و مرکز قدرت و محل تحولات روحی و معنوی است که در زمان غیبت آن حضرت نیز این چنین است .

این نکته را از فرمایش امام زمان ارواحنا فداه استفاده می کنیم که فرموده اند : «هر کس این نماز را در این مکان بخواند گویا که در داخل خانه خدا آن را انجام داده» . و خانه خدا نه تنها مرکز مغناطیس زمین است و از نظر روحی و جسمی در انسان تأثیر می گذارد ، که در برابر بیت المعمور و مکان های معنوی آسمانی و فضائی است .

بنابراین انسان با بودن در خانه خدا و اقامه نماز در آن ، راه ارتباط

برایش باز می شود و خود را در اختیار جاذبه های روحی و جسمی زمین و آسمان قرار می دهد و در معرض تشعشعات امواج نامرئی قرار می گیرد که در جسم و جان انسان تحویلی سازنده به وجود می آورد و مکان اصلی مسجد مقدّس جمکران نیز دارای همین اثر ارزنده است .

و دلالت می کند بر این مطلب کلام امام عصر ارواحنا فداه که فرموده است : «نماز خواندن در آن مکان همچون نماز خواندن در داخل خانه خدا می باشد» .

همانا برای مکان اصلی مسجد جمکران اسراری ناشناخته نهفته است که مردم آن را نمی دانند . و همان گونه که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند :

ما من علمٍ إلّا وأنا أفتحه ، وما من سرٍّ إلّا والقائم یختمه . (۱۱۴)

هیچ علمی نیست مگر آن که من آن را می گشایم و هیچ سری نیست مگر آن که قائم آن را بیان می کند و به پنهان بودنش خاتمه می دهد .

بناء مسجد مقدّس جمکران و عظمت و راز آن را نیز اول حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خبر داده اند و بیان همه اسرار آن در عصر ظهور حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه صورت خواهد گرفت إن شاء الله .

ما یباد آن زمان پرشکوه را در خاطره ها تجدید می کنیم و از خدای مهربان می خواهیم هر چه زودتر آن ظهور نورانی را برساند تا اسرار عالم وجود را فاش ساخته و دانش بیکران و عدل و داد را در سراسر جهان بگستراند .

#### **توجه به وظایف دوران غیبت**

۵- افرادی که به آن مکان مقدّس مشرف می شوند باید بدانند در جایی بسیار باعظمت گام برمی دارند که مورد توجه امام عصر ارواحنا فداه می باشد و آنان در منظر و محضر

نورانی آن بزرگوار هستند به گونه ای که گویی در منزل آن حضرت وارد شده اند و در خدمت آن بزرگوار حاضر گشته اند .

بنابراین باید شرایط حضور را در این مکان بیش از اماکن دیگر رعایت کنند و بدانند که علم و آگاهی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه کاملاً بر آنان احاطه دارد و نه تنها از اعمال و رفتار و گفتار آنان ، بلکه از افکار و اندیشه ها و نیت های ایشان ، و بلکه از افکار و خطورات نهفته در ضمیر ناخودآگاه و نفس آنان نیز باخبرند .

به این جهت باید مواظب رفتار و گفتار و افکار خود باشند ؛ زیرا آنان در مسجد مقدس جمکران میهمان آن حضرت هستند ، پس باید شرایط ادب و حضور را از قبل از تشرّف بیشتر رعایت کنند .

۶- یکی از شرایط ادب برای کسی که در آن مکان مقدس تشرّف پیدا می کند ، این است که هدف خود را از تشرّف به آن مسجد مقدس مشخص نموده و بهترین ، مهم ترین و عالی ترین هدف را برای خود برگزیند و خود را پای بند مقاصد کوچک و مسائل مادی و نفسانی خود نسازد ، و بداند بزرگ ترین مسأله در این عصر و زمان ، تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه می باشد .

زیرا در عصر ظهور آن حضرت ، مشکلات مادی و معنوی همه انسان ها برطرف می شود و دیگر غم به خانه ای راه نخواهد یافت . پس چه بهتر که در آن مکان مقدس برای نجات همه انسان ها از گرفتاری ها و مشکلات دعا کند . و هدف اصلی خود را از تشرّف به مسجد مقدس جمکران ، استغاثه و دعا

برای امام عصر ارواحنا فداه و تعجیل فرج و ظهور آن بزرگوار قرار دهد .

توجه به وظایف دوران غیبت

گرچه ما این کتاب را - با توفیق خداوند و لطف حضرت بقیه الله ارواحنا فداه - درباره آشنایی با یکی از وظایف زمان غیبت یعنی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان صلوات الله علیه ، تألیف نموده ایم ؛ ولی سزاوار است در مقدمه آن ، بعضی از وظیفه ها و برنامه های دیگر دوران تاریک غیبت را نیز بیان کنیم ؛ گرچه امیدواریم ان شاء الله فرج آن حضرت را به زودی شاهد بوده و در پایان دوران غیبت باشیم ؛ زیرا بنا بر روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده ، لازم است که هر صبح و شام متوقع واقع شدن ظهور آن امام همام و چشم به راه آمدن او باشیم .

متأسفانه در این زمینه تاکنون مردم نوعاً از تمام وظایفی که در دوران غیبت به عهده دارند بی اطلاعند ، و کتاب های ارزنده ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر بعضی از وظیفه های زمان تاریک غیبت می باشد . و چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه غیبت با حال تباه خود آشنا می شدند ، عصر غیبت این گونه طولانی نمی شد .

به هر حال همه مردم بالأخص کسانی که دارای وظیفه بیان این گونه مسائل بوده اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده اند ، باید از عمل خود سخت غمگین و شرمسار باشند .

آیا سزاوار است امیر عالم هستی که عالم به همه نیازمندی ها در این منظومه و همه منظومه ها و کهکشان هاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم ؟

آیا



سزاوار است قوای مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن نور خدا همچنان در پرده ظلمت قرار داشته باشد ؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هر یک جام جهان نمائی به نام قلب با خود همراه داشته باشند و از عظمت آن بی خبر باشند ؟

آیا در چه زمانی قلب ها به حیات اصلی خویش بازمی گردند و با زندگی عالی انسانی به معنای واقعی آشنا می شوند ؟

آیا در چه دورانی انسان ها به عظمت قلب خویش و آن آئینه ای که با آن می توانند جهانی را مشاهده کنند آگاه می شوند ؟

آیا در کدامین زمان تحرّکی در عقل و خرد و اندیشه انسان ها پدید می آید و جامعه بشریت با گسترش دانش به مقامات عالی و والای علمی راه پیدا می کند ؟

آیا در کدامین روزگار انسان ها بر اثر آشنا شدن با نور خدا، تیرگی ها و تاریکی ها، زورگویی ها و تزویرها را کنار نهاده و به حکومت عادلانه الهی که جهانی خواهد بود می رسند ؟ آیا چه زمانی ...  
و آیا چه زمانی ...

#### **اعتیاد به عصر غیبت ...**

آیا این ها همه، جز در حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه میسر است ؟ پس چرا شکوه آن زمان را احساس نمی کنیم ؟ و چرا از تیرگی این زمان شکوه نمی نماییم ؟ چرا از وضع جهان در آینده (۱۱۵) آگاهی نداریم ؟ و چرا به وظیفه های دوران غیبت عمل نمی نماییم !؟

اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه !

پاسخ همه این سئوالات این است که ما به عصر غیبت و تاریکی و ظلم و ستم در آن خو گرفته ایم ! به حدی که مجذوب ظلم و ظلمت گشته و به آن معتاد شده ایم ! و اعتیاد یک قدرت

بسیار قوی برای کشاندن انسان ها به طور ناخودآگاه به سوی خوبی ها و یا بدی هاست !

اعتیاد و خو گرفتن انسان به هر چیزی همچون فطرت و طبیعت او ، آدمی را به سوی آن می کشاند به طوری که گویی اراده و اختیار را از انسان در مقابل آن و عمل کردن برخلاف آن گرفته است ! این قدرت را خداوند در اعتیاد قرار داده است تا آدمی با خو گرفتن به خوبی ها بدون زحمت و ناخودآگاه به سوی آن ها جذب شوند و از بدی ها و زشتی ها کناره گیرند .

به این جهت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عادت را طبیعت دَوم انسان برشمرده و فرموده اند :

العاده طبع ثانٍ. (۱۱۶)

عادت طبیعت دَوم است .

این کلام کوتاه حقایق مهمی را دربردارد . بنابراین فرمایش همان گونه که انسان به سوی آنچه فطرت و طبیعت او اقتضا دارد به راه می افتد ، به سوی آنچه به آن خو گرفته و عادت نموده نیز حرکت می کند .

انسان باید از این قدرت بزرگ ، در راه صحیح و هدف های ارزنده استفاده کند ، و از آلوده ساختن خویش به عادت های زشت و ناپسند خودداری نماید .

متأسفانه جامعه بشری بر اثر نداشتن رهبری صحیح و نبود قدرتی که بتواند اجتماع را به سوی فضیلت های اخلاقی و صفات برجسته انسانی سوق داده و هدایت نماید ، به عادت های اشتباه فردی و اجتماعی گرفتار شده است .

اعتیادهای اجتماعی قدرتی بسیار بیشتر از اعتیادهای فردی دارند و آسان تر می توانند انسان را به سوی چیزی که اجتماع به آن خو گرفته است ، بکشانند .

یکی از عادت های شوم اجتماعی که جامعه ما را به خود گرفتار نموده و

در بند اسارت خویش کشیده است ، خو گرفتن به وضع موجود و سازش با آن است به گونه ای که هرگز درباره آینده ای حیاتبخش و نجات دهنده فکر و اندیشه ای نکنند .

با آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم السلام با بیان مسأله «انتظار» و تشویق انسان ها به سوی آن ، مردم را به اشتباه بودن سوختن و ساختن آگاه نموده و با بیان مسئله انتظار آنان را به امید و حرکت به سوی آینده روشن فرا خوانده اند .

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته اند این مسأله مهم حیاتی را برای مردم بیان کنند ، در این وظیفه کوتاهی ورزیده اند . به این جهت مردمان همچنان به سوختن و ساختن عادت کرده اند و درباره رسیدن به آینده درخشان ، تلاش نکرده اند ؛ و با کمال تأسف مسأله غیبت امام عصر ارواحنا فداه هنوز ادامه یافته است !

هنوز اکثریت جامعه ما به یک نوع اعتیاد که غفلت از مسأله ظهور امام عصر ارواحنا فداه می باشد ، گرفتار است ؛ و آن را به دلیل قانون وراثت از نسل های گذشته به ارث برده است ! و در نتیجه هنوز جامعه ما در حال رکود به سر می برد و حرکتی در جهت ترقی و رسیدن به مراتب عالی و ارزنده ننموده است ! در حالی که اگر کسی بتواند عادت های اشتباه را کنار زده و خود را به خصلت های ارزنده انسانی زینت دهد به بهترین مقامات عالی دست می یابد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند :

بغلبه العادات الوصول إلى أشرف المقامات . (۱۱۷)

رسیدن به ارزنده ترین مقامات ، با غلبه بر عادات به دست می آید .

**روش فکری خود را تغییر دهید!**

جامعه

ما باید با ایجاد حالت انتظار و دعا برای ظهور منجی جهان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه عادت دیرینه غفلت از وجود تاریکی عصر غیبت را کنار بگذارد و به وسیله دعا از اعماق دل و جان خواهان فرا رسیدن حکومت عدل امام عصر صلوات الله علیه از خداوند باشد.

روش فکری خود را تغییر دهید!

با یک جهش روحی و با یک تغییر سبک و روش فکری، تحوّل مهمی در خود ایجاد کنید و راه خود را از افرادی که برای شان غیبت و ظهور تفاوت چندانی ندارد جدا کنید. یقین داشته باشید همانگونه که بی تفاوتی و غفلت نسبت به پدر جسمانی گناهی بزرگ است؛ بی تفاوتی و غفلت از پدر معنوی گناهی بزرگ تر است؛ و سرانجامی تاریک و شوم برای انسان خواهد داشت.

اگر تاکنون نسبت به امام عصر ارواحنا فداه بی تفاوت بوده اید و فرق میان ظهور و غیبت آن حضرت را درک نکرده اید و در اندیشه ظهور حیاتبخش آن حضرت نبوده اید؛ اگر تاکنون اهل دعا و نیایش برای فرا رسیدن روزگار پرشکوه عصر ظهور نبوده اید، و نمی دانستید که نسبت به امام زمان و رهبر و مولای خویش وظیفه ای ویژه بر عهده دارید، اکنون که این حقیقت را دریافتید و درک نمودید که در زمان غیبت وظیفه ای سنگین بر عهده مردم است، خود را از غفلت نجات بخشیده و با یک اراده قوی و با یک تصمیم جدی، گذشته خود را جبران کنید. و با تلاش و کوشش در مسیر انتظار حضرت بقیه الله ارواحنا فداه گام بردارید و بدانید رأفت و مهربانی شدید آن حضرت

نسبت به دوستداران مقام ولایت ، سبب می شود که غفلت های گذشته آن ها مورد عفو و بخشش قرار گیرد و قلب مهربان آن بزرگوار اشتباهات ایشان را نادیده خواهد گرفت .

مگر حضرت یوسف علی نبینا و آله وعلیه السلام به برادران خود با آن همه ظلم و ستمی که بر ایشان روا داشتند ، نفرمود :

« لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ » . (۱۱۸)

امروز سرزندی بر شما نیست ، خداوند شما را می آمرزد و او رحم کننده ترین رحم کنندگان است .

یقین داشته باشید روح عظیم انسان ، آفریده نشده است که وابسته به مادیات و مسائل بی ارزش دیگر گردد ، بلکه برای آن خلق شده است که با آشنایی با مسائل معنوی و شناخت خداوند و جانشینان او به سوی مسائل الهی کشیده شود .

آیا سزاوار است انسانی که می تواند همچون سید بحرالعلوم و مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه ارتباط داشته باشد ، روح خود را غرق در اندیشه های مادی نموده و وجود خویش را گرفتار قید و بندهای غفلت زا نماید ؟!

آیا سزاوار است انسانی که می تواند بر فراز فضای آشنایی با خاندان وحی به پرواز درآید ، پر و بال خود را بشکند و در زندان دنیا خود را بازیچه و اسیر شیاطین گرداند ؟!

آیا سزاوار است در میان هفت میلیارد جمعیت انسان در سراسر جهان تعدادی بس اندک با مفاسد عصر غیبت آشنایی داشته باشند ؟!

چرا نباید همه انسان ها از ارزش انسانی خویش باخبر باشند و بدانند در صورتی دارای قدر و بها هستند که بتوانند به خداوند و جانشین او در این روزگار توجه داشته باشند ؟

اگر

همه انسان ها لیاقت چنین مقامی را ندارند و این مقام از آن گروهی خاص است ، چرا ما و شما از آنان نباشیم ؟

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی ؟ ره ز که پرسى ؟ چه کنى ؟ چون باشى ؟

### به سوی امیر عالم هستی

یقین داشته باشید کسی که صادقانه در جستجوی امام عصر ارواحنا فداه باشد و در راه آن حضرت خدمت نماید و درباره تعجیل ظهور آن بزرگوار دعا و تلاش نماید ، سرانجام راه به جایی می برد و روزنه ای به سویش گشوده می شود ؛ بنابراین از کمک و فداکاری نسبت به آن حضرت که دوران غیبت - همچون ریسمانی که دشمنان به گردن اول مظلوم عالم هستی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افکندند ، و دستان آن بزرگوار را بستند - دستان آن حضرت را بسته است ؛ دست برندارید . و با تلاش در راه ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و فراهم کردن مقدمات آن، تازی از ریسمان غیبت را پاره کنید .

اطمینان داشته باشید اگر کسی از خورشید تابناک وجود او در زندگی بهره مند شود و شکی به خود راه ندهد ، منظور نظر حضرتش قرار می گیرد و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطر او را خشنود و قلبش را شاد می نماید ؛ زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقتی باشد و در راه آن قدم بردارد ، مگر آنکه سرانجام به همه مقصود خویش و یا به مقداری از آن دست می یابد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند :

من طلب شیئاً ناله أو بعضه . (۱۱۹)

کسی که در جستجوی چیزی باشد به تمام آن یا

مقداری از آن می رسد .

شما با قاطعیت و یقین معتقد باشید که اینک گرچه دوران تاریک غیبت است و نوبت اظهار ولایت و قدرت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نرسیده ؛ ولی با این وجود آن حضرت قطب دایره امکان و امیر عالم هستی هستند و ولایت مطلقه آن بزرگوار سراسر جهان را فرا گرفته است . در زیارت آن حضرت می خوانیم :

السلام علیک یا قطب العالم (۱۲۰)

سلام بر شما ای قطب عالم هستی .

همه موجودات عالم هستی در عصر تاریک غیبت و همچنین در دوران نورانی ظهور در پرتو آن وجود مقدس به زندگی ادامه می دهند و مدیون امامت و رهبری آن بزرگوار می باشند . نه تنها ذرات مادی جهان بلکه بزرگان عالم که مسیحا نفسند تابع و پیرو فرمان آن بزرگوارند ؛ بلکه شخص حضرت عیسی علیه السلام دم مسیحائی و مقام ارزشمند خود را به یمن وجود آن حضرت و آباء گرامی آن بزرگوار بدست آورده است . و نه تنها در عصر ظهور که اکنون نیز در تحت لواء امامت و رهبری آن بزرگوار به انجام وظیفه مشغول است .

در زیارت امام زمان ارواحنا فداه می خوانیم :

السلام علیک یا امام المسیح (۱۲۱)

سلام بر شما ای پیشوای مسیح .

این ولایت و رهبری ، مخصوص روزگار پرشکوه ظهور نیست ؛ بلکه اکنون نیز حضرت عیسی در جایگاه عظیم خود افتخار پیروی از مقام امامت و رهبری آن بزرگوار را دارا می باشد .

همه نجباء ، نقباء و اولیاء خدا که پا بر هوای نفس خود گذاشته و قصد و نیت خویش را خالص نموده اند ، به قدر ارزشی که در پیشگاه خداوند دارند ،

راه و یا روزنه ای به سوی مقام نورانیت آن حضرت که نور عالم هستی در این عصر و زمان است بدست آورده اند ، و امام عصر ارواحنا فداه تنهایی و غربت خویش را با این گونه اشخاص که به مقامات عالی راه یافته اند برطرف می نماید . در روایت می خوانیم :

وما بثلاثین من وحشه . (۱۲۲)

با وجود سی نفر ) از یاوران خالص ( احساس تنهایی برای آن حضرت نیست .

مقصود از بیان مطالب گذشته این است که دوران غیبت به این معنی نیست که امدادهای غیبی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از موجودات قطع گردیده و آن بزرگوار از کسی دستگیری نمی کنند و کسی در عصر تیره غیبت راهی به نور و روزنه ای به روشنایی نمی یابد ؛ بلکه همان گونه که گفتیم کسانی که با صداقت به سوی آن بزرگوار می شتابند و در پرتو بهره مند شدن از دریای بیکران معارف امام عصر ارواحنا فداه روزگار پرشکوه ظهور را در زندگی خود لحظه شماری می کنند ، با پیامی یا نگاهی از سوی حضرتش قلب های استوار خود را استوارتر می کنند .

و اگر گوش جان باز کنیم و ندای این افراد بااخلاص را بشنویم ، پیام شان به ما این گونه است : « فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوى » (۱۲۳) .

کفش خود را در آورید و ببینید چگونه پای خود را آورده اید که تاکنون از رفتن به سوی امیر عالم هستی و قطب عالم امکان باز مانده اید !

متأسفانه عده ای از افراد نه تنها خود را خالص نمی گردانند و ریگ از کفش خود خارج نمی کنند که در کفش دیگران نیز ریگ می اندازند و آنان را می آزارند . این گونه افراد با نیش زبان



، بیشتر به قلب دوستان واقعی می زنند؛ زیرا بر اثر القائنات شیطانی مایلند همگان از راه رفتن در طریق امام عصر ارواحنا فداه باز مانند . گویی که نمی دانند دشمنی با مسیر امام زمان ارواحنا فداه و مخالفت با دوستان واقعی آن حضرت ، دشمنی با شخص آن بزرگوار است. مگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» فرموده اند:

أصدقاؤك ثلاثة وأعداؤك ثلاثة، فأصدقاؤك: صديقك، و صديق صديقك، وعدو عدوك، وأعداؤك: عدوك، وعدو صديقك، و صديق عدوك. (۱۲۴)

دوستان تو سه گروهند و دشمنان تو نیز سه گروه می باشند .

اما دوستان عبارتند از: ۱- دوست خودت، ۲- دوست دوستت، ۳- دشمن دشمنت .

و دشمنان عبارتند از: ۱- دشمن خودت، ۲- دشمن دوستت، ۳- دوست دشمنت .

بنابراین آیا دشمنی کردن با دوستان امام عصر ارواحنا فداه ، مخالفت با آن بزرگوار نیست!؟

بگذریم که این سخنان خوشایند همگان نیست! زیرا که اکنون ریگ و ریگزار فراوان است و بیابان های تفتیده ریگ های داغ فراوان دارد! و خشکسالی و قحطی چهره کربه خود را به همه نشان داده است و فکر باران افراد را به خود مشغول ساخته و عده ای در پی انجام نماز استسقاء رفته اند .

اما صدها سال از غیبت آن آب گوارای حیات می گذرد و مردم دست شان از آن چشمه زلال حیات مادی و معنوی کوتاه است ولی برای رسیدن به آن کوشش نمی کنند و به فکر باران می باشند در حالیکه باران به برکت وجود آن حضرت می بارد .

آیا در زیارت جامعه نمی خوانیم :

وبکم ینزل الغیث .

به وسیله شما باران سودمند می بارد

ولی ما چنین بوده و چنین هستیم ، اصل را فراموش کرده و به جستجوی فرع می پردازیم . همان گونه که مسبب الأسباب را از یاد می بریم و به دنبال اسباب می رویم .

### توجه به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه لازم است

توجه به حضرت بقیه الله علیه السلام ...

باید بدانیم که توجه به حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه ، توجه به خداوند کریم است ؛ همانگونه که توجه به بقیه ائمه طاهرين عليهم السلام توجه به خداوند می باشد .

پس زیارت و توسل به ائمه اطهار عليهم السلام ، مایه توجه به خداوند تبارک و تعالی است . به این جهت کسی که قصد تقرب به خداوند بزرگ بنماید به ائمه اطهار عليهم السلام روی می آورد . در زیارت جامعه می خوانیم :

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ .

کسی که او (خداوند) را قصد نماید به سوی شما روی می آورد .

انسان با توجه به ائمه اطهار عليهم السلام نه تنها عوامل موفقیت و پیشرفت را به سوی خود جلب می کند بلکه موانعی را که مانع رسیدن به مقامات عالی هستند نیز برطرف می نماید ؛ زیرا به وسیله توجه به امام زمان ارواحنا فداه و همچنین بقیه ائمه اطهار عليهم السلام درهای رحمت و مغفرت الهی به سوی انسان گشوده می شود و تاریکی ها از باطن او برطرف می گردد .

حضرت باقر العلوم علیه السلام در شرح کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند : «أنا باب الله» ، می فرمایند :

یعنی مَنْ تَوَجَّهَ بِي إِلَى اللَّهِ غُفِرَ لَهُ . (۱۲۵)

یعنی کسی که به وسیله من توجه به خداوند نماید آمرزیده می شود .

بنابراین با توجه به باب الله ، خداوند گناهان او را آمرزیده و موانع پیشرفت روحی او را برطرف

می کند .

گرچه همه چهارده معصوم علیهم السلام به دلیل دارا بودن «مقام نورانیت» محیط بر هر عصر و زمانی هستند و انسان ها در هر عصر و زمان باید توجه به همه آن بزرگواران بنمایند ولی بر اساس مقامات تنزیه زمانی ، هر انسانی باید به امام عصر و زمان خودش بیشتر از بقیه ائمه علیهم السلام توجه داشته باشد .

اینک به روایت عبدالله بن قدامه ترمذی از حضرت ابا الحسن علیه السلام توجه نمایند که فرمودند :

من شكّ فی أربعه فقد كفر بجميع ما أنزل الله عزّوجلّ ؛ أحدها معرفه الإمام فی كلّ زمان وأوان بشخصه ونعته . (۱۲۶)

کسی که درباره چهار چیز شكّ کند به تمامی آنچه که خداوند نازل فرموده کافر شده است ؛ یکی از آنها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام و صفاتی را که داراست بشناسد .

پس در هر زمان معرفت و شناخت نسبت به امام آن زمان واجب است و چگونه ممکن است کسی معرفت به امام زمان خویش داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار آگاه باشد ، ولی به او توجه نداشته باشد؟!

بنابراین ، توجه نداشتن به امام عصر ارواحنا فداء و نشناختن اوصاف و خصوصیات مقام رفیع آن بزرگوار ، اگر چه انسان به امامان دیگر توجه داشته باشد صحیح نیست .

پس وظیفه ما در این عصر و زمان اینست که به حضرت بقیه الله ارواحنا فداء که در دوران امامت آن بزرگوار هستیم توجه خاص داشته باشیم .

یکی از اولیاء خدا به یکی از علمای معروف گذشته به نام مرحوم ملا قاسم رشتی دعایی تعلیم نمودند و فرمودند : آن را

به دیگران یاد بده تا اگر مؤمنی در بلایی گرفتار شد آن را بخواند که تأثیر آن مجرب است ، و دعا چنین است :

یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکنی .

چون دعا را این گونه به ایشان تعلیم نمود ، می گوید : اندکی تأمل کردم و به فکر فرو رفتم . فرمودند : این عبارت را غلط می دانی ؟ عرض کردم : آری ؛ چون خطاب به چهار نفر است و فعل بعد از آن ها باید جمع باشد .

فرمودند : اشتباه می کنی ، زیرا در این زمان نظم دهنده جهان حضرت بقیه الله علیه السلام است ، ما در این دعا حضرات محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را برای شفاعت نزد آن بزرگوار می خوانیم و از آن حضرت به تنهایی استمداد می کنیم . (۱۲۷)

لازم است به این نکته توجه داشته باشیم : همان گونه که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و در زمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام جناب سلمان و ابوذر و مقداد و سایر اولیاء خدا متوجه آن بزرگواران بودند و در گرد شمع وجود ایشان می گشتند و همچنین اولیاء الهی در زمان امام حسن مجتبی و حضرت سید الشهداء علیهما السلام و ... متوجه آن بزرگواران بودند و از یاد آنان غفلت نمی ورزیدند ، در این زمان نیز آنان که به تکامل معنوی و درجات عالی راه یافته اند ، یاد و توجه به مولای خود حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را فراموش نمی نمایند .

در دعای شریف ندبه می خوانیم :

أین وجه الله الذی إلیه یتوجه الأولیاء .

کجاست آن آئینه تمام نمای الهی که اولیاء خدا

به سوی او توجه می نمایند ؟

پس در این زمان نیز اولیاء بزرگ خداوند به امام عصر خویش توجه دارند ، گرچه آنان در میان مردم ناشناخته اند ولی با آن بزرگوار در ارتباط هستند و از فرمایشات آن بزرگوار بهره مند می شوند ، در زیارت آل یس می خوانیم :

السَّلامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَقْرَأُ وَتَبِیِّنُ .

سلام بر شما در آن هنگام که ( قرآن را ) تلاوت می کنید و ( اسرار آن را ) بیان می فرمائید .

بنابراین ، لازم است انسان در هر عصر و زمانی که زندگی می کند به امام زمان خویش توجه خاصی داشته باشد . اکنون به این روایت که از امام رضا علیه السلام نقل شده است توجه کنید :

عن مولانا الرضا عن آبائه علیهم السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فی قول الله تبارک و تعالی : « یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ » (۱۲۸) قال :

یدعی کُلَّ قوم بامام زمانهم ، و کتاب الله وسنه نبیهم . (۱۲۹)

حضرت امام رضا علیه السلام از پدران گرامی خود نقل فرمودند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم درباره فرمایش خداوند : «روزی که همه انسانها را با امامشان فرا می خوانیم» فرمودند : هر گروهی با امام زمانش و کتاب خداوند و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خوانده می شود .

و معنی روایت این است که : هر انسانی در روز قیامت درباره این سه مسأله حیاتی مورد پرس و جو و بازرسی قرار می گیرد که آیا وظیفه اش را نسبت به امام زمان خود و همچنین کتاب خدا و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم انجام داده است یا نه

پس در روز قیامت از مسأله امامت سؤال می شود و بررسی می کنند که آیا انسان به امام زمانش معرفت و شناخت داشته است یا نه ؟

یکی از راه های مهم توجه به امام عصر ارواحنا فداه خواندن نمازها ، دعاها و زیاراتی است که از ائمه اطهار علیهم السلام درباره آن حضرت وارد شده است و یا از ناحیه مقدسه آن بزرگوار صادر گردیده است .

سفارش جناب محمد بن عثمان ، دومین نایب خاص امام عصر ارواحنا فداه به احمد ابن ابراهیم در برابر درخواستی که از ایشان کرده بود ، این است :

توجه إلیه بالزیاره . (۱۳۰)

به سوی آن حضرت به وسیله این زیارت توجه نما . (۱۳۱)

از این کلام می توان استفاده نمود که به وسیله زیارات یا دعاهایی که در ارتباط با آن حضرت است ، انسان می تواند به سوی آن بزرگوار توجه نموده و قلب و روح خود را مجذوب آن وجود مقدس نماید .

مسأله توجه داشتن به مقام و شخصیت امام عصر ارواحنا فداه و اظهار اندوه و غم در هجران و فراق آن بزرگوار نه تنها در زمان غیبت ، بلکه در زمان حضور ائمه اطهار علیهم السلام نیز مطرح بوده و اهل بیت علیهم السلام عظمت مقام و شخصیت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را بیان کرده اند و از غیبت و فراق آن سرور عالم امکان اظهار تأسف نموده اند .

در واقع اهل بیت علیهم السلام نه تنها با بیانات خود مردم را موظف نموده اند که به یاد سرور عالم هستی باشند و در غیبت و فراق آن بزرگوار اندوهگین و غمناک باشند ؛ بلکه عملاً نیز با ریختن اشک و کشیدن آه

از دل پر درد خود، نسبت به غیبت طولانی حضرتش، همه را درس سوز و انتظار آموخته اند؛ ولی متأسفانه شیعیان این مسأله حیاتی را که در تمام ابعاد زندگی دنیوی و اخروی آنها دارای مهم ترین اثر است، به دست غفلت و فراموشی سپرده اند.

بزرگانی که وظیفه داشته و دارند مردم را با این موضوع بسیار مهم که در عالم هستی تأثیر عظیم دارد آشنا نمایند، سهل انگاری کردند؛ و با غفلت و بی توجهی جامعه شیعه در گذشته و حال از این مسئله مهم و حیاتی، جهان همچنان از نعمت ظهور حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه بی بهره است و بر اثر دوری و غیبت آن سرور عالم هستی به نعمت تکامل در تمام ابعاد علمی و معنوی، دست نیافته و همچنان زور و زر و ترویج بر جهان و جهانیان حکومت می کند و ادامه حکومت لعنت شده حبتی میلیاردها انسان مسلمان و غیر مسلمان را در چنگال خونبار خود گرفتار نموده است.

#### انتظار

جامعه ما آنگونه در مسائل دنیوی غرق شده و آنچنان چشم به اسباب دوخته که مسبب الأسباب را فراموش کرده است، درست است که دنیا سرای اسباب می باشد و ما باید برای کارهای خود در پی اسباب و وسیله باشیم، ولی این نباید تا به آن حد باشد که سبب آفرین را فراموش کنیم. جامعه ما، هم به خداوند که مسبب الأسباب است کم توجه می باشد و هم از ولی و جانشین او غفلت می ورزد.

یکی از علل مهمی که باعث غفلت و یا کم توجهی بسیاری از مردم نسبت به امام

عصر ارواحنا فداه شده است ، عدم آگاهی و شناخت آنان از مقام و شخصیت آن بزرگوار است که در روایات خاندان وحی کاملاً به عظمت آن بزرگوار تصریح شده است ، متأسفانه کسانی که وظیفه داشته اند این حقایق را به مردم برسانند و آنان را به سوی سرور عالم وجود و رهبر جهان هستی متوجه سازند ، موفق به انجام این وظیفه مهم شرعی نشدند .

اکنون آنچه را که برادران حضرت یوسف به حضرت یعقوب گفتند ، به امام زمان خویش ارواحنا فداه عرض می کنیم و به این وسیله از پیشگاه امام رئوف طلب عفو و بخشش می نمایم :

« يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرُوا لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ » . (۱۳۲)

ای پدر ما ، برای گناهان ما استغفار نما ؛ به راستی که ما خطاکار بودیم .

امید است که با عفو و بخشش آن حضرت از گذشته ما ، آینده را جبران نموده و به یاد آن بزرگوار باشیم و تا توان داریم دیگران را به سوی ساحت مقدس آن حضرت متوجه سازیم .

انتظار

ترک عادت های اجتماعی و رها شدن از قید و بند غفلت از آثار ارزشمندی که ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به همراه دارد ، انسان را به برترین و بافضیلت ترین مقامات می رساند و در پرتو انتظار ظهور امام عصر صلوات الله علیه نه تنها از قید و بند غفلت از آن حضرت رها می شود بلکه غیبت برای او به منزله مشاهده می شود .

اکنون به این روایت بسیار جالب توجه کنید : حضرت امام سجاد علیه السلام به ابی خالد کابلی فرمودند :

تمت الغیبه بولی الله التانی عشر من أوصیاء رسول الله صلی الله



عليه وآله وسلم والأئمة بعده.

يا أبا خالد؛ إنَّ أهل زمان غيبته، القائلين بإمامته، المنتظرين لظهوره أفضل أهل كلِّ زمان، لأنَّ الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة ما صارت به الغيبه عندهم بمنزله المشاهده وجعلهم في ذلك الزمان بمنزله المجاهدين بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بالسيف، اولئك المخلصون حقاً وشيعتنا صدقاً والدعاه إلى دين الله سرّاً وجهراً.

وقال عليه السلام: انتظار الفرج من أعظم الفرج. (۱۳۳)

غيبت نسبت به دوازدهمین نفر از اوصیاء رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و امامان بعد از او امتداد پیدا می کند و طولانی می شود.

ای ابا خالد؛ به راستی که اهل زمان غیبت او که به امامت ایشان معتقدند و منتظر ظهور او می باشند برترین اهل هر زمان هستند. زیرا که خداوند - که یارش بزرگ باد - آن چنان به آنان عقل و فهم و معرفت عنایت نموده است، که مسئله غیبت برای آنان به منزله مشاهده گردیده و خداوند آنان را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده است که پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با شمشیر جنگیده اند، آنان حقیقتاً صاحبان اخلاص، و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار می باشند.

و حضرت سجاد علیه السلام فرمودند: انتظار فرج از بزرگ ترین نوع فرج است.

امام سجاد علیه السلام در این روایت کسانی را که در زمان غیبت امام زمان ارواحنا فداه زندگی می کنند ولی مسئله غیبت نتوانسته آنان را در قید و بند غفلت اسیر کند و در انتظار ظهور آن بزرگوار

به سر می برند، برترین مردمان هر زمان معزفی فرموده اند، زیرا آنان توانسته اند با عقل و فهم و معرفتی که خداوند به آنان داده است نه تنها گرفتار عادت اجتماعی غفلت از امام زمان ارواحنا فداه نباشند، بلکه توانسته اند آن چنان در حالات روحی خود تحوّل ایجاد کنند که مسأله غیبت برای آنان همچون مشاهده شود.

بنا به فرمایش امام سجاد علیه السلام این گونه افراد شیعیان راستین اهل بیت و پیروان واقعی خاندان وحی علیهم السلام می باشند.

ما اگر خواهان رسیدن به مقامات شیعیان راستین و واقعی هستیم باید مسیری را بپیماییم که آنان پیموده اند و در راهی گام برداریم که آنان در آن راه گام برداشته اند، و همچون آنان اعتیاد به غفلت را از خود زدوده، و خود را با توجه و انتظار ظهور زینت بخشیم؛ زیرا انتظار پدیدآورنده فکر و اندیشه، نیرو بخش و عمل آفرین است، و بر این اساس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند:

أفضل جهاد أمتی انتظار الفرج. (۱۳۴)

بافضیلت ترین جهاد امت من، انتظار فرج است.

انتظار زمینه ای مهم برای برقراری و تسلط حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه می باشد و علت سفارشات فراوان خاندان وحی پیرامون این موضوع، اهمیت آن است.

و حضرت امام صادق علیه السلام یکی از شرایط پذیرفته شدن عبادت بندگان را انتظار حکومت حضرت قائم ارواحنا فداه برشمرده اند، و پس از بیان این موضوع فرموده اند:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةَ يَجِيئُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ

القائم بعده كان له من الأجر مثل أجر من أدرکه ، فجَدُوا وانتظروا هنيئاً لكم أيتها العصابة المرحومه .(۱۳۵)

برای ما دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد آن را می آورد . سپس فرمودند : کسی که دوست دارد از اصحاب حضرت قائم ارواحنا فداه باشد ، باید منتظر ظهور باشد و به ورع و اخلاق نیکو رفتار کند در حالی که در صراط انتظار گام برمی دارد ؛ پس در این حالت اگر مرگ او فرا رسد و حضرت قائم بعد از او قیام کنند ، پاداش او همانند کسی است که آن بزرگوار را درک می نماید . پس کوشش کنید و منتظر باشید . گوارا باد بر شما ای گروهی که مورد رحمت خداوند هستید .

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری در پیرامون وظیفه مردم در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه می فرمایند :

وانتظر الفرج صباحاً ومساءً .(۱۳۶)

صبح و شام در انتظار فرج و ظهور باش .

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دارا بودن حالت انتظار را از صفات دوستداران و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام می دانند و محبین خاندان وحی را به دارا بودن صفت انتظار در هر صبح و شام توصیف می نمایند . آن حضرت می فرمایند :

إِنَّ محبينا ينتظر الرّوح والفرج كلّ يوم وليله .(۱۳۷)

به راستی که دوستان ما در هر روز و شب در انتظار فرا رسیدن روز آسایش و راحتی و فرج می باشند .

یکی از یاران حضرت امام هادی علیه السلام از آن بزرگوار درباره برنامه عملی و وظیفه عموم شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه سؤال کرد :

کیف تصنع شیعتک ؟

در زمان غیبت ، شیعیان شما چه کاری

انجام دهند ؟

قال عليه السلام : عليكم بالدعاء وانتظار الفرج . (۱۳۸)

امام هادی علیه السلام فرمودند : بر شما باد به دعا و نیایش و انتظار فرج .

بنابراین ، همان گونه که در روایت وارد شده است ، انتظار ظهور مصلح جهان ، از شرایط پذیرفته شدن اعمال مردم و از وظائف پیروان و شیفتگان خاندان رسالت است .

پس شخصی که خود را صالح می پندارد ، باید منتظر ظهور مصلح باشد ، همان گونه که «خلقى که در انتظار ظهور مصلح بسر می برد ، باید خود صالح باشد» .

اینک با نقل کلامی گهربار از حضرت جواد الائمه علیه السلام در پیرامون وجوب انتظار حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه بر ارزش کلام می افزایم .

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام می فرماید :

دخلت على سيدى محمد بن عليّ عليهما السلام وأنا اريد أن أسأله عن القائم ، أهو المهديّ أو غيره ؟ فبدانى ، فقال عليه السلام :

يا أبا القاسم ؛ إنّ القائم منّا هو المهديّ الذى يجب أن ينتظر فى غيبته ويطاع فى ظهوره وهو الثالث من ولدى ، والذى بعث محمداً بالنبوّه وخصّنا بالإمامه أنّه لو لم يبق من الدّنيا إلّا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتّى يخرج فيملا الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً وإنّ الله تبارك وتعالى يصلح أمره فى ليلة كما أصلح أمر كلمه موسى عليه السلام ليقتبس لأهله ناراً فرجع وهو رسول نبيّ .

ثمّ قال عليه السلام : أفضل أعمال شيعتنا إنتظار الفرج . (۱۳۹)

من به محضر مولایم حضرت جواد علیه السلام وارد شدم و تصمیم داشتم از آن بزرگوار درباره قائم آل محمّد علیهم السلام سؤال کنم که آیا او همان مهدی

است یا دیگری؟ قبل از آن که چیزی بگویم، آن حضرت فرمود:

ای ابوالقاسم؛ قائم ما آل محمد، همان مهدی است که واجب است در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهورش اطاعتش نمود.

او سؤمین نفر از نسل من است. سوگند به آن کسی که محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به نبوت مبعوث نمود و امامت را به ما اختصاص داد، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می کند تا آن حضرت خروج کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد.

خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند، همان گونه که کار کلیم خود حضرت موسی علیه السلام را اصلاح نمود؛ او برای به دست آوردن آتش برای خانواده اش رفت، و در حالی برگشت که دارای مقام نبوت و رسالت بود.

آن گاه حضرت جواد علیه السلام فرمودند: بافضیلت ترین اعمال شیعیان ما، انتظار فرج است.

به امید آن روز که ندای دلربایش در فضا طنین افکن شود و دل های دردناک و آزرده را شفا بخشد و بزرگ مردان الهی که خدا در توصیف شان فرموده است: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُبَاتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» (۱۴۰) به سوی آن بزرگوار بشتابند و ...

### **انتظارِ ظهور یا اعتقاد به ظهور؟!**

انتظار، تنها به معنای آمادگی برای پذیرش ظهور نیست؛ بلکه علاوه بر آن، در اندیشه آن بودن و آرزو داشتن آن را نیز می طلبد.

ممکن است بسیاری از افراد آمادگی و امکانات

برای پذیرایی از میهمان را داشته باشند ولی از کسی دعوت نکرده و در انتظار آمدن میهمان نباشند. این گونه افراد را تنها به خاطر آمادگی داشتن برای پذیرایی، نمی توان منتظر میهمان دانست؛ زیرا نه منتظر آمدن میهمان هستند و نه از نیامدن آن، ناراحت می شوند.

با این بیان روشن می شود که در خودسازی و تهذیب نفس، بدون توجه به مسأله انتظار و فرا رسیدن روزگاری که سراسر جهان از وجود ظلم و ستم پاکسازی می شود، کمبود وجود دارد؛ زیرا کسی که این گونه است یکی از وظایف بزرگ خود را که انتظار داشتن برای پاکسازی جهانی و حرکت به سوی آن مقصد است، به دست فراموشی سپرده است.

#### **معرفت یا راه انتظار**

به عبارت دیگر؛ اصلاح نفس و پاکسازی در صورتی به تکامل و اوج خود می رسد که انسان در آرزو و اندیشه پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خویش نیندیشد. پس کسی که برای اصلاح حال خویش تلاش می کند باید در انتظار ظهور مصلح جهان باشد و تنها به اعتقاد داشتن به این موضوع بسنده نکند.

بنابراین، نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که: میان انتظارِ ظهور و اعتقاد به آن تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا همه شیعیان بلکه بسیاری از ملت های دیگر جهان به ظهور مصلحی که سرانجام سراسر جهان را پر از عدل و داد کند اعتقاد دارند؛ ولی همه آنانی که اعتقاد به این حقیقت دارند در انتظار تحقق آن نیستند!

کسی منتظر ظهور امام زمان ارواحنا فداه می باشد که علاوه بر اعتقاد

، امید و انتظار درک آن زمان را داشته باشد و بر اساس انتظار و امید، عمل نماید .

تمام روایاتی که مسأله انتظار در آن ها ستوده شده است ، بر لزوم امیدواری و امکان وقوع و درک ظهور امام عصر ارواحنا فداه دلالت می کنند ؛ زیرا اگر انتظار و امید نباشد و انسان مأیوس از درک زمان ظهور باشد ، چگونه به روایات انتظار که درس امید و آرزو را به انسان ها می آموزند ، عمل کرده است ؟!

بنابراین ، علاوه بر اعتقاد به مسأله ظهور و آمادگی برای درک آن روزگار - به دلیل روایاتی که درس انتظار را به ما می آموزند - هر انسانی وظیفه دارد در اندیشه ظهور بوده و امیدوار به درک آن ، و معتقد به امکان فرا رسیدن آن در زمان خود باشد ، و برای آن که با عافیت زمان ظهور را درک کند دعا نماید و بداند که خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد .

معرفت یا راه انتظار

یکی از اموری که درس انتظار را به ما می آموزد و لازم است به آن توجه داشته باشیم ، مسأله معرفت و شناخت خداوند و جانشینان او و عظمت مقام آنان می باشد .

کسی که واقعاً در راه معرفت پروردگار و شناخت صحیح ائمه اطهار علیهم السلام گام بردارد و با لطف و عنایت آن بزرگواران ، قلبش با انوار تابناک معارف الهیه خاندان وحی روشن شود، به این وسیله و از این طریق ، با وظیفه های دیگر خود آشنا می گردد و متوجه می شود که غفلت از امام عصر ارواحنا فداه زشت و ناپسند است .

این نورانیت بر اثر درخشیدن نور امام

علیه السلام است؛ زیرا امام علیه السلام در هر زمانی قلب دوستان واقعی خود را نورانی و روشن می سازد.

اکنون به این روایت جالب توجه کنید:

عن أبي خالد الكابلي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل « قَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا » (۱۴۱).

فقال: يا أبا خالد، النور واللّه الأئمة من آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم إلى يوم القيامة، وهم واللّه نور الله الذي أنزل، وهم واللّه نور الله في السماوات وفي الأرض.

واللّه يا أبا خالد، لنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار، وهم واللّه ينورون قلوب المؤمنين، ويحجب اللّه عز وجل نورهم عن يشاء فتظلم قلوبهم.

واللّه يا أبا خالد، لا يحبنا عبد ويتولانا حتى يُظهِر الله قلبه، ولا يُظهِر الله قلب عبد حتى يُسلم لنا، ويكون سلماً لنا، فإذا كان سلماً لنا سلمه الله من شديد الحساب، وآمنه من فزع يوم القيامة الأكبر. (۱۴۲)

ابو خالد کابلی می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه که می فرماید: «پس ایمان بیاورید به خدا و پیامبر او و نوری که فرو فرستادیم» پرسیدم.

حضرت فرمود: ای ابو خالد؛ به خدا سوگند، منظور از نور همان امامان از آل محمد علیهم السلام تا روز قیامت می باشد.

به خدا سوگند؛ آنان همان نور خداوند هستند که فرو فرستاده است.

به خدا سوگند؛ آنان نور خدا در آسمان ها و زمین می باشند.

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ نور امام در قلب های مؤمنین تابناک تر از خورشید فروزان در روز است



به خدا سوگند ؛ آنان قلب های مؤمنین را روشن می سازند ، و خداوند نور آنان را از هر کس که بخواهد پنهان می نماید ، پس قلب های شان تاریک می شود .

احساس حضور یا نشانی از...

به خدا سوگند ای ابو خالد ؛ هیچ بنده ای به ما محبت نمی ورزد و ولایت ما را نمی پذیرد مگر بعد از آنکه خداوند دل او را پاک نماید ، و دل هیچ بنده ای را خداوند پاک نمی گرداند تا این که منقاد و تسلیم ما شود و سر سازش با ما داشته باشد . پس هنگامی که با ما سازش داشت ، خداوند او را از سختی های حساب (در روز قیامت) سالم نگه می دارد ، و او را از ترس و وحشت روز بزرگ قیامت ایمن می گرداند .

آیا ممکن است کسی قلبش به نور امام زمان ارواحنا فداه نورانی و روشن شده باشد ولی از آن حضرت غافل باشد ؟

#### احساس حضور ، یا نشانی از معرفت

وظیفه مردم در عصر غیبت به طور کلی به دو دسته تقسیم می شود :

۱- آنچه اختصاص به دوران غیبت دارد .

۲- آنچه تنها به دوران غیبت اختصاص ندارد بلکه انجام آن در زمان غیبت و عصر ظهور و حضور امام علیه السلام لازم است .

یکی از وظایف و برنامه هایی که مربوط به قسم دوم است و تأثیر مهمی در چگونگی زندگی انسان دارد و اگر رعایت شود تحوّل عظیم در زندگی او ایجاد نموده و حیاتی پربار برای انسان به ارمغان می آورد اعتقاد به مسأله حضور و عمل کردن بر طبق آن است .

یعنی اگر انسان معتقد باشد همه در محضر خداوند کریم و جانشینان او می باشند و او در زمان حضور

یا غیبت و یا ظهور آن بزرگواران در محضر آنان می باشد - و زمان و مکان برای ما محدودیت می آورد نه برای مقامات نورانیه آنان -؛ نمی تواند حضور آنان را مقید و محدود به زمان و یا مکان خاصی بنماید .

زیرا زمان و مکان از قیود ماده است و مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را در حدیث نورانیت تشریح فرموده اند ، فوق ماده است و بلکه محیط بر آنست ، بنابراین زمان و مکان نسبت به مقام نورانیت آنان ، محدودیت و تقید ایجاد نمی نماید .

برای توضیح مطلب می توانید به حدیث «نورانیت» که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را برای جناب سلمان و ابوذر بیان فرموده اند رجوع کنید . و ما به خاطر طولانی بودنش از نقل آن در اینجا خودداری می کنیم و روایت مهم دیگری را که حضرت امام باقر علیه السلام بیان فرموده اند و به خاطر مختصر بودنش با این بحث مناسب است ، نقل می کنیم :

ابوبصیر که از اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام است می گوید :

دخلت المسجد مع أبي جعفر عليه السلام والناس يدخلون ويخرجون .

فقال لي : سل الناس هل يرونني ؟

فكل من لقيه قلت له : رأيت أبا جعفر عليه السلام فيقول : لا وهو واقف حتى دخل أبوهارون المكفوف ، قال : سل هذا ؟ فقلت : هل رأيت أبا جعفر ؟ فقال : أليس هو بقائم ؟ قال : وما علمك ؟ قال : وكيف لا أعلم وهو نور ساطع .

قال : وسمعه يقول لرجل من أهل الإفريقيه : ما حال راشد ؟ قال : خلفته حياً صالحاً يقرأك السلام .

قال : رحمه الله ، قال

: مات ؟ قال : نعم ، قال : متى ؟ قال : بعد خروجك بيومين . قال : واللّه ما مرض ولا كان به علّه ، قال : وإنّما يموت من مرض أو علّه . قلت : من الرجل ؟ قال : رجل لنا موالٍ ولنا محبّ .

ثم قال : أترون أنّه ليس لنا معكم أعينٌ ناظره ، أو اسماع سامعه ، لبئس ما رأيتم ، واللّه لا يخفى علينا شىء من أعمالكم فاحضرونا جميعاً وعوّدوا أنفسكم الخير ، وكونوا من أهله تعرفوا فإني بهذا أمر ولدى وشيعتي . (۱۴۳)

با امام باقر عليه السلام وارد مسجد شدم ، و مردم در حال رفت و آمد بودند . امام عليه السلام به من فرمودند : از مردم بپرس آیا مرا می بینند ؟ من با هر کس ملاقات کردم از او سؤال کردم که آیا امام باقر عليه السلام را دیدی ؟ می گفت : نه ؛ در حالی که امام عليه السلام ایستاده بود ، تا فردی نایباً به نام ابوهارون وارد شد .

امام عليه السلام فرمودند : از این مرد سؤال کن . به او گفتم : آیا امام باقر عليه السلام را دیدی ؟

ابوهارون در جواب گفت : مگر ایشان اینجا نایستاده اند ؟

ابوبصیر گفت : از او سؤال کردم تو از کجا دانستی که امام عليه السلام ایستاده است ؟

ابوهارون گفت : چگونه به آن علم و آگاهی پیدا نکنم و حال آن که امام عليه السلام نوری است آشکار و نمایان .

ابو بصیر می گوید : و شنیدم که امام باقر عليه السلام به مردی از اهل آفریقا می فرمود : حال راشد چگونه است

او گفت: از آفریقا که خارج شدم او زنده و سالم بود و به شما سلام می رساند .

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند او را رحمت کند . مرد آفریقایی گفت: او مُرد؟!

امام علیه السلام فرمودند: آری . او پرسید: در چه زمانی؟

امام علیه السلام فرمودند: دو روز بعد از خارج شدن تو از آفریقا مُرد .

آفریقایی گفت: به خدا قسم راشد نه مریض بود و نه هیچ گونه دردی داشت!

امام علیه السلام به او فرمودند: مگر هر کس که می میرد به خاطر مرض یا درد می میرد؟

ابوبصیر گفت: از امام علیه السلام پرسیدم: این مرد آفریقایی کیست؟

امام علیه السلام فرمودند: دوست ما و پیرو ما خاندان است .

آن گاه امام علیه السلام فرمودند: آیا می پندارید برای ما با شما، چشمانی نظاره گر و گوش هایی شنوا وجود ندارد؟ چه پندار نادرستی؛ به خدا قسم بر ما هیچ چیزی از اعمال شما پنهان نیست . پس همه ما را حاضر در نزد خود بدانید و نفس های خود را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا به آن شناخته شوید .

من فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم امر می کنم .

این روایت مطالب مهمی را دربردارد که برای درک معانی آن، لازم است دقت کامل نمود .

نکته مهمی که از این روایت استفاده می کنیم، اعتقاد به حضور خاندان وحی علیهم السلام می باشد، و درک این واقعیت امکان پذیر است به شرطی که شرایطی را که امام باقر علیه السلام برای درک

آن بیان فرموده اند رعایت شود .

نکته بسیار مهمی که آن حضرت در پایان فرمایش خود فرموده اند این است که آن بزرگوار شیعیان و فرزندان خود را به آن سفارش و امر فرموده اند . و این دلیل بر آن است که باید همه برای شناخت و دریافت واقعیتی را که بیان فرموده اند ، سعی و کوشش کنند .

بنابراین روایت ، هر یک از آن بزرگواران عین الله هستند که اعمال و رفتار ما را می بینند و اُذُنُ الله هستند که تمام گفتار ما را می شنوند . آن گاه امام علیه السلام کسانی را که این حقایق را نپذیرفته اند مورد خطاب و نکوهش قرار داده و می فرمایند واقعاً بد اعتقادی دارید به خدا سوگند هیچ چیزی از اعمال شما از ما پوشیده نیست .

حضرت امام باقر علیه السلام پس از بیان این نکات به نتیجه گیری از فرمایشات خود می پردازند و به چند نکته تصریح می فرمایند :

۱ - همه ما را نزد خود حاضر بدانید .

این کلام اشاره به مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام است که آن بزرگواران به مقام نورانیت، محیط بر زمان می باشند ، و فرقی میان هیچ یک از آنان نیست و شیعه در هر زمانی که باشد ، باید خود را نزد همه آن بزرگواران بداند ، و همانگونه که انسان باید خود را در حضور خداوند ببیند باید احساس کند که در محضر اهل بیت علیهم السلام نیز می باشد .

بدیهی است کسی که این حقیقت را بفهمد و آن را عملی سازد تحوّل بزرگی در رفتار و کردار او ایجاد می شود .

۲ - نفس های خود را به کارهای نیک عادت دهید و

از اهل خیر باشید .

بنابراین فرمایش نه تنها انسان باید به کارهای زشت و ناپسند عادت نکند بلکه باید به اعمال شایسته و رفتار خوب ، نفس خود را عادت دهد . یعنی آنچنان باید در تهذیب نفس و خودسازی کوشا باشد که نفس او نه تنها از انجام کارهای پسندیده متنفر و منزجر نباشد ، بلکه به آن ها خو گرفته و عادت داشته باشد .

نکته قابل توجه در این روایت اینست که عادت کردن به کارهای پسندیده و ارزنده در صورتی ارزش دارد که ذات انسان به آن ها عادت کرده باشد یعنی در ذات او اثر گذاشته باشد ، لذا عادت کردن به کارهای نیکو و پسندیده در صورتی که در ذات شخص اثری نگذاشته باشد اهمیت چندانی نخواهد داشت ؛ زیرا ممکن است انسان بر اثر جو جامعه و محیط زندگی به انجام بعضی از کارهای خوب و پسندیده عادت کرده باشد ولی در ذات او رسوخ نکرده باشند ، در نتیجه سختی با آنچه انجام می دهد نیافته و اهل آن به حساب نیاید . و این نکته دقیقی است که کاملاً باید به آن توجه شود .

برای توضیح مطلب می گوئیم : عادت کردن به کارهای پسندیده به دو صورت ممکن است واقع شود :

#### **معنای حضور چیست ؟**

۱ - صورت اول : از راه مخالفت با نفس و مطیع ساختن نفس برای انجام کارهای خوب . اگر منشأ اعتیاد انسان به کارهای نیک این گونه باشد ، ذات و سرشت آدمی به رفتار و گفتار خوب خو گرفته و عادت می نماید . این گونه عادت کردن ، دارای نقش اساسی و اثر حیاتی در پیشرفت

و تکامل انسان است .

۲- صورت دوم : این است که انسان به کارهای خوب انس گرفته و به رفتار پسندیده عادت کند نه از راه مخالفت با نفس و خودسازی و آماده ساختن ذات برای انجام این گونه اعمال ؛ بلکه بر اثر محیط زیست و اجتماعی که در آن زندگی می کند ، به بعضی از کارهای خوب انس گرفته و عادت کرده باشد .

مثلاً چون در خانواده ای بوده است که مقتید به نماز اول وقت یا نماز جماعت بوده اند ، او هم به آن عادت کرده است . در این صورت اگر محیط زندگی او تغییر کند چون ذاتاً به آن کار عادت نکرده است ، با مرور زمان رفتار او عوض می شود و از برنامه قبلی خود دست برمی دارد .

این گونه عادت کردن ها که تأثیری در ذات او نگذاشته اند بلکه بر اثر رنگ گرفتن از محیط می باشد ، اهمیتی ندارد و با تغییر محیط از دست می رود .

به این جهت حضرت باقر العلوم علیه السلام می فرمایند : علاوه بر آن که نفس های خود را به کارهای خیر عادت می دهید ، اهل آن نیز باشید ؛ نه آن که فقط رنگ افراد خوب را به خود بگیریید ؛ زیرا رنگ گرفتن از نیکان بدون آن که در ذات و سرشت انسان رسوخ نموده باشد تأثیری در رفتار او ندارد و تحوّل در او به وجود نمی آورد و نقشی در درک حقایق نخواهد داشت و هنگامی که در ذات انسان رسوخ کرد و استقرار یافت ، این حقایق عظیم و باارزش را درک می کند .

معنای حضور چیست ؟

نکته دیگری که ممکن است مورد

بحث قرار گیرد این است که حضور به چه معنا است ، آیا مقصود از حضور ، حضور علمی است یا حضور عینی ؟

مرحوم علامه مجلسی در بیان روایت فرموده است : اگر «فاحضرونا» از باب افعال باشد معنای روایت چنین است : یعنی بدانید که همه ما نزد شما حاضر هستیم به وسیله علمی که داریم . مقصود مرحوم علامه مجلسی حضور علمی است . (۱۴۴)

در روایتی حضرت امام رضا علیه السلام درباره حضرت خضر می فرمایند :

إنه ليحضر حيث ما ذكر ، فمن ذكره منكم فليسلم عليه . (۱۴۵)

او هر زمان که یاد شود حاضر می شود ، پس هر کس از شماها او را یاد کرد باید بر او سلام کند .

مرحوم آیه الله مستنبط در این باره می نویسد : مقام حضرت خضر علیه السلام که تابع و رعیت امام زمان ارواحنا فداه می باشد در این حد است ، پس مقام و عظمت حضرت بقیه الله صلوات الله عليه که امام و پیشوای او است تا چه حد و پایه است؟! (۱۴۶)

از این روایت ، حضور شخصی - در بعضی از زمان ها - استفاده می شود نه حضور علمی .

مسأله حضور از مسائل مهم در معارف اهل بیت عليهم السلام می باشد و نیاز به تفصیل بیشتر دارد . به این جهت این گفتار را با کلامی دلنشین از فرمایشات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پایان می دهیم :

أحضروا آذان قلوبكم تفهموا! (۱۴۷)

(اگر خواهان درک حقایق هستید) گوش دل را باز کنید ، تا آن را دریابید .

#### عظمت امام عصر ارواحنا فداه

در کلمات اهل بیت عليهم السلام

عظمت امام عصر ارواحنا فداه ...

آشنایی با عظمت امام عصر ارواحنا فداه وسیله ای بسیار مؤثر برای



وارد شدن در صراط انتظار می باشد . در توضیح کلام می گویم :

روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام درباره شخصیت و عظمت امام عصر ارواحنا فداه به ما رسیده است ، آنچنان مهیج و تکان دهنده است که آدمی را شگفت زده می سازد ! چگونه می شود با آن همه سخنانی که در اعماق وجود انسان تأثیر می گذارد ، جامعه ما نسبت به آن بزرگوار آن گونه که باید دل نبسته است و زاغ و زغن را به جای «طاووس بهشت» (۱۴۸) برگزیده است؟ این همه غفلت چرا؟ و این همه فراموشی از چه جهت است؟

آیا عالمان و بزرگان دین در این راه کاری که شایسته باشد انجام داده اند؟ آیا مهتران و پیشوایان قوم و قدرتمندانی که خود را به آن حضرت نسبت می دهند خدمتی نموده اند؟ آیا ثروتمندان و توانمندان شیعه در راه کمک به این مسأله که اساسی ترین مسأله حیاتی دین است ، کوشش کرده اند؟ آیا توده مردم با توجه به امام زمان صلوات الله علیه ، سرنوشت غمبار خویش را تغییر داده اند؟

حقیقت این است که همه اقشار مردم در این غفلت زدگی، کم و بیش سهیم هستند، (اگر چه افرادی بوده اند و هستند از عالمان و غیر عالمان ، که همچون شقایق داغ بر دل داشته و روزگاری با غم و حسرت می گذرانند و به قدر توفیق و توان خویش به احیاء این امر پرداخته و می پردازند .) بگذریم که حقیقت تلخ است و دل خودپسندان را می آزارد .

اکنون کلماتی را از خاندان وحی می آوریم تا ببینید آنان با چه عباراتی از آخرین حجّت الهی حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه یاد نموده اند

و چگونه کوشش کرده اند تا مردم را به سوی آن حضرت متوجه سازند و چگونه درس بزرگداشت آن حضرت را به ما آموخته اند :

۱ - پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

پدرم و مادرم فدای او باد ، او هم نام من و شبیه من است .

این کلام را پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از شرح دوران غم انگیز و تأسف بار غیبت امام عصر ارواحنا فداه بیان نموده اند .

اینک به فرمایش آن حضرت توجه کنید :

... سیکون بعدی فتنه صماء صیلیم یسقط فیها کلّ ولیجه و بطانه ، وذلک عند فقدان شیعتک الخامس من السایع من ولدک ، یحزن لفقداه أهل الأرض والسماء ، فکم مؤمن ومؤمنه متأسف متلهف حیران عند فقده .

ثم أطرق ملئاً ثم رفع رأسه وقال :

بأبی وأمی سمی وشبیهی وشبیه موسی بن عمران علیه جلابیب النور یتوقّد من شعاع القدس . (۱۴۹)

بعد از من فتنه ای ایجاد می شود بسیار سخت و دشوار و از پا درآورنده ، که در آن هر شخص مورد اعتماد و رازداری سقوط می کند و این در هنگامی است که شیعیان تو پنجمین نفر از فرزندان تو از هفتمین امام را گم کنند ، برای فقدان او اهل آسمان و زمین غمگین می شوند ، پس چه بسیارند مردان و زنان باایمانی که در هنگام غیبت او ، متأسف و حسرت زده و حیرانند .

سپس آن حضرت سر خود را به آرامی پائین برده و آن گاه سر بلند نموده و فرمودند :

پدر و مادرم فدای او باد ، هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است

، بر او پیراهن هایی از نور است که از شعاع قدس برافروخته است .

۲ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آن حضرت فرمودند :

جانم فدای او باد ...

این کلام را مرحوم علامه مجلسی به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نسبت داده و فرموده است در دیوان شعری که منسوب به آن حضرت می باشد ، از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند :

فَتَمَّ يَقُومُ الْقَائِمَ الْحَقَّ مِنْكُمْ

وَبِالْحَقِّ يَا تَيْكُمُ وَبِالْحَقِّ يَعْمَلُ

سَمِعَ نَبِيَّ اللَّهِ نَفْسِي فِدَاؤُهُ

فَلَاتَخَذَلُوهُ يَا بَنِي وَعَجَلُوا (۱۵۰)

پس در آن هنگام ( بعد از حکومت های ناشایسته ) از شما کسی که حق را به پا می دارد قیام می کند ، و حق را برای شما می آورد و به آن عمل می کند .

هم نام رسول خداوند است جانم فدای او باد ، پس ای فرزندان من مدد رسانی به او را ترک نکنید و برای یاریش شتاب کنید .

۳ - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام :

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد . (۱۵۱)

اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان اوصاف جسمانی امام عصر ارواحنا فداه با بیان جمله ای که آوردیم اشتیاق عظیم قلبی خویش را اظهار نموده اند .

این روایت را جناب جابر جعفی که از نقباء و از اصحاب سرّ امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده نقل نموده است .

در این روایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به بیان صفات نیکوی جسمانی امام عصر ارواحنا فداه اکتفا کرده اند و از تشریح خصلت های معنوی و ملکوتی آن حضرت خودداری فرموده اند ؛ زیرا با کسی سخن می گفته اند که او علت اصلی همه تباهی ها و فسادها در عالم خلقت است .

اکنون به این روایت توجه کنید : جناب

جابر جعفی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

سایر عمر بن الخطاب امیرالمؤمنین علیه السلام فقال: أخبرنی عن المهدي ما اسمه؟

فقال: أما اسمه فإن حبيبي عهد إلي أن لا أحدث باسمه حتى يبعثه الله، قال: فأخبرني عن صفته.

قال: هو شابٌ مربع حسن الوجه حسن الشعر، يسيل شعره على منكبيه، و نور وجهه يعلو سواد لحيته ورأسه، بأبي ابن خيره الإمام (١٥٢).

عمر بن خطاب در خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام راه می رفت به آن بزرگوار عرض کرد: مرا از نام مهدی خبر ده.

حضرت فرمودند: اما درباره اسم او، حیب من از من پیمان گرفته است که از نام او سخن نگویم، تا آن زمان که خداوند او را برانگیزد.

عرض کرد: از اوصاف و شمایل او به من خبر ده.

حضرت فرمودند: او جوانی است چهار شانه، نیکو روی و زیبا موی که مویش بر شانه اش ریخته و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش برتری دارد.

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

۴ - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیگر بار تکرار نموده اند و حارث همدانی آن را از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است.

آن بزرگوار در این روایت بیان فرموده اند که پایان ظلم و ستمگری ستمگران با شمشیر انتقامی است که در دست توانای حضرت بقیه الله ارواحنا فدا می باشد، و فرموده اند: جام تلخ زهر را به کام همه ستمگران جهان فرو خواهد ریخت.

اکنون

در دنباله مطلب به کلام آن بزرگوار که دل غمزدگان را شاد می کند توجه کنید:

بأبي ابن خيره الإمام - يعني القائم من ولده عليه السلام - يسومهم حسفاً ، ويسقيهم بكأس مصبره ، ولا يعطيهم إلا السيف هرجاً. (۱۵۳)

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد - یعنی حضرت قائم که از فرزندان آن حضرت است - خواری و پستی و فرومایگی را بر آنان وارد می سازد و با ظرفی که از صبر (دوایی بسیار تلخ (پر است به آنان) ستمگران (می خوراند و به آنان چیزی حواله نمی کند مگر شمشیر خون ریز را .

آری در آن روز است که حکومت سقیفه نشینان و وارثان آنان به پایان می رسد و جام تلخ زهر را همه آن ها سر خواهند کشید!

۵ - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام :

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این گفتار را دیگر بار در یکی از خطبه های خود ایراد فرموده اند :

فانظروا أهل بيت نبيكم فإن لبدوا فالبدوا و إن استنصروكم فانصروهم ، ليخرجنَّ الله برجل من أهل البيت ، بأبي ابن خيره الإمام لا يعطيهم إلا السيف هرجاً هرجاً موضوعاً على عاتقه ثمانيه. (۱۵۴)

به اهل بیت پیامبران بنگرید ؛ اگر آرام گرفتند شما نیز آرام بگیرید و اگر شما را به یاری طلبیدند آنان را یاری کنید ، خداوند به طور حتم مردی از ما اهل بیت را ( برای نابودی ستمگران ( خارج می سازد .

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد ، به آنان نمی دهد مگر شمشیر را چه آشویی ؛ چه آشویی ؛ هشت ماه شمشیر را بر شانه خود می نهد .

در این خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

اصلاح جهان و پاکسازی دنیا را از وجود پلیدان لعنت شده نوید می دهند ، که مدت هشت ماه جنگ با ستمگران در صحنه گیتی ادامه می یابد و آن گاه صلح و صفا در سراسر جهان حاکم می شود .

۶- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام :

آه ، چقدر مشتاقم او را ببینم!

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از بیان فتنه ها و آشوب های آینده و یاد از خصلت های امام عصر ارواحنا فداه بیان نمودند :

هاه - وأوماً بیده إلی صدره - شوقاً إلی رؤیته . (۱۵۵)

آه - و اشاره به سینه مبارک خود نمودند - چقدر مشتاقم او را ببینم !

زیرا آن بزرگوار با احاطه علمی که بر همه چیز داشتند ، می دانستند فتنه هایی که سقیفه نشینان در سقیفه بدر آن را افشانند ، همچنان ادامه خواهد یافت و آتش آن سراسر گیتی را تا زمان های دور ، سیاه خواهد نمود و سیه روزی و بدبختی را نصیب همه مردمان جهان خواهد کرد و این ظلم و جنایت همچنان ادامه می یابد تا آن روز که منتقم آل محمد حضرت امام عصر ارواحنا فداه همراه با سیصد و سیزده تن از شخصیت های خودساخته ، که امر ولایت در جان و دل آنان ریشه دوانده است با تعدادی دیگر از مؤمنان از کنار خانه خدا قیام نمایند ، و انتقام همه مظلومین جهان را از همه ستمگران بگیرند .

اگر در روز تاریک سقیفه یاورانی از جان گذشته در کنار وجود مقدس اول مظلوم عالم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می بودند ، دشمنان نمی توانستند خانه وحی را به آتش کشیده و ریمان به گردن امیر عالم هستی افکنده و چهره ماه

را کبود کنند . حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه های خود می فرمایند :

فَنظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مَعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ ، وَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَذَى ، وَشَرِبْتُ عَلَى الشَّجِي ، وَصَبِرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكُظْمِ ، وَعَلَى أَمْرِ مَنْ طَعَمَ الْعَلْقَمَ .

چون مخالفین ، خلافت را که حقّ من بود غصب کردند ، ( در کار خویش ( اندیشه کردم ؛ دیدم در آن هنگام به غیر از اهل بیت خود یآوری ندارم ، راضی نشدم که آنها کشته شوند ، و چشمی که خاشاک در آن رفته بود بر هم نهادم ؛ با این که استخوان گلویم را گرفته بود ، جام تلخ را آشامیدم ؛ و خشم خود فرو خوردم و بر چیزهای تلخ تر از طعم علقم ) که گیاهی است بسیار تلخ ( شکیبایی نمودم . (۱۵۶)

آری مظلوم ترین فرد جهان هستی پس از بیان همه ستم هائی که بر او روا شده ، آنگاه که از فتنه های آینده یاد می کند و نام پایان دهنده همه ظلم ها و ستم هارا به زبان جاری می سازد می فرماید :

آه ، چقدر مشتاقم او را ببینم!

۷- امام باقر علیه السلام می فرماید :

اگر در آن زمان باشم جان خود را برای صاحب این امر نگه می دارم .

این کلام از کسی صادر شده است که شکافنده همه علوم و دانش ها در سراسر هستی و آگاه از همه اسرار خلقت می باشد ، آن کسی که آینده و آیندگان ، گذشته و گذشتگان ، برای ایشان همچون افرادی هستند که در محضرش حاضر می باشند .

آن حضرت وقتی که سخن از آینده و آیندگان به میان می آورد ، و

یکی از قیام هائی را که قبل از ظهور امام عصر ارواحنا فداه واقع می شود بیان می کنند ، می فرمایند :

... أما إني لو أدركت ذلك لاستيقيت نفسي لصاحب هذا الأمر. (۱۵۷)

آنگاه باشید اگر من آن زمان را درک نمایم جان خود را برای صاحب این امر حفظ می کنم .

مرحوم آیه الله شیخ محمد جواد خراسانی در کتاب خود نوشته است : مقصود حضرت از آن زمان ، وقتی است که گروهی از «شیلا» برای گرفتن حق قیام می کنند .

۸- امام باقر علیه السلام :

پدر و مادرم فدای او باد ، او همانم من و دارای کُنیه من است .

پدرم فدای کسی باد که سراسر گیتی را سرشار از عدل و داد می کند همانگونه که پر از ظلم و ستم شده باشد .

این روایت را ابو حمزه ثمالی - که از بزرگان اصحاب آن حضرت است - نقل نموده ؛ او می گوید : روزی در محضر امام باقر علیه السلام بودم ، آنگاه که مردم از خدمت آن بزرگوار مرخص شدند به من فرمودند :

یا أبا حمزه ، من المحطوم الذي حتمه الله قيام قائمنا ، فمن شك فيما أقول لقي الله وهو به كافر ، ثم قال :

بأبي وأمي المسمي باسمي والمكني بكنيتي ، السابع من ولدي ، بأبي من يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً .

یا ابا حمزه ، من أدركه فيسلم له ما سلم لمحمد وعلي فقد وجبت له الجنة ، ومن لم يسلم فقد حزم الله عليه الجنة وأواه النار وبئس مئوى الظالمين . (۱۵۸)

ای ابا حمزه ؛ از چیزهایی که خداوند آن ها را حتمی قرار داده است قیام قائم



ما است و کسی که در آنچه می گویم شک کند ، خداوند را ملاقات می کند در حالی که به او کافر است .

پدر و مادرم فدای کسی باد که به نام من نامیده شده و کتیه اش کتیه من است و هفتمین فرد از نسل من است .

پدرم فدای کسی باد که سراسر زمین را پر از عدل و داد می نماید همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد .

ای ابا حمزه ؛ هر کس در زمان او باشد و تسلیم او گردد همان گونه که تسلیم محمد و علی بوده ، بهشت بر او واجب است ، و کسی که تسلیم او نباشد خداوند بهشت را بر او حرام می کند و جایگاه او آتش می باشد و بد منزلی است جایگاه ستم کاران .

۹- امام صادق علیه السلام :

اگر او را درک کنم ، تا زنده باشم به او خدمت می کنم .

این کلام را امام صادق علیه السلام هنگامی فرمودند که درباره حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از آن بزرگوار سؤال شد :

هل ولد القائم ؟

قال : لا ، ولو أدرکته لخدمته أيام حیاتی . (۱۵۹)

آیا ( حضرت ) قائم متولد شده است ؟

حضرت فرمودند : نه ، و اگر من او را درک نمایم در تمام دوران زندگی و حیاتم به او خدمت می کنم .

۱۰- امام صادق علیه السلام :

برای نور آل محمد (علیهم السلام) دعا نمودم .

عباد بن محمد مدائنی می گوید : امام صادق علیه السلام پس از نماز ظهر دست ها را بلند نموده و دعا کردند . گفتیم : جانم به فدایتان ؛ برای خودتان دعا نمودید ؟

فرمودند :

دعوت لنور

آل محمد عليهم السلام وسائقهم والمنتقم بأمر الله من أعدائهم. (١٦٠)

برای نور آل محمد عليهم السلام و پیش رو آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می گیرد ، دعا نمودم .

البته خاندان وحی همه آنها نور هستند و معرفت آنان به نورانیت معرفه الله است ، ولی بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام در این روایت آن حضرت ، نور الأنوار می باشند .

۱۱ - امام موسی کاظم علیه السلام :

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا ، سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی گذارد .

پدرم فدایش باد که به امر خداوند قیام می کند .

یحیی بن فضل نوفلی می گوید : حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بعد از نماز عصر دست ها را به دعا بلند نموده و دعائی را قرائت کردند . به آن حضرت عرض کردم : برای چه کسی دعا نمودید :

قال : ذلك المهدي من آل محمد عليهم السلام ، قال : بأبي المنيدح البطن ، المقرون الحاجبين ، أحمش الساقين ، بعيد مابين المنكبين ، أسمر اللون ، يعتاده مع سمرته صفرة من سهر الليل ، بأبي من ليله يرعى النجوم ساجداً و راکعاً ، بأبي من لا يأخذه في الله لومة لائم ، مصباح الدجى ، بأبي القائم بأمر الله. (١٦١)

حضرت فرمودند : برای مهدی آل محمد عليهم السلام .

آن گاه فرمودند : پدرم فدای آن وجودی باد که دلی برجسته و ابروانی پیوسته و ساق های باریک دارد ، و چهار شانه قوی هیکل و گندم گون است ، و بر اثر تهجد و شب زنده داری رنگش زرد است .

پدرم فدای کسی باد که شب ها در حال سجده و رکوع

، بسر می برد و به ستارگان می نگرد و آن ها را زیر نظر دارد .

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی گذارد ، او چراغ هدایت در تاریکی های شدید است .

پدرم فدای او که به امر خدا قیام می کند .

۱۲ - حضرت امام رضا علیه السلام :

پدرم و مادرم فدایش باد ، او همانم جدّم صلی الله علیه وآله وسلم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است .

این کلام را حضرت امام رضا علیه السلام پس از ذکر فتنه های بسیار سختی که از اوّل زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه واقع شد ، بیان نموده اند .

این فتنه ها آن چنان سخت و ویرانگر است که افراد بسیار زیرک و فهمیده را نیز به دام خود گرفتار می نماید ؛ گرچه آنان مدّعی دین و دینداری هستند .

و بر اثر گمراهی آنان ، آنچنان غربت و تنهایی امام عصر ارواحنا فداه را فرا می گیرد که اهل آسمان و زمین بر او می گریند و هر انسان آزاده و دل آگاه برای آن حضرت به گریه می نشیند .

اکنون به کلام حضرت امام رضا علیه السلام توجه کنید :

لَا بَدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءٍ صَبِيْلِمَ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَّانَةٍ وَوَلِيْجِهِ وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ الشَّيْخَةِ الثَّلَاثِ مِنْ وَلَدِي ، يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَكُلُّ حَرِيٍّ وَحَزَانٍ وَكُلُّ حَزِينٍ وَلَهْفَانٍ .

ثم قال عليه السلام : بأبي وأمي سمى جدّي صلی الله علیه وآله وسلم وشبیهی وشبیهی موسی بن عمران علیه السلام ، علیه جیوب النور ، يتوقّد من شعاع ضیاء القدس . (۱۶۲)

ناگزیر فتنه ای بسیار سخت و از پا درآورنده واقع می شود که در آن هر فرد

راز دار و مورد اعتمادی سقوط می کند و این در زمانی است که شیعیان سؤمین نفر از فرزندان مرا از دست می دهند ، بر او اهل آسمان و زمین می گیرند و هر مرد و زنی که تشنه دیدار او باشند و هر غمگین و حسرت زده ای بر او می گیرند .

سپس فرمودند : پدر و مادرم فدای او باد ، او همانم جدّم صلی الله علیه وآله وسلم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران علیه السلام است ، بر او پیراهن های نور می باشد که از شعاع نور قداست و پاکی فروغ می گیرد .

شبیه این روایت را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل نمودیم .

«از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که آن حضرت در مجلسی که در خراسان داشتند هنگام ذکر لفظ «قائم» ایستادند و دو دست خود را بر سر مبارک نهادند و گفتند : اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ . آن گاه از خصوصیات حکومت آن حضرت صحبت فرمودند .

مرحوم محدّث نوری در کتاب «نجم الثاقب» فرموده است : قیام و تعظیم نمودن مردم به هنگام شنیدن نام امام زمان ارواحنا فداه مخصوصاً لقب مخصوص آن حضرت ، سیره و روش همه شیعیان از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و غیر آن در همه بلاد است بلکه اهل سنت نیز به آن عمل می کنند.» (۱۶۳)

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» می نویسد : روایت شده که وقتی دعیل قصیده خود را برای امام رضا علیه السلام خواند و از حضرت حجّت الله تعالی فرجه یاد نمود :

فلولا الذی أرجوه فی الیوم أو غدٍ

تقطع نفسی إثرهم





- ۱۶) کتاب «منهاج العارفين» ، تأليف : عالم بزرگوار محمد حسن سمنانی رحمه الله .
- ۱۷) کتاب «باب السعاده» ، تأليف : عالم شهير فيض كاشانی رحمه الله .
- ۱۸) کتاب «نجم الثاقب» ، تأليف : محدث نوری رحمه الله .
- ۱۹) کتاب «الأمان من أخطار الأسفار والأزمان» ، تأليف : عالم بزرگوار سيد بن طاووس رحمه الله .
- ۲۰) کتاب «الجته الواقيه» ، منسوب به عالم عاليقدر مير داماد رحمه الله و همچنين عالم بزرگوار كفعمی رحمه الله .
- ۲۱) کتاب «الباقیات الصالحات» ، تأليف : محدث قمی رحمه الله .
- ۲۲) کتاب «زاد المعاد» ، تأليف : علامه مجلسی رحمه الله .
- ۲۳) لا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ؛ سورة شعراء ، آیه ۸۸ .
- ۲۴) کتاب «فلاح السائل» ، تأليف : عالم بزرگوار سيد بن طاووس رحمه الله .
- ۲۵) کتاب «مصباح المتهجد» ، تأليف : عالم بزرگوار شيخ طوسی رحمه الله .
- ۲۶) کتاب «مفتاح الفلاح» ، تأليف : عالم نامی شيخ بهائی رحمه الله .
- ۲۷) کتاب «فتح الأبواب» ، تأليف : عالم بزرگوار سيد بن طاووس رحمه الله .
- ۲۸) کتاب «تبصره الولی» ، تأليف : علامه سيد هاشم بحرانی رحمه الله .
- ۲۹) کتاب «مفتاح الغیب» ، تأليف : علامه مجلسی رحمه الله .
- ۳۰) کتاب «العدد القویه» ، تأليف : عالم جلیل القدر رضی الدین حلی رحمه الله .
- ۳۱) سورة يوسف ، آیه ۸۸ .
- ۳۲) بنا بر قاعده «تسامح در ادله سنن» و همچنین «اخبار من بلغ» دقت بسیار در اسناد ادعیه و زیارات وارده لازم نیست . ولی نباید قاعده «تسامح در ادله سنن» و «اخبار من بلغ» را دستاویز قرار داده و هر گونه دعا و زیارت را

اگر چه جعلی باشد برای دیگران نقل نمائیم و یا خود به خواندن آنها سرگرم شویم؛ بلکه باید از این گونه دعاها و زیارت ها دوری بجوئیم؛ زیرا علاوه بر مضمون های اشتباهی که در بسیاری از این قبیل ادعیه و زیارات وجود دارد، آن قدر دعاها و زیارات وارده از خاندان بیت وحی علیهم السلام در دسترس ما وجود دارد که نیازی به رجوع و نقل و یا خواندن دعاها و زیارت هائی که مدرکی ندارند، نداریم.

با توجه به این حقیقت، ما آن قسمت از دعاها و زیارت هائی را که در منابع معتبر وجود ندارد نقل نمی کنیم، و نمازها، دعاها و زیارات هائی را در این کتاب می آوریم که در منابع و مصادر قدیم و کتاب های معتبر وجود دارند و به جز موارد اندکی متعزض اختلاف نسخه ها نمی شویم تا خواننده سر در گم نشده و متحیر نگردد. کسانی که می خواهند از اختلاف نسخه ها آگاه شوند به کتاب «الصحیفه المبارکه المهدیه» مراجعه نمایند.

۳۳) دار السلام: ۱۳۷/۲.

۳۴) کتاب «الصحیفه المبارکه المهدیه» با اضافاتی که پس از چاپ اول به آن افزودیم دارای بیش از چهار صد و پنجاه نماز، دعا، زیارت، استخاره... است، از آنجا که باب چهارم، پنجم، یازدهم و دوازدهم آن - یعنی دعاهایی که امام عصر (ارواحنا فداه) برای افراد یا علیه دیگران نموده اند و همچنین دعاهایی که هنگام ولادت قرائت نموده اند و دعاهایی که در ضمن دعاهای دیگر و همچنین زیارات درباره آن بزرگوار وارد شده است - دارای جنبه تخصصی می باشد و برای اهل تحقیق مفید



است و از نظر قرائت برای عموم فایده نداشت حذف نموده و با تغییراتی در ترتیب و تیوب آن ، کتاب «الصحیفه المهدیه یا المختار من الصحیفه المبارکه المهدیه» تدوین گردید تا این شاء الله مورد استفاده عموم قرار گیرد .

و این کتاب - صحیفه مهدیه - ترجمه آن است که اکنون در اختیار شما قرار دارد .

(۳۵) بحار الأنوار : ۳۹۹/۳۶ .

(۳۶) سوره مزمل ، آیه ۱۹ .

(۳۷) سوره مزمل ، آیه ۲۰ .

(۳۸) حبتی ، کنایه از اسم اولین غاصب حق خلفای الهی است ؛ رجوع کنید به بحار الأنوار : ۳۳۶/۳۵ .

(۳۹) بحار الأنوار : ۳۰۶/۹۵ .

(۴۰) سوره فجر ، آیه ۴ .

(۴۱) بحار الأنوار : ۷۸/۲۴ .

(۴۲) بحار الأنوار : ۱۵۵/۹۴ .

(۴۳) سوره یوسف ، آیه ۸۷ .

(۴۴) بحار الأنوار : ۳۸۰/۹۳ .

(۴۵) الکافی : ۴۶۸/۲ .

(۴۶) الکافی : ۴۶۸/۲ .

(۴۷) و ۳ . الکافی : ۴۶۹/۲ .

(۴۸)

(۴۹) الکافی : ۴۷۰/۲ .

(۵۰) الکافی : ۴۷۰/۲ .

(۵۱) الکافی : ۴۶۹/۲ .

(۵۲) عدّه الداعی : ۱۱ .

(۵۳) بحار الأنوار : ۳۲۲/۹۳ .

(۵۴) بحار الأنوار : ۳۱۳/۹۳ .

(۵۵) الکافی : ۵۰۳/۲ .

(۵۶) بحار الأنوار : ۳۱۵/۹۳ .

(۵۷) بحار الأنوار : ۵۴/۹۴ .

(۵۸) بحار الأنوار : ۳۱۲/۹۳ و ۳۱۶ .

(۵۹) بحار الأنوار : ۳۱۶/۹۳ .

(۶۰) بحار الأنوار : ۲۲/۹۴ .

(۶۱) سوره مائده ، آیه ۳۵ .

(۶۲) تفسیر صافی : ۴۴۱/۱ .

(۶۳) سوره مائده ، آیه ۳۵ .

٦٤) بحار الأنوار : ٣١٨/٩٣ .

٦٥) بحار الأنوار : ٣٢٣/٩٣ .

٦٦) سورة مؤمنون ، آيه ٥١ .

٦٧) بحار الأنوار : ٣٧٢/٩٣ .

٦٨) بحار الأنوار : ٣٧٣/٩٣ .

٦٩) بحار الأنوار : ٣٥٨/٩٣ .

٧٠) و ٣ . بحار الأنوار : ٣٧٣/٩٣ .

(٧١)

(٧٢)

- بحار الأنوار : ۳۲۱/۹۳ .
- (۷۳) بحار الأنوار : ۳۲۰/۹۳ .
- (۷۴) بحار الأنوار : ۳۷۳/۹۳ .
- (۷۵) بحار الأنوار : ۳۲۸/۷۳ .
- (۷۶) سوره غافر ، آیه ۶۰ .
- (۷۷) سوره روم ، آیه ۶ .
- (۷۸) بحار الأنوار : ۳۲۳/۹۳ .
- (۷۹) المختار من كلمات الإمام المهدي : ۲۳۸/۱ .
- (۸۰) بحار الأنوار : ۳۷۳/۹۳ .
- (۸۱) الكافي : ۴۷۴/۲ .
- (۸۲) و ۲ . بحار الأنوار : ۳۷۴/۹۳ .
- (۸۳)
- (۸۴) و ۴ . الكافي : ۴۷۵/۲ .
- (۸۵)
- (۸۶) و ۲ . بحار الأنوار : ۳۷۴/۹۳ .
- (۸۷)
- (۸۸) و ۲ . بحار الأنوار : ۳۷۴/۹۳ .
- (۸۹)
- (۹۰) سوره مریم ، آیه ۴۸ .
- (۹۱) و ۳ . بحار الأنوار : ۳۷۵/۹۳ .
- (۹۲)
- (۹۳) و ۲ . بحار الأنوار : ۳۷۵/۹۳ .
- (۹۴)
- (۹۵) بحار الأنوار : ۱۶۵/۷۸ .
- (۹۶) دار السلام : ۱۵۰/۳ .
- (۹۷) جمال الأسبوع : ۳۰۷ .
- (۹۸) فلاح السائل : ۴۴ .
- (۹۹) مكيال المكارم : ۴۳۸/۱ .
- (۱۰۰) بوستان ولايت : ۱۸/۲ .
- (۱۰۱) دستور این ختم از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده و مرحوم آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی آن روایت را در کتاب «گلزار اکبری» نقل کرده است .
- (۱۰۲) مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی از علمای ربّانی مشهد مقدّس بودند و مرحوم والد معظّم اینجانب با ایشان دوستی و رفاقت خالصانه ای داشتند .
- (۱۰۳) سوره نساء ، آیه ۸۶ .

۱۰۴) مکیال المکارم : ۳۳۳/۱ .

۱۰۵) وسائل الشیعه : ۵۶۷/۱۱ .

۱۰۶) الخصال : ۶۳۵/۲ .

۱۰۷) مکیال المکارم : ۱۶۹/۲ .

۱۰۸) نجم الثاقب : ۴۷۳ .

۱۰۹) مفتاح الجنّات : ۴۱۰/۱ .

۱۱۰) مفتاح الجنّات : ۴۲۶/۱ .

۱۱۱) بدان ، جریان مسجد جمکران که در عالم بیداری برای حسن بن مثله واقع شده ، نشانگر شأن و بزرگواری و

مقام والاى جناب سيد ابوالحسن الرضا است ، زيرا در عصر او سادات زيادى از فرزندان ائمه طاهرين عليهم السلام در قم ساكن بودند، لذا برگزيده شدن ايشان از طرف امام زمان صلوات الله عليه بيانگر مقام والا و اهميت موقعيت آن بزرگوار است .

بارگاه آن بزرگوار در شهر مقدس قم ، خيابان آذر مى باشد ، مكاني كه مورد توجه مردم بوده و دوستداران اهل بيت عليهم السلام به زيارت آن مشرف مى شوند ، سزاوار است كساني كه به مسجد جمكران مشرف مى شوند در صورت امكان آن بزرگوار را در مزار شريف ايشان زيارت كنند ، و بر مجاورين و همسايگان آن بارگاه شريف لازم است كه به آن مكان مقدس احترام گذاشته و در زيارت آن اهتمام ورزند .

(۱۱۲) دستور نماز مسجد مقدس جمكران در ص ۱۱۷ اين كتاب بيان خواهيم كرد .

(۱۱۳) بحار الأنوار : ۲۳۰/۵۳ ، نجم الثاقب : ۳۸۳ . تاريخى كه در اين جريان ذكر شده صحيح نيست ؛ زيرا آن را مرحوم شيخ صدوق نقل کرده و وفات ايشان قبل از تاريخ مذکور است .

(۱۱۴) بحار الأنوار : ۲۶۹/۷۷ .

(۱۱۵) رجوع كنيد به اثر ديگر مؤلف : «دولت كريمه امام زمان ارواحنا فداه» .

(۱۱۶) شرح غرر الحكم : ۱۸۵/۱ .

(۱۱۷) شرح غرر الحكم : ۲۲۹/۳ .

(۱۱۸) سوره يوسف ، آيه ۹۲ .

(۱۱۹) شرح غرر الحكم : ۳۰۵/۵ .

(۱۲۰) همين كتاب : ۵۷۷ .

(۱۲۱) همين كتاب : ۵۷۷ .

(۱۲۲) بحار الأنوار : ۱۵۳/۵۲ .

(۱۲۳) سوره طه ، آيه ۱۲ .

(۱۲۴) نهج البلاغه : كلمات قصار : ۲۹۵ .

(۱۲۵) بحار الأنوار : ۳۴۹/۳۹ .

(۱۲۶) بحار الأنوار : ۱۳۵/۷۲ .

(۱۲۷) دار السلام مرحوم عراقى

۳۱۷. تمام این جریان را در ص ۴۳۸ این کتاب نقل می کنیم .

(۱۲۸) سوره اسراء ، آیه ۷۱ .

(۱۲۹) بحار الأنوار : ۳ . ۱۰/۸ . بحار الأنوار : ۱۷۴/۵۳ .

(۱۳۰)

(۱۳۱) مقصود «زیارت ندبه» است که آن را در این کتاب در بخش «زیارت ها» می آوریم .

(۱۳۲) سوره یوسف ، آیه ۹۷ .

(۱۳۳) بحار الأنوار : ۱۲۲/۵۲ .

(۱۳۴) بحار الأنوار : ۱۴۳/۷۷ .

(۱۳۵) بحار الأنوار : ۱۴۰/۵۲ .

(۱۳۶) بحار الأنوار : ۱۳۳/۵۲ .

(۱۳۷) بحار الأنوار : ۱۲۱/۲۷ و ج ۳۸/۶۸ .

(۱۳۸) مهج الدعوات به نقل بحار الأنوار : ۳۳۶/۹۵ .

(۱۳۹) بحار الأنوار : ۱۵۶/۵۱ .

(۱۴۰) سوره بقره ، آیه ۱۴۸ ؛ «هر کجا باشید خداوند همه شما را می آورد» .

(۱۴۱) سوره تغابن ، آیه ۸ .

(۱۴۲) الکافی : ۱۹۴/۱ .

(۱۴۳) بحار الأنوار : ۲۴۳/۴۶ .

(۱۴۴) بحار الأنوار : ۲۴۴/۴۶ .

(۱۴۵) کمال الدین : ۳۹۰/۲ .

(۱۴۶) القطره : ۵۳۶/۲ .

(۱۴۷) بحار الأنوار : ۲۱۲/۳۴ .

(۱۴۸) بحار الأنوار : ۹۱/۵۱ .

(۱۴۹) کفایه الأثر : ۱۵۸ ، بحار الأنوار : ۳۳۷/۳۶ و ۱۰۹/۵۱ .

(۱۵۰) بحار الأنوار : ۱۳۱/۵۱ .

(۱۵۱) حضرت نرجس خاتون علیها السلام شاهزاده بزرگ روم ، برای پیوستن به خاندان وحی علیهم السلام ، لباس کنیزان را پوشید و در میان آنان رفت و افتخار جاودانه مادر شدن برای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را نصیب خود ساخت . به جهت پوشیدن لباس کنیزان و اسارت ، از ایشان به عنوان بهترین کنیزان در روایات یاد شده است .

(۱۵۲) بحار الأنوار : ۳۶/۵۱ .

(۱۵۳) الغیبه مرحوم نعمانی : ۲۲۹ .

(۱۵۴) بحار الأنوار : ۱۲۱/۵۱ .

(۱۵۵) بحار الأنوار : ۱۱۵/۵۱ .

(۱۵۶) نهج البلاغه فیض الإسلام : خطبه ۲۶

(۱۵۷) الغیبه مرحوم نعمانی : ۲۷۳ .

(۱۵۸) بحار الأنوار : ۲۴/۲۴۱ و ۱۳۹/۵۱ و ۳۹۴/۳۶ .

(۱۵۹) الغیبه مرحوم نعمانی : ۲۷۳ ، بحار الأنوار : ۱۴۸/۵۱ . صاحب کتاب «عقد الدرر» این روایت و روایات دیگری را به امام حسین علیه السلام نسبت داده و به دلیل سند آن اشتباه است و علت اشتباهش این است که کتبه «ابو عبدالله» را که مشترک است میان امام حسین و امام صادق علیهما السلام، به امام حسین علیه السلام نسبت داده است. رجوع کنید به کتاب «الصحیفه المبارکه المهدیه».

(۱۶۰) فلاح السائل : ۱۷۰ .

(۱۶۱) بحار الأنوار : ۸۱/۸۶ .

(۱۶۲) الغیبه نعمانی : ۱۸۰ ، کمال الدین : ۳۷۰ ، بحار الأنوار : ۱۵۲/۵۱ ، إلیام الناصب : ۲۲۱/۱ .

(۱۶۳) إلیام الناصب : ۲۷۱/۱ .

(۱۶۴) الغدير : ۳۶۱/۲ . شبیه این روایت را علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار : ۱۵۴/۵۱» نقل نموده است .

(۱۶۵) إلیام الناصب : ۲۷۱/۱ .

### بخش اول: نمازها

#### انباره

در این بخش بعضی از نمازهایی را که از امام زمان ارواحنا فداه روایت شده ، یا برای آن حضرت نقل گردیده ، می آوریم :

#### ۱ نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

قطب راوندی رحمه الله می نویسد : نماز امام زمان ارواحنا فداه دو رکعت است ؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» را باید خواند و چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید ، آن را صد مرتبه باید گفت ، و بعد از نماز صد مرتبه بر محمد و آل محمد عليهم السلام صلوات فرستاده ، و از خدا حاجتش را بخواهد . (۱)

این نماز به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و خواندن سوره بعد از «حمد» شرط نشده و خواندن دعای مخصوصی بعد از نماز وارد نشده است .

#### ۲ نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید : نماز حضرت حجت ارواحنا فداه دو رکعت است ؛ در هر رکعت سوره «حمد» را تا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می خوانی ، و چون به این آیه رسیدی صد مرتبه آن را تکرار می کنی ، و بعد بقیه سوره «حمد» را خوانده و بعد از آن سوره «اخلاص» را یک مرتبه می خوانی و پس از نماز این دعا را می خوانی :

نماز مسجد مقدس جمکران

اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ ، وَبَرِحَ الْخِفَاءُ ، وَأَنْكَشَفَ الْعُطَاءُ ، وَصَاقَتِ خَدَاوِنْدَا ؛ بِلَا وَ مَصِيْبَتِ بَزْرِكْ شَد ، وَ پَنَهَائِي بِرَطْرَفِ گِشْت (آنچه پنهان بود آشکار شد) ، و پرده کنار زده شد ، الْأَرْضُ بِمَا وَسَّعَتِ السَّمَاءُ ، وَإِيَّاكَ يَا رَبُّ الْمُسْتَنْكِي ، وَعَلَيْكَ وَ زَمِينِ (بر ما) تنگ آمد با وجود وسعت آسمان ، وَ شَكَابَتِ مَا تَنَهَا بِه سَوِي تُوْسْت ، وَ اعْتِمَادِ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرُّخَاءِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ تَكِيه ما در هر سختی و سستی بر توست

. خداوندا ؛ درود بفرست بر محمد و آل محمد ، الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ . وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَاتِلِهِمْ ، وَأَظْهِرْ كِسَانِي كَمَا مَا رَا بِي إِطَاعَةَ شَانِ أَمْرٍ كَرَدِي . خداوندا ؛ فرج آل محمد را به وسیله قائم ایشان تعجیل فرما ، إِغْرَازَهُ ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي فَإِنِّكُمْمَا وَ عَزَّتْ وَ بَزْرُغِي او را ظاهر کن ؛ ای محمد ؛ ای علی ؛ ای علی ؛ ای علی ؛ ای محمد ؛ مرا کفایت کنید کافیانای ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصِرَانِي فَإِنِّكُمْمَا که شما کفایت کنندگان من هستید . ای محمد ؛ ای علی ؛ ای علی ؛ ای علی ؛ ای محمد ؛ مرا حفاظت کنید که شما حفاظای ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِحْفَظَانِي فَإِنِّكُمْمَا یاری کنندگان من هستید . ای محمد ؛ ای علی ؛ ای علی ؛ ای علی ؛ ای محمد ؛ مرا صاحب الزمان ، یا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ، یا مَوْلَايَ یا صَاحِبَ حَافِظَايَ ، یا مَوْلَايَ یا صَاحِبَ حَافِظِ وَ نَگَهِدَارِ من هستید . ای مولای من ؛ ای صاحب الزمان ؛ ای مولای من ؛ ای صاحب الزمان ، أَلْعَوْثُ أَلْعَوْثُ أَلْعَوْثُ ، الزمان ؛ ای مولای من ؛ ای صاحب الزمان ؛ به فریاد رس ، به فریاد رس ، به فریاد رس ، أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي ، أَلْأَمَانُ أَلْأَمَانُ أَلْأَمَانُ . (۲)

مرا درياب مرا درياب مرا درياب ، امانم ده امانم ده امانم ده .

۱ . جمال الأسبوع : ۱۸۱ ، بحار الأنوار : ۱۹۱/۹۱ .

این نماز نیز به زمان و



مکان معینی اختصاص ندارد، اما خواندن سوره «اخلاص» بعد از قرائت سوره «حمد» و خواندن دعایی که نقل شد، بعد از نماز شرط شده است.

### ۳ نماز مسجد مقدس جمکران

حسن بن مثله رحمه الله می گوید: مولای مان امام زمان صلوات الله علیه به من فرمودند:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند (بیابند)، و آن را عزیز و بزرگ دارند و در اینجا چهار رکعت نماز گذارند: دو رکعت برای تحیت و احترام مسجد، که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه سوره «اخلاص»، و در هر رکوع و سجده، ذکر آن را هفت مرتبه بگویند.

و پس از آن دو رکعت برای امام زمان صلوات الله علیه به گونه ای که ذکر می شود انجام دهد: سوره «حمد» را شروع کند، به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» که رسید آن را صد مرتبه تکرار کند، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص» را بعد از آن بخواند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز همین گونه بخواند.

و چون نماز را به پایان برد، تهلیل (۳) گفته و تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و چون از آن فارغ شد به سجده رفته بر محمد و آل محمد صد مرتبه صلوات فرستد.

سپس حضرت این کلمات را فرمودند:

فمن صلاها فكأنما صلى في البيت العتيق.

هر کس این نماز را بخواند گویا در بیت عتیق (کعبه) خوانده است. (۴)

### ۴ نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حله و نعمانیه (۵)

محدث نوری رحمه الله می گوید: فاضل جلیل القدر میرزا عبدالله اصفهانی (مشهور به افندی) در جلد پنجم کتاب «ریاض العلماء» در شرح حال شیخ ابن ابی جواد نعمانی می گوید:

ایشان از کسانی است که

در زمان غیبت کبری، امام زمان صلوات الله علیه را دیده است و از آن حضرت حدیث نقل کرده است. من در جای دیگر نقلی از خط شیخ زین الدین علی بن حسن بن محمد خازن حایری (شاگرد شهید) نیز دیده ام که ابن ابی جواد نعمانی مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه را دیده و از آن حضرت سؤال کرده است: مولای من؛ آیا شما مقامی در نعمانیه و مقامی در حله دارید؛ چه وقت در آن دو مکان حضور دارید؟

حضرت فرمودند:

شب و روز سه شنبه در نعمانیه هستم، و شب و روز جمعه در حله؛ اما اهل حله، ادب را در مقام من بجای نمی آورند؛ و کسی نیست که با ادب داخل مقام من شود و با رعایت ادب بر من و ائمه سلام کند، و بر من و ایشان، دوازده مرتبه صلوات بفرستد؛ سپس دو رکعت نماز با دو سوره بخواند و با خداوند مناجات کند؛ مگر این که خدا آنچه می خواهد به او عنایت کند که یکی از آن ها مغفرت و بخشش پروردگار برای اوست.

نماز منسوب به امام زمان علیه السلام ...

گفتم: مولای من؛ آن مناجات را به من بیاموز.

حضرت فرمودند: بگو:

اللَّهُمَّ قَدْ أَخَذَ التَّادِيْبُ مِنِّي ، حَتَّى مَسَّنِيَ الضَّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ بَارِئِهَا؛ مجازات و مکافات اعمالم به سراغم آمد، تا این که به سختی و بدحالی گرفتار آمدم و تو مهربان ترین الرَّاحِمِينَ، وَإِنْ كَانَ مَا اقْتَرَفْتُهُ مِنَ الذُّنُوبِ أَشَدَّ حَقًّا بِهٖ أَعْصَفَ مَهْرَبَانِي . و هر چند گناهایی که مرتکب

شدم مرا سزاوار چندین و چندین برابر این مجازات هایی که اضعاف ما اذبتنی به وانت حلیم ذو انابه، تغفو عن کثیر حتی

با آن ها مرا ادب فرمودی کرده است، ولی تو بردبار و مدارا کننده ای، از گناهان زیاد چشم پوشی می کنی تا یشیق عفوک ورحمتک عذابک .

بخشش و رحمت تو بر عذابت پیشی گرفته باشد .

حضرت این دعا را سه مرتبه برایم تکرار فرمود تا یاد گرفتم. (۶)

### ۵ نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت ها

خاتون آبادی رحمه الله این نماز را در «جئات الخلود» به امام زمان ارواحنا فداه نسبت داده است : شب قبل از خواب ، ظرف تمیزی را که پر از آب پاکیزه است در کنار سر خود بگذارید و با پارچه تمیزی آن را بپوشانید و چون برای نماز شب برخاستید سه جرعه از آن آب بنوشید و با باقی مانده آن وضو بسازید . رو به قبله بایستید اذان و اقامه بگویید و دو رکعت نماز با هر سوره ای که خواستید بخوانید .

بعد از خواندن سوره به رکوع رفته و بیست و پنج مرتبه بگویید : «یا غیاثَ الْمُسْتَضِیِّیْنَ» ای فریاد رس داد خواهان( . سپس سر از رکوع برداشته همین ذکر را بیست و پنج مرتبه بگویید و همین کار را در سجده اول و بعد از سجده اول ، و در سجده دوم و بعد از سجده دوم تکرار کنید .

سپس برای رکعت دوم برخاسته و همین کار را در رکعت دوم نیز انجام دهید ، که در این هنگام سیصد مرتبه این ذکر را گفته اید . سپس تشهد خوانده و سلام نماز را می گوید ، بعد سر را به سوی آسمان بلند کنید

و سی مرتبه بگوید: «مَنْ الْعَبْدُ الدَّلِيلُ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ»؛ (از سوی بنده ای خوار به سوی مولایی بزرگوار)، و حاجت خود را بگوید که به اذن خدای متعال زود اجابت می شود. (۷)

نگارنده گوید: محدث قمی رحمه الله این نماز را تحت عنوان «نماز استغاثه» در کتاب «الباقیات الصالحات» نقل کرده، ولی آن را به امام زمان ارواحنا فداه نسبت نداده است.

### نماز توجّه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه

نماز و دعای فرج برای رفع ...

احمد بن ابراهیم گوید: به ابی جعفر محمد بن عثمان علاقه ام را برای دیدن مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه عرض کردم.

به من گفت: آیا با اشتیاق فراوان دوست داری امام را ببینی؟ گفتم: آری.

به من گفت: خدا به این اشتیاق پاداش دهد و جمال حضرت را به آسانی و عافیت به تو نشان دهد. اما ای ابا عبدالله؛ التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت شوق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی دیدار او درخواست نمی شود (۸)، چرا که این اراده خداست و تسلیم در برابر اراده او بهتر است اما با خواندن زیارت به آن حضرت توجّه کن.

اثر کیفیت عمل: آنچه به محمد بن علی املا کرده و دیگران از او نسخه برداری کرده اند آن توجّه به صاحب الزمان ارواحنا فداه است با خواندن زیارت بعد از دوازده رکعت نماز که به صورت دو رکعتی انجام می دهی و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را در تمام این رکعت ها می خوانی، بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده و می گویی سخن خداوند عزّ وجلّ را:

«سَلَامٌ عَلَيَّ اِل

یاسین» ، ذلک هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ، سلام بر آل یاسین ، این همان فضل آشکار است از جانب خداوند ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، إِمَامُهُ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ ، قَدْ وَخَدَا صَاحِبَ فَضْلِ بَزْرُكَ  
است ، پیشوای او کسی است که او را به راه مستقیم خداوند هدایت کند ؛ اَتَاكُمْ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ يَاسِينَ ... (۹)

به تحقیق خداوند به شما جانشینی اش را داده است ای آل یاسین .

### ۷ نماز و دعای فَرَج برای رفع مشکلات مهم

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه علیها السلام» می گوید : ابو حسین کاتب گفت : کاری را از ابی منصور صالحان به عهده گرفتم و چیزی میان من و او پیش آمد کرد که لازم شد مخفی شوم و او در جستجوی من بود و تهدیدم می کرد .

مدتی از ترس او مخفی شدم و در شب جمعه ای که باد و باران می وزید به قبرستان قریش رفتم . آنجا برای دعا در حجره ای نشستم و از ابن جعفر قیم خواستم که درها را ببندد و کوشش کند تا آن محل خلوت باشد و من برای دعا و نیایش با خدا خلوت کنم ، و ایمن باشم از وارد شدن شخصی که نسبت به او ایمن نیستم و از دیدارش بیمناکم . ابن جعفر درها را قفل کرد و شب به نیمه رسید و آن قدر باد وزید و باران بارید که دیگر کسی به آنجا نمی توانست بیاید .

من دعا و زیارت و نماز می خواندم تا این که در این بین صدای پایی از کنار قبر مولای مان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام به گوشم رسید ، در

این هنگام مردی را دیدم که زیارت می خواند . در زیارتش به حضرت آدم و پیامبران اولوالعزم علیهم السلام و هر یک از ائمه علیهم السلام درود فرستاد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید ولی آن حضرت را یاد نکرد . از این کار او تعجب کردم و با خود گفتم : شاید فراموش کرد یا نمی داند یا مذهب این مرد این گونه است .

وقتی زیارتش به پایان رسید دو رکعت نماز خواند و رو کرد به طرف قبر مولای مان ابی جعفر امام جواد علیه السلام و مثل همان زیارت و سلام را خواند و دو رکعت نماز گزارد . در حالی که من از او بیمناک بودم چون او را نمی شناختم . و او را جوانی از بزرگان دیدم که لباس های سفیدی بر تن داشت و عمامه ای که دارای تحت الحنک بود و ردایی که بر دوش داشت .

به من گفت : ای ابا الحسین پسر ابی العلاء ؛ چرا دعای فرج نمی خوانی ؟

گفتم : چگونه است ای سرور من ؟ فرمود :

دو رکعت نماز می خوانی و می گویی :

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيحِ أَي كَسَى كَهِ زِيْبَائِي رَا أَشْكَارَ كَرْد وَ زَشْتِي رَا پُوشَانِيْد ، أَي آن كِه بِه گناه مؤاخذه نكرده وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ ، يَا مُبْتَدِيَّ وَ پَرْدِه رَا نَدَرْد ، أَي آن كِه احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او بزرگوارانه است ، أَي آغازگر النعم قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ ، يَا نِعْمَتَ هَا قَبْلَ از اسْتِحْقَاقِ آن ،

ای صاحب گذشت نیکو ، و آمرزش فراگیر ، ای بایطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ ، یا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى ، و یا غَايَةَ كُلِّ آن که دستان رحمتش باز است ، ای نهایت هر نجوا و رازگویی ، و ای پایان هر شکوی، و یا عَوْنُ كُلِّ مُشْتَعِينٍ، یا مُبْتَدَأُ النَّعْمِ قَبْلَ اشْتِخَاقِهَا، شتکوه و شکایت ، ای بار هر یاری طلب ، ای آغازگر نعمت ها قبل از استحقاق آن ، «یا رَبَّاهُ» ده مرتبه ، «یا سَيِّدَاهُ» ده مرتبه ، «یا مَوْلَاهُ» ده مرتبه ، «یا ای پروردگام ؛ ای آفا و سرورم ؛ ای مولایم ، ای غایبانه» ده مرتبه ، «یا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ» ده مرتبه . اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ نَهَائِتِ مَقْصُودِ ؛ ای نهایت اشتیاقم ؛ از تو می خواهم به حَقِّ الْأَسْمَاءِ ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إَلْمَا ما این نام ها و به حَقِّ مُحَمَّدٍ و آل پاکش - که بر آنان درود باد - که كَشَفْتُ كَرْبِي ، وَنَفَّسْتُ هَمِّي ، وَفَرَّجْتَ عَنِّي ، وَأَصْرَلَخْتَ حَالِي . بلا و سختی را از من برطرف کنی ، و اندوهم را بزدایی ، و گشایش در کارم دهی ، و حالم را اصلاح نمایی .

بعد از آن هر چه می خواهی دعا کن ، و حاجت را بطلب ؛ سپس گونه راست صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در آن حال می گویی :

یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ ، یا عَلِيُّ یا مُحَمَّدُ ، اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَانِي ، ای محمد ای علی ؛ ای علی ای محمد ؛ مرا کفایت کنید که همانا شما مرا کفایت کننده اید وَاَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِي .

و یاریم کنید که شما

مرا یاری کننده اید .

سپس گونه چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می گوئی : «أَدْرِكُنِي» (مرا دریاب) و آن را بسیار تکرار کن . و سپس به اندازه یک نَفَس می گوئی : «الْعُوْتُ [الْعُوْتُ]» (به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس) ؛ بعد سر از زمین بردار که خداوند با بزرگواریش حاجتت را برآورده می کند إِنْ شَاءَ اللَّهُ .

وقتی به نماز و دعا مشغول شدم او خارج شد . بعد از نماز به سراغ ابن جعفر رفتم تا از او درباره آن مرد و چگونگی ورودش بپرسم . دیدم درها بسته و قفل هستند ، تعجب کردم و با خود گفتم : شاید او از ابتدای شب این جا بوده و من نمی دانستم . ابن جعفر قیم را صدا زدم . ابن جعفر از اطاقی که روغن چراغ های حرم در آنجا بود آمد .

از او درباره این مرد و چگونگی ورودش سؤال کردم . گفت : همان طور که می بینی درها بسته است و من آن را باز نکرده ام . دوباره جریان را از او جویا شدم ، گفت : آن مرد مولای مان امام زمان صلوات الله علیه بود و من بارها ایشان را در مثل امشب و هنگامی که این جا خالی از مردم است دیده ام .

با شنیدن این حرف ، تأسف و حسرت فراوان خوردم که چرا ندانستم . نزدیک طلوع فجر از آنجا خارج شدم تا به محلی که در آن مخفی شده بودم روانه شوم . آفتاب هنوز بالا نیامده بود که کسانی از سوی ابن صالحان با امان نامه ای از وزیر و نامه ای به خط



خودش سراغ مرا از دوستانم می گرفتند و به دنبال من می گشتند . با یکی از دوستان مطمئن خود نزد او رفتم ، برایم برخاست و مرا چنان احترام کرد که هرگز مانند آن را به یاد نداشتم .

رو کرد به من و گفت: حالت آن گونه شد که به امام زمان ارواحنا فداه شکایت مرا نمودی؟

گفتم : من تنها دعا و درخواست کردم . گفت : وای بر تو ، دیشب ( شب جمعه ) مولایم امام زمان صلوات الله علیه را در خواب دیدم که مرا به نیکی کردن درباره تو امر فرمود و در این مورد چنان به من تندی نمود که ترسیدم .

پس گفتم : لا إله إلا الله ؛ شهادت می دهم که ائمه علیهم السلام بر حق اند و حقّ به آنان ختم می شود ؛ من دیشب آقاایم را در بیداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند . و آنچه با چشم خود دیده بودم شرح دادم .

ابی منصور از آن تعجب کرد و کارهای بزرگ نیکی انجام داد . و به برکت مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداه آنچه فکر آن را هم نمی کردم ، از سوی امیر درباره من انجام شد . (۱۰)

علامه شیخ علی اکبر نهایندی رحمه الله در «العبقری الحسان» می گوید : من این دعا را چندین بار تجربه کرده ام و در استجابت و رسیدن به مقصود مؤثر دیدم . سپس سخن آیه الله عراقی در «دارالسلام» را نقل کرده است که آن به این شرح است :

آثار عجیبی از این دعا دیده ام و اولین اثر آن را در شهر تهران در سال ۱۲۶۶ مشاهده کردم . من در

منزل ملک التجار، مهمان حاج میرزا باقر امام جمعه بودم. ایشان از وطنش تبعید شده بود و از طرف حاکم اجازه نداشت به تبریز برگردد. من هر چند مهمان او بودم و تهیه خوردنی و آشامیدنی بر من لازم نبود اما به خاطر مخارج دیگر، چون غریب بودم و با اهل آنجا مأنوس نبودم قرض برایم امکان نداشت، و لذا به شدت در تنگدستی بودم.

یک روز با امام جمعه در صحن خانه نشستیم بودیم. من بلند شدم و به اتاق بالا برای استراحت و نماز رفتم. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر کتابی را در اتاق دیدم. آن را برداشتم و دیدم ترجمه جلد سیزدهم «بحار الأنوار» است که در احوالات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده است.

چون کتاب را باز کردم این دعا را در باب معجزات حضرت دیدم. با خود گفتم: آن را امتحان می کنم. پس بلند شدم، نماز خواندم و دعا کردم و سجده انجام دادم. سپس پیش شیخ رفتم و در کنارش نشستم که در این هنگام مردی با کاغذی در دست وارد شد و آن را به امام جمعه داد و پارچه سفیدی را در پیش او گذاشت.

امام جمعه بعد از خواندن نامه، آن را به همراه پارچه به من داد و گفت: این مال توست.

وقتی پارچه را باز کردم دیدم تاجر علی اصغر تبریزی بیست تومان در پارچه گذاشته و در نامه نوشته که به من برسانند. به زمان نوشتن نامه که نگاه کردم دیدم درست همان زمانی

است که از دعا فارغ شدم . تعجب کردم و در حالی که خدا را تسبیح می گفتم تبسمی کردم ، امام جمعه علت را از من پرسید و من داستان را برایش گفتم .

امام جمعه گفت : سبحان الله ؛ من هم این کار را به خاطر برطرف شدن مشکلم انجام می دهم .

به او گفتم : بلند شو و شتاب کن .

به اتاق رفت و پس از خواندن نماز ظهر و عصرش همان کارهایی را که من انجام داده بودم بجا آورد و زمانی نگذشت که حاکمی که او را به تهران احضار کرده بود برکنار شد و شاه از او معذرت خواهی کرد و او را با احترام به تبریز برگردانید و از آن پس ، این کار ذخیره ای برایم در گرفتاری ها بود و آثار عجیبی از آن مشاهده کردم .

سالی نیز در نجف ، بیماری وبا زیاد شده بود و بسیاری بر اثر آن جان خود را از دست دادند و مردم مضطرب و پریشان خاطر گشته بودند . چون این گونه دیدم از شهر بیرون رفته و این کار را انجام دادم و از خدا خواستم وبا را برطرف کند . سپس وارد شهر شدم و به کسی نگفتم چه کاری انجام داده ام . ولی به نزدیکانم خبر برطرف شدن وبا را دادم .

به من گفتند : از کجا می گویی؟ گفتم : مستند خود را در این گفتار به شما نمی گویم .

گفتند: فلانی و فلانی دیشب به وبا مبتلا شدند . گفتم : این طور نیست به طور حتم ، قبل از دیشب مبتلا شده بودند . و بعد از تحقیق درستی گفتارم ثابت

شد .

چندین بار دوستانم گرفتار سختی ها شدند و من این کار را به آنان یاد دادم و به سرعت مشکلاتشان رفع شد .

روزی در خانه یکی از دوستان بودم ، از گرفتاری و سختی حال او اطلاع پیدا کردم و این کار را به او یاد دادم و به خانه ام بازگشتم . بعد از زمان کوتاهی صدای کوبیدن درب را شنیدم و همان مرد به خانه من آمد و گفت : از برکت دعای فرج ، مشکلم رفع شد و مالی بدست آوردم ؛ چه مقدار نیاز داری تا به تو بدهم ؟

گفتم : من به برکت این دعا هیچ گونه احتیاجی ندارم ولی برایم ماجرایت را بگو .

گفت: جریان این بود که بعد از رفتن تو از خانه ام به حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شده و این کار را انجام دادم وقتی از حرم شریف بیرون آمدم مردی را ملاقات کردم و او به اندازه نیازم به من بخشید .

نماز استغاثه به امام زمان علیه السلام

خلاصه این که من اثر این کار را خیلی زود دیدم . اما فقط به کسی که در تنگنا و نیاز شدید باشد این دعا را یاد می دهم و خودم انجام نمی دهم مگر این که در چنین حالی باشم ؛ چون نامگذاری این دعا به دعای فرج توسط امام زمان صلوات الله علیه این مطلب را می رساند که در زمان شدت گرفتاری و در تنگنا اثر می کند . (۱۱)

### **۸ نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه**

سید علیخان رحمه الله در «الکلم الطیب» می گوید : این استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه است ، هر جا باشی دو رکعت نماز با حمد و سوره بجای آور ،

آن گاه رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو :

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ سَلَامٌ كَامِلٌ وَتَمَامٌ وَشَامِلٌ وَعَامٌّ خَدَاوَنَدٌ، وَدُرُودَهَايْ هَمِيْشِگِي وَبِرَكَاتِ الْفَائِمَةِ التَّامَّةِ، عَلَي حُجَّهِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ پابنده و كامل خدا، بر حجت خدا و ولی او بر روی زمین و شهرهای او، و جانشین او علی خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسَيْلَالِهِ النَّبِيِّ، وَبَيْتِهِ الْعَتَرَةِ وَالصَّفْوَةِ، بر آفریدگان او و بندگانش و بر نسل پاک نبوت، و باقی مانده عترت و برگزیدگان، صاحب الزمان، وَمُظَهِّرِ الْإِيمَانِ، وَمُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ حَضْرَتِ صَاحِبِ الزَّمَانِ، و آشکار کننده ایمان، و آموزنده و تعلیم گر احکام قرآن، و پاک کننده الْأَرْضِ، وَنَاشِئِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّوْلِ وَالْعَرُضِ، وَالْحُجَّجِ الْقَائِمِ زَمِينِ، و نشر دهنده عدل در طول و عرض (جهان)، و حجت قائم الْمَهْدِيِّ، الْإِمَامِ الْمُتَنْظِرِ الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، مهدی، امام منتظر پسندیده، و فرزند پیشوایان پاک، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ بْنِ الْأَيْمَةِ وَصِيِّ كِه فرزند اوصیاء پسندیده است، راهنمای معصومی که فرزند امامان الْهَادِي الْمَعْصُومِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُشْتَضِعِّينَ، هدایت گر معصوم است. سلام بر تو ای عَزَّتْ بَخْشِ مُؤْمَانِي كِه آن ها را ضعیف شمرده و به ناتوانی واداشته اند، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدْلِلَ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ. السَّلَامُ سَلَامٌ بِر تُو اِي خُوَار كِنْدِه كَافِرَانِ مُتَكَبِّرِ سَتَمَكْر؛ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِيَّ زَنْبُولِ بِر تُو اِي مَوْلَايَ مِنْ اِي صَاحِبِ

الزمان ؛ سلام بر تو ای فرزند رسول الله ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ امیرِ الْمُؤْمِنِینَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ خدا ؛ سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان ؛ سلام بر تو ای فرزند فاطمه الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ الْأَئِمَّةِ فَاطِمَةَ زهرا بانوی زنان جهانیان ؛ سلام بر تو ای فرزند امامان الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِینَ وَالْإِمَامِ عَلَی الْمَخْلُوقِ أَجْمَعِینَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ که حجت های معصوم بودند و ای رهبر و پیشوای تمام خلایق ؛ سلام بر تو یا مَوْلَایَ سَیِّدَامِ مُخْلِصِ لَبِّكَ فِي الْوِلَايَةِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ ای مولای من ؛ سلام کسی که در ولایت برای تو اخلاص دارد (تنها ولایت و محبت تو را دارد) . شهادت می دهم که همانا تو پیشوای الْمُهَيِّدِی قَوْلًا وَفِعْلًا ، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلُّهُ الْأَرْضُ قَبِيضًا وَعَدَدًا ، هدایت شده و هدایتگری از جهت گفتار و کردار ؛ و تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر خواهی کرد بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا ، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَكَ ، وَسَيَّرَ لَكَ مَخْرَجَكَ ، بعد از آن که از جور و ستم پر شده باشد ؛ پس خدا در ظهورت تعجیل کند ، و خروجت را آسان و قَرِيبَ زَمَانِكَ ، وَكَثُرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ ، و زمان ظهورت را نزدیک نماید ، و باران و یاوران تو را زیاد گرداند ، و به آنچه به تو وعده داده است وفا فُهِوْ أَصْدَقُ الْقَائِلِینَ «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي كُنُودِهِمْ» که او راستگوترین سخنگویان است (آنجا که می فرماید : «می خواهیم بر اهل ایمانی که در زمین ضعیف شمرده شده اند اَلْأَرْضِ

وَنَجْعَلُهُمْ أُيْمَةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ» (۱۲). یا مَوْلایِ یا مَنّت گذاشته و ایشان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم». ای مولای من ای صاحبِ الزَّمانِ ، یا بَیْنَ رَسولِ اللَّهِ ، حاجتی کَذَا وَ کَذَا ، و به جای «کذا صاحب الزمان ، ای فرزند رسول خدا ؛ حاجتم چنین و چنان است ؛

و کذا» حاجت خود را ذکر نماید ، فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا ، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ تو در مورد برآورده شدن آن برای من (در پیشگاه خدا) شفاعت کن ، که من ۱ . سوره قصص ، آیه ۵ .

إِلَيْكَ بِحَاجَتِي ، لِعَلَّمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً ، وَمَقَامًا بِهِ شَمَا بَرای رفع حاجتم روی آورده ام ؛ چون می دانم که شفاعت تو در پیشگاه خدا پذیرفته شده و برای شما مقام مَحْمُودًا ، فَبِحَقِّ مَنْ اِخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ ، وَأَرْتَضَاكُمْ لِبِسْرِهِ ، وَبِالشَّأْنِ سَتُودَهُ است ؛ پس به حق آن کسی که شما را به امر خودش اختصاص داد و برای اسرار خود برگزید ، و به آن شأنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ ، سَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي ، و مقامی که نزد خدا برای شما است و ارتباطی که میان شما و اوست از خدا بخواهید که خواسته هایم را برآورده ساخته و اجابۀ دَعْوَتِي ، وَكَشَفِ كُرْبَتِي .

و دعایم را مستجاب گرداند ، و اندوهم را برطرف سازد .

و هر چه دوست داری دعا کن و بخواه که ان شاء الله برآورده می شود . (۱۳)

علّامه شیخ محمود عراقی در کتاب «دار السلام» - که در آن جریان کسانی ذکر شده است که به ملاقات و عرض سلام خدمت امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب

شده اند - می فرماید: این عمل را خودم تجربه کرده و آثار عجیبی از آن مشاهده کرده ام، بعضی از علما از یاد دادن آن به نااهلان خودداری می کردند و از کارهایی بود که در گرفتاری های بزرگ آن را تجربه کرده بودند. (۱۴)

ایشان در «دار السلام» می فرماید: به نظر می رسد سوره «فتح» و «نصر» برای بعد از سوره «حمد» تعیین شده و فاضل معاصر آن را معین فرموده است؛ و بعید نیست که انجام این عمل در نیمه شب معین شده باشد؛ چون راوی در آن وقت مأمور به انجام شده بود و اطلاقی در کلام نیست تا غیر آن وقت را هم شامل شود، لذا قدر متیقن و آن وقت حتمی و یقینی همان نیمه شب است.

فاضل معاصر از قول کفعمی رحمه الله قبل از نماز و زیارت علاوه بر تعیین این دو سوره، غسل را نیز افزوده است، هر چند در کتاب «مصباح الزائر» سوره معین نشده است.

بنابراین، آنچه از فرمایشات این بزرگواران ظاهر می شود این است که تعیین سوره ها و تعیین وقت گرچه اقوی نیست ولی به احتیاط نزدیک تر می باشد و انجام دادن غسل شرط نشده گرچه آن هم مطابق با احتیاط است. ۳.

### ۹ نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید جلیل القدر علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: ابو محمد صیمری گفته است: ابو عبدالله احمد بن عبدالله بجلی با سندی که آن را به ائمه علیهم السلام رسانده، گفته است:

... اگر کسی بتواند علاوه بر نمازهای پنجگانه و نوافل، نماز دیگری بخواند (هر چند هر روز دو رکعت باشد) و آن را به



یکی از ائمه علیهم السلام هدیه کند . شروع این نماز در رکعت اول مانند شروع نماز واجب با هفت ، یا سه و یا یک تکبیر است و بعد از ذکر رکوع و سجده در هر رکعت سه بار بگوید : «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ» ؛ (درود خداوند بر محمد و آل پاک و پاکیزه او باد) ، و چون تشهد خواند و سلام داد ) بعد از نمازی که به امام زمان ارواحنا فداه هدیه می کند( بگوید :

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ بَارِ خَدَاوَنَدَا ؛ تو سلامی (ماه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست ؛ ای صاحب بزرگی و احترام ؛ درود فرست علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ ، وَأُيَلِّغُهُمْ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَكُونُ وَنِيكُوتُ كَارَانِدَا ، وَبِهَيْتَرِينَ سَلَامٍ وَتَحِيَّةٍ مِنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ . اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنْ بَرِّكَ إِلَى اللَّهِ يَا خَدَايَا ؛ همانا این دو رکعت هدیه ای است منی ای عِبْدِكَ وَإِبْنِ عِبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَإِبْنِ وَلِيِّكَ سَبِيحَةَ نَبِيِّكَ فِيهِ مِنْ بَرِّكَ لِأَبْنِ بِنْدَةَ اتِّ وَفَرْزَنْدِ بِنْدَةَ اتِّ وَوَلِيِّ تُوِّ وَفَرْزَنْدِ وَوَلِيِّ تُوِّ ، نُوّه پيامبر وَفَرْسْتَادَةَ اتِّ دَرِ أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا وَلِيَّ رُؤْيِ زَمِينَ تُوِّ وَحُجَّتِ بَرِّ مَخْلُوقَاتِ تُوِّ ؛ ای سرپرست مؤمنان ، ای سرپرست مؤمنین ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ . (۱۵)

اهداء نماز به امام زمان عليه السلام ...

مؤمنان ، ای سرپرست مؤمنان .

۱ . جمال الأسبوع : ۲۹ .

• اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالى فرجه در روز پنج شنبه

شيخ طوسي رحمه

الله در کتاب «مصباح کبیر» خود می گوید: روایت شده که برای هدیه کردن نماز به معصومین علیهم السلام به این طریق باید عمل کرد:

روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و چهار رکعت هدیه به فاطمه زهرا علیها السلام.

روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه السلام و هر روز چهار رکعت هدیه برای یکی از ائمه علیهم السلام تا روز پنج شنبه که چهار رکعت به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه می کند.

سپس دوباره روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و چهار رکعت هدیه به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

سپس روز شنبه، چهار رکعت هدیه به امام کاظم علیه السلام و همین کار را ادامه دهد تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام زمان ارواحنا فداه هدیه کرده و بین دو رکعت نماز این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ ، وَمِنْكَ السَّلَامُ ، وَإِلَيْكَ يَعُوذُ السَّلَامُ ، حَيَّنَا بَارِ خَدَاوَنَدَا ؛ تُو سَلَامِي (مايه سلامت و آرامش و ايمنی هستی) و سلام از جانب توست ، و به سوی تو باز می گردد . رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ .  
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّتُهُ مِنِّي اِلَى پروردگارا ؛ سلامی از سوی خودت بر ما هدیه کن . خداوندا ؛ این چند رکعت نماز ، هدیه ای است از من به الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ (۱۶) ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ،  
وَبَلِّغْهُ اِيَّاهَا، حَجَّتْ بِنِ الْحَسَنِ، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و این

هدیه را به او برسان و اَعْطِنِي اَفْضَلَ اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ ، وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ و به من فزون تر از آرزو و اُمیدی که در مورد تو و رسولت - که رحمت و درود تو ۱ . نام امامی را که نماز را به او هدیه می کنی بگو .

عَلَيْهِ وَ اِلَهٍ [ وَفِيهِ ] . و هر چه دوست داری طلب کن و دعا کن . (۱۷)

بر او و آل او باد - [ او در مورد حجتت ] دارم ، عطا فرما .

### **انماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه در شب های پنج شنبه و جمعه**

در کتاب «التحفة الرضویة» آمده است : عالم جلیل القدر سید حسین همدانی نجفی رحمه الله به من فرمود :

هر کس حاجتی دارد ، شب پنج شنبه و جمعه در زیر آسمان با سر و پای برهنه دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز دست ها را به سوی آسمان بلند کرده و ۵۹۵ مرتبه بگوید : « يا حَيُّهُ الْقَائِمُ » .

سپس به سجده رفته و در سجده هفتاد مرتبه بگوید : « يا صَاحِبَ الزَّمانِ اَعْثِنِي » ؛ ( یا صاحب الزمان به فریادم برس ) ، و آن گاه حاجتش را بخواهد .

این نماز در مورد حاجت های مهم تجربه شده و اگر در هفته اول حاجتش برآورده نشد هفته بعد آن را بخواند و اگر باز هم برآورده نشد در هفته سوم نماز را بخواند که به طور حتم حاجتش برآورده خواهد شد .

سید محمد علی جواهری حایری به من فرمودند : برای حاجتی این نماز را خواندم و در همان شب در عالم خواب حضرت مهدی ارواحنا فداه را دیده و حاجت خود را به ایشان عرضه کردم و خداوند به برکت آن حضرت ، حاجتم را برآورده

ساخت .

نماز امام زمان علیه السلام در شب جمعه

و نیز فرموده اند که : من خود این نماز را تجربه کرده ام . (۱۸)

### ۱۲ نماز استغاثه به نحو دیگر

همین نماز را صدر الإسلام همدانی رحمه الله در کتاب ارزشمندش «تکالیف الأنام فی غیبه الامام» با کیفیت دیگری آورده است:

ایشان از سید مورد اعتماد ، استاد و عالم ربّانی ، حکیم صمدانی ، فقیه و مجتهد کامل سید محمّد هندی نجفی رحمه الله و او از عالم بزرگوار سید حسن قزوینی ، و او از سید حسین شوشتری - امام جماعت - با سند خود از سید علیخان - شارح صحیفه سجّادیه - نقل کرده اند :

در شب پنجشنبه یا شب جمعه دو رکعت نماز در زیر آسمان و بر بالای بام با سر برهنه می خوانی و بعد از نماز با سر برهنه «یا حُجَّجَهُ الْقَائِمُ» به تعداد عدد اُبعْدش یعنی ۵۹۵ مرتبه می گویی که تجربه شده است .

و بدان که عددش «۱۰» ی (۱ + ) (۸ + ) ح (۳ + ) ج (۴۰۰ + ) ه (۱ + ) (۳۰ + ) ل (۱۰۰ + ) ق (۱ + ) (۱ + ) ئ (۴۰ + ) م «است که مجموع آن ۵۹۵ می شود . ایشان فرموده اند: این عمل را (از غیر اهلش) مخفی بدار، چون از اسرار است و من آن را چند بار تجربه کرده ام . (۱۹)

### ۱۳ نماز امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه در شب جمعه

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید : در کتاب «کنوز النجاج» نوشته ابو علی فضل بن حسن طبرسی رضی الله عنه آمده است : احمد بن دربی از خزامه و او از ابی عبدالله حسین بن محمّد بزوفری روایت کرده است که از ناحیه مقدّسه وارد شده است :

هر کس از درگاه ربوبی حاجتی دارد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و دو رکعت نماز بخواند . در رکعت اول سوره حمد را

بخواند تا برسد به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و آن را صد مرتبه تکرار کند و سپس سوره حمد را تا آخر و سوره توحید را یک مرتبه بخواند . سپس به رکوع و سجده رفته و در هر کدام ، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید .

رکعت دوّم را نیز به همین صورت بجا آورد سپس دعایی را که ذکر می شود بخواند ، که خدای تعالی به طور قطع حاجتش را هر چه باشد برآورده می کند ؛ مگر آن که قطع صله رحم را خواسته باشد .

و دعا (چنین است) :

اللَّهُمَّ إِنَّ أَطْعَمَكَ فَأَلْمَحَمَدَهُ لَكَ ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجْبَةُ لَكَ ، خداوندا ؛ اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس شایسته توست، و اگر تو را نافرمانی کردم حجت و دلیل تو بر من تمام است ، مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَدَّكَرَ ، سُبْحَانَ مَنْ آسَأَشِيشَ وَرَاحَتِي وَحَلَّ مَشْكَلَاتِي مِنْ نَاحِيَةِ تَوْسْتِ ، پاك و منزّه است کسی که شکر گزارد ، پاك و منزّه است کسی که قدر و غفّر . اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي قَدْرَتِ دَاشْتِ وَبَخْشِيدِ . خداوندا ؛ اگر معصیت و نافرمانی تو را کردم؛ به راستی که در أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَوَلَدًا ، وَلَمْ مَحْبُوبِ تَرِينِ جِيزَهَا نَزْدُ تُو كِه اِيْمَانِ بِه تَوْسْتِ ، تُو رَا اِطَاعَتِ كَرْدِه اِم ؛ فَرْزَنْدِي بَرَايِ تُو نَكْرَفْتَم ؛ وَ أَدْعُ لَكَ شَرِيكَاً ، مَنَّا مِنْكَ بِه عَلَيَّ لَا مَنَّا مِنِّي بِه عَلَيْكَ ، وَقَدْ شَرِيكِي بَرَايْتِ نَخْوَانْدَم ؛ وَ اِيْن هَا مَتِّي

از تو بر من است نه منی باشد از من بر تو؛ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ خَدَائِ مَن؛ تو را نافرمانی کردم نه از روی گردنکشی و نه برای خارج شدن از عِبَادَتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلْنِي مَرْتَبَةَ بِنْدَگِي تُو، وَنَهَ بَرَايَ اِنكَارِ رُبُوبِيَّتِ تُو؛ بَلَكَهَ اَز هَوَايِ نَفْسَمِ بِيروِي كَرْدَمِ وَ الشَّيْطَانُ، فَلَبِكَ الْحَجَّهَ عَلَيَّ وَالْيَبَانَ، فَإِنَّ تَعِدُّبَنِي فَبَدُّنُوبِي غَيْرِ شَيْطَانٍ مَرَا دِجَارِ لَغْزَشِ سَاخْتِ؛ پَس حَجَّتِ وَ بِيَانِ تُو بَر مَن تَمَامِ اسْتِ، پَس اِگَر عَذَابَمِ كَنِي بَه خَاطِرِ گَنَاهَانَمِ مِي بَاشَد وَ تُو ظَالِمٌ، وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمُ يَا سَتَمَكِرَ نَيْسَتِي وَ اِگَر مَرَا بِيَا مَرِزِي وَ تَرخَمِ نَمَايِي هَمَانَا تُو بَخْشَنَدَه بَزَرْگَوَارِي، اِي بَزَرْگَوَارِ اِي كَرِيمُ، اَيْنِ كَلِمَه رَا بَه قَدْرِ يَكِ نَفْسِ تَكَرَّرِ كَنَدُ، سَبَسِ بَكُوَيْدِ: يَا اِمِنًا مِنْ كُلِّ بَزَرْگَوَارِ، اِي اَن كَه اَز هَر چيزِي اِيْمَنِ شَيْءٌ، وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ خَائِفٌ، اَسْأَلُكَ يَا فَيْتِكَ مِنْ كُلِّ هَسْتِي، وَ هَمَه اَز تُو تَرَسَانِ وَ بِيْمَنَا كَنَدُ؛ اَز تُو مِي خَوَاهَمِ بَه اِمْتِيَّتِ وَ اِمَانِ تُو اَز هَر شَيْءٍ، وَ خَوْفٌ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، اَنْ تُصِيَلَنِي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اِلِ چيزِ وَ تَرَسِ هَر چيزِ اَز تُو، كَه بَر مَحْتَرِدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ بَفَرَسْتِي مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُعْطِيَنِي اَمَانًا لِنَفْسِي وَ اَهْلِي وَ وَاَلِدِي، وَ سَائِرِ مَا وَ بَه مَن دَر مَوْرِدِ خُوْدَمِ وَ خَاْنَوَاْدَه وَ فَرَزَنْدَانَمِ وَ دِيْگَرِ نَعْمَتِ هَايِي كَه بَه مَن دَاْدَه اِي اَنْعَمْتَ بِه عَلَيَّ، حَتَّى لَا

أَخَافُ أَحِيداً، وَلَا أُجِدُّ مَنْ سِئِّ بِ أَيْدَاءِ، اَمْنِيَّتِ وِ اسْوَدَّ كِي عَطَا كُنِي، تَا هِرْ كَرِ از كَسِي نَتْرَسَمِ وِ از چيزِي بِيْمَنَّاك نَباشَم؛ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَشِيْبِنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ، يَا كَافِي هَمَانَا تُو بَرِ هِرْ كَارِي قَادِرِ وِ تَوَانِيِي. وِ خِداوَنَد، مَا رَا بَسِ اسْتِ وِ اوْ خُوْبِ وِ كِيَلِي اسْتِ. اِي كَفَايَتِ كَنَنْدِه اِبْرَاهِيْمَ نُفْرُوْدَ، يَا كَافِي مُوسٰى فِرْعَوْنَ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمِ از شَرِّ نَمْرُوْدِ، وِ اِي كَفَايَتِ كَنَنْدِه مُوسٰى از شَرِّ فِرْعَوْنَ، از تُو مِي خُوَاهَم كِه بَرِ مُحَمَّدٍ وِ اِلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُكْفِيْتِي شَرِّ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ.

محمد و آل محمد درود بفرستی و مرا از شرّ «فلانی فرزند فلانی» کفایت کنی.

پس به خواست خدا، دعا کننده از شرّ کسی که از او می ترسد در امان خواهد بود. آن گاه سجده کرده و حاجتش را می طلبد و به سوی خدا تضرّع و ناله می کند.

هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با خلوص نیت دعا کند مگر این که برای او درهای آسمان برای اجابت باز شده و در همان وقت و همان شب هر که باشد دعایش اجابت می شود و این از فضل خداوند بر ما و مردم است. (۲۰).

#### ۱۴ نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه

نمازی که ذکر شد در کتاب «نجم الثاقب» از کتاب سید فضل الله راوندی به عنوان نماز مولای مان حضرت بقیه الله ارواحنا فداء نقل شده و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام ذکر شده است. دعای دیگری بعد از نماز گفته نشده

و زمان خاصی برای آن معین نشده است. (۲۱)

## ۱۵ نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

ابوالعباس احمد بن علی بن نوح رحمه الله می گوید: ابو احمد محسن بن عبدالحکم سجری به من فرمود و من از اصل کتابش نوشتم که در کتاب ابی نصر جعفر بن محمد بن حسن بن هشتم نوشته شده که این نماز از ابوالقاسم حسین بن روح قدس سره نقل شده است:

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب، دوازده رکعت است و در هر رکعت سوره «حمد» را با هر سوره ای که توانست می خواند و بعد از هر دو رکعت سلام می دهد و این دعا را می خواند:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، سَتَائِشِ خِدَائِي رَا كِه فَزَنْدِي نَكْرَفْتِه وَ شَرِيكِي دَر مَلِكْ وَ سَلْطَنَتِ نَدَارَد، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ وَ كَثِيرُهُ تَكْبِيرًا، يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي، وَ بَرَايِشِ سَرِپَرَسْتِ وَ يَاوَرِي اَز جِهْتِ خَوَارِي وَ ذَلَّتْ نَمِي بَاشَد، وَ اَوْرَا بَه عِظْمَتِ وَ بَزَرْگِي يَاد كُن. اِي سَاز وَ بَرْگِ مَن دَر مَدَّتِ زَنْدِگِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شَيْدَتِي، وَيَا وَايِي فِي نِعْمَتِي، يَا غِيَاثِي فِي وَايِ هَمْدَمِ مَن دَر سَخْتِي وَ گَرَفْتَارِيم، وَ اِي سَرِپَرَسْتِ مَن دَر نِعْمَتِ، اِي فَرِيَادِرْسِ مَن دَر هَر ۱. مَكْيَالِ الْمَكَارِمِ: ۴۱۱/۲.

رَغْبَتِي، يَا مُجِيبِي فِي حَاجَتِي، يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي، يَا كَالِئِي نِيَازِم، اِي اِجَابَتِ گَرِ مَن دَر دَرْخَوَاسْتِ مَن، اِي حَافِظِ مَن دَر غِيَابِ مَن، اِي نَكْهَدَارِ مَن فِي وَخْدَتِي، يَا اُنْسِي فِي وَخْشَتِي. اَنْتَ



السَّائِرُ عَوْرَتِي ، فَلَكَ در تنهایی من ، ای مونس من در وحشت من . تنها تو پوشاننده زشتی های من هستی ؛ پس الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي ، فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَأَنْتَ الْمُتَقَسِّمُ ستایش تو راست و تو از لغزش هایم در می گذاری ؛ پس حمد ، تنها سزاوار توست ، و تنها تو برطرف کننده صِرْعَتِي ، فَلَكَ الْحَمْدُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَشْتَرُ زَمِينِ افنادم هستی . پس حمد تنها سزاوار توست ، بر محمد و آل محمد درود بفرست و عَوْرَتِي ، وَآمِنُ رَوْعَتِي ، وَأَقْلَبِي عَثْرَتِي ، وَاصْرِفْ عَنِّي جُزْمِي ، عيوب مرا بپوشان ، و مرا از ترس ایمنی بخش ، و از لغزشم در گذر ، و از جرمم چشم پوشی کن ، وَتَجَاوَزْ عَنِّي سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدِّ الصَّدَقِ الَّذِي وَاز گناهانم در گذر و در میان اهل بهشت که وعده صدق به كانوا يُوعَدُونَ .

آنان دادند) مرا داخل گردان( .

وقتی از نماز فارغ شدی و دعا را تمام کردی ، هر کدام از سوره های «حمد» ، « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ، « قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ » ، « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ » ، « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » ، « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ » و «آیه الکرسی» را هفت مرتبه می خوانی ، سپس هفت مرتبه می گویی :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر و منزّه است و جنبشی و نیرویی نیست مگر به سبب خدا . و هفت بار نیز می گویی :

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا. خدا، خدا پروردگار من است، به او چیزی را شریک نسازم.

و بعد در مورد هر چه دوست داری دعا می کنی. (۲۲)

### ۱۶ نماز شب نیمه ماه شعبان

ابو یحییٰ صنعانی و سی نفر از افراد مورد اعتماد، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده اند که آن دو بزرگوار فرمودند:

هر گاه شب نیمه شعبان شد چهار رکعت نماز، در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و «قل هو الله أحد» صد مرتبه می خوانی، و چون نماز تمام شد، می گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي فَقِيرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُشْتَجِرٌ. اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ خِدَاوَنَدَا؛ مَنْ فَقِيرٌ وَ مُحْتَاجٌ وَ مِنْ عَذَابِكَ تَرَسَانٌ وَ بِهِ تُوْ بِنَاهِنْدَهْ اَمْ . خِدَاوَنَدَا؛ نَامِم رَا) بِا نَام دِبْگِرِي (عَوْض مَكْن ، اَشِيْمِي ، وَلَا تُغَيِّرْ جِشِيْمِي ، وَلَا تُجْهِدْ بِلَايِي ، وَلَا تُشْمِتْ بِي وَ بَدْنِم رَا دِگَر گُون مَسَاز، وَ بِلَايِم رَا سَخْت مِگَرْدَان، وَ دَشْمَنَانِم رَا سِرْزَنْش كَنْنِدَه مِنْ قَرَار مِدَه . اَعِيْدْ اَتِي ، اَعُوْذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ ، وَ اَعُوْذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ ، اَز كَيْفَرْت بَه بَخْشِشْت پَنَاه مِي بَرَم ، وَ اَز عَذَابِت بَه رَحْمَت پَنَاه مِي بَرَم وَ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ ، جَلُّ ثَنَاؤُكَ ، اَنْتَ وَ اَز خَشْم تُو بَه خَشْنُوْدِيْت پَنَاه مِي بَرَم وَ اَز تُو بَه خُوْدِت پَنَاه مِي بَرَم، سَتَايِش تُو وَ اَلَا سْت ؛ تُو ، كَمَا اَنْتَيْتَ عَلَي نَفْسِيْكَ وَ فَوْق مَا يَقُوْلُ الْفَالْسُفُوْنَ . (۲۳)

آن چنانی که خودت خود را ستوده ای و برتر از گفتار گویندگانی .

نماز دیگر در شب نیمه شعبان

### ۱۷ نماز دیگر در شب نیمه شعبان

ابو یحییٰ از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، حضرت فرمودند:

شب نیمه شعبان بعد از شب قدر، برترین و بافضیلت ترین شب ها است. در این شب خدا فضل و رحمتش را

شامل حال بندگانش می گرداند و ایشان را به بزرگواری خود می بخشد . در این شب سعی کنید به خدا تقرب جوید .

زیرا شبی است که خداوند بر خود لازم کرده و قسم یاد نموده که هیچ درخواست کننده ای را رد نکند مگر این که درخواست معصیت و حرامی بکند . و شبی است که خدا در عوض شب قدر که برای پیغمبران صلی الله علیه و آله وسلم قرار داد ، آن را برای ما اهل بیت قرار داده است .

پس در دعا و ستایش خدا تلاش کنید ؛ زیرا هر کس در این شب صد مرتبه خدا را تسبیح نموده یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و صد مرتبه او را ستایش نموده یعنی «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید و صد مرتبه او را به بزرگی یاد کرده یعنی «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید ، خداوند گناهان گذشته اش را می بخشد و از حاجات دنیا و آخرت آنچه را بخواهد ، و آنچه نیازمند آن باشد - هر چند آن را نخواهد - خداوند به خاطر بزرگواری و رحمتش بر بندگان ، آن ها را برآورده می سازد .

ابو یحیی می گوید : به سرورم امام صادق علیه السلام عرض کردم : بهترین دعا در این شب چیست ؟ حضرت فرمودند :

هنگامی که نماز عشا را بجا آوردی دو رکعت نماز بخوان . در رکعت اول بعد از سوره حمد ، یک مرتبه سوره «جحد» یعنی «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ، و در رکعت دوم بعد از سوره حمد ، یک مرتبه سوره «توحید» را بخوان . وقتی سلام دادی سی و سه مرتبه : «سُبْحَانَ اللَّهِ» ، و سی و سه مرتبه

: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ، و سی و چهار مرتبه : «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو ، و سپس این دعا را بخوان :

يا مَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهَيَّمَاتِ ، وَإِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي أَيِّ كَسِيٍّ كَانَتْ بِنَاهُغَاهُ بِنْدِ الْكَانِ فِي سَخْتِي هَا وَ مَشْكَالَاتِ بِه سَوِيٍّ اَوْ اسْتِ ، وَ مَخْلُوقَاتِ دَر بِلَا وَ مَصِيبَتِ بِه اَوْ بِنَاهُ مِي بَرَنْد ؛ الْمَلِيَمَاتِ ، يَا عَالَمِ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ ، وَيَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ أَيِّ دَانَايِ هَر چِه أَشْكَارِ وَ پَنَهَانِ اسْتِ ، أَيِ كَسِيٍّ كِه خَطُورِ فِكْرِ وَ اَنْدِيشِه هَا وَ رَفْتِ وَ آمَدِ خَوَاطِرِ الْأَوْهَامِ وَ تَصَرُّفِ الْخَطَرَاتِ ، يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ ، خِيَالَاتِ وَ خَاطِرَاتِ بَرِ اَوْ پَنَهَانِ نِيسْتِ ؛ أَيِ بَرُودْ گَارِ خَلَائِقِ وَ آفَرِيدْ گَانِ ؛ يَا مَنْ يَبْدِيهِ مَلَكُوتِ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَيِ كَسِيٍّ كِه مَلَكُوتِ زَمِينِ هَا وَ آسْمَانِ هَا بِه دَسْتِ قَدْرَتِ اَوْسْتِ ؛ تُو آنِ خَدَايِي هَسْتِي كِه جَزِ تُو خَدَايِي أَنْتَ ، أَمْتُ إِلَيْكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، فَبِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، اِجْعَلْنِي فِي نِيسْتِ ؛ مِنْ بِه وَسِيلِه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تُو رَا قَصْدِ مِي كَنْمِ وَ بِه تُو رُوِي مِي آوَرْمِ ، پَسِ بِه خَاطِرِ اَيْنِ كِه اِعْتِقَادِ دَارْمِ جَزِ تُو خَدَايِي نِيسْتِ ، هَذِهِ اللَّيْلَةَ مِمَّنْ نَطَرْتُ إِلَيْهِ فَرَحْمَتَهُ ، وَسَمِعْتُ دُعَاءَهُ فَأَجَبْتُهُ ، دَرِ اَيْنِ شَبِّ مَرَا اَزِ كَسَانِي قَرَارِ بَدِه كِه نَظَرِ لَطْفِ بِه اَوْ كَرْدِه پَسِ بِه حَالِشِ تَرْحَمِ فَرْمُودِه أَيِ وَ دَعَايِشِ رَا شَنِيدِه پَسِ آنِ رَا اِجَابْتِ وَ عَلِمْتُ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقَلْتُهُ ، وَ تَجَاوَزْتُ عَنْ سَالِبِ خَطِيئَتِي ، وَ عَظِيمِ كَرْدِه أَيِ ، وَ دَر خَوَاسِ كَرْدِشْتِ اَوْ رَا دَانَسْتِه پَسِ اَزِ اَوْ دَر گَزِشْتِي ، وَ اَزِ خَطَايِ گَزِشْتِه وَ گَنَاهَانِ بَزْرَگِ اَوْ

گذشت کردی . جریزیه ، فَصِدِ اشْتِجِرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي ، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ فِي سِرِّهِمْ مِنْ أَزْ غَنَاهَانِمُ بِهِ تُو پناه آورده ام و برای پوشاندن زشتی هایم به تو پناهنده گشتم . عُبُوبِي . اَللّٰهُمَّ فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ ، وَاخْطُطْ خَطَايَايَ اَي خدا ؛ تو به فضل و کرمت بر من بخشش و احسان فرما و با بردباری و عفو گناهانم بچلیمک و عَفْوِكَ ، وَتَعَمَّدَنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ ، را بریز و مرا در این شب با کرامت و بزرگواری فراوانت غرق احسانت نما . وَاَجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ اَوْلِيَاءِكَ الَّذِيْنَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِبَطَاعَتِكَ ، وَاخْتَرْتَهُمْ و مرا در این شب از دوستانت قرار بده که آن ها را برای فرمان برداری از خودت برگزیدی ، لِعِبَادَتِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصِيَّتَكَ وَصِفْوَتَكَ . اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مَعْنُ و برای عبادت انتخاب فرمودی و از خالصان و خالصان خود قرار دادی . خداوندا ؛ مرا از آنان قرار بده که سَعَدَ جَدُّهُ ، وَتَوَفَّرَ مِنْ الْخَيْرَاتِ حُطُّهُ ، وَاَجْعَلْنِي مِمَّنْ سِيَلِمَ قَلْبَهُمْ مِنْ كُوشَشِ خُودِ بِي سَعَادَتِ رَسِيْدَتِ و از خیرات و خوبی ها بهره کامل بردند ؛ و از آنان که در زندگی سالم ماندند پس منتعم گردیدند وَفَارَ فَعِيْمٌ ، وَاكْفِي سِرِّ مَا اَسْلَفْتُ ، وَاغْصِيْ مَنِي مِنَ الْاَزْدِيَادِ فِي و پروز گشتند پس غنیمت یافتند ؛ و مرا از شرّ کارهای گذشته ام کفایت فرما و از این که در آینده بر نافرمانی تو بیفزایم حَفِظَ مَعْصِيَّتِكَ ، وَحَبَّبَ اِلَيَّ طَاعَتَكَ وَا مَا يُفَرِّقُنِي مِنْكَ وَيُرْلِقُنِي عِنْدَكَ . فرما، و فرمان برداری از خودت را و آن چه را باعث نزدیک شدن به حضرت توست و به من نزد تو منزلت می دهد محبوب من

گردان. سَيِّدِي إِلَيْكَ يَلْجَأُ الْهَارِبُ ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ ، وَعَلَىٰ آقَايِ مِنْ ؛ گریختگان به سوی تو پناهنده می شوند و جویندگان به درگاه تو التماس می کنند ، و کَرِيمَكَ يُعْوَلُ الْمُتَسَيِّلُ النَّائِبُ ، أَدْبَتُ بِالتَّكْرُمِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ آنان که طلب گذشت می کنند و توبه کار شدند اعتمادشان بر کرم توست ؛ تو بندگانت را با رفتار بزرگوانه ات در حالی که بزرگوارترین الأَكْرَمِينَ ، وَأَمْرَتُ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَأَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ . اللَّهُمَّ كَرِيمَانَ هَسْتِي ، أَدَبَ كَرْدِي ؛ و به بندگانت دستور بخشش دادی در حالی که خودت بخشنده و مهربانی . فَلَا تُخْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرِيمِكَ ، وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ سَابِغِ نَعِيمِكَ ، ای خدا؛ مرا از امیدی که به بزرگواری ات دارم محروم مکن ، و از نعمت فراگیر و فراوانت ناامید مگردان ، وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ خَيْرَيْكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ ، و از قسمت های بزرگت برای فرمان بردارانت در این شب مرا هم ناکام مساز ، وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ سَيِّئَاتِ بَرِيَّتِكَ . رَبِّ ، إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ وَمَا مِنْكَ مِنْ أَهْلِ بَرِيَّتِكَ ، إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ بَرِيَّتِكَ ، وَجَدْتُ عَلَىٰ بِمَا أَنْتَ لِيْكَنْ تُوَاهِلُ بزرگواری و بخشش و آمرزشی ؛ بر من به آنچه سزاوار مقام توست کرامت فرما أَهْلُهُ لَا بِمَا أَشْتَحِقُّهُ فَقَدْ حَسَنَ ظَنِّي بِكَ ، وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ ، نَهْ أَنْجِهْ شَائِسْتَه مِنْ اسْتِ ؛ چوَن به تو خوش گمان بوده و امیدم به سوی توست ، وَعَلَيْتُ نَفْسِي بِكَرِيمِكَ ، فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ . و جانم به کرامتت بسته است؛

چون عقیده دارم که تو مهربان ترین مهربانان و بزرگوارترین بزرگواران هستی . **اللَّهُمَّ وَأَخْضِرْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قَبِيحِكَ ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ بَارِهَا ؛** مرا از راه بزرگواری ات به قسمت های بزرگ خویش مخصوص گردان ، من از کيفرت به بخشش تو پناه می برم . **عُقُوبَتِكَ ، وَأَعْفُؤْ لِي الدَّنْبَ الَّذِي يَخْبِئُ عَلَيَّ الخُلُقَ ، وَيُضَيِّقُ آن دَسْتَه** از گناهان مرا ببخش که خوی و سرشت را بر من محبوس و روزی را عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتَّى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ ، وَأَتَعَمَّ بِجَزِيلِ عَطَايَتِكَ ، بر من تنگ می سازد ، تا به خشنودی نیکوی تو پردازم و با بخشش بزرگت بهره مند شوم **وَأَسْرِعْ بِسَابِغِ نِعْمَاتِكَ ، فَقَدْ لُبَدْتُ بِخَيْرِكَ ، وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ ،** و به نعمت های فراوانت نیک بخت کردم ؛ زیرا ، من به حریم قدس تو پناه آورده و خود را در معرض بزرگواری ات درآورده ام؛ **وَأَسْتَعِذُّ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ ، فَجُدْ بِنَاةٍ وَمَجَازَاتٍ بِه بخشش و از خشمت به بردباری ات پناه جسته ام ؛ پس مرا آن چه خواستم عطا فرما سَأَلْتُكَ ، وَأَنْلِ مَا التَّمَسْتُ مِنْكَ ، أَسْأَلُكَ لِأَيْشِي ۚ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ .** و به آن چه از تو التماس نموده ام برسان ، من از تو چیزی را می خواهم که از تو بزرگ تر نیست .

سپس به سجده می روی و بیست مرتبه : **« يَا رَبُّ »** ، هفت مرتبه : **« يَا اللَّهُ »** ، هفت مرتبه : **« لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ »** ، و ده مرتبه : **« مَا شَاءَ اللَّهُ »** ، و ده مرتبه : **« لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ »** گفته و بر پیامبر و آل پیامبر علیهم السلام صلوات می فرستی و از خدا

حاجت را می طلبي .

به خدا سوگند ؛ اگر به تعداد قطرات باران از خدا حاجت بطلبي ، از بزرگواری و فضلش تو را به حاجات می رساند . (۲۴)

مؤلف می گوید : چهار رکعت نماز وارد شده که در ظهر روز عاشورا خوانده می شود و بعد از نماز ، دعایی قرائت می شود که به مناسبت دعاهای هر ماه آن را در بخش ادعیه ماه ها ص ۲۷۱ بیان می کنیم . و نیز در بخش یازدهم ، نمازی را برای وسعت رزق ، از جناب محمد بن عثمان قدس سره نقل می کنیم .

.....(Anotates).....

(۱) دعوات راوندی : ۸۹ .

(۲)

(۳) لا إله إلا الله يا «لا إله إلا الله وَخَدَهُ وَخَدَهُ» .

(۴) جَنَّهُ الْمَأْوَى : ۲۳۱ .

(۵) نعمانیة : شهری بین واسط و بغداد در کشور عراق است .

(۶) جَنَّهُ الْمَأْوَى : ۲۷۰ .

(۷) جَنَّتِ الْخُلُود : ۴۱ .

(۸) گفتنی است که برای احمد بن ابراهیم این گونه تقدیر شده است نه برای تمام شیعه؛ چون برخی دیگر از شیعیان چنین حاجتی از شیخ عمری رحمه الله داشته اند و اجابت شده است .

زهری می گوید : خیلی می خواستم امام زمان ارواحنا فداه را ببینم ، حتی در این راه مال زیادی هم خرج کردم تا به شیخ عمری رسیدم و او را خدمت کردم و با اصرار از او خواستم امام زمان ارواحنا فداه را به من نشان بدهد .

گفت : این کار ممکن نیست ؛ به او اصرار کردم تا آن که گفت : فردا صبح بیا . صبح فردا که رفتم شیخ به استقبال آمد در حالی که جوانی در نهایت زیبایی و خوشبویی همراه او بود و در آستینش



چیزی داشت که او را به شکل تجار نشان می داد.

چون آن جوان را دیدم به سوی شیخ عمری رفتم ، شیخ اشاره کرد که به سوی آن جوان بروم ، و من هم به سوی جوان رفتم و از او سؤالاتی پرسیدم که هر چه پرسیدم جواب داد ، سپس خواست داخل خانه ای شود که به آن اعتنایی نمی شد .

شیخ عمری گفت : اگر می خواهی از او سؤال کنی بپرس که بعد از این او را نخواهی دید . ( الإحتجاج : ۲۹۷/۲ ) .

(۹) بحار الأنوار : ۱۷۴/۵۳ . و زیارت را به طور کامل - إن شاء الله - در باب زیارات ذکر خواهیم کرد .

(۱۰) تبصره الولی : ۱۹۲ ، بحار الأنوار : ۳۴۹/۹۱ ، دلائل الإمامه : ۵۵۱ .

(۱۱) العبقری الحسان : ۱۲۹/۱ المسک الأذفر و دار السلام عراقی : ۱۹۲ با اندکی تصرف در عبارات .

(۱۲)

(۱۳) مفاتیح الجنان : ۲۴۳ ، به نقل از الکلم الطیب : ۸۳ .

(۱۴) التحفه الرضویه : ۳ . ۱۳۴ . دار السلام عراقی : ۱۹۷ .

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷) جمال الأسبوع : ۳۴ ، دعوات راوندی : ۱۰۸ ، مصباح المتهجد : ۳۲۲ .

(۱۸) التحفه الرضویه : ۱۳۵ .

(۱۹) تکالیف الأنام فی غیبه الإمام : ۲۵۱ .

(۲۰) مهج الدعوات : ۳۵۱ ، المصباح : ۵۲۲ با اندکی تفاوت .

(۲۱)

(۲۲) إقبال الأعمال : ۱۸۱ .

(۲۳) مصباح المتهجد : ۸۳۰ .

(۲۴) مصباح المتهجد : ۸۳۱ .

بخش دوم: دعاهای قنوت

### دعا برای ظهور...در قنوت نمازها

### ادعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در قنوت نمازها

شهید اول قدس سره در کتاب «ذکری» می گوید : ابن ابی عقیل ، این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَّصْتَ الْإِبْصَارَ، وَثَقَلْتَ الْأَقْدَامَ، وَرَفَعْتَ الْأَيْدِيَ، بَارِهَا؛ جِشَمَ هَا، بِه تُو دُوخْتَه شُدَه اسْت، گَام هَا بِه سُوِي تُو بَرْدَاشْتَه شُدَه، دَسْت هَا بِه سُوِي تُو بَالَا آمَدَه، وَمَدَدْتَ الْأَعْنَاقَ، وَأَنْتَ دُعَيْتَ بِاللُّسْنِ، وَإِلَيْكَ سَبَّحُوهُمْ وَنَجَّوهُمْ، كَرْدَن هَا بِه سُوِي تُو كَشِيْدَه شُدَه اسْت. تُوِي كِه بَا زَبَان هَا، فِرَاخْوَانَدَه مِي شُوِي؛ وَ كَارَهَاي بِنَهَانِي وَ رَازَهَاي (مَرْدَم) فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ بِه طَرَف تُو سْت؛ پَرُوْرْد گَارَا؛ بَيْن مَا وَ قَوْم مَا بِه حَق حَكْم كُن، كِه تُو بَهْتَرِيْنَ الْفَاتِحِيْنَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا وَقَلَّةَ عِدَدِنَا، وَكَثْرَةَ حَكْم كُنْنَدَه وَ قَضَاوْت كُنْنَدَه هَسْتِي. بَارِهَا؛ اَز عَدَم حَضُوْر پِيَامْبِرْمَا، كَمِي نَفْرَات مَان، فِرَاوَانِي عَدُوْنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَوُقُوْعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرَّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ دُشْمَانْمَا، پَشْتِيْبَانِي دُشْمَانْمَا اَز يَكْدِيْگَر عَلِيَه مَا وَ وَجُوْد فَتْنَه هَاي فِرَاوَانِ بَرَاي مَا؛ بِه تُو شَكَايْت مِي كُنِيْم. بَارِهَا؛ بَا عَدَالْتِي كِه آشْكَارَش مِي كُنِي، وَ بَعْدِلْ تَظْهَرُهُ، وَ إِمَام حَقَّ تَعْرِفُهُ، إِلَه الْحَقِّ امِيْن رَبِّ الْعَالَمِيْنَ. اِمَام وَ پِيَشُوْاي رَا سْتِيْبِي كِه بِه هَمْگَا مَعْرِفِي مِي كُنِي، اِيْن گِرْفْتَارِي هَا رَا بَر طَرَف كُن وَ گَشَايِشِي فَرْمَا؛ اِي مَعْبُوْد بِه حَقَّ، اِجَابْت كُن؛ اِي پَرُوْرْد گَار جِهَانِيَان. وِي مِي اَفْزَايِد: رُوَايْتِي بِه مَن رَسِيْدَه اسْت كِه اِمَام صَادَق عَلِيَه السَّلَام هَمُوَارَه بِه شِيْعِيَان خُوْد دَسْتُوْر مِي فَرْمُوْدَنْد پَس اَز كَلِمَات فَرَج، دَر قَنُوْت اِيْن دَعَا رَا بَخُوَانَد. (۱)

## ۴ قنوت حضرت امام سجاد عليه السلام برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان

قنوت حضرت امام سجاد عليه السلام

اِيْن قَنُوْت رَا سُوْمِيْن نَايِب اِمَام زَمَان اَرُوَاخْنَا فِدَاه، جَنَاب حَسِيْن بِن رُوْح نُوْبُخْتِي، اَز نَايِب دُوْم يَعْنِي جَنَاب مُحَمَّد بِن عَثْمَان رِضْوَانُ اللّٰهُ

علیهما نقل فرموده است :

أَللَّهُمَّ إِنَّ جِلَّةَ الْبَشَرِيَّةِ ، وَطِبَاعَ الْإِنْسَانِيَّةِ ، وَمَا جَزَتْ عَلَيْهِ بَارِ خَدَايَا ؛ بِه رَاسْتِي كِه سِرْشْتِ بَشَرِي ، وَ طَبِيعَتِ آدَمِي ، وَ آن چِه از تَزَكِيَّاتِ النَّفْسِيَّةِ ، وَانْعَقَدَتْ بِه عُقُودُ النَّسَبِيَّةِ [ النَّسَبِيَّةِ ، خ ] ، تَرَكِيَّاتِ رَوَانِي بِرِ  
آن عارض گشته ، و امور وراثتی که آغاز خلقت بر آن بسته شده ؛ تَعَجُّزُ عَنْ حُمُلِ وَاِرْدَابِ الْأَقْصِيَّةِ إِلَّا مَا وَفَّقَتْ لَهُ أَهْلٌ نَمِي تَوَانَدِ احكام قضا و قدرت را تحمل کنند ؛ مگر در مواردی الْأِطْفَاءِ ، وَاعْتَنَتْ  
عَلَيْهِ ذَوِي الْإِحْتِيَاءِ . اللَّهُمَّ وَإِنَّ الْقُلُوبَ فِي بَرِّكَرِيدِ كَانِ رَا مَوْفِقِ سَاخْتِه وَ نَخْبِگَانِ رَا بِرِ آن يَارِي نَمُودِي . بَارِ الْهَا ؛ بِه خُوبِي آگَاهِمِ كِه قَلْبِ هَا دَرِ قَبْضَتِكَ ، وَالْمَمِيَّةِ لَكَ فِي مَلِكِيَّتِكَ ، وَقَدْ تَعَلَّمَ أَيُّ رَبِّ مَا  
الرَّغْبَةُ اخْتِيَارِ تَوَسْتِ وَ تَصْمِيمِ گيري در دائره فرمان روابي ات براي تو مي باشد. و خودت خوب مي داني - اي پروردگار من - كِه آنچه را كِه مشتاقِ إِلَيْكَ فِي كَشْفِهِ واقعه لَأَوْقَانِهَا بِمَدْرَتِكَ ، واقفه  
بِحَدِّكَ مِنْ بَرَطْرِفِ شَدْنَشِ هَسْتَم ، در زمان مَقَرَّرِ وَ با قدرت و توان خودت به وقوع مي پيوند ، و همان جايي كه ۱ . بحار الأنوار : ۲۰۷/۸۵ .

إِرَادَتِكَ ، وَإِنِّي لَمَّا عَلِمْتُ أَنَّ لِمَكَ دَارَ جَزَاءٍ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ مَثُوبَةٌ خَوَاسْتِ وَ ارَادِه تُو تَعْيِينِ كَرْدِه ، مَتَوَقَّفِ گَشْتِه وَ مَن بِه خُوبِي مِي دَانَمِ كِه تُو سَرَايِي بِرَايِ پَادَاشِ خُوبِي هَا وَ عَفُوبَةٍ ، وَأَنَّ لَكَ يَوْمًا تَأْخُذُ فِيهِ  
بِالْحَقِّ ، وَأَنَّ أَنَاتَكَ أَشْبَهُ وَ كَيْفَرِ بَدِي هَا دَارِي ؛ وَ رُوزِي رَا بِرِپَا مِي كِنِي كِه دَرِ آن ، بِه حَقِّ مَوْاخِذِه مِي كِنِي . وَ اَيْنِ كِه مَهَلْتِ دَادَنْ تُو ، شَبِيه تَرِينِ

الأشياءِ بِكَرَمِكَ ، وَأَلْقِيهَا بِمَا وَصَيْفَتْ بِهِنَّ نَفْسُكَ فِي عَطْفِكَ ، وَشَاسْتَهُ تَرِينِ أَنْ هَا بِهِنَّ جِزْيُ اسْتِ كِهْ خُودِ رَا بِهْ أَنْ تَوْصِيفِ فَرْمُودِهْ اِي وَ أَنْ لَطْفِ وَ مَهْرَبَانِي وَ تَرَاءُفِكَ ، وَأَنْتَ بِالْمَوْصَادِ لِكُلِّ ظَالِمٍ فِي وَحِيمِ عُقْبَاهُ وَ سُوءِ تُو اسْتِ ؛ وَ تُو دَرِ كَمِينِگَاهِ هَسْتِي بَرَايِ هَرِ سَتَمِگَرِي كِهْ اُو رَا بِهْ پَايَانِ وَ سَرِنُوشْتِي بَسِيَارِ نَاهَنْجَارِ وَ جَايِگَاهِي بَدِ دِجَارِ كِنِي . مَثْوَاهُ . اَللّهُمَّ وَ اِنَّكَ قَدْ اَوْسَعْتَ خَلْقَكَ رَحْمَةً وَجَلَمًا ، وَ قَدْ يُدَلِّتُ بَارِ اِلَها ؛ تُو ، رَحْمَتِ وَ بَرْدِبَارِيَتِ رَا بَرَايِ هَمِهْ مَخْلُوقَاتِ فَرَاگِيرِ نَمُودِي ؛ بَا اِيْنِ كِهْ اَحْكَامُكَ ، وَ عَزِيْزَتُ سَيْنُ بِيْنِكَ ، وَ تَمَرَّدُ الطَّالِمُوْنَ عَلٰى خُلصَايْكَ ، دَسْتُورَاتِ تُو عَوْضِ شُدِهْ ، وَ سَنَّتِ هَايِ پِيَامِبِرْتِ تَغْيِيْرِ دَاْدِهْ شُدِهْ ، وَ سَتْمَكَارَانِ ، نَسْبِتِ بِهْ سَفَارَشَاتِ دَرِ مَوْرِدِ بَرِگَرِيْدِگَانِ وَ اِسْتِبَاخُوْا خَرِيْمَكَ ، وَ رَكَبُوْا مَرَاكِبَ الْاِسْتِثْرَارِ عَلٰى الْجُزْأِ خَالِصَتِ ، سَرِيْبِيْجِيْ كَرْدِهْ اَنْدِ ، وَ حَرِيْمِ تُو رَا شَكْسْتَنْدِ ، وَ بِهْ طُوْرِ دَايِمِ وَ پِيُوْسْتِهْ بَرِ تُو بَا مَرْكَبِ جَرَأَتِ وَ پَرُورِيِيْ تَاخْتَنْدِ . عَلَيْكَ . اَللّهُمَّ فَايَدْزُهُمْ بِقَوَاصِفِ سَخَطِكَ ، وَ عَوَاصِفِ تَنْكِيْلَاتِكَ ، خُدَايَا ؛ هَرِچِهْ سَرِيْعِ تَرِ اَنْ هَا رَا بَا صَدَاهايِ سَخْتِ خَشْمَتِ ، وَ طُوْفَانِ هَايِ عَقُوْبَتِ وَ تَنْبِيْهِ شَدِيْدَتِ ، وَ اجْتِنَاثِ غَضَبِكَ ، وَ طَهْرِ الْبِلَادِ مِنْهُمْ ، وَ اَعْفُ عَنْهَا اِنَارَهُمْ ، وَ غَضَبِ رِيْشِهْ كِنِ كَنْنَنْدِهْ اِتِ گَرَفْتَارِ كِنِ ، وَ سَرَزَمِيْنِ هَا رَا اَزِ اَنْ هَا پَاكْسَازيْ كِنِ ، وَ اِنَارِ بَجَايِ مَانَنْدِهْ اِيْشَانِ رَا اَزِ اَنْ مَحُوْ كِنِ ، وَ اِحْطَطُ مِنْ قَاعَاتِهَا وَ مَطَانِهَا مَنَارَهُمْ ، وَ اصْطَلِمُهُمْ بِنُورِكَ حَتّٰى وَ فَرُوْ بَرِيْزِ اَزِ دَشْتِ هَا وَ رَا هَا ، نَشَانِهْ هَايِ اِيْشَانِ رَا ، وَ اَنْ هَا رَا بِهْ هَلَاكَتِ وَ نَابُودِيْ رِيْشِهْ كِنِ سَازِ تَا لَاتِيْبِيْ مِنْهُمْ

دِعَامَةً لِنَاجِمٍ ، وَلَا عَلَمًا لِأَمٍّ ، وَلَا مَنَاصِبًا لِقَاصِدٍ ، بَاقِيَ نَمَانِدِ نَكِيهِ گَاهِي از آنان برای جستجوکننده و پرچمی برای روی آورنده و گریزی برای قصد کننده وَلَا رَأِيدًا لِمُرْتَادٍ . اَللّٰهُمَّ اَمْحُ اَنَارَهُمْ ، وَاطْمِسْ عَلٰى اَهْوَالِهِمْ وَبِشْرُو وَرَاهِنَمَآئِيْ بِرَآئِيْهِمْ اَنْهَآئِيْ كِه از دنبال می آیند . بار الها! نشانه های شان را محو و نابود ساز ، و دارایی ها و ديارِهم ، وَامْحَقْ اَعْقَابَهُمْ ، وَافْكُكْ اَصْلَابَهُمْ ، وَعَجِّلْ اِليْ وَسِرْزَمِيْنَ شَان رَا ناپدید گردان ، و نسل شان را هلاک گردان ، و کمر مردان شان را سست و گسسته ساز ، وَعَزِّدْ اَبْكَ السَّرْمِيْدِ اِنْقِلَابَهُمْ ، وَاقْمِ لِلْحَقِّ مَنَاصِبَهُ ، وَاقْدَحْ لِلرَّشَادِ بَازِ گِشْتِ اِيْشَان رَا بِه سِرْعَتِ بِه طَرَفِ عَذَابِ هِمِيْشِگِي اِت بگرددان . منصب های حق را برپا کن ، و شعله های هدایت و کمال را زنده ، وَاُزِّدْ لِلنَّارِ مَثِيْرَهُ ، وَآيِّدْ بِالْعَوْنِ مُرْتَادَهُ ، وَوَفِّرْ مِّنَ النَّصْرِ فِرْوَزَانِ سَازِ وَبِرَآئِيْ اِنْتِقَامِ وَخَوْنِخَوَآئِيْ مَنْتَقِمِ رَا بَرَانْگِيْزِ ، وَكَمَكِ جَوِيَانِ رَا بَارِيْ بَرَسَانِ ، وَبِرُوْزِيْ هَآئِيْ دَرِ پِيْ رَا زَاَدَهُ ، حَتّٰى يَّعُوْدَ الْحَقُّ بِجِدَّتِيْهِ ، وَتُنِيْزَ مَعَالِمَ مَقَاصِدِيْهِ ، وَيَسْبُلُكُمُ تَوْشَهُ اَشِ سَازِ؛ تَا حَقِّ دُوْبَارَه بِه تَازِگِي وَشَادَابِيْ اَشِ بَازِ گَرْدَدِ ، وَنَشَانَه هَا وَچِرَآغِ هَآئِيْ اَهْدَافِشِ رُوْشَنِ گَرْدَدِ ، وَ اَهْلُهُ بِالْاَمْنَةِ حَقِّ سُلُوْكِهِ ، اِنْكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ . (۲)

حق جویان با آرامش و به طوری که شایسته است راه حق را ببینند؛ به راستی که تو بر هر کاری توانایی.

### ۳ قنوت حضرت امام باقر علیه السلام قنوت حضرت امام باقر علیه السلام

این قنوت را مرحوم سید بن طاووس در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند :

يَا مَنْ يَغْلُمُ هَوَاجِسَ الشَّرَائِرِ ، وَمَكَايِمَ

الضَّمَاثِرِ، وَحَقَائِقِ أَي كَسِي كَه نَسْبِت بَه خَطُورَاتِ نَهَانِ، وَ أَن چَه در اندرون و باطن ها مخفی شده است، وَ حَقِيقَتِ وَ وَاقَعِيَّتِ الْخَوَاطِرِ، يَا مَنْ هُوَ لِكُلِّ غَيْبٍ حَاجِزٌ، وَ لِكُلِّ مَنِيْبِي ذَاكِرٌ، وَ عَلَى أَن چَه در خَاطِرِ اِفْرَادِ اسْتِ؛ آگَاهِ هَسْتِي. أَي كَسِي كَه بَرَايِ هَرِ پَنَهَانِي، حَضُورِ دَارِي؛ هَرِ فَرَامُوشِ شُدِه اَي رَا بَه يَادِ دَارِي؛ بَرِ هَرِ كُلِّ شَيْءٍ قَادِرٌ، وَ إِلَى الْكُلِّ نَاطِرٌ، بَعْدَ الْمَهْلِ، وَ قَرَبَ الْأَجَلِ، چِيزِي تَوَانَايِي وَ بَرِ هَمِه نِظَارَتِ وَ سِرپرِستِي مِي كَنِي؛ زَمَانِ پِيشِي جُويِي در خَيْرِ وَ نِيكِي دُورِ گِشْتِ، وَ مَرگِ نَزْدِيكِ گَرْدِيدِ، وَ ضَعْفَ الْعَمَلِ، وَ أَرَابَ الْأَمَلِ، وَ أَنَّ الْمُتَّقِلَ. وَ أَنْتَ يَا اللَّهُ وَ عَمَلِ هَا ضَعِيفِ وَ نَاتَوَانِ شُدِه اِنْدِ، وَ آرزوها بَه نَامِيدِي كَشِيدِه شُدِه اِنْدِ، وَ زَمَانِ اِنْتِقَالِ بَه جِهَانِ دِيگَرِ فَرَا رَسِيدِ. تُو، أَي ۱. مَهجِ الدَّعَوَاتِ: ۶۹، الْبَلَدِ الْأَمِينِ: ۶۵۰ بَا اِنْدَكِي تَفَاوُتِ.

الْبَاطِنِ كَمَا أَنْتَ الْأَوَّلُ، مُبِيدُ مَا أَنْشَأْتَ، وَ مُصَيِّرُهُمْ إِلَى الْبَلِي، خَلْدَا؛ هَمَانِ گُونِه كَه آغَازِ هَسْتِي، پَايَانِ نِيزِ تُو هَسْتِي؛ هَرِ چَه رَا كَه اِبْجَادِ كَرْدِه اَي خُودَتِ نِيزِ نَابُودِ مِي سَازِي، وَ بَه فَرَسُودِه شُدِنِ وَ مُقَلَّدُهُمْ أَعْمَالَهُمْ، وَ مُحَمَّلُهَا طُهورَهُمْ إِلَى وَقْتِ نُشُورِهِمْ مِنْ يوسِيدِنِ مِي كِشَانِي، وَ اَعْمَالِ وَ رِفْتَارِشَانِ رَا هَمِ چُونِ قِلَادِه اَي بَرِ گَرْدِنِ شَانِ مِي آوِيزِي، وَ بَرِپِشْتِ شَانِ بَارِ مِي كَنِي؛ تَا أَنِ گَاهِ كَه بَعَثَهُ قُبُورِهِمْ عِنْدَ نَفْخَةِ الصُّورِ، وَ انْشِقَاقِ السَّمَاءِ بِالتُّورِ، بَا دَمِيدِنِ در صُورِ اسْرَافِيلِ از قَبْرِها بَرانگِيختِه وَ پَرَاكِنْدِه شُوندِ؛ هَمَانِ زَمَانِ كَه آسْمَانِ، بَه سَبَبِ نُورِ رُوشِنِي شَكَاफْتِه مِي شُودِ، وَ الْخُرُوجِ بِالْمَشْرِ إِلَى سَاحَةِ الْمَخْشَرِ،

لَا تَزِدُّ إِلَيْهِمْ أَبْصَارُهُمْ و پس از اعلام گردهم آیی از قبر به میدان محشر می آیند؛ چشمان شان به سوی شان نمی گردد، وَأَفْتَدَتْهُمْ هَوَاءٌ . مُتْرَاطِمِينَ فِي غَمِّهِ مِمَّا أُسِيلَفُوا ، وَمُطَالِبِينَ بِمَا و دل های شان هواس. پیوسته در اندوه و غم رفتارهای ناشایست گذشته خود غرق اند، و به خاطر تباهی های گذشته شان مورد اِخْتَنَبُوا ، وَمُحَاسِبِينَ هُنَاكَ عَلَى مَا اِذْ تَكَبُّوا ، اَلصَّحَافِيُّ فِي بازخواست قرار می گیرند، و در این جاست که بر آنچه مرتکب شده اند مورد حساب قرار می گیرند . نامه عمل ها به الْأَعْنَاقِ مَنشُورَةٌ ، وَالْأَوْزَارُ عَلَى الظُّهُورِ مَأْزُورَةٌ ، لَا اِنْكَكَارَ كَرْدن ها آویخته شده ، و بارهای سنگین بر پشت هر کس نهاده شده ، و هیچ جدایی وَلَا مَنَاصَ وَلَا مَحِيصَ عَنِ الْقِصَاصِ قَدْ أَفْحَمَتْهُمْ الْحُجَّةُ ، و رهایی و گریزی از قصاص وجود ندارد . حجت و دلیل روشن الهی ، همه آن ها را ساکت و لال کرده است وَخَلُّوا فِي حَيْرَةِ الْمَحْجَةِ وَهَمْسِ الصُّبْحِ ، مَعْدُولٌ بِهِمْ عَنِ وَضْعِهِ كَنَانِ گرفتار حیرت و سردرگمی در برابر دلیل های خداوند شده اند . آن ها را از الْمَحْجَةِ إِلَّا مَنْ سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى ، فَتَجَا مِنْ هَوْلِ راه برگرداندند ؛ مگر کسی که از پیش تر (دنیای) مورد لطف و نیکی خداوند قرار گرفته باشد؛ چنین شخصی، از هراس و ترس الْمَشْهَدِ وَعَظِيمِ الْمُؤْرِدِ ، وَلَمْ يَكُنْ يَمَعْنُ فِي الدُّنْيَا تَمَرَّدَ ، وَلَا چنین محلی که بسیار مهم و جایگاه حضور است ، نجات می یابد . او در دنیا از کسانی نبود که سرپیچی کرده اند و عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَنَّدَ ، وَلَهُمْ اسْتَبَعَدَ ، وَعَنْهُمْ بِحُفُوفِهِمْ تَفَرَّدَ . بر اولیای الهی عناد ورزیدند ، و

از آنان دوری کردند ، و حقّ شان را مخصوص خودشان دانستند . اللَّهُمَّ فَإِنَّ الْقُلُوبَ قَدْ بَلَغَتِ الْحَنَاجِرَ ، وَالنُّفُوسَ قَدْ عَلَتِ التَّرَاقِي ، بار الها! واقعیت آن است که قلب ها به حنجره ها رسیده است؛ روان ها به گلوگاه بالا آمده ؛ وَالْأَعْمَارَ قَدْ نَفِدَتْ بِالْإِنْتِظَارِ ، لا عَنْ نَقْصِ اشْتِیَابِصَارٍ ، وَلَا عَنِ وُجُوهٍ ، با انتظار رو به پایان است ؛ این نه از روی نقض کردن و برهم زدن بینش است ، و نه به خاطر آنهام مقدار ، وَلَیْکِنْ لِمَا تُعَانِي مِنْ رُكُوبِ مَعَاصِيکَ ، وَالْخِلَافِ فِي دَرَجَاتِ تَقْدِيرِ ؛ بلکه ، به خاطر گناه های فراوان ، مخالفت با عَلَیْکَ فِی أَوَامِرِکَ وَنَوَاهِیْکَ ، وَالتَّلَعُّبِ بِأَوْلِیَائِکَ وَمُظَاهَرَةِ دَسْتُورَاتِ وَنَوَاهِیِ تُو ، به بازی گرفتن اولیایت ، و پشتیبانی کردن از اَعْدَائِکَ . اللَّهُمَّ فَفَرِّبْ مَا قَدْ قَرُبَ ، وَأَوْرِدْ مَا قَدْ دَنَى ، وَحَقِّقْ دُشْمَانَاتِ مِی باشد . خدایا ؛ گرچه فرج و ظهور نزدیک است ، ولی نزدیک ترش ساز ؛ و اگرچه به نزدیکی ما رسیده است ، ولی آن را طُنُونُ الْمُؤَقِنِينَ ، وَبَلِّغِ الْمُؤْمِنِينَ تَأْمِیْلَهُمْ ، مِنْ إِقَامَةِ حَقِّکَ ، برسان؛ و گمان اهل یقین را محقق ساز؛ مؤمنان را به آرزوی شان که برپایی حق تو ، وَنَصْرِ دِیْنِکَ ، وَإِظْهَارِ حُجَّتِکَ ، وَالْإِنْتِقَامِ مِنْ أَعْدَائِکَ . (۳)

و یاری دین تو ، و آشکار شدن حجت تو و انتقام گرفتن از دشمنان توست برسان .

#### ۴ قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

این قنوت و سه قنوت بعد را نیز آن دو بزرگوار از امام رضا علیه السلام نقل کرده اند :

الْفَرَعُ الْفَرَعُ إِلَیْکَ یا ذَا الْمُحَاضَرَةِ ، وَالرُّغْبَةُ الرُّغْبَةُ إِلَیْکَ یا مَنْ پناه ، پناه ، به



سوی توسست ای خدایی که همه را در حضور دارد؛ اشتیاق، اشتیاق، به سوی توسست ای خدایی که تنها به المفاخره، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ مُشَاهِدٌ هَوَاجِسِ النَّفْسِ، وَمُرَاصِدٌ بِهِ أَوْ مِي تَوَانِ افْتِخَارِ كَرْد؛ خدایا؛ تو به خطورات روان ها شاهی؛ و مراقب ۱. مهج الدعوات: ۷۲، البلد الامین: ۶۵۱.

حَرَكَاتِ الْقُلُوبِ، وَمُطَالَعِ مَسْرَاتِ السَّرَائِرِ مِنْ غَيْرِ تَكْلُفٍ وَلَا وَدَرِ كَمِينِ حَرَكَتِ هَيْ قَلْبِ آدَمِ) به این سو و آن سو (هستی؛ و بدون هیچ زحمتی و مشقتی از پنهان کاری های درون ها، تَعَسُفٍ، وَقَدْ تَرَى اللَّهُمَّ مَا لَيْسَ عَنْكَ بِمَنْطُوي، وَلَكِنَّ جِلْمَكَ اَطْلَاعِ دَارِي. خدایا؛ به خوبی آن چه را که از تو پیچیده نشده است می بینی؛ لیکن حلم و بردباری تو آمَنَ أَهْلُهُ عَلَيْهِ جُزْئَهُ وَتَمَرُّدًا وَعُتُوًّا وَعِنَادًا، وَمَا يُعَايِنُهُ أَوْلِيَاءُؤُكَ ايمنی بخشیده به افرادی که چنین بد کرداری هایی دارند، و باعث شده بیشتر جرأت و سرپیچی و لج بازی و دشمنی با تو کنند؛ و می بینی مِنْ تَغْفِيهِ اِنَارِ الْحَقِّ، وَدُرُوسِ مَعَالِيهِ، وَتَزْيِيدِ الْفَوَاجِسِ، رنج هایی را که اولیای تو می کشند به خاطر نابودی آثار حق و ناپدید گشتن نشانه های آن، و افزایش یافتن فحشا و کارهای زشت، وَاشْتِمْرَارِ أَهْلِهَا عَلَيْهَا، وَظُهُورِ الْبَاطِلِ وَعُمُومِ التَّعَاشُمِ، و ادامه دادن بدکاران بر زشتی های خود، و آشکار شدن باطل و نادرستی، و ظلم و ستم همگانی، وَالتَّرَاضِي بِذَلِكَ فِي الْمُعَامِلَاتِ وَالْمُتَصَرِّفَاتِ مُذْ جَرَتْ بِهِ وَرَاضِي شَدْنَ طَرَفِيْنَ بِه ظلم و ستم در معاملات و کارها که عادات به آن جاری

گشته است العادات، وصارَ كالمفروضات والمشيئونات . اللَّهُمَّ قِادِرُنَا مِنْكَ وَهَمَانِدِ اجِبَاتٍ وَمَسْتَحِبَاتٍ شَدِيدَةٍ . خدایاندا ؛ به سرعت ، ما را دریاب بِالْعَوْنِ الَّذِي مَنْ أَعْتَنَهُ بِهِ فَازَ ، وَمَنْ أَيْدَتْهُ لَمْ يَخْفَ لَفَزَ لَمَّا زِ ، به امدادی که هر کس را با آن مدد رسانی رستگار شود ، و هر کس را موفق گردانی دیگر از عیب جویی هیچ کس نمی ترسد ، وَخُذِ الظَّالِمَ أَخْذًا عَنيفًا ، وَلَا تَكُنْ لَهُ رَاحِمًا وَلَا بِهِ زُؤُوفًا . اللَّهُمَّ ستمگر را به شدت گرفتار کن ، و هیچ رحم و مهربانی نیز در حَقِّش روا مدار . خدایا ؛ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ بَادِرُهُمْ . اللَّهُمَّ عَاجِلُهُمْ . اللَّهُمَّ لَا تُمَهِّلُهُمْ . اللَّهُمَّ خدایا ؛ خدایا ؛ شتاب کن . خدایا ؛ (در مورد آن ها) عجله کن ؛ خدایا ؛ مهلت شان مده . خدایا ؛ آن ها غادرُهُمْ بُكْرَةً وَهَجِيرَةً وَسُيْحْرَةً وَبَيَاتًا وَهُمْ تَائِمُونَ ، وَضَحَىٰ رَا بامدادان و در وسط روز و در سحرها و شب هنگام که در خواب هستند و هنگام روز که سرگرم اند و مشغولند گرفتارشان کن ؛ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ، وَمَكْرًا وَهُمْ يَمْكُرُونَ ، وَفَجَاءَهُمْ وَهُمْ اِمْتُونَ . اللَّهُمَّ و فریبشان بده ، و وقتی حيله می کنند، بر آن ها مکر کن ؛ و هنگامی که خود را در آرامش می بینند، ناگهان گرفتارشان ساز . خدایا ؛ يَدِّدُهُمْ ، وَيَدِّدُ اَعْوَانَهُمْ ، وَافْلُلْ اَعْضَادَهُمْ ، وَاهْزِمْ جُنُودَهُمْ ، خودشان و کمک کارشان را پراکنده و درمانده ساز ، و هم دستانشان را شکست بده ، و سپاهیان شان را فراری بده ، وَافْلُلْ حُدُودَهُمْ ، وَاجْتَنِّ سَنَامَهُمْ ، وَأَضْعِفْ عَزَائِمَهُمْ . اللَّهُمَّ و تیزی شمشیرهاشان را بشکن ، و سران

آن‌ها را ریشه کن ساز، و اراده‌های قوی آن‌ها را ناتوان ساز. خدایا؛ لطف کن و امتحاناً اُکْثَفَهُمْ، و مَلَکْنَا اُکْثَفَهُمْ، وَبَدَّلَهُمْ بِالنَّعْمِ النَّقَمَ، وَبَدَّلْنَا اَنَانَ رَا اَسِيرَ مَا گِردان، و سرزمین‌هایشان را به تصرف ما درآور؛ و نعمت‌هایشان را به بدبختی‌ها تبدیل کن؛ و به جای ترس مِنْ مُحَادَزَتِهِمْ وَبَغْيِهِمُ السَّلَامَةَ، وَاعْنُنَاهُمْ اَكْمَلِ الْمَعْنَمِ. اَللّٰهُمَّ مَا از آن‌ها و ستم‌شان، سلامت و راحتی را جایگزین فرما؛ و کامل‌ترین بهره‌ها و غنیمت‌های جنگی را از آنان به ما برسان. خدایا؛ لا تَزِدْ عَنْهُمْ بِاَسْنِكَ الَّذِي إِذَا حَلَّ بِقَوْمٍ فِسَاءٌ صَبَّاحَ الْمُتَذَرِّينَ. (۴) سختی و عذابت را از آنان بر مگیر؛ همان عذابی که به هر گروهی برسد، بدبختی بدروزگار می‌شوند.

### ۵ قنوت حضرت امام جواد علیه السلام

دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت

اَللّٰهُمَّ مَنَّا بِحَيْثُكَ مُتَابِعُهُ، وَاَيَادِيكَ مُتَوَالِيَهُ، وَنَعْمَكَ سَابِعُهُ، خدایا؛ بخشش‌های خاص تو، پی‌درپی است، خوبی‌هایت یکی پس از دیگری می‌رسد؛ نعمت‌هایت فراگیر و فراوان است؛ وَشُكْرُنَا قَصِيرٌ، وَحَمْدُنَا تَسِيرٌ، وَاَنْتَ بِاللَّعْطِفِ عَلَيَّ مَن اَعْتَرَفَ سِياسِکَ اَرِي مَا نَارِسا و اندک، و ستایش ما نسبت به تو بسیار ناچیز است؛ و تو، سزاواری که اگر کسی اعتراف (به بدی‌هایش) کرد، جَدِيْرٌ. اَللّٰهُمَّ وَقَدْ غَضَّ اَهْلُ الْحَقِّ بِالزَّيْقِ، وَاَزْتِيْرِكَ اَهْلُ الصِّدْقِ بَه اَوْ مَهْرِبَانِي كُنِي. خدایا؛ به راستی که اهل حق آب دهان از گلوی‌شان (به خاطر شدت ناراحتی) پایین نمی‌رود؛ و راستگویان، فِي الْمَضِيْقِ، وَاَنْتَ اَللّٰهُمَّ بِعِبَادِكَ وَذَوِي الرُّغْبَةِ اِلَيْكَ شَفِيْقٌ، به شدت گرفتارند و در تنگنا قرار دارند؛ و تو - خداوندا - نسبت به بندگان و

مشتاقانت مهربان و دلسوزی؛ و به حقیقت نسبت به **وَبِإِجَابِهِ دُعَائِهِمْ وَتَعَجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقٌ**. **اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ** پاسخ دادن به درخواست شان و شتاب کردن در گشایش کارشان شایسته و سزاواری .  
خدایا؛ بر ۱ . مهج الدعوات : ۷۹ ، البلد الأمين : ۶۵۴ .

**مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَادِرْنَا مِنْكَ بِالْعَوْنِ الَّذِي لَا يَخْدُلَانِ بَعِيدَهُ ، مُحْتَمِدٍ وَآلِ مُحْتَمِدٍ** درود بفرست؛ و کمک و امداد سریعی از ناحیه خودت به ما برسان که دیگر بعد از آن خواری و بیچارگی نباشد؛  
**وَالضَّرِّ الَّذِي لَا بَاطِلَ يَتَكَادَهُ ، وَأَيْحُ لَنَا مِنْ لُدُنِكَ مُتَاحاً فَيَاحاً** و آن گونه پیروز گردان که هیچ باطلی نتواند آن را دچار مشکل سازد؛ و چنان راحتی از ناحیه والا و گسترده خود برسان که **يَأْمُنُ فِيهِ وَفِيكَ ،**  
**وَيَخِيبُ فِيهِ عِدُوَّكَ ، وَيُقَامُ فِيهِ مَعَالِيكَ ، وَلِيٍّ وَدُوسْتٍ** در آن ایمن باشد ، ولی دشمنت ناکام شود ؛ آثار و نشانه های تو برپا گردد ، **وَيَنْظَهُ فِيهِ أَوَامِرُكَ ، وَتَنْكُفُ فِيهِ عَوَادِي عِدَائِكَ . اللَّهُمَّ** بادرنا و  
دستورات آشکار شود ، و بهره هایی که وعده دادی فراهم و آماده گردد . خدایا ؛ شتاب کن **مِنْكَ بِدَارِ الرَّحْمَةِ ، وَبَادِرْ أَعْدَاءَكَ مِنْ بَابِكَ بِدَارِ النِّقْمَةِ . اللَّهُمَّ** نسبت به ما شتاب رحمت ، و شتاب کن  
نسبت به دشمنانت از روی خشم و غضبت ، شتاب انتقام و مجازات . بار الها؛ **أَعْنَا وَأَعْنِنَا ، وَارْزُقْ نَفْسَتَكَ عَنَّا ، وَأَجَلْهَا بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ . (۵)** به ما کمک کن و به فریادمان برس ؛ و گرفتاری و کیفر و خشمت  
را از ما بردار ، و آن

را نصیب گروه های ستمگر کن .

### ۶۵۶ دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت

أَللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَوْلَى بِالْأَوْلَى مَعْدُودِهِ، وَالْآخِرُ بِلاَ آخِرِيهِ مَجْدُودِهِ، بَارِهَا ؛ تَوَأْوَلَ هَسْتِي ، وَلى أَوْلِيَّتِي تَو شَمَارش شَدَه عَدَدِي نِيَسْت ؛ وَ بَايَان هَسْتِي ، وَلى اِنْتَهَا وَ مَحْدُودِيَّتِ نَدَارِي ؛ أَنْشَأْتَنَا لِإِعْلَى أَقْتِسَاراً، وَأَخْتَرْتَنَا لِحَاجَةِ أَقْتِدَارِ، وَأَبْدَعْتَنَا بِهِ وَجُودِ آوَرْدِي مَارَا نَه بِهِ خَاطِرِ عِلْتِي اَز رُوي اِكْرَاهِ وَ اجْبَارِ ، وَ آفَرِيدِي مَارَا نَه بِهِ خَاطِرِ حَاجَتِي وَ نِيَازِي اَز رُوي اِقْتِدَارِ وَ تَوَانْمَنْدِي بِحِكْمَتِكَ اِخْتِيَاراً ، وَ بَلَّوْتَنَا بِأَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ اِخْتِيَاراً ، وَ أَيْدْتَنَا وَ پَدِيدِ آوَرْدِي مَارَا بِهِ حَكْمَتِ اَز رُوي اِخْتِيَارِ ، وَ بَا فَرْمَانِ وَ نَهْيِ خُودِ؛ مَارَا آزْمَايش كَرْدِي؛ وَ بَا وَسَايَلِي كِه دَر اِخْتِيَارْمَانِ قَرَارِ دَادِي، بِالْأَلَاةِ ، وَ مَنَحْتَنَا بِالْأَدْوَاتِ ، وَ كَلَّمْتَنَا الطَّاقَةَ ، وَ جَسَّمْتَنَا زَمِينَه مَوْفَقِيَّتِ مَانِ رَا فَرَاهِمِ نَمُودِي، وَ ادْوَاتِ مَخْتَلَفِ بِهِ مَا بَخْشِيدِي؛ تَا حَدِي كِه تَوَانِ دَارِيْمِ بَرِ مَا تَكْلِيْفِ فَرْمُودِي، وَ فَرْمَانِ بَرْدَارِيَّتِ ۱ . مَهْجِ الدَّعَوَاتِ : ۸۰ ، الْبَلَدِ الْأَمِينِ : ۶۵۶ .

الطَّاعَةَ ، فَأَمَرْتَ تَخْييراً ، وَ نَهَيْتَ تَخْذِيراً ، وَ حَوَّلْتَ كَثِيراً ، رَا بِهِ مَا تَكْلِيْفِ كَرْدِي ؛ دَسْتُورِ دَادِي وَلى مَارَا دَر اِطَاعَتِ مَخْتَارِ كَرْدِي، وَ بَا زِدَاشْتِي وَ مَارَا بَرِ حَذَرِ دَاشْتِي؛ نَعْمَتِ هَايِ بَسِيَاَرِي دَادِي، وَلى وَسَّأَلْتَ يَسِيراً ، فَعَصِي أَمْرَكَ فَحَلَمْتَ ، وَ جُهَلْ قَدْرُكَ فَتَكْرَمْتَ . دَر خُوسَاَسْتِ (عِبَادَتِ) كَمِي نَمُودِي؛ دَسْتُورِ، نَا فَرْمَانِي شَدِ وَلى بَرْدَبَاَرِي كَرْدِي؛ اِرْزَشِ وَ مَنَزَلَتِ دَانَسْتَه نَشَدِ ، وَلى رِفْتَارِ بَزْرِ گُوارَانَه فَأَنْتَ رَبُّ الْعِزَّةِ وَالْبَهَاءِ ، وَالْعِظْمَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ ، وَالْإِحْسَانِ دَرِ پِيَشِ گِرْفَتِي (وَ مَجَازَاتِ رَا بِهِ تَأْخِيْرِ اِنْدَاخْتِي). بَدِينِ سَانِ، تُو پَرُورْدِگَارِ صَاَحِبِ عَزَّتِ وَ فَرِّ وَ شَكُوهِ وَ عِظْمَتِ

و کبریاپی ، و احسان و النعماء ، و الممن و الالاء ، و المبرح و العطاء ، و الایجاز و الوفاء ، و نعمت و لطف و عنایت و بخشش و عطا هستی ، و عده ات را تحقق می بخشی و وفا می کنی . و لا تحیط القلوب لک  
بکنه ، و لا تدرك الاوهام لک صفه ، قلب ها به کنه و حقیقت تو احاطه نمی یابند ؛ و هم ها و خیال ها نمی توانند صفات تو را دریابند ؛ و لا یشبهک شیء من خلقک ، و لا یمثل بک شیء من صیغتك ،  
هیچ یک از آفریدگانت شبیه تو نیستند ؛ هیچ یک از ساخته های تو را نمی توان به تو مثال زد ؛ تبارکت أن تحس أو تمس أو تدركك الحواس الخمس ، و أنى بالاتر از آن هستی که حس شوی ، یا  
لمس شوی ، یا با حواس پنج گانه دریافت شوی . کجا می تواند یدرک مخلوق خالق ، و تعالیت یا الهی عما یقول الظالمون آفریده ، آفریننده خود را درک کند؟! خدایا ؛ تو از آن چه ستم کاران می  
گویند ، علواً کبیراً . اللهم أدل بأولیایک من أعدائک الظالمین الباغین برتر و بزرگ تر هستی . بار الها ؛ دوستانت را بر دشمنان ستم کار ، متجاوز ، الناکثین القاصین المارقین ، اللذین أضلوا عبادک ،  
و حوفوا پیمان شکن و نابکار و از دین بیرون روندگانت غلبه و چیرگی و استیلا ببخش ؛ دشمنانی که بندگان را گمراه ، قرآن را تحریف ، کتابک ، و بدلوا احکامک ، و جحدوا حقک ، و جلسوا مجالس  
دستورات دینیت را عوض کرده ، و حق تو را انکار کردند ؛ و جایگاه مخصوص اولیای تو را اشغال کردند ، اولیایک ، جزأه منهم علیک ، و ظلماً منهم لأهل بیت نبیک

، و این کار را از روی بی باکی و جرأت بر تو انجام دادند و از روی ستم کردن بر اهل بیت پیامبرت عَلَيْهِمُ سَلَامُكَ وَصَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَيَرْكَاتُكَ ، فَصَلُّوا وَأَصَلُّوا - که درود و سلام و رحمت و برکات بر ایشان نثار باد - انجام دادند . و با این کارشان گمراهی خود را ثابت کرده ، خَلَقَكَ ، وَهَتَكُوا حِجَابَ سِرِّكَ عَنِ عِبَادِكَ . وَأَتَّخَذُوا اللَّهُمَّ مردم را نیز گمراه نمودند ، و پرده پوشش تو را از بندگانند . خدایا ؛ این دشمنان پست ، مَالِكُ دَوْلَا ، وَعِبَادُكَ حَوْلَا ، وَتَرَكُوا اللَّهُمَّ عَالِمِ أَرْضِكَ فِي دَارِيهِ هَي وَبِزَه تُو رَا بَه عِنْوَانِ دَوْلَتِ وَ سِرْمَايَه دَرِ اِخْتِيَارِ خُودِ كَرَفْتَنَد ، وَ بِنَدِ گَانَتِ رَا غَلَامِ وَ كَنِيَزِ خُودِشَانِ كَرَدَنَد . خدایا؛ عالم و دانشمند روی زمینت بَكَمَاءَ عَمِيَاءَ ظَلَمَاءَ مَذْلَهَمَهُ ، فَأَغْيَبَهُمْ مَفْتُوخَهُ ، وَقَلْبُهُمْ عَمِيَّهُ ، رَا رَهَا كَرَدَنَد ؛ دَرِ حَالِ كَرِي وَ كُورِي وَ دَرِ فِضَائِي كِه تَارِيكِ وَ فَاَسَدِ بُوَد . بَدِينِ سَانِ ، شَرَايِطِي بِيشِ آمَدِ كِه چشمان شان باز بود و می دید ، وَلَمْ يُتِّقِ لَهُمُ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ مِنْ حُجَّجٍ ، لَقَدْ حَذَرْتَ اللَّهُمَّ عَذَابِكَ ، وَ لِي قَلْبِ هَي شَانِ كُورِ بُوَد . خدای بزرگ ؛ حِجَّتِي بَرِ تُو بَرَايِ ايشان باقی نماند ، وَ اَن هَا رَا از عذابت ترسانیدی ، وَبَيِّنْتُ نَكَالَكَ ، وَوَعَدْتِ الْمُطِيعِينَ إِحْسَانَكَ ، وَوَعَدْتِ اِيْهَمُ وَ تَهْدِيْدَهَايِ شَدِيْدَتِ رَا بِيَانِ نُمُودِي ؛ بَه فِرْمَانِ بَرَدَارَانَتِ ، وَعِدَه نِيكِي وَ اِحْسَانِ دَادِي ، وَ بِيشِ تَرِ بَرَايِ ايشان بِالْتُّدْرِ فَاَمَنْتَ طَائِفَهُ . فَأَيَّدِ اللَّهُمَّ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيَّ عَدُوِّكَ اَنَانِ بِيْمِ دَهْنْدِ گَانِي فِرْسَتَادِي وَ از عذابت ترسانیدی؛ تا در نهایت ، گروهی ایمان آوردند . بارالها؛ آن گروهی را که ایمان آوردند

بر دشمن وَعَدُوْ أَوْلِيَّائِكَ ، فَأَصْبِحُوا ظَاهِرِينَ ، وَإِلَى الْحَقِّ دَاعِينَ ، خودت و دشمن اولیا و دوستانت تأیید و یاری کن ، تا چیره و پیروز گردند ، و به حق و حقیقت فرا خوانند ، وَلِلْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ الْقَائِمِ بِالْمِسْطِ تَابِعِينَ ، وَتَجِدِدِ اللَّهُمَّ عَلِيَّ وَدُنْبَالَهُ رُو بِيَشْوَاي مَوْرِدِ اِنْتِظَارِي بَاشِنْدِ كِه بَرَاي بَرَقَرَارِي عَدَلِ وَ دَاد قِيَامِ مِي كِنْد . خدایا ؛ آتش جهنم و عذاب خود را اَعْدَادِيكَ وَاَعْدَادِيهِمْ نَارَكَ وَ عَذَابِكَ ، الَّذِي لَا تُدْفَعُهُ عَنِ الْقَوْمِ - كِه اَز گروه ستمگران ، برطرف نخواهی کرد - را بر دشمنان و دشمنان اولیایت پیوسته تازه کن . الظَّالِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَقَوِّ ضَعْفَ خَدَايَا؛ دَرُودِ بِيُوسْتِه اِت رَا بَر مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَفَرَسْت ؛ وَ نَاتَوَانِي كَسَانِي رَا كِه دُوسْتِي وَ مَحَبَّتِ خَالِصَانِه بَا تُو دَارِنْد ، تَبْدِيلِ بِه الْمُخْلِصِينَ لَسَكَ بِالْمَحَبَّةِ ، الْمُشَاطِعِينَ لَنَا بِالْمُوَالَاهِ ، الْمُتَّبِعِينَ لَنَا قُوْتِ مَنَدِي وَ نِيرو كِن ؛ هِمَانِ دُوسْتَانِي كِه بَا مَوَالَاتِ وَ دُوسْتِي فَرْمَانِ بَر دَارَانِه شَان، اَز مَا بِيُروِي مِي كِنْد ، وَ بِالْتَّصْدِيقِ وَالْعَمَلِ ، الْمُوَازِرِينَ لَنَا بِالْمُوَاسَاةِ فِينَا ، الْمُجِيبِينَ بَا تَصْدِيقِ زَبَانِي وَ عَمَلِي وَ قَلْبِي دُنْبَالِه رُو مَا هَسْتِنْد ، وَ بَا مَوَاسَاتِ وَ رِفْتَارِ دُوسْتَانِه بَا يَكْدِيْگَرِ بِه خَاطِرِ مَا ، بِه مَا كَمَكِ مِي رَسَانِنْد ، ذِكْرُنَا عِنْدَ اجْتِمَاعِهِمْ ، وَشَدِّدِ اللَّهُمَّ رُكْنَهُمْ ، وَشَدِّدِ اللَّهُمَّ لَهُمْ وَ هَر گَاهِ گَرْدِ هَمِ مِي آيِنْدِ عَاشِقِ يَادِ مَا هَسْتِنْد . خدایا ؛ پايه و اساس ايشان را محکم و قوی فرما و استوار گردان برای ايشان دِيْنَهُمُ الَّذِي اَرْتَضَيْتَهُ لَهُمْ ، وَ اَتَمِّمْ عَلَيْهِمْ يِعْمَتَكَ ، وَ خَلِّصْهُمْ دِيْنِشَانِ رَا كِه بَرَايِ اَن هَا پَسَنْدِيْدِه اِي ، وَ



نعمت را بر آن ها کامل گردان ، و آن ها را خالص گردان و اشْتَحِلْهُمْ ، وَشَدَّ اللَّهُمَّ قَفْرَهُمْ ، وَالْمُمِ اللَّهُمَّ شَعَتْ فَاقْتِهِمْ . و برگزین ، و نیازشان را برطرف کن ، و گرفتاری و بیچارگی و پریشانی ففرشان را جبران فرما . وَاعْفِرِ اللَّهُمَّ ذُنُوبَهُمْ وَخَطَايَاهُمْ ، وَلَا تَزِغْ قُلُوبَهُمْ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ ، و گناهان و اشتباهات شان را ببخش ، و پس از هدایت شان دل های شان را منحرف مساز ، وَلَا تُخَلِّهِمْ أُمَّ رَبِّ بِمَعْصِيَتِهِمْ ، وَاحْفَظْ لَهُمْ مَا مَنَحْتَهُمْ بِهِ مِنْ وَبِهِ سَبَبُ نَافِرَانِيَةِ - ای پروردگار ؛ - تنها و رهایشان مساز ، الطَّهَارَةَ بِوَلَايَةِ أُوْلِيَائِكَ ، وَالْبِرَّآتِهِ مِنْ أَعْدَائِكَ ، إِنَّكَ سَمِيعٌ وَبَاقِيٌ وَطَهَارَتِي كَمَا بِهَ وَسَطَهُ وَوَلَايَتِي وَدُوسْتِي مَا (اهل بیت) و دشمنی و بیزاری از دشمنان ما نصیب شان ساختی برای ایشان مُجِيبٌ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ . (۶) نگه دار؛ به راستی که تو شنوا و اجابت کننده هستی ؛ و خداوند ، بر محمد و آل پاک و پاکیزه اش درود پیوسته نثار کند .

### ۷ قنوت حضرت امام هادی علیه السلام

قنوت حضرت امام هادی علیه السلام

اللَّهُمَّ مَنَاجِلُ كَرَامَاتِكَ بِجَزِيلِ عَطِيَّاتِكَ مُتَرَعَّةٌ ، وَأَبْوَابُ مَنَاجَاتِكَ بَارِهَا ؛ چشمه های کرامت و بزرگواری تو ، با بخشش های شایانت پرآب است ؛ درهای مناجات و رازگویی تو ، لَمَنْ أَمَّنَكَ مُشْرَعَةً ، وَعَطُوفٌ لِحَظَاتِكَ لَمَنْ صَرَخَ إِلَيْكَ غَيْرُ بَرٍّ ، كَمَا أَنَّكَ تَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِ الْعَالَمِينَ . (۱) مهج الدعوات : ۸۰ ، البلد الأمين : ۶۵۶ .

مُنْقَطِعَةٌ ، وَقَدْ أَلْجِمَ الْجِدَارُ ، وَاشْتَدَّ الْأَضْطِرَّارُ ، وَعَجَزَ عَنِ الدَّرَاكَةِ رُؤْيُ

آورده اند می رسد؛ این در حالی است که ترس و هراس به نهایت و اضطراب و سردرگمی و بیچارگی شدید گشته ، **الْإِضْطِرَابِ أَهْلَ الْإِنْتِظَارِ . وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بِالْمُرْصِدِ مِنَ الْمَكَارِ ،** و منتظران نیز از صبر بیش تر ناتوان شده اند . **خدا یا ؛ تو در کمینگاه حيله گران هستی ، وَعَظِيمِ مُهْمَلٍ مَعَ الْإِمْهَالِ ، وَاللَّابِتْذِ بِكَ آمِنٌ ، وَالرَّائِغِبِ إِلَيْكَ** و با وجود مهلت هایی که می دهی ولی کار را رها نکرده ای؛ تنها، هر کس به تو تکیه کند در آرامش و امنیت است، و هر کس مشتاق غایبم، **وَالْقَاصِدِ اللَّهُمَّ لِيَايِكَ سَالِمٌ . اللَّهُمَّ فَعَاجِلٌ مَنْ قَدِ امْتَرَّ فِي** تو باشد بهره مند است، و تنها هر کس - **خدا یا - آهنگ** دربار تو کرده، سالم می ماند. **بار الها؛** مجازاتت را زودتر به کسانی برسان که طغیانه ، **وَاشْتَمَرَ عَلَى جِهَالَتِهِ لِعُقَابِهِ فِي كُفْرَانِهِ ، وَأَطْمَعُهُ حِلْمَكَ** سرکشی را به نهایت رسانیده، و ادامه داده است به خاطر نادانی اش نسبت به سرانجام کارش در کفر ورزیدن و ناسپاسی اش ، و بردباری عنه فی نیل إرادته ، **فَهُوَ يَتَسَرَّعُ إِلَى أَوْلِيَاءِكَ بِمَكَارِهِهِ ،** تو، موجب طمع او نسبت به پیگیری مقاصدش شده است و بدین جهت به سرعت نسبت به دوستان و اولیای تو **وَيُؤَاوِسُهُمْ بِبَاطِحِ مِرَاصِدِهِ ، وَيَقْصُدُهُمْ فِي مَطَانِهِمْ بِأَذْيَتِهِ .** بدی می کند ، و دام های زشت خود را پیوسته در راه شان قرار می دهد ، و به قصد اذیت ایشان به موضع و محل آنان می رود . **اللَّهُمَّ اكْشِفِ الْعَذَابَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَإِغْثِهِ جَهْرَهُ عَلَى الظَّالِمِينَ .** خداوند! عذاب و کیفر خود را از مؤمنان برطرف کن و به صورت آشکار آن را بر ستمگران

برانگیز، اللَّهُمَّ اكْفِ الْعِدَابَ عَنِ الْمُنْتَهِي تَجْرِبِينَ، وَاصْرِبْهُ عَلَى الْمُعْتَرِينَ. بار الها؛ عذابت را از کسانی که به تو پناه آورده اند باز دار، و بر سر تغییردهندگان بریز. اللَّهُمَّ بَادِرْ عُصِيْبَةَ الْحَقِّ بِالْعَوْنِ، وَبَادِرْ أَغْوَانَ الظُّلْمِ بِالْقَضْمِ. خدایا؛ کمک سریعت را به جمعیت حق و حقیقت برسان، و شکست و نابودیت را به سرعت نصیب کمک رسانان ستم و ظلم کن. اللَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ، وَامْنَحْنَا النَّصْرَ، وَأَعِدْنَا مِنْ سُوءِ الْبِدَارِ خدایا؛ با سپاسگزاری ما را خوشبخت گردان، و پیروزی را نصیب ما کن، و از بدی های شتابان، وَالْعَاقِبَةِ وَالْخَيْرِ. (۷)

و بدی عاقبت، و فریفته شدن در امان دار.

۱. مهج الدعوات: ۸۲، البلد الأمين: ۶۵۷.

### ۸ دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت

دعای امام عسکری علیه السلام در قنوت

امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را می خواندند؛ هنگامی که مردم قم از موسی بن بغی به آن حضرت شکایت کردند، دستور فرمود این دعا را در قنوت بخوانند: (۸)

۱. در کتاب «مکیال المکارم» می نویسد: این دعای قنوت، از مولای ما، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است، و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «المصباح» و نیز «مختصر المصباح» خود در باب دعاهای قنوت نماز یاد آور شده است. سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» در باب دعاهای قنوت امامان علیهم السلام ذکر کرده است، لیکن - بر اساس برخی روایات - به نظر می رسد که این دعا به وقت خاصی تعلق ندارد؛ گرچه بهتر است در اوقات

ویژه و مخصوص و دارای فضیلت بیش تر ، خوانده شود .

از روایت سید بن طاووس رحمه الله و دیگر روایات برمی آید که این دعا دارای اثری ویژه و کامل برای راندن ستمگر، و گرفتن حق ستمدیدگان از ستمگران است؛ به همین جهت، می توان از این مطلب استفاده کرد که یکی از فایده های این دعا اگر برای درخواست فرج و ظهور و یاری امام زمان علیه السلام خوانده شود آن است که ستمگر و بدی و سلطه او دفع گردد .

سید بن طاووس رحمه الله در مورد این دعا می فرماید : امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را خوانده و به مردم قم - که از موسی بن بغی شکایت کرده بودند - نیز دستور خواندن این دعا را داد . (پایان سخن سید بن طاووس رحمه الله) .

نویسنده کتاب «منح البرکات» - که شرحی است بر کتاب «مهج الدعوات» - از کتاب «اعلام الوری فی تسمیه القری» نوشته ابو سعید اسماعیل بن علی سمعانی حنفی (نقل می کند که : موسی بن بغی بن کلب بن شمر بن مروان بن عمرو بن غطه ؛ از یاران متوکل عباسی لعنه الله و از کارگزاران او بود که بر قم فرمان روایی می کرد. این خبیث ناپاک، همان کسی است که متوکل ملعون ، دستور ویران کردن قبر مولای مان حضرت امام حسین علیه الصلاه والسلام و تبدیل آن جا به یک مزرعه را ؛ به او داد .

وی، ستمگری خون ریز و حرمت شکن، و حاکم قم بود و بیش از ده سال بر مردم این شهر حکم رانی می نمود . مردم قم به شدت از او می ترسیدند ،

چون به شدت نسبت به پیشوایان بزرگوار علیهم السلام عناد می ورزید و در میان مردم قم ایجاد فساد می نمود و آن ها را با قتل و کشتار تهدید نموده و بر این امر مصمم بود . تا آن که از او به امام حسن عسکری علیه السلام شکایت کردند، و آن حضرت دستور دادند که مردم قم ، «نماز مظلوم» را بخوانند، و موسی بن بغی (حاکم وقت قم) را نفرین کنند و برای نفرین به او این دعا را بخوانند . پس از این که مردم قم این کار را انجام دادند، خداوند حتی به اندازه یک چشم برهم زدن به آن حاکم ستمگر مهلت نداد ، و به سختی و مقتدرانه او را نابود کرد .

نویسنده کتاب مزبور می گوید : این گفتار نگارنده کتاب «منح البرکات» را نقل به معنا کردم؛ چون، آن کتاب به زبان فارسی است ، وی چگونگی خواندن «نماز مظلوم» را بیان نکرده است؛ لیکن، در بخش نمازها به بیان «نماز مظلوم» که در کتاب «مکارم الأخلاق» یافتیم ، می پردازیم . (مکیال المکارم : ۲/۸۵) . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَاتِهِ ، وَاشْتِدَاعًا لِمَزِيدِهِ ، وَاشْتِيَاخًا لَهٗ سِپَاسٍ وَ سِتَائِشِ سِزَاوَارِ خَدَاوَنَدِ اسْتِ ، اَز جِهَتِ شُكْرِ گِزَارِی نِعْمَتِ هَائِشِ ، وَ دِرْخَوَاسْتِ فِزَوْنِیِ اَنِّ ، وَ طَلَبِ رِهَائِیِ وَبِهٖ دُونَ غَیْرِهٖ ، وَ عِیَادًا بِهٖ مِنْ كُفْرَانِهٖ وَالْاِلْحَادِ فِی عَظَمَتِهٖ بِهٖ سَبَبِ اَنِّ نِهٖ غَیْرِ اَنِّ ، وَ پِنَاهِ بَرْدِنِ بِهٖ سَبَبِ اَنِّ اَز نَاسِپَاسِیِ اَوْ اِنكَارِ عَظْمَتِ وَ كِبَرِیَاثِهٖ ، حَمْدًا مَنْ یَعْلَمُ اَنَّ مَا بِهٖ مِنْ نِعْمَاتِهٖ فَمِنْ عِنْدِ رَبِّهٖ ، وَ كِیْرِیَائِیِ اَشِّ . سِتَائِشِ كَرْدِنِ كَسِیِ كِهٖ مِی دَانَدِ هَر نِعْمَتِی

دارد از پروردگارش است ، وَمَا مَسَّهُ مِنْ عُقُوبَتِهِ فَبِشُوءِ جَنَابِهِ زِيدِهِ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ بِدَيْخَتِي وَمَجَازَاتِي كَمَا بِهِ أَوْ رَسِيدَهُ اسْتِ مِنْ جَنَابَتِي وَبِدَكَارِي هَيَّاءِ خُودَشِ اسْتِ . وَخُدَاوَنَدِ ، بِرِ مُحَمَّدٍ - عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ ، وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ ، وَذَرِيعَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى كَمَا بِنْدِهِ وَفَرَسْتَادِهِ اَوْسْتِ ، وَبِرِ كَزِيدِهِ اَلْهِيَّ اَزْ بَيْنِ مَخْلُوقَاتِ اَوْ مِي بَاشَدِ ، وَوَسِيلَهُ مُؤْمِنَانِ بَرَايِ رَسِيدِنِ بِي رَحْمَتِ رَحْمَتِيهِ ، وَ اِلَيْهِ الطَّاهِرِينَ وُلاؤِ اَمْرِهِ . اَللّهُمَّ اِنَّا نَدْبَتُ اِلَى خُدَاوَنَدِ مِي بَاشَدِ - وَ نِيْزِ بَرِ آلِ اَنْ حَضْرَتِ ، خَانْدَانِ پَاكِي كَمَا اَمْرِ وَ فَرْمَانِ اَلْهِيَّ رَا عَهْدَهُ دَارِنْدِ دَرُودِ پِيُوسْتَه فَرَسْتَدِ . بَارِ اَلْهَا ؛ بِي رَاسْتِي فَضْلِيْكَ ، وَ اَمْرَتِ بِدُعَايِكَ ، وَ صَدِّجْتِ الْاِجَابَةَ لِعِبَادِكَ ، وَ لَمْ تَحْبِبْ كَمَا تُو ، تَشْوِيْقِ بِي فَضْلِ وَ اِحْسَانَتِ كَرْدِي ، وَ دَسْتُوْرِ دَادِي تُو رَا بَخُوَانَدِ ، وَ پَاسِخِ مَثَبِ خُودِ رَا بَرَايِ بِنْدِگَانِي كَمَا دَعَا كُنِنْدِ تَضْمِيْنِ مَنْ فَرَحَ اِلَيْكَ بِرَغْبَتِيهِ ، وَ قَصَدَ اِلَيْكَ بِحَاجَتِيهِ ، وَ لَمْ تَرْجِعْ يَدُ نَمُوْدِي ؛ اِگَرِ كَسِي بَا اَشْتِيَاقِ خُودِ بِي تُو پَنَاهِ اَوْرَدِ وَ بَرَايِ بَرَاوْرَدِه شَدِنِ حَاجَتِ خُوِيْشِ بِي دَرِگَاهِ تُو رُوِي اَوْرَدِ اَوْ رَا نَااَمِيْدِ نَمِي كُنِي ؛ ط نُوِيْسِنْدِه «مِكْيَالِ الْمَكَارِمِ» دَرِ بَخْشِي دِيْگَرِ اَزْ كِتَابِ خُودِ مِي كُوِيْدِ : نَمَازِ مَظْلُوْمِ بَدِيْنِ صُوْرَتِ اسْتِ كَمَا دُو رَكَعْتِ نَمَازِ - بَا هَرِ سُوْرَهِ اِي كَمَا خُوَاسْتِي - مِي خُوَانِي ، وَ هَرِ قَدْرِ تُوَانَسْتِي بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ صَلَوَاتِ مِي فَرَسْتِي ؛ سَبَسِ مِي كُوِيْبِي :

اَللّهُمَّ اِنَّ لَكَ يَوْمًا تَنْتَقِمُ فِيْهِ لِمَظْلُوْمٍ مِنَ الظَّالِمِ ، لِكِنَّ هَلْعِي وَجَزَعِي لَا يَبْلُغَانِ بِي الصَّبْرِ عَلٰى اَنَاتِكَ بَارِ اَلْهَا ؛ تُو ، رُوْزِي رَا دَارِي كَمَا دَرِ

آن روز برای ستمدیده از ستمگر انتقام می گیری؛ لیکن، بی صبری و زودرنجی من نمی گذارد بتوانم نسبت به مهلت دادن و بردباری تو (با ستمگران) صبر و جلیبک ، وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّ فُلَانًا ظَلَمَنِي ، وَاَعْتَدِي عَلَيَّ بِقَوَّتِهِ عَلَيَّ ضَعْفِي ، فَاسْأَلُكَ يَا رَبَّ الْعَرْشِ ، كنم و تاب بیاورم. خدايا؛ به خوبی می دانی که فلان شخص بر من ستم روا داشته است؛ و با قدرت و توانی که دارد و با توجه به ناتوانی من در برابر او، نسبت به حقوق من تجاوز کرده است وَقَاسِمِ الْأَرْزَاقِ ، وَقَاصِمِ الْجَبَابِرَةِ ، وَنَاصِرِ الْمَظْلُومِينَ ، أَنْ تُرِيَهُ قُدْرَتَكَ ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا رَبَّ پس ای خدای صاحب عزت؛ ای تقسیم کننده روزی ها؛ ای کوبنده زورگویان؛ ای یاور و پیروز کننده ستمدیدگان؛ از تو درخواست می کنم توان و قدرتت را به او بنمایانی و نشان دهی. ای پروردگار الْعَرْشِ ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ .

عزت مند؛ تو را سوگند می دهم که این کار را همین حالا و در همین ساعت، در همین ساعت، انجام دهی .

( مکیال المکارم : ۸۶/۲ )

طالیه صرغراً مِنْ عَطَانِكَ ، وَلَا خَائِبَهُ مِنْ نَحْلِ هِبَاتِكَ ، وَأَيُّ رَاحِلٍ دَسْتِي رَا كَه بَه دَرخوآست بَه سویت آآمده است، خالی از بخشش و عطای خود بر نمی گردانی، و از هدیه های خوبت محروم رَحَلٍ إِلَيْكَ فَلَمْ يَجِدْكَ قَرِيباً ، أَوْ وَاوَدَّ وَقَدْ عَلَيَّكَ فَاقْتَطَعْتَهُ نَمِي گردانی ، تا به حال، کدام کوچ کننده ای به سوی تو کوچ کرده است و تو را نزدیک نیافته است؟ یا کدام واردشونده ای بر تو وارد عَوَاقِبِ الرَّزْدِ دُونَكَ ، بَلْ أَيُّ مُحْتَفِرٍ مِنْ فَضْلِكَ لَمْ يُمِهِهِ فَيُضْ شده ، او را رد کرده و پذیرایی ننموده ای؟ بلکه کدام کسی است

که فضل تو را کاوش کند و از سرچشمه جود و جودتک، وَأَيُّ مُشْتَبِهٍ لِمَزِيدِكَ أَكْدَى دُونَ اسْتِمَاخِهِ سِجَالٍ بَخْشِشِ تُو سِيرَابِ نَگردد؟ و کدام کسی است که در جستجوی فزونی از جانب تو باشد، و از عطای فراوان عَطِيَّتِكَ . اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ قَصِيْدَتُ اِلَيْكَ بِرَغْبَتِي ، وَفَرَعَتْ بِاَبِّ فَضْلِكَ تُو بَهْرِهِ مَنْد نَگردد؟ بار الها؛ و من با شوق و علاقه ای وصف ناپذیر، به قصد حضرت تو آمدم؛ و با دست خواهش خود، در گاه فضل و يَدُ مَسْأَلَتِي ، وَنَاجَاكَ بِخُشُوْعِ الْاِسْتِيْكَانَةِ قَلْبِي ، وَوَجَدْتُكَ خَيْرَ فِرْوَنِ بَخْشِ تُو رَا كَوَيْدِم ؛ و قلبم در نهایت بیچارگی و خاشعانه به مناجات و رازگویی با تو پرداخته است؛ و تو را بهترین شَفِيْعِ لِي اِلَيْكَ ، وَقَدْ عَلِمْتُ مَا يَخْدُتُ مِنْ طَلِبَتِي قَبْلَ اَنْ يَخْطُرَ وَاَسْطَهْ خَوْدِ بَرَايِ شَفَاعَتِ بَه سُوِي تُو يَافْتَم ؛ و به خوبی می دانی خواسته های نو و تازه ام را، پیش از آن که از اندیشه من بگذرد ، بِفِكْرِي ، اَوْ يَقَعُ فِيْ خَلْدِي ، فَصَلِّ اللّٰهُمَّ دُعَايِيْ اِيَّاكَ بِاِجَابَتِي ، يَا دَر رُوَانِ مِنْ بِيْفْتَد . پس ، - خداوندا - دعایم را به اجابت برسان ، وَاشْفَعْ مَسْأَلَتِيْ بِنُجْحِ طَلِبَتِي . اَللّٰهُمَّ وَقَدْ سَمِعْنَا زَيْغَ الْفِتَنِ ، وَدَرخَوَاسْتَم رَا بَه دَسْتِ يَابِي بَه خَوَاشْم بَرآوْرده سَاز . بار الها؛ فتنه های گمراه کننده ، ما را در بر گرفته است؛ وَاشْتَوَلَتْ عَلَيْنَا غَشْوَةُ الْحَيْرِه ، وَقَارَعَنَا الدَّلُّ وَالصَّغَارُ ، وَحَكَمَ وَفَرُوْرَفْتَن دَر حِيْرَتِ وَسَرْدَرگَمِي بَر مَا چِيْرَه شْدَه اسْت؛ و خواری و کوچکی، ما را درهم کوبیده است؛ و کسانی که عَلَيْنَا غَيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ فِيْ دِيْنِكَ ، وَانْتَرُ اُمُوْرَنَا





فَهُمْ أُولُوا ضَرْعٍ بَدَارٍ مَضِيغِهِ، وَأَسِيرَاءُ دَلش بسوزد و جگر سوزان آن ها را از گرسنگی نجات بخشد و سیر کند؛ بدین سان، آنان در سرایی تباه شده با خواری بسر می بردند؛ و اسیرانی مَشْكَنِهِ، وَخُلَفَاءُ كَابِهِ وَذِلَّةٍ. اَللّهُمَّ وَقَدْ اشْتَيْخَصَدَ زُرْعُ الْبَاطِلِ، بِيَجَارِهِ، وَجَانشِينَانِي غَمِّ و اندوه و خوار شده گشتند. بار الها؛ در واقع، زمان برداشت کشتزار باطل و نادرستی فرا رسید، وَبَلَغَ نِهَائَتَهُ، وَاشْتَيْخَكَمَ عَمُودَهُ، وَاشْتَيْجَمَعَ طَرِيدُهُ، وَخَذِرْفَ و به نهایت رسید و پایه و ستونش محکم شد و رانده شدگان نشان گردآوری شدند، و نسل شان زیاد شد، وَلِيدُهُ، وَبَسَقَ فَرْعُهُ، وَضُرِبَ بِجِرَائِهِ. اَللّهُمَّ فَأَتِيحْ لَهُ مِنَ الْحَقِّ وَ شَاخٍ و برگ دواندند، و پایه های حکومت شان استوار و مستقر گردیدند. بار الها؛ دست توانایی از حق را یداً حاصِدهً تَصَدُّعُ قَائِمَهُ، وَتَهْشُمُ سُوقَهُ، وَتَجِبُ سَنَامَهُ، برای برکندن ریشه و اساس باطل آماده ساز؛ تا بازارش را کساد، و علو و برتری آن را از بین ببرد، وَتَجِدُ مَرَاغِمَهُ، لِيَشْتَيْخِفِيَ الْبَاطِلُ بِقُوِّحِ صُورَتِهِ، وَيُظْهَرَ الْحَقُّ وَ دماغ شان را به خاک بمالد؛ تا در نتیجه، باطل مجبور شود چهره زشتش را پنهان کند، و حق و حقیقت نیز بخشن حُلَّتِيهِ. اَللّهُمَّ وَلَا تَدْعُ لِلْجَوْرِ دَعَامَهُ إِلَّا قَصِيحَتَهَا، وَلَا چهره زیبا و نیکوی خود را آشکار گرداند. خدایا؛ تمام ارکان و پایه های باطل را درهم بشکن؛ تمام حُجَّتَهُ إِلَّا هَتَكْتَهَا، وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَوَّقْتَهَا، وَلَا سِرِّيَةً نَقَلِ سِرِّهَا، و اجتماع کلمه

و اتحادش را پراکنده ، و لشکر سنگینش را اِلَّا حَفُّفْتُهَا ، وَلَا قَائِمَةً عَلُوًّا اِلَّا حَطَطْتُهَا ، وَلَا رَافِعَةً عَلِمَ اِلَّا بِي اِرْزَش (و خلع سلاح) فرما ، تمام پایه های بلند و برتری اش را به زیر کشیده ، و تمام علم ها و پرچم های برافراشته اش را نَكَشَيْتَهَا ، وَلَا خَضْرَاءَ اِلَّا اَبْرَتْهَا . اَللّٰهُمَّ فَكُوِّرْ شَمْسَهُ ، وَحُطِّ سِرْنِگُون ، و تمام سبزه زارهایش را خشک کن . خدایا ؛ خورشید باطل را تاریک و خاموش گردان ، و روشنی اش را از بین ببر ، نُورَهُ ، واطمینس ذِكْرَهُ ، وَاِزْمِ بِالْحَقِّ رَأْسَهُ ، وَفُضِّ حَيَوسَهُ ، و یادش را محو و ناپدید گردان ؛ به واسطه حق و حقیقت ، سرش را بیفکن ؛ و سپاهیانش را پراکنده ساز؛ وَاِزْعَبْ قُلُوبَ اَهْلِهِ . اَللّٰهُمَّ وَلَا تَدْعُ مِنْهُ بَقِيَّةً اِلَّا اَفْنَيْتَ ، وَلَا و دل های آن ها را پر از رعب و وحشت کن . خدایا ؛ از باطل هیچ باقی مانده ای نگذار، و همه را نابود ساز؛ بُنِيَّةً اِلَّا سَوَّيْتُ ، وَلَا خَلَقَهُ اِلَّا قَصَيْمْتُ ، وَلَا سِتْلَاحًا اِلَّا اَكَلْتُ ، تمام ساختمان هایش را با خاک یکسان کن ؛ تمام حلقه های محاصره آن ها را بشکن ؛ تمام سلاح های آن را بی اثر کن ؛ وَلَا حَدًّا اِلَّا قَلَلْتُ ، وَلَا كِرَاعًا اِلَّا اَجْتَحْتُ ، وَلَا حَامِلَةً عَلِمَ اِلَّا لَبَهُ هَي تَبِزْ آن ها را بشکن ؛ تمام چارپایان شان را نابود و بیچاره کن ؛ و تمام پرچم داران شان را بر نَكَشْتُ . اَللّٰهُمَّ وَاَرِنَا اَنْصَارَهُ عِبَادِيَدَ بَعْدَ اَللَّغَةِ ، وَشَتَّى بَعْدَ زَمِيْنِ بَزْن . خدایا؛ به ما بنمایان که یاران باطل، پس از آن که از یکدیگر جدا نمی شدند به بردگی رفته اند؛

و پس از آن که با یکدیگر اجتماع الکلبه، و مُقْبَعِي الرُّؤُوسِ بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَيَّ الْأَمَّةِ، وحدت داشتند و هم پیمان شده بودند، پراکنده گشته اند؛ و بعد از غلبه و چیرگی بر امت، سرافکنده و خوار شده اند. وَأَشِيرُوا لَنَا عَنْ نَهَارِ الْعَيْدِ، وَأَرِنَاهُ سِرِّمَدًا لَا ظَلَمَةَ فِيهِ، وَتَوَرَّأَ (خدایا؛) روز عدل و دادگری را برای ما آشکار کن، و آن را به ما بنمایان در حالی که پاینده است و هیچ تاریکی در آن نیست، و لا شَوْبَ مَعَهُ، وَاهْطَلْ عَلَيْنَا نَابِتَيْتَهُ، وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا بَرَكَتَهُ، وَأَدِلْ رُوشَنِي اَش بَدُونِ هِيچِ شَائِبِهِ اِي اَسْت، و از باران همیشگی آن بر ما نازل، و برکتش را به ما برسان، و هر کسی لَهُ مِمنُّ نَاوَاهُ، وَأَنْصُرُهُ عَلَيَّ مِنْ عَادَاهُ. اَللَّهُمَّ وَأُظْهِرِ الْحَقَّ، قَصْدِ بَدِي رَاجِعِ بِي اُو دَارِدِ مَغْلُوبِشِ گِرْدَانِ، و او را بر تمام دشمنانش بیروز گردان. بار الها؛ حق را آشکار کن، وَأُصْبِحْ بِهٖ فِي عَسْتِي الظُّلْمِ وَبِهِمُ الْخَيْرِ. اَللَّهُمَّ وَأَخِي بِهٖ وَصَبْحِ وَ پَايَانِ تاریکی ها و سرگردانی ها را برسان. خدایا؛ به وسیله او قلب های مرده را القلوب المئیة، و اجمع به الأهواء المتفرقة، والأراء المختلفه، زنده گردان، و گرایش های پراکنده را گرد هم آور، و نظرات متفاوت را یکی کن، وَأَقِمَّ بِهٖ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، وَأَشْبِغْ بِهٖ وَ حُدُودِ تَعْطِيلِ شُدِهٖ رَا بَرِپَا دَارِ، و دستورات دینی وا گذاشته شده را دوباره به جریان بینداز، و الخصاص الساجیه، وَأَرْخِ بِهٖ الْأَبْدَانَ اللَّائِغَةَ الْمُتَعَبِّةَ، كَمَا

گرسنگان را سیر گردان و بدن های رنجیده و سختی کشیده را آسوده و راحت گردان ؛ همان گونه که اَلْهَيْجَتَا بِذِكْرِهِ ، وَأَخْطَرَتْ بِإِلْنَا دُعَاءَ كَلِّهِ ، وَوَفَّقْتَنَا لِلدُّعَاءِ زَبَانِ مَا رَا بِهِ يَادِ اَوْ گویا کردی، و بر قلب ما گذراندی که تو را به خاطر او بخوانیم و دعایش کنیم، و موفق مان گرداندی تا مردم اِلَيْهِ ، وَحْيَا شِهْ اَهْلِ الْعَفْلِهِ عَنَّهُ ، وَأَشِيكَتْ فِي قُلُوبِنَا مَحَبَّتَهُ ، رَا بِهِ سَوَى اَوْ فِرَا بِخَوَانِيمِ ، وَغَافِلَانِ رَا اَزِ اَوْ دُور کنیم ؛ محبت و دوستی نسبت به او را در دل ما جای دادی ، وَالطَّمَعُ فِيهِ ، وَحُسْنُ الظَّنِّ بِحِكِّ ، لِإِقَامِهِ مَرَاتِبِهِ . اَللَّهُمَّ فَأْتِ لَنَا وَگرایش یافتن و میل کردن به او را، و خوش گمانی به خودت نسبت به برپا شدن دولت او را، در دل ما گذاشتی . بار الها؛ مِنْهُ عَلَيَّ اَحْسَنُ يَقِينٍ ، يَا مُحَقِّقَ الظُّنُونِ الْحَسْبِيِّهْ ، وَيَا مُصَدِّقَ بَهْتَرِينَ يَقِينِ نَسَبِ بِيهِ اَوْ رَا بِهِ مَا بَدَهْ ؛ اَيِّ تَحَقُّقِ بَخْشِ خُوشِ گمانی ها؛ اَيِّ رَاسْتِ اَوْرَنْدَه اَلْاَمَالِ الْمُطِيبَةِ . اَللَّهُمَّ وَأَكْذِبْ بِهِ الْمُتَأَلِّينَ عَلَيْكَ فِيهِ ، وَأَخْلِفْ آرزوهای درونی ؛ بار الها ؛ به وسیله او کسانی را که در مورد او علیه تو حکم می کنند ، تَكْذِيبِ كُنْ ؛ وَبِهِ ظُنُونِ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَالْاَيْسِينَ مِنْهُ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا بِيهِ وَسِطَةً اَوْ گمان های کسانی را که از رحمت تو ناامید و از او مأیوس اند ، نادرست گردان . خدایا ؛ سَبَبًا مِنْ اَشْبَابِهِ ، وَعَلِمًا مِنْ اَعْلَامِهِ ، وَمَعْقَلًا مِنْ مَعَاقِلِهِ ، مَا رَا وَسِيلَةً اَيِّ اَزِ وسایل او و پرچمی از پرچم های او و

پناهگاهی از پناهگاه های او قرار ده ؛ وَنَضُّرُ وُجُوهِنَا بِتَحْلِيَّتِهِ ، وَأَكْرَمُنَا بِنُضِيرَتِهِ ، وَاجْعَلْ فِينَا خَيْرًا وَّ جِهْرَهُ هَيَّ هَيَّ مَا رَا بِه واسطه زینت بخشیدن او زیبا گردان؛ و ما را با یاری نمودن او گرامی بدار؛ و خیر و نیکی در ما قرار ده نُظْهِرُنَا لَهُ بِهِ ، وَلَا تُشْمِثْ بِنَا حَاسِدِي النَّعْمِ ، وَالْمَتْرَبُصِينَ بِنَا تَا بِه وسیله آن ما را در نظر او قرار دهی؛ و ما را مورد شماتت و سرزنش کسانی که به نعمت های ما حسادت می ورزند، و در کمین پشیمان شدن و حُلُولِ النَّدَمِ ، وَتُرُؤُلِ الْمُنْتَلِ ، فَتَقْدُ تَرَى يَا رَبِّ بَرَأَتَهُ سَاحِتِنَا ، گرفتار شدن مان و نازل شدن عقوبت ها هستند قرار مده . پروردگارا؛ تو به خوبی می بینی که دل ما پاک است ، وَخُلُوقُ دُرْعِنَا مِنَ الْإِضْمَارِ لَهُمْ عَلَى إِحْتِهِ ، وَالتَّمَنَى لَهُمْ وَقُوعِ و قلب ما از پنهان کردن کینه ای نسبت به افراد خالی است ، و آرزوی گرفتاری و نابودی شان را نیز جَآئِحِهِ ، وَمَا تَنَازَلَ مِنْ تَخْصِيْنِهِمْ بِالْعَافِيَةِ ، وَمَا أَضْبُوْنَا لَنَا مِنْ نَدَارِمِ ؛ و می بینی آنچه را که بر ایشان نازل می شود از حفظشدن آنان به وسیله عافیت ؛ و در مقابل ، آنان در کمین نشسته اند تا اِنْتِهَازِ الْفُرْصَةِ ، وَطَلَبِ الْوُثُوبِ بِنَا عِنْدَ الْعَفْلِهِ . اَللَّهُمَّ وَقَدْ فرصتی علیه ما به دست آورند ، و غافلگیرانه بر ما هجوم آورند . بار الها ؛ عَرَفْنَا مِنْ أَنْفُسِنَا ، وَبَصَرْنَا مِنْ عُيُوبِنَا خِلَالًا نُخْشَى أَنْ تَقْعَدَ خُودَتِ رَا از راه خویشتن مان به ما شناساندی، و عیب ها و زشتی هایی که ما داشتیم به ما نشان دادی به گونه ای که ترسیدیم بِنَا عَنِ اشْتِهَارِ إِجَابَتِكَ

، وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَى غَيْرِ الْمُشِيخِيْنَ ، نَگَذارند به پاسخ گویی آشکار تو دست یابیم . این در حالی است که تو به کسانی که استحقاق ندارند مهربانی و فضل و بخشش وَالْمُتَبَدِّئُ بِالْإِحْسَانِ غَيْرِ السَّائِلِينَ ، فَأَتَيْتَ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا عَلَيَّ مِي كُنِي؛ و نسبت به کسانی که درخواست نیز نمی کنند ، خودت شروع به احسان و نیکی می کنی . بدین سان ، کار ما را بر حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَآمِنَانِكَ ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ ، حسب کرامت و بزرگواری، سخاوت، فضل و مَنّت نهادنت، درست کن . همانا، تو هر کاری بخواهی انجام می دهی؛ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ ، وَمِنْ جَمِيعِ دُنُوبِنَا تَائِبُونَ . و به هر چه اراده کنی ، حکم می کنی . ما به سوی تو اشتیاق داریم ، و از تمام گناهان مان توبه می کنیم . اَللَّهُمَّ وَالِدَ الدَّاعِي إِلَيْكَ ، وَالْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ ، اَلْفَقِيرُ إِلَى بَارِئِهَا ؛ همان کسی را که تنها به سوی تو فرامی خواند، و از بین بندگانت برای برقراری عدل و داد دست به قیام می زند، و خود را رَحْمَتِكَ، اَلْمُحْتَاجُ إِلَى مَعُونَتِكَ عَلَى طَاعَتِكَ، إِذْ ابْتَدَأْتَهُ بِبِعْمَتِكَ، نیازمند رحمت می داند ، و احتیاج به کمک تو برای فرمان برداری دارد ؛ همان کسی که ابتداءً نعمتت را به او مرحمت کردی ، وَأَلْبَسْتَهُ أَثْوَابَ كَرَامَتِكَ ، وَاللَّقِيَتْ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ طَاعَتِكَ ، وَجَبَّتْ وَ لِبَاسِهَا كَرَامَتِهَا وَبِزُرْغُوَارِي خُودِهَا بَرِ اَوْ پُوشَانِیدِي، و دوست داشتن فرمان برداری را بر دلش افکندی، و از روی محبتت وَطَأْتَهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ ، وَوَفَّقْتَهُ لِلْقِيَامِ بِمَا أَعْمَضُ فِيهِ جَايْگَاهِشَ رَا دَر قَلْبِهَا مَحْكَمَ گَرْدَانِیدِي ،

و موفق کردی بعضی از دستوراتت را که اهل زمانه من افریک، و جعلته مفرعاً لمظلوم عبادک، و ناصراً مردم زمانه از انجامش خودداری کرده اند، انجام دهد؛ و او را گریزگاه و پناه گاهی برای بندگان ستمدیده ات، یاور لمن لایجد ناصراً غیرک، و مؤجداً لما عطل من احکام کتابک، کسانی که جز تو یاوری نیافته اند، تازه کننده احکام تعطیل شده و فراموش شده قرآنت، و مُشیداً لما رُد من اُغلام دینک، و شین نَبیک علیه و اله و محکم کننده آن دسته از نشانه های دینت که رد شده است، و محکم کننده و برپاکننده سنت ها و روش های کنار زده شده سَلامک و صَلواتک و رَحمتک و بَرَکاتک. فَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فی پیامبرت - که درود و سلام و رحمت و برکت های تو بر او و آل او باد - قرار دادی. خدایا؛ (بدین جهت ها) حِصانه من بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ، وَأَشْرِقْ بِه الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةَ من او را در پناه گاهی قرار ده تا از شرّ متجاوزان در امان باشد؛ و دل هایی را که از بغاه الدین، و بَلِّغْ بِه أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ بِه الْقَائِمِينَ بِقِسْمِكَ من ستم ستمگران دچار اختلاف گشته به سبب او روشن گردان؛ و او را به برترین چیزهایی برسان، که قیام کنندگان برای عدالت - در أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ وَأَذِلُّ بِه مَنْ لَمْ تُشْهِمْ لَهُ فِي الرَّجْوِ إِلَى بَيْنِ پیروان پیامبرانت - بدان ها دست یافته اند. خدایا؛ کسانی که سهمی برای بازگشت به محبت خودت برای ایشان قرار نداده ای مَحَبَّتِكَ، وَمَنْ نَصَبَ لَهُ الْعَدَاوَةَ، وَاوْمِ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ مَنْ أَرَادَ رَا بِه دست آن حضرت، خوار و ذلیل گردان؛



و نیز، کسانی را که بنای دشمنی با او دارند، خوار کن . و بیفکن سنگ عذاب ناپودکننده ات را التَّالِيَةِ عَلَى دِينِكَ بِإِذْلَالِهِ ، وَتَشْتِيَةِ أَمْرِهِ ، وَأَغْضَبِ لِمَنْ لَا بِهِ طَرَفَ تَمَامِ كَسَانِي كَه قَصْدِ دَارِنْد بَا شُورَانْدِنِ مَرْدَمِ عَلَيْهِ دِينِ تُو ، اُو رَا بَه خُوَارِي وَ بِيچَارِگِي بَكشَانِنْد وَ اُمُورِش رَا پَرَا كِنْدَه كِنِنْد . (خدايا؛ غضب تیره له ولا طائله ، و عادی الأقرین والأبعدين فيك منّا منك نما برای شخصی که طلب کننده خونی برای او نباشد و قوت توانگری برای او نباشد و دشمنی می کند با نزدیکان و دوران در راه تو. این کارها را به علیه ، لا منّا منه عليك . اللهم فكما نصبت نفسه غرضاً فيك عنوان متنی از تو بر او می دانیم، نه این که او بر تو متنی داشته باشد . بار الها؛ همان گونه که جان خویش را به خاطر تو در تیر رس للآبعدين ، و جاد بئذلي مُهَجِّتِه لَكَ فِي الدَّبِّ عَنْ حَرِيمِ الْمُؤْمِنِينَ ، مخالفان قرار داد ، و سعی نیکو نموده است به بذل خون خود از برای دفاع نمودن از حریم مؤمنان ؛ وَرَدَّ شَرَّ بُعَاثِ الْمُؤْتَدِينَ الْمُتَرَبِّينَ حَتَّى أَخْفَى مَا كَانَ جُهْرًا بِهِ مِنْ وَدَرْدَ شَرِّ وَ بَدِي سَتَمِ كَارَان ، بی دین شدگان و شک کنندگان ؛ تا جایی که گناهای که آشکار شده بود پنهان کرد الْمُعَاصِي ، وَأَبْدَا مَا كَانَ بِيَدِهِ الْعُلَمَاءُ وَرَأَى ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذَتْ وَ چيزهائی را آشکار کرد که دانشمندان دینی پيمان داده بودند آن چیزها را ميثاقَهُمْ عَلَى أَنْ يُبَيِّنُوهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُوهُ ، وَدَعَا إِلَى إِفْرَادِكَ بِرَأَى ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذَتْ وَ چيزهائی را آشکار کرد که دانشمندان دینی پيمان داده بودند آن چیزها را ميثاقَهُمْ عَلَى أَنْ يُبَيِّنُوهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُوهُ ، وَدَعَا إِلَى إِفْرَادِكَ بِرَأَى ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذَتْ وَ چيزهائی را آشکار کرد که دانشمندان دینی پيمان داده بودند آن چیزها را ميثاقَهُمْ عَلَى أَنْ يُبَيِّنُوهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُوهُ ، وَدَعَا إِلَى إِفْرَادِكَ بِرَأَى ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذَتْ

را به فراموشی سپرده بودند؛ و مردم را تنها بالطاعه، وَأَلَّا يَجْعَلَ لَكَ شَرِيكًا مِّنْ خَلْقِكَ يَعْلَمُونَ عَلِيٌّ به فرمان برداری از تو فرا خواند، و اینکه کسی از مخلوقات را برای تو شریک قرار ندهد و دستورش را اَمْرًا، مَعَ مَا يَنْتَجِرُهُ فَيْكَ مِنْ مَّرَارَاتِ الْعَيْظِ الْجَارِحَةِ برتر از دستور تو قرار ندهد. افزون بر آن چه گفته شد، تلخی سختی ها و رنج های خشمی را که بِخَوَاسٍ [بمواسیب] الْقُلُوبِ، وَمَا يَغْتَوِرُهُ مِنَ الْعُمُومِ، وَيَفْزَعُ قَلْبَ الرَّجُلِ الْمَجْرُوحِ می کند، در راه تو جرعه جرعه می نوشد؛ غم هایی را که پیوسته به او می رسد، تَحْمَلُ می کند؛ عَلَيْهِ مِنْ أَعْدَابِ الْخَطُوبِ، وَيَشْرَقُ بِهِ مِنَ الْعَصِيصِ الْأَمْرِ دَرْدَنَاقِ که تازه به او می رسد که هر لحظه تازه تر می شود؛ غصه هایی که در لَا تَتَّبِعُهَا الْخُلُقُ وَلَا تَتَّخِذْ عَلَيْهَا الصُّلُوعَ عِنْدَ نَظَرِهِ إِلَى أَمْرِ كَلَوِيٍّ مانده و از حلقوم فرو نمی رود، و پهلوی انسان توان تحملش را ندارد؛ تَحْمَلُ می کند. این ها در هنگامی است که به دستوری مِنْ أَمْرِكَ، وَلَا تَنَالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدَّهُ إِلَى مَحَبَّتِكَ. فَاشْدُدْ مِنْ دَسْتُورَاتِ وَكَارِهَاتِ تُوِّمِي نَكْرًا، وَلِي دَسْتُوشِ كَوْتَاهِ اسْتِ وَنَمِي تَوَانِدِ آن دستور دگرگون شده را تغییر دهد و آن گونه که تو دوست داری قَرَارِشِ اللَّهُمَّ أَزْرُهُ بِتَضْيِرِكَ، وَأَطْلُ بَاعَهُ فِيمَا قَصِيرَ عَنْهُ مِنْ إِطْرَادِ دَعْدِ. خَدَايَا؛ بَا يَارِيْتِ پَسْتَشِشِ رَا مَحْكَمِ گَرْدَانِ، وَ تَوَانِي اَشِ بَدِهِ دَرِ مَوْرِدِ آنْجِهِ تَنَوَانِسْتِهِ اَنْجَامِ دَعْدِ اَزِ دَوْرِ كَرْدَنِ الرَّائِعِينَ فِي جِمَاكَ، وَرَدَّهُ فِي قُوَّتِهِ بَسْطَهُ مِنْ تَأْيِيدِكَ، خَوْشْكَدَرَانِ هَا دَرِ رَاهِ حَرَامِ وَ مَعْصِيَتِ تُو

؛ و نیروی او را از جهت باز شدن دستش با تأیید خودت افزایش بده ؛ وَلَا تُؤْجِسْنَا مِنْ أَنْبِيِهِ ، وَلَا تَخْتَرِمَهُ دُونَ أَمَلِهِ مِنَ الصَّلَاحِ مَا رَا مِنْ أَنْسِ الْغُرَفَتَيْنِ بِأَوْ مَكْرِبِزَانِ) به وحشت مینداز( ؛ آرزویش را - که درستی و اصلاح الفاشی فی أَهْلِ مِلَّتِهِ ، وَالْعَدْلُ الظَّاهِرُ فِي أُمَّتِهِ . اللَّهُمَّ وَشَرِّفْ فِرَاغِ أُمُورِ مَرْدَمِش وَعَدَالَتِ آشْكَارِ دَرِ بَيْنِ شَانِ اسْت - بر باد مده و ناامیدش مساز . خدایا ؛ هنگامِ بِمَا اسْتَقْبَلَ بِهِ مِنَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ لَدَى مَوْقِفِ الْحِسَابِ مَقَامَهُ ، حساب و کتاب بندگانت ، جایگاه او را به خاطر آنچه استقبال کرد از برپا داشتن فرمات ، شرافت مند گردان ؛ وَشَرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤُوسِهِ ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلِيَّ پیامبرت حضرت محمّد را - که درود تو بر او و آل او باد - با دیدن آن بزرگوار و کسانی که دعوتش را پذیرفته و از او پیروی دَعْوَتِهِ ، وَأَنْزِلْ لَهُ عَلَيَّ مَا وَأَيْتُهُ فَأَيَّمَا بِهِ مِنْ أَمْرِكَ ثَوَابَهُ ، کردند؛ شادمان گردان . و به خاطر این که به دستور تو قیام کرده و دستورات را اجرا می کند، ثوابش را بر آنچه وعده کرده ای افزون وَاِئِنْ قُرْبَ دُنُوهُ مِنْكَ فِي حَيَاتِهِ ، وَارْحَمِ اشْرِيكَاتِنَا مِنْ بَعْدِهِ ، و شایسته گردان؛ در زمان زندگانش نیز او را به مقام قرب خود نزدیک بگردان، و به بیچارگی و بدبختی ما پس از او رحم کن؛ وَاشْرِيخْدَآءَنَا لِمَنْ كُنَّا نَقْمَعُهُ بِهِ إِذَا فَقَدْتَنَا وَجْهَهُ ، وَبَسَطْتَ أَيْدِيَ (خدایا؛ به ما رحم کن آن گاه که پس از گم کردن روی مبارک او، مجبور به فروتنی

در برابر کسانی شویم که با او نابودشان من کُنَّا نَبِطُّ أُيُدِنَا عَلَيْهِ لِنُرَدَّهُ عَنْ مَعْصِيَتِهِ ، وَافْتِرَاقَنَا بَعِيدٌ مِي كَرْدِيم؛ و کسانی که ما برایشان مسلط شده بودیم تا آنها را از نافرمانی آن حضرت باز داریم، بر ما مسلط شوند؛ الْمَالْفِهِ وَالْإِجْتِمَاعِ تَخْتِ ظِلُّ كَنْفِهِ ، وَتَلَهَّفُنَا عِنْدَ الْفَوْتِ عَلِي مَا رَحِم كِن بر ما که پس از هماهنگی و دوستی و گرد آمدن در زیر سایه حمایت او، دوباره پراکنده شویم؛ رحم کن حسرت خوردن أَفْعَدْتَنَا عَنْهُ مِنْ نُصْرَتِهِ ، وَطَلَبْنَا مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ مَا لَا سَبِيلَ لَنَا مَا رَا - هنگام از دست دادن - بر آنچه ما را بازداشتی از یاری او و طلب برپائی حق آنچه برای ما راهی اِلی رَجَعْتِهِ . وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ مِمَّا يُشْفَقُ عَلَيْهِ مِنْهُ ، وَرُدُّهُ بِسُورِي بَارِكْتَ أَنْ نَبْسُت . خدایا ؛ او را در امان بدار از چیزهایی که برایش می ترسیم؛ عَنْهُ مِنْ سِيَهَامِ الْمَكَائِدِ مَا يُوجِّهُهُ أَهْلُ السُّنَنِ اِلیهِ وَ اِلی وَ از او دور گردان تیرهای نیرنگی را که کینه توزان و بدخواهانش پرتاب می کنند به سوی او شَرَّ كَاتِبِي فِي أَمْرِهِ ، وَمُعَاوِنِيهِ عَلِي طَاعِهِ رَبِّي ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ ) و همراهان و کمک رسانان او در راه فرمان برداری از پروردگارش(؛ همان مددکارانی که آنان را سِلَاحَهُ وَجِصِيئَهُ وَمَفْرَعَهُ وَأَنْسَهُ ، الَّذِينَ سَلُوا عَنِ الْأَهْلِ اسلحه ، دژ ، پناهگاه و مونس آن حضرت قرار داده ای ؛ همان عزیزان و یاورانی که از خانواده و فرزندان شان دست کشیده ، وَالْأَوْلَادِ ، وَجَفَّوْا الْوُطْنَ ، وَعَطَّلُوا الْوُتَيْزِ مِنَ الْمِهَادِ ، وَرَفَضُوا وَطْنَ رَا تَرَكَ كَرْدَنَد ، و از بستر و خواب

آرام گذاشتند ، و تجارتیهِم ، وَأَصْرُوا بِمَعَارِبِهِمْ ، وَفَقِدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ عَجْبٍ تِجَارَتِهَا و بازرگانی خود را رها کردند ، و به کسب و کار خویش ضرر و زیان وارد کردند ؛ و بدون پنهان شدن عَنْ مَضِرِّهِمْ ، وَخَالَلُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاَصَدَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ ، وَقَلُّوا مِنْ شَهْرِشَانَ در مجالس و محافل عمومی و مهم شان پیدایشان نشد؛ و با افراد دوردستی که نسبتی نداشتند، به خاطر کمک و یاری الْقَرِيبِ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وِجْهِتِهِمْ ، فَأَتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَايُرِ وَالتَّقَاتُعِ آنها در کارشان، رابطه دوستی برقرار کردند؛ و نزدیکانی را که سد راه شان می شدند، کنار گذاشتند؛ و پس از آن همه اختلاف و دشمنی و فی دَهْرِهِمْ ، وَقَطَعُوا الْأَشْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ الدُّنْيَا . قطع رابطه در روزگارشان، گروهی تشکیل دادند؛ و همه وسیله هایی را که آن ها را به خار و خاشاک زودگذر دنیا می رسانید از بیخ و فَاَجْعَلُهُمُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ جَزَرَكَ وَظَلَّ كَنَفِكَ ، وَرَدَّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ بِنِ بَرَكْتِهِمْ . بار الها ؛ بدین ترتیب ، ایشان را در امان نگهدار ، و سایه حمایت خودت قرار بده ؛ فَصَدَّ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَأَجْزَلْ لَهُمْ عَلَى دَعْوَتِهِمْ مِنْ وَبَدَى وَ شَرِّ هَرِّ يَكُ مِنْ أَمَانِكَ فَاصْرِحْ بِأَمَانِكَ ، وَأَمِدَّهُمْ بِتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ ، وَأَرْزُقْهُمْ بِحَقِّهِمْ سرپرستی و امداد خویش را برای آن ها زیاد کن ؛ و با توفیق و یاری و پیروزی، حمایت شان کن؛ و به وسیله حَقِّ و حقیقت آن ها باطلِ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ .

اللَّهُمَّ وَأَمَّا بِهِمْ كُلُّ أُفٍّ مِنْ بَاطِلٍ رَا مِنْ كِسَانِي كَه قَصْدِ خَامُوشِ كَرْدَنِ نُورِ تُو رَا دَارِنْدِ ، نَابُودِ گَرْدَانِ . بَارِهَا ؛ بِه وَسِيلَه ايشان ، تَمَامِ افقِ هَايِ هَسْتِي ، الْأَفَاقِ ، وَقَطْرٍ مِنْ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَمَزْحَمَةً وَفَضْلًا ، وَتَمَامِ گُوشَه هَا وَاقْطَارِ جِهَانِ رَا ، بِرِازِ دَادِ وَعَدْلِ وَرَحْمِ وَمَهْرِبَانِي وَاحْسَانِ گَرْدَانِ ، وَاشْكُرُهُمْ عَلَي حَسَبِ كَرِيمِكَ وَجُودِكَ وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَي وَبِه ايشان (ياران آن حضرت) پاداش بده بر حسب كرامت و سخاوت مندی و منت هایی كه نسبت به بندگان الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَأَذْخَرْتَ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا يَرْفَعُ عِدَالَتِ مَنَدَتِ دَارِي ، وَ ثَوَابِ هَائِي كِه بَرای شان ذخیره كرده ای ، وَ درجه ايشان رَا بِه آن بالا می بَرِي ، لَهُمْ بِه الدَّرَجَاتِ ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ . (۹) به راستی كه تُو هر چه رَا بخواهی انجام می دهی، وَ آنچه رَا اراده كنی، حَكَمِ می فرمایی .

در كتاب «البلد الأمين» این عبارات نیز وجود دارد :

وَصَيَلِيَّ اللَّهُ عَلَي خَيْرِيَه مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ الْأَطْهَارِ . اللَّهُمَّ وَ خَدَاوَنْدِ ، دَرُودِ پيوسْتِه اش رَا بِرِ بَرِگَزِيده مَخْلُوقَاتِشِ يَعْنِي حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِ پاكشِ نثار كند . بَارِهَا ؛ إِنِّي أَجِدُ هَذِهِ النُّدْبَةَ ائْتَمَحْتُ دَلَالَتِهَا ، وَدَرَسْتُ أَغْلَامُهَا ، وَعَفْتُ اَيْنِ گُونِه فِكْرِ می كَنَمِ كِه اَيْنِ نَدَبِه وَ زَارِي دَلالْتَشِ مَحُو شده ، وَ نِشانِه هَايِ أَشْكارَشِ كَهْنِه شده، وَ تَنها إِلا ذِكْرُها ، وَ تِلَاوَةُ الْحَجَّهِ بِها . اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَادِشِ وَ قِرائْتِ كَرْدَنِ اسْتِدْلالِ بِه آن مانده . خَدَايَا ؛ مِنْ ، بَيْنِ خُودِمِ وَ تُو ، مُسْتَبْتِهَاتِ تَقَطُّعِنِي

دُونِكَ ، وَمُطِئَاتٍ تَقْعُدُ بِي عَنْ إِجَابَتِكَ ، اشتباهاتی می بینم که مرا از تو جدا می سازند ؛ و موانعی که مرا از اجابت تو باز می دارند ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنِّي عَبْدُكَ وَلَا يُرَحَّلُ إِلَيْكَ إِلَّا بِرِزْقٍ وَأَنَّكَ لَا تَخْجُبُ وَ بِهِ خوبی می دانم که من بنده ات هستم ، و نیز معلوم است که تنها با زاد و توشه می توان به سوی تو کوچ کرد ؛ تو ، عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ يُخْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونِكَ ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ زَادَ از مخلوقات فاصله نداری ، و این کارهای بندگان است که ایشان را از تو محجوب و محروم می سازد . خدایا ؛ به خوبی می دانم که توشه الرّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمٌ إِرَادَهُ يَخْتَارُكَ بِهَا ، وَبَصِيرَةٌ بِهَا إِلَى مَا يُؤَدِّي كَوِج كُنْدَه بَه سَوِي تو ، هَمَان اِرَادَه وَ تَصْمِيمِ قَطْعِي اسْتِ كَه تُو رَا بَه آن بَرَمِي گَزِينْد - تا به سويت بيايد - ۱ . مَهْجِ الدَّعَوَاتِ : ۸۵ ، الْبَلَدِ الْاَمِينِ : ۶۶۰ ، وَ مَصْبَاحِ الْمُتَهَيِّجِ : ۱۵۶ با اندکی تفاوت .

إِلَيْكَ . اللَّهُمَّ وَقَدْ نَادَاكَ بِعَزْمٍ الْإِرَادَةِ قَلْبِي فَاسْتَبَقْنِي نِعْمَتَكَ وَ بَدِينِ وَسِيلَه بَرَايِ رَسِيدِن بَه سَوِي تُو حَرَكْتِ مِي كُنْد . بَارِ الْهَآ ؛ قَلْبِ مَن ، بَا تَصْمِيمِ قَطْعِي خُودِ تُو رَا نَدَا مِي دَهْد ؛ پَس ، نَعْمَتِ رَا بِنَهْمِ حُجْبَتِكَ لِسَانِي وَمَا تَبَسَّرَ لِي مِنْ إِرَادَتِكَ . اللَّهُمَّ فَلَا بَرَاءَةَ لِي بِسَبَبِ فَهْمِيدِن حُجَّتِ پَايدَارِ كُن ، وَ هَرِ چَه مَمَكِن اسْتِ بَا اِرَادَه خُودِ بَرَايِمِ فَرَاهِمِ كُن . بَارِ الْهَآ ؛ اُخْتَرَلَنُ عَنْكَ وَأَنَا اُمُّكَ ، وَلَا اُخْتَلَجُنُ عَنْكَ وَأَنَا اَتْخَرَاكَ . اللَّهُمَّ مَن تُو رَا قَصْدِ كَرْدَم ؛ پَس ، مَرَا اَزِ خُودِ جَدَا مَسَاز ؛

و من در جستجوی تو هستم، پس مگذار از تو بریده شوم. خدایا؛ وَاُیِّدْنَا بِمَا نَسْتَخْرِجُ بِهِ فَاقَهُ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا ، وَتَنَعُّشْنَا مِنْ طُورِي مَا رَا مَوْفِقَ گِردان که فقر و نیاز دنیوی را از قلب مان بیرون کنیم ؛ و ما را بلند کن از مصارعِ هوانها ، وَتَهْدِيْمَ بِهِ عَنَّا مَا شِئِدَ مِنْ بُيَانِهَا ، وَتَشْقِيْنَا مَحَلَّ هَاي سَقُوْطِ بَسْت و بی ارزش دنیایی ؛ و پایه های محکم علاقه به دنیا در درون ما را ویران ساز ؛ وَبِكَأْسِ السَّلْوَةِ عَنْهَا حَتَّى تُخَلِّصَنَا لِعِبَادَتِكَ ، وَتُوَرِّثَنَا مِيرَاثَ بِه ما جامی از جدایی و رهایی از آن بنوشان تا برای بندگی ات ما را خالص گردانی . و میراث جاودانه اَوْلِيَاءِكَ الَّذِيْنَ صَرَبْتَ لَهُمْ الْمَنَازِلَ إِلَى قَصْدِكَ ، وَانْشَتَ دُوسْتان خودت را نصیب مان کن ، همان دوستانی که جایگاه هایی برای رسیدن به خودت برای شان درست کردی ، وَخَشْتَهُمْ حَتَّى وَصَلُوا إِلَيْكَ . اَللّهُمَّ وَانْ كَانَ هُوَی مِنْ هُوَی و وحشت شان را تبدیل به اُنس و آرامش نمودی تا در نهایت به وصال تو رسیدند . خدایا ؛ اگر از خواهش ها یا الدُّنْيَا اَوْ فِتْنَهُ مِنْ فِتْنِهَا عَلَيَّ بِقُلُوبِنَا حَتَّى قَطَعْنَا عَنْكَ اَوْ حَجَبْنَا فِتْنَةً هَا و فریبندگی های دنیایی ، باز هم چیزی به دل مان جسیده بود تا ما را از تو جدا سازد یا از عُنْ رَضْوَانِكَ ، وَقَعَدَ بِنَا عَنْ اِجَابَتِكَ ، فَاقْطَعْ اَللّهُمَّ كُلَّ حَبْلٍ مِنْ رِضْوَانِ وَخَشْنُودِي ات محروم سازد، و از دست یابی به اجابت تو بازمان دارد؛ (خدایا؛) هر رشته علاقه دنیایی را که بخواهد جِبالها جَدَبْنَا عَنْ طَاعَتِكَ ، وَاغْرَضَ بِقُلُوبِنَا عَنْ اَدَاءِ فِرَآئِضِكَ ، ما را از فرمان برداری



تو برگردد و جذب دنیا کند، یا قلب های ما را از انجام واجبات تو باز داشته و روگردان کند؛ از بیخ و بن برکن . وَاشْرَقْنَا عَنْ ذَلِكَ سَلْمًا وَصَبْرًا يُورِدُنَا عَلَى عَفْوِكَ ، وَيُقِدُّمُنَا دَعَايَ قَنُوتِ حَضْرَتِ بَقِيَّةِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام

و جام رهایی و استقامت در برابر آن را به ما بنوشان که ما را به عفو و بخشش تو برساند ، و ما را وا دارد علی مَرْضَاتِكَ ، إِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ . اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنَا قَائِمِينَ عَلَى تَابِ رِضْوَانِ وَخَشْنُوْدِيْتِ دَسْتِ يَابِيْمِمْ ؛ بَه رَاسْتِي كِه اَخْتِيَارِ اَيْنِ كَارِهَا دَر دَسْتِ بَا كِفَايْتِ تَوَسْتِ . بَارِ اَلِهَا ؛ مَا رَا چِنَان كُن كِه اَنْقَبِيْتَنَا بِاَحْكَامِيْكَ حَتّٰى تُشَقِّطَ عَلَيْنَا مَوْوَنَ الْمَعَاصِي ، وَاقْمَعِ خُودِ رَا وَا دَارِ بَه اِنْجَامِ دَسْتُوْرَاتِ وَ اِحْكَامَاتِ كُنِيْمِ تَا رِنَجِ وَ سَنَكِيْنِي گَنَاهَانَ رَا نِيْزِ اَزِ مَا بِيْنْدَا زِدْ ؛ وَ اَلْأَهْوَاءَ اَنْ تَكُوْنَ مُسَاوِرَةً ، وَهَبْ لَنَا وَطْءَ اِنَارِ مُحَمَّدٍ وَ اِلَيْهِ هُوَسِ هَايِ مَانَ رَا اَزِ اَيْنِ كِه هَمُوَارَه بَه مَا حَمَلَه وَرِ بَاشَنْدِ ، سَرْكُوبِ كُنْ ؛ وَ پِيْمُوْدِنِ رَاهِ وَ رُوشِ حَضْرَتِ مَحْمُودِ وَ اَلِ اَوْ رَا صِلُوْا نَتَكَ عَلَيِّهِ وَ عَلَيِّهِمْ ، وَ اللّٰهُوَقَ بِهِمْ حَتّٰى يَرْفَعَ الدِّيْنُ - كِه دَرُوْدَتِ بَرِ اَوْ وَا اِيْشَانَ بَادِ - وَ مَلْحَقِ شَدْنِ بَه اَنْ بَزَرْگُوَارَانَ رَا بَرِ مَا اِرْزَانِيْ بَدَارِ ، تَا دَرِ نِهَائِيْتِ ، دِيْنِ ، اَعْلَامُهُ اِيْتِيْعَاءَ الْيَوْمِ الَّذِي عِنْدَكَ . اَللّٰهُمَّ فَتَنِّ عَلَيْنَا بِوَطْءِ اِنَارِ پَرچَمِ هَايِشِ رَا بَرِ اَفْرَا زِدْ ؛ بَه اَمِيْدِ رُوْزِي كِه نَزْدِ تُو بَاشَدْ . بَارِ اَلِهَا ؛ اَيْنِ مَنّتِ رَا بَرِ مَا بَغْدَا رِ كِه اَنَارِ وَ اَنچِه بَجَايِ مَانْدَه اَزِ سَرِ لَفْنَا ، وَاجْعَلْنَا خَيْرَ فَرْطِ لَبِنِ اَنْتُمْ بِنَا ، فَ اِنَّكَ عَلِي ذَلِيْكَ

قدیر گذشتگان) و پیشوایان(مان را بپیماییم؛ و ما را بهترین پیشگامان برای کسانی قرار ده که می خواهند دنباله رومان باشند. به راستی که تو هم توان وذلک علیک یسیر، وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى  
اللَّهُ عَلَىٰ اَیْنِ کَارِ رَا دَارِی، وَ هَمِ اَنْجَامِ اَنْ بَرَاِیْتِ اَسَانَ اَسْت؛ وَ تُو، مَهْرَبَانَ تَرِیْنَ مَهْرَبَانَ هَسْتِ؛ وَ خَدَاوَنْد، دَرُودِ مُحَمَّدٍ سَیِّدِنَا وَ اِلِهِ الْاَبْرَارِ وَ سَلَّمَ . (۱۰)

و سلام پیوسته اش را بر محمد - سرور ما - و خاندان نیک رفتارش، نثار کند.

### ۹۹ دعای قنوت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

این قنوت را سید بن طاووس رحمه الله در «مهیج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه نقل نموده اند :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَكْرِمِ اَوْلِيَآئِكَ بِاَنْجَاذِ بَارِ اَلِهَا ؛ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْت؛ وَ اَوْلِيَآءِ وَ دُوسْتَانَتِ رَا بَا عَمَلِ بِهِ وَعْدِهِ اَتِ ۱ . الْبَلَدِ الْاَمِيْنِ : ۶۶۳ .

وَ عِدَّتِكَ ، وَ بَلَّغُهُمْ دَرَكًا مَا يَأْمَلُوْنَهُ مِنْ نَضِيْرِكَ ، وَ اَكْفُفْ عَنْهُمْ گرامی بدار ، وَ اَنَانَ رَا بِهِ دَسْتِ يَابِي اَنْجِه اَرْزُو دَارَنْد از یاری تو برسان ، وَ بَا زِ بَدَارِ از اِشَانِ بَأْسِ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ ، وَ تَمَرِّدَ بَمَنْعِكَ  
عَلَى رُكُوبِ سَخْنِي وَ شَكْنَجِه وَ عَذَابِ كَسِي رَا كِه بِنَايِ مَخَالَفَتِ بَا تُو رَا دَارِد ، وَ اَزِ مَنَعِ تُو نَسَبَتِ بِهِ اِرْتِكَابِ گناه وَ مَخَالَفَتِ سَرِیجِي نَمُودِه مُخَالَفَتِكَ ، وَ اسْتِعَانَ يَرْفِدِكَ عَلٰی فُلِّ حَدِّكَ ، وَ قَصْدَ لِكَيْدِكَ وَ  
بِهِ كَمَكِ وَ عَطَايِ تُو يَارِي جَسْتِه بَرِ شَكْسْتَنِ حَرَمْتِ ؛ وَ بِهِ وَسِيْلِهٖ خُوبِي هَا وَ نَعْمَتِ هَابِي كِه اَزِ تُو سْتِ ، قَصْدِ فَرِيْبِ دَادَنِ بَا يَدِّكَ ، وَ وَسِيْعَتِهٖ حِلْمًا لِتَأْخُذَهٗ عَلٰی جَهْرٍ ، وَ تَسْتَأْصِلَهٗ عَلٰی تُو رَا دَارِد

. البتة تو نسبت به این مخالف خود بردباری کرده ای تا ناگهان و آشکارا او را گرفتار کنی، و - با وجود قدرتی که یافته - عَزَّ . فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقَّ « حَتَّى إِذَا أَحَدَتْ الْأَرْضُ او را به سختی مستأصل و بیچاره کنی . خداوندا؛ تو در قرآن فرموده ای و گفته تو حقیقت دارد: «تا آن که زمین زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَطُرُ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا آرَاسْتَه و دارای زر و برق شد، و اهلش گمان کردند که قدرت و توانایی بر آن را دارند؛ - در این حال - دستور ما، لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ شَبَانَه یا به هنگام روز در رسید، و آن ها را درو شده ساختیم؛ به گونه ای که گویا دیروز هیچ نداشته است؛ این گونه نُفَضِّلُ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ «(۱۱) ، وَقُلْتَ « فَلَمَّا اسْفُوتْنَا انْتَقَمْنَا نَشَانَه ها را برای کسانی که اهل تفکر و اندیشه باشند، به تفصیل بیان می کنیم. » و نیز فرموده ای: «وقتی ما را به خشم آورده و ناراحت کردند، مِنْهُمْ «(۱۲) ، وَإِنَّ الْعَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ ، وَإِنَّا لَعَصِدٌ بِكَ غَاصِبُونَ ، از ایشان انتقام گرفتیم. » ( . خدایا ؛ ( واقعتاً آن است که ما به آخر خط رسیده ایم و تحمل نداریم، ما با خشم تو به خشم می آیم، وَإِنَّا عَلَى نُصِيرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ ، وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَأِقُونَ ، و برای یاری حق و حقیقت به هم پیوسته ایم ، و مشتاق رسیدن دستورت هستیم ، وَإِلَّا نَجَارِ وَعَدِكَ مُرْتَقِبُونَ ، وَلِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَانِكَ مُتَوَقِّعُونَ . و انتظار محقق شدن وعده ات را می کشیم ، و انجام تهدیدهایت علیه

دشمنانت را متوقع هستيم . اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ بِذَلِكَ ، وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ ، وَسَهِّلْ حُزُوجَهُ ، وَوَسِّطْ دَعَايَ دَوْمِ حَضْرَتِ ... در قنوت

بار لها ؛ اجازه این کار را صادر کن ، و راه های آن را بگشا ، و قیام او را آسان گردان ، و ۱ . سوره یونس ، آیه ۲ . ۲۴ . سوره زخرف ، آیه ۵۵ .

مَسَالِكُهُ ، وَأَشْرِعْ شَرَايِعَهُ ، وَأَيِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ ، وَبَادِرْ بِأَسْرِكَ مَحَلَّ يَمُودِنَشْ رَا آمَادَه وَهَمَوَارِ سَاز ، وَ رَاهِ هَايِ او رَا آشْكَارِ سَاز ، وَ سِبَاهِيَانِ وَ يَارَانَشْ رَا نَبِرُومَنْدِ وَ قَوِيِ گِردان ، وَ سَتَمِ كَارَانِ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ، وَابْسُطْ سَرِيْعَ نَقْمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ ، رَا بَه سِرْعَتِ گِرفْتارِ شَكْنَجَه وَ عَذَابَتِ كُن ، وَ شَمَشِيرِ اِنْتِقَامَتِ رَا بَرِ دَشْمَنْانَتِ كِه آگَاهانَه مَخَالَفَتِ وَ سَرِپِچِي مِي كَنْنَدِ مَسْلَطِ سَاز ، وَخُذْ بِالْأَارِ ، إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَّارٌ . (۱۳)

و انتقام را بگیر ، که تو بخشنده چاره جویی هستی .

### • ادعای دَوْمِ حَضْرَتِ بَقِيَّهِ اللَّهِ ارواحنا فداه در قنوت

این قنوت را سید بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الأمين» از امام زمان ارواحنا فداه نقل نموده اند :

[ قَلْبِ ] اللَّهُمَّ مَا لَكَ الْمُلْكُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ ) بگو: ( خدایا؛ مالک و اختیاردار جهانی ؛ فرمان فرمایی را به هر کسی که خواهی می دهی؛ و از هر که خواهی می گیری؛ و مَنْ تَشَاءُ ، وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ ، إِنَّكَ هَرِ كَسِي رَا كِه بَخَوَاهِي عَزِيزِ مِي گِردانی؛ و هر که را بَخَوَاهِي خَوَارِ مِي کنی؛ خیر و خوبی تنها در دست توست؛ به راستی که تو علی کُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، يَا مَاجِدٌ .

یا جوادُ، یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بر هر چیز توانایی. ای شکوه مند؛ ای سخاوت مند؛ ای دارنده قدر و عظمت و بخشش و بزرگواری، یا بَطَّاشُ یا ذَا الْبُطْنِ الشَّدِيدِ، یا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، یا ذَا الْقُوَّةِ ای بسیار سخت گیر؛ ای صاحب سخت گیری شدید، ای انجام دهنده هر چه می خواهد؛ ای صاحب نیروی اَلْمَتِينِ، یا زَوْوَفُ یا رَحِيمٌ، یا لَطِيفٌ یا حَيٌّ حِينَ لَا حَيٌّ. قوی و محکم؛ ای رؤوف؛ ای مهربان؛ ای لطف کننده؛ ای زنده، در زمانی که هیچ زنده ای نبود؛ ۱. مهج الدعوات: ۹۰، البلد الأمين: ۶۶۴.

أَسْأَلُكَ بِإِسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي اسْتَبْتَأْتُهُ مِنْكَ أَنْ تُعَلِّمَنِي بِأَسْمَائِكَ الَّتِي لَا تُعَلِّمُهَا إِلَّا لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ عِلْمَ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَسْأَلُكَ فِي دَانِشِ بِنَهَانِ خُودِ، مَخْفِيهِ كَرَمِ، وَهَيْجِ كَسِّ، مِنْ أَفْرِيدِ كَانَتِ بَدَانِ آكَاهِ نِدَارِ؛ وَ مِنْ تُو دَرِخُوسْتِ مِي كَنَمِ بِإِسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ، وَبِهِ بِه وَاسْطَه آن اسْمِتِ كِه أَفْرِيدِ كَانَتِ رَا بَا آن دَر رَحْمِ مَادِرَانِ، هَر كُونِه بَخَوَاهِ صُورَتِ مِي بَخْشِي؛ تَشَوَّقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ، مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَ رُوزِي ايشان را در طبقه های تاریک، از بین رگ ها و وَالْعِظَامِ، وَأَسْأَلُكَ بِإِسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، اسْتِخْوَانِ هَا بِه ايشان مِي رَسَانِي؛ وَ مِنْ تُو دَرِخُوسْتِ مِي كَنَمِ بِه وَاسْطَه آن اسْمِتِ كِه بَا آن بَيْنِ دَلِ هَايِ دُوسْتَانَتِ بِيُونَدِ وَ اَلْفَتِ بَرَقَرَارِ وَ اَلْفَتِ بَيْنَ النَّاسِ

وَالنَّارِ ، لا هَذَا يُذِيبُ هَذَا ، وَلَا هَذَا يُطْفِئُ كَرْدِي ؛ و برف و آتش را باهم گرد آوردی ، به گونه ای که نه آتش برف را آب کند ، و نه برف آتش را خاموش نماید ؛ هَذَا . وَأَسْأَلُكَ بِإِسْمِكَ الَّذِي كَوْنَتْ بِهِ طَعْمُ الْمِيَاهِ ، وَأَسْأَلُكَ وَاز تو درخواست می کنم به واسطه آن اسمت که با آن ، به آب ها طعم بخشیدی ، و از تو درخواست می کنم بِإِسْمِكَ الَّذِي أُجْرِيَتْ بِهِ الْمَاءُ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ بِه آن اسمت که با آن آب را در بین لایه های زمین در ریشه های گیاه جاری ساختی ، الثَّرَى ، وَسَرِقَتْ الْمَاءُ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ ، و از میان سنگ های سخت ، آب را به سوی ریشه درختان روان نمودی ، وَأَسْأَلُكَ بِإِسْمِكَ الَّذِي كَوْنَتْ بِهِ طَعْمُ الثَّمَارِ وَأَلْوَانِهَا . وَأَسْأَلُكَ وَاز تو درخواست می کنم به آن اسمت که به وسیله آن طعم و رنگ های مختلف را به میوه ها دادی؛ و از تو درخواست می کنم بِإِسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبَدِّئُ وَتُعِيدُ ، وَأَسْأَلُكَ بِإِسْمِكَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ ، با آن نامی که با آن ، آغاز می کنی و باز می گردانی؛ و از تو درخواست می کنم با آن اسم یکتای یگانه ات ، الْمَتَّفِرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ ، الْمَتَّوِّجِدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ ، وَأَسْأَلُكَ بِإِسْمِكَ اسمی که به یکتایی اشاره دارد ، و برای بی نیازی، یگانه است؛ و از تو می خواهم به واسطه نامی که الَّذِي فَجَّرَتْ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ ، وَسُقَّتُهُ مِنْ حَيْثُ با آن ، آب را با نیرو و فشار از تکه سنگ های سفت و محکم بیرون آوردی ، و از هر جایی

که خواستی روان ساختی؛ شِئْتُ . وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ ، وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ وَاز تو می خواهم به واسطه اسمی که با آن، آفریدگانت را آفریدی و هر گونه که خواستی و هر گونه شِئْتُ وَكَيْفَ شَأْوُوا ، يَا مَنْ لَا يُعْيِرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي ، أَدْعُوكَ بِمَا كِه خواستند آنان را روزی دادی؛ ای کسی که روزها و شب ها، در او دگرگونی ایجاد نمی کنند؛ می خوانم تو را با دَعَاكَ بِه نُوحٍ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ ، وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ ، همان دعایی که نوح هنگامی که تو را ندا داد خواند ، پس او را با همراهانش نجات بخشیدی، و قوم (ستمگر)ش را نابود کردی؛ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِه إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَتُورَا مِي خوانم با همان دعایی که ابراهیم - دوست - هنگامی که تو را ندا داد دعا کرد ، پس او را نجات دادی ، وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِه مُوسَى وَآتَشَ رَا بَرَايش سَرْد وَسَلَامَتَ گَرْدَانِيدِي ، وَتُورَا مِي خوانم با همان دعایی که موسی کَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ فَقُلْتُ لَهُ الْيَحْزُ فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ ، - هم سخت - هنگامی که تو را ندا داد ، با آن دعا تو را خواند ، پس دریا را بَرَايش شَكَاْفَتِي وَآو رَا بَا بَنِي إِسْرَائِيلَ نَجَاتَ دَادِي ، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ . وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِه عِيسَى وَفِرْعَوْنَ وَسِبَاهَشَ رَا دَرِ آبِ غَرَقَ فَرْمُودِي . وَتُورَا مِي خوانم با دعایی که عِيسَى رُوحُكَ حِينَ نَادَاكَ فَجَنَيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ ، وَأَدْعُوكَ - رُوحَ تُو - هِنْكَامِي

که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، و در نتیجه او را از دست دشمنانش نجات دادی، و به سوی خودت بالا بردی؛ و تو را بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبِكَ وَصَفِيَّتِكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می خوانم با همان دعایی که حضرت محمد همان دوست، برگزیده و پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد - با آن دعا تو را خواند، فَأَشْرَفَتْكَ لَهُ، وَمِنْ الْأَخْزَابِ نَجَّيْتَهُ، وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ. پس به او پاسخ مثبت دادی، و از گروه های متشکل نجاتش بخشیدی، و بر دشمنانت یاری اش نمودی؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبَتْ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَاز تو می خواهم با آن نامت که هر گاه با آن خوانده شوی به طور حتم پاسخ می دهی. ای کسی که آفرینش و دستور و الأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَخْصَى كُلَّ شَيْءٍ وَحَكْمَ فَرَمَائِي، از آن اوست؛ ای کسی که دانشش همه چیز را فرا گرفته است؛ ای کسی که تعداد همه چیز را می داند؛ عَدَدًا، يَا مَنْ لَانُعَيَّرُهُ الْأَيَّامَ وَاللَّيَالِي، وَلَا تَنْشَابُهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، ای کسی که روزها و شب ها در او دگرگونی ایجاد نمی کند؛ و صداهای مختلف او را به اشتباه نمی اندازد؛ وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللَّغَاتُ، وَلَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاخُ الْمُلْحِينَ. أَسْأَلُكَ أَنْ وَ لَعْتَ هَا بَرَاوِ پنهان نیست؛ اصرار و پافشاری اصرار کنندگان او را به ستوه نمی آورد؛ از تو درخواست می کنم تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَ نِعْمَةٍ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِرَحْمَةِ مُحَمَّدٍ



و آل محمّد که برگزیدگان از آفریدگان هستند درود بفرستی . پس بر آنان بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ ، وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ، الَّذِينَ بِهِ بَرْتَرِينَ درود بفرست . و بر تمام پیامبران و فرستادگان خود که راهنمایی های تو را بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى ، وَأَعْقَدُوا لَكَ الْمَوَاتِقَ بِالطَّاعَةِ ، وَصَلِّ عَلَى بِهِ دَرَسْتِي وَبِهِ طُورَ كَامِلٍ به بندگانت رسانده و پیمان های محکم برای فرمان برداری با تو، بستند ؛ درود بفرست، و بر عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ . يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، تمام بندگان شایسته و نیکو کارت درود فرست. ای کسی که خلاف وعده اش رفتار نمی کند؛ وعده ای را که به من دادی، وفا کن؛ وَاجْمَعْ لِي أَضْيَاحِي وَصَبْرَهُمْ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى أَغْدَائِكَ وَأَغْدَاءِ وَتَمَامِ يَارَانِمِ رَا بَرَايِمِ گِرد آور ، و به ایشان صبر و استقامت عطا کن ، و مرا بر دشمنان خودت و دشمنان رَسُولِكَ، وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي ، فَإِنِّي عَبْدُكَ ، إِنَّنِي بِرَبِّكَ ، إِنَّنِي بِرَبِّكَ - حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم - پیروز فرما ؛ و دعایم را بی بهره مگردان ؛ که من بنده تو و فرزند بنده تو، و فرزند اُمّتیک ، أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ ، سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا دَعَا در قنوت نماز جمعه ...

کنیز تو هستم ، در پیشگاه تو اسیرم . سرور و آقای من ؛ تویی که چنین مقام و منزلتی را بر من مَنَنْتَ نِهَادِهِ ای الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ ، أَشَأَلُكَ أَنْ وَرَا بِي وَسِيلَةَ أَنْ مِنْ بَسْيَارِي از آفریدگان برتری داده ای ، از تو درخواست می کنم که تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَنْ تُنَجِّزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ بِرِحْمَتِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَبِعَهْدِكَ عَلَيْهِمْ وَعَدْتَهُمْ، وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ سَعِيدٌ مُنْتَقِمٌ. (۱۴) تو راست گو هستی، و خلاف وعده ات رفتار نمی کنی؛ و تو بر هر چیزی توانایی داری.

### ۱۱ دعای سوم آن حضرت در قنوت

آیه الله سید نصر الله مستنبط رحمه الله، در حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به دیدار امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شد، در حالی که آن حضرت نماز می خواند؛ به آنچه آن حضرت می خواندند گوش فرا داد و شنید که آن حضرت در قنوتش این گونه دعا می کرد:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ مَعَاوِيَةَ بْنَ اَبِي سَفْيَانَ قَدْ عَادَى عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ، بَارِهَا؛ بِه رَاسْتِي كِه مَعَاوِيَه پسر ابوسفیان، با علی بن ابی طالب علیه السلام دشمنی سرسختانه ای کرد؛ فَالْعَنَةُ لَعْنًا وَبَيًّا. (۱۵)

پس او را به شدت لعنت کن.

### ۱۲ دعای در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار عجل الله تعالی فرجه

پسر مقاتل روایت نموده که امام رضا علیه السلام فرمود:

در قنوت نماز جمعه چه می گوئید و چه دعایی می کنید؟

گفتم: همان دعاهایی که مردم می خوانند.

فرمود: آن طور که آن ها دعا می کنند، دعا مکن؛ بلکه بگو:

اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ عِبَادَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمَا اَصْلَحْتَ بِهِ اَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلِكَ، بَارِهَا؛ بِه وَسِيْلَه آنچه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، اُمور بنده و جانشینت (امام عصر علیه السلام) را نیز اصلاح فرما؛ وَحَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَابْدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَاسْمُكَ مِنْ وَبَا فرشتگانت گرداگردش را فرا بگیر؛ و او را با روح القدس از جانب خودت، تأییدش گردان؛ و مراقب و نگهبانانی بَیْنَ يَدَيْهِ وَبَيْنَ خَلْفِهِ رَاصِدًا يَحْفَظُوْنَهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَابْدِلْهُ مِنْ دَرَجَاتِهِ رُو و از پشت سرش بگمار، تا نگذارند هیچ بدی به او برسد؛ و پس از شرایط بَعْدَ خَوْفِهِ اَمْنَا، يَغْبُدُكَ لَا يَشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَلَا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ مِنْ

ترسناکی که دارد، محیطی



اَللّٰهُمَّ وَرِيكَ الْحُجَّةُ عَلٰى وَ حَجَّتْ بِن الْحَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ اَمَامَانَ وَ بِيَشَوَايَانَ مِنْ بَاشَنَدَا . خَدَاوَنَدَا

؛ ولی تو حضرت حجت است ، فَأَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ، وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، پس او را از رو به رو و پشت سرش و از طرف راست و چپش ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ ، وَأَمْدُدْ لَهُ فِي عُمْرِهِ ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ و از بالا و پایین حفظ فرما ، و عمرش را طولانی کن ، و او را قیام کننده بَأَمْرِكَ ، أَلْمُتَّصِرَ لِدِينِكَ ، وَأَرِهِ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ به امرت قرار بده ، تا یاری گز دینت باشد و آنچه دوست می دارد و باعث چشم روشنی اش می شود در مورد خودش وَفِي ذُرِّيَّتِهِ ، وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ ، وَفِي شَيْعَتِهِ وَفِي عِدْوِهِ ، وَأَرْهِمُ مِنْهُ وَفِرْزَانَهُ و فرزندانش و خانواده اش و مالش و پیروان و دشمنانش به او نشان ده؛ و آنچه دشمنانش در ما یخندزوان ، وَأَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ ، وَأَشْفِ بِهِ مَرِيضًا و پرهیز دارند به آنان نشان ده، و آنچه آن حضرت در مورد دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می شود به او نشان صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ .

ده و سینه های ما را و سینه های مؤمنان را به وسیله او شفا بخش .

دعا برای تشرّف ...

این حدیث ، دعا کردن برای فرج مولای مان حضرت حجت ارواحنا فداه را بعد از هر نماز واجب مورد تأکید قرار می دهد . ۱

۱ . مکمال المکارم : ۳/۲ ، و مانند آن در «نزه الزاهد : ۹۱» وارد شده است .

**۳ دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود**

روایت شده است :

هر کس بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند و بر آن مواظبت کند ، آن قدر عمرش طولانی

شود و زندگیش ادامه یابد که از زندگی دلتنگ شود و به سبب این دعا به دیدار حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف گردد .

آن دعا چنین است :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ إِنَّ زُيُوتَكَ الصَّادِقَ خَدَاوَنَدَا ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بِنَفْسِي . خَدَايَ مِنْ ؛ هَمَانَا رَسُوْلَ رَاسِتْغُو الْمُصَدِّقِ صِيْلُوَاتِكَ عَلَيَّهِ وَ إِلَيْهِ قَالِ إِيَّاكَ قُلْتُ مَا تَرَدَّدْتُ فِي وَ تَأْيِيدِ شَدِيهِ ات - که درودهای تو بر او و آل او باد - گفته است : که همانا تو فرموده ای : در مورد هیچ کدام شیءِ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عِبْدِي الْمُؤْمِنِ ، يَكْرَهُهُ مِنْ كَارِهَائِي كَمَا أَنْجَمْتَنِي مِنْ قَبْضِ رُوحِ بِنْدِيهِ مُؤْمِنِي دَجَارِ تَرَدِيدِ نَشْدِيهِ ام ؛ زِيْرَا اَوِ الْمَوْتِ وَأَنَا أَكْرَهُهُ مَسَاءَتَهُ . اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، مَرَّكَ رَا خَوْشِ نَمِي دَارِدُ وَ مِنْ نَارَاحَتِي اَوِ رَا نَمِي بَسْنَدَم . خَدَاوَنَدَا ؛ بِسِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بِنَفْسِي وَ عَجَّلْ لِي لِيَاكَ الْفَرَجَ ، وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ ، وَلَا تُشَوِّنِي فِي نَفْسِي ، وَ فَرَجِ وَ كَشَائِشِ كَارِ و لَيْتِ وَ بِيْرُوْزِي وَ عَافِيَتِي رَا تَعَجَّلْ فَرْمَا وَ مَوْجِبَاتِ نَارَاحَتِي مَرَا دَرِ مَوْرِدِ خَوْدَمِ وَلَا فِي فُلَانِ .

و فلانی فراهم مساز .

فرمود : و هر که را که می خواهی به جای «فلانی» نام ببر . (۲)

### دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه

دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند ، همانا او حضرت حجت علیه السلام را در بیداری یا خواب می بیند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ تَلِّغْ مَوْلَانَا

صاحب الزمان، اَيْنَمَا كَانَ وَحَيْثُمَا كَانَ، مِنْ خَدَاوِنْدَا؛ به مولای مان صاحب الزمان هر کجا و هر گونه که باشد در مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَيَهْلِيهَا وَجَبِيلِهَا، عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيْ، شرق و غرب زمین، بیابان و کوه آن؛ درود و تحیتی از طرف من وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي التَّجِيَّةَ وَالسَّلَامَ عَمِدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزَنَةَ وَالِدِينِمْ و از سوی فرزندانم و برادرانم به تعداد آفریدگان خدا و سنگینی عرشِ اللَّهِ، وَمَا أَخْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَحَاطَ عِلْمُهُ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ عَرْشَ الْهَيْ وَآنچه کتابش دربردارد و دانشش به آن احاطه دارد؛ برسان. خدایاندا؛ همانا من لَهْ فِي صَبِيحِهِ هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي، عَهْدًا در بامداد امروز و دیگر روزهای زندگیم، با او عهد وَعَقْدًا وَبَيْعَهُ لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أُزُولُ. اَللَّهُمَّ وَپیمان و بیعتی را که از او بر گردنم است تجدید می کنم و هرگز از این بیعت دگرگون نمی شوم و کنار هم نمی زنم. خدایاندا؛ اَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَارِهِ الدَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُمْتَلِئِينَ لِأَوَامِرِهِ مرا از بارانش و جان نثارانی که از او دفاع می کنند قرار بده، و از آنان که دستورات و نواهیهِ فِي أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اَللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ وَ نَهی هایش را در دوران حکومتش فرمان می برند و نیز از شهادت جویمان در رکابش قرار بده. خدایاندا؛ اِگر بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا بَيْنَ مَنْ وَ او مرگ فاصله انداخت؛ - مرگی که برای بندگان حتمی و قطعی قرار داده ای - فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي

مُؤْتَرّاً كَفَنِي، شَاهِراً سَيِّفِي، مُجَرِّداً قَنَاتِي، پس مرا از قیرم خارج کن در حالی که کفنم را به کمر بسته ، شمشیرم کشیده، نیزه ام آماده و بیرون کشیده شده مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي . اللَّهُمَّ  
أَرِنِي الطَّلْعَةَ وَ دَعْوَتِ دَعْوَتِ كُنَّندِه را در شهر باشم یا صحرا ، لَبِيكَ گویم . خداوندا؛ به من طلعت الرِّشِيدَةَ وَالنُّورَةَ الْحَمِيدَةَ ، وَ اَكْخُلْ بَصْرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ ، راه گشا و چهره ستوده شده را نشان بده ، و با  
نگاهی از من به سوی او چشمم را سرمه کن ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ . اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزُهُ ، وَ قَوِّ ظَهْرَهُ ، و فرجش را تعجیل فرما ، و خروجش را آسان گردان . خداوندا؛ پشتش را محکم ، و کمرش را  
قوی و نیرومند گردان وَ طَوَّلْ عُمرَهُ ، وَ اغْمِرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ ، وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ ، فَإِنَّكَ وَ عَمْرَش را طولانی کن و - خداوندا - به وسیله او، سرزمین هایت را آباد گردان و به واسطه او بندگانت را زنده  
گردان ؛ زیرا تَوَقَّلْتُ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ» گفتی در حالی که سخن تو حق است : «فساد در خشکی و دریا ظاهر شده به واسطه آنچه مردم با اَيْدِي النَّاسِ» (۳) ، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ  
لَنَا وَ لِيكَ وَابْنَ بَنَاتِ نَبِيِّكَ ، دست خود انجام دادند . پس خداوندا ؛ ولی خود و فرزند دختر پیامبرت را الْمَسِيئَةَ بِأَسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، حَتَّى لَا يَظْفَرُ - که همانم است با رسالت که دروهای  
تو بر او و آل او باد - برای ما ظاهر کن تا بر



چیزی بَدَسِئٍ ۖ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مِرْفَهُ ، وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقُهُ . از باطل دست نباید مگر آن که آن را پاره کند ، و خدا به کلماتش ، حق را ثابت کند و آن را محقق سازد . اَللّٰهُمَّ اَكْثِفْ هَذِهِ الْعَمَةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ ، إِنَّهُمْ يَزُوْنُهُ خِدَاوَنَدَا ؛ این گرفتاری و اندوه را از این امت با ظهورش برطرف ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را بعیداً ، و تَرَاهُ قَرِيْباً ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . (۴)

دور می بینند و ما نزدیک می بینیم؛ و خدا بر محمد و آل محمد درود بفرستد .

۱ . سوره روم ، آیه ۲ . ۴۱ . بحار الأنوار : ۶۱/۸۶ .

### دعای بعد از نماز صبح

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر» می نویسد : این دعایی است که هر روز پس از نماز صبح مولایمان امام زمان ارواحنا فداه با آن زیارت می شود :

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُؤَلَّيْ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ خِدَاوَنَدَا ؛ برسان به مولایم صاحب الزمان - که درودهای خدا بر او باد - از سوی تمام الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا مُرْدَانِ وَزَنَانِ مُؤْمِنٍ فِي شَرْقٍ وَغَرْبِ زَمِيْنٍ وَفِي خَشْكِ وَبَحْرِهَا ، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا ، حَيْثُمْ وَمَتَيْتِهِمْ ، وَعَنْ الْاَيْدِيْ وَوُلْدِيْ ، وَدَرِيَا وَبِيَابَانِ وَكُوْهِ ، زَنْدَةٍ وَمَرْدَةٍ اَنْ هَا ، وَازِ سُوِيْ پَدْرِ وَمَادِرِ وَفِرْزَنْدَانِمِ وَعَنْتِيْ مِنْ الصَّلَاوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ ، زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، وَخُودِمِ دَرُودِ وَتَحِيَّتِيْ هِمِ سَنَكِ عَرْشِ الهِي ، وَكَسْتَرْدَكِيْ كَلِمَاتِ اوِ وَمُنْتَهِيْ رِضَاً ، وَعَدَدَ مَا اَخْصَاهُ كِتَابُهُ

، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ وَ نَهَابَتْ رِضَايَتِي، وَ أَنْ مَقْدَارَ كِتَابِي كَرْدَ آوَرْدَه وَ عِلْمِشْ بَه أَنْ أَحَاطَه دَارِد . بَارِهَا ؛ إِنِّي أُجِدُّ لَه فِي هَذَا الْيَوْمِ ، وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً دَرِ امْرُوزِ وَ دَرِ هَرِ رُوزِ ، عَهْدِ (زبانی) (و پیمان) قلبی (و بیعت) عملی (که نسبت به او [له] فی رَقَبَتِي . اللَّهُمَّ كَمَا سَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ ، وَفَضَّلْتَنِي بِرِغْدَانِمْ اسْتِ تَجْدِيدِ مِي كِنَمْ . خُداوندا ؛ هِمَانِ كُونَه كِه مَرَا بَه اَيْنِ شِرَافَتِ سِرَافَرِازِ كَرْدِي، دَعَا ... دَرِ تَعْقِيبِ نَمَازِ صَبِيحِ

بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ ، وَحَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَ بَه اَيْنِ فَضِيلَتِ بَرْتَرِي دَادِي ، وَ بَه اَيْنِ نَعْمَتِ مَخْصُوصِ كَرْدَانْدِي ، پَسِ بَرِ مَوْلَايِمِ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْبَاعِهِ ، وَ آقَايِمِ صَاحِبِ الزَّمَانِ دَرُودِ فَرَسْتِ وَ مَرَا اَزِ يَاورانِ وَ پيروانِ وَالذَّابِينَ عَنْهُ ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُشْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ ، طَائِعًا وَ مَدَافِعَانِشِ قَرَارِ بَدَه ، وَ مَرَا اَزِ شَهَادَتِ طَلَبَانِ دَرِ بِيَشْكَاهِ وَ رِكَابِ هِمَايُونِي اَوْ قَرَارِ بَدَه كِه بَا تَمَامِ شُوقِ آرزويِ شَهَادَتِ مِي كَنَنْدِ عَزِيْرُ مُكْرَمِ ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتْ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ ، فَقُلْتُ «صَيِّمًا نَه بَا اجْبَارِ؛ دَرِ صَفِي كِه اَهْلِ اَنْ رَا دَرِ قَرَأَتِ وَصْفِ كَرْدَه اِي وَ كَفْتِي: «صَفِّ بَسْتَه اَنْدِ، كَأَنَّكُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٍ» (۵) عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَ إِلَهِي كُوِي اَيْنانِ بِنْيَانِي اَهْتِنِمْ هَسْتَنْدِ» دَرِ فَرْمَانِ بَرْدَارِي تُو وَ رَسُولَتِ وَ آلِ اَوْ عَلَيْنِهِمُ السَّلَامُ . اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَه فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (۶) - كِه بَرِ اَيْشانِ دَرُودِ بَادِ - خُداوندا ؛ اَيْنِ بِيَعْتِي اسْتِ بَرَايِ اَوْ

در گردنم تا روز قیامت .

### دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در تعقیب نماز صبح

شیخ بهایی رحمه الله در تعقیب نماز صبح می گوید: در حالی که محاسن خود را در دست راست گرفته ای و کف دست چپ را رو به آسمان بالا برده باشی ، هفت مرتبه می گویی :

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ اِيْ پروردگار محمد و آل محمد ؛ بر محمد و آل محمد درود فرست ، و در فَرَجِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ . (۷)

فرج محمد و آل محمد شتاب فرما .

### دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح

در «منهاج العارفين» آمده است: مستحب است نماز گزار بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ . (۸)

خداوندا ؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرجشان تعجیل فرما .

### دعای دیگری برای حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه بعد از نماز صبح

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «مقباس» در تعقیب نماز صبح روایت می کند: پیش از آن که کلامی بر زبان بیاورد صد مرتبه بگوید :

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ عَجِّلْ فَرَجِ مُحَمَّدٍ ، وَ عَجِّلْ فَرَجِ مُحَمَّدٍ ، وَ عَجِّلْ فَرَجِ مُحَمَّدٍ ، وَ عَجِّلْ فَرَجِ مُحَمَّدٍ ، وَ عَجِّلْ فَرَجِ مُحَمَّدٍ . (۹)

و مرا از آتش رها و آزاد کن .

۱۱

### ۹- ادعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

دعاهایی که حضرت بقیه الله علیه السلام ...

محدث نوری رحمه الله در «دار السلام» می گوید :

عالم عامل ملأ فتحعلی سلطان آبادی رحمه الله به من گفت که : فاضل مقدس پرهیزگار ملأ محمد صادق عراقی رحمه الله در نهایت فقر و تنگدستی و در سختی و بلا بود و گرفتاری و بدبختی از هر سو به او رو آورده بود .

روزگاری به همین ترتیب گذشت و گشایش در کارش حاصل نشد و تنگدستی او برطرف نشد تا این که شبی در خواب دید که گویا در بیابانی است و در آن بیابان خیمه بزرگی برپا می باشد و قبه ای بر بالای آن است .

شیخ از صاحب آن خیمه پرسش نمود . به او گفته شد : در این خیمه ، پناهگاه محکم و استوار ، فریادرس گرفتار بیچاره ، حجت قائم ، حضرت مهدی و امام منتظر مرضی - که خداوند تعالی در راحتی و فرجش شتاب کند و خروجش را آسان فرماید - حضور دارند . شیخ به سرعت به سمت خیمه رفت؛ زیرا برطرف شدن گرفتارش را در آن یافته بود .

وقتی به حضور حضرت رسید ، از پریشانی و فشار زمان

و سختی حال خانواده اش شکایت کرد و از حضرت دعایی خواست که با آن غم و اندوه از او برداشته شده و گرفتاریش برطرف شود .

حضرت او را به سیدی از فرزنداناش حواله کرد و به خیمه اش اشاره کرد . شیخ از حضور حضرت مرتخص شده و به آن خیمه رفت . در آنجا سید سند دانشمند مورد اعتماد ، عالم والا مقام و مورد تأیید جناب سید محمد سلطان آبادی را دید که بر سجاده اش نشسته و در حال نیایش است .

بعد از سلام ، آنچه حجت پروردگار حواله کرده بود عرض کرد و سید دعایی که رفع تنگدستی و سختی کند و موجب افزایش روزی باشد به او آموخت .

در این هنگام شیخ از خواب بیدار شد، در حالی که دعا در ذهنش مانده بود . سپس به سوی خانه سید محمد روانه شد با آن که قبل از آن خواب به دلیلی که ذکر نمی کرد از سید کناره می گرفت و نمی خواست او را ببیند .

وقتی به خانه سید رسید و داخل شد سید را دید که بر روی سجاده نمازش - همان گونه که در خواب دیده بود - نشسته و ذکر خدا می گوید و استغفار می کند .

به سید سلام کرد و او جواب داد در حالی که خنده ای بر لب داشت ، گویا قضیه را می داند و از اسرار پنهانی آگاه است . شیخ آنچه در خواب پرسیده بود از سید پرسید و سید همان دعا را به او آموخت .

شیخ مدت کمی آن دعا را خواند و دنیا از هر طرف به او روی آورد . همیشه استاد ما دام

ظله آن سید را با احترام تعریف می نمود، در حالی که او را در اواخر عمرش درک کرده و زمان کوتاهی شاگردی ایشان نموده بود.

آنچه سید رحمه الله در خواب و بیداری به شیخ آموخت، سه چیز است:

۱- بعد از نماز صبح در حالی که دستش را بر روی سینه گذاشته، هفتاد مرتبه «یا فَتَّاحُ» بگوید.

کفعمی رحمه الله نیز در کتاب «مصباح» می گوید: هر کس به این شکل این ذکر را بگوید خداوند تعالی حجاب را از قلبش برطرف کند.

۲- آنچه کلینی در کتاب «کافی» آن را روایت کرده است که:

یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم چند روزی به خدمت ایشان نرسید و هنگامی که حضور حضرت رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به او فرمودند:

چه چیزی تو را از دیدار ما در این چند روز باز داشت؟

مرد گفت: بیماری و فقر.

حضرت فرمود: آیا نمی خواهی به تو دعایی بیاموزم که خدا فقر و بیماری را به وسیله آن از تو دور کند؟

مرد گفت: البتّه، ای رسول خدا.

حضرت فرمودند: بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي هِيَ جَنَّتُهَا وَتَوَانِيئُهَا لَا تَمُوتُ وَلَا تَمُوتُ، وَالْحَقِيدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ إِصْحَابَهُ وَلَا [وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ هَرَكَةً نَمِي مِيرِد، وَحَمْدٌ وَسَنَائِشُ مَخْصُوصٌ خَدَائِيٍّ أَسْتَكْفِرُ بِكَ [أَهْمَسِرُ] وَ[فِرْزَنَدِي] نَدَارِد، لَهْ شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ،

وَكَبِيرًا. و در فرمانروایی شریکی برایش نیست ، و برای او از روی خواری و ذلت ولی و سرپرستی نیست ؛ و به بزرگی از او یاد کن .

راوی گوید: زمان اندکی گذشت که آن مرد صحابی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بازگشت و گفت : ای رسول خدا ؛ خداوند بیماری و فقر را از من برطرف کرد .

۳ - آنچه این فهد حلی در کتاب «عده الداعی» از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده است :

هر کس این دعا را هر روز بعد از نماز صبح بخواند ، هیچ حاجتی از خدای تعالی نخواهد مگر آن که به آسانی برآورده شود و خداوند کارهای مهم او را کفایت نماید :

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ، بِه نام خدا و خداوند بر محمد و آل محمد درود فرستد ، و کارم را به خدا واگذار می کنم ؛ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ، فَوْقَهُ اللَّهُ سِنِينَ مَا مَكَرُوا ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُمَا خدا نسبت به بندگان بیناست . پس خدا او را از بدی های آنچه مکر و حيله کرده اند محفوظ داشت ؛ هیچ خدایی جز تو اَنْتَ ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنْ غَمِّهِ ؛ پاک و منزهی تو ، همانا من از گروه ستمگران بودم ؛ پس دعای او را اجابت کردیم و او را مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ، وَحَشْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، از غم و اندوه رهانیدیم و این گونه مؤمنان را نیز نجات می بخشیم و خدا ما را کفایت می کند

و او خوب و کیلی است . فَأَتَقَلَّبُوا بِنِعْمِهِ مِنَ اللَّهِ ، وَفَضَّلَ لَمْ يَمَسِّهِمْ سُوءٌ ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَسُوءُ بِإِحْسَانٍ فِي حَالِهِ كَمَا هِيَ بَدِيءٌ بِهٖ آتَانِ رَاحَةَ نَسِيدِ دُجَرِ كَوْنِ شَدْنِ . آنچه خدا بخواهد خَوَلَّ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ ، مَا شَاءَ اللَّهُ هَمَانُ شُودُ وَ هِيَجُ جَنَبِشِ وَ تَوَانِيْبِي نِيَسْتِ مَكْرٌ بِهٖ سَبَبِ خَدَا ؛ هَرُ چِهٖ خَدَا بَخَوَاهِدُ هَمَانُ شُودُ نَهٗ أَنْچِهٖ مَرْدَمُ بَخَوَاهِنْدُ ؛ هَرُ چِهٖ خَدَا وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ . حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمُزْبُوبِينَ ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ بَخَوَاهِدُ هَمَانُ شُودُ ؛ هَرُ چِنْدِ مَرْدَمُ خُوشِ نَدَاشْتِهٖ بَاشِنْدِ . پَرُورِشِ دِهِنْدِهٖ ، مَرَا اَزِ پَرُورِشِ يَافْتِگَانِ كَفَايَتِ مِي كِنْدُ ؛ مِنَ الْمُخْلُوقِينَ ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ آفَرِينِنْدِهٖ ، مَرَا اَزِ آفَرِيدِگَانِ كَفَايَتِ مِي كِنْدُ ؛ رُوزِي دِهِنْدِهٖ مَرَا اَزِ رُوزِي خُورَاَرَانِ كَفَايَتِ مِي كِنْدُ ؛ خَدَايِي كِهٖ پَرُورِدِگَارِ الْعَالَمِينَ ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي ، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي ، جِهَانِيَانِ اسْتِ مَرَا كَفَايَتِ مِي كِنْدِ . كَفَايَتِ مِي كِنْدِ مَرَا آن كَسِي كِهٖ بَرَايِمِ كَافِي اسْتِ ؛ كَفَايَتِ مِي كِنْدِ مَرَا آن كِهٖ هَمِيَشِهٖ كَفَايَتِ مِي كِنْدُ ؛ حَسْبِي مَنْ كَانَ مُدُّ كُنْتُ [ لَمْ يَزَلْ ] حَسْبِي ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا كَفَايَتِ مِي كِنْدِ مَرَا آنكِهٖ اَزِ اِبْتِدَايِي كِهٖ بُوْدَمُ بِيُوسْتِهٖ مَرَا كَفَايَتِ مِي كِنْدُ ؛ خَدَايِي مَرَا كَفَايَتِ مِي كِنْدِ كِهٖ جَزَاوِ خَدَايِي هُوَ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ .

نیست؛ تنها بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است .

مواظبت در مداومت این اوراد شایسته است ، زیرا که فهم و درایت و

خبر، این اذکار و دعاها را تصدیق کرده است. (۱۰)

### ۱۲ ادعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر، در روز جمعه و دیگر روزها بگوید :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ خدائوندا ؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی ایشان تعجیل بفرما ، دعا... پس از نماز ظهر در هر روز

نمی میرد تا این که حضرت قائم مهدی (صلوات الله علیه) را درک کند. (۱۱)

### ۱۳ ادعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است : از اذکار مهم در تعقیب نماز ظهر، اقتدا کردن به امام صادق علیه السلام در دعا کردن برای حضرت مهدی صلوات الله علیه است . امامی که رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم در روایات صحیح به امتش بشارت او را داده است و به آن ها وعده داده که آن حضرت در آخرالزمان ظهور می کند .

محمّد بن رهبان دیبلی روایت کرده است : ابو علی محمّد بن حسن بن محمّد بن جمهور قمی گفت : پدرم از پدرش محمّد بن جمهور و او از احمد بن حسین سکری و او از عیاد بن محمّد مدائنی نقل کرد که : در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم هنگامی که از نماز ظهر فارغ شده بود ، آن حضرت دست ها را به سوی آسمان بلند کرده بود و می گفت :

یا سامِعُ كُلِّ صَوْتٍ ، یا جامعُ كُلِّ قَوْتٍ (یا باری کُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ اَی شنونده هر صدا ؛ ای گردآورنده) هر نابود ؛ ای آفریننده هر جان و روان بعد از المَوْتِ ، یا باعِثُ ، یا وارِثُ ، یا سَيِّدَ السَّادَةِ ، یا اِلَهَ الْاَلِهَةِ



یا مرگ ؛ ای برانگیزاننده؛ ای وارث ؛ ای آقا و سرور آقاییان ؛ ای معبود معبودها ؛ ای جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ، یا مَلِکُ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ، یا رَبُّ الْأَرْبَابِ، یا مَلِکُ چیره و متسلط بر چیره شوندگان ؛ ای پادشاه دنیا و آخرت ؛ ای پرورش دهنده پرورش دهندگان ، ای پادشاه الملوک ، یا بَطَّاشُ ، یا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ ، یا فَعَالاً لِمَا يُرِيدُ ، یا پادشاهان ؛ ای بسیار سخت گیر ؛ ای صاحب سخت گیری شدید ؛ ای انجام دهنده هر چه می خواهد ؛ ای مُخَصَّی عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ ، یا مَنِ الشَّرُّ عِنْدَهُ عَزَائِبُهُ ، شمارشگر تعداد نفس ها و حرکت و جابجایی قدم ها ؛ ای کسی که پنهان در نزد او آشکار است ؛ یا مُبْدِئُ ، یا مُعِيدُ . أَشَأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَی خِیْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، ای آغازگر آفرینش ؛ ای باز گرداننده ؛ از تو می خواهم به حق خودت بر بندگان برگزیده ات از میان آفریدگانت ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِی أُوجِبَتْ لَهُمْ عَلَی نَفْسِكَ ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَبِهِ حَقِّیْ كَیْ لَمْ یَكُنْ عَلَیَّ السَّلَامُ ، وَأَنْ تَمَنَّیَ عَلَی السَّاعَةِ السَّاعَةِ وَاهْلِ بَيْتِیْ دَرُودِ بَفَرَسْتِیْ كَیْ سَلَامٌ بَرِ اَوْ وَ بَرِ اَنْ اَنْ بَادِ ، وَ دَرِ هَمِیْنِ سَاعَتِ ، دَرِ هَمِیْنِ سَاعَتِ بَرِ مَن مَنَّتْ كَذاشْتَه بِفِكَاكَ رَقَبَتِیْ مِنَ النَّارِ ، وَأَنْجِزْ لَوْ لِيكَ وَإِنْ نَبِيكَ الدَّاعِیْ اِلَيْكَ وَ مَرَا اَنْ اَنْشِ ، رَها كُنِیْ ؛ وَ بَرِ اَوْ وَ لِيْ خُودَتِ وَ فَرَزَنْدِ پيامبرِ خُودَتِ كَیْ دَعُوتِ كُنَنْدَه بَه سَویْ تَوِ بِاِذْنِكَ ، وَ اَمِينِكَ فِی خَلْقِكَ ، وَ عَيْنِكَ فِی عِبَادِكَ ، وَ حُجَّتِكَ عَلَی بَه اِجازَه تَوِ وَ

امانت دارت در میان خلق تو و چشم تو در میان بندگان تو، و حجت تو بر خلقک، عَلَیْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَکَاتُكَ وَعِدَّةُ . اَللّٰهُمَّ اٰیْدُهُ بِبَصْرِکَ ، آفریدگان تو است - که درودها و برکات تو بر او باد - وعده ات را انجام بده . خداوندا؛ با یاری خودت او را تأیید کن ، وَاَنْصِرْ عِبْدَکَ ، وَقُوْا اَصْحَابَهُ وَصَبِّوْهُمْ ، وَاَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْکَ وَبَنده ات را یاری نما ، و اصحابش را قوت بخش و آنان را شکیبایی عنایت کن؛ و برای ایشان از نزد خودت سلطناً نصیراً ، وَعَجِّلْ فَوْجَهُ ، وَاْمُکِنُّهُ مِنْ اَعْدَائِکَ وَاَعْدَاءِ قَدْرَتِ یَارِی کُنْدَه ای را قرار ده؛ و در راحتی و فرجش تعجیل کن ، و او را بر دشمنات و دشمنان رَسُوْلِکَ ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ .

رسولت مکت و قدرت ببخش ، ای مهربان ترین مهربانان .

گفتم: فدایت شوم؛ آیا این طور نیست که برای خویش دعا نمودید؟ حضرت فرمود:

برای نور آل محمّد علیهم السلام و پیش رو و جلودار و انتقام گیرنده از دشمنان آل محمّد به امر خدا ، دعا کردم .

گفتم: فدایت شوم؛ کی خروج می کند؟

حضرت فرمود: هر گاه آن که آفرینش و امور عالم در دست اوست ، بخواهد .

گفتم: آیا برای خروج او علامتی هست؟

حضرت فرمود: آری؛ نشانه های مختلفی هست . گفتم: مانند چه چیزی؟

حضرت فرمود: خروج علامت و پرچمی از شرق و پرچمی از غرب و فتنه ای که بر اهل «زوراء» سایه می افکند، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن، و به تاراج رفتن پرده بیت الحرام(۱۲)، و خداوند

هر چه بخواهد، انجام می دهد. (۱۳)

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است : از این دعا چند چیز استفاده می شود :

اول : مستحب است دعا کردن در حق حضرت حجت صلوات الله علیه و درخواست تعجیل فرج آن حضرت بعد از نماز ظهر .

دوم : مستحب است بالا بردن دست ها هنگام دعا برای حضرت حجت ارواحنا فداء .

سوم : مستحب است شفیع گرفتن ائمه و درخواست کردن به حق ایشان ، قبل از طلب حاجت .

چهارم : مستحب است حمد و ستایش خدای عز و جل در ابتدای دعا .

پنجم : مستحب است مقدم داشتن صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بر طلب حاجت .

ششم : پاک کردن روان از گناهان به وسیله استغفار و مثل آن ؛ تا روان پاک و برای اجابت آماده شود . شاهد این مطلب ، طلب مغفرت و رهایی از آتش است که امام علیه السلام درخواست نموده است

هفتم : منظور از ولی مطلق که بدون اضافه و قید باشد در گفتار ائمه علیهم السلام و دعای ایشان همان مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداء است .

هشتم : مستحب است دعا کردن در حق اصحاب و یاوران حضرت .

نهم : امام صلوات الله علیه در هر حالی شاهد بر اعمال بندگان است ، آن ها و رفتارشان را می نگرد که جمله «چشم تو در میان بندگان» به آن اشارت و دلالت دارد .

دهم : یکی از القاب حضرت حجت ارواحنا فداء نور آل محمّد علیهم السلام است ؛ در روایات نیز شاهد بر آن وجود دارد ؛ محقق نوری رحمه الله بعضی از آن ها را در کتابش بنام «نجم الثاقب» ذکر کرده است .

یازدهم :

آن حضرت ارواحنا فداه بعد از امیر مؤمنان علی علیه السلام ، امام حسن و امام حسین علیهما السلام افضل و برتر از دیگر ائمه علیهم السلام می باشد و روایات دیگری نیز آن را تأیید می کند .

دوازدهم : خداوند عزّ اسمه حضرت را ذخیره فرموده و آمدنش را به تأخیر انداخته است برای انتقام گرفتن از دشمنان خودش و دشمنان رسولش ؛ و روایات در این باره متواتر است .

سیزدهم : زمان ظهورش از امور پنهانی است که مصلحت الهی چنین اقتضا کرده است ؛ در این مورد هم روایات متواتر است .

چهاردهم : نشانه های گفته شده در روایت از علایم حتمی و قطعی نیست ؛ به خاطر این جمله که در آخر کلام فرموده است : «او خداوند هر چه بخواهد ، انجام می دهد» . (۱۴)

### **۱۴ ادعا برای ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه پس از نماز عصر**

دعا ... پس از نماز عصر

سَیِّدِ بْنِ طَاوُوسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِ «فَلَاحِ السَّائِلِ» مِی نُوَسِّدُ : از اذکار مهمّ بعد از نماز عصر اقتدا کردن به مولای مان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در دعا نمودن برای مولای مان حضرت مهدی صلوات الله علیه است .

چنان که یحیی بن فضل نوفلی روایت کرده است که گفت : در بغداد بر ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام - وقتی از نماز عصر فارغ شده بود - وارد شدم . دیدم دست ها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می گوید :

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ، وَأَنْتَ تُوَخَّدُ هَسْتِي كَمَا مَعْبُودِي جِزْ تُوَ نِيسْت ، أَوَّلُ وَآخِرُ وَظَاهِرٌ وَبَاطِنٌ تُوَبِي ؛ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَتُنْقُصَانَهَا ،

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا خَدَائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَز تُو نِيَسْت ؛ فَرُونِي وَكَاسْتِي چيزها در اختيار توست ؛ تُو خدائِي إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ بَعِيرَ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ ، وَلَا حَاجَةَ هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَز تُو نِيَسْت ؛  
آفرينش را بدون كمك ديگران و بدون نياز به آنان آفريدي ؛ ۱ . مكياال المكارم : ۱۱/۲ .

إِلَيْهِمْ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ الْجُودُ . أَنْتَ تُو خدائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَز تُو نِيَسْت ، مَشِيَّتِ از توست و آغاز كردن بستگي به تُو دارد . تُو اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، تَمَحُّو ما هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَز تُو نِيَسْت ، بَعْدَ از هر قبلي بوده اي و تُو آفريدگار قبل هَسْتِي ؛ تُو خدائِي أَنْتَ ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، غَايَةُ بِخَوَاصِي مُحَوِّياتِ مِي جَز تُو نِيَسْت ، بَعْدَ از هر بعدي هَسْتِي و آفريدگار بعد تويي ، تُو خدائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَز تُو نِيَسْت ، هر چه را تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، غَايَةُ بِخَوَاصِي مُحَوِّياتِ مِي كُنِي و ام الكتاب نزد توست ، تُو خدائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَز تُو نِيَسْت ، نَهَابَتُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَا يَغْرُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَوَارِثُ هر چيزي ؛ تُو خدائِي هَسْتِي كَه مَعْبُودِي جَز تُو نِيَسْت ، هِيچ چيز كوچك وَلَا الْجَلِيلُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّعَاثُ ، وَبَرَّكَ از نظرت

پنهان نمی ماند؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ لغتی بر تو پوشیده نمی ماند ولا تَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ . كُلُّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ ، لَا يَشْعُرُكَ و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمی اندازد . هر روز تو در شَأْن و کاری هستی که هیچ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى ، دَيَانُ الدِّينِ ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ ، شَأْنِي تُوْرَا از شَأْنِ دِيْكَرٍ بَازِ نَمِي دَارِد . دانای غیب و پنهانی ها ، پاداش دهنده کار ، تدبیرگر امور ، بَاعِثٌ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِرَانْغِيْزَانْدِه اِفْرَادِي كِه دَر قَبْرِهَائِنْد ، زنده کننده استخوان ها در حالی که پودر و خاکستر شده اند تو هستی؛ از تو الْمَكْتُوبُونَ الْمُخْزُونِ ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، الَّذِي لَا يَخِيْبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ ، می خواهم به اسم پنهان ذخیره شده ات ، که زنده و پاینده است ، که هر کس تو را به آن نام بخواند نا امید نمی شود؛ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ كِه بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفْرَسْتِي وَ فَرَجِ وَ كَشَائِشِ دَر كَارِ اِنْتِقَامِ كِيْرِنْدِه اِتْ اَزْ اَعْدَائِكَ ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . دشمنانت را تعجیل فرمایی و آنچه به او وعده داده ای به جای آوری؛ ای صاحب جلال و کرامت ؛

یحیی بن فضل می گوید: عرض کردم: برای چه کسی دعا کردید ؟ حضرت فرمود :

برای مهدی آل محمد علیهم السلام .

آنگاه فرمودند : پدرم فدای آن که دارای شکم ستبر ، ابروهای به هم پیوسته است ؛ ساق باریک ؛ شانه های پهن و رنگ گندمگون دارد که به خاطر

شب زنده داری کمی مایل به رنگ زرد است .

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح می رساند ؛ پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی هراسد ؛ چراغ فروزنده در تاریکی ها است؛ پدرم فدای قیام کننده به امر خدا باد .

گفتم : چه وقت خروج می کند ؟ حضرت فرمود :

هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صرات و دجله آمده اند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه های کوفه سوزانده شد ، هنگامی که این نشانه ها را مشاهده کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد و کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکمش را به تأخیر بیندازد . (۱۵)

### ۱۵ اداها برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اول نماز شب

... بعد از دو رکعت اول نماز شب

شیخ طوسی اعلی الله مقامه می گوید : مستحب است در تعقیب این دو رکعت نماز ، این دعا خوانده شود :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ وَ لَمْ یَسْأَلْ بِمِثْلِكَ ، اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلِهِ السَّآئِلِیْنَ خَدَاوِنْدَا؛ همانا من از تو می خواهم ، در حالی که کسی مانند تو نیست که سؤال شود . تو محلّ خواسته درخواست کنندگانی و مُسْتَهْتَبِی رَعْبِهِ الرَّاغِبِیْنَ ، اَدْعُوْكَ وَ لَمْ یُدْعَ بِمِثْلِكَ ، وَ اَرْغَبُ اِلَيْكَ وَ نَهَايْتُ شَوْقَ مَشْتَاقَانِیْ؛ تو را صدا می زنم در حالی که مثل تو کسی نیست که خوانده شود، و به سوی تو مشتاقم و لَمْ یُرْغَبْ اِلَى مِثْلِكَ ، اَنْتَ مُجِیْبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَّرِّیْنَ وَ اَرْحَمُ در حالی که کسی چون تو نیست که به او میل شود؛ تو اجابت گر دعای بیچارگانی و مهربان ترین ۱ . فلاح السائل : ۱۹۹ ، و در المصباح : ۵۱ و البلد الامین : ۳۵ با تفاوتی .

الرَّاحِمِیْنَ

. أَشَأْلكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَأَنْجِحِهَا وَأَعْظِمِهَا ، يَا اللَّهُ مَهْرَبَانَانِي . از تو می خواهم به برترین خواسته ها و کامیاب ترین و بزرگ ترین خواسته ها . ای خدا؛ یا رَحْمَانُ یا رَحِيمُ وَبِأَسْمَائِكَ الْخُسْنَى ، وَأَمْتَالِكَ الْعُلْيَا ، وَنِعْمَتِكَ ای بخشنده؛ ای مهربان ؛ و به نام های نیکویت و مثل های بلندمرتبه ات و نعمت هایت الَّتِي لَا تُخْصَى . وَبِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ ، وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ ، وَأَقْرَبِهَا كَهَبِ شِمَارِش نیايد، و به گرامی ترین نام هایت، و محبوب ترین آن ها نزد تو و نزدیک ترین آن ها از مِنْكَ وَسَيَلَهُ ، وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنَزَلَهُ ، وَأَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَاباً ، نظر وسیله بودن به سوی تو، و باشرافت ترین آن ها نزد تو از نظر قدر و منزلت، و فراوان ترین آن ها از نظر پاداش، وَأَشْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَهُ ، وَبِأَشْرَفِ الْمَكُونِ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ وَسَرِيعُ تَرِينِ آن ها در امور از نظر اجابت، و به نام پنهان بزرگ تر، عزیزتر، بزرگوارتر، الْأَعْظَمُ الْأَكْرَمُ ، الَّذِي تُجِيبُهُ وَتَهْوَاهُ ، وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ ، عَظِيمُ تَرٍ وَگرامی ترت که آن را دوست می داری و می خواهی و به واسطه آن از کسی که با آن نام، تو را بخواند راضی و خشنود فَاشْتَبَهَتْ لَهُ دُعَاةَهُ ، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَأَلَكَ وَلَا تَرُدَّهُ . می شوی و دعایش را اجابت می کنی، و بر تو سزاوار است که خواننده خود را محروم نساخته و او را رد نکنی . وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ وَبِهِ هَرِ اسْمِي كِه بَرای توست در تورات، انجیل ، زبور و قرآن الْعَظِيمِ ، وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَهُ عَزِيْبِكَ وَمَلَائِكَتِكَ ، وَأَنْبِيَاءُؤُوكَ عَظِيمِ ؛ وَبِهِ هَرِ اسْمِي كِه حَامِلَانِ عَرِشِ وَفَرِشْتِگانِ وَبِامْبِرَانِ وَرُسُلِكَ ، وَأَهْلُ



طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرَسْتَادِ الْكَانِتِ وَمَخْلُوقَاتِ فَرْمَانِ بَرْدَارَتِ تُو رَا بِهٖ اَنْ اَسْمِ مِي خَوَانَدِ ؛ كِه بِر مُحَمَّدٍ وَ اَل مُحَمَّدِ ، وَ اَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَّلِيكَ وَ اَيْنِ وَّلِيكَ ، وَ تُعَجِّلَ خِيْرِي اَعْدَائِيهٖ .  
محمد درود فرستی و در فرج و گشایش کار ولی و فرزند ولی خود تعجیل کنی و در خواری و ذلت دشمنانش شتاب نمایی . در این جا هر چه دوست داری دعا کن . (۱۶)

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است : در کتاب «جمال الصالحین» اضافه ای برای ۱ . مصباح المتهجد : ۱۳۹ .

این دعا یافتم که چنین است : وَتَجْعَلْنَا مِنْ اَصْحَابِهِ وَاَنْصَارِهِ ، وَتَرْزُقْنَا وَاِذَا رَا اَصْحَابَ وَاِرَانِشِ قَرَارِ بَدَهِي وَاِذَا رَا اَصْحَابَ وَاِرَانِشِ قَرَارِ بَدَهِي ، وَتَشْتَجِبُ بِهٖ دُعَاَنَا . (۱۷)

واسطه او امید ما را برآورده و ارزانی داری ، و دعای ما را اجابت کنی .

مرحوم کفعمی گوید : مستحب است که این دعا بعد از هر دو رکعت از نمازهای شب خوانده شود . (۱۸)

### ۱۶ دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب

بعد از رکعت چهارم نماز شب ، دو سجده شکر می گذاری و در آن دو سجده صد مرتبه می گویی : «ما شاء الله ، ما شاء الله» ؛ سپس این دعا را می خوانی :

يَا رَبِّ ، اَنْتَ اللهُ ، مَا شِئْتُمْ مِنْ اَمْرٍ يَكُونُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ اِيْ بِرُوْرِدْ كَارِ مِنْ ؛ تُو خَدَاوَنْدِي ، هَر جِه از امور بخواهی انجام می شود ؛ پس بِر مُحَمَّدٍ وَ اَل مُحَمَّدِ ، وَاجْعَلْ لِي فِيْمَا تَشَاءُ اَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ اِلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَل مُحَمَّدِ دَرُوْدِ فَرَسْتِ ، وَ بَرَايِمِ دَرِ اَنْجِه مِي خَوَاهِي اَيْنِ رَا قَرَارِ بَدِهٖ كِه فَرَجِ اَل مُحَمَّدِ

را تعجیل فرمایی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَعَٰلِیْهِمْ ، وَتَجْعَلَ فَرَجَی وَفَرَجَ اِخْوَانِی مَقْرُونًا - که خدا بر آن حضرت و آنان درود فرستد - و گشایش کار مرا و گشایش کار برادرانم را همراه با بِفَرَجِهِمْ ، وَتَفْعَلَ بَی کَذَا وَكَذَا . و برای هر چه دوست داری دعا کن . (۱۹)

فرج آل محمد قرار دهی و برای من (چنین و چنان) کنی .

در بخش چهارم دعایی را که بعد از نماز صبح در روز جمعه خوانده می شود و نیز دعای دیگری را که بعد از نماز جمعه خوانده می شود نقل می کنیم .

۱ . مکیال المکارم : ۲ . ۱۴/۲ . المصباح : ۷۵ .

۳ . مصباح المتہجد : ۱۴۵ .

.....(Anotates).....

(۱)

(۲) مکارم الأخلاق : ۳۵/۲ ، و در مصباح المتہجد : ۵۸ و الصحیفہ الصادقیہ : ۱۷۸ با اندکی تفاوت .

(۳)

(۴)

(۵) سوره صفّ ، آیه ۴ .

(۶) زاد المعاد : ۴۸۷ ، مصباح الزائر : ۴۵۴ .

بعضی از بزرگان این دعا را در بخش زیارت ها ذکر کرده اند ؛ زیرا این دعا به منزله بیعت با امام زمان صلوات اللّٰه علیہ است .

(۷) مفتاح الفلاح : ۲۰۶ ، مصباح المتہجد : ۵۳) با کمی تفاوت .

(۸) منهاج العارفين : ۱۰۸ .

(۹) مکیال المکارم : ۱۳/۲ .

(۱۰) دار السلام : ۲۶۶/۲ .

(۱۱) مصباح المتہجد : ۳۶۸ ، بحار الأنوار : ۷۷/۸۶ و ۳۶۳/۸۹ ، و در «الصحیفہ الصادقیہ : ۱۶۹» نقل کرده است که این صلوات را صد مرتبه بگویند .

(۱۲) بحار الأنوار : ۶۲/۸۶ ، فلاح السائل : ۱۷۰ ، المصباح : ۴۸ ، البلد الأمين : ۲۷ .

(۱۳) مکیال المکارم : ۱۱/۲ .

(۱۴)

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷)

(۱۸)

(۱۹)

### بخش چهارم: دعاهای ایام هفته

### ادعا برای ظهور امام زمان عجل اللّٰه تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه

ستید

بن طاووس رحمه الله می نویسد: از جمله وظایف روز پنجشنبه آن است که مستحب است انسان هزار بار بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم صلوات بفرستد، و مستحب است که بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۱)

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

## ۲ صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

شیخ طوسی رحمه الله می نویسد: مستحب است بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به این گونه:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ خَدَاوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما و عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.

و اگر آن را صد مرتبه بگوید فضیلت بسیاری دارد. (۲)

کفعمی رحمه الله نیز می گوید: مستحب است که انسان در روز پنجشنبه هزار مرتبه سوره «قدر» را بخواند و هزار مرتبه بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و آل او صلوات بفرستد؛ بعد دعایی که ذکر کردیم بخواند. (۳)

## ۳ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه

### اشاره

شیخ ابو جعفر طوسی رحمه الله در کتاب «مختصر المصباح» وقتی وظایف شب جمعه را نقل می کند می فرماید:

صد مرتبه یا هر اندازه که می توانی این گونه بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم صلوات می فرستی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ خَدَاوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما و عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. (۴)

دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.

### حکایت دعای علوی مصری

حکایت دعای علوی مصری

سید جلیل القدر رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» می گوید:

دعای علوی مصری را در کتابی قدیمی - که نویسنده اش خود را حسین بن علی بن هند معرفی کرده و گفته آن را در شوال سال سیصد و نود و شش نوشته ام - یافتیم، نویسنده سند دعایش را این گونه بیان کرده است:

دعایی است که مولای مان امام منتظر صلوات الله علیه به مردی از شیعیان خود که گرفتار ظلم و ستم بود در خواب آموخته است و خداوند برای او گشایشی ایجاد کرد و دشمنش را کشت ...

سید اجل فرموده است: دعای معروف به دعای علوی مصری برای هر کار سخت و بزرگ خوانده می شود.

سید بن طاووس رحمه الله به دو طریق این دعا را نقل می کند و می فرماید: ابوالحسن علی بن حماد بصری گفت: ابوعبدالله حسین بن محمد علوی به من خبر داد که: محمد بن علی علوی حسینی مصری برایم گفت: غم و اندوه شدید و پیش آمد ناگواری از طرف یکی از

ملوک دیارم به من رسید به طوری که تمام فکرم را به خود مشغول کرده بود و بسیار هراسناک بودم و هرگز امیدی برای رهائی خویش نداشتم .

به زیارتگاه سرورانم و پدرانم علیهم السلام در عراق رفتم ، و پناهنده به ایشان و قبورشان گشتم ، و از بلای بزرگ کسی که از او می ترسیدم به آن جا پناه آوردم و پانزده روز در حالی که شب و روز دعا و گریه و ناله می کردم در آن جا اقامت کردم که قائم زمان و ولی رحمان علیه وعلی آبائه افضل التحیه والتیلام در بین خواب و بیداری نزد آمده و خود را به من نشان داد و فرمود : ای فرزندم ؛ آیا از فلانی می ترسی ؟

گفتم : آری ، به من چنین و چنان قصدی نموده است و من به سروران و موالیانم علیهم السلام روی آورده و به ایشان شکایت می کنم تا مرا از شر او خلاص کنند .

حضرت فرمود : چرا خدا را که پروردگار تو و پروردگار پدرانت می باشد با دعاهایی که اجدادم پیامبران صلوات الله علیهم هنگام شدت و گرفتاری می خواندند و رفع گرفتاری از آن ها می شد نمی خوانی و دعا نمی کنی ؟

گفتم : آن ها چگونه دعا می کردند تا من هم دعا کنم ؟

حضرت فرمودند : چون شب جمعه شد برخیز و غسل کن و نمازت را بخوان و چون از سجده شکر فارغ شدی در حالی که بر سر دو زانویت نشسته ای ، این دعا را با تضرع و ناله بخوان .

محمد بن علی گفت : آن حضرت ، پنج شب پیاپی نزد من آمد و این دعا را برایم

تکرار کرد تا آن که حفظ کردم و آمدنش را در شب جمعه قطع کرد؛ پس برخاستم و غسل کردم و لباسم را عوض کرده و خود را خوشبو نمودم و آن چه از نماز شب بر من لازم بود بجا آوردم و بر زانوهایم نشسته و خدا را با این دعا خواندم .

شب شنبه نیز به صورت شب های گذشته آن حضرت نزد من آمد و به من فرمود: ای محمد؛ دعایت مستجاب شد و دشمنت کشته شد، و چون از دعا فارغ شدی خداوند عزّ و جلّ او را هلاک کرد .

محمد بن علی گفت: چون صبح شد هیچ اندوهی نداشتم مگر غم وداع سرور انم علیهم السلام و بازگشتن به سوی منزلی که از آن گریخته بودم . وقتی مقداری از راه را طی کردم فرستاده فرزندانم را دیدم و نامه های آنان به دستم رسید که نوشته بودند: مردی که از او گریختی در مجلسی که برقرار کرده بود گروهی را جمع کرد و بعد از آن که همه خوردند و نوشیدند و پراکنده شدند، او با غلامان خود آن جا خوابیدند .

صبح که شد هیچ حسّ و حرکتی از او شنیده نشد؛ پرده از صورتش کنار زدند و دیدند که از پشت سر ذبح شده است و خونش روان است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاده است و نمی دانند چه کسی آن کار را کرده است؟ فرزندانم از من خواسته بودند هرچه سریع تر به خانه برگردم .

دعای علوی مصری ...

وقتی به خانه رسیدم درباره زمان این حادثه پرسیدم و دانستم درست هنگام

## دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه که در گرفتاری های شدید خوانده می شود

### اشاره

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تَجِبْهُ، وَمَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ، پروردگارا؛ چه کسی است که تو را خوانده و تو او را جواب ندادی؟ و چه کسی است که از تو درخواست کرد و به او عطا نکردی؟ وَمَنْ ذَا الَّذِي نَجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ. وَرَبِّ وَ چه کسی است که با تو مناجات کرده و او را ناامید ساختی یا به تو نزدیک شده پس او را دور گردانیدی؟ ای پروردگار من؛ هذا فِرْعَوْنُ دُؤَا الْأَوْتَادِ، مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَإِذْعَانِهِ این فرعون، صاحب قوت هاست که با وجود انحرافش از حق و کفرش و سرکشی اش و ادعای الرُّبُوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ، وَعَلِمَكَ بِأَنَّهُ لَا يُثُوبُ، وَلَا يُزْجَعُ وَلَا يُثُوبُ، ربوبیت برای خودش و با آگاهی تو به این که توبه نمی کند و باز نمی گردد و نمی آید وَلَا يُؤْمِنُ وَلَا يُخْشَعُ، إِشْتَبَحَتْ لَهُ دُعَاؤُهُ، وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ، كَرَمًا و ایمان نمی آورد و خشوع نمی کند، دعایش را اجابت کردی و خواسته اش را عطا نمودی، به جهت بزرگواری مِنْكَ وَجُوداً، وَقَلَّ مَقْدَارُ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ، مَعَ عَظَمِهِ عِنْدَكَ، و بخششی که داشتی و کم مقدار بودن آنچه خواسته بود در نزد تو، با وجود بزرگیش در نزد او؛ أَخَذْنَا بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ، وَتَأَكِيدُ لَهَا حِينَ فَجَزَ وَكَفَرَ، وَاشْتِطَالَ تَا حِجَّتِ رَا بَرَاو تَمَامِ سَاخْتِه وَتَاكِيدِ كَرْدِه بَاشِي وَفْتِي كِه تَبَاهِي وَفَسَادِ كَرْدِ وَكُفْرِ وَرَزِيدِ وَ عَلِي قَوْمِه وَنَجَبِ، وَبُكْفَرِه عَلَيْهِمُ افْتَحَرَ، وَبُظْلِمِه لِنَفْسِه تَكْبَرَ، بر قومش زورگویی کرد و سرکشی نمود

و به کفر خود برای شان فخر کرد و به ظلمش بر نفس خود ، تکبر ورزید و بجلیمک عنهُ اَشْتَكِبِر ، فَكُنْتُبَ وَحَكَمَ عَلٰی نَفْسِهٖ جُزَاةً مِنْهُ ، اَنْ و به سبب بردباری تو درباره اش سرپیچی و گردنکشی نمود ، پس مقرر کرد و بر خود با جرأت حکم کرد که همانا جزآءِ مِثْلِهٖ اَنْ يُغْرَقَ فِی الْبَحْرِ ، فَجَزَيْتُهُ بِمَا حَكَمَ بِهٖ عَلٰی نَفْسِهٖ. کيفر مثل او) در کفر و تکبر( این است که در دریا غرق شود ؛ پس او را کيفر دادی به آنچه خود بر خودش حکم کرد . إلهی وَأَنَا عَزِيدُكَ، إِبْنُ عَزِيدِكَ وَإِبْنُ أَمِيكَ، مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ، خدای من؛ و من بنده تو هستم ؛ فرزند بنده و فرزند کنیز تو ؛ به بندگی تو اعتراف می کنم ؛ مُؤَيُّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ خَالِقِي، لَا إِلَهَ لِي غَيْرُكَ، وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ، اقرار دارم به این که تو خدای آفریننده من هستی؛ هیچ معبودی برایم جز تو نیست؛ و هیچ پروردگاری برایم غیر از تو نیست؛ مُوقِنٌ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي، وَإِلَيْكَ مَرَدِّي وَإِيَابِي، عالِمٌ بِأَنَّكَ يَقِينٌ دارم که همانا تو خداوندی و پروردگار من هستی و بازگشت و رجوعم به سوی توست؛ می دانم که علی کُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، لَا مُعَقَّبَ بر هر چیزی توانایی و هر چه بخواهی انجام می دهی و هر چه اراده کنی حکم می نمایی؛ به تأخیر اندازنده ای نیست لِحُكْمِكَ، وَلَا رَادَّ لِقَضَائِكَ، وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ حَكَمَ تَوْرًا، و رد کننده ای نیست فرمان تو را ؛ و می دانم همانا تو اوّل و آخر

و ظاهر و الباطن ، لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ ، وَلَمْ تَبْنِ عَنْ شَيْءٍ ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ وَ باطن هستی؛ از چیزی به وجود نیامدی و از چیزی ساخته نشدی؛ پیش از هر چیزی بودی شئی ، وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَالْمَكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ ، خَلَقْتَ وَ تو بعد از هر چیز خواهی بود؛ و ایجادکننده هر چیزی هستی؛ كُلُّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ هَرِ چیزی را به اندازه و مقدار آفریدی و تو شنوای بینایی . و گواهی می دهی که تو این گونه كُنْتَ وَتَكُونُ ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ ، لَا تَأْخُذُكَ بَيْتَهُ وَلَا نَوْمٌ ، بودی و خواهی بود؛ و تو زنده پابنده ای؛ جرت و خواب تو را نمی گیرد؛ وَلَا تُوَصِّفُ بِاللَّوْهَامِ ، وَلَا تُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ ، وَلَا تُقَاسُ بِالْمِقْيَاسِ ، وَ با خیالات و توهم ها وصف نمی گردی؛ و با حواس درک نمی شوی؛ و با مقیاسی قیاس نمی شوی ؛ وَلَا تُشَبِّهُ بِالنَّاسِ ، وَأَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عِبِيدُكَ وَإِمَاؤُكَ ، أَنْتَ الرَّبُّ وَ به مردم تشبیه نمی گردی؛ و این که تمام آفریدگان، بندگان و کنیزان تو هستند؛ تو پروردگاری وَنَحْنُ الْمَرْئُوبُونَ ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ ، وَأَنْتَ وَ ما پرورش یافتگان تو، و تو آفریننده ای و ما آفریده شده؛ و تو الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ . فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي ، إِذْ خَلَقْتَنِي رَوْزِي دهنده ای و ما روزی خوار . پس حمد و ستایش تو راست ای خدای من؛ چون مرا بَشَرًا سَوِيًّا ، وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا ، بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلًا ضَيِّئًا ، بشری درست و بی عیب آفریدی و مرا بی نیاز و کفایت شده قرار دادی بعد از آن که کودکی کوچک بودم



تَقَوُّتُنِي مِنَ النَّدَى لَبَنًا مَرِيئًا ، وَعَدَّتْ بَيْتِي عَدَاءً طَيِّبًا هَنِيئًا ، شِيرِ غَوَارَا رَا از پستان مادر خوراک من قرار دادی و با غذای پاک لذیذ گوارا مرا تغذیه کردی وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا . فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا اِنْ  
عُدُّ لَمْ يُخْصَ ، و مرا مردی به شکلی متناسب و هماهنگ قرار دادی . پس حمد مخصوص توست ؛ حمدی که اگر شمرده شود به شمارش نیاید وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَسْبِعْ لَهُ شَيْءٌ ، حَمْدًا يُفَوْقَ عَلٰی جَمِيعِ حَمْدٍ و  
اگر (در محلی) گذاشته شود چیزی گنجایش آن را ندارد؛ ستایشی که بالاتر از تمام ستایش های الحامدین ، وَيَعْلُو عَلٰی حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ ، وَيَفْحَمُ وَيَعْظُمُ عَلٰی ستایشگران باشد و بر ستایش هر چیزی برتری  
یابد و بر تمام آن ها بلندمرتبه‌گی و بزرگی کند؛ ذَلِكَ كُلُّهُ ، وَكُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءًا . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ و هر گاه چیزی خدا را ستایش کند . و حمد و ستایش خدا راست آن طور که خدا  
دوست می دارد که يُحَمِّدُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عِبَادَةٌ مَا خَلَقَ ، وَزِنَةُ مَا خَلَقَ ، وَزِنَةُ أَجَلٍ مَا حَمِدَ شُود ، و حمد و ستایش مخصوص خداست به تعداد مخلوقات او و هم وزن آنچه آفرید و هم وزن بزرگ ترین  
چیزی که خَلَقَ ، وَبِوِزْنِ أَخْفَى مَا خَلَقَ ، وَبِعِدَدِ أَضْيَغْرِ مَا خَلَقَ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ خَلَقَ و به وزن سبک ترین چیزی که آفرید و به تعداد کوچک ترین مخلوقاتش . و حمد و ستایش خدا راست حَتَّى يَرْضَى  
رَبَّنَا وَبِعَدَدِ الرُّضَا ، وَأَسْتَلُّهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ به قدری که پروردگاران راضی شود و پس از

رضایت و خشنودیش؛ و از خدا می خواهم که بر محمد و آل محمد، و آن یغفر لی ذنبی، و آن یخیر لی افری، و یتوب و آل محمد درود فرستد و گناهم را ببخشد و کارم را سیاس گزارد، و توبه ام را بپذیرد؛ عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ . إلهی وَاِنِّي اَنَا اُدْعُوكَ وَاَسْأَلُكَ هَمَانَا او توبه پذیر مهربان است . خدای من؛ همانا من تو را می خوانم و از تو می خواهم بِاَسْمِیْكَ الَّذِی دَعَاكَ بِهَ صَیْفُوْنُكَ اَبُوْنَا اَدَمُ عَلَیْهِ السَّلَامُ ، وَهُوَ - به آن نامت که (بنده) برگزیده ات پدرمان آدم - که بر او درود باد - تو را به آن نام خواند و در حالی که مُسَى ؑ ظالِمٌ حَیْنَ اَصَابَ الْخَطِيئَةَ ، فَعَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ ، وَتُبْتَ گناه کار و ستم کننده بر نفس شد وقتی که خطا از او سر زد پس خطایش را بخشیدی و توبه اش را پذیرفتی عَلَیْهِ ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، اَنْ و دعایش را اجابت نمودی و به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ - که تَصَلَّى عَلَی مُحَمَّدٍ وَاِل مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تَعْفَرَ لِي خَطِيئَتِي وَتَرْضَى بِرِ مُحَمَّدٍ وَاِل مُحَمَّدٍ درود فرستی و خطایم را ببخشی و از من راضی و خشنود شوی؛ عَنِّي ، فَاِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي ، فَاِنِّي مُسَى ؑ ظالِمٌ خاطِئٌ و اگر از من راضی نمی شوی ، پس مرا مورد عفو خود قرار دهی که همانا من گنه کار ظالم، خطا کار عاصِ ، وَقَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَجْبِهِ ، وَكَيْسَ بِرَاضٍ عَنَّهُ ، وَاَنْ سَرَكَشْ هَسْتَمُ ؛ و آقا بنده اش را عفو می کند در حالی که از او

راضی نیست؛ و (می خواهم) که تَرْضَى عَنِّي خَلْقَكَ ، وَتَمِيطَ عَنِّي حَقِّكَ . إِلَهِي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ آفریدگانت را از من راضی گردانی و حَقَّتْ را از من برداری . خدای من؛ و از تو می خواهم به آن نامت الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَجَعَلْتَهُ صَدِيقًا نَبِيًّا ، که به وسیله آن، ادریس - که بر او درود باد - تو را خواند؛ پس او را تصدیق کننده و پیامبر قرار دادی ، وَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَالِيًّا ، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا وَدِدٌ يَا بَلَدِي يَا بَلَدِي بِأَلَا بَرْدِي؛ و دعایش را اجابت نمودی و تو به او نزدیک بودی، ای قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ مَا بِي إِلَيَّ قَرِيبًا؛ (می خواهم) که بر مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّدِ درود فرستی ، و محلّ بازگشتم را به سوی جَنَّتِكَ ، وَمَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ، وَتُسَبِّحَنِي فِيهَا بِعَفْوِكَ ، وَتُرْوِّجَنِي بِهَيْبَتِ خَيْرِ قَرَارِ دَهِي، و جایگاهم را در رحمت خود قرار داده و در آن مرا با گذشت خویش ساکن گردانی، و مِنْ حُورِهَا ، يُقَدِّرُتَكَ يَا قَدِيرٌ . إِلَهِي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي از حوریه اش برایم ترویج کنی، با توانایی ات ای خدای توانا . خدای من؛ و از تو می خواهم به واسطه آن نامت که دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ ، إِذْ نَادَى رَبَّهُ «أَنِّي مُغْلَبٌ فَانْتَصِرْ» فَفَتَحْنَا نُوحٌ بِهِ أَنْ نَمُوتَ تَوْرًا خَوَانِدًا؛ آن هنگام که پروردگارش را ندا داد: «من شکست خورده ام پس یاری برسان» در این هنگام أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ» وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى درهای آسمان را با آبی فراوان و ریزان گشودیم» و زمین را شکافتیم

و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم و این المَاءَ عَلٰی اَمْرِ قَدْرِ» (۶) وَنَجِّتُهُ عَلٰی ذَاتِ الْاُلُوْحِ وَدُسْرِ، آب ها به اندازه مقدر باهم آمیختند» و سوار بر چیزی که دارای تخته ها و میخ ها بود (کشتی) نجاتش دادی، فَاشْرَبْتَهُ دُعَاءَهُ وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيْبًا يٰ قَرِيْبُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی پَسِ دَعَائِشِ رَا اِجَابَتِ نَمُوْدِي وَ تُوْ بِيُوْسْتَه بَه اُوْ نَزْدِيْكَ بُوْدِي، اِيْ نَزْدِيْكَ ؛ (می خواهم) که بر مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُنَجِّنِيْ مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيْدُ ظُلْمِيْ، مُحَمَّدٌ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ دَرُوْدِ فَرَسْتِي وَ مَرَا اَزِ سْتَمِ اَنْ كَه مِيْ خَوَاهَد بَه مِنْ سْتَمِ كَنْدِ نَجَاتِ دَهِيْ، وَ تَكْفَتَّ عَنِّيْ بَأْسٌ مَنْ يُرِيْدُ هَضْمِيْ، وَ تَكْوِيْنِيْ شَرُّ كُلِّ سُلْطَانٍ وَ مَرَا اَزِ شَرِّ وَ عَذَابِ اَنْ كَه شَكْسْتَمِ رَا مِيْ خَوَاهَد، نَگَه دَارِيْ، وَ مَرَا كِفَايَتِ كَنِيْ اَزِ شَرِّ هَرِ سُلْطَانِ جَائِرٍ، وَ عَدُوِّ قَاهِرٍ، وَ مُسْتَخِفِّ قَادِرٍ، وَ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ كُلِّ شَيْطَانٍ سْتَمِ بِيْشَه وَ مَنْحَرَفٍ، وَ دَشْمَنِ چِيْرَه شُوْنْدَه، وَ خَوَارِ كَنْنْدَه پَر تُوَانِ، وَ زُوْر كُوِيْ سْتِيْزَه كَرِ، وَ هَرِ شَيْطَانِ مَرِيْدٍ، وَ اِنْبِيَّيْ شَدِيْدٍ، وَ كَيِّدِ كُلِّ مَكِيْدٍ، يٰ حَلِيْمٌ يٰ وَدُوْدُ. اِلٰهِيْ سَر كَشِّشِ وَ نَافِرْمَانِ وَ هَرِ اَنْسَانِ سَخْتِ كَرِ، وَ مَكْرِ هَرِ حِيْلَه كَرِ، اِيْ بَر دَبَارِ؛ اِيْ بَسِيَارِ مَهْرَبَانَ؛ خُدَايِ مَنْ؛ وَ اَسْئَلُكَ بِاَسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِه عَيْدُكَ وَ نَبِيِّكَ صَالِحٍ عَلَيْهِ اَزِ تُوْ مِيْ خَوَاهَمِ بَه وَ اَسْطَه اَنْ نَامْتِ كَه بَه اَنْ نَامِ بَنْدَه وَ پِيَامْبِرِ تُوْ حَضْرَتِ صَالِحِ - كَه بَرِ اُوْ السَّلَامُ فَتَجِيْتُهُ مِنَ الْخَشْفِ، وَ اَعْلِيَّتُهُ عَلٰی عَدُوِّ، وَ اَسْتَجِيْبَتُ دَرُوْدِ بَادِ - تُوْ رَا خَوَانْدِ؛ پَسِ اُوْ رَا اَزِ فَرُو رَفْتَنِ (خواری و نقصان) نجات

دادی، و بر دشمنانش برتری بخشیدی، دُعَاءَهُ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُنِي أَغْدَائِي بِهِ، وَسَعَى مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِي، وَمَا مِنْ شَرِّ أَنْجَحَ دُشْمَانِي نَسَبًا بِمَنْ مَعِيَ خَوَانِي وَحَسُودَانِي تَلَاشِي مَعِيَ كُنْتُ ۱. سوره قمر، آیه ۱۲ - ۱۰.

بی حسادی، وَتَكْفِينِهِمْ بِكِفَايَتِكَ، وَتَتَوَلَّامَنِي بِوَلَايَتِكَ، وَتَهْدِي رَهَا گِردَانِي، وَبِهِ كِفَايَتِ خُودِ مَرَا مِنْ أَنْجَافِ كِفَايَتِ كُنِي، وَبِهِ وَلايَتِ خُودِ مَرَا سِرپرستی نمایی، قَلْبِي بِهُدَاكَ، وَتَوَلَّامَنِي بِتَقْوَاكَ، وَتَبَصَّرَنِي (بِمَا فِيهِ رِضَاكَ، وَقَلْبِي رَا بِهَدَايَتِ خُودِ هَدَايَتِ سَازِي، وَبِهِ تَقْوَايِ خُودِ مَرَا نَبِرُوبَخْشِي، وَ مَرَا دَرِ أَنْجَحِ رِضَايِ تَوَسْتِ بَيْنَا وَ آگَافِ گِردَانِي، وَتُعِينِي بِعِينَاكَ يَا حَلِيمُ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمِجِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ وَبِهِ بِي نِيَازيِ خُودِ مَرَا بِي نِيَازِ سَازِي، آيِ بَرْدَبَارِ؛ خُدَايِ مَنْ؛ اَزِ تُو مَعِيَ خَوَانِي بِهَ وَاسِطَهِ آنِ اسْمَتِ كِهَ بِهَ آنِ اسْمِ، عَبْدُكَ وَنَيْبُكَ وَخَلِيلُكَ إِبرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِينَ أَرَادَ نُفُوزُ بِنْدَه وَ پِيَا مِيرِ وَ دُوسْتِ حَضْرَتِ اِبْرَاهِيمِ - كِهَ بَرَاوِ دَرُودِ بَاد - تُو رَا خَوَانِ، هَنْگَامِي كِهَ نَمُرُودِ اِلْقَاءَهُ فِي النَّارِ، فَجَعَلَتْ لَهُ النَّارَ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَاسْتَجَبَتْ لَهُ خَوَا سْتِ اَوْ رَا دَرِ آتَشِ بِي نِدَا زِدِ؛ پَس، آتَشِ رَا بَرَاوِ سَرْدِ وَ سَلَامَتِ قَرَارِ دَادِي، وَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ رَا اِجَابَتِ

کردی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می خواهم) که بر محمد و آل محمد، وَأَنْ تُبْرِدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ، وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا، وَتَكْفِينِي مُحَمَّدَ دَرُودِ فَرَسْتِي، و حرارت آتشت را بر من سرد گردانی، و شعله آن را از من خاموش کنی خرها، وَتَجْعَلَ نَائِرَهُ أُغْدَآئِي فِي شِعَارِهِمْ وَدِنَارِهِمْ، وَتَرُدَّ و از حرارتش مرا کفایت کنی، و آتش فتنه انگیز دشمنانم را در لباس های زیر و روی شان (ظاهر و باطن ایشان) قرار دهی، كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ، وَتُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ، كَمَا بَارَكْتَ وَنِيرَنَكَ شَانَ رَا بِيهِ خُودَشَانَ بَا زِ گِرْدَانِي، و در آنچه به من عطا فرمودی برکت دهی؛ همچنان که برکت دادی عَلَيْهِ وَعَلَى إِلِيهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ. إلهی بر او و بر دودمانش؛ همانا تو بسیار بخشنده، ستوده شده و باشکوه و عظمتی. خدای من؛ وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلْتَهُ أَزِ تُو مِي خُودَشَانَ بِيهِ نَامِي كِي بِيهِ وَاسَطِيهِ أَنْ، إسماعیل - که بر او درود باد - تو را خواند؛ پس او را نَبِيًّا وَرَسُولًا، وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنَسِّكًا وَمَشْرِكًا وَمَأْوَى، پیامبر و رسول قرار دادی، و حرمت را برایش محلّ عبادت و منزلگاه و پناهگاه قرار دادی، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ (۷)، وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ، و دعایش را اجابت نمودی، و او را از قربانی شدن نجات بخشیدی، و از رحمت و لطف خود وی را مقرب ساختی، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و

تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ می خواهم (بر محمد و آل محمد درود فرستی وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِي، وَتَحُطَّ عَنِّي وَرْزِي، وَتَشُدَّ لِي أُزْرِي، و قبرم را وسعت دهی و بار سنگین گناه را از من برداری و پشتم را محکم سازی، وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَتَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحُطِّ السَّيِّئَاتِ، وَتَضَاعَفَ وَ گناهم را ببخشی و توبه را روزیم کنی با فرو ریختن زشتی ها و بدی ها و افزودن خوبی ها وَ الْحَسَنَاتِ، وَ كَشَفَ الْبَلِيَّاتِ، وَ رَبِّحِ التَّجَارَاتِ، وَ دَفَعْ مَعْرَهُ نِيكِي هَا وَ بَرَطْرَفِ كَرْدَنِ بِلَا هَا، وَ سَوْدِ تَجَارَتِ هَا، وَ دَوْرِ كَرْدَنِ بَدِي هَا وَ اِذْبَتِ هَايِ السَّعَايَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، وَ مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَ قَاضِي سَخَنِ جَبْنِي هَا؛ هَمَانَا تُو اِجَابَتِ كَرِ دَعَا هَا وَ فَرُو فَرَسْتَنَدَه بَرَكْتِ هَا، وَ بَرَأَوْرَنَدَه الْحَاجَاتِ، وَ مُعْطِي الْخَيْرَاتِ، وَ جَبَّارُ السَّمَاوَاتِ . إِلَهِي وَأَسْتُلُكَ حَاجَتِ هَا، وَ بَخْشَنَدَه خَيْرَاتِ وَ خَوْبِي هَا، وَ جَبَّارِ وَ حَاكِمِ آسْمَانِ هَا بِي . خُدَايِ مَنْ؛ اَز تُو مِي خَوَاهَم بِمَا سَأَلْتُكَ بِه اِنَّ خَلِيلِكَ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِي نَجَّيْتَهُ بِه أَنِجَه كِه بِه وَاسَطَه اَن اَز تُو خَوَاسْتِ فَرَزَنْدِ دَوَسْتِ اِسْمَاعِيلِ - كِه بِر اُو دَرُوْد بَاد - اَن كَسِي كِه اُو رَا مِّنَ الدُّبُحِ، وَ قَدَّيْتَهُ بِدُبُحِ عَظِيمِ، وَ قَلْبَتِ لَهُ الْمُسْتَمَصَّ حِينَ حَتَّى) اَز كَشْتَه شَدَنِ نَجَاتِ بَخْشِيدِي، وَ قَرَبَانِي بَزْرَكِ رَا اَز طَرَفِ اُو فَدِيَه قَرَارِ دَادِي وَ بَرَايِ اُو كَارْدِ رَا بَرِگَرْدَانْدِي؛ هَنْگَامِي كِه نَاچَاكُ مُوَفَّنَا بِدُبُحِه، رَا ضَتْيَا بِأَمْرِ وَالِدِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، بَا تُو مَنَاجَاتِ كَرْدِ دَرِ حَالِي كِه يَقِينِ بِه كَشْتَه شَدَنِ خُودِ دَاشْتِ وَ رَا ضِي بِه اَمْرِ پَدْرَشِ بُوْد؛ پَسِ دَعَايَشِ رَا





نزدیک ؛ امی خواهم) بر محمّد و آل محمّد درود فرستی ، وَأَنْ تَأْتِيَنِي لِي بِجَمِيعِ مَا شِئْتِ مِنْ سَهْلِي ، وَتُقَرِّي عَيْنِي بِوَلَدِي وَ مَرَا جِزَه دَهِي بِه جَمْع نَمُودَن تَمَام كَارِهَای پَرَا كِنْدَه اَم ، وَ دِيدَه اَم رَا بِه فِرَزَنَدَم وَأَهْلِي وَمَالِي ، وَتُصَلِّحَ لِي أُمُورِي ، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ وَ خَانُودَه اَم وَ مَالَم رُوشَن گِرَدَانِي ، وَ أُمُورَم رَا اِصْلَاح كِنِي ، وَ تَمَام حَالَاتِم رَا مَبَارَك گِرَدَانِي ، أَخْوَالِي ، وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي اِمَالِي ، وَأَنْ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ، وَ مَرَا بِه آرزو هَايَم دَر مُورَد خُودَم بَرَسَانِي ، وَ اَز آتَش پَنَاهَم دَهِي ، وَتَكْفِينِي سَدْرَ الْأَشْرَارِ بِالْمُضِطَّعِينَ الْأَخْيَارِ ، الْأَنْيَمَةَ الْأَثْرَارِ ، وَ مَرَا كِفَايَت كِنِي اَز بَدِي بَد كَارَان ، بِه وَاسَطَه بَر گِرِيدگان نِيكَان ، (يعني) امامان نيكوکار و نور المآثور محمد و اله الطيبين الطاهرين الاخيار ، الأئمه و روشن بخش روشنی ها، محمّد و آل او که پاکیزگان و نیکان اند ، پیشوایان المهدیین ، وَالصَّفْوَةَ الْمُتَجَبِّينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، هِدَايَت گِر ، وَ بَر گِرِيدگان نَجِيان - که درودهای خدا بر تمام شان باد - هَسْتَنَد . وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ ، وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِمِرَافَقَتِهِمْ ، وَتُوفِّقَ لِي وَ هَمْنَشِينِي آَنَان رَا رُوزِي مَن گِرَدَانِي ، وَ بَر مَن بِه رِفَاقَت وَ هَمْرَاهِي آَنَان مَنّت گِذَارِي ، وَ مَرَا مَوْفِق بِه صُيُحْبَتِهِمْ ، مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَعِبَادِكَ هَمْدَمِي وَ هَمْنَشِينِي ايشان نمایی ، با پیامبران رسالت داده شده ، وَ فَرَشْتگان مَقْرَبَت ، وَ بَنَدگان الصّالِحِينَ ، وَأَهْل طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ ، وَحَمَلَهُ عَرْشِكَ وَالْكَرُوبِيِّينَ . نِيكَو كَار وَ صَالِحَت ، وَ تَمَام فَرَمَانبرداران تو وَ حَامِلان عَرَشَت وَ فَرَشْتگان كَرْوَبِيان . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلُكَ بِهِ يَغْفُوبُ ،

وَقَدْ كَفَّ بَصِيرَتَهُ، خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامت که به واسطه آن ، یعقوب از تو درخواست کرد ، در حالی که چشمش کور شده و سُئِمَتْ سَمَلُهُ (بجمعه)، وَفَقِدَ قُوَّةَ عَيْنِهِ ابْنَهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، و اجتماعش پراکنده شده ، و نور چشمش (یعنی) پسرش گم شده بود ؛ پس دعایش را اجابت نمودی وَجَمَعْتَ سَمَلَهُ، وَأَقْرَبْتَ عَيْنَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً و پراکندگی او را جمع نمودی ، و چشمش را روشن کردی، و گرفتاریش را برطرف نمودی ، و تو به او نزدیک بودی، یا قَرِيبٌ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَأْتِيَنِي لِي أَيْ نَزِيكًا؛ (می خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا در بجمع ما تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي ، وَتَقَرَّرَ عَيْنِي بِوَالِدِي وَأَهْلِي وَمَالِي ، جمع نمودن آنچه از امرم پراکنده شده اذن دهی و چشمم را به فرزندم و خانواده ام و مالم روشن نمایی، وَتُصَلِّحَ شَأْنِي كُلَّهُ ، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي ، وَتُبَلِّغَنِي وَتَمَامِ كَارِهَائِمِ رَا إِصْلَاحَ كُنِي ، و همه حالات و تحولات زندگی را برایم مبارک گردانی ، و مرا به تمام فی نَفْسِي اِمَالِي ، وَتُصَلِّحَ لِي أَعْمَالِي ، وَتَمَنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ ، یا آرزوهایم در مورد خودم برسانی ، و کارهایم را اصلاح کنی، و بر من مَنّت گذاری ای بزرگوار ؛ اِي ذَا الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اِلٰهِي وَاَسْتَيْلُكَ يَا شَرِيكَ صَاحِبِ بَزْرَگِي هَا و بَرْتَرِي هَا ؛ به رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان ؛ خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمت الَّذِي دَعَاكَ بِه عِبْدُكَ وَنَبِيِّكَ يُوشِفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجَبْتَ

لَهُ، که به واسطه آن نام، بنده و پیامبرت یوسف - که بر او درود باد - تو را خواند پس دعایش را اجابت کردی، وَنَجَّيْتَهُ مِنْ غِيَابِ الْجُبِّ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكَمَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ، و او را از اعماق چاه نجات دادی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و او را از مکر برادرانش کفایت کرده وَجَعَلْتَهُ نَعِيمًا مُبْرَكًا، وَاشْرَيْتَ بِهِ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا و بعد از بندگی و بردگی او را پادشاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی یا قَرِيبٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْفَعَ عَنِّي أَيُّ نَزْدِيكَ، (می خواهم) بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرستی، و كَيْدَ كُلِّ كَايِدٍ، وَشَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إلهی نیرنگ هر حيله گر، و شَرِّ هر حسود را از من دور کنی، همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَيَسْأَلُكَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ از تو می خواهم به آن نامت که به آن نام، بنده و پیامبرت موسی بن عمران تو را خواند إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ أَنْ هُنَّكَ» که گفتی - ای پاک و بلندمرتبه - : «ما او را از طرف راست کوه طور فرا خواندیم وَقَرْنَاهُ نَجِيًّا» (۸)، وَضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا، وَنَجَّيْتَهُ و او را برای رازگویی، به خود نزدیک ساختیم» و راهی خشک در دریا برایش گشودی، وَمَنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا، و او و

همراهانش از بنی اسرائیل را نجات دادی، و فرعون و هامان و سپاهیانشان را غرق کردی، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاةَهُ، وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، اَسْتَجِبْكَ اَنْ و دعای موسی را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ می خواهم (تُصَلِّئِي عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُعِيذَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ، بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از شر آفریدگانت در پناه خود نگه داری، وَتُقَرَّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ، وَتَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِيَنِي بِهِ عَنْ و مرا با گذشتت مقرب خود گردانی، و از فضل خود بر من گسترش دهی آن قدر که مرا از جمیع خَلْقِكَ، وَيَكُونُ لِي بَلَاغًا اُنَالُ بِهِ مَعْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ، تمام خلق بی نیاز کند، و برایم به قدر کفایت باشد که به واسطه آن به آمرزش و رضوان تو برسم، ۱. سوره مریم، آیه ۵۲.

يا وَاٰلِيهِ وَاٰلِيهِ الْمُؤْمِنِينَ . اِلٰهِي وَاَسْأَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اِي صَاحِبِ اَخْتِيَارِ مَن و صَاحِبِ اَخْتِيَارِ مُؤْمِنَان . خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامی که به واسطه آن، عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ دَاوُدُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاةَهُ، وَتَجِزَّتْ لَهُ الْجِيَالُ، بنده و پیامبرت داود تو را خواند، پس دعایش را اجابت کردی، و کوه ها را مسخر و تحت فرمان او ساختی، يُسَبِّحُنَّ مَعَهُ بِالْعِشِيِّ وَالْاِبْكَارِ، وَالطَّيْرُ مَخْشُورَةٌ كُلُّ لَهُ اَوَابٌ، که با او در شام گاهان و صبح گاهان تسبیح گویند، و پرندگان او پیرامون او بودند همگی را فرمانبردار او گرداندی، وَشَدَّدْتَ

مُلْكُهُ ، وَ آيَاتِهِ الْحِكْمَةَ وَفَضِيلَ الْخُطَابِ ، وَأَنْتَ لَهُ وَ سُلْطَنَتِش رَا مُحْكَمَ نَمُودِي ، وَ حَكْمَتَ وَ فَصْلَ الْخُطَابِ (حکم قاطعی که باعث تمام شدن اختلاف گردد) را به او عطا کردی، الْحَدِيدَ ، وَ عَلَّمْتَهُ صِيْنَةَ  
لَبُوسِ لَهْمَ ، وَ غَفَرْتَ ذَنْبَهُ ، وَ كُنْتَ مِنْهُ وَ آهِنَ رَا بَرَايش نَرَمَ گِرْدَانْدِي ، وَ صَنَعْتَ زَرَهَ سَازِي رَا بَهْ اَوِ آمُوختِي ، وَ گَنَاهِش رَا بَخْشُوْدِي ، وَ تُو بَهْ اَوِ نَزْدِيكَ بُوْدِي ، قَرِيْباً يَاقَرِيْبُ . اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ  
وَ اَلِيٍّ مُحَمَّدٍ ، اَي نَزْدِيكَ . اَز تُو مِي خُوَاهَمَ كِه بَرِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ دَرُودَ فَرَسْتِي ، وَ اَنْ تُسَيِّخِرَ لِي جَمِيْعَ اُمُوْرِي ، وَ تُسَهِّلَ لِي تَقْدِيْرِي ، وَ تُزَوِّقَنِي وَ تَمَامَ اُمُوْرِمَ رَا تَحْتَ فَرْمَانِمَ قَرَارَ دِهِي ، وَ تَقْدِيْرِمَ رَا بَرَايَ مِنْ  
اَسَانِ سَازِي ، مَغْفِرَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ ، وَ تَدْفَعْ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِيْنَ ، وَ كَيْدَ الْكَائِدِيْنَ ، وَ آمُرْش وَ عِبَادَتِ خُودِ رَا رُوْزِيْمَ كُنِي ، وَ اَز مِنْ دُوْر كُنِي سَتَمَ سَتْمِگِرَانِ ، وَ نِيْرِنِگَ حِيْلَهَ گِرَانِ ، وَ مَكْرَ الْمَاكِرِيْنَ ، وَ سَطُوَاتِ  
الْفِرَاعِيَةِ الْجَبَّارِيْنَ ، وَ حَسِيْدَ وَ مَكْرَ مَكْرَارَانِ ، وَ يُوْرَشِ هَايَ فِرْعَوْنَ هَايَ زُوْرْگُو ، وَ حَسَدَ الْحَايِيْدِيْنَ ، يَ اَمَانَ الْحَايِفِيْنَ ، وَ جَارَ الْمُسْتَجِيْرِيْنَ ، وَ يَثِقَةَ حَسُوْدَانِ رَا . اَي اِيْمَنِي بَخْشَ بِيْمَنَاكَانَ ، وَ اِمَانَ دِهَنْدِهَ پَنَاهِ  
جُوْيَانِ ، وَ مَحَلَّ اطمِيْنَانِ الْوَاثِقِيْنَ ، وَ ذَرِيْعَةَ الْمُؤْمِنِيْنَ ، وَ رَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِيْنَ ، وَ مُعْتَمَدَةَ كُنَنْدِگَانِ ، وَ دَسْتَاوِيْزَ مُؤْمِنَانِ ، وَ اُمِيْدَ تُوَكَّلِ كُنَنْدِگَانِ ، وَ مَحَلَّ اعْتِمَادِ الصَّالِحِيْنَ ، يَ اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ . اِلٰهِيْ وَ اَسْأَلُكَ  
اللَّهُمَّ بِالْاِسْمِ نِيكُوْكَارَانِ ، اَي مَهْرَبَانِ تَرِيْنِ مَهْرَبَانَانِ ؛ خُدَايَ مِنْ ؛ اَز تُو مِي خُوَاهَمَ بَارِ پَرُوْرْدِگَارَا ؛ بَهْ اَنَ اسْمِي الَّذِي سَتَلَّكَ بِهْ عِيْدُكَ وَ نَبِيِّكَ سَلِيْمَانُ بِنُ دَاوُوْدَ عَلَيْهِمَا

السلام، که بنده و پیامبرت سلیمان فرزند داوود - که بر هر دو درود باد - تو را خواند إِذْ قَالَ «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَبْغِي لِأَخِي مِنْ بَعْدِي هِنْكَامِي كَمَا كَفْتُ : «بار الها؛ مرا ببخش و مرا سلطنتی عطا فرما که پس از من کسی سزاوار آن نباشد إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (۹)، فَاسْتَجِيبَتْ لَهُ دُعَاؤُهُ، وَأَطَعَتْ لَهُ الْخَلْقَ، که همانا تو بسیار بخشنده ای؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و آفریدگان را مطیع او ساختی، وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ، وَعَلَّمْتَهُ مَطِيقَ الطَّيْرِ، وَسَيَّحَرْتَ لَهُ و او را سوار بر باد کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی، و الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بَنَاءٍ وَعَوَاصٍ، و اَحْرَيْنَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ، شِبَاطِينَ - بناکننده و فرو رونده در آب - را مَسْخَرُ او ساختی، و دیگران را در بند و زنجیر او کشیدی؛ هَذَا عَطَاؤُكَ لَا عَطَاءُ غَيْرِكَ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ. أَنْ اَيْنَ، بخشش توست نه بخشش غیر تو؛ و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. می خواهم (که تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِيَ لِي قَلْبِي، وَتَجْمَعَ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودَ فَرَسْتِي، و قلبم را برایم هدایت کنی، و عقلم را برایم متمرکز کنی، وَتَكْفِيَنِي هَمِّي، وَتُؤْمِنَ خَوْفِي، وَتَفْكَ أَسِيرِي، وَتَشُدَّ غِرْدَانِي، و اندوهم را کفایت کنی، و ترسم را ایمن گردانی، و از بند اسارتم رها کنی، و پشتم را محکم آزری، وَتُهَيِّئْ لِي وَتُهَيِّئْ لِي، وَتَشِيبَ دُعَاؤِي، وَتَشِيبَ يَدَايَ،

گردانی، و مرا مهلت دهی، و آسوده خاطر سازی، و دعایم را اجابت کنی، و ندایم را بشنوی، وَلَا تَجْعَلْ فِي النَّارِ مَأْوَى، وَأَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِي، وَأَنْ تُوسِعَ وَجَايَگَاهَم را در آتش قرار ندهی، و دنیا را بزرگ ترین مقصود من قرار ندهی، و روزی ام را برایم وسعت علی رزقی، وَتُحَسِّنْ خُلُقِي، وَتُعَيِّنَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، فَإِنَّكَ دَهِي، و اخلاقم را نیکو گردانی، و مرا از آتش آزاد کنی؛ همانا تو سَیِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُؤَمَّلِي. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي آقَى مِنْ وَمَوْلَايَ مِنْ وَنَهَيْتَ آرزوی من هستی. خدای من؛ از تو می خواهم پروردگارا؛ به آن اسمت که به ۱. سوره ص، آیه ۳۵.

دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ، لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصَّحَّةِ، وَنَزَلَ السَّقَمُ مِنْهُ أَنْ اسْمَ، أَيُّوبُ تُو را خواند، هنگامی که بلا بعد از صحت به او رسید، و بیماری مَنَزَلَ الْعَافِيهِ، وَالصَّادِقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةُ، فَكَشَفَتْ صُدْرَهُ، جای عافیت او نشست و تنگی و شدت بعد از فراخی و توانایی بر او روی آورد؛ پس گرفتاریش را برطرف کردی، وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ أَهْلَهُ، وَوَيْتَلَهُمْ مَعَهُمْ، حِينَ نَادَاكَ، دَاعِيًا لَكَ، و خانواده اش و مثل ایشان را که با ایشان بودند به او باز گرداندی، هنگامی که تو را ندا داد، در حالی که دعاکننده برای تو و رَاغِبًا إِلَيْكَ، رَاغِبًا لِفَضْلِكَ، شَاكِيًا إِلَيْكَ رَبِّ «إِنِّي مَسْنِي الضُّرُّ رُوي آورنده به سوی تو، و امیدوار به بخشش تو، و شکوه کننده به سوی

تو بود) و گفت: (ای پروردگار من؛ «همانا بیچارگی بر من وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (۱۰)، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، رسیده و تو مهربان ترین مهربانانی؛ پس، دعایش را اجابت کردی و بیچارگی او را برطرف نمودی وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، وَأَنْ تُكْشِفَ ضُرِّي، وَتُعَافِيَنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَبِجَارِغِي مَرَّ بِرَطْفِ كَنِي، و در جان و خانواده و مال و فرزند وِإِخْوَانِي فِيكَ، عَافِيَةً بِأَقْبِيهِ شَافِيَةً كَافِيَةً، وافر هادیه نامیده، و برادران دینی ام عافیت دهی، عافیت پایدار، شفابخش، کفاینگر، فراوان و فراگیر، هدایت گر، رشد دهنده، مُشِيَّتُغِيَّتِهِ عَنِ الْأَطْيَافِ وَالْأَذْوِيهِ، وَتَجْعَلُهَا شِعَارِي وَدِيَارِي، بی نیاز کننده از پزشکان و دواها؛ و آن را لباس زیر و رویم قرار دهی (کنایه از اینکه همواره با من همراه باشد)، وَتَمَتُّعِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي، وَتَجْعَلُهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، إِنَّكَ عَلَيَّ وَرَا بِي عَيْنًا وَرَا بِي بَصَرًا، و تو مرا وارثان من قرار دهی؛ که همانا تو بر کُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي وَأَشْرُكَكَ بِأَشْرِكِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُؤْنَسُ هَرِّ جِزْيِ تَوَانِي. خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمت که به واسطه آن اسم، یونس بُنُّ مَتَّى فِي بَطْنِ الْحُوتِ حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، أَنْ لَا يَسْرُ مَتَّى فِي شَكْمِ مَاهِي تَوَانِي، هنگامی که تو را در تاریکی های سه گانه خواند) و گفت: («هیچ ۱



إِلَهَ إِلَهًا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۱﴾ وَأَنْتَ أَرْحَمُ مَعْبُودٍ نَبِيست غیر از تو، تو پاک و منزهی؛ همانا من از ستمگران - بر خویش - هستم» و) حال آن که (تو مهربان ترین الرّاحمین ، فَاسْتَجِيبْ لَهُ دُعَاءَهُ ، وَأَنْتَبُّ عَلَيْهِ شَجَرَهُ مِنْ يَقْطِينٍ ، مهربانانی ؛ پس دعایش را اجابت نمودی ، و بوته ای از کدو برایش رویاندی؛ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مَاءٍ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک ، أَنْ تُصِليَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَشِيْتَجِيبَ دُعَائِي ، می خواهم (که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و دعایم را اجابت کنی، وَتُدَارِكَنِي بِعَفْوِكَ ، فَقَدْ عَرَفْتُ فِي بَغْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي ، وَرَكِبْتِي وَبَاكَ گدشت خود گذشته ام را جبران کنی؛ زیرا، در دریایی از ستم بر خویش، غرق شده ام ؛ وَمُظَالِمٍ كَثِيرَةٍ لِحَلْفِكَ عَلَيَّ ، صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، حق و حقوق بسیاری برای بندگانت به دوش من است ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، وَاسْتَرِنِي مِنْهُمْ ، وَأَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ ، وَاجْعَلْنِي مِنْ عَتَقَائِكَ وَمَرَا از آنان پنهان دار، و مرا از آتش رهایی بخش ، و مرا از آزادشدگان و طُلُقَائِكَ مِنَ النَّارِ ، فی مقامی هذا ، بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ . إلهی و رهایی یافتگان از آتش در همین مقام و موقعیتم قرار بده ؛ به خاطر لطف و احسانت - ای بسیار احسان کننده - . خدای من؛ وَأَسْتَلُكَ بِأَسْمِكَ

الَّذِي دَعَاكَ بِعَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ إِذْ تَوَسَّلَ بِهَا إِلَىٰ رَبِّكَ إِذْ أُنزِلَ فِي الْقُرْآنِ ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ فِي الْمَهْدِ ، - که بر هر دو درود باد - در آن هنگام که او را با روح القدس نیرو بخشیدی ، و در گهواره گویا نمودی ، فَأَخِي بِهَ الْمَوْتَى ، وَأَبْرَأَ بِهَ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ ، وَخَلَقَ وَهَ وَسِيلَهُ أَوْ ، مردگان زنده شدند ، به وسیله او با اجازه تو کور مادرزاد و بیمار پیسی گرفته شفا یافت ، وَ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِرًا بِإِذْنِكَ ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا زَكِيَّ ، شکل پرنده ای را درست کرد پس به اذن تو پرنده و پروازکننده گردید؛ و تو به او نزدیک بودی، ای ۱ . سوره انبیاء ، آیه ۸۷ .

قَرِيبٌ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا نَزَدِيكَ ، (می خواهم) که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و مرا برای آنچه خَلَقْتَ لَهُ ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا قَدْ تَكَلَّمْتَهُ لِي ، وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ آفریده شده ام) از مشغولیات (فارغ بداری ، و مرا مشغول نکنی به آنچه برایم عهده دار گشته ای ، و مرا از عبادت پیشگان وَرُحَادِكَ فِي الدُّنْيَا ، وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِيَةِ ، وَهَنَاتُهُ بِهَا مَعَ وَ زاهدان خود در دنیا قرار دهی، و از آنان که برای عافیت و سلامت آن ها را آفریده ای ، و به كَرَامَتِكَ يَا كَرِيمٌ يَا عَظِيمٌ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي بَرَزْتَ بِهَا لِقَاءَ رَجُلٍ مِنْ عِبَادِكَ ، وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ

گرداندی؛ ای بخشنده؛ ای بلندمرتبه؛ ای بزرگ . خدای من؛ از تو می خواهم به دَعَاكَ بِه اَصْفُ بْنُ یَزِیجِیَا عَلِی عَوشِ مَلِکِه سَبِیَا ، فَكَانَ أَقْلٌ مِنْ خَاطِرِ آن اسمت که به واسطه آن ، آصف پسر برخیا بر  
(احضار) تخت ملکه سبا تو را خواند؛ پس در کمتر از لَحْظَه الطَّرْفِ ، حَتَّى كَانَ مُصَوَّرًا بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَلَمَّا رَأَتْهُ اَقِيلَ چشم برهم گذاشتی در پیش چشمش حاضر شد، به گونه ای که وقتی ملکه، آن را دید  
«به او گفته شد: أَهَكَذَا عَوْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ» (۱۲) فَاسْتَجَبَتْ دُعَاءَهُ ، وَكُنْتُ مِنْهُ آيَا تَخْتِ تُو چنين است؟) بَلْقِيس (گفت : گویا همین است» پس دعایش را اجابت نمودی، و تو قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، اَنْ تُصَلِّیَ  
عَلِی مُحَمَّدٍ وَ اِل مُحَمَّدٍ، وَتُكْفِرَ عَنِّي به او نزدیک بودی، ای نزدیک ، می خواهم) که بر مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ درود فرستی ، و گناهان سَيِّئَاتِی ، وَتَقْبَلَ مِنِّی حَسَنَاتِی ، وَتَقْبَلَ تَوْبَتِی ، وَتَتُوبَ عَلَیَّ ، و بدی  
هایم را بپوشانی ، و کارهای نیکویم را از من قبول کنی ، و توبه ام را بپذیری ، و بر من روی آوری ، وَتُعْنِي فَقْرِي ، وَتَجْبِرَ كَثْرَتِي ، وَتُخَيِّرَ فُرَادِي بِدِكْرِكِ ، وَتُخَيِّنِي وَفَقْرَمِ را برطرف سازی ، و شکست مرا  
جبران کنی ، و قلبم را با یاد خود زنده کنی ، و مرا فی عَافِيهِ ، وَتَمِيَّتِنِي فِي عَافِيهِ . اِلٰهِي وَاسْأَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِي دَر عَافِيَتِ زَنَدِه بَدَارِي و در عَافِيَتِ بَمِيرَانِي . خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی که  
دَعَاكَ بِه عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ سَأَلَكَ ، دَاعِيًا بِه واسطه آن اسم، بنده و

پیامبرت زکریا - که بر او درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که از تو درخواست نمود در حالیکه دعاکننده ۱ . سوره نمل ، آیه ۴۲ .

لَكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ ، رَاغِبًا لِفَضْلِكَ ، فَقَامَ فِي الْمِحْرَابِ يُنَادِي نِدَاءً بَدًّا ، وَاشْتِيَاقًا بِسُورِي وَوَأَمِيدِوَارِي بِهٖ بَخْشِشِ تُو دَاوْت ، پَس دَر مَحْرَابِ عِبَادَتِ اِيسْتَاد دَر حَالِي كِه بَا نَدَايِ خَفِيًّا ، فَقَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا × يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ پَنَهَانِي كِه مِي دَادِ گَفْت : پَروردگَارَا ؛ «از نزد خود، جانسین (به من فرزندی) و امیدواری به بخشش تو داشت ، پس در محراب عبادت ایستاد در حالی که با ندای خفیی ، فقال رب هب لی یعقوب ارث ببرد، و او را وارثی صالح و پسندیده قرار ده» پس یحیی را به او بخشیدی، و دعایش له دعاءه ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيْبًا يَاقَرِيْبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَا اِحْبَابِ نَمُودِي، وَ تُو بِهٖ اُو نَزْدِيكِ بُوْدِي، اِي نَزْدِيكِ ؛ (مِي خَوَاهَم) كِه بَر مُحَمَّدٍ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبَيِّتَ لِي اَوْلَادِي، وَأَنْ تُمَتِّعَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي وَ اَلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِي، وَ فَرَزَنْدَانِم رَا بَرَايِم نَگِه دَارِي، وَ مَرَازِ وَجُودِ اِيشَان بِهَرِه مَنَدِ سَازِي، وَ مَن وَ اِيَّاھُمْ مُؤْمِنِيْنَ لَكَ ، رَاغِبِيْنَ فِي ثَوَابِكَ ، خَائِفِيْنَ مِنْ عِقَابِكَ ، وَ اَنَانِ رَا اَز اِيْمَانِ اَوْرَنْدِگَانِ بِهٖ خُودَتِ ؛ وَ اَز مَشْتَاقَانِ ثَوَابِ ، بِيْمَنَاكَانِ اَز كَيْفَرَتِ ، رَاجِيْنَ لِمَا عِنْدَكَ ، اِيسِيْنَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّى تُخَيِّرَنَا خِيُوَةَ اَمِيدِوَارَانِ بِهٖ اَنجِه نَزْدِ تُوَسْتِ ، نَا اَمِيدَانِ اَز اَنجِه نَزْدِ غَيْرِ تُوَسْتِ قَرَارِ دِهِي ؛ تَا مَا رَا بِهٖ زَنْدِگِي پَاكِ وَ پَاكِيْزِه زَنْدِه دَارِي

طَبِيبُهُ، وَتَمِيمَتَا مَيْتَهُ طَبِيبُهُ، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ. إلهی وَاَسْأَلُكَ و به مرگ پاک و پاکیزه بمیرانی ؛ همانا تو هر چه خواهی انجام می دهی . خدای من؛ از تو می خواهم بِإِلْسَامِ الَّذِي سَبَّلْتَك بِه امْرَأَهُ فُوَعُونَ ، «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي بِهِ أَنْ أَسْمَىٰ» که به واسطه آن ، همسر فرعون تو را خواند «وقتی گفت: بار الها؛ برایم عِنْدَكَ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فُوَعُونَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنْ ذُرِّيَّتِي الَّتِي كَانَتْ تَكْفُرُ بِي إِذْ كُنْتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (۱۴) ، فَأَسْتَجِيبُ لَهَا دُعَائَهَا ، وَكُنْتُ مِنْهَا قَرِيباً يَا غَرِيبُ يَا غَرِيبُ يَا غَرِيبُ ، در حالی که تو به او نزدیک بودی ، ای قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقَرِّبَ عَيْنِي بِالنَّظَرِ نَزْدِكَ ؛ (می خواهم) که بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرستی ، و دیده ام را با نظر به ۱ . سوره مریم ، آیه ۵ و ۶ . ۲ . سوره تحریم ، آیه ۱۱ .

إِلَى جَنَّتِكَ، وَوَجَّهَكَ الْكَرِيمِ وَأَوْلِيَاءِكَ، وَتُفَرِّجَنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، بِهشت خود ، و به دیدن لطف کریمانه خود و اولیای خودت روشن کنی ، و به واسطه مُحَمَّد و آل مُحَمَّد مرا به گشایش و راحتی و تُوَيْسِنِي بِهِ وَبِأَلِيهِ، وَبِمُصَاحِبَتِهِمْ وَمُرَافَقَتِهِمْ، وَتُمْكِّنْ لِي فِيهَا، برسانی ، و مرا با او و آل او ، و هم صحبتی و همراهی ایشان مانوس گردانی ؛ و مرا در بهشت جای دهی و متمكِّن سازی ؛ وَتُنَجِّنِي مِنَ النَّارِ ، وَمَا أَعَدَّ لِلْأَشْقِيَاءِ مِنَ السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ ، و

از آتش نجاتم بخشی، و از آنچه که برای اهل آتش آماده شده است از زنجیرها و غلها، وَالسُّدَّاءِ وَالْأَنْكَالِ، وَأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ. إلهی و نیز سختیها و فشارها، و انواع عذابها رهایی بخشی؛ با گذشت خودت، ای بخشنده بزرگوار؛ خدای من؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَوْتُكَ بِهِ عَبْدَتُكَ وَصَدِيقَتُكَ مَرْيَمُ الْبُتُولُ از تو می‌خواهم به آن اسمی که به واسطه آن اسم، بنده و تصدیق‌کننده ات مریم پاکدامن و أُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قُلْتُ « وَمَرْيَمُ ابْنَتٌ وَمادر مسیح رسول - که بر هر دو درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که گفتم: « - یاد آر - حال مریم دختر عمرانَ الَّتِي أَخَصَيْتَ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ عَمْرَانُ رَا كَه عورت خود را حفظ کرد؛ پس آن گاه در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم؛ و مریم نیز بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ « (۱۵) فَاسْتَجَبَتْ لَهَا کلمات و کتابهای پروردگارش را با کمال ایمان تصدیق کرد، و از فرمانبرداران خدا بود» پس دعای او را اجابت دُعَائِهَا، وَكُنْتُ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ در حالی که تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) که بر مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخَصِّنِي بِحَضْرَتِكَ الْخَصِيْنِ، وَتَخَيَّرَنِي بِجِجَابِكَ مُحَمَّدٍ درود فرستی و مرا با حصار محکم خودت نگهداری کنی، و با پوشش بازدارنده ات مرا الْمُنِيْعِ، وَتُخَرِّجَنِي بِحُزْنِكَ الْوُثِيْقِ، وَتَكْفِيَنِي بِكَفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ، بِپوشانی، و به حرز محکم مرا حفظ و

حراست نمایی، و مرا به کفایت کافی خودت کفایت کنی؛ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ، وَظَلَمِ كُلِّ بَاغٍ، وَمَكْرِ كُلِّ مَاجِرٍ، وَعَدْرِ كُلِّ اِزْشَرِّ هِر سِرْكَش، و ستم هر تجاوزگر، و مکر و نیرنگ هر حيله گر، و خیانت هر ۱. سوره تحریم، آیه ۱۲.

غادر، و سِتْخِرُ كُلِّ سَاحِرٍ، وَجُورِ كُلِّ شَيْطَانٍ جَائِرٍ، بِمَنْعِكَ يَا خِيَانَتِ كَار، و جادوی هر جادوگر، و ستم هر سلطان ستمگر؛ با بازدارندگی و نگهداری خودت، ای مَنِعٌ. اِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ، بازدارنده؛ خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی که با آن اسم، بنده و پیامبر وَصَفِيُّكَ وَخَيْرُتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينُكَ عَلَيَّ وَحِيَّتِكَ، وَبِعَيْتِكَ إِلَيَّ و برگزیده و منتخب از میان مخلوقات، و امین بر وحیت، و برانگیخته شده به بَرِّيَّتِكَ، وَرَسُولُكَ إِلَى خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خَاصُّكَ وَخَالِصٌ تُكَّ، صِيْلِي سَوِي آفَرِيْدْكَانَت، و فرستاده ات به سوی خلقت، محمد، بنده خالص و خالص تو - که درود و سلام اَللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَاسْتَجِبْ دُعَاءَهُ، وَأَبْدَتْهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا، خدا بر او و آل او باد - تو را خواند؛ پس دعایش را اجابت نمودی و با سپاهبانی که آن ها را نمی دیدند، او را تأیید کرده و یاری وَجَعَلْتَ كَلِمَتِكَ الْغَلِيْبَا، وَكَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى، وَكُنْتَ مِنْهُ رَسَانِدِي، و کلمه خود را برتر قرار دادی، و کلمه آنان را که کفر ورزیدند پست و پایین قرار دادی؛ در حالی که تو به او قریباً یا قَرِيْبٌ. اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ، صَلَاةَ نَزْدِيكَ بَدِي، اِي نَزْدِيكَ . )مِي خَوَاهِم ( كِه بِر مَحْمَدِ و آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِي ؛ دَرُودِهايِ زَاكِئَهٗ طَيِّبَهٗ، نَامِيَهٗ بَاقِيَهٗ مُبَارَكَهٗ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيِ اَبِيهِمْ اِبْرَاهِيمَ بَاكٍ و پَاكِزَهٗ ، رَشْدِ كُنندِهٗ پَايدارِ، مَبَارَكِ؛ چنانِ كِه بِر پَدَرِشانِ اِبْرَاهِيمِ و آلِ و آلِ اِبْرَاهِيمِ ، وَبَارِكْ عَلَيَّهِمْ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّهِمْ ، وَسَلِّمْ عَلَيَّهِمْ اِبْرَاهِيمَ دَرُودِ فَرَسْتادِي؛ و بِرِ اَنانِ مَبَارَكِ گَرْدانِ هَمچنانِ كِه بِرِ آلِ اِبْرَاهِيمِ مَبَارَكِ گَرْداندي؛ و بِرِ آلِ مُحَمَّدِ سَلامِ بَرسانِ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيَّهِمْ ، وَزِدْهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ زِيَادَهٗ مِنْ عِنْدِكَ ، چنانِ كِه بِرِ آلِ اِبْرَاهِيمِ سَلامِ رَساندي ؛ و بِهَرِهٗ ايشانِ را از جَانِبِ خُودِ فَوْقِ اَنجِهٗ گَفْتِهٗ شَدِ زِيادِ كُنْ ؛ وَاخْلُطْنِي بِهِمْ ، وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ ، وَفِي زُمْرَتِهِمْ و مرا آمِيختهٗ با ايشانِ و از اَنانِ قَرارِ بَدِهٗ ، و با ايشانِ مَحْشُورِ كُنْ ، و در زَمَرِهٗ ايشانِ قَرارِ بَدِهٗ ، حَتَّى تَشْرِيقِي مِنْ حَوْضَتِهِمْ ، وَتَدْخُلْنِي فِي جَمَلَتِهِمْ ، وَتَجْمَعَنِي تا از حَوْضِ (كُوتَرِ) اَنانِ مرا سِيرابِ كُنِي ، و در گَرُوهٗ اَنانِ واردِ كُنِي ، و مرا با اِيَّاهُمْ ، وَتَقَرَّرْ عَيْنِي بِهِمْ ، وَتُعْطِنِي سُوْلِي ، وَتُبَلِّغْنِي اَمالِي فِي اَنانِ در يَكجا جَمعِ نَمايِي ، و چِشْمِ مرا بِهٗ ايشانِ رُوشنِ سَازِي ، و خُواستِهٗ امِ را عَطَا كُنِي ، و مرا بِهٗ اَرزُوهائِمِ در دِنيِ وَدُنْيايِ وَ اِخْرَتِي ، وَمُخَيَّائِ وَ مَماتِي ، وَتُبَلِّغَهُمْ سَلامِي ، دِينِ و دُنْيا و اِخْرَتِمِ و در زَنديگِي و مَرگِمِ بَرسانِي ؛ و سَلامِ مرا بِهٗ ايشانِ بَرسانِي ، وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلامَ وَ عَلَيَّهِمُ السَّلامَ وَرَحْمَةَ اللّهِ وَبَرَكَاتُهُ . و پاسِخِ از اَنانِ بِهٗ مَنِ بَرگَرْدانِي ؛ سَلامِ و



رحمت و برکات خدا بر ایشان باد . إلهی وَأَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ خدای من ؛ تو همانی که در نیمه های هر شب ندا می دهی : آیا درخواست کننده ای هست فَأَعْطِيهِ ، أمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأُجِيبَهُ ، أمْ هَلْ مِنْ مُسْتَعْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ ، تا به او عطا کنم؟ آیا دعاکننده ای هست تا او را اجابت نمایم ؟ آیا استغفار کننده ای هست تا او را بیامرزم ؟ أمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأَبْلُغَهُ رَجَاءَهُ ، أمْ هَلْ مِنْ مُؤْمَلٍ فَأَبْلُغَهُ أَمَلَهُ ، ها آیا امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم ؟ آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم ؟ اینک أَنَا سَأَلْتُكَ بِفِنَائِكَ ، وَمَشَكَيْتُكَ بِبَابِكَ ، وَضَعِفْتُكَ بِبَابِكَ ، وَفَقِيرُكَ مِنْ دَرَاكَاتِ دَرِخَوَاسْتِ كُنْنِدِه اَز تُو هِسْتَم ، وَبِيچاره تُوأم در درب خانه تو ، وَنَاتُوَان تُوأم به درب خانه ات ، وَبِينُوای تُوأم بِبَابِكَ ، وَمُوْمَلُّكَ بِفِنَائِكَ ، أَسْأَلُكَ نَائِلَكَ ، وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ ، به درب خانه ات ، وَآرْزُوْمَنْدِ دَر دَرگَاهِ تُو هِسْتَم ؛ اَز تُو عَطَا وَبَخْشِشِ تُو را می خواهَم ؛ وَآمیدوارِ رَحْمَتِ تُو وَأُوْمَلُّ عَفْوَكَ ، وَأَلْتَمِسُ عُفْرَانَكَ ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . وَآرْزُوْمَنْدِ گِذْشْتِ تُو هِسْتَم ؛ وَآمَرِشِ تُو را تَمَنَّا می نمایم ؛ بِسِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْت ، وَأَعْطِنِي سُؤْلِي ، وَبَلِّغْنِي أَمَلِي ، وَاجْبُرْ فَقْرِي ، وَارْحَمْ عَضِيَانِي ، وَخَوَاسْتِه اَم را عَطَا كُن ؛ وَمَرا به آرْزُوْمِ بَرَسَان ؛ وَفَقْرَم را جَبْران كُن ، وَبِه عَصِيَانِ وَسِرْكَشِي اَم رَحْمِ كُن ؛ وَاعْفُ عَن ذُنُوبِي ، وَفُكْ رَقَبَتِي مِنَ الْمُظَالِمِ لِعبَادِكَ رَكِبَتِي ، وَاز گِناهاَنَم

در گذر؛ و حَقَّ و حقوقی که از بندگانت بر عهده من است، مرا از آن رها کن؛ وَقَوْضَ صَدَغْفِي، وَأَعَزَّ مَشِيكَتِي، وَبَثَّ وَطْأَتِي، وَأَغْفِرْ جُزْمِي، و ناتوانیم را قَوْت بخش؛ و بیچارگی ام را عَزَّت بخش؛ و گام  
هایم را محکم و استوار گردان؛ و جرمم را ببخش؛ وَأَنْعِمَ بَالِي، وَأَكْثِرْ مِنَ الْخَلَالِ مَالِي، وَخِزْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي و فکر و ذهنم را رشد بده؛ و مالم را از حلال زیاد کن؛ و در تمام امور و کارهایم برایم  
خیر و أفعالِی، وَرَضْنِي بِهَا، وَارْحَمْنِي وَوَالِدِي وَمَا وَلَدَا مِنْ خَيْرِي مَقْدَرِ فَرْمَا؛ و مرا به آن ها راضی و خشنود گردان؛ و رحم کن بر من و پدر و مادرم و فرزندان آنان از الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ  
وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ مَرْدَانِ و زمان مؤمن، و مردان و زنان مسلمان، زندگان از آن ها وَالْأَنْوَابِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَوَاتِ، وَالْهَمْنِي مِنْ بَرِّهِمَا مَا أَشْتَجُّ و مردگان از آن ها؛ همانا تو شنونده دعاهایی .  
به من الهام کن از نیکی کردن نسبت به آن دو (پدر و مادرم) أَنْجِبْ بِه تَوَابِكَ وَالْجَنَّةَ، وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمَا، وَأَغْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا، وَاجْزِهِمَا بِأَنْ شَابِسْتِكِي ثَوَابِ و بهشت تو را پیدا کنم، و کارهای نیک آن ها را  
قبول فرما، و بدی های آن ها را ببخش، بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي تَوَابِكَ وَالْجَنَّةَ . إلهی وَقَدْ عَلِمْتُ بِقِيَامِ أَنْكَ و به خاطر خوبی هایی که آن دو درباره من کرده اند پاداشت و بهشتت را نصیب آن دو فرما .  
خدای من؛ به یقین می دانم تو لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ، وَلَا

تَمِيلُ إِلَيْهِ وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تُجِبُهُ دَسْتور به ستم نمی دهی، و به آن راضی نیستی، و میل به آن نمی نمایی، و آن را نمی خواهی و دوستش نمی داری، وَلَا تَغْشَاهُ، وَتَعْلَمُ مَا فِيهِ هُوَ لِآءِ الْقَوْمِ مِنْ ظَلَمِ عِبَادِكَ وَبَغْيِهِمْ و نمی پوشانی آن را؛ و می دانی آنچه را که این قوم از ظلم به بندگانت و تجاوزگری آن ها عَلَيْنَا، وَتَعَوَّدِيهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَا مَعْرُوفٍ، بَلْ ظَلَمْنَا وَوَعَدْنَا وَزُوراً بر علیه ما، و تعدی و تجاوز ناحق و نامعرفشان که از روی ظلم و دشمنی و زور و بُهْتَاناً، فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا يَبِيدُ مِنْ بُلُوغِهَا، أَوْ كَتَبْتَ وَتَهَمْتَ أَنْ رَأَى مَا فِيهَا مِنْ ظُلْمٍ، فَادْعُهُمْ إِلَى الْحَقِّ وَوَعْدِكَ الصَّادِقِ مَهْلَتِ هَابِي بِرِيشَانِ نَوْشْتِي وَ مَعِينِ كَرْدِي كِه بَايِدِ بِه پَايَانِ بَرَسِدِ، پَس تُو كَفْتِي - وَ سَخْنَتْ حَقَّ وَ وَعْدِهِ رَاسْتِ اسْتِ - : «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (١٦). فَأَنَا أَسْأَلُكَ «آنچه را خدا بخواهد محو و نابود می کند و آنچه را بخواهد ثابت می دارد؛ و ام الكتاب نزد اوست». پس من از تو می خواهم، ١. سوره رعد، آیه ٣٩.

بِكُلِّ مَا سَأَلْتَنِي بِهِ أَنْبِيَاءُكَ الْمُؤْتَمِرِينَ وَرُسُلِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِمَا بِهِ وَاسْطَهُ تَمَامِ أَنْ جِهَ بِهَ أَنْ، بِبَا مِرْبَرَانِ مَرْسَلِ - كِه رَسَالَتِ تَبْلِيغِ دَاشْتَنْدِ - وَ رَسُولَاتِ از تُو خَوَاسْتَنْدِ، وَ از تُو مِي خَوَاهَم سَأَلْتُكَ بِه عِبَادَتِكَ الصَّالِحِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، أَنْ تَمْحُوَ مِنْ بِيهِ وَاسْطَهُ أَنْجِهَ بِنْدِگَانِ صَالِحِ وَ شَايِسْتِه ات وَ فَرَشْتِگَانِ مَقْرَبْتِ بَا آن از تُو

خواستند؛ که از اُمّ الکتابِ ذلک، وَتَكْتَبُ لَهُمْ الْأَرْضَ مِخْلَالَ وَالْمَحَقَّ، حَتَّى تَقْرَبَ أُمَّ الْكِتَابِ (لوح محفوظ)، آن مدّت و مهلت را محو کنی و نابودی و پراکندگی و از هم پاشیدگی را برای شان بنویسی تا اجالَهُمْ، وَتَقْصِي مِدَّتَهُمْ، وَتُدْهَبُ أَيَّامُهُمْ، وَتُبْتَرُ أَعْمَارُهُمْ، اجل های شان را نزدیک سازی، و مدّت شان را پایان دهی، و روزهای شان را سپری سازی، و رشته عمرشان را پاره کنی، وَتُهْلِكُ فُجَارَهُمْ، وَتَسَلِّطُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ، حَتَّى لَا يُبْقِي وَفَاسِقَانِشَانِ رَا هَلَكَ سَازِي، وَبَعْضِي از آن ها رَا بر بعضی دیگر مسلط سازی؛ تا مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تُنْجِي مِنْهُمْ أَحَدًا، وَتَفْرَقَ جُمُوعَهُمْ، وَتَكِلَ آن که یک نفر از آنان را باقی نگذاری، و احدی از آنان را نجات ندهی، و اجتماع شان را متفرق سازی؛ بِسَلَّاحِهِمْ، وَتُبَدِّدَ شَمْلَهُمْ، وَتَقْطَعُ اجالَهُمْ، وَتَقْصِرَ أَعْمَارَهُمْ، و سلاح شان را ناتوان و بی اثر، و جمع آنان را پراکنده کنی، و مهلت ایشان را قطع، و عمر شان را کوتاه، وَتُرْزِلَ أَقْدَامَهُمْ، وَتُظْهِرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ، وَتُظْهِرَ عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ، و قدم های شان را متزلزل کنی؛ و سرزمین هایت را از وجودشان پاک، و بندگان را بر آنان مسلط سازی؛ فَقَدْ غَيَّرُوا سُرِّيَّتَكَ، وَنَقَضُوا عَهْدَكَ، وَهَتَكُوا حَرِيمَكَ، وَأَتَوْا عَلَيَّ، چرا که آنان سَتت تو را تغییر دادند، و عهدت را شکستند، و حریمت را هتک کردند، ما نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ، وَعَتَوْا عُنْوًا كَبِيرًا كَبِيرًا، وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا، و آنچه نهی کردی انجام دادند و (از فرمان های تو) سرپیچی نمودند؛ سرپیچی و نافرمانی بزرگ بزرگ، و گمراه شدند گمراهی عمیق، فَصَلِّ



در زندگی دنیا زیور و اموال بسیار بخشیدی که با آن بندگان را از راه تو گمراه کنند؛ پروردگارا؛ اطمینش علی اموالهم واشدذ علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یرؤا اموال آنان را نابود گردان، و دل های شان را سخت گردان، که اینان ایمان نیاورند، تا هنگامی که العذاب الالیم» (۱۷)، فَمَنْنَتْ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا إِلَى أَنْ عَذَابِ دَرْدَنَكَ تُو رَا مَشَاهِدَه كَنَنْدَه پَس بَر آَنَان بَا اِجَابَت دَعَايَشَان مَنَّت كَذَارَدَه وَ نَعْمَت دَادِي؛ تَا اَيْن كَه فَرَعَتْ سَيَمَعَهُمَا يَأْتِرِكَ ، فَقُلْتُ اللَّهُمَّ رَبِّ «فَدُ أُجِيْبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَرَمَانَت رَا بَه كُوش آَنَان رَسَانَدِي، پَس كَفْتِي : - اِي خَدَا وَ اِي پَرُورْد كَار مَن؛ - «دَعَاي شَمَا رَا مَسْتَجَاب كَرْدَم؛ فَاسْتَقِيْمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيْلَ الَّذِيْنَ لَا يَغْلُمُوْنَ» (۱۸) . اَنْ تُصَلِّمِي عَلٰی پَس هَر دُو اسْتَقَامَت بُوْرزِيْد ، وَ بِيْرُوِي اَز رَاه مَرْدَم جَاهِل نَكْنِيْد . ) مِي خَوَاهَم ( كَه بَر مُحَمَّدٍ وَ اِل مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ تَطْمِسَ عَلٰی اُمِّيُوَالِ هُوْلَايَةِ الظُّلْمِيهِ ، وَ اَنْ مُحَمَّدٌ وَ آل مُحَمَّدٌ دَرُود فَرَسْتِي ، وَ اَمُوَالِ اَيْن سَتَم كَرَان رَا مَحُو وَ نَابُود كُنِي ، وَ بَر ۱ وَ ۲ . سُوْرَه يُوْنِس ، آيَه ۸۸ وَ ۸۹ .

تَشَدَّدَ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ ، وَ اَنْ تَخْبِيْفَ بِهِمْ بَرِّكَ ، وَ اَنْ تُعْرِفَهُمْ فِي قُلُوْبِ شَان سَخْت كَرْدَانِي ، وَ آَنَان رَا بَه بِيَابَان خُود فَرُو بَرِي ، وَ دَر دَرِيَايِ خُودَتِ آَنَان رَا غَرَقَ بِخِرْكَ ، فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيْهِمَا لَكَ ، وَ أَرِ الْخَلْقَ كُنِي ؛ هَمَانَا آسْمَان هَا وَ زَمِيْن وَ اَنْجَه دَر اَنَهَاسْت دَر اَخْتِيَار تُوْسْت ، قُدْرَتَكَ فِيْهِمْ ، وَ بَطْشَتَكَ عَلَيْهِمْ ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ ، وَ عَجِّلْ لَهُمْ وَ قَدْرَتِ خُود رَا دَر مُورِدِ آَنَان ، وَ سَخْت كِيْرِيْت رَا بَر اِيْشَان

به مردم نشان بده؛ این کار را درباره آنان انجام ده و برای آنان در ذلک، یا خَیْرَ مَنْ سِئِلَ، وَخَیْرَ مَنْ دُعِيَ، وَخَیْرَ مَنْ تَدَلَّلَتْ لَهُ این کار شتاب کن؛ ای بهترین کسی که از او درخواست شده؛ و بهترین کسی که خواننده شده؛ و بهترین کسی که برای او اَلْوَجُوهُ، وَرُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي، وَدُعِيَ بِاللُّسْنِ، وَشَخَّصَتْ إِلَيْهِ چهره ها به خاک مَدَلَّتْ افتاده؛ و دست ها به سوی او بالا رفته؛ و با زبان ها خواننده شده؛ و نگاه ها به سوی الْأَبْصَارِ، وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ، وَثِقَلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ، وَتُحَوِّكُم إِلَيْهِ او دوخته شده؛ و قلب ها به سوی او روی آورده؛ و قدم ها به سوی او برداشته شده؛ و داوری فی الْأَعْمَالِ . إلهی وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَائِهَا، وَكُلُّ در کارها به سوی او برده شده است . خدای من؛ من بنده ات هستم که از تو می خواهم با شکوهمندترین نام هایت؛ البتّه تمام أَسْمَائِكَ بَهِيّ، بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نام های تو باشکوه است بلکه از تو به واسطه تمام نام هایت می خواهم که بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرَكِّبَهُمْ عَلَيَّ أُمَّ رُؤْسِهِمْ فِي رُؤْسِهِمْ، وَتُزِدِّيهِمْ وَآلِ مُحَمَّدٍ درود فرستی، و اهل ستم را با مغز سرشان در حفره و گودالی که روی آن را پوشیده اند واژگون کنی ، و آنان را در فی مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ ، وَأَزْمِيهِمْ بِحَجَرِهِمْ ، وَذَكِّيهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ ، عمق حفره هایشان بیندازی ، و با سنگ شان آنان را بزنی، و آنان را بکشی با تیرهای شان ، وَأَكْبِيَهُمْ عَلَيَّ مَنَاخِرِهِمْ ، وَاحْتَفِيَهُمْ بِوَتْرِهِمْ ، وَأَزْدُدْ كَيْدَهُمْ فِي وَبَائِنِي شان بر زمین بکوبی،







کننده ای ، و بهترین خواننده شده ای ، و بهترین درخواست شده هستی و بهترین عطا کننده ای ؛ أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلِكَ ، وَلَا تُرَدُّ رَاجِعِكَ ، وَلَا تُطْرَدُ الْمَلِيحَ عَنْ نُوِّهِمَانِ كَسِي هَسْتِي كِه دَرخوآست كَننده ات رَا نَا آميد نَمي كني ، و اميدوار به خودت رَا رَد نَمي كني ، و اصرار كَننده رَا از بَابِكَ ، وَلَا تُرَدُّ دُعَاءَ سَائِلِكَ ، وَلَا تُنْمَلُ دُعَاءَ مَنْ أَمَلَكَ ، وَلَا تُتَبَرِّمُ دَرِبَارَتِ نَمي رَانِي ، و دعَاي سئوآل كَننده ات رَا رَد نَمي كني ، و از دعَاي آرزومندت ، گرفته و دل گير نَمي شوي ، بَكْثَرَهُ حَوَآئِجِهِمْ إِلَيْكَ ، وَلَا يَبْقَضُآئِهَا لَهُمْ ، فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَآئِجِ جَمِيعٍ و از زيَادِي خوَآسته هَايشان ، و به خاطر برآوردن خوَآسته هَايشان به ستوه نَمي آبي ؛ هَمَانَا برآوردن حَآجَاتِ تَمَامِ خَلْقِكَ إِلَيْكَ فِي أَشِيرِعِ لِحَظِّ مَنْ لَمَّحِ الطَّرْفِ ، وَأَخْفُ عَائِيكَ ، آفريد گانت در نزد تو سريع تر است از چشم برهم زدن ، و سبك تر وَأَهْوَنُ عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ . وَحَآجَتِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ ، و آسان تر است بر تو از بال پشه . و حَآجَتِ مَنْ آيَ آقَا و مَوْلَايَ مِنْ ، وَمُعْتَبِرِي وَرَجَائِي ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ وَتَكِيه گاه و اميد من ؛ اين است كِه مي خوام بر مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ درود فرستي ، وَتَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، فَقَدْ جَشْتِكَ ثَقِيلَ الظَّهْرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ گناهَم رَا ببخشي ؛ زيرا به درگاهت آمدم در حَالِي كِه پشتَم از بار گناهانم سنگين شده ؛ گناهان بزرگي كِه به واسطه آن هَا با تو به سَيِّئَاتِي ، وَرَكِبْتِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي ، وَلَا يُخَلِّصُنِي مِبَارِزَهُ بِرَخَاسْتَمِ ، و حقوق زيَادِي از بند گانت بر عهده من است كِه جز تو كفايتَم نَمي كند ،

و جز تو مرا مینها غمگین ، وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ ، وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ ، فَأَمِّحْ يَا سَيِّدِي از آن ها رهایی نمی دهد ، و بر آن توان ندارد ، و در اختیار کسی جز تو نیست ، پس از بین ببر ای آفای من ؛ ۱ . سوره صافات ، آیه ۷۵ .

كثْرَةُ سَيِّئَاتِي يَسِيرِ غَيْرَاتِي ، بَلْ بِسَاوَةِ قَلْبِي ، وَجُمُودِ عَيْنِي ، زِيَادِي گناهانم را با کمی اشک هایم ؛ بلکه با سنگدلی و خشکی چشمم ؛ لَا بَلْ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَأَنَا شَيْءٌ ، فَلْتَسْغِنِي نَه ، بلکه به خاطر رحمت خودت که هر موجودی را فرا گرفته است ، و من نیز یکی از آن موجودات هستم ، پس رَحْمَتُكَ ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، لَا تَمْتِنِحْنِي فِي رَحْمَتِكَ شَامِلِ مِنْ نِيْزِ هَسْت ، ای بخشنده ؛ ای مهربان ؛ ای مهربان ترین مهربانان ؛ در هذه الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمَخْنِ ، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي ، این دنیا با محنت ها و دشواری ها مرا امتحان مکن ، و کسی را که بر من رحم نمی کند بر من مسلط مکن ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِدُونِي ، وَعَجِّلْ خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهِ ، وَادْفَعْ وَبِهِ وَسِيلَهُ گناهانم هلاکم مساز ، و در رهاییم از هر ناپسند و ناخوش آیند تعجیل فرما ، عَنِّي كُلُّ ظَلَمٍ ، وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي ، وَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ جَمْعِكَ و هر ستمی را از من دور کن و پرده ام را مدر ، و در روزی که آفریدگانت را برای الْخَلَائِقِ لِلْحِسَابِ ، یا بجزیل الْعَطَاءِ وَالْثَوَابِ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ حَسَابٌ گرد می آوری مرا رسوا مکن ، ای بسیار عطا کننده و پاداش دهنده

؛ از تو می خواهم علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُحْيِيَنِي حَيَوَةَ السُّعَيْدِ آءِ ، وَتُمَيِّتَنِي بِرِ مَحْمَدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِي ، وَ مَرَا بِهٖ زَنْدَگِي سَعَادَتَمَنْدَانِ زَنْدِهٖ بَدَارِي ، وَ بِهٖ مِيَّتَهٗ السُّهْدِ آءِ ، وَ تَقْبَلْنِي قَبُولَ الْاَوْدِ آءِ ، وَ تَحْفَظْنِي فِي هَذِهِ مَرگِ شَهِيدَانِ بِمِيرَانِي ، وَ مَانَنْدِ بَدِيرِش دُوسْتِ دَارَانِ مَرَا بِبَدِيرِي ، وَ دَرِ اَيْنِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا الدُّنْيَا ، مِنْ شَرِّ سَلْطَنِيهَا وَفُجَارِهَا ، وَ شَرِّ رَاہَا وَ مُجْبِيهَا ، دُنْيَايِ بَسْتِ ، مَرَا اَزِ شَرِّ پَادشَاهَانِ دُنْيَا وَ بَدَكَارَانِ اَنِّ وَ شُرُورَانِ وَ دُوسْتِ دَارَانِ اَنِّ ، وَ الْعَامِلِيْنَ لَهَا وَ مَا فِيهَا ، وَ قِي شَرِّ طُعَاثِهَا وَ حَسَادِهَا ، وَ بَاغِي وَ عَمَلِ كَنْدِگَانِ بَرَايِ دُنْيَا وَ اَنِّ چِهٖ دَرِ اَنِّ اَسْتِ ؛ حَفْظِ كُنِي ، وَ مَرَا اَزِ شَرِّ سَرَكَشَانِ دُنْيَا وَ حَسُودَانِ اَنِّ ، وَ طَالِبِ الشُّرُوكِ فِيهَا ، حَتَّى تَكْفِيَنِي مَكْرَ الْمَكْرِهِ ، وَ تَقْفَأَ عَنِّي اَعْيُنَ شَرِكِ دَرِ اَنِّ ، نَگِهٖ دَارِي ، تَا مَرَا اَزِ مَكْرِ مَكَارَانِ كَفَايَتِ كُنِي ، وَ چِشْمِ هَايِ كَفَارِ رَا نَسْبَتِ بِهٖ مِنْ كُورِ نَمَايِي ، الْكُفْرِهِ ، وَ تَفْجَمَ عَنِّي اَلْسِيْنَ الْفَجْرِهِ ، وَ تَقْبِضَ لِي عَلٰی اُيُودِي وَ زَبَانِ بَدَكَارَانِ رَا اَزِ مَنْ كُوتَاهِ وَ لَالِ گَرْدَانِي ، وَ دَسْتِ هَايِ سَتْمِگَرَانِ رَا بَرَايِمِ بِنْدِي ، الظُّلْمَةِ ، وَ تُوَهِّنَ عَنِّي كَيْدَهُمْ ، وَ تَمِيَّتَهُمْ بِعِيْظِهِمْ ، وَ تَشْغَلَهُمْ وَ نَقْشَهُ هَا وَ مَكْرِ اِيْشَانِ رَا بَرِ مَنْ سَسْتِ وَ بِي پَايِهٖ كُنِي ، وَ اَنَانِ رَا بَا خَشْمِ دَرُونِي شَانِ بِمِيرَانِي ، وَ اَنَانِ رَا بِهٖ اَشْمَاعِهِمْ وَ اَبْصَارِهِمْ وَ اَفْتَدِيَهُمْ ، وَ تَجْعَلْنِي مِنْ ذَلِكْ كَلِّهِ فِي گُوشِ هَا وَ چِشْمِ هَا وَ دَلِ هَا اِيْشَانِ مَشْغُولِ سَاZِي ؛ وَ مَرَا اَزِ تَمَامِ اَنِّ هَا دَرِ اَمْنِيْكَ وَ اَمَانِيْكَ ، وَ حِزْزِيْكَ وَ سُلْطَانِيْكَ ، وَ حِجَابِيْكَ وَ كَتْفِيْكَ ، وَ عِيَاذِيْكَ اَمِنْ وَ اَمَانَ خُودَتِ ،

و حفظ و سلطنت ، و پوشش و حمایت ، و پناه و جَارِكْ ، وَ مِنْ جَارِ الشُّوْرِ وَ جَلِيْسِ الشُّوْرِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ و جوارت قرار دهی ؛ و از همسایه بد و همنشین بد نیز در امان داری ؛ همانا تو بر هر چیزی قَدِيْرٌ ، «إِنَّ وَبِئْسَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (۲۰). توانایی ؛ «همانا سرپرست من خدایی است که کتاب را فرستاد و او سرپرست صالحان است». اَللّٰهُمَّ بِكَ اَعُوْذُ ، وَبِكَ اَلُوْذُ ، وَ لَكَ اَعُوْبُ ، وَ اِيَّاكَ اَرْجُو ، وَبِكَ خدای من ؛ به تو پناه آورده ام و به تو پناهنده ام و برای تو عبادت می کنم و فقط امیدوار به لطف تو هستم و از تو اَسْتِيْعِيْنُ ، وَبِكَ اَسْتِيْتَكْفِيْ ، وَبِكَ اَسْتَشْفِقُ ، وَبِكَ كَمَكٌ می جویم و از تو درخواست کفایت می کنم و از تو دادخواهی می نمایم و به وسیله تو رهایی می طلبم ؛ و از تو اَسْتَسْئَلُ ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ لَا تُرَدَّنِيْ اِلَّا بِذَنْبٍ می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و مرا باز مگردانی مگر با گناه مَغْفُوْرٍ ، وَ سَيِّئٍ مَشْكُوْرٍ ، وَ تَجَارِهَ لَنْ تَبُوْرَ ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ بِخَشُوْدَةٍ مَعْدُوْرٍ ، وَ تَجَارِهَ لَنْ تَبُوْرَ ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ بِخَشُوْدَةٍ مَعْدُوْرٍ ، وَ تَجَارِهَ لَنْ تَبُوْرَ ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ بِخَشُوْدَةٍ مَعْدُوْرٍ .

من آن چه تو اَهْلُهُ ، وَ لَا تَفْعَلْ بِيْ مَا اَنَا اَهْلُهُ ، فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰی وَ اَهْلُ الْمَغْفُوْرَةِ ، اهلش هستی انجام دهی ، و با من آنچه اهلش هستم انجام مدهی که همانا تو اهل تقوا و اهل آمرزش و اَهْلُ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ .

إِلٰهِيْ وَ قَدْ اَطَّلْتُ دُعَاتِيْ ، وَ اُكْتَزْتُ و اهل فضل و رحمت هستی ، خدای من ؛

خطابی ، وَضِيقُ صَدْرِي خَدَانِي عَلَى ذَلِكَ كَلِّهِ ، وَحَمَلَتِي عَلَيْهِ ، خطابم را زیاد کردم، که تنگی و فشار سینه ام بر تمام این ها مرا کشاند، و مرا بر آن ها وادار کرد ، عَلِمَا مِنِّي بِأَنَّهُ يُجْزِيكَ مِنْهُ فَدَرُّ الْمَلْحِ فِي الْعَجِينِ ، بَلْ يَكْفِيكَ بِأَيْنِ كَمَا مِي دَانِمِ از تمام این ها فقط به اندازه نمک خمیر ، تو را کفایت می کند؛ بلکه عَزْمُ إِرَادِهِ وَأَنَّ يَقُولَ الْعَبِيدُ بَيْنَهُ صَادِقَهُ وَلسانِ صَادِقٍ يَا رَبِّ ، قصد خواستن و این که بنده با نیت راست و زبان صادق بگوید : ای پروردگار من؛ کافی است فَتَكُونَ عِنْدَ ظَنِّ عِبْدِكَ بِكَ ، وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي ، که تو در نزد گمان بنده ات به تو حضور داری . به راستی که قلبم به قصد خواستن با تو مناجات کرد؛ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُقَرِّنَ دُعَائِي بِسِمْوَهِكَ مِنْ تَوْحِيدِكَ ، وَأَنْ تُبَلِّغَنِي مَا أَسْأَلُكَ فِيكَ ، مِنْهُ مِنْكَ وَطَوْلًا ، وَقُوَّةَ اجَابَتِ خُودِ سَازِي ، و مرا به آرزوهایی که نسبت به تو دارم از جهت لطف و احسانی که به من داری و قدرت و توانی که در وَحَوْلًا ، لِأَتَقَبَّلُ مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِقَضَاءِ جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ ، تو هست برسانی ، از جایم برمیخیزان مگر به برآوردن تمام آنچه از تو خواستم؛ فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ ، وَخَطَرُهُ عِنْدِي جَلِيلٌ كَثِيرٌ ، وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ ، همانا این کار بر تو

آسان است و قدر و ارزش آن در نزد من شکوهمند و زیاد است؛ و در حالی که تو بر این کار توانایی یا سَمِيعٌ یا بَصِيرٌ . اِلٰهِي وَهَذَا مَقَامُ الْعَاثِمِ بِكَ مِنَ النَّارِ ، اِي شَنَاوَا؛ اِي بِنَا ؛ خدای من؛ این جایگاه پناهنده به تو از آتش وَالْهَارِبِ مِنْكَ اِلَيْكَ ، مِنْ ذُنُوبٍ تَهَجَّمْتُهُ ، وَغُيُوبٍ فَصَّخْتُهٗ ، و گریزنده از (غضب) تو به (رحمت) تو است؛ از گناہانی که بر او هجوم آورده، و عیوبی که او را رسوا کردند؛ فَصِيْلٌ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَنْظُرْ اِلَيَّ نَظْرَةَ رَحِيْمَةٍ اَفُوْرُ بِسِ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و بر من نظر کن نظری از روی لطف و رحمت که بپا اِلی جَنَّتِكَ ، وَاَعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً اَنْجُوْ بِهَا مِنْ عِقَابِكَ ، فَاِنَّ به وسیله آن به سوی بهشت تو کامیاب گردم؛ و به من مهربانی کن، نوعی مهربانی که با آن از کیفر تو نجات یابم، همانا الْجَنَّةَ وَالنَّارَ لَكَ وَبِيَدِكَ ، وَمَفَاتِيْحُهُمَا وَمَعَالِيْقُهُمَا اِلَيْكَ ، وَاَنْتَ بهشت و آتش از آن تو و به دست توست و کلیدها و قفل های شان به سوی توست ، و تو عَلٰی ذٰلِكَ قَادِرٌ ، وَهُوَ عَلَیْكَ هَيِّنٌ يَسِيْرٌ ، فَاَفْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ بِرِ اِن تَوَانِي ، و آن امر بر تو سهل و آسان است ، پس آنچه از تو خواستم برای من انجام بده؛ یا قَدِيْرٌ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ ، وَحَشْبُنَا اللّٰهُ اِي تَوَانَا ؛ و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به توان خداوند بلندمرتبه بزرگ ؛ و خدا ما را کافی

است ، وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ وَخوب پشتیبانی است ؛ خوب سرور، و خوب یاری کننده ای است . و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که الْعَالَمِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ . (۲۱) پروردگار جهان است. و خداوند بر سرورمان محمد و آل پاکش درود فرستد . علی بن حماد می گوید : این دعا را از ابو الحسن علی علوی عریضی گرفتم و او با من شرط کرد که آن را به مخالف ندهم و به هیچ کس ندهم مگر آن که مذهبش را بدانم ، و بدانم که او از دوست داران آل محمد علیهم السلام است؛ این دعا پیش من و برادران دینی ام (شیعیان) بود تا آن که یک قاضی اهوازی که مخالف مذهب بود در بصره نزد من آمد . او در گذشته به من احسان کرده بود و در شهرش به او احتیاج پیدا کرده بودم و در خانه اش بودم . شاه او را گرفته و بیست هزار درهم از او خواسته بود .

دلم به حالت سوخت، بر او رحم نموده و این دعا را به او دادم. او دعا را خواند، هنوز یک هفته تمام نشده بود که شاه او را بخشید و بیست هزار درهم را از او نخواست و با احترام، او را به شهرش باز گردانید و من او را تا «ابله» مشایعت نمودم و به بصره بازگشتم.

بعد از چند روزی دعا را نیاز داشتم اما نیافتم، و تمام کتاب هایم را جستجو نمودم ولی هیچ اثری از آن ندیدم . پس ، دعا را از ابو



مختار حسینی خواستم که او نیز نسخه ای از دعا داشت اما در کتاب های او نیز نیافتیم ؛ تا بیست سال دنبال دعا می گشتیم اما نمی یافتیم ؛ فهمیدم که این مجازاتی است از طرف خداوند عزّ و جلّ ؛ چون دعا را به مخالف مذهب داده بودم ؛

۱ . مهج الدعوات : ۳۳۶ .

بیست سال که گذشت ، دعا را در کتاب های خود یافتیم در حالی که بارها به دنبال دعا گشته بودیم ؛ لذا ، با خود عهد کردم جز به کسی که اطمینان به دینش داشته باشم - که از معتقدان به ولایت آل رسول علیهم السلام است - دعا را ندهم بعد از این که از او هم عهد بگیرم که این دعا را جز به کسی که لایق آن است ندهد و از خدا کمک می جوییم و بر او توکل می کنیم . (۲۲)

در کتاب «جواهر المنثور» سید عبدالحسب علوی ، جملاتی بیش از آنچه در «مهج الدعوات» است وارد شده که چنین است :

وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ، وَأَفْضَلِ الْأَصْفِيَاءِ، خدای من ؛ بر سرور انبیا و بهترین اولیا و برترین برگزیدگان و اَعْلَى الْأَزْكَيَاءِ ، وَأَكْمَلِ الْأَنْبِيَاءِ ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ، و والاترین پاکان و کامل ترین پرهیزکاران که او را به حقیقت بشارت دهنده و ترساننده فرستاده ؛ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ ، وَسِرَاجًا مُنِيرًا ، مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ إِلِهِ وَ دَعْوَتِ كُنْنِدَه بَه سَوَى خدَا بَه اذْنِ خدَا ، و چراغ روشنگر ، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم برگزیده و آل او مَفَاتِيحِ أَسْرَارِ الْعُلَى ، وَمَصَابِيحِ أَنْوَارِ التَّقَى . وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ - که کلیدهای اسرار



وسلم پیامبرت و خاندان و سِلالَتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، صَلِّ عَلَيْهِمْ ، وَارْتَقِنِي شَرَّ هَذَا وَدِدْمَانَش - که بر او و آنان درود باد - بر آنان درود فرست، و مرا از شر این الیوم وَصَدْرَهُ ، وَارْتَقِنِي خَيْرَهُ وَيُغْنَهُ ، وَأَقْضِ لِي فِي مُتَصَرِّفَاتِي رَوْز وَ سَخْتِي آن کفایت کن، و خیر و خوبی آن را روزیم گردان، و در تمام تصرفات من و کارهایی که انجام می دهم بِحَشَنِ الْعَافِيَةِ ، وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ ، وَالظَّفَرِ بِالْأَمْنِيَّةِ ، وَكِفَايَةِ عَافِيَةِ نِيكُو مَرَحْمَتِ فَرْمَا وَ مَحَبَّتِ وَ دَسْتِ يَابِي بَه آرزو و کفایت الطَّاعِيَةِ الْمُغْوِيَةِ ، وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى أَدِيَّتِهِ ، حَتَّى أَكُونَ فِي أَسْرِكَشَانِ فَرِيْبِ دَهْنَدَه، وَ هِرِ صَاحِبِ قَدْرَتِي كَه قَصْدِ اذْيَتِ وَ آزارِ مَرَا دَارِد ؛ مَرَحْمَتِ كِن تَا دَرِ جُنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنِقْمَةٍ ، وَأَبْدَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُخَافِ حَفْظِ وَ پُوشِشِ وَ پَنَاهِ بَاشِم ، اَزِ هِرِ بِلَا وَ عَنَابِي ، وَ دَرِ كَارِهَائِمِ ، هِرِ چِيزِ تَرَسَنَاكِي رَا اَمْنَا ، وَمِنْ الْعَوَاقِبِ فِيهِ بُشْرًا ، حَتَّى لَا يَضُدَّنِي صَادُّ عَنِ الْمُرَادِ ، بَه اَمِنِ وَ اَمْنِيَّتِ مَبْدَلِ كِن ، وَ مَوَانِعِ رَا اَسَانَ گَرْدَانِ تَا هِيچِ بَا زِدَارِنْدَه اِي مَرَا اَزِ اَنِ چِه تَصْمِيْمِ گَرَفْتِه اَم بَا زِ نَدَارِد ، وَ لَا يَجِلُّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَدَى الْبِلَادِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَ هِيچِ پِيشِ اَمَدِ نَاگُوَارِي اَزِ اذْيَتِ وَ آزارِ شَهْرَهَا بَرِ مَنِ وَارِدِ نَشُود ؛ هِمَانَا تُو بَرِ هِرِ چِيزِي تُوَانَايِي وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، وَهُوَ السَّمِيعُ وَ هَمِه كَارِهَا وَ اُمُورِ مَخْلُوقَاتِ بَه سُوِيِ تُو بَا زِ مِي گَرْدَد . اِي كَسِي كَه چِيزِي

همانند او نیست ، و او شنوای البصیر ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (۲۳)

بیناست، و حمد و ستایش شایسته خداوند است که پروردگار جهانیان است .

### روز جمعه ؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است

ابو سلیمان بن اُورمه می گوید : در روزگار متوکل به سائرا رفته و بر سعید حاجب (دربان) وارد شدم ، و متوکل ابا الحسن علیه السلام را به او سپرده بود تا آن حضرت را به قتل برساند . چون بر او داخل شدم ، گفت : آیا دوست داری به سوی خدایت نظر کنی ؟

گفتم : پاک و منزّه است خدا ؛ خدای من را چشم ها درک نمی کنند و دیدگان از دیدنش عاجزند .

گفت : همان که گمان می کنید او امام شما است . گفتم : از این دیدن بدم نمی آید .

گفت : دستور قتل او را داده ام و فردا او را می کشم ؛ و در نزد او اکنون پیام رسانی است چون خارج شد نزد او برو . کمی که گذشت و آن پیام رسان از نزد امام علیه السلام خارج شد رفت ، سعید حاجب به من گفت : نزد او (امام علیه السلام) برو .

داخل خانه ای که امام در آن زندانی بود شدم ، آن حضرت را دیدم که در کنار قبر حفر شده ای هستند ؛ داخل شدم و سلام کردم و به شدت گریستم .

حضرت فرمود :

چرا گریه می کنی ؟

گفتم : به خاطر آن چه می بینم .

فرمود : به خاطر آن گریه مکن ؛ زیرا این کار به دست آنان انجام نمی گیرد .

با فرمایش آن حضرت ، اندوهم تسکین یافت . و بعد فرمود :

او بیش از دو روز زنده نمی ماند تا این که خدا ،

خون او و دوستش را که دیدی بریزد.

### فضیلت دعای ندبه

سلیمان می گوید: به خدا سوگند، دو روز نگذشت که کشته شد.

به ابو الحسن علیه السلام گفتم: این حدیث پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم است:

لا تعادوا الأيام فتعاديكم.

با روزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی می کنند.

حضرت فرمودند:

آری؛ ولی این گفتار رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم تأویلی دارد:

شنبه: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است.

یکشنبه: امیر المؤمنین علی علیه السلام است.

دوشنبه: امام حسن و امام حسین علیهما السلام است.

سه شنبه: علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام است.

چهارشنبه: موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علیهم السلام و من (علی بن محمد) هستیم.

پنجشنبه: فرزندان حسن علیه السلام است.

جمعه: قائم (قیام کننده) ما اهل بیت است. (۲۴)

فضیلت دعای ندبه

صدر الإسلام همدانی اعلی الله مقامه در کتاب «تکالیف الأنام» می گوید: از خواص دعای ندبه این است که هر گاه در جایی با حضور قلب و اخلاص تمام و توجه به مضامین عالی آن خوانده شود عنایت و توجه امام زمان ارواحنا فداه را به آن مکان جلب می کند بلکه باعث حضور حضرت علیه السلام در آنجا می گردد؛ چنان که در بعضی جاها اتفاق افتاده است. (۲۵)

آیه الله شیخ علی اکبر نهبانندی رحمه الله در کتاب «العبرى الحسن» می گوید: در نوشته های حجت الإسلام حاج شیخ مهدی - که از کتاب سید جواد نقل کرده بود و او یکی از امام جماعت های مورد اطمینان در اصفهان

و دارای مقامات عالی معنوی بود «و آسمان بر راستگوتر از او سایه نیفکنده بود» - دیدم که چنین نگاشته بود :

روستای «صالح آباد» متعلق به من و چند شریکم بود . عدّه ای تصمیم گرفتند روستا را از ما به زور بگیرند و گروهی را به سوی ما فرستادند و هر چه صحبت کردیم سودی نداشت . عریضه ای برای امام ارواحنا فداه نوشتم و آن را در جوی آبی رها کردم و به «تخت فولاد» رفتم و دعای ندبه را با تضرّع و گریه خواندم و چند بار تکرار کردم «هل إلیک یا بن أحمد سبیل فتلقى؟» ؛ «ای فرزند احمد ؛ آیا به سوی تو راهی هست که ملاقات شوی؟» ، یک دفعه صدای پای آسی را شنیدم و عرب اسب سواری را دیدم که به من نظری کرد و از دیده ام پنهان شد و قلبم با آن مشاهده آرام گرفت و راحت شد و اطمینان پیدا کردم که کارم درست می شود . شب بعد کارم به بهترین شکل درست شد ؛ من ، آن حضرت صلوات الله علیه را بارها در خواب دیده ام و او به همین اوصاف بوده است.(۲۶)

سید رضا - که از علمای مورد اطمینان و اعتماد اصفهان است - می گوید : به خاطر قرض و فقر فراوان ، به اموات متوسل شدم و از خداوند برای دویست نفر از آنان طلب مغفرت نمودم و آن ها را با اسم خاطرنشان ساختم ؛ سپس به امام زمان صلوات الله علیه متوسل شدم و بعضی از عبارت های دعای ندبه مثل «هل إلیک یا بن أحمد سبیل فتلقى؟» را خواندم ؛ هنگام خواندن آن ، نور

خاصی حجره ام را روشن کرد که روشن تر از نور خورشید بود و در همان روز برایم گشایش کاملی حاصل شد. (۲۷)

محدث نوری رحمه الله می گوید: آغا محمد که شخصی مورد اطمینان و عادل و امین و مجاور حرم عسکرین علیهما السلام است؛ از زبان مادرش - که از زنان صالحه و اهل عبادت بود - برایم چنین نقل کرد: روزی به همراه خانواده مولا سلماسی در سرداب شریف بودم و آقا رحمه الله دعای ندبه می خواند و ما نیز به دنبال او می خواندیم. او همچون فرد آشفته و حیران و محزون گریه می کرد و مانند گرفتاران ضججه می زد و ما نیز با گریه او گریه می کردیم و کسی غیر از ما آن جا نبود.

دعای ندبه

در همین حال بودیم که بوی مشک در سرداب منتشر شد و فضا و هوای سرداب را معطر کرد و چنان شدید شد که آن حالت از همه ما رفت و سکوت کردیم. «گویا بر سر ما پرنده ای است» و نمی توانیم حرکت کنیم، یا حرفی بزنیم. حیران و متحیر ماندیم تا این که زمان اندکی گذشت و آن بوی خوش رفت و به حال اول برگشتیم و به باقی مانده دعا مشغول شدیم. وقتی به خانه بازگشتیم از آقا رحمه الله علت آن بوی خوش را پرسیدم، امتناع ورزید و گفت: تو را چه به این سؤال؟ و به من جواب نداد.

برادر برگزیده ام، عالم باوفا، و چراغ راه سالکین و عبادت پیشه گان آقا علی رضا اصفهانی رحمه الله چنین به من گفت: از همین آقای بزرگوار روزی درباره دیدارش

با حضرت حجت عجل الله تعالى فرجه سؤال کردم - و اعتقاد داشتم که او هم مانند استادش سید بحر العلوم خدمت امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شده است - ایشان همین جریان را حرف به حرف برایم تعریف کرد والحمد لله أولاً و آخراً. (۲۸)

### دعای ندبه

علّامه مجلسی رحمه الله در کتاب «زاد المعاد» با سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت می کند: خواندن دعای ندبه در اعیاد چهارگانه یعنی روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر مستحب است. (۲۹)

علّامه مجلسی رحمه الله در «مزار بحار» از سید بن طاووس رحمه الله از بعضی از اصحاب امامیه نقل نموده است: محمّد بن علی بن ابی قرّه گفت: من دعای ندبه را از کتاب «محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری» نقل کرده ام و افزوده است که: آن، دعای امام زمان صلوات الله علیه است که خواندنش در اعیاد چهارگانه مستحب است.

و نیز، این دعا را عالم بزرگوار محدث نوری رحمه الله در «تحیّه الزائر» از «مصباح الزائر» سید بن طاووس رحمه الله و «مزار» محمّد بن مشهدی با همان سند روایت نموده است. و همچنین از کتاب «مزار قدیم» هم نقل کرده و اضافه نموده است که خواندن آن در شب جمعه مستحب است همان گونه که در اعیاد اربعه استحباب دارد. (۳۰) و دعا این است:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَّبِيِّهِ حَمْدًا وَسُبْحَانَكَ يَا اَرْحَمَ الرَّحِمِيْنَ . اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَرَحْمَةِ رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةِ اٰلِهِ وَرَحْمَةِ اَنْبِيَآئِكَ اَنْ تَجْعَلَ لِيْ رِزْقًا حَلٰلًا يَكْفِيْ لِيْ وَرِزْقًا حَلٰلًا يَكْفِيْ لِعِيَالِيْ . اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَرَحْمَةِ رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةِ اٰلِهِ وَرَحْمَةِ اَنْبِيَآئِكَ اَنْ تَجْعَلَ لِيْ رِزْقًا حَلٰلًا يَكْفِيْ لِيْ وَرِزْقًا حَلٰلًا يَكْفِيْ لِعِيَالِيْ .



الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ وَبِرَّ آلِ أَوْسَلَامٍ وَتَحِيَّتِي كَامِلٍ . بَارِ بِرُورِدِ گَارَا ؛ سِبَاسِ از آن توست در مورد آن چه که از قضا و قَدَرْتِ فِي أَوْلِيَائِكَ ، الَّذِينَ اسْتَحْلَصَتْهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ ، إِذِ اخْتَرْتِ در مورد دوستانت، جاری گشت؛ آن هایی که وجودشان را برای حضرتت و برای دینت خالص گردانیدی ؛ زیرا که برگزیدی لَهُمْ جَزِيلٌ مَا عِنْدَكَ ، مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا بَرَى آن ها چیزهای باارزشی که نزد تو است ؛ از نعمت های پایدار که نابودی و زوال برای آن ها اَصْمِحْلَالَ ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا نِيسْت . الْبَيْتَ پس از آن که زهد ورزیدن و بی رغبتی را در مورد این دنیای الدُّنْيَا ، وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرَجِهَا ، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ بَسْتِ وَزُرْ وَزِيورِ آن با آن ها شرط نمودی ؛ آنان نیز متعهد شدند و تو نیز الوَفَاءَ بِهِ . فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ ، وَالنَّشَاءَ وَفَادَارِي ايشان را دانستی . پس آنان را قبول کردی و به درگاه خویش نزدیک شان ساختی و نامی بلند و ستایشی الْجَلِيلِي ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِم مَلَائِكَتَكَ ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَجْهِكَ ، وَرَفَدْتَهُمْ ارجمند به آنها دادی . و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی و آن ها را با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود بهره مند ساختی بِعَلْمِكَ ، وَجَعَلْتَهُمُ الدَّرِيْعَةَ إِلَيْكَ ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ . و آنان را وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه ای برای جلب رضایت و خشنودیت قرار دادی . فَبَعْضُ أَشْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ ، إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا ، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي پس

بعضی از آن‌ها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی که او را از آن بیرون آوردی، و برخی دیگر را در فُلُکِکَ وَنَجِیَّتَهُ وَمَنْ اَمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلْکَةِ بِرَحْمَتِکَ ، وَبَعْضُ نِ کَشْتِی ات سوار نمودی و با رحمت خود او و مؤمنین همراهش را از هلاکت‌های بخت‌سیدی . اَتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِکَ خَلِیلاً ، وَسَأَلْکَ لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْاٰخِرِیْنَ و بعضی دیگر را برای خودت دوست قرار دادی و هنگامی که از تو لسان صدق و خوش‌نامی بین دیگران را درخواست کرد ، فَأَجَبْتَهُ ، وَجَعَلْتَ ذَلِکَ عَلِیّاً ، وَبَعْضُ کَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرِهِ نَکْلِیماً ، اجابتش نمودی و او را بلند آوازه قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم کلام شدی وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اَخِیهِ رِذْءاً وَوَزِیْراً ، وَبَعْضُ اَوْلَادَتِهِ مِنْ غَیْرِ و برادرش را وزیر و یاورش قرار دادی . و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی اَبِ وَاْتِیْتَهُ الْبِیِّنَاتِ ، وَاْتِیْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ . وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ و به او معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی و با روح القدس تأییدش کردی . و برای هر کدام (از پیامبران) شریعتی را عنایت شریعه، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جُا ، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ اَوْصِیَاءَ مُسْتَحْفِظاً کردی و طبقه و راه روشنی معین فرمودی و برای هر یک جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ بَعْدَ مُسْتَحْفِظِ ، مِنْ مُدَّةٍ اِلَى مُدَّةٍ ، اِقَامَهُ لِدِیْنِکَ ، وَحُجَّهً عَلٰی شَرِیْعَتِکَ ؛ در زمان‌های معین برای برپا داشتن دین تو و حجت بودن بر عبادک ، وَلِئَلَّا یُرْوَلَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ ، وَیَعْلَبَ الْبَاطِلُ عَلٰی اَهْلِهِ ، بندگان تو تا این که حق از

مدار خود زایل نگردد و باطل بر اهل آن زمان چیره نشود. وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أُرْسِلْتُ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا و تا این که کسی نگوید: (خدایا!) اگر به سوی ما رسولی می فرستادی تا ما را بیم دهد هادیاً، فَتَسْبِحَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَى. إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ و برای ما رهبری هدایت کننده می گماشتی ما پیش از خذلان و رسوایی مان، از آیاتت پیروی می کردیم. تا این که بِالْأَمْرِ إِلَى خَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ أَمْرَ رِسَالَتِ بِه حَبِيبِ و رسول برگزیده ات، مُحَمَّد - که درود خدا بر او و آل او باد - منتهی گردید؛ پس او كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ اضْيَاطَفَتِهِ، وَأَفْضَلِ مَنْ هَمَجَنان که او را انتخاب کردی، سرورِ بندگانت و زبده زبده گانت و برتر از همه برگزیدگانت اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَاءِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَيَّ و گرامی تر از همه معتمدان تو بود. او را بر تمام پیامبران مقدم داشتی و بر الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَيَّرْتَهُ لَهْ جَنِّ و انس از بندگانت مبعوثش نمودی و شرق و غرب را زیر پای او و فرمان او قرار دادی و الْبُرَاقَ، وَعَزَّجْتَهُ بِه (۳۱) إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا بُرِيقَ رَا بَرَايش مَسْخَرُ کردی و او را به آسمانت بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد بَكُونُ، إِلَيَّ انْقِضَاءَ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَخَفَّفْتَهُ بِجَزَائِلِ بود را تا سرانجام خلقت، به او سپردی. سپس با ترسی که از او

بر دل دشمنانش انداختی، یاریش کردی و گرداگرد او را به جبرئیل، ومیکائیل و المسمومین من ملائکیتک، و وَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ مِکائیل و فرشتگان دیگر - که هر یک دارای علامت و اسمی هستند - احاطه نمودی و بدو وعده پیروزی دینش را عَلَى الدین کُلِّهِ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَذَلِكَ نَعْدُ أَنْ بَوَّأْتَهُ مِثْرًا بر تمامی ادیان دادی؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید. و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلَتْ لَهُ وَلَهُمْ «أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ صدقی از خاندانش جای دادی و برای او و آنان «أَوَّلِينَ خانه ای را که برای عبادت (مردم قرار داده شد، الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ مَبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ» فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامٌ که در مکه است بابرکت قرار دادی و باعث هدایت جهانیان گرداندی، و نیز در آن است نشانه های آشکار مانند مقام اِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا «(۳۲)، وَقُلْتُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ اِبْرَاهِيمَ و هر که داخل آن خانه شد، در امان خواهد بود». و گفتی: «خداوند اراده فرموده که ۱. در «مکیال المکارم» آورده است که «عرجت به» موافق نسخه ای است که آن را عالم ربّانی حاج میرزا حسین نوری رحمه الله در کتاب «تحفه الزائر» از کتاب «مزار قدیم» و «مزار» شیخ محمد بن المشهدی و «مصباح الزائر» سید بن طاووس رحمه الله نقل فرموده است و همه آن ها برگرفته شده از کتاب «محمد بن علی بن ابی قره» است. ولی در «زاد المعاد» «عرجت بروحه» ذکر شده است و ظاهراً بر اثر اشتباهی است

که در کتاب مصباح واقع شده و مجلسی هم از آن نقل نموده است و این مشهور گشته و سبب شبهه برخی کوتاه نظران و دشمنان گشته است؛ با این که معراج جسمانی از ضروریات مذهب و بلکه دین می باشد و روایات ائمه علیهم السلام در آن متواتر و قرآن به آن گویا است .

تذکر ارزشمند : هنگام تأمل در این عبارت ، ملهم شدم که خود دعا ، شهادت می دهد و دلالت دارد که صحیح همان است که ذکر نمودیم (عرجت به ) ، و در عبارت «زاد المعاد» تصحیفی واقع شده که چه بسا کار اهل عناد باشد و وجه دلالتش بدین گونه است : این که کلمه «سَخَّرَتْ لَهُ الْبَرَقَ» مقترن به «عرجت به» شده است ، با توجه کامل برای خردمندان آشکار می گردد که همان صحیح است که گفتیم . چرا که عروج روح هیچ احتیاجی به براق ندارد و این بر هر که قلبی سلیم و عاری از شرک و نفاق داشته باشد ، واضح است .

اگر گفته شود : «عبارت در مقام شمارش فضایل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است و عطف با «واو» اقتضا ندارد که به طور قطع ، عروج به آسمان با براق بوده باشد .» در پاسخ می گوئیم : «اگر هم بپذیریم که «بروحه» صحیح است ، این ، معراج جسمانی را نفی نمی کند؛ زیرا اثبات فضیلتی برای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم منافات با ثبوت فضیلت دیگری ندارد .» (مکیال المکارم : ۱۰۰/۲) .

۲ . سوره آل عمران ، آیه ۹۶۹۷ .

عَنْكُمْ الرَّجْسِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۳۳) . ثُمَّ جَعَلَتْ أَجْرَ هِرْ بِلِيدِي



گفت: هر آن که من مولای اویم ، پس علی مولای اللّهمّ وال منّ والاه، و عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصِرْ مَنْ نَصِرْتَهُ، وَأَخْذَلْ أَوْسْتَ؛ پروردگارا؛ دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن ، یاری نما هر که او را یاری نماید و خار گردان من خذله . وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلَيْهِ أَمْرُهُ . وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ هِرْ كِه او را مخدول نماید . و گفت : هر که را من پیامبر او هستم ، پس علی امیر و فرمانروای اوست . و فرمود : من و علی مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى ، وَأَخْلَهُ مَحَلٌّ از یک درختیم و دیگر انسان ها از درختان مختلفند . و او را قرار داد هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى در جایگاه هارون نسبت به موسی ، پس به او فرمود : تو نسبت به من ، همانند هارون برای موسی هستی ، ۱ . سوره احزاب، آیه ۲ . ۳۳ . سوره شوری ، آیه ۳ . ۲۳ . سوره سبأ ، آیه ۴ . ۴۷ . سوره فرقان، آیه ۵۷ .

إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ، وَرَوَّجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ ، وَأَخْلَ جِزْأِیْنِ كِه پس از من پیامبری نیست . و دخترش را - که سرور و بانوی زنان عالم است - به او تزویج فرمود . و حلال کرد که مِنْ مَشْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ . ثُمَّ أَوْدَعَهُ از مسجدش برای او ، آن چه برای خودش حلال بود . و همه درهای (مسجد) را نیز جز در خانه علی

بست . آن گاه علمه و حکمته فقالَ اَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا ، فَمَنْ ارَادَ عِلْمَ وَحِكْمَتِنَا رَا نَزْدًا اَوْ وِدِيْعَةً نِهَادًا وَفَرَمُوْدًا : مِنْ شَهْرِ عِلْمٍ وَ عَلِيٌّ دَرَبُ اَنْ ، پَسِ هَر كِه مِي خَوَاهِدَ بِه اَلْمَدِيْنَةُ وَالْحِكْمَةُ فَلِيَابِهَا مِنْ بَابِهَا ، ثُمَّ قَالَ اَنْتَ اَخِي وَوَصِيْتِي شَهْرُ عِلْمٍ وَحِكْمَتِ قَدَمِ نِهَادٍ ، بَايْدَ اَز دَرَوَازِ اَنْ دَاخِلَ گَرْدَد . سَبَسِ فَرَمُوْد : تُو بَرَادَرِ مِنْ ، وَصِيٍّ مِنْ وَوَارِثِي ، لِحُمُكَ مِنْ لَحْمِي ، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي ، وَسِلْمُكَ سِلْمِي ، وَوَارِثِ مِنْ هَسْتِي ، گوشتِ تُو اَز گوشتِ مِنْ اَسْتِ وَخُوْنِ تُو اَز خُوْنِ مِنْ ؛ سَازِشِ وَ اَسْتِي تُو ، سَازِشِ وَ اَسْتِي مِنْ وَخَزِيْبَتِكَ خَزِيْبِي ، وَالْاِيْمَانُ مُخَالِطُ لِحْمِكَ وَدَمِكَ ، كَمَا خَالِطُ وَجَنَگِ تُو جَنَگِ مِنْ اَسْتِ ، وَ اِيْمَانِ بَا گوشتِ وَ خُوْنِ تُو آمِيخْتِه اَسْتِ هِمَانِ گُوْنِه كِه بَا لَحْمِي وَدَمِي ، وَ اَنْتَ عَدَاؤُ عَلِيٍّ اَلْحُوْضِ خَلِيْفَتِي ، وَ اَنْتَ تَقْضِي گوشتِ وَ خُوْنِ مِنْ آمِيخْتِه اَسْتِ ؛ وَ فَرْدَايِ قِيَامَتِ ( تُو خَلِيْفِه مِنْ بَرِ حُوْضِ ) كُوْتَرِ ( هَسْتِي وَ پَسِ اَز مِنْ ، تُو هَسْتِي كِه دِيْنِي ، وَتَنْجِزُ عِدَاتِي ، وَشِيْعَتُكَ عَلِيٍّ مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ مُبِيْضَةٍ قَرِيْبِ مَرَا مِي پَرْدَازِي وَ بِه وَعْدِه هَايِ مِنْ وَفَا مِي كِنِي وَ پِيْرُوَانِ تُو بَرِ مَنِيْرِهَائِي اَز نُورِ بَا چِهْرِه هَايِ سَفِيْدِ وَ نُورَانِي وَجُوْهُهُمْ حُوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيْرَانِي . وَ لَوْلَا- اَنْتَ يَا عَلِيُّ دَرِ اطْرَافِ مِنْ دَرِ بَهْشْتِ اَنْدِ وَ اَنَانِ هِمْسَايِه مِنْ مِي بَا شِنْدِ . اِي عَلِيٌّ ؛ اِگَرِ تُو نَبُوْدِي ، لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُوْنَ بَعِيْدِي ، وَكَانَ بَعِيْدَةً هُدًى مِنْ الضَّلَالِ ، وَتُوْرًا مُؤْمِنَانِ پَسِ اَز مِنْ شَنَاخْتِه



نمی شدند؛ و به راستی که پس از پیامبر، او امت را از گمراهی به هدایت و از نابینایی به من‌العمی، و حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ، لایسْتَبِقُ بصیرت رساند و اوست رشته محکم الهی و راه مستقیم او؛ هیچ کس در خویشتاوندی و بقرابهِ فی رَجْمٍ، وَلَا بِسَابِقِهِ فی دین، وَلَا يُلْحَقُ فی مُتَقَبِهِ مِنْ نزدیکی با رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم به او نمی رسد و هیچ کس در دین بر او پیشی نگرفته است؛ و کسی نیست که در یکی از اوصاف نیکویش مناقِبِهِ یَحْدُو حَذُو الرُّسُولِ صِلَى اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَ الْهِمَا. و يُقَاتِلُ با او برابری کند؛ زیرا او گام می نهاد جای پای رسول خدا که درود خدا بر آن دو و بر اهل بیت آن دو بزرگوار باد. و پیکار علی التَّوْبِلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فی الله لَوْمَهُ لَائِمٍ، قَدْ وَتَرَ فیهِ ضَنَادِیدَ می نمود بر اساس تأویل حقایق و مقاصد قرآن؛ و در راه رضای خدا هیچ ملامتی، او را باز نمی داشت؛ به راستی که بزرگان العَرَبِ، وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ، وَنَاوَشَ دُؤْبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً عَرَبِ را ترسانید؛ و شجاعان آن ها را به خاک و خون کشید و با گرگ صفتان آن ها مقابله کرد؛ به همین جهت دل های آن ها یَدْرِئُهُ وَخَيْرِيَّةً وَحَنِينِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضْبَتَّ علی عِمَادِوتِهِ، پر از کینه شد از جنگ های بدر، خیبر، حنین و دیگر جنگ ها. پس دشمنی او را در دل پنهان کردند وَأَكْبَتَّ عَلَى مُنَايَدَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْفَاسِقِينَ وَالْمَارِقِينَ. و به اختلاف و درگیری روی آوردند تا این

که پیمان شکنان ، ستمگران و از دین بیرون رفتگان را به درک واصل کرد . وَ لَمَّا فَصَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأُولِينَ ، وقتی آجلش به سر آمد و شقی ترین آخرین (امت) که از شقی ترین اولین پیروی کرد ، آن حضرت را شهید کرد ؛ لَمْ يُمْتَلِ أَثَرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ تَعْيِدَ فَرْمَانَ رَسُولِ اللَّهِ - که درود خدا بر او و آل او باد - درباره هدایت گران امت ، یکی پس از الهادین ، وَالْأُمَّهُ مُصْتَرَّةٌ عَلَى مَقْتَبِهِ ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعِهِ رَجْمِهِ ، دیگری ، اطاعت نشد . مردم بر دشمنی با وی اصرار ورزیدند ؛ جمع شدند تا نسل او را قطع کنند وَإِقْصَاءُ وَوَلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ . فَقَتِلَ وَآوَالَادِ او را تبعید و آواره نمایند ؛ جز اندکی که در رعایت حق فرزندان رسول خدا ، وفا نمودند . پس (بر اثر ظلم و بیداد) گروهی مَمَّنْ قَتِلَ ، وَسَبِيٌّ مَمَّنْ سَبِيَ ، وَأَقْصَى مَمَّنْ أُقْصِيَ ، وَجَزَى الْقَضَاءِ كَشْتَهَ شَدْنَدَ و گروه دیگری اسیر ، جمعی دور از وطن ، و حکم قضا و قدر الهی ، بر آن ها جاری شد لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُشْنُ الْمَثُوبَةِ ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا بِهِ جِزَى که امید بهترین ثواب و پاداش از آن ، می رود . زیرا زمین از آن خداست و آن را به هر مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ، وَسَيُجَازَى رَبَّنَا إِنْ كَانَ يَكُ مِنْ بِنْدِ كَانَتْشَ كَهْ بِخَوَاهِدْ ، ارث می دهد؛ و البته پایان نیکو از آن پرهیزکاران است . و منزّه



خالی نخواهد بود . کجاست آن که برای قطع دایره الظلمه ، أَيْنَ الْمُنتَظِرِ لِإِقَامِهِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ ، أَيْنَ الْمُؤْتَجِي دِنْبَالِهِ سَتْمَكَارَانَ آمَادَه گشته است؟ کجاست آن که انتظارش را می کشند که کج روی ها و انحرافات را از بین ببرد؟ کجاست کسی که لِإِزَالِهِ الْجُورَ وَالْعِدْوَانَ، أَيْنَ الْمِدْخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، برای براندازی ظلم و بیدادگری به او امید است؟ کجاست آن ذخیره الهی برای تازه کردن واجبات و سنت های الهی؟ أَيْنَ الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمَلْعَةِ وَالشَّرِيعَةِ ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ كِجَاسْتِ آن منتخَب برای باز گرداندن کیش و آیین؟ کجاست آن که آرزو می رود بیاید الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ . أَيْنَ قَاصِمٌ و قرآن و حدودش را زنده کند؟ کجاست زنده کننده نشانه های دین و اهل آن؟ کجاست او که شَوْكِهِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمٌ أَيْبِيهِ الشُّرُوكَ وَالنَّفَاقَ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ شَوْكَتِ سَتْمَكَارَانَ را درهم می شکند؟ کجاست آن که بنیادهای شرک و نفاق را ویران می کند؟ کجاست او که الْفُسُوقِ وَالْعُصْيَانَ وَالطُّغْيَانَ ، أَيْنَ حَاصِدٌ فُرُوعِ الْعُغْيِ وَالشَّقَاقِ، فاسقان ، نافرمانان و طغیان گران را به هلاکت می کشاند؟ کجاست آن که شاخه های گمراهی و بدبختی را درو می کند؟ أَيْنَ طَامِسٌ اِنَارِ الرَّبِّيعِ وَالْأَهْوَاءِ . أَيْنَ قَاطِعٌ حَبَائِلِ الْكِبَادِبِ كِجَاسْتِ آن که آثار انحراف و هواپرستی را محو می نماید؟ کجاست آن که رشته های دروغ و الْإِفْتِرَاءِ ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعِتَاهِ وَالْمَرَدَةِ ، أَيْنَ مُشْتَاتِصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ و افترا را قطع می کند؟ کجاست نابود کننده سرکشان و تمرد کنندگان؟ کجاست آن که ریشه معاندان ، وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ ، أَيْنَ مُعْرِئُ الْأَوْلِيَاءِ وَمُدْلُّ الْأَعْدَاءِ ، أَيْنَ كِمْرَاهَانَ و

کافران را بترکند؟ کجاست آن که دوستان را عزیز نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟ کجاست او که جامع الکلیمه علی التَّقوی، اَیْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، اَیْنَ اِتِّحَادِ كَلِمَةٍ بِرِاساسِ تَقْوَا و پرهیزکاری فراهم آورد؟ کجاست درب ورودی به درگاه الهی که از آن در وارد شوند؟ کجاست وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، اَیْنَ السَّبَبُ الْمُنْصِلُ بَيْنَ اَنْ (چهره و) آئینه تمام نمای خداوند که دوستان به سوی او توجه نمایند؟ کجاست آن که وسیله پیوند بین الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، اَیْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِئِ رَايَةِ الْهُدَى، زمین و آسمان است؟ کجاست صاحب روز ظفر و برافرازنده پرچم هدایت؟ اَیْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، اَیْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ کجاست گردآورنده پراکندگی های درست کاری و مصلحت و خشنودی؟ کجاست آن که برای خون پیامبران و اَئِمَّةِ الْأَنْبِيَاءِ، اَیْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ اَیْنَ الْمُنْصُورِ و فرزندان آن ها خونخواهی می کند؟ کجاست آن که به دنبال انتقام خون شهید کربلا است؟ کجاست آن که علی مَنِ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَأَفْتَرَى، اَیْنَ الْمَضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا بَرَّ ظَالِمٌ تجاوزگر دروغگو، پیروزمند است؟ کجاست آن آقای گرفتاری که اگر دَعَا، اَیْنَ صِدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، اَیْنَ ابْنُ النَّبِيِّ دَعَا كُنْدِ اجَابَتِ مِی شُود؟ کجاست آن صدرنشین عالم و صاحب تقوا و نیکو کاری؟ کجاست آن فرزند پیامبر الْمُضِيَّ طَفَى وَاِبْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَاِبْنُ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ وَاِبْنُ فَاطِمَةَ مِصْطَفَى و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه آن صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه الْكُبْرَى . بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءَ

وَالْحَمِي ، يَابْنَ كَبْرِي ؟ پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلا گردان و سپر و حامی تو باشد ای فرزند السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، يَابْنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ ، يَابْنَ الْهُدَاةِ الْمُهَيِّدِينَ ، سروران مقرب ؛ ای فرزند انسان های اصل و نجیب و بزرگوار ؛ ای فرزند هدایت گران هدایت شده ؛ يَابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَدَّبِينَ ، يَابْنَ الْعَطَارَةِ الْأَنْجَبِينَ ، يَابْنَ الْأَطَائِبِ ای فرزند برگزیدگان مهذب (خودساخته) ؛ ای فرزند سروران شرافتمند ؛ ای فرزند نیکوترین الْمُطَهَّرِينَ ، يَابْنَ الْخَضَارِمِ الْمُتَجَبِّينَ ، يَابْنَ الْقَمَاقِمِ الْأَكْرَمِينَ . پاکان ؛ ای فرزند آقایان بسیار بخشنده ، همانند دریاهاى پرچود ؛ ای فرزند مهتران سخاوتمند گرامی ؛ يَابْنَ الْبُدُورِ الْمُتَيَّرَةِ ، يَابْنَ السُّرُجِ الْمُضَيِّئِ ، يَابْنَ الشُّهُبِ ای فرزند ماه های تابان ؛ ای فرزند چراغ های تابان ؛ ای فرزند شهاب های النَّاقِيَةِ ، يَابْنَ الْأَنْجَمِ الرَّاهِرَةِ ، يَابْنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ ، يَابْنَ تَابِنده ؛ ای فرزند اختران فروزان ؛ ای فرزند راه های روشن ؛ ای فرزند الْأَعْلَامِ اللَّائِيحَةِ ، يَابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ ، يَابْنَ الشَّنِّ الْمَشْهُورَةِ ، نشانه های آشکار ؛ ای فرزند دانش های کامل خداوندی ؛ ای فرزند سُنِّن و روش های پسندیده مشهور ( آسمانی ) ؛ يَابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورَةِ ، يَابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمُؤَجَّودَةِ ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ ای فرزند نشانه های برجای مانده ؛ ای فرزند معجزات پایان نیافته و موجود ، ای فرزند دلیل های الْمَشْهُودَةِ ، يَابْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ، يَابْنَ الشِّيَا الْعَظِيمِ ، يَابْنَ مَنْ دیده شده ؛ ای فرزند راه راست ؛ ای فرزند خبر بزرگ ؛ ای فرزند کسی که هُوَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيُّ حَكِيمٌ ، يَابْنَ الْأَيَاتِ وَالْآيِنَاتِ ، در ام الكتاب ، نزد خداوند ، بلندمرتبه و حکیم است . ای فرزند

نشانه ها و بینات (حجیت های آشکار خداوند) ، یابن الدلائل الظاهرات ، یابن البراهین الواضحات الباهرات ، ای فرزند دلایل آشکارا ، ای فرزند برهان های نمایان و روشن ، یابن الحجج البالیغات ، یابن النعم السابغات ، یابن طه ای فرزند حجیت های رسا ، ای فرزند نعمت های فراوان و فراخ ، ای فرزند طه و الممخکومات ، یابن یس و الداریات ، یابن الطور و العادیات ، و آیات محکم قرآن ، ای فرزند یاسین و ذاریات ، ای فرزند طور و عادیات ؛ یابن من ذی قندلی فكان قاب قوسین أو أدنی دنیواً واقتراباً ای فرزند آن که در شب معراج نزدیک شد و در آویخت (به مقام قرب حق تعالی) به اندازه فاصله دو سر کمان و یا نزدیک تر ، نزدیک من العلی الأعلی ، لیث شتغری این شیتقرت بک التوی ، بل ائی به خدای علی اعلی . ای کاش می دانستم کجا اقامت گزیده ای ؛ بلکه کدام ارض تفلک اوتری ، ابرضوی اوتیرها ام ذی طوی ، عزیز سرزمین یا منطقه ای اقامت داری ؛ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن ؟ یا در ذی طوی هستی ؟ بسیار علی أن ازی الحلق ولا تری ، ولا اشیع لک حسیسا ولا نجوی ، بر من سخت است که همه را می بینم و تو دیده نمی شوی ؛ و از تو هیچ صدا و هیچ رازی را نشنوم ؛ عزیز علی أن تحیط بک دونی البلوی ولایتالک منی ضجیح بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار باشی و از من هیچ ناله و لا شکوی . بنفسی أنت من معیب لم یحل لنا ، بنفسی أنت

و شکایتی به تو نرسد . جانم فدایت تو حقیقت پنهانی هستی که از میان ما بیرون نیستی ؛ جانم فدایت گرچه مِنْ نَارِحِ مَا نَزَحَ عَنَّا ، بِنَفْسِي أَنْتَ أَهْيَبُهُ شَأْنِي يَتَمَنَّى ، مِنْ أَزْ نَظْرَمِ دَوْرِي وِلي از ما جدا نیستی ؛ جانم فدایت تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاقِ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَنَّا ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدِ عَزِّ لَائِسَامِي ، مُؤْمِنِ هستی که آرزویت کنند و به یادت ناله سر دهند. جانم فدایت تو آن سرشته عزتی هستی که هم طراز از برایت نتوان یافت؛ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَتْبَلِ مَجْدِ لَائِجَارِي ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ بِلَادِ نَعَمِ جانم فدایت تو از ارکانِ مجد و شرف و بزرگواری هستی که هم قطاری نداری؛ جانم فدایت تو از نعمت های دیرینِ خدایی لائِضَاهِي ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرْفِ لَائِسَاوِي . إِلَى مَتِي هستی که مانندای نخواهد داشت ؛ جانم فدایت ، تو از خاندان شرافتی هستی که کسی با تو برابری ندارد . تا کی أَحَارُ فَيْكِكَ يَا مَوْلَايَ ، وَإِلَى مَتِي وَأَيُّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكِكَ وَأَيُّ سِرِّكَرْدَانِ تُو بَاشَمِ اِي مَوْلَايَ مِنْ ؟ وَ تَا كِي وَ بَا چِه گفتاری به ستایش تو بپردازم ؟ و چگونه نَجْوِي ، عَزِيْزُ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي ، عَزِيْزُ عَلَيَّ أَنْ رَا زِ دَلِ بَگُوِيْمَ ؟ بَرِ مِنْ بَسِي گِرَانِ اسْتِ كِهْ غَيْرِ تُو پَاسَخَمِ رَا بَدَهْدِ وَ سَخْتَانِ فَرِيْبِنْدَهْ وَ خَوْشِ آيِنْدِ بَرَايِمِ بَگُوِيْدَ ؛ بَسِي مَشْكَلِ اسْتِ بَرِ مِنْ أَبْكِيْكَ وَيَخْذُلْكَ الْوَرِي ، عَزِيْزُ عَلَيَّ أَنْ يُجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا كِهْ بَرِ دَوْرِي تُو بَگَرِيْمِ وَ مَرْدَمِ تُو رَا وَاگْدَارِنْدِ ؛ گِرَانِ اسْتِ بَرِ مِنْ



که آن چه) از مشکلات (می گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو جری. هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأَطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبِكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ نَكْدَرِد. آیا کسی هست که مرا کمک کند تا همراه با او ناله و شیون طولانی سر دهم؟ آیا کسی هست که بسیار جزع و زاری فُاسَاعِدَ جَزَعُهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِيبَتْ عَيْنٌ فَسَاعِدَتْهَا عَيْنِي عَلَيَّ كُنْد و مِنْ هَمِّ دَرِ تَنْهَائِي أَوْ بِا زَارِي و گریه یارینش نمایم؟ آیا چشمی خار و خاشاک رفته است تا چشم من در اشک ریختن الْقَمَدِي، هَيْلٌ إِلَيْكَ يَا بَيْنَ أَخْرَيْدَ سَبِيلٍ فَتَلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بِا او همدم شود؟ ای زاده احمد؛ آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را ملاقات نمود؟ آیا روز جدایی ما بَعْدِهِ بَعْدِهِ فَنَحْظِي. مَتَى نَرُدُّ مَنَا هَلْكَ الزَّوِيَّةَ فَزَوِي، مَتَى نَنْتَقِعُ بِه فِرْدَائِي مِي رَسَدِ كِه رُوزِ وَصَالِ و بهره مندی از جَمَالِ مَقْدَسْتِ بِا شُد؟ كِي مِي شُودِ كِه بِرِ چِشْمِه هَاي سِيرَابِ كُنْنِدِه اتِ دِرِ آيِمِ و مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نَعَادِيكَ وَنَرَاوِي حَكَّ فَتَقَرَّ سِيرَابِ كُرْدِيْمِ؟ كِي مِي شُودِ كِه از آبِ زَلَالِ و گوارايتِ بِنُوشِيْمِ كِه بِه رَاسْتِي تَشَنُگِي طُولَانِي شُد؟ كِي مِي شُودِ كِه بِا تُو صَبِيحِ و شَامِ كَنِيْمِ عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا وَتَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتِ لَوَاءَ النَّصِيرِ تُرِي. أَتَرَانَا و چِشْمِ مَانِ رُوشِنِ كُرْدِد؟ كِي رَسَدِ آنِ وَقْتِ كِه تُو مَا رَا بِيِنِي و مَا تُو رَا؛ دِرِ حَالِي كِه بِرِچَمِ نَصْرِ و ظَفْرَتِ نَحْفُ بِكَ وَآتَتْ تَأْمُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأَتْ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَادَّقَتْ رَا كَسْتَرْدِه بِا شِي؟ آيَا خَوَاهِي دِيدِ مَا رَا كِه بِرِ

گردد تو حلقه زده ایم و تو بر مردم امامت کنی در حالی که زمین را پر از عدل اُغْرِدْ اَتَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا ، وَأَبْرَتِ الْعُنَاةَ وَجَحِيدَةَ الْحَقِّ ، وَقَطَعْتَ و داد کرده ای ، و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشاندی باشی و سرکشان و منکران حق را هلاک کرده باشی، و دایرهٔ مُنْكَرِينَ ، وَاجْتَنَنْتِ أَصُولَ الظَّالِمِينَ ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ ریشه منکران را قطع نموده و اساس ستم کاران را از بیخ و بن برکنده باشی و ما آن موقع می گوئیم : سِجَاسَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . اَللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبُلُوِي ، وَإِلَيْكَ مَخْصُوصُ پروردگار جهانیان است ؟ بار خدایا ؛ تو برطرف کننده غم و اندوه و بلاها هستی و به درگاه تو درد دل و تو را اَشِيْتَعْدِي فَعَمْدَكَ الْعَيْدُوي ، وَأَنْتَ رَبُّ الْمَاجِرِو وَالِدُنْيَا ، فَأَعِثْ يا به فریاد می طلبم که یاری رساندن برای انتقام گرفتن از ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی ؛ پس دریاب ای غِيَاثُ الْمَشِيْتَعِيْنَ عَيْدَكَ الْمَيْتَلِي ، وَأَرِهْ سَرِيْدَهُ يا شَدِيْدَ الْقُوِي ، فریادرس فریاد خواهان ؛ بنده کوچک گرفتار خود را ؛ و آفایش را نشانش ده ای نیرومند بسیار مقتدر ؛ وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوِي ، وَبَرِّدْ عَلَيْهِ يا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ و به این وسیله غم و اندوه و درد سینه اش را از بین ببر و سوز عشقش را آرام کن ؛ ای کسی که بر عرش مسلط هستی اَشْتَوِي ، وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعِي وَالْمُنْتَهِي . اَللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَيْدُكَ و بازگشت و پایان کارها به سوی اوست . خدایا ؛ ما بندگان توئیم که التَّائِبُونَ إِلَى وِلِيكَ الْمُدْكِرِ بِكَ وَبَنِيِكَ ، خَلَقْتَهُ

لَنَا عِزْمَةٌ وَمَلَاذَأُ، شَيْفَتَهُ وَلِيُّ تُو هَسْتِيم ؛ او که یادآور تو و پیامبرت است ، و تو او را برای حفظ و نگه داری ما و پناه ما آفریدی ، وَأَقْفَتَهُ لَنَا قِوَاماً وَمَعَاذاً، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَاماً، قَبْلَهُ مِنَّا و او را برپا داشتی تا پشتیبان و پناهگاه ما باشد و او را برای مؤمنان از ما ، پیشوا قرار دادی ؛ پس تَجِيَّهُ وَتَسْلَاماً ، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَاماً ، وَاجْعَلْ مُسَيَّرَتَهُ لَنَا سَلَاماً وَتَحِيَّتاً مَا رَا بِهِ اُو بَرَسَانَ ، و به وسیله آن ، بر کرامت ما بیفزای ؛ ای پروردگار ما ؛ و جایگاه او را مُسَيَّرَتاً وَمُقَاماً ، وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَاناً ، حَتَّى جَايِغَاهُ وَمَنْزِلِغَاهُ مَا قَرَارَ دِهِ ، و با مقدم داشتن او را پیشاپیش ما ، نعمت را بر ما کامل گردان تا تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَاتِكَ . اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مَا رَا بِهِ بَهْشْتِ خُودِ وَارِدِ نِمَائِي وَ هَمِ نَشِيْنِ شَهِيْدَانِ مَخْلَصْتِ قَرَارِ دِهِ . خدایا ؛ بر حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ ، وَصَلِّ عَلَيَّ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِكَ السَّيِّدِ حُجَّتِ وَ وَلِيِّ اَمْرِتِ دَرُودِ فَرَسْتِ ؛ و درود بفرست بر محمد جد او، پیامبرت ، آن بزرگوارترین الأَكْبَرِ ، وَصَلِّ عَلَيَّ أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ ، وَحَامِلِ اللِّوَاءِ فِي آفَا ؛ و بر پدرش علی ، آقای دلیر و سلحشور و شجاع ، و بر پادارنده پرچم در صحرای الْمُخَشَّرِ ، وَسَاقِي أَوْلِيَآئِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ ، وَالْأَمِيرِ عَلِيَّ سَائِرِ مَحْشَرِ ؛ و سیراب کننده دوست دارانش از نهر کوثر ؛ و فرمان روا بر تمام البَشَرِ ، الَّذِي مَنْ اَمِنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَشَكَرَ ،

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ بَشَرَ؛ که هر کس بدو ایمان آورد، پیرومند و سرفراز گشته است و آن که ایمان نیاورد، به حَطَرٌ وَكَفَرٌ، صَيَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أُخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهَا الْمَيَامِينَ خَطِرٌ بزرگ و کفر افتد. درود خدا بر او و بر برادرش و بر فرزندان شان که نیک بختان الْغُرَرُ، مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ. (۳۷) وَعَلَى جَدَّتَيْهِ الصَّدِيقَةِ وَبِزْغَارِنْد. مادامی که خورشید می تابد و ماه نور می افشاند. و درود بر مادر بزرگ او، صَدِيقَهُ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى مَنِ كَبْرَى، فَاطِمَةَ زَهْرَةَ دَخْتَرِ مُحَمَّدٍ مِصْطَفَى؛ و بر آنان که اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبُرَرَةَ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ تو برگزیدی از پدران نیکوکارش؛ و بر او بهترین، کامل ترین، تمام ترین، بادوام ترین، و أَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا صِلَيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْرَفِيَّاتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَيْشْتَرِينَ، و فراوان ترین درود و رحمتی که بر هر یک از برگزیدگان و نیکان از خَلْقِكَ، وَصَلَّ عَلَيْهِ صِيْلَةٌ لَا غَايَةَ لِعِدْدِهَا، وَلَا نِهَائَةَ لِمَدَدِهَا، وَبِزْغَارِنْد فرستادی نثار باد. و بر او درود فرست؛ درودی که بی شمار و پایان ناپذیر و بی انتهاست وَلَا نَفَادَ لَأَمْدِهَا. اَللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَذْخِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، و مدتش پایان ندارد. خدایا؛ حق را به وسیله او برپا دار و باطل را به وسیله او نابود کن ۱. این فقره از دعا در بسیاری از کتب موجود می باشد؛ مانند: «إقبال الأعمال» سید بن طاووس (ص ۶۰۸)، «تحفه الزائر» چاپ سنگی

بدون شماره صفحه ( «زاد المعاد» علامه مجلسی رحمه الله (ص ۵۰۲) ، «الصحیفه الهادیه» عالم بزرگوار شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷) ، «مفتاح الجنات» عالم بزرگوار سید محسن امین (۲۵۵/۳) ، «تکالیف الأنام» صدر الإسلام همدانی (ص ۱۹۵) ، «عمده الزائر» آیه الله سید حیدر کاظمی (ص ۳۵۸) ، «فوز اکبر» علامه میرزا محمد باقر فقیه ایمانی (ص ۱۲۴) ، «مکیال المکارم» علامه سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۹۹/۲) ، «منهاج العارفين» علامه سمنانی (ص ۱۵۹) ، ضیاء الصالحین (ص ۵۴۲) ، «الصحیفه الصادقیه» (ص ۷۲۸) ، «هدیه الزائرین» محدث قمی رحمه الله (ص ۶۴۸) ، و ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دار الذخائر .

وَأَدِلُّ بِهٖ أَوْلِيَاءَكَ ، وَأَذِلُّ بِهٖ أَعْدَاءَكَ ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَدُوسْتَانَتَا رَا تَوْسَطُ اُو چیره گردان و دشمنانت را به وسیله او خوار و ذلیل نما . خدای من ؛ بین ما و او وَضِيْلَهُ تُؤَدِّي اِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِيْهِ ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ ، بِيُونْدِي بَرَقْرَار كُن كِه بِه هَمَنْشِيْنِي بَا پِيْشِيْنِيَان پَاك اُو مَنْتَهِيْ گَرْدَد و ما را از کسانی قرار بده كه به دامان آنان چنگ زده اند وَيَمْكُتْ فِي ظِلِّهِمْ ، وَأَعِنَّا عَلٰى تَاْدِيَةِ حُقُوْقِهِ اِلَيْهِ ، وَالْاِجْتِهَادِ وَدَر سَايَه اَنَان زَنْدِگِي مِي كَنْنَد . و ما را ياری كن در ادا كردن حقوقش به او ، و كوشش كردن فِي طَاعَتِهِ ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَّتِهِ ، وَائْتِنَانِ عَلَيْنَا بِرِضَاؤِهِ ، وَهَبْ لَنَا دَر اِطَاعَتِ اَز اُو ، وَ دُورِي كَرْدَن اَز نافرمانی او ، و بِر مَا مَنّت بَكَدَار بِه خَشْنُودِي اُو وَ رَأْفَتُهُ وَرَحْمَتُهُ ، وَدُعَاءُهُ وَخَيْرُهُ ، مَا نَنَالُ بِهٖ سَعَهُ مِنْ

رَحْمَتِكَ ، مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما ارزانی دار تا بدین وسیله به رحمت و اسعه تو دست یابیم وَفَوْزاً عِنْدَكَ ، وَاجْعَلْ صِيْلَاتِنَا بِهٖ مَقْبُولَةً ، وَذُنُوبِنَا بِهٖ مَغْفُورَةً ، و نزد تو به کامیابی نایل شویم ؛ و قرار بده نماز ما را به واسطه او قبول شده ، و گناهان ما را به واسطه او آمرزیده شده وَدُعَاءَنَا بِهٖ مُسْتَجَاباً ، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهٖ مَبْسُوطَةً ، وَهُمُومَنَا بِهٖ و دعاهاى ما را به واسطه او مستجاب شده ، و روزى هاى ما را به وسیله او وسعت داده شده، و اندوه هاى ما را به واسطه او مَكْنِيَةً ، وَخَوَافَنَا بِهٖ مَقْضِيَةً ، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، برطرف شده ؛ و حوايج ما را توسط او برآورده شده ، و با چهره کریمانه ات به ما توجه کن و روی آور . وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ ، وَأَنْظِرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ نَسْتَكْمِلُ بِهَا وَتَقَرَّبْ وَتَوَسَّلْ مَا رَا بِهٖ دَرَكَاہٖتِ بِذِيْرَاہٖتِ ، و به ما نظر رحمتی بفرما که الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ، ثُمَّ لَا تُصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ ، وَاسْتِرْقَانَا مِنْ حَوْضِ بِهٖ واسطه آن ، کرامتِ نزد تو را به کمال رسانیم . سپس با بخشش و بزرگواریت نظر لطف خود را از ما باز مگیر و از حوضِ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بِكَأْسِيهِ وَيَدِيهِ رَبِّاً رَوِيّاً ، هَنِيئاً سَائِغاً ، جَدِّش - که درود خدا بر او و آل او باد - سیرابمان ساز با جام و کاسه او و به دست او ؛ سیراب کردنی کامل و گوارا و خوش لا ظَمَماً بَعْدَهُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۳۸)

که پس از آن

تشنگی نباشد؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

۱. تحفه الزائر: چاپ سنگی بدون شماره صفحه، زاد المعاد: ۴۹۱، و مصباح الزائر: ۴۴۶) با تفاوت اندک.

### ۶۷ دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج

مستحب است روز جمعه بعد از نماز صبح، صد مرتبه سوره «توحید» بخوانند، و صد مرتبه هم از درگاه خداوند، طلب آمرزش نموده و استغفار کنند؛ صد مرتبه هم بدین صورت بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۳۹)

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

### ۷۷ دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه

شیخ طوسی رحمه الله در «مصباح المتعجل» فرموده است: هر گاه کسی خواست روز جمعه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستد چنین بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ خَدَايَا؛ درود و رحمت خود را و درود فرشتگان و رسولان خود را بر محمد و آل محمد و عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و آل محمد نثار کن و در گشایش کارشان شتاب فرما.

صلواتی... بعد از نماز جمعه ...

یا بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۴۰) بارها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما. وی در جای دیگر می گوید: روایت شده است که صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (۴۱)

بارها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

### ۸۷ دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه

مستحب است انسان در روز جمعه، صد مرتبه سوره قدر را بخواند و هزار مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بارها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

و اگر نتوانست صد مرتبه، اگر موفق نشد ده مرتبه، و بالأخره اگر نتوانست هر چه نتوانست بخواند. (۴۲)

### ۹۷ صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود

از مولای مان جعفر بن محمد علیهما السلام و او از پدران علیهم السلام روایت کرده که فرمودند:

هر کس پس از نماز جمعه، هفت مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، بارها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما.

از اصحاب قائم صلوات الله علیه خواهد بود. (۴۳)

۱. مصباح المتعجل: ۳۸۷.

۲. البلد الأمين: ۱۱۲، و مانند آن در بحار الأنوار: ۳۳۱/۸۹ وارد شده است.

۳. بحار الأنوار: ۶۵/۹۰.

### ۱۰۷ دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه، عید فطر و عید قربان

#### اشاره

از امام ابی جعفر محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز جمعه، عید فطر و قربان، وقتی قصد خروج از منزل نمودی، بگو:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، أَوْ تَعَبَّأُ أَوْ أَعْيَدَ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادِهِ إِلَى خدایا؛ هر کس در این روز مهیا گشته یا آماده شده یا حاضر شده یا آمادگی یافته تا نزد مخلوق، رَجَاءَ رَفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَانَتْ مَخْلُوقِي بِرُودٍ وَامِيدٍ بِادَاشٍ وَعَطِيَّةٍ وَبَخْشِشِي از او دارد؛ پس ای آقای من؛ وَفَادَتِي وَتَهَيَّئْتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ، وَجَوَائِزِكَ كُوجِ كَرْدَنِ مَن وَ مَهْيَا شَدَنِ مَن وَ حَاضِرِ گشتن مَن وَ آمَادِگِي مَن بَه سُوِي تُو بَه امِيد پاداش و بخشش تو وَنَوَافِلِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ اسْت . بار خدایا؛ بر بنده و فرستاده ات و برگزیده من خَلْقِكَ ، وَعَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ ، وَصَلِّ يَا از بندگان ، مُحَمَّدِصَلِيَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ



وسلم ، و بر علی علیه السلام امیر مؤمنان و وصی پیامبرت درود فرست ، و ای رَبِّ عَلٰی اٰیْمَةِ الْمُؤْمِنِیْنَ ، اَلْحَسَنِ وَالْحَسَنِیْنَ وَعَلِیَّ وَ مُحَمَّدٍ ، پروردگارم ؛ درود فرست بر پیشوایان مؤمنان : امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر ... و امامان را تا آخر نام ببر تا به نام صاحب (حضرت مهدی ارواحنا فداه) برسی و بگو :

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهٗ فَتْحًا یَسِیْرًا ، وَاَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِیْزًا . اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهٖ خَدایَا ؛ گشایشی آسان برایش مقرر فرما ؛ نصرتی باعزت عنایتش فرما ؛ خداوندا ؛ دینک و سنّه رسولک ، حَتّٰی لَا یَسْتَحْفِیَ بِشَیْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَهٗ حکایت صلوات صرّاب ...

دینت را و نیز سنّت پیامبرت را به وسیله او ظاهر فرما تا هیچ حقی از ترس هیچ کسی اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّا نُرْغَبُ اِلَیْكَ فِی دَوْلِهٖ کَرِیْمِهٖ تُعَزُّ بِهَا پویشیده ندارد . خدایا ؛ ما به سوی تو مشتاق هستیم در مورد دولتی باکرامت ، اَلْاِسْلَامَ وَاَهْلَهٗ ، وَتُدَلُّ بِهَا التَّفَاقُ وَاَهْلَهٗ ، وَتَجْعَلُنَا فِیْهَا مِنَ الدُّعَاہِ کہ اسلام و اسلامیان را بدان عزیز نمایی و نفاق و اهلش را خوار و ذلیل کنی ، و ما را در آن دولت ، از فراخوانان اِلٰی طَاعَتِکَ وَاَلْقَادَهٗ اِلٰی سَبِیْلِکَ ، وَتُرْزُقُنَا بِهَا کِرَامَهٗ الدُّنْیَا به فرمانبرداریت ، و از رهبران راه خودت قرار ده ؛ و کرامت دنیا و الآخِرَهٗ . اَللّٰهُمَّ مَا اَنْکَرْنَا مِنْ حَقِّ فَعْرَفْنَاہٗ ، وَمَا قَصِرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَاہٗ . و آخرت را روزیمان فرما . خدایا ؛ آنچه از حق و حقیقت را که نشناختیم، به ما بشناسان و به آنچه دست نیافتیم، ما را به آن برسان.

در این جا برای امام

عصر صلوات الله عليه دعا کن ، و دشمنانش را نفرین نما ، و حاجتت را درخواست کن ، و سخن آخرت این گونه باشد :

اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرُ فِيْهِ فَيَذَكَّرُ. (۴۴)

خداوندا ؛ (دعای ما را) به اجابت برسان ، خداوندا ؛ ما را از کسانی قرار ده که تذکر دهند و متذکر شوند .

#### حکایت صلوات ضراب اصفهانی

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله می گوید : ذکر صلواتی بر پیامبر و آل او علیهم السلام (در عصر جمعه) که از مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است (و به قدری اهمیت دارد که) اگر تعقیب نماز عصر را به خاطر عذری ترک کردی آن را ترک نکن ، به دلیل جریانی که خداوند ما را بدان مطلع نمود .

گروهی که در چند مورد از آن ها پیش از این یاد کردم ، با سلسله سندشان به جدم ، ابی جعفر طوسی رحمه الله به من خبر دادند که گفت : به من خبر داد حسین بن عیبدالله از محمد بن احمد بن داود و هارون بن موسی تلکبری که گفتند : به ما خبر داد ابوالعباس احمد بن علی رازی در آن چه در کتابش «الشفاء والجلاء» روایت کرده از ابی الحسین محمد بن جعفر الأسدی رضی الله عنه که گفت : حدیث کرد برای من حسین بن محمد بن عامر اشعری قمی ، و او گفت : حدیث کرد برای من یعقوب بن یوسف ضراب غسانی به هنگام بازگشت از اصفهان و گفت :

من در سال ۲۸۱ هـ ق حج گزاردم در حالی که با گروهی از سنی های شهرم بودم . وقتی

به مکه رسیدیم گروهی از آن ها پیش دستی کرده منزلی را در کوچه ای میان بازار شب (اسم آن بازار بوده) برای ما اجاره نمودند؛ و آن خانه خدیجه و معروف به «دارالرضا» بود، و پیرزنی گندمگون در آن جا سکونت داشت؛ از او (وقتی دانستم که آن جا «دارالرضا» نام دارد) پرسیدم: با صاحبان این خانه چه نسبتی داری؟ و چرا خانه را بدین نام خوانده اند؟

پیرزن گفت: من از خدمتگزاران آن ها هستم و این، خانه علی بن موسی الرضا علیه السلام بود و امام حسن عسکری علیهما السلام مرا در اینجا سکونت داده است و من در خدمتش بودم.

وقتی این سخن را از او شنیدم، آن را از همراهان خود پنهان ساختم و با آن پیرزن مانوس شدم. شب ها وقتی از طواف باز می گشتم با آن ها در رواق خانه می خوابیدم، و درب را می بستیم و پشت آن، سنگ بزرگی قرار می دادیم.

چند شب نور چراغ را - در رواقی که بودیم - شبیه به نور مشعل دیدم. و دیدم که درب باز شد - بدون این که کسی از ما آن را بگشاید - و مردی چهارشانه و گندم گون مایل به زرد که در سیمایش اثر سجده بود و پیراهن و شلواری نازک بر تن داشت و خود را پوشانده بود و نعلین قوس داری به پا کرده بود به طرف اتاق همان زن بالا-رفت؛ همان اتاقی که پیرزن ما را منع می کرد و می گفت: دخترش آنجاست.

همان نوری را که در رواق دیدم، هنگام بالا رفتن مرد به

طرف اتاق بر روی راه پله و نیز داخل اتاق مشاهده نمودم ، بدون این که چراغی را ببینم ! و همانند آنچه را که من دیدم آنها هم که با من بودند مشاهده کردند و گمان می کردند که مرد برای متعه (ازدواج موقت) با دختر آن زن آمده است .

آنان می گفتند : این ها علوی هستند و متعه را جایز می شمارند (در حالی که در مذهب آن ها حرام بود) ، به هر حال ، آن شخص را می دیدم که داخل می شود و خارج می گردد در حالی که سنگ ، هم چنان در جای خود بود . ما ، در را هم از خوف اموال مان می بستیم و نمی دیدیم که کسی آن را باز و بسته کند ، ولی آن شخص داخل می شد و خارج می گشت ؛ سنگ هم همان گونه بود تا آن که وقت خارج شدن خودمان آن را کنار می زدیم .

وقتی این جریان را دیدم ، قلبم به طیش افتاد و هیبت آن شخص در دلم واقع شد و با پیرزن مهربانی نمودم و دوست داشتم از حال آن شخص بیشتر بدانم .

به او گفتم : ای زن ؛ دوست دارم با تو سخن بگویم ولی دوستانم نباید متوجه شوند ؛ بنابراین ، اگر مرا در اتاقم تنها دیدی نزد من بیا تا از تو پرسشی نمایم .

زن به سرعت به من گفت : من نیز می خواهم رازی را با تو بگویم ، ولی به دلیل حضور دوستانت چنین فرصتی پیش نیامد .

گفتم : می خواهی چه بگویی ؟ گفت : می گویند : - و نام کسی را نبرد ! - با همراهان و شریکانت خوشونت

و تندی نکن و با آن ها به نزاع و کشمکش مپرداز ؛ چرا که آنان دشمنان تو هستند و با آن ها مدارا کن .

گفتم : چه کسی این ها را می گوید ؟

گفت : من می گویم ؛ و دیگر هیبتش نگذاشت که بیش از این بپرسم .

گفتم : حالا کدام همراهان منظور توست ؟ (و گمان می کردم همین همراهانم را در سفر می گوید) .

گفت : شریکانی که در وطن داری و در این خانه نیز همراه تو می باشند .

در منزل بین من و همراهانم گفتگوهای تند و برخوردهای خشن نسبت به مسائل دینی اتفاق افتاده بود و آنان در مورد من سخن چینی کردند تا این که فرار نمودم و از آن ها پنهان شدم و این گونه بود که فهمیدم مراد او ، همان هاست .

سپس به او گفتم : تو با «رضا علیه السلام» چه نسبتی داری ؟

گفت : من خدمتکار حسن بن علی عسکری علیه السلام بودم . وقتی مطمئن شدم که او راست می گوید ، با خود گفتم : از او درباره امام غایب ارواحنا فداه بپرسم .

گفتم : تو را به خدا ؛ آیا او را با چشمانت دیدی ؟

گفت : ای برادرم ؛ من او را با چشمانم ندیدم ، وقتی من خارج شدم ، خواهرم حامله بود . حسن بن علی عسکری علیه السلام به من بشارت داد که امام علیه السلام را در آخر عمرم خواهم دید ، سپس به من فرمود : برای او همان گونه باش که برای من هستی .

من از آن روز در مصر سکونت داشتم تا این که نامه ای همراه پول نزد رسید و او آن را

به دست مردی از اهل خراسان - که عربی فصیح نمی دانست - فرستاد ؛ پولش سی دینار بود و به من دستور داد که امسال به حج بیایم ، من هم بدین سوی آمدم به شوق این که او را زیارت نمایم .

در این وقت ، به دلم افتاد همان شخصی که او را می دیدم آمد و رفت می کند ، همو باشد ؛ من ده درهم که یکی از آن ها سکه رضویه بود و با نام امام رضا علیه السلام ضرب شده بود همراه داشتم و آن ها را پنهان کرده بودم که در مقام ابراهیم بیندازم . این گونه نذر کرده بودم و نیت داشتم ، ولی گفتم پول را به زن می دهم و از او می خواهم که به یکی از فرزندان فاطمه علیها السلام بدهد که این بهتر از آن نیت قبلی ام است .

پس به او گفتم : این درهم ها را به فرزندی از فرزندان فاطمه علیها السلام که سزاوار باشد ، بپرداز ؛ چنین می اندیشیدم که او پول ها را به همان شخص خواهد داد . پول ها را گرفت و بالا رفت و بعد از ساعتی پایین آمد و گفت : او می گوید : در این درهم ها برای ما حقی نیست و آن را در همان جا که نیت کرده ای مصرف کن ؛ و لکن این سکه رضویه را بدلش را از ما بگیر و در مکانی که نیت کرده ای بینداز .

من چنین کردم و با خود گفتم آنچه را پیرزن به من گفت از آن شخص نقل کرده است.

همراه من نسخه توقیعی بود که از ناحیه امام علیه السلام برای قاسم بن علاء

آذربایجانی صادر شده بود؛ آن را به زن نشان داده گفتم: این را به کسی عرضه کن که دستخط و توقیعات امام علیه السلام را بشناسد.

گفت: به من بده که من می شناسم. گمان کردم که او خود می تواند آن را بخواند و تشخیص دهد. ولی گفت: من نمی توانم آن را در این مکان بخوانم و به طرف اتاق بالا رفت، سپس باز گشت و گفت: صحیح است.

در توقیع این گونه بود: شما را بشارت می دهم به بشارتی که دیگری را بدان بشارت نداده ام.

زن گفت: او می گوید: هنگامی که بر پیامبرت صلوات می فرستی، چگونه می فرستی؟

گفتم: می گویم:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ خُدَايَا ؛ بر محمّد و آل محمّد و آل محمّد درود فرست و بر محمّد و آل محمّد ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بَرَكَتِ بَدَه ، بهتر از آن چه بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی ؛ اِبْرَاهِيْمَ ، اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ .

زیرا؛ همانا تو ستوده و بزرگوار هستی .

گفت: نه؛ در صلوات، همه آن ها را نام ببر و بر همه آن ها درود فرست. گفتم: باشد.

فردا که آن زن از غرفه فوقانی پایین آمد، دفتری کوچک همراهش بود و گفت: او می گوید: هر گاه خواستی بر پیامبر و بر جانشینانش درود بفرستی، بر طبق این نسخه صلوات فرست.

آن را گرفتم و بدان عمل نمودم؛ چند شب او را می دیدم

که از اتاق پایین می آمد در حالی که نور چراغ، همچنان برپا بود؛ درب را باز می کردم و به دنبال آن نور خارج می شدم و من آن نور را می دیدم ولی کسی را نمی دیدم تا این که داخل مسجد می شد.

گروهی از اشخاص از کشورهای مختلف را می دیدم که به درب این منزل می آمدند و بعضی به آن پیرزن، نامه هایی می دادند و او نیز به آن ها نامه هایی می داد و با آنان سخن می گفت: آن ها نیز با پیرزن سخن می گفتند که من متوجه نمی شدم و بعضی از آن ها را هنگام بازگشت در راه دیدم تا این که به بغداد رسیدم. (۴۵)

### اصولوات ضراب اصفهانی صلوات ضراب اصفهانی

نسخه دفتری که از مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّنَّ وَحُجَّهٖ خَدَايَا ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رَسُوْلَانِ وَخَاتَمِ بِيَامِرَانِ وَحِجَّتِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ، اَلْمُسْتَجِبِ فِي الْاُمِّيَّاتِ ، اَلْمُضَيِّطِ فِي الْفَلَائِلِ ، بِرُوْرِدِ كَارِ جِهَانِيَانِ دِرُوْدِ فُرُسْتِ ، اَوْ كِهْ دِر رُوْزِ بِيْمَانِ اَلِهِي ، بِسِنْدِيْدِهْ شُدْ وَ دِر عَالَمِ اَظْلَهْ اِخْتِيَارِ شُدْ ، اَلْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ اَفِهٖ ، اَلْبُرَى ءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ ، اَلْمُوْمَلِّ لِلْجَاهِ ، اَز هِر اَفْتِي پَاكِزِهْ اِسْتِ ، وَ اَز هِر عِيْبِي مِيْرَا ؛ هِمْگِي بَرَاى نَجَاتِ خُوْدِ چِشْمِ اَمِيْدِ بِهْ اَوْ دَارِنْدِ ، اَلْمُرْتَجِي لِلشَّفَاعَةِ ، اَلْمُقْوِضِ اِلَيْهِ دِيْنُ اللّٰهِ . اَللّٰهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ ، وَ اَمِيْدُوَارِ بِهْ شَفَاعَتِ اَوْ هِسْتِنْدِ ؛ دِيْنِ خُدَاوِنْدِ بَدُوْ وَ اَكْدَارِ شُدِهْ اِسْتِ . خُدَاوِنْدَا ؛ بِنَاى هِسْتِيْ اَوْ رَا شِرَاْفَتِ دِهْ ، وَ عَظْمُ بُوْهَانَهُ ، وَ اَفْلِيْحِ حُجَّتَهُ ، وَ اَرْفَعِ دَرَجَتَهُ ، وَ اَضِيْ نُورَهُ



، و برهانش را بزرگ نما، و حجّتش را بیروز فرما، و مقامش را بالا ببر؛ و نورش را تابنده کن، و بَبِيضُ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْقُضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمُنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ، و رویش را سفید نما، و به او فضیلت و برتری و فزونی و مقام و وسیله شفاعت وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْتَعْتُهُ مَقَاماً مَخْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ و درجه بلند عنایت کن، و او را به مقام پسندیده ای مبعوث نما که همگان از اولین و الْآخِرُونَ. وَصَلُّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤَسِّلِينَ، آخرین بر او غبطه خورند. و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث رسولان وَقَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَحُجَّجِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. و پیشوای سفید رویان و سرور همه جانشینان و حجّت پروردگار جهانیان. وَصَلُّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤَسِّلِينَ، و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان وَحُجَّجِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلُّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤَسِّلِينَ، و درود فرست بر حسین بن علی پیشوای مؤمنان، وَوَارِثِ الْمُؤَسِّلِينَ، وَحُجَّجِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلُّ عَلَى مَوْلَانِ وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ خَدَاوَنْدِ جِهَانِيَانِ. و درود فرست بر علی بن محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار الْعَالَمِينَ. وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ جِهَانِيَانِ. و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث الْمُؤَسِّلِينَ، وَحُجَّجِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلُّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، پیامبران

و حجت پروردگار جهانیان . و درود فرست بر جعفر بن محمد، امامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ بِشَوَى مُؤْمِنَانِ وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ پروردگار جهانیان . و درود فرست  
علی موسی بن جعفر، امامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ بر موسی بن جعفر پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت ربِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَی بَنِ مُوسَى ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، پروردگار جهانیان . و  
درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ وَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ پروردگار جهانیان . و درود فرست بر محمد بن علی، امامِ الْمُؤْمِنِينَ،  
وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان . وَصَلِّ عَلَی بَنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ ، و درود فرست بر علی بن محمد،  
پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، و حجت پروردگار جهانیان . و درود فرست بر حسن بن علی، پیشوای مؤمنان وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَحُجَّهِ  
رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَصَلِّ عَلَی الْخَلِيفِ وَوَارِثِ رَسُولَانِ وَحِجَّتِ پروردگار جهانیان . و درود فرست بر بازمانده الهادی الْمَهْدِيِّ ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ هِدَايَتِ گَرِ هِدَايَتِ شده، پیشوای  
مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار الْعَالَمِينَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْاَبْنَاءِ الْهَادِيْنَ ، جهانیان . خداوندا؛ بر محمد و اهل بیتش درود فرست که پیشوایان هدایت گر ، اَلْعُلَمَاءِ الصّٰدِقِيْنَ،  
الْاَبْرَارِ الْمُتَّقِيْنَ، دَعَائِمِ دِيْنِكَ، وَاَرْكَانِ تَوْحِيْدِكَ، دانایان راستگو ، نیکوکاران پرهیزکار؛

ستون های دینت و ارکان توحیدت و تراجمه و عیبتک، و محججک علی خلقک، و خلفایک فی ارضیک، و مفتیران وحیت، و حجت های تو بر آفریدگانت و جانسینانت در زمین تو هستند؛ الذین اختزتهم لنفیسک، و اضی طفیتهم علی عبادک، و اذتضیتهم آنان که برای خودت ایشان را اختیار کردی و بر تمام بندگانت برگزیدی و آن ها را لدینک، و خصصتهم بمعرفتک، و جعلتهم بکرامتک، و غشیتهم برای دینت پسندیدی و به شناخت خودت آن ها را مخصوص گرداندی، و با کرامت خودت بر آنان شکوه و بزرگی بخشیدی و غرق برحمتک، و ربیتهم بینمتک، و عذبتهم بحکمتک، و ائبستهم دریای رحمت خود کردی، و آن ها را با نعمت خود پرورش دادی و با حکمت خود به آنان غذای روحی دادی نورک، و رفعتهم فی ملکوتک، و خففتهم بملائکتک، و سرفقتهم و به نور خویش ایشان را پوشانیدی و در ملکوت بالا بردی، و گرداگرد وجود ایشان را به فرشتگانت احاطه نمودی، و بنییک صلواتک علیه و آله. اللهم صل علی محمد و علیهم، صلوه به واسطه پیامبرت - که درود تو بر او و آل او باد - به آن ها شرافت بخشیدی. خدایا؛ بر محمد و بر ایشان درود فرست؛ درودی زاکیه نامیه کثیره دائمه طیبه لایحیط بها إلا أنت، و لایسئمها پاک و فزاینده و فراوان و دایمی و پاکیزه که جز خودت کسی بر آن احاطه پیدا نکند، و إلا علمک، و لا یخصها أحد غیرک. اللهم وصل علی ولیک، جز در دانش تو ننگجد و غیر تو کسی نتواند آن را به شماره درآورد. خداوندا؛ بر ولایت درود

فرست ؛ الْمُحْيِي سَيِّئَتِكَ، الْقَاتِم بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ او که زنده کننده سنتِ توست و قیام کننده به امر تو، و دعوت کننده به سوی تو، و دلالت کننده بر تو، و حجت تو علی خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ . اَللَّهُمَّ بر بندگانت و جانشین تو در زمینت و گواه تو بر بندگان توست . خدایا ؛ اَعَزُّ نَصِيرَهُ ، وَمُدُّ فِي عُجْرِهِ ، وَزَيْنُ الْأَرْضِ بِطَوْلِ بَقَائِهِ . اَللَّهُمَّ باری او را تقویت نما و عمرش را طولانی فرما ، و با طولانی شدن ماندنش ، زمین را زینت ببخش . خدایا ؛ اَكْفِيهِ بَعْضِي الْحَابِسِينَ ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ ، وَأَزْجِرْ عَنْهُ إِرَادَةَ از ستم حسودان او را کفایت کن ، و از شر حيله گران پناهش ده و اراده الظالمين ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ . اَللَّهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ ستمکاران را از او دور کن ، و او را از دست زورگويان رهایی ده . خداوندا ؛ درباره خودش ، وَدُرِّيَّتِهِ ، وَشَيْعِيَّتِهِ وَرَعِيَّتِهِ ، وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ ذَرِيَّتِهِ اش ، پیروانش ، رعیتش ، یاران ویژه اش ، عموم پیروانش ، دشمنانش و تمام اهل الدُّنْيَا ، مَا تُفَرِّقُ بِهِ عَيْنَهُ ، وَتَسِيرُ بِهِ نَفْسَهُ ، وَبَلَّغَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَلَهُ دُنْيَا ، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی ، به او عنایت فرما . و او را به برتر از آنچه آرزو دارد فی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، اِنِّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اَللَّهُمَّ خَيِّرْهُ بِه مَا در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر چیز توانایی . خدایا

؛ آنچه از امتحانی من دینت، و آنچه به ما بَدَلِ مِنْ كِتَابِكَ، و آنچه به ما عَزَّزَ دینت محو شده به وسیله او تازه کن، و آنچه از کتابت عوض شده به واسطه او زنده کن، و آنچه من حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُوذَ دینت به و عَلى يَدَيْهِ غَضاً جديداً خالصاً از احکامت تغییر داده شده به وسیله او ظاهر کن؛ تا این که دینت به وسیله او و با دست او نو و تر و تازه گردد؛ آن گونه که خالص مُخْلِصاً لَا شَكَّ فِيهِ، وَلَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بَدْعَةَ و بی آرایش بوده که نه شکى در آن باشد و نه شبهه ای به آن راه یابد، و نه باطل و بدعتی کنار آن و لَدَيْهِ . اَللّهُمَّ نَوِّرْ بُنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهُدِّ بِرُكْبِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ، وَاهْدِمْ نَزْدَ آن باشد . خدایا؛ هر تاریکی را به نور او روشن کن و هر بدعتی را به واسطه قدرت و قوتش ویران نما، و با بَعْرَهُ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ، عَزَّتْ او هر گونه گمراهی را منهدم فرما، و هر فرد زورگوی گردنکش را به واسطه او هلاک گردان، و با شمشیرش هر آتشی را خاموش کن وَأَهْلِكَ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَأَجْرَ حُكْمِهِ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلُّ و ظلم هر ستمگری را به واسطه عدلش نابود کن، و دستور و حکمش را بر هر حکمی جاری ساز، و بِسُلْطَانِهِ كُلِّ سُلْطَانٍ . اَللّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَن نَواه، وَأَهْلِكَ كُلَّ مَن با سلطنتش هر قدرتمندی را ذلیل

و خوار ساز . خدایا ؛ هر که قصد بدی به او کند ذلیل و خوار کن و هر که را که با او دشمنی نماید عداده ، و اَمَكِرْ بِمَنْ كَادَهُ ، وَاشْرِبْ تَأْصِلُ مَنْ بَجَحَدَهُ حَقَّهُ ، وَاشْرِبْتَهُانَ بِه هَلَكَتْ اَنْدَاز و هر که را با او نیرنگ کند دچار نیرنگ گردان و هر که را منکر حَقِّش باشد و امرش را سبک شمارد ، بِأَفْرِهْ ، وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ . اَللَّهُمَّ صَلِّ و در خاموشی نورش بکوشد و بخواهد نامش و یادش را کم رنگ سازد از ریشه برکن . خدایا ؛ درود فرست علی مُحَمَّدِ الْمُضِطَّنِيِّ ، وَعَلِيِّ الْمُزْتَضِيِّ ، وَفَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ ، بر محمد مصطفی ، و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا وَالْحَسَنَ الرَّضَا ، وَالْحُسَيْنَ الْمُصْطَفَى ، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ ، مَصَابِيحِ وَحَسَنِ مَقَامِ رِضَا وَحَسِينِ مَقَامِ مَقَامِ بَرَكْتِ بِي آلَايش و همه اوصیا و جانشینان آن حضرت که چراغ های الدُّجَى ، وَأَعْلَامِ الْهُدَى ، وَمَنَارِ الثَّقَفِي ، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى ، وَالْحَبْلِ الرَّوْشَنِ در تاریکی و نشانه های هدایت و جلوه گاه پرهیزکاری و دستاویز مورد اطمینان و ریسمان الْمُتَمَيِّنِ ، وَالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ . وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ ، مُحْكَمِ وَرَاحَةِ رَاسْتِ هَسْتَنْدِ . و درود فرست بر ولی خود و عهده داران پیمانته وَاللَّيْتِيهِ مِنْ وُلْدِيهِ ، وَوَمِدِّي فِي أَعْمَارِهِمْ ، وَزِدْ فِي اجَالِهِمْ ، وَبَلِّغُهُمْ و امامان از فرزندانش ؛ و بر عمرشان بیفزای و مَدَّتْ آن ها را زیاد فرما ، و ایشان را صلوات و دعا در عصر روز ...

أَقْصَى اِمَالِيهِمْ ، دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً ، اِنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (۴۶) به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و

اخروی شان برسان؛ چرا که تو بر هر کاری توانا هستی . ۱ . مصباح المتهدجد : ۴۰۶، البلد الأمين : ۱۲۰ ، المصباح : ۷۲۵ ، دلائل الإمامه : ۵۴۹ و مانند آن در جمال الأسبوع : ۳۰۱ آمده است.

این خیر شریف در تعدادی از کتاب های معتبر علمای پیشین ، و با سند های متعدّد ، روایت شده است ؛ برخی از این کتاب ها نیز در تمام بخش های روایت، عبارت را به صورت «اللّهم صلّ علی ....» آورده اند .

و نیز ، وقت مشخصی برای خواندن این صلوات و دعا ، در هیچ یک از خیرهای مزبور ، نیامده است ؛ مگر آن که جناب سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الأسبوع» پس از بیان تعقیبات وارد شده پس از نماز عصر روز جمعه می فرماید : «... اگر زمانی به خاطر عذر و بهانه ای تعقیبات نماز عصر روز جمعه را انجام ندادی؛ لیکن، به هیچ وجه این صلوات را ترک مکن. به جهت مطلبی که خدای بزرگ، ما را از آن آگاه فرموده است.»

از این کلام شریف استفاده می شود که سید بن طاووس ، از امام زمان صلوات اللّهُ علیه در مورد این صلوات ، سفارشی دریافت کرده است . و البتّه از این بزرگوار بعید نیست ؛ چرا که او تصریح می کند ، راه رسیدن به آن حضرت ارواحنا فداه ، باز است . (۴۷)

در «مکیال المکارم» آمده است : این دعای شریف ، از دعاهای بزرگی است که شایسته است بر آن مداومت بشود ، و در تمام اوقات نسبت به خواندن آن اهمّیت داده شود؛ به خصوص ، در زمان هایی که اختصاص بیشتری به امام

عصر صلوات الله عليه دارد؛ همانند: شب نیمه شعبان، روز نیمه شعبان، شب و روز جمعه.

شاید، نویسنده «جمال الصالحین» نیز به همین جهت، این دعا را در اعمال شب نیمه شعبان آورده است؛ با آن که از ظاهر روایتی که ذکر کردیم بر می آید که اختصاص به وقت خاصی نداشته باشد، بلکه برای همه اوقات وارد شده است. (۴۸)

## ۱۲ صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز قیامت، خدای تعالی روزها را برمی انگیزد؛ و روز جمعه را مانند عروسی - ۱. نجم الثاقب: ۲. ۷۷۰. مکیال المکارم: ۷۳/۲.

که دارای زیبایی و کمال باشد و به شخصی ثروت مند و دین داری هدیه گردد - پیشاپیش آن ها می آورد، و روز جمعه در حالی که دیگر روزها در پشت سرش قرار دارند (جلو درب بهشت می ایستد؛ و برای تمام کسانی که بر محمد و آل محمد درود و صلوات بسیار فرستاده اند، شفاعت می کند.

عبدالله بن سنان می گوید: پرسیدم: بسیار؛ در مورد صلوات، یعنی چند تا؟ و صلوات فرستادن در کدام ساعت های روز جمعه، از فضیلت بیشتری برخوردار است؟

حضرت فرمود:

صد مرتبه، پس از عصر.

عبدالله بن سنان پرسید: چگونه باید صلوات بفرستم؟ فرمود: می گویی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ .

بار الها؛ درود پیوسته بر حضرت محمد و آل محمد نثار کن، و در فرج و راحتی ایشان شتاب فرما.

و آن را صد مرتبه تکرار می کنی. (۴۹)

۱۳ فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل



در پایان این بخش، روایتی را که در «تفسیر برهان» از کتاب «تفسیر عیاشی رحمه الله» و «ثواب الأعمال»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است می آوریم.

آن حضرت فرمود:

هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا امام قائم (حضرت مهدی صلوات الله علیه) را درک کند، و از اصحاب آن بزرگوار باشد. (۵۰)

.....(Anotates).....

(۱) جمال الأسبوع : ۱۲۱ .

(۲) مصباح المتهجد : ۲۶۵ ، و ص ۲۵۷ با کمی تفاوت .

(۳) المصباح : ۱۷۷ .

(۴) مکیال المکارم : ۳۱/۲ .

(۵) مهج الدعوات : ۳۳۴ ، جته المأوی : ۲۲۷ .

(۶)

(۷)

(۸)

(۹)

(۱۰)

(۱۱)

(۱۲)

(۱۳)

(۱۴)

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷)

(۱۸)

(۱۹)

(۲۰)

(۲۱)

(۲۲)

(۲۳) أبواب الجنات : ۱۴۲ .

(۲۴) جمال الأسبوع : ۳۶ .

(۲۵) تکالیف الأنام فی غیبه الإمام : ۱۹۷ .

(۲۶) العبقری الحسان : ۱۰۱/۲ الیاقوت الأحمر .

(۲۷) العبقری الحسان : ۱۹۸/۲ الیاقوت الأحمر .

(۲۸) دارالسلام : ۲/۲۲۴ .

(۲۹) زاد المعاد : ۴۹۱ .

(۳۰) مکیال المکارم : ۲/۹۳ .

(۳۱)

(۳۲)

(۳۳)

(۳۴)

(۳۵)

(۳۶)

(۳۷)

(۳۸)

(۳۹) البلد الأمين : ۲ . ۱۱۰ . مصباح المتبهج : ۲۸۴ .

(۴۰)

(۴۱)

(۴۲)

(۴۳)

(۴۴) اقبال الأعمال : ۵۸۵ .

(۴۵) جمال الأسبوع : ۳۰۱ .

(۴۶)

(۴۷)

(۴۸)

(۴۹) جمال الأسبوع : ۲۷۷ ، الصحیفه الصادقیه : ۹۲۹ .

(۵۰) مکیال المکارم : ۲/۳۷۸ ، المصباح : ۵۸۵ ، ثواب الأعمال : ۱۰۷ ، تفسیر برهان : ۶/۷ ح ۱ و ۲ ، تفسیر عباشی : ۲/۲۷۶ ح ۱ .

### بخش پنجم: دعا‌های هر ماه

#### ادعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در ظهر روز عاشورا

عبداللہ بن سنان می گوید : در روز عاشورا ، نزد آقایم امام صادق علیه السلام رفتم ، و آن حضرت را با رنگی پریده و چهره ای اندوهگین یافتم ، و دیدم اشک از چشمان مبارکش چون مرواریدهای غلطان ، جاری بود . گفتم : ای فرزند رسول خدا ؛ چرا گریه

می کنی؟ خدا چشمانت را هرگز نگریند .

حضرت فرمود :

مگر غافل؟ مگر نمی دانی که در چنین روزی حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسیده است ؟

گفتم : آقای من ، درباره روزه امروز چه می فرمایید ؟

حضرت فرمود :

امساک کن بدون این که نیت روزه کرده باشی ؛ و افطار نما ، بدون آن که غذاهای لذیذ بخوری . تمام روز را روزه مدار و ساعتی پس از نماز عصر با جرعه ای از آب ، افطار کن . همانا در چنین ساعتی از روز عاشورا جنبش و هیاهوی دشمن تمام و جنگ و خونریزی شدید آن ها با خاندان پیامبر خاتمه یافت ، و در روی زمین سی کشته از آن ها در میان جسدهای پاک دوستان و هم پیمانانشان به خاک و خون افتاد . بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم این مصیبت بسیار گران و سخت است ؛ اگر آن حضرت اکنون زنده بود خودش صاحب عزای آنان بود .

عبدالله می گوید : حضرت چنان گریه کرد که محاسن مبارکش از اشک دیده اش آغشته شد ؛ سپس چنین فرمود :

خداوند عزّ وجلّ آفرینش نور را در روز جمعه - اولین روز ماه مبارک رمضان - در تقدیرش قرار داد؛ و تاریکی را در روز چهارشنبه (روز عاشورا) دهمین روز محرم مانند چنین روزی آفرید . و برای هر یک از آن روزها ، راه و شیوه ای قرار داد .

ای عبدالله ؛ بهترین کاری که در این روز می توانی انجام دهی این است که لباس های پاکیزه ات را بپوشی و تسلب نمایی .

عرض کردم : تسلب چیست ؟

فرمود : گریانت را باز کن و همانند عزاداران

آستین خود را بالا بزن؛ سپس به بیابان بی آب و علف یا مکانی برو که کسی تو را نبیند، یا منزل خلوتی اختیار کن، یا به خلوتگاه دیگری برو و هنگام بالا آمدن آفتاب، چهار رکعت نماز با رکوع و سجود نیکو بجای آور، و بین هر دو رکعتی سلام بده؛ در رکعت اول سوره «حمد» و «قل یا أيها الکافرون»، و در رکعت دوم سوره «حمد» و «قل هو الله أحد» را بخوان.

سپس دو رکعت دیگر را بجای آور؛ در رکعت اول «حمد» و سوره «احزاب»، و در رکعت دوم «حمد» و «منافقون» را بخوان، یا سوره های دیگری را که می توانی بخوانی، اختیار کن. سپس نماز را تمام کرده و به طرف قبر و بارگاه امام حسین علیه السلام رو می کنی و در نظر آور قتلگاه آن حضرت را و کسانی که با آن بزرگوار بودند - از فرزندان و اهل بیت ایشان - و بر او سلام و درود فرست، و دشمنانش را نفرین نما و از کارهای شان بیزاری بجوی؛ با این عمل، خداوند تو را به مراتب بالایی در بهشت نایل کند و گناهانت را فرو ریزد. سپس از جایی که در بیابان یا هر محل خلوت دیگری که هستی، چند قدم بردار و بگو:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، رِضًا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ» .

همانا ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم؛ راضی به قضا و حکم اویم، و تسلیم فرمانش هستیم.

در آن حال، باید حزن و

اندوه در چهره ات آشکار باشد؛ هر چه می توانی یاد خدا کن؛ آیه استرجاع) إِنَّا لِلَّهِ ... (را بخوان . وقتی این کار را انجام دادی و این راه را رفتی به جایی که ابتدا در آن نماز گزاردی باز گرد ، و چنین بگو :

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ ، الَّذِينَ شَاقُوا رَسُولَكَ ، وَحَارَبُوا أَوْلِيَّكَ ، خَدَاوَنَدَا ؛ فَاجْرَانِ وَتَبْهَكَارَانِ رَا بِي عَذَابِ خُودِ كُفْرَتَارِ كُنْ ؛ أَنَّهُمَا كَهْ بَا بِيَامْبِرْتِ دَشْمَنِی وَرَزِيدِنْدِ وَ بَا دُوسْتَانَتِ بِي جَنْكِ بَرِخَاسْتِنْدِ ، وَعَبَدُوا عَيْرَكَ ، وَاشْتَبَحُوا مَحَارِمَكَ ، وَالْعِنَ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ ، وَمَنْ وَغَيْرَ از تُو رَا بِنْدَگِی كُردِنْدِ ، وَ حَرَامِ هَايْتِ رَا حِلَالِ شَمْرَدِنْدِ . (خدایا ؛) سِرَانِ وَ پِیروَانِ آن هَا رَا لَعْنَتِ كُنْ وَ هَر كِه كَانِ مِنْهُمُ ، فَحَبِّ وَأَوْضَعِ مَعَهُمُ ، أَوْ رَضِي بِفِعْلِهِمْ لَغْنَا كَثِيرًا . بَا آن هَا بُوْدِه پَس فَرِیْبِ خُورْدِه وَ بَا آنَانِ پَسْتِ كُردِیْدِنْدِ ، یَا بِي كُردَارِ آنَانِ رَا ضِی كَشْتِنْدِ ، بَسِیَارِ نَفْرِیْنِ فَرْمَا . اللَّهُمَّ وَعَجَّلْ فَرَجَ الِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْ صِلَاوَاتِكَ عَلَیْهِ وَعَالِيهِمْ ، خَدَايَا ؛ دَر فَرَجِ وَ رَا حْتِ آلِ مُحَمَّدِ شَتَابِ بفرما ، وَ دَرُودِ وَ رَحْمَتِ رَا بَرِ بِيَامْبِرِ وَ اِبْشَانِ قَرَارِ دِه ، وَ اَشْرِيْتَقْدُهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ ، وَالْكَفْرَةَ الْجَا حِدِينَ ، وَ آنَانِ رَا از دَسْتِ مَنَافِقِينَ كُمرَاهِ كُنْنْدِه رِهَائِي دِه ؛ وَ از شَرِّ كَافِرَانِ وَ مَنكَرَانِ خُودِ نِجَاتِ بَخْشِ ، وَ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا ، وَ اَتِّخْ لَهُمْ رُوحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا ، وَاجْعَلْ وَ بَرَايِ آنَانِ كُشَايِشِي آسَانِ مَقْدَرِ فَرْمَا ، وَ فَرَجِ وَ آسَايِشِ نَزْدِيكِ بَرَايِ اِبْشَانِ فَرَاهِمِ نَمَا ، لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَي عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا .

از جانب خودت بدان ها سلطه و حکومتی مقتدرانه بر دشمنان خود و دشمنان ایشان ، عنایت فرما .

سپس دستانت را بلند کن و با این دعا برای خدا فروتنی کن ؛ و در حالی که به دشمنان خاندان پیامبر علیهم السلام اشاره می کنی ، چنین دعا کن :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْاُمَّةِ نَاصِبَةٌ اَلْمُسِيْرِيْنَ مِمَّنْ اَتَيْتَهُمُ ، خدایا ؛ گروه زیادی از اُمّت ، نسبت به امامان - که حافظ دین و شریعت اند - عداوت ورزیده اند ؛ وَكَفَرْتُمْ بِالْكَلِمَةِ ، وَعَكَفْتُمْ عَلَيَّ الْفَاذَةَ الظُّلْمَةَ ، وَهَجَرْتُمُ الْكِتَابَ وَبِهْ كَلِمَةٍ (حق) کافر گشتند ؛ و بر رهبران ستمگر روی آوردند و ملازم گشتند ؛ و از کتاب خدا وَالسُّنَّةَ ، وَعَدَلْتُمْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ اَمَرْتُمْ بِطَاعَتِهِمَا ، وَالتَّمَسُّكَ وَ سُنَّتِ پیامبر دور شدند و کناره گرفتند ؛ و از دو ریسمان محکمی که به اطاعت شان دستور دادی (یعنی: قرآن و عترت بهما ، فَأَمَاتَبِ الْحَقِّ ، وَجَارَتْ عَنِ الْقَصْدِ ، وَمَالَأَتِ الْأَخْرَابِ ، پیامبر علیهم السلام) روی گردانند . در نتیجه حق را میراندند و از راه اعتدال و میانه روی منحرف شدند ؛ و احزاب را یاری کردند ؛ وَحَرَفْتُمُ الْكِتَابَ ، وَكَفَرْتُمْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَتْهَا ، وَتَمَسَّكْتُمُ بِالْبَاطِلِ كِتَابَ تُوْرَا تحریف و دگرگون ساختند، و به آن چه از حقّ و حقیقت بدان ها عرضه شد کفر ورزیدند ؛ و به هر باطلی که بر آنان لَمَّا اعْتَرَضَهَا ، وَضَيَّعْتُمْ حَقَّكُمْ ، وَأَصْلُتُمْ خُلُقَكُمْ ، وَقَتَلْتُمْ أَوْلَادَ عَرَضَهُ شَد ، تَمَسَّكْتُمْ جَسْتَنْد ؛ وَحَقِّ تُوْرَا ضَايَعِ ساختند ، و بندگانت را گمراه نمودند ، و فرزندان نَبِيِّكُمْ ، وَخِيْرَةَ عِبَادِكُمْ ، وَحَمَلَةَ عِلْمِكُمْ ، وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكُمْ وَوَحِيْحِكُمْ . پیامبر

، بهترین بندگان، حاملان علمت و وارثان وحی و حکمت را کشتند. اَللّٰهُمَّ فَزِلْ اَقْدَامَ اَعْدَائِكَ وَاَعْدَاءِ رَسُوْلِكَ وَاَهْلِ بَيْتِ رَسُوْلِكَ . خداوندا؛ قدم های دشمنان خود و دشمنان پیامبرت و دشمنان اهل بیت پیامبرت را لرزان فرما، اَللّٰهُمَّ وَاَخْرِبْ دِيَارَهُمْ ، وَاَقْلِلْ سِلَاحَهُمْ ، وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ ، خدايا؛ سرزمین آنان را ویران کن، و سلاح هایشان را از کار بینداز، و اتحاد آن ها را از بین ببر، وَفَتْ فِي اَعْضَادِهِمْ ، وَاَوْهِنْ كَيْدَهُمْ ، وَاَضْرِبْهُمْ بِسَيِّفِكَ الْقَاطِعِ ، و در میان مددکاران آن ها پراکندگی و پریشانی ایجاد کن، و مکر و حيله شان را سست گردان، و آن ها را به شمشیر بیزانت دچار کن، و اَزِمِهِمْ بِخَجْرِكَ الدَّامِغِ ، وَطُنْمَهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًا ، وَفَقْمَهُمْ بِالْعِيْذَابِ و با سنگ هلاک کننده ات سنگ باران بنما، و آن ها را به شدت غرق بلا گردان، و عذاب فراگیرت را بر آنان مسلط فرما، فَمَا ، وَعَذَّبْنَاهُمْ عَذَابًا نُكْرًا ، وَخُذْنَاهُمْ بِالسَّنِيْنَ وَالْمَثَلَاتِ الَّتِي و مجازات های زشت و دشوارت را گریبان گیر آن ها بساز؛ و آن ها را با قحطی و عقوبت ها گرفتار کن همان گونه که اَهْلَكَتْ بِهَا اَعْدَاءَكَ ، اِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِيْنَ . اَللّٰهُمَّ اِنَّ دُشْمَنَانَ رَا بَا اَن هَا هَلَاكُ گرداندی . همانا، تو انتقامی بس شدید از مجرمان خواهی گرفت . خدايا؛ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ ، وَاَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ ، وَعَثْرَةُ نَبِيِّكَ فِي الْاَرْضِ سُنَّتٌ و طریقت تو از بین رفته است ، احکام (حیات بخش) تعطیل گشته است ، و عترت پیامبرت در زمین هائیمه . اَللّٰهُمَّ فَاَعِنِ الْحَقَّ وَاَهْلَهُ ، وَاَقْمِعِ الْبَاطِلَ وَاَهْلَهُ ، وَاَمِّنْ سرگشته گردیده است . ای





بَقِيَّةِ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الرَّازِكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ . وَأَغِيْلِ اللَّهُمَّ بُوْدَهُ، وَ دَر مِيَان مَرْدَم بَه خَوَارِي كَشِيْدَه شَدَنْد؛ وَ بَاقِي مَانْدَه دَرخْت پَاك وَ پَاكِيْزَه وَ پَربَرَكْت (شَجْرَه طَيِّبَه) بُوْدَنْد . خَدَايَا ؛ كَلِمَتَهُمْ ، وَأَفْلَحِيحُ حُجَّتَهُمْ ، وَ أَكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّوْءَاءَ ، وَخَنَادِسَ كَلِمَه آن هَا رَا عَالِي وَ بَلَنْد مَرْتَبَه گَرْدَان، وَ حُجَّتِ شَان رَا غَالِب وَ پِيْرُوْز نَمَا؛ وَ بَلَا وَ سَخْتِي وَ تَارِيكِي هَايِ الْاَبَاطِيْلِ وَالْعَمَى عَنَّهُمْ ، وَ تَبَّتْ قُلُوْبَ شَيْعَتِهِمْ وَ حَزْبِكَ عَلَيِّ بَاطِلِ وَ نَارَوَا وَ كُوْرِي رَا اَز اَنَانِ دَفْعِ كُنْ؛ وَ دَلِ هَايِ پِيْرَوَانِ اَن هَا وَ حَزْبِ خُوْدَتِ رَا بَر طَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُوَالَاتِهِمْ ، وَأَعْنَهُمْ وَامْتَنَحَهُمْ فَرْمَانِ بَرِي ، دُوْسْتِي ، يَاْرِي وَ مَوَالَاتِ اَن هَا ثَابِتِ وَ اسْتَوَارِ بَدَارِ؛ وَ اَنَانِ رَا كَمَكِ كُنْ وَ دَر بَرَابَرِ اذِيْتِ هَايِي كِه دَر رَاهِ تُو بَه اَنَهَا مِي رَسَدِ الصَّبْرِ عَلَيِّ الْاَذَى فَيْكَ ، وَاجْعَلْ لَهُمْ اَيَّامًا مَشْهُوْدَةً ، وَأَوْقَاتًا صَبْرٍ وَ شَكِيْبِيْبِي بَه اِيْشَانِ عَنَايَتِ فَرْمَا ؛ وَ بَرَايِ اَنَانِ رُوْزَهَايِ تَارِيخِي، وَ اَوْقَاتِي مَحْمُوْدَةً مَشْهُوْدَةً ، يُؤَيِّتُكَ فِيْهَا فَرَجُهُمْ ، وَتُوْجِبُ فِيْهَا تَمَكِّيْنَهُمْ نِيَكِ وَ پَسَنْدِيْدَه فَرَارِ دِه كِه فَرَجِ وَ گَشَايِشِ اَمُوْرِ اَن هَا ، بَسِي نَزْدِيَكِ بَاشَد؛ وَ قَدْرَتِ يَافْتَنِ وَ پِيْرُوْزِي شَان بَرَسَدِ وَنُصْرَتِهِمْ ، كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُتَزَّلِ ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ اَنَانِ رَا بَر اَمُوْرِ مَسْلُطَ نَمَايِي ، كِه اِيْنِ حَقِيْقَتِ رَا خُوْدِ دَر كِتَابَتِ نَضْمِيْنِ فَرْمُوْدَه اِي وَ چِنِيْنِ گَفْتَه اِي وَفَوَلُّكَ الْحَقُّ « وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ گَفْتَه تُو حَقِّ مَطْلُقِ اسْتِ : «خَدَاوَنْد بَه كَسَانِي اَز شَمَا كِه اِيْمَانِ آوْرْدَه وَ كَارَهَايِ شَايِسْتَه اَنْجَامِ دَادَه اَنْد وَعَدَه لِيَسْتَنْحَلِفْنَهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيَمْكُنَّنْ دَادَه اسْتِ

که در زمین خلافت دهد، همان گونه که به پیشینیان آن ها نیز خلافت روی زمین را بخشید؛ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّناً وَدِيناً وَآيِنِي رَا كَهْ بَرَاىِ اَنَانِ پَسَنَدِيْدَه پَابَرَجَا وَ بَرَقَرَار سَاَزَد وَ تَرَس شَان رَا بَه اَمِيْت وَ اَرَامَش مَبْدَل كَنَد (اَن يَغْتَبِدُوْنَنِي لِاِيْشِرْكُوْنَ بِيْ شَيْئاً) (۱). اَللّٰهُمَّ فَارْكُشِفْ غَمَّهٖمُ ، يَا مَنْ چَنان( كَه تَنها مَرَا پَرَسَتَش كَنَنَد وَ چِيْزِي رَا شَرِيْكَ مَن قَرَار نَدَهَنَد . خَدَاوَنَدَا ؛ غَم وَ اَندَوَه اَن هَا رَا بَرطَرَف كَن ؛ اِي كَسِي كَه لِاَيْبَلِكُ كَشَفَ الصُّرَّ اِلَّا هُوَ ، يَا اَحْيِدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، وَ اَنَا يَا جَزَاوُ ، كَس دِيْگَرِي بِيْچَا رُگِي وَ سَخْتِي رَا نَمِي زَدَايِد ؛ اِي خَدَاى يْگَاَنَه وَ هَمَوَارَه زَنَدَه وَ پَايْنَدَه ؛ اِي خَدَاى مَن ؛ اِلَهِي غَبِيْدُكَ الْخَايْفُ مِنْكَ ، وَالرَّاجِعُ اِلَيْكَ ، اَلْسَّائِلُ لَكَ ، اَلْمُقْبِلُ هَمَانَا مَن بَنَدَه تَرَسَان اَز تُو هَسْتَم وَ بَه سُوِي تُو بَاَز مِي گَرْدَم وَ اَز تُو دَرخَوَاسَت مِي كَنَم وَ بَه دَرگَاه تُو عَلِيْكَ ، اَللّٰجِيْ اِلَى فَنَائِيْكَ ، اَلْعَالِمُ بِاَنْهُ لَا مَلْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ . رُو مِي اَوْرَم وَ بَه اَسْتَان اَمَن تُو پَنَاه مِي بَرَم وَ نَبِيْكَ مِي دَانَم كَه اَز تَرَس تُو ، جَز بَه خَوْدَت نَمِي تُوَان پَنَاه بَرَد . اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعَاىِي ، وَ اَسْمِعْ يَا اِلَهِيْ غَلَايِيْتِي وَ نَعْوَاىِي ، وَ اجْعَلْنِيْ خَدَاىَا ؛ دَعَايِم رَا بِيْذِيْر ؛ اِي خَدَاى مَن ؛ بَه سَخَن اَشْكَار وَ رَاز پَنهَان مَن گُوْش فَرَا دَه ، وَ مَرَا اَز اَنَان قَرَار دَه مَعْرُنْ رُضِيْتِ عَمَلَه ، وَ قَبِلْتِ نُسُكَه ، وَ نَجَّبْتَه بِرَحْمَتِيْكَ ، اِنَّكَ اَنْتَ كَه اَز كَرْدَارَش خَشْتُوْد هَسْتِي وَ اَعْمَالَش رَا

می پذیری و با رحمت خودت) او را از ورطه های زندگی (نجات می دهی ؛ ۱ . سوره نور ، آیه ۵۵ .

الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ اَوْلًا وَاٰخِرًا عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، همانا تو خدای شکست ناپذیر بخشنده ای . خداوندا ؛ در ابتدا و انتها بر محمد و آل محمد درود فرست، وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ، و برای محمد و آل محمد برکت و فزونی عطا کن، و بر محمد و آل محمد رحم نما بِاَكْمَلِ وَاَفْضَلِ مَا صِيَلْتْ وِبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰى اَنْبِيَاۡكَ به نوعی کامل تر و برتر از درود و برکت و رحمتی که بر پیامبران و رُسُلِكَ، وَمَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ بِاِلٰهٍ اِلَّا اَنْتَ . اَللّٰهُمَّ و رسولان و فرشتگان و حاملان عرش فرستاده ای؛ به حرمت این واقعیت که جز تو خدایی نیست . خدایا ؛ وَلَا تَفْرِقْ بَيْنِيْ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، میان من و محمد و آل محمد - که درود تو بر او و ایشان باد - جدایی میفکن ؛ وَاَجْعَلْنِيْ يٰ مَوْلَايْ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَاي مولاى من ؛ مرا از شیعیان و پیروان محمد و علی و فاطمه و حسن و الحسین و ذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةِ الْمُتَّجِرَةِ، وَهَبْ لِيْ التَّمَشُّكَ و حسین و اولاد پاک و نیک نژاد و شریف آن ها قرار ده و به من توفیق عنایت کن که به بِحَبْلِهِمْ، وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ، وَالْاِخْتِاطَ بِطَرِيقَتِهِمْ، اِنْكَ جَوَادُ كَرِيْمٍ . ریسمان آن ها جنگ زبم، و به راه شان خوشنود گردم و روش آنان را در پیش گیرم ؛ همانا تو بسیار کریم و

بخشنده هستی . سپس صورت به خاک بمال و بگو :

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ أَي كَسِي كِه أَنجِه مِي خَوَاهِد حَكَم مِي كِنْد، وَ هِر چيزِي رَا كِه اراده كِنْد انجام مِي دِهْد ؛ حَكَم از آن توست ؛ پس حمد و ستايش سزاوار تو است مَخْمُوداً مَشْكُوراً، فَعَجَلُ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ ، وَفَرَجْنَا بِهِمْ ، فَإِنَّكَ فِي حَالِي كِه ستايش شده و سپاسگزارِي شده هستي . أَي مَوْلَايَ مِنْ ؛ در فرج آنان و فرج ما كه به سبب آنان تَحَقَّق پيدا مِي كِنْد تَعَجِيل كِن ، هَمَانَا صَبَرْنَا إِعْزَاؤَهُمْ بَعِيدَ الدَّلِيلِ ، وَتَكْتِيْرَهُمْ بَعِيدَ الْقَلْبِ ، وَإِظْهَارَهُمْ تَوْعَرَّتْ آن ها را پس از خوارِي ، وَ فَرْوَنِي آنان را پس از كَمِي، وَ جَلُوهُ كَرْدَن شان را بَعْدَ الْخُمُولِ ، يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . پس از گنمنا مِي ضَمَانَت كَرْدِه أَي ؛ أَي رَاسَت گوتَرين رَاسَت گويان ؛ أَي مِهْرَبان تَرين مِهْرَبانان ؛ فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي ، مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، أَي خدای من ؛ أَي آقاي من ؛ از تو با تَضَرُّع و گريه و زاری به درگاه كَرَم و بَخْشِشْت ، دَرخَواست مِي كِنْم بَسْطَ أَمَلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي ، وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ، وَالزِّيَادَةَ كِه آرْزُوهايم را تَحَقَّق بَخْشِي، وَ از گناهايم درگذري، وَ كَم و زياد عملم را بپذيري؛ فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدِ ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى وَ دَر مَدَّتِ عَمْرَم زِياد مَرَا بَدان حَرَم مَطْهَر وَ بارگاه شَرِيف شَرِيفاب گَرْدانِي . مَرَا از كَسانِي قَرار دِه كِه فَيَجِيبُ إِلَي طاعَتِهِمْ وَموالاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ ، وَتُرِيئِي ذَلِكَ قَرِيباً لِي بَرای ياري ، دُوستِي وَ فرمان برداري ايشان خوانده مِي شُونْد وَ بِي دَرنگِ پاسَخ

می دهند ، و این زمان را هر چه زودتر سریعاً فی عافیهِ ، اِنِّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ .

با عافیت و سریع به من بنمایان که همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی .

سپس سرت را به طرف آسمان بلند کن و بگو :

اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الَّذِيْنَ لَا يُرْجُوْنَ اَيَّامَكَ ، فَاَعْدُنِيْ يَا خدایا ؛ به تو پناه می برم از این که از آنانی باشم که به روزهای (بزرگ) تو اُمید ندارند ؛ پس اِلٰهِيْ بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذٰلِكَ .

به رحمتت مرا از این گرفتاری پناه ده .

ای پسر سنان ؛ این دعا از چندین حج و عمره مستحبی که ثروتت را در آن راه مصرف کنی و بدنت را به زحمت بیندازی و از خانواده ات جدا شوی ، برتر است .

و آگاه باش که خدای تعالی به هر کس که در این روز این نماز را به جای آورد و این دعا را خالصانه بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق (به خدا و ائمه علیهم السلام) انجام دهد ، ده ویژگی عطا می کند :

از مرگ بد او را حفظ می کند ؛ از مشکلات و فقر در امانش می دارد ؛ تا زنده است دشمن را بر او چیره نمی گرداند ؛ خودش و فرزندانش را تا چهار نسل از دیوانگی ، جذام و پیسی می رهاوند ؛ بر او و فرزندانش تا چهار پشت ، راهی برای شیطان و همکارانش باقی نمی گذارد .

دعای دیگری در روز عاشورا

پسر سنان می گوید : از نزد امام رفتم در حالی که می گفتم : سپاس خدای را که با معرفت و دوستی شما بر من منت نهاد ، و از

او یاری می طلبیم که با منت و رحمتش، بر اطاعت شما - که خدا بر من واجب کرده است - موقفم بدارد. (۲)

## ۲ دعای دیگری در روز عاشورا

«صالح بن عقبه» از پدرش از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

آن کس که در دهمین روز محرم، حسین بن علی علیهما السلام را زیارت کند و تمام روز را نزد قبر مطهرش گریان باشد؛ روزی که خدا را ملاقات می کند ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه (جهاد) دارد که ثواب هر غزوه و حج و عمره آن مانند ثواب کسی است که با پیامبر و امامان هدایتگر، حج و عمره بجای آورده و جهاد کند.

گفتم: فدایت شوم، اگر کسی در نقطه ای دور دست بود که امکان رسیدن به قبر امام حسین علیه السلام را در این روز نداشت چه کند؟ فرمود:

اگر آن گونه بود، به صحرائی برود و یا به مکان بلندی در خانه اش رود و با اشاره (به حضرت امام حسین علیه السلام) سلام کند و در لعن و نفرین برقاتلاناش، تلاش کند و پس از آن دو رکعت نماز بگذارد؛ و باید این اعمال را در آغاز روز، قبل از زوال خورشید انجام دهد.

سپس بر امام حسین علیه السلام گریه و ندبه کند و به هر کس که در خانه اش حضور دارد (جز کسی که از او تقیه می کند) امر کند که بر آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و بی تابی بر این مصیبت در خانه اش عزاداری بپا نماید و به یکدیگر تعزیت بگویند

. اگر این کارها را انجام دهد من ضمانت می کنم که همه آن اجرها را نزد خداوند بلند مرتبه ، داشته باشد .

گفتم : فدایت گردم ، آیا شما برای ایشان این گونه ضمانت می کنی ؟

فرمود : آری ، من ضامن هستم و عهده دار برای کسی که آن را انجام دهد .

گفتم : چگونه به یکدیگر تعزیت بگوییم ؟ فرمود : بگویید :

أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ، وَجَعَلَنَا وَإِنَّا كُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ خِداوند اجرهای ما را بر مصیبت مان بر حسین ، بزرگ گرداند ، و ما و شما را از انتقام جویان بنارِ مَعِ وَلِيهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (۳) خونش همراه با ولیش ، امام و پیشوای هدایت شده از آل محمد – که سلام بر آنان باد – قرار دهد .

### ۳ دعای ایام ماه رجب ...

دعای ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است

ابن عیاش می گوید : از اموری که از ناحیه مقدسه امام عصر ارواحنا فداه به دست شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید رسیده ، دعایی است که در هر روز از ماه رجب خوانده می شود :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ ، پروردگارا ؛ از تو درخواست می کنم به معانی تمام آنچه را که اولیاء امورت ، تو را به آن می خوانند ؛ الْأَمُوتُونَ عَلَى سِرِّكَ ، الْمُشْتَبِتُونَ بِأَمْرِكَ ، الْوَاصِلُونَ أَنَا نَ أَنْ كَ بِرِ سَرَ تَوَ اَمِينِ وَ بِه اَمِرِ تَوَ خَشَنُودِ وَ مَفْتَخَرِنَد ، اَن هَا كَ لِقَدْرَتِكَ ، اَلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ ، اَسْأَلُكَ بِمَا تَطَّلَقَ فِيهِمْ مِنْ مَسِيئَتِكَ ، قَدْرَتِ تَوَ ا تَوْصِيفِ وَ عَظْمَتِ تَوَ ا نِشَانِ مِی دَهِنْد ؛ دَرِخَوَاسْتِ مِی كِنَمِ بِه اَنچِه مَشِيْتِ تَو





و ایمان و تئییاً، یا باطناً فی ظُهورِهِ و ظاهراً فی بَطُونِهِ و مَكُونِهِ، یا و استواری مرا فزونی بخشی؛ ای نهانی که در عین پنهان بودن آشکاری، و ای آشکاری که در عین آشکار بودن پنهانی؛ ای مُفَرَّقاً بَیْنَ النُّورِ وَاللَّذَبِجُورِ، یا مَوْضُوعاً بَغَیْرِ كُنْهِ، و مَعْرُوفاً جِداً كُنْده میان نور و تاریکی؛ ای آن که وصف شده ای ولی نه با کنه ذات؛ و ای آن که شناخته شده ای اما بَغَیْرِ شَبِیهِ، حَادُّ كُلِّ مَعْتَدٍ، و شَاهِدٌ كُلِّ مَشْهُودٍ، و مَوْجِدٌ كُلِّ نَهٍ و سبیله تشبیه و همانند؛ ای تعیین کننده حدّ و اندازه هر محدود؛ و ای گواه هر مشهود؛ و ای ایجاد کننده هر مَوْجُودٍ، و مُحَصِّی كُلِّ مَعْدُودٍ، و فَاقِدٌ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَیْسَ دُونَكَ مِنْ موجود؛ و ای شمارشگر هر شمرده شده؛ و ای نابود کننده هر نابود شده؛ جز تو مَعْبُودُ أَهْلِ الْكِبَرِیَاءِ وَالْجُودِ، یا مَنْ لَا یَكْتَفُ بِكَيْفٍ، وَلَا یُؤَيِّنُ مَعْبُودِی نِیْسْت؛ و تو اهل کبریا و بزرگواری و بخشش هستی. ای خدایی که به چگونگی و کیفیت توصیف نگردد، و از بَأْتِنِ، یا مُخْتَجِباً عَن كُلِّ عَیْنٍ، یا دَیْمُومٌ یا قَیُومٌ، و عَالَمٌ كُلِّ جَا و مَكَانٍ او پرسش نشود؛ ای آن که از چشم ها پنهانی؛ ای وجود دایم، ای پابنده، ای دانای هر مَعْلُومٍ، صِلْ عَلَی عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِیْنَ، وَبَشِّرْكَ الْمُخْتَجِبِیْنَ، معلوم، درود فرست بر بندگان برگزیده ات؛ و انسان های پرده دارت؛ و مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِیْنَ، وَالْبُهَمِ الصَّافِیْنَ الْحَافِیْنَ، وَبَارِكْ لَنَا فِی و بر فرشتگان مقربت؛ و آن خاموشان به صف ایستاده و احاطه کنندگان.

و این شهرنا هذا المَرْجَبِ الْمُكَرَّمِ، و ما بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَأَسْبَغَ ما هِجْرَةَ رَجَبٍ و نيز ماه های حرام بعد از آن را بر ما مبارک گردان ؛ عَلَيْنَا فِيهِ النَّعْمَ ، وَأَجْزِلُ لَنَا فِيهِ الْقَسَمَ ، وَأَبْرَزُ لَنَا فِيهِ الْقَسَمَ ، و در آن ، نعمت هایت را بر ما فرو ریز ، و بهره های ما را در این ماه بسیار گردان، و سوگند ما را در آن صادق قرار بده ، بِأَشْيَئِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَيَّ النَّهَارِ بِه خَاطِرِ بزرگ ترین، بزرگ ترین، باشکوه ترین و گرامی ترین نامت ؛ نامی که چون بر روز نهادی فَأَصَاءَ ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأُظْلِمَ ، وَأَغْفِرُ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا مِنَّا وَمَا لَا تَعَلَّمُ ، روشن شد و وقتی بر شب قرار دادی ، تاریک گشت . خداوندا ؛ آنچه از گناهان ما را که تو می دانی و ما نمی دانیم بر ما ببخش؛ وَأَعَصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ ، وَأَكْفَيْتَنَا كَوَافِي قَدْرِكَ ، وَآمَنْتُنِي و ما را به بهترین وجه از گناهان نگهداری و حفظ فرما؛ و ما را با تقدیر کفایت کننده خود بسنده باش؛ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظَرِكَ ، وَلَا تُكَلِّمْنَا إِلَّا بِخَيْرِكَ ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ ، و با نگاه نیکویت بر ما مَنّت بگذار . و به غیر خودت وامگذار، و از خیر و خوبیت محروم مان مفرما ؛ وَبَارِكْ لَنَا فِي مَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ لَنَا حَبِيبَةَ أَشْرَارِنَا، و به عمری که برای ما مقزّر داشته ای برکت عنایت کن، و درون و باطن مان را اصلاح فرما، وَأَعْظِمْنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَجْعَلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَهُ و برای ما از سوی خود امان بده، و ما را با ایمان

نیکو و کردار نیک بکار گیر، و ما را به ماه الصَّیامِ ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . (۴) مبارک رمضان و روزها و سال های پس از آن ، برسان ؛ ای دارای شکوه و بزرگواری .

دعای دیگر در ایام ماه رجب ...

نگارنده کتاب «عمده الزائر» در مورد دعای فوق ، چنین توضیح می دهد :

صاحبان امر و حکومت الهی ، محمّد صلی الله علیه وآله وسلم و آل محمّد علیهم السلام هستند که بدین صفات زیبا ، موصوف گشته اند؛ آنان، دارای مقاماتی هستند که در هیچ مکانی تعطیل نخواهد گشت ؛ هر گاه با آن معانی و حقایقی که نزدشان ذخیره و پنهان است ، خدا را بخوانند یا هر دعاکننده دیگری به وسیله آن ها خدا را بخواند ، و یا خدا را به آن دعاهایی که آن بزرگواران در جایی و بر هر چیزی خوانده اند بخواند ، خداوند دعایشان را اجابت می کند بدون این که دعای آن ها رد شود . زیرا خداوند فیض رسان است و آن عزیزان قابلیت دارند ؛ لذا به برکت آن هاست که بر هر دعا کننده ای بلکه بر همه مخلوقات فیض نازل می شود .

این است راز این مطلب که باید در هر حاجت و نیازی بر آن ها صلوات فرستاد و به خداوند از طریق آنان توسّل جست . چرا که هر کس بر آنان درود فرستد ، درخواستش رد نخواهد شد . (۵)

#### **دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است**

ابن عیاش می گوید : این دعا نیز از ناحیه مقدسه به دست حسین بن روح قدس سره رسیده است که در هر روز از ماه رجب خوانده می شود :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي، خدایا؛ از تو درخواست می کنم به حقّ دو تولّد یافته در ماه رجب، یعنی محمد بن علی دوّم (حضرت جواد علیه السلام) و ابی علی بن محمد المنتجب، و اتّقربُ بهما إِلَيْكَ خَيْرَ الْقَرَبِ، و فرزندش علی بن محمد که برگزیده شده است؛ و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین وجهی تقرب می جویم. یا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبٌ، و فیما لَمَدَيْهِ رُغَبٌ. أَشَأَلُكَ سُؤَالَ آي كَسِي كَه هر نیکی از او درخواست می شود، و به آنچه نزد اوست رغبت می شود. از تو درخواست می کنم مُعْتَرِفٍ مُذِيبٍ قَدْ أُوبِقْتُهُ دُؤُوبُهُ، و أُؤْتِقْتُهُ عُيُوبُهُ، فَطَالَ عَلَيَّ هَمَانِدَ گناهکاری که به جرمش اعتراف می کند، و گناهانش او را به هلاکت و عیب هایش او را در بند کشیده؛ دیر زمانی است ۱. عمده الزائر: ۱۷۴.

الْحَطَايَا دُؤُوبُهُ، و مِنَ الرِّزَايَا حُطُوبُهُ، يَسَأَلُكَ التَّؤْبَةَ، و حُشْنَ كَه بر اشتباه کاری ها عادت کرده و كارش با مصيبت های بزرگ می گذرد؛ از تو درخواست توبه التَّؤْبَةَ، و التَّزْوَعِ عَنِ الْحَوْبَةِ، و مِنَ النَّارِ فَكَأَنَّ رَقَبَتِيهِ، و الْعَفْوِ عَمَّا و بازگشت نیكو و بیرون آمدن از گناه می کند، و می خواهد آزادی از آتش جهنم و بخشش فی رِقَبَتِيهِ، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَغْطِمُ أَمَلِيهِ وَتَقْتِيهِ. أَلَلَّهُمَّ وَأَسَأَلُكَ از آنچه در بند اوست را نصیبش سازی. ای مولای من؛ تو بزرگ ترین آرزو و مایه اطمینان او هستی. بار خدایا؛ از تو بِمَسْأَلِكَ الشَّرِيفِهِ، و وَسَأَلُكَ الْمُنِيفِهِ، أَنْ تَتَعَمَّدَنِي فِي هَذَا بِه حَقِّ درخواست های شرافت مندانه ات، و دستاویزهای والایت؛ درخواست می کنم که مرا در این الشَّهْرِ بِرَحْمَةِ مِنِّكَ وَاِسْعِهِ، و نِعْمِهِ وَاِزَعِهِ

، وَنَفْسٍ بِمَا زُرَّ قُتُّهَا مَاهٍ دَر رَحْمَتِ بِي كِرَانَتِ غَرَقِ گَرْدَانِي ، وَ بَر مَن نَعْمَتِ هَاي فَرَاوَانِ عَطَا كُنِي ، وَ بَه مَن نَفْسِي عَطَا كُنِي كِه تَا رُوْزِي كِه قَائِمِيهِ اِلَى نُزُولِ الْحَافِرِيهِ ، وَ مَحَلِّ الْأَخْرِيهِ ، وَ مَا هِيَ اِلَيْهِ صَائِرَةٌ . (٦)  
دَر قَبْرِ فَرُوْدِ آيَمِ وَ دَر مَنزَلِ آخِرَتِ سَكُوْنَتِ گَزِيْنَمِ وَ اَنجَا كِه رَوَانَمِ بَه سُوِي اَن مِي شَتَابِدِ ، نَسَبَتِ بَه اَنجِه نَصِيْبِ اَن نَمُوْدِي قَانِعِ بَاشَدِ .

### ۵ دعای سوم در ایام ماه رجب دعای سوم در ایام ماه رجب

از محمّد بن عبدالرحمان (شوشتری) روایت شده است که گفت : روزی از بنی رواس گذشتم ، یکی از دوستانم به من گفت : اگر دوست داری همراه ما به سوی مسجد صعصعه بیا ، تا در آنجا نماز بخوانیم ، زیرا این ماه ، ماه رجب است و زیارت این مکان های شریف که اولیاء ما قدم گذاشته اند ، و آن بزرگواران در آن ها نماز گزارده اند ثواب دارد ؛ و مسجد صعصعه یکی از آن اماکن می باشد .

محمّد بن عبدالرحمان می گوید : باهم به سوی مسجد صعصعه رفتیم و در این هنگام شتری را دیدیم که جلوی درب مسجد خوابانده شده بود ؛ داخل مسجد شدیم و به مردی برخورد کردیم که پیراهن حجازی بر تن و عمامه ای شبیه عمامه آن ها به سر داشت و در حالی که نشسته بود این دعا را می خواند ؛ من و همراهم نیز آن را حفظ کردیم ، و آن دعا این است :

(شیخ طوسی اعلی الله مقامه می فرماید : در هر روز از ماه رجب مستحب است این دعا خوانده شود :

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغِ ، وَالْاَلَاءِ الْوَازِعِ ، وَالرَّحْمَةِ الْوَابِغِ ، خَدَا يَا ؛ اِي كَسِي كِه دَارَايِ لَطْفِ وَ اِحْسَانِ

فراوان ، و نعمت های گسترده، و رحمت فراگیر، وَالْقُدْرَةُ الْجَامِعَةُ ، وَالنَّعْمُ الْجَسِيمَةُ ، وَالْمَوَاهِبُ الْعَظِيمَةُ ، و قدرت جامع و کامل ، و نعمت های عظیم و بخشش های بزرگ ، وَالْأَبَادِي الْجَمِيلَةُ ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةُ . يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ ، و هدیه های زیبا، و عطایای فراوان هستی. ای کسی که به وسیله تمثیل وصف نمی شود، و به هیچ موجودی به عنوان وَلَا يَمْتَلُ بِنَظِيرٍ ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ ، یا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ ، وَالْهَمَّ نَظِيرَ مِثَالٍ زِدَهُ نَمِي شُود، و به کمک پشتیبان، مغلوب نمی شود؛ ای کسی که موجودات را خلق کرد؛ سپس به آنان رزق و روزی داد؛ و به آنان الهام فَأَنْطَقَ ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ ، وَعَلَا فَأَرْتَفَعَ ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ ، وَصَوَّرَ كَرْد؛ پس به سخن درآورد؛ و نوآوری نمود، سپس تشریح کرد؛ و برتری یافت، پس رفیع و بلندمرتبه گردید؛ و تقدیر کرد پس نیکو گردانید؛ فَأَنْقَنَ ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ ، وَأَنْعَمَ فَأَشْبَعَ ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ ، وَمَنَحَ وَتَصَوَّرَ كَرْد پس محکم نمود؛ و با دلیل استدلال كَرْد پس رَسَا گردانید؛ و نعمت داد پس آن را کامل کرد؛ و عطا نمود فَأَفْضَلَ . يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ ، وَدَنَا فِي بَسِ أَنْ رَا بِيْشْتَر كَرْد؛ و بخشش نمود، و آن را فزونی داد . ای کسی که اوج گرفت در عِزَّت و توانندی، و به همین خاطر دیدگاه های چشمان اللُّطْفِ فَجَاوَزَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نَدَّ تَوَاسُتَ بَه سوی او راه یابد؛ و آن قدر به لطافت نزدیک شده که از هر آنچه به ذهن خطور می کند می گذرد؛ ای کسی که

در پادشاهی، لَهْ فِي مَلَكُوتِ شَيْطَانِهِ ، وَتَفَرَّدَ بِالْإِلَهِ وَالْكَبْرِيَاءِ ، فَلَا ضِدَّ لَهُ تَنَاهَا هِستى؛ پس همتایی برای او در قدرت و سلطنت بر هستی نیست؛ و در نعمت ها و شکوه و عظمت، یگانه و بی مانند هستی؛ پس فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ ، يَا مَنْ خَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِهِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ در مقام جبروت و استیلاء ضدی برای او نیست؛ ای کسی که لطایف و دقت ها و ریزبینی های افکار و الأوهام ، وَأَنَحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْإِنْسَانِ . تصورات و نیروی خیال در هیبت و شکوه او حیران و سرگردان، و در ادراک کمترین مرتبه بزرگی او دیدگان جستجوگر مردم ناتوان شده . يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ ، وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ ، وَوَجَلَّتْ أَي كَسَى که صورت ها به خاطر عظمت و جلال او خوار و ذلیل گردید و از بین رفت، و گردن ها به خاطر عظمت او خم شد و خاشع القلوب مِنْ خِفَّتِهِ ، أَشَأْلُكَ بِهِذِهِ الْيَدِخِهِ الَّتِي لَا تَتَّبِعِي إِلَّا لَكَ ، گشت، و قلب ها از ترس او لرزان و هراسان شد؛ به خاطر این، مدح و ثنایی که هیچ کس به غیر تو سزاوار و شایسته آن نیست؛ وَبِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ لِتُدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِمَا ضَجَّتْ وَ به خاطر آنچه برای مؤمنانی که تو را می خوانند، بر خودت وعده داده ای؛ و به خاطر آنچه برای الإِجَابَةِ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ . يَا أَسْمِعَ السَّامِعِينَ ، وَأَبْصُرَ دَعَاكِنْدِغَانِ ، اجابت کردن را ضامن شده ای؛ از تو طلب می کنم. ای شنواترین شنوندگان، و بیناترین الناظرین ، وَأَشْرَعَ الْحَاسِبِينَ ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَيْنِ ، صَلَّى عَلَى

بینندگان، و سریع ترین محاسبه کنندگان؛ ای صاحب نیرو و توان محکم؛ بر مُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ [الأئمة الصادقين] ، وَأَقْسَمُ بِإِيَانِ بَخْشِ پیامبران حضرت محمّد صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت او - که پیشوایان راستگو هستند - درود بفرست؛ و لی فی شَهْرِنَا هَذَا خَيْرٌ مَا قَسَمْتُمْ ، وَاخْتِمْ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرٌ فِي هَذِهِ الْمَهَةِ، بهترین قسمت ها را برای من قرار بده؛ و بهترین حکم را در قضا و قدر خودت برای من ما خَتَمْتَ ، وَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيْمَنْ خَتَمْتَ ، وَأَخِيْنِي مَا حَتَمِيْ گِردان ، و پایان کار مرا به سعادت ختم کن، در میان کسانی که کارشان را به پایان رسانیدی ، و تا مادامی أَحْيَيْتِنِيْ مَوْفُورًا ، وَأَمَيْتِنِيْ مَشِيئَةً وَمَغْفُورًا ، وَتَوَلَّ أَنْتَ كَمَا مَرَّ زِنْدَةٌ نَغْمَةٌ مِيْ دَارِيْ نِعْمَتٍ رَا بِرٍ مِنْ زِيَادٍ وَفِرَاوَانَ بَغْرِدَانَ؛ و مرا در حالی که شادان و بخشیده شده ام ، بمیران؛ و خودت نجاتی مِنْ مُسَائَلَةِ الْبَرْزَخِ ، وَادْرَأْ عَنِّيْ مُنْكَرًا وَنَكِيرًا ، وَأَرِنِيْ نِجَاتَ مَنْ يَرْزُقُ هَآءِ بِرِزْقِهِ مَا عَهْدَ بَغِيْرٍ؛ و نکیر و منکر را از من دور کن؛ عَيْنِيْ مُبَشِّرًا وَنَبِيْرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصِيْرًا وَبَشِيْرًا بِرِزْقِهِ مَا عَهْدَ بَغِيْرٍ؛ و بازگشت مرا به سوی بهشت و رضوان خودت قرار بده؛ وَعَيْشًا قَرِيْرًا ، وَمُلْكًا كَبِيْرًا ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيْرًا . و زندگی خوش و کامیاب ، و دارایی بزرگ برایم قرار بده؛ و بر محمّد و آل او درود فراوان بفرست .

سپس آن مرد سجده ای طولانی کرد ، و از جایش برخاست و شترش را سوار



شد و از آنجا رفت .

دوستم به من گفت : به نظر ما او حضرت خضر علیه السلام بود ؛ چه شد که با او صحبت نکردیم ؟ گویا زبان ما را از صحبت کردن باز داشته بودند !

از مسجد خارج شدیم و در راه پسر ابی رواد روایی را دیدیم ؛ او به ما گفت : از کجا می آید ؟

گفتیم : از مسجد صعصعه ؛ و جریان را نیز برایش بازگو کردیم .

او گفت : این سوار دو سه روز یک بار به مسجد صعصعه می آید ، و هیچ حرف نمی زند ؛ به او گفتیم که : او کیست ؟

گفت : شما فکر می کنید چه کسی باشد ؟

گفتیم : گمان می کنیم حضرت خضر علیه السلام باشد .

گفت : به خدا سوگند ، فکر می کنم او کسی است که حضرت خضر علیه السلام هم محتاج دیدار اوست . بروید که سعادتمند شدید .

دوستم به من گفت : به خدا سوگند ، آن شخص امام زمان ارواحنا فداه بود . (۷)

نگارنده می گوید : سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمه الله می فرماید : این دعا از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است ، ولی به خاطر این که در ایام ماه رجب خوانده می شود آن را در این جا (بخش ادعیه ماه ها) نقل کردیم .

و در بخش اول (نمازها ، ص ۱۳۶) دوازده رکعت نماز را در روز بیست و هفتم ماه رجب با دستور آن نقل کردیم ، به آنجا مراجعه کنید .

### **دعای روز سوّم ماه شعبان**

#### **دعای روز سوّم ماه شعبان**

علاّمه مجلسی رحمه الله در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید : وکیل امام حسن عسکری علیه السلام - قاسم بن علاء همدانی -

نامه ای از ناحیه مقدسه دریافت کرد که در آن فرموده بودند :

همانا مولای ما امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه سوّم شعبان به دنیا آمدند؛ آن روز را روزه بگیر ، و این دعا را بخوان .(۸)

و در کتاب «زاد المعاد» می فرماید : امام زمان صلوات الله علیه این دستور را صادر فرمودند :

روز سوّم ماه شعبان را روزه بگیر و این دعا را بخوان؛ زیرا این روز ، روز ولادت امام حسین علیه السلام است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَلْجِىْكَ بِحَقِّ الْمَوْلُوْدِ فِىْ هٰذَا الْيَوْمِ ، الْمَوْعُوْدِ بِشَهِادَتِهِ اِىْ خِدا؛ از تو درخواست مى كنم به حَقّ مولود در اين روز كه پيش از آن كه چهره اش ظاهر شود و متولد گردد به قَبْلِ اسْتِثْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ ، بَكَتُّهُ السَّمَاءُ وَ مَنْ فِيْهَا ، وَالْاَرْضُ وَ مَنْ فِيْهَا ، وَ مَنْ شَهِدَتْ او وَعَدَهُ داده شده ، كسى كه بر او آسمان و هر كه در آن است و زمين و هر كه بر روى آن است بر (مظلوميت) او گريستند ، عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطَّأْ لَابَتَيْهَا ، قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْاَشْرَةِ ، الْمَمْدُوْدِ در حالى كه هنوز قدم به اين دنيا نگذاشته بود ، او كشته گريه و سرور خاندان است كه با انتقام خون پاكش بِالنُّصْرَةِ يَوْمِ الْكُوْفَةِ ، الْمَعْوِضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَنْبِيَاءَ مِنْ نَسْلِهِ ، در رجعت آل محمّد نصرت و ظفر پايدار خواهد يافت ، و در عوض شهادتش امامان و پيشوايان دين از نسل پاك آن حضرت ، وَالشَّفَاءَ فِىْ تَرْبِيَّتِهِ ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِىْ اَوْبَتِهِ ، وَالْاَوْصِيَاءَ مِنْ وَ شفاى هر درد و مرضى در تربت اوست ، و رستگارى و پيروزى همراه اوست به هنگام رجعتش ، وَ عَثْرَتِهِ ، بَعْدَ قَاتِمِهِمْ

وَعَبِيَّتِهِ ، حَتَّى يُدْرِكَوا الأَوْتَارَ ، وَيُنْأَرُوا اَوْصِيَا از عترت او هستند ، پس از حضرت مهدی علیه السلام و بعد از غیبت آن حضرت تا اینکه به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام ۱ . بحار الأنوار : ۳۴۷/۱۰۱ .

النَّارَ ، وَيُرْضُوا الْجَبَّارَ ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ ، صِلَى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ، گیرند، و خداوند جبار را از خودشان خشنود کنند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند . درود خدا بر آنان مَعَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ . اَللّٰهُمَّ فَيَحْفَظْهُمْ اِلَيْكَ اَتَوَسَّلُ ، وَاَسْتَيْلُ تا زمانی که روز و شب در رفت و آمد هستند . بار خدایا ؛ به حقّ آنان به درگاه تو توسل می جویم، و از تو درخواست می کنم سُؤالٌ مُّقْتَرِفٌ [وَمُعْتَرِفٌ] ، مُسَى ۱۱ اِلَى نَفْسِيهِ ، مِمَّا فَرَطَ فِيْ مَا نَدَّ كُنْهَ كَارِيْ كِه اعتراف به گناهان خود می کند؛ به خود بدی نموده به خاطر این که یَوْمِهِ وَاَمْسِيهِ ، يَسْتَلُكَ الْعِصْمَةَ اِلَى مَجَلِّ رَمِيهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ در روز و شب خود کوتاهی کرده است ، از تو درخواست می کند که او را تا هنگام مرگ از گناه محفوظ بداری . خدایا؛ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَتَرَتِيْهِ ، وَاَحْسَبُنا فِيْ رُؤْمَرِيْهِ ، وَبِوُثْنَا مَعَهُ دَارَ بر حضرت محمد و عترت پاکش درود فرست، و ما را در زمره آن بزرگوار محشور فرما، و در سرای الكرامه ، وَمَجَلِّ اَلْاِقَامَةِ . اَللّٰهُمَّ وَكَمَا اَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِيْهِ ، فَاکْرِمْنَا بِكِرَامَتِيْهِ ، بِعِنْيَتِيْهِ ، وَبِوُثْنَا مَعَهُ دَارَ بر حضرت محمد و عترت پاکش درود فرست، و ما را در زمره آن شناخت او گرامی داشته، پس با بَزَلْفَتِيْهِ ، وَازْرُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ

، تقرب به او نیز گرامی دار؛ و دوستی، همراهی و شتافتن به سوی او را روزی ما بگردان، و ما را از کسانی قرار ده که در برابر امر او تسلیم و بیکتر الصلاة علیه عند ذکره، و علی جمیع اوصیایه و أهل است و در هنگام یاد نمودن از او درود بسیار بر او و تمامی اوصیا و برگزیدگان او می فرستد، اضیطفایه، الممئودین منک بالعددی الاثنی عشر، التجموم الزهر، آنان که از طرف تو پیوسته آمده اند، و تعدادشان دوازده تن می باشد؛ همه آن ها ستارگان درخشان، و الخجج علی جمیع البشر. اللهم وهب لنا فی هذا الیوم خیر و برای تمامی انسان ها حاجت می باشند. خدایا؛ در این روز، بهترین بخشش خود را به ما ببخش؛ مؤهیه، و أنجیح لنا فی کل طلبه، كما وهبت الحسین لمحمد و در این روز، تمامی حاجات ما را برآورده کن، همان طور که امام حسین علیه السلام را به جدش جدیه صلی الله علیه و اله، و عاد فطرس بمهدیه، فنحن عابدون حضرت محمّد - که درود خدا بر او و آل او باد - هدیه دادی و فطرس - فرشته الهی - به گهواره اش پناه برد؛ ما نیز پس از شهادتش بقره من بعهده، نشهد تزیته، و تنتظر اویته، امین رب العالمین. (۹) به قبر او پناه می بریم و در نزد تربت او حاضر می شویم و منتظر بازگشتش می باشیم؛ ای پروردگار هستی؛ دعای ما را مستجاب کن.

#### فضیلت شب نیمه شعبان

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: سزاوار است تعظیم این شب به خاطر ولادت حضرت مهدی ارواحنا فداه

نزد مسلمانان و کسانی که اعتراف به حقوق امامت ایشان دارند - به مقداری که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آن را ذکر فرموده اند - و سعادت مندان از امت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آن را بشارت داده اند ؛ باشد .

همان طور که روزگار و زندگانی برای مسلمانان تنگ و تاریک شد و لشکریان دشمن بر آنان مسلط شدند و بدیمنی و شومی گناهان شان آنان را احاطه کرد؛ پس خداوند مولودی را به دنیا آورد که آنان را از اسارت و بردگی آزاد کند و آنان را بر حقوق از دست رفته ایشان قدرت و توانایی می دهد و به تمامی افراد بشر آنچه را که مستحق آن هستند ، اعطا می کند ؛ سفره رحمت خود را در شرق و غرب عالم می گستراند ؛ سفره ای که همگان به طور یکسان از آن بهره مند می شوند .

کامل کننده الطاف خداوند با اوصافی نیکو است . او بر آن سفره مانند پدری دلسوز نسبت به فرزندان عزیزش یا مانند حاکمی مهربان و بزرگوار نسبت به رعیت و زیردستانش می نشیند و آن حضرت از مقدمات نشانه های سرور و بشارت های خیر و نیکی نسبت به جهان پایدار را به آن ها نشان می دهد ؛ آنچه را که حاضر آن گواهی بر غایب آن می دهد و دل ها را به سوی اطاعت پروردگار می کشاند .

دعای شب نیمه شعبان

سید بن طاووس رحمه الله در ادامه می افزاید :

تمامی انسان ها باید برای شکرگزاری از آنچه خداوند به وسیله آن حضرت بر آنان ممت گذاشته و به آنان عطا کرده ، و به خاطر این که خداوند آنان را از رعیت و سربازان آن حضرت قرار داده

تا برای یاری اسلام و ایمان، و ریشه کن کردن کفر و سرکشی و دشمنان اسلام، و برپا کردن خیمه های سعادت در تمامی عالم از شرق تا غرب و در دورترین نقاط جهان، او را یاری دهند، این شب را گرامی بدارند و به عبادت پردازند.

و آن ها را در خدمت خداوندی که کسی به ذات او پی نمی برد قرار خواهد داد و نیز در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم - که سبب این ولادت و سعادت و شرافت دادن به ریاست آن حضرت است - و نیز تشکری و خدمتی برای پدران پاک آن حضرت؛ آنان که اصل و ریشه این ولادت مبارک و یاوران آن حضرت در برپا داشتن حرمت و حفظ احترامش می باشند، و نیز تشکری و خدمتی به خود آن حضرت نماید.

همان گونه که واجب است هر بنده ای در برابر زمامدار خود که باعث استواری و پایداری او گردیده و سعادت او را تأمین نموده خدمت کند و گمان نمی کنم که قوت بشری قادر بر قیام به این حقوق عظیم و پسندیده باشد مگر با نیروی الهی.

پس هر بنده ای از بندگان سعادت مند به خاطر نعمت هایی که به وسیله آن حضرت و به خاطر طفیل وجود ایشان به او می رسد، باید با قدرت و جدیت به شکرگزاری قیام کند.

از جمله دعاها و سوگندهایی که در شب نیمه شعبان به واسطه این مولود عالی مقام و ارزشمند، به خدای تعالی می دهیم؛ این دعاست:

### دعای شب نیمه شعبان

#### اشاره

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُوْدِهَا ، وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُوْدِهَا ، اَلْتِيْ خَدَايَا ؛ بِه حَقِّ امْشَبِ مَا و

مولود آن، و حجت تو و وعده داده شده آن، که قَرْنَتْ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لا مُبَدَّلَ بَرْتَرِي دِيگَرِي بَر بَرْتَرِي آن مقرون ساختی و پیوسته نمودی؛ پس کامل گردید کلمه تو به راستی و عدالت، که دگرگون کننده ای لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا مُعَقَّبَ لِآيَاتِكَ، نُورَكَ الْمُتَأَلَّقِي، وَضِيَاءُ وَكُ الْمُشْرِقِ، برای کلمات تو نیست، و نه پس زنده ای بر آیاتت نیست؛ او نور درخشان تو و روشنایی تابان تو وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخْيَاءِ الدَّبِجُورِ، الْعَايِبُ الْمُسْتَبْتُورُ. جَلَّ مَوْلِدُهُ، و پرچم نور در تاریکی شب سیاه، (که جمالش) پنهان و پوشیده است. ولادتش شکوه مند، وَكَرَمٌ مَخْتِدُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاءُهُ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذَا أَنْ نَزَادَ شَرِيفٌ اسْت، و فرشتگان شاهدان اویند، و خداوند یاری کننده و تأییدکننده اوست؛ هنگامی که مِعَادُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُتُ، وَنُورُهُ الَّذِي زَمَانٌ وَعَدَهُ اش فَرَا رَسَدَ، و فرشتگان مددکاران اویند. او شمشیر خداوندی است که کند نشود، و نور خداوندی است لَا يَخْبُو، وَدُو الْجَلْمِ الَّذِي لَا يَضِيئُو، مَدَارُ الدَّهْرِ، وَنَوَامِيْسٌ که هر گز خاموش نگردد، و صاحب بردباری است که از جا در نرود. محور و مرکز چرخش روزگار، و ناموس های الْعَصِيرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الدُّكْرُ، وَمَا يَنْزِلُ فِي لَيْلِهِ زَمَانُهُ، و کارداران فرمان الهی؛ و کسانی که نازل گشته بر ایشان ذکر یعنی قرآن و آنچه در شب الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجَمَهُ وَحِيهِ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ قَدَرٌ نَازِلٌ گَرَدَدُ، و صاحبان گردآوری و پراکنده‌گی، بیان کننده پیام آسمانی او؛ و عهده داران امر وَنَهْيِهِ. اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلِيَّ خَاتِمَهُمْ

وَقَائِمِهِمْ ، الْمَشِيئُورِ عَنِّ وَ نَهِي او مي باشند . بارخدايا ؛ بر آخرين ، و قيام كننده ايشان درود بفرست كه از عَوَالِمِهِمْ (عَوَالِمِهِمْ) ، وَأَذْرِكْ بِنَا أَيْامَهُ وَظَهْرَهُ وَقِيَامَهُ ، وَاجْعَلْنَا عَوَالِمِ ايشان پوشيده است؛ و ما را موفق به درك روزگار و دوران ظهور و قيامش بگردان؛ و ما را مِنْ أَنْصَارِهِ ، وَأَقْرَبُنَا ثَارَنَا بِشَارِهِ ، وَاجْتَبِنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ ، از ياران آن حضرت قرار بده؛ و خونخواهي ما را به خونخواهي او پيوسته گردان؛ و ما را در گروه ياران و مخلصان بي آلايشانش بنويس؛ وَأَخِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ ، وَبِصُحْبَتِهِ غَائِبِينَ ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ ، و ما را در دولت آن حضرت، برخوردار از نعمت زنده بدار؛ و به همراهي او بهره مند، و به ادای حَقِّش پابرجا، وَمِنْ الشُّوءِ سَالِمِينَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و از بدی نیز برکنار بدار ؛ ای مهربان ترين مهربانان؛ و ستايش مخصوص پروردگار جهانيان است؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ، وَعَلَى أَهْلِ فَضِيلَتٍ... دعای كمیل در آن شب

و درود خدا بر حضرت محمد خاتم پیامبران و رسولان و بر اهل بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعَتَرَتِهِ النَّاطِقِينَ ، وَالْعُنَّ جَمِيعَ الطَّالِمِينَ ، بيت راستگو و عترت سخن گوی اندیشمند او باد . خدايا؛ به همه ستم کاران لعنت کن ، وَاخْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يا أَخْكُمُ الْحَاكِمِينَ . (۱۰)

و خودت بين ما و آن ها داوری کن؛ ای بهترين داوران .

نگارنده می گوید : سزاوار است صلوات ضراب اصفهانی كه آن را در صفحه ۲۶۴ این كتاب نقل كردیم ، در شب نیمه شعبان و روزش ، خوانده شود .

#### **فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای كمیل در آن شب**

كمیل بن زیاد می گوید : با مولایم امیرالمؤمنین علی



علیه السلام در مسجد بصره نشسته بودم و گروهی از اصحاب نیز همراه آن حضرت بودند ، پس بعضی از آنان از ایشان سؤال کردند که معنای این فرمایش خداوند : « فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ » (۱۱) ؛ «که در آن شب هر امری باحکمت معین گردد» ، چیست ؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند :

مراد ، شب نیمه شعبان است ؛ قسم به آن کس که جان علی در دست اوست ، هیچ بنده ای نیست مگر این که تمامی خیر و شری که در طول سال تا شب نیمه شعبان آینده بر او می گذرد ، در آن شب برای او تقسیم می شود ؛ و هیچ بنده ای نیست که این شب را با شب زنده داری سپری کند و دعای حضرت خضر علیه السلام را بخواند مگر این که اجابت شود .

امام علیه السلام از مسجد بیرون رفتند ، من شب هنگام در پی ایشان به راه افتادم ؛ حضرت فرمودند : ای کمیل ؛ چه باعث شده که اینجا آمده ای ؟

گفتم : ای امیر مؤمنان ؛ دعای حضرت خضر علیه السلام را می خواهم .

حضرت فرمودند :

ای کمیل ؛ بنشین ؛ هنگامی که این دعا را حفظ کردی ، هر شب جمعه یا در ماه یک مرتبه و یا در طول سال یک مرتبه یا در طول عمرت یک مرتبه این دعا را بخوان که تو را کفایت و یاری می کند ، و روزی تو را زیاد می گرداند ، و آمرزش الهی را هیچ گاه از دست نمی دهی .

ای کمیل ؛ دوستی و همنشینی طولانی تو با ما ، تو را سزاوار نموده که آنچه می خواهی

به تو بخشش نمایم. (۱۲)

حضرت، «دعای کمیل» را به او آموختند که این دعا را در صفحه ۶۸۳ این کتاب نقل می کنیم.

مؤلف گوید: در بخش اول نمازها، ص ۱۳۸ و ۱۳۹ نمازهایی را که در شب نیمه شعبان خوانده می شوند، نقل کردیم به آنجا رجوع کنید.

### دعای افتتاح

دعای افتتاح

علامه مجلسی رحمه الله می گوید: با سند معتبر روایت شده که: امام عصر ارواحنا فداه خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند:

این دعا را در تمام شب های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می دهند و برای خواننده آن، طلب بخشش می کنند.

دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَفْتَحُ النَّاءَ بِحَمْدِكَ، وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، بار الها؛ من ثناگویی تو را با ستایش و حمدت آغاز می کنم؛ و تو به لطف و احسانت هر کار راست و درستی را وَاَيَقُنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ فى مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، استوار کننده ای؛ و یقین دارم که تو در جایگاه بخشش و مهربانی، مهربان ترین مهربانان هستی؛ ۱. إقبال الأعمال: ۲۲۰.

وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِيْنَ فى مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقَمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُجْتَرِبِيْنَ و در جایگاه انتقام و عقوبت نیز سخت ترین کیفر کننده ای؛ و فى مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ. اَللّٰهُمَّ اذْنُتْ لِيْ فى دُعَايِكَ در جایگاه بزرگی و عظمت، بزرگ ترین قدرت و شوکت را دارا هستی. بار الها؛ به من اجازه دادی تو را بخوانم وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعٌ مِدْحَتِيْ، وَأَجِبْ يَا رَحِيْمٌ دَعْوَتِيْ، و از تو درخواست نمایم؛ بنابراین، ای شنونده؛ به ثناگویی

من گوش بده ؛ و ای مهربان ؛ دعایم را اجابت کن ؛ وَأَقْلُ يَا عَفُورُ عَثْرَتِي ، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كَرَمِهِ قَدْ فَرَّجْتَهَا ، و ای آمرزنده ؛ از لغزشم در گذر . خدای من ؛ چه اندوه جانکاه بسیاری که تو برطرف نمودی ؛ وَهُمْوم قَدْ كَشَفْتَهَا ، وَعَثْرِهِ قَدْ أَقْلْتَهَا ، وَرَحْمَتِهِ قَدْ نَشَرْتَهَا ، و چه مصیبت هایی که تو کنار زدی ؛ و چه لغزش هایی که در گذشتی ؛ و چه رحمت و لطفی که تو گسترانیدی ؛ وَخَلَقَهُ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَلَا وَجْهَ حَلْقِهِ هَيْبَةَ بَلَابِي كَمَا هِيَ ، وَهُوَ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَلَا وَجْهَ حَلْقِهِ هَيْبَةَ بَلَابِي كَمَا هِيَ ، وَهُوَ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَلَا وَجْهَ حَلْقِهِ هَيْبَةَ بَلَابِي كَمَا هِيَ . فرمای او نیز شریکی نیست ، و هیچ ولی و سرپرستی از روی الدُّلِّ وَكَبْرِهِ تَكْبِيرًا . الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ ذَلَّتْ وَنَاتَوَانِي اخْتِيَارِ نَكْرَدَه است ، و خدای را در نهایت بزرگی یاد کن . ستایش به تمام انواع آن در مورد نَعْمِهِ كُلِّهَا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ تَمَامِ نِعْمَتِ هَيْبَتِهِ ، مَخْصُوصِ خِدَاسَتِ . ستایش ویژه خدایی است که در فرمان فرمایی او هیچ کس نمی تواند با او ضَدَبَتْ کند و فی أَمْرِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي فِرْمَانِشِ كَشْمَكْشِ كَنْنَدَه اِي بَرَايِ اُو نِيَسْتِ . ستایش ویژه خدایی است که در خلقت و آفرینش شریکی ندارد ، و در عظمت و فی عَظَمَتِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ

الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ، الظَّاهِرِ بزرگیش ماندنی ندارد. ستایش ویژه خدایی است که فرمان او و ستایش او در بین آفریدگان آشکار و شکوهش بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، وَالْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُهُ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، به واسطه کرامت و بزرگواریش هویدا است، و دستش با سخاوت‌مندی همواره گشوده است؛ همان خدایی که گنجینه هایش کم و لا‌تزیده كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُوداً وَكَرَمًا، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ. نمی‌شود، و بخشش زیادش تنها باعث افزایش بخشش و کرم و بزرگواری او می‌شود؛ همانا او، تنها عزتمند بسیار بخشنده است. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ، بارالها؛ از تو می‌خواهم اندکی از بسیار را به طوری که به این اندک بسیار نیازمندم؛ و تو از وَغْنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ. قدیم بی‌نیاز از اینها بوده‌ای و این اندک، نزد من بسیار زیاد و ارزشمند است و برای تو (برآوردنش) هیچ کاری ندارد و کم و آسان می‌باشد. اَللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذُنُوبِي، وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي، وَصِدْقَ مَحْكَمِكَ بَارَالِهَا؛ واقِعیت آن است که بخشش تو نسبت به گناه من، و گذشت تو از اشتباه من، و چشم پوشی تو عَنْ ظُلْمِي، وَسَتْوِكَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي، وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي، از ستم من، و پوشش تو بر رفتار زشت من، و بردباری تو نسبت به جرم سنگین و بسیار من عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطِيئِي وَعَمْدِي، أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا چَه از روی عمد انجام داده‌ام، و چه به طور

اشتیاهی مرتکب شده ام؛ باعث شده است باز هم طمع کنم و اقدام به اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ ، اَلَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَأَرْزَيْتَنِي مِنْ دَرَاخِاسْتِ چيزی از تو نمايم که سزاوار آن نیستم ؛ همان چيزی که از رحمتت نصیبم ساختی ، و از قُدْرَتِكَ ، وَعَزْفَتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ ، فَصِرْتُ أَذْعُوكَ امِنًا . وَأَسْئَلُكَ قَدْرَتِ نَشَانِمِ دَادِي ، و از پاسخ گوئیت که به من شناساندی؛ بدین سان، با آرامش تو را می خوانم. و نیز از تو می خواهم مُشِيئَاتُنَا لَا خَائِفًا وَلَا وَجَلًا ، مُدْلًا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ دَر حَالَتِ اُنْسِ بَا تُو ، نه با ترس و هراس ، و با اطمینان خاطر به سوی تو در آنچه به خاطر آن آهنگ تو کردم ، اِلَيْكَ ، فَإِنْ اُطْأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ ، وَلَعَلَّ اَلَّذِي اُطْأَ پَسِ اِگَر دِير پَاسْخَمِ رَا دَادِي ، بَا نَادَانِيمِ بَر تُو عَنَابِ و سرزنش کنم ؛ با آن که احتمال قوی می رفت چیزی که در دانش عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي ، لِعَلِمِكَ بِعَاقِبَةِ اَلْأُمُورِ ، فَلَمْ اَزْ مَوْلَى كَرِيمًا بَه مِنْ تَأْخِيرِ كَرْدِي بَرَايِمِ بَهْتَرِ بَاشَد ؛ زیرا ، تو پایان همه کارها را می دانی ؛ پروردگارا ؛ هیچ مولای کریم و بزرگواری را اَصْبَرَ عَلَي عَزِيدٍ لَنِيْمِ مِنْكَ عَلَي يَا رَبِّ ، اِنَّكَ تَدْعُونِي فَاوَلَى بَر بِنْدَه پستی شکیباتر از تو بر خود ندیدم . پروردگارا ؛ تو مرا دعوت می کنی ، ولی من روی می گردانم ؛ عَنكَ ، وَتَتَجَبَّبُ اِلَيَّ فَاتَبَعُضُ اِلَيْكَ ، وَتَتَوَدَّدُ اِلَيَّ فَلَا اَقْبِلُ مِنْكَ ، تو به من محبت می کنی ولی من با تو دشمنی می کنم ، تو به من مهر می ورزی ولی

من از تو نمی پذیرم ؛ كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ ، فَلَمْ يَمْتَنِعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي ، گویا من از تو طلبکارم و نسبت به تو برتری دارم؛ ولی این هم باعث نمی شود تو از مهربانی و الإحسانِ إِلَيَّ ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ وَاحْسَنْ وَافْزَنْ بِخَشْيَتِكَ وَبِزُرْكَوَارِيَّتِكَ وَبِزُرْكَوَارِيَّتِكَ وَبِزُرْكَوَارِيَّتِكَ ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ . الْحَمْدُ لِلَّهِ نَادَانَتْ رَحْمَتَهُ ؛ وَبِافْزُونِي إِحْسَانَتِكَ بِرَأْسِ بَخْشِشِكَ فَرَمَا ؛ رَاسْتِي كِه تُو بَخْشِنْدِه وَبِزُرْكَوَارِي . سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ مَالِكِ الْمُلْكِ ، مُجْرِي الْفُلْكِ ، مُسَيِّخِرِ الرِّيَّاحِ ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ، كِه صَاحِبِ فَرْمَانُوایی اسْتِ ، كَشْتِي رَا دَر دَرِيَا رَوَانِ مِي سَازَد ، بَادِهَا رَا دَر إِخْتِيَارِ دَارِد ، شَكَاْفَنْدِه صَبْحِ اسْتِ ، دِيَانِ الدِّينِ ، رَبِّ الْعَالَمِينَ . الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ جِلْمِيهِ بَعْدَ عِلْمِيهِ ، پَادَاشِ دِهْنْدِه رُوزِ جَزَا اسْتِ ، پُرُورْدْگَارِ جِهَانِيَانِ اسْتِ ؛ سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ كِه بَا وَجُودِ آگَاھِيْشِ بَرْدَبَارِي مِي كَنْد ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِيهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ طَوْلِ أَنَاتِيهِ وَ سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ كِه بَا وَجُودِ قَدْرَتِ وَ تَوَانَايِيْشِ عَفُو وَ بَخْشِشِ مِي كَنْد . وَ سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ كِه دَر حَالِ خَشْمِ نِيْزِ مَهْلَتِ فِي غَضَبِيهِ ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا يُرِيدُ . الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ ، طَوْلَانِي مِي دِهْد ، بَا اَيْنِ كِه مِي تَوَانَدِ هَر كَارِي كِه ارَادِه كَنْد اَنْجَامِ بَدِهْد ؛ سَتَائِشِ وَيْزِه خِدَاسْتِ كِه آفَرِيْنْدِه مَخْلُوقَاتِ اسْتِ ؛ بِاسِطِ الرِّزْقِ ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَالْفَضْلِ كَسْتَرَانْدِه رُوزِي اسْتِ ؛ شَكَاْفَنْدِه

صبح است؛ شکوه مند و ارجمند است؛ دارای فضل و احسان و وَالْإِنْعَامِ ، الَّذِي بَعَدَ فَلَا يُرَى ، وَقَرَّبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى ، تَبَارَكَ نِعْمَتِ بَخْشِي اسْت؛ همان خدای که دور است پس به چشم نمی آید، و نزدیک است که صحبت های درگوشی را نیز می شنود؛ پاک و وَتَعَالَى . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعُ يُعَادِلُهُ ، وَلَا شَيْبَةٌ بَلْدَمَرْتَبَهُ اسْت . ستایش ویژه خدایی است که برایش ستیزه جویی نیست که با او برابری کند؛ و شبیهی ندارد يُشَاكِلُهُ ، وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ ، فَهَرَّ بِعِزَّتِهِ الْأَعْرَاءَ ، وَتَوَاضَعَ كَمَا بَاؤَ هَمَانَنْدِي نَمَايْد؛ و کمک کاری ندارد که او را یاری برساند ، با اقتدار خودش بر قدرتمندان چیره گشته ؛ و لِعَظَمَتِيهِ الْعُظْمَاءَ ، فَلَبَّغَ بِمُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي بزرگان، در برابر عظمت او فروتنی و کوچکی کنند؛ و بدین سان دست قدرتش بر آنچه بخواهد رسا است . ستایش ویژه خداست که حین آنادیه ، وَيَبْشُرُ عَلِيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ ، وَيُعْطِيهِمُ النِّعْمَةَ وَتَقِي أَوْ رَا صَدَا مِي زَنَمِ پَاسَخَمِ رَا مِي دَهْد؛ و در حالی که من او را نافرمانی می کنم تمام عیوب و زشتی هایم را پنهان می دارد؛ و نعمتهایش عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبِهِ هَبْنِيهِ قَدْ أَعْطَانِي ، وَعَظِيمِهِ رَا بَرَامِ زِيَادِ مِي كَنْدِ وَلِي مِنْ جَوَابِ خُوبِي بِه اَيْنِ نِعْمَتِ بَخْشِي هَا نَمِي دَهْم . چه بخشش گوارایی که به من نمود ، و چه امور بزرگ مَخُوفِهِ قَدْ كَفَانِي ، وَيَهْجِيهِ مُؤِنْفِهِ قَدْ أَرَانِي ، فَأُنْتِي عَلَيْهِ حَامِدًا ، تَرَسَاكِي كَمَا مَرَا زِ أَنْهَا كِفَايَتِ كَرْدِ ، وَ چِه بَسِيَارِ خُوشِي هَايِ دُوسْتِ دَاشْتِنِي كَمَا بِه مِنْ نِشَانِ دَادِ ، بِه اَيْنِ جِهَاتِ

پیوسته او را با ستایش خود ثناگویی و اذکاره مُسَبِّحاً . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يُهَيِّتُكَ حِجَابُهُ ، وَلَا يُغْلِقُ بَابَهُ ، مِي كَنَم، و همیشه با تسبیح کردن او به یادش می باشم. ستایش ویژه خدایی است که پرده و حجاب او دریده نمی شود؛ درگاهش بسته نمی شود؛ وَلَا يُرَدُّ سَأَلُهُ ، وَلَا يُخَيِّبُ اِمْلَهُ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْحَاقِقِينَ ، گدایش رد نمی شود؛ آرزومندش ، ناامید بر نمی گردد . ستایش ویژه خدایی است که بیمناکان را ایمنی می بخشد ، وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ ، صالحان و شایستگان را رها می سازد ، ناتوان شمرده شدگان را والا و بالا می برد ، و تکبرکنندگان را بر زمین می زند ، وَيُهْلِكُ مُلُوكًا ، وَيَشْتَلِفُ اٰخِرِينَ . وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ ، و پادشاهانی را نابود می کند و به جای ایشان افراد دیگری را می نشاند. و ستایش ویژه خدایی است که درهم شکننده زورگویان ، مُبِيرِ الطَّالِبِينَ ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ ، نَكَالِ الطَّالِبِينَ ، صَرِيحِ نَابِدِ كُنُودِ سَتْمِغْرَانَ ، به چنگ آورنده فراریان ، کیفر دهنده ستمگران ، فَرَادِسِ الْمُسْتَضْعَفِينَ ، مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ ، مُعْتَبِدِ الْمُؤْمِنِينَ . دادخواهان ، پاسخ گوی حاجت خواهان و مورد اعتماد مؤمنان است . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاوَاتُ وَشِعَارُهَا ، وَتَرْجَفُ سَتَائِشِ وَيُزِعُ خَدَائِشِ اِسْتِ كِهَ اَسْمَانِ وَ سَاكِنَانِشِ اِزِ تَرَسِ وَ هِرَاسِ اَوْ مِي غَزَنْدِ ، وَ اَلْاَرْضُ وَ عَمَارَاتُهَا ، وَ تَمُوجُ الْبِحَارِ وَ مَنْ يَشْرِيحُ فِي عَمْرَاتِهَا . زَمِينِ وَ اَبَادِ كَرَانِشِ بِهَ لِرْزِهَ دَرْمِي اَپِنْدِ ، وَ دَرِيَاها وَ هَرِ كِهَ دَرِ اَعْمَاقِ اَنِ شِنَاوَرِ اِسْتِ دِجَارِ مَوْجِ كَرْدَنْدِ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا ، وَ مَا كُنَّا لِنُهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ . ستایش ویژه خدایی است که ما



را به این راه خودش (هدایت فرمود ، و اگر او هدایت مان نمی کرد به هیچ وجه هدایت نمی شدیم. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ ، وَيَرْزُقْ وَلَا يُرْزَقُ ، وَيُطْعِمُ سَنَابِشِ وَيُزِدُ خَدَائِي است که می آفریند و خود آفریده نشده است، و روزی می دهد و خود روزی داده نمی شود و می خوراند و لایطعمم ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، و خود نمی خورد ، و زنده ها را می میراند و مردگان را زنده می کند ، و او زنده ای است که هرگز نمی میرد ، يَبْدِئُ الْخَيْرَ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرٍ وَخَيْرٍ ، وَتَهْأَدُ فِي دَسْتِ اوست ؛ و او بر هر چیزی توانایی دارد. بار الها ؛ بر حضرت محمد عَبدِكَ وَرَسُولِكَ ، وَأَمِيكَ وَصِيِّئِكَ ، وَخَبِيْبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ - که بنده ، فرستاده ، امان دار ، برگزیده ، محبوب ، منتخب تو از خَلْقِكَ ، وَحَافِظِ سِرِّكَ ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ آفریدگانت ، نگهدارنده اسرار ، و رساننده رسالت های توست - درودی پیوسته نثار کن ؛ برترین ، نیکوترین ، زیباترین ، وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطَهَرَ وَأَشْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ كَامِلَ تَرِيْنِ ، رَشْدِ كُنْدَه تَرِيْنِ ، پاكترين و پاكيزه تَرِيْنِ ، والا- تَرِيْنِ و بيشترين از درودها ، وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ ، عَلَى أَحِبِّدِ مِنْ عِبَادِكَ بَرَكْتَ هَا ، رَحْمَتِ هَا و مهرباني هَا ، و سلامت بخشى هاى باشد كه بر هر يك از بندگان خاص خود ، وَأَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ وَصِيْفُوتِكَ ، وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ . پیامبران ، رسولان ، برگزیدگان ، و گرامی داشته شدگان در بین مخلوقات تو ؛ نثار فرموده باشی . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ بَارِئِهَا؛ بِرِ حَضْرَتِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرْمَانِ رَوَى مُؤْمِنَانِ، وَ وَصِيَّ وَ جَانَشِينِ فَرَسْتَادِهٖ بِرُورْدِ كَارِ الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلِيَّ خَلْقِكَ، جِهَانِيَانِ، بِنْدِهٖ تُو، وَلِيِّ تُو، بِرَادِرِ رَسُولِ تُو، حِجَّتِ تُو بِرِ آفَرِيدِ كَانَتِ، وَ اِتِّتِكَ الْكُبْرَى، وَالنَّبِيَّ الْعَظِيمَ، وَصَلَّ عَلَيَّ الصَّدِيقَةَ الطَّاهِرَةَ، آيَتِ وَ بَزْرُوكِ تَرِينِ نَشَانِهٖ اَتِ، وَ اَنِ خَبَرِ بَزْرُوكِ؛ دَرُودِ بِيُوسْتِهٖ نَارِ كُنِ. وَ بِرِ حَضْرَتِ صَدِيقِهٖ طَاهِرِهٖ فَاطِمَةَ سَيِّدِهٖ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّ عَلَيَّ سَيِّدَتِي الرَّحْمَةَ، وَ اِمَامَتِي فَاطِمَةَ زَهْرَا، سُرُورِ زَنَانِ جِهَانِيَانِ، دَرُودِ فَرَسْتِ. وَ بِرِ دُو نُوَادِهٖ اِرْجَمَنْدِ پِيَامِبِرِ رَحْمَتِ، دُو اِمَامِ الْهُدَى، الْخَسَنِ وَ الْخَسَنِ سَيِّدِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ. وَصَلَّ عَلِيَّ وَ پِيَشُوَايِ هِدَايَتِ؛ بِعَنِي اِمَامِ حَسَنِ وَ اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كِهٖ سُرُورِ جَوَانَانِ بَهَشْتِي هَسْتَنْدِ؛ دَرُودِ فَرَسْتِ. وَ بِرِ اَنْبِيَّهِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيَّ بِنِ الْخَسَنِ، وَ مُحَمَّدِ بِنِ جَعْفَرِ، وَ جَعْفَرِ بِنِ پِيَشُوَايَانِ مُسْلِمَانَانِ، بِعَنِي: عَلِيَّ بِنِ الْحَسَنِ (سَجَادِ)، مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيَّ (بَاقِرِ)، جَعْفَرِ بِنِ مُحَمَّدِ، وَ مُوسَى بِنِ جَعْفَرِ، وَ عَلِيَّ بِنِ مُوسَى، وَ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيَّ، مُحَمَّدِ (صَادِقِ)، مُوسَى بِنِ جَعْفَرِ (كَاطِمِ)، عَلِيَّ بِنِ مُوسَى (رِضَا)، مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيَّ (جَوَادِ)، وَ عَلِيَّ بِنِ مُحَمَّدِ، وَ الْخَسَنِ بِنِ عَلِيَّ، وَ الْخَلْفِ الْهَادِي الْمُهَدِيَّ، عَلِيَّ بِنِ مُحَمَّدِ (هَادِي) حَسَنِ بِنِ عَلِيَّ (عَسْكَرِي) وَ بَازْمَانْدِهٖ اُو كِهٖ رَاهِنْمَا وَ رَاهِ يَافْتِهٖ اَسْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ حُجَّتِكَ عَلِيَّ عِبَادِكَ، وَ اَمْنَانِكَ فِي بِلَادِكَ، صَلَوَةُ كَثِيرَةً دَائِمَةً. كِهٖ هَمَّكِي حِجَّتِ هَايِ تُو بِرِ بِنْدِ كَانَتِ، وَ اِمَانَتِ دَارَانِ تُو

در شهرهای می باشند؛ صلوات و درودی فراوان و دایمی نثار کن. **اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى وَليِّ أَمْرِكَ ، أَلْقَائِمِ الْمُؤْمَلِ ، وَالْعِيدِلِ الْمُتَنَطَّرِ ،** خدایا؛ درود فرست بر ولی امرت، قیام کننده مورد آرزو، و عدالت محض که همه در انتظارش بوده و هستند؛ **وَخَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ ، وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ، يَا رَبِّ وَبِأَفْرَاشَتِكَ مَقْرَبَتِ** او را در بر گیر؛ و با روح القدس تأییدش کن؛ ای پروردگار العالمین. **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ ،** جهانیان؛ بارالها؛ او را فراخواننده مردم به سوی قرآن، و بریادارنده دین و آیینت قرار ده؛ **إِشِيخْلُفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا إِشِيخْلُفَتِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ ،** مکن که او را همانند دیگران که در زمین، خلافت بخشیدی و جانشین خودت کردی، جانشین ساز؛ دینی را که برای دینۀ الذی اَرْتَضَيْتَهُ لَهُ ، أَبْدَلَهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنَا ، **يَعْبُدُكَ** او پسندیده ای، قدرتمند و ارزشمند ساز؛ پس از شرایط ترسناکی که دارد، او را به آرامش و ایمنی برسان، تا در نتیجه تو را بپرستد **لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا . اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّرْ بِهِ ، وَأَنْصُرُهُ وَأَنْصِرْ بِهِ ،** و چیزی را با تو شریک نگیرد. خدایا؛ او را عزیز کن، و به وسیله او (مؤمنان را) عزت ببخش؛ او را یاری و پیروز کن، و (مؤمنان را) به واسطه او **وَأَنْصُرُهُ نَصِيرًا عَزِيزًا ، وَأَفْتِخْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ،** واجعل له من پیروز فرما؛ و یاری عزتمندت را بدو برسان، و برایش گشایش و پیروزی شایان و آسانی فراهم کن، و از **لَدُنْكَ**

سُلْطَانًا نَصِيرًا . اللَّهُمَّ أَطْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسَيِّئَةَ نَبِيِّكَ حَتَّى جَانِبَ خُودَتِ بَرَايَشِ قَدْرَتِ وَ سُلْطَنَتِي پَيْرُوزِ مَقَرَّرِ دَارِ . بارالها ؛ آيين خودت ، و سَنَّتِ پيامبرت را به وسيله او آشكار ساز ؛ لا يَسْتَحْفِي بِسَيِّئِهِ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَخِي مِنَ الْخُلُقِ . اللَّهُمَّ إِنَّا بِهٖ كَوْنَهُ اِيْ كِهٖ اَزْ تَرَسِ يَكِيْ اَزْ اَفْرِيْدْ گَانْتِ ، هِيْجِ بَخْشِيْ اَزْ حَقِّ وَ حَقِيْقَتِ رَا پَنَهَانِ نَكْنَدِ . بارالها ؛ واقعيّت آن است كه نَوْعَبُ اِلَيْكَ فِيْ دَوْلِهِ كَرِيْمِهِ ، تُعَزُّ بِهَا اِلِسْلَامَ وَ اَهْلَهُ ، وَ تُبَدِّلُ مَا مَشْتَاقِ دَوْلَتِ كَرِيْمِهِ اَنْ حَضْرَتِ هَسْتِيْمِ كِهٖ (دَرِ سَايِهٖ حَضْرُوْرِ پِيْشُوْاِيْ مَعْصُوْمِ مَانِ) اِسْلَامِ وَ اِسْلَامِيَانِ رَا عَزِيْزِ وَ نِيْرُوْمَنْدِ گَرْدَانِيْ ، بِهَا النُّفَاقَ وَ اَهْلَهُ ، وَ تَجْعَلُنَا فِيْهَا مِنَ الدُّعَاۤءِ اِلَى طَاعَتِكَ ، وَ اَلْقَادَةِ وَ نِفَاقِ وَ مَنَافِقِيْنَ رَا خُوَارِ وَ ذَلِيْلِ نَمَايِيْ ؛ وَ دَرِ اَنْ حَكُوْمَتِ وَ دَوْلَتِ ، مَا رَا اَزْ كَسَانِيْ قَرَارِ دِهِيْ كِهٖ مَرْدَمِ رَا بِهٖ فَرْمَانِ بَرْدَارِيْ اَزْ تُو فَرَا بَخُوَانِيْمِ ، وَ هَمِهٖ اِلَى سَبِيْلِكَ ، وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ اَلْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا رَا بِهٖ رَاهِ تُو رَهْبَرِيْ كَنِيْمِ ، وَ بِهٖ وَ اَسْطِهٖ اِيْنِ دَوْلَتِ شَكُوْهَمَنْدِ ، كَرَامَتِ دُنْيَا وَ اٰخِرَتِ رَا بِهٖ مَا اِرْزَانِيْ دَارِيْ . بارالها ؛ حَقِيْقَتِ هَايِيْ رَا كِهٖ بِهٖ مَا شَنْسَاَنْدِيْ ، مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَا ، وَ مَا قَضِيْنَا عَنْهُ فُلْغَنَا . اللَّهُمَّ اَلْمُمْ بِهٖ تُوَانِ تَحْمَلْشِ رَا نِيْزِ بَدِهٖ تَا اَنِّهَا رَا بَاوَرِ كَنِيْمِ ؛ وَ هَرِ چِهٖ رَا بِهٖ اَنْ دَسْتِ نِيَاْفْتِهٖ اِيْمِ ، خُودَتِ مَا رَا بَدَانِ هَا بَرَسَانِ . خُدَايَا ؛ بِهٖ وَ اَسْطِهٖ اَنْ حَضْرَتِ شَعْنَا ، وَ اَشْعَبُ بِهٖ صَدْعَنَا ، وَ اَرْتُقُ بِهٖ قَتْنَا ، وَ كَثُرُ بِهٖ قَلْتْنَا ، پَرَا كَنْدِ گِيْ مَا رَا سَاْمَانِ بَخْشِ ؛ اِخْتِلَافِ مِيَاْنِ مَا رَا اِصْلَاحِ

کن؛ گسستگی ما را تبدیل به پیوستگی فرما؛ کمی تعداد ما را تبدیل به بسیاری گردان؛ وَأَعَزُّ بِهٖ ذِلَّتْنَا ، وَأَعْنِ بِهٖ عَائِلْنَا ، وَأَقْضِ بِهٖ عَنْ مَعْرَمِنَا ، وَاجْبِرْ خَوَارِی و ذَلَّتْ مَا رَا تَبْدِیل به عَزَّتْ کن؛ فقیران ما را بی نیاز و ثروتمند ساز؛ بدهی ورشکستگان و بدهکاران ما را ادا کن؛ فقر و نیازمندی به فَقْرْنَا ، وَسُدِّ بِهٖ خَلَّتْنَا ، وَیَسِّرْ بِهٖ عُشْرَنَا ، وَبَيِّضْ بِهٖ وَجُوهَنَا ، مَا رَا جَبْرَانِ فرما؛ نقص و خلل های ما را پُر کن؛ سختی ما را تبدیل به راحتی کن؛ رخسارمان را سپید و نیکو گردان؛ وَفُكِّ بِهٖ أَسْرْنَا ، وَأَنْجِحْ بِهٖ طَلِبَتْنَا ، وَأَنْجِزْ بِهٖ مَوَاعِدَنَا ، وَاسْتَجِبْ اسْیْرَانَ مَا رَا آزَادِ ساز؛ خواسته های ما را برآور؛ وعده های مان را محقق کن؛ دعای ما را به دَعْوَتْنَا ، وَأَعْطِنَا بِهٖ سُؤْلَنَا ، وَبَلِّغْنَا بِهٖ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پَاسِخِکُو باش؛ خواسته های ما را عطا کن؛ ما را به آرمان ها و آرزوهای دنیوی و اُخروی برسان؛ اَمَالِنَا ، وَأَعْطِنَا بِهٖ فَوْقَ رَغْبَتِنَا . یا حَیْزُ الْمَشْتُولِیْنَ وَأَوْسَعْ و برتر از آنچه بدان مایلیم به ما عطا کن . ای بهترین کسی که از او درخواست می شود؛ ای دارای فراگیرترین الْمُعْطِیْنَ ، إِشْفِ بِهٖ صُدُورَنَا ، وَأَذْهَبْ بِهٖ غَبْطَ قُلُوبِنَا ، وَاهْدِنَا بِخَشْشِ و عطا؛ سینه های ما را به وسیله او شفا بخش؛ خشم قلب مان را به وسیله او برطرف کن؛ به کمک او و به واسطه حضور او، بِهٖ لِمَا اِخْتَلَفَ فِیْهٖ مِنَ الْحَقِّ یَاذِیْکَ ، إِنَّکَ تَهْدِی مَنْ تَشَاءُ إِلَىٰ با اذن و خواست خودت

ما را در مورد

حقیقت هایی که در آن اختلاف شده، راهنمایی و هدایت فرما؛ به راستی، تو هر که را خودت بخواهی به راه صراطِ مُسْتَقِیم، وَأَنْصِرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوْنَا، إِلَهَ الْحَقِّ راست رهنمون می شوی، ما را به واسطه او بر دشمن خودت و دشمن ما، یاری فرما؛ ای معبود به حق؛ دعای مان را امین. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَیْهِ وَ اِلِه، مستجاب گردان. بارالها؛ واقعیت آن است که ما به توشکایت می کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور پیامبر مان - که درودت بر او و آل او باد - ؛ وَعَبَّيْهِ وَ لَيْتَا، وَ كَثْرَةَ عَدُوْنَا، وَقَلَّةَ عَدِدِنَا، وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، و از پنهان بودن سرپرست مهربان مان، و از بسیاری دشمنان مان، و کمی تعداد خودمان، و از فتنه ها و آشوب های سختی که دچارشان هستیم؛ وَ تَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اِلِه، وَ اَعِنَّا عَلَی ذَلِكْ و به خاطر ظاهر شدن روزگار بر علیه ما. پس بر محمد و آل او درودی پیوسته نثار کن، و ما را در این گرفتاری ها کمک کن بِفَتْحِ مِنْكَ تَعَجَّلُهُ، وَ يَضُرُّ تَكْثِيفُهُ، وَ نَضُرُّ تَعَزُّهُ، وَ سَلْطَانِ حَقِّ تَوْسِطِ بِيْرُوْزِي وَ كَشَايِشِي كِه در آن شتاب می کنی؛ و ضرر و زیانی که بر طرف می سازی و یاری کردنی که با آن عزت می بخشی و قدرتمند حقی که تَظْهَرُهُ، وَ رِخْمَهُ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاها، وَ عَافِيَهُ مِنْكَ تُلْبِسُنَاها، بِرِخْمَتِكَ آشکارش می نمایی، و رحمتی که با آن به ما بزرگی و شکوه می دهی، و لباس عافیتی که بر ما می پوشانی، به حق رحمتت، ... بعد از هر نماز در

### ۹ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از نمازهای واجب بخواند ، گناهایش تا روز قیامت بخشیده می شود :

اللَّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ . اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ . خداوندا ؛ بر ساکنان گورها ، شادمانی و خوشی عطا فرما ؛ خداوندا ؛ تمام نیازمندان را بی نیاز گردان ؛ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ . اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ . اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ خَدَاوِنْدَا ؛ تمام گرسنگان را سیر کن ؛ خداوندا ؛ هر عربانی را بپوشان ؛ خداوندا ؛ قرض كُلَّ مَدِينٍ . اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ . اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ . هر مقروضی را ادا فرما ؛ خداوندا ؛ اندوه هر اندوهناکی را برطرف کن ؛ خداوندا ؛ هر غریبی را به (وطن) باز گردان ؛ اللَّهُمَّ فَكِّ كُلَّ أَسِيرٍ . اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُشْرِكِينَ . خداوندا ؛ هر اسیری را آزاد کن ؛ خداوندا ؛ هر امر فاسدی را از امور مسلمانان اصلاح فرما ؛ اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ . اللَّهُمَّ سِدِّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ . اللَّهُمَّ عَيِّرْ شَوْءَ خَدَاوِنْدَا ؛ هر مرضی را شفا مرحمت کن ؛ خداوندا ؛ فقر و تهیدستی ما را با بی نیازی خودت برطرف کن ؛ خداوندا ؛ بدی حال حالنا بِحَسَنِ حَالِكَ . اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ ، وَأَعِنَّا مِنَ الْفَقْرِ ، ما را به خوبی حال خودت تغییر بده ؛ خداوندا ؛ قرض ما را ادا بفرما ، و ما را از فقر به توانگری برسان ؛

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱۴)

همانا تو بر هر چیزی توانایی .

بر خواننده بزرگوار پوشیده نیست که مضمون این دعا تنها در دوران حکومت الهی و دولت حضرت مهدی ارواحنا فداه محقق می شود ، و برای این دعا قضیه و داستانی است که به مناسب بودن دعا در این زمینه دلالت می کند ؛ ولی در این کتاب مجالی برای ذکر آن نیست .

### • ادعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

... در روز سیزدهم ماه رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله برای این روز ، این دعا را نقل کرده است :

اَللّهُمَّ اِنِّي اَدِيْنُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ ، وَوَلَايَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ ، بار خدايا ؛ همانا من گردن می نهم به اطاعت و ولایت تو، و ولایت حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیامبر تو ، وَوَلَايَةِ اَمِيْرَالْمُؤْمِنِيْنَ حَبِيْبِ نَبِيِّكَ ، وَوَلَايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، و ولایت امیر مؤمنان (حضرت علی علیه السلام) دوست پیامبرت، و ولایت امام حسن و امام حسین سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَوَلَايَةِ شَبَابِ اَهْلِ جَنَّتِكَ . وَأَدِيْنُكَ يَا رَبِّ بِوَلَايَةِ دُوْنِهِ بِاِمْبِرْتِ وَدُوْ سُرُوْرِ جُوْاْنَا اَهْلِ بَهْشْتِ . وَگرددن می نهم ) ای پروردگار ؛ ( به ولایت عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى عَلِيِّ بْنِ حَسَنِ ) سَجَادِ ) وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ( باقر ) وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ( صادق ) وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ ( کاظم ) وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ( رضا ) وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ( جواد ) وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ( هادی ) وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَوَلَايَةِ وَوَلَايَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ . اَدِيْنُكَ يَا وَ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ( عسکری ) وَ اَقَايِمِ وَ مَوْلَايِمِ صَاحِبِ زَمَانِ ( عليهم السلام )



. گردن می نهم ای رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ ، وَبِالتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ ، رَاضِيًا عَزِيْرًا بِرُورْدِ كَارِ جِهَانِ ؛ بِه اطاعت و ولایت آنان و تسلیم شدن نسبت به آنچه فضیلت و برتری داده ای ایشان را؛ در حالی که راضی و مُنْكَرٌ وَلَا مُشْتَكِرٌ ، عَلِيٌّ مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى خَشْنُوْدِ هَسْتَمِ و انكار نمی كنم، و استكبار نمی ورزم بر آنچه كه در قرآنت نازل كردی . خدایا؛ بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَادْفَعْ عَنِّيْكَ وَخَلِيْفَتِكَ وَلسَائِبِكَ وَالْفَائِمِ مُحَمَّدٍ و آل محمّد درود بفرست؛ و دور كن (هر شری) را از ولایت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام کننده بِقَشِيْرَتِكَ ، وَالْمُعْظَمِ لِحُرْمَتِكَ ، وَالْمُعْتَرِ عُنْكَ ، وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ ، به عدلت، و بزرگ دارنده حرمتت ، و بیان کننده از جانب خودت، و گوینده احكامت، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ ، وَأُذُنِكَ السَّمِيعَةِ ، وَشَاهِدِ عِبَادِكَ ، وَحُجَّتِكَ عَلِيٌّ و چشم بینایت، و گوش شنوایت، و گواه بندگانت، و حجت تو بر خَلْقِكَ ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ ، وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ . وَاجْعَلْهُ آفَرِيْدَ كَانَتِ ، و جهاد کننده در راهت، و كوشش کننده در اطاعت و پیرویت . او را در جمله فی وَدِيْعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيْعُ ، وَأَيْدِيْهِ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ ، وَأَعْنَهُ وَأَعْرَأْ اَمَانَتِ هَايِ خُودَتِ كِه ضَايِعِ نَمِي شُود قَرَارِ بَدِه، و او را به وسیله سپاهیان پیروز خودت یاری برسان؛ و او را یاری كن و از او حمایت عُنْهُ ، وَاجْعَلْنِيْ وَوَالِدِيْ وَمَا وُلْدَا وَوُلْدِيْ مِنَ الَّذِيْنَ يُنْصَرُوْنَهُ ، كن ؛ و من و پدر و مادر و فرزندان شان و فرزندان مرا از كسانی قرار بده كه آن حضرت را یاری می كنند، وَبِنَصْرُوْنِ بِيْ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ، إِشْعَبَ بِهِ صَدْعَنَا ، وَارْتُقِيَ بِهِ وَبِهِ وَسِيلَهُ أَوْ فِي دُنْيَا وَآخِرَتِ يَارِي مَي شُونَد؛ وَ پِرَاكَنْدِگِی مَا رَا بِه وَسِیْلَه اَوْ اَصْلَاح كَنْ ، وَ كَسَسْتِگِی مَا رَا بِه وَسِیْلَه اَوْ تَبْدِیْل بِه فَتَقْنَا . اَللّٰهُمَّ اُمِّتْ بِه الْجِزْرَ ، وَ دَمْدَمِ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَ اَقْصِمِ پِیُوسْتِگِی فِرْمَا . بَار خَدَايَا ؛ بِه وَسِیْلَه اَنْ حَضْرَت ، سْتَم وَ جُور رَا بِمِیْرَان ؛ وَ غَضَب كَنْ بِر كَسَانِی كَه عَلِیْه اِیْشَان هَسْتَنْد ، وَ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ حَتَّى لَا تَدَعَ عَلَى الْاَرْضِ مِنْهُمْ دَيَارًا . (۱۵)

سران گمراهی را درهم بشکن تا هیچ کسی از آنان بر روی زمین باقی نماند .

### ادعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

دعای دیگر در روز سیزدهم...

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله دعای دیگری را برای این روز نقل کرده است :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الظُّلْمَةَ جَحَدُوا اِيَانِكَ ، وَ كَفَرُوا بِكِتَابِكَ ، وَ كَذَّبُوا خَدَايَا ؛ هَمَانَا سْتَمْغِرَان اَيَات وَ نَشَانَه هَاي تُو رَا اِنْكَار كَرْدَنْد ، وَ بِه كِتَابَتِ يَعْنِي قِرْآن كُفْر وَرَزِيدَنْد ، وَ رُسُلَكَ ، وَ اَسْتَنْكَفُوا عَنْ عِبَادَتِكَ ، وَ رَغِبُوا عَنْ مِلَّةِ خَلِيلِكَ ، فِرْسْتَا دِگَانَت رَا تَكْذِیْب كَرْدَنْد ، وَ اَز بَنْدِگِی تُو سَرِبَاز زَدَنْد ، وَ اَز اَيِّن خَلِیْل تُو رُوی گِرْدَانْدَنْد ، وَ بَدَلُوا مَا جَاءَ بِه رَسُوْلُكَ ، وَ شَرَعُوا غَيْرَ دِیْنِكَ ، وَ اَقْتَدُوا بِغَيْرِ وَ اَنْ چِه رَا كَه فِرْسْتَا دِه اَت اُورْدِه اَسْت دِگَر گُون سَاخْتَنْد ، وَ غَيْر اَز دِیْن تُو رَا تَشْرِیْع نَمُودَنْد ، وَ بِه غَيْر اَز رَاه هُدَاكَ ، وَ اَسْتَنْتُوا بِغَيْرِ سُنَّتِكَ ، وَ تَعَدَّوْا حُدُودَكَ ، وَ سَعَوْا مُعَاجِزِیْنَ هِدَايَت تُو اِقْتَدَا كَرْدَنْد ، وَ بِه غَيْر اَز سُنَّت وَ اَيِّن تُو عَمَل كَرْدَنْد ، وَ اَز حُدِّ وَ مِرْزَهَاي تُو تَجَاوُز كَرْدَنْد ، وَ بَا اَيَات تُو بِه مَقَابَلَه بِر خَاسْتَنْد وَ

سعی فی ایاتک، وَتَعَاوَنُوا عَلٰی اِطْفَآءِ نُورِکَ، وَصَيَّدُوا عَنْ سَبِيلِکَ، کردند آن ها را ناتوان جلوه دهند . برای خاموشی نور تو با یکدیگر همکاری کردند، و از پیمودن راه تو جلوگیری نمودند، وَکَفَرُوا نِعْمَاءَکَ، وَشَاقُوا وِلَآءَ اَہْرَکَ، وَوَالُوا اَعْدَاءَکَ، وَعَادُوا و نِعْمَتِ هایت را ناسپاسی کردند، و با اولیای امور تو به سختی دشمنی کردند، و با دشمنانت دوستی و هم عهدی کردند و با اُولیائیکَ، وَعَرَفُوا نَمَّ اَنکَرُوا نِعْمَتَکَ، وَلَمْ یَذْکُرُوا الاءَکَ، وَامِنُوا دُوسَتَانِ دُشْمَنِی وَرَزِیدِنْد؛ با این که نعمتهایت را شناختند، آن ها را انکار کردند، و خوبی هایت را یاد آور نشدند، و خودشان مَکْرَکَ، وَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ عَنْ ذِکْرِکَ، وَاشْتَحَلُّوا حَرَامَکَ، وَخَرَّمُوا رَا از مکر و حيله تو ایمن دانستند، و دل هایشان نسبت به یاد تو سخت و محکم شد، و حرام تو را حلال شمردند، و خَلَالِکَ، وَاجْتَرَأُوا عَلٰی مَعْصِیَتِکَ، وَلَمْ یَخَافُوا مَقْتَکَ، وَنَسُوا حَلَالَکَ، وَدَر اِنجَام نافرمانی تو جرأت پیدا کردند، و از دشمنی و نفرت تو هراسی نداشتند، و انتقام تو را فراموش نَقَمَتَکَ، وَلَمْ یَحِذَرُوا بَأْسَکَ، وَاعْتَرَفُوا بِنِعْمَتِکَ . اَللّٰهُمَّ فَاصْرِیْبُ کردند و از سختی ها و عذابت خود را بر حذر نداشتند، و به وسیله نعمت هایی که تو به آنان داده ای مغرور شدند . خدایا ؛ مِنْهُمْ، وَاصْبُبْ عَلَیْهِمْ عَذَابَکَ، وَاشْتَأْصِلْ شَاقَتَهُمْ، وَاقْطَعْ نِعْمَتِ هایت را برای آنان از بین ببر، و عذابت را بر آنان فرود آور، و آن ها را ریشه کن نما، و دَابِرَهُمْ، وَصَعَّ عَزَّهُمْ وَجَبَرَتْهُمْ، وَانزَعْ اَوْتَارَهُمْ، وَزَلْزِلْ دَبَالَهُ آنان را

قطع کن، و عزّت و بزرگی آنان را خوار و پست کن، و ستم های آن ها را بکن، و قدم هایشان را متزلزل کن، اَقْدَامَهُمْ ، وَأَزْعِبْ قُلُوبَهُمْ . اَللّٰهُمَّ اِتَّخِذُوا دِيْنَكَ دَعَاً ، و در دل های آن ها ترس و وحشت بینداز . خدایا؛ همانا ایشان دین تو را وسیله گول زدن و حيله گری گرفتند ، وَمَالِكَ دُوْلًا ، وَعِبَادِكَ حَوْلًا . اَللّٰهُمَّ اَكْفُفْهُمْ بِاَسْرِهِمْ ، و اقلل خدّهم، و اموال تو را وسیله چیرگی و استیلاى خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بنده و برده خود کردند . خدایا ؛ بندگانت را از عذاب و شکنجه آنها و اَوْهِن كَيْدَهُمْ ، و اَسْبِغْ عَدُوَّهُمْ ، و اَشْفِ صُدُوْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ . باز بدار ، و شمشیر تیز آنان را بشکن و نابود کن، و مکر و حيله هایشان را سست و بی اثر کن، و دشمنان شان را شاد کن، و سینه مؤمنان را شفا بده اَللّٰهُمَّ اَفْتَتْ اَعْضَادَهُمْ ، و اَفْهَرِ جَبَابِرَتَهُمْ ، و اجعل الدّآیره علیهم ، نیرو و توان بازوهایشان (دشمنان) را از بین ببر، و شوکت و قدرت شان را مورد قهر و غلبه قرار بده، و آنان را در حلقه محاصره قرار بده ، و اَقْضُضْ بُيُوتَهُمْ ، و خالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ ، و فَرِّقْ جَمْعَهُمْ ، و سَدِّتْ و بنیان و ریشه آن ها را درهم بکوب، و اِتِّحَادَ كَلِمَةِ اِيْشَانِ رَا بَرِّهْمُ بَزْنِ ، و اجتماع ایشان را پراکنده ساز، و اَمْرُهُمْ ، و اجعل بأسهم بینههم ، و اَبْعَثْ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ ، کارهایشان را آشفته و پراکنده کن، و سختی و عذاب ایشان را بین خودشان قرار بده ؛ از بالای سرشان و مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ ، و اَسْفِكْ بِاَيْدِي الْمُوْمِنِيْنَ دِمَانَهُمْ ، و اَوْرِثْ و از زیر پایشان

عذابت را بر ایشان بفرست ؛ خون ایشان را به دست مؤمنان بریز، و الْمُؤْمِنِينَ أَرْضَهُمْ وِدْيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ . اللَّهُمَّ أَصِلْ أَعْمَالَهُمْ ، مؤمنان را وارث زمین ها و خانه ها و اموال آنان قرار بده . خدایا ؛ اعمال ایشان را تباه کن؛ وَاَقْطَعْ رِجَاءَهُمْ ، وَاَشِدَّ تَدْرِجَهُمْ مِنْ حَيْثُ اميد ایشان را قطع کن، و حجت و برهان ایشان را باطل کن، و آنان را به تدریج و از لایغلمون ، وَاَنْتِهِمْ بِالْعَذَابِ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ، وَاَنْزِلْ جایی که نمی دانند در هم بییجان، و بر ایشان عذاب بفرست به طوری که نفهمند که از کجا آمده است؛ بِسَاحَتِهِمْ مَا يَخْذَرُونَ ، وَحَاسِبِيَهُمْ حِسَاباً شَدِيداً ، وَاَعْدِبُهُمْ و آن چیزی را که از آن بیم دارند، به سرای آن ها نازل کن؛ و به حساب آنان با سخت گیری رسیدگی کن، و آنان را به عذاباً نَكْرًا ، وَاَجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِهِمْ خُشْرًا . اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اشْتَرَوْا عَذَابِ سَخْتِ گرفتار کن، و عاقبت آنان را زیان قرار بده . بار خدایا ؛ همانا ، ایشان بِاِيَاتِكَ تَمَنَّا قَلِيلاً ، وَاَعْتَوْنَا عُنُوتًا كَبِيرًا . اللَّهُمَّ فَخُذْهُمْ اَخْذًا وِيبِلًا ، آیات را به قیمت کمی فروختند ؛ و گردنکشی های بسیار کردند . خدایا ؛ به شدت گرفتارشان کن ، وَاَدْمُرْهُمْ تَدْمِيرًا ، وَاَبْرَأْهُمْ تَثْبِيرًا ، وَلَا تَجْعَلْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ و آنان را درهم کوب و نابودشان فرما، و برای آنان در روی زمین یاور ، ناصتراً ، وَلَا فِي السَّمَاءِ عَازِرًا ، وَاَلْعَنُهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا . اللَّهُمَّ فَخُذْهُمْ و در آسمان عذرخواهنده قرار مده ، و بر ایشان نفرین فراوان بفرست . خدایا ؛ آن ها را به شدت اَخْذًا وِيبِلًا . اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ

أَضَاعُوا الصَّلَاةَ ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ، در جنگ خود گرفتارشان کن . بارخدايا ؛ همانا ايشان نماز را ضايع و تباه کردند، و از شهوت ها بيروي کردند، وَعَمَلُوا السَّيِّئَاتِ . اللَّهُمَّ فَخَذْهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ، وَاخْلَلْ بِهِمُ الْوَيْلَاتِ ، و انواع گناهان را مرتكب شدند . خدايا ؛ آنان را دچار بلاها کرده، و مصيبت ها و هلاکت ها به ايشان وارد کن ، وَأَرْهِمُ الْخَسِرَاتِ ، يَا اللَّهُ إِلَهَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ . اللَّهُمَّ صَلِّ وَحَسْرَتِ و افسوس خوردن را بر آنان حاکم فرما . اى خدا؛ اى پروردگار آسمان ها و زمين ها . خدايا ؛ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَرْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . بر حضرت محمد و آل محمد درود فرست، و ما را به رحمت مورد ترحم قرار بده؛ اى مهربان ترين مهربانان ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِكَ ، وَلَا نُنْكِرُ وَلَايَةَ مُحَمَّدٍ بَارِ خدایا ؛ من به اطاعت تو گردن مى نهم ، و ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم رَسُولِكَ صَلِّی اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ ، وَوَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فرستاده تو را - که درود تو بر او و اهل بیت او باد - انکار نمى کنم؛ هم چنین ولایت امیر مؤمنان عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَوَلَايَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (حضرت) عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - که سلام بر او باد - و امام حسن و امام حسين عليهما السلام عَلَيَّهِمَا السَّلَامُ ، سَبَطْنِي نَبِيِّكَ وَوَلَدَيْ رَسُولِكَ عَلَيَّهِمَا السَّلَامُ ، - که بر آن دو سلام باد - دو نواده پیامبر و دو فرزند رسولت را - که بر آن دو سلام باد - انکار نمى کنم ، وَوَلَايَةَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ مِنْ دُرِّيَّةِ

الْحُسَيْنِ ، عَلِيُّ بْنُ هَمِّ جَنِينَ ، وَوَلَايَةِ بَاكَانِ مَعْصُومٍ مِنْ نَسْلِ إِمَامِ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛ يَعْنِي حَضْرَتَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ حُسَيْنِ (إِمَامِ سَجَادٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (إِمَامِ بَاقِرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ (إِمَامِ كَاطِمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى (إِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (إِمَامِ جَوَادٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ (إِمَامِ هَادِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ سَيِّدِ الْوَالِدِ وَاللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَوَلَايَةِ الْقَائِمِ ، السَّابِقِ عَلِيٍّ (إِمَامِ حَسَنِ عَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) - كَمَا سَلَّمَ وَبَرَكَتُ هَيْ هَيْ نَوَاشِرَانِ بَادٍ - وَوَلَايَةِ قَانِمِ (حَضْرَتِ مَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَمَا بِشِيءٍ كَمَا نَدَى اسْتَمْتَعْتُمْ بِالْخَيْرَاتِ ، الْمُمْتَرِضِ الطَّاعَةِ ، صَاحِبِ الزَّمَانِ سَلَامٌ اللَّهُ بِهِ خَيْرِي هَا مِنْ إِيْشَانِ ، وَاطْعَاتِشِ وَاجِبِ بُوْدِهِ وَصَاحِبِ عَصْرِ وَزَمَانِ مِي بَاشِدِ رَا مِي بِذِيرِمِ كَمَا سَلَّمَ خِدَا عَلِيَّهِ . أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ ، وَالتَّسْلِيمِ لِقُرْضَتِهِمْ ، بِرِئَاؤِ بَادٍ . بَارِ بِرُورِدِ كَارَا ؛ مِنْ بَا اطْعَاتِ مِنْ آتَانِ وَاقْبُولِ وَوَلَايَتِشَانِ وَتَسْلِيمِ شِدْنِ دَرِ بَرَابَرِ أَوَامِرِ وَنَوَاهِيْ إِيْشَانِ ، تُو رَا بِرِسْتِشِ مِي كَنِمُ ؛ رَاضِيَةً غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُشْتَكِرٍ وَلَا مُشْتَكِفٍ ، عَلِيٌّ مَعْنَى مَا دَرِ حَالِي كَمَا مِنْ إِيْشَانِ رَاضِيٌ هَسْتَمُ ، نَهْ أَنْكَارِ مِي كَنِمُ وَنَهْ اسْتِكْبَارِ مِي وَرِزْمِ وَنَهْ أَنْ رَا نَنُكَ مِي دَانِمُ ؛ بِرِ مَعَانِي وَمَفَاهِيمِي كَمَا أَنْزَلْتُ فِي كِتَابِكَ ، عَلِيٌّ مَوْجُودٌ مَا آتَانَا فِيهِ ، رَاضِيًا مَا رَضِيَتْ دَرِ كِتَابَتِ

نازل کردی و طبق آن موجودی که به من رسیده . به آنچه تو را راضی می کند من نیز راضی هستم ، بِهٔ ، مُسَلِّماً مُقَرَّراً بِدَلِّكَ يَا رَبِّ ، رَاهِباً لَكَ ، رَاغِباً فِيمَا لَدَيْكَ . و در برابر آنان تسلیم بوده و به آن اقرار می کنم؛ بار پروردگارا؛ در حالی که من از تو ترسان هستم، و به آنچه نزد توست مشتاقم . اَللّٰهُمَّ اذْفَعْ عَنِّيْكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ ، وَخَلِيْفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلٰى بَارِ خَدَايَا ؛ از ولایت و فرزند پیامبرت، و جانشین و حجتت بر خَلْقِكَ ، وَالشَّاهِدِ عَلٰى عِبَادِكَ ، الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ ، بندگان، و گواه بر آنان ؛ تلاش کننده ای کوشا در اطاعت از تو، وَوَلِيِّكَ وَآمِيْنِكَ فِيْ اَرْضِكَ ، فَأَعِدْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتْ ، و ولی و امانت دار تو بر روی زمین ؛ بلا را دور کن . او را از شر آن چه که آفریده ای و به وجود آورده ای، پناه بده؛ وَاجْعَلْهُ فِيْ وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا يَضِيْعُ مِنْهَا كَانَتْ فِيْهَا ، وَفِيْ جَوَارِكَ او را از جمله سپرده های ضایع نشدنیت قرار بده ؛ او را در جوار خود الَّذِي لَا يَفْهَرُ ، وَ اِمْنَةً بِاَمَانِكَ ، وَاجْعَلْهُ فِيْ كَنَفِكَ ، وَانصُرْهُ که شکست نمی خورد قرار بده؛ و او را به امان خود ایمن گردان و در کنف حمایت خود قرار ده ، و او را بِنصِيْرِكَ الْعَزِيْزِ ، يَا اِلٰهَ الْعَالَمِيْنَ . اَللّٰهُمَّ اغْصِمْهُ بِالسَّكِيْنَةِ ، به نصرت قوی و نیرومندت یاری ده ؛ ای پروردگار جهانیان . بار خدایا؛ او را با وقار و آرامش حفظ کن؛ وَ اَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ ، وَاعِنْتَهُ وَانصُرْهُ بِنصِيْرِكَ الْعَزِيْزِ



نَصِيرًا و به او زره محکم خود را ببوشان ؛ و او را مدد کن و به نصرت قوی و نیرومندت به نوعی مقتدرانه یاری فرما ؛ عَزِيزًا ، وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ، وَاَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا و گشایش آسان برایش مقَرَّر  
فرما ؛ و از نزد خودت برای او قدرت و نیروی یاری شده ای قرار بده . نَصِيرًا . اَللّٰهُمَّ وَاِلٰهَ مَنْ وَاَلَاةُ ، وَعَادِ مَنْ عَادَاةً ، وَاَنْصِرْ مَنْ نَصِرْتَهُ ، خدایا؛ دوست بدار هر کسی او را دوست می دارد، و دشمن بدار هر  
کسی را که با او دشمنی می ورزد، و یاری کن هر که او را یاری می کند وَاِخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ . اَللّٰهُمَّ اَشْعَبْ بِهٖ صَدْعَنَا ، وَاَزْتُقْ بِهٖ فِتْنَنَا ، و هر کس قصد خوار کردنش را دارد خوار و ذلیلش کن . بارخدایا؛  
جدایی بین ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او پیوسته فرما وَاَلْمَمُ بِهٖ شَعْنَنَا ، وَاَعَزُّ بِهٖ قَلْبَنَا ، وَاَعَزُّ بِهٖ ذَلْمَنَا ، وَاَقْضِ بِهٖ عَنَّا و پراکندگی و نابسامانی ما را به وسیله او سامان بخش ، و  
کمی ما را به وسیله او زیاد فرما، و ذَلَّتْ و خواری ما را به وسیله او به عَزَّتْ و آبرومندی مبدل فرما و مَعَزَمْنَا ، وَاَجْبِرْ بِهٖ فَقْرَنَا ، وَاَعِزُّ بِهٖ حُلْمَنَا ، وَاَعِزُّ بِهٖ فَاقْتَنَا ، وَاَعِزُّ بِهٖ فَاقْتَنَا ، وَاَعِزُّ بِهٖ فَاقْتَنَا ، وَاَعِزُّ بِهٖ فَاقْتَنَا ، و  
فقر و ناداری ما را به وسیله او جبران فرما، و نیازمندی و حاجتمندی ما را به وسیله او برطرف کن، و تَنَكَّدَسْتِي مَا رَا بِهٖ عُسْرَتَنَا ، وَاَعِزُّ بِهٖ فَاقْتَنَا ، وَاَعِزُّ بِهٖ فَاقْتَنَا ، وَاَعِزُّ بِهٖ فَاقْتَنَا ،

وَاسْتَجِبْ بِهِ وَسِيلَهُ او تَبْدِيلِ بِه دَارایی و ثروت کن، و مشکلات ما را به وسیله او آسان فرما؛ آبروی ما را به وسیله او نگاه دار، و خواسته های ما را به وسیله او برآورده فرما، و دُعَاتِنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا،  
وَأَشْفِ بِه صُدُورِنَا، وَاهْدِنَا لِمَا دَعَايَ مَا رَا به وسیله او مستجاب فرما، و برای ما به وسیله او بیشتر از آن چه که میل و رغبت ماست، عطا فرما؛ سینه های ما را به وسیله او شفا بده، و در اموری اِخْتَلَفَ فِيهِ مِنْ  
الْحَقِّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ که در آن اختلاف وجود دارد ما را به حق هدایت فرما. ای پروردگار؛ همانا، تو هر که را خواهی به راه مُشْتَرِقِیْمٍ . اَللّٰهُمَّ اَمِّتْ بِه الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِه الْعَدْلَ،  
وَقَوِّ نَاصِرَتَهُ، راست هدایت می کنی . خدایا؛ به وسیله او ظلم و ستم را بمیران، و عدل و داد را ظاهر کن، و یاری کننده او را قدرت بده، وَأَخْذُلْ خَاذِلَهُ، وَدَمِّرْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَأَهْلِكْ مَنْ غَشَّهٗ، وَأَقْتُلْ بِه و  
خوارکننده او را خوار و ذلیل فرما، و هر کسی که دشمنی یا بدی را برای او آشکار کند نابود فرما، و هر کسی به او خیانت می کند هلاک فرما؛ و به وسیله آن جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمِ رُؤُوسَ الضَّالِّیْنَ،  
وَسَائِرَ أَهْلِ الْبِدْعِ، حضرت، سران کفر را نابود فرما، و رؤسای ضلالت و گمراهی و تمام بدعت گذاران و مَقْوَبَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِه الْجَبَابِرَةَ، وَأَبْرِ بِه الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

تقویت کنندگان باطل و نادرستی را درهم بشکن، و زورگویان را به وسیله او به ذلت و خواری بیفکن؛ و به واسطه او کافران و منافقان و جمیع المُلجِدین، فی مشارِقِ الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، و منحرفان از دین را در شرق و غرب زمین، و در خشکی و دریای آن، وَسِرِّهْلِهَا وَجَبْلِهَا، لَا تَنْدُرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ ذَبَاباً، وَلَا تَبْقِ لَهُمْ وَادّاً، و در کوه و بیابان آن؛ هلاک فرما، و هیچ یک از ایشان را بر روی زمین باقی نگذار و اثری از آنها بجای نگذار. اِنَاراً. اَللّٰهُمَّ اَطْهَرْهُ، وَاَفْتَحْ عَلٰی يَدَيْهِ الْخَيْرَاتِ، وَاَجْعَلْ فَرَجَنَا بَارِ خَدَايَا؛ او را ظاهر فرما و درهای خیر و برکت را به دست او بگشای، و گشایش امور ما را مَعَهُ وَبِهِ. اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلٰى سُلُوْكِ الْمُنَاهِجِ، مِنْهَاجِ الْهُدٰى، به وسیله او و با فرج او قرار بده. بار خدایا؛ ما را یاری کن تا راه های روشن و واضح را ببیمیم، راه هدایت و راه روشن وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمٰى، وَالطَّرِيقَةَ الْوُشٰطٰى، الَّتِي يَرْجِعُ اِلَيْهِ الْعَالِي، و واضح عظیم تری که راه میانه و معتدل می باشد و هیچ کجی در آن نیست؛ راهی که هر افراطگری دوباره به سوی آن برمی گردد، وَيُلْحِقُ بِهِ التَّالِي، وَوَقَفْنَا لِمَتَابِعَتِهِ، وَادَاءَ حَقِّهِ. وَاثْنُ عَلَيْنَا و هر عقب مانده ای به آن ملحق می شود. ما را موفق به تبعیت و پیروی و ادای حَقِّ آن حضرت بفرما. بر ما مَنّت بگذار بِمَتَابِعَتِهِ فِي الْبُاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَاَجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِيْنَ رِضَاكَ به پیروی از آن حضرت در سختی ها و رنج ها

؛ و ما را از جویندگان رضایت خودت بِمُنَاصِحَتِهِ ، حَتَّى تَخْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَعْوَابِهِ وَأَنْصَارِهِ ، با خیرخواهی برای آن حضرت، قرار بده؛ تا این که ما را روز قیامت در زمره کمک رسانان و باران و مَعُونَتِهِ سُلْطَانِهِ . وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشِبْهِهِ ، و مددکاران حکومتیش محشور فرمایی . آن چه گفتیم را برای ما خالص از هر شک و شبهه ای وَرِبَاءٍ وَسُمْعَةٍ لِانْظَلُبُ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلَا تُرِيدُ بِهِ سِوَاكَ ، وَتُجَلِّنَا وَخَالِيٍّ از خودنمایی و شهرت گردان؛ که به وسیله آن کسی غیر از تو را طلب نکنیم، و جز تو را اراده نکنیم، و ما را در نزد او مَحَلَّةً ، وَتَجْعَلْنَا فِي الْخَيْرِ مَعَهُ ، وَاصْرِفْ عَنَّا فِي أَمْرِهِ السَّامَةَ جَای بده، و ما را در بهره و خیرها همراه او قرار بده؛ در انجام اوامر آن حضرت، تنبلی و وَالْكَسَلَ وَالْفُتْرَةَ، وَلَا تَشِيبِدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اشِيْبِدَالِكَ بِنَا غَيْرَنَا و سستی و سهل انگاری کردن را از ما دور کن، کسی را نیز به جَای ما جایگزین مفرما؛ زیرا عوض کردن جای ما با دیگران عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَعَلَيْنَا عَسِيرٌ ، وَقَدْ عَلِمْنَا بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ يَا بَرَاءُ تُو آسان است ولی برای ما مشکل و دشوار می باشد؛ با وجودی که ما نسبت به فضل و احسان تو آگاه هستیم؛ ای دعا هنگام واقع شدن صدای...

كَرِيمٌ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَالْإِلهِ وَسَلَّمَ . (۱۶)

بزرگوار ؛ درود و سلام خدا به طور دایم بر آقای ما حضرت محمد و اهل بیت آن حضرت نثار باد .

## ۱۲ ادعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه رمضان

از ابن مسعود روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم

فرمودند :

وقتی در ماه مبارک رمضان ، صدایی به گوش مردم رسید ، همانا فتنه در ماه شوال است ، و در ماه ذیقعدہ نیز قبیله ها از یکدیگر جدا می شوند، و در ماه های ذیحجه و محرم خون ریزی های زیادی صورت می پذیرد؛ چه محرمی ؛ خدا می داند که مردم بسیار زیادی در آن به قتل می رسند .

گفته شد : ای رسول خدا ؛ صیحه چیست ؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

صدایی (۱۷) است که در نیمه ماه مبارک رمضان ، و روز جمعه هنگام برآمدن خورشید خواهد شد . در آن سال، شروع ماه رمضان نیز در شب جمعه خواهد بود . این صدا به قدری مهیب است که هر کس را که خواب باشد بیدار می کند ، و کسانی را که ایستاده اند می نشانند و عروسان را از حجله هایشان ناخودآگاه به بیرون می کشد . این جریانات در شب جمعه اتفاق می افتد و در آن سال زلزله ها و سرمای شدیدی زیاد پدیدار خواهد شد .

بدین سان، هرگاه هلال ماه مبارک رمضان آن سال در شب جمعه دیده شود ، وقتی که نماز صبح روز جمعه نیمه ماه مبارک رمضان را به جای آوردید به خانه های خود بروید، و درب ها را ببندید و قفل کنید ، و پنجره ها را نیز ببندید، و خودتان را پنهان داشته و گوش های تان را نیز ببندید . پس از احساس وقوع صدا در برابر خدای متعال به سجده بیفتید و بگویید :

سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ ، سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ رَبَّنَا .

خدای قدوس و پاک، ستوده و منزّه است؛ خدای پاک، ستوده است و پروردگار ماست .

زیرا ، هر کس این کارها را انجام دهد رهایی

می یابد ، و هر که انجام ندهد به هلاکت می رسد . (۱۸)

این دعا را در این بخش نقل کردیم چون در ماه رمضان خوانده می شود ؛ هر چند در تمام ماه های رمضان خوانده نمی شود .

### ۱۳دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان

دعا ... در شب بیست و سوم ...

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله برای روز هیجدهم ماه مبارک رمضان ، این دعا را نقل کرده است :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الظّٰلِمَةَ كَفَرُوْا بِكِتٰبِكَ ، وَجَحَدُوْا اِيَاتِكَ ، وَكَذَّبُوْا رُسُلِكَ ، يَا خدایا ؛ همانا ستم کاران نسبت به قرآن تو کفر ورزیدند، و آیات را انکار کردند، و فرستادگان را تکذیب نمودند، وَبَدَلُوْا مَا جَاءَ بِهِ رَسُوْلُكَ ، وَشَرَعُوْا غَيْرَ دِيْنِكَ ، وَشَرَعُوْا بِالْفَسَادِ و آن چه را که پیامبر تو آورده است دگرگون کردند، و غیر دین تو را قانون نهادند ، و در روی زمین فساد را فی اَرْضِكَ ، وَتَعَاوَنُوْا عَلٰی اِطْفَآءِ نُوْرِكَ ، وَشَاقُّوْا وِلَاةَ اَمْرِكَ ، وراج دادند، و برای خاموش کردن نور هدایت تو با یکدیگر هم کاری کردند، و با سرپرستان امور تو مخالفت و دشمنی کردند، وَوَالُوْا اَعْدَاءَكَ ، وَعَادُوْا اَوْلِيَآءَكَ ، وَظَلَمُوْا اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ . اَللّٰهُمَّ و با دشمنانت دوستی و هم عهدی نمودند، و با دوستانت دشمنی ورزیدند و بر اهل بیت پیامبرت ظلم و ستم کردند . يَا خدایا ؛ فَاَنْتَقِمْ مِنْهُمْ ، وَاضْرِبْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ ، وَاشْرِطْ اَصْلَ شَاقَّتِهِمْ . اَللّٰهُمَّ از آنان انتقام بگیر و عذابت را بر آنان سرازیر کن، و آنان را از ریشه بر کن . خدایا ؛ همانا ایشان اِنَّهُمْ اَتَّخَذُوْا دِيْنَكَ دَعْوًا ، وَمَالِكَ دَوْلًا ، وَعِبَادَكَ حَوْلًا ، فَاَكْفِفْ دِيْنَ تُوْرَا و وسیله گول زدن و حيله گری گرفتند ، و اموال تو

را وسیله چیرگی و غلبه خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بنده و برده خود کردند . بِأَسْرِهِمْ، وَأَوْهَنْ كَيْدَهُمْ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ، وَخَالَفِ بِسِ بندگان را از عذاب و شکنجه آنان باز بدار ، و مکر و حيله هايشان را سست و بى اثر کن، و سينه مؤمنان را از آنان شفا بده و بَيِّنْ قُلُوبِهِمْ ، وَشَتَّتْ أَمْرَهُمْ ، وَاجْعَلْ بِأَسْهُمَ بَيْنَهُمْ ، وَاشْفِكَ بَيْنَ دِلِّ هَيْ آنان (دشمنان) اختلاف ايجاد کن، و کارهاى شان را آشفته و پراکنده ساز ، و سختى هاى شان را بين خودشان قرار ده، بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ دِمَائِهِمْ ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ . اللَّهُمَّ وَخُونِ شان را به دست مؤمنان بریز، و آن ها را گرفتار کن؛ به طوری که نتوانند بفهمند از کجا گرفتار شدند . بار خدايا ؛ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ درود فرست . خدايا ؛ ما در روز قیامت و روز حُلُولِ الطَّائِمَةِ، أَنَّهُمْ لَمْ يُدْبِيُوا لَكَ دَنَابًا، وَلَمْ يُوْتِكِيَا لَكَ مَعْصِيَةً، فَرَأْسِيْدِنَ بِلَايِ بَزْرِكِ ، گواهی می دهیم که ایشان هرگز گناهی انجام نداده اند ، و نافرمانی تو را مرتکب نشدند ، وَلَمْ يُصَدِّعُوا لَكَ طَاعَةً ، وَأَنَّ مَوْلَانَا وَسَيِّدَنَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ، و هرگز طاعتی از تو را ضایع نکرده اند ؛ و به راستی که مولای ما و آقای ما و صاحب روزگار ما ، الْهَادِي الْمُهْتَدِي ، الْتَقِيُّ التَّقِي الرَّكِي الرَّضِي ، فَاسْتَلِكْ بِنَا عَلَى هِدَايَتِ كُنْدَه هِدَايَتِ شْدَه ، و پرهیزکار ، پاک و آراسته ، صالح و پسندیده می باشد . پس، ما را به وسیله يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى ، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى ، وَفَوْنَا

علی مُتَابِعْتِهِ ، آن حضرت در راه هدایت، و راه آشکار بزرگ بیر؛ و ما را قدرت بده تا از آن حضرت پیروی کنیم، وَأَدِّعْ حَقَّهُ ، وَاخْشُرْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ . (۱۹) و حَقِّش را ادا کنیم؛ و ما را در زمره یاران و مددکاران و یاوران آن حضرت محشور فرما ؛ همانا تو شنونده دعا هستی .

#### ۱۴ ادها برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

این دعا ضمن اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ، در بعضی از کتاب ها وارد شده است :

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَاذِخِ ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ بَارِ خَدَايَا ؛ اى صاحب شكوه و عظمت رفيع و سلطنت والا ؛ بر محمّد و آلِ مُحَمَّدٍ ، وَكُنْ لَوْلِيَّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُهَدِّيِّ ، و آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِ ، و برای ولی و فرزند ولی خود محمد بن حسن ، حضرت مهدی علیه السلام ۱ . إقبال الأعمال : ۴۴۸ .

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَلِيًّا وَحَافِظًا ، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا ، وَذَلِيلًا وَعَوْنًا ، دَرِ اِيْنِ سَاعَتِ سِرِّسْتِ وِ مَحَافِظِ وِ بِيْشَا وِ يَاورِ وِ رَاهِنَمَا وِ مَدَدِ كَارِ وِ دِيْدِهٖ بَانَ وِ وَعَيْنًا وَمُعِينًا ، حَتَّى تُشْرِكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا ، وَتُمَتِّعَهُ فِيْهَا طَوِيلًا . كَمِكَ رِسَانِ بَاشْ ؛ تَا وِ رَا اَزِ رُويِ مِيْلِ وِ رَغْبَتِ بَرِ رُويِ زَمِيْنَتِ سَاكِنِ گِرْدَانِيْ ، وِ بَهْرِهٖ مَنَدِيْ اَوْ رَا طَوْلَانِيْ گِرْدَانِيْ . يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، يَا مُجْرِيَّ الْبُحُورِ ، يَا اِيْ تَدْبِيْرَ كُنْدِهٖ كَارِهَا ؛ اِيْ بَرَانْگِيْزَانْدِهٖ هَرِ كِهٖ دَرِ قَبْرِهَاسْتْ ؛ اِيْ جَارِيْ كُنْدِهٖ دَرِيَاها ؛ اِيْ مُلَيِّنَ الْأَحْدِيدِ لِذَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وِ آلِ مُحَمَّدٍ ، نَرْمِ كُنْدِهٖ آهِنِ بَرَايِ حَضْرَتِ دَاوُودِ



- که درود بر او باد -؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست، وَأَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا. و به جای «کذا» حاجت خود را از خدا بخواه. (۲۰)

و برای من انجام بده چنین و چنان.

### ۱۵ ادعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

دعای دیگر در شب بیست و سوم

علامه مجلسی رحمه الله فرموده است که محمد بن عیسی بن عبید با سند خود از یکی از معصومین علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

در شب بیست و سوم از ماه مبارک رمضان؛ این دعا را در حالت ایستاده یا نشسته و در هر حالی، و در تمام ماه مبارک رمضان، و هر طور که برایت ممکن و مقدور است، و در تمام دورات دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال، و درود بر پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُهَيْدِيِّ، عَلَيْهِ بَارِ خَدَايَا؛ بِرَأْسِ وَلِيِّ خَدَاتِ - او که برای اجرای او امر تو قیام می کند - حضرت محمد بن الحسن المهدی که بر او ۱. منهاج العارفين : ۲۷۴.

وَعَلَىٰ آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ وَبِرِ بَدْرَانِشِ بَرْتَرِينِ سَلَامِ هَا وَدَرُودِهَا بَادِ، دَرِ اَيْنِ سَاعَتِ وَدَرِ هَرِ سَاعَةٍ، وَلَيْتَا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا، حَتَّىٰ سَاعَتِ، سَرِ بَرَسْتِ وَمَحَافِظِ وَبِشَوَا وَبَاوَرِ وَرَاهِنَمَا وَتَأْيِيدِ كَنَنْدِهٖ بَاشِ؛ تَا تُشَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوَّعًا، وَتَمْتَعَهُ فِيهَا طَوَّلًا وَعَرَضًا، وَتَجْعَلَهُ أَوْ رَا اَزِ رُؤْيِ مِيلِ وَرَغْبَتِ بَرِ رُؤْيِ زَمِينَتِ سَاكِنِ گَرْدَانِي، وَ اَوْ رَا

در طول و عرض زمین بهره مند گردانی؛ و او وَذَرَيْتَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ الْوَارِثِينَ . اللَّهُمَّ أَنْصِرْهُ وَأَنْصِرْ بِهِ ، وَاجْعَلْ و فرزندان او را از پیشوایانی که وارثان اصلی خلافت و امامت هستند، قرار دهی . بارخدايا ؛ او را یاری کن و ما را به وسیله او یاری ده، أَنْصِرْ مِنْكَ عَلَى يَدِهِ ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ ، و نصرت و پیروزی خود را به دست او قرار بده؛ و پیروزی را برای او و گشایش را در راه او قرار بده؛ وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ . اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسَيِّئَةَ نَبِيِّكَ ، و حکومت و کار را به غیر او حواله نکن . خدايا؛ دین خودت و سنت پیامبرت را به وسیله آن حضرت نمودار کن ؛ حَتَّى لَا يَشْتَكِيَهُ بَشِيءٌ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ . اللَّهُمَّ تا این که هیچ حقی را به خاطر ترس از فردی از مردم پنهان نسازد . بار خدايا ؛ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعْرَفُ بِهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلُهُ ، وَتُلْدِلُ هِمَانًا مِنْ مَشْتَقِ دَوْلَتِ كَرِيمَةٍ أَنْ حَضَرْتَ هَسْتَمَ كَهْ اِسْلَامٍ وَاهْلَسْ رَا بَهْ وَّاسَطَهْ اَنْ عَزِيزِ كُنِي ، بِهَا التَّفَاقُ وَأَهْلُهُ ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ ، وَالْقَادَةِ وَنَفَاقِ وَاهْلَسْ رَا ذَلِيلٍ وَخَوَارِجِ دَانِي ، وَ مَا رَا دَرِ اَنْ اَزْ فِرَاخَوَانَانَ بَهْ طَاعَتِ خَوِيَشِ وَ رَهْبِرَانِي اِلَى سَبِيلِكَ ، وَ اِتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً ، وَقَنَا بَهْ سَوِي رَاهِ خَوْدَتِ قَرَارِ دَهِي ؛ وَ دَرِ دُنْيَا وَ آخِرَتِ بَهْ مَا خَيْرِ وَ خَوْبِي عَطَا فَرَمَا ، وَ مَا رَا اَزْ

عَذَابِ النَّارِ ، وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ ، وَأَقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا عَذَابَ جَهَنَّمَ مَحْفُوظَ بَدَارٍ ، وَبِرَّيْ مَا خَيْرِي هَيَّ هِر دُو جِهَان رَا كَرْد آوَر ؛ وَ بَرَاي مَا تَمَامِي آنچِه رَا كِه تُحِبُّ فِيهِمَا ، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ فِي دَر دُو جِهَان دُوسْت دَارِي ، اَز طَرَفِ مَا اِنجَام بَدِه ؛ وَ بَرَاي مَا دَر اَيْن چيزها ، آنچِه خَيْر اَسْت بِه واسطه مهرباني وَ مَنَّتِ دِيرِنِه ات عَافِيَه ، اَمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَرَبِّدِكَ الْمَلَأُ ، دَر عَافِيَتِ قَرَار بَدِه ، اِجَابَتِ كُن اِي پُروردگار جِهَانِيان ؛ وَ اَز فَضْلِ وَ فِرُونِ بَخْشِي خُودَتِ وَ دَسْتِ پَر خَيْرِ وَ بَرَكَّتِ بَرِ مَا اِفزُونِ كَرْدَان ؛ فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ . (۲۱)

پس همانا هر بخشنده ای، دارایی و تواناییش، در اثر بخشیدن به تدریج کم می شود، ولی بخشش تو، توانایی و داراییت را زیاد می کند.

### اعادای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

#### اشاره

شیخ بزرگوار کفعمی رحمه الله می نویسد : از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که :

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان ، این دعا را در حال سجده یا ایستاده یا نشسته ، و در هر حالی و در تمامی ماه مبارک ، و هر طور که برایت امکان دارد و در تمام دوران عمرت تکرار کن ؛ و بعد از بزرگداشت و ادای احترام به خداوند متعال ، و درود بر پیامبرش صلی الله علیه وآله وسلم بگو :

اَللّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ ، ( صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ بَارِ خُدَايَا ؛ بَرَاي وَلِيَّتِ حَضْرَتِ حَجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ ) كِه دَرُودِ تُو بَرِ اُو وَ اَبَائِهِ ) ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي

كُلَّ سَاعَةٍ ، وَلياً وَحَافِظاً ، وَقَائِداً پدران او باد) ، در این ساعت و در هر ساعت ، سرپرست و محافظ و پیشوا از ادب شیعه... در روز عید فطر

وَنَاصِرًا ، وَدَلِيلًا وَغَيْثًا ، حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا ، وَتُمَتِّعَهُ وَ يَاور و راهنما و دیده بان باش ، تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره مندی او را فیها طَوِيلًا. (۲۲)

در زمین طولانی فرما .

#### از ادب شیعه نسبت به امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی فرجه در روز عید فطر

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در بخشی از کتابش به عنوان «ادب بنده در روز عید نسبت به کسی که معتقد است که او امام و دارای این مقام والا است» ؛ می فرماید :

پس می گویم : بدان هنگامی که عید فطر فرا رسد پس اگر صاحب حکومت و امور (امام زمان ارواحنا فداه) در مَلَتْ و مملکتش تصرف داشت و رعیت او آن گونه بودند که مولای شان خواسته بود ، پس به آن حضرت به خاطر این که خدا به او رو کرده و به خاطر سلطنت و قدرتی که به او احسان نموده تهنیت گو ، سپس به خودت و کسی که نزد تو عزیز است و برای دنیا و اهل آن و برای هر کسی که به امامت آن حضرت سعادت مند شده و از وجودش و امامتش و یمن او و هدایتش و بهره های دولتش بهره مند است تبریک بگو .

و اگر کسی که معتقد به وجوب اطاعتش هستی از تصرف در آنچه مقتضای ریاست او است منع شده باشد باید اثر خشم و غضب الهی بر تو نمودار باشد و بر آنچه از فضل و احسان او

از تو فوت شده حسرت و اندوه داشته باشی .

پس همانا روایت کرده ایم با سند خود به شیخ صدوق رحمه الله از کتاب «من لا يحضره الفقيه» و غیر آن با سند او به حنّان بن سدید از عبدالله بن دینار از امام باقر علیه السلام ؛ که حضرت فرمودند :

ای عبدالله ؛ برای مسلمانان هیچ عید قربان و فطری نیست مگر این که در آن روز برای آل محمد علیهم السلام حزن و اندوه تازه می شود .

عبدالله گوید : عرض کردم برای چه ؟

حضرت فرمودند : برای این که ایشان علیهم السلام حقّ خودشان را در دست دیگران می بینند .

می گویم : اگر احوال زمان ظهور را می دانستی و مستحضر بودی که در آن هنگام چگونه پرچم های اسلام به عدل و عدالت باز و احکام مردمان به فضل و دانش آشکار گشته و اموال در راه خدا به بندگان او بذل و بخشش می شود و آرزوها شاداب و خندان و برآورده شده ، و امتیت و آرامش شامل نقاط دور و نزدیک می شود ؛ و نصرت و پیروزی ، انسان های ضعیف و ذلیل و غریب را فرا گرفته است ، و خورشید خوشبختی در دنیا طلوع کرده است و دنیا را روشن ساخته ، و خوشبختی و اقبال در زمین های پست و بلند گسترده گردیده ، و حکم روشن خداوند و سلطنت نیرومند او چنان ظاهر شده که خردها نشاط یافته و دل ها شادمان و همه کرانه ها را نور فرا گرفته ، به راستی عیدی که به فرارسیدنش مسرور گشته ای بر تو مکدر می گشت و می فهمیدی که از کرم خدا و الطاف او چه مقدار

از دست داده ای و گریه و سوز دل و آه و حسرت بر تو غالب می گشت و این سزاوارتر است و به وفا نسبت به کسی که نزد تو عزیز است نزدیک تر است .

دعای روز عید...

با ذکر این مطالب مختصری پرده را برایت کنار زدم ولی آن گونه که باید شرح و توضیح ندادم و آن چه که ما آن را ذکر کردیم به نحو آگاه کردن و اشاره بود ؛ به خاطر این که عبارات برای شرح آن چه که ما می خواهیم آن را بیان کنیم ، عاجز می باشد .

و بدان که همانا صفا و صمیمیت و وفاداری برای صاحبان حق هنگام جدایی و دوری نیکوتر است از صفا و صمیمیتی که در حال نزدیکی و حضور باشد ؛ پس ، صفا و صمیمیت و وفاداری باید شعار قلب تو برای مولایت باشد ؛ و پروردگارت بر گشودن و برطرف کردن حزن و اندوه و مشقت تو قادر است . (۲۳)

دعای روز عید غدیر ...

### **۱۷ دعای روز عید غدیر کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم**

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و در خیمه آن حضرت باشد

علّامه مجلسی رحمه الله می فرماید : با سند متصل روایت می کنم آن چه را که ذکر کرده و روایت فرموده آن را محمّد بن علی طرازی در کتابش ؛ از محمّد بن سنان ، از داوود بن کثیر رقی ، از عماره بن جوین ابو هارون عبدی ، هم چنین با سندهای مان به شیخ مفید محمّد بن محمّد بن نعمان رحمه الله ، روایت می کنیم آنچه را که روایت می کند آن را از عماره بن جوین ابو هارون عبدی ؛ که گفت :

در روز هیجدهم ذی الحجّه خدمت امام صادق

علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که آن حضرت روزه دار بود ؛ به من فرمودند :

همانا این روز ، روزی است که خدا حرمتش را بین مؤمنان زیاد کرده است ؛ چون خداوند در این روز دین آن ها را کامل کرده و نعمتش را بر آنان تمام نموده است، و عهد و پیمانی که از ایشان در عالم ذر گرفته ، برای آنان تجدید کرده است ؛ زیرا آن موقف را از یاد آن ها برده بود و خداوند آنان را توفیق داده که آن عهد و پیمان را از او قبول کنند، و خداوند آنان را از کسانی که این امر را انکار می کردند، قرار نداد .

من به آن حضرت عرض کردم : جانم فدای شما باد ؛ ثواب روزه گرفتن در این روز چیست ؟ حضرت فرمودند :

همانا این روز ، روز عید ، شادی ، سرور و روزه گرفتن به خاطر سپاسگزاری از خداوند می باشد . روزه گرفتن در این روز معادل شصت ماه روزه گرفتن در ماه های حرام می باشد.

در این روز هر موقع که خواست ، (گرچه بهترین وقت آن نزدیک ظهر می باشد؛ و آن ساعتی است که حضرت علی علیه السلام در غدیرخم برای جانشینی پیامبر معین شد و مردم در آن وقت به منزل نزدیک شده بودند) دو رکعت نماز بخواند، سپس سجده کند و صد مرتبه خدا را شکر کند (و شُكْرًا لِلَّهِ بگویند) و بعد از سجده این دعا را بخواند :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَقْدَ ، وَخَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَاَنَّكَ بَارِخَدَايَا؛ من از تو درخواست می کنم (با گواهی این) که حمد و ستایش مخصوص

تو می باشی، و همانا واجد احد صمد، لم یلد ولم یولد، ولم یکن لک کفو احد، تو یگانه، تنها و بی نیاز هستی؛ نه فرزند کسی هستی و نه کسی فرزند توست، و نه هیچ کس همتای توست و ان محمداً عبداً و رسولک صیلاً علیک و اله، یا من هو و همانا حضرت محمد بنده و فرستاده توست؛ که سلام و درود تو بر او و آل او باد؛ ای کسی که کل یوم فی شأن، کما کان من شایک ان تفضلت علی، پان هر روز برای او شانی و امری است، همچنان که از شأن توست که بر من تفضل فرموده و جعلتني من اهل إجابتيك، و اهل دينك و اهل دعوتك، و وفقتني مرا از پاسخ دهندگان به تو، و اهل دین و دعوت خویش قرار دادی؛ و مرا لتدلیک فی مبدی خلقی، تفضلاً منک و کرم و جوداً. ثم اذقت در آفرینش اولی ام (عالم ذر) بر این کار از روی فضل و جود و کرم موفق کردی. سپس الفضل فضلاً، و الجود جوداً، و الکرم کرم، رافه منک و رحمه فضلی در پی فضل دیگر، و جود و بخششی در پی جود و بخشش دیگر، و کرامتی در پی کرامت دیگر از رأفت و رحمت خود تفضلت إلی ان جددت ذلک العهد لی تجدیداً بغير تجدیدک خلقی فرمودی تا آن که این عهد را بر من تازه کردی، و بعد از آن که مرا آفرینش جدیدی فرمودی؛ و کنت نسیاً منسیاً ناسیاً ساهياً غافلاً، فأتممت بعمتک بان و با آن که



من به کلی فراموش شده و در سهو و نسیان و غفلت بودم، پس نعمت را بر من کامل کردی به این که ذکرَتَنی ذلِکَ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ، وَهَدَيْتَنی لَهُ . فَلَیْکُنْ مِنْ شَأْنِکَ مَا یَا دُورَ آن عهد و پیمان کردی؛ و با آن بر من مَنّت گذاشتی، و به سوی آن هدایت فرمودی . پس باید از شأن تو این باشد یا اِلهی وَسَیِّدِی وَمَوْلَایَ، اَنْ تُنِّمَ لِی ذلِکَ، وَلَا تُشِیْبُنِیهِ، حَتّٰی اِی خدای من؛ و سرور من؛ و مولای من؛ که آن نعمت را بر من کامل گردانی و از من زایل نگردانی تا تَتَوَفَّانِی عَلَی ذلِکَ وَ اَنْتَ عَنّی راضٍ، فَاِجْبُنْکَ اَحِبُّ الْمُتَعَمِّمِیْنَ اَنْ اَنْ کَ مَا بِاِی عقیده و پیمان بمیرانی، و تواز من خشنود باشی؛ همانا تو سزاوارترین نعمت بخشان هستی که نعمت را بر من تُنِّمَ نِعْمَتَکَ عَلَیَّ . اَللّٰهُمَّ سَمِّعْنَا وَ اَطَعْنَا، وَ اَجْبِنَا دَاعِیَکَ بِمَنِّکَ، کَامِلَ گِردانی . خدایا؛ عهد تو را (شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و همچنین دعوت کننده ات را که بر ما فرستادی به لطف و کرم تو اجابت فَلِکَ الْحَمْدُ غُفْرَانُکَ رَبَّنَا وَ اِلَیْکَ الْمَصِیْرُ، اَمْنَا بِاللّٰهِ، وَ خَدَهُ لَا کَرْدِیْمَ، پس حمد و سپاس بر تو باد، آمرزش تو را خواهانم ای پروردگار ما؛ و بازگشت همه به سوی توست؛ ما به خدای شَرِیْکَ لَهُ، وَ بِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ، وَ صَدَّقْنَا یَکْتَا وَ بَی شَرِیْکَ وَ بَهِ فَرَسْتَا دَهِ او حضرت محمد - که سلام و درود خدا بر او آل او باد - ایمان آوردیم؛ وَ اَجْبِنَا دَاعِیَ اللّٰهِ،

وَأَتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مَوْلَاهِ مَوْلَانَا وَمَوْلَى دَعْوَتِ كُنَنَدَه خدایِ را تصدیق و اجابت کردیم و اوامر فرستاده او را در مورد دوستی و اطاعت از مولای مان و مولای الْمُؤْمِنِينَ أمير الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، غَدِيدِ اللَّهِ وَأَخِي مُؤْمِنَانَ ، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کردیم ؛ او که بنده خدا، و برادر رَسُولِهِ ، وَالصَّادِقِ الْأَكْبَرِ ، وَالْحَجَّجِ عَلِيَّ بَرِّيَّتِهِ ، الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيَّهُ فرستاده او، و راست گویی بزرگ، و حجت خدا بر خلق اوست؛ او تأییدکننده پیامبر خدا وَدِينَهُ الْحَقِّ الْمُبِينِ ، عَلِمْنَا بِتَمْدِينِ اللَّهِ ، وَخَازِنَا لِجَلِيمِهِ ، وَعَيْبِهِ وَدِينِ اوست که حَقَائِقِ آن آشکار و واضح است، او عَلَمٌ و نشانه دین خدا و گنجینه دانش خدا، و صندوق غَيْبِ اللَّهِ ، وَمَوْضِعِ سِتْرِ اللَّهِ ، وَأَمِينِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، وَشَاهِدَهُ فِي رَازِهَائِهِ خدای، و محلّ سرّ خدا و امین خدا بر آفریدگان او، و گواه او بر بَرِّيَّتِهِ . اَللّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا سَرَجْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِبَنَدِكُنْهُمِمْ مِمْ يَشَدُّ . بار خدایا ؛ ای پروردگار ما ؛ همانا ما صدای ندا دهنده ای که ندا سر داد که بِرَبِّكُمْ فَأَمَّنَّا رَبَّنَا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ بِه پروردگارتان ایمان آورید را شنیدیم و به پروردگاران ایمان آوردیم؛ پس گناهان ما را ببخش و بدی های ما را ببوشان و ما را الْأَبْرَارِ × رَبَّنَا وَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ هَمْرَاه با نیکان عالم بمیران. پروردگار ما ؛ بر ما آنچه را که بر رسولانت وعده داده ای عطا فرما، و ما را در روز الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ»(۲۴)، فَأَمَّنَّا رَبَّنَا

بِمَنْكَ وَطُفَيْكَ، أَجِينَا قِيَامَتِ خَوَارٍ وَذَلِيلِ نَفَرَا؛ كِه هَمَانَا تُو اَز وَعَدِه هَايِ خُودِ تَخَلَّفِ نَمِي كِنِي. «بِسِ اِي پُرُورْدِ گَارَا؛ مَا بِه لُطْفِ وَ كَرَمِ تُو اِيْمَانِ آوَرْدِيْمِ، وَ دَاعِيَيْكَ، وَ اَتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ وَصَدَّقْنَا وَصَدَّقْنَا مُوَلِّيَ الْمُؤْمِنِيْنَ، دَعُوْتِ كُنُنْدِه بِه سُوِي تُو رَا اِجَابَتِ كَرْدِيْمِ، وَ اَز فَرَسْتَادِه اَت تَبَعِيْتِ كَرْدِيْمِ وَ اُو وَ مَوْلَايِ مُؤْمِنَانِ رَا تَصْدِيْقِ كَرْدِيْمِ، وَ كَفَرْنَا بِاَلْحَبِيْبِ وَ الطَّاعُوْتِ، فَوَلْنَا مَا تَوَلَّيْنَا، وَ اَلْحَشُوْنَا مَعَ وَ بِه جَبِيْتِ وَ طَاغُوْتِ كُفْرِ وَرَزِيْدِيْمِ. بِسِ تُو وُلِيٍّ وَ سَرِيْرَسْتِ مَا كُنْ اَن رَا كِه مَا بِه وَلايْتِ بَرِ گَزِيْدِيْمِ؛ وَ مَا رَا بِاَنْتَمِنَا، فَاِنَّا بِهِيْمِ مُؤْمِنُوْنَ مُوَفَّقُوْنَ، وَ لَهُمْ مُشِيْلِمُوْنَ، اَمْنَا بِبِيْرِهِمْ بِيشُوَايَانِ مَانِ مَحْشُوْرِ فَرْمَا. زِيْرَا مَا بِه اَنَانِ اِيْمَانِ آوَرْدِه اِيْمِ وَ بِه اِمَامَتِ اَنَانِ يَقِيْنِ دَارِيْمِ، وَ تَسْلِيْمِ اَنَانِ هَسْتِيْمِ. مَا بِه نُهَانِ وَ وَعَلَايْتِيْهِمْ، وَ شَاهِدِيْهِمْ وَعَايِيْهِمْ، وَ حَيِّيْهِمْ وَ مَمِّيْهِمْ، وَ رَضِيْنَا بِهِيْمِ اَشْكَارِ اَن هَا، شَاهِدِ وَ غَايِبِ اَن هَا، وَ زَنْدِه وَ مَرْدِه اَن هَا اِيْمَانِ آوَرْدِه اِيْمِ؛ وَ بِه بِيشُوَايِيٍّ وَ رَهْبَرِيٍّ وَ سَرُوْرِيٍّ اَنَانِ رَا ضِيٍّ وَ خَشْنُوْدِ اَيْمَه، وَ قَاَدَه وَ سَادَه، وَ حَشِيْمِيْنَا بِهِيْمِ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللّٰهِ دُوْنَ خَلْقِه، هَسْتِيْمِ؛ وَ بَرَايِ وَسَاطَتِ بِيْنِ مَا وَ خُدَايِ مَا، اَنَانِ كِفَايَتِ مِي كُنُنْدِ؛ وَ نِيَازِي بِه غَيْرِ اِيْشَانِ اَز آفَرِيْدِ گَانَشِ نِيْسْتِ؛ لَانْتَبَغِيْ بِهِيْمِ بَدَلًا، وَ لَانْتَخِذُ مِنْ دُوْنِيْهِمْ وَ لِيَجَه، وَ بَرَرْنَا اِلَى اللّٰهِ وَ بِه جَايِ اَن هَا جَايْگَزِيْنِ نَمِي جُوِيْمِ؛ وَ غَيْرِ اَنَانِ رَا تَكِيْهِ گَاهِ خُودِ نَمِي گِيْرِيْمِ. وَ بِه دَرِگَاهِ خُدَا مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَزْبًا، مِنْ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ، مِنْ الْاَوَّلِيْنَ اَز هَرِ كَسِي

که با آنان به مبارزه و جنگ می پردازند، بیزاری می جوئیم؛ چه آن افراد از جنّ باشند؛ یا از انسان ها، از پیشینیان باشند وَاَلَّاخِرِينَ ، وَكَفَرْنَا بِالْحَبِيبِ وَالطَّاعُوتِ ، وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ ، یا از افراد آخر الزمان؛ و به جبت و طاغوت کفر می ورزیم؛ و همچنین به بت های چهارگانه و أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ ، وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، مِنْ وَدُنَالِهِ رُوَهَا و پیروانشان؛ و هر کسی که آنان را دوست دارند؛ چه از جنیان باشند و چه از انسان ها؛ از أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى الْآخِرِهِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْهَدُكَ اَنَّكَ اَنْتَ نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ اَوَّلَ خَلْقِكَ تَا اَخْرَآنَ ، كَفَرُ مِى وَرَزِيْمِ . بار خدایا؛ ما تو را گواه می گیریم که ما به دینی که ۱ . سوره آل عمران ، آیه ۱۹۳ و ۱۹۴ .

مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ، وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا ، حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - که درود خدا بر او و بر آنان باد - به آن متدین هستند ، گرویدیم؛ و گفتار ما ، گفتار آنان ؛ وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ ، مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا ، وَمَا دَانُوا بِهِ دِينًا ، وَمَا دِينُ مَا دِينِ آتَانِ مِى بَاشَدُ؛ آنچه آنان گفتند ، ما می گوئیم؛ و به آنچه آنان عقیده دارند ، ما هم معتقدیم؛ و آنچه را که آنان منکر شدند ، ما اَنْكَرُوا اَنْكَرْنَا ، وَمَنْ وَالُوا وَالَيْنَا ، وَمَنْ عَادُوا عَادْنَا ، وَمَنْ هَمَّ مَنْكَرَ آنَ هَسْتِيْمُ ؛ و هر کسی را آنان دوست داشتند ، ما هم دوست داریم؛ و با هر کسی آنان دشمنی کردند ، ما هم با آنان دشمنی می کنیم؛ لَعَنُوا لَعْنَا ، وَمَنْ تَبَرَّؤُوا مِنُّهُ تَبَرَّؤْنَا

مِنْهُ ، وَمَنْ تَرَحُّمُوا عَلَيْهِ وَ هَر كَسِي رَا لَعْن وَ نَفْرِين كَرْدَنْد ، مَا هَم لَعْن وَ نَفْرِين مِي كَنِيم ؛ وَ اَز هَر كَسِي بِيْزَارِي جَسْتَنْد ، مَا هَم بِيْزَارِي مِي جَوِيْم ؛ وَ هَر كَسِي رَا مَوْرِد رَحْمَت تَرَحُّمْنَا عَلَيْهِ ، اَمَّنَّا وَ سَلَّمْنَا وَ رَضِيْنَا ، وَ اَتَّبَعْنَا مَوَالِيْنَا صِيْلَوَاتُ قَرَار دَادَنْد ، مَا هَم مَوْرِد رَحْمَت قَرَار مِي دَهِيْم ؛ بَه اَمَامَان خَوْدَمَان اِيْمَان آوْرْدِيْم ، وَ دَر بَرَابَر اَن هَا تَسْلِيْم هَسْتِيْم ؛ وَ رَاضِي وَ خَشْنُوْد مِي بَاشِيْم ؛ وَ اِز اللّٰهُ عَلَيْهِمْ . اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِيْكَ وَ لَا تَشِيْلِبْنَا ، وَ اجْعَلْهُ مُشِيْتَقَرّاً اِيْشَان پِيْرُوِي مِي كَنِيْم ؛ كِه سَلَام خِدا بَر اَنَان بَاد . بَار خِدايَا ؛ اِيْن اِيْمَان وَ عَقِيْدَه مَا رَا كَامَل گَرْدَان ، وَ اَن رَا اِز مَا مَكْبِر ، وَ اَن رَا بَرَاي مَا ثَابِتاً عِنْدَنَا ، وَ لَا تَجْعَلْهُ مُشْتَعَاراً ، وَ اُخِيْنَا مَا اُخِيْتِنَا عَلَيْهِ ، وَ اَمِّنْنَا مَسْتَقَرّاً وَ ثَابِت گَرْدَان ، وَ اَن رَا بَه صَوْرَت عَارِيَه بَرَاي مَان قَرَار مَدَه ؛ وَ مَا رَا بَر اِيْن عَقِيْدَه زَنْدَه بَدَار ، وَ بَر اَن بَمِيْرَان هَر اِذَا اَمَّنْنَا عَلَيْهِ ، اَلْ مُحَمَّدٍ اَنْبِيْتُنَا ، فَبِيْهِمْ نَأْتَمُّ ، وَ اِيْآهُم نُوَالِي ، گَآه مَا رَا بَمِيْرَانِي . اَل مَحْمَد عَلَيْهِمُ السَّلَام پِيْشَوَايَان مَا هَسْتَنْد ؛ پَس بَه اَنَان اَقْتِدا مِي كَنِيْم وَ فِقْط اَنَان رَا بَه سَر پَرَسْتِي مِي پَدِيْرِيْم ، وَ عَدُوْهُمْ عَدُوْ اللّٰهُ نَعَادِي ، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ دَشْمَانَان شَان رَا - كِه دَشْمَانَان خِداوَنْد هَسْتَنْد - دَشْمَان مِي دَارِيْم . پَس مَا رَا دَر دُنْيَا وَ آخِرَت بَا اَنَان وَ مِيْنِ الْمُقَرَّبِيْنَ ، فَاِنَّا بِذَلِيْكَ رَاضُوْنَ ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

وَ اَز مَقْرَبَان وَ نَزْدِيْكَان دَر گَآه خَوْدَت قَرَار بَدَه ؛ زِيْرَا مَا بَه اِيْن كَار رَاضِي وَ خَشْنُوْد هَسْتِيْم ؛ اِي مَهْرَبَان تَرِيْن مَهْرَبَانَان .

سپس سجده



(۱

(۲) مصباح المتهجد: ۷۸۲، بحار الأنوار: ۳۰۳/۱۰۱.

(۳

(۴) المصباح: ۷۰۱، مصباح المتهجد: ۸۰۳، بحار الأنوار: ۳۹۲/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۵.

(۵

(۶) المصباح: ۷۰۳، مصباح المتهجد: ۸۰۵، بحار الأنوار: ۳۹۳/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۶.

(۷) المصباح: ۶۹۹، مزار شهيد: ۲۷۷، بحار الأنوار: ۴۴۶/۱۰۰، إقبال الأعمال: ۱۴۳.

(۸

(۹) زاد المعاد: ۵۷، مصباح المتهجد: ۸۲۶، المصباح: ۷۲۰، إقبال الأعمال: ۲۰۲.

(۱۰) إقبال الأعمال: ۲۱۸، زاد المعاد: ۶۳، المصباح: ۷۲۴، مصباح الزائر: ۳۱۵.

(۱۱) سورة دخان، آیه ۴.

(۱۲

(۱۳) زاد المعاد: ۱۱۰، المصباح: ۷۷۰، مصباح المتهجد: ۵۷۷، إقبال الأعمال: ۳۲۲.

(۱۴) بحار الأنوار: ۱۲۰/۹۸، منهاج العارفين: ۲۱۴.

(۱۵) إقبال الأعمال: ۴۲۶، بحار الأنوار: ۳۷/۹۸، باب السعاده: ۸۵.

(۱۶) إقبال الأعمال: ۴۲۷.

(۱۷) در روایت «الهدّه» تعبیر شده است که به معنای صدای عجیبی است که از افتادن شیئی از آسمان به زمین ایجاد شود!

(۱۸) التشریف بالمنن معروف به ملاحم و فتن: ۲۸۴ از عالم جلیل القدر سید بن طاووس. این روایت را در ص ۱۰۰ همان کتاب با تفاوت مختصری نقل نموده است.

(۱۹

(۲۰

(۲۱) بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۷، إقبال الأعمال: ۳۵۷.

(۲۲) مصباح المتهجد: ۶۳۰، المصباح: ۷۷۹.

(۲۳) إقبال الأعمال: ۵۸۴. دعای روز عید فطر را در بخش ۱۲ ص ۶۷۵ می آوریم به خاطر مناسبت دعا با آن

(۲۵) بحار الأنوار : ۲۹۸/۹۸ ، زاد المعاد : ۳۴۱ .

(۲۶) دعوات راوندی : ۹۴ ، بحار الأنوار : ۲۰۷/۹۴ .

### بخش ششم: دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست

#### ادعای عهد

#### اشاره

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید :

هر کس با این عهد ، چهل روز به درگاه خداوند دعا کند از یاران قائم ما خواهد بود ، و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (در وقت ظهور) او را از قبرش خارج خواهد ساخت . و به ازای هر کلمه ، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه را (از کارنامه اعمالش) محو می کند؛ آن عهد چنین است : (۱)

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ ، وَرَبَّ الْبُحْرِ خَدَايَا ؛ اى پروردگار روشنى بزرگ؛ اى پروردگار جایگاه بلندمرتبه؛ اى پروردگار دریای المَشْجُورِ ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزُّبُورِ ، وَرَبَّ الظُّلِّ متلاطم ؛ و اى فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور؛ و اى پروردگار سایه وَالْحُرُورِ ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، و گرمی آفتاب ؛ و اى فرو فرستنده قرآن بزرگ؛ و اى پروردگار فرشتگان مقرب ؛ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبُنُورِ اى پروردگار پیامبران و رسولان ؛ بار خدایا ؛ من از تو درخواست می کنم به ذات کریمت، و به روشنى ۱ . بحار الأنوار : ۴۱/۹۴ :

وَجْهِكَ الْمُنِيرِ ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ ذَاتِ رُشْنِي بَخْشْتِ ، و فرمانروایی بی آغازت ؛ اى زنده ؛ اى پایدار ؛ درخواست می کنم به واسطه نامت ، الَّذِي أَسْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ هَمَانِ نَامِي كِه آسمان ها و زمین ها به سبب آن روشن گردید



؛ همان نامی که به الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ ، یا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، ویا حَيًّا نَعْبُدُ كُلَّ يَشِينِيَان و آیندگان با آن اصلاح می شوند . ای زنده پیش از هر زنده؛ و ای زنده پس از هر حَيٍّ ، ویا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ ، یا مُخَيِّي الْمَوْتِي وَمُمِيتِ الْأَحْيَاءِ ، زنده؛ و ای زنده ای که زنده بودی در حالی که هیچ زنده نبود؛ ای زنده کننده مردگان؛ ای میراننده زندگان؛ یا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ ای زنده ای که جز تو معبودی نیست؛ بار خدایا؛ به مولای ما، یعنی پیشوای هدایت گر هدایت شده ای الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ ، عَنْ كِه قِيَام كِنِنْدِه اسْتِه بِه اَمْر تِه - كِه دَرُود خدَا بَر اُو و بَر تَمَام نِيَاكَان پاكيزه اش باد - سلام بَر سان ؛ سلام و درودی از جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، طَرَفِ هَمِه مَرْدَانِ و زَنان باایمان كه در شَرِق و غَرَبِ زَمین ، سَهِّلِهَا وَجَبَلِهَا ، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَعَنْ وَالِدَيْ ، مِنْ بِيَابان و كوهسار، دریا و یا خشکی زمین هستند. سلامی از طرف من و پدر و مادرم . الصَّلَوَاتِ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ ، سلام ها و درودهایی كه هم سنگ عرش الهی و به قدر گستردگی كلمات او باشد . آن قدر كه علم خدا آن را شماره كند ، وَأَحْاطَ بِهِ كِتَابُهُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا ، و كتاب الهی به آن احاطه دارد . بار خدایا ؛ من در

این صبحدم و در ابتدای این روز نو، وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبِعَهُ لَهٗ فِي عُنُقِي، لا و تمامی ایام زندگانیم، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) را با آن عزیز تجدید می کنم که احوالِ عَنُهَا، وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ، هیچ گاه و به هیچ وجه از آن برنخوامم گشت و هرگز آن را از بین نمی برم. خداوندا؛ مرا از یاران و کمک رسانان وَالذَّآبِيْنَ عَنُّهُ، وَالْمُسَارِعِيْنَ اِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَآئِجِهِ وَالْمُتَمَتِّلِيْنَ و حمایت کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته های او به سویش می شتابند؛ جزو اَولِوَامِرِهِ، وَالْمُحَامِيْنَ عَنُّهُ، وَالسَّابِقِيْنَ اِلَى اِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِيْنَ دسته ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می دهند؛ جزو حمایت کنندگان از او و پیشی گیرندگان برای انجام امور دلخواه او بِيْن يَدَيْهِ. اَللّٰهُمَّ اِنْ حَالِ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ و شهادت طلبان در پیش روی او قرار ده. بار خدایا؛ از تو می خواهم که اگر مرگ - که آن را بیک امر حتمی و قطعی برای عِبَادِكَ خْتَمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِی، مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شاهراً بندگان قرار داده ای - بین من و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته ام؛ شمشیرم را کشیده و بالا برده ام سَيْفِي، مُجْرَدًا قَنَاتِي، مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. نیزه ام را آماده کرده ام و فراخوانی شخصی را که دعوت کننده به سوی اوست لَبِيْكَ گفته و پاسخ مثبت می دهم؛ فراخوانی همان کسی که اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ الرُّشِيْدَةَ،

وَالْعَزَّةَ الْحَمِيدَةَ ، وَاکْحُلْ نَاطِرِي فِي شَهْرَهَا وَصَحْرَاهَا نَدَا مِي دَهْد . بَار خدایا؛ آن رخسار زیبای جَدَاب، و روی نورانی دوست داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمه دیده ام را بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُ ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ ، وَأَوْسِعْ مَنَهَجَهُ ، نگاهی بر آن عزیز قرار ده، و در فرج و گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش و اشکلت بی مَحَجَّتِهِ ، وَأَنْفَعِدْ أَمْرَهُ ، وَاشْدُدْ أَرْزُهُ . وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهٖ گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر ، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن . خدایا ؛ با حضور او بِلَادِكَ ، وَأَخِي بِهٖ عِبَادِكَ ، فَإِنَّكَ قُلْتَ ، وَقَوْلِكَ الْحَقُّ «ظَهَرَ الْفَسَادُ سِرْمِينَ هَا وَشَهْرَاهَا بِهٖ رَا أَبَادِ گِردان، و بندگانت را زنده گردان؛ زیرا، تو فرموده ای - به خوبی نیز می دانم که گفته های تو حَقَّ است - : که « - بِبِشِّ از فِی الْبُرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ » (۲) ، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا آن که آن بزرگوار ظهور فرماید - فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است؛ پس، ای خدا، وَبِئِكَ ، وَإِنَّ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، الْمَسِيئَةَ بِإِسْمِ رَسُولِكَ ، حَتَّى لَا يُظْفَرُ وَلِيٌّ وَنَمَائِنْدَه خودت را که پسر دختر پیامبرت می باشد و هم نام فرستاده تو - مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - است ؛ برای ما آشکار کن تا بِشَيْءٍ ءٍ مِنْ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَفَهُ ، وَبِحَقِّ الْحَقِّ وَيُحَقِّقَهُ . وَاجْعَلْهُ هَرِ بَاطِلٍ وَنَادِرَسْتِي رَا نَابُودِ كِنْدِ وَ بَرِ آن

اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا بَارِئًا بِخَدَايَا؛ أَوْ رَا بِنَاهُ بِنْدِگَانِ سَتَمَدِيدِهِ اِت، وَ يَارِ وَ يَاوِرِ كَسَانِي قَرَارِ دِهْ كِهْ جَزْ تُوْ يَاوِرِي بَرَايِ خُودِ نَمِي يَابَنْدِ، غَيْرِكَ، وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَ مُسَدِّدًا لِمَا وَرَدَ وَ خَدَايَا؛ أَوْ رَا تَجْدِيدِ كُنَنَدِهْ اَن دَسْتُورَاتِ كِتَابِتِ (قُرْآن) قَرَارِ دِهْ كِهْ تَعَطِيلِ شُدِهْ اِسْت؛ وَ مُحْكَمِ كُنَنَدِهْ مِنْ اَغْلَامِ دِينِكَ، وَ شَيْتَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، وَ اجْعَلْهُ نِشَانِهْ هَايِ اَشْكَارِ دِينِت، وَ رُوشِ هَايِ نِيكُوِي پِيَامِبِرْت - كِهْ دَرُودِ بَرِ اَوْ وَ اَلِ اَوْ بَادِ - قَرَارِ دِهْ . اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ . اَللّٰهُمَّ وَسِّرْ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا خُدَايِ مَنْ؛ اَوْ رَا جَزُو كَسَانِي قَرَارِ دِهْ كِهْ اَزِ بَدِي وَ عَذَابِ تَجَاوِزْ كَارَانِ دَرِ اَمَانِ مِي دَارِي. خَدَايَا؛ پِيَامِبِرْتِ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ بَرُوْنِيَهْ، وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلٰى دَعْوَتِهِ، وَ اَرْحَمِ - كِهْ دَرُودِ بَرِ اَوْ وَ اَلِ اَوْ بَادِ - رَا بَا دِيدِنِ اَيْنِ فَرْزَنْدِ شَايِسْتِهْ اَشْ وَ كَسَانِي كِهْ اَزِ دَعْوَتِ اَوْ پِيروِي نَمُودِهْ اَنْدِ، شَادِ وَ خُوشْحَالِ فَرْمَا؛ وَ بِهْ اِسْتِيكَانَتِنَا بَعِيدَهْ. اَللّٰهُمَّ اَكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْاُمَّةِ بِحَضُورِهِ، بِيْجَارِگِي مَا كِهْ بَا غَيْبِتِ اَوْ بِهْ وَجُودِ اَمْدِهْ اِسْت، رَحْمِ كُن . خَدَايَا؛ اَيْنِ اَنْدُودِهْ وَ اَفْسَرْدِگِي رَا بَا حَضُورِ اَن عَزِيْزِ پَنْهَانِ شُدِهْ، اَزِ اَيْنِ اُمَّتِ بَرَطْرَفِ كُن ؛ وَ عَجَّلْ لَنَا طُهُوْرَهْ، اِنَّهُمْ يَرُوْنَهْ بَعِيْدًا، وَ نَرِيْهْ قَرِيْبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا وَ دَرِ ظُهُوْرِ وَ اَشْكَارِ شُدِنِ اَوْ شَتَابِ كُن؛ چَرَا كِهْ اَنهَا (دَشْمَنَانِ تُو) زَمَانِ

ظهور او را دیروقت می پندارند، ولی ما آن را نزدیک می دانیم؛ البتّه، به امید رحمت أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و مهربانی تو؛ ای مهربان ترین مهربانان ؛

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی :

أَلْعَجَلُ ، أَلْعَجَلُ ، يَا مُؤَلَّيْ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ . (۳)

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من؛ ای صاحب اختیار زمان .

معنای بیعت با حضرت مهدی علیه السلام

#### معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداء

معنای بیعت بین طرفین ؛ تعهد بیعت کننده ، و پیمان محکم و میثاق استوار اوست به این که با جان و مال خود ، کسی را که با او بیعت کرده است یاری کند ، و هر چه از دستش برمی آید نسبت به او کوتاهی نکند ، و هر گونه یاری که می تواند نسبت به او انجام دهد ، و جان و مال خودش را سپر بلای او گرداند و فدای او کند . و بیعت به این معنی در دعای عهدی که هر روز آن را باید خواند ، و در دعای عهدی که خواندن آن به مدت چهل صبح وارد شده ، مطرح شده است .

و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در خطبه غدیر که در کتاب «الإحتجاج» روایت شده است همه مردم را - چه حاضر در آن مکان و چه آنان که در آنجا نبودند - به این گونه بیعت با ائمه طاهرین علیهم السلام فرا خوانده است .

بدون شک ، بیعت به این معنا ، از لوازم و نشانه های ایمان است ؛ بلکه ایمان بدون آن محقق نمی شود .

بیعت کننده (و فروشنده) ، مؤمن است ؛ و مشتری نیز خداوند عزّ وجلّ است . لذا

، در قرآن فرموده است :

« إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ ... » (۴) .

همانا خداوند از مؤمنان جان و مال شان را خریده است ؛ و در عوض آن ، بهشت را به آنان ارزانی می دارد .

خداوند ، پیامبران و رسولان خود را فرستاد تا این بیعت را تجدید نمایند ، و بر آن تأکید ورزند ؛ بنابراین ، هر کس با آنان بیعت کند ، با خداوند بیعت نموده است ؛ و هر کس از آنان روی بگرداند ، از خدا روی گردانده است . لذا ، خداوند فرمود :

« إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَاتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا » . (۵)

همانا کسانی که با تو بیعت نمایند ، با خداوند بیعت کرده اند ؛ و البته دست خدا بالای دست آن ها است ؛ پس هر کس پیمان شکند ، پیمان را علیه خودش شکسته است ، و هر کس وفا کند به آنچه با خدا عهد نموده است ، البته خداوند به او پاداش بزرگی عنایت خواهد کرد .

این آیه دلالت دارد بر این که مراد از بیعت ، همان پیمان محکم و میثاق استوار با خدا و رسولش است و به آنان که بدین عهد وفا کنند، اجری بزرگ وعده داده شده است .

این بیعت با دو چیز کامل می شود :

۱ - تصمیم استوار و پابنده قلبی بر اطاعت فرمان امام علیه السلام ، و یاری آن حضرت با بذل جان و مال ؛ آن گونه که خداوند به آن در این آیه

شریفه اشاره فرموده است: « إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ ... » .

دعای عهد دیگر

چون بر فروشنده واجب است که آن چه را به مشتری فروخته است ، هنگام مطالبه او ، بدون فکر و اندیشه و تأخیر به او واگذارد و آنچه در ضمیر و نهان خود قرار گذاشته محقق سازد .

۲- اظهار قصد درونی و به زبان آوردن اراده قلبی ؛ امر دومی است که هنگام بیعت باید مورد توجه قرار گیرد ؛ و این گونه ، بیعت کامل می گردد . همان طور که «عقد بیع» در سایر موارد، به دو چیز کامل می شود :

الف) قصد انشا و ایجاد آن به مقتضای آنچه دو طرف معامله قرار گذاشته اند .

ب) به زبان آوردن آنچه اراده کرده اند و در باطن به آن معتقدند .

گاهی به دست دادن بیعت گفته می شود ؛ همان طور که در بین عرب ها در بعضی از زمانها مرسوم بوده که وقتی معامله تمام می شد دست یکدیگر را می فشردند .

از اطلاق آیه شریفه هم استفاده می شود که لفظ «ید» (دست) بر این مطلب دلالت دارد: « إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ... » .

اضافه بر این که در روایات نیز وارد شده است که آن ها با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با دست شان بیعت می کردند . (۶)

## دعای عهد دیگر

جابر بن یزید جعفی گوید : حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود :

هر کس در همه عمرش یک بار این دعا را بخواند ، در زمره بندگان نوشته می شود و در دفتر حضرت قائم (صلوات الله علیه) بالا برده می شود ؛ وقتی قائم ما ، خروج کرد

آن شخص را به اسم خودش و پدرش می خوانند ، و این نامه را به او می دهد و می گوید : بگیر ؛ این نامه ، عهدی است که در دنیا با ما بسته ای .

این سخن خداوند عزوجل نیز به همین اشاره دارد : «إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» (۷) ، «جز آن کسی که نزد خدای بخشنده پیمانی فراهم کرده باشد» .

با طهارت ، این دعا را بخوانید :

اَللّٰهُمَّ يَا إِلَهَ الْاَلِهَةِ ، يَا وَاحِدٌ ، يَا اَحَدٌ ، يَا اَخِرَ الْاٰخِرِيْنَ ، يَا قَاهِرَ خَدَايَا ؛ اَي مَعْبُود مَعْبُودَانَ ؛ اَي خَدَايَ يَكَاةً ؛ وَاَي خَدَايَ يَكْتَا ؛ اَي اَز هَمِّهِ پيشينيان پيشين تر ؛ اَي چيره شونند و غَالِبَ الْقَاهِرِيْنَ ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيْمٌ ، اَنْتَ الْعَلِيُّ الْاَعْلَى ، عَلُوْتُ فَوْقَ هَمِّهِ قَدَرْتَمْنَدَانَ ؛ اَي بَرْتَر وَاَي بَزْرَكٌ ؛ تُو خَدَايَ بَرْتَر و بَلَنْد مَرْتَبَه هستي، و بَرْتَرِي يَافْتِي كُلَّ عُلُوٍّ ، هَذَا يَا سَيِّدِي عَهْدِي وَاَنْتَ مُنْجِرٌ وَعَدِي ، فَصَلِّ بَا بَر هَر بَرْتَرِي ؛ اَيْنِ اسْتِ عَهْدِ مِنْ ، اَي سُرُورِ مِنْ ؛ و تُو وَفَا كَنْدَه وَعَدَه مِنْ هستي ؛ پَس مَوْلَايَ عَهْدِي ، وَاَنْجِرْ وَعَدِي ، اَمْنْتُ بِكَ . وَاَسْأَلُكَ بِحَبَابِكَ مَوْلَايَ مِنْ اَيْنِ عَهْدِ مَرَا بَه مَقْصِدِ بَرَسَانَ ، و بَه وَعَدَه اَم وَفَا فَرَمَا كَه مِنْ بَه تُو اِيْمَانَ دَارَم . وَاَز تُو مَسْأَلْتِ مِي كَنَم بَه حَبَابِ الْعَرَبِيِّ ، وَبِحَبَابِكَ الْعَجَبِيِّ ، وَبِحَبَابِكَ الْعُبْرَانِيِّ ، وَبِحَبَابِكَ عَرَبِيَّتِ ، و بَه حَبَابِ عَجْمِيَّتِ ، و بَه حَبَابِ عِبْرَانِيَّتِ ، و بَه حَبَابِ ۱ . سوره مريم ، آيه ۸۷ .

السَّرْبَانِيِّ ، وَبِحَبَابِكَ الرَّؤْمِيِّ ، وَبِحَبَابِكَ الْهِنْدِيِّ ، وَاَنْتَبْتُ سَرْبَانِيَّتِ ، و



به حجاب رومیت، و به حجاب هندیت؛ و با معرفتیک بِالْعِنَايَةِ الْأُولَى ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا تُرَى ، وَأَنْتَ بِالْمُنْظَرِ عَنَايَاتِ أَوْلِيَةِ ات ، معرفت را در وجود من ثابت گردان؛ زیرا تو خدایی هستی که دیده نمی شوی، و تو الْأَعْلَى . وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْدَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، در چشم انداز برتری هستی . به تو تقرب می جویم به وسیله رسول و فرستاده بیم دهنده تو - که درود خدا بر او و آل او باد - ؛ وَبِعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْهَادِي ، وَبِالْحَسَنِ وَبِهِ حَضَرْتَ عَلِيَّ امير مؤمنان - درود خدا بر او باد - که هدایت کننده بود؛ و به حسن ، السَّيِّدِ وَبِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ بِيَطْنِ نَبِيِّكَ ، وَبِفَاطِمَةَ ابْنَتِ بِنْتِ عَلِيٍّ آقا و سرور؛ و به حسین، شهید؛ دو سبط پیامبرت و به فاطمه بتول؛ و به علی بن الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي النُّفَاتِ ، وَابْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بن الحسين ، زینت عبادت پیشه گان، و صاحب پینه ها)یی که بر اثر عبادت بر بدنش عارض شده بود؛ و به محمد بن علی، الْبَاقِرِ عَنْ عَلِيٍّكَ ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ ، الَّذِي صَلَدَقَ شَكَافِنْدَةَ عِلْمِ تُو ؛ و به جعفر بن محمد صادق، که بِمِثَاقِكَ وَبِإِعَادِكَ ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْحُضُورِ الْقَائِمِ بَعْدَكَ ، مِثَاقِ وَمِيعَادِ تُو رَا تَصْدِيقِ نَمُود؛ و به موسی بن جعفر ، که پارسا بود و به پیمان تو قیام کرد؛ وَبِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الرَّاضِي بِحُكْمِكَ ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَبِهِ عَلِيٌّ بن موسی ، حضرت رضا که راضی به حکم تو بود؛ و به محمد بن علی ، الْجَبْرِ الْفَاضِلِ

، الْمُؤْتَصِي فِي الْمُؤْمِنِينَ ، وَيَعْلَى بِنِ مُحَمَّدٍ دَانِشْمَنْدِ بَافِضِيلَتِ وَ مَوْرِدِ پَسَنْدِ دَرِ مِيَانِ مُؤْمَنَانِ ؛ وَ بِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، الْأَمِينِ الْمُؤْتَمِنِ ، هَادِي الْمُسْتَشِيرِشِدِيْنِ ، وَبِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ امين و امانت دار ، هدايت كننده هدايت جويان ؛ وَ بِهِ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، الطَّاهِرِ الرَّكِيِّ ، خَزَائِنِ الْوَصِيَّتَيْنِ . وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْإِمَامِ الْقَائِمِ پَاكِ وَ پَاكِزِهِ ، گنجينه رازهاي اوصيا . وَ بِهِ تَوْ تَقَرَّبِ مِي جَوِيْمِ اِي خُدا ؛ (بِهِ وَسِيْلِهِ اِمَامِ قِيَامِ كُنْنِدِهِ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ الْمُهَيَّبِيِّ ، إِمَامِنَا وَائِنِ إِمَامِنَا صِدْلِ مَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ عَدْلِ گَسْتَرِ ؛ هِمَانِ هِدَايَتِ شُدِهِ اِي كِه مَوْرِدِ اِنْتِظَارِ اسْتِ ؛ كِه اَو اِمَامِ مَآ وَ فِرْزَنْدِ اِمَامِ مَاسْتِ ؛ دَرُودِ هَايِ خُدا بِرِ هِمِهِ آتَانِ بَادِ . أَجْمَعِينَ . يَا مَنْ جَلَّ فَعَظْمُ وَ [هُوَ] أَهْلُ ذَلِكَ فَعَفَى وَرَحِمَ ، يَا مَنْ اِي آن كِه بَاشْ كَوِهِ وَ بَزْرُگِ اسْتِ ، پَسِ شَايِسْتِهِ اَيْنِ جَلَالَتِ وَ عِظْمَتِ اسْتِ ؛ دَرِ عَيْنِ حَالِ بِهِ بَنْدِ گَانِشِ تَرْخَمِ مِي كَنْدِ وَ آتَانِ رَا عَفُو قَدَرَ فَلَطَفَ ، أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي ، وَ مَا قَصِيرَ عَنَّهُ عَمَلِي مَنْ مِي نَمَايْدِ ؛ اِي آن كِه تَقْدِيرِ مِي نَمَايْدِ وَ تَقْدِيرِشِ دَقِيْقِ اسْتِ ؛ اَزِ ضَعْفِ خُودِ ، وَ اَزِ كُوتَا هِي عَمَلِ تَوْحِيدِ كِ ، وَ كُنْهِ مَعْرِفَتِ كِ ، وَ اَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْجِيهِ الْبَيْضَاءِ ، نَسْبَتِ بِهِ تَوْحِيدِ وَ كُنْهِ شَنَاخْتِ تَوْ بِهِ تَوْ شَكَايَتِ مِي بَرَمِ ؛ وَ بِهِ تَوْ رُو مِي كَنَمِ بِهِ وَسِيْلِهِ نَامِيْدِنِ سَبِيْدِ ، وَبِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى ، الَّتِي قَصَرَ عَنْهَا مَنْ أَذْبَرَ وَتَوَلَّى . وَ اَمْنُتُ وَ بِهِ يِگَانِگِيِ بَزْرُگِ ؛ كِه كَسِي كِه بَدَانِ پِشْتِ كَنْدِ نَمِي تَوَانْدِ بَدَانِ دَسْتِ يَارْدِ . اِيْمَانِ آوَرْدَمِ بِحِجَابِكَ الْأَعْظَمِ ، وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الْعُلْيَا ، الَّتِي خَلَقْتَ

مِنْهَا دَارَ بِهِ بزرگترین حجابت، و به کلمات کامل عالی رتبه ات؛ که از آن ها این دار دنیا و اَبْلَاءِ، وَأَخْلَلْتُ مَنْ أَحْبَبْتَ حَجَّهَ الْمَأْوَى، وَ أَمِنْتُ بِالسَّابِقِينَ بِلَا رَا خَلْقِ نمودی، و آن که را دوست داشتی به منزل بهشتی وارد گردانیدی. ایمان آوردم به سبقت جویان وَالصَّادِقِينَ، أَصْحَابِ الْيَمِينِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، [وَالَّذِينَ خَلَطُوا وَ رَاسْتِ گویان؛ آنان که از میان مؤمنان، اصحاب یمن و سعادت یافتگان اند؛ و نیز به آن ها که عَمَلًا صَالِحًا وَ اَحْرَ سَيِّئًا أَلَا تَوْلِيَنِي غَيْرَهُمْ، وَلَا تُفَرِّقَ بَيْنِي عَمَلِ شَابِسْتِه و صَالِحِ رَا بَا عَمَلِ نَاشَابِسْتِه مَخْلُوطِ كَرْدِه اند، این که سرپرست مرا غیر آن ها قرار نده، و بین من و آن ها جدایی و بَيْنَهُمْ غَدَاً إِذَا قَدَّمْتُ الرِّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ. اَمِنْتُ بِسِرِّهِمْ مِيفَكِن؛ در فردایی که رَضَا و خَشْنُودِ رَا مَقْدَمِ دَارِی بَا تَمَامِ شَدْنِ حَكْمِ و دَاوَرِی. مَن بَه نِهَانِ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَخَوَاتِيمِ اَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّكَ تَحْتِمُ عَلَيْهَا إِذَا شِئْتُ، يَا وَ اَشْكَارِ و پَايَانِ اَعْمَالِ شَان، اِيْمَانِ اَوْرَدَم. پَسِ هِمَانَا تُو كَارِ اَنِ هَا رَا خْتَمِ خَوَاهِي كَرْدِ هَر گَاهِ كِه خَوَاسْتِي؛ اِي مَن اَتَحْفَنِي بِاَلِاِقْرَارِ بِاَلْوَحْدَانِيَّةِ، وَحَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ، اَن كِه بَر مَن مَنّتِ نِهَادِي و بَه يَكْتَابِي خَوِيش، مَقَرّ و مَعْتَرَفَمِ نُمُودِي؛ و بَا شَنَاخْتِ مَقَامِ رِبُوبِي خُودَتِ بَر مَن لَطْفِ كَرْدِي؛ وَخَلَصِيَنِي مِّنَ الشُّكِّ وَالْعَمَى، رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا، وَبِالْأَضْيَافِيَاءِ وَ مَرَا اَزِ شَكِّ وَ كُورْدَلِي رِهَانِيْدِي؛ رَاضِي گِشْتَمِ بَه اِيْنِ كِه تُو پُرُورْدِ گَارَمِ بَاشِي؛ وَ بَر گَرِيْدِ گَانْتِ، حُجْجًا، وَبِالْمُحْجُوبِينَ اَنْبِيَاءَ، وَبِالرُّسُلِ اَدْلَاءَ، وَبِالْمُتَّقِينَ اَمْرَاءَ، حَجَّتِ هَاي

من باشند؛ و افراد محبوب، پیامبران من باشند؛ و رسولان تو راهنمایان من گردند؛ و پرهیزگاران نیز فرمانروایان من باشند؛ وَ سَامِعاً لَكَ مُطِيعاً. (۸)

که آگاهانه، حرف شنو و مطیع تو هستم .

### ۳ دعای زمان غیبت

دعای زمان غیبت

دعای روزگار غیبت که مولای مان حضرت امام هشتم علیه السلام امر به خواندن آن نموده است .

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الأسبوع» چنین می گوید :

در بیان اعمال شبانه روز ذکر کردیم که امامان ما علیهم السلام اهتمام زیادی به دعا نسبت به حضرت مهدی صلوات الله علیه داشته اند ؛ به گونه ای که این مهم را از وظایف اساسی مسلمانان و مؤمنان دانسته اند .

از میان اعمال شبانه روز ، در تعقیب نماز ظهر ، دعای امام صادق علیه السلام را ذکر نمودیم که در آن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بهتر و بیشتر از دعا برای خودشان ، دعا نموده اند . نیز در تعقیب نماز عصر از اعمال شبانه روز ، فصل زیبایی از دعای امام کاظم علیه السلام را نقل کردیم که آن بزرگوار برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیشتر از برای خودشان دعا می کردند .

و این دلیل است برای اقتدای به این دو امام علیهما السلام برای کسی که مقام و منزلت دینی آنها را بداند؛ و علاوه بر آن، دستور امام رضا علیه السلام و غیر آن حضرت مبنی بر دعای برای حضرت مهدی ارواحنا فداه را ذکر خواهیم کرد و دعای آن حضرت را نیز بیان می کنیم .

این دعا را جدّ من «ابو جعفر طوسی» با چند طریق از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام پیوسته به

دعا کردن برای امام زمان ارواحنا فداه به وسیله خواندن این دعا امر می فرمود :

اَللّٰهُمَّ اِدْفَعْ عَنِّيْكَ وَخَلِيْفَتِكَ ، وَحُجَّتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ ، وَّلِسَانِكَ خَدَايَا ؛ (هر بلایی را) دفع بفرما از ولایت ؛ و خلیفه ات و حجتت بر بندگانت ؛ و زبان گویای تو اَلْمُعَبِّرِ عَنْكَ بِاِذْنِكَ ، اَلنَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ ، وَغَيْبِكَ النَّاطِرِ عَلٰى كِه با اجازه تو ، از طرف تو مطالب را بیان می کند؛ آن که زبانش به حکمت تو گویا است ؛ و چشم بینای تو است که بر بَرِيَّتِكَ ، وَشَاهِدِكَ عَلٰى خَلْقِكَ ، اَلجَجَّاحِ الْمُجَاهِدِ ، اَلْعَايِدِ بِكَ بِنِدَاغَاتِ نِظَارَتِكَ دَارِد ؛ او که شاهد تو بر آفریده های تو و از مهتران مجاهد در راه توست ؛ او که نزد تو به تو عِنْدَكَ . وَاَعْدُهُ مِنْ شَرِّ جَمِيْعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ ، وَاَنْشَأْتَ پناه می برد . او را در پناه خود قرار ده از شر هر آنچه آفریده و پدید آوردی ، و ایجاد کردی، وَصَوَّرْتَ ، وَاَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمِيْنِهِ وَعَنْ وَصُوْرَتِ سِرِّ ، طَرَفِ رَاسِ وَشِمَالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيْعُ مِنْ حِفْظَتِهِ طَرَفِ چپ، و از بالای سرش و زیر پایش، حَفْظُ كُنْ بِه نِگَهْدَارِي وَحِفْظِي كِه وَاقْتِي كِسِي رَا بِه اَن حِفْظُ كِنِي ضَايِع وَتَبَاهُ نَمِي شُوْد ، بِه ، وَاَحْفَظُ فِيْهِ رَسُوْلَكَ وَاَبَاءَهُ ، اَتَمَّتْكَ وَدَعَايِمَ دِيْنِكَ . وَاَجْعَلُهُ وَحِفْظُ كُنْ دَر وَجُوْدِ اَو رَسُوْلِ خُوْدَتِ وَپَدْرَانَ اَو رَا ؛ كِه اَمَامَانَ تُو وَسُتُوْنَ هَاي دِيْنِ تُو هَسْتَنْد . وَقَرَار

ده او را فی وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تُضِيْعُ ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ ، وَفِي دَرِيعِهِ خُودَتِ كِهْ اَزْ بِيْنِ رِفْتَنِ نِيْسْتِ ، وَ دَرِ هِمْسَايْگِي خُودِ كِهْ مُورِدِ خِيَاْنَتِ قِرَارِ نَغِيْرِدِ ، وَ دَرِ مَنِيْعِكَ وَ عَزْرِكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ ، وَ اِمْنَهُ بِاَمَانِكَ الْوَثِيْقِ ، الَّذِي لَا يُخْذَلُ حِمَايَتِ وَ سَايَهْ عَزْتِ خُودَتِ كِهْ مَقْهُورِ نَغَرِدِدِ . وَ اوْ رَا دَرِ اَمَانِ مَحْكَمِ خُودِ اِيْمَنِ بَدَارِ ؛ كِهْ هِرْ كَزْ اَنْ كِهْ دَرِ سَايَهْ مَنُ اَمْنَتُهُ بِهْ ، وَ اِجْعَلُهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يِرَامُ مَنُ كَانْ فِيْهِ ، اَمِنِ تُوْ بَاشِدْ ذَلِيْلِ وَ خُوَارِ نَغَرِدِدِ . وَ اوْ رَا دَرِ كَنَفِ حِمَايَتِ خُوِيْشِ قِرَارِ دِهْ ؛ زِيْرَا حِمَايَتِ شُدِهْ تُوْ هِرْ كَزْ مُورِدِ سُوْءِ قَصْدِ كَسِيْ قِرَارِ نَخُوَاهِدْ كِرْفَتِ ؛ وَ اَيَّدُهُ بِنَضْرِكَ الْعَزِيْزِ ، وَ اَيَّدُهُ بِجُنْدِكَ الْعَالِيْبِ ، وَ قُوَّهْ بِقُوَّتِكَ ، وَ اوْ رَا بَا يَارِيْ شَكْسَتِ نَاپِذِيْرِتِ كَمَكِ فَرْمَا ، وَ بَا سِيْپَاهِ پِيْرُوْزْمَنْدَتِ تَأْيِيْدِشِ كِنِ ، وَ بَا نِيْرُوِيْ خُودِ نِيْرُوْمَنْدِشِ فَرْمَا ، وَ اَزْدِفُهُ بِمَلَايِكَتِكَ ، وَ وَاوَالِ مَنُ الْاِلَهِ ، وَ عَادِيْ مَنُ عَادَاةِ ، وَ اَلْبِشَهْ وَ فَرِشْتَنْكَانَتِ رَا بَا اوْ هِمْرَاهِ سَازِ ؛ وَ دُوْسْتِشِ رَا دُوْسْتِ دَارِ ، وَ دِشْمَنْشِ رَا دِشْمَنْشِ بَدَارِ ؛ وَ دِرْعَكَ الْحَصِيْبَةِ ، وَ حُفَّهُ بِالْمَلَايِكَةِ حَقًّا . اَللّٰهُمَّ وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ مَا زَرِهْ مَحْكَمِ وَ مَحَافِظِ خُودِ رَا بَرِ اوْ بِيْوْشَانِ ؛ وَ فَرِشْتَنْكَانِ رَا كِرْدَا كِرْدِ اوْ دَرِ اَوْرِ . بَارِ خُدَايَا ؛ اوْ رَا بِهْ بَرْتَرِيْنِ مَرْتَبِهْ اِيْ بَرِ سَانَ كِهْ بَلَّغْتَ الْقَائِمِيْنَ بِقِشْرِيْطِكَ مِنْ اَتْبَاعِ النَّبِيِّنِ . اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهْ هِرْ يَكِ اَزْ بَرِ يَا كُنَنْدِگَانِ قِسْطِ وَ عَدْلِ اَزْ پِيْرُوَانِ پِيَاْمِبْرَانَ رَا بَدَانَ مَرْتَبِهْ رَسَانِيْدِيْ . خُدَاوَنْدَا ؛ اِخْتِلَافِ هَا رَا بِهْ وَاسِطَهْ وَجُوْدِ مَقْدَسِشِ الصَّدْعِ ، وَ اَزْتَقُّ بِهْ الْفَتْقِ ، وَ اَمِيْتُ بِهْ الْجُوْزِ ، وَ اَطْهَرُ بِهْ الْعَدْلِ

، برطرف گردان، و تفرقه ها و پراکندگی ها را به واسطه او از میان بردار . و ظلم و ستم را به وسیله او بمیران، و عدل را به وسیله او آشکار و زین بَطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضِ ، وَأَيْدُهُ بِالنَّصْرِ ، وَأَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ ، ساز، و زمین را با باقی ماندن طولانی اش زینت و کمال بخش؛ و او را به یاری خودت تأیید کن و با رعب افکندن بر دل دشمنانش وَقَوْ نَصْرِيهِ ، وَأَخَذُ خَاذِلِيهِ ، وَدَمْدِمُ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَدَمَّرُ بِيْرُوْشَ گِردان ، و یارانش را نیرومند ساز، و خوارکنندگان او را خوار و ذلیل گردان، و آن که رو در رویش به جنگ ایستد به هلاکت مَنْ عَشَّهُ . وَأَقْتُلُ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ ، وَعُمْدَهُ وَدَعَائِمَهُ ، وَأَقْصِمُ بِهِ بَرَسَانَ ، و آن که با او مکر و خدعه کند نابودش ساز، و با دست توانایش ستمگران و کافران و سردسته ها و ارکان آنان را به خاک هلاکت رُوُوْسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ ، وَمُمَيَّتَةَ الشُّنَّةِ ، وَمُقَوِّبَةَ الْبَاطِلِ ، انداز ، و پشت سران گمراهی، بدعت گذاران و نابود کنندگان سَنَّتِ الْهَيْبَةِ وَتَقْوِيَّتِ كِنْدِ الْبَاطِلِ رَا بَهْ وَاسْطَهْ اَوْ بَشِكْنَ . وَذَلَّلُ بِهِ الْجَبَّارِيْنَ ، وَأَبْرِزُ بِهِ الْكَافِرِيْنَ وَجَمِيْعَ الْمُتَلَجِدِيْنَ ، فِیْ بَا وَجُوْدِ شَرِيْفِشْ ، زورگویان متکبر را ذلیل کن، و همه کافران و ملحدان را مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا ، - در شرق و غرب، دریا و خشکی، کوه و دشت - ریشه کن فرما؛ حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دَبَّارًا ، وَلَا تَبْقِيَ لَهُمْ اَثَارًا . اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ تَا كَسِيْ اَزْ اَنَانِ بَرْ جَاى نَهِيْ ، و اثری از آنان باقی نگذاری .

بارخدايا؛ سرزمینت را از وجود آن ها پاک گردان، بِلَادَكَ ، وَأَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأُخِي بِهِ سُنَّ وَ قَلْبَ بندگان را با نابودی آن ها شفا ده ؛ و به واسطه آن وجود مقدس ، اهل ایمان را عزیز گردان، و سَنَّتْ هَايَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَدَارَسَ حِكْمَهُ النَّبِيِّينَ ، وَجَدَّدَ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ رَسُولَانٍ وَ آنچه از حکمت های پیامبران مندرس گشته به وسیله او زنده کن، و آنچه از دین تو که از بین رفته دینک ، وَبَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ ، وَ عَلَى يَدَيْهِ وَ از احکامت که دگرگون شده به وسیله او بازسازی کن ؛ تا دین حقیقی خود را به وسیله او و به دست توانای او ، غَضًّا مُحَضًّا صَحِيحًا ، لَا عَوْجَ فِيهِ ، وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ ، وَ حَتَّى تُنِيرَ بِهِ كَوْنَهُ اِي تازهِ وَ بِي اَلَايَشِ وَ صَحِيحِ اعَادَه كُنِي وَ بازگردانی ؛ که هیچ کجی در آن نباشد و هیچ بدعتی با آن آمیخته نباشد . وَ بَعْدَلِهِ ظَلَمَ الْجَوْرَ ، وَ تَطْفِيئِي بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ ، وَ تَوْضِيحَ بِهِ مَعَاقِدَ تَارِيكِي هَايَ ظَلَمٍ وَ بِيَادِ اِي اَعْدَالِ اِي رُوشَنِ گِردد، وَ آتَشِ كُفْرِ بِي وَ سِيَلِهٖ اِي خَامُوشِ شُود، وَ دَرِ نَتِيْجِهٖ، بِيْجِيْدِ كِي هَايَ حَقِّ اَشْكَارِ گِردد ، الْحَقُّ وَ مَجْهُوْلُ الْعَدْلِ . فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ ، وَ اَسَاسِ اَعْدَالِ وَ قَسَطِ - كِهٖ مَجْهُوْلِ مَانْدِهٖ اَسْت - مَعْلُومِ وَ رُوشَنِ شُود. زِيْرَا اِي اَحْضَرْتِ، بِنْدِهٖ تُوَسْتِ كِهٖ بَرَايِ اِي خُوْدَتِ خَالِصِشِ گِردانِيْدِي، وَ اَصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ ، وَ اَصْطَفَيْتَهُ عَلٰى عِبَادِكَ ، وَ اَتَمَمْتَهُ عَلٰى وَ اَزِ مِيانِ بندگانِ اِي رَا بَر گِزيْدِي، وَ بَرِ اِي هَا اِخْتِيَارِ كِردِي ، وَ



او را برای سپردن عَنِّيكَ ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ ، وَطَهَّرْتَهُ غِيبِ خُودَتِ ، امین یافتی ؛ و از گناهان، او را نگه داشتی ، و از هر عیبی پیراسته اش کردی، و مِنَ الرَّجْسِ ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ .  
اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ از هر پلیدی آراسته اش گردانیدی، و از هر ناپاکی رهایش ساختی . خدایا ؛ ما در روز الْقِيَامَةِ ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ ، اَنَّهُ لَمْ يَذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا اَتَىٰ خَوْبًا ، قِيَامَتِ و آن حادثه بزرگ محشر ، گواهی می دهیم که او هر گز گناهی نکرده، و جرمی انجامی نداده، وَلَمْ يَزْنِكَبْ مَعْصِيَتِيْهٖ ، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً ، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ و معصیتی مرتکب نشده ، و طاعتی را از تو ضایع نساخته، و حرمتی را از تو هتک حُرْمَتُهُ ، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً ، وَانَّهُ نَكَرَدَهٗ ، و فریضه ای از تو را دگرگون نموده، و قانونی از دین تو تغییر نداده است . و او الْهَادِيَ الْمُهْدِيَّ الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ . اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ هِدَايَةَ گر انسان ها، و هدایت یافته پاک سیرتِ بَاتِقُوْاىِٕ پاكيزه پسندیده آراسته است . خدایا ؛ برای او فى نَفْسِيْهٖ وَاَهْلِيْهٖ ، وَاَوْلَادِيْهٖ وَذُرِّيَّتِيْهٖ ، وَاُمَّتِيْهٖ وَجَمِيْعِ رَعِيَّتِيْهٖ ، ما تُقَرَّرُ نَسَبًا بِهٖ خُودِش ، اهلش ، فرزندانِش ، اُمَّتِ و همه زیر دستانش ، چیزی عطا کن که بِهٖ عَيْنُهُ ، وَتَسْبِيْرُهُ بِهٖ نَفْسُهُ ، وَتَجْمَعُ لَهٗ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا ، چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی ؛ و حکومت سراسر کشورهای قَرِيْبِيْهَا وَبَعِيْدِيْهَا ، وِعَزِيْزِيْهَا وَدَلِيْلِيْهَا ، حَتَّىٰ يَجْرِيَ

حُكْمُهُ عَلَىٰ نَزْدِيكَ وَدُورُ سِرْفَرِازِ وَخَوَارِ رَا بَهْ اَوْ عَطَا فَرْمَا؛ تا حکمش بر حکم هر حکمرانی جاری کُلِّ حُكْمٍ ، وَيَغْلِبُ بِحَقِّهِ كَلَّ بَاطِلٍ . اَللّٰهُمَّ اَسْئَلُكَ بِنَا عَلٰى يَدَيْهِ گَرْدَد، وَحَقِّ اَوْ بَرِ هَرِ بَاطِلِي غَالِبِ گَرْدَد . خدایا ؛ ما را به دست او ، بر منهاج الهدی ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى ، وَالطَّرِيقَةَ الْوُشْطَى ، الَّتِي طَرِيقَتِ هِدَايَتِ، وَ بَرِ رَاهِ رُوشَنِ عَظِيمِ وَ رَاهِ مِيَانِهِ وَ اَعْتِدَالِ سَالِكِ گَرْدَانِ ؛ راهی که يَزُجُّعُ اِلَيْهَا الْعَالِي ، وَيَلْحَقُ بِهَا الْتَالِي ، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ ، هَرِ اَفْرَاطِگَرِ پيشی گیرنده ، وَ هَرِ كُوتِهِ نَظَرِ عَقَبِ مَانَدِه ، بَايَدِ بَدَانِ بَازِ گَرْدَد . وَ مَا رَا بَرِ طَاعَتِشِ قُوِي گَرْدَانِ ، وَ تَبَتَّنَا عَلٰى مُشَابِعَتِهِ ، وَ اَمْتُنَّ عَلَيْنَا بِمُتَابِعَتِهِ ، وَ اَجْعَلْنَا فِي جَزْبِهِ وَ بَرِ پيرويشِ ثَابِتِ قَدَمِ بَدَارِ ؛ وَ بَا نَعْمَتِ پيرويشِ بَرِ مَا مَنَّتْ بَگَذارِ ، وَ مَا رَا دَرِ سِيَاهِ اَوْ قَرَارِ دِهْ ؛ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصِيحَتِهِ ، که اَجْرَا كُنْتَدِه فَرْمَانِ اَوِينَد ، وَ دَرِ رَاهِشِ صَابِرِ وَ شَكِيَا هَسْتَنَد ، وَ اَزِ خَيْرِ خَوَاهِي اَوْ فِقْطِ رِضَا وَ خَشْنُودِي تُو رَا طَالِبِ اَنَد ؛ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّيهِ سُلْطَانِهِ . تا دَرِ رُوزِ رَسْتَاخِيزِ مَا رَا دَرِ مِيَانِ بَارَانِ وَ مَدَدِ كَارَانِ وَ تَقْوِيَتِ كُنْتَدِگَانِ حُكُومَتِ بَا بَرِ كُنْتَشِ مَحْشُورِ فَرْمَايِي . اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكْ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشَبْهَةٍ وَرِيَاءٍ خَدَايَا ؛ اَيْنِ رَا اَزِ مَا ، خَالِصِ وَ بَهْ دُورِ اَزِ هَرِ شَكِّ وَ شَبْهِهِ وَ رِيَا وَ سَمْعِه ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلَا نَطْلُبُ بِهِ اِلَّا وَجْهَكَ ، وَ سَمْعِه قَرَارِ بَدِه ؛ اَنِّ گُونِهِ كِهْ بَا اَيْنِ كَارِ

، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار ، جز تو را نطلبیم ؛

وَحَتَّى تُجَلِّنَا مَحَلَّهُ ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ ، وَأَعِدَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَتَا اِنِ كِه بَه لَطْفَتِ مَآ رَا بَه مَحَلِّ وَ مَقَامِ اَوِ وَّآرِدِ نَمَائِي ؛ وَ دَرِ بَهْشْتِ بَا اَوِ وَ دَرِ جَوَارِ اَوِ جَايِ دِهِي ؛ وَ مَا رَا اَزِ خَسْتَكِي وَ الْكَمَلِ وَ الْفَتْرَةِ ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْصَرُّ بِه لِدِينِكَ ، وَ تُعَزُّ بِه نُصَيْرَ وَ تَنْبَلِي وَ سَسْتِي دَرِ طَاعَتِ ، دَرِ پَنَاهِ خَوِيْشِ قَرَارِ دِهِي ؛ وَ مَا رَا اَزِ كَسَانِي قَرَارِ دِهِي كِه دِيْنَتِ رَا بَه سَبَبِ اَوِ يَارِي مِي دِهِي وَ يَارِي وَ لِيْكَ ، وَ لَا تَشْتَبِدْ بِنَا غَيْرِنَا ، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ وَ لِيْتِ رَا تَقْوِيْتِ مِي گَرْدَانِي . وَ كَسِي رَا غَيْرِ اَزِ مَا جَايْگَرِيْنِ مَا مَفْرَمَا ، زِيْرَا كِه اِيْنِ جَايْگَرِيْنِي بَرَايِ تُو يَسِيْرُ ، وَ هُوَ عَلَيْنَا عَسِيْرُ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَّلَادِ عَهْدِيْهِ ، وَ اَلْاَيْمَةِ بَسِي سَهْلِ وَ آسَانِ اسْتِ ؛ وَ لِي بَرَايِ مَا بَسِيَارِ گَرَانِ وَ سَنگِيْنِ مِي بَاشَد . خَدَايَا ؛ رَحْمَتِ فَرَسْتِ بَرِ فَرْمَانْدَارَانِ اَوِ ؛ وَ پِيْشَوَايَانِ مِنْ وُلْدِيْهِ ، وَ بَلَّغْهُمْ اَمَالَهُمْ ، وَ زِدْ فِيْ اَجَالِهِمْ ، وَ اَعِزُّ نُصَيْرَهُمْ ، اَزِ فَرَزَنْدَانِ اَوِ ؛ وَ اَنَانِ رَا بَه آرزُوهاشانِ بَرَسَانِ ، وَ بَرِ عَمْرَهَايِ شَانِ بِيْفَزَا ، وَ نَصْرَتِ بَاعَزَّتِ بَه اَنِ هَا عِنَايَتِ فَرْمَا ، وَ تَمَّمْ لَهُمْ مَا اَسْنَدْتِ اِلَيْهِمْ فِيْ اَمْرِكَ لَهُمْ ، وَ تَبَّتْ دَعَايْمَهُمْ ، وَ اَنْجِهْ اَزِ اَمْرِ دِيْنِ خُودِ رَا مَرْبُوطِ بَه اَنَانِ فَرْمُودِيْ بَه حَدِّ كَمَالِ وَ اَتْمَامِ بَرَسَانِ ؛ وَ اَسَاسِ حُكُومَتِ اَنَهَا رَا ثَبَاتِ وَ پَايْدَارِيْ عِنَايَتِ كُنْ ؛ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ اَعْوَانًا ، وَ عَلِيْ دِيْنِكَ اَنْصَارًا ، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ ، وَ مَا رَا ، بَرَايِ

آنان یار و برای دینت یاور قرار بده؛ زیرا آنان معدن های کلمات تو ، وَأَزْكَانُ تَوْحِيدِكَ ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ ، وَوَلَاهُ أَمْرِكَ ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ وَبَاهِ هَاي تَوْحِيدِ تُو، استوانه های دین تو، و سرپرستان امر از طرف تو ، وَخَاصَانِ وَخَالِصَانِ از عِبَادِكَ ، وَصِيْفُوْتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَيَّلَايِلُ أَوْلِيَائِكَ ، بندگان تو، و برگزیده از خلق تو، و دوستان تو، و فرزندان اولیای تو وَصِيْفُوهُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . (۹) و برگزیده از فرزندان پیامبران تو هستند ، و درود بر آن ها و رحمت و برکات الهی بر آنان نثار باد .

### دعای زمان غیبت به روایتی دیگر

دعای زمان غیبت به روایتی دیگر

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله چنین می گوید : یونس بن عبدالرحمان از امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت پیوسته دستور به دعا برای صاحب الزمان ارواحنا فداه می داد و از جمله دعا های ایشان برای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه این دعاست:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ خَدَايَا ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِ وَازِ وَلِيِّ وَخَلِيفَةِ اتِ وَخَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَلِسَانِكَ الْمَعْبُورِ عَنْكَ بِأَذْنِكَ ، النَّاطِقِ وَحِجَّتِ بِرِ بندگان ، (هر بلایی را) دفع فرما . همان کسی که با اجازه تو زبان گویا و بیان کننده حقایق از طرف تو است ، وَبِحِكْمَتِكَ ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ ، الشَّاهِدِ عَلَى عِبَادِكَ ، بِحِكْمَتِ تُو سَخَنِ مِي گوید؛ و چشم بینی تو در میان بندگان است؛ گواه بر آن ها است ؛ الْجَجْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ ، عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ . اللَّهُمَّ وَأَعِذْهُ أَنْ مَجَاهِدِ

کوشا و بنده ای که به تو پناه آورده است . بار خدایا ؛ او را مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأَتْ ، وَبَرَأَتْ وَأُنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ ، وَاحْفَظْهُ از شرّ هر آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و ایجاد نمودی و صورت و شکل بخشیدی ، و او را حفظ فرما مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ از مقابلش و پشت سرش و راست و چپش و از بالای سرش وَمِنْ تَحْتِهِ ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يُضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ و زیر پایش ؛ به حفظی که هر که را به آن حفظ کنی ضایع نگردد . و با این محافظت ، فِيهِ رَسُولُكَ وَوَصِيٌّ رَسُولِكَ وَإِبَاءَةٌ ، أَيْمَتُّكَ وَدَعَائِمُ دِينِكَ ، پیامبر و وصی پیامبر و پدرانش را - آنان که انتمه تو و استوانه های دین تو هستند - حَفِظْ فرما ، صَلِّمُوا تَكَّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تُضِيعُ ، درود تو بر همه آنان باد ؛ و قرار بده او را در ودیعه خویش که از بین نمی رود؛ وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْتَفَرُ ، وَفِي مَنِيْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ . و در جوار رحمت که حقیر و پست نمی شود ؛ و در حمایت و پناه عزّت که هرگز مقهور نمی شود . اَللّٰهُمَّ وَ اٰمِنُهُ بِاَمَانِكَ الْوٰثِقِ الَّذِي لَا يَخْدَلُ مَنْ اٰمَنَتْهُ بِهِ ، وَاجْعَلْهُ خدایا ؛ او را در نگاهبانی محکم خود ایمن دار؛ که هر کس در آن نگاهبانی درآید مخدول و مغلوب نشود . او را فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ ، وَانصُرْهُ بِنصيرِكَ العزیز ، در احاطه و سایه لطف خود

که هر کس در آن قرار گیرد مورد ستم واقع نشود قرار بده ، او را با یاری قدرت مندت یاری کن ، وَأَيِّدُهُ بِجُنْدِكَ الْعَالِبِ ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ ، وَأُرِدْفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ . اللَّهُمَّ و با سپاه غالبت تأییدش فرما ، و با قوت لایتناهی خود نیرومندش گردان ، و فرشتگانت را با او همراه ساز . خدایا ؛ والِ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ ، وَخَفِّهِ دُوسْتَش را دوست بدار ، و دشمنش را دشمن بدار ، و زره محکم خود را بر او بپوشان ؛ و گرداگرد وجودش را بِمَلَائِكَتِكَ حَقًّا . اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ با فرشتگان ، احاطه کن . خداوندا ؛ او را به برترین مرتبه ای که هر برپاکننده عدلی را مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ . اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ ، - از پیروان پیامبران - رسانیده ای برسان . بار خدایا؛ اختلاف ها را به واسطه وجود مقدسش برطرف گردان ، و تفرقه ها و پراکندگی ها را به واسطه او وَأَمِّتْ بِهِ الْجُورَ ، وَأَطْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ ، از میان بردار . ستم را به وسیله او بمیران و عدل را ظاهر فرما ، و با ماندن طولانی اش زمین را زینت بخش ، وَأَيِّدْهُ بِالْصَّيْرِ ، وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ، وَاجْعَلْ و با یاری خود تأییدش کن ، و با رعب انداختن بر دل دشمنانش نصرتش بده ؛ و فتح و گشایشی آسان بدو نصیب فرما ، و لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطَانًا نَصِيرًا . اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ از جانب خودت سلطنت و قدرتی ظفرمندانه بر دشمنان خود و دشمنان او

، به او مرحمت فرما . خدایا ؛ او را همان الْفَاتِمَ الْمُتَنَتِّظَ ، وَالْإِمَامَ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ تَنْتَصِرُ ، وَأَيُّدُهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ بَرِيكَتِنْدَه عَدْلٍ وَدَادِ قَرَارِ دَه ، كِه مَوْرِدِ اَنْتِظَارِ هَمْكَانِ اسْتِ ؛ وَ اُو رَا اِمَامِي قَرَارِ دَه كِه بِه وَسِيلَه اُو مَا رَا يَارِي مِي نَمَائِي ؛ وَ بَا نَصْرَتِي وَفَتْحِ قَرِيبِ ، وَوَرُثَه مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ بَاعَزَتِ وَغَشَائِشِي زُوْدَهَنْكَامِ تَأْيِيْدِشِ بَقَرْمَا . مَشْرُقِ وَ مَغْرِبِ زَمِيْنَتِ رَا بِه اُو اَرْتِ بَدَه ؛ الْبَيْتَه قَلْمَرُوِي كِه بَرَايِشِ مَبَارَكِ فِيْهَا ، وَ اَخِي بِه سِيْنَه نَبِيْكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ اِلَيْهِ ، حَتَّى لَا يَشِيْتَحْفِي قَرَارِ دَادَه بَاشِي ؛ بِه وَاسَطَه اُو سَنَّتِ پِيَامْبِرْتِ رَا - كِه دَرُوْدِ خَدَا بَرِ اُو وَ اَلِ اُو بَادِ - حَيَاتِي دِيْكَرِ بَخْشِ ، تَا اَيْنِ كِه بِشِيْ ؤِ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَه اَخِي مِنْ الْخَلْقِ ، وَقَوِّ نَاصِرَه ، وَ اِخْتِذُلْ چِيْزِي اَزِ حَقِّ رَا اَزِ تَرَسِ كَسِي ، پَنْهَانِ نَدَارِدِ . يَاورِشِ رَا قُوِي گِرْدَانِ ، وَ كَسِي رَا كِه خَدَلَانِ وَ خَوَارِيْشِ رَا خَوَاهِدِ ، مَخْذُوْلِ خَاذِلَه ، وَ دَمْدَمِ عَلِي مَنْ نَصَبَ لَه ، وَ دَمْرُو عَلِي مَنْ عَشَه . اَللّٰهُمَّ وَ مَعْلُوْبِ فَرْمَا ؛ كَسِي كِه بَا اُو دَشْمَنِي اَشْكَارِ نَمَائِدِ مَوْرِدِ خَشْمِ خُوِيْشِ قَرَارِ بَدَه ؛ اَنْ كِه رَا بَا اُو نِيْرِنْكَ كَنْدِ نَابُوْدِ كَنْ . خَدَاوَنْدَا ؛ وَ اَقْتُلْ بِه جَبَابِرَه الْكُفْرِ وَ عَمْدَه ، وَ دَعَائِمَه وَ الْقَوَامِ بِه ، وَ اَقْصِمْ بِه بِه وَاسَطَه اُو كَافِرَانِ زُوْرُگُو وَاْرَكَانِ وَ سَرْدَسْتَه هَايِ اَنْ هَا وَ هَرِ اَنْ كِه بَاعْثِ دَوَامِ وَ قَوَامِ اَنْ هَا بَاشِدِ رَا نَابُوْدِ كَنْ . رُوُوَسَ الصَّلَاةِ ، وَ شَارِعَه الْبِدْعَه ، وَ مُمِيْنَه السُّنَّه ، وَ مُقَوِّيَه سِرَانِ گَمْرَاهِي ، وَ سَرْچِشْمَه هَايِ بَدْعَتِ وَ هَرِ

که سنت را بعبیراند و باطل را تقویت کند ، با نیروی الهی اش الباطل ، و اذلل به الجبارین ، و أبرز به الکافرین و المنافقین ، درهم شکن . سرکشان ستمگر را به وسیله او ذلیل کن و کافران و دورویان و جمیع المُلجِدین ، حیث كانوا و ائین كانوا من مشارق الارض و همه ملحدان را به واسطه او هلاک نما ؛ در هر زمان و هر مکانی که باشند ؛ مشرق و مغربها ، و برها و بحرها ، و سهیلها و جبهیها ، حتی لاتدع منهم و مغرب ، دریا و خشکی ، کوه و دشت ؛ تا این که از آنان ، دباراً ، و لا تبقی لهم اثاراً . اللهم و طهر منهم بلادک ، و اشف کسی باقی نگذاری و اثری بجا نماند . خدایا ؛ سرزمین خود را از وجود آن ها پاک کن منهم عبادک ، و اعز به المؤمنین ، و اخی به سین المرسلین ، و قلب مؤمنان را با نابودی آنان شفا بخش ؛ و به واسطه آن حضرت ، مؤمنان را عزیز فرما ، و سنت های رسولان و دارس حکم النبیین ، و جدد به ما میجی من دینک ، و بدّل من و فرستادگانت را ، و احکام پیامبران را - که رو به نابودی رفته است - بار دیگر زنده نما ، و هر آن چه از دینت محو شده و از حکمک ، حتی تعید دینک به و علی یدیه غصاً جدیداً صحیحاً احکامات دگرگون گشته است ، تازه و نو گردان ؛ تا این که دین حقیقی تو به دست او ؛ شاداب ، تازه ، جدید ، خالص و مخلصاً ، لا عوج فيه ، و لا بدعه معه ، حتی تیر بعدله



ظَلَمَ الْجَوْرَ، صحیح بدون هیچ کزی و بدعتی گردانی . تا آن که تاریکی های ستم را با نور عدلش روشن گردانی ، وَتُطْفِئِ بِه نيرانَ الْكُفْرِ ، وَتُظَهِّرُ بِه معاقِدَ الْحَقِّ ، وَمَجْهُولَ و آتش فتنه های کافران را به وسیله او خاموش گردانی ، و گره خوردگی ها و پیچیدگی های حق را به وسیله او آشکار گردانی و عدل و داد گم شده و العَدْلُ ، وَتَوْضِیحُ بِه مُشْكِلاتِ الْحُكْمِ . اَللّهُمَّ وَاِنَّه عَبْدُكَ الَّذِي ناسناخته را به وسیله او ظاهر گردانی؛ مشکلات و دشواری های احکام را - با پرتوهای نورافشان او - واضح گردانی . بار خدایا ؛ همانا اسْتَحْلَضَيْتَهُ لِنَفْسِكَ ، وَاضْرَفَيْتَهُ مِنْ حُلْفِكَ ، وَاضْرَفَيْتَهُ عَلٰی او بنده ای از بندگان توست که برای خود خالصش گردانیدی، و از میان آفریدگانت او را برگزیدی، و او را عِبَادِكَ ، وَاثْمَمْتَهُ عَلٰی غَيْبِكَ ، وَعَصَيْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَبَرَأْتَهُ بر بندگان برگزیدی ، و او را برای سپردن غیب خود امین یافتی، و از گناهان معصومش داشتی، و از عیب ها مبرايش کردی، مِنَ الْعُيُوبِ ، وَظَهَرْتَهُ [ مِنَ الرَّجْسِ ] ، وَصَيَّرْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ ، و از هر گونه آلودگی پاکیزه اش کردی، و از ناپاکی و پلیدی به دورش گردانیدی، وَسَيَّلْتَهُ مِنَ الرَّؤْبِ . اَللّهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَيَوْمَ و از هر شك و شبهه ای سلامتت فرمودی . خدایا ؛ ما در روز قیامت - و روز حُلُولِ الطَّامَةِ ، اَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَلَمْ يَأْتِ خَوْبًا ، وَلَمْ يَزْكُكْ لَكَ برپا شدن حادثه عظیم محشر - گواهی می دهیم که او گناهی نکرده است ؛ جرمی انجام نداده مَعْصِيَةً ، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً ، وَلَمْ

يَهْتِكُ لَكَ حُزْمَهُ ، وَلَمْ يُبَدِّلْ و معصیتی مرتکب نشده است؛ طاعتی را تباه نکرده است؛ حرمتی را هتک نکرده است؛ و لَكَ فَرِيضَةٌ ، وَلَمْ يُعَيِّرْ لَكَ شَرِيْعَهُ ، وَأَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي وَاجِبِي را عوض ننموده است؛ و قانونی را تغییر نداده است ؛ او امامی پرهیزکار ، هدایت گر ، الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ . اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيِّهِ رَهْبِرِي هِدَايَتِ شُدِه ، پَاك سِرْشْت ، بَاتَقُوا ، بَاوْفَا ، پَسَنَدِيْدِه وَ نِيَك سِيْرْتِ اسْت . خَدَاوَنْدَا ؛ بَرِ اَوْ وَعَالِي اَبَائِهِ ، وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِيهِ وَوَلَدِيهِ ، وَأَهْلِيهِ وَدُرَرِيَّتِيهِ وَأُمَّتِيهِ وَ پَدْرَانَش دَرُود فَرَسْت ، وَ دَر مَورِد خُودَش ، فَرَزَنْدَان وَ خَانَوَادِه اش ، اَمْت وَ جَمِيْع رَعِيَّتِيهِ ، مَا تُقَرُّ بِه عَيْنُهُ ، وَ تَسِيْرُهُ بِه نَفْسُهُ ، وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكُكَ وَ رَعِيَّتِيكَ ، چِيْزِي عَطَا كُنْ كِه چِشْمَش رَا بِه اَن رُوشَن نِمَايِي وَ رَوَانَش رَا بِه اَن شَاد گَرْدَانِي ؛ وَ حُكُومَتِ هَمِه الْمُمْلَكَاتِ كُلِّهَا ، قَرِيْبِيهَا وَبَعِيْدِيهَا ، وَعَزِيْزِيهَا وَدَلِيْلِيهَا ، حَتَّى مَمَالِكِ - اَعْمَ از دُور وَ نَزْدِيك ، قُوِي وَ ضَعِيْف - تَحْتِ سَيْطَرِه اَوْ دَر آيِد ، يَجْرِي حُكْمُهُ عَلَي كُلِّ حُكْمٍ ، وَيَعْلَبُ بِحَقِّهِ عَلَي كُلِّ بَاطِلٍ . وَ فَرْمَانَش بَرِ هَر حُكْمِي نَافِذْ بَاشَد ، وَ كَلِمَه حَقِّش ، بَرِ هَر بَاطِلِي غَالِبْ گَرْدَد . اَللّٰهُمَّ وَاسِيْلُكَ بِنَا عَلَي يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى ، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى ، خَدَايَا ؛ بِه دَسْتِ مَبَارَكَش مَا رَا بَر طَرِيْقِ هِدَايَتِ رَوَانْ كُنْ ، وَ بَر شَاهِرَاهِ رُوشَن وَ الطَّرِيْقَةَ الْوُشِيْطِي ، الَّتِي يَرْجِعُ اِلَيْهَا الْغَالِي ، وَيَلْحَقُ بِهَا النَّالِي . وَ رَاهِ مِيَانِه وَ اَعْتَدَالِ - كِه هَر اَفْرَاطْگَرِ بِيْشَرُو وَ هَر تَفَرِيْطِيْشِه عَقَبِ مَانَدِه بَايْد

بدان باز گردد - استوار فرما . اَللّٰهُمَّ وَفَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ ، وَتَبَيَّنَّا عَلَى مُشَابَعَتِهِ ، وَآمَنُنَّ عَلَيْنَا خَدَايَا ؛ مَا رَا بِر طَاعَتِش نَبْرُومَنْد گَرْدَان ، وَ بِر بِرُويش ثَابِت قَدَم بَدَار ، وَ بِا نَعْمَت بِرُويِ از او بِر مَا مَنَّت بِمُنَابَعَتِهِ ، وَاجْعَلْنَا فِي جَزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ ، بگذارد ، و ما را جزو گروه او که عهده دار امر او هستند قرار ده که به فرمانش ، سر فرود می آورند ، و در راهش صبر پیشه می کنند ، اَلطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصِرَتِهِ ، حَتَّى تَخْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي وَ از خیرخواهی او رضای تو را می طلبند . تا در نهایت ، در روز قیامت ، ما را در اَنْصَارِهِ وَاغْوَايِهِ ، وْمُقَوِّيَةِ سُلْطَانِيهِ . اَللّٰهُمَّ صَيِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ گروه یاران و مددکاران و تقویت کنندگان حکومت بابرکتش ، محشور نمایی . خداوند ؛ بِر مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كَلِمَةً مِّنَّا لَكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ مُحَمَّدٍ دَرُود فرست ، و همه این ها را از ما خالص و به دور از هر شَكِّ و شِبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَشِرْكِهِ ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهٖ غَيْرَكَ ، وَ لَا نَطْلُبُ بِهٖ اِلَّا وَجْهَكَ ، و ریا و سماعه قرار بده ؛ آن گونه که با این کار ، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار ، جز تو را نطلبیم ؛ وَحَتَّى تُجَلِّنَا مَحَلَّهُ ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ ، وَ لَا تَبْتَلِنَا فِي بَاشَد که ما را در محلّ و جایگاه آن حضرت وارد نمایی ، و ما را در بهشت همراه او گردانی ، و در اَمْرِهِ بِالْمَسَامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفَقْرِ وَ الْفَسْلِ ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُ تَنْتَصِرُ انجام فرمان او ما را به تنبلی ، سستی

ضعف و گسستگی مبتلا نسازی؛ و ما را از کسانی قرار ده که په لېدینک ، وَتَعْرُجُ بِهِ نَصْرِيَّ وَوَلِيَّكَ ، وَلَا تَنْشِئْ بَدِلَ بِنَا غَيْرِنَا ، فَإِنَّ دِينَتَ رَا بَه وَسِيلَه أَنَان بَارِي مِي كُني ، و باری ولیت را به او تقویت می کنی، کسی را جایگزین ما مکن؛ زیرا، اِشْتَبَدَ الْكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيْرٌ ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيْرٌ ، إِنَّكَ عَلٰی كُلِّ اَيْن جايگزينی بر تو آسان است، ولی بر ما بسی سنگین و دشوار . باور دارم که تو بر هر شیء قَدِيْرٌ . اَللّٰهُمَّ وَصِيْلٌ عَلٰی وُلَاةِ عَهْدِهِ ، وَبَلَّغُهُمْ اَمَالَهُمَّ ، چیزی توانایی . خدایا ؛ بر فرماندارانش رحمت فرست، و به آرزوهای (مقدس شان) برسان، وَرَدٌ فِی اَجَالِهِمْ وَانْصُرُوْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا اَشْتَدَّتْ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرِ و بر عمرشان بیفزای، و یاریشان فرما، و آن چه از امر دینت به آن ها مربوط ساخته ای ، کامل و دینک ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ اَعْوَانًا وَعَلٰی دِيْنِكَ اَنْصَارًا ، وَصَلِّ عَلٰی تَمَامِ گردان، و ما را از مددکاران آنان قرار ده، و از باری کنندگان دینت معزّر فرما . بر اَبَائِهِ الطَّاهِرِيْنَ اَلْاَيْمَةِ الرَّاشِدِيْنَ . اَللّٰهُمَّ فَاِنَّهُمْ مَعَادُنْ كَلِمَاتِكَ ، پدران پاکش ، امامان رشید و راهنمای بشر، درود فرست . بارخدایا ؛ آنان، معدن های کلمات تو، وَخُرَانُ عِلْمِكَ ، وُؤَلَاةُ اَمْرِكَ ، وَخَالِصِيَّتُكَ مِنْ عِبَادِكَ ، وَخَيْرُتُكَ و گنجینه های دانش ، و علوم تو، و سرپرستان امر تو، و بندگان مخلص تو، و نیکوکاران مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ اَوْلِيَائِكَ ، وَصَفْوَتُكَ وَأَوْلَادُ از میان بندگان تو، و دوستان تو و فرزندان اولیای تو، و برگزیدگان و فرزندان اَصْفِيَاءِكَ ، صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ .

اللَّهُمَّ برگزیدگان تو هستند . درود و رحمت و برکت های تو بر آنان نثار باد . خدایا ؛ وَسُرَّكَأُوهُ فِي أَفْرِهِ ، وَمُعَاوَنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ آتَانِ كَمَا فِي أَمْرِ أَوْ شَرِيكَ أَنْدِ ، وَبِرْطَاعَتِ تُو مَدَدَكَارَانِ  
اویند ؛ كَسَانِي كَمَا تُو حَضِيَّتُهُ وَسِلَاحُهُ وَمَفْرَعُهُ وَأَنْسَهُ ، الَّذِينَ سَلُّوا عَنِ الْأَهْلِ دَرْ ، اسلحه ، پناهگاه و مایه انس او قرارشان دادی ؛ آن هایی که از اهل وَالْأَوْلَادِ ، وَتَجَافُوا الْوَطْنَ ، وَعَطَّلُوا الْوَيْتَرَ مِنَ الْيَمَاهِدِ ، قَدْ وَ  
اولاد خود بریدند، و ترک وطن گفتند، و تخت های استراحت را رها کردند ؛ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ ، وَأَصْرُوا بِمَعَايِشِهِمْ ، وَفَقَدُوا فِي أَنْدِيَّتِهِمْ تِجَارَتِهَا رَا كِنَارِ كَذَاشْتَنْدِ ؛ وَبِهِ مَعِيشَتِ هَايِ خُودَشَانِ ضَرَرِ زَدَنْدِ  
؛ و بدون این که از بَعْرِ غَيْبِهِ عَنْ مَضْرِهِمْ ، وَخَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاضَدَهُمْ عَلَى شَهْرِهِایِ شَانِ خَارِجِ شُونْدِ ، به عزلت و گوشه نشینی افتادند ؛ و با هر کس که در کارها یاری شان نماید پیمان بستند؛ أَفْرِهِمْ ،  
وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَيَدَ عَنْ وَجْهِتِهِمْ ، وَاتَّخَفُوا بَعِيدَ كَرَجِهِ نَسْبَتِي دُورِ بَا أَنْ هَا دَاشْتَنْدِ ، و با نزدیکانی که آن ها را از مقصودشان باز بدارد مخالفت ورزیدند ؛ بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ ، وَقَطَّعُوا  
الْأَشْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ از جدایی ها گرد هم آمدند و اسباب به هم پیوسته دنیوی را که وسیله بهره بردن حُطَامِ مِنَ الدُّنْيَا . فَاجْعَلْهُمْ لِلَّهِمْ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنْيِكَ ، وَرُدُّ أَنْدِكَ از دنیا بود ، قطع نمودند .  
بدین سان، خدایا ؛ آن ها را در حفظ و حراست خود، و در سایه لطف و حمایت خویش قرار ده، عَنْهُمْ بِأَسْمَاءٍ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعِدَاوَةِ مِنْ



: این روایت ، شامل بخشی از دعاست که روایت اولی آن را نداشت . پس ، اگر می خواهی از اهل سعادت گردی این دعا را بخوان ، و در این دعاها جانب پروردگار را حفظ کن ، و در پیشگاه او کمال ادب را به جای آور .(۱۱)

کفعمی رحمه الله در «المصباح» چنین می گوید : یونس بن عبدالرحمان از امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت ، پیوسته بر دعا کردن برای صاحب الأمر صلوات الله علیه با خواندن این دعا دستور می داد: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتَكَ...» وی، دعا را مانند آنچه گذشت تا عبارت «وهو علينا كبير» ادامه داده ، سپس این قسمت را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ وُلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأَيَّامَةِ مِنْ بَعْدِهِ ، وَبَلِّغُهُمْ أَمَانَتَهُمْ ، خدایا ؛ بر والیان عهدش و پیشوایان پس از او رحمت فرست ، و به آرزوهای شان برسان ، وَ زِدْ فِي اجْزَالِهِمْ ، وَأَعِزِّ نَصِيرَتَهُمْ ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْتَيْدَتْ إِلَيْهِمْ وَ بَرِ عَمْرُشَان بِيَفْرَا ، وَ يَارِي اِبْشَان رَا تَقْوِيْت فرما ، و آن چه از دینت را به آن ها مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ ، وَتَبَيَّنْ دَعَائِمَهُمْ ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَغْوَانًا ، وَعَلَىٰ مَرْبُوطِ سَاخْتِهْ اِي كَامِلِ نَمَا ، وَ پايه های آن ها را استوار کن ، و ما را یاران آن ها و باوران دینک اَنْصَارًا ، فَإِنَّهُمْ مَعَادُنُ كَلِمَاتِكَ ، وَخُزَّانُ عِلْمِكَ ، وَأَزْكَاءُ دِينتِ قَرَارِ دِه . همانا آن ها معدن های کلمات تو ، گنجینه های علم و دانش تو ، استوانه های توحیدک ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ ، وَوَلَاةُ أَمْرِكَ ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ ، تَوْحِيدِ تُو ، پايه های دین تو ، سرپرستان امر تو ، بندگان خالص تو ، ۱

و ۲. جمال الأسبوع : ۳۱۰ و ۳۱۴ .

وَصَفْوَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَوْلِيَاؤَكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيَايَكَ ، وَصَفْوَهُ بَرَكِيدَهُ مِنْ بَنِيكَ ، وَصَفْوَهُ بَرَكِيدَهُ مِنْ بَنِيكَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . (۱۲)

فرزندان پیامبر تو هستند ؛ درود و سلام و رحمت خداوند و برکت های او بر همه آنان نثار باد .

### دعای معرفت در زمان غیبت

دعای معرفت در زمان غیبت

سید بزرگوار ، جناب علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الأسبوع» می فرماید :

دعای دیگری است برای حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه که سزاوار است آن دعا ترک نشود ؛ گرچه همه تعقیبات و دعاهایی را که برای عصر روز جمعه ذکر کردیم به خاطر داشتن عذر ترک شود .

و این سزای دارد که خداوند ما را از فضل و احسان ویژه خود با آن آشنا نموده است . پس به آن اعتماد کن و آن را انجام بده .

این دعای شریف به دو طریق از «محمد بن همام» روایت شده و او گفته است که : شیخ ابو عمرو عمری رحمه الله این دعا را به او املا نموده و دستور به خواندن آن داده است ؛ و آن ، دعایی است برای زمان غیبت قائم آل محمد علیهم السلام :

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِيكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ ، يَا خدَايَا ؛ خود را به من بشناسان ؛ زیرا اگر خود را به من نشناسانی تو و وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ . اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ . خدایا ؛ پیامبرت را به من معرفی فرما ؛ زیرا اگر پیامبرت را به



من نشناسانی، زَسُوْلَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ . اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ حِجَّتْ تُوْرَا نِخَوَاهِمْ شَنَاخْت . خداوندا ؛ حِجَّتْ رَا بَه مِنْ بَشَنَاسَانْ؛ زِيْرَا اِكْر ۱ . بحار الأنوار : ۱۱۵/۱۰۲ .

تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَدَلْتُ عَنْ دِيْنِي . اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنْنِي مِيْتَهَ جَاهِلِيَّتِهِ ، حِجَّتْ رَا بَه مِنْ نَشَنَاسَانِي ، نَسِيْتَهْ بَه دِيْنِمْ كَمْرَاهْ مِيْ كَرْدَم . خدايا ؛ مرا به مرگ جاهليت نميران وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي . اَللّٰهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِيُوْلَايَه مَنْ و پس از آن كه هدايتم نمودی ، قلبم را دچار انحراف و تردید مساز . اِيْ خُدا ؛ هَمَانْ كُونَهْ كَهْ مَرَا بَه و لَآيْتْ وَ فَرَضْتْ طَاعَتَهْ عَلَيَّ مِنْ وُلَاةِ اَمْرِكَ بَعْدَ رَسُوْلِكَ صِلَوَاتِكَ عَلَيَّ دُوسْتِيْ اَنْ كَسْ كَهْ طَاعَتَشْ رَا بَر مِنْ وَاجِبْ نَمُودِيْ - يعنى: سرپرستان امرت پس از رسول گراميت كه درود تو بر او وَ اِلَهِيْ ، حَتَّى وَاَلَيْتْ وُلَاةَ اَمْرِكَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيُّ بْنُ اَبِيْ طَالِبٍ ، وَ اَلْ اَوْ بَاد - رهنمون شدى، تا صاحبان حقيقى خلافت و واليان امرت يعنى : امير مؤمنان على بن ابى طالب ، وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا حَسَنَ ، حَسِيْنَ ، عَلِيَّ ، مُحَمَّدًا ، جَعْفَرَ ، مُوسَى ، عَلِيَّ ، وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ الْقَائِمَ الْمُهْدِيَّ صِلَوَاتِكَ مُحَمَّدًا ، عَلِيَّ ، حَسَنَ وَ حِجَّتْ قَائِمْ مَهْدِيْ - كه درودهاى تو عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ . اَللّٰهُمَّ كَبِّتْنِيْ عَلَيَّ دِيْنِكَ ، وَ اسْتَعْمَلْنِيْ بِطَاعَتِكَ ، بَر هَمَهْ اَنَانْ بَاد - را دوست بدارم . اِيْ خُدا ؛ مرا بَر دِيْنِ خُودْتْ ثَابِتْ بَدَار ، وَ مَرَا بَر طَاعَتِ خُوْيَشْ بَكَارْ كَبِيْر ، وَ كَلْبِيْ قَلْبِيْ لُوْلِيْ اَمْرِكَ ، وَ عَافِنِيْ مِمَّا

امْتَحَنَتْ بِهٖ خَلْقَكَ، وَتَبَّئْتِي وَقَلِيمَ رَا بَرَاي صَا حَب ا م ر ت م ط ي ع و ن ر م ك ن ، و م ر ا د ر ع ر ص ه ه ا ي ا م ت ح ا ن ه ا ي ي ك ه ا ز ب ن د گ ا ن ت ب ه ع م ل م ي آ و ر ي ع ا ف ي ت ب ي خ ش ، و د ر ع ل ي ط ا ع ه و ل ي ل ي ا م ر ي ك ، ا ل ذ ي س ت ر و ت ه ع ن خ ل ق ي K ، ف ي ا ذ ذ ب ن K غ ا ب ف ر م ا ن ب ر د ا ر ي ا ز ص ا ح ب ف ر م ا ن ت ا س ت و ا ر م س ا ز ؛ ه م ا ن ك س ي ك ه ا ز ب ن د گ ا ن ت پ ن ه ا ن ش گ ر د ا ن د ي ؛ پ س ب ا ا ج ا ز ه ت و ع ن ب ر ي ي K ، و ا م ر K ي ن ت ظ ر ، و ا ن ت ا ل ع ا ل م غ ي ر م ع ل م ب ا ل و ق ت ا ز م ي ا ن خ ل ق پ ن ه ا ن ش د ، و م ن ت ظ ر ف ر م ا ن ت و س ت ؛ د ر ح ا ل ي K ت و آ گ ا ه ي - ب د و ن ا ي ن ك ه K س ي ت و ر ا آ گ ا ه K ك ن د - ب ه ز م ا ن ي ا ل ذ ي ف ي ه ص ل ا ح ا م ر و ل ي K ، ف ي ا ل ا د ن ل ه ي ا ظ ه ا ر ا م ر ه و K S N F K ه D ر ا N ، K ا ر و ل ي ت ر a ا ص ل ا ح F ر م ا ي ي ، و a N و ق ت B ه a u ا ج a Z ه F ر م a Y ي K ه a م R ش R a ا ش K a R ن م a Y D و a Z ا S R a R ش P ر D ه S R و ه ، و ص ب ر و ن ي E L Y ذ L K ، ح X ي لا ا J B ت E C J L M a A X R O T ، و لا B R D a R D . و M R a B D a N ش K Y B a F R M a T a ش T a B D R F R م ا Z P ن ه a N ش R a ن X o a H M K ه T o T a X I R ش R a M Y X o a H Y ، و T a X I R M a E J L T ، و لا A K S I F E M a S T R O T ، و لا A B H T E M a K N M T ، T a X I R C H I Z Y R a M P T a L B ه N K M K ه T o T E C J I L S H R a A R a D ه N M O D ه a Y ، و P R D ه B R N D a R M a Z a N C H E T o P ن ه a N ش K R D ه a Y ، و C H I Z Y R a K a O S N K M K ه T o P o S H I D ه a S و لا a N a Z E K F I T D B I R K ، و لا A F O L L M W K I F W M a B a L و ل ي F R M O D ه a Y ، و N S B T B ه T D B I R T o ( D R K a R E a L M ) B a T o Z R a C W M J a D L ه N K M ، و D R B R a B R a R a R a D ه T o C H O N W C R a N K M ، و N G O B M K ه C H E S H D ه W C R a V a C H B a M R L a Y P T H R W Q D a M T L A T a L A Z S M N a J O R

، وَأَفْوَضَ أُمُورِي الْأَمْرَ ظَهْوَرِ نَمِي كَنَد - بَا اَيْنَ كَه زَمِينِ بِرِ اَز ظَلَمِ وَ سَتَمِ گِشْتَه اسْت؟ - ) بَلَكَه ( هَمَه كَارِهَا وَ أُمُورِ عَالَمِ رَا بَه مَحْضَرِ مَقَدَسِ كَلَّهَا إِلَيْكَ . اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيِّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا  
تَوَا مِي گِذَارَم . بَار خَدَايَا ؛ اَز تَوَا مِي خَوَاهَم كَه جَمَالِ صَاحِبِ اَمْرَتِ رَا آشْكَارَا بَه مَن بِنَمَايَانِي دَر حَالِي كَه اَمْرَشِ دَر عَالَمِ ، اَلْأَمْرُ ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ ، وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ ، نَافِذَ اسْت؛ بَا  
عِلْمِ وَ آكَاهِيمِ بَه اَيْنَ كَه سُلْطَنَتِ ، قَدْرَتِ ، بَرَهَانَ ، دَلِيلِ رِسَا ، وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ ، مَشِيئَتِ نَافِذَه ، نِيْرُو وَ تَوَانَايِي وَاقِعِي اَز اَن تَوَسْت . بِسِ اَيْنِ لَطْفِ رَا بَه مَن وَ بَه هَمَه  
مُؤْمِنَانَ بِفَرْمَا حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَليِّكَ صِيْلَمُوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ إِلَهِي ، ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ ، وَاصِحِّ تَا بَه وَلِيَّتِ - كَه دَرُودِ تَوَا بِرِ اَوِ اَلِ اَوِ بَاد - آشْكَارَا بِنَغْرِيْمِ ، دَر حَالِي كَه بَا گِفْتَارِ آشْكَارِ الدَّلَالَةِ ، هَادِيًا مِّنَ الضَّلَالَةِ ، شَافِيًا مِّنَ  
الْجَهَالَةِ ، وَأَبْرَزُ يَا رَبِّ وَ دَلَالَتِ رُوشَنَشِ ، اَز گِمْرَاهِي بَه رَا هِدَايَتِ رَهْمُونِ شُوِيْمِ ، وَ اَز جِهَالَتِ نَجَاتِ پِيْدَا كَنِيْمِ . بِرُورِدِ گَارَا ؛ مُشَاهَدَتَهُ ، وَتَبَيُّتِ قَوَاعِدَهُ ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرَّرُ عَيْنُهُ بِرُؤْيِيَّتِهِ ، مَشَاهِدَه اَوِ رَا آشْكَارِ  
فَرْمَا ، وَ پَايَه هَايِ حُكُومَتَشِ رَا مَحْكَمِ گِرْدَانِ ، وَ مَا رَا اَز كَسَانِي قَرَارِ دَه كَه بَا دِيْدَنِ جَمَالَشِ ، چِشْمَشِ رُوشَنِ گِرْدَدِ ، وَاقِفْنَا بِخِدْمَتِهِ ، وَتَوَفَّنَا عَلَيَّ مَلِيَّتِهِ ، وَاحْشُرْنَا فِي رُفْرَتِهِ . وَ مَا رَا بَه خِدْمَتِ اَوِ بِيَا دَارِ ، وَ بِرِ  
مَلَّتِ وَ آيِيْنِ اَوِ

بمیران، و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما . **اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ ، وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ** خدايا ؛ پناه بده او را از شر هر چه خلق کردی و پدید آوردی ، آفریدی و ایجاد کردی ، **وَصُوَّرْتَ ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ وَصُولِهِ** و شکل بخشیدی ، و حفظ فرما او را از مقابلش و پشت سرش و سمت راست و شمالیه ، **وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ** من چپش ، و از بالای سرش و زیر پایش ؛ به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن گونه حفظ کنی **حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ** . ضایع و تباه نمی شود ، و با حفظ وجود او پیامبرت و وصی پیامبرت را - که درود بر ایشان باد - حفظ کن . **اللَّهُمَّ وَمُدِّ فِي عُمرِهِ ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ ، وَأَعِنُّهُ عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ** خداوندا؛ عمرش را طولانی کن ، و بر مدت زندگانش بیفزای ، و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی **وَاشْتَزِعْنِيهِ ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمُهَيِّدِي ، وَالْقَائِمُ وَنَكْهَبَانِ** ساختی کمکش فرما ، و در کرامتت نسبت به او بیفزای؛ زیرا او هدایت کننده بشر و هدایت یافته و قیام کننده **الْمُهَيِّدِي ، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الصَّابِرُ** برای هدایت خلق است ؛ گوهر پاک ، باتقوا ، پاک سرشت ، پاک سیرت ، صاحب مقام رضا و خشنودی ، **الشُّكُورُ الْمُجْتَهِدُ . اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي وَشَكِيَا فِي بِلَا**

و مصایب، شکر گزار، مجاهد و تلاشگر است . خدایا ؛ به واسطه دراز شدن زمان غیبتیّه ، و انقطاعِ خَبرِ عَنَّا ، و لا تُنَسِنَا ذِکْرَهُ و اِنْتَظَارَهُ ، و الْاِیْمَانَ غیبتش و قطع شدن خیرش از ما، یقین ما را زایل مگردان؛ و از یاد ما مبر یادش را و انتظارش را و ایمان به ، و قُوَّةَ الْیَقِیْنِ فِی ظُهُورِهِ ، و الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَیْهِ ، حَتّٰی به او را ، و یقین استوار بر ظهورش را ، و دعا کردن برای (وجود نازنینش)، و درود فرستادن (بر آن حضرت) (را ؛ تا لا یُعْنَتُنَا طُولُ غَیْبَتِهِ مِنْ [ ظُهُورِهِ ] قِیَامِهِ ، وَ یَكُونُ یَقِیْنًا فِی طَوْلَانِی شَدَن زَمَانِ غِیْبَتِش مَا رَا از ظهور و قیام بر حقش ناامید نسازد؛ و یقین و باور ما به قیام او و ظهور او ذلِکَ کِیْفِیْنَا فِی قِیَامِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ ، وَ مَا جَاءَ بِهِ هَمَانَنْدِ یَقِیْنِ مَا به قیام پیامبر خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - و مِنْ وَ خَیْکَ وَ تَنْزِیْلَکَ ، وَ قُوَّةَ قُلُوْبِنَا عَلَی الْاِیْمَانِ بِهِ ، حَتّٰی تَسْمِعَکَ وَحِی و کتاب نازل شده بر او ، محکم و استوار باشد . و قلب های ما را بر ایمان به او تقویت کن تا بنا علی رِیْدِیْهِ مِنْهَاجِ الْهُدٰی وَ الْمَحَجَّةِ الْعُظْمٰی ، وَ الطَّرِیْقَةَ به دست مبارکش راه هدایت و شاهره روشن و مسیر اعتدال را ببیماییم .

الْمُشْطٰی ، وَ قُوَّةَ عَلَی طَاعَتِهِ ، وَ حَبَّتِنَا عَلَی مُتَابَعَتِهِ ، وَ اجْعَلْنَا فِی و ما را بر اطاعت و فرمان برداری از او نیرو بخش، و بر پیرویش ثابت بدار ، و ما را در جَزْبِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ اَنْصَارِهِ ،

وَالزَّٰسِيْنَ يَفْعَلِيْهِ ، وَلَا تَسْأَلُنَا ذٰلِكَ فِىْ غُرُوْهِ اَوْ يَارٰنِ وِىَاوْرٰنَتِشِ وِ كَسٰنِىْ كِهْ بِهْ كَارِ اَوْ خَشِنُوْدَنْدِ ؛ فَرَارِ بَدِهْ . وِ اَيْنِ اِيْمٰنِ وِ عَقِيْدَهْ رَا دَرِ حَيٰتِنَا ، وَلَا عُنْدَ وِفٰتِنَا ، حَتّٰى تَتَوَفَّٰنَا وَنَحْنُ عَلٰى ذٰلِكَ لَا شٰكِيْنَ  
زَنْدٰگِىْ وِ مَرگِىْ مٰ اَزِ مٰ مَگِيْر ، تَا دَرِ حٰلِىْ مٰ رَا بَمِيْرٰنِىْ كِهْ نِهْ دِچَارِ شَكِّ وِ تَرْدِيْدِ شَدِهْ ، وَلَا نٰكِيْنِ ، وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكَدِّبِيْنَ . اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرْجَهْ ، وَاَيِّدْهُ وِ نِهْ پِيْمٰنِ شَكْسْتِهْ بٰشِيْمِ ، وِ نِهْ دَرِ مُورِدِ اَنِّ دُوْدَلِ  
بُوْدِهْ وِ نِهْ اَنِّ رَا تَكْذِيْبِ كَنِيْمِ . خَدٰوَنْدَا ؛ دَرِ فَرَجِشِ تَعَجِيْلِ فَرْمَا ، وِ بِالنَّصِيْرِ ، وَاَنْصُرْ نٰصِرِيَهْ ، وَاَخْذُلْ خٰذِلِيَهْ ، وَاَقْتُلْ بِهٖ الْبٰلِغَةَ وَاَشِيْتَقِدْ رُوْ دَرِ رُوِيْشِ بِهْ جَنگِ بٰبِسْتَدِ وِ اَوْ رَا تَكْذِيْبِ كَنْدِ نَابُوْدِشِ كُنْ ، وِ حَقِّ رَا بِهْ وِاسَطِهْ اَوْ اَشْكٰرِ نَمَا ، وِ سَتَمِ  
كَنْنَدِ ذَلِيْلِ وِ خَوٰرِ بِنَمَا ، وِ هَرِ اَنِّ كِهْ نَصَبْ لَهٗ وَكَذَّبْ بِهٖ ، وَاَظْهَرِ بِهٖ الْحَقَّ ، وَاَمِثْ بِهٖ الْجَوْرَ ، وَاَشِيْتَقِدْ رُوْ دَرِ رُوِيْشِ بِهْ جَنگِ بٰبِسْتَدِ وِ اَوْ رَا تَكْذِيْبِ كَنْدِ نَابُوْدِشِ كُنْ ، وِ حَقِّ رَا بِهْ وِاسَطِهْ اَوْ اَشْكٰرِ نَمَا ، وِ سَتَمِ  
رَا بِهْ وِ سِيْلِهْ اَوْ بَعِيْرٰنِ ، وِ بِهٖ عِبَادَتِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ مِّنَ الدُّلِّ ، وَاَنْعَشْ بِهٖ الْبِلَادَ ، وَاَقْتُلْ بِهٖ بِنْدِگٰنِ مُؤْمِنْتِ رَا بِهْ وِاسَطِهْ اَوْ اَزِ خَوٰرِىْ وِ ذَلَّتْ بَرِهٰنِ ، وِ عٰلَمِ رَا بِهْ وِجُوْدِشِ اَبَادِ گَرْدٰنِ ، وِ جِبَابِرَهٗ الْكٰفِرَهٗ ، وَاَقْصِمْ بِهٖ  
رُوُوْسَ الضَّلٰلٰهٖ ، وَذَلِّلْ اِيْهِ الْجَبٰرِيْنَ سَرَكَشٰنِ كٰفِرِ رَا تَوْسِيْطِ اَوْ هَلٰكِ كُنْ ، وِ سِرٰنِ گِمْرٰهِيْ رَا بِهْ وِ سِيْلِهْ اَوْ دَرِهْمِ شَكْنِ ، وِ طَغِيٰنِ پِيْشِگٰنِ وَاَلْكَٰفِرِيْنَ ، وَاَبْرِ بِهٖ الْمُنٰفِقِيْنَ وَاَلنَّٰكِيْنَ ، وِ جَمِيْعِ الْمُخٰلِفِيْنَ وِ  
كٰفِرٰنِ رَا ) تَوْسَطِ اَوْ ذَلِيْلِ

فرما . و همه منافقان و عهدشکنان، و تمام مخالفان و المُلجِدین ، فی مشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، و ملحدان بی دین را - در شرق و غرب عالم ، در دریا و خشکی ، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا ، حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دِيَاراً ، وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَاراً ، در کوه ها و دشت ها به وسیله او هلاک فرما؛ تا کسی از آنان وانگذاری، و اثری از آن ها باقی نگذاری . وَطَهُرُوا مِنْهُمْ بِلَادَكَ ، وَاشْفَى مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ . وَجَدُّ بِهِ مَا و سرزمین هایت را از لوٹ وجود آنان پاک گردان، و سینه بندگانت را با هلاکت دشمنان، شفا عنایت فرما . و آنچه امتحی مِنْ دِينِكَ ، وَأَصْلَحَ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ ، وَعُضِّرَ مِنْهُ مِنْ دِينِكَ مِنْهُ مَا و وسیله او بازسازی کن؛ و هر آنچه از احکامات دگرگونی یافته، و از سنّت تو تغییر داده شَبِّتِكَ ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضَباً جَدِيداً صَحِيحاً شده است اصلاح کن؛ تا دین تو به دست مبارکش به صورت تازه و نو و صحیح اعاده گردد به گونه ای لَا عَوَجَ فِيهِ ، وَلَا بَدْعَ مَعَهُ ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعِدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ ، که هیچ کزی در آن نباشد و هیچ بدعتی به همراه آن نباشد تا با عدل و داد او آتش فتنه های کافران را خاموش نمایی؛ فَإِنَّهُ عَيْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ ، وَأَرْتَضِيَّتَهُ لِطَيْرَةِ دِينِكَ ، زیرا او بنده مخلص توست که برای خودت خالصش گردانیدی، و برای یاری دینت او را پسندیدی، وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ ، و با علم بی نهایت او را برگزیدی،

و از گناهان او را باز داشتی و نگهداری کردی ، و از عیب ها پیراسته اش کردی ، وَأُطْلَعْتَهُ عَلَى الْعُيُوبِ ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ ، و بر پنهانی ها مطلعش ساختی ، و بر او نعمت ارزانی داشتی ، و از هر گونه پلیدی پاکش گردانیدی ، وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ . اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى اَبَائِهِ الْاَيْمَةَ و از هر نوع آلودگی پاکیزه اش ساختی . بار خدایا ؛ بر او و پدرانش - آن پیشوایان الطَّاهِرِينَ ، وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ ، وَبَلَّغُهُمْ مِنْ اَمَالِهِمْ اَفْضَلَ پاك - و بر پیروان نیک نژادش رحمت فرست ؛ و آن ها را به آرزوهای شان به برتر ما یَأْمُلُونَ ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ از آنچه امید دارند برسان ، و این دعا را از ما خالص و به دور از شَكٍّ و شبهه و ریا وَشَمْعَةٍ ، حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهٖ غَيْرَكَ ، وَلَا تَطْلُبَ بِهٖ اِلَّا وَجْهَكَ . اَللّٰهُمَّ و سمعه قرار بده ؛ آن گونه که با این کار ، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار ، جز تو را نطلبیم . خداوندا ؛ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا ، وَعَيَّبَهُ وَكَلَبْنَا ، وَبَشَدَةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا ، ما به تو شکایت می بریم از فقدان پیامبران ؛ و از غیبت ولی مان ، و سختی دوران بر ما ، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا ، وَتَظَاهَرَ الْاَعْدَاءِ اَعْلَانًا ، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا ، وَقَلَّةَ وَوُقُوعَ فِتْنَةِ هَی گوناگون نسبت به ما ، و تظاهر و پشتیبانی دشمنان از یکدیگر علیه ما ، و زیادی دشمن ما و کمی عَدَدِنَا . اَللّٰهُمَّ فَفَرِّجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ مَنِّكَ تَعَجُّلًا ، وَنَصْرِ مَنِّكَ تَعَزُّؤًا ،



جمعیت خودمان . خدایا ؛ با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را از این اندوه ها به سرعت رهایی بخش، و یاری باعزت و امام عدلِ تظهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ [امین] رَبِّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ إِنَّا وَظَهْرَ بِيَشْوَى عَادِلٍ رَا نَصِيبَ مَانِ فَرْمَا ؛ اِی خدای به حق، و پروردگار جهانیان ؛ این دعا را اجابت کن . خدایا ؛ نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوَلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ ، وَقَتْلِ اِزْ دَرگَاهْتِ مِی خَوَاهِیْمِ كِهْ بِهْ وِلِیْتِ اِجَازَهْ دِهْمِ تَا عَدْلَتِ رَا دَر مِیَانِ خَلْقَتِ اَاشْكَارِ نَمَایِدِ، وَ اَعْدِ اَنْبَکَ فِی بِلَادِکَ ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ یَا رَبِّ دِعَامَهُ اِلَّا دِشْمَنَانَتِ رَا دَر سِرْزَمِیْنِ هَا یْتِ هَلَاکِ گِرْدَانِدِ؛ تَا هِیْجِ پَا یِگَا هْ وَ رَکْنِی بَرَا یِ سَتَمِ بَا قِی نَگِذَارِی اِی پَروردگَارِ مَن ؛ وَ هَمَهْ پَا یِگَا هَا یِ قَصِیْمَتْهَا ، وَلَا بَقِیَّتْهَا اِلَّا اَفْنِیَّتْهَا ، وَلَا قُوَّةَ اِلَّا اَوْهَنْتْهَا ، وَلَا رُکْنًا اِلَّا اَنَانِ رَا دَر هَمِ شَکْنِی، وَ بَقَا یَا یِ اَنَانِ رَا نَابُودِ گِرْدَانِی، وَ نِیرو هَا یِ شَانِ رَا سَسْتِ نَمَا یِی، وَ پَا یِهْ هَا یِ اَنِ هَا رَا هَدَمْتَهُ ، وَلَا حَدًّا اِلَّا فَالْتَهُ ، وَلَا سِلَاحًا اِلَّا اَکَلْتَهُ ، وَلَا رَا یَةَ اِلَّا وِیرَانِ سَا زِی ، وَ تِزِی وَ سَخْتِی اَنِ هَا رَا کُنْدِ وَ بِی اِثْرِ گِرْدَانِی، وَ سِلَاحِ شَانِ رَا اِزْ کَارِ بِیْنْدَا زِی، وَ پَرچَمِ اَنِ هَا رَا نَکْشَتْهَا ، وَلَا شُجَاعًا اِلَّا قَتَلْتَهُ ، وَلَا جِیْشًا اِلَّا خَدَلْتَهُ ، وَ اَرْوَمِهِمْ سِرْ نَگُونِ سَا زِی، وَ شَجَاعَانِ اَنِ هَا رَا نَابُودِ کُنِی، وَ سِپَا هِ شَانِ رَا شَکَسْتِ خُورْدَهْ وَ خُوَارِ سَا Zِی . یَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّمَاعِ ، وَ اَضْرِبْهُمْ بِسِیْفِکَ الْمُقَاتِعِ ، وَ اَبْسِکَ الَّذِی پَروردگَارَا ؛ سَنَگِ نَابُودِ کُنِنْدَهْ اِتِ رَا بِهْ سُو یِ اِیْشَانِ رَهَا کُنِ ، وَ شَمْشِیرِ بَرَانْتِ رَا بَر اِیْشَانِ فَرُودِ اَوْرِ ، وَ اَنَهَا رَا

دچار عذابی لا تُرَدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ، وَعَذَابُ أَعْدَاءِ كَ ، وَأَعْدَاءِ دِينِكَ كُنْ كَهَرِ گَرُوهِ مَجْرَمِ از آن رهایی ندارند . و دشمنانت و دشمنان دین و اَعْدَاءَ رَسُولِكَ صِلُوا نَتَكَ عَلَيْهِ وَا إِلِهِ ، بِيَدِ وَبِيَدِكَ ، وَأَيُّدِي عِبَادِكَ و پیامبرت - درود تو بر او و آل او باد - را به دست ولایت و بندگان الْمُؤْمِنِينَ . اَللَّهُمَّ اكْفِ وَبِحَبَّتِكَ فِي أَرْضِكَ هَوَلَ عَدُوِّهِ ، مُؤْمِنْتِ ، مَعَذِبِ فَرَمَا . خدایا ؛ ولی و حجت خویش را بر زمین از ترس دشمنانش و کَبِيدَ مَنْ كَادَهُ ، وَا مَكْرَ بَعْمَنْ مَكَّرَ بِهِ ، وَا جَعَلَ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَيَّ و از مکر حیلہ گران کفایت فرما ، و با آن کسی که با او مکر کند مکر کن ، و حلقه بدی را برای مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا ، وَا قَطَعَ عَنْهُ مَا دَتَهُمْ ، وَا زَعَبَ لَهُ قُلُوبَهُمْ ، بدخواهانش قرار بده ، و اصل و اساس آن ها را از وجود مقدسش قطع کن ، و ترس و هیبتش را در دل های ایشان ایجاد گردان ؛ و زَلْزَلَ لَهُ [أَقْدَامَهُمْ ، وَا حَذَاهُمْ جَهْرَةً وَبَعْتَهُ ، وَا شَدَّدَ عَلَيْهِمْ وَا سَسَّتْ وَا لِرِزَانِ قَرَارِ دِهِ ، و به قهر ناگهانیت به طور آشکار گرفتارشان کرده ، و عذابت را بر آن ها شدید عذاب کن ، وَاخْرَجَهُمْ فِي عِبَادِكَ ، وَا لَعْنَهُمْ فِي بِلَادِكَ ، وَا شَكَّيْتَهُمْ نَمَا ، و در بین بندگانت خوار و ذلیل شان فرما ، و در میان شهرها آن ها را مورد لعن قرار بده ، و در أَشْفَلِ نَارِكَ ، وَا حِطُّ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ ، وَا ضَلَّهِمْ نَارًا ، وَاخْشَى بِسْتِ تَرِينِ نَقْطِهِ جَهَنَّمَ سَكُونَتِ شَانِ بَدِهِ ، و اطراف آن ها را با سخت ترین عذابت احاطه کن و به آتش

دوزخ بیفکن، قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً، وَأَصْلِبِهِمْ حَرَ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، و قبرهای مردگان آن ها را پر از آتش گردان، و حرارت و سوزندگی آتش را به آنها بچشان؛ زیرا آن ها نماز را تباه کردند، وَأَتَّبِعُوا الشَّهْوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ. اللَّهُمَّ وَأَخِي بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ، از شهوت ها پیروی کردند، و بندگانت را گمراه ساختند. خدایا؛ با وجود ولایت (صاحب الامر علیه السلام) قرآن را زنده کن، وَأَرْنَا نُورَهُ سَوِيماً، لا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَأَخِي [بِهِ] الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، و نور جمال او را به طور دائم و همیشگی به ما بنمایان؛ به گونه ای که هرگز تاریکی گرد آن نور را نگیرد. و به واسطه او قلب های مرده را حیات و اشرفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ، و اجمع به الأهلَاءِ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى بَخْسٍ، و سینه های سوخته را شفا بده، و هواهای گوناگون و نظرات مختلف را با رأی او بر محور الْحَقِّ، و أَقِمَّ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى حَقَّ جَمْعُ بَگَرْدَانِ. و حدود الهی تعطیل شده و احکام ترک شده را به وسیله او برپا بدار؛ تا لا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، و اجمع لنا يا رَبِّ مِنْ حَقِّي نماند مگر این که ظاهر گردد، و عدلی نماند مگر این که درخشنده شود. بار پروردگارا؛ ما را از أَعْوَانِهِ وَمَقْوِيهِ سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، یاران او و تقویت کنندگان حکومتش و فرمان بران دستورش و از آنانی که به کار آن حضرت خشنود هستند، وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيَّ

التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ ، و در برابر احکام و فرامین او تسلیمند، و نیازی به تقیّه کردن از آنها در میان بندگانت ندارد قرار ده . أَنتَ يَا رَبَّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ ، ای پروردگار ؛ تو هستی که هر اندوه و بلایی را برطرف می کنی، و هر مضطرّ بیچاره ای را که تو را بخواند ، اجابت می فرمایی، وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ، فَكَشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ ، وَاجْعَلْهُ وَاز سختی و اندوه بزرگ نجاتش می دهی؛ پس ناراحتی را از وجود ولّیت برطرف کن و او را خلیفتک فی اَرْضِكَ كَمَا صَدِمْتُ لَهُ . اَللّٰهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنْ جَانِثِيْنَ فِيْ زَمِيْنَتِكَ قَرَار ده؛ همان گونه که این امر را تضمین فرموده ای . خداوندا ؛ مرا از خُصْمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنْ اَغْدَاءِ آلِ خُصُومَتِكَ آلِ مُحَمَّدٍ - که سلام و درود بر آن ها باد - قَرَار مده، و مرا در زمره دشمنان آل مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنْ اَهْلِ الْحَقِّ وَالْعَقِيْبَةِ عَلَي مُحَمَّدٍ - که سلام و درود بر آن ها باد - مَقَرَّر نکن؛ و مرا از آنانی قرار مده که نسبت ال مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، فَاِيَّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَاَعْدُنِيْ ، به آل محمد - سلام و درود بر آنها باد - کینه و خشم دارند؛ چرا که من از این امر به تو پناه می برم پس پناهم ده، وَاسْتَجِرْ بِكَ فَاَجِرْنِيْ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، و از تو امان می طلبم ؛ پس امانم بده . خدایا ؛ بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود و رحمت فرست، وَاجْعَلْنِيْ بِهِمْ

فَاتْرَأُ عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ، و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان در گاهت قرار ده. امین رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۱۳)

ای پروردگار جهانیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

دعای دیگر در زمان غیبت

صاحب کتاب «مکیال المکارم» نگاشته است: سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در «جمال الأسبوع» هنگام ذکر دعای مذکور و تشویق و ترغیب به خواندن آن در عصر روز جمعه می نویسد:

«اگر در مورد اعمالی که ذکر کردیم عذری داری، پس حذر کن که این دعا را در تعقیب نماز عصر روز جمعه ترک کنی؛ زیرا ما آن را با فضل الهی که به ما مخصوص گردانیده است شناختیم؛ پس همواره بر آن اعتماد کن.»

سپس دعا را با همان اسنادی که گذشت ذکر می کند؛ و این عبارت دلالت دارد که دستوری در مورد این دعا از ناحیه حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه صادر شده است؛ البته نقل چنین مطلبی از مقامات عالیہ سید، بعید نیست. امیدوارم خدا از بهترین برکاتش او را بهره مند سازد. (۱۴)

### دعای دیگر در زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» می فرماید: به سند خود روایت می کنم از محمّد بن احمد جعفی حدیثی را که او با سند خویش روایت نموده است و در آن، از غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداء یاد کرده است.

گفتم: شیعه باید در آن زمان چه کند؟ فرمود:

بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج؛ زیرا به زودی برای شما نشانه ای آشکار خواهد شد و هر گاه نشانه بر شما آشکار گشت

خدای را سپاس گوئید، و بدان تمسک جوئید .

گفتم : چه دعایی بخوانیم ؟

فرمود : می گوئی :

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسِيكَ ، وَعَرَفْتَنِي رَسُولَكَ ، وَعَرَفْتَنِي خَدَايَا ؛ تُو خُود رَا بَه مِن شَنَاسَانَدِي وَ فَرَسْتَادَه ات رَا بَه مِن مَعْرِفِي كَرْدِي ، وَ مَلَائِكَتِيكَ ، وَعَرَفْتَنِي نَبِيَّكَ ، وَعَرَفْتَنِي وَّلَاةَ أَمْرِكَ . اللَّهُمَّ لَا اِجْدَ فَرَشِكَا نَت رَا شَنَاسَانَدِي وَ پِيَا مَبْرَت رَا مَعْرِفِي كَرْدِي وَ سَر پَرَسْتَان اَمْرَت رَا بَه مِن شَنَاسَانَدِي . خَدَايَا ؛ گِير نَدَه (عطا يي) نِي سَت اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ ، وَ لَا وَا قِي اِلَّا مَا وَ قَيْتَ . اللَّهُمَّ لَا تُنْعِيْبِي عَن مَكْر اَنْجَه رَا تُو عَطَا كُنِي ، وَ بَا ز دَا رَنَدَه اِي نِي سَت جَزَا اَنْجَه تُو بَا ز دَا رِي . خَدَا و نَدَا ؛ مَرَا اَز ۱ . مَكْيَال المَكَا رَم : ۸۴/۲ .

مَنَا زِلِ اَوْلِيَا تِيكَ ، وَ لَا تُزَعِّ قَلْبِي بَعِيْد اِذْ هِيْدَيْتَنِي . اللَّهُمَّ اِهْدِنِي مَرْتَبَه وَ جَا يَ گَ اَه اَوْلِيَا يَت پَنَهَان مَدَا ر ، وَ قَلْبِم رَا پَس اَز هِدَا يَت دِجَا ر اَنحِرَاف مَ گَر دَان . خَدَايَا ؛ مَرَا بَه وَّلَا يَت كَسِي رَا هَنَمَا يِي كَن لِوَلَا يَه مِن اَفْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ . (۱۵)

که طاعتش را بر من واجب گردانیدی .

### ۷ دعای دیگری نیز در زمان غیبت

شیخ کلینی رحمه الله از زراره ، و او از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل می کند که مضمون آن چنین است :

چاره ای برای او نیست مگر این که غایب شود .

من گفتم : چرا چنین است ؟

حضرت فرمودند : می ترسد - و با دست مبارکش به شکمش اشاره فرمود - و او امام منتظر می باشد که انتظارش را باید کشید ، و او کسی است که مردم در ولاتش شک می کنند، پس عده ای از آنان می گویند که ایشان هنوز متولد نشده است و عده ای دیگر می گویند که پدر ایشان از دنیا رفته و

جانیشینی نداشته است و گروه دیگری می گویند که ایشان دو سال قبل از فوت پدرشان به دنیا آمده است .

زراره گفت : به حضرت گفتم : اگر آن زمان را درک کردم ، به چه چیزی مرا امر می کنید ؟ فرمود :

خدا را به این دعا بخوان :

اَللّٰهُمَّ عَرَفْنِيْ نَفْسِكَ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْكَ. اَللّٰهُمَّ بار خدایا! خودت را به من بشناسان، پس اگر تو خودت را به من نشناسانی، من هرگز تو را نمی توانم بشناسم، بار خدایا ؛ عَرَفْنِيْ نَبِيِّكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ نَبِيَّكَ لَمْ اَعْرِفْهُ اِقْطُ . اَللّٰهُمَّ پیامبرت را به من بشناسان، پس اگر تو پیامبرت را به من نشناسانی، من هرگز نمی توانم او را بشناسم، بار خدایا! دعای غریق در زمان غیبت

۱ . مهج الدعوات : ۳۹۵ .

عَرَفْنِيْ حُجَّتِكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِيْ. (۱۶) حجت خودت را به من بشناسان، پس اگر تو او را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می شوم .

### دعای غریق در زمان غیبت

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» از عبدالله بن سنان نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند :

به زودی شبیه ای شما را فرا می گیرد، پس شما بدون راهنما و امامی هدایت کننده باقی خواهید ماند و نجات پیدا نمی کند مگر کسی که به وسیله «دعای غریق» خدا را بخواند .

عبدالله بن سنان گفت: دعای غریق چگونه است؟

حضرت فرمودند : می خوانی :

يا اَللّٰه يا رَحْمٰنُ يا رَحِيْمُ، يا مُقَلِّبَ القُلُوْبِ ثَبِّتْ قَلْبِيْ عَلٰى دِيْنِكَ. اى خدا ؛ اى مهربان ؛ اى بخشنده ؛ اى دگرگون کننده قلبها ؛ قلب مرا

بر دین خود (و لزوم پیروی از آن) ثابت بدار .

پس گفتیم : یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ، تَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ .

ای دگرگون کننده قلب ها و دیده ها؛ قلب مرا در پیروی از دین خود استوار کن.

پس حضرت فرمودند :

همانا خداوند بلند مرتبه، «دگرگون کننده قلبها و دیده ها می باشد»، ولی تو آن طور که من می خوانم ، بخوان، یعنی به این صورت : یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ تَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ .

سید رحمه الله می فرماید : شاید مراد از فرمایش حضرت در مورد «الأبصار» این باشد که دگرگونی قلب ها و دیده ها مربوط به قیامت است ؛ به خاطر این که ترس و وحشت در آن روز بسیار شدید می باشد ولی ترس در زمان غیبت ، از دگرگون شدن دل ها است نه دیده ها . (۱۷)

### ۹دعایی مناسب با زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله می فرماید : در خواب کسی را دیدم که دعایی را به من آموخت و مناسب است در زمان غیبت خوانده شود و الفاظ آن چنین بود :

يا مَنْ فَضَّلَ الِ إِبْرَاهِيمَ وَالْإِسْرَائِيلَ عَلَى الْعَالَمِينَ بِاخْتِيَارِهِ ، اَي كَسَى كَه بَه اِنْتِخَاب و اِخْتِيَارِ خُودِ آلِ اِبْرَاهِيمِ و آلِ اسْرَائِيلِ رَا بَرِ عَالَمِيَانِ فَضِيلَتِ و بَرْتَرِي دَادِي وَاظْهَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عِزَّهُ اَقْتِدَارِهِ ، وَاوَدَّعَ و دَرِ مَلَكُوتِ اَسْمَانِ هَا و زَمِينِ عِزَّتِ و اِقْتِدَارِ خُوِيَشِ رَا اَشْكَارِ كَرْدِي و مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاهْلَ بَيْتِهِ غَرَّابِ اَشْرَارِهِ ، اَصْلُ عَلِي اسْرَارِ شَكْفَتِ خُودِ رَا دَرِ نَزْدِ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ و اَهْلِ بَيْتِ پَاكش - كِه دَرُودِ و سَلَامِ خُدا بَرِ او و اَهْلِ بَيْتِ او بَاد - بَه اَمَانَتِ گِداشْتِي ، بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ] ، وَاَجْعَلْنِي



مِنْ أَعْوَانِ حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأَنْصَارِهِ (۱۸) مُحَمَّدٍ وَآلِ أَوْ دَرُودِ بَفَرَسْتِ وَ مَرَازِ مَدَدِ كَارَانِ حِجَّتِ بِرِ بِنْدِ گَانْتِ وَ از یاورانِ او قرار بده .

### • ادعای نجات از فتنه های آخر الزمان

دعای نجات از فتنه ها...

در کتاب «سلاح المؤمنین» این دعا برای رهایی و نجات از فتنه های آخر الزمان نقل شده است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، ( یا اَرْحَمَ خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را نزدیک فرما، ) ای مهربان ترین الرَّاحِمِینَ هفت مرتبه تکرار شود ( . اللَّهُمَّ عُمَّ أَعْدَاءَ آلِ نَبِيِّكَ وَظَالِمِيهِمْ مَهْرَبَانًا ( خدایا ؛ بدی و بدبختی را بر سر دشمنان و ستمگران بر آل پیامبر و اَعْدَاءَ شِيعَتِهِمْ، وَأَعْدَاءَ مَوَالِيهِمْ بِالشَّرِّ عَمًّا، وَطَمَّهِمْ بِالشَّرِّ و دشمنان شیعیان و موالیان آنان فرود آور، و بر آنان فراگیر کن، و آنان طمًّا، وَأَطْرَفُهُمْ بِاللَّيْلِ لَا أُحْتِ لَهَا، وَسَاعَهُ لَا مُنْجَى مِنْهَا، وَأَنْتَقِمَ را در یک شب درهم بکوب که نظیری نداشته باشد، و در یک ساعت آنان را در هم بکوب که محل نجاتی برای آنان نباشد و از مِنْهُمْ انْتِقَامًا عَاجِلًا، وَأَخْرِقْ قُلُوبَهُمْ بِنَارِ غَضَبِكَ . اللَّهُمَّ شَدِّتْ آنان به زودی انتقام بگیر و قلب هایشان را با آتش غضب خودت بسوزان. خدایا ؛ سَهِّلْهُمْ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَقَلِّبْ تَدْبِيرَهُمْ، وَنَكِّسْ أَعْلَانَهُمْ، اجتماع آنان را پراکنده و جمع ایشان را متفرق ساز، و چاره اندیشی ها و نقشه های آن ها را دگرگون کن، و پرچم های شان را واژگون فرما، وَخَرِّبْ بُيُوتَهُمْ، وَقَرِّبْ اجَالَهُمْ، وَأَلْقِ بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنَا و ریشه و بنیان آن ها را

برکن، و زمان مرگ آنان را نزدیک فرما، و سختی های شان را بین خودشان ببنداز، و ما را من بینهیم سالمین، وخذهم اخذ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ. اَللّٰهُمَّ اَلِنِ الْاَوْجَاعَ دَر بَيْنَ اَنَانِ سَالِمٍ وَ مَحْفُوظِ بَدَارِ، وَ اَنَانِ رَا كِرْفَتَارِ كِنِ كِرْفَتَارِ شَخْصِ قَدَرِ تَمَنَدِ بَا قَتَدَارِ . بَار خَدَايَا؛ دَر دَهَا وَالْاَسْرِمَامَ فِى اَبْدَانِهِمْ ، وَضَيِّقُ مَسَالِكِهِمْ ، وَاشْرَابُهُمْ مَمَالِكِهِمْ ، وَبِمَارِي هَا رَا بَر بَدَنِ هَاى اَنَانِ مَسْلَطَ فَرْمَا وَ رَاه هَاى اَنَانِ رَا تَنَكِّ نَمَا وَ كِشُورَهَاى تَحْتِ سَلْطَه اَنَهَا رَا اَز دَسْتِ ايشان خَارِجِ كِنِ ، وَخَيْرُهُمْ فِى شِيْلِهِمْ ، وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْبَرْدَ، وَانْقُصْ مِنْهُمْ الْعَيْدَ . وَ اَنَانِ رَا دَر رَاه هَا وَ نَقْشَه هَاى شَانِ مَتَحَيِّرِ وَ سَرِ كِرْدَانِ كِنِ وَ كَمَكِ رَسَانِي رَا اَز ايشان قَطْعِ كِنِ وَ تَعْدَادِ اَنَانِ رَا كَمِ كِنِ . اَللّٰهُمَّ وَاحْفَظْ مَوَالِيَّ اِلَى بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ شُرُورِهِمْ، بَار خَدَايَا ؛ دُوسْتَانِ اَهْلِ بَيْتِ رَسُوْلَتِ - كِه بَر اَنَانِ دَرُودِ بَادِ - رَا اَز شَرِّ اَنَانِ مَحْفُوظِ بَدَارِ ، وَ سَلِّمْهُمْ مِنْ مَكْرِهِمْ ، وَخَدَعِهِمْ وَضُرِّهِمْ ، وَانْضُرِّهُمْ عَلَيْهِمْ وَ اَن هَا رَا اَز مَكْرِ وَ خَدَعِه وَ نَبْرَنَكِّ وَ زِيَانِ اَنَانِ سَالِمِ نَكِه دَار ؛ وَ اَن هَا رَا بَا كَمَكِ خُودِ بَر اَنَانِ پِيروزِ فَرْمَا ؛ بَنْصَرِكَ ، وَاجْمَعْ كَلِمَتَهُمْ ، وَ اَلْفَ جَمْعَهُمْ ، وَ دَبِّرْ اَمْرَهُمْ ، وَ عَرِّفُهُمْ وَ بَيْنِ ايشان وَ حِدْتِ وَ يَكْبَارِ چَكِي بَر قَرَارِ فَرْمَا ؛ وَ جَمْعِ ايشان رَا كِرْدَاوَرِي كِنِ ؛ وَ اَمُورِ ايشان رَا تَدْبِيْرِ فَرْمَا ؛ وَ اَن هَا رَا مَا يَجْهَلُوْنَ ، وَ عَلَّمَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُوْنَ ، وَ نَصَّرَهُمْ مَا لَا يَنْصُرُوْنَ ، بَا اَنَجِه اَشْنَابِي نِدَارِنْدِ ، اَشْنَا فَرْمَا ؛ وَ اَنَجِه رَا نَمِي دَانِنْدِ بَه اَن هَا بِيَامُوزِ ؛ وَ بَا اَنَجِه

که نسبت به آن بصیرت و آگاهی ندارند، آگاه فرما؛ وَأَعْلِ كَلِمَتَهُمْ ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا ، وَاجْعَلْ كَلِمَةَ الْأَعْدَاءِ السُّفْلَى . (۱۹) و حکم و اراده ایشان را والا و آن را برتر قرار بده و حکم و اراده دشمنان را پایین تر قرار بده .

### ادعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان

دعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله این دعا را در کتاب «مہج الدعوات» از مولای مان امام جواد علیه السلام نقل می کند که عبارتست از :

اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَمَاتَ الْعَيْدَلُ ، بَارِ خَدَايَا ؛ هَمَانَا ظَلَمَ وَ سَتَمَ بِنِدَاغَاتِ دَرِ سِرْزَمِينَ هَاي تَوْ قَدْرَتِ وَ تَوَانِيِي يَافْتَه وَ عِدَالَتِ رَا اِز بَيْنِ بَرْدَه وَ قَطَعَ السُّبُلَ ، وَ مَحَقَّ الْحَقَّ ، وَ أَبْطَلَ الصَّدَقَ ، وَ أَخْفَى الْبِرَّ ، وَ رَاهَ هَاي هِدَايَتِ رَا قَطَعَ كَرْدَه وَ حَقَّ وَ حَقِيْقَتِ رَا اِز بَيْنِ بَرْدَه وَ صَدَقَ وَ رَاسْتِي رَا نَابُوْد كَرْدَه وَ خَيْرِ وَ نِيْكِ رَا مَخْفِي كَرْدَه وَ أَظْهَرَ الشَّرَّ ، وَ أَحْمَدَ التَّشْوِي ، وَ أَرَاَلَ الْهُدَى ، وَ أَرَاَحَ الْخَيْرَ ، وَ شَرَارَتِ وَ بَدْبِخْتِي رَا أَشْكَار كَرْدَه وَ نُوْر تَقْوَا رَا خَامُوْش كَرْدَه وَ هِدَايَتِ وَ خُوْشْبِخْتِي رَا نَابُوْد كَرْدَه وَ خَيْرِ وَ بَرَكْتِ كِنَار كَذَاشْتَه شَدَه وَ أَثْبَتَ الضَّيْرَ ، وَ أَنْمَى الْفَسَادَ ، وَ قَوَّى الْعِنَادَ ، وَ بَسَطَ الْجُوْرَ ، وَ كَجَى وَ خُرُوْجِ اِز حَقَّ رَا تَثْبِيْتِ كَرْدَه وَ فِسَادِ وَ تَبَاهِي رَا رَشْدِ دَاَدَه وَ كَدُوْرْتِ وَ كِيْنَه تُوْزِي رَا دَرِ بَيْنِ مَرْدَمِ تَقْوِيْتِ نَمُوْدَه وَ سَتْمَكْرِي رَا كَسْتَرَشْ دَاَدَه ۱ . سَلَاَحِ الْمُؤْمِنِيْنِ : ۵۹ .

وَعَدَى الطُّوْرَ . اللَّهُمَّ يَا رَبِّ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ إِلَّا سُلْطَانُكَ ، وَلَا وَ اِز حَدِّ تَجَاوُزِ كَرْدَه اِسْتِ .

بار خدايا! ای پروردگار عالميان؛ هيچ كس و هيچ چيزی جز سلطنت و قدرت تو آن ها را برطرف نمی كند يُجِيرُ مِنْهُ إِلَّا اِمْتِنَانُكَ . اَللّٰهُمَّ رَبِّ فَائِزِ الظُّلَمِ ، وَبُتِّ جِبَالٍ و هيچ كس قادر به نجات مردم از دست آنان نيست مگر لطف و بخشش تو . بار پروردگارا؛ ريشه ظلم و ستم را قطع كن ، و طناب الغشم ، و اُخَيْمِدْ سُوقَ الْمُتَنَكِّرِ ، وَاَعِزِّ مَنْ عِنْدَهُ يَتَزَجَّرُ ، وَاخْصِدْ سَتْمَگَرِي و بيدادگري را پاره پاره كن و بازار شرارت و بدی را كساد كن و كسانی را كه از آنها نفرت دارند، عزيز فرما ؛ و شافَهْ اَهْلَ الجَوْرِ ، وَاَلْبِشِ لَهُمُ الحَوْرَ بَعْدَ الكَوْرِ ، وَاَعَجِلِ اللّٰهُمَّ ريشه گروه ستمكاران را از بيخ و بن بركن و آنان را بعد از ناز و نعمت و فراوانی به كمبود و نقصان دچار فرما و به حمله و شيوخون إِلَيْهِمُ النِّبَاتِ ، وَاَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمُتَلَاتِ ، وَاَمِثْ حَيَاةَ الْمُتَنَكِّرِ زدن و غافلگري آنان شتاب كن ؛ و عقوبت های سخت را بر آنان نازل فرما؛ و بدی ها و بدكاران را بعيان لِيُؤْمِنَ الْمُخَوْفُ ، وَيَشِيكُنَ الْمَلْهُوفُ ، وَيَشْبَعِ الْجَائِعُ ، وَيَحْفَظَ تا آنان كه از دست آنان در ترس و وحشت سر می برند، آرام گيرند و انسان های دلسوخته و اندوهگين به آرامش برسند و گرسنه ها سير شوند و الضَّائِعُ ، وَيَأْوِي الطَّرِيدُ ، وَيَعُودُ الشَّرِيدُ ، وَيُعْتَى الْفَقِيرُ ، وَيُجَارَ چيزهایی كه دچار تباهی شدند، محفوظ بمانند و فراری ها مأوی گيرند و آواره ها برگردند و فقرا غني شوند الْمُشْتَجِرُ ، وَيُوقَّرُ الْكَبِيرُ ، وَيُزْحَمُ الصَّغِيرُ ، وَيَعَزُّ الْمُظْلُومُ ، و به امان خواهان، امان داده

شود، و پیران تکریم شوند و اطفال مورد ترحم واقع شوند و مظلوم عزیز شود و يُذَلَّ الظَّالِمُ ، وَيُفْرَجَ الْمُعْتَمُومُ ، وَتَنْفَرِحَ الْعُمَّاءُ ، وَتَشِيكَنَّ و ستمگر خوار و ذلیل شود و غم های انسان های اندوهگین برطرف شود و دشواری ها راحتی یابند و شورش ها لَدَّهُمْاءُ ، وَيَمُوتَ الْإِخْتِلَافُ ، وَيَعْلَمُ الْعِلْمُ ، وَيَشْمَلُ السَّلْمُ ، آرام شود و اختلاف و دوگانگی از میان برود؛ و علم و دانش برتری پیدا کند؛ و صلح و آشتی فراگیر شود وَيُجْمَعُ الشَّتَاتُ ، وَيَقْوَى الْإِيمَانُ ، وَيُتْلَى الْقُرْآنُ ، إِنَّكَ أَنْتَ و تفرقه و پراکندگی به اتحاد و اجتماع مبدل شود و ایمان قدرت بگیرد و قرآن تلاوت گردد ، همانا تو الذِّبَانُ الْمُنْعِمُ الْمُنَانُ . (۲۰)

پاداش دهنده روزی ده و بسیار احسان کننده هستی .

۱ . مهج الدعوات : ۳۱۵ .

### ۱۲ ادعا برای حفظ شدن از شر دجال

از معاذ بن جبل روایت شده است که گفت : روزی حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم مرا به سوی عبدالله بن سلام فرستاد در حالی که نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم عده ای از اصحابش حضور داشتند ، عبدالله بن سلام نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم حاضر شد ، حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

ای عبدالله ؛ برای من خبر بده در مورد ده کلمه ای که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام در روزی که می خواستند او را به آتش بیندازند آموخت ، آنان را یافته ای که در تورات نوشته شده باشد ؟

عبدالله گفت : ای رسول خدا ؛ پدر و مادرم فدای شما ، آیا برای شما در مورد آن ده کلمه چیزی نازل شده است؟ همانا من ثواب قرائت آن ها را در تورات یافتم ولی کلمات

آن را نیافتیم و آن ده عدد دعا بود که در تمامی آن ها اسم اعظم خداوند وجود داشت .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند : آیا خداوند آن ها را به حضرت موسی علیه السلام آموخت ؟

عبدالله گفت : خداوند آن ها را به کسی جز حضرت ابراهیم علیه السلام نیاموخت .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند : چه چیزی در مورد ثواب آن در تورات دیده ای ؟

عبدالله گفت : ای رسول خدا ؛ چه کسی توانایی دارد که به آن ثواب ها برسد؟ من در تورات دیدم که نوشته شده است :

هیچ بنده ای نیست که خداوند بر او منت گذارد و این کلمات را در قلب او قرار دهد مگر این که نور را در چشمان او و یقین را در قلبش قرار دهد و سینه اش را برای ایمان بگشاید و نوری برای او قرار دهد که از جایی که نشسته به سوی عرش تالو کند و خداوند روزی دو بار به او بر فرشتگان مباحث کند و حکمت را در زبانش قرار دهد و حفظ کتابش را به او عطا فرماید ؛ گرچه نسبت به این امر حریص نباشد ، و او را در دین ، فقیه و دانشمند قرار دهد و محبت او را در قلب های بندگانش بیفکند و او را از عذاب قبر و فتنه دجال و ترس و هراس بزرگ روز قیامت ایمن گرداند .

و او را در گروه شهدا محشور فرماید و خداوند او را احترام و تکریم کند و آنچه به کرامت و بزرگواری خویش به رسولانش عطا کرده، به او نیز عطا کند و چنین شخصی روزی که

همه مردم می ترسند، نمی ترسد و روزی که تمام مردم غمگین هستند غمگین نمی باشد، و نام او در نزد خداوند به عنوان صدیق کننده (نوشته شود و در روز قیامت محشور شود در حالی که قلبش آرام و مطمئن باشد و تحت پوشش بزرگان همراه حضرت ابراهیم علیه السلام در روز قیامت باشد).

به برکت این دعا، بنده آنچه از خداوند بخواهد به او عطا فرماید و اگر خداوند را سوگند دهد، خداوند به سوگند او عمل کند و در مجاورت پروردگار مهربان در جایگاه باشکوه (بهشت) استقرار پیدا کند و برای او ثواب هر شهیدی که از ابتدای آفرینش دنیا به شهادت رسیده اند، نوشته شود.

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: ای ابن سلام؛ مراد از جایگاه باشکوه چیست؟

ابن سلام گفت: مراد بهشت عدن می باشد و آن، محلّ عرش پروردگار با عظمت و در جوار خداوند می باشد.

ابن سلام گفت: ای رسول خدا؛ آن (دعا) را به ما یاد بده و همان گونه که خداوند به شما احسان نموده، شما نیز به ما احسان فرما.

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: برای خداوند به سجده بیفتید.

معاذ بن جبل گفت: آنان همگی به سجده افتادند، و چون سر از سجده برداشتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: بخوانید:

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ، اَنْتَ الْمَرْهُوْبُ مِنْكَ جَمِيْعٌ [خَلْقِكَ]، يَا نُوْرَ خَدَايَا، خَدَايَا، خَدَايَا، تُو كَسِي هَسْتِي كِه تَمَامِي مَخْلُوْقَاتِ اَز تُو هِرَاسَان وَ تِرَسَان هَسْتِنْد، اِي رُوْشَنِي بَخْشِ النُّوْرِ، اَنْتَ الَّذِي اِخْتَجَبْتَ دُوْنَ

خَلْقِكَ فَلَا تُدْرِكُ نُورَكَ نُورٌ ، يا نور ، تو کسی هستی که از خلق خود در حجاب و پنهان هستی و نور هم نمی تواند نورایت تو را درک کند ، اَللَّهُ يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ ، اَنْتَ الرَّزِقُ الَّذِي اَرْزَقْتَ فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ خَدَايَا؛ خَدَايَا؛ خَدَايَا؛ تو بلندمرتبه ای هستی که بر عرش خودت که بالاتر از آسمان هایت می باشد فَوْقَ سَمَائِكَ ، فَلَا يَصِفُ عَظَمَتَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ ، يا نُورَ النُّورِ اسْتَيْلَا و برتری یافتی ، پس عظمت و جلال تو را هیچ یک از مخلوقات نمی تواند وصف کند ، ای روشنی بخش نور ، قَدْ اسْتَيْتَارَ بِنُورِكَ أَهْلُ سَمَائِكَ ، وَاسْتَيْضَاءَ بِضَوْئِكَ أَهْلُ اَرْضِكَ . همانا اهل آسمان ها از نور تو ، نور گرفته اند و اهل زمین در پرتو روشنایی تو روشنی یافتند . يا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ ، اَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ ، تَعَالَيْتَ عَنْ أَنْ خَدَايَا؛ خَدَايَا؛ خَدَايَا؛ تو کسی هستی که غیر تو خدایی نیست ، تو بالاتر از آن هستی که يَكُونُ لَكَ شَرِيكٌ ، وَتَعَطَّلَتْ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ وَلِيٌّ ، وَتَكْرَمَتْ لَكَ شَرِيكِي باشد و بزرگ تر از آن هستی که برای فرزندى باشد و بزرگوارتر از آن هستی که عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَبِيهٌ ، وَتَجَبَّرَتْ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ ، برایت همانند و شبیهی باشد و برتر از آن هستی که برایت ضدّ و مخالفی باشد، فَأَنْتَ اللَّهُ الْمَخْمُودُ بِكُلِّ لِسَانٍ ، وَأَنْتَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ ، پس تو خدایی هستی که به تمامی زبان ها ستایش شده ای و کسی که در تمامی مکان ها عبادت و پرستش شده ای وَأَنْتَ الْمَذْكُورُ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَزَمَانٍ ، يا نُورَ



النُّورِ ، كُلُّ نُورٍ وَ كَسَى هَسْتِي كِه در تمامی ساعات و لحظات یاد شده ای، ای روشنی بخش نور ؛ تمامی نورها خابید لِئورِکَ ، یا مَلِیکَ کُلِّ مَلِیکِ ، یَفْنی غَیْرَکَ یا دَأِیْمَ ، کُلِّ حَیِّ با وجود نور تو خاموش هستند، ای صاحب مُلْکِ هر مالکی ؛ غیر تو همه چیز فانی و نابود می شود، ای کسی که ابدی یُمُوتُ غَیْرَکَ . یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ الرَّحْمَانُ الرَّحِیْمُ ، اِرْحَمْنِی هَسْتی و تمامی زنده ها - غیر از تو - می میرند . خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ ای بخشنده مهربان؛ آن گونه مرا مورد مهر رَحْمَه تَطْفِئُ بِهَا غَضَبَکَ ، وَتُكْفِ بِهَا عَذَابَکَ ، وَتَرْزُقُنِی بِهَا وَرَحْمَتِ خویشتن قرار بده که آتش خشم و غضب تو را خاموش کند و عذابت را از من باز بدارد و از جانب تو سَعَادَه مِنْ عِنْدِکَ ، وَتَحْلُنِی بِهَا دَارَکَ الَّتِی تَشِکُّنَهَا خَیْرَکَ مِنْ سَعَادَتِ وَ خوشبختی را رزق و روزی من فرماید و به وسیله آن در جایگاهی که بندگان نیکوکار در آنجا ساکن هستند، خَلِّقَکَ ، یا اُرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ . یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیْلِ ، وَسَتَرَ الْقَبِیْحِ ، ساکن شوم، ای مهربان ترین مهربانان ؛ ای کسی که زیبایی را آشکار می کنی و زشتی را می پوشانی ، یا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیْرَةِ ، وَ لَمْ یَهْزِکِ السُّتْرَ ، یا عَظِیْمَ الْعَفْوَ ، یا ای کسی که بنده ات را به گناهش مؤاخذه نمی کنی و پرده دری نمی کنی، ای دارای عفو عظیم ؛ ای حَسَنَ التَّجَاوُزِ ، یا وَاَسِعَ الْمَغْفِرَةَ ، یا بَاسِطَ الْیَدِیْنِ بِالرُّحْمَةِ ، یا کسی که گذشت نیکو داری، ای کسی که مغفرت و بخشش او فراگیر

است، ای کسی که دست رحمت او برای همه باز است، ای صاحبِ کُلِّ نَجْوَى ، وَايَا مُنْتَهَى كَلِّ شَكْوَى ، یا کَرِيمَ الصَّفْحِ ، یا صاحبِ تمامی رازها و ای پایان تمامی شکایت ها (دادرسی تمامی شکایت ها به او ختم می شود)، ای صاحب الطاف بزرگ ، ای عَظِيمَ الْمَنْ ، یا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا ، یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ ، بزرگ ترین بخشنده، ای کسی که به بندگان قبل از استحقاق آنان نعمت بخشیدی ، پروردگارا؛ پروردگارا ؛ وَايَا سَيِّدَاهُ وَايَا أَمَلَاهُ ، وَايَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ ، أَشَأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ یا ای آقا و سرور ؛ ای کعبه آمال و آرزوها و ای نهایت اشتیاق . خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ از تو می خواهم اللَّهُ أَنْ لَأَنْشُؤَهُ خَلْقِي فِي النَّارِ .

که هیأت مرا در آتش جهنم زشت و بدترکیب نکنی .

ابن سلام گفت : ای رسول خدا ؛ ثواب کسی که این کلمات را بخواند ، چیست ؟

حضرت فرمودند :

هیئات هیئات ، امکان ندارد که آن را به قلم آورد ، اگر فرشتگان هفت آسمان و زمین جمع شوند و بخوانند آن را تا روز قیامت توصیف کنند، هرگز نمی توانند یک جزء از هزار جزء ثواب آن را بیان کنند .

سپس حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای این کلمات ثواب ها و فضایل بسیاری ذکر فرمودند، که در اینجا مجال ذکر آن ها نیست و به همین مقدار به خاطر این که مطلب طولانی نشود ، اکتفا می کنیم. (۲۱)

### ۱۳ ادعای فرج) إلهی عظم البلاء)

دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام...

مرحوم کفعمی در کتاب «البلد الامین» دعایی را برای حضرت امام زمان ارواحنا فداء نقل می فرماید که آن حضرت آن دعا

را به مردی که زندانی بود یاد می دهند و بعد از خواندن ، او از زندان آزاد می شود :

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ ، وَأَنْكَشَفَ الْعَطَاءُ ، وَأَنْقَطَعَ بَارِ خُدَايَا ؛ بِلَا وَ مَصِيبَتِ بَزْرِكِ شَدِّ وَ پَنَهَانِي بِرَطْرِفِ كَشْتِ (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پَرده (از کار ما) برداشته شد الرَّجَاءُ ، وَصَاقَتِ الْأَرْضُ ، وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ، وَ أَمِيدُ قَطْعِ شَدِّ وَ زَمِينِ (بر ما) تَنگ آمد و آسَمَان (رحمتش را از ما) در یغ کرد و تَنها تویی که از تو باری خواسته می شود ، وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكِي ، وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدِّ وَ الرَّجَاءِ . أَللَّهُمَّ وَ شَكَابَتِ مَا نَزَدَ تُو آوَرْدَه می شود و در سَخْتِ وَ سَسْتِ بِرِ تُو اَعْتِمَادِ می شود . خُدَايَا ؛ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضَتْ عَلَيْنَا بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِ ، هَمَانِ صَاحِبَانِ امْرِي كِه اِطَاعَتِ آن هَا رَا بِرِ مَا وَاجِبِ طَاعَتُهُمْ ، وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتُهُمْ ، فَفَرَّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرْجاً كَرْدِي وَ بِه اَيْنِ وَسِيلَه مَقَامِ وَ مَنزَلَتِ آنان رَا بِرِ مَا شَنَسَانَدِي ، بِسِ بِه حَتَّى آنان بِرِ مَا كَشَايَشِ عَاجِلاً قَرِيباً كَلْفَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا فُورِي وَ نَزْدِيكِي چُونِ چَشْمِ بِرِ هَمِ زَدَنِ يَا نَزْدِيكِ تَرِ اَزِ آن مَرَحْمَتِ فَرَمَا ، اِي مُحَمَّدُ ؛ اِي عَلِي ؛ اِي عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ ، اِكْفِيَانِي فَإِنِّكُمَا كَافِيَانِ ، وَأَنْصُرَانِي فَإِنِّكُمَا عَلِي ؛ اِي مُحَمَّدُ ؛ مَرَا كَفَايَتِ كَنِيْدِ كِه هَمَانَا شَمَا كَفَايَتِ كَنَنْدِگانِ مَنِ هَسْتِيْدِ وَ مَرَا يَارِي كَنِيْدِ كِه هَمَانَا شَمَا نَاصِرَانِ ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبِ الزَّمَانِ ، اَلْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ ، يَارِي

کنندگان من هستید، ای مولای ما، ای صاحب الزمان؛ به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، اُدْرِکُنِی اُدْرِکُنِی اُدْرِکُنِی ، اَلْسَاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ ، اَلْعَجَلَ مَرَا دَرِیَابَ ، مَرَا دَرِیَابَ ، مَرَا دَرِیَابَ ، مَرَا دَرِیَابَ ، هَم اَکُنُونَ ، هَم اَکُنُونَ ، هَم اَکُنُونَ ، به شتاب، اَلْعَجَلَ الْعَجَلَ ، یا اَزْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اِلَهِ الطَّاهِرِينَ . (۲۲) به شتاب، به شتاب، ای مهربان ترین مهربانان، به حق حضرت محمد و آل پاکش .

#### ۱۴ ادها برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام

در پایین پای حضرت ، توقف می کنی و می خوانی :

اَللّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ ، وَبَرِّحَ الْخَفَاءِ ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءِ ، وَضَاقَتِ بَارِ خَدَايَا ؛ بَلَا وَ مَصِیْبَتِ بَزْرَگِ شَدِّ وَ پَنَهَانِی بِرَطْرِفِ گِشْتِ (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پَرْدِه (از کار ما) برداشته شد و پهنای اَلْاَرْضُ ، وَ مُنِيعِ السَّمَاءِ ، وَ اَنْتَ يَا رَبَّ الْمُسْتَعَانُ ، وَ اِلَيْكَ يَا زَمِيْنَ تَنَگِ شَدِّ ، وَ اَسْمَانِ (رحمتش را از ما) دریغ کرد و تویی ای پروردگار آن کس که از او یاری خواسته می شود ، وَ رَبِّ الْمُسْتَكِي . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اِلَهِ ، اَلَّذِيْنَ فَرَضْتَ شَكَايَتِ نَزْدِ تُو اَوْرَدَه مِي شُوْد . بَارِ خَدَايَا ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِّ اَوِ دَرُوْدِ فَرَسْتِ ، اَنَانِ كِه اَطَاعَتِ اِيْشَانِ رَا وَاجِبِ كَرْدِي طَاعَتَهُمْ ، وَ عَرَفْتُنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ ، وَ فَرَّخْنَا كَرِيْبًا قَرِيْبًا كَلْفَحِ وَ مَقَامِ وَ مَرْتَبَةِ اَنَانِ رَا بَدِيْنِ وَ سِيْلَه بَه مَا شَنَاسَانْدِي وَ اَنَدُوَه مَا رَا بِرَطْرِفِ كِن بَه زُوْدِي مَانَدِ يَكِ چِشْمِ بِرِ هَم زَدَنِ الْبَصْرِ ، اَوْ هُوَ اَقْرَبُ ، يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِيْنَ ، يَا اَسْمَعَ السَّامِعِيْنَ ، يَا زُوْدْتَرِ اَزِ چِشْمِ بِرِ هَم زَدَنِ ، اِي بِيْنَاتَرِيْنَ بِيْنَنَدِه وَ اِي شَنُوَاتَرِيْنَ شَنُوْنَدِه وَ يَا اَشْرَعَ الْحَاسِبِيْنَ





عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُشْرِكَيْنِ مِنْ آلِ الْمُؤْمِنَانِ ، آتَانِ رَا بِي خَوَارِي وَ ذَلَّتْ بَكْشَانِي سَوْگَنْد مِي دَهَم كِه بَر حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ بَر نَگْهَبَانَانِ دِيْنَتِ از آلِ مُحَمَّدٍ . وَ سِه مَرْتَبِه مِي گُويِي :  
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ . (۲۴) مُحَمَّدِ دَرُوْدِ فَرَسْتِي . بَارِ خُدَايَا ؛ مَن از تُو آسَايش وَ رَاْحَتِي رَا بَعْدِ از سَخْتِي وَ مَشَقَّتِي مِي خَوَاْهَم .

### ۶ ادعای هنگام عطسه

در کتاب «جنات الخلود» آورده است : هنگام عطسه کردن ، مستحب است که انگشت اشاره را روی سر بینی قرار داده و آنچه را که امام زمان ارواحنا فداه قرائت فرموده است ، بخواند :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ، وَصَلَّى اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ غَبْدًا سَنَّايشِ ، وَيَزِيْهَ خُدَاَسْتِ ، كِه پَرُوْرْدِ گَارِ جِهَانِيَاْنِ اسْتِ ؛ وَ دَرُوْدِ خُدَا ، بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ اوْ بَاد . دَرِ حَالِي كِه بِنْدِه اِيْ هَسْتِم ، ذَاكِرًا لِلّٰهِ ، غَيْرَ مُشْتَكِيْفٍ وَ لَا مُشْتَكِيْرٍ . (۲۵)

که همواره به یاد خدا می باشم ، و رو گردان نیستم و استکبار نمی ورزم .

### ۱۷ ادعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه دعای سفر در ساعت مخصوص

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «الأمان» آورده است : ما در کتاب خود به نام «الأسرار المودعه فی ساعات الليل و النهار» گفتیم که هر ساعتی از روز ، ویژه یکی از امامان علیهم السلام است ، و هر ساعتی نیز دو دعا دارد . یکی را از دستخط جدم شیخ طوسی رحمه الله نقل کردم ، و دیگری را از دستخط منسوب به ابن مقله روایت نمودم .

از روایات استفاده می شود که هر یک از امامان علیهم السلام ، در ساعتی که به ایشان اختصاص دارد ، نگاهبان و حمایت کننده از شیعیان ، خواهند بود :

ساعت اول ، اختصاص دارد به مولای ما امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است .

و ساعت دوم ، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسن علیه السلام ؛

و ساعت سوم ، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسین علیه السلام ؛

و ساعت چهارم ، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام زین العابدین علیه السلام ؛

و ساعت پنجم ، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام باقر

علیه السلام؛

و ساعت ششم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام؛

و ساعت هفتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام کاظم علیه السلام؛

و ساعت هشتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام؛

و ساعت نهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام جواد علیه السلام؛

و ساعت دهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام هادی علیه السلام؛

و ساعت یازدهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام عسکری علیه السلام؛

و ساعت دوازدهم که اختصاص به امام دوازدهم حضرت مهدی صلوات الله علیه دارد.

انسان، در هر یک از ساعت های دوازده گانه یاد شده، دعای ویژه آن ساعت را می خواند؛ و تفاوتی ندارد که روز بلند تابستانی، یا روز کوتاه زمستانی باشد؛ زیرا از روایات برمی آید که روز به هر اندازه باشد باید به دوازده بخش تقسیم شود و دعاهای مخصوص نیز دوازده بخش هستند.

بدین سان، هرگاه تصمیم به مسافرت گرفتی، هنگام حرکت در هر یک از ساعتهای دوازده گانه که قرار داشتی - و آن ساعت به هر یک از امامان عزیزی که خدا او را حمایت کننده و وسیله نجات قرار داده اختصاص داشت - این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا فُلَانًا صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ عَلَيْهِ، وَ اِنِّىْ بارالها؛ به مولای ما، نام امامی را ببر که آن ساعت به او اختصاص دارد( - که درودهایت بر او نثار باد - این خبر را برسان که من بر او درود و سلام اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ بِاِقْبَالِكَ عَلَيْهِ، فِى اَنْ يَكُوْنَ خَفَاظَتِى وَ جَمَاعَتِى مى فرستم، و چون



تو روی به ایشان داری من نیز به ایشان روی آورده ام؛ تا به ضمانت تو، مرا در حمایت و پناه و سیلامتی و کمال سعادتت ضیمانها بک علیّه ، حیثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ و امتیّت خویش بدارند و سعادت و خوشبختی کامل نصیبم شود؛ زیرا من فی الساعه الّتی جعلته کالخفیر فیها و خدیثها فی ذلک إلیه . در ساعتی آغاز به کار می کنم که آن حضرت را نگاهبان و امان دهنده در آن ساعت قرار داده ای .

به نظر می رسد که مناسب است هر گاه به توقّفگاهی در بین راه رسیدی، در هر ساعتی که بود دعای ویژه آن ساعت را بخوانی ؛ همچنین ، هنگام حرکت از توقّفگاه نیز به امامی که آن ساعت ویژه اوست ، عرض سلام و ادب کنی ، تا روح با او انس بیشتر بگیرد ، و او را ضامن خود بسازی که از آن ساعت پیش آمدی برایت رخ ندهد .

اگر خداوند بزرگ این کار را از تو نمی خواست ، این مطالب را نمی آموختی . البتّه با این کار ، تمام کارهایت در مسافرت هایت ، عنوان عبادت خواهد یافت و ذخیره ای برای آن جهان خواهد شد .  
(۲۶)

### ۱۸ ادها برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز

دعا ... در ساعت دوازدهم روز

این دعا مخصوص ساعت دوازدهم - یعنی از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن - در هر روز برای امام زمان ارواحنا فداه است :

یا مَنْ تَوَخَّذَ بِنَفْسِهِ عَن خَلْقِهِ ، یا مَنْ غَنَى عَن خَلْقِهِ بِصُعْبِهِ ، یا ای کسی که خود را از آفریدگانش جدا ساخته ؛ ای کسی که به آفریده اش از آفریدگانش بی نیاز است؛ ای مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بُلْطِفِهِ ، یا مَنْ سَلَكَ بِأَهْلِ طَاعَتِهِ

مَرْضَاتُهُ ، کسی که خود را با لطف و مهربانی به آفریدگانش شناسانده؛ ای کسی که فرمانبردارانش را به شاهراه خشنودی های خود کشانده؛ یا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِي عَلَى شُكْرِهِ ، یا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ ، ای کسی که دوست داران خود را برای سپاسگزاری یاری نموده؛ ای کسی که با آیین خویش بر دوست دارانش مَنّت نهاده ، وَلَطْفَ لَهُمْ بِتَأْيِيلِهِ . أَشَأَلُكَ بِحَقِّ وَوَلِيِّكَ الْخَلْفِ الصَّالِحِ ، بَقِيَّتِكَ وَبِا نِعْمَتِهَا وَبِخَشْشِهَا هِيَ خُودِ بِيهَا لَطْفَ كَرَمِهِ ؛ از تو درخواست می کنم، به واسطه ولی خود و آن جانشین صالح؛ که یادگار و باقی مانده فی اَرْضِيكَ ، الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ ، وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ ، بَقِيَّتِهِ حُجَّتِهَا هِيَ تُو دَرِزَمِينَتِهَا ، وَاز دشمنان تو و پیامبرت، انتقام می گیرد؛ هم او که یادگار اَبَائِهِ الصَّالِحِينَ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ ، وَأَنْتَصِرُكَ إِلَيْكَ بِهِ ، وَأَقْدَمُهُ أَجْدَادَ شَائِسْتِهِ اَشْهُ ، یعنی محمد فرزند حسن؛ و به واسطه او نزد تو تَضَرَّعُ وَزَارِي مِي كُنْمُ ، و او را ۱ . الأمان من اخطار الأسفار والأزمان : ۱۰۱ .

بَيْنَ يَدَيْ خَوَائِجِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ . أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبِحَاجَتِي وَبِحَاجَتِهَا وَبِحَاجَتِهَا هِيَ خُودِ هَائِمِ نَزْدِ تُو قَرَارِ مِي دَهْمُ ؛ )از تو می خواهم ( که بر محمد و آل محمد ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا ، وَأَنْ تُدَارِكَنِي بِهِ ، وَتُنَجِّنِي مُحَمَّدَ دَرُودِ بَفَرَسْتِي ، وَنَسَبْتِهَا مِنْ جَنِينِ وَجَنَانِ كُنِي . و )می خواهم که ( به واسطه او مرا دریابی، و از مِمَّا أَحَافُهُ وَأَخِيذُهُ ، وَالْأَيْشِي نِي بِهِ عَافِيَّتِكَ وَعَفْوِكَ فِي الدُّنْيَا أَنْجِهَ بَرَامِ تَرَسْنَاكَ وَهَوْلَنَاكَ اَسْتِ وَاز آن پرهیز می کنم، نجاتم دهی . و

به واسطه آن وجود شریف، لباس عافیت و عفو و بخشش خود را در دنیا وَالْآخِرَةِ، وَكَانَ لَهُ وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَنَاصِرًا وَقَائِدًا، وَكَالِنًا وَسَائِرًا، و آخرت به من بیوشانی . نیز، برای او سرپرست و نگهبان و یاور و راهبر و نگهدارنده و پوشش دهنده باش، حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا، يَا أَرْحَمَ تَأَنِّقُ أَنْ تَرَكَهُ أَوْ رَأَى رُوحَهُ مِنْ جَنَّتِهَا، وَتَمَّتَّ فِيهَا طَوِيلًا، یا اَرْحَمِ تا آن که او را از روی میل بر روی زمین ساکن گردانی و در آن برای مدّت طولانی بهره مند نمایی ؛ ای مهربان ترین الرَّاحِمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، فَتَرِيكَفِيكَهُمُ مَهْرَبَانًا؛ به خوبی می دانم که هیچ جنبش و نیرویی جز به واسطه تو (ای خدای بلندمرتبه با عظمت) نیست؛ پس به زودی اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خداوند تو را از ایشان کفایت می کند، و اوست که شنوا و دانا است . خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ الَّذِينَ أَمَرْتُمْ بِطَاعَتِهِمْ، وَأَوْلِي الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتُمْ بِصَلَاتِهِمْ، همان بزرگوارانی که دستور به اطاعت از ایشان داده ای؛ همان عزیزان و خویشان نسبی پیامبر، که فرمان دادی به ایشان ببینندیم؛ وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتُمْ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَالْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتُمْ هَمَانَ نَزْدِيكَانِ بِمَامِرَتِ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِمْ، همان فرمان فرمایانی که دستور فرمودی بِعِزْفَانِ حَقِّهِمْ، وَأَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَدَّهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ به شناخت حقّ آنان ؛ همان اهل بیت پیامبر که پلیدی و ناپاکی را از آن ها دور ساخته و بدین سان پاکیزگی و پاکی کامل تَطْهِيرًا . أَشَأَلُكَ بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

وَأَنْ ظَاهِرِي وَبَاطِنِي رَا بَرِ اِيْشَانِ مَقْرَرِ دَاشْتِي . بَهِ وَاَسْطَهِ اِيْشَانِ اَزِ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ كِه بَرِ مَحْمَدِ وَ اَلِ مَحْمَدِ دَرُودِ بَفَرَسْتِي، وَ تَعْفَرِ ذُنُوبِي كَلِّهَا يَا عَفَّارُ، وَ تَتُوبِ عَلَيَّ يَا تَوَّابُ، وَ تَرْحَمْنِي يَا تَمَامِ گَنَاهَانِمِ رَا بِيخْشِي؛ اِي بَسِيَارِ بَخْشِنْدَه؛ وَ اَزِ مَنِ دَرِگْذَرِي وَ بَازِگَشْتَمِ رَا بِيذِيْرِي، اِي بَسِيَارِ تُوْبَهِ پَذِيْرِي؛ وَ بَهِ مَنِ رَحْمِ كْنِي، اِي رَحِيْمُ، يَا مَنُ لَا يَنْتَعَاظُمُهُ ذَنْبٌ وَ هُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. (۲۷) رَحْمِ كَنْنْدَه؛ اِي كَسِي كِه گَنَاهِ هِيچِ كَسِ ضَرْرِي بَهِ عَظْمَتِ وَ بِيْزَرِگِي او نَمِي رَسَانْد؛ وَ اِيْنِ دَرِ حَالِي اَسْتِ كِه بَرِ هَرِ چِيْزِ تُوَاْنَاَسْتِ .

### ۱۹ ادعای دیگر در ساعت مخصوصه آن حضرت ارواحنا فداه

دعای دیگر در ساعت مخصوص

در کتاب «مفتاح الفلاح» این دعا برای ساعت مخصوص امام زمان ارواحنا فداه - از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن - در هر روز نقل شده است :

اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ، وَالْمُهَادِمِ الْمُؤَسَّسِ، وَرَازِقَ بَارِهَا؛ اِي بَهِ وُجُوْدِ اَوْرَنْدَه اَسْمَانِ بَرَاْفَرَاَسْتَه وَ زَمِيْنِ گَسْتَرْدَه؛ اِي رُوْزِي بَخْشِ اَلْعَاصِي وَالْمُطِيعِ، اَلَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُوْنِهِ وَاِلَيْ وَا لَا شَفِيْعَ . گَنَاهِ كَارِ وَ فَرْمَانِ بَر؛ اِي كَسِي كِه هِيچِ سَرِيْرَسْتِي نَدَارْد، وَ كَسِي جِزِ او قَادِرِ بَهِ شَفَاعَتِ نِيَسْت؛ اَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي اِذَا سُمِّيَتْ عَلَي طَوَارِقِ الْعُشْرِ عَادَتْ اَزِ تُو دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ، بَهِ وَاَسْطَهِ نَامِ هَايْتِ كِه اِكْرِ بَرِ رَا هَايِ صَعْبِ وَ دَشْوَارِ خَوَانْدَه شُوْد، يُسَيِّرًا، وَ اِذَا وُضِعَتْ عَلَي الْجِبَالِ كَانَتْ هَبَاءً مَنثورًا، وَ اِذَا اَسَانَ مِي گَرْدَنْد؛ وَ اِكْرِ بَرِ كُوْهِ هَا نِهَادَه شُوْد، اَزِ هَمِ پَاشِيْدَه وَ پَرَاكَنْدَه مِي شُوْنْد؛ وَ اِكْرِ رُفِعَتْ اِلَى السَّمَاءِ تَفْتَحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ، وَ اِذَا هَبِطَتْ اِلَى ظُلُمَاتِ بَهِ سُوِي اَسْمَانِ بَا لَا

برده شود، تمامی بسته ها فرا رویش گشوده شوند؛ و اگر به تاریکی های الْأَرْضِ اَتَّيَعَتْ لَهَا الْمَضَائِقُ ، وَإِذَا دُعِيَتْ بِهَا الْمُؤْتَى اِتَّشَرَّتْ زَمِينَ فَرَوِ فَرَسْتَادَهُ شَوْد، تمامی تنگی ها فرا رویش گسترده شوند؛ و اگر بر مردگان خوانده شود، مِنَ اللَّحُودِ ، وَإِذَا نُودِيََتْ بِهَا الْمَعْدُومَاتُ حَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ ، از قبرها به درآیند؛ و اگر بر نیست ها و نابود شدگان دمیده شود، به عرصه وجود درآیند؛ ۱ . البلد الأمين : ۲۱۱ ، المصباح : ۱۹۳ ، منهاج العارفين : ۱۲۷ ، همچنين، در دو کتاب «مصباح المجتهد : ۵۱۷» و «بحار الأنوار : ۳۵۴/۸۶» با اندکی تفاوت آمده است .

وَإِذَا ذُكِرَتْ عَلَى الْقُلُوبِ وَجَلَّتْ حُشُوعًا ، وَإِذَا فَرَعَتِ الْأَشْيَاعُ وَاجْرَاءُهَا يَدَاوَرِي شَوْد ، از روی خشوع به لرزه درآیند؛ و اگر بر گوش ها خوانده شوند، فَاصَبَتِ الْعُيُونُ دُمُوعًا . أَشَأَلْبِكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْمُؤَيَّدِ اشك شوق از دیدگان سرازیر خواهد شد . از تو درخواست می کنم ؛ به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم رسول و فرستاده ات که بِالْمُعْجَزَاتِ ، الْمُبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ ، وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، الَّذِي اخْتَرْتَهُ لِمُؤَاحَاةِ وَوَصِيَّتِيهِ ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ؛ که برای برادری و جانشینی آن حضرت اختیار کردی ، و او را برای دوستی خالص لِمُصَافَاةِهِ وَمُصَاحَرَتِهِ ، وَبِصَاحِبِ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ ، الَّذِي تَجَمَّعَ وَ دَامَادِي بِيَامِبِرْتِ ، برگزیدی، و نیز به واسطه حضرت مهدی - صاحب زمان و روزگار - از تو درخواست

می کنم همان عزیزی علی طاعتی الراء المُنْفَرَقَه ، وَتُوَلَّفُ بِهِ بَيْنَ الْاَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَه ، که دیدگاه های پراکنده را بر فرمان برداری از او گرد می آوری؛ و به واسطه او خواسته های مختلف را به هم پیوند می دهی؛ وَتَسْمِعُ خَلِصٌ بِهِ حُقُوقَ اَوْلِيَائِكَ ، وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شَرِّ اَعْدَائِكَ ، و حَقِّ دُوسْتَانَتِ رَا بَه وَاسَطَه اُو بَاز مِی سَنَانِی وَ بَرَمِی گَرْدَانِی ؛ و از بدترین دشمنانت، به واسطه آن بزرگوار انتقام می گیری؛ وَتَمَلُّ بِه الْاَرْضَ عَدْلًا وَ اِحْسَانًا ، وَتُوَسِّعُ عَلَی الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ وَ بَه وَ سَبِله اُو ، زَمِین رَا پَر اَز عَدَل وَ دَاد وَ نِیكی مِی كنی؛ وَ بَا ظُهْر اُو ، فَضْل وَ فَضْلًا وَ اَمِینَانًا ، وَتُعِيدُ الْحَقَّ اِلَی مَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا ، وَتُرْجِعُ اِحْسَانَتِ رَا بَر بِنْدِگَانَتِ تَوْسَعَه مِی دَهی وَ فِرَاوَان مِی گَرْدَانِی؛ وَ حَقِّ وَ رَاسْتی رَا بَه جَایگَاه اُو دَر حَالِی كَه عَزِیز وَ نِیرومَنْد وَ سَتُودَه بَاشَد بَاز مِی گَرْدَانِی؛ الدِّینَ عَلَی یَدَیْهِ غَضًّا جَدِیدًا ، اَنْ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ وَ دِینِ وَ اَیِّینِ رَاسْتِینِ خُودِ رَا بَه دَسْتِ بَا كَفَايَتِ اُو تَر وَ تَا زَه مِی گَرْدَانِی ؛ (از تو می خواهم) كَه بَر مُحَمَّدِ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهَمَّ اِلَیْكَ ، وَقَدَّمْتُهْمُ اَمَامِی وَ بَیْنَ یَدِی مُحَمَّدِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ ، وَ اَقَعِیتِ اَنْ اَسْتِ كَه مَن اِیْشَانِ رَا شَفِیعِ خُودِ سَاخْتَه اَم وَ اَنَانِ رَا پِیْشاپِیْشِ خُودِ وَ پِیْشاپِیْشِ حَوَانِجَمِ بَه دَرگَاهِ تُو آوَرْدَه اَم ، تَا حَوَآیْجِی ، وَ اَنْ تُوَزِعْنِی شُكْرَ نِعْمَتِیْكَ ، فِی التَّوْفِیْقِ لِمْعْرِفَتِهِ ، خُوَاسْتَه هَايِمِ رَا بَر آوَرْدَه سَازِی ، وَ (از تو می خواهم) سَپَاسگَرزَارِی نِعْمَتِ خُودَتِ رَا نَصِیْبِمْ كنی؛ دَر اِیْنِ كَه مَرَا بَه شَنَاخَتِ اَنْ حَضْرَتِ تَوْفِیْقِ دَادَه ، وَ اَلْهِدَايَةِ اِلَی طَاعَتِهِ ، وَ تَزِیْدَنِی قُوَّةً فِی التَّمَسُّكِ

بِعَضِّ مَتِّهِ وَبِهِ فَرْمَانُ بَرِيٍّ مِنْهُ وَرَهْمُونِ گشته ای، و نیرویم را برای چنگ زدن به نگهبانی ویژه او وَالْأَقْبِدَاءِ بِسُنَّتِهِ، وَالْكُونُ فِي زُمْرَتِهِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، و پیروی از روش های او، و بودن جزو همراهان و یارانش فزونی بخشی. راستی که تو شنوای دعا هستی، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۲۸)

به خاطر مهربانیت، ای مهربان ترین مهربانان؛

عَلَمَهُ خَوَاجُوبِيٌّ فِي تَعْلِيْقِهِ خُودَ آوْرْدَهُ اسْت:

این که فرموده: «الَّذِي تَجْمَعُ عَلَيْهِ طَاعَةُ الْأَجْرَاءِ الْمُتَفَرِّقَةُ»؛ «دیدگاه های مختلف و پراکنده را بر فرمان برداری از او گرد می آوری»، دلالت بر این مطلب دارد که در زمان دولت و حکومت مقتدرانه و فراگیر آن حضرت، دیدگاه ها و خواسته ها با هم تفاوت ندارند و یکی می شوند؛ تا جایی که هر که سخن و نظری می گوید، در راستای فرمان برداری از آن حضرت است.

امام عصر صلوات الله علیه، رئیس و فرمان روایی مورد قبول و مورد اطاعت همگان است، و هر کس به حق خود می رسد، خمس در جای خود مصرف می شود، و زکات، غنیمت، انفال، دیه ها، قصاص و دیگر احکام نیز به درستی انجام می شوند و به مصرف می رسند.

فدک، به صاحبان واقعی اش می رسد، و از تمام دشمنان خدا، به نفع دوستان خدا انتقام گرفته می شود؛ چه زندگان آن ها و چه مردگان آن ها، که با زنده کردنشان برای آن ها از دشمنان انتقام گرفته می شود.

دلیل مطالبی که عرض شد، روایت های فراوانی است که در خصوص این موضوعات آمده است.

از جمله حدیث های یادشده می توان اشاره کرد به این حدیث که

خداوند به زودی گروهی را هنگام ظهور حضرت مهدی صلوات الله علیه به دنیا برمی گرداند، که جزو شیعیان بوده اند و ایمانی خالص داشته اند، و از دنیا رفته اند . برگرداندن ایشان به جهت دست یابی به ثواب یاری و کمک رسانی به امام عصر صلوات الله علیه ، و نیز شادکامی خودشان از دیدن برپایی دولت آن حضرت است .

نیز، گروهی را که کفرشان کامل بوده به دنیا برمی گرداند تا از ایشان انتقام بکشد، و بخشی از عذاب و رنجشی را که حقّ شان است - یعنی کشته شدن به دست شیعیان - به ایشان برسد ؛ و با مشاهده اقتدار و حکمرانی نیرومند آن حضرت ، به خواری و رسوایی کشیده شوند .

در آن زمان شریف، عدل و داد و نیکی در شرق و غرب هستی برپا می شود؛ چنان که خداوند در قرآن به این موضوع امر فرموده است .

همچنین ، بندگان خداوند ، توانگر و پر روزی خواهند شد، و هر چه برای زندگی مادی و نیز اُمور آخرت شان نیاز دارند ، برای شان فراهم خواهد بود .

در آن روزگار ، حقیقت و راستی به جایگاه ارزشمند و شایسته خود می رسد ، و آیین رهایی بخش اسلام نیز - با وجود از بین رفتنش - دوباره برمی گردد و از نو مطرح می شود ؛ بدین سان ، مسلمانان ، اسلام تازه را اختیار می کنند ، و در این روزگار است که حکومت زمین به طور کامل در اختیار نمایندگان الهی قرار می گیرد . خوشا به حال اهل آن روزگار ؛ خوشا به حال شان .

بار الها ؛ در ظهورش شتاب فرما ، و کار قیام او را آسان گردان ، و



ما را از کسانی قرار بده که در زیر خیمه گاه های حکومت او درآیند ، و به شرف دیدار او و دوستانش نایل می شوند ، و پیش روی او به مبارزه می پردازند و دشمنان او را می کشند و خود نیز کشته می شوند تا فرمان او بلندمرتبه شود و آیین او قدرتمند گردد به حقّ محمد و آل و عترتش ، که درودهای الهی نثارشان باد . (۲۹)

#### ۲۰ صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيَايَكَ ، الَّذِيْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ ، بارالها؛ درود بفرست بر نماینده ات که فرزند نمایندگان ویژه توست؛ همان بزرگوارانی که فرمان برداری از ایشان را فرض و واجب فرمودی، وَاَوْجِبَتْ حَقَّهُمْ ، وَاَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ ، وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيراً . و رعایت حقّ ایشان را بر همگان لازم کردی، و رجس و پلیدی را از ایشان زدودی، و بدین سان به طور کامل پاک و پاکیزه نگاهشان اَللّٰهُمَّ اَنْصِرْهُ بِهٖ لِدِينِكَ ، وَاَنْصِرْهُ بِهٖ اَوْلِيَايَاكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ دَاسْتِي . خدایا؛ او را یاور و پیروزگر دینت قرار ده، و دوستانت را و دوستان و شیعیان و یاران باوفای او را به واسطه او یاری و اَنْصَارَهُ ، وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ . اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ ، برسان ؛ ما را نیز جزو این یاری شوندگان بگمار . خدایا؛ آن عزیز را از زیان و بدی تمام ستمگران و طاغوت ها و سرکشان و مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَاَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ وَاَزِ بَدِيْ وَاَزِ يَمِيْنِهِ وَاَزِ شَمَالِهِ ، وَاخْرُسْهُ وَاَمْنَعْهُ اَنْ يُّوَصَلَ اِلَيْهِ بِسُوْءٍ ، راست

و چپ نگهبانی کن، و پاسداری و نگهدارنده اش باش تا هیچ گزند و بدی بدو نرسد؛ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَالْ رَسُولَكَ ، وَأُظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَأُيِّدُهُ وَ بَدِينِ سَانَ، پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و آل رسولت را نیز محافظت فرما. خدایا؛ عدل و داد را به دست او آشکار فرما، و او را بِالنَّضْرِ ، وَأَنْصُرْ ناصریه ، وَاخْذُلْ خاذلیه ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ با یاری ات تأیید و موفق گردان، و بارانش را یاری کن، و مخالفان و بدخواهانش را خوار و رسوا کن؛ و به واسطه او ستمگران الْكُفْرَةَ ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفْرَةَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَافَرَ را درهم بکوبان، و کافران و منافقان و تمام منکرانت را کُتُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا وَبِخَرِّهَا ، وَأَمْلَأْ بِهِ دَعَائِي ... در آغاز نمازها

- در شرق و غرب هستی و خشکی و دریای جهان - به واسطه او نابود فرما . به دست باکفایتش الْأَرْضَ عَدْلًا ، وَأُظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ السَّلَامِ . وَاجْعَلْنِي زَمِينَ را پر از عدل و داد کن، و آیین راستین پیامبرت را - که بر او و آل او درود باد - را دوباره آشکار ساز. خدایا؛ اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَابِهِ ، وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ ، وَأُرْنِي فِي الْإِلْمِ مَرَا جِزُو بَارَانَ وَ كَمَكَ رَسَانَانَ به آن عزیز، و تابعان و پیروان آن بزرگوار مقرر فرما؛ و به من نشان بده در مورد آل مُحَمَّدٍ مَا يَأْمَلُونَ ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَخْذَرُونَ ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ . (۳۰) محمد آنچه را ایشان آرزو دارند و در مورد دشمنان شان آنچه را از

آن پرهیز می کنند و می ترسند . ای معبود راستین؛ اجابت فرما .

## ۱۲۴ ادعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها

سید حمیری رحمه الله در ضمن نامه ای به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه از حضرتش پرسید : آیا در آغاز نماز به عنوان توجه می توان گفت: «علی ملة ابراهيم ودين محمد صلى الله عليه وآله وسلم»؟

در توضیح این سؤال نیز بیان داشت که برخی از عالمان اظهار داشته اند که این بدعت است که گفته شود : «علی دین محمد صلی الله علیه وآله وسلم» به این دلیل که در این مورد تنها یک حدیث در کتاب های مربوط آمده ، و آن نیز در کتاب قاسم بن محمد موجود است که از جدش حسن بن راشد نقل کرده که امام صادق علیه السلام به او فرمودند :

چگونه شروع به نماز می کنی؟

گفت : می گویم : «لَبَّيْكَ وَسَعْدِيكَ» .

«خدایا ؛ دعوت تو را پاسخ می گویم و از این باب خوشبختم.»

امام صادق علیه السلام فرمودند :

پرسشم این نبود؛ پرسشم این است که این عبارت را هنگام شروع نماز چگونه می گویی : «وَجِهْتَ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا» .

روی به کسی آوردم که آسمان ها و زمین را آفرید؛ در حالی که تسلیم و پرستشگر او هستم؟

حسن بن راشد گفت: همان را می گویم .

حضرت فرمودند : این عبارت را این گونه بگو :

«علی ملة ابراهيم ودين محمد صلى الله عليه وآله وسلم ومنهاج علي بن ابي طالب عليه السلام والایتمام بآل محمد حنيفاً مسلماً وما أنا من المشركين» .

بر آیین ابراهیم و دین محمد و راه و روش علی بن ابی طالب ، و پذیرش پیشوایی آل محمد - نماز می گزارم ، در حالی که پرستشگر و تسلیم خدا

هستم، و شرک نمی ورزم .

امام زمان صلوات الله علیه در پاسخ حمیری فرمودند :

توجه یعنی خواندن این دعا در آغاز نماز ( واجب نیست؛ و مستحب مؤکد در این باره - که همانند اجماع مورد قبول همگان می باشد - این عبارت است :

وَجْهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنيفاً مُتَّبِعاً رُوحِي بِهِ كَسَى آوْرَدَهُ امّ كه آسمان ها و زمین را بیافرید؛ در حالی كه من تنها او را می پرستم و تسلیم او هستم، عَلَي مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهُدَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا مِنْ بَرِ آئِينَ حضرت ابراهیم، و دین حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم، و هدایت امیر مؤمنان علی علیه السلام - هستم و به خدا نیز الْمُشْرِكِينَ ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ شَرِكٌ نَمِي وَرَزْم . به راستی كه نماز ، عبادت ، زندگانی و مرگ من برای خداست كه پروردگار الْعَالَمِينَ ، لا شَرِيكَ لَهٗ وَبِعْدَلِكَ أَمْرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ . اَللَّهُمَّ جَهَانِيَانِ اسْتِ وَ هِيَج شَرِيكِي نَدَارِد . من دستور یافته ام كه چنین باشم و من جزو مسلمانان هستم. بار الها! اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ، اَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ مَرَا جَزُو مُسْلِمَانَانِ قَرَار بَدَه؛ از شیطان رانده شده به خدای شنوای دانا پناه می برم ، الرَّجِيمِ ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ، و پس از آن ، حمد را می خواند. (۳۱)

به كمك نام خدای بخشنده مهربان .

دعای سهم اللیل از امام زمان علیه السلام

۱ . بحار الأنوار : ۳۵۹/۸۴ ، به نقل از الإحتجاج : ۳۰۷/۲ .

### ۲۲ دعای حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار ، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» این دعا را از جمله دعاهاى امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده

است :

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ ، تَفَضَّلْ خدایا؛ از تو درخواست می کنم به حق هر کسی که با تو نجوا کرده است، و به حق هر کسی که در خشکی و دریا تو را خوانده است؛ عَلِيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالْتَرُوهِ، وَعَلِيَّ مَرْضَى مَنْ لَطْفِ كُنِي وَتَوَانُكِرِي وَدَارِيِي رَا رُوْزِي شَانِ گِردَانِي ؛ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشَّفَاءِ وَالصَّحَةِ ، وَعَلِيَّ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ بِه مردان و زنان مریض مؤمن، شفا و سلامتی ارزانی بداری؛ و به مردان و زنان مؤمن که در قید حیات وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ ، وَعَلِيَّ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ هَسْتَنْدِ نِیْکِي وَ بزرگواریت را مرحمت کنی؛ و به مردگان مؤمن - اعم از زن و مرد - بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ ، وَعَلِيَّ غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ آمَرِش وَ رَحْمَتِ (گسترده ات) را ببخشایی ؛ و غریبان مؤمن را - اعم از زن و مرد - إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ ، بِمُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ أَجْمَعِينَ . (۳۲) در کمال سلامتی و بهره مندی ، به وطن هاشان باز گردانی ؛ به واسطه حضرت محمد و آل او .

### ۲۳ دعای سهم اللیل ، از امام زمان ارواحنا فداه

این دعا از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه روایت شده است :

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيْزِ تَغْزِيْرِ اعْتِرَازِ عِزَّتِكَ ، بِطَوْلِ حَوْلِ شَدِيْدِ خدایا؛ همانا از تو درخواست می کنم به واسطه عزتمندی راستین و عزت بخش؛ به واسطه توانایی نیروی بزرگ قُوَّتِكَ ، بِتَمْدَرِهِ مَقْدَارِ اقْدَارِ قُدْرَتِكَ ، بِتَأْكِيدِ تَحْمِيْدِ تَعْجِيْدِ قُدْرَتِكَ ؛ به واسطه توان اندازه های توانایی قدرتت؛ به واسطه بزرگیت که بسی جای سپاس و شکره مندی حقیقی دارد؛ به واسطه عَظَمَتِكَ ، بِسُمُوِّ نُمُوِّ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ



گرایید، و الأوهام، و قَصِيْرَتِ الْخَوَاطِرِ، وَبُعْدَتِ الظُّنُونِ عَنْ إِذْرَاكِ كُنْهِ خِيَالِهَا وَانْدِيْشَةِهَايِ زُرْفِ نَگَرِ سَرِگَرْدَانِ شَدْنَدِ، وَخَاطِرَهَا نَتَوَاسْتَنْدِ اَدَامَه رَاه رَا بَرَوْنَدِ، وَگَمَانِهَا دَر دُورْدَسْتِهَا نَاكَامِ كَيْفِيَّتِهِ مَا ظَهَرَ مِنْ بُوَادِي عَجَائِبِ أَضْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ، دُونَ مَانْدَنْدِ؛ وَلِي هِيْجِ يَكِ نَتَوَاسْتَنْدِ بَه طُورِ كَامَلِ اَيْنِ رَا دَرِيَابَنْدِ كِه شَكْفَتِيهَايِ اَعْزَازِيْنَ وَنَوَاوَرِيهَايِ گُونَاگُونِ قَدْرَتِ چَكُونِه اَسْتِ؟ اَلْبُلُوْغِ اِلَى مَعْرِفَتِهِ تَلَا لَوْ لَمَعَانِ بُرُوْقِ سَيِّمَاَيْكَ . اَللّٰهُمَّ مُحَرِّكْ وَنَتَوَاسْتَنْدِ بَه اَيْنِ شِنَاخْتِ دَسْتِ يَابَنْدِ كِه چَكُونِه اَسْمَانِ تُو بَه نُوْرَاْفَشَانِي وَدَرخَشَنْدِگِي بَرَقِ خُودِ مِي پَرْدَاذِد . بَارِهَا؛ اِي اَلْحَرَكَاتِ ، وَمُؤَيِّدِيْ نِهَائِيهِ اَلْغَايَاتِ ، وَمُخْرِجِ تِنَابِيْعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ جَنَبَانِنْدِه جَنَبِنْدِه هَا؛ اِي اَعْزَازِگَرِ پَايَانِ مَقْصُودَهَا؛ اِي كَسِي كِه چَشْمِه هَا سَاقِه هَايِ گِيَاهَانِ رَا بِيروْنِ مِي اَوْرِدِ؛ اَلنَّبَاتِ ، يَا مَنْ شَقَّ صَمَّ جِلَامِيْدِ الصُّخُوْرِ الرَّاسِيَاْتِ ، وَاَنْتَبَعَ مِنْهَا اِي كَسِي كِه سَنَگِ هَايِ سَخْتِ وَبِه زَمِيْنِ چَسِيْبِدِه رَا شَكَاْفْتِ وَ اَز اَن هَا مَاءٌ مَعِيْنًا حَيَاةً لِّلْمَخْلُوْقَاتِ ، فَاُخِيِي مِنْهَا اَلْحَيَوَانَ وَالنَّبَاتِ ، اَبِي گُوَارَا كِه بَاعْثِ زَنْدِگَانِي اَفْرِيْدِگَانِ اَسْتِ بِيروْنِ اَوْرِدِ وَ اَز اَن اَبِ نِيْزِ حَيَوَانَ هَا وَ گِيَاهَانِ رَا زَنْدِگِي بَخْشِيْدِ؛ وَعَلِمَ مَا اِخْتَلَجَ فِي سِرِّ اَفْكَارِهِمْ مِنْ نُطْقِي اِشَارَاتِ خَفِيَّاتِ وَ اَن چِه رَا دَر اَنْدِيْشِه هَايِ پَنْهَانِ شَانِ - هَمَانَنْدِ بَرَقِ - مِي گَزْرِدِ اَگَاهِي دَارِدِ ، لُغَاتِ التَّمْلِي السَّارِحَاتِ . يَا مَنْ سَيَّبَحَتْ وَهَلَّتْ وَفَدَّسَتْ وَكَبَّرَتْ جَنَانِ كِه اَزِ گَفْتَاْرِي كِه مُورِچْگَانِ بَا اِشَارَه هَايِ رَمْزِي )بِه عِنْوَانِ لُغْتِ وَ زَبَانِ( دَارَنْدِ اَگَاهِ اَسْتِ؛ وَسَيَّجَدَتْ لِجَلَالِ جَمَالِ اَقْوَالِ عَظِيْمِ عَزُوْ جَبْرُوْتِ مَلَكُوْتِ اِي كَسِي كِه فَرَشْتِگَانِ هَفْتِ اَسْمَانِ بَرَايِ شَكُوْهِ زِيْبَايِي گَفْتَاْرَهَايِ بَزْرَگِ مَرْتَبِه عَزْتِ جَبْرُوْتِ سَلْطَنِيْتِهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ ،

يَا مَنْ دَارَتْ فَأَضَاءَتْ بِادِشَاهِي اسْتَوَارِش، زَبَانْ بَه تَسْبِيحْ وَ تَهْلِيلْ وَ تَقْدِيسْ وَ تَكْبِيرْ گَشُوْدَه اَنَد و به سجده افتاده اند؛ ای کسی وَأَنَا زَتْ لِتَدَوَامِ دَيْمُومِيَّتِيهِ النَّجُومِ الرَّاهِرَاتُ، وَأُحْصَى عِدَدَ كِه سِتَارِ گَانِ پَرْتَوَافِشَانِ، دَر بَرَابَرِ دَائِمِي بُوْدَنِ رَاسْتِيْنِ اَوْ بَه چَرخِشِ دَر آَمَدِه اَنَد و به نورافشانی پرداخته اند؛ ای کسی كِه تَعْدَادِ الْأَخْيَاءِ وَالْأَقْوَاتِ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّاتِ، زَنَدِ گَانِ وَ مَرْدِ گَانِ رَا مِي دَانَد و به شماره درآورده است؛ بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ - كِه بَهْتَرِيْنِ مَرْدَمِ هَسْتَنَد - دَرُودِ بِي پَايَانْتِ رَا نَثَارِ فَرْمَا؛ وَأَفْعَلُ بِي كَذَا وَ كَذَا. و به جای «كَذَا وَ كَذَا» حَاجَاتِ خُودِ رَا مَسْأَلَتِ مِي كُنِي. (۳۳) و این كارم رَا بَرَايِ مَن اَنجَامِ بَدِه .

#### ۲۴ دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف نیز از وجود مبارک حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روایت شده است :

اَللّٰهُمَّ اِرْزُقْنَا تَوْفِيْقَ الطَّاعِيْهِ ، وَبِعَدِّ الْمَعْصِيَةِ ، وَصِدْقِ النَّبِيِّ ، بَارَالِهَا؛ تَوْفِيْقَ فَرْمَانِ بَرْدَارِيْ اَز خُودَتِ رَا رُوْزِيْمَانِ گَرْدَانِ؛ وَنِيْزَ، تَوْفِيْقَ (دُورِيْ اَز گَنَاهِ وَ نَافَرْمَانِيْ ، نِيْتِ دَرَسْتِ وَ رَاسْتِيْنِ، وَعِرْفَانِ الْخُزْمَةِ ، وَكَرْمَانِ بِالْمُهْدِيِّ وَالْبَشِيْرَتِقَامِيهِ ، وَسَدْدُ الْبِيْتِنْتِنَا شَنَاخْتِ حَرِيْمِ مَمْنُوعِهِ خُودِ رَا نَصِيْبِ مَافَرْمَا، وَ مَافَرَا بَا هِدَايَتِ وَ پَايْدَارِيْ گَرَامِيْ بَدَارِ. وَ زَبَانِ هَايِ مَافَرَا بِالصَّوَابِ وَالْحَكْمَةِ ، وَامْلَأْ قُلُوْبِنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ ، وَطَهِّرْ سَخْنَانِ دَرَسْتِ وَ حَكِيْمَانِه، اسْتَوَارِ گَرْدَانِ . وَ دَلِ هَايِ مَافَرَا اَز عِلْمِ وَ مَعْرِفَتِ پَر كُنْ ؛ وَ بُطُوْنِنَا مِّنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ ، وَاكْفُفْ اَيْدِيْنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْقَةِ شَكْمِ هَايِ مَافَرَا اَز حَرَامِ وَ شَبْهِه نَاكِ پَاكِ گَرْدَانِ؛ وَ دَسْتَانِ مَافَرَا اَز سْتَمِ وَ دَزْدِيْ بَازِ بَدَارِ؛ وَاعْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُوْرِ وَالْحِيَاثَةِ ،





دارای انصاف و خوش رفتاری گردان؛ و زاد و توشه حاجیان و زائران را بابرکت گردان الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ ، وَأَقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ، و موفق شان کن تا حج و عمره ای را که بر آنان واجب نموده ای به درستی به انجام برسانند بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۳۴)

همه این ها را به خاطر لطف و احسان و مهربانیت بر ما ارزانی دار، ای مهربان ترین مهربانان؛

### ۲۵ دعای «یا نور النور» از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف را کفعمی رحمه الله در کتاب «المصباح» از مولایمان امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است :

يَا نُورَ النُّورِ ، يَا مَدَبَّرَ الْأُمُورِ ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، صَلِّ أَيَّ رُشْنِي بَخْشِ رُشْنِي هَا ؛ أَيَّ تَدْبِيرِ كُنْتَهُ كَارِهًا ؛ أَيَّ كَسِي كَه تَمَامِ مَرْدِكَانَ دَرُونَ قَبْرَهَا رَا بَرْمِي انْكَيزِي ؛ ۱ . الْبَلَدِ الْأَمِينِ : ۴۸۰ ، الْمَصْبَاحُ : ۳۷۴ .

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْ لِي وَلِشَيْعَتِي مِنَ الصَّبِيِّ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودَ بَفَرَسْتِ ، وَگَشَايِشِي بَرَايِ مَنْ ، وَپِيروانِ مَنْ فَرَاهِمِ كُنْ تَا اَزِ اَيْنِ تَنْگِنَا فَرَجًا ، وَمِنْ اَلْهَمِّ مَخْرَجًا ، وَأَوْسَعِ لَنَا الْمُنْهَجَ ، وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ رَهَا شُوِيْمِ ، وَ اَزِ اَنْدُوِه هَا بَدْرَ آيِيْمِ ؛ وَ مَسِيْرَ وَ رَاهِ مَارَا وَسِيْعَ گِرْدَانِ ، وَ اَزِ نَزْدِ خُوْدْتِ بَهِ گُوْنَه اِي بَرَايِ مَارَهَائِي مَقْرَرِ كُنْ كَه عِنْدِكَ مَا يَفْرُجُ ، وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيْمَ . (۳۵)

گشایشی در تمام امورمان حاصل شود؛ و آن گونه که تو سزاوارش هستی - ای بزرگوار؛ - با ما رفتار کن.

در روایت است که : هر کس این دعا را همیشه بخواند ، با امام عصر صلوات الله علیه محشور خواهد شد . (۳۶)

### ۲۶ دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات

این دعای شریف برای رفع مشکلات ، در کتاب «قصص الأنبياء» از مولای مان امام زمان ارواحنا فداه نقل شده است :

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَرِحَ لَنَا يَا أَبَا لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ ، أَيَّ كَسِي كَه وَتِي كَارَهَا بَرِ مَا تَنْگِ آيِدِ ، دَرِي رَا بَه رُوِي مَا مِي گَشَايِدِ كَه بَه خِيَالِ وَ اَنْدِيْشَه هِيْجِ كَسِ نَرَسِيْدِ بَاشَد ؛ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَفْتَحْ لِي الْأُمُورِ

الْمُتَضَائِقَهُ بَابًا بِنَابِرَيْنِ، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی کارهای گره خورده و بسته شده ام بگشایی لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۳۷)

که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان ترین مهربانان.

دعای مهم دیگر از امام زمان علیه السلام

در کتاب «التحفة الرضویة» آورده است: علامه پرهیزگار جناب سید حسن فرزند سید علی آقا شیرازی، این دعا را برام روایت کرد و گفت که:

از امام زمان عجل الله تعالی فرجه روایت شده است.

این کلام را بعضی از بزرگان مورد اعتماد از ایشان نقل کرده اند.

وی گفت: برای برطرف شدن مشکلات و نیز دست یابی به خواسته ها و آرزوها، پس از نمازهای پنجگانه - و نیز در دیگر حالات - باید خوانده شود، و آن دعا این است:

يَا مَنْ إِذَا تَضَائِقَتِ الْأُمُورُ فَتِيحَ لَهَا بَابًا لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ، ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید، دری را به روی آن می گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس نرسید باشد؛ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْتِيحْ لِي الْأُمُورَ الْمُتَضَائِقَةَ بَابًا بِنَابِرَيْنِ، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی کارهای گره خورده و بسته شده ام بگشایی لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(۳۸)

که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان ترین مهربانان.

### ۲۷ دعای مهم دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت ها

سید علی خان در کتاب شریف «الکلم الطیب» می گوید: این دعای ارزشمندی است از امام زمان صلوات الله علیه برای کسی که چیزی از او ضایع گشته یا حاجتی دارد؛ لذا شخصی که

خواسته یا مشکل مهمی دارد باید این دعا را بسیار بخواند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، مُدَبِّرُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ وَأَنْتَ اللَّهُ تَوْأَمِ أَنْ خَدَائِي هَسْتِي كَهْ جَزْ تَوْ مَعْبُودِي نَيْسْتْ ؛ آغَا زْ كَر و بَا زْ كَر دَا نَدَه آفَرِيدْ كَا نْ هَسْتِي . وَ تَوْبِي أَنْ خَدَائِي ۱ . التَّحْفَةُ الرِّضْوِيَّةُ : ۱۱۴ .

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ ، وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، كَهْ جَزْ تَوْ مَعْبُودِي نَيْسْتْ ، تَدْبِيرُ كُنْنَدَه كَا رْهَا هَسْتِي ، وَ هَرْ كَهْ رَا دَر قَبْر هَا سْتْ بَرْمِي اِنْ كِزِي ؛ وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَاطِضُ الْبَاطِطُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي تَوْ هَمَانْ خَدَائِي يَكْتَابِي هَسْتِي كَهْ جَزْ تَوْ مَعْبُودِي نَيْسْتْ ؛ تَنْگْ كِيرْنَدَه وَ كَسْتْرَانْدَه هَسْتِي ؛ وَ تَوْ أَنْ خَدَائِي هَسْتِي كَهْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا . أَشْتَلُكَ بِأَشِيمِكَ جَزْ تَوْ مَعْبُودِي نَيْسْتْ ؛ وَ وَارِثُ زَمِينِ وَ سَاكِنَانِ أَنْ هَسْتِي . اَزْ تَوْ دَر خَوَاسْتِ مِي كَنْمُ بَهْ وَاسَطَهْ نَامْتِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ ، وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أُعْطِيَ ، وَأَشْتَلُكَ كَهْ هَرْ كَا هْ بَدَانِ خَوَانْدَه شَدِي بِاسْخِ دَادِي ، وَ هَرْ كَا هْ بَدَانِ وَ سِيْلَهْ اَزْ تَوْ دَر خَوَاسْتِ شَدَه عَطَا كَرْدِي ؛ وَ يَحَقُّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلُ بَيْتِهِ ، وَيَحَقُّهُمْ الَّذِي أُوجِبْتُهُ عَلَى نَفْسِكَ بِهَ حَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ؛ وَ بَهْ وَاسَطَهْ حَقِّي كَهْ بَرَايِ اِيْشَانِ بَرِ خَوْدِ وَاجِبِ سَاخْتَهْ اِيْ اَزْ تَوْ دَر خَوَاسْتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي ، مِي كَنْمُ تَا بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِي وَ حَاجَتِمُ رَا بَرِ آوَرْدَه سَا زِي ؛ السَّاعَةَ السَّاعَةَ ، يَا سَيِّدَاهُ ، يَا مَوْلَاهُ ، يَا غِيَا نَاهُ ، أَشْتَلُكَ بِكُلِّ هَمِينِ

ساعت، همین ساعت ای آقای من؛ ای مولای من؛ ای فریادرس من؛ از تو می خواهم به واسطه تمامی اسم سَمِیْتُهُ بِه نَفْسِكَ ، وَاسْتَأْذَنْتَ بِه فِی عِلْمِ الْعَجِيبِ عِنْدَكَ أَنْ نَامِ هَابِي كِه خويشتن را بدان نامیده ای فرموده ای، و آن را در دانش پنهانیت نزد خود نگه داشته ای؛ که تُصِيْلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بفرستی، و در رهایی ما از این گرفتاری و الشَّدِّهِ ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ ، إِنَّكَ عَلَى سَخْتِي شَتَابِ كُنِي . ای دگرگون کننده دل ها و چشم ها ؛ ای شنوای دعا ؛ به راستی که تو بر كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۳۹)

هر چیزی توانا هستی ؛ به واسطه رحمت ای مهربان ترین مهربانان ؛

دعا ... برای شفاء از بیماری ها

### ۲۸ دعای امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ بَرَى شَفَاءُ ز بيماری ها

محدث نوری رحمه الله می فرماید : شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمه الله در کتاب «البلد الامین» از حضرت مهدی صلوات الله علیه روایت می کند :

کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در ظرف نو بنویسد ، و آن را بشوید و بنوشد ، از بیماریش رهایی می یابد :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءٌ ، هُوَ (گفتن ) «بِسْمِ اللَّهِ» دواست؛ و «الحمد لله» شفاست؛ و «لا اله الا الله» موجب کفایت است؛ و الشَّافِي شِفَاءٌ ، وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءً ، أَذْهَبِ الْبَاسَ يَرْبُّ النَّاسِ ، «هو الشافي» شفا است و «هو الكافي» کفایت است؛ تو را به پروردگار مردم سوگند می دهم که بدی را دور گردانی

شِفَاءً لَا يُعَادِرُهُ شَيْءٌ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النَّجَبَاءِ . و شفای بدهی که هیچ بیماری در پی آن نباشد . و درود پیوسته خداوند بر محمد و آل نجیبش نثار باد . محدث نوری رحمه الله در ادامه می افزاید : دستخطی از سید زین الدین علی بن حسین حسینی دیدم که بیان داشته است : این دعا را مردی از ساکنان کربلا در عالم خواب از حضرت مهدی ارواحنا فداه آموخته بود .

وی بیمار بود ، و از بیماری خود به حضرت مهدی صلوات الله علیه شکایت کرد و آن حضرت دستور فرمود این دعا را بنویسد و بشوید و بنوشد . وی چنان کرد و فوراً بیماریش برطرف شد . (۴۰)

### ۲۹ دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رهایی از سختی ها و حفظ شدن از دزدان

مرحوم آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی می نویسد : شیخ علی اکبر تهرانی - ساکن مشهد مقدس - برای ما قضیه ای تعریف کرد و گفت :

عالم متقی شیخ محمد تقی تربتی - که از دانشمندان بزرگ و علمای اخلاق و از شاگردان علامه میرزا حبیب الله رشتی بود و اجازه ای از ایشان داشت - فرمود : یکی از شاگردان متدین من - که از سادات شهر تربت بود - برای من تعریف کرد و گفت :

از زیارت عتبات عالیات که برمی گشتم ، همراه طلبه ای از خانقین خارج شدم و پیاده به دنبال قافله به طرف قصر شیرین حرکت کردیم ، از شدت تشنگی و خستگی ناتوان شده ، و با زحمت زیاد خود را به قافله رساندیم ، دیدیم قافله را دزدها غارت کرده و اموالشان را برده بودند ، افرادی مجروح شده و در بیابان افتاده بودند ، و

محمل ها شکسته و روی زمین افتاده بود .

ما از ترس به کناری رفته و به بالای تپه ای رفتیم ، ناگاه دیدیم سید بزرگوار کنار ما ایستاده ، به ما سلام فرمود ، بعد هفت دانه خرماى زاهدی به من داد و فرمود : چهار دانه را خودت بخور ، و سه دانه آن را به شیخ بده .

چون خرماها را خوردیم تشنگی ما برطرف شد ، و فرمود : این دعا را به جهت رهایی از سختی ها ، و محفوظ بودن از شر دزدها بخوانید :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَخَافُكَ، وَاخَافُ مِمَّنْ يَخَافُكَ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِمَّنْ لَا يَخَافُكَ . بارالها ؛ من از تو می ترسم؛ و از هر کسی که از تو می ترسد نیز می ترسم؛ و از کسانی که از تو نمی ترسند به خودت پناه می برم .  
دعای دیگری ... برای رهایی از...

پس از آن ؛ اندکی با آن سید بزرگوار راه رفتیم ، ناگاه اشاره کرد و فرمود : این منزل شماسست . نگاه کردیم ، دیدیم منزل پایین آن تپه بود ، و چون وارد منزل شدیم از شدت خستگی خواب بر ما غلبه کرد ، خوابیدیم ، و متوجه آنچه برای ما اتفاق افتاده بود نشدیم ، چون بیدار شدیم دانستیم که آن بزرگوار حضرت ولی عصر ، صاحب الزمان عجل الله فرجه بوده است . (۴۱)

### ۳۰ دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای رهایی از سختی ها و مشکلات

در کتاب «الکلم الطیب» آورده است که : دستخطی از یکی از دوستان بزرگوار و صالح و مورد اعتماد و ثابت قدم خود - که جزو سادات نیز هست - مشاهده کردم که چنین نوشته بود :

در ماه رجب سال یکهزار و نود و سه ، برادر دینی و

دوست بسیار دوست داشتی، دانشمند اهل عمل، دارای مراحل کمال انسانی، و صفات الهی، امیر اسماعیل بن حسین بیک بن علی بن سلیمان جابری انصاری برابم گفت: از شیخ نیکوکار و پرهیزگار و اهل احتیاط در رفتار، جناب حاج شیخ علی مکی شنیدم که فرمود:

من به شدت دچار گرفتاری و مشکلات شدم و دشمنانم نیز پیوسته حقوق مرا پایمال می کردند، تا جایی که ترسیدم جانم را نیز از کف بدهم و کشته شوم. در همین اوضاع دعایی را دیدم که داخل جیبم بود - در حالی که کسی آن را به من نداده بود - .

از این جریان در شگفت شدم و پیوسته حیران بودم تا آن که در عالم خواب شخصی را در قیافه صالحان و زاهدان دیدم که به من گفت: آن دعا را، ما به تو دادیم؛ آن را بخوان که از گرفتاری و مشکلات رهایی یابی . و برابم روشن نشد که گوینده آن کیست؟ و این جریان بر شگفتی و حیرتم افزود؛ تا آن که امام عصر ارواحنا فداه را در خواب دیدم که به من فرمود :

دعایی را که به تو عطا کردم بخوان ، و به هر کسی که می خواهی بیاموز .

من بارها آن دعا را تجربه کردم و هر بار گشایشی سریع در کارم مشاهده کردم تا آن که آن را برای مدتی گم کردم و پیوسته تأسف می خوردم و از رفتار بد خویش استغفار می کردم ؛ تا این که شخصی نزد من آمد و گفت : این دعا در فلان جا از تو افتاده است .

البته من به خاطر نداشتم که آنجا رفته باشم ، ولی



به هر حال آن را پیدا کردم و برداشتم و سجده شکر الهی به جای آوردم . و دعا این است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

رَبِّ أَسْئَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تَقْوَى بِهِ قُوَايَ الْكُلِّيَّةُ وَالْجُزْئِيَّةُ ، بَارِ بَرُورِدْغَارَا ؛ مَدَدِ وَ كَمَكِ رُوحَانِيٍّ اَز تُو دَرخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ كِه نِيروهای کَلِّی و نيز جزئِي مَرَا بَا آن تَقْوِيَتِ وَ نِيرومِنْد گِرْدَانِي ؛ حَتَّى أَفْهَرَ بِمَبَادِي نَفْسِي كُلِّ نَفْسٍ قَاهِرِهِ ، فَتَنْقِضَ لِي إِشَارَةً تَا اَيْنِ كِه بَتَوَانِم بَا اِمكَانَاتِ خَوِيشتنِ هَر كَسِي هَر چِه تَوَانِ مَنِد بَاشَد شَكسْتِ بَدَهَم ؛ بِه گُونِه اِي كِه دَقِيقِ تَرِينِ دَقَائِقِهَا ، اِنْقِبَاضًا تَشْرِيقًا بِه قُوبِهَا ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكَوْنِ دُو وَ حَسَّاسِ تَرِينِ حَرَكَتِ هَايِ اُو دَر اِخْتِيَارِمِ قَرَارِ گِيرِدِ وَ بَدِينِ سَانِ نِيروهایِ اُو اَز كَارِ بِيفتند . تَا جَايِي كِه هِيچِ مَوْجُودِ دَارَايِ رُوحِ اِلَّا وَنَارُ قَهْرِي قَدْ اَحْرَقَتْ طُهْرَةَ . يَا شَدِيدُ ، يَا شَدِيدُ ، رُوحِي دَر هَسْتِي نَبَاشَد ، جَزِ اَنْ كِه آتَشِ قَهْرِ مَن نُمُودِ اُو رَا بَسُوزَانَد . اِي سَخْتِ گِيرِ ؛ اِي سَخْتِ گِيرِ ؛ يَا ذَا الْبُطْشِ الشَّدِيدِ ، يَا قَاهِرُ يَا قَهَّارُ ، اَسْئَلُكَ بِمَا اُوْدَعْتَهُ اِي صَاحِبِ سَخْتِ گِيرِي شَدِيدِ ؛ اِي دَارَايِ سَلْطَه ؛ اِي دَارَايِ غَلْبَه وَ چِيرِگِي فَرَاوَانِ ؛ بِه وَاسِطَه اَنْ عَزْرَائِيلَ مِنْ اَسْمَاءِ اَيْكِ الْقَهْرِيِّ ، فَاَنْفَعَلْتُ لَهُ النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ ، اَنْ نَامِ هَايِ قَهْرِي كِه بِه عَزْرَائِيلِ سِپَرْدَه اِي وَ تَمَامِ جَانِ هَا خَوَاهِ نَاخَوَاهِ تَحْتِ تَأْثِيرِ قَهْرِ وَ غَلْبَه اُو هَسْتِنْد ، اَز تُو دَرخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ تَا دَر تُو دَعْنِي هَذَا السَّرِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ ، حَتَّى اَلْيَنَ بِه كُلِّ صَغْبٍ ، هَمِينِ سَاعَتِ اَز زَنْدِگَانِيْمِ اَنْ رَازِ ( كِه بِه عَزْرَائِيلِ سِپَرْدَه اِي ) رَا بِه مَن

نیز عنایت فرمایی؛ تا در نتیجه هر سخت دشواری را نرم کنم، وَأَدَّلَّ بِهِ كُلَّ مَنِيحٍ ، بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَيْنِ .

حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

و هر نیرومندی را خوار و در اختیار قرار دهم؛ به کمک نیرویت، ای دارای نیروی استوار .

این دعا هنگام سحر - در صورت امکان - سه مرتبه و هنگام صبح سه مرتبه و در شب نیز سه مرتبه خوانده شود . البته اگر مشکلات خواننده این دعا بسیار سخت و غیر قابل تحمل است پس از قرائت دعا سی مرتبه این دعا را نیز بخواند :

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، أَشْئُكَ اللَّطْفَ بِمَا آيَ بَخْشَنده ؛ آي مهربان حقيقي ؛ آي مهربان ترين مهربانان ؛ از تو لطف را نسبت به آنچه جَزَتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ . (۴۲)  
جاری گشته به آن مقدرات تقاضا دارم .

### ۳۱ حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار ، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» ، و مرحوم کفعمی در «البلد الأمين» حرز مولای مان امام زمان ارواحنا فداه را چنین نقل کرده اند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ ، وَهَازِمَ الْأَخْرَابِ ، يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ ، يَا مُسَيِّبَ آي صَاحِبِ اخْتِيَارِ هَمَّكَانِ ؛ آي شكست دهنده حزب های متحد شده ؛ آي گشاینده درها ؛ آي سبب ساز حقيقي تمام الْأَشْيَابِ ، سَبَبٌ لَنَا سَبَباً  
لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَباً ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، سَبَبٌ هَا ؛ سَبَبِي بَرَايَ مَا بَسَازُ كِه تَوَان دَسْت يَابِي وَ جَسْتَجَوِيش رَا نَدَارِيمُ ؛ بَه حَقِّ كَلِمَه شَهَادَتِيْنَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آئِهِ أَجْمَعِينَ . (۴۳)

«محمد رسول الله» ؛ كه

### ۳۲ دعای حجاب (پنهان بودن) ، از امام عصر عجل الله تعالی فرجه

اَللّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عَيْوُنِ اَعْدَائِي ، وَاَجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ اَوْلِيَائِي ، بار الها ؛ مرا از دیده دشمنانم بپوشان ، و مرا با دوستانم گرد هم بیاور ، وَاَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي ، وَاَحْفَظْنِي فِي عَجَبِي اِلَى اَنْ تَأْتُنِي لِي وَاَنْ جِهَ رَا  
به من وعده فرموده ای به انجام برسان ، و مرا در زمان غیبت و پنهانم - تا آن گاه که اجازه آشکار شدنم فی ظُهْورِي ، وَاَحْيِي بِي مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسَنَّكَ ، وَاَعَجِّلْ رَا صَادِرَ مِي فَرْمَائِي - در حفظ و  
نگهبانی خود بدار، و واجبات و مستحباتی که کهنه شده اند به دست من زنده کن، و در فَرَجِي ، وَسَيَهِّلْ مَخْرَجِي ، وَاَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ شَيْطَانًا نَصِيرًا ، گشایش امرم شتاب فرما، و شرایط قیام مرا آسان و  
فراهم گردان ، و از جانب خودت برایم سلطنتی یاری کننده مقرر دار ، وَاَفْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا ، وَاَهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ، وَقْنِي جَمِيعَ وَاَشْكَارِي نَصِييمِ سَاز، و مرا در راه راست رهنمون باش، و مرا از  
مَأْخِذُهُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ ، وَاَحْجُبْنِي عَنْ اَعْيُنِ الْبَاغِضِيْنَ ، ستمگرانی که حذر می کنم در حفظ و حراست بدار، و مرا از دیده کینه توزان النَّاصِبِيْنَ الْعَدَاوَةَ لِاَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ ، وَاَلَيْصَلْ مِنْهُمْ اِلَى اَحَدٍ و دشمنان  
سرسخت آل پیامبرت که پرچم دشمنی به دوش دارند پنهان بدار ، و مگذار هیچ گزندی از هیچ کسی به من رسد . بِسُوءٍ . فَاِذَا اُذِنْتَ فِي ظُهْورِي فَاَيَّدْنِي بِجُنُودِكَ ، وَاَجْعَلْ مِنْ اَنْ جِهَ رَا ظُهْورِ و

آشکار شدن مرادادی نیز با سپاهیان خودت موفق و تأییدم فرما، وَ يَتَّبِعُنِي لِئُضَيِّرَهُ دِينَكَ مُؤَيَّدِينَ ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ ، وَعَلَىٰ بِيروانم را که برای یاری دینت گرداگرد من هستند و در راه تو جهاد می کنند نیز تأیید کن و موفق فرما؛ مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مُّتَّصِرِينَ ، وَوَفَّقَنِي لِإِقَامَةِ دَعَايِهِمْ فِي يَوْمِ الظُّهُورِ

(این دوستانم را) بر بدخواهان من و ایشان یاری کن . مرا موفق کن تا خدودک ، وَأَنْصِرُنِي عَلَىٰ مَنْ تَعَدَىٰ مَخْدُودَكَ . وَأَنْصِرِ الْحَقَّ ، حدود تو را برپا گردانم، و بر هر کسی که پا از مرز و حدود تو فراتر گذاشته است مرا یاری فرما و غالب گردان . حَقِّ و راستی را یاری کن، وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ، وَأُورِدُ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتِي وَ بَاطِلِ رَا نَابُود و نیست گردان؛ چرا که باطل رفتنی است. آن دسته از دوستان و بیروان و آنصاری مَنْ تَقَرَّبُوا بِهِمُ الْعَيْنُ ، وَيَسُدُّ بِهِمُ الْأُزْرُ ، وَاجْعَلُهُمْ فِي وَ يَارَانِ مَرَا كَه مَوْجِبِ چشَمِ رُوشَنِي وَ پِشْتِ گِرمیِ هِسْتَنْدِ، نَزْدِ مَن بِيَاوِرُ؛ و ایشان را نیز در جِوَزِكِ وَأَمْنِكَ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۴۴)

نگهبانی و امیتت ویژه ات قرار بده؛ این کارها را) با رحمت خود انجام بده، ای مهربان ترین مهربانان.

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» بعد از نقل این دعای حجاب و حجاب های دیگر فرموده است : این حجاب ها ، از جمله چیزهایی هستند که به ما خواندن آنها الهام شد هنگامی که سیل آمد و موجب غرق شدن عده ای شد و آب همه جا را فرا گرفته بود و

به سختی می توانستیم جان سالم به در ببریم ، و شدت سیل باعث ویرانی مناطق سیل زده شده بود . با اجابت این دعاها امکان ماندن ما در آن جا و دفع شدن این گرفتاری ها حاصل شد و ضامن سلامتی ما از این حوادث گشت . و خداوند را سپاس . (۴۵)

### ۳۳ دعا برای فرج در روز ظهور

شیخ نعمانی رحمه الله در کتاب «الغیبه» این دعا را از یونس بن ظبیان نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود :

وقتی شب جمعه فرا می رسد ، خدای تعالی فرشته ای را به آسمان دنیا می فرستد ؛ پس از دمیدن صبح ، آن فرشته بر عرش نشسته و بر بالای بیت المعمور قرار می گیرد ، و منبرهایی از نور برای حضرت محمد ، حضرت علی ، امام حسن و امام حسین علیهم السلام آماده می کند ، و آن ها بر فراز منبرها می روند و فرشتگان و پیامبران و مؤمنان گرداگرد ایشان در می آیند و درهای آسمان گشوده می شود .

هنگامی که ظهر فرا رسد ، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم عرض می کند : پروردگارا ؛ زمان انجام وعده تو که در قرآن فرموده ای کی فرا می رسد .

(و آن وعده، این آیه شریفه است :)

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (۴۶) .

خدا به مؤمنانی که اعمال شایسته دارند وعده داده که به طور حتم ایشان را - همانند پیشینیان که به خلافت رسانید - به خلافت و حکومت بر زمین گمارد، و شرایط اجرای دینی را که برای شان پسندیده است فراهم سازد، و به جای خوف و هراسی

که در روزگار برای ایشان به وجود آمده است امتیّت و آرامش را جایگزین سازد .

پس از این ، فرشتگان و پیامبران نیز همین دعا را می کنند ؛ سپس حضرت محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السلام به سجده می افتند، و عرضه می دارند :

يَا رَبِّ اغْضَبْ ، فَإِنَّهُ قَدْ هَتَكَ حَرِيمَكَ ، وَقَتِلْ أَضْفِيَاءُؤُكَ ، وَأُدِلَّ پروردگارا؛ خشم کن؛ زیرا، حرمت شکسته شد، و برگزیدگان کشته شدند، عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ .

و بندگان صالح و شایسته تو به خواری کشیده شدند .

دعای حضرت ... در اوّل ظهور

خداوند دعای آنان را می پذیرد و «روز معلوم» همان روز است .(۴۷)

### ۳۴ دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در اوّل ظهور

در روایتی آمده است که مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید : ای آقای من ؛ از کجا و چگونه حضرت مهدی صلوات الله علیه ( آشکار می شود و ظهور می فرماید ؟

حضرتش فرمود :

ای مفضل ؛ او به تنهایی آشکار می شود؛ به تنهایی نزد خانه کعبه می آید؛ به تنهایی داخل خانه کعبه می شود.

تنهاست که تاریکی شب او را فرا می گیرد؛ و آن گاه که چشمان مردم به خواب رفت و تاریکی شب زیادت تر گشت ، جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان، در صف های منظم به خدمتش شرفیاب می شوند و جبرئیل به آن بزرگوار عرضه می دارد: ای آقای من؛ گفتارت پذیرفته شد، و اجازه کار (ظهور) به تو عطا شد .

آن امام بزرگوار، در این حال دستان مبارکش را بر چهره شریف خود می کشد و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ ، وَأَوْزَنَنَا الْأَرْضَ ، نَبَّؤُهُ مِنْ سِياسِ وَيُوهِ خداست که وعده خویش را نسبت به ما انجام داد، و ما را وارث زمین گردانید، تا هر کجا



امان است .

خضر و الیاس علیهما السلام هر ساله یکدیگر را در مراسم حج ملاقات می کنند، و هنگام خداحافظی با خواندن این دعا از یکدیگر جدا می شوند.

... هنگام عبور از وادی السلام

این ، شعار شیعیان من است ، و در زمان قیام حضرت قائم ارواحنا فداه نیز دوستان و دشمنانم با این عبارات از یکدیگر شناخته و جدا می شوند . (۵۰)

### ۳۶ دعای آن حضرت عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فِرْجَةَ هِنْكَامِ عُبُورِ از وادی السلام

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرماید :

گویا او ( حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ) را می بینم که سوار بر اسبی آراسته که پیشانی آن از سفیدی می درخشد ، از وادی السلام عبور می کند و به سوی رودخانه سهله می رود و این دعا را می خواند :

لا- إلهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا ، لا إلهَ إِلَّا اللَّهُ إيماناً وَصِدْقاً ، لا إلهَ إِلَّا اللَّهُ به حقیقت و واقعیت اعتراف می کنم که جز خدا معبودی نیست؛ ایمان دارم و تصدیق می کنم که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ از روی بندگی و تَعَبُّداً وَرِقاً . اللَّهُمَّ مُعَزِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَوَحِيدٍ ، وَوَمِدَّلَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ، سلب اختیار از خود در برابر خدا، عرضه می دارم که جز او معبودی نیست . بار الها؛ ای عزت بخش هر مؤمن غریب و تنها؛ ای کسی که اَنْتَ كُنْفَى حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ ، وَتَضَيِّقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا هُر ستمگر زورگوی کینه توزی را تو خوار می کنی؛ تو تنها پناهگاه و حامی من هستی ؛ آن گاه که راه های گوناگون مرا به رنج افکند ؛ و زمین رَحِيْبٌ . اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتُ غَيْباً عَنْ خَلْقِي ، وَلَوْلَا نَصْرُكَ با این همه گستره و پهنا، بر من تنگ آید . بار الها ؛ تو مرا



آفریده ای در حالی که بی نیاز از آفرینش من بودی؛ اگر جز یاری رساندن تو بود، اِیَّای لَکُنْتُ مِنَ الْمَعْلُوبِیْنَ ، یا مُنْتَبِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا ، به طور حتم من نیز از شکست خوردگان بودم . ای خدایی که رحمت و مهربانی خویش را از جایگاه های آن می پراکنی؛ و مُخْرَجَ الْبَرَکَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا ، و یا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ ای خدایی که برکت ها را از معدن های آن بیرون می آوری؛ ای خدایی که بلند مرتبگی الرَّفْعَةِ ، فَأَوْلِیَاؤُهُ بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ ، یا مَنْ وَصَّعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیْرَ و والایی را به خویش اختصاص داد، و بدین سان دوستانش به واسطه عزت او عزت مند می شوند؛ ای که تمام پادشاهان، الْمَدْلَهُ عَلَیْ أَعْنَاقِهِمْ ، فَهَمُّ مِنْ سِطْوَتِهِ خَائِفُونَ ، اَسْأَلُكَ بِاسْمِکَ یَوْغِ خِواری و ذلت را بر گردن خویش در برابر تو افکنده اند، و از خشم تو و هیبت پیوسته بیمناک هستند؛ به واسطه آن نامت از تو الذی فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَکَ ، فَکُلُّ لَکَ مُدْعُونَ . اَسْأَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ دَرخواست می کنم که آفریدگانت را با آن آفریدی، و همه به فرمان برداریت گردن نهاده اند . از تو درخواست می کنم عَلَی مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تُنْجِزَ لَیْ اَمْرَی ، وَتُعَجِّلَ لَیْ فِی الْفَرَجِ ، که بر محمّد صلی الله علیه و آله وسلم درود بفرستی، و کار مرا به انجام برسانی، و در گشایش و فرج کار من شتاب فرمایی، وَتَکْفِیْنِی وَتُعَافِیْنِی وَتَقْضِیَ خِوَابِجِی ، اَلْسَاعَةَ السَّاعَةَ ، اَللَّیْلَةَ و مرا کفایت کنی و عافیت و سلامتی ببخشی و خواسته هایم را برآورده سازی؛ در همین ساعت؛ در همین ساعت؛ همین امشب؛ اَللَّیْلَةَ ، اِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ . (۵۱)

همین امشب ؛ به راستی

که تو بر هر چیزی توانایی .

### ۳۷ ثواب خواندن سوره «کَهِف»

صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

( اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ وَاٰبِهَا ... )

یکی از صلوات های مجزّب و مؤثّر در گرفتن حاجت ، صلوات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است به این گونه که پانصد و سی مرتبه بگوید :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ وَاٰبِهَا وَبَنِيهَا [وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدِعِ خَدَاوَنَدَا ؛ درود فرست بر فاطمه و پدر بزرگوارش و همسر گرامیش و فرزندان عزیزش ] و به آن رازی که در وجود او به فیها [بَعْدِدِ مَا اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُكَ .

ودیعه نهادی ] به تعداد آن چه دانش تو بر آن احاطه دارد .

این ختم در کتب قدیمه دعا ذکر نشده و از زمان شیخ اعظم انصاری رحمه الله در میان زبان ها افتاده و معروف شده است .

ما به خاطر دو جهت این صلوات را نقل نمودیم :

۱ - اگرچه این صلوات در کتب قدیمه وجود ندارد و از مرحوم شیخ انصاری شنیده شده ولی به خاطر ارتباطی که آن بزرگوار با حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه داشته است به احتمال قوی این دعا از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه صادر شده است .

۲ - مقصود از «السِّرِّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا» حضرت حَجَّتِ عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالٰى فرجه می باشد. (۵۲)

### ۳۸ ثواب خواندن سوره مبارکه «کَهِف»

در این بخش از کتاب ، به برخی از ویژگی های سوره های قرآن می پردازیم ، که با موضوع کتاب نیز بی ارتباط نیستند .

۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید :

هر که سوره مبارکه «کَهِف» را بخواند ، تا هشت روز از هر فتنه ای در امان خواهد بود؛ بدین سان، اگر دجال نیز در آن هشت روز خروج کند ، خداوند متعال او را

از فتنه دجال محافظت خواهد داشت .

۲- در حدیث دیگری نیز از آن بزرگوار روایت شده است که فرمود :

هر که ده آیه از سوره «کَهِف» را از حفظ بخواند ، فتنه دجال به او ضرری نخواهد رسانید؛ و کسی که تمام سوره را بخواند ، داخل بهشت می شود .

۳- در حدیث دیگری ، حضرت می فرمایند :

هر که ده آیه از ابتدای سوره مبارکه «کَهِف» را حفظ کند ، و پس از آن دجال را درک کند ضرر و زیانی به وی نخواهد رسید . و هر که آیات پایانی این سوره را حفظ کند در روز قیامت نوری روشنی بخش برایش خواهد بود . (۵۳)

### ۳۹ از خواص سوره «یس»

یکی از اهل علم که مورد اعتماد من است قضیه ای را در فضیلت سوره مبارکه «یس» برام نقل کرد: یکی از بندگان خدا در شهر یزد گرفتاری سختی داشت، خدمت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه شرفیاب می شود، در حالی که آن بزرگوار را نمی شناسد، حضرت به او می فرمایند:

سوره «یس» را بخوان ، چون به کلمه «مبین» که در شش مورد آمده است ، رسیدی حاجت خود را تبت کن و پس از قرائت سوره، حاجت خود را درخواست کن ، تا خداوند دعای تو را مستجاب نماید .

گفت : چون در سوره «یس» تأمل کردم ، دیدم کلمه «مبین» در هفت مورد از این سوره آمده است، از این مسئله تعجب کردم ، ولی چون دقت نمودم ، فهمیدم که در شش مورد کلمه «مبین» بدون « الف و لام » آمده است و در یک مورد با «الف و لام» است ، آن گاه سوره را همان طوری

که حضرت فرموده بودند خواندم ، و خداوند متعال دعایم را مستجاب کرد .

#### ۴۰ فضیلت سوره های «مَسَبَّحَات»

فضیلت سوره های «مَسَبَّحَات»

جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که :

هر که سوره های مَسَبَّحَه را پیش از خواب بخواند ، پیش از مرگ ، حضرت مهدی (صلوات الله علیه) را درک خواهد کرد ، و اگر بمیرد نیز در همسایگی پیامبر خواهد بود . (۵۴)

طریحی رحمه الله سوره های مَسَبَّحَه را سوره هایی می داند که با تسبیح الهی آغاز شده باشند .

ملا محمد صالح مازندرانی رحمه الله می گوید : مَسَبَّحَات سوره هایی هستند که در آغازشان کلمه های «سَبَّحَ» یا «یَسَبَّحُ» یا «سَبَّحَ» یا «سُبْحَانَ» آمده باشد .

بنابراین احتمال ، این سوره ها هفت سوره هستند : سوره اسراء ، سوره حدید ، سوره حشر ، سوره صَفَّ ، سوره جمعه ، سوره تغابن و سوره مبارکه اعلی .

ولی مرحوم کفعمی در حاشیه «مصابح» خود پس از بازگو کردن روایت مذکور ، می گوید : مَسَبَّحَات ؛ نام پنج سوره قرآنی است . و جز سوره اسراء و اعلی ، بقیه را نام برده است . شیخ صدوق رحمه الله در فضیلت سوره تغابن به عنوان آخرین سوره مَسَبَّحَه ، این روایت را آورده است و از کلامش برمی آید که وی نیز این سوره ها را پنج تا می داند . مجلسی رحمه الله در «حلیه المتقین» ، و نیز فیض کاشانی رحمه الله در کتاب «وافی» تصریح کرده اند که تعداد این سوره ها پنج سوره است .

یکی از فضلاء می گوید : بهتر است بدانید که برای تحقّق شرط مزبور در روایت فوق ، خواندن این سوره ها برای یک مرتبه هم کفایت می کند و مراد - یعنی درک زمان

حضرت مهدی صلوات الله علیه یا همسایگی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم - حاصل خواهد شد .

لیکن ، در این مقام که مقصود تشویق به خواندن این سوره ها و عادت کردن به تلاوت آن هاست ، ظاهر آن است که درک آن حضرت یا همسایگی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با تکرار و عادت کردن به تلاوت سوره های یاد شده خواهد بود .

البته ، پر واضح است که ترک آن در بعضی از اوقات ، ضرری به تکراری که لازمه ادراک آن حضرت یا جوار پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است نمی زند .

از سویی در ظاهر مراد از درک آن حضرت ، درک با آگاهی و شناخت آن حضرت است .

سببش نیز می تواند یا این باشد که این سوره ها در مورد حضرت مهدی صلوات الله علیه و ویژگی ها و حالت های اوست ؛ اگرچه ما آن را ندانیم و یا خاصیت خواندن این سوره ها این خواهد بود . این مطلب در مورد سوره های دیگری که ثواب و پاداش معینی دارند نیز صدق می کند . (۵۵)

مؤلف گوید : درباره «آیه الکرسی» و آیه شریفه «نور» و آیه «رَبِّ أَدْخُلْنِي» و آیات دیگر ختماتی ذکر شده است که مناسب با این موضوع است ، ولی از نقل آن ها صرف نظر نمودیم .

باید توجه داشته باشیم که عالی ترین راه برای تشرف به محضر مقدس حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه جلب توجه و رضایت کامل آن بزرگوار می باشد .

#### **۴۱ خواندن سوره «القارعه» سبب ایمنی از فتنه دجال است**

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که می فرماید :

هر کسی که سوره مبارکه «قارعه» را تلاوت کند خداوند او را از فتنه دجال از این که به

او بگردد و نیز از سختی جهنم در امان نگاه می دارد. (۵۶)

.....(Anotates).....

(۱)

(۲)

(۳) مفاتیح الجنان : ۱۰۶۱ ، زاد المعاد : ۴۸۸ ، البلد الأمين : ۱۲۴ ، مصباح الزائر : ۴۵۵ ، المصباح : ۷۲۹ ، الصحیفه الصادقیه : ۲۰۴ ، باب السعاده : ۲۱۴ .

(۴) سوره توبه ، آیه ۱۱۱ .

(۵) سوره فتح ، آیه ۱۰ .

(۶) مکیال المکارم : ۲۳۰/۲ .

(۷)

(۸) مهج الدعوات : ۳۹۸ ، بحار الأنوار : ۳۳۷/۹۵ ، نجم الثاقب : ۷۸۲ .

(۹) جمال الأسبوع : ۳۰۷ ، و در مصباح المتهجد : ۴۰۹ ، المصباح : ۷۲۶ ، و البلد الأمين : ۱۲۲ با تفاوتی اندک . نیز، سید بن طاووس رحمه الله با کمی کاستی و فزونی همین را در کتاب مصباح الزائر : ۴۵۷ نقل کرده است .

(۱۰)

(۱۱)

(۱۲)

(۱۳) جمال الأسبوع : ۳۱۵ ، و در مصباح المتهجد : ۴۱۱ ، و مصباح الزائر : ۴۲۵ با اندکی تفاوت .

(۱۴)

(۱۵)

(۱۶) جمال الأسبوع : ۳۱۴ .

(۱۷) مهج الدعوات : ۳۹۶ .

(۱۸) مهج الدعوات : ۳۹۶ ، بحار الأنوار : ۳۳۶/۹۵ ، النجم الثاقب : ۴۸۲/۲ .

(۱۹)

(۲۰)

(۲۱) بحار الأنوار : ۳۵۵/۹۵ .

(۲۲)

(۲۳)

(۲۴) مصباح المتهجد : ۲۳۸ .

(۲۵) جنات الخلود : ۴۱ .

(۲۶)

(۲۷)

(۲۸) مفتاح الفلاح : ۴۹۸ ، المصباح : ۱۹۴ (با اندکی تفاوت) .

(۲۹) مفتاح الفلاح : ۵۰۲ .

(٣٠) مصباح المتهجد : ٤٠٥ .

(٣١)

(٣٢) مهج الدعوات : ٣٥٢ .

(٣٣) المصباح : ٣٥٤ ، البلد الأمين : ٤٧٩ .

(٣٤)

(٣٥) المصباح : ٤٠٧ ، جنات الخلود : ٤١ ، ضياء الصالحين : ٥٣٣ ، الجُنه الواقيه والجُنه الباقيه (مخطوط) : ٥٩ .

(٣٦) منتخب الأثر : ٣ . ٥٢١ . قصص

(۳۹) الكلم الطيب : ۱۴ .

(۴۰) جنة المأوى : ۲۲۶ ، دار السلام : ۲۸۸/۱ .

(۴۱) العبقري الحسان : ۱۱۷/۱ المسك الأذفر .

(۴۲) الكلم الطيب : ۱۰ ، جنة المأوى : ۲۲۵ ، دار السلام : ۲۸۸/۱ .

(۴۳) مهج الدعوات : ۶۴ ، المصباح : ۴۰۷ .

(۴۴) مهج الدعوات : ۳۶۰ ، المصباح : ۲۹۶ .

(۴۵) مهج الدعوات : ۳۶۱ .

(۴۶) سورة نور ، آيه ۵۵ .

(۴۷) مكيال المكارم : ۳۹۳/۱ ، از الغيبه مرحوم نعماني : ۲۷۶ .

(۴۸) سورة زمر ، آيه ۷۴ .

(۴۹) بحار الأنوار : ۷/۵۳ .

(۵۰) مكيال المكارم : ۱۹۳/۱ ، بحار الأنوار : ۲۴/۳۹ .

(۵۱) العدد القويّه : ۷۵ ، دلائل الإمامه : ۴۵۸) با تفاوتی اندك .

(۵۲) رجوع كنيد به : «الصحيفه المباركه المهديه» .

(۵۳) مكيال المكارم : ۱۶۶/۱ .

(۵۴) ثواب الأعمال : ۱۱۸ .

(۵۵) دار السلام : ۹۱/۳ .

(۵۶) المصباح : ۶۰۰ ، ثواب الأعمال : ۱۲۵ .

**بخش هفتم: توسل به حضرت بقیه الله عليه السلام**

#### اشاره

علامه مستنبط رضوان الله عليه چنین می فرماید : از نظر عقل و نقل بر ما لازم است که به الطاف حضرت حجّت ارواحنا فداه چنگ زنیم و در سختی ها و مشکلات به او پناه بریم .

چرا که آن بزرگوار ، سلطان زمان و امام و پیشوای عصر حاضر است ؛ گر چه از دیدگان ما غایب است ، همانا او ما را می بیند ولی ما او را نمی بینیم ، یا او را می بینیم ولی نمی شناسیم . به هر حال خورشید عنایتش بر ما می تابد ، حاجت هر کسی را که به او توسل جوید ، برآورده می سازد .

ایشان می افزایند : از این توسل آثار و نتایج عجیبی



یافتم و هرگز خلافتی از آن مشاهده نکردم .

آری ؛ هر کس لذت توکل به دامان باکرامتش را نچشیده باشد از این حقایق بی بهره است ؛ «بنفسی [أنت] من مغیب لم یخل منّا» ؛ «جانم فدایت ؛ تو آن غایبی هستی که از میان ما خارج نمی باشد» . (۱)

### جریان دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله

#### جریان دعای توسل ...

مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی اهل قریه جهرود ساوه بوده و ولادت باسعادت او در یازدهم جمادی الاولی سال پانصد و نود و هفت در شهر طوس اتفاق افتاده که ماده تاریخ او با آیه کریمه «جاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (۲) موافق است و در هیجدهم ماه ذیحجه سال ششصد و هفتاد و دو از این جهان درگذشت و مجموع عمر شریفش هفتاد و پنج سال بوده است .

علامه عراقی در کتاب «دار السلام» می نویسد : بنا بر آنچه در زبان ها افتاده و در بعضی از کتاب ها نوشته شده :

خواجه نصیر مدّت بیست سال کتابی در مناقب اهل بیت عصمت علیهم السلام تألیف نمود و آن را با خود به بغداد برد که به نظر خلیفه عباسی برساند .

اتفاقاً وقتی رسید که خلیفه با ابن حاجب برای تفریح و تماشا در کنار شطّ بغداد بودند . خواجه آن کتاب را نزد خلیفه نهاد و او آن را به ابن حاجب داد و چون آن ناصبی نظر به مناقب ائمه اطهار علیهم السلام نمود از شدت بغض ، آن کتاب را در آب انداخت و از روی استهزا گفت : «أعجبتی تلمّه» ؛ یعنی : صدای افتادن این کتاب در آب ، مرا به تعجب درآورد .

پس رو به آن جناب کرد

و گفت: اهل کجایی؟

خواجه فرمود: اهل طوسم.

گفت: از گاوآن یا از خران آن محل هستی؟

خواجه فرمود: از گاوآن محلّم!

ابن حاجب گفت: پس ساخت در کجاست؟

خواجه فرمود: شاخم را در طوس گذاشته ام می روم و آن را می آورم!

پس خواجه مهموم و مغموم و محروم روی به دیار خود نهاد، اتفاقاً شبی در خواب بقعه ای را دید که در مکانی قرار گرفته و در آن بقعه مقبره ای است که بر آن مقبره صندوقی نهاده اند و بر آن صندوق دعایی را که معروف است به دعای توسل خواجه نصیر نوشته اند و حضرت حجّت عجل الله فرجه در آن بقعه می باشد.

پس آن بزرگوار آن دعا و کیفیت ختم آن را تعلیم خواجه فرمود. چون از خواب بیدار شد قسمتی از آن را فراموش کرده بود. بار دیگر خوابید و همان جریان را دو مرتبه در خواب دید و قسمت فراموش شده را از آن بزرگوار یاد گرفت.

چون بیدار شد مجموع آن را که در خاطرش محفوظ مانده بود به رشته تحریر درآورد، و برای تلافی عمل خلیفه و ابن حاجب و انتقام گیری از آن ها مشغول انجام آن ختم گردید، تا آن که دعایش به اجابت مقرون شد، و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه او را بشارت داد که حاجت به دست کودکی روا می گردد و تو باید آن کودک را تربیت کنی تا در آینده به قدرت برسد، و به شهر و بلد او اشاره فرمود.

پس خواجه با رمل، محله آن کودک را تعیین کرد و

خانه او را جستجو نمود. زنی را در آن خانه دید که دو طفل داشت، آن دو طفل را از او درخواست کرد و به تربیت آن‌ها پرداخت و به فراست دانست که پادشاه آینده کدام یک از ایشان است و آن هلاکو خان بود. پس در تربیت او نهایت اهتمام را نمود تا هلاکو به حدّ رشد رسید.

روزی به او گفت: اگر تو پادشاه شوی زحمت مرا چگونه جبران می‌کنی؟

هلاکو گفت: تو را وزیر خود می‌کنم.

خواجه گفت: لازم است آنچه را می‌گویی بنویسی.

هلاکو آن را نوشت و به خواجه داد. پس از مدّت زمانی هلاکو حاکم خراسان را کشت و به جای او نشست و خواجه را وزیر خود کرد. پس از استیلاء بر خراسان، به سوی شهرهای دیگر لشکر کشید و شهر به شهر را در حیطه تصرف خود درآورد تا آن که به بغداد هجوم آورد و مستعصم خلیفه عباسی را دستگیر نموده و او را کشت و با مردم آن دیار به عدالت رفتار کرد.

ابن حاجب چون واقعه را چنان دید در خانه شخصی پنهان شد و طشتی را پر از خون کرد و بر آن طشت چیزی گذاشت و روی آن نشست تا از دلالت رمل خواجه در امان بماند.

خواجه چون رمل انداخت ابن حاجب را در بالای دریایی از خون دید و حیران ماند هر چند از او جویا شد اثری نیافت؛ آخر الأمر در این مورد تدبیر و اندیشه نمود که تعدادی گوسفند وزن کند و بین اهل بغداد تقسیم نماید و با

آنان شرط کند هر کس گوسفندی را که گرفته باید به همان وزن اول تحویل دهد ، و گوسفندی هم به میزبان ابن حاجب داد .

او در این مورد که آن گوسفند را چگونه نگهداری کند تا در وقت تسلیم در وزن آن تفاوتی نباشد با ابن حاجب مشورت کرد .

ابن حاجب گفت : باید بچه گرگی به دست آوری و هر روز از صبح تا شام گوسفند را علوفه کافی داده و چون شب شود گرگ را به او نشان دهی تا هر چه در آن روز فربه گشته با دیدن گرگ از او کم شود و با مداومت بر این عمل تا زمانی که گوسفند نزد تو باشد در آن تفاوتی ظاهر نمی شود .

پس آن مرد به دستور ابن حاجب عمل کرد تا آن که گوسفند را رد کرد ، دیدند همه آن گوسفندها تفاوت وزن پیدا کرده اند مگر گوسفندی را که در دست میزبان ابن حاجب بوده است .

خواجه به زیرکی و فراست دانست که ابن حاجب در خانه آن شخص است و این تدبیر او بوده است .

غلامان را به دنبال ابن حاجب فرستاد و آن ها او را گرفته و نزد خواجه و هلاکو آوردند ، خواجه به او گفت : شاخ من این پادشاه است که در طوس بود و من وعده آوردن او را به تو دادم .

بعد او را با خود به کنار شطّ برد و دستور داد همه کتاب های او را حاضر کردند ؛ آنگاه تمام تألیفات او را جز شافیه ، وافیه و مختصر که برای مبتدیان علم صرف و نحو مفید است ، در آب انداخت

و گفت: «أعجبتني تلمه»؛ یعنی صدای به آب افتادن آن، مرا به تعجب درآورد، و سپس دستور قتل او را صادر کرد. (۳)

این جریان را درباره صدور این دعا از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ذکر نموده اند، ولی همان گونه که در «دار السلام» به آن تصریح شده درستی این قضیه مورد تردید است؛ زیرا تاریخ فتح بغداد با زمان فوت ابن حاجب موافقت ندارد و در جریان حمله هلاکو به بغداد که با تدبیر و اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی انجام شد و نیز در تاریخ این قضیه، نکاتی وجود دارد که صحت جریان مذکور را خدشه دار می کند:

۱- آن گونه که در تاریخ ثبت شده است، مرگ ابن حاجب در اسکندریه (۴) واقع شده است نه در بغداد آن هم با خصوصیتی که در این قضیه نقل شده است.

۲- مرگ او نه سال قبل از فتح بغداد صورت گرفته است و در هنگام ورود هلاکو و خواجه نصیرالدین طوسی رحمه الله زنده نبوده است تا محتاج به نشستن در طشت پر خون باشد.

۳- همان گونه که خواجه نصیرالدین رحمه الله بر اثر استفاده از رمل، شهر و محل هلاکو را بدست آورد آیا نمی توانست از طریق رمل بفهمد که ابن حاجب در کجاست و خون هایی که بالای آن ها نشسته در کجا و کدام مکان قرار دارد؟ و اگر رمل، طشت خون را دریای خون نشان دهد آیا می توان از آن استفاده نمود؟

از همه این ها گذشته خواجه می توانست با رمل، گوسفندی را که در خانه میزبان

این حاجب بوده معین کند و نیازی به شرط کردن عدم تغییر در وزن نداشت .

با این همه ، در اهمیت دعای توسل منسوب به خواجه هیچ گونه تردیدی نیست و مؤلف این کتاب در حلّ برخی از مشکلات از این دعا نتیجه گرفته است .

از مرحوم شیخ بهایی نقل شده که ایشان فرموده اند : از مقدّس اردبیلی سؤال شد که چه چیزی سبب شد تا به مقامات عالیّه نایل شوی ؟

ایشان در جواب فرمودند : مداومت به دعای توسل خواجه نصیر .

#### ۱... دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله دعای توسل معروف به دعای توسل خواجه نصیر رحمه الله

این دعا را سید بزرگوار ، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» نقل نموده است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ خَدَاوَنَدَا ؛ درود و سلام و افزونی و برکت را بر پیامبر فرو فرست آن پیامبر اُمّی ، از مردم عرب از فرزندان هاشم ، الْقَرَشِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَلِيِّ الْتَهَامِيِّ ، السَّيِّدِ الْبُهِيِّ ، الشَّرَاحِ از قبیله قریش ، از مکه و مدینه ، پیامبر سرزمین بطحاء و تهامه ، آن سید الْمَضِيِّ ، الْكَوْكَبِ الدُّرِيِّ ، صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ ، الْمَدْفُونِ خَوْش سِيمَا و چراغ درخشان و ستاره تابان ، صاحب منانت و آرامش ، مدفون در شهر بِالْمَدِينَةِ ، الْعَبِيدِ الْمُؤَيَّدِ ، وَالرُّسُولِ الْمُسَدَّدِ ، الْمُصْطَفَى الْأَمْجِدِ ، مدینه ، بنده تأیید شده ( از خدا ) و فرستاده محکم و استوار شده ، آن برگزیده دارای شکوه و عظمت الْمَحْمُودِ الْأَخْمَدِ ، حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ ، وَسَيِّدِ الْمُؤْمَلِينَ ، وَخَاتَمِ وَپسندیده ستوده ، مورد محبت خدای جهانیان و آقای رسولان و پایان بخش النَّبِيِّينَ ، وَشَفِيعِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَرَاحِمِهِ لِّلْعَالَمِينَ

أبي القاسم محمد پیامبران و شفاعت کننده گنه کاران و رحمت برای عالمیان، ابوالقاسم محمد صلی الله علیه و آله . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا دَرُودَ خِدا بر او و آل او باد . درود و سلام بی کران بر تو ای ابا القاسم؛ ای رَسُولَ اللَّهِ ، يا إمامَ الرَّحْمَةِ ، يا شَفِيعَ الْأَمَّةِ ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي رَسُولِ خِدا؛ ای پیشوای رحمت؛ ای شفیع امت؛ و ای حاجت خداوند بر تمام خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنَا وَمَوْلانا إِنَّا نَوَجِّهُنَا وَاسْتَشْفَعُنَا وَتَوَشَّلْنَا بِكَ إِلَي بندگان؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم الله ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتنا فی الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، يا وَجِيهاً و تو را در دنیا و آخرت پیشاپیش حاجت های مان مقدم می داریم . ای آبرومند عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَي نَزْدِ خِدا ؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما. خداوندا؛ سلام و صلوات و برکات فراوان را بر السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ ، وَالْإمامِ الْمُظَفَّرِ ، وَالشُّجاعِ الْعَضَّنَفَرِ ، أَبِي شَيْبَةَ سَيِّدِ پاك سرشت و امام پیروز و شجاع دلیر ، پدر شنیر و شَنَزَرِ ، قاسِمِ طُوبى وَسَقَرِ ، الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ ، الْأَشْجَعِ الْمَتِينِ ، و شبر، قسمت کننده بهشت و دوزخ، بریده شده از شرک و سرشار از دانش ، شجاعت پیشه بامتانت ، الْأَشْرَفِ الْمُكِينِ ، الْعَالِمِ الْمُبِينِ ، النَّاصِرِ الْمُعِينِ ، وَلِيِّ الدِّينِ ، شرافتمند صاحب جاه و منزلت ، عالم آشکار و یار و مددکار (بیچارگان)، ولی و سرپرست دین، الْوَالِي الْوَلِيُّ ، السَّيِّدِ الرُّضِيِّ

، الْإِمَامِ الْوَصِيِّ ، الْحَاكِمِ بِالْصَّ حَاكِمٍ وَ زَمَامِدَارِ دُوسْتِ دَاشْتِه شُدِه وَ سَيِّدِ پَسَنْدِيدِه؛ اِمَامِ جَانَشِينِ وَ پِيشوایِ مَنصُوصِ بِه نَصِّ الْجَلِيِّ ، الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ ، الْمَدْفُونِ بِالْغَرِيِّ ، لَيْثِ بَنِي غَالِبٍ ، آشْكَارِ ، مَخْلُصِ پَاكِيزِه، دَفْنِ شُدِه دَر سِرْزَمِينِ نَجْفِ ، شِيرِي از تَبَارِ فِرْزَنْدَانِ هَميشه غَالِبِ ، مُظَهَّرِ الْعَجَائِبِ ، وَ مُظَهَّرِ الْغَرَائِبِ ، وَ مُفَرِّقِ الْكِنَائِبِ ، وَ الشَّهَابِ مَظْهَرِ وَ مَحَلِّ ظُهُورِ وَ بَرُوزِ شَكَمْتِي هَا وَ آشْكَارِ كَنْدِه شَكَمْتِي هَا وَ غَرَايبِ ، پِرَاكَنْدِه كَنْدِه غَارْتِ گِرَانِ ، وَ شَهَابِ النَّاقِبِ ، وَ الْهَزْبِ السَّالِبِ ، نُقْطَه دَائِرَه الْمُطَالِبِ ، أَسَدِ اللَّهِ فِرُوزَانِ ، شِيرِ بيشه اِي كِه از كَافِرَانِ هَمِه چيزِ رَا مِي گيرِد ، نَقْطَه پِر گَارِ دَايرَه هَمِه مَقْصِدِهَا ، شِيرِ الْغَالِبِ ، غَالِبِ كُلِّ غَالِبٍ ، وَ مَطْلُوبِ كُلِّ طَالِبٍ ، صَاحِبِ الْمَفَاخِرِ هَميشه پيروِزِ خُدا ، چيرِه شُونْدِه بَرِ هَرِ چيرِه اِي ، وَ مَطْلُوبِ هَرِ جُوينْدِه ، صَاحِبِ افْتِخَارَاتِ وَ الْمَنَاقِبِ ، إِمَامِ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ ، مَوْلَانَا وَ مَوْلَى الْكُوَيْتِيْنَ ، وَ مَنَاقِبِ ، اِمَامِ وَ پِيشوایِ مَشَارِقِ وَ مَغَارِبِ ، مَوْلَا وَ آقَايِ مَا وَ مَوْلَايِ هَرِ دُو جِهَانِ ، الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ تَيْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صِلَوَاتُ پِيشِوَا پَدَرِ حَسَنِيْنَ ، اَمِيرِ مُؤْمِنَانِ ، حَضْرَتِ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبِ نَازِلِ فَرْمَا . دَرُودِ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، خُدا بَرِ او بَاد . دَرُودِ وَ سَلَامِ بَرِ تُو اِي اِبَالْحَسَنِ ؛ اِي اَمِيرِ مُؤْمِنَانِ ؛ يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، يَا أَخَ الرَّسُولِ ، يَا زَوْجَ الْبُتُولِ ، يَا أَبَا اِي عَلِيَّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ ؛ اِي بَرَادَرِ رَسُولِ خُدا وَ هَمَسِرِ زَهْرَايِ بَتُولِ وَ پَدَرِ السَّبْطِيْنَ ، يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِي ، يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا ، إِنَّا دُو سَبِطِ رَسُولِ



خدا؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِوَاسِطَةِ تَوْبِهِ دَرِغَاهِ الْمَهِيِّ رُوي آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و تو را پیشاپیش حاجت هایمان مقدم می داریم حاجاتنا فی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ، یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ، اِسْمَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما. اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْجَلِيلِ الْجَمِيلِ، بار خدایا؛ سلام و درود و برکت را بر سیده بزرگوار نیکوسیرت نازل فرما؛ آن بانوی الْمَغْضُومَةِ الْمَظْلُومَةِ، الْكَرِيمَةِ النَّبِيِّ، الْمَكْرُوبِ الْعَلِيلِ، ذاتِ معصوم از گناه و خطا و مورد ستم قرار گرفته، شریف و بزرگوار، غم و اندوه دیده که سختی ها و مصائب دنیا وجود مقدسش را الْأَخْزَانِ الطَّوِيلِ فِي الْمُدَّةِ الْقَلِيلِ، الرَّضِيَةِ الْحَلِيمَةِ، الْعَفِيفَةِ آزار داد و در اندک زمانی، طولانی ترین غصه ها و مصیبت ها را تحمّل نمود، بانوی پسندیده بردبار و پاکدامن السَّلِيمَةِ، الْمَجْهُولَةِ قَدْرًا، وَالْمَحْفِيَّةِ قَبْرًا، الْمَدْفُونَةِ سِرًّا، صاحب قلب سلیم که قدر و مقامش ناشناخته و قبرش پنهان مانده و پنهانی مدفون گردید وَالْمَغْضُوبِ جَهْرًا، سَيِّدَةِ النَّسَاءِ، الْأُنْسِيَّةِ الْحُورَاءِ، أُمُّ الْأَيْمَةِ وَلِيَّ آشْكَارِا حَقِّشْ غِصْبَ گَرْدِيدِ، سرور زنان و حوریه ای در قالب انسان، مادر امامان النَّبِيَّاءِ النَّجَبِيَّاءِ، بِنْتِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، الْبَتُولِ بزرگوار و نیک نژادان، دختر بهترین پیامبران، پاک و پاکیزه، آن که از تعلقات دنیوی بریده و به سوی معبودش

روی آورد العُدْرَاءَ ، فاطمَةَ النَّبِيِّ الرَّهْرَاءَ عَلَيَّهَا السَّلَامُ . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ وَ جُونِ مَرَوَارِيدِ نَاسِفَتِهِ تَأَلُّوْهُ مِي نَمُوْد ، فَاطِمَه پرهیزگار و ستاره درخشان آسمان پیامبر که درود و سلام بر او باد . صلوات و سلام عَلَيَّكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ يَا فَاطِمَةُ الرَّهْرَاءُ ، يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ بَرْتُو وَ بَرِ ذَرِيَّتِهِ تُو؛ اِي فَاطِمَه زهرا؛ اِي دخت گرامی حضرت محمدصلي الله عليه وآله وسلم رسول الله ، أَيَّتُهَا الْبُتُولُ ، يَا قُوَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ ، يَا بَضْعَةَ النَّبِيِّ ، يَا أُمَّ خَدَا ؛ اِي بتول ؛ و اِي نور چشم پیامبر؛ اِي پاره تن رسول خدا؛ اِي مادر السَّبِيطِيْنَ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَانَا ، إِنَّا دُو سَبِطِ رَسُولِ خَدَا ، اِي حَجَّتِ خَدَا بَر بِنْدگَانَش؛ اِي سَيِّدَه وَ مَوْلَايِ مَا؛ تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ مَا بَه وَاسْطَه تُو بَه دَرگَاهِ الهِي رُوِي آوَرْدَه وَ شَفَاعَتِ طَلِيْبَه وَ تَوَسَّلِ جِسْتَه اِيْم وَ تُو رَا پِيشاپِيش حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهَهُ عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ حَاجَتِ هَايْمَانِ مَقْدَمِ مِي دَارِيْمِ دَر دُنْيَا وَ آخِرَتِ . اِي آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما . اللَّهُ . اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبَى ، خَدَاوِنْدَا ؛ بَرِ سُرُوْرِ بَرگَزِيْدَه سَلَامِ صَلَوَاتِ وَ بَرَكَاتِ خُوِيْشِ رَا نَازِلِ فَرْمَا ، وَالْإِمَامِ الْمُتَوَجَّحِي ، سَيِّبِطِ الْمُصْطَفِي ، وَابْنِ الْمُتَوَضَّئِي ، عِلْمِ بِيْشَوَايِي كِه اَمِيْدِ (كِرْمِ وَ رَحْمَتِ) اَز دَرگَاهِشِ مِي رُوْد ، سَبِطِ بِيْاْمَبْرِ مِصْطَفِي وَ فَرزَنْدِ عَلِيِّ مَرْتَضِي ، پَرچَمِ الْهُدَى ، الْعَالِمِ الرَّفِيعِ ، ذِي الْحَسَبِ الْمُنْعِجِ ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ ، هِدَايَتِ

و عالم بلندمرتبه و آن که دارای حسبی گرامی و ارجمند و جامع فضیلت ها و الشرف الرفیع ، الشفیع ابن الشفیع ، المقتول بالسم القبیح ، و صاحب شرافت رفیع است ، شفاعت کننده ای از زادگان شفاعت کننده ، کشته شده با زهر کشنده المذفون بأرض البقیع ، العالم بالفرائض و السنن ، صاحب مدفون در سرزمین بقیع ، عالم و دانشمند نسبت به واجبات و مستحبات دین ، صاحب الجود و الیمین ، کاشف الضر و البلوی و الیمین ، ما ظهَرَ مِنْهَا بَخْشِشٍ وَ احسان، بر طرف کننده بیچارگی ها و سختی ها و محنت ها، از آشکار و ما بطن ، الَّذِی عَجَزَ عَنْ عَدِّ مَدَائِحِهِ لِسَانُ اللُّسَنِ ، الْإِمَامُ وَ نَهَانِ ، آن که زبان مادحان از شمارش خوبی هایش عاجز و ناتوان باشد ، امام بِالْحَقِّ الْمُؤْتَمَنِ ، أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ ( صِلُوا تُ اللَّهُ وَ سَلَامُهُ بِرِ حَقِّ امانتدار ، حضرت ابامحمد امام حسن - که درودها و سلام های خدا علیه . ) الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ ، يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، بر او باد - . درود و سلام بر تو ای ابامحمد؛ ای حسن بن علی؛ أَيُّهَا الْمُجْتَبَى ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا بَنَ إِي مَامِ بَرِ كَرِيْدِهِ ؛ ای زاده رسول خدا؛ ای زاده امیر مؤمنان و فاطمه الزهراء ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ فَاطِمَةَ زَهْرَا ؛ ای حجت خداوند بر آفریدگانش ، ای سرور جوانان اهل الجنته ، يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ بِهَيْشْت؛ ای آفا و مولای ما ؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم اِلَى اللَّهِ ،

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَتُورَا بِبِشَائِيشِ خَوَاسْتِه هَاي مَان مَقْدَمِ مِي دَارِيمِ دَر دُنْيَا وَ آخِرَتِ . اِي وَجِبِهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ اَبْرُومِنْدَ نَزْدِ خُدَا ؛ بِرَايِ  
مَا نَزْدِ خُدَا شَفَاعَتِ فَرْمَا . خُدَاوِنْدَا ؛ سَلَامِ وَ صَلَوَاتِ وَ وَبَارِكْ عَلَيَّ السَّيِّدِ الرَّاهِدِ ، وَ اَلْاِمَامِ الْعَابِدِ ، اَلْزَاكِعِ الْمَسْجِدِ ، وَ لِيَّ بَرَكَاتِ خُوَيْشِ رَا بِرِ اَنْ سُرُورِ زَهْدِ بِيْشِه وَ اِمَامِ عِبَادَتِ كُنْنِدِه فَرُو فَرَسْتِ اَوْ كِه هِمَوَارِه  
دَر رُكُوعِ وَ سَجُودِ بُوْدِ ، سِرْبَرَسْتِ اَزِ الْمَلِكِ الْمَاجِدِ ، وَ قَتِيلِ الْكَافِرِ الْجَاجِدِ ، زَيْنِ الْمَنَابِرِ وَالْمَسَاجِدِ ، طَرَفِ بَادِشَاهِ صَاحِبِ اِخْتِيَارِ بَاشْكَوَه وَ عَظْمَتِ ، وَ كَشْتِه شُدِه تَوْسُطِ كَافِرِ عِنَادِ بِيْشِه ، زِينَتِ بَخْشِ مَنبِرِهَا وَ  
مَسَاجِدِ ، صَاحِبِ الْمِخْنَةِ وَالْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءِ ، سَيِّئِطِ صَاحِبِ سَخْتِي وَ اِنْدُوَه وَ بَلَا ، دَفْنِ شُدِه دَر سِرْزَمِيْنِ كَرْبَلَا ، سَبْطِ رَسُوْلِ الثَّقَلَيْنِ ، وَ نُورِ الْعَيْنَيْنِ ، مَوْلَانَا وَ مَوْلَى الْكَوْنَيْنِ ، اَلْاِمَامِ پِيَامْبِرِ  
جَنِّ وَ اِنْسِ ، وَ نُورِ چَشْمَانِ ، مَوْلَايِ مَا وَ مَوْلَايِ دُو جِهَانِ اِمَامِ بِالْحَقِّ اَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) . اَلصَّلَاةُ بِرِ حَقِّ حَضْرَتِ اِبَاعَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ - دَرُودِهَا وَ رَحْمَتِ هَايِ خُدَايِ بِرِ اَوْ بَادِ - .  
دَرُودِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ ، يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ، اَئِيْهَا الشَّهِيدُ وَ سَلَامِ بِه مَحْضَرِ مَقْدَسِ تُو اِي اِبَاعَبْدِ اللَّهِ ؛ اِي حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ؛ اِي شَهِيْدِ رَاهِ خُدَا يَا بِنَّ رَسُوْلِ اللَّهِ ، يَا بِنَّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، يَا بِنَّ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ ،  
يَا وَ اِي زَادِه پِيَامْبِرِ اَوْ ؛ اِي فَرْزَنْدِ اَمِيْرِ مُؤْمِنَانِ وَ فَاطْمِه زَهْرَا . اِي سَيِّدِ سَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ

عَلَى خَلْفِهِ ، يَا سَيِّدَنَا سرور جوانان اهل بهشت؛ و ای حجت خدا بر آفریدگان؛ ای آقا و مولانا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ و مولای ما ؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و تو را باین حدی حاجاتنا فی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ ، یا وَجِهاً عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعُ پیشاپیش خواسته هایمان مقدم می داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا ؛ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ ، برای ما نزد خدا شفاعت فرما . بار خدایا ؛ درود و سلامت را بر پدر امامان و سراج الْأَمَّةِ ، وَكَاشِفِ الْعَمَّةِ ، وَمُخَيِّبِ السُّنَّةِ ، وَسَيِّئِ الْهَمَّةِ ، و چراغ اُمت اسلام و برطرف کننده غم و اندوه و احیا کننده سنت فرو فرست، آن بزرگمرد بلند همت وَرَفِيعِ الرَّؤْيَةِ ، وَأَنْبَسِ الْكُرْبِيَةِ ، وَصَاحِبِ النَّدْبَةِ ، الْمَدْفُونِ وَ عَظِيمِ الشَّانِ كه همواره با اندوه فراوان همدم بود و نوحه و ناله داشت ، بِأَرْضِ طَبِيعَةِ الْمَبْرُورِ مِنْ كُلِّ شَيْئٍ ، وَأَفْضَلِ الْمُجَاهِدِينَ ، وَأَكْمَلِ در زمین پاکیزه مدینه مدفون گشت و او از هر عیب و زشتی به دور بود ، برترین مجاهدان و کامل ترین الشَّاكِرِينَ وَالْحَامِدِينَ ، شَمْسِ نَهَارِ الْمُشْتَغْفِرِينَ ، وَقَمَرِ لَيْلِهِ شُكْرِ كَرَارَانَ و ستایش گران بود، خورشید تابنده روزهای توبه کنندگان و ماه فروزنده شب های الْمُتَهَجِّدِينَ ، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ، أَبِي مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ مَتَهَجِدَانَ . پیشوای بر حق و زینت عبادت کنندگان حضرت ابامحمد علی بن الْحُسَيْنِ ( صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا ) . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِين - درودها و سلام های

خدای بر او باد - درود و سلام بی کران خداوند بر تو باد یا ابا مُحَمَّدٍ، یا عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ، یا زَیْنُ الْعَابِدِیْنَ، أَیُّهَا السَّجَّادُ ای ابا محمد؛ ای علی بن حسین؛ ای زینت عبادت کنندگان ، ای بسیار سجده کننده در درگه خداوند؛ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، یَابْنَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ ، ای زاده پیامبر خدا؛ ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، یا وَجِیْهًا عِنْدَ وَتو را پیشاپیش حاجت هایمان مقدّم می داریم؛ در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد الله ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَی قَمَرِ خِدا ، برای ما نزد خدا شفاعت فرما . خداوندا؛ سلام و رحمت و برکات را بر ماه الأَقْمَارِ ، وَنُورِ الْمَآئِیْنِ ، وَقَابِلِ الْأَخْبَارِ ، وَسَیِّدِ الْأَثْبَارِ ، وَالطُّهْرِ مَاهِرِیْنَ وَرُشْنِیْ بَخْشِ رُشْنَائِیْ هَا وَبِیْشِرُو نِیْکُوکَارَانَ وَآقَایِ خُوبَانَ فِرُوسْتَ ، آن پاک الطَّاهِرِ ، وَالزَّیْدِ الْبَاهِرِ ، وَالنَّجْمِ الرَّاهِرِ ، وَالْبَحْرِ الرَّاحِرِ ، وَالذُّرِّ وَپاکیزه سرشت و ماه شب چهارده فروزان و ستاره درخشان. دریای بی کران (علم و دانش) ، وَ دَرِّ الْفَآخِرِ ، الْمَلَقِّ بِالْبَاقِرِ ، السَّیِّدِ الْوَجِیْهِ ، الْإِمَامِ النَّبِیِّهِ ، الْمَمْدُودِ الْفَآخِرِ وَگَرَانِیْهَا ، وَ مَلَقَّبَ بِهِ بَاقِرِ ، آقَایِ آبرومند و پیشوای شریف و آگاه، مدفون در عِنْدَ جَدِّهِ وَأَبِیْهِ ، الْجَبْرِ الْعَلِیِّ عِنْدَ الْعَدُوِّ وَالْوَلِیِّ ، الْإِمَامِ

بِالْحَقِّ نَزِدْ جَدَّ وِ پَدْرش، آن دانشمند سرشار از علم و دانش نزد دوست و دشمن، امام برحق الْأَزَلِيِّ، أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. الصَّلَاةُ هِمِيشْكَى حضرت ابا جعفر محمد بن علی - بر هر دوی آنها درود خدا باد - . درود وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بَنَ وَ رحمت خدا بر تو ای ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای شکافنده علوم؛ و ای رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا زَادَةَ رَسُولِ خدَا؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا وَ مَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدْ مَنَّاكَ وَ مَوْلَاى مَا؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و تو را باین بَدئِ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ بِشَافِعِيسِ خَوَاسْتَه هَايْمَان مَقْدَمِ مِى دَارِىم در دنیا و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَ بَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الصَّادِقِ لِى مَا نَزِدْ خدَا شَفَاعَتِ فَرْمَا. خدَاوند؛ درود و رحمت فرست بر آقای راستگوی الصِّدِّيقِ، الْعَالِمِ الْوَثِيقِ، الْحَلِيمِ الشَّفِيعِ، الْهَادِي إِلَى الطَّرِيقِ، تصدیق کننده، و دانشمند مورد اطمینان، بردبار دلسوز و هدایت کننده به راه حق، السَّاقِي شَيْعَتَهُ مِنَ الرَّحِيقِ، وَ مُبْلِغِ أَعْدَائِهِ إِلَى الْحَرِيقِ، صَاحِبِ اَوْ كَه شِيعَانِش را از شراب طهور سیراب می سازد و دشمنانش را به آتش جهنم سرازیر می نماید. صَاحِبِ الشَّرَفِ الرَّفِيعِ، وَالْحَسْبِ

الْمَنِيْعُ ، وَالْفَضْلُ الْجَمِيْعُ ، الشَّفِيْعُ اِنَّ شِرَافَتِي بَلَدٌ وَ حَسْبِي بَرَجَسْتَهُ وَ فَضْلٌ وَ دَانِشْ جَامِعٌ ، اَنْ كِهْ خُودِ وَ پَدَرِشْ هَر دُو شِفَاعَتِ كَنْتِنْدَه اَنْد ، الشَّفِيْعُ ، الْمَدْفُونُ بِالْبَقِيْعِ ، الْمَهْدَبُ الْمُؤَيَّدُ ، الْاِمَامُ الْمُمَجَّدُ او كِهْ  
دَر بَقِيْعِ مَدْفُونِ اسْتِ ، اَنْ تَهْذِيْبِ شَدَهْ تَأْيِيْدِ گِشْتَه ، پِيَشُوْاى عَظِيْمِ الشَّأْنِ ، حَضْرَتِ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) . الصَّلَاةُ اَبَا عَبْدِاللّٰهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ - دَرُودَهَا وَ سَلَامِ خُدا بَر او بَاد -  
 . دَرُودِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ ، يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، اَيُّهَا الصَّادِقُ وَ سَلَامٌ بَر تُو اى اِبَاعِدِاللّٰهِ ؛ اى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ؛ اى صَادِقِ رَاسْتِگُو وَ يَابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ ، يَابْنَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، يَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ ، اى  
زَادَهْ پِيَامِبِرْ ؛ وَ اى فَرَزَنْدِ امِيْرِ مُؤْمِنَانِ ؛ وَ حُجَّتِ خُدا بَر بَنْدِ گَانَشِ ؛ يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ ، اى آقا وَ مَوْلَاىِ مَآ ؛ مَا بَهْ وَ اسْطَهْ تُو بَهْ دَر گَاهِ الهى رُوى آوَرْدَهْ وَ شِفَاعَتِ طَلِيْبِدَهْ  
وَ تُوَسَّلِ جِسْتَهْ اِيْمِ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ وَ جُودِ مَقْدَسَتِ رَا پِيَشَاپِيَشِ حَاجَتِ هَاىِ مَانَ مَقْدَمِ مِىِ دَارِيْمِ دَر دُنْيَا وَ آخِرَتِ ، اى آبرُومَنْدِ دَر دَر گَاهِ اللّٰهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ  
 . اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَ بَارِكْ عَلٰى السَّيِّدِ خُدا ؛ بَرَاىِ مَانَ نَزْدِ خُدا شِفَاعَتِ فَرَمَا . بَارِ خُدايَا ؛ دَرُودِ وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكْتِ خُوِيَشِ رَا بَر سَيِّدِ الْكَرِيْمِ ، وَ الْاِمَامِ الْحَلِيْمِ ، وَ سَيِّئِ الْكَلِيْمِ ، الصَّابِرِ الْكُظَيْمِ ، قَائِدِ بَخْشَنْدَهْ وَ  
پِيَشُوْاى بَر دَبَارِ ، هَمَانِ مَوْسَى كَلِيْمِ ، شَكِيْبَايِ كِهْ خُشْمِشْ رَا فَرُو مِىِ بَرْدِ ، فَرَمَانْدَهْ الْجَيْشِ ، الْمَدْفُونِ





غریب غمدیده، کشته شده ای که المَحْرُومِ ، عَالِمِ عِلْمِ الْمَكْتُومِ ، يَذِرُ النُّجُومِ ، شَمْسِ الشَّمُوسِ ، محروم) از حق خود( گشت ، او که به علم غیب و نهان آگاه بود، ماه ستارگان و خورشید خورشیدها وَأَنْبِيَاءِ النَّفُوسِ ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طُوسِ ، الرَّضِيِّ الْمُؤْتَضِي ، و همدم جان ها، دفن شده در سرزمین طوس، آن که همگان از او خوشنود و راضی بودند ، الْمُرْتَجِي الْمُجْتَبِي ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى برگزیده ای که همگان به لطفش چشم امید دوخته بودند، پیشوای برحق حضرت ابالحسن علی بن موسی الرضا (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا الرِّضَا) که درودها و سلام خدا بر او باد) . سلام و رحمت خدای بر تو ای أَبَا الْحَسَنِ ، يَا عَلِيُّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا بَنَ ابَا الْحَسَنِ؛ ای علی بن موسی الرضا؛ ای زاده پیامبر خدا و ای فرزند امیرالمؤمنین ، يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلِيَّ خَلْفِهِ ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا مُؤْمِنَانُ؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای سید و مولای ما؛ مَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَشَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَاسْطَه تُو بِهِ دَرَاةَ الْهِي رُوِي آوْرَدَه وَشَفَاعَتِ طَلْبِيَدَه وَتَوَسَّلَ جِسْتَه اِيْم وَتُو رَا پِيشَاپِيش حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . خَوَاسْتَه هَاي مَان مَقْدَمِ مِي دَارِيْمِ دَر دُنْيَا وَآخِرَتِ . اِي آَبْرَوْمَنْد نَزْدِ خَدَا؛ بَرَاي مَان نَزْدِ خَدَا شَفَاعَتِ فَرْمَا . اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَيَّ السَّيِّدِ الْعَادِلِ الْعَالِمِ ، الْعَامِلِ بَارِ خَدَايَا؛ دَرُودِ وَسَلَامِ وَبِرَكَاتِ رَا بَرِ سَرُورِ دَادِگَرِ دَانِشْمَنْدِ فَرُو

فرست، آن عامل به الکامل، الفاضل الباذل، الأجدد الجواد، العارف بأشیرار المبدئ کمال رسیده و دارای فضل و بخشنده، بخشنده ترین بخشش کننده، عارف به اسرار مبدأ و المعاد و لكل قوم هاد، مناص المخبين يوم يناد المناد، و معاد) آغاز و فرجام عالم (و او که برای قوم، هادی و راهنما بود و پناهگاه دوستدارانش در روز محشر. المذکور فی الهدایه و الإرشاد، المذفون بأرض بغداد، السید و آن که در راه راهنمایی و ارشاد امت، راهبر است و در بغداد مدفون گشت. آن سید العزیز، والإمام الأحمدي، والنور المحمدي، الملقب بالتقي، عرب نژاد و پیشوای احمدی نسب و نور محمیدی که به «تقی» (پرهیزکار) ملقب شد، الإمام بالحقّ أبی جعفر محمد بن علیّ علیه السلام. الصلاة امام بر حق حضرت ابا جعفر محمد بن علی - بر او سلام باد - . درود والسلام علیک یا ابا جعفر، یا محمد بن علی، أيتها التقي و سلام بر تو ای ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای تقوایشه الجواد، یا بن رسول الله، یا بن أمير المؤمنين، یا حجة الله علی بخشنده؛ ای زاده رسول خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر خلقه، یا سیدنا و مولانا إنا نوجهنا و استشفعنا و توسلنا بک إلی بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم الله، وقد شاک بین یدی حاجتنا فی الدنیا والآخرة، یا وجیهاً و تو را پیشاپیش خواسته های مان مقدم می داریم در دنیا و آخرت

ای آبرومند عند الله، اِسْمَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبَارِكْ عَلَيَّ نَزِدَ خِدا؛ برای ما نَزِدَ خِدا شفاعت فرما . خداوندا؛ درود و رحمت و برکات خود را اَلْإِمَامَيْنِ اَلْهُمَامَيْنِ ، اَلسَّيِّدَيْنِ اَلسَّنَدَيْنِ ، اَلْفَاضِلَيْنِ اَلْكَامِلَيْنِ ، بر دو امام بزرگوار نازل فرما . بر دو آقا و پشتیبان امت ، بر دو فاضل کامل اَلْبَادِلَيْنِ اَلْعَادِلَيْنِ ، اَلْعَالَمَيْنِ اَلْعَامِلَيْنِ ، اَلْأَوْزَعَيْنِ اَلْأَطْهَرَيْنِ ، و بخشنده عادل ، دو دانشمند عمل کننده، و دو پرهیزکارتر پاک تر ، اَلنُّورَيْنِ اَلنَّبِيَّيْنِ ، وَ اَلشَّمْسَيْنِ اَلْقَمَرَيْنِ ، اَلْكُوكِبَيْنِ اَلْأَشْرَفَيْنِ ، دو نور درخشنده و دو خورشید تابنده و دو ماه هدایت ( و دو ستاره سعادت بخش، و اِرْبِي اَلْمَشْعَرَيْنِ ، وَ اَهْلِي اَلْحَرَمَيْنِ ، كَهْفِي اَلثَّقَى ، عَوْثِي دو وارث مشعر و منی ، و دو اهل مکه و مدینه ، و دو استوانه تقوا و دو فریادرس اَلزُّورِي ، بَدْرِي اَلدُّجِي ، طَوْدِي اَلنُّهْيِي ، عَلَمِي اَلهُدِي ، اَلْمُدْفُونَيْنِ مردم و دو ماه درخشنده تاریکی ها و دو کوه عقل و خرد ، و دو بیرق هدایت ، آن بزرگوارانی که بِشِرِّ مَنْ رَأَى ، کاشی اَلْبُلْبُلِي وَ اَلْمِخْرِي ، صَاحِبِي اَلجُودِ وَ اَلْمِنِّ ، در سَرِّ مَنْ رَأَى (سامرا) دفن گشتند . آنانی که بلا و محنت ها را برطرف می کنند و بر امت، جود و احسان دارند . اَلْإِمَامَيْنِ بِالْحَقِّ أَبِي اَلْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلنَّقِيِّ وَ أَبِي مُحَمَّدٍ اَلدُّوَيْ اَلنَّقِيِّ ( و ابا محمد اَلْحَسَنِ ) صِلَاوَاتُ اَللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا . اَلصَّلَاةُ وَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمَا حَسَن (درودها و سلام خدا بر هر دوی آنان باد .) درود و سلام بر

شما یا ابا الحسن ویا ابا محمد، ویا علی بن محمد ویا حسن بن ابی الحسن؛ وای ابا محمد؛ وای علی بن محمد؛ وای حسن بن علی، ائیهما الثقی الهادی وایها الرکئی العشکری، یابئی رسول علی؛ ای امام پاک خالص هدایت گر؛ وای امام زکی عسکری؛ پاکیزه سرشت همیشه محصور (ای زادگان رسول الله، یابئی امیر المؤمنین، یا حجتی الله علی الخلق اجمعین، خدا وای فرزندان امیر مؤمنان؛ ای حاجت های خداوند بر بندگانش؛ یا سیدینا و مولینا انا توجهننا و استشفعنا و توسلنا بکما االی الله، وای دو سرور و مولای ما؛ ما به واسطه شما به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و قدّمنا کما بین یدئ حاجتنا فی الدنیا و الآخرة، یا وجهین و شما را پیشاپیش حاجت های مان مقدم می داریم در دنیا و در آخرت، ای آبرومندان عند الله، اشفعنا لنا عند الله. اللهم صل و سلم و زد و بارک علی نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت کنید. خدای من؛ سلام و صلوات و برکات خویش را فرو فرست بر صاحب الدعوه النبویه، و الصوله الحیدریه، و العیضه الفاطمیّه، صاحب دعوت نبوی و دلیری حیدری و عصمت فاطمی و الجلم الحسینیّه، و الشجاعه الحسینیّه، و العباده السجادیّه، و بردباری حسنی و شجاعت حسینی و عبادت و بندگی سجادی و المناثر الباقریّه، و الآثار الجعفریّه، و العلوم الکاطمیّه، و آثار بجای مانده باقری، و آثار جعفری و دانش های کاظمی و الحجج الرضویّه، و الجود الثقویّه، و التقاوه الثقویّه، و الهیّه و حاجت های رضوی و بخشدگی تقوی و پاکیزگی تقوی

و هيبت العسكرِيه ، وَالْعَبِيه الْإِلَهِيه ، الْقَائِم بِالْحَقِّ ، وَالِدَاعِي إِلَى الصَّدَقِ عَسْكَرِي وَغَيْبِ الْهَي ، آن قِيَام كُننده بر حق و فراخواننده به راستي الْمَطْلَقِ ، كَلِمَه الْهَلِ وَأَمَانِ الْهَلِ وَحُجَّه الْهَلِ ، الْعَالِي بِأَمْرِ الْهَلِ ، مطلق ، كلمه خدا و امان خدا و حجت خدا ، ظفرمند با امر خدا وَالذَّابِّ عَنْ حَزْمِ الْهَلِ ، إِمَامِ السُّرِّ وَالْعَلَنِ ، دافعِ الْكُزْبِ وَالْمِخَنِ ، و حمايت كُننده از حرم خدا ، پيشواي آشكار و نهان ، دور كُننده اندوه و محنت ، صاحبِ الْجُودِ وَالْمِئْنِ ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ دَارِي بَخْشَنْدِگِي و احسان ، پيشواي بر حق حضرت ابا القاسم محمد بن الحسن ، صاحبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ ، وَخَلِيفَه الرُّحْمَانِ ، وَإِمَامِ حَسَنِ ، صاحب عصر و زمان ، و جانشين خدای رحمان و پيشواي الْإِنْسِ وَالْجَانِّ ( صِلَمَوَاتُ الْهَلِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ ) . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ انسان ها و پريان ، ( درودها و سلام خدا بر او باد ) . درود و رحمت عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ ، وَالْخَلْفَ الصَّالِحِ ، يَا إِمَامَ زَمَانِنَا ، بر تو ای وصي امام حسن ؛ ای جانشين شايسته و ای امام زمان ما ؛ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاشْتَشَفْنَا قِيَام كُننده هدايت شده ای كه مورد انتظار همگان است . ای آقا و مولای ما ؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى الْهَلِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا طَلِبِيده و توسل جسته ايم ، و تو را پيشاپيش حاجت های مان مقدّم می داریم در دنيا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ الْهَلِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ الْهَلِ عَزَّوَجَلَّ . و آخرت . ای آبرومند

نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما .

حاجت ها را از خداوند بخواهید و سپس دست ها را بلند نموده بگویید :

یا سادتی وَمَوَالِیِّ ، اِنِّی تَوَجَّهْتُ بِکُمْ ، اَنْتُمْ اَنْیَمَی وَعُدَّتِ لِیَوْمِ ای عزیزانی که سرور و سالار من هستید ؛ من به شما رو آوردم که شما پیشوایان من هستید و شما سرمایه من در روز فَقْرَی وَفَاقَتِی وَحَاجَتِی اِلَی اللّٰهِ، وَتَوَسَّلْتُ بِکُمْ اِلَی اللّٰهِ، وَبَجَبْتُکُمْ فَقْرَ و بیچارگی و نیازم نزد خداوند هستید و به وسیله شما به خداوند توسل جسته و با دوستی وَبِقُرْبِکُمْ اَرْجُو النَّجَاةَ مِنَ اللّٰهِ ، فَکُونُوا عِنْدَ اللّٰهِ تَعَالٰی رَجَائِی ، یا و تَقَرَّبْ به شما نجات را از درگاه خدا امید دارم. پس نزد خدای بلندمرتبه امید من باشید. ای ساداتی یا اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْکُمْ اَجْمَعِیْنَ . اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰؤُلَاءِ سروران من؛ ای دوستان خدا؛ درود خدا بر همگی شما باد. بارخدا یا؛ همانا اینان ، اَنْیَمُنَا وَسَادَتُنَا وَقَادَتُنَا وَکُبْرَانَا وَشَفَعَانَا ، بِهِمْ اَتَوَلَّی وَمِنْ اَمَامَانِ و سروران و فرماندهان و بزرگان و شفعیان ما هستند، به ایشان ارادت و دوستی دارم و از اَعْدَائِهِمْ اَتَبَرَّءُ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ . اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَاَلَهُمْ ، وَعَادِ دِشْمَانَ شَانِ بِیْزَارِی مِی جویم در دنیا و آخرت. خداوند! آن که آنان را دوست بدارد دوست بدار و آن که دشمن بدارد دشمن بدار، مَنْ عَادَهُمْ ، وَاَنْصِرُوْ مَنْ نَصَرَهُمْ ، وَاخْذَلْ مَنْ خَدَلَهُمْ ، وَالْعَنْ کَسِی رَا کِهْ به آنها یاری رساند، یاری کن و کسی که ترک یاری ایشان نمود خوار و ذلیل فرما ، و از رحمت خویش دور علی مَنْ ظَلَمَهُمْ ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ ، وَاهْلِکْ

عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ بَدَارِ هَرِ أَنْكَه رَا كَه بَه أَنَان سَتَم نَمَائِد. وَ دَر فَرَجِ أَنَانِ تَعَجِيلِ فَرَمَا، وَ دَشْمَنِ اِيشَانِ رَا نَابُودِ فَرَمَا، چَه اَز جَنِّ بَاشِدِ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوْلَيْنِ وَالْآخِرِينَ ، اَمِينِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ . اَللَّهُمَّ وَ چَه اَز اِنْسَانِ، چَه اَز دُورَانِ هَايِ سَابِقِ بَاشِدِ وَ چَه اَز دُورَانِ هَايِ بَعْدِ اَزِ اَنِّ ، اَيِ پَرُورِدْگَارِ عَالَمِيَانِ؛ اَيْنِ دَعَا رَا اِجَابَتِ فَرَمَا . خُدَاوَنْدَا؛ اِرْزُقْنَا فِي الدُّنْيَا زِيَارَتَهُمْ ، وَفِي الْآخِرَةِ شَفَاعَتَهُمْ ، وَاحْشُرْنَا دَر دُنْيَا زِيَارَتِ اَنَانِ وَ دَر اٰخِرَتِ شَفَاعَتِ شَانِ رَا نَصِيْبِ مَا بَفَرَمَا . وَ مَا رَا بَا اَنَانِ مَحْشُورِ كُنْ مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِيَا اَتِهِمْ ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةً وَ دَر گِرُوهِ اَنَانِ وَ دَر زَبِرِ پَرچَمِ اَنَانِ قَرَارْمَانِ دِه. وَ بَيْنِ مَا وَ اَنَانِ، لِحْظَه اَيِ عَيْنِ اَبْدَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۵) چَشْمِ بَهْمِ زَدَنِ (جَدَائِي مِيْفَكْنِ نِه دَر دُنْيَا وَ نِه دَر اٰخِرَتِ. بَه رَحْمَتِ اَيِ مَهْرَبَاتَرِيْنِ مَهْرَبَانَانِ .

#### ۲ دعای توسل به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

دَر کِتَابِ «قَبَسِ الْمَصْبَاحِ» دَعَايِ مَخْتَصَرِي (بِرَايِ تَوْسَلِ بَه مَوْلَايِ مَانِ صَاحِبِ الزَّمَانِ ارواحنا فداه ) نَقْلِ شُدِه کِه عِبَارَتِ اسْتِ اَز :

اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَّلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ اِلَّا خُدَاوَنْدَا؛ اَز تُو دَرخُواسْتِ مِي كَنَمِ بَه حَقِّ وَلِي وَ حِجَّتِ، صَاحِبِ زَمَانِ، اَيْنِ كِه اَعْتَنَنْتِي بِه عَلَيِ جَمِيعِ اُمُورِي، وَ كَفَيْتَنِي بِه مُؤَوَّنَه كُلِّ مُؤِذٍ بَه واسطَه اَنِ حَضْرَتِ، مَرَا دَر هَمِه كَارِهَائِمِ يَارِي رَسَانِي وَ بَه وَسِيْلَه اَوْ مَرَا اَز شَرِّ هَرِ وَطَاغٍ وَبَاغٍ ، وَ اَعْتَنَنْتِي بِه ، فَ قَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي ، وَ كَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوِّ طَغْيَانِگَرِ وَ سَتْمِگَرِ وَ اَزَارِ رَسَانِي دَر اَمَانِ بَدَارِي وَ كَمَكَمِ كُنِي . بَه رَاسْتِي كِه نَاتُوانِ گِشْتِه



و جانم به لب رسیده و از هر دشمن و هم [وَعَمَّ] وَدَّيْنٍ ، وَوُلْدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي ، وَمَنْ و غم و اندوهی ( و مشکلات و قرضی، کفایت کنی مرا و فرزندانم و همه اهل و برادرانم را، و هر کس یغنینی أَثْرُهُ وَخَاصَّتِي ، امین رَبِّ الْعَالَمِينَ . (۶)

کار او به من مربوط می شود و نیز خاصان مرا ، این دعا را بپذیر ای پروردگار جهانیان .

توسل به حضرت... در مشکلات

در کتاب «جَنَاتِ الْخُلُودِ» می فرماید : فتح و پیروزی بر دشمنان در جنگ ها و غیر آن ، و نیز ادای قرض ها ، بستگی به توسل به حضرت مهدی ارواحنا فداه به این طریق دارد . (۷) و سپس این دعا را نقل نموده است .

### ۳ توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در مشکلات

از وظائف بزرگ ما توجه و توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد ؛ مخصوصاً در هنگام سختی ها ، مشکلات شدید و بیماری های دشوار که بر انسان وارد می شود .

در این هنگام وظیفه ما برای حل آن مشکلات و رهایی از آن ها ، توسل به امام زمان ارواحنا فداه است که سرپرست امور ما است .

بنابراین در همه گرفتاری ها مخصوصاً زمانی که بیچارگی و اضطراب سراسر وجودمان را احاطه کرده ، باید به منتقم آل الله امام زمان صلوات الله علیه متوسل شویم و بدانیم همه گرفتاری ها و سختی هایی که به ما می رسد بر اثر غیبت آن حضرت است ، و ما موظف هستیم برای ظهور آن بزرگوار دعا کنیم .

در «بحار الأنوار» می فرماید : ابوالوفاء شیرازی چنین گوید : در زندانی محصور بودم و به خاطر آن پریشان بودم و به واسطه امامان علیهم السلام با خدا

به راز و نیاز پرداختم ، هنگامی که شب جمعه رسید پس از نماز خوابیدم و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب دیدم .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم او را در خواب راهنمایی فرمود که برای هر حاجتی به کدام امام و چگونه متوسل گردد ؟ آن گاه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به او فرمود :

وَأَمَّا صَاحِبُ الزَّمَانِ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفُ الدَّبِيحَ ، فَاسْتَعِنَ بِهِ ، فَإِنَّهُ يَعِينُكَ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى حَلْقِهِ .

و اما صاحب الزمان ؛ پس هر گاه شمشیر به گلوگاهت رسید - و دستش را بر حلقش نهاده بود - از او یاری بخواه که یاریت می رساند .

(ابو الوفاء می گوید : ( در خواب صدا زدم :

یا مولای ؛ یا صاحب الزمان ؛ ادر کنی فقد بلغ مجهودی .

ای مولای من ؛ ای صاحب الزمان ؛ مرا دریاب که همانا جانم به لب رسیده است .

و ناگهان بیدار شدم و دیدم که زندان بانان ، زنجیر از من باز می کنند . (۸)

در «سلاح المؤمنین» می فرماید: پدرم چنین فرمود :

إِنَّ دَنَا مِنْ نَحْرِكَ السَّيْفُ اسْتَعَيْتُ

بِوَلِيِّ الْعَصْرِ مَوْلَاكَ وَقُل :

یا صاحب الزمانِ أَعْتَنِي ، یا صاحب الزمانِ أَدْرِ كُنِي

فَهُوَ بَابُ اللَّهِ وَالرَّحْمَةِ وَالْ

عَوْثُ وَابْنُ الْمُصْطَفَى فَخْرِ الرُّسُلِ

هنگامی که شمشیر بر گردنت نهادند استغاثه کن و یاری بخواه از مولایت ولی عصر و چنین بگو: ای صاحب الزمان؛ به فریادم برس ، ای صاحب الزمان ؛ مرا دریاب .

او باب خدا و رحمت الهی و فریادرس و زاده مصطفی فخر پیامبران است . (۹)

محدث نوری رحمه الله می فرماید : ظاهراً مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از این سخن این نیست

که فقط در هنگام گرفتاری در دست دشمنان - که قصد کشتن و نابودی شما را دارند - به امام عصر ارواحنا فداه متوسل شوید ، بلکه کنایه از این است که باید به آن حضرت توسل جست هر وقت سختی به حد آخر رسیده باشد و اسباب مادی و امید به مخلوقین از بین رفته باشد و صبر انسان لبریز گردد . و تفاوتی نمی کند که بلا و مصیبت دینی باشد یا دنیوی ، از شرّ انسان باشد یا از شرّ جن ، چنان که از دعای مذکور (در ص ۴۳۴) ، این مطلب روشن می گردد .

بنابراین ، وظیفه مضطرّ ، بیچاره و ناتوان ، دادخواهی و کمک خواستن از آن وجود مقدّس ارواحنا فداه است و اجابت و فریاد رسی از منصب های الهی آن بزرگوار می باشد .

و چنانچه شخص مضطرّ از شدّت پریشانی و بیچارگی اش نتواند با زبان اظهار کند و دعایی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده بخواند و به حضرت استغاثه کند ، کافی است با زبان حال از او یاری بخواهد یعنی بداند و اقرار کند که او ولیّ و امامش می باشد و مربّی او و واسطه فیض خدا، فقط وجود مقدّس اوست و چراغ هدایت در تاریکی های بیابان غیبت فقط اوست .

پس بفهمد و بشناسد که آن هایی که در سفر طاعت مثل مسافرت حجّ و زیارت استغاثه می کنند، کسی جز امام زمان که فریادرس دوران است ، آن ها را نجات نمی دهد و به فریادشان نمی رسد .

شاهد بر این ادعا آن است که «غوث» از لقب های اختصاصی آن حضرت است که در زیارت های معتبر وارد شده است و معنای

آن فریاد رس است . و البتّه بدیهی است این لقب خدادادی مجرّد اسم نیست و طبعاً صاحب این لقب باید بتواند صدای هر کسی را از هر جایی بشنود و به هر زبانی هم که فریادرسی از او شود ، باید بداند .

بلکه علمی داشته باشد که به حالات فریاد طلبان و دادخواهان احاطه داشته باشد بدون این که آنان استغاثه ای نمایند ، همان گونه که در توقیعی به شیخ مفید رحمه الله چنین می فرماید .

و او قدرت دارد که در صورت صلاحدید، استغاثه کننده را از دریای گرفتاری و بلا نجات دهد به هر حالی که باشد و به هر زبانی که فریاد برآورد و لایق این مقام نیست مگر کسی که از مقام والای امامت برخوردار است و قدم بر بساط ولایت نهاده است .

و نیز این سخن را تأیید می کند آنچه بین عرب (شهرنشین و بادیه نشین) مشهور است که او را «ابا صالح» می خوانند و بدو متوسل نمی شوند و شکایت به نزدش نمی برند و استغاثه و ندبه اش نمی کنند ، مگر به این اسم مقدّس یعنی «ابا صالح» . (۱۰)

#### **آتوسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه در مشکلات ( یا فارس الحجاز )**

روایت شده است که :

هر مؤمنی که امری از امور دنیوی یا آخروی بر او دشوار گردد ، به صحرا رود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند ، یاری حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه به او می رسد :

یا فارسَ الحِجَازِ اُدْرِكُنِي ، یا ابا صالحِ المَهْدِيِّ اُدْرِكُنِي ، یا ای اسب سوار حجاز؛ مرا دریاب، ای ابا صالح المهدی؛ مرا دریاب، ای ابا القاسمِ اُدْرِكُنِي اُدْرِكُنِي وَلَا تَدْعُنِي ، فَإِنِّي عاجزٌ ذَلِيلٌ . (۱۱) ابا القاسم؛ مرا دریاب، مرا دریاب، و مرا رها نکن که همانا

من درمانده ای ناتوان و خوار هستم .

**«توسل دیگر...» یا محمد یا علی (توسل دیگر به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه**

در مشکلات ) یا محمد یا علی ... (

عالم بزرگوار عراقی رحمه الله در کتاب «دار السلام» می فرماید : ملا قاسم رشتی رحمه الله چنین گوید :

به اصفهان رفتم و به مقبره تخت فولاد در روزی غیر از پنجشنبه روانه شدم و چون در آن دیار غریب بودم نمی دانستم که مردم آن شهر فقط شبهای جمعه به زیارت اهل قبور می روند، و در دیگر ایام، مقبره خالی از مردم است و چیزی در آنجا یافت نمی شود، وقتی در خیابان قدم برمی داشتم ، میل داشتم که قلبانی بکشم ، خادمی که همراه من بود گفت: در این اطراف جز شب های جمعه چیزی پیدا نمی شود .

من هم گفتم : زیارت اهل قبور را برای کشیدن قلبان ترک نمی کنم و داخل قبرستان شدم و شروع به قرائت فاتحه کردم که ناگاه مردی را مشاهده نمودم که در گوشه حیاط نشسته بود .

آن شخص گفت : ملا قاسم ؛ چرا وقتی وارد شدی ، طبق سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم ، سلام نکردی ؟ شرمند شدم و از او معذرت خواستم و گفتم : دور بودم و می خواستم وقتی نزدیک شدم سلام کنم .

گفت : نه ، شما اهل علم ادب ندارید .

هیبتش بر دلم افتاد و به او نزدیک شدم و سلامش نمودم . جوابم داد و نام والدین مرا برد گفت : آن ها فرزند پسر نداشتند و پدرت نذر کرد که اگر خداوند به او فرزند پسری عنایت کند ، او را از اهل حدیث و از نیکان قرار دهد . آن گاه خدا تو را به او

عنایت کرد و او هم به نذرش وفا نمود .

گفتم : بلی ؛ این را شنیده ام . سپس گفت : اگر می خواهی قلیان بکشی در کیسه من موجود است ، بردار و آماده کن تا باهم بکشیم .

اراده کردم که به خادمم دستور دهم ، ولی به مجرد این اراده و همینکه از دلم خطور کرد به من گفت : نه ، خودت آماده کن .

گفتم: چشم و قلیان را آماده نمودم و کشیدم ، سپس به او دادم ، او هم کشید و به من بازگردانید ، آن گاه چنین گفت : چند روز قبل به اینجا آمدم و هیچ میلی به اهل این شهر و به داخل شدن در این شهر نداشتم و همانا دوستی در مازندران دارم و می خواهم به زیارت او بروم . سپس به من گفت : در این مقبره ، قبور عدّه ای از پیامبران است ، برخیز و آن ها را همراه من زیارت کن .

پس برخاست و کیسه اش را برداشت و باهم رفتیم تا به جایی رسیدیم ، گفت : اینجا ، قبور انبیا است و آن گاه زیارتی خواند که من هرگز در کتاب ها آن را ندیده بودم ، به هر حال ، همراه او خواندم ، سپس از قبرها دور شد و گفت : من عازم مازندران هستم ، می توانی از من چیزی بخواهی .

از او خواستم که به من علم کیمیا را بیاموزد .

گفت : آن را به تو نمی آموزم ، اصرار ورزیدم .

گفت : رزق و روزی هر کسی مقدّر و معین شده ، و آنچه می خواهی در اواخر عمرت به تو می رسد .

گفتم :

چه می شود اگر من از فقر و فلاکت نجات یابم ؟

گفت : دنیا ارزشی ندارد .

گفتم : به خاطر دوستی و حبّ دنیا این تقاضا را از تو نکردم .

گفت : پس چرا فقط از امور دنیوی تقاضا نمودی ؟ ولی من همچنان به خواسته خود پافشاری کردم .

گفت: اگر در مسجد سهله مرا دیدی ، خواسته ات را برمی آورم .

گفتم: پس دعایی به من تعلیم نما .

گفت: دو تا دعا به تو یاد می دهم؛ یکی به تو اختصاص دارد و دیگری برای همگان، و اگر مؤمن گرفتاری آن را بخواند حتماً مؤثر واقع می شود، سپس آن دعاها را برایم خواند.

گفتم: متأسفانه قلمی ندارم تا دعاها را بنویسم و قدرت حفظکردن آن را هم ندارم.

گفت : در کیسه من قلم و کاغذ است ، بردار .

دست در کیسه نمودم و با تعجب دیدم که قلیان و دیگر وسایلی که قبلاً بود ، در آن نیست و فقط دوات و قلم و کاغذی به اندازه نیاز و نوشتن آن دو دعا موجود است . بسی شگفت زده شدم! با تندی به من گفتم : زود باش و معطلم نکن که می خواهم بروم .

مضطرب شدم و سر به طرف زمین نهاده مهیای نوشتن شدم . دعای اولی را املاء کرد و من نوشتم . به دعای دوم که رسید این گونه قرائت کرد :

یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فاطِمَةُ، یا صَاحِبَ الزَّمانِ اَذْرِکُنِ وَاثْمَلِکُنِ.

ای محمد، ای علی، ای فاطمه، ای صاحب زمان، مرا دریاب و هلاکم نکن .

توسّل دیگر... (یا صاحب الزمان)

من در عبارت دعا تأملی کردم و او که دید به فکر فرو رفته ام گفتم : آیا عبارت را

غلط می دانی؟

گفتم: آری، زیرا خطاب به چهار نفر است و فعل آن باید جمع باشد.

گفت: اشتباه نمودی، اکنون نظم دهنده این عالم، امام زمان ارواحنا فداه است و غیر او در عالم تصرف نمی کند و در دعا آن سه بزرگوار یعنی حضرت محمد، علی و فاطمه علیهم السلام را شفیعیان نزد امام عصر ارواحنا فداه قرار می دهیم و فقط از او استمداد می کنیم. (۱۲)

دیدم سخن متینی می گوید، پس دعا را نوشتم ولی وقتی سر بلند کردم کسی را ندیدم. از خادم درباره او سؤال کردم.

گفت: من کسی را ندیدم، با حالتی که در من سابقه نداشت به شهر باز گشتم و وارد خانه حاجی کرباسی شدم.

او گفت: آیا تبی بر تو عارض گشته است؟

گفتم: خیر، و ماجرا را برایش تعریف کردم.

او گفت: این دعا را شیخ محمّد بیدآبادی به من یاد داد و من در پشت کتاب دعا آن را نوشتم. برخاست و کتاب را آورد ولی در آن چنین بود: «أدرکونی ولا تهلكونی»، آن را پاک کرد و نوشت: «أدرکونی ولا تهلكونی». (۱۳)

### ۶ توسّل دیگر به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه (یا صاحب الزّمان)

روایت شده است که:

هر که را شدّت و مصیبتی برسد هفتاد بار بگوید:

یا الله یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فاطمَةُ یا صَاحِبَ الزّمانِ ، أدرِکُنِی ای خدا، ای محمد، ای علی؛ ای فاطمه، ای صاحب الزمان، مرا دریاب و لا تُهَلِّکُنِی. (۱۴)

و هلاکم نکن.

### ۷ توسّل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه

در کتاب «التحفة الرضویّه» آمده است: بعد از نافله مغرب، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرست، سپس هفتاد مرتبه بگو:

یا الله یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فاطمَةُ یا حَسَنُ یا حُسَیْنُ ، یا صَاحِبَ ای خدا؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای فاطمه؛ ای حسن؛ ای حسین؛ الزّمانِ ، أدرِکُنِی یا صَاحِبَ الزّمانِ .

ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب ای صاحب الزمان.

سپس صد مرتبه دیگر صلوات بفرست و آن گاه حاجت خود را طلب کن.

صاحب کتاب «التحفة الرضویّه» در ادامه می نویسد: سید علامه، حضرت والد فرموده است: این دعا برای برطرف شدن مشکلات و سختی های مهم تجربه شده است. (۱۵)

### ۸ توسّل دیگر به حضرت حجت ارواحنا فداه (یا حجه القائم)

(توسّل برای رفع بیماری)

از سید بزرگوار و استاد معظم، عالم ربّانی و حکیم و فقیه بلندمرتبه سید محمد هندی نجفی دام ظلّه و او از دانشمند محترم سید حسن قزوینی و او از سید حسین شوشتری که از امامان جماعت بود و او از اساتیدش نقل می کند که:

(در سختی ها و مشکلات) سر برهنه رو به قبله بایست و پانصد و هفتاد مرتبه بگو: «یا حُجَّجَهُ الْقَائِمُ»، و این عمل تجربه شده است. (۱۶)

### ۹ توسّل برای رفع بیماری

توسّل به اسمی که مولای مان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در دعا برای پایان یافتن دوران غیبت می خوانند:

داوود بن زری می گوید: در مدینه شدیداً مریض شدم و خیر مریضی من به امام صادق علیه السلام رسید. حضرت به من چنین نوشت:

خبر مریضی تو به من رسید. یک صاع (۱۷) گندم بخر، آنگاه بر پشت بخواب و گندم را به روی سینه ات بریز هر گونه که ریخته شد و چنین بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتُ مَا بَارَ خَدَايَا؛ از تو درخواست می کنم به آن اسمت که هرگاه مضطر (امام زمان علیه السلام) به آن اسم تو را بخواند، به من ضرر، و مکنّت له فی الأَرْضِ، وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْفَتِكَ، مشکلتش را برطرف می کنی و در زمین توانایی و قدرتش می دهی و خلیفه خود بر بندگانت قرارش می دهی، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي. (از تو می خواهم) که بر محمد و اهل بیتش درود فرستی و مرا از این بیماری عافیت بخشی.

سپس بنشین و گندم را جمع



کن و همین دعا را بخوان . سپس گندم را یک مدّ ، یک مدّ (که هر مدّ ده سیر است) تقسیم کن و به هر مسکینی یکی از آن را بده و باز همان دعا را بخوان .

داوود می گوید : این کار را که انجام دادم ، گویی از بند آزاد شدم و عدّه ای دیگر هم این دستور را عمل کردند و از آن بهره مند گردیدند . (۱۸)

.....(Anotates).....

(۱) التحفه الرضویّه : ۱۶۰ .

(۲) سوره اسراء ، آیه ۸۱ .

(۳) دار السلام عراقی : ۳۳۳ .

(۴) العلّامه الخواجه نصیرالدین الطوسی : ۷۹ .

(۵) مهج الدعوات : ۴۲۵ .

(۶) نجم الثاقب : ۷۳۱ .

(۷) جّات الخلود : ۴۰ .

(۸) بحار الأنوار : ۳۳/۹۴ .

(۹) سلاح المؤمنین : ۱۲۸ .

(۱۰) نجم الثاقب : ۷۳۲ .

(۱۱) منتخب الختوم : ۱۹۶ .

(۱۲) از این عبارت معلوم می شود که آن شخص ، امام زمان ارواحنا فداه نبوده است .

(۱۳) دار السلام عراقی : ۳ . ۳۱۷ . منهاج العارفين : ۴۸۳ .

(۱۴)

(۱۵) التحفه الرضویّه : ۱۵۰ .

(۱۶) تکالیف الأنام فی غیبه الإمام : ۲۵۱ .

(۱۷) یک صاع ، ۳۹ سیر است که قریب یک من می باشد .

(۱۸) بحار الأنوار : ۳۵/۹۵ ، المصباح : ۱۹۹ .

### بخش هشتم: عریضه ها

#### اشاره

نوشتن عریضه و نامه حاجت به محضر مولای کریم حضرت مهدی ارواحنا فداه یکی از انواع توسّل ها و استغاثه های مؤثّر است و اثر عجیبی در برآمدن حاجت دارد؛ زیرا ، مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه - چنان که در روایات نیز بیان شده است - نسبت به دوستانش بسیار لطف و رأفت دارد و مهربان است . این جانب ، بارها

به محضر مقدّس آن حضرت نامه نوشته و آثار و فواید عجیبی مشاهده کرده ام .

در این بخش ، چگونگی چند نوع نامه حاجت را یادآور شده و برخی از داستان هایی را که برای برخی از بزرگان پیش آمده است ، بیان می کنیم .

در کتاب «التحفة الرضویة» می فرماید : علامه سید محمّد تقی اصفهانی قدس سره در فصلی از کتابش که در مورد معجزه های امام زمان ارواحنا فداه ترتیب داده است می نویسد : یکی از معجزه ها و کرامت های آشکار آن حضرت این است که با انداختن رقعہ حاجت و درخواست از آن حضرت ، حاجت ها برآورده می شود ؛ و این مطلبی است که با چشم مشاهده گردیده و تجربه شده است .

علامه بزرگوار مرحوم شیخ عبدالحسین امینی نیز حکایت عجیبی را که در اثر توسّل به آن حضرت برایش رخ داده بود برای من بازگو کرد که مجاز نیستم آن را در کتاب بنویسم ؛ ولی همین قدر بگویم که با نامه نوشتن به ناحیه مقدّسه آن حضرت ، آن جریان برایش پیش آمده بود .

سپس افزود : توسّل به حضرت مهدی ارواحنا فداه را برای کارهای مهمّ و برآورده شدن حاجت ها تجربه کرده ام . (۱)

### **جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه**

جریانی در مورد نوشتن نامه...

محدّث نوری رحمه الله در کتاب «جَنَّة المَأْوَى» می نویسد :

شخصی بود عابد ، نیکو کار و باتقوا به نام جناب سید محمّد عاملی ، فرزند سید عباس ( از خاندان عباس شرف الدین ) که در روستای جشیث (۲) در نزدیکی جبل عامل لبنان می زیست .

داستانی دارد که در اثر تجاوز افراد به حقوقش و ستم بر او، مجبور شد از وطنش با وجود فقر شدید و ناتوانی ها به

دلیل ترس و وحشت فرار کند . با این که در هنگام خارج شدن از وطن ، حتی به قدری که بتواند خرج یک روز خود را تأمین کند نداشت؛ با این همه ، آن قدر آبروداری می کرد که به خود اجازه نمی داد از کسی درخواست کمک کند .

وی ، مدتی از عمر خود را به جهانگردی پرداخت و در این دوران، در عالم خواب و بیداری جریاناتی شگفت انگیز برایش اتفاق افتاد ؛ تا این که در نهایت به نجف اشرف رسید و مجاورت آن را اختیار کرد و در یکی از اتاق های طبقه بالای صحن مقدّس آن حضرت سکونت گزید.

در آن روزها نیز فقر شدیدی او را رنج می داد و جز چند تن ، کسی او را نمی شناخت و محل سکونتش را نمی دانست . و سرانجام پس از پنج سال که از روستای خودش بیرون رفت، در شهر مقدّس نجف دار فانی را وداع گفت .

در ایام زندگانش گاهی با من رفت و آمد داشت و بسیار باعفت و با شرم و ادب بود ، و در مراسم عزاداری اهل بیت علیهم السلام نیز نزد من حاضر می شد . گاهی برای برطرف شدن تنگدستی خود، برخی از کتاب های دعا را از من به امانت می گرفت .

زندگی او به گونه ای بود که برای غذای روزانه خود جز چند دانه خرما چیزی در اختیار نداشت . وی ، پیوسته دعاهای درخواست روزی و توسعه آن را می خواند و از هیچ ذکر و دعایی در این مورد فرو گزار نکرد .

در برخی از ایام نیز به نوشتن نامه حاجت به امام زمان ارواحنا فداه اقدام کرد و تا

چهل روز این کار را ادامه داد و هر روز پیش از طلوع آفتاب از درب کوچکی که به طرف دریا باز می شود از شهر خارج می شد و یک فرسخ یا بیشتر از طرف راست حرکت می کرد به گونه ای که هیچ کس او را نمی دید . پس از آن ، نامه خود را گل اندود می نمود و آن را به یکی از چهار نایب بزرگوار می سپرد، و آن را در آب می انداخت. بالأخره سی و هشت یا سی و نه روز گذشت، و در آن روز نیز کار هر روز را انجام داد و برگشت .

او برایم گفت : آن روز بسیار اندوهگین بودم و حالم گرفته بود؛ سرم را پایین انداخته و راه می رفتم که در بین راه ناگهان مردی را دیدم که از پشت سر به طرف من آمد و طرز لباس پوشیدنش نیز همانند عرب ها بود.

وی بر من سلام کرد و من سلام او را بسیار کوتاه پاسخ دادم ، و به دلیل کسالت روحیم به او توجهی نکردم ، او مقداری راه را به همراه من آمد ؛ در حالی که من همچنان افسرده بودم . و آنگاه با لهجه مردم روستای خودم به من فرمود :

سید محمد؛ حاجت شما چیست؟ سی و هشت یا سی و نه روز است که پیش از طلوع آفتاب از نجف اشرف بیرون می آیی و به فلان مکان می روی و عریضه ات را به آب می افکنی و گمان می کنی که امام تو ، حاجت تو را نمی داند و از آن بی اطلاع است !؟

سید محمد گوید : از سخنان او در شگفت شدم ؛ زیرا من این

جریان خود را برای هیچ کس بازگو نکرده بودم، و حتی یک نفر مرا ندیده بود؛ از همه مهم تر آن که از اهالی جبل عامل، کسی در نجف نبود که من او را نشناسم! به خصوص که برخی از لباس هایی که آن بزرگوار پوشیده بود در منطقه ما - جبل عامل - مرسوم نبود.

به خاطر گذشت که من به مهم ترین آرزوی خود - که دست یابی به بزرگ ترین نعمت بود - دست یافته ام و این شخص، همان حجت خداوند بر مردم، یعنی امام عصر صلوات الله علیه است.

البته پیش از این شنیده بودم که دست مبارک آن حضرت در نرمی و لطافت به گونه ای است که دست هیچ یک از مردم همانند آن نیست؛ لذا، با خود گفتم: من با ایشان دست می دهم و مصافحه می کنم؛ اگر دستش همان گونه باشد که شنیده ام، آن طور که شایسته آن حضرت است رسم ادب را به جای می آورم.

در همین اندیشه بودم که دست خود را دراز کردم و آن بزرگوار نیز دست مبارکش را به طرف من آورد و با وی مصافحه کردم و دریافتم که همان خصوصیت در دست مبارکش می باشد. لذا، یقین کردم که کامیاب و رستگار شده ام. سرم را بلند کرده و روبروی آن حضرت قرار گرفته و خواستم دست مبارکش را ببوسم که دیگر کسی را ندیدم. (۳)

### جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

#### جریان دیگر در مورد نوشتن ...

محدث نوری رحمه الله می فرماید: دانشمند گران قدر، دارنده فضیلت ها و فضل ها و توانمندی های معنوی، پیش کسوت در میان هم رتبان، جناب آمیرزا ابراهیم شیرازی حایری - که خداوند آینده اش را اصلاح و خواسته هایش را

برآورده کند - فرمود :

خواسته های مهمی در شیراز برآیم پیش آمد که فکرم را سرگردان و سینه ام را تنگ کرده بود ؛ از جمله این خواسته ها زیارت سرور و سالارم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بود . در این زمینه ، چاره ای جز توسل به محضر مقدس و دریای کرامت امام حاضر ارواحنا فداه ندیدم .

خواسته هایم را با استفاده از «عریضه حاجت» که از امامان علیهم السلام روایت شده است ؛ نوشتم و نزدیک غروب به طور پنهانی از شهر شیراز بیرون رفتم و به جایی رسیدم که آب فراوانی گرد آمده بود که فارس ها بدان استخر می گویند .

در آن جا ایستادم و از بین نایبان خاص ، جناب ابو القاسم حسین بن روح نوبختی قدس سره را ندا دادم و همان طوری که در احادیث وارد شده است به وی سلام کردم و نامه را به او سپردم و درخواست کردم تا به سرور خود و سرور همه مردمان برساند، و نامه را به آب افکنم.

آن گاه باز گشتم و کسی جز خدای تعالی رفت و آمد مرا و کاری را که انجام دادم ، ندید . پس از غروب به شهر رسیدم و از دروازه دیگری وارد شدم و به خانه ام رفتم و جریان را با کسی بازگو نکردم .

صبحگاهان، نزد استاد حدیثم رفتم و با جماعتی دیگر در محضر او اجتماع کردم، همین که مجلس آراسته گردید سیدی خوش سیما و محترم که لباس خادمان حرم امام حسین علیه

السلام را بر تن داشت ، وارد شد و سلام کرد و نزدیک استاد نشست . من و سایر شاگردان ، او را از پیش نمی شناختیم و پس از آن نیز نه در شیراز و نه در خارج آن او را ندیدیم .

آن گاه رو به من کرد و مرا با نامم صدا زد و گفت : ای فلانی ؛ نامه ات را به مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداه تسلیم کردم و آن را به ایشان رسانیدم .

من از این سخن مبهوت شدم ؛ و دیگران معنای سخن او را نفهمیدند و بدین جهت از آن آقا درخواست کردند تا بی پرده سخن بگوید .

وی فرمود : شب گذشته گروه زیادی را در خواب دیدم که دور سلمان محمدی گرد آمده بودند ، در حالی که نامه های بسیاری در دست داشت و مشغول نگریستن به نامه ها بود . وقتی مرا دید ، ندایم کرد و گفت : برو نزد فلان شخص - اسم و فامیل مرا یاد کرد - و به او بگو : (در حالی که دستش را بلند کرد) این نامه تو است .

من دیدم که بالای آن نامه مهر خورده است یعنی به محضر امام زمان ارواحنا فداه رسیده است و پس از آن مهر خورده است ؛ لذا ، دانستم که هر کس حاجتش برآورده شده باشد نامه اش مهر می خورد ، و کسانی که درخواست شان رد شده باشد ، نامه شان به همان شکل - بدون مهر - برمی گردد .

کسانی که در مجلس درس حضور داشتند به من گفتند : آیا خواب این مرد راست است ؟ من جریان را برای شان گفتم و نزدشان

سوگند یاد کردم که هیچ کس از این جریان اطلاع نداشته است. دوستانم به من بشارت دادند که درخواست هایم برآورده شده است و جریان همان گونه شد که آن ها بشارت دادند.

چندی نگذشت که به کربلای حسینی علیه السلام مهاجرت کردم و هم اکنون نیز ساکن کربلا هستم. ناگفته نماند، سایر خواسته هایم که در آن عریضه نوشته بودم نیز به طور کامل برآورده شدند. ستایش سزاوار خداوند است و درود بر اولیاء خداوند. (۴)

مرحوم علامه شیخ علی اکبر نهانندی می فرماید: مرحوم علامه حاج میرزا علی قاضی طباطبایی نجفی، استاد بزرگ اخلاق، در عصر روز جمعه اول ماه ربیع الاول سال ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر نجف اشرف برایم فرمود:

یکی از دوستانش - که نامش را نبرد - در شب نیمه شعبان المعظم، نامه حاجتی به محضر مقدس امام عصر صلوات الله علیه ارسال کرد و آن را در آب افکند؛ هم چنان که در آن شهر مرسوم بود.

کیفیت نوشتن نامه به محضر...

پس از چند روز مردی نزد او آمده و گفت: نامه تو به امام زمان ارواحنا فداه رسید و من در شب عاشورا نزد تو می آیم تا تو را به خدمت امام ارواحنا فداه برسانم. من تلاش کردم و تا جایی که در توان داشتم به عبادت های مختلف پرداختم تا اندکی لیاقت برای رسیدن به محضر امام صلوات الله علیه را پیدا کنم.

در شب موعود - یعنی شب عاشورا - ناگهان آن مرد آمد و در چشمم برهم زدنی، مرا به جزیره ای برد که محل سکونت امام عجل الله تعالی فرجه



الشریف بود .

در آن جا چیزهایی را به چشم دیدم که فراتر از توصیف و بیان است . در آن جزیره ، ارواح مطهر پیامبران و اوصیای ایشان حضور داشتند و آثار عظمت الهی را مشاهده کردم ؛ به گونه ای که بیهوش شدم، و نمی دانم آیا امام ارواحنا فداه را نیز مشاهده کردم یا نه؛ سپس آن مرد - در کمتر از چشم برهم زدنی - مرا به خانه ام باز گرداند . (۵)

### اکیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه

بعضی از قضایا و فوائد را در زمینه نوشتن نامه حاجت به پیشگاه امام عصر ارواحنا فداه ذکر کردیم و اکنون به کیفیت و چگونگی عریضه می پردازیم :

عباراتی را که در پی می آید در کاغذی نوشته و آن را بر روی قبر یکی از امامان علیهم السلام می افکنی . یا آن را بسته و مهر کن و در میان گل پاکی که ساخته ای قرار ده ؛ سپس آن را در جوی آب یا چاهی عمیق یا برکه آبی بینداز که نامه به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه خواهد رسید و آن حضرت، خودش عهده دار برآوردن خواسته ات می گردد.

کیفیت نوشتن نامه بدین صورت است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ مُشْتَجِعًا ، وَشَكَوْتُ مَا نَزَلَ أَي مَوْلَايَ مِنْ - که درود خدا بر تو باد - به پیشگاه مقدس می نویسم در حالی که تو را به فریاد می طلبم؛ و به تو از مشکلی که برایم پیش بی مُشْتَجِرًا بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ بِكَ ، مِنْ أَمْرِ قَدْ دَهَمَنِي ، وَأَشْغَلَ آتَمِدَةً شَكْوَاهُ وَشَكَايَتِي مِي نَمَائِم ، در حالی که به خداوند و تو پناه آورده ام؛ از مصیبتی که تحملش

برای من مشکل است و قلبی، و أطال فکری، و سیرتینی بعضی لیبی، و عجز خطیر نعمه الله قلبم را به خود واداشته است، و اندیشه ام در موردش به درازا کشیده است، و مقداری از عقل و خرد مرا زایل گردانده، و نعمت ارزشمندی را که خدا به عندی، اشلمنی عند تحیل و روده الخلیل، و تبرأ منی عند من داده است دگرگون ساخته است. هنگام گمان ورود این مشکل، دوست صمیمی من، مرا وا گذاشت، و خویشاوند صمیمی من نیز وقتی ترآنی إقباله إلی الحمیم، و عجزت عن دفاعه حیلنی، و خانتی متوجه شد این مشکل در راه است از من بیزار است. چاره جویی های من در مقابله با این گرفتاری راه به جایی نبرده است، و بردباری و نیروی فی تحمله صبری و قوتی. فلجأت فیہ إلیک، و توکلت فی من قادر به تحمل آن نیست و به وظیفه خود عمل نکرده است. بدین سان، چاره ای ندیدم جز آن که به سرعت به آستان مقدس پناه آورم، المشأله لله جل ثناؤه علیه وعلیک فی دفاعه عنی، علماً و برای درخواست از خداوند - که ستایشش شکوهمند، از آن اوست - به خداوند و همچنین به حضرتت توکل کردم تا این گرفتاری را از من دور کنی. این گفتارهای بکنایتک من الله رب العالمین، ولی التذیر و مالک الأمور، من، از روی بی دقتی نیست؛ بلکه (علم دارم به جایگاه با عظمت تو نزد خداوندی که پروردگار جهانیان است صاحب تدبیر و مالک همه امور است. در این حالات و ائفاً بک فی المسارعه فی الشفاعة إلیه جل ثناؤه فی أفری،

روحانی به تو اطمینان دارم و امیدوارم که برای شفاعت نزد خداوند - که ستایش او شکوهمند باد - در مورد انجام کارهای مربوطه به من شتاب می کنی؛ و از سوی مُتَبَقِنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي . وَأَنْتَ يَا نَزِيْقِيْنَ وَاعْتِقَادِ دَارِمِ كِهْ خِدَاوَنْد - كِهْ مَرْتَبَهْ اَشْ وَالَا وَ مِبَارَكْ اَسْت - دَرِخَوَاسْتْ تُو رَا بَا بَرَأَوْرْدَهْ كَرْدَنِ دَرِخَوَاسْتْ مَنِ اِجَابَتِ مِيْ فَرْمَايِد . اِيْ سِرْوَرِ مَوْلَايْ جَدِيْدٍ بِنَحْقِيْقِيْ طَنِيْ وَتَضِيْدِيْقِيْ اَمَلِيْ فَيَكْ فِيْ اَمْرِ كَذَا وَكَذَا وَ سَالَارِ مَن؛ خُوْدَتِ نَبِزْ اَنِّ قَدْرِ بَزْرْ گَوَارِ وَ سَزَاوَارِ هَسْتِيْ كِهْ مَطْمَئِنِّ هَسْتَمْ گَمَانَمْ رَا مَحَقَّقْ مِيْ سَازِيْ وَ اَرَزْوِيْمْ رَا بَهْ وَاقَعِيْتِ پِيُوْنِدِ مِيْ دِهِيْ دَرِ مَوْرِدِ اِيْنِ كَارِهَا ... (دَرِ اِيْنِ قَسْمَتِ حَاجَتِ نُوْشْتَهْ شُوْد) ، فَيَمَا لَا طَاقَهَ لِيْ بِحَمْلِهِ ، وَلَا صَبْرَ كِهْ بَرَايِمِ سَخْتِ شُوْدَهْ اَسْت وَ دِيْگَرِ طَاقَتِ تَحْمَلِ اَنِّهَا رَا نَدَارَمْ ، وَ شَكِيْمِ دَرِ اِيْنِ مَوَارِدِ لِيْ عَلَيِّهِ ، وَ اِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهْ وَ لَا ضَعْفِيْهِ بِقَبِيْحِ اَفْعَالِيْ تَمَامِ شُوْدَهْ اَسْت؛ اَلْبَتَّهْ بَهْ خُوْبِيْ مِيْ دَانَمْ كِهْ هَمِهْ اِيْنِ مَشْكَلَاتِ ، حَقِّ مَنِ اَسْت وَ سَزَاوَارِ چِنْدِ بَرَابَرِشِ نَبِزْ هَسْتَمْ؛ چَرَا كِهْ كَارِهَايْ زَشْتِ مَن ، وَ تَفْرِيْطِيْ فِيْ الْوَاْجِبَاتِ الَّتِيْ لَلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، فَاَعْتَنِيْ يَا مَوْلَايْ وَ كُوْتَاهِيْ وَ كِنْدِيْ دَرِ اِنْجَامِ وَاْجِبَاتِيْ كِهْ بَرَايِ خِدَاوَنْد - شَكُوْهَمَنْدِ بَزْرْگِ - اَسْت نَتِيْجَهْ اِيْ جِزِ اِيْنِ مَشْكَلَاتِ دَرِبَرِنَخَوَاهِدِ دَاشْت . اِيْ سِرْوَرِ وَ اَقَايِ مَن؛ - كِهْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللّٰهِيْبِ ، وَ قَدِّمِ الْمَسْأَلَهَ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيْ دَرُوْدِ خِدَاوَنْدِ نَثَارَتِ بَاد - بَا اِيْنِ هَمِهْ ، دَرِ اِيْنِ دَلِ سُوْخْتِگِيْ وَ اِنْدُوْهْ بَهْ فَرِيَادَمِ بَرَسْ ، وَ دَرِ پِيْشْگَاهِ الهِيْ دَرِخَوَاسْتِ اِنْجَامِ كَارِهَايِ مَن وَ بَرِطْرَفِ شَدْنِ مَشْكَلَمْ رَا اَفْرِيْ

، قَبْلِ حُلُولِ التَّلَفِ ، وَشَمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ ، فَيَكُ بُيُوتُ النَّعْمَةِ تَقْدِيمُ كُنْ ، وَ زودتر این کار را انجام بده؛ پیش از آن که تلفاتی به بار آید، و دشمنان به مسخرگی و شماتت من بپردازند؛ زیرا، تنها به خاطر توست که این عَلِيٌّ ، وَاشْيَاءُ اللَّهِ حَيْلٌ جَلَالُهُ لِي نَصِيرًا عَزِيزًا ، وَفَتْحًا قَرِيبًا ، فِيهِ هَمَّةُ نِعْمَتٍ بِرِ مَنِ الْكَسْبِ كَسْبُكَ . نيز، از خداوند - شکوهمند - درخواست کن که یاری بزرگ و ارزشمند، و فتح و پیروزی نزدیک و سریع خود ببلوغِ الْأَمَالِ ، وَخَيْرِ الْمَبَادِي ، وَخَوَاتِيمِ الْأَعْمَالِ ، وَالْأَمْنُ مِنْ رَا نَصِيبٍ مَنِ فَرَمَائِدِ؛ به گونه ای که به آرزوهایم برسم و آغاز و پایان کارها نیز به نیکی باشد؛ و در هر حال از الْمَخَافَةِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ ، إِنَّهُ جَلُّ تَنَافُؤُهُ لِمَا نِشَاءَ فَعَالٌ ، وَهُوَ تَمَامُ تَرَسَنَاقِهَا دَرِ اَمَانِ بَاشِم . اعتقادم بر این است که خداوند - که ستایشش شکوهمند باد - هر چه بخواهد به طور کامل انجام می دهد؛ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمُبَدَّءِ وَالْمَآلِ .

و کفایت گر من و وکیل نیکوی من نیز در دنیا و آخرت ، تنها خداست .

پس از آماده شدن نامه ، به طرف جوی آب یا برکه (یا چاه) می روی و یکی از چهار نایب خاص حضرت بقیه الله ارواحنا فداه یعنی: جناب عثمان بن سعید، پسرش محمّد بن عثمان ، حسین بن روح نوبختی ، و علی بن محمد سمری قدس سرهم (که راه های دستیابی و واسطه ما به آن حضرت هستند) را انتخاب می کنی و با این عبارات او را صدا زده و می گویی :

يَا فُلَانُ

بْنِ فُلَانٍ ، سَلَامٌ عَلَيْكَ ، أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، اِي (فَإِنِ ابْنُ فُلَانٍ) ؛ سَلَامٌ وَدُرُودٌ بِرِئَاسَةِ اللَّهِ ، وَأَنَّكَ كُنْتَ عِنْدَ اللَّهِ مَرْزُوقًا ، وَقَدْ خَاطَبْتِكَ فِي حَيَاتِكَ الْتَى وَابْنُكَ تُوْنِدُ خَدَاوَنَدُ زَنَدَه هَسْتِي وَرُوزِي خَاصَّ او رَا دَرِيَا فْت مِي كَنِي . وَبَدِينِ سَان ، مَن دَر حَيَاتِي كَه لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ وَهَذِهِ رُقْعَتِي وَحَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيَّهِ نَزْدُ خَدَا دَارِي تُو رَا مَخَاطَبِ قَرَارِ مِي دَهْم ، وَابْنِ نَامَه وَعَرِيضَه وَدَر خَوَاسْتِ حَاجَتِ مَن بَه سُرُورَمَانِ حَضْرَتِ مَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَسَلَّمَهَا إِلَيْهِ ، فَأَنْتَ الْتَقَهُ الْآمِينُ .

السلام است ، پس آن را به حضرتش تسلیم کن . به راستی که تو مورد اطمینان و امانت دار هستی .

آن گاه نامه را در جوی آب یا درون چاه یا برکه بینداز که به خواست خداوند ، خواسته ات برآورده خواهد شد . (۶)

ناگفته نماند : علامه مجلسی رحمه الله پس از این عبارت افزوده است :

در این حالات روحانی ، در اندیشه ات این گونه باشد که نامه را به دست آن حضرت تسلیم کرده ای ؛ زیرا ، نامه به دست مبارکش می رسد و به خواست خدا ، حاجت و خواسته برآورده می شود . (۷)

محدث نوری رحمه الله فرموده است : از این روایت شریف استفاده می شود که این چهار بزرگوار ، که در زمان غیبت صغری و اولیه امام زمان ارواحنا فداه به عنوان واسطه بین امام و شیعیانش بودند و خواسته ها و نامه ها را عرضه می داشتند و پاسخ ها و نامه های آن امام عزیز را نیز به صاحبانش می رساندند ؛ در زمان غیبت طولانی و کبرای امام

زمان ارواحنا فدهه نیز در رکاب گرامی و ارزشمند آن حضرت هستند و این مقام واسطه بودن (را هنوز در اختیار دارند).

و نیز از این روایت شریف برمی آید که سفره احسان، بخشش، بزرگواری، کرم، لطف و نعمت امام زمان ارواحنا فدهه در سراسر کره زمین برای هر پریشان ناتوان، و نیز برای هر گمگشته سرگردان و هر حیرت زده نا آگاه و گناهکار حیران گسترده و در دسترس است.

این درگاه الهی برای همه باز و گشوده است و این هدایت و دستگیری فراگیر برای همه وجود دارد. البته، به شرط صداقت، اضطراب، نیاز، تصمیم و اراده، صفای درون، اخلاص و بی غل و غش بودن فراهم است.

وقتی که شخص نا آگاه و نادان از او درخواست و التماس کند که به علم و دانش او دست یابد، و خود را گمگشته و سرگردان ببیند، مسلم است که آن بزرگوار او را به سرمتمزل و راه اصلی می رساند، و اگر بیمار باشد، لباس سلامتی را بر تنش می پوشاند. چنان که از داستان هایی که پیشتر نقل کردیم برمی آید.

نتیجه ای که در این جا مقصود است آن است که امام بزرگوار، حضرت صاحب الامر ارواحنا فدهه در بین بندگان حضور دارد و به شیعیان و نیز سایر افرادی که تحت حکومت او هستند نظاره می کند، و قدرت و توان برطرف کردن بلاها را دارد، و از رازها و امور پنهانی آگاه است، و پنهان شدن او از چشم مردم و غیبت او، به معنای کناره گیری از مقام خلافت و حکومت الهی

نیست . آن حضرت ، از لوازم و آداب ریاست الهی اش دست برنداشته است ، و نیروی الهی و ربّانی که در اختیار دارد به ناتوانی نگراییده است .

هر گاه بخواهد مشکلی را حل کند و گرهی را بگشاید ، راه حلّ آن را در قلب ها می افکند به گونه ای که چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد . گاهی دل را به سوی کتاب یا عالمی که دوی درد شخص در آن کتاب یا نزد آن عالم است مایل می کند ؛ و گاهی آن حضرت دعایی را به او تعلیم می نماید و یا در خواب دوی دردش را بیان می فرماید .

و آنچه دیده شده و شنیده شده است که بیچارگان و مضطربان و نیازمندان با حالت عجز و ناتوانی و زاری و تضرع، به آن حضرت شکایت می کنند و درخواست دفع گرفتاری می نمایند؛ ولی اثری از پاسخ و برطرف شدن بلا مشاهده نمی کنند ! دلیلش این است که گاهی مانعی برای دعا و نیز پذیرش دعا هست که بیشتر این موانع به شخص درخواست کننده مربوط می شود؛ از طرفی امکان دارد شخص اشتباه کرده باشد و خود را مضطرب گمان کرده در حالی که این گونه نباشد ، و گاهی شخص خود را تباه شده و سرگردان می بیند، در حالی که راه روشن در پیش رویش می باشد و برایش مشخص است .

همانند کسی که می گوید که من حکم خدا را در فلان مورد نمی دانم در حالی که امام ارواحنا فداه از پیش فرموده است که نزد عالمان به آن احکام برو . نظیر آنچه در توفیق و نامه ای که در پاسخ پرسش های اسحاق بن یعقوب مرقوم فرمودند

آمده است :

در حادثه هایی که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجّت من بر شما هستند ، و من نیز حجّت الهی می باشم .

بدین سان، روشن است که کسی که احکام را نمی داند ، تا زمانی که دسترسی به عالم ربّانی دارد - حتی اگر لازم باشد مسافرت کند یا به کتاب آن عالم مراجعه کند - دیگر مضطّر به حساب نمی آید .

هم چنین، تا زمانی که دانشمند دینی می تواند با استفاده از منابع و مصادر احکام یعنی قرآن و سنّت و اجماع به حلّ اشکالات و دفع شبهه ها و نیز برطرف شدن حیرت خود در مسایل دینی اقدام کند ؛ دیگر مضطّر و وامانده و ناتوان به حساب نمی آید .

مطلب دیگر آنکه کسانی که از حدود و دستورات الهی تجاوز کرده و در چگونگی زیستن خود و استفاده از وسایل مختلف در زندگی زیاده روی کرده اند ، و به مقداری که در شرع مقدّس اسلام نیکو دانسته است اکتفا و قناعت نکرده اند ؛ این افراد نیز وامانده به حساب نمی آیند ؛ چرا که چیزهایی که درخواست کرده اند از چیزهایی نیست که پایه زندگانی بر آن استوار است و چنین چیزهایی اضطراری نیست .

عریضه ای به خداوند ...

گاهی نیز شخص خود را مضطّر و وامانده فرض می کند؛ در حالی که پس از دقت راستین برایش آشکار می شود که مضطّر نیست، و اگر هم اضطراری در کار است یک چیزی است که مصلحت او یا مصلحت عمومی در آن است که دعایش اجابت نمی شود . از سویی، به تمام مضطّران و واماندگان نیز وعده رهایی داده نشده است.

درست است که جز خدا و جانشینان او،



بیچارگان را پاسخ نمی دهند و رهایی نمی بخشند، ولی این دلیل نمی شود که تمام واماندگان را نجات دهند .

در زمان حضور و ظهور امامان علیهم السلام ، در شهرهای مدینه ، مکه و کوفه و دیگر شهرها شیعیان و محبان بسیاری بودند که گرفتار و وامانده و ناتوان بودند، و بسیاری از ایشان درخواست رفع مشکلات را داشتند ولی اجابت نمی شدند. لذا ، آن گونه نیست که هر ناتوانی در هر زمانی، هر چیزی را که می خواهد با اجابت دعایش بتواند به دست آورد و واماندگیش را بر طرف سازد .

زیرا ، در این صورت اختلال و بی نظمی در نظام هستی به وجود می آید، و از سویی نیز پاداش و ثواب های ارزش مند و با عظمتی که برای تحمّل مصیبت ها و بلاها در نظر گرفته شده است، از بین می رود . به راستی که مصیبت دیدگان و بلا زدگان این دنیا ، وقتی در جهان آخرت به پاداش های بزرگ و ثواب هایی که در ازای تحمّل مشکلات به آن ها عطا می شود، نظاره می کنند، آرزو می کنند و می گویند: ای کاش ؛ در دنیا گوشت های بدن ما را با قیچی تکه تکه می کردند .

از این توضیحات به این نتیجه می رسیم که خدای تعالی - با وجود توان و قدرت کامل و بی نیازی مطلق خود ، و آگاهی از تمام ذره های جهان هستی و موجودات ظریف آن - این رفتار را با بندگانش نمی کند ( که به همه آنان هر چه می خواهند عنایت کند ) . ( ۸ )

#### **۴ عریضه ای به خداوند که در عریضه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار داده می شود**

مرحوم علامه مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» می نویسد : این رقعہ را نوشته و آن را می بندی ، سپس نامه دیگری به محضر امام زمان صلوات الله

علیه می نویسی ، سپس آن نامه و عریضه به خداوند را درون نامه ای که برای امام ارواحنا فداه نوشتی قرار می دهی ، سپس آن را گل اندود کرده و درون دریا یا چاه آب می افکنی .

متن عریضه به خداوند چنین است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَدَّدَتْ أَشْيَاؤُهُ ، رَبُّ الْأَرْبَابِ ، وَقَاصِمِ الْإِنْمَانِ (به سوی خداوندی که منزّه و نام هایش مقدّس و پاک است؛ پروردگار و پرورش دهنده پرورش دهندگان، درهم کوبنده الجبابره العظام، عالم الغیب و کاشف الضرّ، الَّذِي سَبَقَ فِي عِلْمِهِ سِرْكَشَانَ بزرگ؛ دانای پنهانی ها، و بر طرف کننده گرفتاری ها؛ خدایی که هر چه اتفاق افتاده است ما کانّ و ما یُکونّ ، مِنْ عَزِيدِهِ الدَّلِيلِ الْمُشْكِنِ ، الَّذِي انْقَطَعَتْ وَهَرَجَ فِيهِ بَابُ الْوَعْدِ وَبُيُوتِ الْوَعْدِ بِيَسْتَرٍ فِي آكَاهِي وَ عِلْمِ وَ دَانِشِ او بُوْدَه اسْت . از بنده بیچاره و خوار و ناتوانش، که تمام

۱ . نجم الناقب : ۷۹۰ .

بِهِ الْأَشْيَابُ ، وَطَالَ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ، وَهَجَرَهُ الْأَهْلُ ، وَبَاتَتْهُ سَبَبُهَا وَوَسِيلَةُهَا رَا مِنْ دَسْتِ دَادَه اسْت ، وَ عَذَابِ وَ شَكْنَجَه اِي طَوْلَانِي بَر او وَاْرْد شُدَه اسْت ، وَ خَانُوَادَه اش او رَا رَهَا كَرْدَنْد ، وَ الصّٰدِيقُ الْحَمِيْمُ فَبَقِيَ مُرْتَهِنًا بِدَنْبِهِ ، فَذُؤْبَقَهُ جَزْمُهُ ، وَطَلَبَ دُوسْت صَمِيْمِي اش او رَا وَاْكَذَابْتَه پَس دَر گَرُو كَنَاه وَ خَطَايِش مَانْدَه اسْت ، وَ جَرْم بَزْهَش او رَا هَلَاك كَرْدَانِيْدَه اسْت ؛ وَ بَه دَنْبَال رَاه النَّجَاةِ] فَلَمْ يَجِدْ مَلْجَأً وَلَا مُلْتَجًا ، عَزِيْرُ الْقَادِرِ عَلٰى حُلِّ الْعُقْدِ ، نَجَاتِ نِيْز رَفْتَه اسْت ، وَاِي هِيْج پَنَاهِگَاه وَ تَكِيَه گَاهِي پِيْدَا نَكْرَدَه اسْت ؛ جَز خِدَائِي كِه بَر گَشُوْدَنْ گَرَه وَ

برطرف کردن مشکل توانایی دارد و مُؤَبَّدُ الْأَيِّدِ ، فَفَزَعَى إِلَيْهِ وَاعْتِمَادِي عَلَيْهِ ، وَلَا لِحْرَاءَ وَلَا مُلْتَجَأَ و او جاودانگی را ابدیت بخشیده است ، پس به سوی او پناه آوردم و بر او تکیه نمودم که پناهی و تکیه گاهی إِلَّا إِلَيْهِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْمَاضِي ، وَبُنُورِكَ الْعَظِيمِ ، جَزْ بَه سَوِي اَوْ نِيَسْت . بارالها؛ به واسطه دانش و آگاهی قاطعت و به واسطه روشنی بزرگ و باعظمتت، وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبِحُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ ، أَنْ تُصَلِّبُنِي عَلَى مُحَمَّدٍ و به خاطر قدر و منزلت کریمانه ات و به واسطه حجت و دلیل رسالت؛ از تو درخواست می کنم بر محمد و علی الِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَأْخُذَ بِيَدِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَقْبَلُ دَعْوَتَهُ ، و آل محمد درود بفرستی؛ دستم را بگیری؛ مرا جزو کسانی که دعایش پذیرفته، وَتَقْبِلُ عَثْرَتَهُ ، وَتَكْشِفُ كُرْبَتَهُ ، وَتُزِيلُ تَرْخَتَهُ ، وَتَجْعَلَ لَهُ مِنْ و لغزشش مورد گذشت واقع شده است، و گرفتارش برطرف گشته، و واماندگی او از بین رفته ، قرار دهی ؛ و برای او اَمْرِهِ فَرْجاً و مَحْرَجاً ، وَتَرُدَّ عَنِّي بِأَسْنِ هَذَا الظَّالِمِ الْغَائِبِ ، وَبَأْسِ در کارش گشایش و گریزگاهی فراهم نمایی ، و اذیت و آزار این ظالم ستمگر و آزار النَّاسِ یا رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ ، خَشِي أُنْتُ وَكَفَى مَنْ أُنْتُ همه مردمان را از من برطرف کنی ؛ ای پروردگار فرشتگان و انسان ها . تو برابم کافی هستی و هر کس تو برایش بی نیازکننده و کفایتگر باشی همه امورش حَشْبُهُ ، یا كاشِفَ الْأُمُورِ الْعُظَامِ ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ . کفایت شده و درست است. ای برطرف کننده مشکلات بزرگ؛ واقعیت

و باورم این است که هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن که از تو سرچشمه می گیرد .

پس از این نامه ، نامه درخواست حاجت از مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه را چنین می نویسی :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَوَسَّلْتُ بِحُجَّتِهِ اللَّهُ الْخَلْفِ الصَّالِحِ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بِهِ حُجَّتِ خَدَاوَنَد و جانشین شایسته و نیک ، حضرت (محمد فرزند حسن توسل جسته ام ، او که فرزند علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن فرزند محمد فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند الحسین بن علی بن ابی طالب ، اَبِي طَالِبٍ ، اَلْتَّبِئِ الْعَظِيمِ ، وَالصَّرَاطِ حَسِينِ فرزند علی بن ابی طالب می باشد؛ که همان خبر بزرگ و راه اَلْمُسْتَقِيمِ ، وَالْحَيَلِ الْمُنْتَهِي ، عَضَمَةِ الْمَلْجِئِ ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ . راست ، و ریسمان محکم الهی است و پناهگاهی مطمئن و تقسیم کننده بهشت و دوزخ است . اَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ الْحَرِيِّينَ الْمُتَجَبِّينَ ، وَأُمَّهَاتِكَ مِنْ بِيْتِ سَوَى تُو تَوَسَّلُ مِي جَوِيْمِ بِي وَاسَطِه پدران پاک و نیکوکار و برگزیده ات ، و نیز به واسطه مادران الطَّاهِرَاتِ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ ، الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ ، پاكْت؛ که همگی باقی ماندگان نیکوکار و شایسته اند؛ همان هایی که خداوند - این بهترین و عزیزترین گوینده - در کتابش از آنان یاد فَعَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ « اَلْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ » (۹) ، وَبِحَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ كَرْدِه است و فرموده است : «آنچه باقی می ماند و نیک و شایسته است» ، نیز به واسطه جد بزرگوارت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَلِيلِهِ وَخَبِيْبِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ ، أَنْ - درود

بر او و آل او - کسی که خدا را دوست دارد و خدا او را دوست دارد و برگزیده مخلوقاتش است؛ در این توکل ها ، تَكُونُ وَسِيْلَتِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كَشْفِ ضُرِّي ، وَحَلِّ عَقْدِي ، درخواست من آن است که شما وسیله و واسطه من باشید تا خدای - عَزَّوَجَلَّ - گرفتاریم را برطرف کند، و گره از کارم بگشاید، و این همه وَفَرَجَ حَشْرَتِي ، وَكَشَفَ بَلِيَّتِي ، وَتَنَفَّسَ تَرْخَتِي ، وَبَكَهَيْعَصَ آهٍ وَحَسْرَتِي رَا از من دور کند، و بلاها را از من بزدايد، و اندوه و واماندگيم را از بين ببرد . درخواست می کنم، به واسطه كهيعص وَيَيْسُ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ، وَيَأْكُلِكِمِ الطَّيْبَةُ ، وَيَمْجَارِي الْقُرْآنِ ، و يس و قرآن حكيم ، و نیز به واسطه كلمه طيبه و پاکيزه الهی، و مجاری قرآنی، ۱ . سوره مریم ، آیه ۷۶ .

وَبِمُسْتَقَرِّ الرَّحْمَةِ ، وَبِجَبْرُوتِ الْعَظْمَةِ ، وَبِاللُّوْحِ الْمُحْفُوظِ ، وَبِهِ قَرَارُكَاهِ رَحْمَتِ ، وَبِزُرْكَاهِ عِظْمَتِ ، وَبِاللُّوْحِ الْمُحْفُوظِ ، وَبِحَقِيقَةِ الْإِيْمَانِ ، وَبِقَوَامِ الْبُرْهَانِ ، وَبِنُورِ النُّورِ ، وَبِمَعْدَنِ النُّورِ ، وَحَقِيقَةِ إِيْمَانِ ، وَبِأَبْنَدِغِي بَرهَانِ ، وَرُوشَنِي نُوْرٍ ، وَبِجَبْرُوتِ الْمَشِيْتُوْرِ ، وَبِالْبَيْتِ الْمَعْمُوْرِ ، وَبِالسَّبِيْعِ الْمُنَانِي ، وَبِهِ وَاسِطَةُ حِجَابِ بِنِهَانِ دَاشْتِه شُدِه ، وَبِإِيْتِ الْمَعْمُوْرِ (طَوَافِ گَاهِ اَهْلِ آسْمَانِ) ، وَبِسَبِيْعِ الْمُنَانِي (سُوْرَةُ حَمْدِ) ، وَالْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ ، وَفَرَايِضِ الْأَحْكَامِ ، وَالْمُكَلِّمِ بِالْعِبْرَانِي ، وَبِالْقُرْآنِ بِعِظْمَتِ ، وَبِأَجْبَاتِ أَحْكَامِ ، وَبِأَنْ چِه بَه زَبَانِ عِبْرَانِي گُفْتِگُو شُدِه ، وَالْمُتَرْجِمِ بِالْيُونَانِي ، وَالْمُنَاجِي بِالسَّرِيَانِي ، وَمَا دَارَ فِي وَآنِ چِه بَه يُونَانِي تَرْجَمِه شُدِه ، وَآنِ چِه

به سربانی راز و نیاز شده، و آن چه در اَلْحَطَرَاتِ ، وَمَا لَمْ يُحِطْ بِهِ لِلظُّنُونِ ، مِنْ عِلْمِكَ الْمُخْرُوجِ ، خاطره ها و خطورها وارد شده ، و به واسطه آن چه گمان ها آن را در بر نمی گیرند؛ یعنی دانش پنهانی تو، وَبِسِرِّكَ الْمَصُونِ ، وَالنُّورِ وَالْإِنجِيلِ وَالزُّبُورِ . یا ذَا الْجَلَالِ و راز محفوظت، و تورات و انجیل و زبور؛ به واسطه همه آن چه عرض شد از تو درخواست می کنم - ای صاحب شکوه و الْاِکْرَامِ صَلَّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَخُذْ بِيَدِي ، وَفَرِّجْ عَنِّي و بزرگواری؛ - که بر محبّد و آل او درود بفرستی؛ و دستم را بگیری، و به واسطه بِنُورِكَ وَأَقْسَامِكَ وَكَلِمَاتِكَ الْبَالِغَةِ ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ ، وَحَشِيئَتُنَا رُوشَنِي هَا و انوارت و قسم هایت و کلمه های رسایت در کارم گشایشی کنی . باور دارم که تو بخششگر بزرگواری هستی؛ خداوند برای ما اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، بس است و خوب و کیلی است . هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن که به واسطه خداوند والای بزرگ به وجود می آید . وَصَلَوَاتُهُ وَسَلَامُهُ عَلٰی صَيِّمُوْتِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ . درودها و سلام های ویژه الهی بر برگزیده اش از بین مردم یعنی حضرت محمد و نسل پاکش نثار باد .

پس از نوشتن نامه دوّم ، هر دو نامه را خوشبو کرده و نامه اوّل را (که به خداوند نوشته شد) در میان نامه دوّم (که به امام ارواحنا فداه نوشته شد) قرار داده و هر دو را در آب روان یا چاه آب می افکنی .  
البته پیش از این کار

، نامه ها را در گِل نرم (یعنی بدون سنگریزه) قرار ده . سپس دو رکعت نماز گزارده و به واسطه محمّد و آل محمّد علیهم السلام به خدای تعالی روی می آوری ، و انداختن نامه ها در آب ، باید در شب جمعه باشد .

یادآور می شود که این عریضه نویسی را برای آزمایش انجام مده ، بلکه باور داشته باش که خواسته ات اجابت می شود . و تنها در مورد سختی ها و کارهای بسیار دشوار انجام شود .

هم چنین ، کسی را که شایستگی ندارد از این جریان مطلع مکن و این نامه را برایش ننویس ؛ زیرا فایده ای برایش ندارد . از طرفی این نامه ها ، امانتی است که بر عهده توست که آن را حفظ کنی و در مورد آن بازخواست خواهی شد .

پس از انداختن نامه ها ، این دعا را بخوان :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِىْ لِحَظَّتْ بِهَا الْبَحْرَ الْعِجَاجَ ، فَازْزِىْدهُ بَارَ الْهَآءِ ؛ از تو می خواهم به قدرتی که دریاهاى بزرگ را با آن ملاحظه فرمودی ، پس به خروش و وَهَاجِ وُ مَاجِ ، وَكَانَ كَاللَّيْلِ الدَّاجِ ، طَوْعًا اِذَا مَرَّكَ ، وَخَوْفًا مِنْ مَوْجِ وَا دَاسْتِى ، وَهَمَانَدِ شِىْءٍ تَارِيْكَ شَدْنَدِ ؛ این همه ، از سر فرمانبرداری دریاها از تو ، و نیز از ترس و هیبت تو بود . فَاقْتَرِ اُجَاجَهُ ، وَاتَّقِ مِنْهَا جُهُ ، وَتَرِيْحَتْ جَزَائِرُهُ ، بَدِيْنِ سَانَ ، اَبِ شُورِ دَرِيَا شَكَافَتِهِ ، وَرَاهِ هَايَشِ زِيْنَتِ دَادِهِ شَد ، وَجَزَائِرِ اَنْ تَسِيْحَ كَفْتَنَدِ ، وَقَدَسَتْ جَوَاهِرُهُ ، تُنَادِيْكَ حِيْتَانُهُ بِاِخْتِلَافِ لُغَاتِهَا ، اِلَيْهَا وَسَيَدْنَا وَجَوَاهِرِ اَنْ تَقْدِيْسِ نَمُوْدَنَدِ . ماهيان درياها با زبان ها و لغات مختلف تو را

ندا دادند: خدای ما؛ آقای ما؛ ما الذی نَزَلَ بِنا، وَمَا الذی حَلَّ بِبَحْرِنَا فَقُلْتُ لَهَا أَشِیْکُنِی، چه چیزی بر ما فرود آمد؟ چه چیزی در دریای ما پیش آمد؟ و به ماهی ها فرمودی: آرام باش؛ (و به دریا فرمودی): (به سَأَشِیْکُنْکَ مَلِیًّا، وَأَجَاوِرُ بِکَ عَبْدًا زُکِیًّا، فَسَیْکُنْ وَوَعْدَ زودی تو را به آرامش می رسانم؛ و بنده ای شایسته و پاک را مجاور تو می گردانم؛ پس آرام گرفت و تسبیح گفت و به بخشش های نهانی بِضَمَائِرِ الْمَنَحِ. فَلَمَّا نَزَلَ بِهِ ابْنُ مَتَّى بِمَا أَلِیْمَ الظُّنُونِ، فَلَمَّا صَارَ وَعْدَهُ داده شد. آن گاه که یونس پسر متی در آنجا فرود آمد چون گرفتار مصیبت هایی شد که حتی تصور آن ها دردناک است، و آن گاه که فی فیها سَبَّیْحٌ فی أَمْعَانِهَا، فَبَكَتِ الْجِبَالُ عَلَیْهِ تَلَهُفًا، وَأَشْفَقَتْ وارد دهان آن ماهی شد و درون شکم آن ماهی رفت، به تسبیح گویی تو پرداخت و در این شرایط، کوه ها غصه او را خوردند و به گریه افتادند؛ عَلَیْهِ الْأَرْضُ تَأْسَفًا، فَبُیُوسُ فی حُوتِهِ كَمُوسِ فی تَابُوتِهِ و زمین برای او متأسف شد و برایش دلسوزی کرد. پر واضح است که حال یونس در شکم ماهی همانند موسی در میان تابوتش بود؛ لِأَمْرِكَ طَائِعٌ، وَلَوْجْهَكَ سَاجِدٌ خَاضِعٌ، فَلَمَّا أُخْبِیَّتْ أَنْ یَقِیَهُ هر دو اطاعت دستور تو کردند، و به خاطر ذات پاکت به سجده و فروتنی پرداختند. در نهایت، آن گاه که خواستی او را نگاه داری، به اَلْقَیْتَهُ بِسَاطِئِ الْبَحْرِ سَلُوا لَا تَنْظُرُ عَیْنَاهُ، وَلَا تَبْطِشُ یَدَاهُ، کنار دریایش افکندی در حالی که چشمانش



توان دیدن نداشت، و دستان و ولایت کُضُّ رِجْلَاهُ، وَأُثْبِتَتْ مِنْهُ مِنْكَ عَلَيْهِ شَجَرَةٌ مِنْ يَطْفِينٍ، پاهایش قادر به حرکت نبودند؛ که در این هنگام بر او مَنّت نهادی و درختی از کدو برایش رویاندی، وَأُجْرِيَتْ لَهُ فُرَاتًا مِنْ مَعِينٍ، فَلَمَّا اسْتَشْفَرُوا تَابَ خَرَقَتْ لَهُ إِلَيَّ وَ آبَى الْغَوَارَا رَا بَرَايْش جَارِي سَاخْتِي. آن گاه که درخواست آموزش و بازگشت کرد نیز راهی به سوی الْجَنَّةِ بَابًا، إِنَّكَ أَتَتْ الْوَهَّابُ.

بهشت برایش گشود. در واقع، تو تنها کسی هستی که بسیار بخشنده است.

در پایان، هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام را نیز یاد می کنی و بر یکایک آنان سلام می دهی. (۱۰)

### ۳ عریضه استغاثه دیگری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

عریضه استغاثه دیگری ...

محدث نوری رحمه الله می فرماید: رقعۀ استغاثه به امام عصر ارواحنا فداه به نام های مختلف روایت شده است، و در کتاب های مشهور دعا موجود است؛ لیکن، نسخه ای که من یافتیم در آن کتاب ها نیست، حتّی در کتاب مزار «بحار الأنوار» نیز نیامده است. در کتاب دعای «بحار الأنوار» نیز - که در آن، سعی در جمع آوری دعاها شده است - به آن اشاره نشده است؛ و چون این روایت، کم استنساخ شده و تعداد نسخه آن اندک است، بدین جهت لازم دیدم که آن را در اینجا نقل کنم.

فاضل متبخر، جناب محمّد بن محمّد طیب - که از علمای دوره صفویّه بوده است - در کتاب خود به نام «انیس العابدین» از کتاب «السعادات» این عبارت را نقل کرده است: دعای توسّل برای تمام کارهای مهمّ و خواسته ها:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بِهِ تَوَسَّلَ جَسْتَه ام ای ابو القاسم؛ ای محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب، اَلْتَّبَا الْعَظِيمِ، اَلصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَعَضِيْمَه عَلِي بن ابی طالب؛ که خیر بزرگ، و راه راست، و پناه اللّاجين . بِأَمْرِكَ سَيِّدَه نِسَاء الْعَالَمِينَ، وَيَا أَبَانِكَ الطَّاهِرِينَ، پناه آورندگان است؛) به تو توسل می جویم (به واسطه مادرت سرور زنان جهانیان؛ و نیز به واسطه پدران پاک، وَبِأَمْرَائِكَ الطَّاهِرَاتِ، بِبَاسِيْنَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَالْجَبْرُوتِ و مادران طاهره و پاکت؛ به واسطه یاسین و قرآن حکیم، و بزرگی جبروت الهی، الْعَظِيمِ، وَحَقِيْقَه الْإِيمَانِ، وَنُورِ النُّوْرِ، وَكِتَابِ مَشِيْطُوْرٍ، أَنْ تَكُوْنَ و حقیقت ایمان، و روشنی بخش نورها، و کتاب نگاشته شده، از تو درخواست می کنم و متوسل می شوم؛ تا به عنوان سفیر و فرستاده سفیری اِلَى اللّٰهِ تَعَالَى فِي الْحَاجَةِ لِفُلَانٍ، أَوْ هَلَاكِ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ . من به سوی خدای تعالی در مورد برآوردن حاجت)... (یا هلاک کردن و نابودی دشمنم یعنی فلانی فرزند فلانی؛ این درخواست را انجام بده . این نامه را در خاک پاک، گل اندود کرده، و آن را در آب جاری یا چاه آب می افکنی و در این هنگام می گویی :

يَا سَعِيْدَ بْنَ عَثْمَانَ، وَيَا مُحَمَّدَ بْنَ عَثْمَانَ، أَوْصِلَا قِصَّتِي إِلَى اِي سَعِيْدِ بْنِ عَثْمَانَ وَ اِي مُحَمَّدِ بْنِ عَثْمَانَ؛ از

شما دو نفر درخواست می‌کنم که این جریان و داستان کار مرا به صاحب الزمان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ .

حضرت صاحب الزمان - که دورد خدا بر او نثار باد - برسانید .

× × ×

نسخه روایت یاد شده به این شکل بود که گفتم؛ لیکن، اگر روایات دیگر و نیز روش دیگر عریضه نویسی‌ها را بنگریم، درمی‌یابیم که صحیح باید چنین باشد که هنگام افکندن نامه به آب، گفته شود : «یا عثمان بن سعید و یا محمد بن عثمان... البتّه، خداوند از واقعیت آگاه است (۱۲) . (۱۱)»

.....(Anotates).....

(۱) التحفه الرضویّه : ۱۵۹ .

(۲) این کلمه، ترکیب شده است از کلمه «جَبّ» و «شیث»؛ که نام چاهی است که منسوب به حضرت شیث پیامبر علیه السلام است .

(۳) جَنه المأوی : ۲۴۸ ، نجم الثاقب : ۴۲۱ .

(۴) دار السلام : ۲۶۴/۲ .

(۵) العبقری الحسان : ۱۲۸/۱ المسک الأذفر .

(۶) المصباح : ۵۳۱ ، البلد الأمين : ۲۲۷ ، منهاج العارفين : ۴۴۸ .

(۷) بحار الأنوار : ۳۰/۹۴ .

(۸)

(۹)

(۱۰) بحار الأنوار : ۲۷/۹۴ .

(۱۱) نجم الثاقب : ۴۲۰ .

(۱۲) مؤلف می‌گوید : شکی نیست که در نسخه روایت یاد شده اشتباه رخ داده است و صحیح همان است که مرحوم محدث نوری تصریح فرموده است ؛ زیرا ، نایب اول و دوم امام علیه السلام همان عثمان بن سعید و محمد بن عثمان هستند .

این جانب ، در برخی از کتاب‌ها دیده‌ام که روایت رقعہ مورد بحث را با کمی تفاوت آورده‌اند و در آخرش آمده است که هنگام به آب انداختن نامه بگو : «یا عثمان بن سعید ؛ أوصل



## بخش نهم: استخاره ها

### اشاره

در این بخش کتاب به مطالبی می پردازیم (۱) که موجب چشم روشنی و آرامش قلبی خواننده محترم شود ؛ نسیم هایی از جهان پنهان (۲) که موجب دست یابی شما به کلید گشایش و فرج (۳) ، و رسیدن به مقام روشنی بخشیدن (۴) می شود و توان و نیرویی به شما برای گشودن درها (۵) می دهد .

خداوند تعالی این مَنّت را بر ما نهاد تا به راهنمایی شخص حقیقت جو (۶) بپردازیم . و روایاتی را که در مورد استخاره ها (۷) از سرور و سالار جهان مَآذِبَات و معنویات نقل شده برای شما بیان کنیم برای هدایت شدن خواهان (۸) ، و اگر شما از علاقه مندان هستید اینها کلیدهای غیب (۹) است که اکنون در دست شماست ، آن ها را گرفته و غنیمت شمارید .

البته لازم است که شرایط استخاره (۱۰) را یاد بگیری تا راه و روش استخاره گیرنده (۱۱) را بشناسی و از کلیدهای پنهان و چراغ وحی (۱۲) استفاده کنی .

از آن جا که استخاره نیز نوعی دعاست ، و آداب دعا را در مقدمه همین کتاب بیان کردیم، به مقدمه کتاب مراجعه فرمایید تا آگاهی شما افزایش یابد ؛ جهت تأکید بر این مطلب ، تذکراتی لازم است :

از مهم ترین چیزهایی که لازم است دعا کننده و استخاره کننده رعایت کند ، پاک کردن دل از چیزهایی است که باعث خشم خداوند می شود ، و نیز به دست آوردن یقین و اطمینان است ؛ زیرا اساس دعا و توسل همین است ، و اگر استخاره با آداب و شرایط آن انجام شود ، گرفتن قبضه تسبیح به اختیار

استخاره گیرنده نیست بلکه به اختیار خداوندی است که از او طلب خیر شده است .

بدین سان ، اگر استخاره به گونه ای صحیح انجام شود ، گرفتن قبضه تسییح ، یا انتخاب یکی از رقعہ ها (در استخاره ذات الرقاع) ، یا باز کردن یکی از صفحات قرآن ؛ همگی ، با خواست و اراده خداوند خواهد بود نه به اختیار و برگزیدن استخاره گیرنده ؛ و اگر با آداب و شرایط لازم انجام نشود بی اعتبار خواهد بود .

بنابراین ، استخاره گیرنده باید قلب خود را پاک گرداند ، و یقین داشته باشد ؛ تا بتواند به خدای تعالی روی آورد ؛ و بدون یقین و اعتقاد ، استخاره اش بی فایده است .

دعای استخاره آخرین توقیع ...

سید جلیل جناب علی بن طاووس رحمه الله در مورد حالات برخی از مردم می نویسد :

برخی از مردم عوام ، در دل شان یقین و نیروی شناخت و اطمینان به مالک روز قیامت را ندارند ؛ زیرا ، روان این دسته ، تنها نظر مشورتی کسی را می پذیرد که او را با چشم مشاهده کنند و با او مأنوس بوده و بشناسند و چنین شخصی نیز باید از بین مردم باشد؛ چرا که خداوند را نمی توان با چشم مشاهده کرد ، و نیز این افراد نمی توانند او را بشناسند تا با او اُنس بگیرند ، و از لذت اعتماد به خداوند نیز بهره مند نیستند ؛ از همه مهم تر ، از بس که کوتاه فکرنند فایده ای در مشورت با خداوند نمی بینند !

وَمَنْ يَكُ ذَا فَمٍ مَرِيضٍ

يجد مرأً به الماء الزلالا

کسی که دهانش (در اثر بیماری) تلخ باشد آب گوارا و زلال را نیز

تلخ می یابد .

این افراد ، از جمله کسانی هستند که مولای بزرگوار ما امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در برخی از خطبه های گهربارش به بیان حال ایشان پرداخته می فرماید :  
همج رعاع ، لایعياً الله بهم ، أتباع كل ناعق و ناعقه .

مردم پست و فرومایه ؛ خداوند تعالی توجّهی به ایشان نمی کند؛ دنباله رو هر سر و صدایی هستند و از آن پیروی خواهند کرد . (۱۳)

### دعای استخاره آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد

#### اشاره

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید : از دعا های پیامبر و امامان علیهم السلام در مورد استخاره دریافتیم که آن حضرات ، عنایت و توجّه وافرّی به استخاره داشته اند و آن را بزرگ می شمرده اند ؛ تا آن جا که استخاره را از اسرار خداوند عزّوجلّ یافتیم که در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آموخت ، و از مهم ترین امور است ، و دریافتیم که دعای استخاره آخرین مرقوم و نوشته ای است که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است ، و این دلیلی رسا و گویا ، نزد عارفان به حساب می آید . (۱۴)

### دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است

#### دعای استخاره ...

دعایی که در مورد استخاره از ناحیه مقدسه رسیده است و آخرین توقیعی می باشد که در زمان غیبت صغری صادر شده است .

محمّد بن علی بن محمّد در کتاب جامعش چنین می نگارد : «استخاره اسماء» که علما بدان عمل می کنند و در نماز حاجت و دیگر نمازها خوانده می شود، و ابودلف محمد بن مظفر رحمه الله آن را آخرین توقیع امام عصر ارواحنا فداه در غیبت صغری می داند ، بدین شرح است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَي السَّمَاوَاتِ بَارِهَا ؛ از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن اراده کردی نسبت به آسمان ها و الْاَرْضِ ، فَقُلْتُ لُهُمَا «اِنِّيَا طُوْعًا اَوْ كَرْهًا قَالَتَا اَتَيْنَا طَائِعِيْنَ» (۱۵) ، و زمین ، پس به آن دو فرمودی : «از در اطاعت یا از روی ناخرسندی، بیایید؛ آن دو گفتند: از سر اطاعت در خواهیم آمد» وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَي عَصَا مُوسَى ، «فَاِذَا هِيَ تَلْقَفُ و

به آن نامت که نسبت به عصای موسی اراده کردی ، «پس، ناگهان آن چه را که افکنده بودند ما یأفکون» (۱۶) . وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ بَلْعِيدٍ . و از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن ، دل های جادوگران را إِلَيْكَ، حَتَّى «قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ × رَبِّ مُوسٰى وَهٰرُونَ» (۱۷)، به سوی خویش برگرداندی تا آن که «گفتند: به پروردگار جهان؛ پروردگار موسی و - برادرش - هارون؛ ایمان آوردیم» ۱ . سوره فصلت ، آیه ۲ . ۱۱ . سوره اعراف ، آیه ۱۱۷ .

۳ . سوره اعراف ، آیه ۱۲۱ و ۱۲۲ .

أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبَلِي بِهَا كُلَّ پروردگار جهانیان ، تویی ای خداوند؛ و از تو درخواست می کنم به آن نیرویی که هر تازه ای را با آن کهنه می کنی ، جَدِيدٍ ، وَتُجَدِّدُ بِهَا كُلَّ بَالٍ . وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ ، و چیزهای قدیمی و کهنه را با آن نو می سازی . و از تو درخواست می کنم به حَقِّ تمام حقوقی که برای تو است وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ ، إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَبِهِ وَاسْطَه هر حَقِّی که بر عهده خود قرار دادی، که اگر کاری که در نظرم است برایم خیر و خوبی، وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتُسَلِّمَ از نظر دین و دنیا و آخرت دارد، بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و سلامی شایسته عَلَيَّهِمْ تَسْلِيمًا ، وَتُهَيِّئْهُ لِي ، وَتَسَهِّلْهُ عَلَيَّ ، وَتَلَطَّفْ لِي فِيهِ بر ایشان نثار کنی؛



و کار مورد نظرم را برای من آماده و راحت و آسان گردانی، و در مورد این کار به من لطف کنی و آن را نرم و هموار گردانی، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . وَإِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ بِهِ وَاسْطَه رَحْمَتًا، ای مهربان ترین مهربانان؛ از سویی، اگر بدی و ناهنجاری دینی، دنیایی و اخرتی، أَنْ تُصِلَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَسَلِّمَ عَلَيْهِمْ و آخرتی برابم دارد نیز بر محمد و آل محمد درود و سلامت را نثار کنی، تَسْلِيمًا، وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا نِيْتُتُ، وَكَيْفَ نِيْتُتُ، (وَحَيْثُ و هر گونه که می خواهی و به هر وسیله که می خواهی) و هر مکان و زمان که می خواهی (آن را از من دور کنی، نِيْتُتُ)، وَتُرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ، وَتُبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا وَمَا بِهِ حَكْمٌ وَفِرْمَانٌ وَآنچه انجام می دهی خوشنود و راضی گردانی و در تقدیرت برابم برکت قرار دهی؛ به گونه ای که أُجِبَّ تَعَجِيلَ شَيْءٍ ۚ أَخْرَجْتَهُ، وَلَا تُأَخِّرْ شَيْءٍ ۚ عَجَلْتَهُ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ شَتَابٍ فِي أَنْ جِهَ بِه تَأْخِيرَ افْكَدِي، و تأخیر در آن چه زود قرار دادی را نخواهم و دوست نداشته باشم. زیرا هیچ نیرو و قُوَّةً إِلَّا بِكَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (۱۸) و جنبشی جز از ناحیه تو نیست؛ ای بلند مرتبه؛ ای بزرگ؛ ای صاحب بزرگی و بزرگواری .

#### **نکته حایز اهمیت!**

سید بن طاووس حسنی رحمه الله می فرماید : شاید این گونه به ذهن برخی خطور کند که مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداء مقارن رسیدن زمان غیبت و پنهان



و نشانه ای بیاور که اگر در چیزی که مورد نظرم است امر می کنی آن را انجام دهم، و اگر نهی می کنی فائتھی) أَوْ مَا تُرِيدُ الْفَالِ فِيهِ (فِي عَافِيهِ .

آن را انجام ندهم) یا در آنچه که تَفَّالٌ می زَنَم (و در عافیت و سلامتی این کار انجام شود .

آن گاه هفت ورق از قرآن را می شماری ؛ سپس ، در طرف دَوَم ورق هفتم نیز شش سطر را می شماری و از سطر هفتم مطلب مورد نظر خود را درمی آوری .

روایت دَوَم :

پس از قرائت دعای یاد شده ، قرآن را گشوده و هفت ورق را بشمارد و در طرف دَوَم از ورق هفتم و نیز در طرف اوّل از ورق هشتم ، هر چه اسم خداوند جَلّ جلاله تکرار شده است را شمرده ، آن گاه به تعداد آن ، ورق های قرآن را بشمارد . سپس از طرف دَوَم آخرین ورقی که در پیش روی قرار دارد شروع به شمردن سطور به اندازه اسم هایی که قبل از این شمرده بود ، کند و از آخرین سطر ، مطلب (و تَفَّالٌ) خود را در بیاورد .

روایت سَوَم :

پس از دعای یاد شده ، هشت ورق را شمرده ، آن گاه در صفحه اوّل از ورق هشتم ، یازده سطر را شمرده و فال و خواسته مورد نظر را در همان سطر یازدهم جستجو کند .

این (سه روایت) را در مورد تَفَّالٌ به قرآن همان گونه که شنیده بودیم نقل کردیم . (۲۱)

### ۳ استخاره با رقعہ از حضرت بقیہ اللہ عجّل اللہ تعالی فرجہ روایت شده است

استخاره اوّل

این استخاره از حضرت حجّت علیہ السلام روایت شده است :

در دو کاغذ می نویسی : «خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِفُلَانٍ بِنِ فُلَانِهِ» «خیرخواهی از خدا

و رسولش برای فلان شخص (نام شخص) فرزند فلان زن (نام مادرش) ؛ و در یکی از کاغذها می نویسی: «إِفْعَلُ» ؛ «انجام بده» ، و در دیگری می نویسی «لَا تَفْعَلُ» ؛ «انجام مده» . دو کاغذ را پس از آماده شدن در قالب گلی قرار می دهی و در ظرف آبی می اندازی . سپس وضو ساخته نماز می گزاری و پس از آن، این دعا را می خوانی:

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَخِيْرُكَ خِيَارَ مَنْ فَوَّضَ اِلَيْكَ اَمْرَهُ ، وَ اَسْتَسْلِمُ اِلَيْكَ بَارِهَا ؛ در واقع، من از تو طلب خیر می کنم مانند کسانی که کارشان را به تو واگذار کرده اند و خویشتن را تسلیم تو داشته اند، نَفْسَهُ ، وَ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِىْ اَمْرِهِ ، وَ اسْتَسْلَمَ بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهٖ مِنْ و در کارشان بر تو توکل کرده اند، و در هر چه به ایشان رسیده است تسلیم بوده اند . اَمْرِهِ . اَللّٰهُمَّ خِزِّ لِىْ وَ لا تُخِزْ عَلَيَّ ، وَ اعْنِىْ وَ لا تُعِنِّ عَلَيَّ ، وَ مَكِّنِّىْ بَارِهَا ؛ برابم نیک بخواه و بد مخواه؛ کمکم کن و دیگران را علیه من کمکم مکن؛ مرا توانایی بده وَ لا تُمَكِّنْ بِنِّىْ ، وَ اهْدِنِىْ لِلْخَيْرِ وَ لا تُضِلَّنِىْ ، وَ اَرْضِنِىْ بِقَضَائِكَ ، و کسی را بر من مسلط مکن؛ مرا به خوبی و نیکی راهنمایی کن و مگذار گمراه شوم؛ به قضایب راضی و خشنودم کن وَ بَارِكْ لِىْ فِىْ قَدْرِكَ ، اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ ، وَ تُعْطِىْ مَا تُرِيدُ . و در تقدیرت برابم برکت و مبارکی قرار بده؛ به راستی تو هر چه را اراده کنی انجام می دهی و هر چه را بخواهی عطا می فرمایى . اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ الْحَيْرَةُ لِىْ فِىْ اَمْرِىْ هَذَا وَ هُوَ كَذَا وَ كَذَا ، فَمَكِّنِّىْ بَارِهَا ؛ اگر خیر و خوبی

در کار مورد نظر من هست؛ پس، آن را در اختیار من قرار بده و توان من، و اقداری علی، و امزنی بیغلیه، و اوضیح لی طریق الهدایه و نیروی انجام آن را بر من ارزانی بدار، و دستور انجامش را به من بده، و راه هدایت علیه، و ان كان اللهم غير ذلك فاصبرفه عني إلى الذي هو خير به سوی آن را برایم روشن فرما. بار الها؛ اگر جز این است، آن را از من دور کن و تبدیل به چیزی کن که برایم بهتر است؛ لی منه، فإنيك تقدر ولا أقدر و تعلم ولا أعلم، وأنت علام زیرا تو توانایی داری نه من؛ و تو می دانی، نه من؛ و تو به طور کامل از العیوب، یا أرحم الراحمین .

پنهانی ها خبر داری؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

سپس به سجده رفته و صد مرتبه در حالت سجده می گویی: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ خَيْرَهُ فِي عَافِيَةٍ»؛ «از خداوند، خیر و نیکی با عافیت درخواست می کنم». سپس سرت را از سجده برداشته و منتظر می شوی تا یکی از آن ها از قالب گِل خارج شود، هر یک از آن ها زودتر خارج شد به آن عمل کن. (۲۲)

### انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه روایت شده است

#### ۱۴ استخاره اول

علامه حلی قدس سره در کتاب «مصباح» می فرماید: این استخاره از صاحب الأمر ارواحنا فداه روایت شده است؛ بدین شکل: ده مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه سوره «حمد» بخواند، و پس از آن ده مرتبه سوره «قدر» بخواند، و پس از آن سه مرتبه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ ، وَأَسْتَشِيرُكَ لِخَيْرِهَا؛ به راستی من از تو

طلب خیر می کنم؛ چرا که تو پایان تمام کارها را می دانی. نیز با تو مشورت می کنم؛ زیرا، به تو خوش گمان ظنّی بک فی المأمول والمخیر. اللهم إن كان الأمر الفلانی و هستم و خوش گمانی ام در مورد همه چیزهایی است که آرزوی من را دارم که انجام شود یا از وقوع آن ترسانم. بار الها؛ اگر کاری که در نظر دارم ۱. فتح الأبواب: ۲۶۵.

کار خود را نام می برد بما قَدْ نِطِطْ بِأَلْبِزِكَ أَعْجَازُهُ وَبَوَادِيهِ ، وَحَفَّتْ أَنتَهَا وَابْتِدَآءُهَا بِرِكَتٍ يَبِينُ خُورِدُهُ وَدَرِ الْكِرَامَةِ أَيَّامُهُ وَلَيَالِيهِ ، فَيَخِرْ لِي اللَّهُمَّ فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شُمُوسَهُ تَمَامِي رُوزَهَا وَشِبْهَائِهَا كِرَامَتِهَا أَوْ رَا دَرِبَرِگَرَفْتَهُ اسْتِ ؛ پَسْ ، بَهْ گُونَهْ اِي بَرَايِمِ اِنْتِخَابِ كُنْ كِهْ چَمُوشِي اَنِّ اَزْ بِيِنِ رَفْتَهْ ذَلُولًا ، وَتَقَعُضُ أَيَّامُهُ سُورًا . اللَّهُمَّ إِنَّمَا أَمْرٌ فَأَتْتُمِرُ ، وَإِنَّمَا نَهْيٌ وَرَامَ گَرَدْدُ ، وَدَارَايِ أَيَّامِي خُوشِ وَرُوشِنِ بَاشَدُ . خُدَايَا؛ اِگَرِ دَسْتُورِ مِي دَهِي تَا اِنجَامِ دَهْمُ ؛ وَ اِگَرِ مِي گُويِي: نَهْ ، تَا فَاتَّنَهِي . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرِخْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ .

اجتناب کنم . خدای من؛ به راستی که من به واسطه رحمت و مهربانی ات از تو طلب خیر می کنم ، خیری که با عافیت همراه باشد .

پس از خواندن دعا ، مقداری از تسبیح را - در حالی که خواسته اش را نیز در نظر آورده است - می گیرد و می شمرد . پس از شمردن دانه هایی که در آن مقدار از تسبیح قرار دارند؛ اگر تعدادشان عدد فرد بود ، کار را انجام بدهد ، و اگر عدد زوج بود ، انجام ندهد . (۲۳)

۱۵ استخاره دَوْم

عَلَامَهْ مَجْلِسِي

اعلی الله مقامه در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید: از پدرم شنیدم که این روایت را از شیخ بهایی نور الله ضریحه روایت کرده است که گفت:

با اساتیدم گفت و گویی داشتم که ایشان فرمودند: از امام قائم ارواحنا فداه در مورد استخاره با تسبیح نقل است که فرمود:

استخاره چهارم

تسبیح را برداشته و پس از سه مرتبه صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام قطعه ای از تسبیح را گرفته و دو تا دو تا دانه های آن را می شمرد و در نهایت، اگر یک دانه باقی ماند یعنی کار مورد نظر را انجام بده؛ و اگر دو دانه باقی ماند، یعنی انجام مده. (۲۴)

#### ۶ استخاره سوم

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي عليه السلام» آمده است: در مورد استخاره با تسبیح، استخاره ای را اجازه داریم که از حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است، یکی از علما نیز در مورد انجام این استخاره به من اجازه داده اند تا هم خودم انجام بدهم و هم بتوانم به دیگران اجازه انجام آن را بدهم؛ لذا، با توجه به اجازه ای که از ایشان دارم، ضمن بیان چگونگی این استخاره، اجازه آن را به همگان می دهم تا به این کیفیت استخاره کنند:

ابتدا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ گفته؛ سپس سه مرتبه صلوات فرستاده سپس دعای مختصری بخواند مثل اینکه بگوید: «یا مَنْ یُعَلِّمُ إِهْدِ مَنْ لَا یُعَلِّمُ»؛ «ای کسی که می داند؛ کسی را که نمی داند راهنمایی کن»، یا بگوید: «یا رَبِّ جِزْ لِي مَا هُوَ الصَّالِحُ»؛ «پروردگارا؛ آنچه شایسته و صلاح من است برابم انتخاب

کن» یا دعاهایی از این قبیل . پس از این دعای کوتاه، قسمتی از تسبیح را به دست گرفته و بشمرد؛ اگر فرد بود انجام دهد و اگر زوج بود ترک کند . (۲۵)

#### ۱۷ استخاره چهارم

در برخی از کتاب های کهن دیدم که این استخاره را نیز به امام عصر ارواحنا فداه نسبت داده است : ابتدا سوره حمد را تا « إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ » قرائت کرده، و پس از آن سه مرتبه صلوات فرستاده و پس از آن نیز سه مرتبه بگو : « يَا مَنْ يَغْلَمُ إِهْدِ مَنْ لَا يَغْلَمُ » ، سپس ، قبضه ای از تسبیح را با دست گرفته و دانه های آن را شمرده اگر عدد فرد بود یعنی خوب است و آن را انجام بده و اگر زوج بود آن را انجام مده .

اگر می خواهی بدانی کار مورد نظرت که برای آن استخاره می کنی بسیار بسیار خوب است یا خیر؛ پس از این استخاره، استخاره ای دیگر به نیت ترک کار مورد نظرت بگیر. در نتیجه اگر اصل کار خوب بود و در استخاره دوّم که برای ترک انجام آن بود ، زوج آمد که بد است؛ بنابراین، کار مورد نظر در نهایت خیر و نیکی خواهد بود. و اگر در ترک آن فرد آمد که خوب است ، معلوم می شود که انجام دادن یا انجام ندادن کار مورد نظر فرقی ندارند . از سویی ، اگر استخاره برای اصل کار بد بود و برای ترک کار خوب بود نیز ، باید آن کار را ترک کرده و به طور جدّی از انجام آن صرف نظر کنی؛ ولی اگر فعل و ترک ، هر دو



بد بود از انجام آن کار نهی شده ولی نه مثل استخاره قبل .

### ۱۸ استخاره پنجم

فقیه بزرگوار، صاحب کتاب «جواهر الکلام» در آن کتاب می فرماید : استخاره دیگری هست که برخی از علمای زمان ما از آن استفاده می کنند ، و گویا به امام عصر ارواحنا فداه نسبت داده می شود ؛ و کیفیت آن چنین است :

پس از این که آیه و دعا خواند ، قبضه ای از تسبیح را می گیرد و هشت دانه هشت دانه می شمرد ؛ اگر یک دانه باقی بماند، یعنی کمی خوب است ؛ اگر دو تا بماند ، یعنی در انجام آن کار یک نهی وجود دارد ؛ اگر سه دانه تسبیح باقی بماند ، یعنی صاحب استخاره خودش صاحب اختیار است ، چرا که انجام آن کار و انجام ندادن آن مساوی است یعنی میانه است ؛ اگر چهار دانه تسبیح باقی بماند به معنای وجود دو نهی و بدی در آن کار است ؛ اگر پنج تا باقی بماند نزد بعضی به معنای این است که در آن کار سختی وجود دارد و برخی نیز به وجود سرزنش در آن کار معتقدند؛ اگر شش دانه باقی بماند به معنای نیکی و خیر کامل در آن کار است به گونه ای که باید در انجامش شتاب کرد ؛ اگر هفت دانه از تسبیح باقی بماند همانند آن است که پنج دانه باقی مانده باشد که در آن دو رأی یا دو روایت وجود دارد ؛ و اگر هشت دانه باقی بماند کار مورد نظر در نهایت بدی است و چهار نهی در آن وجود دارد . (۲۶)

.....(Anotates).....

(۱) مؤلف محترم در

مقدمه این بخش نیز همچون مقدمه کتاب از فنون بلاغت یعنی براعت استهلال استفاده نموده ، و در ضمن مقدمه ، اسامی کتاب هایی که دانشمندان اسلامی در مورد استخاره تألیف کرده اند ؛ نام برده است . (ویراستار)

۲) کتاب «روایح الغیب فی رفع التردید و الريب» ؛ تألیف : مولا عبد النبی بن عبدالرزاق رحمه الله .

۳) کتاب «مفتاح الفرج فی الإستخارات» ؛ تألیف : امیر محمد حسین خاتون آبادی رحمه الله .

۴) کتاب «الإناره عن معانی الإستخاره» ؛ تألیف : شیخ محمد بن فیض کاشانی رحمه الله .

۵) کتاب «فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب فی الإستخارات» ؛ تألیف : سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله .

۶) کتاب «إرشاد المستبصرین فی الإستخارات» ؛ تألیف : سید عبداللّه شبّر رحمه الله .

۷) «الإستخارات» ؛ نام چند کتاب است که علما و دانشمندان اسلامی آن ها را تألیف کرده اند ؛ از جمله :

الف ( شیخ احمد بن صالح بحرانی رحمه الله ؛

ب ( احمد بن عبدالسلام بحرانی رحمه الله ؛

ج ( شیخ ابوالحسن سلیمان ماحوزی بحرانی رحمه الله ؛

د ( سید علی بن محمد حسینی میبدی یزدی رحمه الله ؛

ه ( شیخ میرزا ابو المعالی کلباسی رحمه الله ؛

و ( سید میرزا محمد حسین حسینی مرعشی معروف به شهرستانی رحمه الله .

۸) کتاب «هدایه المسترشدين فی الإستشاره و الإستخاره» ؛ تألیف : حسن بن محمد صالح نصری طوسی رحمه الله .

۹) کتاب «مفاتیح الغیب فی الإستخاره» ؛ تألیف : علامه مجلسی رحمه الله .

۱۰) کتاب «الإستخاره» ؛ تألیف : ابو النضر محمد بن مسعود عیاشی رحمه الله (صاحب تفسیر عیاشی) .

۱۱) کتاب «منهاج المستخیر»

؛ تألیف : حاج میرزا محمد حسین حسینی تبریزی رحمه الله .

(۱۲) کتاب «مفتاح الغیب و مصباح الوحی» ؛ تألیف : سید مهدی غُرفی رحمه الله .

جهت اطلاع بیشتر از کتاب هایی که در مورد «استخاره» نوشته شده ، به مقدمه کتاب «فتح الأبواب» رجوع شود .

(۱۳) فتح الأبواب : ۳۰۰ .

(۱۴) فتح الأبواب : ۱۹۲ .

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷)

(۱۸) فتح الأبواب : ۲۰۵ ، المصباح : ۵۲۱ ، مفاتيح الغیب : ۲۵ .

(۱۹) فتح الأبواب : ۲۰۶ .

(۲۰) در برخی روایات آمده است که پیش از استخاره ، نماز جعفر طیار علیه السلام خوانده شود .

(۲۱) فتح الأبواب : ۲۷۸ .

(۲۲)

(۲۳) البلد الأمين : ۲۳۱ ، المصباح : ۵۱۵ ، الجَنَّةُ الْوَأَقْبَى وَالْجَنَّةُ الْبَاقِيَةُ (مخطوط) : ۷۵ ، و مانند آن در الصحیفه الصادقیه : ۴۲۰ وارد شده است .

(۲۴) بحار الأنوار : ۲۵۰/۹۱ .

(۲۵) المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام : ۵۳۹/۲ .

(۲۶) الباقیات الصالحات حاشیه کتاب مفاتیح الجنان : ۴۱۱ .

**بخش دهم: دعاهایی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند**

**ادعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی ها به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه**

**اشاره**

دعایی با اجابت فوری از ناحیه خداوند تعالی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خواندن آن را در مورد سختی ها و هنگامه حادثه های خطرناک ، سفارش فرموده اند .

جناب سید بن طاووس رحمه الله این دعا را بدون اشاره به نام راوی آن نقل کرده است ؛ لکن علامه مجلسی رحمه الله گفته است : سند دیگری برای این دعا دارم که بسیار عالی است ؛ گرچه خالی از غرابت نیست .

من این دعا را از پدرم نقل می کنم و ایشان توسط یکی از صالحان - بدون واسطه - از حضرت مهدی ارواحنا فداه نقل کرده است . (۱)

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا اِلٰهَ

إِلَّا أَنْتَ وَأَنَا عَبْدُكَ ، ظَلَمْتُ بَارِهَا ؛ تُو فرمائروایی راستین هستی که جز تُو معبودی نیست، و من نیز بنده تُو هستم؛ بر خود ستم کردم، ۱ . بحار الأنوار : ۲۶۶/۹۵ .

نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي ، فَاعْفُؤْ لِي الدُّنُوبَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا وَ بِه گناهام اعتراف دارم؛ پس، گناهان مرا ببخش؛ جز تُو خدایی نیست، ای عَفُورُ . اَللَّهُمَّ إِنِّي أَخِيذُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمِيدِ أَهْلٌ ، عَلِي مَا خَصَصْتَنِي  
آموزند؛ بار الها؛ تُو را می ستایم در حالی که می دانم تُو سزاوار ستودن هستی؛ چرا که هر چه میل آن را داشته ام بِه مِنْ مَوَاهِبِ الرُّغَائِبِ ، وَوَصَلَ إِلَيَّ مِنْ فَضَائِلِ الصَّنَائِعِ ، بر من ارزانی داشته ای، و  
نیکویی ها و احسان فراوانی که به من رساندی ، وَعَلَى مَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ ، وَتَوَلَّيْتَنِي بِهِ مِنْ رِضْوَانِكَ ، وَأَنْلَتَنِي مِنْ وَرِ انچه به من لطف نمودی ، و از رضوان خود به من واگذار نمودی، و مرا مَنَّكَ الْوَأَصِلَ إِلَيَّ  
، وَمِنَ الدَّفَاعِ عَنِّي ، وَالتَّوْفِيقِ لِي ، وَالإِجَابَةِ مِنْ مَتَّ خویشتن برخوردار گردانیدی؛ و همیشه از من دفاع فرمودی و توفیقم دادی، و دعایم را اجابت فرمودی ؛ لِدَعَائِي ، حَتَّى أَنَاجِيكَ رَاغِبًا ، وَأَدْعُوكَ مُصَافِيًا ،  
وَحَتَّى أَرْجُوكَ تَأَنَ كِه با شوق و رغبت به مناجات بپردازم و با صفای باطن تُو را بخوانم؛ نیز، به گونه ای رفتار کرده ای که به تُو امید ببندم ، فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي جَابِرًا ، وَفِي أُمُورِي نَاطِرًا ، و  
در همه جا تُو را نسبت به خود مهربان ، و در کارهایم ناظر ، وَالدُّنُوبِي غَافِرًا ، وَالعُورَاتِي سَاتِرًا ،



وَعَافَيْتَ كَرْدَه اى ، و در زمان حضور در وطنم نیز مرا بزرگ داشتی، بیماری هابم را شفا بخشیدی و درد و اُوصابی ، وَأُحْسَيْتَ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ ، وَاَلَمْ تُشَدِّبْ بِي أُعْجِدَانِي ، الم مرا عافیت بخشیدی و نیکو گرداندی حال حرکتم را و آرام گرفتمم را ، و مرا مورد شمانت و سرزنش دشمنانم قرار ندادی؛ وَزَمَيْتَ مِنْ زَمَانِي ، وَكَفَيْتَنِي شَرَّ مَنْ عَادَانِي . اَللّٰهُمَّ كَمْ مِنْ هَر كَسٍ مَرَا هَدَفَ گَرَفْتِ تُو نِيْزِ اُو رَا هَدَفَ تِيْرِ اِنْتِقَامِ خُوْدِ قَرَارِ دَادِي ، و در نهایت از شَرِّ و بدی تمام کسانی که با من دشمنی کردند مرا کفایت کردی. عَدُوٌّ اِنْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عِدَاوَتِهِ ، وَشَحَدَ لِقَتْلِيْ طَبَهَ مُدَيْبِهِ ، بارالها؛ چه بسیار دشمنانی داشتیم که شمشیر کینه و دشمنی اش را بر روی من کشید، و نوک نیزه اش را برای کشتن من تیز کرد ، وَأَرْهَفَ لِيْ شَبَابَ حَيْدِهِ ، وَدَافَ لِيْ قَوَائِلَ شِيْمُوْمِيْهِ ، وَسَدَّدَ لِيْ وَ تِيْزِيْ لَبَهَ شَمَشِيْرَشِ رَا بَرَايِ مِنْ آمَادَه كَرْدِ ، و کشنده ترین زهرهایش را برایم مهتریا ساخته ، وَصَوَّأَيْبَ سِيَهَامِيْهِ ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَشُوْمِيَنِي الْمَكْرُوْمَةَ ، وَيُجْرِعَنِي تِيْرَهَايِ دَقِيْقَشِ رَا بَرِ مِنْ نَشَانَه گَرَفْتِ ، و در دل نهان داشته بود که مرا گرفتار ناخوشی ها و ناملايمات کند، و تلخی ها را جرعه جرعه دُعاَفَ مَرَارَتِيْهِ ، فَتَنَطَّرَتْ يَا اِلٰهِيْ اِلَى ضَغْفِيْ عَنِ اِخْتِمَالِ بَه كَامِ مِنْ كُنْدِه ؛ لِيْكَنْ ، اى خدای من ؛ به ناتوانی و ضعف من در برابر تحمّل الفَوَاحِجِ ، وَعَجْزِيْ عَنِ الْاِنْبِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِيْهِ ، مشکلات ، و عجز و بیچارگی ام و عدم توانم برای پیروزی در برابر کسی که به قصد جنگ با من

آمد، وَوَحَدَّتِي فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّوَانِي، وَأَرْصَدَ لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ وَتَنَاهَيْتَنِي أَمِ فِي مِيَانِ آنِ هَمِه دَشْمَنِ قِسْمِ خُورْدِه كِه دَر خِيَالِ سَتِيژِ بَا مَن بُوْدَنْد، وَ چِنَانِ دَر كَمِيْنِ مَن بُوْدَنْد كِه حَتَّى فِكْرِ نَمِي كَرْدَم فِكْرِي فِي الْإِنْتِصَارِ مِنْ مِثْلِهِ . فَأَيَّدْتَنِي يَا رَبِّ بِعُزَّتِكَ ، بَتَوَانِمِ دَر مَقَابِلِ شَانِ دَر چِنَانِ مَوَارِدِي پِيْرُوژِ وَ كَامِيَابِ شُوم؛ نِگَرِيَسْتِي، وَ بَا كَمِكِ خُودَتِ مَرَا تَأْيِيْدِ وَ كَمِكِ كَرْدِي، وَشَدَّدْتَ أَيَّدِي بِنَضِيْرِكَ ، ثُمَّ فَلَّتَ لِي حَدَّهُ ، وَصَيَّرْتَهُ بَعْدَ جَمْعٍ وَ بَا يَارِيْتِ دَسْتَانِمِ رَا نِيْرُوْمَنْدِ سَاخْتِي؛ آنِ گَاهِ، تِيژِي (لِبِه شَمَشِيْرِهَا وَ) سَخْتِي هَا رَا بِه نَفْعِ مَن كَنْدِ كَرْدِي، وَ پَسِ اَزِ آنِ هَمِه تَوَانِيْبِي وَ يَارَانِي كِه عَدِيْدِه وَحَدَّهُ ، وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيَّهِ ، وَرَدَّدْتَهُ حَسِيْرًا لَمْ تَشْفِ دَشْمَنْمِ گَرْدِ آوْرْدِه بُوْدِ اَوْ رَا تَنَهَا گَرْدَانِيْدِي، وَ دَر نَهَايْتِ نِيژِ مَرَا بَرِ اَوْ بَرْتَرِي دَادِي وَ سَلَاْحَمِ رَا بَرِ اَوْ تَوَانِ بَخْشِيْدِي، تَا آنِ كِه بَا اَنْدُوِه وَ حَسْرَتِ اَوْ رَا غَلِيْلَه ، وَ لَمْ تُبَيِّرْ ذُخْرَا زَاتِ غَيْظِيهِ ، وَ قَدْ غَضَّ عَلَيَّ سَوَاهُ ، وَابَّ بَرِ گَرْدَانِيْدِي بِه گُوْنِهِ اِي كِه كِيْتِه دَرُوْنِي اَشِ بَرَطْرَفِ نَشْدِ وَ خَشْمِ اَفْرُوخْتِه اَشِ نَسْبِتِ بِه مَن سَرْدِ نِگَرْدِيْدِ ؛ بَا اَيْنِ كِه بَرِ مَن چِنِكِ مُوْلِيًّا قَدْ اَخْلَفْتَ سِيْرَايَاهُ ، وَ اَخْلَفْتَ اَمَالَهُ . اَللّٰهُمَّ وَكَمْ مِنْ بَاغٍ اِنْدَاخْتِه بُوْدِ، وَلِي دَر حَالِي كِه تُو خُوَابِ وَ خِيَالِ هَايَشِ رَا بَرِ بَادِ دَادِي، بَا زِ گِشْتِ . بَارِ اَلِهَا ؛ چِه دَشْمَنْاَنْ وَ سَتْمِگَرَانِي بَغِي عَلَيَّ بِمَكَاتِيْدِه ، وَنَضَبَ لِي شَرَكَ مَصَايِدِه ، وَضَبَّأَ اِلَيَّ كِه بَا نِيْرِنِكِ هَايِ خُودِ بَرِ مَن جِفَا كَرْدِه ، وَ دَامِ هَايِ خُودِ رَا بَرَايِمِ گَسْتَرْدِه ، هَمَانْدِ دَرْنَدِه اِي كِه بَرَايِ طَعْمِه وَ

شکار خود کمین می کند ضَبُوءَ السَّمِيعِ لِطَرِيدِيهِ ، وَاتَّهَزَ فُرْصَتُهُ ، وَاللَّحَاقَ لِفَرِيدِيهِ ، برای من کمین کرده و فرصت به دست آورده را استفاده کرده و به تندی و شتاب بر شکار خود می جهد ، وَهُوَ مُطَهَّرٌ بِشَاشَةِ الْمَلَكِ ، وَيَبْسُطُ إِلَيَّ وَجْهًا طَلِقًا . فَلَمَّا رَأَيْتُ در حالی که خوشروئی منافقانه از خودش آشکار می کند و با چهره ای باز نه درهم کشیده برخوردار می کند ؛ لیکن ، ای یا الهی دَغَلَ سَرِيرَتِي ، وَفَيْحَ طَوِيَّتِي ، أَنْكَشِيتهُ لَأُمِّ رَأْبِيهِ فِي خَدَايِ مِنْ ؛ وقتی دیدی چه نیرنگی برایم در سینه دارد ، و چه نیت زشتی در سر دارد ، او را در دام خودش زُيِّيهِ ، وَأَزْكَشْتُهُ فِي مَهْوِي خَفِيرَتِي ، وَأَنْكَشْتُهُ عَلَي عَقْبِيهِ ، سرنگون ساختی ، و او را در گودالی که برای من کنده بود افکندی و وادار به عقب نشینی کردی ، وَزَمَيْتَهُ بِحَجْرِهِ ، وَنَكَأْتُهُ بِمِشْقَمِصِيهِ ، وَخَفَيْتُهُ بِوَتْرِهِ ، وَرَدَدْتُ وَبَا سَنَگِي كِه دَاسْت بَر خُودَش زَدِي ، وَبَا تِير خُودَش اُو رَا مَجْرُوح كَرَدِي ، وَبَا زَه كَمَانَش اُو رَا خَفَه سَاسْتِي ، وَكَيْيَدُهُ فِي نَحْرِهِ ، وَزَبَقْتُهُ بِنَدَامِيهِ فَاسْتَبَدَلَتْ وَتَضَاءَلَتْ بَعْدَ نِخْوَتِي ، نِيرَنگَش رَا بَه حَلْقُومِ خُودَش بَرگَرْدَانَدِي ، وَآن مَتَكْبِر رَا بَه پَشِيمَانِي تَمَام گَرِيبَان گِير نَمُودِي وَ پَس از آن همه ادعای چيرگي و غرور و تكبر او را وَبَحَعَ وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالِيهِ ، ذَلِيلًا مَأْشُورًا فِي خَبَائِلِهِ الَّتِي كَانَتْ سَرَا فِكْنَدَه نَمُودِي ، وَ بَعْد از سَر كَشِي ذَلِيل وَ مَغْلُوب كَرَدِي ، در حَالِي كِه بَا ذَلَّتْ وَ خُورِي در دَام هَايِي كِه مِي خُوسَا ت يُجِبُّ أَنْ يُرَانِي فِيهَا ، وَ قَدْ كِدْتُ لَوْلَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَجْلُ بِي مَا



مرا در آن ببیند گرفتارش کردی؛ این همه در شرایطی بود که اگر رحمت شامل من نمی شد زود بود که بر من وارد شود آنچه نسبت به حلِ بساخته، فَالْحَمْدُ لِرَبِّ مُقْتَدِرٍ لَا يُنَارِعُ، وَلَوْلِيٌّ ذِي أُنَاوٍ او وارد شده است؛ بنابراین، حمد و ستایش را مخصوص پروردگاری می دانم که دارای قدرتی لایننازع و بی رقیب است، سرپرستی که مهلت دهنده لایعجل، وَكَيْومَ لَا يَعْجَلُ، وَحَلِيمٍ لَا يَجْهَلُ. نَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي است و شتاب نمی کند؛ پایداری که غفلت نمی کند؛ و بردباری که از هیچ چیز بی اطلاع نیست. ای خدای من؛ مُشِيئَتِجِيراً بِكَ، وَائْتِقاً بِسِرِّزَعِهِ إِجَابَتِكَ، مَتَوَكِّلاً عَلَيَّ مَا لَمْ أَزَلْ در حالی تو را ندا در می دهم که پناهنده ات هستم؛ به اجابت و پاسخ دادن سریع اطمینان دارم؛ با اعتماد بر آنچه از دیر باز اَعْرِفُهُ مِنْ حُشْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي، عَالِماً أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهِّدَ مَنْ أُوِيَ شناخته ام که تو به خوبی از من دفاع می کنی؛ می دانم که هر کس در سایه کفایتِ اِلَى ظِلِّ كِفَايَتِكَ، وَلَا يَفْرَعُ الْقَوَارِعُ مِنْ لَجَأٍ إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْبِصَارِ تو درآید شکست نمی خورد؛ و هر کس به تو پناه برد ستیزه گران با او ستیزه نمی کنند و او را نمی کوبند؛ بِكَ، فَخَلَطْتَنِي يَا رَبُّ بِقُدْرَتِكَ وَنَجَّيْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِتَطَوُّلِكَ بِنَابِرَيْنِ، ای پروردگار من؛ با قدرت و توان وصف ناپذیرت مرا خلاصی بخشیدی، و با مَنِّتِ وَنِعْمَتِ بَخْشِ الْهَيْ ات مرا از بدی و آزار و مَنِّكَ. اَللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَّتْهَا، وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ او نجات دادی. بار خدایا؛ چه بسیار ابرهای ناخوشایندی که راندی و دور کردی، و چه آسمان های نعمت باری که اَنْطَرْتَهَا

وَجَدَاوِلَ كَرَامِهِ أَجْرِيَّتَيْهَا ، وَأَعْيُنَ أُخْرِيَاثٍ طَمَشِيَّتَيْهَا ، بِه بَارَشِ دَرِ آوَرْدِي ، وَ چِه نِهْرَهَيِ كِرَامَتِ وَ بَزْرِ گَوَارِي كِه رَوَانِ نِمُودِي ، وَ چِشْمِه هَيِ حَادَثِه هَيِ نَاگَوَارِ كِه نَاپَدِيدِ سَاخْتِي ، وَ نَائِيَّتِي رَحْمَه نَشْرُوتْهَا ، وَ غَوَائِيَّتِي كُرْبِ فَوْجِيَّتَيْهَا ، وَ عَمَمِ بَلَاءِ وَ رَحْمَتِ هَيِي كِه گِستَرْدِي ، وَ مِصِيْبَتِ هَيِ فِرَاگِيْرِي كِه بِرِطْرَفِ كَرْدِي وَ بِلَاهَايِي كِه رَفْعِ كَرْدِي ، كَشْفُوتْهَا ، وَ جُنَّه عَافِيَه اَلْبِيْشِيَّتَيْهَا ، وَ اُمُورِ حَادِثِه قَدْرُوتْهَا ، لَمْ تُعْجِزْكَ وَ لِبَاسِ عَافِيَّتِي كِه بِرِ مَنِ پُوشَانِيْدِي ، وَ چِيْزَهَيِ نَازِه اِي كِه بِرَايِ آيْنِدِه دَرِ نَظَرِ گِرَفْتِي ؛ اِذْ طَلَبْتِيهَا ، فَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ اِذْ اَرَدْتَهَا . اَللّٰهُمَّ وَ كَمْ مِنْ حَاسِبِ سُوْءِ اَنْ كُوْنَه كِه هِنْكَامِ جِسْتَجُوِي اَنْهَا نَا تُوَانِ نِيْسْتِي وَ بَدِيْنِ جِهْتِ وَ قْتِي اِرَادِه كِنِي نِيْزِ سِرِيْچِي نَمِي كِنَنْد . بَارِ خُدَايَا ؛ چِه بَسِيَارِ حَسُوْدِ تَوَلَّنِي بِحَسَنِيْدِه ، وَ سَلَمْتَنِي بِحَدِّ لِسَانِه ، وَ وَخَزَنِي بِقَرْفِ عَيْبِه ، بَدَانْدِيْشِي كِه بَا حِسَادَتِ مَرَا گِرَفْتَارِ كَرْد ، وَ بِه تَنْدِي زَبَانِشِ مَرَا آزْرَدِه سَاخْت ، وَ بَا عِيْبِ نِهَادَنْشِ مَرَا بِه دَرْدِ آوَرْد ، وَ جَعَلَ عِزْضِي غَرَضًا لِمَرَامِيه ، وَ قَلَدْنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيْهِ وَ اَبْرُوِيْمِ رَا مَوْرِدِ هَدْفِ خُودِ قَرَارِ دَاد ، وَ قَلَادِه اِي بِه گِرْدَنْمِ اِفْكَنْدِه اَسْت كِه هِمُوَارِه تُو كَفِيْتِنِي اَمْرُهُ . اَللّٰهُمَّ وَ كَمْ مِنْ ظُلُّ حَسَنِ حَقَّقَتْ ، وَ عُدْمِ اِثْلَاقِي اَمْرَاوَرَا بِرِ مَنِ كِفَايَتِ نِمُودِي . بَارِ اَلْهَا ؛ چِه خُوشِ گِمَانِي هَيِي كِه تَاكُنُوْنِ بِه تُو دَاشْتَمِ وَ اَنْهَا بِه وَ قُوْعِ پِيُوْسْت ، وَ چِه بَسِيَارِ تَنْگِدَسْتِي ضَرْوْنِي جِيْزَتِ وَ اَوْسَعَتْ ، وَ مِنْ صَرْعِه اَقَمْتْ ، وَ مِنْ كُرْبِيَه كِه بِه مَنِ زِيَانِ زَدِ وَ تُو جِبْرَانِ كَرْدِي وَ تُوَانِ گِرِي بَخْشِيْدِي ، وَ چِه بَسِيَارِ كِه بِرِ زَمِيْنِ اِفْتَادَمِ وَ سَقُوْطِ كَرْدَمِ وَ تُو مَرَا بِرِيَا

کردی، و چه بسیار نَفْسَتْ ، وَمِنْ مَشِيكَتِهِ حَوْلَتْ ، وَمِنْ نِعْمِهِ حَوْلَتْ ، لِأُنْشِيَالِ عَمَّا حَدَثَهُ هَايَ اَنْدَوَه بَارِي كَه اَز اَن رَهَائِي بَخْشِيْدِي، وَ چَه بِيچار گِي هَائِي كَه اَز بِيْن بَرْدِي، وَ چَه نِعْمَت هَائِي كَه اَرْزَانِي دَاشْتِي؛ دَر مَورِد اَن چَه تَفْعِيلُ ، وَلَا بِمَا أُعْطِيَتْ تَبَخَّلُ ، وَلَقَدْ سُرِنَلَتْ فَيَدَلَّتْ ، وَلَمْ تُسْئَلْ اِنْجَام مِي دَهِي اَز تُو پَرَس وَ جُو نَمِي شُود، دَر عَطَايَت بَخْل نَمِي وَرْزِي؛ هَمَا، اَز تُو دَرخَواَسْت شُد وَ بِلَا فَاصلَه بَخْشِيْدِي، وَ چِيْز هَائِي رَا كَه دَرخَواَسْت فَايْتِدَأَتْ وَاسِيْتُمِيحَ فَضْلِكَ فَمَا أَكْذَبَتْ ، أَيَّتْ اِلْمَا اِنْعَاماً وَ اِثْمَاناً نَشُد بِيَش اَز دَرخَواَسْت تُو اِحْسان كَرْدِي، اَز تُو بَخْشِش وَ بَزْر گَواري دَرخَواَسْت شُد وَ تُو دَرِيغ نَورْزِيْدِي ؛ وَ نَخَواَسْتَه اِي كَه جَز نِعْمَت بَخْشِيْدِن وَ مَنّت وَ تَطْوُلًا ، وَ أَيُّتْ اِلْمَا تَقَحُّمًا عَلَي مَعْاصِيكَ ، وَ اَنْبِهاكَ لِخُرْمَانِكَ ، نَهَادِن وَ بَهْرَه مَنْد سَاخْتِن، كَار دِيْگَرِي بَكْنِي؛ دَر مَقابِل - چَنان كَه اَز اَعْمالِم پِيْداَسْت - مَن نِيْز سَرِباْز زَدَم جَز مَرْتَكَب شَدِن گَناهاَن وَ هَتَك حَرْمَت وَ تَعَدُّياً لِحُدُودِكَ ، وَ غَفْلَةً عَن وَعِيْدِكَ ، وَ طَاعَةً لِعَدُوِّي وَ عَدُوِّكَ ، نَسَبْت بَه تُو وَ تَجَاوُز وَ گَذاَسْتِن اَز مَرزها وَ حُدُودت، وَ بِي تَوَجِّهِي نَسَبْت بَه وَعَدَه هَائِي عَذابِت وَ فَرمانبَرْداري اَز دَشْمَن مَشْتَرَك مَن وَ خُودت لَمْ تَمْتَنِعْ عَن اِثْمامِ اِحْسانِكَ ، وَ تَتَابِعِ اِثْمانِكَ ، وَ لَمْ يَخْجُرْ نِي كَارِي اِنْجَام نَدادَم؛ تُو نِيْز با اِيْن وَ جُود دَسْت اَز كَامل كَرْدِن نِعْمَت وَ بِي دَر پِي فَرسْتادِن خُوبِي ها وَ مَنّت نَهَادِن هَايْت، بَر نَداشْتَه اِي؛ لِيكِن اِيْن ها نِيْز ذَلِك عَن اِزْتِكاَبِ مَساخِيْطِكَ . اَللّهُمَّ فَهَذَا مَقامُ الْمُعْتَرِفِ لَكَ باَعْثْ باْز داَسْتِن مَن اَز اِنْجَام گَناهاَن وَ دَسْت بَر داَسْتِن اَز خَشْم تُو نَشُد؛ بار خُدايا؛ اِيْن جايگَه، جايگَه كَسِي اَسْت كَه دَارَد

اعتراف بِالْمَقْصِرِ عَنْ أَدَاءِ حَقِّكَ ، الشَّاهِدِ عَلَى نَفْسِهِ بِسُيُوءِ نِعْمَتِكَ ، می کند در ادای حَقِّ تو کوتاهی کرده است؛ خودش گواهی بر ضدّ خودش می دهد که نعمت تو کامل و حُسنِ کِفایتِیک ، فَهَبْ لِي اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي مَا أُصِلُّ بِهِ إِلَيَّ وَ نَگه داری و حفاظت تو از او نیز به نیکی انجام شده است؛ پس، ای خدای من؛ ای معبود من؛ به من ببخش آنچه را که به سبب آن رَحْمَتِیک ، وَأَتَّخِذُهُ سُلْمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ ، وَأَمَنْ بِهِ مِنْ بَه رَحمت تو برسم ، و آن را نردبانی برای بالا آمدن به سوی کارهای خشنودکننده و رضای تو قرار دهم و بدان وسیله از عِقَابِک ، فَإِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ كَافِرٌ تَوَدُّ أَنْ يَكُونَ بِمَنْعِكَ . بَه راستی، تو هر چه بخواهی انجام داده، به هر کاری بخواهی دستور می دهی و تو بر هر شئی قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ حَمْدِي لَكَ مُتَوَاصِلٌ ، وَتَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ ، کاری توانایی . خدایا؛ سپاس من بی دریغ به درگاه تو واصل، و ثنا و ستایشم به طور دایم نثار آستان تو ، مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ بِالْوَانِ التَّشْيِيحِ ، وَفُنُونِ التَّقْدِيسِ ، خَالِصًا از روزگاری تا روزگار دیگر است؛ و این تسبیحاتم به شکل های گوناگون بوده، و تقدیس تو را از راه های مختلف به جای می آورم؛ خالصانه لِدُكْرِكَ ، وَمَرْضِيَّتِكَ لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ ، وَمَخْضِ التَّخْمِيدِ ، وَطُولِ بَه ياد توام، و با یگانه دانستن و سپاس بی شائبه ات و به وسیله دروغ گو شمردن همیشگی و پیوسته آن هایی که التَّغْدِيدِ فِي إِكْذَابِ أَهْلِ التَّنْذِيدِ . لَمْ تُعَنْ فِي

شَيْءٌ مِنْ قُدْرَتِكَ ، برای تو مثل و مانند و همتا فائزند؛ سعی دارم مورد رضایت و خشنودیت قرار گیرم. در قدرت مندیت کسی به تو یاری نمی رساند، وَلَمْ تُشَارِكْ فِي الْهَيْبَةِ ، وَلَمْ تُعَايِنِ إِذْ حَبَشِيَتِ الْأَشْيَاءَ عَلَيَّ وَ در خدایت کسی با تو شریک نیست، و هنگامی که اشیاء را بر غریزه های گوناگون پوشش دادی و نگهداری کردی الْغَرَائِبِ الْمُخْتَلِفَاتِ ، وَفَطَرْتَ الْخَلَائِقَ عَلَى صُوفِ الْهَيْبَاتِ ، وَلَا كَسَى نُو رَا مَعَابِنَه وَ مشاهده نمی کرد، و آن گاه که هر مخلوقی را در صنف و هیئت ویژه ای خلق کردی کسی تو را نمی دید . حَزَقَتِ الْأَوْهَامَ حُجْبَ الْعُيُوبِ إِلَيْكَ ، فَأَعْتَقَدْتُ مِنْكَ مَحْدُوداً (عقل و وهم و قوای باطنیه هیچ کس، یارای دریدن پرده های پنهانی به سوی تو را ندارد، تا در نتیجه تو را در فی عَظَمَتِكَ ، وَلَا كَيْفِيَّتَهُ فِي أَرْزَلَتِكَ ، وَلَا مُمَكِنًا فِي قَدَمِكَ ، عظمت محدود باور دارد ، و نمی تواند برای ازلیت تو کیفیتی و برای قدیمیت تو امکانی فرض کند . وَلَا يَلْبُغُكَ بُعْدُ الْهَيْمِ ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْضُ الْفِطْرِ ، وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ هَرَجَه هَمَّت كَسَى عَالِي بَاشَد بَه كُنَه حَقِيقَت تُو نَمِي رَسَد، وَ زُرْف اَنَدِيشِي وَ زَبِرَكِي هِيچ كَسِي بَه تُو دَسْت نَمِي يَازَد، وَ نَظَرُ النَّاطِرِينَ فِي مُجَدِّ جَبْرُوتِكَ ، وَ عَظِيمِ قُدْرَتِكَ . إِزْتَفَعْتُ عَنْ نَگَرَش هِيچ كَسِي بَه مَنْتَهَاي جَبْرُوت وَ نَبْرُوي عَظِيم تُو نَخَوَاهَد رَسِيد . صَفَه الْمَخْلُوقِينَ صَفَه قُدْرَتِكَ ، وَ عَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ ، صَفْت وَ وِيزْگِي قَدْرَت تُو بَرْتَر از تَوْصِيفِ آفَرِيد گَان، وَ عَظْمَت كَبْرِيَايِي تُو بَلَنْد مَرْتَبَه تَر از آن هَاسْت؛ وَلَا يَنْتَقِصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزِدَادَ ، وَلَا يَزِدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْتَقِصَ ، أَنَجَه



و سرافکنده در برابر عظمت و بزرگی تو است؛ هر چیزی در برابر نیرو و قدرت تو سر تسلیم فرود شئی ۱ لُقْدَرْتِكَ ، وَخَصَّعَتِ الرَّقَابُ بِسُلْطَانِكَ ، فَصَلِّ مُنَالِكَ آورده است؛ با سلطنت و چیرگی تو، تمام کردن ها به خضوع و افتادگی درآمده است، و در این جاست که هر التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ لَكَ ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ تَدْبِيرٌ وَ چاره جویی در پیدا کردن صفاتی برای تو، دچار گمراهی و سرگردانی شده است؛ هر کس در مورد صفات اندیشه کند طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيراً ، وَعَقْلُهُ مَبْهُوتاً مَبْهُوراً ، وَفِكْرُهُ مُتَحَيِّراً . در مانده و خسته از این کار برمی گردد، و عقلش ناتوان و شکفت زده و اندیشه اش سرگردان می شود؛ اَللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَقِيدُ حَمِيداً مُتَوَاتِراً مُتَوَالِياً مُسْتَقِماً مُسْتَوْثِقاً يَدُومُ اى خدا؛ پس، تمام حمد و سپاس ها را مخصوص تو می دانم؛ حمد و سپاسی پی در پی، متصل، همراه و محکم به هم جسیبده، که ولا يبيدُ غَيْرُ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ ، وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْعَالَمِ ، دایمی باشد و قطع نشود و در ملکوت نیز ناپدید نشود، و در جهان آفرینش محو و نابود نشود، وَلَا مُتَّقَصٍ فِي الْعُرْفَانِ ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَمِيداً لِاتَّخِصِي مَكَارِمُهُ و از نظر شناخت نیز کم نداشته باشد؛ پس، سپاس و ستایشی که مکرمت ها و خوبی هایش را نتوان برشمرد سزاوار توست ، فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ، وَفِي الصُّبْحِ إِذَا أَشْفَرَ ، وَفِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، و تو را سپاس هنگامی که شب پشت می کند و هنگامی که صبح طلوع می کند؛ در دریا و خشکی، وَبِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ ، وَالْعَيْشِ وَالْإِبْكَارِ ، وَالظَّهْرِ وَالْأَشْحَارِ . و صبح و شام، و در شبانگاه و

بامدادن و در ظهر و سحر گاهان . اَللّٰهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ اُحْضِرْ لِي النِّجَاةَ ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وَايَةٍ بَارِئَةٍ ؛ با توفیقت مرا نجات بخشیدی، و در دایره حفظ و حراست خود سرپرستی و نگه داری کردی، اَلْبِضْمَةَ ، لَمْ تَكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي اِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي اِلَّا بِطَاعَتِي ، بيش از طاقت و توانم برای من وظیفه ای نگذاشتی؛ زیرا، تنها فرمان برداریت را از من خواستی تا مورد رضایت قرار گیرم . فَلَيْسَ شُكْرِي وَاِنْ دَابَّتْ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ ، وَبِالْعَتُّ مِنْهُ فِي بِنَابِرِئِنِ ، سپاسگزاری و تشکر من از تو) هر چند در گفتار خسته شوم، و نهایت توانم را در انجام آن به کار بگیرم( نخواهد توانست اَلْفِعَالِ بِبَالِغِ اَدَاءِ حَقِّكَ ، وَلَا مُكَافِ فَضْلِكَ ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لَا حَقَّ رَا اِدا كند و هم پایه فضل تو باشد؛ زیرا، تو خدایی هستی كه اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ ، لَمْ تَغِبْ عَنْكَ عَابِيَهٌ ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَهٌ ، معبودی جز تو نیست؛ هیچ پنهان شده ای از تو پنهان نشده است، و هیچ چیز پوشیده و مخفی نیز بر تو پوشیده نیست، وَلَا تَنْصِلُ لَكَ فِي ظُلْمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةً ، اِنَّمَا اَفْرَكَ اِذَا اَرْدَتْ و در تاریکی های پنهان ، گم شده ای از نظر تو گم نمی شود . شَأْنُ تَوْجِنِ است كه هر گاه چیزی را اراده کنی شَيْئًا اَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتْ بِهِ اَنْ مِي گویی : )انجام( شو؛ آن نیز) بلافاصله( انجام می شود . بار الها ؛ تو را سپاس به همان گونه كه بِهِ نَفْسُكَ ، وَحَمْدُكَ بِهِ الْحَامِدُونَ ، وَمَجْدُكَ بِهِ الْمُتَمَجِّدُونَ ، خود را ستوده ای ؛ و همان گونه كه



تمام ستایشگران تو را حمد و سپاس گفته اند، و تمام ثناگویان تو را ثنا و تمجید نموده اند، وَكَبَّرَكَ بِهٖ الْمَكْبُورُونَ، وَعَظَمَكَ بِهٖ الْمُعْظَمُونَ، حَتَّىٰ يَكُونَ لَكَ و بزرگ دارندگان تو را بزرگ داشته اند، و به عظمت یادکنندگان تو را تعظیم کرده اند؛ تا جایی که مِنِّي وَخِيدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ، وَأَقَلَّ مِنْ ذَلِكْ، مِثْلُ خَرِيدٍ مِنْ هَرِّ جِشْمٍ به هم زدن و بلکه در زمانی کمتر از آن، به تنهایی به اندازه جمیع الْحَامِدِينَ وَتُوحِيدِ الْأَمْنَانِ الْمُخْلِصِينَ، وَتَقْدِيسِ أَجْبَانِكَ تمام ستایشگران تو را ستایش کنم، و به اندازه تمام مخلصان تو را یگانه بخوانم، و به اندازه تمام دوستان عارف تو را الْعَارِفِينَ، وَثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ عَارِفٌ بِهٖ، تقدیس کنم، و به اندازه تمام تهلیل گویان تو را ثناگویی کنم؛ همانند آنچه که تو خودت نسبت به آن شناخت داری، وَمَخْمُودٌ بِهٖ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ وَالْجَمَادِ . وَأَرْغَبُ و با آن ستایش شونده ای از تمام مخلوقات اعتم از حیوان و جمادات . بار الها؛ اشتیاق دارم إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهٖ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أَيْتَرَ مَا شَكَرَ و سپاس تمام ستایش هایی را که زبانم را بدان گویا کردی نیز به جای آورم . چه قدر آسان است كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكْ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَىٰ شُكْرِكَ، إِيْتِدَاتِنِي انجام آن چه مرا بدان موظف فرمودی، و چه عظیم است وعده هایی که برای سپاسگزاریت به من دادی؛ از راه بِالنَّعْمِ فَضْلًا وَطَوْلًا، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدْلًا، وَوَعَدْتَنِي فَضْلًا وَدُوسْتِي و لطف شروع به نعمت بخشیدن به

من کردی، و به من دستور دادی که در مقابل آن نعمت ها - چنان که حقّ توست و عدالت نیز علیه اضعافاً و مزیداً، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اغْتِبَاراً وَامْتِحَاناً، همین را اقتضا می کند - به شکرگزاری  
بپردازم؛ نیز به من وعده فرمودی که در مقابل شکر و سپاسگزاریم نیز چند برابر به من ببخشی و پاداش و سَأَلْتَنِي مِنْهُ فَوْضاً يَسِيراً صَغِيراً، وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ اَضْعَافاً بَدَهِي. از روزی و رزقت جهت عبرت جویی  
و آزمایش، به من ارزانی داشتی، ولی در مقابل مقدار کم و کوچک از آن را از من درخواست کردی و باز هم در وَمَزِيداً وَاِعْطَاءً كَثِيراً، وَعَافِيَتِي مِنْ جُهْدِ الْبَلَاءِ، وَلَمْ تُشِيلِمْنِي مَقَابِلَ پِرَاخْتِ اَنْ، وعده  
پاداش های چند برابر و نیز بخشش های بسیار به من دادی. و مرا از سختی بلا عافیت و سلامت دادی و لِلشَّوْءِ مِنْ بَلَايِكَ، وَمَنْحَتِي الْعَافِيَةَ، وَأَوْلَيْتَنِي بِالْبَشْطَةِ بِه بَدِي هَاي بِلَايْتِ رَهَا نَكْرَدِي، و عافیت و  
سلامتی را به من احسان نمودی، و مرا با گستردگی وَالرَّخَاءِ، وَضَاعَفْتَ لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ مِنَ الْمَحْلَةِ و رفاه یاری کردی و برای من فضل و احسان را - با این که در محلّ بزرگواری برای من  
وعده دادی - الشَّرِيفَةَ، وَبَشَّرْتَنِي بِهِ مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الْمُنْبِعَةِ، وَاصْطَفَيْتَنِي چندين برابر قرار دادی، و به وسیله او مرا به درجه رفیع و والا- بشارت دادی، و مرا به بِاَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةَ، وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةَ  
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بزرگ ترین پیامبران از نظر فراخوان و برترین آنان از نظر شفاعت یعنی حضرت محمد - که درود

خدا بر او و آل او باد - برگزیدی . وَ اِلهِ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا لَا يَسِيْرُهُ اِلَّا مَغْفِرَتُكَ ، وَلَا يَمْحَقُهُ اِلَّا بِارْحَمٰهٖ ؛ بيا مرز برای من آنچه را که جز آموزش تو آن را توان ندارد ، و جز عَفْوُكَ ، وَهَبْ لِيْ فِيْ يَوْمِيْ هٰذَا وَسَاعَتِيْ هٰذِهِ يَقِيْنًا يُهَوِّنُ عَلَيَّ عَفْوَتَ اَنْ رَا مَحُو و نابود نکند؛ امروز و در ساعت حاضر یقینی به من ببخشی که مُصِيْبَاتِ الدُّنْيَا وَاٰخِرَاتِهَا ، وَ يُسَوِّقُنِيْ اِلَيْكَ ، وَ يُرْعِنِيْ فِيمَا مَصِيْبَتِهَا و اندوه های دنیا را بر من آسان گرداند، و مرا مشتاق تو کند، و ترغیب به چیزهایی که عِنْدَكَ ، وَاَكْتُبْ لِيْ الْمَغْفِرَةَ ، وَبَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ ، وَاَرْزُقْنِيْ شُكْرًا مَا نَزَدَ تَوْسِتِ بِنَمَايِد . مغفرت و آموزش خویش را برای من بنویس ، و مرا به کرامت برسان، و شکر و سپاسگزاری بر اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيْعُ الْبَدِيْعُ الْبَدِيْعُ نعمت هایت را که بر من عنایت کردی ، روزیم کن؛ زیرا، تو خدای یکتای والای آغازگر نوآورد السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ الَّذِي لَيْسَ لِاَمْرِكَ مِدْفَعٌ ، وَلَا عَنْ قَضَائِكَ شَنْوَايِ دَانَا هستی؛ خدایی که هیچ چیزی نمی تواند دستورت را برگرداند، و از قضا و نظر تو مُمْتَنِعٌ ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ رَبِّيْ وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاِطْرُ السَّمَاوَاتِ جُلُوْغِيْرِيْ كُنْد؛ و گواهی می دهم که تو پروردگار من و پرورش دهنده تمام چیزی هایی؛ آفریننده آسمان ها و الْاَرْضِ ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الْعَلِيِّ الْكَبِيْرِ الْمُتَعَالِ . اَللّٰهُمَّ زَمِيْنِيْ ؛ دانای پنهانی ها و دیدنی ها ؛ بلندمرتبه ، بزرگ و والا مقام . بِارْحَمٰهٖ ؛ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ التَّابَاتِ فِي الْاَمْرِ ، وَالْعَزِيْمَةَ فِي الرُّشْدِ ، وَاِلْهَامًا بِهِ

راستی من از تو درخواست ثبات و پایداری را در ولایت، و عزم راسخ در انجام خوبی‌ها، و الهام الشکر علی نعمتک، و اعود بک من جور کل جائز، و بغي کل به من برای سپاسگزاری بر نعمت هایت دارم. از جور و ستم تمام جائران و ستم کاران، از جفا کاری باغ، و حسد کل حاسد. اللهم بک اصول علی الأعداء، و إياک زور گویان، و از حسد حسادت کنندگان به تو پناه می آورم. بارالها به واسطه تو می خواهم بر دشمنان ظفر و چیرگی یابم؛ و تنها از تو ارجو ولایه المأجیاء، مع ما لا أشیطع إحصاءه من فوائد ولایت و دوستی و دوستان را امید دارم؛ با این که هنوز نمی توانم موارد فضلک، و اشیان رفیک، و انواع رزقک، فایک أنت الله لا إله فضل سودمندت، و انواع پذیرایی و روزی ات را به شماره در آورم. همانا، تو خدایی هستی که إلی أنت الفاشی فی الخلق حمدک، و الباسط بالجوید یدک، جز تو معبودی نیست و ستایشت در بین خلقت گسترده و آشکار است، و دست جود و بخشش باز و گسترده است، لا تضاد فی حکمک، و لا تنازع فی سلطانک و ملکک، و لا تراجع و در حکم و فرمان تو با تو ضدیت نمی توان کرد، و در سلطنت و فرمان روایی، کسی نمی تواند به جنگ تو بیاید، و امر و دستور تو فی اثرک، تغلبک من الأنام ما شئت، و لا یفلکون إلی ما ترید. باز گرداننده نمی شود، هر چه از مردم را بخواهی ملک توست؛ لیکن هر چه آن‌ها بخواهند - جز با اراده تو - بدست نمی آورند.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدِّسُ فِي نُورِ بَارِهَا ؛ تو نعمت بخش، فضل و فزونی بخش، توانا، جیره و غالب و پاکیزه دانسته شده در نور القُدس ، تَرَدُّبَتِ بِالْعِزَّةِ وَالْمَجْدِ ، وَتَعَظَّمْتَ بِالْقُدْرَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ ، پاک هستی؛ لباس عزت و بزرگواری بر تن داری ، و با قدرت و کبریاییت ابراز بزرگی می کنی ، وَعَشِيَّتِ النُّورِ بِالْبَهَاءِ ، وَجَلَلَتْ الْبَهَاءُ بِالْمَهَابَةِ . اللَّهُمَّ لَكَ وَنُورِهَا به زیبایی و درخشندگی پوشانده ای، و درخشندگی را با هیبت جلالت بخشیده ای . بار خدایا ؛ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ ، وَالْمَنْ الْقَدِيمُ ، وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ ، وَالْحَوْلُ سَتَائِشِ فِرَاوَانَ از آن توست؛ مَنَّتْ دیرینه مخصوص توست؛ سلطنت رفیع و پابرجا مال توست؛ جنبش الواسِعُ ، وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ ، وَالْحَقِيدَةُ الْمُتَتَابِعَةُ الَّذِي لَا يَنْمُدُ وَتوان فراگیر، قدرت شایان، و ستایش پی در پی که پایان نپذیرد و تا بِالشُّكْرِ سَيُؤَمِّدُ وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا ، إِذْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمِ نِزَاةٍ بَيْنَ رَفْتِي نِيسَت ، سزوار توست؛ زیرا، تو مرا از بافضیلت ترین فرزندان حضرت اَدَمَ ، وَجَعَلْتَنِي سَيِّعًا بَصِيرًا صَرِيحًا سَوِيًّا مُعَافًا لَمْ تَشْعَلْنِي آدَمَ قَرَارِ دَادِي ، وَمَرَا شِنَا ، بِنَا ، سَالِمَ دَرَسْت اَنْدَام ، بَا عَافِيَتِ وَ سَلَامَتِي قَرَارِ دَادِي بِنُقْصَانِ فِي بَدَنِي ، وَلَا بَافِيهِ فِي جَوَارِحِي ، وَلَا عَاهِهِ فِي نَفْسِي وَ دَر بَدَنِم كَمَبُودِي نِيسَت تَا مَرَا بَه خُود مَشْغُول كُنْد ، وَ اَعْضَا وَ جَوَارِحِم نِيز دَجَار آفَتِ وَ بِيْمَارِي نِيسَتِنْد ، وَ دَر رَوَانِ وَلَا فِي عَقْلِي ، وَلَمْ يَمْنَعَكَ كِرَامَتُكَ إِيَّايَ ، وَحُسْنُ صُنْعِكَ وَ عَقْلَم نِيز آسِيْبِي وَجُود نَدَارِد . كِرَامَتِ وَ بَزْر كُورِي تُو بَر مَن ، وَ كَارِهَائِي نِيكِي كِه بَرَايِم مِي كُنِي ، عُنْدِي ، وَفَضْلُ

نَعْمًا بِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَعَتْ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا ، و فزونی نعمت هایت تو را باز نداشت که نعمت هایت را در این دنیا بر من گسترانیدی، وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِيلًا ، وَجَعَلْتَنِي سَيِّمِعًا أَعْيَ مَا و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری و فضیلت بخشیدی، و مرا شنوا قرار دادی تا به کَلَفْتَنِي ، بَصِيرًا أَرَى قُدْرَتَكَ فِيمَا ظَهَرَ لِي ، وَاسْتَوْعَيْتَنِي وَظَايِمَ غَوْشِ فِرَا دَهْمٍ ، و مرا بینا قرار دادی تا قدرت تو را که برایم آشکار ساختی ببینم، و مرا مراعات کردی و وَاسْتَيْوَدَعْتَنِي قَلْبًا يَشْهَدُ بِعَظَمَتِكَ ، وَلسَانًا نَاطِقًا بِتَوْحِيدِكَ ، قلبی به من دادی تا با این ودیعه ارزشمند بتوانم عظمت تو را مشاهده کنم، و زبانی گویا به یگانگی ات، ارزانی ام کردی. لَذا ، فَبِأَنِّي لَفَضْلِكَ عَلَيَّ حَامِتٌ ، وَلِتَوْفِيَّتِكَ إِبَائِي بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ ، من تو را جهت فضل و فزونی که بر من بخشیدی ستایش گرم، و به خاطر این که توفیق ستایشت را به من دادی شکر گزارم وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ ، وَإِلَيْكَ فِي مُلَمِّي وَمُهَمِّي ضَارِعٌ ، لِأَنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ وَبِهِ حَقٌّ تَوْ غَوَاهِي دَهْنَدِهْ اَم و در امور سخت و مهمم به تو تَضَرَّعْ كُنْدِهْ اَم؛ زیرا تو قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ ، وَحَيٌّ تَرْتُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا ، از هر زنده ای زنده بوده ای، و پس از هر که بمیرد نیز زنده خواهی بود، و زنده ای هستی که وارث زمین و هر که بر آن قرار دارد وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ . اَللَّهُمَّ لَا تَقْطَعْ عَنِّي خَيْرَكَ فِي كُلِّ وَقْتٍ ، می باشی، و تو بهترین وارثان هستی. خدایا؛ خیر و نیکی ات را هیچ گاه از من قطع مکن، وَلَمْ تُنَزِلْ

بِ عَفُوبَاتِ النَّعْمِ ، وَلَمْ تُعْزِرْ مَا بِي مِنَ النَّعْمِ ، وَلَا وَ كَيْفَرَهَاى انتقامى ات را بر من مفرست، و نعمت هاىى را كه بر من ارزانى داشته اى تغيير مده، اُحْلَيْتَنِى مِنْ وَثِيقِ الْعِصْمِ ، فَلَوْ لَمْ اُذْكَرْ مِنْ اِحْسَانِكَ اِلَى و از حفاظت گاه هاى محكم و مطمئن مرا خالى مگردان ؛ زيرا، اگر من از احسان و اِنْعَامِكَ عَلَيَّ اِلَّا عَفْوَكَ عَنِّي ، وَالْاِسْتِجَابَةَ لِذَعَائِي ، حِينَ و نعمت بخشى ات بر من، جز عفو و بخشش و پاسخ دادن به دعاىم - هنگامى كه رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ ، لَا فِى تَقْدِيرِكَ جَزِيلٍ حَطَى سِرِّ بَلَنْدِ كَرْدَنِ بَرَاى سَتَايِش وَ بَزَرْگِ شِمَارِيت - را ياد نمى كردم ، با قراردادن بهره فراوان ، حِينَ وَفَرْتَهُ اِنْتَقَصَ مُلْكُكَ ، وَلَا فِى قِسْمِهِ الْاَزْزَاقِ حِينَ قَتَرْتُ چيزى از فرمان روايى تو كم نمى گشت ، و در تقسيم نمودن رزق و روزى ها نيز با كم گذاشتن سهميه من چيزى عَلَيَّ تَوَفَّرَ مُلْكُكَ . اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُكَ ، بر پادشاهى ات افزون نمى شد. خدايا؛ حمد و ستايش را به تعداد آنچه علم و دانش تو بر آن احاطه دارد ، مخصوص تو دائم؛ وَعَدَدَ مَا اُذْرَكْتُهُ قُدْرَتُكَ ، وَعَدَدَ مَا وَسَّعَتْهُ رَحْمَتُكَ ، وَاَضْعَافَ به تعداد آنچه قدرت و توان تو آن را درك كند و دريابد؛ به تعداد آنچه رحمت تو آن را شامل و فرا گيرد؛ بلكه چندين برابر ذلِكَ كُلِّهِ ، حَمْدًا وَاَصْدَافًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَازِيًا لِاَلَايِكَ وَاَشِيمَانِكَ . همه آن چه گفتم، حمد و ستايش رسنده پى در پى هم راستا بر نعمت ها و نام هايت (نشانه هايت) نثار مى كنم . اَللّهُمَّ فَتَمِّمْ اِحْسَانَكَ اِلَى فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمرِى ، كَمَا اَحْسَنْتَ اِلَى بَار

پروردگارا؛ احسان و نیکی ات را بر من در باقی مانده دوران زندگانی ام تمام گردان، همان گونه که در [ مِنْهُ ] فیما مَضَى ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ گذشته زندگانی ام نیز چنین کردی؛ زیرا من با یگانه دانستن تو، و تهلیل گفتن وَتَجِيدِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ ، [ وَأَسْأَلُكَ بِاشْرَافِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ وَتَنَاوُثِي تُو وَكَرَامِي ] داشت و تعظیم تو به تو توسل می جویم (و تو را می خوانم به واسطه نامی که از آن آفریدی مِنْ ذَلِكَ فَلَا يُخْرِجُ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ) . وَأَسْأَلُكَ بِاشْرَافِكَ الرُّوحِ وَاز تو جز به سوی خودت خارج نخواهد شد. . و تو را می خوانم به واسطه اسمت، رُوح الْمَكُونِ الْحَيِّ الْحَيِّ وَبِهِ وَبِهِ وَبِهِ ، وَبِكَ وَبِكَ وَبِكَ ، أَلَا پنهان، زنده زنده زنده، و به او، و به او، و به او؛ و به تو، و به تو، و به تو؛ که تَحْرِمَنِي رَفْدَكَ ، وَفَوَّأَيْدِ كَرَامَتِكَ ، وَلَا تُؤَلِّئَنِي غَيْرَكَ ، وَلَا تُشِيلِمَنِي مَرَا از جایزه و کرامت های سودمندت محروم مگردانی، و سرپرستی ام را به دست کسی جز خودت مسپار، و مرا إِلَى عَدُوِّي ، وَلَا تُكَلِّئَنِي إِلَى نَفْسِي ، وَأَحْسِبَنَّ إِلَيَّ أُمَّةَ الْإِحْسَانِ به دست دشمنم تسلیم مکن، و به خودم نیز مسپار و وامگذار؛ و کامل ترین احسان را در حال حاضر عَاجِلًا وَآجِلًا ، وَحَسَّنْ فِي الْعَاجِلِ عَمَلِي ، وَبَلَّغْنِي فِيهَا أَمَلِي و به زودی و نیز در آینده ها بر من فرو فرست، و در زمان های نزدیک باعث نیکی عملم، و در نزدیک و دور زمانه، مرا به آرزوهایم وَفِي الْأَجَلِ ، وَالْخَيْرِ فِي مُنْقَلَبِي ، فَإِنَّهُ لَا تُفْقِرُكَ كَثْرَةُ مَا يَنْدَفِقُ بِرِسَانِ ، و در بازگشتن نیز به من



خیر برسان؛ زیرا، جوشش زیاد فضل و احسان تو نیازمندت نخواهد کرد؛ بِه فَضْلِكَ ، وَسَيِّبِ الْعَطَايَا مِنْ مَنَّكَ ، وَلَا يُنْقِصُ جُودَكَ تَقْصِيرِي بَخْشِشِهَا مِنْ نَاحِيَةٍ تُو مِي رَسَد، و کوتاهی من در سپاسگزاری نعمت تو باعث کاستی در بخشش فی شُكْرِ نِعْمَتِكَ ، وَلَا تُجِمَّ خَرَائِنُ نِعْمَتِكَ النَّعْمَ ، وَلَا يُنْقِصُ عَظِيمَ وَ جُودَتِ نَمِي گَرَدَد، و گنجینه های نعمت را نعمت ها زیاد و انبوه نمی گردانند، و بخشش های بزرگ تو مواهبیک من بِبِعْتِكَ الْإِعْطَاءَ ، وَلَا تُؤَثِّرُ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ الْفَاضِلِ بَاعْثِ كَاسْتِي فِي عَطَايَا فِرَاگِرْتِ نَمِي شُود، و عطاهاى خاصّ تو تأثیری در سخاوت بزرگ الْجَلِيلِ مَنَحِكَ ، وَلَا تُخَافُ ضَمِيمِ إِفْلَاقِ فَتْكَدِي ، وَلَا يُلْحِقُكَ وَ افزون و شکوه مندت ندارد، و از تنگدستی نمی هراسی تا دست ننگه داری، وَ خَوْفُ عَدَمِ فَيُنْقِصُ فَيُضْ مُلْكِكَ وَ فَضْلِكَ . اَللّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَرَسَ مِنْ بِي چيزي به تو نَمِي رَسَد تا از فیض پادشاهی و فضلت کم کند . بار خدایا؛ قلبی خاشعاً ، وَ يَقِيناً صَادِقاً ، وَ بِالْحَقِّ صَادِعاً ، وَلَا تُؤْمِتِي مَكْرَكَ ، خَاشِعٌ ، يَقِينٌ رَاسِتِيْنٌ وَ حَقِيقَتِ جُو، و سخن حق را آشکارکننده نصیبم کن؛ و کاری کن که خود را از مکرت در امان ندانم ، وَلَا تُثْبِتْنِي ذِكْرَكَ ، وَلَا تُهَيِّجْ عَنِّي سِتْرَكَ ، وَلَا تُؤَلِّنِي غَيْرَكَ ، و یادت را از یادم مبر، و پرده پوشی ات را از من برمدار، و سرپرستی ام را به دیگری مسپار، وَلَا تُنْقِطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ بَلِّ تَعَمَّدَنِي بِفَوَائِدِكَ ، وَلَا تَمْنَعْنِي جَمِيلَ مَرَا مِنْ رَحْمَتِ نَامِيْدِ مَسَازِ بَلْكَه بَا سُوْدَبَخْشِي ات مَرَا بَهْرَه مَنْدِ گَرْدَان، و از بهره های زیبایی محرومم مساز، عَوَّائِدِكَ ، وَ كُنْ لِي فِي كُلِّ وَحْشِيهِ أَنْيْساً ، وَ فِي كُلِّ جَزَعٍ حِصْناً ، و در هر وحشتی انیس من باش، و در

هر بی تابی و ناشکیبایی جای امن و حصن من باش ، و مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ غِيَاثًا ، وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ ، وَأَعِصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَاكَةٍ دَادِرْس مِنْ بَاش ، و از همه بلاها نجاتم بخش، و از هر زَلَلٍ وَخَطَايَةٍ ، وَتَمِّمْ لِي فَوَائِدَكَ ، وَفِنِي وَعِيدَكَ ، وَاصْرِفْ عَنِّي لَغْزَشَ وَاشْتِبَاهِي نِگَاهَم دَارِ ، و سودبخشی ات را برایم کامل کن، و أَلِيمَ عَذَابِكَ وَتَدْمِيرَ تَنكِيلِكَ ، وَشَرِّفْنِي بِحِفْظِ كِتَابِكَ ، وَأَصْلِحْ عَذَابَ دَرْدَنَاكَتِ وَ هَلَاكَتِ عَقُوبَتِ وَ مَجَازَاتِ رَا از من دور گردان، و با نگهداری از کتابت به من شرافت ببخش ، و لی دینی دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي ، وَوَسَّعْ رِزْقِي ، و دین و دنیا و آخرت و اهل و فرزندم را برایم اصلاح کن، و رزقم را وسعت بده ، وَأَدِرَّهُ عَلَيَّ ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ ، وَلَا تَغْرِضْ عَلَيَّ . اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي وَرِزْمِ رَا رِيزَانِ گِرْدَانِ ، و به من رو کن و روی مبارکت را از من مگردان. بارالها؛ مرا بالا ببر وَلَا تَضَعْنِي ، وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي ، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تُخْذِلْنِي ، و پست مگردان، و به من رحم کن و مرا عذاب مکن، و یارم کن و خوارم مکن،

حکایت حرز یمانی

وَإِزْنِي وَلَا تُؤَيِّزْ عَلَيَّ ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي يُشِيرًا وَفَرْجًا ، و مرا بر دیگران ترجیح بده و دیگران را بر من ترجیح مده، و در کارم راحتی و گشایش بیاور، وَعَجِّلْ إِيْجَابَتِي ، وَاسْرِعْ تَنْفِيْذِي مِمَّا قَدْ نَزَلَ بِي ، إِنَّكَ عَلِيٌّ كُلُّ وَ در پاسخ مثبت دادن به من شتاب کن، و از مشکلاتی که بر من وارد شده است رهاییم بخش؛ اعتقاد و باورم آن است

که تو بر هر شیءِ قدیر، وذلک علیک یسیر، وَاَنْتَ الْجَوَادُ الْکَرِیْمُ . (۲)

چیزی توانایی، و این کارها برایت آسان است، و تو سخاوت مندی بزرگوار هستی .

### حکایت حرز یمانی

در «دار السلام» نقل فرموده است: دستخط علامه مجلسی اول رحمه الله را در پشت دعایی که معروف به حرز یمانی است چنین یافتیم:

به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، و درود بر شرافتمندترین پیامبران مرسل محمدصلی الله علیه وآله وسلم و عترت پاک او باد .

و بعد؛ سید نجیب و ادیب بزرگوار، برگزیده بزرگواران و نقیبان ارجمند، جناب امیر محمد هاشم - که خداوند تأیید و توفیقش را به واسطه مقام ارجمند محمد و آل پاکش علیهم السلام ادامه دهد - از من خواست تا اجازه حرز یمانی را که به امیر مؤمنان علیه السلام و امام پرهیزگاران و بهترین مخلوقات پس از آقا و سرور پیامبران (که درودها و سلام های الهی تا آن گاه که بهشت، جایگاه شایستگان خواهد ماند، بر آن دو بزرگوار نثار باد) نسبت داده می شود، به او بدهم .

به این خاطر، اجازه روایت این دعا را به او می دهم؛ با سندم که از سید عابد و زهد پیشه ارجمند امیر اسحاق استرآبادی (که نزدیک قبر آقای تمام جوانان اهل بهشت در کربلا دفن شده است) و او از امام و مولای ما و مولای جن و انس، جانشین خدای تعالی، حضرت صاحب العصر و الزمان - که بر او و پدران پاکش درود الهی نثار باد - نقل می کند .

آن سید بزرگوار فرمود

: در راه مکه بودم که گم شدم و از قافله عقب ماندم و کارم به جایی رسید که از زندگی ام نا امید شدم و همانند کسی که در حال مرگ است شدم و شروع به گفتن شهادتین کردم . ناگهان مشاهده کردم مولای ما و مولای جهان یعنی جانشین خداوند بر تمام مردم روی زمین، بالای سرم است .

آن حضرت فرمودند : ای اسحاق ؛ برخیز . برخاستم و ایستادم ، در حالی که تشنه بودم ، مرا سیراب فرمود و در پشت سرش بر مرکب سوار کرد ، پس شروع به خواندن این حرز نمودم و آن حضرت که درود خداوند بر ایشان باد اشتباهات آن را اصلاح می نمود تا دعا به پایان رسید ؛ در این هنگام مشاهده کردم که در «ابطح» هستم؛ از مرکب پیاده شدم و آن بزرگوار غایب شدند، و کاروان من نیز پس از گذشت نُه روز بدان جا رسید .

در بین اهل مکه مشهور شد که من با طی الأرض به مکه آمده ام؛ لذا، پس از انجام مناسک حج پنهان شدم .

مرحوم مجلسی اول می فرماید : ایشان (امیر اسحاق استرآبادی) چهل بار با پای پیاده به حج رفته بود . وقتی در اصفهان به خدمتش رسیدم ، از کربلا آمده بود تا به زیارت آقای دو جهان یعنی امام علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما مشرف شود . وی هفت تومان مهریه همسرش بر گردنش بود ، و همین مقدار را نیز از یکی از ساکنان مشهد مقدس طلب داشت .

از سویی ، در خواب دیده بود که مرگش نزدیک شده ، سید فرمود : من

پنجاه سال در کربلا ساکن بودم تا در آن جا بمیرم ، و حالا می ترسم مرگ در غیر کربلا مرا دریا بد و در شهر دیگری بمیرم . وقتی یکی از دوستان ما این جریان را دانست، هفت تومان به سید داد و یکی از برادران دینی را به همراهش روانه کرد .

آن شخص می گوید : وقتی سید امیر اسحاق به کربلا رسید و قرضش (مهریه همسرش) را ادا کرد ، بیمار شد و در روز نهم بیماریش از دنیا رفت و در خانه خویش دفن شد . کرامت های زیادی از این قبیل ، در مدتی که ایشان در اصفهان بودند ، از وی مشاهده کردم .

من چندین اجازه برای روایت این دعای شریف دارم که به همین یک اجازه بسنده کردم؛ از ایشان (امیر محمد هاشم) درخواست می کنم در جاهایی که بیشتر احتمال اجابت دعا هست مرا از یاد مبرد ، و از وی می خواهم که این دعا را مگر برای رضای خدای تعالی قرائت نکند، و اگر دشمنش از مؤمنان است هیچ گاه دعا را به قصد هلاک آن مؤمن نخواند اگرچه گناهکار یا اهل ستم باشد . و نیز این دعا را برای اندوختن دنیای پست به کار نبرد، بلکه شایسته است تنها برای نزدیک شدن به خدای تعالی و برای رد کردن زیان های شیطان های جنی و آدمی از خودش و از تمام مؤمنان ، این دعا را بخواند ، اگر بتواند چنین نیتی داشته باشد ؛ و اگر نمی تواند این گونه نیت کند ، بهتر است هیچ نیتی جز نزدیک شدن به خدای تعالی نداشته باشد .

این مطالب را محتاج ترین بندگان به

رحمت پروردگار بی نیازش، یعنی محمد تقی فرزند مجلسی اصفهانی نوشت؛ در حالی که خدا را ستایش، و بر سرور و سالار پیامبران و جانشینان نجیب و برگزیده اش علیهم السلام درود می فرستد. پایان کلام ایشان که خداوند جایگهش را در بهشت ابدی بالا ببرد.

فرزندش مرحوم علامه ابتدای این داستان را که در مورد دیدار حضرت مهدی ارواحنا فداه توسط امیر اسحاق بود، در جلد سیزدهم «بحار الأنوار» آورده است، ولی اختلاف زیادی با این حکایت دارد. (۳)

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: از جمله دعاها مشهور، دعای «حرز یمانی» - که معروف به دعای سیفی نیز هست - می باشد. این دعا چند طریق و روایت مختلف دارد که طریق مهم آن را نقل می کنیم، إن شاء الله:

ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن علی فتی معروف به ابن خیطاط به ما گزارش داد و گفت: ابو محمد هارون بن موسی تلعکبری برایم گفت:

ابو القاسم عبد الواحد (عبدالله، خ) بن یونس موصلی در حلب برایم نقل کرد که علی بن محمد بن احمد معروف به مستنجد برایم حدیث گفت که: ابو الحسن کاتب برایم نقل کرد که عبد الرحمان بن علی بن زیاد گفت: عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر گفتند:

روزی در هنگامی که ما نزد مولای مان امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بودیم، به ناگاه حسن بن علی علیهما السلام وارد شد و عرض کرد:

ای امیر مؤمنان؛ مردی آمده است و اجازه ورود می طلبد و بوی مُشک می دهد.

فرمود: بگو بیاید.

مردی تومنند و خوش سیما وارد شد که

چهره ای گیرا داشت و بزرگ منش بود و لهجه ای فصیح و خوش داشت و لباس پادشاهان بر تن داشت ؛ گفت :

السلام علیک یا أمیرالمؤمنین ورحمه الله وبرکاته . من مردی هستم که از دورترین مناطق سرزمین یمن آمده ام و از بزرگان عرب های منسوب به شما (شیعیان) می باشم ، من ملکی عظیم و نعمتی فراوان به جای نهاده ام و دارای زندگانی خوش و حالی آسوده و اموالی با رشد و ترقی داشتم ، و جریانات را آزموده بودم و روزگار مرا ورزیده ساخته بود و دشمنی دارم که بسیار سرسخت است و با سپاهیان فراوانش و نیروهای بزرگی که به کمک گرفته بود بر من حمله کرد و پیروز شد و راه های حیل و فرار از آن مرا درمانده ساخت .

شبی ، به خواب رفته بودم که شخصی ندا داد : ای مرد ؛ برخیز و به سوی بهترین خلق خدا پس از رسول او یعنی علی بن ابی طالب امیر و فرمان روی مؤمنان صلوات الله علیه وعلی آله برو و از آن حضرت درخواست کن تا دعایی به تو بیاموزد که حبیب خداوند و برگزیده و انتخاب شده از مخلوقاتش ، یعنی حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب صلوات الله علیه وعلی آله به او آموخته است ؛ زیرا در آن دعا ، اسم (ویژه) خدای عزّ وجلّ است؛ با آن دعا خدا را بخوان و دشمنت را که با تو به نبرد پرداخته است ، نفرین کن .

حرز یمانی

ای امیر مؤمنان؛ من از خواب بیدار شدم و به سرعت به همراه چهارصد بنده نزد تو آمدم ، و خدا و رسول او و

تو را گواه می گیرم که تمام شان را آزاد کردم و این کار را تنها برای خاطر خدای بزرگ انجام دادم . حالا با تنی لاغر و رنجور از راهی پرپیچ و خم و سرزمین دور نزدت آمدم ؛ پس بر من منت بگذار و به خاطر فضل و بزرگواریت ، و نیز به خاطر حقّ پدری و خویشاوندیت دعایی را که در خواب از آن مطلع شدم و مأمور شدم برای دریافت آن به خدمت شما برسم ، به من بیاموز .

مولای مان حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود :

باشد ؛ این کار را انجام می دهم إن شاء الله .

آن گاه ، دوات و کاغذی خواست و این دعا را برای آن مرد نوشت :

## ۲حرز یمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ ، وَاَنَا عَبْدُكَ ، بارالها؛ تو پادشاه راستینی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و من بنده تو هستم؛ ظَلَمْتُ نَفْسِي ، وَاَعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي ، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ ، بر خود ستم کردم، و به گناهم اعتراف دارم؛ در حالی که (می دانم) جز تو کسی گناهان را نمی بخشد، فَمَا غْفِرْ لِي يَا غَفُورٌ يَا شَكُورٌ . اَللّهُمَّ اِنِّي اَحْمَدُكَ ، وَاَنْتَ لِلْحَمْدِ پَسِ بَخَشْشِ وَاَمْرَشْتِ رَا شَامِلِ مِنْ گِردان، ای آمرزنده؛ ای پاداش دهنده؛ بارالها؛ من تو را ستایش می کنم، و می دانم که تو شایسته اَهْلٌ ، عَلَيَّ مَا خَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرِّغَائِبِ ، وَمَا وَصَلْتَ سِتَائِشِ هَسْتِي . ستایش بر بخشش های خوش آیندی که به من اختصاص دادی، و فضل و احسان فراوانی که اِلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ السَّابِغِ ، وَمَا اَوْلَيْتَنِي بِهِ



مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ ، به من رسانیدی، و نیکی و احسان که بر من ارزانی داشتی، وَبِوَأْتَنِي بِهِ مِنْ مَطْنَةِ الْعَدْلِ ، وَأَنْتُنِي مِنْ مُنْكَ الْوَاصِلِ إِلَيَّ ، و آنچه از جایگاه عدل برای من جای دادی، و از لطف و احسان پیایی ات به من رسانیدی ، وَمِنْ الدَّفَاعِ عَنِّي ، وَالتَّوْفِيقِ لِي ، وَالْإِجَابَةِ لِدَعَائِي حَيْثُ أُنَاجِيكَ و از من دفاع کردی، و توفیقم دادی، و دعایم را مستجاب می کنی هنگامی که در حال دعا با تو مناجات می کنم ؛ دَاعِيًا . وَأَدْعُوكَ مُضَامًا ، وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي وَهنگامی که تو را می خوانم در حالی که ستمدیده ام . و درخواست می کنم و می بینم که در همه جا نسبت به من جابراً ، وَفِي الْأُمُورِ نَاطِرًا ، وَلِتَمْدُنُوَنِي غَافِرًا ، وَلِعَوْرَاتِي سَاطِرًا ، مهربان و نیکوکاری ، و در تمام کارها نظاره گر من هستی ، و گناهانم را می بخشی، و عیب هایم را می پوشانی؛ لَمْ أَغِدِمَ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُثَمِّدًا أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِحْتِيَارِ(۴) ، لِنَتَنظُرُ از ابتدای ورود به دنیا (که منزلگاه اختیار است) حَتَّىٰ بِه قَدْرَ يَكُ عَيْنُ بَرِّهِمْ زِدْنَ نِيْزَ سِرَاحٍ نَدَارِمُ كِه خَيْر و خوبی ات به من نرسیده ما أَقْدَمُ لِدَارِ الْقَرَارِ ، فَأَنَا عَتِيفُكَ مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ وَالْمَصَائِبِ ، باشد. چنین کردی تا ببینی برای خانه همیشگی ام (آخرت) چه چیزی می فرستم (ای خدا! بدین سان، من آزاد شده تو از تمام فی اللوَابِ وَالْعُمُومِ الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا الْهُمُومُ ، بِمَعَارِيضِ آسِيبِهَا وَ مَصِيبَتِهَا ، در سختی ها و غم و اندوه هایی هستم که ناراحتی ها را بر من حمله ور ساخته ؛ به پیش آمدن أَصْنَافِ الْبِلَاءِ ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضَاءِ ،

لا أَذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا بِلَاهِي غوناگون، و رخ دادن سختی قضا . از تو جز خوبی و زیبایی به یاد ندارم الْجَمِيلَ ، وَلَا أَرَى مِنْكَ عَيْزَ التَّفْضِيلِ . خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ ، وَفَضْلُكَ وَجْزِ مَهْرَبَانِي وَ فَضْلٌ ، از تو نمی بینم . خیر و نیکی تو مرا فرا گرفته است، و فضل و فزون بخشی تو عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ ، وَنِعْمَتُكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ ، وَسَوَابِقُ لَمْ تُحَقِّقْ جِدَارِي ، پی در پی به من می رسد ، و نعمتت به طور متصل به من می رسد ، و سابقه هایی که محقق نساختی برحذر شدنم (ناامیدیم) را ، بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي ، وَصَاحِبَيْتَ أَشْفَارِي ، وَأَكْرَمْتَ أَحْضَارِي ، بلکه آمیدم را به راستی رسانده ای، و در سفرها همراهم بودی، و در وطن نیز با کرامت و بزرگواری با من رفتار کردی ، وَشَفَقْتِ أَثْرَاضِي وَأَوْهَانِي ، وَعَافِيَتِ مُقَلَّبِي وَمَوْتَوَايَ ، وَلَمْ وَبِمَارِي هَا وَ سَسْتِي هَايِمَ رَا شَفَا بَخْشِيدِي ، وَ پناهگاه و آرامگاهم را عافیت بخشیدی ، تُشَجِّتُ بِي أَغْيِدَائِي ، وَزَمَيْتُ مَنْ زَمَانِي ، وَكَفَيْتَنِي مَوْوَنَهُ مَنْ وَ دَشْمَنَانِ مَرَا اِجَازَه شَمَاتِ كَرْدَنِ نَسَبِتِ بَه مَن نَدَادِي، وَ هَر كَه مَرَا هَدَفِ كَرَفْتِ اَوْ رَا هَدَفِ كَرَفْتِي ، وَ سَخْتِي وَ رَنجِ ۱ . دَارَ الْإِحْتِيَارِ «متزلگه آزمایش» ، بحار الأنوار : ۲۴۲/۹۵ .

عادانی . فَحَمْدِي لَكَ وَاصِلٌ ، وَتَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ ، مِنَ الدَّهْرِ دَشْمَنَانِمَ رَا اَز مَن كَفَايَتِ نَمُودِي . بِنَابَرَايِنِ ، سَتَايِشْمَ بَه تُو پُيُوسْتَه ، وَ تَنَاكَوِيِي اَم بَر تُو هَمِيْشَكِي اَسْت ، اَز هَر زَمَانِي اِلَى الدَّهْرِ ، بِالْوَانِ التَّشْبِيحِ ، خَالِصًا لِذِكْرِكَ ، وَمَوْضِعًا لَكَ تَا زَمَانِ دِيْكَرِ ، بَا تَسْبِيحِ كَوِيِي هَايِ غوناگون، فقط به خاطر یاد

تو و جلب خشنودی تو بِصَاعِ التَّوْحِيدِ (۵) ، وَإِمْحَاضِ التَّمْجِيدِ بِطَوْلِ التَّعْدِيدِ ، وَمَزِيهِ أَهْلِ به توحید ناب و ستایشگری خالص ، با طولانی شدن شمارش و فزونی اهل المزیذ ، لَمْ تُعْنُ فِي قُدْرَتِكَ ، وَلَمْ تُشَارَكَ فِي إِلَهِيَّتِكَ ، وَلَمْ تُعَلِّمْ أَفْرَاشِ خَوَاهِمِ بُوَد ، كَسِي فِي تَوَانِيْتِ يَارِيْتِ نَكْرَدِه اَسْت ، وَ دَر خَدَايْتِ نِيْز شَرِيْكَ نَشْدِه ، لِمَكَ مَا يَبِيْهُ فَتَكُوْنُ لِلْأَشْيَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مُجَانِسًا ، وَلَمْ تُعَايِنِ إِذْ وَ مَا هِيْتِي بَرَاي تُو نَدَانْسْتِه اَنْد تَا هَم جَنْس اَشْيَاي مُخْتَلَفِ بَاشِي ، وَ هَنْگَامِي كِه بِه حَبِيْثَتِ الْأَشْيَاءِ عَلَي الْعُرَايْرِ ، وَلَا خَزَقَتِ الْأَوْهَامُ حُجُبَ هَر چِيْزِي غَرِيْزِه خَاصِي عَطَا مِي كَرْدِي دِيْدِه نَشْدِه اِي ، وَ اَوْهَامِ وَ خِيَالِ هَا نَتَوَانْسْتِه اَنْد پَرْدِه هَاي الْعُيُوْبِ ، فَتَعْتَقِدُ فِيْكَ مَخْدُوْدًا فِي عَظَمِيَّتِكَ ، فَلَا يَبْلُغُكَ بُعْدُ عَالَمِ پَنْهَانِ رَا بَدْرَدِ تَا اَعْتِقَادِ بِه مَحْدُوْدِيْتِي دَر مَوْرَدِ عَظْمَتِ تُو پِيْدَا كَنْنَد . بِنَابْرَايْنِ ، الْهَمَمُ ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِكْرِ ، وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ نَظْرُ نَاظِرٍ فِي هَمَّتِ هَاي وَالَا تَوَانِ رَسِيْدِيْنِ بِه تُو رَا نَدَارَنْد ، وَ اَنْدِيْشِه هَاي ژَرْفِ نَكْرَ نَمِي تَوَانَنْد بِه تُو دَسْتِ بَا زَنْد ، وَ نَكْرَشِ كَسَاْنِي كِه بَر مَجِيْدِ جَبْرُوْتِيْكَ ، إِزْتَفَعْتُ عَنْ صِفَةِ الْمُخْلُوْقِيْنَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ ، شَكُوْه جَبْرُوْتِ تُو چِشْمِ دُوخْتِه اَنْد بِه تُو مَنْتَهِي نَمِي شُوْد ، وَ يِزْگِي هَاي قَدْرَتِ بَرْتَرَا زِ تَوْصِيْفِ آفَرِيْدِگَانِ اَسْت ، وَ عَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءَ عَظَمِيَّتِكَ ، لَا يَنْقُصُ مَا أَرْدَتْ أَنْ يَزْدَادَ ، وَ بَزْرُگِي كِبْرِيَايْتِ بَرْتَرَا زِ اَنْ هَاسْت . چِيْزِي رَا كِه اَرَادِه كَرْدِه اِي تَا اَفْرُوْنِ بَاشْدِ كَمِ نَمِي شُوْد ، وَلَا يَزْدَادُ مَا أَرْدَتْ أَنْ يَنْقُصَ ، لَا أَحِيْدَ حَضَرَكَ حِيْنَ بَرَأْتِ وَ چِيْزِي كِه خَوَاسْتِه اِي كَمِ بَاشْدِ اَفْرُوْنِ نَمِي كَرْدَد . هِيْجِ كَسِ ، دَر هَنْگَامِ آفَرِيْنِشِ النَّفُوْسِ ، كَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنْ تَفْسِيْرِ صِفَتِكَ ، وَ اِنْحَسَرَتْ

الْعُقُولُ جان ها نزد تو حضور نداشته است، اندیشه و خیال از تفسیر و بیان وصف تو در مانده اند، و عقل ها در دست یابی ۱. این کلمه به تعبیرات مختلف وارد شده: بِصَانِعِ التَّوْحِيدِ، بِبَانِعِ التَّوْحِيدِ، بِبَانِعِ التَّوْحِيدِ، ولی نسخه ای که در متن ذکر کرده ایم صحیح تر است.

عَنْ كُنْهِ عَظَمَتِكَ، وَكَيْفَ تُوصَفُ وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ، به کنه و عمق حقیقت بزرگی تو در مانده اند؛ چگونه قابل وصف هستی، در حالی که تو بسیار قدرتمند و در نهایت پاکی هستی؟ أَلَدَى لَمْ تَزَلْ أَرْزِيًّا دَانِمًا فِي الْعُيُوبِ وَخَيْدِكَ لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ كَمَا هَمِيشَه وَبِه طُور دَايِم، به تنهایی در پنهانی ها هستی و کسی جز تو و لَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ، حَاذِ فِي مَلَكُوتِكَ عَمِيقَاتُ مِذَاهِبِ التَّفَكِيرِ، نمی تواند چنین باشد. ژرف ترین راههای اندیشه در ملکوت تو سرگردان شده است؛ فَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِدَلِّ الْأَشْيِكَاثِ وَبَدِينِ سَانَ، پادشاهان برای عظمت تو به فروتنی افتاده اند، و آبرومندان با ذَلَّتْ وَبِجَارِغِي صُورَتِ بَرِ خَاكَ نِهَادَه اَنَد؛ لَكَ، وَأَنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ، وَاسْتَشْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ، و هر چیزی منقاد و سرافکننده عظمت توست، و هر چیزی در برابر توان و قدرت تو سر تسلیم و بندگی فرود آورده است، وَخَضَعَتْ لِمَكَ الرُّقَابُ، وَكَلَّ دُونَ ذَلِكَ تَخْيِيرُ اللُّغَابِ، وَضَلَّ وَغَرَدْنَ هَا دَر بَرَابَرَتِ فِرُوتِنِ وَكُجِ شَدَه اَسْت، و لغات را یارای رسیدن به آن نیست، وَهُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصَّفَاتِ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ تَدْبِيرِ عَقْلًا دَر چگونگی صفات تو دچار سرگردانی شده است. بدین سان، هر کس در آن تفکر کند طُرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيرًا

وَعَقْلُهُ مَبْهُورًا، وَتَفَكُّرُهُ مُتَحَيِّرًا. اَللّٰهُمَّ فَلَنِكَ چشمتش در حالی که خسته و درمانده گشته به سوی او برمی گردد، و عقلش مبهوت و اندیشه اش سرگردان می شود. بار الها؛ تو را الْحَمْدُ متواتراً متوالياً مُسْتَمْتَمًا مُسْتَوْتَمًّا، يَدْوَمُ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ ستایش می کنم به طور پی در پی و پیوسته و محکم و متصل؛ به گونه ای که دایمی باشد و از بین نرود مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ، وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْمَعَالِمِ، وَلَا مُتَّقِصٍ فِي و در ملکوت نیز گم نشود، و در مکان های مخصوص آن محو و نابود نشود، و از نظر شناخت نیز کمبودی الْعُزْفَانِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مَا لَا تُحْصِي مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ، نداشته باشد. و ستایش مخصوص توست آن چنان که خوبی های آن قابل شمارش نیست در آن هنگام که شب پایان می رسد وَالصُّبْحِ إِذَا أَشْفَرَ، وَفِي الْبَرَارِي وَالْبِحَارِ، وَالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ، و صبحگاهان طلوع می کند و در خشکی ها و دریاها و صبح و شام وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَفِي الظُّهَائِرِ وَالْأَشْحَارِ. اَللّٰهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ قَدْ و شبانگاهان و بامدادان و در نیمه های روز و سحرگاهان. بار الها؛ با توفیقت أَخْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وَلَا يَبِ الْعِضْمَةِ لَمْ أَبْرَحْ مَرًا بِه اشتیاق آوردی، و در حفظ و سرپرستی خودت قرار دادی به گونه ای که همیشه فی سُبُوغِ نِعْمَاتِكَ، وَتَتَابِعِ الْإِيكَ مَحْفُوظًا لَكَ فِي الْمُنْعَةِ در نعمت های بی شمارت به سر برده ام و خوبی های پیوسته ات به من رسیده است، و در قلعه حفظ و حراست تو محفوظ بوده وَالِدَّفَاعِ مَحُوطًا بِكَ فِي مَتَوَايَ وَمُنْقَلَبِي، وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ و در حال آرام

گرفتیم و حرکت در احاطه تو بودم ، بیش از توانم نیز برای من وظیفه مقدر نفرموده ای؛ طاقتی ، إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا طَاعَتِي ، وَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ أُبْلِغْتُ زَيْرًا ، تنها فرمان برداری از خودت را سبب خشنودیت از من قرار دادی. با این که سپاسگزاری من - هر فی الْمَقَالِ وَبِالْغُتِّ فِي الْفِعَالِ بِبَالِغِ آدَاءِ حَقِّكَ ، وَلَا مُكَافِئًا چَند در گفتن بکوشم و با تمام توانم کار کنم - نمی تواند حق تو را ادا کند، و پاداش لِفَضْلِكَ ، يَا نَبِيَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَمْ تَغِبْ وَلَا تَغِيبْ فَضْلَ وَاحْسَانِ تُو بَاشَد ؛ زَیْرًا ، تُو خَدَائِي هَسْتِي كِه جَز تُو مَعْبُودِي نِیَسْت ؛ هِیْج گَاه جِزِی عَنكَ غَائِبِيه ، وَلَا تَخْفِي عَلَيَّكَ خَافِيَه ، وَلَمْ تُضِلْ لَكَ فِي ظُلْمٍ كِه غَائِبِ اسْت بَرَاي تُو غَائِبِ نُبُودِه وَ نَخَوَاهِد بُوَد ، وَ هِیْج جِزِی پَنَهَانِي بَرَاي تُو پَنَهَانِ نِیَسْت ؛ وَ هِیْج گَم شَدِه اِي دَر تَارِيكِي هَاي الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةً ، إِنَّمَا أَهْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ پَنَهَانِي ، بَرَاي تُو گَمشَدِه نِیَسْت . فَرْمَان تُو اَيْن گُونِه اسْت كِه هَر گَاه بِه جِزِی بفرمائي: بَاش ؛ فَيَكُونُ . اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمَدْتُ بِه نَفْسِكَ ، وَحَمَدَكَ بِه مِي شُود . بَار اَلهَا ؛ سَتَائِش مَخْصُوص تُوَسْت بِه هَمَان شَكْلِي كِه تُو خُودت رَا سَتُودِه اِي ، وَ سَتَائِش گَرَان بِه الْحَامِدُونَ ، وَ مَجْدَكَ بِه الْمُمَجِّدُونَ ، وَ كَثْرَكَ بِه الْمُكْتَبِرُونَ ، سَتَائِشْت پَر دَاخْتِه اِنْد ، وَ ثَنَا گُويَان تُو رَا بَزْرگ شَمْرَدِه اِنْد ، وَ تَكْبِير گُويَان بِه بِيَان بَزْرگِي تُو پَر دَاخْتِه اِنْد ، وَ عَظْمَكَ بِه الْمُعْظَمُونَ ، حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَخْدِي بِكُلِّ وَ تَعْظِيم كِنْد گَان دَر پِيشگَاه تُو بِه تَعْظِيم پَر دَاخْتِه اِنْد ؛ بِه طُورِي كِه

از من به تنهایی به اندازه طَرَفَه عَيْنٍ ، وَأَقَلُّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلُ حَمْدِ الْحَامِدِينَ ، وَتَوْحِيدِ چشَمِ بر هم زدن و حَتَّى كَمْتَرِ از چشَمِ بر هم زدن، قدر ستایش ستایشگران، و یگانه دانستن أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ ، وَتَقْدِيسِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ ، وَتَنَاءِ جَمِيعِ تمام مخلصان نسبت به تو، و منزّه دانستن تمام عارفان نسبت به ساحت تو، و ثناگویی تمام الْمُهَلِّلِينَ ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ بِهِ عَارِفٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْخِيَّوَانِ ، تَهْلِيلِ گویان ، و همانند آن چه تو از تمام مخلوقات زنده ات سراغ داری؛ باشد . وَأَزْعَبُ إِلَيْكَ فِي رَغْبِهِ مَا أَنْفَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ ، فَمَا أُبْتِغِرُ مَا وَازِ طَرَفِي مُشْتَقٌ تَوْ هَسْتَمُ كِه سَتَايشِ هَايِي رَا كِه بِر زَبَانِمِ آوَرْدِي بِرَايْتِ بِه جَايِ آوَرْدَمُ . بَدِينِ سَانِ، چِه قَدْرِ آسَانِ اسْتِ كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ ، وَأَعْظَمُ مَا وَعَدْتَنِي عَلَيَّ شُكْرِكَ ، إِثْنَادُ أَتْنِي وَظِيْفَه اِي كِه بِرَايِ اِدَايِ حَقَّتِ بِرَايِمِ مَعِينِ فَرَمُودِي، وَ چِه قَدْرِ وَعْدَه پاداشِ تُو نَسْبِتِ بِه مِنْ دَرِ مَقَابِلِ سَتَايشِمِ، عَظِيمِ اسْتِ . بِا فَضْلِ بِالنَّعْمِ فَضْلاً وَطَوْلًا ، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدْلًا ، وَوَعَدْتَنِي وَاحْسَانِ خُودِ شُرُوعِ بِه نَعْمَتِ بَخْشِي بِه مِنْ كَرْدِي، وَ اَزِ آنچِه كِه حَقِّ تُو بِوَدِ وَ عَدَالَتِ اِقْتِضَا مِي كَرْدِ بِه مِنْ فَرَمُودِي كِه سِپَاَسْكَزَايِ اَزِ نَعْمَتِ هَايْتِ رَا عَلَيَّ اَضْعَافًا وَمَزِيدًا ، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اِغْتِبَارًا وَفَضْلًا ، بِه جَايِ آوَرْمِ، وَ وَعْدَه فَرَمُودِي كِه چِنْدِ بَرَا بَرِ سِپَاَسْكَزَايِ مِنْ، بِه مِنْ پاداشِ خِوَاهِي دَادِ؛ وَ اَزِ رِزْقِ وَ رُوزِيْتِ بِه مِنْ اِعْتِبَارِ وَ اَرْزِشِ وَ فِزُونِي عَطَا وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيرًا صَغِيرًا ، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ جُهْدِ الْبَلَاءِ وَلَمْ كَرْدِي، وَ دَرِ مَقَابِلِ ، مَقْدَارِ

کوچک و کمی از آن را از من خواستی؛ و از سختی و رنج گرفتاری‌ها عافیتم بخشیدی، و تُشَلِّمَنِي لِلسُّوءِ مِنْ بَلَائِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنَ الْعَافِيَةِ، وَسَوَّغْتَ لِي بِهَا بَلَاهَا بَدَتِ وَانْكَدَّاشْتِي؛ به خاطر عافیتی که با آن مرا سرپرستی نمودی، و مِنْ كَرَامَاتِ النَّحْلِ، وَضَاعَفْتَ لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا أَوْدَعْتَنِي مِنْ عَطَايَا كَرِيمَانِهِ بَخْشِيدِي، وَفَضْلِ إِحْسَانِهِ بِرَّ مِنْ دُوْجَنْدَانِ نَمُودِي بِأَنْجِهَ مِنَ الْمَحْجَبِ الشَّرِيفِ، وَبَسَّرْتَنِي لِي مِنَ الدَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ الرَّفِيعَةِ، طَرِيقَهُ شَرِيفْتَمَنْدَانَهُ دَرِ جُودِ وَدِيعَةِ نَهَادِي، وَدَرَجَهُ وَالَا وَبَلَنْدَمَرْتَبَهُ اِي رَا بَرَابِمِ فَرَاهِمِ فَرَمُودِي؛ وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً، مُحَمَّدٍ وَبِرْكَزِيدِي مَرَا دَرِ دُورَانِ پِيَامِرِي كِهَ اَزِ جِهَتِ فَرَاخَوَانِي، بَزْرَكْتَرِينَ انبِيَا وَ اَزِ جِهَتِ شَفَاعَتِ، بَرْتَرِينَ أَنهَا اسْتِ؛ يَعْنِي حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَللّٰهُمَّ فَارْعِفُوْا لِي مَا لَا يَسْعُهُ اِلَّا مَغْفِرَتُكَ، كِهَ دَرُودِ خُدا بَرِ اُو وَ اَلِ اُو بَادِ. بَارِ خُدايَا؛ بِيَامِرِ بَرَايِ مِنْ اَنِ جِهَ رَا كِهَ جَزْ اَمْرُشِ تُو فَرَاكِرِ اَنِ نَبَاشَدِ، وَ لَا يَمَحْفُهُ اِلَّا عَفْوُكَ، وَ لَا يَكْفُرُهُ اِلَّا فَضْلُكَ، وَ هَبْ لِي فِي يَوْمِي وَ جَزْ عَفْوِ وَ بَخْشِشِ تُو اَنِ رَا نَابُودِ نَكُنْدِ، وَ جَزْ فَضْلِ تُو اَنِ رَا نَبُوشَانْدِ. وَ اَمْرُزِ بِهَ مِنْ يَقِيناً تَهْوُنُ عَلَيَّ بِهَ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَ اٰخِرَاتِهَا بِسُؤْفِ اِلَيْكَ، يَقِينِي عَطَا كُنْ كِهَ بَا اَنِ تَمَامِ مُصِيبَتِهَا وَ غَضَبِهَا دُنْيَا رَا بِهَ وَاسَطَةِ اِشْتِيَاقِ بِهَ سُوِيِ خُودَتِ وَرَعْنِهِ فِيمَا عِنْدَكَ، وَ اَكْتُبْ لِي عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ، وَ بَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ، وَ مِيلِ وَ



علاقه به نعمت هایی که نزد تو است آسان گردانی . و برایم نزد خودت بخشش و مغفرت را بنویس ، و مرا به کرامت برسان ، و از زُفنی شُکر ما اُنعمت بِه عَلَیْ ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ و سپاسگزاری از نعمت های ارزانی شده ات را نصیبم کن؛ زیرا تو خدای یکتا، والا، البدی ۲ البدیع السميع العليم ، الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ ، وَلَا آغَاذِرُ ، نو آور، شنوا و دانا هستی؛ خدایی که دستورت قابل رد شدن نیست؛ عَنْ قَضَائِكَ مُتَّبِعٌ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ۚ ، فاطِر و باز دارنده ای از حکم و قضای تو وجود ندارد. گواهی می دهم که پروردگار من و پروردگار هر چیزی تو هستی؛ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ . آسمان ها و زمین را آفریدی؛ آگاه از پنهانی و آشکاری؛ بلندمرتبه و بزرگ هستی. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرَّشْدِ ، خدایا؛ به راستی از تو ثبات و پایداری در امر دین و ولایت، اراده قوی بر کامل شدن و الشُّكْرَ عَلَى نِعْمَتِكَ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ ، وَبِعِي كُلِّ و بَعِي كُلِّ و سپاسگزاری نعمت هایت را درخواست می کنم. به تو پناه می آورم از جور و ستم هر ستمگر، و از تجاوز و ستم هر باغ ، وَخَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ ، بِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ ، وَبِكَ أَرْجُو سِتْمَ بَيْشِه و حسادت هر حسود؛ با کمک تو بر دشمنانم هجوم می آورم و چیره می گردم ، وَلا تَغْدِيهِ مِنْ عَوَائِدِ و سرپرستی دوستان را نیز از تو امید دارم، با این که نمی توانم فَضْلِكَ ، وَطُرْفِ رِزْقِكَ ، وَلا يَهَ الْأَجْيَاءَ مَعَ مَا لَا اسْتَطِيعُ إِخْصَاءَهُ ،

، وَالْوَالِينَ مَا أُولِيَّتْ مِنْ إِزْفَادِكَ ، فَإِنَّكَ فَضْلٌ وَعَائِدَاتُ تُو ، وَنَصِيبُ هَيْ خُوش آيِنْدُ ، وَبَخْشِشِ نَمُودِن رِنْكَارِنْكَ تُو رَا بَه شِمَارَه دَر آوَرَم . رَاسْتِي كِه تُو أَنْتَ اللّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَلْفَاشِي فِي الْخَلْقِ رَفْعُكَ ، أَلْبَاسِطُ خِدَائِي هَسْتِي كِه جَز تُو مَعْبُودِي نِيسْت ؛ بَخْشِشْتِ نَسَبْتِ بَه هَمِه مَخْلُوقَاتِ أَشْكَارِ اسْتِ ، وَدَسْتِ مَبَارَكْتِ بَه جُودِ وَبَخْشِشِ بِالْجُودِ يَدُكَ ، وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ ، وَلَا تُتَنَازَعُ فِي أَمْرِكَ ، تَمْلِكُكَ گَسْتَرْدِه اسْتِ ؛ وَدَر دَسْتُورْتِ كَسِي بَه ضَدِّيتِ بَا تُو نَمِي تُوَانْدِ بَرِخِيزِد ) تَا اِنْجَامِ نَشُود ( ؛ دَر فَرْمَانْتِ كَسِي رَا يَارَايِ نَزَاعِ بَا تُو نِيسْت ؛ مِنْ الْأَنَامِ مَا تَشَاءُ ، وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ . « قُلِ اللَّهُمَّ مَا لَيْكَ از مَرْدَمِ آنْجِه بَخْوَهي مِي گِيري ، وَلي آنان ، جَز آن چِه رَا تُو ارادِه كَرْدِه باشِي دَر اِخْتِيارِ نَخْوَهند دَاسْتِ . « بگو : پَروردگارا ؛ اَي الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِنْ تَشَاءُ ، وَتُعِزُّ صَاحِبَ فَرْمَانِ رِوَايِي وَحُكُومْتِ ؛ بَه هَر كِه بَخْوَهي فَرْمَانِ رِوَايِي رَا مِي دَهي ، وَاز هَر كِه بَخْوَهي مِي گِيري ، وَهَر كِه رَا بَخْوَهي عَزْتِ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مِي بَخْشِي وَهَر كِه رَا بَخْوَهي بَه ذَلْتِ وَخُوارِي مِي كِشَانِي ؛ خَيْرِ وَخُوبِي ، تَنها دَر دَسْتِ تُوَسْتِ ؛ رَاسْتِي كِه تُو بَر هَر كَارِي تُوَاناي . × تُوَلِّجِ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَتُوَلِّجِ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجِ الْحَيَّ شَبَّ رَا دَر رُوزِ وَارْدِ مِي كُني ، وَرُوزِ رَا وَارْدِ شَبَّ مِي گَرْدَانِي ؛ وَزَنْدِه رَا مِنْ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجِ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ از مَرْدِه بِيروِنِ مِي آوَرِي ، وَمَرْدِه رَا از زَنْدِه

خارج می کنی؛ و هر که را بخواهی بدون حساب» (۶). أَنْتَ الْمُتَعِمُّ الْمُفْضِلُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ حَسَاب، روزی می بخشی. تو نعمت بخش فرونی دهنده، آفریننده و بوجود آورنده، توانا چیره، الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ، تَزْدِيَّتْ بِالْمَخِيدِ وَالْعَزُّ، وَتَعَطَّلَتْ وَتَقْدِيسِ شَدَّةِ دَرُوشَنِي قَدَسِ هَسْتِي؛ رَدَايِ عَزَّتْ وَبَزْرُگورایِ رَا بَر تَن كَرْدِه اِي، وَبَا بِالْكَبْرِيَاءِ، وَتَغَشِيَّتْ بِالنُّورِ وَالْبَهَاءِ، وَتَجَلَّلَتْ بِالْمَهَابَةِ وَالسَّنَاءِ، كَبْرِيَايِي عَظْمَتِ دَارِي، وَبَا رُوشَنِي وَشَكُوهِ وَجَلَالِ خُودِ رَا پُوشَانْدِه اِي، وَبَا هَيْبَتِ وَعَظْمَتِ خُودِ رَا بَزْرُگِ نَمُودِه اِي، لَكَ الْمَنُّ الْقَدِيمُ، وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ، وَالْجُودُ الْوَاسِعُ، وَالْقُدْرَةُ مَنَّتِ دِيرِينِه، پادشاهی بلندمرتبه، و بخشش فراگیر و توان و ۱. سوره آل عمران، آیه ۲۶ و ۲۷.

الْمُقْتَدِرُ، جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ، وَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، قَدْرَتِ وَاقْتِدَارِ وَاقْعِي اَز آن توست، مَرَا اَز بَرْتَرِينِ فَرْزَنْدَانِ آدَمِ قَرَارِ دَادِي، مَرَا شَنُوا وَبِينَا صِيحِيحاً سَوِيّاً مُعَاوفاً، لَمْ تَشْغَلْنِي بِتُقْصَانِ فِي بَدْنِي، وَلَمْ تَمْنَعْكَ وَصَحِيحِ وَدَرَسْتِ اَنْدَامِ وَسَالِمِ قَرَارِ دَادِي، مَرَا كَرَفْتارِ كَمِ وَكَاسْتِي دَر اَنْدَامِ نَكْرَدِي، كَرَامَتُكَ اِيَّايَ، وَحُسْنُ صَنْيعِكَ عِنْدِي، وَفَضْلُ اِعْمَالِكَ عَلَيَّ، وَكَرَامَتِ وَبَزْرُگورایِ تُو، نَسَبَتِ بِه مَن وَبَهْتَرِينِ رَفْتارِ تُو بَا مَن وَفَرْوَنِ تَرِينِ بَخْشِشِ هَايْتِ بِه مَن، مَانَعِ نَشَدِ كِه اَنْ وَسَعَتِ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا، وَفَضَّلْتَنِي عَلَيَّ كَثِيرٍ مِنْ اَهْلِهَا، دَر دُنْيَا مَرَا تُوَانِگَرِ كَرْدَانِي وَ مَرَا بَر بَسْياريِ اَز اَهْلِ دُنْيَا بَرْتَرِي دِهِي، فَجَعَلْتَنِي لِي سَمْعاً يَسْمَعُ اِيَّاتِكَ، وَفُوَاداً يَعْرفُ عَظَمَتِكَ، وَآنا پَسِ گُوشِ بِه مَن دَادِي تا

آیات تو را بشنوم، و قلبی عطا کردی تا بتوانم به کمک آن عظمت را بشناسم؛ و من بفضلیک حامدٌ، و بیجهدی یقینی لک شاکرٌ، و بحفک شاهدٌ. فَإِنَّكَ به ستایش فضل تو می پردازم؛ و در نهایت یقین و باور، به سپاسگزاری ات مشغول و گواه حقانیت تو هستم. راستی که تو حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ زَنْدَةٍ بِش از هر زنده، و زنده پس از هر زنده ای هستی، و زنده ای هستی که زنده بودن را از زنده ای دیگر به ارث نبرده ای؛ حَيٌّ، وَ لَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ، وَ لَمْ تُنْزِلْ وَ خَيْرٌ وَ خَيْرٌ هَآئِلٌ رَا بَرَاى بِيكَ چشَمٌ بَر هَم زدن در هِيچ لحظه اى از من قطع نكرده اى ؛ بى عُقُوبَاتِ النَّقْمِ، وَ لَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَقَائِقَ الْعِصْمِ، فَلَوْ لَمْ أَذْكَرْ مِنْ وَ كَيْفَرِ انْتِقَامِ رَا بَر مِنْ فَرُو نَفَرَسْتَادِي ؛ وَ حِرَاسَتِ هَا وَ نَكْهَبَانِي هَاى دَقِيْقَتِ رَا از من دگرگون نموده اى . اگَر از إِحْسَانِيكَ إِلَّا عَفْوَكَ، وَ إِجَابَةَ دُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ احسانت جز عفو بخشش تو و پاسخ مثبت تو را نسبت به دعای من - در هنگام بلند کردن سرم برای ستایش و بزرگ داشت تو - وَ تَمْجِيدِكَ، وَ فِي قِسْمِهِ الْأَوْزَاقِ حِينَ قَدَّرْتُ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ يَدِ نَكْمٍ ؛ وَ اگَر جز تقسیم روزی در هنگام تقدیر برایم نبود ؛ لازم می دانستم تا ستایش به اندازه و تعداد ما حَفْظَهُ عَلْمِكَ، وَ عَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ، وَ عَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ آن چه دانش تو در حفظ دارد، و به اندازه و

تعداد آن چه در حیطه قدرت توست، و به عدد آن چه در دامنه رحمتت. اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ اِحْسَانَكَ فِيْمَا بَقِيَ، كَمَا اَحْسَيْتَ فِيْمَا مَضَى، رَحْمَتُ تُو قَرَار دَارِدْ؛ نَنَار تُو كَنَم. بارالها؛ احسان و نیکی ات را در باقی مانده عمرم بر من کامل گردان چنان که در گذشته نیز چنین فانی اتوسلُ اِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَمَجِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ، كَرْدِي؛ چَرا که من به واسطه یگانه دانستن تو و ثنا گفتن تو، و ستایش و «لا اله الا الله» گفتن، وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ، وَبِنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ، وَرَحْمَتِكَ وَعُلُوِّكَ، و تکبیر و بزرگداشت تو؛ و به واسطه نور و مهربانی، و رحمت و الوایی، وَجَمَالَكَ وَجَلَالَكَ، وَبِهَاتِنِكَ وَشَيْطَانِكَ، وَقُدْرَتِكَ وَبِحَمْدِ الْاِلهِ وَزِيَابِي وَبِزَرُغِي وَشَكُوهِ، وَبِادشاهی، وَقَدْرَتِ تُو تُو مَتَوَسَّلُ مِي شوم و به واسطه محمد و آل الطاهرين، اَلَّا تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ وَفَوَائِدَكَ، فَإِنَّهُ لَا يَغْتَرِبُكَ لِكَثْرَةِ پاك او از تو می خواهم که مرا از عطا و بخشش و سودبخشی هایت محروم مساز؛ چون، تو را به خاطر بخشش فراوانت بازدارندگی ما بَدَقُّ بِه عَوَائِقُ الْبُخْلِ، وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيرٌ فِي شُكْرِ بخل فرا نمی گیرد، و کوتاهی در سپاسگزاری نعمت تو، باعث کم و کاستی در جود و سخاوت تو نَعْمَتِكَ، وَلَا تُفْنِي خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النِّعَمِ، وَلَا تَخَافُ ضَيْمِ اِمْلَاقِ نَمِي شود، و نعمت بخشیدن ها باعث از بین رفتن گنجینه های بخشش تو نمی گردد؛ تو را ترس تنگدستی فَتَكْدِي، وَلَا يُلْحِقُكَ خَوْفٌ عَدَمٍ فَيَنْقُصُ فَيْضَ فَضْلِكَ. اَللّٰهُمَّ فَرَا نَمِي گيرد تا دست از بخشش برداری، و ترس ناداری نیز به تو راه نمی يابد که باعث کاستی در ریزش فضلت گردد.

بارخدايا؛ اَرْزُقْنِي قَلْبًا حَاشِيَةً، وَيَقِينًا صَادِقًا، وَلِسَانًا ذَاكِرًا، وَلَا تُؤْمِنِي بِه مِنْ قَلْبِي بِاخْشَوْعٍ وَفِرْوَتِن، وَبِقِينٍ وَبَاوْرِي رَاسْتِيْن وَزَبَانِي گُوِيَا بِه ذِكْرَت، ارزانی دار؛ مرا ایمن از مکرک، وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُبَاعِدْنِي مَكَرَ خُودِ مِگْرَدَان، و پرده پوشی ات را از من بر مگیر؛ و یادت را از یاد من مبر؛ مِنْ جَوَارِكْ، وَلَا تَقْطَعْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ، و از جوار رحمت دورم مکن؛ و از رحمت جدایم مساز؛ و از رحمت و مهربانی خویش ناامیدم مگردان؛ وَكُنْ لِي أُنَيْسًا مِنْ كُلِّ وَخْشَةٍ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ، و همواره در تمام وحشت ها، همدم من باش؛ و مرا از هر هلاکتی حفظ کن؛ وَبَجْنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، فَإِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ . اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي و از هر بلا و گرفتاری نجاتم بخش؛ زیرا، واقعیت آن است که تو خلاف وعده ات عمل نمی کنی. بار الها؛ مرا سرفراز کن وَلَا تَصْغِبْنِي، وَلَا تُنْقِصْنِي، وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي، و سرافکنده مگردان؛ و برایم افزون کن و کم مگردان؛ و به من رحم کن و عذابم مکن؛ وَأَنْصِرْ زَنِي وَلَا تَخْذُلْنِي، وَارْتِزْنِي وَلَا تُؤَيِّزْ عَلَيَّ، وَصَلِّ عَلَيَّ وَ يَارِيْمَ كُنْ وَ خَوَارِمَ مِگْرَدَان؛ و مرا ترجیح بده و دیگران را بر من ترجیح مده؛ وَ بَرِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ، وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا . محمد و آل پاک و پاکیزه اش درود بفرست و بسیار بسیار سلام خود را نثارشان کن .

ابن عباس ، ادامه کلام امام علیه السلام را چنین نقل می کند :

مراقب باش که حفظ کنی

، و باید تمام این دعا در یک روز خوانده شود؛ و همانا من امیدوارم در حالی به سرزمینت برسی که خداوند دشمنت را نابود و هلاک فرموده باشد.

راستی من از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که فرمود: اگر مردی این دعا را با نیتی راستین و قلبی خاشع و فروتن بخواند، آن گاه به کوه ها دستور بدهد که همراه او حرکت کنند، به طور حتم به دنبالش حرکت خواهند کرد؛ و اگر به دریا دستور دهد می تواند بر روی آن راه برود .

آن مرد به طرف وطنش حرکت کرد ، و پس از چهل روز نامه اش به امیر مؤمنان علیه السلام رسید که در آن گفته بود : واقعیت آن است که خداوند تعالی دشمنم را به هلاکت رساند ؛ به گونه ای که حتی یک مرد از آنان در سرزمین ما باقی نمانده است ؛

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمودند :

این را می دانستم ؛ و این حقیقت را رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به من آموخته است ؛ هیچ کاری نیز به من دشوار نمی شود ، جز آن که با این دعا آسان می شود . (۷)

### ۳ دعای حریق که صبحگاهان خوانده می شود (۸)

دعای حریق ...

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُصْبِحُ اَشْهَدُكَ وَكُفِّیْ بِكَ شَهِیْدًا ، وَاُشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ بِارِهَا ؛ من صبح کرده ام در حالی که تو را گواه می گیرم و البتّه تو برای گواه بودن، بسنده و کافی هستی - و فرشتگان و حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَشُيُوكَانَ سَمِيعِ سَمَآوَاتِكَ وَاَرْضِيكَ وَاَنْبِيَآءِكَ و حاملان عرش و ساکنان آسمان های هفت گانه و زمین هایت؛ و پیامبران و رُسُلِكَ و وَرَثَةَ اَنْبِيَآءِكَ و الرُّسُلِكَ و الصّٰلِحِيْنَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِيعِ و رسولان و وارثان انبیا و فرستادگان ، و بندگان

شایسته ات ، و تمام مخلوقات را نیز گواه می گیرم؛ فَخَلَقَكَ ، فَاشْهَدْ لِي وَكَفَى بِكَ شَهِيداً أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا يَسُ تُوْ غَوَاهُ وَ شَاهِدٌ مِنْ بَاشٍ - وَ غَوَاهِي تُوْ ، بَسْنَدَهُ وَ كَافِي اسْت - كِه مِنْ بَا بَاوَرِي رَاسْتِيْنِ غَوَاهِي مِي دَهْم كِه هَمَانَا تُو خَدَايِي هَسْتِي اِلَهْ اِلَّا اَنْتَ الْمَعْبُوْدُ وَ خَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَ اَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ كِه جَز تُو خَدَايِي نِيَسْت وَ تَنَهَا مَعْبُوْد حَقِيْقِي وَ شَايَسْتَه پَرَسْتَش تُوْنِي ؛ يَكَاَنَه اِي ؛ شَرِيكَ نَدَارِي ؛ وَ مُحَمَّد - كِه عَلَيِّهِ وَ اِلَهْ عِبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ ، وَ اَنْ كُلَّ مَعْبُوْدٍ مِمَّا دُوْنَ عَرْشِكَ بَر اُو وَ اَلْ اُو دَرُوْدِ الْهِي نَنَارِ بَاد - بِنْدَه وَ فَرَسْتَاَدَه تُوَسْت ؛ هَر پَرَسْتَش شُوْنَدَه اِي كِه اَز زِيْر عَرْشِ تُو اِلِي قَرَارِ اَرْضَتِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى بَاطِلٌ مُضْمَجِلٌ مَا خَلَا وَجْهَكَ تَا طَبَقَه هَفْتَمِ پَايِيْنِي زَمِيْنِ بَاشَد ، بَاطِلِ وَ نَابُوْد اسْت جَز ذَاتِ الْكَرِيْمِ ، فَاِنَّهُ اَعَزُّ وَ اَكْرَمُ وَ اَجَلُّ وَ اَعْظَمُ مِنْ اَنْ يَصِفَ الْوَاصِيَةُ فُوْنَ بَزْرْكَوَارِ تُو ؛ زِيْرَا ، اَنْ عَزَّتْ مَنْدَتَر ، كَرِيْمِ تَر ، شَكُوْه مَنْدَتَرِ وَ عَظِيْمِ تَر اَز اَنْ اسْت كِه تُو صِيْفِ كِنْدَگَانِ بَتُوَانَدَ كُنْهَ جَلَالِيْهِ اَوْ تَهْتَدِي الْقُلُوْبُ اِلِي كُنْهَ عَظَمِيْهِ ، يَا مَنْ فَاَقَ مَدْحَ كُنْهَ وَ نَهَايَتِ شَكُوْهَشِ رَا تُو صِيْفِ كِنْدَ ؛ يَا دَلْ هَا وَ قَلْبَهَا بَتُوَانَدَ بَه حَقِيْقَتِ عَظْمَتِ اُو رَا ه يَابِنْد . اِي كَسِي كِه اَرَزَشِ وَ سَرْبَلَنْدِي مَدْحِ ۱ . اِيْنِ دَعَا اَز اِمَامِ سَجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامِ ، اَز پَدْرَانَشِ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ ، اَز رَسُوْلِ خَدَا صَلِي اللهُ عَلَيْهِ وَ اَلِهْ وَ سَلَمَ ، اَز خَدَايِ تَعَالَى نَقْلِ شُدَه اسْت ؛ وَ قَسْمَتِي كِه بَر اَنْ اَفْزُوْدَه شُدَه اَز مَوْلَايِ مَانِ اِمَامِ زَمَانِ اَرُوْحِنَا فِدَاَه اسْت .

اَلْمَادِحِيْنَ فَخَّرَ مَدْحِيْهِ ، وَ عَدَا وَ صَفَ الْوَاصِيْنَ مَا تَرُ



حَمِيدِهِ، وَجَلَّ وَسْتَايَشِ او برتر از مدح و ستایش ستایشگران است، و ستایش های شایسته او از وصف توصیف کنندگان گذشته است، عَنْ مَقَالِهِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و بزرگداشت شأن او از گفتار گویندگان بالاتر و شکوه مندتر است؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و اَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ سه مرتبه . و آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست با ما رفتار کن؛ ای کسی که شایستگی مقامش تقواست و مغفرت شیوه رفتار او می باشد.

سپس یازده مرتبه این بخش خوانده شود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ لَا شَرِيكَ لَهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ خدایند منزّه و پاک است و مشغول حمد و ستایش او هستم؛ از او طلب بخشش می کنم و به سوی او باز می گردم؛ هر چه او بخواهد و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، لَهُ الْمُلْكُ می شود؛ و هر توان و حرکتی تنها به سبب خداوند است، او اول و آخر و ظاهر و باطن است، فرمان روایی تنها از آن اوست وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُعِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، و ستایش تنها برای اوست، او زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، و او زنده ای است که هرگز نمی میرد، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

همه خیرات به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست .

سپس یازده مرتبه می گویی



یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . رضایت شان برسانی، و پس از رضایت نیز آن چه شایسته و بایسته مقام توست به ایشان افزون کنی؛ ای مهربان ترین مهربان؛ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ صَلِّ عَلٰی مَلٰئِكَةِ الْمَوْتِ بَارِهَا ؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و بر فرشته مرگ و اَغْوَانِهِ ، وَ صَلِّ عَلٰی رِضْوَانَ وَ خَزَنَةِ الْجَنَانِ ، وَ صَلِّ عَلٰی مَالِكِ و یارانش درود بفرست، و بر جناب رضوان و خزانه داران بهشت درود بفرست؛ و بر جناب مالک و خَزَنَةِ النَّبْرَانِ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِمْ حَتّٰی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا ، وَ تَزِيدَهُمْ و دیگر خزانه داران جهنّم نیز درود بفرست . بار الها ؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست که به مقام رضا و خشنودی تو برسند و بَعِدَ الرِّضَا مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهُ ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی رِضْوَانَ النَّبْرَانِ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی رِضْوَانَ النَّبْرَانِ ؛ ای مهربان ترین مهربانان ؛ بار الها ؛ عَلٰی الْكِرَامِ الْكَاثِبِينَ ، وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبُرْزَةِ ، وَالْحَفْظَةَ لِابْنِي بَرِ فرشتگان بزرگوار نویسنده ؛ بر سفیران بزرگوار و نیکو کار ؛ و بر نگهبانان بنی ادم ، وَ صَيِّلٌ عَلٰی مَلٰئِكَةِ الْهَوَاۗءِ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلٰی ، وَمَلٰئِكَةِ اٰدَمَ درود بفرست ؛ و بر فرشتگان هوا و آسمان های بالا ؛ بر فرشتگان اَلْاَرْضِيْنَ السُّفْلٰی ، وَمَلٰئِكَةِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَالْاَرْضِ وَالْاَقْطَارِ ، زمین های پایین و بر فرشتگان شب و روز ، و زمین و کرانه ها ، وَالْبَحَارِ وَالْاَنْهَارِ ، وَ النَّبْرٰی وَالْفُلُوَاتِ وَالْقَفَارِ ، وَ صَلِّ عَلٰی دَرِيَاها و نهرها، خشکی ها و دشت ها و بیابان های بی آب و علف؛ درود بفرست ، و بر مَلٰئِكَتِكَ الَّذِيْنَ اَعْتَبْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ

وَالشَّرَابِ بِشَيْبِجِكَ فرشتگانی که ایشان را به وسیله تسبیح گویی و تقدیس گویی و پرستش از خوردن و آشامیدن بی نیاز کردی درود بفرست . وَتَقْدِيبِكَ وَعِبَادَتِكَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّىٰ تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا ، بار الها ؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست که ایشان را به مقام رضا برسانی ، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ . اَللّٰهُمَّ و پس از رضایت نیز برای ایشان افزون کنی آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست؛ ای مهربان ترین مهربانان . بار الها ؛ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، وَصَلِّ عَلٰى اٰبِنَا اَدَمَ ، وَاْمْنَا حَوْآءَ بَرِ مُحَمَّدٍ و آل محمّد درود بفرست؛ و بر پدرمان حضرت آدم و مادرمان حواء ، وَا مَا وَاَلِدَا مِنِ النَّبِيِّينَ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصّٰلِحِيْنَ . اَللّٰهُمَّ و آن دسته از فرزندان شان که پیامبر، صدیق، شهید و صالح و شایسته بودند؛ درود بفرست. بار الها ؛ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّىٰ تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا ، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا اَنْتَ بَرِ اَنَانِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ اَنَ چنان که به مقام رضا دست یابند و پس از رضایت نیز آنچه اَهْلُهُ ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ شایسته و بایسته تراست بر ایشان افزون کن ؛ ای مهربان ترین مهربانان . بار الها ؛ بر محمّد و اهل بیت الطّٰيِبِيْنَ ، وَعَلٰى اَصْحَابِهِ الْمُتَتَجِبِيْنَ ، وَعَلٰى اَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرَاتِ ، پاک او ؛ بر باران نجیبش، و همسران پاک او ، وَعَلٰى ذُرِّيَّهِ مُحَمَّدٍ ، وَعَلٰى كُلِّ نَبِيٍّ بَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ ، وَعَلٰى كُلِّ نَبِيٍّ و بر نسل و فرزندان محمّد ، و بر هر پیامبری که بشارت به آمدن او داد

، و بر هر پیامبری و لَدَ مُحَمَّدًا ، وَعَلَى كُلِّ مَنْ فِي صِلَاوَاتِكُمْ عَلَيْهِ رِضَى لَكَ که جزو اجداد محمد بود، و بر هر کسی که درود فرستادن تو بر او باعث رضایت تو و رِضَى لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ و باعث رضایت پیامبرت حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - است ، درود بفرست . بار الها ؛ بر آنان درود بفرست آن حَتَّى تَبْلُغَهُمُ الرِّضَا ، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ ،  
یا چنان که به مقام رضا برسانی و پس از رضایت نیز آن چنان که شایسته و بایسته توسست بر ایشان فزونی بخش؛ ای أَزْوَاجَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَارِكْ مَهْرَبَانَ تَرِينِ مَهْرَبَانِ .  
بار الها ؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست ؛ و بر علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَآزْوَاجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَأَفْضَلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَرَكَتِ بَفَرَسْتِ؛ و رحمت خویش را بر محمد و آل محمد نازل فرما؛  
برتر از آنچه ما صَلَّيْنَا وَبَارَكْنَا وَتَرَحَّمْنَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ دَرُودٌ وَبَرَكَتٌ وَرَحْمَةٌ خَوِيْشَ رَا بَرِ اِبْرَاهِيْمَ وَآلِ اِبْرَاهِيْمَ مَقْرَرِ فَرْمُودِي ؛ همانا، تو حمیدٌ مَجِيْدٌ . اللَّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ الْوَسِيْلَةَ سِتُوْدَه و شکوه مند هستی . بار الها ؛ وسیله را به محمد - که درود بر او و آل او باد - عطا فرما ، وَالْفَضْلَ ، وَالْفَضِيْلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ ، وَأَعْطِهِ حَتَّى يَرْضَى ، و فضل و فضیلت و درجه والا به

او ببخش؛ آن قدر به او عنایت کن که خوشنودیش فراهم شود، وَزِدْهُ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَ پس از رضایت او هر چه شایسته و بایسته مقام توست بر او افزون کن ؛ ای مهربان ترین مهربانان . بار الها ؛ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا اَمَرْتَنَا اَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ، چنان که به ما دستور فرمودی بر او درود بفرستیم . بار الها ؛ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا يَتَّبِعِي لَنَا اَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ . اَللّٰهُمَّ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ، آن گونه که برای ما سزاوار است که بر او درود بفرستیم . بار الها ؛ صَلِّ عَلِيٌّ مُحَمَّدٍ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّيَ عَلَيْهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ، آن قدر کسانى که بر او درود فرستاده اند . بار الها ؛ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَ اِلِ مُحَمَّدٌ بَعْدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ، آن قدر کسانى که بر محمد و آل محمد درود نفرستاده اند . بار الها ؛ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ فِى صَيْلُوهِ صَيَّلْتُمْ عَلَيْهِ . اَللّٰهُمَّ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ . بار الها ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ، آن قدر کسانى که بر محمد و آل محمد صلوات فرستادند و به تعداد تمام کسانى

که بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده اند، عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ شَعْرَةٍ وَلَفْظَةٍ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ . بار الها ؛ به تعداد تمام موی ها، کلمه ها، وَلَحْظَةٍ وَنَفْسٍ وَصَفْتَةٍ وَسُكُونٍ وَخَرَكَةٍ مِمَّنْ صَلَّيَ عَلَيْهِ ، وَمِمَّنْ لَحِظَهُ هَا، نَفْسِ هَا، وَبِزُكِّي هَا، اَيْسْتِ هَا وَجَنْبِشِ هَايِ تَمَامِ كَسَانِي كِه بِرِ مُحَمَّدِ صَلَوَاتِ فَرَسْتَادِه اَنْدِ وَ نِيْزِ تَمَامِ كَسَانِي كِه لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ، وَبِعَدَدِ سَاعَاتِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ، وَسُكُونِهِمْ وَخَرَكَاتِهِمْ، صَلَوَاتِ فَرَسْتَادِه اَنْدِ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ . نِيْزِ بِه اَنْدَازِه تَمَامِ سَاعَتِ هَا وَ دَقِيْقَه هَايِ عَمْرِشَانِ، وَ اَيْسْتِ هَا وَ حَرَكْتِ هَايِشَانِ ، وَخَفَاتِقِهِمْ وَمِيقَاتِهِمْ ، وَصَفَاتِهِمْ وَأَيَامِهِمْ ، وَشُهُورِهِمْ وَسَنِينِهِمْ ، وَ حَقِيْقَتِ هَا وَ وَعْدِه گَاهِ هَايِ شَانِ، وَ وَبِزُكِّي هَا وَ رُوْزَهَايِ شَانِ، وَ مَاهِ هَا وَ سَالِ هَايِ شَانِ، وَأَشْعَارِهِمْ وَأَنْبَشَارِهِمْ ، وَبِعَدَدِ زَنَةِ ذُرِّ مَا عَمِلُوا ، أَوْ يَغْمَلُونَ أَوْ وَ مَوْهَا وَ پُوسْتِ هَايِ بَدَنِ شَانِ؛ وَ بِه عَدَدِ وَزَنِ ذَرَاتِ آنْجِه عَمَلِ كَرْدِه اَنْدِ يَا عَمَلِ مِي كَنْنَدِ يَا بَلَعَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطَنُوا ، أَوْ كَانَتْ مِنْهُمْ ، أَوْ يُكُونُ إِلَى بِه اَيْشَانِ رَسِيْدِه يَا دِيْدِه اَنْدِ يَا گَمَانِ كَرْدِه اَنْدِ يَا بِفِطَانَتِ وَ زِيْرِكِي آگَاهِ شُدِه اَنْدِ، يَا اَزِ اَيْشَانِ سَرِ زَدِه اَسْتِ يَا اَزِ اَيْشَانِ تَا يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَكَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، رُوْزِ قِيَامَتِ سَرِ خَوَاشِدِ زِدِ؛ بَلْكَه چَنْدِيْنِ بَرَابَرِ آنِ هَا تَا رُوْزِ قِيَامَتِ؛ )بِه تَعْدَادِ وَ اَنْدَازِه تَمَامِ چِيْزَهَايِي كِه گَفْتِه شُدِ( بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ اَوْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ دَرُودِ بَفَرَسْتِ ؛ اِي مَهْرِبَانِ تَرِيْنِ مَهْرِبَانَانِ . بار الها ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ بِه تَعْدَادِ تَمَامِ چِيْزَهَايِي

که ما خَلَقْتَ، وَمَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، صَلَوَةُ تَرْضِيهِ . آفریده ای و آنچه که تا روز قیامت خواهی آفریدی؛ آن چنان درودی که موجب رضایت و خشنودی آن بزرگوار شود . اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالنَّانَاءُ وَالشُّكْرُ، وَالْمَنُّ وَالْفَضْلُ، وَالطُّوْلُ بارِهَا؛ ستایش و ثناگویی و سپاسگزاری و مَنّت و برتری، وَالْمَخِيْرُ وَالْحُسْنَى وَالنَّعْمَةُ، وَالْعَظْمَةُ وَالْجَبْرُوتُ، وَالْمُلْكُ و احسان و نیکی و خوبی و نعمت، و عظمت و قدرت و شوکت، و عالم ظاهر وَالْمَلَكُوتُ، وَالْمَهْرُ وَالسُّلْطَانُ، وَالْمَخْرُ وَالسُّوْدُدُ، وَالْإِمْتِنَانُ و عالم باطن، و چیرگی محض و سلطنت، و افتخار و ریاست و آقایی، و مَنّت نهادن، وَالْكَرْمُ، وَالْجَلَالُ وَالْإِكْرَامُ، وَالْجَمَالُ وَالْكَمَالُ، وَالْحَيْرُ و بزرگواری و شکوه و کرامت کردن، و زیبایی و کمال، و خیر وَالتَّوْحِيدُ وَالتَّمَجِيدُ، وَالتَّحْمِيدُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيْرُ وَالتَّقْدِيْسُ، و یکتا دانستن و بزرگ شمردن، و ستایش کردن و تهلیل گفتن و تکبیر گویی و مقدّس دانستن، وَالرَّحْمَةُ وَالْمَغْفِرَةُ وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْعَظْمَةُ . وَلِمَكَ مَا زَكَى وَطَابَ و رحمت و بخشش، و کبریایی و بزرگ مرتبه ای اختصاص به تو دارد. بارِهَا؛ خالص ترین، پاک ترین وَطَهْرَ مِنَ النَّانَاءِ الطَّيِّبِ، وَالْمَدِيحِ الْفَاخِرِ، وَالْقَوْلِ الْحَسَنِ و پاکیزه ترین مدح و ثنای ارزنده، گفتار نیک و الْجَمِيْلِ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ، وَتَرْضَى بِهِ قَائِلُهُ وَهُوَ زِيْبَابِي که باعث رضایت تو از گوینده اش شود و تو نیز گوینده اش را راضی کنی و آن گفتار نیز موجب رَضَى لَكَ، يَتَّصِلُ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوْلِي الْحَامِدِيْنَ، وَتَنَائِي بِتَنَاءِ رِضَايَتِ تُو بَاشِد؛ اختصاص به تو دارد . و



این باعث شود ستایش من به ستایش اولین ستایشگران تو متصل گردد . و ثنا گویم به ثنا گوئی **أُولِ الْمُتْنِينَ** علی رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ ، وَتَهْلِيلِي نَحْسْتِينَ ثنا گو بر پروردگار جهان اتصال یابد، حمد و ثنایم نیز به یکدیگر وصل شوند؛ تهلیل و «لا إله إلا الله» گفتنم بِتَهْلِيلِ **أُولِ الْمُهَلَّلِينَ** ، وَتَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ **أُولِ الْمُكْبِرِينَ** ، وَقَوْلِي به تهلیل اولین تهلیل گر اتصال یابد، و تکبیر گویی و بزرگداشت من به تکبیر گویی اولین تکبیر گوینان، و گفتار الْحَسَنِ الْجَمِيلُ بِقَوْلِ **أُولِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمِلِينَ الْمُتْنِينَ** علی رَبِّ نیکو و زیبای من به گفتار اولین خوش گفتار زیباگوی ثناگوی پروردگار الْعَالَمِينَ ، مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ ، مِنْ **أُولِ الدَّهْرِ** إِلَى الْآخِرِهِ . وَبِعَدَدِ جِهَانِ اتِّصَالَ يَابِدِ وَ هَرِ يَكِ نِيزِ بَه دِیْگَرِیِ وَصَلَ شُونْدَه؛ از ابتدای روزگار تا آخرش . به تعداد زَنَهُ دَرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ، وَالرُّمَالِ وَالْثَلَالِ وَالْجِبَالِ ، وَعَدَدِ وَ هَمِ سَنَگِ تَمَامِ ذَرَه هَا یِ مَوْجُودِ دَرِ آسْمَانِ هَا وَ زَمِینِ هَا وَ سَنَگْرِزَه هَا وَ تِپَه هَا وَ کُوه هَا؛ وَ بَه تَعْدَادِ جُرْعِ مَاءِ الْبِحَارِ ، وَعَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ ، وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ ، وَعَدَدِ جَرَعِ هَا یِ آبِ دَرِیَاهَا ، وَ بَه تَعْدَادِ دَانِه هَا یِ بَارَانِ ، وَ بَرِگِ دَرِخْتَانِ ، وَ تَعْدَادِ النُّجُومِ ، وَعَدَدِ الثُّرَى وَالْحَصَى وَالنَّوَى وَالْمَدَرِ ، وَعَدَدِ زَنَهُ سِتَارِگَانِ ، وَ تَعْدَادِ ذَرَاتِ خَاکِ وَ سَنَگْرِزَه هَا وَ دَانِه هَا وَ هِسْتَه هَا وَ کَلُوخِ هَا ؛ وَ هَمِ سَنَگِ ذَلِکَ کُلِّهِ ، وَعَدَدِ زَنَهُ دَرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ، وَ مَا فِیْهِنَّ وَ مَا تَمَامِ آنِ چَه گُفْتَه شُد ، وَ هَمِ سَنَگِ ذَرَه هَا یِ آسْمَانِ هَا وَ زَمِینِ هَا ، وَ آنِ چَه دَرِ آنِ هَا بَیْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ ، وَ مَا بَیْنَ ذَلِکَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ ، وَ بَیْنَ آنِ هَاسْتِ ،

در زیر آن ها قرار داد؛ و باز آن چه مابین آن ها، و بالای آن ها قرار دارد تا روز قیامت، مِنْ لَمَدِنِ الْعَرْشِ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعِ الشَّقْلَى . وَبَعْدَ از جایگاه عرش الهی تا پایین ترین جای زمین هفتم پابینی ات؛ و به تعداد حُرُوفِ أَلْفَاظِ أَهْلِهِنَّ ، وَعَدَدِ أَرْصَانِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ وَسَعَاتِهِمْ حُرُوفِ لَفْظَاهِي كِه اهل این جاها استفاده می کنند، و به تعداد زمان ها و دقیقه ها و علامت های شان ، وَسَاعَاتِهِمْ وَأَيَّامِهِمْ ، وَسَهُورِهِمْ وَسِنِيهِمْ ، وَشُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ ، ساعت ها و روزهای شان ، ماه ها و سال های شان، ایست ها و حرکت های شان ، وَأَشْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ . وَعَدَدِ زَنَةِ دَرِّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ مَوَاهِ وَبُوسْت های بدن شان؛ تو را می ستایم . نیز به تعداد و هم سنگ هر ذره عملی که انجام داده یا می دهند بَلَّغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطِنُوا أَوْ كَانَتْ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى از آن خبردار شده اند یا دیده اند یا گمان کرده اند یا با فطانت و زیرکی آگاهی یافته اند یا از ایشان بوده است یا تا يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَعَدَدِ زَنَةِ دَرِّ ذَلِكَ وَأَضْعَافِ ذَلِكَ ، وَكَأَضْعَافِ رُوزِ قِيَامَتِ از ایشان سر خواهد زد؛ و عدد ذرات آن بلکه چندین برابر آن چه گفته شد، و نیز چندین برابر این ها، ذَلِكَ أضعافاً مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَلَا يَخْصِيهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ بِه گونه ای که جز تو کسی را یارای دانستن و شمارش آن ها نباشد - ای صاحب شکوه وَالْإِكْرَامِ ، وَأَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ ، وَمُسْتَحْفَهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَمِنْ وَكِرَامَتِ ؛ - ستایشت می کنم . الْبَيْتَهُ تُو شایسته این ها هستی، و بایسته مقام تو و سزاوار آستان تو می باشد؛ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ . اَللَّهُمَّ إِنَّكَ

لَسْتِ اِنْ سَتَايِش هَا از مَن و از تَمَام آفَرِيْدْگَاَنْت نَنَار تُو بَاد؛ اِي آفَرِيْنِنْدَه و پَدِيْدْ آوَر آسْمَان هَا و زَمِيْن؛ بَار خُدَايَا؛ تُو پَرُوْرْدْگَاَرِي نِيَسْتِي كِه بَرَبِّ اِسْمِيْخَدْتُنَاكَ ، وَلَا مَعَكَ اِلَهَ فَيَسْرُكَكَ فِي رُبُوْبِيَّتِكَ ، وَلَا مَا تُو رَا بَه تَازْگِي خَوَانْدَه بَاشِيْم؛ و مَعْبُوْدِي نِيَز هَمْرَاه تُو نِيَسْت كِه دَر پَرُوْرْدْگَاَرِيْت بَا تُو شَرِكْت دَاشْتَه بَاشْد؛ مَعَكَ اِلَهَ اَعَانِكَ عَلَي خَلْقِنَا ، اَنْتَ زُبْنَا كَمَا تَقُوْلُ وَفَوْقَ مَا يَقُوْلُ وَخُدَايِي نِيَز بَا تُو نِيَسْت كِه بَرَاي آفَرِيْدِن مَآ يَارِيْت كَرْدَه بَاشْد. تُو پَرُوْرْدْگَاَر مَآ هَسْتِي هَمَان گُوْنَه كِه خُوْدْت مِي گُوِيِي، و بَالَا تَر از اَنجَه اَلْقَا تَلُوْنَ ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ گُوِيْنْدْگَاَن مِي گُوِيْنْد؛ از تُو مِي خَوَاطِم بَر مَحْمَدٍ وَ اَلِ مَحْمَدٍ دَرُوْد بَفَرَسْتِي، وَ تُعْطِي مُحَمَّدًا صَلَٰمِي اَللّٰهُ عَلَٰيْهِ وَ اِلِهٖ اَفْضَلُ مَا سَأَلْتُكَ ، وَ اَفْضَلُ مَا بَه مَحْمَدٍ - كِه دَرُوْد بَر او و اَلِ او بَاد - فَرُوْن تَر از اَنجَه كِه از تُو دَرخَوَاسْت مِي كَنْد ، و بَر تَر از اَنجَه كِه مَوْرَد دَرخَوَاسْت قَرَار مِي گِيْرِي، وَ سَيَّلْتُ ، وَ اَفْضَلُ مَا اَنْتَ مَسْئُوْلٌ لَهٗ اِلَي يَوْمِ الْقِيَامَةِ . اَعِيْذُ اَهْلَ بَر تَر از اَن جِه تَا رُوْز قِيَامَتِ از تُو بَرَاي او خَوَاسْتَه مِي شُوْد عَطَا فَرْمَايِي . مِي سِيَارَم اَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَٰمِي اَللّٰهُ عَلَٰيْهِ وَ اِلِهٖ وَنَفْسِي وَ دِيْنِي وَ دُرِّيْتِي بَيْتِ بِيْغَمْبَرِ اَكْرَمٍ - كِه دَرُوْدت بَر او و اِيْشَان بَاد - وَ خُوْدَم، وَ دِيْنَم، وَ نَسْلَم، وَ مَالِي وَ وَاَلِدِي وَ اَهْلِي وَ قَرَابَاتِي وَ اَهْلَ بَيْتِي وَ كُلَّ ذِي رَحْمٍ لِي وَ دَارَايِي وَ فَرَزَنْدَم وَ اَهْلِ مَن، وَ خُوِيْشَانَم وَ خَوَانْدَانَم وَ تَمَام كَسَاْنِي كِه بَا مَن نَسِيْتِي دَارَنْد



وَيَكُلُّ كِتَابَ أَنْزَلَهُ اللَّهُ، وَيَكُلُّ رَسُولَ أَنْزَلَهُ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى، وَبِهِ تَمَامُ كِتَابِ هَائِي كِه خدائند تَعَالَى فَرُو فَرَسْتَاهِ اسْت، وَبِهِ تَمَامُ رَسُولَانِي كِه خدائند فَرَسْتَاهِ اسْت، اللَّهُ، وَيَكُلُّ حُجَّهٖ أَقَامَهَا اللَّهُ، وَيَكُلُّ بُرْهَانِ أَظْهَرَهُ اللَّهُ، وَيَكُلُّ وَبِهِ تَمَامُ بَرَاهِينِ وَدَلِيلِ هَائِي أَشْكَارِي كِه خدائند اِقَامَه كَرْدَه اسْت، وَبِهِ تَمَامُ دَلَائِلِ قَاطِعِ وَرُوشَنِي كِه خدائند أَشْكَار كَرْدَه اسْت، وَنُورِ أَنْارَهُ اللَّهُ، وَيَكُلُّ الْإِيَّ اللَّهِ وَعَظْمَتِيهِ . أُعِيدُ وَأَشْتَعِيدُ مِنْ شَرِّ بَه تَمَامِ رُوشَنِي هَائِي كِه خدائند رُوشَن كَرْدَانِيْدَه اسْت، وَبِهِ تَمَامِ نَعْمَتِ هَا وَعَظْمَتِ الْهِي . بِنَاهِ مِي بَرَمِ وَبِنَاهِ مِي جَوِيمِ كُلِّ ذِي شَرِّ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَخْذُرُّ، وَمِنْ شَرِّ مَا رَبِّي مِنْهُ (از خدائند) نَسَبَتِ بَه هَر چيزِي كِه شَرِّ وَبَدِي دَارِد، وَاز بَدِي وَشَرِّ تَمَامِ چيزِهايِي كِه مِي تَرَسَمِ وَاز آن حَذَرِ مِي كَنَم، وَاز شَرِّ تَمَامِ أَكْبَرُ، وَمِنْ شَرِّ فَسِقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ چيزِهايِي كِه پَرُورِد گَارَمِ از آن هَا بَزَرِكِ تَر اسْت، وَاز شَرِّ فَاسِقَانِ وَگَنَاهَكَارَانِ عَرَبِ وَعَجَمِ، وَاز شَرِّ فَاسِقَانِ جَنِّيِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّلَاطِينِ، وَإِبْلِيسَ وَجُنُودَهُ وَأَشْيَاعِهِ وَانْسِي، وَاز شَرِّ شَيْطَانِ وَبَادشَاهَانِ، وَابْلِيسَ (شَيْطَانِ بَزَرِكِ) وَلشَكْرشَ وَپِيروانِ وَأَتْبَاعِهِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَالظُّلْمَةِ، وَمِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أُوْ وَدَنْبَالَه رِوَانِ او، وَاز شَرِّ تَمَامِ چيزِهايِي كِه دَر رُوشَنِي يَا تَارِيكِي قَرَار دَارِنْد، وَاز شَرِّ پِشَامْدِهايِي كِه دَامَنگِيرِ (انسان) مِي شُودِ يَا هَجَمَ أَوْ أَلَمَّ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَمٍّ وَهَمٍّ وَآفَةٍ وَنَدَمٍ وَنَازِلَةٍ وَسَقَمٍ، هَجُومِ مِي آوَرِد

یا باعث درد و الم می شود، و از شرّ هر حزن و اندوه و گزند و پشیمانی و مصیبت و مریضی . **وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَأْتِي بِهِ الْأَقْدَارُ** ، وَمِنْ نِيز، از شرّ چیزهایی که در روز و شب پدید می آیند و مقدر می گردند ، و از شرّ ما فی النَّارِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْأَرْضِينِ وَالْأَقْطَارِ وَالْمَلَوَاتِ شَرِّ تمام چیزهایی که در آتش اند، و از شرّ تمام چیزهایی که در زمین ها و کرانه ها و خشکی ها و بیابان ها وَالْفَقَارِ وَالْبِحَارِ وَالنَّهَارِ ، وَمِنْ شَرِّ الْفَسَاقِ وَالْفُجَارِ وَالْكُفَّانِ وَ زمین های بی آب و علف و دریاها و رودها هستند، و از شرّ تمام فاسقان و بدکاران و کاهنان وَالسُّحَّارِ وَالْحُسَّادِ وَالذُّعَّارِ وَالْأَشْرَارِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَلْجُ فِی وَ جادوگران و حسودان و ترس ایجادکنندگان و شروران؛ و از شرّ تمام چیزهایی که در زمین فرو می روند، الْأَرْضِ ، وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا ، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ ، وَمَا يَخْرُجُ وَ از شرّ چیزهایی که از زمین درمی آیند، و آن چه از آسمان فرو می آید، و آن چه به سمت آسمان بالا-می رود، إِلَيْهَا ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرِّ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِيَةٍ رَبِّي اجْتَدُ وَ از شرّ و بدی هر چه شرّ و بدی دارد، و از شرّ تمام جنبندگان که پروردگارم بِنَاصَةِ بَيْتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ زَمَامُ أَوْ رَا بَهِ دَسْت دَارِد پناه می آورم؛ به راستی پروردگارم بر صراط مستقیم استقرار دارد؛ پس اگر رو گرداندند بگو: اللَّهُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ .

خدا مرا بس است، جز او معبودی نیست، تنها بر او توکل دارم، و او پروردگار عرش با عظمت است. وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَالْخَرْنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، خدایا؛ به تو پناه می برم از اندوه و غم و غصه و ناتوانی و کسالت و العجز و البخل، و من صلح الدین و غلبه الرجال، و من عمل و ترس و بخل و گرفتاری قرض و چیرگی بزرگان؛ نیز از عملی که لا ینفع، و من عین لا تدفع، و من قلب لا یشبع، و من دعاء سودمند نیفتد، و چشمی که نگرید و اشک نریزد، و قلبی که خاشع نگردد، و دعایی که لا یشبع، و من نصیحه لا تنفع، و من صحابه لا تزدهج، و من شنیده نشود، و نصیحتی که مؤثر نیفتد، و یارانی که باز گردانده نشوند؛ و إجماع علی نکر و تودد علی خیر أو تواخذ علی خبیث، و ممّا پناه می برم از تجمع بر زشتی و ناپسندی، و دوستی نمودن زیان بار، و داد و ستد ناپاک؛ نیز از اشتیاع منه ملائکتک الممقرون و الأنبیاء المرسلون، و الأئمة تمام چیزهایی که فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و امامان المظهرون، و الشهداء الصالحون، و عبادک الممتنون. و أسألك پاک، و شهیدان و صالحان و بندگان پرهیزگارت از آن ها به تو پناه برده اند به تو پناه می برم. اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغَطِّينِي مِنَ خَدَايَا؛ از تو درخواست می کنم بر محمد و آل محمد درود فرستی، و خیر و الخیر ما سألوا، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا، وَأَسْأَلُكَ خَيْرِي هَئِنِّي رَأَيْتُكَ مِنْ خَدَايَا؛ از تو خواسته اند به من نیز عطا فرمایی،





کرده اند؛ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقْتَنِي رَبِّي وَبِرَزْقَتِي ، از نام خدا کمک می گیرم بر آن چه پروردگارم نصیبم فرموده است یا در آینده نصیبم خواهد کرد؛ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ إِشِيهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آسْمَانِ نَمِي تَوَانِدُ ضَرَرٍ وَزِيَانِي بَرَسَانِدِ؛ و او شنوای داناست. بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ وَصَلِّ عَلَيَّ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ عِبَادَتِكَ الْمُؤْمِنُونَ ، أَنْ تَصَلِّهُمْ بِهِ مِنْ وَ أَنْ جِه بِنْدِگَانِ مُؤْمِنْتِ از تو درخواست کرده اند تا از خیرات به ایشان هدیه بدهی، به من نیز احسان کنی؛ الْخَيْرِ ، وَاصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ عِبَادَتِكَ الْمُؤْمِنُونَ ، أَنْ وَ از تمام آنچه بندگان مؤمنان از تو درخواست کرده اند که تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ الشُّؤْءِ وَالرَّذَى ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ بِلَاهَا وَ پستی ها را از آن ها بازگردانی از من نیز بازگردان و دور کن ، و به واسطه فضلت و آن گونه که أَهْلُهُ وَوَلِيِّهُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ شَائِسْتِه وَ بَائِسْتِه مَقَامِ تَوَسُّتِ وَ تَوَسُّرِ بَرَسْتِي اَشْ رَا بَرِ عَهْدِه دَارِي ، بَرِ مَن بِيغْرَا ؛ اِي مَهْرَبَانِ تَرِينِ مَهْرَبَانَانِ . بَارِ هَا ؛ بَرِ مَحْتَبِدِ وَ اَهْلِ نَبِيَّتِه الطَّيِّبِينَ ، وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ وَفَرَجِي وَفَرَجِ عَنْ كُلِّ بَيْتِ بَاكِيْزِه اَشْ دَرُودِ فَرَسْتِ ، وَ دَرِ فَرَجِ وَ رَاِحْتِي اَيْشَانِ وَ مَن شَتَابِ كُنِي ؛ وَ دَرِ كَارِ هَرِ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ اِنْدُوهِگِيْنِي از

مردان و زنان باایمان فرج و گشایش عنایت کن . بار الها ؛ بر محمد و آل محمد و از زُفنی نصیرهم ، و أشهدنی أيامهم ، و اجتمع بيني محمد درود فرست؛ و باری ایشان را نصیب کن، و مرا شاهد روزگار حکومت شان فرما، و من و بینهم فی الدنيا و الآخرة ، و اجعل منک علیهم واقه حتی و ایشان را در دنیا و آخرت گرد هم آور؛ و از جانب خودت نگهداری برای شان قرار ده لایخلص إلیهم إلا بسبیل خیر ، و علی معهم ، و علی شیخیتهم تا جز خیر و خوبی به ایشان نرسد، و برای من و شیعیان و محبتیهم ، و علی اولیائهم ، و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات ، و دوست داران شان و موالیان شان و تمام مردان و زنان باایمان نیز چنین نگهداری مقرر فرما؛ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ ، همانا تو بر هر چیزی توانایی داری . به نام خدا، به کمک خدا، از جانب خدا، به سوی خدا؛ وَلَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ ، ما شاء الله ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، حَشِيَّةَ اللَّهِ ، و بیروزمندی جز خدا نیست؛ هر چه خدا بخواهد همان می شود؛ نیرویی جز به واسطه خداوند نیست؛ خدا مرا بس است؛ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ، و أفوض أُمْرِي إِلَى اللَّهِ ، و ألتجئُ إِلَى اللَّهِ بر خدا توکل دارم؛ کارم (سرپرستی ام) را به خدا واگذار می کنم؛ به خدا پناهنده می شوم، و بِاللَّهِ أَحْوَلُ وَأَصْوَلُ وَأَكَاثِرُ وَأَفَاخِرُ وَأَعْتَزُّ وَأَعْتَصِمُ ، عَلَيْهِ و به کمک خداوند، طلب نیرو و چیرگی و بسیاری و افتخار و عزت مندی و نگهداری می کنم؛ تنها بر تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابُ ، لا إِلَهَ

إِلَهَ اللَّهِ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، عَدَدَ النَّوَى او تَوَكَّلْ دَارم و بازگشتم نیز تنها به سوی اوست؛ جز خداوند زنده پاینده ، معبودی نیست؛ به تعداد ذرات خاكَ وَالنُّجُومِ ، وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ و ستارگان و فرشتگان صف کشیده؛ جز خداوند معبودی نیست، یکی است و شریکی ندارد الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شَبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . (۹) بلندمرتبه و عظیم است؛ جز خداوند معبودی نیست؛ خدایا؛ تو منزهی؛ واقعیت آن است که، من از ستمکاران بوده ام . امام عصر ارواحنا فداه این عبارات را به دعای حریق افزوده اند که توسط محمد بن صلت قمی رحمه الله رسیده است :

أَللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ ، وَرَبَّ الْبَحْرِ بَارِهَا ؛ أَيُّ پروردگار نور و روشنی با عظمت؛ و پروردگار کرسی و جایگاه والا و بلندمرتبه ؛ و پروردگار دریای الْمَشِجُورِ ، وَنُزَلَ التَّوْرَاهُ وَالْإِنْجِيلَ ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحُرُورِ ، بِي پايان ؛ و ای فرو فرستنده تورات و انجیل ؛ و پروردگار سایه و آفتاب ؛ ۱ . البلد الأمين : ۹۱ ، مصباح المتعجب : ۲۲۰) با تفاوتی اندک .

وَمُثِّلَ الرُّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَرَسْتَنده زبور و قرآن با عظمت، و پروردگار فرشتگان مقرب وَالْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ . أَنْتَ إِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ ، وَإِلَهُ مَنْ فِي وَبِامِيرَانِ مَرَسَلٍ ؛ تُو، مَعْبُودِ أَهْلِ آسْمَانِ وَ مَعْبُودِ أَهْلِ الْأَرْضِ ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ ، وَأَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ ، زَمِينِ هَسْتِي . جَزْ تُو مَعْبُودِي دَرِ زَمِينِ وَ آسْمَانِ نِيَسْتِ ؛ تُو مَتَسَلَطُ بِرِ سَاكِنَانِ آسْمَانِ وَجَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ

، لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ ، وَأَنْتَ خَالِقُ مَنْ وَ زَمِينِ هَسْتِي ؛ جَزْ تُو جَبَّارِ وَ مَتَسَلَطِي دَرِ آن دُو وَجود نَدَارْد؛ تُو آفريننده هر چه در فِي السَّمَاءِ ، وَ خَالِقُ مَنْ فِي الْأَرْضِ ، لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ ، آسَمَانِ وَ زَمِينِ اسْتِ مِي باشي، جَزْ تُو آفريننده اي در آسَمَانِ وَ زَمِينِ نِيسْت؛ وَأَنْتَ حَكَمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ ، وَ حَكَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ ، لَا حَكَمَ تُو حَكَمِ كُننده ساكنان آسَمَانِ وَ زَمِينِ هَسْتِي وَ جَزْ تُو حَكَمِ كُننده وَ دَاوَرِي دَرِ فِيهِمَا غَيْرُكَ . اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ اَيْنِ دُو وَجود نَدَارْد . بَارِ اَلْهَا؛ بَهِ وَاسطه ذات بزرگوارت از تُو دَرخواست مِي كُنم؛ بَهِ وَاسطه نور الْمُنِيرِ ، وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، اَسْأَلُكَ بِاشِيَمِكَ الَّذِي رُوشَنِي بَخَشْتِ ، وَ فَرْمَانِ رِوَايِي دِيرِينِه ات؛ اي زنده؛ اي پايدار؛ بَهِ وَاسطه آن نامت از تُو دَرخواست مِي كُنم كه اَشْرَفَتْ بِهِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُونَ ، وَ بِاشِيَمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ آسَمَانِ هَا وَ زَمِينِ هَا بَدَانِ رُوشَنِي يافتند؛ وَ بَا آن اسْمِي از تُو دَرخواست مِي كُنم كه الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ ، يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ ، مَخْلُوقَاتِ پِيشِينِ وَ آيندگان با آن صَالِحِ وَ شايسته مِي گردند وَ اَصْلَاحِ مِي شونند؛ اي زنده پيش از هر زنده؛ اي زنده پس از هر زنده؛ وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ ، وَيَا مُعْجَبِي الْمَوْتِي ، وَيَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا اِي زنده، آن گاه كه زنده اي وَجود نداشت؛ اي زنده كُننده مردگان؛ اي زنده كه جَزْ تُو دَعَايِ الْحَاحِ از امام صادق عليه السلام...

أَنْتَ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ . اَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

وَإِلَّهِ مَعْبُودِي وَجُودِ نَدَارِدْ؛ اِي زنده؛ اِي پايدار؛ از تو درخواست مي كنم بر محمد و آل محمد، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ مُحَمَّدٌ دَرُودِ بَفَرَسْتِي، و از آن جا كه گمان آن را داشتم، و از آن جا كه فكرش را هم نمي كنم، رِزْقًا وَاسْتِعْمًا حَلَالًا طَيِّبًا، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ، وَأَنْ رُوزِي وَنَصِيبَ فَرَاوَانِ وَحَلَالِ وَپَاكِزِه اِي به من برساني، و تمام اندوه ها و مشكلات و گرفتاري ها را از من برطرف فرمايي، تُغَطِّينِي مَا أَرْجُوهُ وَ أُمَّلُهُ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱۰)

و آن چه اميد و آرزويش را دارم به من عطا كني ؛ به راستي تو بر هر چيزي توانايي .

#### **۴۴ دعای الحاج از امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه**

ابو نعیم انصاری می گوید : در مکه ، کنار رکن مستجار بودم و گروهی از طایفه مقصیره نیز حضور داشتند . محمودی و علان کلینی و ابو هیثم دیناری و ابو جعفر احوال همدانی در میان آنان بودند و در مجموع حدود سی نفر بودند و جز محمد بن قاسم علوی عقیقی ، شیعه مخلصی در بین شان نمی شناختم .

روز ششم ذیحجه سال ۲۹۳ هجری بود که در آن جا بودیم ، ناگهان جوانی که مشغول طواف بود و با دو پارچه احرام بسته بود و کفش هایش را در دست داشت ، به طرف ما آمد که هیبت و شکوهش ما را گرفت و بی اختیار از جا برخاستیم ؛ همه ما بدون استثنا از جا برخاستیم و بر او سلام کردیم ؛ آن گاه نشست و به طرف راست و چپ نگرست و فرمود :

آیا می دانید ، امام صادق

علیه السلام در دعای الحاح ( چه می گفت ؟

گفتیم : چه می گفت ؟

فرمود : ایشان چنین می گفتند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ ، وَبِهِ تَقُومُ بَارِئَاتُ الْأَرْضِ ، وَبِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ ، وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ ، وَحَقِّ وَبَاطِلٍ رَا بَه سَبَبِ أَنْ هَمَّ جَدَا مِي كُنِي ، وَ پَرَ كَنَدَه هَا رَا بَا أَنْ گَرْد مِي آوَرِي ، وَبِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ ، وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ ، وَزَنَّهُ وَبَا أَنْ بَيْنَ گَرْدآمَدَه هَا جَدَائِي مِي اَفْكَنِي ، وَ تَعْدَادِ سَنَگَرِيْزَه هَا رَا بَه شِمَارَه دَرْمِي آوَرِي ؛ وَ زَنَ الْجِبَالِ ، وَ كَيْلَ الْبِحَارِ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ كُوه هَا وَ بِيْمَانَه دَرِيَا هَا رَا مِي دَانِي ؛ مِي خَوَاهِم بَر مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد دَرُود فَرَسْتِي ، وَ دَر تَجَعَّلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا . (۱۱)

کار من گشایش و گریزگاهی قرار دهی .

در کتاب «الْبُحْتَةُ الْوَأَقِيَه» روايت می کند که امام عصر ارواحنا فداه فرموده اند : امام صادق علیه السلام این دعا را هر روز صبح می خواندند . (۱۲)

### **دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب به نقل از حضرت بقیه الله او احنا فداه**

دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

ابو نعیم انصاری می گوید : سپس آن جوان برخاست و به طواف کنندگان پیوست ؛ ما به خاطر برخاستن ایشان برخاستیم و فراموش کردیم نامش را بپرسیم .

فردای آن روز نیز در همان وقت ، از طواف به سمت ما آمد ؛ ما همانند روز گذشته بدون اختیار برخاستیم . وی در آن میان نشست و به راست و چپ نگریست و فرمود :

آیا می دانید امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نمازهای واجب چه

گفتیم : چه می گفت ؟ فرمود : می گفت :

أَللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ ، [ وَدُعِيَتِ الدَّعَوَاتُ ] ، وَلَمَكَ عَنَتِ بَارِهَا ؛ صدها، تنها به سوی تو بالا- برده می شود [و دعاها خوانده می شود] و روی ها تنها الوجوه ، وَلَمَكَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ ، وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ ، یا برای تو خوار و فروتن شد، و گردن ها تنها در برابر تو خمیده می شوند، و حکومت و داوری در کارها تنها به سوی تو است . ای خَیْرُ مَسْئُولٍ وَخَیْرُ مَنْ أُعْطِيَ ، یا صادق یا باری ، یا مَنْ بَهِتْرِينَ دَرِخَوَاسْتِ شَوْنَدَه وَبَهِتْرِينَ كَسِي كَه چيزی عطا می کند؛ ای راستگو؛ ای ایجاد کننده؛ ای کسی که لَايُخْلِفُ الْمِيْعَادَ ، یا مَنْ أَمَرَ بِالْذُّعَاءِ وَتَكْفُلُ بِالْإِجَابَةِ . یا مَنْ بِرِخْلَافِ وَعْدِهِ عَمَلَ نَمِي كَنَدَ ؛ ای کسی که دستور به دعا کردن داد، و خودش نیز برآوردن دعا را به عهده گرفت ؛ ای کسی که قَالَ « اُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ » (۱۳) ، یا مَنْ قَالَ « وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي كَفْتُ : «مرا بخوانید؛ پاسخ مثبت به شما می دهم» ، ای کسی که فرمود: «و هنگامی که بندگانم عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي دَر مَورِدِ مَنْ اَز تُو پَرسیدند) بگو: (همانا من نزدیک هستم، دعای دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می دهم؛ پس، از من وُلِّيؤُمُنَا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ » (۱۴) ، یا مَنْ قَالَ « یا عِبَادِي الَّذِينَ دَرِخَوَاسْتِ اِجَابَتِ كَنَدَ، و به من ایمان آورند؛ شاید به راه نیک و درست درآیند» . ای کسی که گفت : «ای بندگان من که اَسْرَفُوا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ

اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ در مورد خویشتن زیاده روی کردند؛ از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که خداوند، الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ «(۱۶). (۱۵)

تمام گناهان را می بخشد؛ همانا، او بخشنده مهربان است.»

در «بحار الأنوار» آمده است ( که ادامه این دعا چنین است ) :

لَيْبِكَ وَسَيِّدَتِكَ، هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، الْمُسْتَرْفُ عَلَى نَفْسِي، وَأَنْتَ خَدَايَا؛ دعوت را شنیدم و پاسخ می گویم این منم که در پیش رویت هستم؛ همان که در مورد خویشتن زیاده روی کرده است؛ در الْقَائِلُ «لَاتَقْتُلُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً». (۱۷) حالی که تو می فرمایی : «از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که خداوند، تمام گناهان را می بخشد».

### دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

(در ادامه روایت پیشین آمده است : ( آن گاه - پس از این دعا - به سمت راست و چپ نگرست و فرمود :

آیا می دانید امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر چه می گفت ؟

گفتم: چه می گفت ؟

فرمود : می گفت :

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ الْإِحْسَانُ الْمَلِيحِينَ إِلَّا جُوداً وَكَرَمًا، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ أَيِّ كَسِيٍّ كَمَا أَصْرَارُ كُنُودِ الْكَافِرِينَ، تَنْهَى سَخَاوَتِ مَنْدَى وَكَرَامَتِ أَوْ رَأْفَتِ مَنْ مِي كُنْدَى؛ ای کسی که گنجینه های آسمان و زمین را در اختیار دارد، یا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَجَلَّ، لَانْتَعُكَ آسْمَانُهَا وَزَمِينُهَا؛ ای کسی که گنجینه ها و ذخیره گاه های هر چیز کوچک و بزرگ برای اوست؛ (به خوبی می دانم که) إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ . إِنِّي أَشَأَلُكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ دَعَايَ سَجْدَةَ أَمَامِ سَجَادَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...

بدرفتاری من، از احسان و نیکی تو به سوی من جلوگیری نمی کند. در واقع، من از تو



درخواست می کنم آن چنان که شایسته و بایسته مقام توست اَهْلُهُ ، وَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ يَا رَبَّاهُ يَا اَللَّهَ ، اِفْعَلْ بِي بِا مَن رِفْتَارِ كُنِي؛ این نیز روشن است که شایسته و بایسته مقام تو، سخاوت مندی و کرامت و عفو و بخشش است؛ پروردگارا؛ خدایا؛ آن گونه که ۱ . بحار الأنوار : ۲۷/۸۶ .

مَا أَنْتَ اَهْلُهُ ، فَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَقَدِ اشْتَحَقَّتْهَا، لَا حُجَّةَ شَائِسَةً مَقَامِ تَوْسْتِ بِا مَن رِفْتَارِ كُن؛ تو می توانی مجازات کنی و من به راستی سزاوار عقوبتم هیچ حجت و دلیلی نیز ندارم (که لی ، وَلَا عُذْرَ لِي عِنْدَكَ ، اَبُوهُ اِلَيْكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا ، وَاَعْتَرَفُ بِهَا دِفَاعِ اَزْ خُودِ كُنم)؛ و هیچ عذر و بهانه ای نیز نزد تو نمی توانم بیاورم تمام گناهانم را در پیشگاهت آورده به همه آن ها اعتراف می کنم كَيْ تَعْفُوَ عَنِّي ، وَأَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِنِّي ، بُوْنْتُ اِلَيْكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ بِهْ خَاطِرِ اَيْنِ كِهْ مَرَا عَفُوَ كُنِي؛ این در حالی است که تو از من بهتر می دانی چه گناهانی کرده ام . نَكَ نَكَ اَذْنَبْتُهُ ، وَبِكُلِّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا ، وَبِكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا ، يَا رَبِّ گناهان، نك نك اشتباهات و نك نك بدرفتاری هایم را که انجام داده ام ، به آن اعتراف و اقرار می کنم ؛ اِي پَروردگارا ؛ اَعْفُزْ لِي وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ اَلْاَعَزُّ اَلْاَكْرَمُ . (۱۸) مرا ببخش؛ رحم کن؛ بگذر از تمام چیزهایی که می دانی؛ در واقع این تویی که عزت مندترین و با کرامت ترین هستی .

### ادعای سجده امام سجاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداء

#### اشاره

(در ادامه حدیث پیشین (ابو نعیم) انصاری (می افزاید : آن شخص برخاست و به طواف مشغول شد و ما دوباره به

احترام ایشان برخاستیم .

فردای آن روز و در همان وقت، دوباره تشریف آورد و ما برای استقبال از ایشان - همانند روزهای گذشته - برخاستیم و احترام کردیم ؛ در میانه مجلس نشست و به راست و چپ نگاه کرد و فرمود :

حضرت امام علی بن الحسین سید العابدین علیه السلام در سجده اش در این مکان - آن گاه به سوی سنگی که در طرف ناودان بود اشاره فرمود - می گفت :

عَبِيدُكَ بِفَيْئَاتِكَ ، [ فَبَيْئَاتِكَ بِبَابِكَ ، أَشَأْلُكَ مَا بَنَدَهُ كَوْجَكَتْ بَهْ دَرِ گَاهْتِ آمَدَهْ اسْتِ ؛ ] إِنِّي أَمِنْتُ بِهْ دَرِ گَاهْتِ آمَدَهْ اسْتِ ؛ [ بِيچاره ات بر دَرْتِ اسْتِ ؛ ] از تو درخواست می کنم آنچه را ۱ . کمال الدین : ۴۷۱ ، دلائل الإمامه : ۵۴۴ .

لَا يُقَدِّرُ عَلَيَّ سِوَاكَ .

که جز تو، توان انجام آن را نداشته باشد .

دوباره به راست و چپ نگاه کرد و به محمد بن قاسم علوی نگریست و فرمود :

ای محمد بن قاسم ؛ تو در مسیر صحیحی هستی إِنْ شَاءَ اللَّهُ .

آن گاه برخاست و به طواف مشغول شد . هر یک از ما دعاهایی را که بیان فرمود یاد گرفتیم ، ولی همگی فراموش کردیم در مورد او باهم صحبت کنیم مگر در روز آخر .

محمودی به ما گفت : ای دوستان؛ آیا این مرد را می شناسید ؟ گفتیم : نه .

گفت : به خدا سوگند ، این صاحب الزمان صلوات الله علیه است .

گفتیم : از کجا این مطلب را می گویی ، ای ابو علی !؟

وی گفت که: مدت ها است در آنجا مانده و پروردگار را می خواند و درخواست می کند که صاحب الأمر ارواحنا فداه را به

او نشان دهد و هفت سال است به این کار ادامه داده است .

(وی افزود: ( در شامگاه روز عرفه ، ناگهان همین شخص را دیدم دعایی را خواند. از او پرسیدم: این دعا از چه کسی است ؟

فرمود : از مردم . گفتم از کدام مردم ؛ عرب یا عجم ؟

فرمود : عرب . عرض کردم : از چه طایفه ای از آن ها ؟

فرمود : از باشرافت ترین و والاترین آن ها .

گفتم : مقصودت کیست ؟

فرمود : بنی هاشم .

گفتم : کدام یک از بنی هاشم ؟

### حکایت دعای عبرات

فرمود : از برترین و بلند مرتبه ترین شان .

گفتم : یعنی کدام شان ؟

فرمود : کسی که سرهای کفار را می شکافت و به فقرا غذا می داد ، و در نیمه های شب که مردم خواب بودند به نماز می ایستاد .

با این سخنان متوجه شدم که او از فرزندان حضرت علی علیه السلام است و بدین جهت نسبت به او محبت پیدا کردم ، ولی در حالی که در پیش رویم بود او را گم کردم ؛ نفهمیدم به آسمان بالا رفت یا به زمین وارد شد . از مردمی که در اطرافش بودند پرسیدم : آیا این شخص علوی را می شناسید ؟

گفتند : آری ؛ هر سال با پای پیاده و به همراه ما به سفر حج می آید .

گفتم: سبحان الله؛ به خدا سوگند ، اثری از پیاده روی در او مشاهده نکردم . پس از آن به مزدلفه رفتم و بسیار اندوهگین شدم که چرا از او جدا شدم .

آن شب به خواب رفتم و در عالم خواب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دیدم که فرمود : ای محمّد؛

به خواسته مهم خود که دنبالش می گشتی رسیدی و او را مشاهده کردی .

گفتم : ای آقای من ؛ چه کسی را می گویی ؟

فرمود : همان که امشب او را دیدی ؛ او امام زمان شما بود . (۱۹)

حکایت دعای عبرات

علامه حلی رحمه الله در آخر کتاب «منهاج الصلاح» در مورد دعای عبرات می فرماید : این دعای مشهوری است که از امام صادق جعفر بن محمد علیهما السلام روایت شده است .

سید سعادت مند جناب رضی الدین محمد بن محمد بن محمد بن محمد آوی قدس سره در مورد این دعا جریانی دارد که مشهور است و یکی از فضلا در حاشیه آن دعا نوشته است :

مولای سعادت مند جناب فخرالدین محمد بن شیخ جمال الدین از پدر بزرگوارش، از جدّ فقیهش یوسف ، از همان سید رضی الدین روایت می کند که فرمود :

مدّتی طولانی در زندان یکی از فرمانداران سلطان جرماغون گرفتار بود و به شدت در تنگنا و سختی به سر می برد . تا آن که در خواب ، جانشین شایسته پیامبر ، یعنی صاحب الزمان ارواحنا فداه را زیارت کرد و با گریه عرضه داشت : ای مولای من ؛ برای نجات من از دست این ستمکاران ، نزد خدا شفاعت کن .

فرمود : دعای عبرات را بخوان .

گفت : دعای عبرات چیست ؟

فرمود: در کتاب مصباح تو هست .

عرض کرد: ای مولای من ؛ در کتاب مصباح من نیست.

فرمود : در مصباح نگاه کن آن را می یابی .

وی از خواب بیدار شد و نماز صبح را گزارد و کتاب مصباح را گشود، و دید که در بین برگ های کتاب ، برگی قرار داده شده که دعای عبرات روی آن

نوشته شده است ؛ و این دعا را چهل بار خواند .

فرماندار یادشده دو همسر داشت؛ یکی عاقل و دارای تدبیر در امور بود، و همین زن نزد فرماندار از اعتماد ویژه ای برخوردار بود .  
نوبت این زن شد و فرماندار نزد او آمد. زن به او گفت: آیا یکی از فرزندان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام را زندانی کرده ای؟

دعای عبرات

گفت : چرا چنین سؤالی می پرسی ؟

زن گفت : شخصی را دیدم که گویا نور خورشید از چهره اش می درخشید با دو انگشتش حلقوم مرا گرفت و گفت : می بینم شوهرت فرزند مرا زندانی کرده است ، و در آب و غذا به او سخت گیری می کند!؟ گفتم : شما کیستید ، ای سرور من ؟

فرمود : من علی بن ابی طالب علیه السلام هستم ؛ به همسرت بگو : اگر فرزندم را آزاد نکند ، به طور حتم خانه اش را ویران می کنم .

این خواب تأثیر زیادی در حاکم گذاشت و گفت : من از این جریان بی خبرم ؛ آن گاه ، نمایندگان خود را فرا خواند و پرسید : آیا کسی را زندانی کرده اید ؟

گفتند : همان پیرمرد علوی که دستور دادی او را بگیریم .

گفت : رهایش کنید ، و اسبی به او بدهید تا بر آن سوار شود و راه را نیز به او نشان دهید تا به خانه اش برود . (پایان داستان)

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمه الله در آخر کتاب «مہج الدعوات» آورده است : از جمله آن ها ، جریانی است که دوست و برادر عزیزم جناب محمّد بن محمّد بن قاضی آوی - که خدای بزرگ بر خوشبختی اش بیفزاید

و عاقبت به خیرش کند - برابم بازگو کرد و جریان شگفت و بی نظیری در آن مورد گفت .

جریان از این قرار است : حادثه ای برای ایشان پیش آمده بود، تا آن که این دعا را دید که در برگ هایی نوشته شده است و در کتابش قرار گرفته است (با این که این کاغذها را او در کتابش نگذاشته بود). از روی آن برگ ها نسخه برداری کرد و پس از بازنویسی ، نسخه اصلی که یافته بود گم شد .

ایشان در ادامه ، دعا را بیان کرده و نسخه دیگری از طریقی دیگر نیز ذکر کرده است که با این نسخه تفاوت دارد . (۲۰)

### ۸ دعای عبرات (۲۱)

ما ، در این جا «دعای عبرات» را از کتاب «بلد الامین» مرحوم کفعمی اعلی الله مقامه نقل می کنیم ، ایشان فرموده است :

این ، دعایی بزرگ و با ارزش است که از امام قائم صلوات الله علیه روایت شده است و در امور مهم و مشکلات بزرگ خوانده می شود ؛ این دعا را «دعای عبرات» نامیده اند . ( و دعا این است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ ، وَيَا كَاشِفَ الرَّفَرَاتِ ، اَنْتَ بَارِهَا ؛ اِزْ تُو دَرخِوَا سْت مِى كَنَم اِى رَحِم كَنَنَدَه بِر قَطْرَاتِ اشْكَ هَا و اِى بِر طَرَف كَنَنَدَه سُو ز دَل هَا ؛ تُو الَّذِى تَقْشَعُ سَيَّحَابَ الْمَخَنِ ، وَقَدْ اَمْسَتْ نِقَالًا ، وَتَجْلُوْ ضَبَابَ كَسِى هَسْتِى كِه اِبْرَهَاى مَحْنَت و اَنْدُوَه رَا پْرَا كَنَدَه مِى كَنِى دَر حَالِى كِه بَسِيَار سَنَكِيْن و پْرَبَار شَدَه اَنْد ؛ و اِبْرَهَاى فَتْنَه رَا دَر حَالِى الْفِتَنِ ، وَقَدْ سَحَبَتْ اَذْيَالًا ، وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيْمًا ، وَبُيَّاتَهَا كِه دَا مَن بَر زَمِيْن كَشِيْدَه اَنْد بِر طَرَف مِى كَنِى ، و كَشْتَه

آنها را خشک و شکننده قرار می دهی، و پایه اش را نابود و منهدم می گردانی، هدیماً، وَعِظَاهُمَا زَمِيمًا، وَتَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا، وَالْمَطْلُوبَ وَاسْتِخْوَانَ هَآئِش رَا پُوسِيدَه مِی کَنِ، وَ شِکْسْت خُورِدَه رَا پِیروز مِی گردانی، وَ طَلَب شُدَه رَا طَالِبًا، وَالْمُهْهُورَ قَاهِرًا، وَالْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قَادِرًا. فَکُمْ مِنْ عَوْدِ طَلَب کُنْدَه مِی گردانی؛ وَ کَسِی رَا کِه بَر اَو چِیْرَه شُدَه اِنْد چِیْرَه شُوندَه مِی گردانی، وَ کَسِی رَا کِه بَر اَو تَوَانایی وَ قَدْرَت دَاشْتَه اِنْد، قَدْر تَمْنَد مِی کَنِ. چِه نَادَاکَ رَبِّ اِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ، فَفَتَحَتْ لَهُ مِنْ نَصْرِکَ اَبْوَابٌ بَسِیْرَه بِنْدَه اِی کِه تُو رَا نَدَا دَاد وَ عَرْض کَرْد: پَرُورْد گَارَا؛ وَاقْعِیْت اَن اَسْت کِه مَن شِکْسْت خُورِدَه اَم؛ پَس، مَرَا یَارِی کُن. وَ تُو بَرای یَارِی کَرْدَنَش دَرهَای السَّمَآءِ بِمَاءٍ مُنْهَجِرٍ، وَفَجَزَتْ لَهُ مِنْ عَوْنِکَ عُیُونًا، فَالْتَقَى الْمَاءُ اَسْمَانَ رَا بَا اَبِی رِیْزَانَ بَاز کَرْدِی؛ وَ چِشْمَه هَآئِی اَز مَدَد کَاری خُود بَرای اَو گِشُودِی، پَس اَب عَلِی اَمْرٌ قَدْ قُبِرَ، وَحَمَلْتَهُ مِنْ کَفَايَتِکَ عَلِی ذَاتِ اَلْوَالِحِ وَدُسَيْرِ، بَر اَمْرِی کِه مَقْدَر شُدَه وَ اِنْدازَه گِیْرِی شُدَه پِیوسْت؛ وَ اَو رَا اَز کَفَايَتِ خُود ت بَر چِیْزِی کِه دَارای تَخْتَه هَا وَ مِیخ هَا اَسْت (کِشْتِی) سِوَار کَرْدِی. رَبِّ اِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ سَه مَر تَبَه تَکْرار شُود. رَبِّ صِلْ عَلِی مُحَمَّدٍ پَرُورْد گَارَا؛ مَن شِکْسْت خُورِدَه اَم؛ پَس یَارِی کُن. پَرُورْد گَارَا؛ بَر مَحْمَدِ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتِیخْ لِی مِنْ نَصْرِکَ اَبْوَابِ السَّمَآءِ بِمَاءٍ مُنْهَجِرٍ، وَ اَلِ مَحْمَدِ دَرُود بَفْرَسْت، وَ دَر یَارِی مَن دَرهَای اَسْمَانَت رَا بَا اَبِی رِیْزَانَ بَگِشَا، وَفَجَزْ لِی مِنْ عَوْنِکَ عُیُونًا لِیَلْتَقِیَ مَاءٌ فَرَجِی عَلِی اَمْرٍ قَدْ وَ چِشْمَه هَآئِی اَز

مددکاری خود برای من بگشا تا ملاقات کند مایه فرج و گشایش بر امری که قُدْرَ ، وَاخْمِلْنِي يَا رَبِّ مِنْ كَفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْوَالِحِ وَدُسِيرٍ . یا تقدیر شده ، مرا نیز از کفایت خودت بر چیزی که دارای تخته ها و میخ ها است (کشتی) سوار کن . ای مَنْ إِذَا وَلَّجَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ خَيْرَتِهِ يَهِيمُ ، وَلَمْ يَجِدْ لَهُ صَرِيحاً كَسِي كَسِي که وقتی بنده در شب وارد شود که از تحیر سرگردان گردد، و هیچ فریادرسی یَصِيرُ حُهُ مِنْ وَلِيِّ وَلَا حَمِيمٍ ، وَجَدَ يَا رَبِّ مِنْ مَعُونَتِكَ صَرِيحاً از دوست و خویشاوند برای فریادرسی اش نیاید؛ ای پروردگار؛ کمک تو را مُغِيثاً ، وَوَلِيّاً يَطْلُبُهُ حَثِيثاً ، يُنْجِيهِ مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ وَخَرْجِهِ ، فریادرس خود می یابد و یار و سرپرستی که شتابان او را طلب می کند تا او را از گرفتاری و رنجش نجات بخشد وَيُظْهِرُ لَهُ أَغْلَامَ فَرَجِهِ . اَللّٰهُمَّ فَا يَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ ، وَ اِيَاتُهُ وَ نَشَانَةُ هَايِ گشایش و راحتی را برایش آشکار کند . بار الها ؛ ای کسی که توانش نیرومند و پیروز، و نشانه هایش باهزه ، وَ نَقِمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ ، دَائِعَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خَنَّارٍ ، آشکار و روشن است، و انتقامش تمام جباران و سرکشان را هلاک می کند، و هر کافر مکار و حيله گر را از بين می برد؛ صَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْظِرْ إِلَيَّ يَا رَبِّ نَظْرَةَ بَرِّ مُحْتَبِدٍ وَ آلِ مُحْتَبِدٍ دَرُودِ بَفَرَسْتِ ، وَ - ای پروردگار ؛ - به من نگاه کن نگاهی مِنْ نَظْرَاتِكَ رَحِيمَةً ، تَجَلِي بِهَا عَنِّي ظُلْمَةً عَاكِفَةً مُقِيمَةً مِنْ اَزْ نِغَاهِ هَايِ پَرْمَحَبَّتِ وَ مَهْرَتِ تَا



برطرف شود تاریکی پایدار و دیرینه ای را که مرا گرفتار کرده است؛ عَاهِهٍ جَفَّتْ مِنْهَا الصَّرْوَعُ، وَتَلَفَتْ مِنْهَا الزُّرُوعُ، وَأَنْهَمَلَتْ مِنْ أَزِ قَبِيلِ آفَتِي كَهْ مِنْ أَنْ سَبِينَهُ هَا بَخْشَكُدْ، وَ كَشْتِ وَ زَرْعِ هَا تَبَاهِ گَرْدَدْ، وَ أَجْلِيهَا الدُّمُوعُ، وَاشْتَمَلَتْ لَهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ، وَخَرَّتْ بِسَرِيْبِيْهَا خَاطِرَ أَنْ اشْكِ هَا سِرَازِيْرِ گَرْدَدْ، وَ نَاامِيْدِيْ بِرِ قَلْبِ هَا احَاطَهْ كَنْدْ، وَ بَهْ سَبَبِ أَنْ الْأَنْفَاسُ . إِلَهِي فِحْفِظْ لِعَرَأَيْسَ عَزُوشِهَا بِيْدِ الرَّحْمَانِ، نَفْسِ هَا بِنْدِ آيِدْ . بَارِ خَدَايَا؛ دَرِخْتِ هَايِي رَا كَهْ بَا دَسْتِ خَدَايِ مَهْرِيَانِ نَشَانْدَهْ شُدَهْ، وَشُرُوبُهَا مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ، وَنَجَاتُهَا بِدُخُولِ الْجِنَانِ، أَنْ تُكُونَ وَ بَا آبِ زَنْدَگِيْ بَخْشِ آيِيَارِي شُدَهْ، وَ بَا وَرُودِ بَهْ بَهْشْتِ نَجَاتِ مِي يَابِدْ، حَفْظِ كَنْ بِيْدِ الشَّيْطَانِ تُحَزُّ، وَبِفَاسِيْهِ تَقَطَّعَ وَتَجَزُّ . إِلَهِي فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ وَ نَگَهْ دَارِ كَهْ بَهْ دَسْتِ شَيْطَانِ بَرِيْدَهْ نَشُودِ وَ بَا تَبْرِ او تَكَّهْ نَكَّهْ نَشُودِ . بَارِ خَدَايَا؛ چَهْ كَسِي سَزَاوَاتَرِ تَرِ از تُوَسْتِ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيْمِكَ دَافِعاً، وَ مَنْ أَحْيَدُ مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ بَرِيْ اِيْنِ كَهْ از حَرِيْمِ خُودِ دَفَاعِ كَنْدْ؟ وَ چَهْ كَسِي شَايِسْتَهْ تَرِ از تُوَسْتِ بَرِيْ اِيْنِ كَهْ جِمَاكُ حَارِساً وَ مَانِعاً . إِلَهِي إِنْ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوْنُهُ، وَخَشْنُ حِرَاسَتِ وَ نَگَهْبَانِيْ از نَزْدِيْكَانِ خُودِ رَا بَرِ عَهْدَهْ گِيْرِدْ؟ خَدَايِ مَنْ؛ كَارِ مَشْكَلِ شُدَهْ اسْتِ، پَسِ آسَانَشِ گَرْدَانْ؛ وَ كَارِهَا سَخْتِ وَ خَشْنِ شُدَهْ اَنْدْ، پَسِ قَالْتُهُ، وَ إِنْ الْقُلُوبَ كَاعَثَتْ فَطَمَّنْهَا، وَ النَّفُوسَ اِذْ تَاعَثَتْ فَسَكَّنْهَا . اَنِّهَا رَا بَهْ نَرْمِيْ وَ مَلَايْمَتِ بَگَرَايَانْ؛ دَلِ هَا، سَسْتِ وَ لِرْزَانِ شُدَهْ اسْتِ، اَنِّهَا رَا آرَامِ گَرْدَانْ؛ وَ نَفْسِ هَا (جَانِهَا) دِجَارِ تَرَسِ

و دلهره شده اند، پس آنها را به إلهی إلهی تَدَارَكَ أَقْدَاماً زَلَّتْ ، وَأَفْكَاراً فِي مَهَامِهِ الْحَيَّوَةِ آرامش و سکون برسان . خدایا؛ خدایا؛ قدم های لغزان را دریاب؛ اندیشه های گم شده در سرگردانی ها را دریاب ضَلَّتْ ، بِأَنْ رَأَتْ جَبْرَكَ عَلَى كَسِيرِهَا ، وَإِطْلَاقَكَ لِأَسِيرِهَا ، که ببینند شکست شان را جبران کرده ای، و اسیران شان را آزاد کرده ای، وَإِجَارَتَكَ لِمُسْتَجِيرِهَا أَجْحَفَ الضَّرِّ بِالْمَضْرُورِ ، وَلَيْبَى دَاعِيهِ وَ پناه جویان شان را پناه ده، که بیچارگی بیش از توان و طاقت به خسارت دیده ضرر وارد کرده ، و فراخوان خود را بِالْوَيْلِ وَالشُّبُورِ . فَهَلْ يَحْسُنُ مِنْ عَدْلِكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَدْعَهُ بِاِوَى وَ ناله پاسخ داده . ای مولای من؛ آیا از عدل تو نیکو است کسی را که فَرِيَسَةَ الْبَلَاءِ وَهُوَ لَكَ رَاجٍ ، أَمْ هَلْ يَجْمَلُ مِنْ فَضْلِكَ أَنْ بِه تو امیدوار است طعمه بلا گردانی؟! یا از فضل تو زیباست يَخْوَضُ لُجَّةَ الْعَمَاءِ وَهُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ . مَوْلَايَ لَيْنٌ كُنْتُ لَا أَشَقُّ كَسِيًّا رَا كِه به تو پناهنده شده است در گرداب غم و غَضَه فَرُو رُوْد؟! ای مولای من؛ اگر چه من برای عَلَى نَفْسِي فِي التَّقَى ، وَلَا أُبَلِّغُ فِي حَمَلِ أَعْبَاءِ الطَّاعَةِ مَبْلَغَ رِعَابِتِ پرهیزگاری و تقوا بر خود سخت نگرفته ام، و آن چنان که موجب رضایت تو شود به فرمان برداریت نپرداخته ام، الرُّضَى ، وَلَا أَنْتَظِمُ فِي سِتْلِكَ قَوْمَ رَفَضُوا الدُّنْيَا فَهَمَّ حَمُصٌ وَ در زمره گروهی درنیامده ام که دنیا را رها کرده اند و در نتیجه الْبُطُونِ مِنَ الطَّوَى ، ذُبُلُ الشَّفَاهِ مِنَ الطَّمَاءِ ، وَعُمُشُ الْعُيُونِ مِنْ شَكَمِ هَايِ شَانِ از گرسنگی تو رفته است و از تشنگی لب های شان خشک شده است و

چشمان شان از اَبْكَاءِ ، بَلْ أَتَيْتُكَ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ ، وَظَهَرَ تَقَبُّلُ بِالْخَطَا بِاِغْرَابٍ رَنْجُورٍ شَدِيدٍ (بلکه) در عمل و رفتارهای دینی ضعیف بوده ام، و پشتم از بار گناهان وَالزَّلَّالِ ، وَنَفْسٍ لِلزَّاحَةِ مُعْتَادَةٍ ، وَلِدَوَاعِي الشَّهْوَةِ مُتَّادَةٍ . أما و لغزش ها سنگین شده ، و روانم را به راحتی و خوشی عادت داده ام، و تسلیم انگیزه های شهوت هستم ، با این وجود ، يَكْفِينِي يَا رَبِّ وَسِيلَهُ إِلَيْكَ ، وَذَرِيعَهُ لَدَيْكَ ، أَنَّنِي لِأَوْلِيَاءِ اِي پروردگار من ؛ آیا از جهت وسیله و واسطه و سبب که به سوی تو راه پیدا کنم کافی نیست که من ، ارادتمند دینک مُوَالٍ ، وَفِي مَحَبَّتِهِمْ مُعَالٍ ، وَلِجَلْبَابِ الْبَلَاءِ فِيهِمْ لَايِسٌ ، اولیا و سرپرستان دینت هستم، و در دوستی شان سعی فراوان می کنم، و لباس بلا-را در مورد ایشان بر تن می کنم . وَلِكِتَابِ تَحَمُّلِ الْعَنَاءِ بِهِمْ دَارِسٌ . أما يَكْفِينِي أَنْ أُرُوِّحَ فِيهِمْ وَكِتَابِ تَحَمُّلِ سَخْتِي رَا بِه سبب آنان فراگیرنده ام . آیا برایم بس نیست که به خاطر آن بزرگواران مَظْلُومًا ، وَأَعْدُو مَكْطُومًا ، وَأَقْضَى بَعْدَ هُمُومِ هُمُومًا ، وَبَعْدَ مَظْلُومِ وَقَعِ شَدِيدِ ام، و سکوت کرده ام و خشم خود را باز داشته ام، و پیوسته گرفتار اندوه هستم؟ و از شدت وُجُومِ وُجُومًا ، أما عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ بِهِذِهِ حُزْمَةٌ لَانْتَضَعُ ، وَذِمَّةٌ تَرَسُ بِبُيُوتِهِمْ كَرَفَاتٍ خَامُوشِي ام ؟ اِي مَوْلَايَ مِنْ ؛ آیا این باعث نمی شود که برای من حرمتی باشد که ضایع نشود و تباہ نگردد، و بِأَذْنَاهَا تُفْتَنُ ، فَلِمَ لَا تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَهَا أَنَا ذَا عَرِيْقٍ ، وَتَدْعُنِي بِاعْتِاقِي حَقِّي شُودِ كِه هِر چنْد كِم باشد ولی

نجات بخش است؟ ای پروردگار من؛ می بینی که من غرق شده ام پس چرا از غرق شدن نگاهم نمی داری؟ هکذا وَأَنَا بِنَارٍ عَرِدُوكَ حَرِيقٌ . مَوْلَايَ أَتَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ لِأَعْدَاءِكَ می بینی که با آتشی که دشمنانت افروخته است آتش گرفته ام، پس چرا مرا این گونه رها می کنی؟( مولای من؛ آیا دوستانت را جلوی دشمنانت طر آید ، وَلِمَكْرِهِمْ مَصَّاءِدٌ ، وَتَقَلُّدُهُمْ مِنْ حَسْفِهِمْ فَلَايِدٌ ، وَأَنْتَ می اندازی؟ و آن ها را گرفتار مکر و حيله شان قرار می دهی؟ و از خواری و فرومایگی آنان ، حلقه ای بر گردن ایشان می افکنی؟ در مالک نُفُوسِهِمْ ، أَنْ لَوْ قَبِضْتَهَا جَمَدُوا ، وَفِي قَبْضِيَّتِكَ مَوَادُّ حَالِي که صاحب اختیار جان همه شان تویی ، به گونه ای که اگر جان شان را بگیری جماد و بی جان می گردند؛ از طرفی مایه آنفاسِهِمْ ، أَنْ لَوْ قَطَعْتَهَا حَمَدُوا ، فَمَا يَمْتَعَكَ يَا رَبُّ أَنْ تَكْفُفَ نَفْسَ كَشِيدِنِ شَانِ در دست توست، و اگر آن را قطع کنی می میرند؛ پس - پروردگار من؛ - چه چیزی مانع جلوگیری تو بَأْسُهُمْ ، وَتَنْزِعَ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِيَأْسُهُمْ ، وَتَعَزِّيهِمْ مِنْ سَلَامِهِ از بدرفتاری آن هاست، تا لباس نگهبانی خودت را از تن شان بیرون کنی، و سلامتی را که به واسطه آن بها فی أَرْضِكَ بِشِيرَاحُونَ ، وَفِي مَعِيدَانِ الْبُعْثِيِّ عَلَى عِبَادِكَ در زمین تو می گردند از آن ها بگیری؛ همان سلامتی که به واسطه آن در میدان تجاوز و ستم بر بندگانت يَعْرِحُونَ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَذْرِ كُنِّيَ وَلَمَّا بَا تَكْبِرَ وَخودپسندی راه می روند؟! بار الها؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا دریاب تا يُدْرِكُنِي الْعَرْقُ ، وَتَدَارِكُنِي وَلَمَّا غَيَّبَ شَمْسِي السُّفْقُ ، إِلَهِي كَمْ غَرَقَ

نشده ام؛ پیش از آن که خورشید عمرم غروب شود و غروب زندگانیم فرا رسد مرا تدارک کن . خدای من؛ من خَائِفٍ إِلَيْكَ إِلَى شَيْطَانٍ فَابِ عَنهُ مَحْفُوظًا بِأَمْنٍ وَأَمَانٍ ، چه بسیار ترسان هایی که به پادشاهی پناه برده اند و با امتیت و ایمنی از پیش آن پادشاه بازگشتند؛ أَفَأَقْصَدُ يَا رَبَّ أَغْظَمَ مِنْ شَيْطَانِكَ شَيْطَانًا ، أَمْ أَوْسَعَ مِنْ پروردگار من ؛ آیا با عظمت تر از سلطنت و قدرت تو سلطانی هست که به طرف او بروم ؟ آیا از إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا ، أَمْ أَكْبَرَ مِنْ أَقْتِدَارِكَ أَقْتِدَارًا ، أَمْ أَكْرَمَ مِنْ إِحْسَانِي فِرَاقِيَرْتَرِ هَسْت ؟ أَيَا از اَقْتِدَارِ تَو اَقْتِدَارِي بَزْرَكِ تَرِ هَسْت ؟ أَيَا از اِنْبَصَارِكَ اِنْبَصَارًا ، مَا عُوذَرِي يَا إِلَهِي إِذَا خَرَفَتْ مِنْ حُسْنِ يَارِي رَسَانَدِنِ تَو يَارِي رَسَانَدِنِي كِرَامِي تَرِ هَسْت ؟ خدای من ؛ اِگر تَو كَسِي رَا كِه نَزْدَتِ اَمْدَه اَسْت از رِفْتَارِ بَزْرَكُوَارَانِه الْكِرَامَه نَائِلِكَ ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ اِمْلَكَ ، وَلَا تُزِدُ سَائِلَكَ . وَ نِيكُوِيَتِ مَحْرُومِ كِرْدَانِي دِيكِرِ مَن چِه عَذْرِي دَارَم ؟ الْبَتَّه تَو هِيچِ كِه اَرزومَنْدَتِ رَا نَامِيَدِ وَ دِرخواستِ كِنْدِه اَتِ رَا رَدِ نَمِي كِنِي . إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصَيْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنْ خَدَايِ مَن ؛ خَدَايِ مَن ؛ كَجَاسَتِ ، كَجَاسَتِ كِفَايَتِ وَ بَسَنْدَكِي تَو كِه يَارِي كِرِ مَرْدَمِ مَسْتَضْعَفِ اَسْت ؟ اَلْأَنَامِ ، وَأَيْنَ أَيْنَ عِنَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُشِيْتَهْدِفِينَ بِجَوْرِ كَجَاسَتِ ، كَجَاسَتِ عِنَايَتِ وَ تَوِجِه تَو كِه سِپَرِي نِگِهْبَانِ بَرَايِ كَسَانِي اَسْت كِه هَدَفِ جَوْرِ وَ سَتَمِ اَلْأَنَامِ ، إِلَهِي إِلَهِي بِهَا يَا رَبَّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ، اِنِّي رُوْزْكَارِ فِرَارِ مِي كِيرِنْدِ ؟ اَن رَا بَه مَن بَدَه ، اَن رَا بَه مَن بَدَه ، اِي پَرُوْرْدْكَارِ مَن ؛ از كِرُوِه

ستم پیشگان نجاتم بخش؛ واقعیت آن است که مَسْبِي الصَّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الزَّاجِمِينَ . مَوْلَايَ تَرَى تَحْتِي فِي مَنْ بِيچاره ام، و این در حالی است که تو مهربان ترین مهربانان هستی . مولای من؛ سرگردانی مرا در کارهایم می بینی، اَمْرِي ، وَتَقْلَبِي فِي ضُرِّي ، وَأَنْطَوَائِي عَلَى حُرْفَةِ قَلْبِي ، وَخِرَازِهِ وَدَسْتِ وَپَا زدن در گرفتاری و بیچارگی ام را می نگری، و قلب سوخته و آتش گرفته، و گداحتگی صِدْرِي ، فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَجِدْ لِي يَا رَبِّ سِينَةَ مَرَا شَاهِدِ هَسْتِي؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و - ای پروردگار ؛ - آن گونه که بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرْجاً وَمَخْرَجاً ، وَيَسِّرْ لِي يَا رَبِّ نَحْوَ الْبَشَرِي تو شایسته آن هستی برایم گشایشی و گریزگاهی مرحمت کن ، و - ای پروردگار من؛ - راهی روشن به شادمانی فرا رویم بگشای مَنَهْجاً ، وَاجْعَلْ يَا رَبِّ مَنْ يَنْصِبُ لِي الْجِبَالَهَ لِيَصْرَعَنِي بِهَا وَرَسِيدَنَ بِهَ آن را برایم آسان کن ، ای پروردگار؛ هر کسی برایم دامی می افکند تا با حيله اش مرا در آن بیفکند، خودش را صِرِيْعَ مَا مَكْرٌ ، وَمَنْ يَخْفِزْ لِي الْبَيْتُ لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَإِقَاعاً فِيمَا كَرِهْتَ دَامَ وَحِيلَةَ اش گردان؛ هر کس برایم چاهی می کند تا مرا در آن بیندازد، خودش را در آن چاه بینداز؛ حَفَرَ ، وَاصْرِفِ اللَّهُمَّ عَنِّي مِنْ شَرِّهِ وَمَكْرِهِ وَفَسَادِهِ وَضُرِّهِ ، مَا وَخَدَايَا ؛ شَرٌّ وَمَكْرٌ وَحِيلَةٌ وَتَبَاهِي وَضُرٌّ وَزِيَانٌ رَا از من برطرف کن، آن چنان که تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ ، وَعَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِذِي الدِّيَانِ ،

از پرهیزگاران برطرف می کنی؛ و از کسانی که خویشتن را تسلیم محض دین و مُنادِ بُنادی لِلْإِيمَانِ . إلهی عِبْدُكَ عِبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ ، و تسلیم منادی ایمان کرده است ، برطرف می کنی. خدای من؛ بنده ات؛ بنده ات؛ خواهشش را پاسخ بده، ضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرُوحَ عَمَّتَهُ ، فَقَدِ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ خَبَلٍ إِلَّا خَبْلَكَ ، ضَعِيفُكَ ، ناتوانت؛ اندوهش را برطرف کن . هر دستاویزی جز رشته اتصال تو را از دست داده است، وَتَقَلَّبَ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلُّكَ . مَوْلَايَ دَعْوَتِي هَذِهِ إِنَّ رَدَّذَنَهَا وَ جِز سایه رحمت تو هر سایه ای از سرش رفته است . مولاى من؛ اگر این خواهش و دعایم را رد کنی ، أَيْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ الْإِجَابَةِ ، وَمَخِيلَتِي هَذِهِ إِنَّ كَذَبْتَهَا أَيْنَ پَس در کجا به هدف اجابت برسد؟ این خوش گمانی مرا اگر راست مگردانی در کجا به تُلَاقِي مَوْضِعَ الْإِعَانَةِ ، فَلَاتَرُدُّ عَنْ بَابِكَ مَنْ لَا يَعْلَمُ عُيُزَهُ بَاباً ، جایگاه کمک خواهد رسید ؟ پس کسی که جز در گاه تو دری را بلد نیست ، هیچ گاه از در گاهت برمگردان ؛ وَلَا تَمْنَعْ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْلَمُ سِوَاهُ جَنَاباً .

و کسی که جز آستان حضرت تو سراغ ندارد ، از آستان سخاوت مندت محروم نفرما . سپس به سجده برو و بگو: إلهی إِنَّ وَجْهًا إِلَيْكَ فِي رَغْبَتِي تَوَجَّهَ خَلِيقٌ مَعْبُودٌ مِنْ ؛ اعتقادم بر این است، رویی که با اشتیاق به سوی تو آمده است سزاوار بَأَنْ تُجِيبَهُ ، وَإِنَّ جَبِينًا لَكَ بِإِيْتِهَالِهِ سَيَجِدُ حَقِيقًا أَنْ يَبْلُغَ مَا قَصَدَ ، پاسخ مثبت توست؛ و پیشانی که با نهایت تَضَرُّع و زاری در برابرت سجده کرده است شایسته است به نیت

و مقصودش برسد؛ وَإِنَّ خَدًّا لَدَيْكَ بِمَشِيئَتِهِ تَعَفَّرُ جَدِيرٌ أَنْ يُفَوَّزَ بِمُرَادِهِ وَيُظْفَرُ ، و گونه ای که به خاطر درخواستش، در پیشگاه تو خود را به خاک مالیده است، لایق آن است که با دست یابی به آن چه اراده کرده است کامیاب و وَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي قَدْ تَرَى تَغْفِيرَ خَدَيَّ وَاجْتِهَادِي فِي مَسْئَلَتِكَ پیروز شود؛ ای خدای من؛ این منم که می بینی گونه ام را بر خاک نهاده ام و تلاش و کوششم را برای درخواست از تو، وَجَدْتِي ، فَتَلَقَّ يَا رَبِّ رَغَبَاتِي بِرَحْمَتِكَ قَبُولًا ، وَسَيَهْلُ إِلَى بَكَارٍ بَرْدَةٍ ام . ای پروردگار من ؛ به خاطر رحمت و مهربانیت آن چه را مشتاق هستم بپذیر، و مرا با طلباتی بِرَأْفَتِكَ وَصَوْلًا ، وَدَلَّلَ قُطُوفَ ثَمَرِهِ إِجَابَتِكَ لِي تَدْلِيلًا . رأفت و مهربانی ویژه ات، به آسانی به آن چه خواستم برسان؛ و چیدن میوه اجابت را برایم فراهم گردان . إِلَهِي فَإِذَا قَامَ دُو حَاجِهِ بِحَاجَتِهِ شَفِيعًا ، فَوَجَدْتَهُ مُمْتَنِعَ النَّجَاحِ مَعْبُودِ مِنْ ؛ هنگامی که حاجت خواهی برای حاجت و خواسته اش شفيعی معرفی می کند، پس می یابی او را در حالی که رستگاریش ممتنع است سِرْهَلُ الْقِيَادِ مُطِيعًا ، فَإِنِّي أَشْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ ، وَالصَّفْوَةِ مِنْ كَسِيٍّ كَهْ بِه آسانی منقاد و مطیع می گردد ، من نیز کرامت و بزرگواریت را، و برگزیدگان از بین مردم را شفيع می گردانم ؛ أَنَامِكَ الَّذِينَ أَنشَأَتْ لَهُمْ مَا تَنْظُلُ وَتَقُلُ ، وَبَرَأَتْ مَا يَدُقُ هَمَانِ هَائِي كَهْ هِر أَنجِه سَائِه مِي أَفَكُنْد و هر چیز کوچک و بزرگ را برای شان خلق کرده ای . وَيَجِلُّ . أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوْلٍ مَنْ تَوَجَّهَتْ تَاجِ الْجَلَالِ ، وَأَخْلَلْتَهُ مِنْ بَه تَوَقَّرَب مِي جَوِيم بَه وَاسطَه أَوْل



شخصیتی که تاج شکوه مندی را بر سرش نهادهی ، و أَلْفِطْرَهُ الرُّوحَانِيَّةَ مَجْرَلِ السَّلَالَةِ ، حُجَّيْكَ فِي خَلْفِكَ ، وَأَمِينِكَ فطرت و سرشت روحانیت را برایش قرار دادی؛ یعنی حجت و دلیل آشکار تو در آفریدگانت، و امین تو علی عبادك ، مُحَمَّدٍ رُسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَبِمَنْ جَعَلْتَهُ بِرِندگانت، حضرت محمد، فرستاده ات - که درود خدا بر او و آل او باد - را شفیع گردانیدم . هم چنین شفیع خود را کسی قرار دادم لِتُورِهِ مُعْزَبًا ، وَعَنْ مَكُونِ سِتْرِهِ مُعْرَبًا ، سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَإِمَامِ كِه برای نور پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نگاه است؛ و کسی که راز پوشیده آن حضرت را به گونه ای فصیح بیان کرد؛ یعنی، سالار و سرور جانشینان، و الْأَتْقِيَاءِ ، يَغْشَوِبِ الدِّينِ ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ ، وَأَبِي الْأَيْمَةِ پيشوای پرهیزکاران، پادشاه دین، و زمامدار روسفیدان، و پدر امامان الرَّاشِدِينَ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ رشید درست کار ، حضرت علی امیر مؤمنان - که بر او درود و سلام باد - . نیز به تو تقرب می جویم به واسطه شفیع بِخَيْرِهِ الْأَخْيَارِ ، وَأُمِّ الْأَنْوَارِ ، الْأَنْبِيَاءِ الْحُورَاءِ ، أَلْبَتُولِ الْعُدْرَاءِ ، قرار دادن بهترین نیکان به اصل و اساس نورها، حوریه انسان نما، بتول پاک پاک، فاطمه الزهراء ، وَبَقَرَاتِي عَيْنِ الرُّسُولِ ، وَنَمَرَاتِي فُؤَادِ الْبَتُولِ ، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) . هم چنین با شفیع قرار دادن دو نور دیده رسول، دو میوه قلب حضرت زهراى بتول، أَلْسَيْدَيْنِ الْإِمَامَيْنِ أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ ، یعنی دو آقا و دو امام حضرت ابو محمد حسن و حضرت

ابو عبدالله امام حسین، (علیهما السلام) وَبِالسَّجَادِ زَيْنِ الْعِبَادِ، ذِي التَّنَائِبِ، رَاهِبِ الْعَرَبِ، عَلِيُّ بْنُ نِيزِ بَا شَفِيعِ قَرَارِ دَادِنِ حَضْرَتِ سَجَادِ، زِينَتِ عِبَادَتِ كُنَنْدِ گَانِ، صَاحِبِ پِینِه هَا (در سجده گاه ها)، رَاهِبِ  
در میان قوم عرب، یعنی علی بن الحسین. وَبِالْإِمَامِ الْعَالِمِ، وَالسَّيِّدِ الْحَاكِمِ، النَّجْمِ الزَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الْحَسِينِ (علیهما السلام) و نیز با امام و پیشوای دانشمند، آقای حکم کننده، ستاره درخشانده، ماه روشن و  
الْبَاهِرِ مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ، وَبِالْإِمَامِ الصَّادِقِ، مُبَيَّنِ زِيَا رُوی، مَوْلَايَ مِنْ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ إِمَامِ بَاقِرِ (علیه السلام)؛ و نیز با امام راستگو که بیان کننده المَشْكَلَاتِ، مُطَهِّرِ الْحَقَائِقِ، الْمُنْفَحِ  
بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرَسِ مَسَائِلِ مَشْكَالِ، أَشْكَارِ كُنَنَدِه حَقِيقَتِ هَا، كَسِي كِه بَا حُجَّتِ وَ دَلِيلِشِ هِر گُویِنْدِه اِي رَا سَاكَتِ وَ خَامُوشِ مِي كُنَدِ، وَ زَبَانِ كَسَانِي رَا أَلْسِنَةِ أَهْلِ الْجِدَالِ، مَسَاكِنِ الشَّقَاشِقِ مَوْلَايَ  
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ كِه بِه جِدَالِ وَ سَتِيزِه بَرْمِي خُوَاسْتِنْدِ لَالِ مِي كَرْدِ، كَسِي كِه بَهْتَرِيْنِ جَايْگَاه هَا رَا دَاشْتِ يِعْنِي حَضْرَتِ إِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ، وَبِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَالْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ، وَالنُّورِ الْأَخْوَدِيِّ،  
صَادِقِ (علیه السلام)، هَم چِنِيْنِ بَا شَفِيعِ قَرَارِ دَادِنِ إِمَامِ پَرهِيْزِ گَارِ بَاخْلَاصِ بَر گَزِيْدِه، نُورِ اِحْمَدِي، النُّورِ الْأَنْوَرِ، وَالصَّبِيَاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ، وَبِالْإِمَامِ رُوشَنِي رُوشَنِي هَا، پَر تُو دَر خَشْنَدِه، مَوْلَايِمِ  
حَضْرَتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ (علیهما السلام)؛ نِيزِ بِه وَاسِطِه إِمَامِ الْمُرتَضَى، وَالسَّيِّفِ الْمُتَنَزِّهِ، وَالرَّاضِي بِالْقَضَا مَوْلَايَ عَلِيِّ بَر گَزِيْدِه شُدِه، شَمِشِيْرِ كَشِيْدِه اَز نِيَامِ، كَسِي كِه بِه حَكْمِ وَ قَضَايِ الهِي رَاضِي اسْتِ  
يِعْنِي مَوْلَايِمِ حَضْرَتِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا، وَبِالْإِمَامِ الْأَمَّجِدِ

، وَالْبَابِ الْأَقْصَدِ ، وَالطَّرِيقِ ابْنِ مُوسَى الرضا (عليهما السلام) و نیز به واسطه امام بزرگ، بهترین باب الهی که مورد توجه و قصد و هدف است ، بهترین راه الْأَزْهَدِ ، وَالْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ ، يَثْبُوحُ الْحَكْمِ ، وَيَضْبِاحُ الظُّلْمِ ، سَيِّدِ به سوی رشد و کمال و هدایت، دانشمند مورد تأیید ، سرچشمه حکمت ها ، چراغ تاریکی ها، آقا و سرور الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ ، الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ ، وَالْمَوْفِقِي بِالتَّأْيِيدِ وَالسَّدَادِ عرب و عجم، هدایت کننده به سوی راه درست، و کسی که با تأیید و موفقیت و راستی و استواری زندگی کرد مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ ، وَيَأْتِيهِ مِنَ الْجَبَّارِ ، وَوَالِدِ يَعْنِي مَوْلَايِمِ حضرت محمد بن علی الجواد (علیه السلام) ، نیز با شفیع قرار دادن امام بزرگوار، هدیه الهی، پدر الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُؤَلَّودِ بِالْعَشِيرَةِ ، الَّذِي حَذَرَ أَمَامَانَ پاك، حضرت علی بن محمد که در لشکرگاه دشمن به دنیا آمد، و بِمَوَاعِظِهِ وَأَنْذَرَ ، وَيَأْتِيهِ مِنَ الْمُنْتَرَةِ عَنِ الْمَائِمِ ، الْمَطْهَرِ مِنْ بَا پند و اندرزهای خود بیم داد و ترسانید؛ نیز به واسطه امام منزه و پاک از بدی ها، به دور از الْمُظَالِمِ ، الْجَبْرِ الْعَالِمِ ، رَبِيعِ الْأَنَامِ ، وَبَدْرِ الظُّلَامِ ، النَّقِيِّ ستم ها، دانشمند کامل، بهار دل مردمان، ماه روشنی بخش تاریکی ها، پرهیزگار پاکیزه الطَّاهِرِ الزُّكِيِّ ، مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَمِيرِيِّ ، پاك خالص، مولايم حضرت امام ابو محمد حسن بن علی عسکری؛ به سوی تو نزدیک می شوم و تقرب می جویم. وَأَنْقَرَبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيظِ الْعَلِيمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ، هم چنین، به واسطه کسی که او را نگهبان و دانای گنجینه ها

و پنهانی های زمین خود قرار دادی، وَالْأَبِ الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَكَتُهُ أَرْمَةُ الْبَشِطِ وَالْقَبِيضِ، صاحبِ و او را پدری مهربان قرار دادی و زمام هر گشایش و بستگی را در اختیارش گذاشتی؛ صاحبِ التَّقِيهِ الْمَيْمُونِ، وَقَاصِبِ الشَّجَرِ الْمَلْعُونِ، مُكَلِّمِ النَّاسِ فِي بِيْشَوَابِي وَ رِيَّاسْتِ مَبَارَكِ، برکننده درخت لعنت شده (بنی امیه)، سَخْنِ گوی در الْمَهْدِ، وَالذَّالَّ عَلَى مَنَاجِ الرُّشْدِ، الْعَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ، گهواره با مردمان، راهنما به راه روشن کمال و درستی، پنهان از دیدگان، الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، الْعَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، کسی که همیشه در شهرها حضور دارد ولی از چشم مردم پنهان می باشد، لیکن در اندیشه ها حضور دارد، بَعِيَةِ الْأَخْيَارِ، الْوَارِثِ لِذِي الْفَقَارِ، الَّذِي يَطْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي بَاقِي مانده نیکوکاران، ارث برنده ذوالفقار، که در خانه خدا - که صاحبِ الْأَشْيَارِ، الْعَالِمِ الْمُطَهَّرِ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمُ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ پرده ها است - ظهور می فرماید، دانشمند پاک و پاکیزه، حضرت محمد فرزند حسن، که بر تمام آن بزرگواران برترین و أَعْظَمُ الْبِرَّكَاتِ، وَأَتَمُّ الصَّلَوَاتِ. اللَّهُمَّ فَهَوْلَاءِ مَعَاقِلِي إِلَيْكَ وَبِافْضِيلَتِ تَرْتِيبِ بَرَكَاتِهَا وَتَحِيَّتِهَا وَكَمَالِ تَرْتِيبِ دَرُودِهَا نَارِ بَادِ. بار خدایا؛ این عزیزان پناهگاه و وسیله فی طَلِبَاتِي وَوَسَائِلِي، فَضَّلْ عَلَيْهِمْ صِلْوَةَ لَا يَغْرُفُ سِوَاكَ مِنْ بَرَاءِ عَرَضِ دَرُودِهَا هَيْمِ دَرُودِ نَارِشَانِ كُنْ كَمَا مَقْدَارِهَا بِرَاجِزِ تَوْنِدَانِ، مَقَادِيرِهَا، وَلَا يَبْلُغُ كَثِيرُ هِمِّ الْخَلَائِقِ صَغِيرَهَا، وَكُنْ لِي بِهِمْ وَهَرِجَةً مَرْدَمِ بَاهِمَّتِهَا بِأَلَا تَلَّاشُ كُنْتَ تَوَانِدُ بِهَ كَوَاجِكِ تَرْتِيبِ مَقْدَارِ دَرُودِهَا بِرَسَنْدِ. از طرفی نیز به واسطه ایشان عِنْدَ

أَحْسِنِ ظَنِّي ، وَحَقِّقْ لِي بِمَقَادِيرِكَ نَهْيَتَهُ التَّمَنَّى . إِلَهِي لَا نِيكَ تَرِينِ گمان هایم را برآورده، و آرزوهایم را محقق گردان . خدای من ؛ رُكُنْ لِي أَشَدُّ مِنْكَ ، فَأَوِي إِلَيْ رُكْنٍ سَدِيدٍ ، وَلَا قَوْلَ لِي أَسَدُ رُكْنٍ وَ  
پایه و جایگاهی محکم تر از تو ندارم، پس به این پایگاه و جایگاه محکم پناهنده می شوم؛ گفتاری نیک تر و استوارتر مِنْ دُعَايِكَ ، فَأَسْتَظْهِرُكَ بِقَوْلِ سَدِيدٍ ، وَلَا سُفْيَعٍ لِي إِلَيْكَ أَوْجُهُ از خواندن تو ندارم  
. پس با بهترین گفتار از تو کمک می جویم؛ و شفیع و واسطه ای آبرومندتر مِنْ هَوْلَائِكَ فَاتِيكَ بِشَفِيعٍ وَدِيدٍ ، وَقَدْ أَوْيْتُ إِلَيْكَ ، وَعَوَّلْتُ فِيْ از این بزرگواران (محمد و آل محمد علیهم السلام) ندارم، پس  
با واسطه ای دوست داشتنی نزدت می آیم؛ حال به سوی تو پناه آورده ام، و قَضَاءَ خَوَائِجِي عَلَيْكَ ، وَدَعْوَتَكَ كَمَا أَمَرْتَ ، فَأَسْتَجِيبُ لِي كَمَا بَرَأْتَنِي خَوَاسْتَهُ هَايِمَ بِه تَوَاعُظَهُ كَرِهْتَنِي ، وَهَمَانِ  
گونه که دستور داده ای تو را خواندم؛ پس دعایم را نیز طبق وَعَدْتَنِي ، فَهَلْ يَبْقَى يَا رَبِّ عَزَّيْزٌ أَنْ تُجِيبَ وَتَرْحَمَ مِنِّي الْبِكَاءِ وَعَدْتَنِي بِبَاسِخٍ مُثَبَّتٍ بَدَه . ای پروردگار من؛ آیا با این شرایط، جز پاسخ گویی به  
خواست من و جز رحم کردن به گریه و ناله های جانسوز من، کار وَالنَّجِيبِ . يَا مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ ، يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا ، دِيْگَرِي بَاقِي مَآئِدَهُ اسْتَأْذِنْتُ؟ ای کسی که جز او معبود پرستش شونده ای  
نیست؛ ای کسی که پاسخ شخص درمانده که او را می خواند ، می دهد ؛ يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ ، يَا رَاحِمَ عَتْرَةِ يَعْقُوبَ ، إِغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي ، ای کسی که بیماری و

گرفتاری حضرت ایوب را برطرف فرمود؛ ای کسی که به اشک های چشم یعقوب پیامبر رحم کرد؛ مرا ببخش و به من رحم و انصاف کنی عَلَي الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ، وَأَفْتِيحِ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ، كن، و مرا بر گروه کافران یاری ده؛ و برایم پیروزی عنایت فرما که تو بهترین پیروزکنندگان هستی. وَالطُّفُّ بِي يَا رَبِّ وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، يَا ذَا الْقُوَّةِ ای پروردگار من؛ به من لطف و مرحمت کن، و به تمام مردان و زنان مؤمن نیز لطف فرما. ای صاحب نیروی ائمتین ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، محکم. با رحمت و مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان؛ و تمام ستایش ها اختصاص به خداوند - پروردگار جهانیان - دارد . وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَالِإِلَهِ الطَّاهِرِينَ . (۲۲)

و درود خداوند بر سرور و سید ما حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیامبر خدا و خاندان پاکش نثار باد .

.....(Anotates).....

(۱)

(۲) بحار الأنوار : ۲۵۹/۹۵ ، مهج الدعوات : ۱۶۱ .

(۳) دار السلام : ۱۲/۲ .

(۴)

(۵)

(۶)

(۷) بحار الأنوار : ۲۴۰/۹۵ ، مهج الدعوات : ۱۳۷) با تفاوت اندک .

(۸)

(۹)

(۱۰) البلد الأمين : ۹۷ ، مصباح المتهجد : ۲۲۷ .

(۱۱) کمال الدین : ۴۷۰ ، البحار : ۱۵۷/۹۵ ، الصحيفة الصادقيه : ۳۶۳ ، دلائل الإمامه : ۵۴۳ ، الجئنه الواقیه والجئنه الباقیه (مخطوط : ۳۰ .

(۱۲) الجئنه الواقیه ، منسوب به میر داماد ( چاپ سنگی ، قطع جیبی ( : گفتنی است که برخی می گویند : این کتاب از تألیفات مرحوم کفعمی است ، ولی علامه مجلسی رحمه الله در نسبت این کتاب به شیخ کفعمی رحمه الله تردید نموده ، و در

«بحار الأنوار: ۱۷/۱» می گوید: کتاب «الْحَجَّةُ الْوَأَقِيه» تألیف بعضی از متأخرین است، و چه بسا به شیخ کفعمی رحمه الله نسبت داده شده است، و مولا افندی نیز در «الریاض: ۲۳/۱» در نسبت این کتاب به کفعمی رحمه الله تردید کرده است. (المقام الأسنی: ۱۳).

(۱۳) سوره غافر، آیه ۶۰.

(۱۴) سوره بقره، آیه ۱۸۶.

(۱۵) سوره زمر، آیه ۵۳.

(۱۶) کمال الدین: ۴۷۰.

(۱۷)

(۱۸)

(۱۹) کمال الدین: ۴۷۱.

(۲۰) جَنَّهُ الْمَأْوَى: ۲۲۱.

(۲۱) از علامه حلی رحمه الله نقل کردیم که دعای عبرات مربوط به مولای مان حضرت امام صادق علیه السلام است و امام عصر صلوات الله علیه به سید رضی الدین آوی رحمه الله دستور قرائت آن را داد. البته برخی از بزرگان گمان کرده اند که این دعا را از ابتدا، حضرت مهدی ارواحنا فداه فرموده اند.

(۲۲) البلد الأمين: ۴۶۱.

### بخش یازدهم: زیارت نواب امام زمان علیه السلام

#### اشاره

نایبان امام زمان ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری چهار نفر بودند که به ترتیب عبارتند از: ۱- ابو عمرو عثمان بن سعید بن عمرو عَقری اسدی، ۲- پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عَقری، ۳- جناب ابو القاسم حسین بن روح بن ابو بحر نوبختی، ۴- جناب ابو الحسن علی بن محمد سمری (۱).

این بزرگواران، نایبان امام عصر ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری بودند. تمام نامه ها و دستورات آن حضرت به واسطه ایشان و با دست ایشان به شیعیان می رسید. پس از آن زمان، غیبت کبری پیش آمد.

### زیارت نواب امام زمان ارواحنا فداه

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «تهذیب الأحکام» و سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر» آورده اند : مستحب است زیارت کردن نایبان خاص و بزرگوار حضرت مهدی ارواحنا فداه را به زیارتی که به جناب حسین بن روح قدس سره منسوب است .

بدین صورت که کنار قبر مطهر جناب عثمان بن سعید قدس سره ایستاده و بگوئیم :

اَلسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰی اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ بِنِ سَلَامٍ بَرِ رَسُوْلِ خَدَا ؛ سَلَامٌ بَرِ اَمِيْرٍ وَ فَرْمَانِرَوَايِ مُؤْمِنَانِ ، حَضْرَتِ عَلِيٍّ بِنِ اَبِي طَالِبٍ ، اَلسَّلَامُ عَلٰی خَدِيْجَةَ الْكُبْرٰى ، اَلسَّلَامُ عَلٰى فَاطِمَةَ اَبِي طَالِبٍ ؛ سَلَامٌ بَرِ حَضْرَتِ خَدِيْجَةَ ، بَرِ رُكْنِيْنَ زَن ؛ سَلَامٌ بَرِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى الْحَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى الْحُسَيْنِ بِنِ زَهْرَا ؛ سَلَامٌ بَرِ اَمَامِ حَسَنِ فَرَزَنْدِ حَضْرَتِ عَلِيٍّ ؛ سَلَامٌ بَرِ اَمَامِ حَسِيْنِ ، فَرَزَنْدِ عَلِيٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدِ بِنِ حَضْرَتِ عَلِيٍّ ؛ سَلَامٌ بَرِ عَلِيٍّ بِنِ الْحَسِيْنِ (اَمَامِ سَجَادِ) ، سَلَامٌ بَرِ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ (اَمَامِ بَاقِرِ) ، عَلِيٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى جَعْفَرِ بِنِ مُحَمَّدٍ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى مُوسٰى بِنِ سَلَامٍ بَرِ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ (اَمَامِ رَضَا) ، سَلَامٌ بَرِ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ (اَمَامِ جَوَادِ) ، عَلِيٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى عَلِيٍّ بِنِ مُحَمَّدٍ ، اَلسَّلَامُ عَلٰى الْحَسَنِ بِنِ سَلَامٍ بَرِ عَلِيٍّ بِنِ مُحَمَّدٍ (اَمَامِ هَادِي) ، سَلَامٌ بَرِ حَسَنِ بِنِ



علی (امام عسکری) ؛ عَلِيُّ ، السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُهَدِيِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ ، سلام بر مُحَمَّد بن حسن ، حضرت مهدی صاحب عصر و زمان (عليهم السلام) . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمُؤَلَى ، أَذِيَّتْ سَلام بر تو ای عثمان بن سعید ؛ گواهی می دهم که تو باب و راه رسیدن به مولای مان هستی ؛ پیغام ها را از او به دیگران ، عَنْهُ وَأَذِيَّتْ إِلَيْهِ ، ما خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتْ عَلَيْهِ ، قُمْتْ خَاصِيًا ، و از دیگران به او رسانیدی ؛ نه با او مخالفت کردی و نه کسی را علیه او به مخالفت برانگیختی ؛ بپا خاستی در حالی که اولین نایب خاص بودی وَأَنْصِرَفْتْ سَابِقًا ، چشمت عاریفاً بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْتْ عَلَيْهِ ، وَأَنَّكَ ما و از دنیا رفتی در حالی که بر همه (از نظر عقیده) سبقت گرفتی . در حالی خدمت شرفیاب شده ام که حَقِّی را که تو بر آن هستی می شناسم ، وَخُنْتُ فِي التَّأْدِيَةِ وَالسَّفَاوَةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ بَابِ مَا أَوْسَعَكَ ، زیارت نایب اول ...

می دانم که در ادای رسالت و انجام وظیفه سفیربودن هیچ خیانتی انجام نداده ای . سلام بر تو ای در رحمتی که بسیار گسترش داشتی ؛ وَمِنْ سِرْفِيرِ مَا امْنَكَ ، وَمِنْ تَقِيهِ مَا امْكُنَكَ ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ وای سفیری که بسیار امانت دار و مورد اعتماد بودی؛ وای مورد اطمینانی که قدرتت بسیار بالا بود. گواهی می دهم که خداوند اَخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتَّى عَائِنْتَ الشَّخْصَ ، فَأَذِيَّتْ عَنْهُ وَأَذِيَّتْ إِلَيْهِ . تو را به نورش اختصاص داد تا آن که شخص مبارک حضرتش را با چشم دیدی،

و بدین سان پیغام ها را از او به دیگران و از دیگران به او رسانیدی . سپس بر پیامبر و امامان علیهم السلام تا امام زمان ارواحنا فداه دوباره سلام می دهی و می گویی :

جَنَّكَ مُخْلِصًا بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُؤَالَاهُ وَأَوْلِيَآئِهِ ، وَالْبِرَّآءَهُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ بِاِیْگانه دانستن خالصانه خداوند و دوستی و موالات خالصانه اولیای الهی ، و بیزاری از دشمنانشان وَمِنْ الَّذِينَ خَالَفُوكَ ، يَا حُجَّجَ الْمَوْلَى ، وَبِكَ اللَّهُمَّ تَوَجَّهِي ، و بیزاری از کسانی که با تو مخالفت کردند، خدمتت شرفیاب شدم. ای دلیل و حجت مولا امام زمان بر ما؛ بارالها؛ تنها به تو روی آورده و توجیه دارم، وَبِهِمْ إِلَيْكَ تَوَسَّلِي .

و تنها به واسطه این بزرگواران به سوی تو توسل می جویم .

پس از آن ، هر دعایی که می خواهی بخوان و حاجت و خواسته ات را از خدای تعالی بخواه .

آن گاه دیگر نایبان بزرگوار را نیز همین گونه زیارت کن ، و تنها به جای اسم «عثمان بن سعید» ، نام همان نایبی را که زیارت می کنی بگو .(۲)

## ۲ زیارت نایب اول

جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید : در یکی از نسخه های کهن از تألیفات عالمان بزرگوار شیعه که مورد اعتماد می باشند ، زیارتی برای مولای مان جناب عثمان بن سعید عَمْرِي اسدی قدس سره دیدم که این گونه است :

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ ، النَّاصِحُ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَوْلِيَآئِهِ ، سلام بر تو ، ای بنده شایسته که خیرخواهی برای خدا ، رسولش و اولیایش کردی ؛ الْمُجِدُّ فِي خِدْمَتِهِ مُلُوكُ الْخَلَائِقِ ، أَمْنَاءُ اللَّهِ وَأَصْرَفِيآئِهِ ، السَّلَامُ به طور جدی و فعال ، در خدمت پادشاهان حقیقی مخلوقات

، یعنی امینان خداوند و برگزیدگانش بودی؛ عَلَيْكَ أَئْتِهَا الْبَابُ الْأَعْظَمُ ، وَالصَّرَاطُ الْأَقْوَمُ ، وَالْوَلِيُّ الْأَكْرَمُ ، سلام بر تو ای بزرگ ترین باب و واسطه ، و ای راه بسیار استوار ، و ای ولی و سرپرست بسیار بزرگوار . السَّلَامُ عَلَيْكَ أَئْتِهَا الْمَتْوَجُّ بِالْأَنْوَارِ الْإِمَامِيَّةِ ، الْمُنْتَهِي بِالسَّلَامِ عَلَى كَسِي كَسِي تاجی از نورهای امامیه بر سر داری ؛ کسی که پوشیده شده ای بِالْجَلَابِيبِ الْمَهْدِيَّةِ ، الْمَخْصُوصِ بِالْأَشْرَارِ الْأَخْمَدِيَّةِ ، وَالشُّهْبِ بِهَ بَوشش های مهدویت ؛ کسی که اختصاص یافتی به اسرار احمدی و ستاره های درخشان الْعَلَوِيَّةِ ، وَالْمَوَالِدِ الْفَاطِمِيَّةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُوَّةَ الْعَيْونِ ، علوی ، و فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام ؛ سلام بر تو ای نور دیدگان وَالسَّرَّ الْمَكْنُونِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرْجَ الْقُلُوبِ ، وَنَهَائِيَّةَ وَرَازِ پنهان ؛ سلام بر تو ای راحتی دل ها و گشایش دهنده قلب ها ، و نهایت الْمَطْلُوبِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَمْسَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَرُكْنَ الْأَشْيَاعِ خواهش ها و خواسته ها ؛ سلام بر تو ای خورشید مؤمنان ، و تکیه گاه شیعیان الْمُتَقَطِّعِينَ ، السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ الْأَيْتَامِ ، وَعَمِيدِ الْجَحَاجِحِ راه گم کرده و دور از امام ، سلام بر سرپرست یتیمان (آل محمد علیهم السلام) ، و مورد اعتماد سروران الْكِرَامِ ، السَّلَامُ عَلَى الْوَسِيلَةِ إِلَى سَيِّرَةِ اللَّهِ فِي الْخَلَائِقِ ، وَخَلِيفَةِ بزرگوار ؛ سلام بر وسیله و واسطه دسترسی به سِرِّ الهی که در بین مردم است ؛ و جانشین وَلِيِّ اللَّهِ الْفَاتِحِ الرَّائِقِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَائِبَ قَوَامِ الْإِسْلَامِ ، وَلِيَّ خِدا که به رتق و فتق امور شیعیان و مردم می پردازد . سلام بر تو ای نایب

کسی که پایداری اسلام به واسطه اوست ، وَبِهَاءِ الْأَيَّامِ ، وَحُجَّهِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْعَلَمِ عَلَى الْخَاصِّ وَالْعَامِّ ، و روشنی و درخشندگی ایام است ؛ و حجت خداوند - که صاحب مُلْک و ملکوت و بسیار دانا است - بر همه مردم از خواص و عوام ؛ الْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ، وَالنُّورِ الزَّاهِرِ ، وَالْمَجْدِ الْبَاهِرِ همان کسی که حلال و حرام را از هم جدا می کند ، و روشنی تابان ، و شکوه زیبا و درخشان ، فی كُلِّ مَوْقِفٍ وَمَقَامٍ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ بَيْتِهِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَيْرِهِ در هر جایگاه و توقف گاه است ؛ سلام بر تو ای ولی و نماینده باقی مانده پیامبران و برگزیده إله السَّمَاءِ ، الْمَخْتَصَّ بِأَعْلَى مَرَاتِبِ الْمُلْكِ الْعَظِيمِ ، الْمُنْجِي مِنْ خُدَايَ آسْمَانٍ ؛ که بلندترین مرتبه ها در هستی اختصاص به او دارد ؛ باعث نجات همگان از متالیف الْعَطَبِ الْعَمِيمِ ، ذِي اللُّوَاءِ الْمُتَّصِرِ ، وَالْعَلَمِ الْمُنْشُورِ ، حوادثِ هَلَاكَتِ بَارِ فِرَاغِيرِ و همه گیر اوست ؛ دارای بیرق پیروز ، و پرچم افراشته الْعِلْمِ الْمَشْتُورِ ، وَالْمَحْجَةِ الْعَظْمَى ، وَالْحَجَّةِ الْكُبْرَى ، سِلَالَه و دانش پنهان ، و طریقه و راه و روش بزرگ مرتبه ، و دلیل و برهانی والا ، و از نسل سروران الْمُقَدَّسِينَ ، وَدُرِّيَّةِ الْمُرْسَلِينَ ، وَابْنِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَبَهْجَةِ پاك و از فرزندان فرستادگان الهی ، و فرزند آخرین و ارجمندترین پیامبر ، و نشاط و شادمانی الْعَابِدِينَ ، وَرُكْنِ الْمُؤَحَّدِينَ ، وَوَارِثِ الْخَيْرِهِ الظَّاهِرِينَ ، صَلِي پرستش گران ، و تکیه گاه یکتاپرستان ، و ارث برنده از بهترین پاکان است . درود پیوسته اللَّهُ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا تَنْفَدُ وَإِنْ نَفَدَ الدَّهْرُ

، وَلَا تَحُولُ وَإِنْ حَالَ إِلَهِي بِرِأْسَانِ؛ درودی که پایان نپذیرد ، گرچه روزگار پایان یابد ؛ درودی که دگرگون نشود گرچه الزمَنُ وَالْعَصِيرُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِدُّمُ بَيْنَ يَدَيْ سُؤَالِي ، أَلْبِغْتَرَا فِ زَمَانٍ وَعَصْرٍ دَغْرَ گُونِ گَرْدَدِ . بَارِهَا ؛ من بیش از عرض حال و درخواستم به پیشگاه مقدس تو ، لَكَ بِالْوَحِيدِ إِلَهِي ، وَلِ مُحَمَّدٍ بِالنَّبِيِّ ، وَلِعَلِّي بِالْإِمَامَةِ ، وَلِتَدْرِيْتَهُمَا اعْتِرَافِ خُودِ بِي كَانِكِي تُو رَا ؛ و نیز اعتراف به پیامبر بودن حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم ، امامت حضرت علی علیه السلام ، و بِالْعِزْمَةِ وَفَوْضِ الطَّاعَةِ ، وَبِهَذَا الْوَلِيِّ الرَّشِيدِ ، وَالْمَوْلَى عَصَمْتِ دَاشْتِنِ وَوَاجِبِ الْإِطَاعَةِ بُوْدِنِ نَسْلِ پَاكِ اَيْنِ دُو بَزْرَ گَوَارِ رَا تَقْدِيمِ وَپِشْكَشِ مِي كَنَمِ . وَ هَمْچِنِینِ بِي اَيْنِ سِرْپَرَسْتِ وَ نَمَايِنْدِه رَا يافته و اَيْنِ السَّدِيدِ ، أَبِي مُحَمَّدٍ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِالسُّفَاعَةِ مَوْلَايَ بَانِثَاتِ وَ اسْتِقَامَتِ يَعْنِي جَنَابِ اَبُو مُحَمَّدِ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، بِه سَبَبِ شَفَاعَتِ اُو بِي سُوِي خَدَاوَنْدِ تُوَسَّلِ مِي جُوِيْمِ . إِلَيْهِ ، لِيَسْتَفْعَ إِلَى شَفَاعَتِي ، وَأَهْلِ مَوْدَتِهِ وَخُلَصَائِهِ ، أَنْ تَا شَفَاعَتِ كَنْدِ نَزْدِ شَفِيعَانِشِ وَ اَنْ هَا كِه مَوْدَتِ وَ دُوَسْتِي اَيْشَانِ رَا دَارَنْدِ وَ خُودِ رَا دَرِ رَا اَنَانِ خَالِصِ نَمُوْدِه اَنْدِ كِه يَشْتَقِدُونِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ مَرَا اَزِ نَاخُوشِ آيَنْدِهَائِي دُنْيَا وَ آخِرَتِ نَجَاتِ بَخْشَنْدِ . بَارِهَا ؛ من به واسطه بَعِيدِكَ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ بِنْدِهِ خُوبَتِ جَنَابِ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، بِه تُو مَتُوَسَّلِ مِي شُومِ ؛ وَ اُو رَا پِشْپَايِشِ حَوَائِجِمِ مَقْدَمِ مِي دَارَمِ كِه عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ

وَشَيْعِيَّهِ وَأَوْلِيَآئِهِ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي الْحُوبَ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ شَيْعِيَانِ وَ دُوسْتَانِشَانِ دَرُودِ فَرَسْتِي ، وَ گَنَاهَانِ وَ اشْتِبَاهَاتِمِ رَا بِيخَشِي ، وَالْخَطَايَا ، وَنَشْتُرْ عَلَيَّ الرَّزْلَ وَ السَّيِّئَاتِ ، وَتَزِدْنِي السَّلَامَةَ وَ لِعِزِّهِ هَا وَ زَشْتِي هَا رَا بِرِ مِنْ بِيوشَانِي ، وَ سَالِمِ مَانْدَنِ مِنَ الرِّزَايَا . فَكُنْ لِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ شَافِعاً نَافِعاً ، وَرُكْنًا مَنِيْعاً اَزِ مَصِيْبَتِ هَا رَا نَصِيْمِ گَرْدَانِي . بَدِيْنِ سَانِ ، اِي وَلِيَّ خُدَا ؛ وَاسْطَهٗ گَرِي سُوْدَمَنْدِ ، وَ تَكِيَهٗ گَاهِي مَحْكَمِ دَافِعاً ، فَقَدْ اَلْفَيْتُ اِلَيْكَ بِالْاَمَالِ ، وَوَيْثِقْتُ مِنْكَ بِتَخْفِيْفِ الْاَثْقَالِ ، وَ مَدَافِعِ بَرَايِ مِنْ بَاشِ ؛ مِي دَانِي كِهٖ بَا اَرْزُوهَائِي فَرَاوَانِ نَزْدَتِ اَمْدَهٗ اَمِ ، وَ اطمِيْنَانِ دَارِمِ كِهٖ سَنگِيْنِي گَنَاهَانِ مَرَا كَمِ مِي كِنِي ، وَفَرَعْتُ بِكَ يَا سَيِّدِي بَابِ الْحَاجَةِ ، وَرَجَوْتُ مِنْكَ جَمِيْلَ وَ بَهٗ وَاسْطَهٗ تُو اَقْدَامِ بَهٗ كُوْبِيْدِنِ دَرِبِ حَاجَتِ كَرْدَهٗ اَمِ ، وَ اَزِ تُو اَمِيْدِ بَهْتَرِيْنِ سِيْفَاْرَتِكِ ، وَحُضُوْلِ الْفَلَاحِ بِمَقَامِ غِيَاْبِ اَعْتِمِدُ عَلَيْهِ وَ اَفْضَلُ اِلَيْهِ ، بِيْغَامِ رَسَانِي رَا دَارِمِ ، وَ اَمِيْدُوَارِمِ بَهٗ وَاسْطَهٗ شَمَا رَسْتگَارِي حَاصِلِ كَنْمِ بَهٗ جَايگَاهِ دَاْدَرَسِي كِهٖ بَهٗ اُو اَعْتِمَادِ دَارِمِ وَ بَهٗ قَصْدِ دَسْتِيَابِي بَهٗ وَ اَطْرَحُ نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْهِ ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ . اُو نَزْدِ شَمَا اَمْدَهٗ اَمِ ، وَ جَانِمِ رَا پِيْشِ رُوِيْشِ بِيْفِكْنَمِ . سَلَامِ وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ خُدَاوَنْدِ نَثَارَتِ بَادِ . نَمَازِ بَرَايِ وَ سَعْتِ رِزْقِ ...

سپس ، نماز زیارت را به جای آورده و به او و دیگر کسانی که در نیابت با او شریک بوده اند هدیه کن ، درود خدا بر همه آنان باد . سپس در حالی که رو به روی ایشان می باشی ، با آن بزرگوار

**۳ نماز برای وسعت رزق که جناب محمد بن عثمان قدس سره نقل شده است**

مبشر بن عبدالعزیز روایت کرده و می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که یکی از شیعیان وارد شد و عرض کرد: قربانت شوم، من فقیر و نیازمندم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

منتظر باش، تا روز چهارشنبه فرا رسد؛ آن روز را و روز پنجشنبه و جمعه را که بعد از آن است روزه بگیر. هنگام ظهر روز جمعه، بر بالای پشت بامت یا به دشت و صحرا برو و به گونه ای که هیچ کس تو را نبیند رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را زیارت کن، آن گاه در همان جا دو رکعت نماز به جای آور. سپس بر دو زانویت بنشین و آن ها را بر زمین بچسبان و در حالی که رو به قبله هستی دست راست را بالای دست چپت رو به آسمان بالا ببر و بگو:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْتَ، اِنْتَقَطَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ، وَخَابَتِ الْاُمَالُ اِلَّا فِيْكَ، خدایا؛ تو، تویی؛ امید، جز از تو بریده شد؛ و آرزوها، جز در مورد تو ناکام گشت؛ یا ثِقَّةَ مَنْ لَا ثِقَّةَ لَهُ، لَا ثِقَّةَ لِيْ غَيْرُكَ، اِجْعَلْ لِيْ مِنْ اَمْرِيْ فَرَجًا اَي تَنهَا مَوْرِدَ اِطْمِيْنَانٍ كَسِيْ كَه هِيْجِ شَخْصٍ مَوْرِدَ اِطْمِيْنَانِيْ نَدَارِدُ؛ مَنْ نِيْزِ هِيْجِ شَخْصٍ مَوْرِدَ اِعْتِمَادِيْ جِزْ تُو نَدَارِمُ؛ دَر كَارِمِ رَا حَتِيْ وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِيْ مِنْ حَيْثُ اَخْتَسِبُ، وَمِنْ حَيْثُ لَا اَخْتَسِبُ. و گشایش و گریزگاهی قرار بده و از جایی که گمان می برم و حتی از جایی که گمان نیز نمی برم به من روزی و

نصیب برسان . سپس روی زمین سجده کن و بگو: یا مُعِثُ، اِجْعَلْ لِي رِزْقًا مِنْ فَضْلِكَ.

ای فریادرس ؛ برای من روزی و نصیبی از فضلت قرار ده .

پس خورشید روز شنبه طلوع نخواهد کرد مگر با رزق و روزی تازه ای که برایت فراهم شده باشد .

احمد بن مابنداذ - راوی این حدیث - می گوید : به ابو جعفر جناب محمد بن عثمان بن سعید عَمَری قدس سره عرض کردم : اگر کسی بخواهد این نماز و دعای درخواست رزق را بخواند و در شهر مدینه نباشد ، باید چه کند ؟

فرمود : آقا و سرورمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را در حرم امامی که در شهر و سرزمین خودش است در قسمت بالای سر آن امام زیارت کند .

عرض کردم : اگر در شهر خودش قبر هیچ یک از امامان نباشد ، چه کند ؟

فرمود : بعضی از مؤمنان نیکوکار و شایسته را زیارت کند ، و سپس به صحرا برود ، و در قسمت راست صحرا دستوری را که در روایت آمده است اجرا کند ؛ ان شاء الله این کار باعث رستگاری و کامیابی او خواهد بود . (۴)

### ۴ دعای مهم ...

دعای مهم

که جناب محمد بن عثمان قدس سره آن را بسیار عظیم و بارزش دانسته است

این دعا را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امام باقر و امام صادق علیهما السلام می خوانده اند ، دعای حاضر را به جناب ابو جعفر محمد بن عثمان قدس سره عرضه کردند ، فرمود : دعایی مانند این دعا وجود ندارد و خواندن این دعا ، از بارزش ترین عبادت هاست .

دعا این است :

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ وَاَنَا



عَبْدُكَ ، اَمْنْتُ بِكَ مُخْلِصاً لَكَ عَلَى عَهْدِكَ بَارَالِهَا ؛ تو پروردگار من هستی ، و من بنده توام ؛ مخلصانه به تو ایمان آوردم ، و در حدّ توام و تا آنجا که وَوَعْدِكَ مَا امْتِطَعْتُ ، اَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ سُوءِ عَمَلِي ، وَأَشْتَفِيكَ تَوَانِسْتَهُ ام بر عهد و پیمانی که با تو دارم هستم ؛ از بدرفتاری هایم توبه کرده و به سوی تو باز می گردم ، لِتَدْنُو بِي الَّتِي لَا يَغْفُرُهَا غَيْرُكَ ، أَصْبَحَ ذُلِّي مُشْتَجِيراً بِعُزَّتِكَ ، و در مورد گناهانم که جز تو بخشنده ای برای آن ها وجود ندارد ، از تو طلب بخشش می کنم . ضعف و ذلّت من پناهنده به عزّت و قدرت تو گردیده ، ۱ . مصباح المتهدّج : ۳۲۹ ، البلد الأمين : ۴۷۵ .

وَأَصْبَحَ فَفَرَى مُشْتَجِيراً بِغَنَاكَ ، وَأَصْبَحَ جَهْلِي مُشْتَجِيراً وَبِرْطَفِ شَدْنِ نِازِمٍ بِبِي نِازِي تُو پناه آوردم ، و نادانی خود را با آویختن بِحِلْمِكَ ، وَأَصْبَحْتُ فَلَهُ حِيلَتِي مُشْتَجِيراً بِقُدْرَتِكَ . وَأَصْبَحَ بِه حِلْمٍ وَبِرْدَابَرِي تُو جَبْرَانِي مِي كَنَم ، وَبِجَارِغِي خُود رَا بِپَنَاهِ آوَرْدَن بَه قَدْرَتِ تُو بِرْطَرَفِي مِي كَنَم . خَوْفِي مُشْتَجِيراً بِأَمَانِكَ ، وَأَصْبَحَ دَائِي مُشْتَجِيراً بِدَوَائِكَ ، تَرْسَم بَه دَامَانِ اَمَانٍ وَ اَمْنِيَّتِ تُو پَنَاهِ آوَرْدَه ، دَرْدَم بَه دَوَائِي تُو پَنَاهِ آوَرْدَه اَسْت ؛ وَأَصْبَحَ سِرْمِي مُشْتَجِيراً بِشِفَائِكَ ، وَأَصْبَحَ حَيْبِي مُشْتَجِيراً بِبِمَارِيْمِ دَر پَنَاهِ شِفَائِي تُو اَمْدَه ، اَز هَلَاكَتِ وَ نَابُودِي اَم دَسْت بَه دَامَانِ بِقَضَائِكَ ، وَأَصْبَحَ صَغْفِي مُشْتَجِيراً بِقُوَّتِكَ ، وَأَصْبَحَ ذُنْبِي قَضَائِي تُو شَدَه اَم ، نَا تَوَانِي مَن اَز نِيْرُوِي تُو كَمَكِ مِي جُوِيْد ، وَ گَنَاهَانِمِ مُشْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ ، وَأَصْبَحَ وَجْهِي الْفَائِي الْبَالِي مُشْتَجِيراً دَر پِي

بخشش تواند ، و رخسار نابودشدنی و کهنه شونده ام بوجهک الباى الدائم الذى لا ینبى ولا یفنى . یا مَنْ لا یواریه به روى مبارک و همیشگی و پایدار تو که فنا و کهنگی در آن نیست پناهنده شده است .  
ای کسی که پنهان نمی کند لیل داج ، ولا سیماء ذات ابراج ، ولا حجب ذات ارجاج ( ، شب تاریک از او چیزی را ، و نه آسمان پر از برج ها ) مجموعه ستارگان ( ، و نه حجاب های پیوسته ولا ماء  
تجاج فی فعر بحر عجاج ، یا دافع الشطوات ، یا کاشف و نه آب های ریزان در ژرفای دریا . ای کسی که چیرگی دشمنان را برطرف می کند، ای کسی که الکوبات ، یا منزل البرکات من فوق سیرع  
سماوات . أشالک یا اندوه ها را برطرف می کند ، ای کسی که برکت ها را از بالای هفت آسمان می فرستد ، ای فتاح یا نفاخ یا مؤتاج ، یا مَنْ ینیده خزائن کُل مفتاح ، أن بسیار گشایش گر ؛ ای بسیار  
نعمت دهنده ؛ ای راحتی ؛ ای کسی که گنجینه های تمام کلیدها در دست توست ؛ تُصلی علی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ ، وَأَنْ تُفْتَحَ از تو در خواست می کنم بر محمد و آل محمد - که پاک و  
پاکیزه اند - درود بفرستی و لی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَنْ تَحْجِبَ عَنِّي فَتَنَةَ الْمُؤَكَّلِ بِي ، از خیر و خوشی دنیا و آخرت برایم گشایش کنی ، و هر فتنه ای را که دامنگیر من شده است برداری وَ لا تُسَلِّطْهُ  
عَلَيَّ فَيَهْلِكُنِي ، وَ لا تُكَلِّمَنِي إِلى أَحَدٍ طَرْفَةَ عَيْنٍ و بر من مسلطش نکنی که نابودم کند ؛ و حتی

يك چشم بر هم زدن مرا به كسى (جز خودت) وامگذارى ؛ فَبِعِجْزِ عَتَى ، وَلَا تَنْخِرْ مِنِّي الْجَنَّةَ ، وَازْحَمْنِي وَتَوَفَّنِي مُسْلِمًا ، زيرا نمى تواند برايم كارى بكند . مرا از بهشت محروم مساز ، و به من رحم كن ، و مرا مسلمان بميران ، وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ، وَأَكْفِنِي بِالْحَلَالِ عَنِ الْخُرَامِ ، وَبِالطَّيِّبِ وَبِهِ صَالِحَانِ وَشَائِسْتِغَانِ مَلْحَقِ كُنْ ، و به سبب حلال از حرام و به سبب پاكى عن الخبيث يا أرحم الراحمين . أَللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَىٰ نَاطِقِي نِياز گردان و كفايت كن ، اى مهربان ترين مهربانان . بارخدايا ؛ دل ها را بر اساس إِرَادَتِكَ ، وَفَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَىٰ مَعْرِفَتِكَ ، فَتَمَلَّمْتُ الْإِفْدَهُ مِنْ أَرَادَةِ خُودَتِ آفَرِيدِي ، و عقل ها را با شناخت خودت به وجود آوردى ؛ بدین سان ، دل ها از مَخَافَتِكَ ، وَصَيْرَ خَيْتِ الْقُلُوبِ بِالْوَلِيهِ ، وَتَقَاصِيرَ وَشُعْ قَدْرِ الْعُقُولِ ترس تو ناآرام گردید ، و قلب ها صدا و فریاد در دادند كه حیران تواند ، و توان عقل ها عَنِ النَّشَاءِ عَلَيْكَ ، وَأَنْقَطَعَتِ الْأَلْفَاظُ عَنْ مِقْدَارِ مَحَابِبَتِكَ ، در ثناگویی تو كم شد ، و كلمات تمام شدند و نتوانستند اندازه خوبی هایت را دریابند ، وَ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ إِحْصَاءِ نِعْمِكَ ، فَإِذَا وَلَجَتْ بِطُرُقِ الْبُحْثِ عَنْ زَبَانِهَا از شمارش نعمت هایت خسته شدند و هر گاه خواستند به هر شكلی صفات تو را بازگو کنند نَعْيِكَ بَهْرَتِهَا خَيْرُهُ الْعَجْزُ عَنْ إِدْرَاكِ وَصْفِكَ . فَهِيَ تَتَرَدَّدُ فِي دَرِ نَاتَوَانِي از درك صفات تو حیرت زده شدند . پس آن دچار تردید شد در التَّقْصِيرِ عَنْ مُجَاوَزِهِ مَا حَدَّدَتْ لَهَا ، إِذْ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَتَجَاوَزَ مَا كُوتَاهِي

کردن نسبت به گذشتن از حد مجازی که برایش تعیین کردی ؛ چرا که حق ندارد از حد مجازی که به او امرت‌ها، فَهَيِّ بِالْإِقْتِدَارِ عَلَيَّ مَا مَكَّنْتَهَا تَحْمَدُكَ بِمَا أَنْهَيْتَ إِلَيْهَا، فرمان داده ای عبور کرده و بگذرد، و آن قدرت دارد طبق آنچه به او توانایی داده ای تو را ستایش کند به مقداری که به او نیرو رسانیده ای، وَاللَّسُنُ مُتَّبِعَةٌ بِمَا تَمَلِي عَلَيْهَا، وَلَكَ عَلَيَّ كُلِّ مَنْ أَسِيَّتْغَبَّدَتْ زَبَانُهَا تَا جَابِي كِه تُو بَرَايِ شَان اَمَلَا كَرْدِي گُویَا هِسْتَنْد . بَدِين جِهْتِ حَقِّ تُو بَر تَمَامِ مِنْ خَلْقِكَ أَلَّا يَمْلُؤُوا مِنْ حَمْدِكَ ، وَإِنَّ قَصِيرَتِ الْمُحَامِدِ عَنْ آفَرِيْدَه هَايِي كِه بَايْدِ تُو رَا بِيْرَسْتَنْدِ آن اَسْتِ كِه اَز سْتَايِشِ تُو خِسْتَه وَ اَفْسَرْدَه نَشُونْد ؛ بَا اَيْنِ كِه هَر چِه تُو رَا بَسْتَايَنْدِ شُكْرِكَ عَلَيَّ مَا أَسِيْدَيْتَ إِلَيْهَا مِنْ نِعْمَتِكَ . فَحَيِّدَكَ بِمَبْلَغِ طَاقِهِ وَ سِيَّاسِ كِذَارَنْدِ ، بَا ز هَم سْتَايِشِ هَا دَر مَقَابِلِ نَعْمَتِ هَايْتِ نَارَسَا اَسْتِ . پَس سْتَايِشْگِرَانِ بَه اَنْدَازَه تُوَانِ جُهِدِيْهِمْ) الْحَامِدُونَ ، وَاعْتَصَمَ بَرَجَاءِ عَفْوِكَ الْمُعْضِرُونَ ، وَ كُوشِشِ خُودِ تُو رَا سْتَايِشِ كَرْدَنْدِ ، وَ مَقْضِيْرَانِ بَه رِشْتَه عَفْوِ وَ بَخْشِشِ تُو چَنْگِ زْدَنْدِ ، وَأَوْجَسَ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ الْحَائِفُونَ ، وَقَصَدَ بِالرُّعْبِيَّةِ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ ، وَ تَرَسْنَاكَانِ اَز مَقَامِ رُبُوبِيَّتِ تُو لِرَزَانْدِ ، وَ اَنْ هَا كِه دَر جِسْتَجُوِي تُوَانْدِ بَا اَشْتِيَاقِ بَه دَر گَاهْتِ مِي شْتَابَنْدِ ؛ وَ اَنْتَسَبَ اِلَى فَضْلِكَ الْمُخْسِنُونَ ، وَ كُلُّ يَتَنَفِّئًا فِي ظِلَالِ تَأْمِيلِ وَ نِيكُو كَارَانِ ، مَنَّسَبِ بَه فَضْلِ وَ فَرْوَنْ بَخْشِي تُوَانْدِ ؛ هَمْگِي نِيْز دَر سَايَه اَرْزُوِي عَفْوِكَ ، وَ يَنْضَا تَلُّ بِالذَّلِّ لِحَزْفِكَ ، وَ يَعْتَرِفُ بِالْتَّقْصِيْرِ فِي عَفْوَتِ نَشِسْتَه اَنْدِ ، وَ دَر هِرَاسِ اَز تُوَانْدِ ، وَ بَه كُوتَا هِي

در سپاس تو اعتراف دارند . شُكْرِكَ . فَلَمْ يَمْنَعِيكَ صِدْقُ مَنْ صَدَفَ عَنْ طَاعَتِكَ ، وَلَا- آن ها كه از فرمان برداریت رو گردان اند ، یا به عَكُوفُ مَنْ عَكَفَ عَلَى مَعْصِيَتِكَ أَنْ أَشْبَعَتْ عَلَيْهِمُ النَّعْمَ ، نافرمانیت مشغول اند ، تو را مانع نشد و باز نداشت از این كه نعمت هایت را بر ایشان سرازیر كنی ، وَأَجْرَلْتُ لَهُمُ الْقِسْمَ ، وَصَرَفْتُ عَنْهُمْ النَّعْمَ ، وَخَوَّفْتَهُمْ عَوَاقِبَ وَنَصِيبَ وَ قِسْمَتِ ایشان را فراوان گردانی ؛ و بلاها و مصیبت ها را از آن ها بگردانی ، و از عاقبت و آینده كه دچار ندامت النَّدَمِ ، وَضَاعَفْتُ لِمَنْ أَحْسَنَ ، وَأَوْجَبْتُ عَلَى الْمُحْسِنِينَ شُكْرًا وَ پشیمانی می شوند بترسانی ، و برای کسی كه نیکی كند چند برابر پاداش دهی . بر نیکوکاران لازم كردی كه شكر و سپاس تو را در برابر تَوْفِيقِكَ لِلْإِحْسَانِ ، وَعَلَى الْمُسِيءِ شُكْرًا تَعْطِفُكَ بِالْإِثْتِنَانِ ، توفیق نیکوکاری به جای آورند ، و بر بدکاران نیز واجب كردی تا شُكْرًا و سپاس تو را به خاطر مهربانی و مَنّت نهادنت به جای آورند ؛ وَوَعَدْتُ مُحْسِنَهُمْ بِالزِّيَادَةِ فِي الْإِحْسَانِ مِنْكَ . فَسُبْحَانَكَ الْبَيْتَ بِهِ نِكَوکاران نیز وعده دادی احسان و نیکی خود را به ایشان - در برابر سپاس شان - افزون گردانی . ای خدای سبحان ؛ تو چه قدر منزّه و تُثِيبُ عَلَى مَا يَدُوهُ مِنْكَ ، وَأَنْتِ سَابُغُ إِلَيْكَ ، وَالْقُوَّةُ عَلَيْهِ بِكَ ، بی عیبی؛ چون، پاداشی كه می دهی در ازای چیزی است كه آغازش از ناحیه تو است، و همه می دانند از جانب توست، و توان انجام آن را نیز وَالْإِحْسَانُ فِيهِ مِنْكَ ، وَالْتَوَكُّلُ فِي التَّوْفِيقِ لَهُ عَلَيْكَ ،



، وَأَشْرَبَهَا نَبِيَّكَ هَا ، وَنَزَلَ بِرَكَتِهَا ، وَفَزَوْنِي قَسَمْتِهَا وَسَهْمِهَا ، وَرِيْزِش وَفِرَاوَانِي لِلنَّعْمِ ، وَأَشْتَرَهَا لِلْعُيُوبِ ، وَأَغْفَرَهَا لِلذُّنُوبِ ، إِنَّكَ قَرِيبٌ نِعْمَتِهَا ، وَبُوشِشِ عَيْبِهَا ، وَبَخْشِشِ گناهانِ گَرَدَدِ .  
همانا تو نزدیک و مُجِيبٌ . فَضْلٌ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَصِيَّةٌ مَوْثِقَةٌ مِنْ بَرِّيَّتِكَ ، پَاسِخِ دهنده هستی . پس بر بهترین آفریده ات ، و برگزیده زبده مخلوقات ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ بِأَفْضَلِ الصَّلَوَاتِ ،  
وَبَارِكٌ عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ أَمِينِ وَحْيِ خُودِ ، بَرْتَرِينِ وَارْزِشْمَنْدْتَرِينِ دَرُودِهَا رَا بفرست و به او به برترین برکت ها التبركات ، بِمَا بَلَغَ عَنْكَ مِنَ الرِّسَالَاتِ ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ ، وَدَعَا بِرَكَتِ بَدَه ؛ آن گونه که او نیز  
رسالت ها و پیغام های تو را رساند ، و دستورت را آشکار کرد ، و به سوی تو فرا خواند ، إِلَيْكَ ، وَأَفْصَحَ بِالذَّلَائِلِ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ الْمُبِينِ ، حَتَّى آتَاهُ التَّيْقِينُ ، وَبِه طُورِ رُوشَنِ وَفَصحِ وَگُویَا بَه آنجه حَقِّ وَ  
آشکار است به دلیل آوردن بر وجود تو پرداخت ؛ تا آن که مرگ به سراغش آمد . وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْأَوَّلِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ، خدا در ابتدایان بر او درود فرستد ، و در آئندگان نیز بر او  
درود فرستد ، وَعَلَى إِيهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَاخْلَفُهُ فِيهِمْ بِأَحْسَنِ مَا خَلَفَتْ وَبِر آلِ وَاهل بیت پاکش نیز درود فرستد ، وَبِه بَهْتَرِينِ چِزِي كِه جايگزين كردی بِه أَحَدًا مِنَ الْمُرْسَلِينَ بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .  
اللَّهُمَّ لَكَ بِهِ آن چيز يكي از رسولات را ، در مورد

ایشان جایگزین کن ؛ ای مهربان ترین مهربانان . بار الها ؛ تو إراداتٌ لا تُعارضُ دُونَ بُلوغِهَا العَيايَةُ ، قَدِ انْقَطَعَ مُعَارَضَتُهَا اراده هایی داری که به طور حتم به مقصد و هدف نهایی خواهند رسید و کسی را یارای درگیری با اراده تو نیست . بِعَجْزِ الْإِشْتِطَاعَاتِ عَنِ الرُّدِّ لَهَا دُونَ النِّهَايَةِ ، فَأَيُّهُ إِرَادَةٌ اِگر به رویارویی و درگیری اراده تو نیز بیانند ناتوان می شوند و به طور حتم به مقصود کامل خودت می رسی . پس هر اراده ای که جَعَلَتْهَا إِرَادَةً لِعَمُوكَ ، وَسَيِّباً لِنَيْلِ فَضْلِكَ ، وَاسْتِثْنَاءً لِخَيْرِكَ ، برای بخشش کرده ای، و هر سببی که برای رسیدن به فضلت قرار داده ای، و هر چیزی را که باعث فرود آمدن خیرات و برکات است؛ فَضْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ، وَصَلَمَ عَلَيْهَا اللَّهُمَّ بِدَوَامٍ ، بر محمد و اهل بیت محمد درود بفرست ، و آن ها را به جاودانگی متصل فرما ، وَأَبْدًا هَا بِتَمَامٍ ، إِنَّكَ وَاسِعُ الْجَبَاءِ ، كَرِيمُ الْعَطَاءِ ، مُجِيبُ الدُّعَاءِ و به طور کامل آغاز گردان ؛ همانا تو دارای بخشش فراگیر ، عطای کریمانه ، پاسخ دهنده به ندا سَمِيعُ الدُّعَاءِ . (۵)

و شنونده خوبی برای دعا هستی .

### ۵ دعای سمات که نایب دوم جناب محمد بن عثمان قدس سره روایت شده است

دعای سمات که از نایب دوم ...

محمد بن علی می گوید : در مجلس جناب محمد بن عثمان بن سعید عَمْرِي رحمه الله حضور داشتیم ، ایشان بعد از کلماتی که ذکر کردند فرمودند :

ابو عمرو محمد بن سعید به من خبر داد ، و او از محمد بن اسلم و او از محمد بن سنان و ایشان از مَفْضَل بن عمر جَعْفِي ، و آن بزرگوار از امام صادق علیه





حاج میرزا حسن نجل امین الواعظین اردبیلی برای من تعریف کرد و گفت: در سال هزار و سیصد و چهل و سه مشاهده مقدّسه عراق را زیارت کردم، تنها آرزوی من و مهم ترین حاجتم در این مشاهده مقدّسه، تشرف به خدمت حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه بود.

در کاظمین (علیهما السلام) مشرف بدم و طبق برنامه ای که داشتم روزهای جمعه غسل می کردم و وارد حرم مطهر می شدم و بعد از اداء نماز ظهر و عصر اعمال و مستحبات وارده روز جمعه را انجام می دادم و تا وقت نماز مغرب و عشاء در حرم می ماندم، سپس از حرم مطهر بیرون می آمدم.

روز جمعه ای به حرم مطهر مشرف شدم، بالا سر مطهر حضرت جواد علیه السلام نشسته و مشغول قرائت شدم تا آن که وقت دعای سمات - ساعت آخر روز - فرا رسید، ازدحام جمعیت به جهت درک ثواب آن ساعت زیاد شد، از زیادی جمعیت جا بر من تنگ شد و از طرفی زمان کمی تا غروب مانده بود، با عجله مشغول خواندن دعای سمات شدم.

ناگاه متوجه شدم که شخص درشت اندام زیارویی در کنار من نشسته، او عمامه سفیدی به سر بسته و محاسن سیاهی داشت، قامتی معتدل و لباس و محاسنی معمولی داشت و بر گونه راستش خالی بود؛ من دعا می خواندم و او گوش می کرد و عباراتی را که من غلط می خواندم تصحیح می نمود.

از آن جمله چون این عبارت را خواندم: «وإذا دعیت بها علی العسر للیسر تیسرت»، فرمود: چرا فعل را مؤنث می خوانی

در صورتی که فاعل مؤنث نیست ؟

گفتم : به جهت رعایت مجانست با افعال ما قبل و ما بعد آن ؛ زیرا که افعال در آن ها مؤنث آمده است .

فرمود: این مطلب غلط است ، البتّه منظور من از این کلام ایراد به تو نبود ، فقط خواستم بدانی ، چون تو از اهل علم هستی .

من از او به خاطر این مطلب تشکر نمودم ، هنگامی که از جا برخاست ، در دلم افتاد که بینم این آقا با این اوصاف کیست؟ و چگونه در اینجا نشست با این که از زیادی جمعیت کنار من جایی نبود ، دعا را ترک کرده و برخاستم ، به دنبال او رفتم تا او را بشناسم ؟ و با جدّیت تمام او را جستجو نموده ولی پیدا نکردم .

با حالت تأسّف نشستم و بقیه دعا را با اشک های جاری و ناله تمام کردم ، پس از آن هرگاه این قضیه به یادم می افتاد آه می کشیدم .

به وطنم بازگشتم و این قضیه را فراموش کردم . سه سال گذشت شبی در عالم خواب دیدم که مشرف به حرم مطهر کاظمین علیهما السلام شده ام ، حضرت جوادعلیه السلام نشسته است، و آن حضرت گندم گون است، من از آن حضرت پیرامون مسائل مشکله سؤال می کردم که برخی از آن ها را فراموش کرده ام .

از مسائلی که به یادم مانده این است که از حضرتش پرسیدم :

من همیشه در مشاهد مشرفه از خدای تعالی می خواستم و به شما و نیاکان شما - ائمه طاهرين عليهم السلام - متوسل می شدم رَوِّدَا دُعِيَّتَ بِهٖ عَلَيَّ الْأَقْوَابِ لِلنُّشُورِ اُنْتَشَرَتْ ، وَإِذَا دُعِيَّتَ بِهٖ و اگر برای

برانگیخته شدن مردگان، با آن خوانده شوی، مردگان برانگیخته می شوند؛ و اگر علی کَشَفِ الْبَاسَاءِ وَالصَّرَاءِ انْكَشَمَتْ ، وَبِجَلَالِ نُورِ وَجْهِكَ برای برطرف شدن سختی و بلا و رنج به آن اسم خوانده شوی، برطرف شود . و خدایا ؛ تو را به واسطه نور چهره الْكَرِيمِ الْاَكْرَمِ الْوُجُوهِ ، وَاَعَزُّ الْوُجُوهِ ، الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ ، بزرگوارانه ات که با کرامت ترین رخسارها، و عَزَّتْ مندترین آنهاست می خوانم؛ همان روی مبارکی که همه روها و همه آبروداران در برابرش وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْخَوَارِ وَفروتند ، و گردن ها در مقابلش خم شده اند، و همه صداها در برابر او به لرزه افتاده اند ، و الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ دَلَّهَا مِنْ تَرَسِ تُو در هراسند. و به واسطه قدرتت و نیرو و توانت از تو درخواست می کنم؛ نیرویی که با آن آسمان را از افتادن عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَتُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ، بر روی زمین نگه داشته ای - و این تنها با اذن تو خواهد شد - و آسمان ها و زمین را از نابودی نگه داشتی، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا وَبِوَاسِطَةِ مَشِيَّتِكَ وَخَوَاسِطِ تُو از تو درخواست می کنم؛ همان مشیبتی که جهانیان در مقابلش پای بند هستند؛ و نیز تو را می خوانم به واسطه السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ ، کلمه ات که آسمان ها و زمین را به وسیله آن آفریدی؛ و به حکمتی که با آن چیزهای شگفت انگیز را ساختی، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا ، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا ، وَخَلَقْتَ

و تاریکی را آفریدی و آن را شب قرار دادی، و شب را مایه آرامش قرار دادی؛ ط که به دیدار ولی منتظرش سلام الله علیه نائل شوم، ولی دعای من مستجاب نشد.

حضرت فرمود: نه، چنین نیست بلکه تاکنون دو مرتبه آن امام را دیده ای: یک مرتبه در راه سامراء، مرتبه دوم موقعی بود که در حرم کاظمین علیهما السلام در بالای سر نشسته بودی، و دعای سمات می خواندی، شخصی با اوصافی که در یادت هست، کنار تو نشسته بود، تو فقره ای از دعا را چنین خواندی: «وإذا دعیت به علی العسر لیسر تیسرت»، او ایراد گرفت و اشکال کرد، و فرمود: چرا فعل را مؤنث می خوانی در صورتی که فاعل مؤنث نیست؟ او امام زمان تو بود. این را فرمود و من از خواب بیدار شدم.

(العبری الحسن، المسک الأذفر: ۱۲۰/۱)

بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَاراً، وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُوراً مُبِصِراً، وَخَلَقْتَ وَبِأَن رُشْنِي رَا آفْرِيْدَه، وَ أْن رَا رُوْز قْرَار دَادِي، وَ رُوْز رَا هَنْگَام جَنْب وَ جُوْش بَه هَمْرَاه بِيْنَايِي قْرَار دَادِي؛ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ وَبِأَن خُورْشِيْد رَا بَه وَجُوْد آوْرَدَه وَ أْن رَا رُوْشْنِي بَخْش سَاخْتِي؛ وَ بَا أْن مَاه رَا آفْرِيْدِي وَ أْن رَا الْقَمَرَ نُوراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكُوكَبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً وَبُرُوجاً، رُوْشْنِي شَب قْرَار دَادِي؛ وَ بَا أْن سْتَار گَان رَا خَلْق كَرْدِي وَ أْن هَا رَا اخْتِرَان تَابَان وَ بَرَج هَاي آسْمَان وَمَصَابِيْح وَزِيْنَه وَرُجُوماً لِلشَّيْطَانِيْنَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَ جِرَاغ هَا، وَ

زینت بخش ، و برای راندن شیطان ها قرار دادی. و برای آن مشرق ها و مغارب ، و جعلت لها مطالع و مجاری ، و جعلت لها فلکاً و مغرب ها، و محل های طلوع و محل های جریان قرار دادی ، و برای آن محور و مدار حرکت و محل گردش و مسایخ ، و قدرتها فی السماء منازل فأخسنت تقدیرها ، و شناوری قرار دادی . و در آسمان برای آنها جایگاه مقرر فرمودی و اندازه اش را نیکو قرار دادی ، و صوّرتها فأخسنت تصویرها ، و أخصیتها بأسمائك إحصاءً ، و صورت بخشیدی، و نیکو صورت نگاری کردی؛ و با نام هایت به شماره در آوردی، و دبرتها بحکمتک تدبیراً فأخسنت تدبیرها ، و سخرتها بسطان و با حکمت تدبیر نمودی پس به خوبی تدبیر فرمودی، و تحت سلطه اللیل و سلطان النهار و الساعات ، و عید السنین و الجساب ، شب و روز و ساعت ها و شماره سال ها و حساب آن ها را مسخر نمودی ؛ و جعلت رؤیتها لجميع الناس مرأی واحداً . و أسألتك اللهم و دیدن آن ها را برای تمام مردم، یکسان کردی . بار الها ؛ از تو به واسطه بجزیدک الذي کلفت به عیدک و رسولک موسی بن عمران علیه شکوهت درخواست می کنم؛ همان که بدان وسیله با بنده و فرستاده ات حضرت موسی پسر عمران السلام فی المقدمین ، فوق احساس الکروبیین ، فوق غمائم - سلام بر او باد - سخن گفتی در میان قدسیان، بالاتر از آن چه کزویانت قادر به درک آن باشند؛ بالاتر از ابرهای النور ، فوق تائوت الشهاده فی عمود النار ، و فی طور سیناء ، نور و روشنی، بالاتر از صندوق گواهی در ستون آتش؛ و در طور و صحرای سینا، و فی جبل حوریت

فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ ، فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ وَدٍ كَوْهٍ حَوْرِيثٍ ، فِي سِرْزَمِينَ مُقَدَّسٍ ، وَ فِي بَقْعَةِ اِي مَبَارَكِ فِي جَانِبِ الطُّورِ الْاَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ ، وَ فِي اَرْضِ مِصْرَ يَتَشِعُّ اِيَاتِ جَانِبِ رَاسِ كَوْهٍ طُورٍ ، اِزْ دَرِخْتِ مَخْصُوصٍ ؛ وَ فِي سِرْزَمِينَ مِصْرٍ ، بِاَنْهَ اِيَهٗ بَيْنَاتٍ ، وَ يَوْمَ فَرَقْتَا لِيْنِي اِسْرَائِيْلَ الْبَحْرَ ، وَ فِي الْمُنْبِجَسَاتِ وَ نَشَانِهٖ اَشْكَارٍ . وَ هَمْجَنِينَ ( فِي رَوْزِيْ كِهٖ دَرِيَا رَا بَرَا بِنِي اِسْرَائِيْلِ شِكَاْفَتِيْ ؛ وَ نِيْزِ دَرِ چِشْمِهٖ هَايِ جُوشَانِ الْاَنْبِيَايِ الْعَجَائِبِ فِي بَحْرِ سُوفٍ ، وَ عَقَدَتْ مَاءَ الْبَحْرِ كِهٖ بَا اَنْ شِكْفَتِيْ هَا رَا بِهٖ وَجُودِ اَوْرَدِيْ دَرِ دَرِيَايِ سُوْفٍ ، وَ اَبِ دَرِيَا رَا فِي قَلْبِ الْعَمْرِ كَالْحِجَارَةِ ، وَ جَاوَزْتَ بِنِي اِسْرَائِيْلَ الْبَحْرَ ، دَرِ زُرْفَايِ اَقْيَانُوسِ هَمْجُونِ سَنَگِ مَنْجَمَدِ كَرْدِيْ ؛ وَ بِنِي اِسْرَائِيْلِ رَا اِزْ دَرِيَا كِذْرَانَدِيْ ، وَ تَمَسَّتْ كَلِمَتُكَ الْحَشِيْنِيْ عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوْا ، وَ اَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ وَ نَعْمَتِ نِيْكَوِيْتِ رَا بَرِ اَنْاَنْ تَمَامٍ وَ كَامَلِ كَرْدِيْ ، بِهٖ دَلِيْلِ اِيْنِ كِهٖ شَكِيْبَايِيْ وَرَزِيْدَنْدِ . وَ شَرْقِ الْاَرْضِ وَ مَعَارِبِهَا الَّتِيْ بَارَكْتَ فِيْهَا لِلْعَالَمِيْنَ ، وَ اَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَ غَرَبِ جِهَانِ رَا كِهٖ مُوجِبِ بَرَكْتِ بَرَا بِنِي اِسْرَائِيْلِ قَرَارِ دَاوَدِ بُوْدِيْ بِهٖ اِيْشَانِ بِهٖ اِرْثِ رَسَانَدِيْ ، وَ فِرْعَوْنَ وَ جُوْدَةَ وَ مَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ ، وَ بَاشِيْحِكَ الْعَظِيْمِ الْمَآعْظِمِ وَ سِبَاهِشِ رَا بَا مَرْكَبِ هَايِ سُوَاْرِيْ شَانِ دَرِ دَرِيَا غَرَقِ كَرْدِيْ . )خُدَايَا؛ ( وَ بَا اَنْ اِسْمِ بَزْرَگِ ، بَزْرَگِ تَرِ ، بَزْرَگِ تَرِ الْاَعْظَمِ ، الْاَعَزُّ الْاَجَلُّ الْاَكْرَمُ ، وَ بِمَعِيْدِكَ الْاَدِي تَجَلِيَّتْ بِهٖ بَزْرَگِ تَرِ اِزْ هَرِ چِيْزِ ، كِهٖ عَزَّتْ مَنْدَتَرِ ، شَكُوَهٗ مَنْدَتَرِ ، گَرَامِيْ تَرِ اِزْ هَرِ چِيْزِ اِسْتِ ، اِزْ تُو دَرِخُوسْتِ مِيْ كَنَمَ ؛ وَ نِيْزِ بِهٖ وَاسِطَهٗ شَكُوَهٗ لِمُوسَى كَلِيْمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سِيْنَاءَ ، وَ لِاِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ وَ بَزْرَگُوَارِيْتِ كِهٖ بَا اَنْ بَرَا

موسی هم گفتارت - که سلام بر او باد - در طور (صحرای سینا تجلی کردی؛ و برای ابراهیم که دوست عَلَیْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلِ فِی مَسْجِدِ الْخَنِيفِ ، وَلِإِسْحَاقَ صَفِيكَ وَيُزَه ات بود، - سلام بر او باد - از پیش تر، در مسجد خیف تجلی فرمودی؛ و برای برگزیده ات اسحاق عَلَیْهِ السَّلَامُ فِی بَثْرِ شَيْعٍ، وَلِيعْقُوبَ نَبِيكَ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِی بَيْتِ - سلام بر او باد - در چاه شیع جلوه نمودی؛ و برای پیامبرت حضرت یعقوب - سلام بر او باد - در خانه ایل، وَأَوْفَيْتَ إِبْرَاهِيمَ عَلَیْهِ السَّلَامُ بِمِثَاقِكَ ، وَلِإِسْحَاقَ عَلَیْهِ ایل متجلی گشتی؛ و وفا نمودی پیمانت را برای ابراهیم - سلام بر او باد - السَّلَامُ بِحَلْفِكَ ، وَلِيعْقُوبَ بَشَاهَدَتِكَ ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ ، و سوگندت را برای اسحاق - سلام بر او باد - و گواهی خود را برای یعقوب، و وعده ات را برای مؤمنان، وَلِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَأَجَبْتَ ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ و اجابت خود را برای دعا کنندگان با نام هایت . و نیز به واسطه شکوهت که برای موسی پسر عمران عَلَیْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الرُّمَانَ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَيَّ عِمْرَانَ - سلام بر او باد - بر روی گنبد رمان (عبادتگاهش) ظهور کرد؛ و به واسطه آیات و نشانه هایت اَرْضَ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْعَلْبِيَّةِ، بِآيَاتِ عَزِيْزِهِ، وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ، که در سرزمین مصر با شکوه تمام و عزت مندی و برتری و چیرگی واقع شد؛ با آیاتی عزت مند، و قدرت و سلطه ای توان مند، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ ، وَبِسَائِنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ و عَزَّتِي تَوَانًا، و مقام کلمه کامل، و به واسطه کلمات که



بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، بِرِاسْمَانِيَانِ وَزَمِينِيَانِ وَاهْلِ دُنْيَا وَآخِرَتِ تَفَضَّلَ فَرَمُودِي ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَبِاسْرِيْطَاعَتِكَ وَبِهِ وَاسْطَه رَحْمَتِيْ كِه بِرِ  
تَمَامِ مَخْلُوقَاتِ مَنْتِ نِهَادِيْ ، وَبِهِ وَاسْطَه تَوَانِيْبِيْ اِتِ الَّتِي اَقَمْتِ بِهَا عَلَى الْعَالَمِيْنَ ، وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدَّخَرَ مِنْ فَرْعِهِ كِه بِاِ آنِ تَمَامِ جِهَانِيَانِ رَا بِرَا دَاشْتِه اِيْ ، وَبِهِ وَاسْطَه نُوْرِيْ كِه طُوْرُ سَيِّئَاةٍ ، وَبِعِلْمِكَ  
وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَايِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ صَحْرَايِ سِيْنَا اَزِ تَرَسَشِ فِرُوْرِيْحَتِ ، وَبِهِ وَاسْطَه دَانَشِ وَجَلَالِ وَكِبْرِيَايِيْ وَعِزَّتِ مَنْدِيْ وَتَسَلَّطَتِ الَّتِي لَمْ تَشْتَقِلْهَا الْاَرْضُ ، وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَاوَاتُ ، وَانْزَجَرَ كِه  
زَمِيْنَ تَوَانَشِ رَا نَدَاشْتِ ، وَاسْمَانِ هَا بِرَايِ اِيْ فِرُوْتَنِيْ كَرْدِ ، وَلَهَا الْعُمُقُ الْاَكْبَرُ ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَالْاَنْهَارُ ، وَخَضَعَتْ لَهَا زُرْفَايِ بَزْرُگِ رَا نَدِهْ شُدِ ، وَدَرِيَا هَا وَرُودِهَا رَا كَدِ مَانَدَنْدِ ، وَالْجِبَالُ ، وَسَيِّكَنْتْ لَهَا  
الْاَرْضُ يَمْنَاكِيْجَهَا ، وَاسْتَشِيْلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُوه هَا رَا مِ گَرْدِيْدَنْدِ ، وَزَمِيْنَ بَا كِرَانِه هَايَشِ اَرَامِ گَرَفْتِ ، وَتَمَامِ اَفْرِيْدِگَانِ تَسْلِيْمِ اِيْ شَدَنْدِ ، كُلُّهَا ، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيَّاحُ فِيْ جَزْيَانِهَا ، وَخَيَّدَتْ لَهَا النَّيْرَانُ فِيْ وَ  
جَرِيَانِ وَزَشِ بَادِهَا بِهَمِ رِيْحَتِ ، وَآتَشِ هَا دَرِ جَايِگَاهِ هَايَشَانِ خَامُوشِ گَشْتَنْدِ ؛ اَوْطَانِهَا ، وَبِشِيْلْطَانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِه الْعَلْبَةُ دَهْرُ الدُّهُوْرِ ، وَنِيْزِ بِهِ وَاسْطَه سَلْطَه وَپَادِشَاهِيْتِ كِه غَلْبَه وَچِيْرگِيْتِ بِرِ تَمَامِ  
رُوزگَارَانِ بَا اِيْ شَنَاخْتِه مِيْ شُودِ ، وَحُمِيْدَتْ بِه فِيْ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِيْنَ ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَه الصِّدْقِ وَبِهِ وَسِيْلَه اِيْ دَرِ اسْمَانِ هَا وَزَمِيْنَ هَا سَتَايَشِ شُدِيْ ؛ وَنِيْزِ تُوْرَا بِهِ وَاسْطَه كَلِمَه اِتِ هَمَانِ كَلِمَه رَا سْتِيْ الَّتِي  
سَبَقَتْ لِاِيْنَا اِدَمِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ . وَأَسْأَلُكَ كَهَ بَرَى پدَرْمَان آدَم - كَه سَلَام بَرِ اَو بَاد - وَ نَسَلِش بِا رَحْمَتِ بِيَشِي گَرَفْت ، بِكَلِمَتِكَ الَّتِي عَلَّمْت كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي تَجَلَّى بِهٍ وَ بِهِ اَسْطَه كَلِمَه اَت كَه بَر هِر چيز پيروز شد وَ سَلَطَه يَافْت ؛ وَ بِهِ اَسْطَه نُورِ رِخْسَارَتِ كَه بَا اَن بَر كُوه تَجَلَّى فَرْمُودِي لِجَبَلِ فَجَعَلْتُهُ ذِكَاً وَخَرَّ مُوسَى صَبَعًا ، وَبِمَجْدِكَ الَّتِي طَهَّرْتَ وَ اَن رَا اَز هَم پاشيدى وَ مُوسَى اَز اَيْن جريان بَر زَمِينِ اِفْتَادِ وَ بِيَهوشِ شَد ؛ وَ نَبِزِ بِهِ اَسْطَه شَكُوهْتِ كَه عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهٍ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ ، بَرِ صَحْرَايِ سَيْنَا ظَاہِرِ شَد وَ بِا اَن بَر بِنْدَه وَ فَرَسْتَادَه اَت مُوسَى پَسِرِ عِمْرَانَ سَخْنِ گَفْتِي ؛ وَبَطَّلَعَيْتَكَ فِى سَاعِيَرِ ، وَظُهُورِكَ فِى جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَوَاتِ وَ بِهِ اَسْطَه پَرْتَوَاكِنِيَتِ دَرِ سَاعِيَرِ ، وَ ظَهْوَورِ نُورَتِ دَرِ كُوهِ فَارَانَ بِا نَفْسِ هَايِ الْمُقَدَّسِيْنَ ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِيْنَ ، وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ مَقْدَسَانَ وَ سِپَاهِيَانَ صَفِ كَشِيْدَه فَرَشْتِگَانَ ، وَ فَرُوتَنِی فَرَشْتِگَانَ الْمُسْتَبِيحِيْنَ ، وَبَيَّرَ كَاتِبَكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ تَسْبِيْحِ گُوى ؛ نَبِزِ بِهِ اَسْطَه بَرَكَاتَتِ كَه بَرَى اِبْرَاهِيْمَ دُوسْتِ وَبِزَهِ اَتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِى اُمِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اِلِهٍ ، وَبَارَكْتَ - كَه سَلَامِ بَرِ اَو بَاد - دَرِ اَمْتِ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ - دَرُودِ خِدا بَرِ اَو وَ اَلِ اَو بَاد - بَرَكَتِ دَادِي ؛ لِاشْحَاقَ صَبِيَّتِكَ فِى اُمِّهِ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَبَارَكْتَ وَ بَرَى گَزِيْدَه اَتِ بُوَد - دَرِ اَمْتِ عِيسَى - كَه دَرُودِ بَرِ هِر دُو بَاد - بَرَكَتِ دَادِي ؛ لِيعْقُوبَ اِشْرَائِيْلِكَ فِى اُمِّهِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَبَارَكْتَ وَ

برای یعقوب یکتاپرست در امت موسی - سلام بر هر دو باد - برکت دادی؛ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَثْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمْ وَ لِلَّهِ عِزَّتْ وَ نَسْلِ او - درود بر آنان باد - السَّلَامُ وَآمَنِيهِ . اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ ، وَآمَنَّا بِهِ وَآمَنَّا بِهِ وَآمَنَّا بِهِ وَآمَنَّا بِهِ ، وَأَنَّ وَجُودَهُ ، بِهِ أَوْ بِهٖ رَاسْتِي وَ دَرَسْتِي اِيْمَانِ آوَرْدِيْمِ ؛ اَز تُو دَرخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ بِيُوَسْتِهٖ نَنَارِ كُنِي ، تُبَارِكْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَرَحَّمْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَرَحْمَتِ خُودِ رَا بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَفَرَسْتِي ، كَأَفْضَلِ مَا صَيَّرْتَهُ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَي اِبْرَاهِيْمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيْمَ ، بِر تَرَازِ اَن چِه بَرَايِ اِبْرَاهِيْمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيْمَ دَرُودِ وَ بَرَكْتِ وَ رَحْمَتِ نَنَارِ كَرْدِي ؛ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ ، فَعَالَ لِيْمَا تُرِيْدُ ، وَأَنْتَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ . (۶) رَاسْتِي ، تُو سَتُوْدِهٖ شَكُوْهَمَنْدِ هَسْتِي ؛ هَر چِه بَخَوَاهِي بَدُوْنِ كَمِ وَ كَاسْتِ اَنْجَامِ مِي دِهِي ؛ وَ تُو بِرِ هَر چِيْزِ تُوَانَايِي . پَسِ اَز دَعَايِ نِيْزِ مِي خَوَانِي : اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاۤءِ ، وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ بَارِ الْهٰءِ ؛ بِهٖ حَقِّ اِيْنِ اِسْمِ هَايِي الَّتِي لَا يَغْلَمُ تَفْسِيْرَهَا وَلَا يَغْلَمُ بَاطِنَهَا عَثْرَتِكَ ، [ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ كِه

تفسیر و معنای باطنش را کسی جز تو نمی داند، ابر محمّد و الِ مُحَمَّدٍ ، وَاَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ ، و آل محمّد درود فرست و [آن چنان که شایسته توست با من رفتار کن نه آن چنان که من سزاوارش هستم؛ ۱. البلد الأمين: ۱۳۴، جمال الأسبوع: ۳۲۱، المصباح: ۵۵۹، مصباح المتهجد: ۴۱۶، الصحيفه الصادقيه: ۹۳۰.

إِنَّا نَقِيمُ لِي مِنْ ظَالِمِي ، وَعَجَلُ فَرْجِ الِ مُحَمَّدٍ ، وَهَلَاكَ أَغْدَانِهِمْ [او از کسی که نسبت به من ستم کار است انتقام مرا بگیر، و در راحتی و فرج آل محمد و نابودی دشمنان آنان مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ] ، وَاعْرِضْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا از آدمیان و جنیان شتاب کن؛] و گناهان گذشته و آینده ام را بیامرز، تَأَخَّرْ ، وَوَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ ، وَأَكْفِنِي مَوْتَهُ إِنْسَانٍ و از روزی و سهمیه حلالت برای من وسعت بده ، و از شرّ آدم سُوءٍ [وَجَارِ سُوءٍ وَقَرِينِ سُوءٍ [وَسُلْطَانِ سُوءٍ ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلُّ بَدٍ ، اُو همسایه و همنشین بد] و سلطان بد، مرا کفایت کن؛ راستی تو بر [هر شیء] قَدِيرٌ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (۷)

چیز] توان داری ، و ستایش مخصوص (تو) پروردگار جهانیان است .

آن گاه بگو: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرِّأْهُ الْمُؤْمِنِينَ بَارِهَا ؛ به حقّ این دعای شریف ، نسبت به الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالزُّوَاهِ ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مرد و زن مؤمن فقیر و نیازمند تَفَضَّلْ كُنْ و آنان را بی نیاز و ثروت مند گردان؛ و زن

و مرد مؤمن مریض را بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَّةِ ، وَعَلَىٰ أُخْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ شفا و سلامتی بخش، و هر زن و مرد زنده مؤمن را مورد لطف و الْكِرَامَةِ، وَعَلَىٰ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، و بزرگواریت قرار ده، و مردگان شان را مورد آمرزش و رحمت خویش قرار ده، وَعَلَىٰ مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَىٰ أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ و مسافران شان را سالم و بر بهره به سرزمین خودشان باز گردان ؛ غَانِمِينَ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَصَلَّىٰ اللَّهُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا إِبْنِ هَمَّةٍ رَا بِرَحْمَتِ خَوِيْشِ اِنْجَامِ دِهْ ، اِي مَهْرَبَانِ تَرِيْنِ مَهْرَبَانَانْ ؛ و درود پیوسته خداوند بر آقا و سرور ما مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا . (۸) حضرت محمد خاتم پیامبران، و بر عترت پاکش و بسیار بسیار سلام بر آنان باد . ۱ . المجموع الرائق : ۲ . ۲۵۸/۱ . بحار الأنوار : ۱۰۱/۹۰ .

در کتاب «جمال الصالحين» این دعا را پس از آن، ذکر کرده است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحُزْمَةِ هٰذَا الدُّعَاِ ، وَبِمَا فَاتَتْ مِنْهُ مِنْ بَارِهَا ؛ مِنْ بَهْ خَاطِرِ اِحْتِرَامِ اِيْنِ دَعَا و اِسْمِ هَايِ مَحْتَرَمِيْ كِهْ دَرِ اَنْ اَلْاَسْحَمَاءِ ، وَبِمَا يَنْشَجِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيْرِ وَالتَّدْبِيْرِ الَّذِيْ لَا يَحِيْطُ ذِكْرُ نَشْدِهْ اِسْتِ و بَهْ نَفْسِيْرِ و تَدْبِيْرِ كِهْ دَرِبَرْدَارِدِ و جَزِ تُو كَسِيْ نَسْبِتِ بَهْ اَنْ اِحَاطَهْ و اَطْلَاعِ كَامِلِ بِيْ اِلَّا اَنْتَ ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تُعَجِّلَ نَدَارِدْ؛ اَزِ تُو مِيْ خَوَاهِمِ كِهْ بَرِ مُحَمَّدِ و اَلِ مُحَمَّدِ دَرُودِيْ پِيُوَسْتِهْ بَغْرِسْتِيْ ، و دَرِ فَرَجِهِمْ فِيْ عَافِيَةِ ، وَتُهْلِكَ اَعْدَاءَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَاَنْ فَرَجِ و كَشَايِشِ كَارِشَانِ

با عافیت، شتاب کنی؛ و دشمنان شان را در دنیا و آخرت به هلاکت و نابودی دچار کنی؛ و به تَرزُقْنَا بِهِمْ خَيْرٌ مَا نَزَّجُو، وَخَيْرٌ مَا لَانَزَّجُو، وَتَصْرِفَ بِهِمْ عَنَّا واسطه ایشان آن خیر و خوبی هایی را که امید داریم، و آنچه را که امید نداریم روزی ما گردان، و از ما شَرٌّ مَا نَحْذَرُ، وَشَرٌّ مَا لَانَحْذَرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، شَرٌّ وَبَدَى آنچه را که از آن ترسانیم و شَرٌّ وَبَدَى آنچه را که از آن حذر و اجتناب نمی کنیم برگردان، و تو بر هر چیز توانایی، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ. (۹)

و تو باکرامت ترین بزرگوارانی .

عالم بزرگوار جناب سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: در بین تفسیرهایی که برای کلمات این دعا بود یافتیم که «کوه حوریت» یا «حوریتا» همان کوهی است که خداوند در ابتدا با حضرت موسی علیه السلام سخن گفت و او را مورد گفتگو قرار داد، و تابوت یوسف علیه السلام نیز به یکی از قسمت های پایین همین کوه انتقال یافت و در گوشه ای از طور سینا قرار داد .

«دریای سوف» را به زبان عبری؛ «یومسوف» می گویند و به معنای دریای عمیق است. و «ساعیر» - که به نام کوه «سراء» نیز شناخته می شود - کوهی است که حضرت عیسی علیه السلام در آن جا مناجات می کرد .

و «جبل فاران» ، همان کوهی است که حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم در آن جا به مناجات پروردگار می پرداخت؛ و در نزدیکی مکه قرار دارد. (۱۰)

محمد بن علی راشدی می گوید: من در هیچ مشکل یا اندوه

سخنی این دعا را نخواندم مگر آن که با سرعت به اجابت رسید؛ هر کس این دعا را برای هر هدفی که دارد و یا مقصودی که به دنبال آن است بخواند و یا پیشاپیش خروجش به طرف دشمنی که از او می ترسد، یا قدرتمندی که از او هراس دارد بخواند، به خواسته اش برسد و از کسی نهراسد. البته اگر نمی تواند بخواند، آن را بنویسد و همراه خود داشته باشد.

علامه شیخ محمد باقر بیرجندی رحمه الله در کتاب «فاکھه الذاکرین» می گوید: این دعا از نظر اجابت و برآمدن حاجت، بی نظیر است.

مرحوم سید محمد خامنه تبریزی در یکی از تألیفاتش می گوید: خواندن دعای سمات در ساعت پایانی روز جمعه برای برآورده شدن حاجت ها به خصوص برای دفع دشمن - مجرب است و این مطلب یقینی است، به خصوص اگر چهل روز جمعه ادامه یابد. (۱۱)

### **دعای روز عید فطر که از جناب محمد بن عثمان قدس سره روایت شده است**

دعای روز عید فطر ...

این دعا را سرورمان جناب محمد بن عثمان قدس سره قرائت می فرموده، و در دفترش موجود بوده است؛ که دعاهای ماه مبارک رمضان را نیز در آن یادداشت کرده بودند.

این دعا پس از نماز صبح روز عید فطر خوانده می شود:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ تَوَجَّهْتُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ اَمَامِیْ ، وَعَلِیٍّ مِنْ خَلْفِیْ وَعَنْ بَارِ اِلَهِا ؛ بِه تُو رُو ی آوَرْدَم بِه وَاَسْطَه (حضرت) مُحَمَّدٌ صلی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ که بِیْش رُو ی مَن اَسْتُ ، و (حضرت) عَلِیُّ عَلَیْهِ السَّلَام پِشْت سَر وَا ز یَمِیْنِی ، وَاَنْتُمْنِیْ عَنْ یَسَارِیْ ، اَسْتَنْیْتُ بِهْمُ مِنْ عَذَابِکَ ، وَاَتَقَرَّبْتُ سَمْتِ رَاسْتِ ، وَاَمَامَانِمُ اَز سَمْتِ چَپِ ، گِرْدَا گِرْدِ خُو دِ اِیْنِ

بزرگواران را آورده ام تا خود را به وسیله ایشان از عذابت ببوشانم، و خود را إِلَيْكَ زُلْفَى لَا أُجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ ، فَهَمَّ أَنْيَمْتِي ، فَأَمِنَ مِنْهُ مِنْ تَوَنُّدِيكَ كَرْدَانَم، هیچ کسی را که از نظر رتبه و مقام از ایشان نزدیک تر به تو باشند سراغ ندارم . اینان، پیشوایان من اند؛ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ ، وَأَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ترسم از کيفرت و خشمت را به واسطه ایشان تبدیل به آرامش کن؛ و به رحمت مرا در زمره بندگان الصالحين . أَضَيَّبْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَالِحٍ وَشَائِسْتَهُ ات در آور . صبح کردم در حالی که ایمان و اخلاص نسبت به پروردگار دارم و بر دین و آیین حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم ، وَسُنَّتِيهِ ، وَعَلَى دِينِ عَلِيِّ وَسُنَّتِيهِ ، وَعَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِيهِمْ، و نیز دین و آیین حضرت علی علیه السلام، و بر دین و آیین و روش جانشینان ایشان پایدار و ثابتم؛ اَمْتُ بِبَيْتِهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ ، وَأَرَعْبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِيمَا رَغَبَ بِهِ امور پنهان و آشکارشان ایمان دارم، و به چیزهایی که حضرت فيه إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيُّ وَالْأَوْصِيَاءُ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ و جانشینان شان نسبت به پروردگار مشتاق بودند، اشتیاق می ورزم، و از شر هر چه ایشان به خدا پناه بردند، اشْتَعَاذُوا مِنْهُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ مِنْ نِزْوَءِ پناه می برم؛ هیچ توان و جنبشی جز به واسطه خداوند نیست؛ هیچ نیرو و بازدارنده ای وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ ، تَوَكَّلْتُ وَ قَدَرْتِي





در شب قدر فرود می آید؛ شب قدر، سلام و سلامت است تا طلوع فجر. بار الها؛ روزهای شهرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ ، وَلِیَالِیهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ ، وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ ماهِ رَمَضانِ نِزِ سِپَرِی شَدَنَدِ ، وَ شَبِ هَایِشِ نِزِ تَمَامِ شَدَنَدِ؛ یا اِلهِی اِلی ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِه مِنی ، وَ اَخْصِی لِی عَدَدِهِ مِنْ عَدَدِی ، خَدایِ مَن؛ خُودِ تِ بَهِتَرِی مِی دَانِی کِه مَن چِه کَرَدِمْ ، وَ عَدَدِ آن رَا بَهِتَرِی مِی دَانِی؛ فَاسْأَلْکَ یا اِلهِی بِما سَأَلْکَ بِه عِبَادَکَ الصَّالِحِیْنَ ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْ بِسِ ، خَدایَا؛ اَز تُو چِزِ هَایِی رَا دَرخُواسِ تِ مِی کَنِم کِه بَنَدِگانِ صالِحِ تِ خُواسِ تِه اِنْد؛ کِه عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی اِلی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی اَهْلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ . وَ اَنْ تَتَقَبَّلَ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ بِرِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ پِیوستِه نِشارِ کَنی . وَ اَنجِه رَا مِنی کُلِّما تَقَرُّبْتُ بِه اِلیکَ ، وَ تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِتَضَعِیْفِ عَمَلِی ، وَ سِیلِه تَقَرَّبِ خُودِ بِه دَرگَاهِ تِ نَمُودِم اَز مَن بِیذِیری ، وَ با چِنْدِ بَرابَرِ نَمُودِنِ پاداشِ اَعمالِمْ وَ قَبُولِ تَقَرُّبِی وَ قُرْبانِی ، وَ اسْتِجابِی دُعائِی ، وَ هَبْ لِی مِنْکَ عَتَقَی وَ پِذِیرِشِ کارِ هَایِی رَا کِه بِه قِصْدِ قَرَبِ تِ وَ رِضایِ تُو اِنجامِ دَادِم ، وَ اِجابِ تِ دَعائِیْمِ بِرِ مَن لُطْفِ وَ اِحسانِ کَنی ، وَ اِینِ بَخِشِشِ رَا بِه مَن ۱ . سورِه بقره ، آیه ۲ . ۱۸۵ . سورِه قدر ، آیه ۵ - ۳ .

رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ ، وَ مَنَّ عَلَیَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ یَوْمَ الْخَوْفِ بِنِمائِی کِه اَز اَنشِ رِهایمِ بَخِشی ، وَ با بَرخُورِدارِی اَز بَهِشتِ وَ اِیمنی اَز ترسِ هَایِ بزرگِ قِیامتِ بِرِ مَن مَن تِ گِذارِی ، مِنْ کُلِّ فَرَجٍ ، وَ مِنْ کُلِّ هَوْلٍ اَعَدَدْتَهُ لِیَوْمِ الْقِیامِهِ . اَعُوذُ بِحُزْمِهِ وَ اَز

تمام هول و هراس هایی که برای روز قیامت آماده کرده ای در امانم بداری . به حرمت وَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ الصَّالِحِينَ ، أَنْ يُنْصِرَ رِمَّ وَجْهِ كَرِيمٍ و بزرگواری و به حرمت پیامبرت و به حرمت بندگان شایسته ات پناه می برم که هَذَا الْيَوْمِ ، وَلَكَ قَبْلِي تَبِعُهُ تُرِيدُ أَنْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا ، أَوْ ذَنْبُ امْرُوزِ بَكَدَرْدٍ و هنوز برای تو به عهده من جرمی باشد که بخوای مرا به آن مؤاخذه کنی ، و گناهی تُرِيدُ أَنْ تُقَايَسَنِي بِهِ ، وَتُشَقِّبَنِي وَتَفْضَحَنِي بِهِ ، أَوْ حَطِئَهُ تُرِيدُ بَقَايِ بَمَانَدِ كِه بِخَوَايِ بِه خَاَطِرِ اَنِّ اَنِّ تُقَايَسَنِي بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي ، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ قَصْدِ قَصَاصِ وَ عَذَابِ مَرَا دَاشْتِه بَاشِي وَ مَرَا نَبْخَشِيدِه بَاشِي . بِه وَاسَطِه اَحْتِرَامِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْفَعَالِ لِمَا يُرِيدُ ، الَّذِي يَقُولُ لِلشَّيْءِ ۚ كُنْ فَيَكُونُ ، ذَاتِ بَزْرِگَوَارْتِ اَز تُو دَرخَوَاسْتِ مِي كَنَم ؛ هَمَانِ كِه هَر چِه بِخَوَاهدِ اَن رَا اَنجَامِ مِي دَهْد ، و اَكْر بِه چِيزِي بگوِيَد : بَاش ، مِي شُوْد ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ . اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِاِلَهٍ اِلَّا اَنْتَ ، اِنْ كُنْتُ جَزَاو نِيَزِ خَدَايِي نِيَسْت . بَارِ اِلَها ؛ بِه وَاسَطِه اِيْن كِه - اَعْتِقَادِ دَارْم - جَز تُو خَدَايِي نِيَسْت اَز تُو دَرخَوَاسْتِ مِي كَنَم : اَكْر رَضِيَتِ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ اَنْ تَزِيْدَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي دَر اِيْن مَاهِ اَز مَن رَاضِي شُدِه اِي ، رَضَايَتِ وَ خَشْنُوْدِيَتِ رَا دَر بَاقِي مَانَدِه عَمْرَمِ نِيَزِ اَفْزَوْنِ فَرْمَايِي ؛ رِضًا ، فَاِنْ كُنْتُ لَمْ تَرَضْ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ ، فَمِنَ الْاَنِّ وَ اَكْر

در این ماه مبارک از من خشنود نشده ای، از حالا از من فَارِضَ عَنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ ، وَاجْعَلْنِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ رَاضِي وَخَشِنُود شَوْ؛ در همین ساعت، در همین ساعت، در همین ساعت؛ و در این ساعت وَفِي هَذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عُنُقَاتِكَ مِنَ النَّارِ ، وَطَلْقَاتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ ، و در همین مجلس مرا از آزادشدگان از آتش قرار ده، و از رهاشدگان از جهنم قرار ده ، وَشِعْدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اَللَّهُمَّ و از بندگانی که به واسطه آموزش و رحمت سعادت‌مند شدند قرار ده ؛ ای مهربان ترین مهربانان . بار الها ؛ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، اَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هَذَا خَيْرَ بِه اِحترام آبروی کریمانه ات از تو درخواست می کنم که این ماه را برایم نسبت به ماه رمضان های دیگر در دوران عمرم بهترین شَهْرِ رَمَضَانَ عِبْدَتِكَ فِيهِ ، وَصِيْمَتُهُ لَكَ ، وَتَقَرُّبُتُ بِه اِلَيْكَ مُنْذُ ماه رمضانی قرار ده که تو را در آن پرستیده ام، و روزه داری کرده ام، و به تو تقرب جسته ام ؛ اَشْكُرُكَ فِيهِ ، اَعْظَمُهُ اَجْرًا ، وَاتَمَّهُ نِعْمَةً ، وَاعْمَهُ عَافِيَةً ، دارای بزرگ ترین پاداش و کامل ترین نعمت، و فراگیرترین عافیت، وَاَوْسَعَهُ رِزْقًا ، وَافْضَلَهُ عِتْقًا مِنَ النَّارِ ، وَاَوْجِبُهُ رَحْمَةً ، و فراخ ترین نصیب، و برترین آنان از جهت رهاییم از آتش، و سزاوارترین آن برای رحمت تو ، و اَعْظَمَهُ مَغْفِرَةً ، وَاكْمَلَهُ رِضْوَانًا ، وَاَقْرَبُهُ اِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. بزرگ ترین بخشش، و کامل ترین رضوان و خشنودی، و نزدیک کننده ترین ماه ها به چیزهایی که تو دوست داری و از آن خشنود می شوی . اَللَّهُمَّ لَانْجِعَلُهُ اِحْرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمَّتُهُ لَكَ ،

وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ ثُمَّ بَارِهَا؛ این ماه رمضان را آخرین ماه رمضان من - که در آن به روزه داری می پردازم - قرار مده؛ و آن قدر حضور ماه های رمضان الْعُودَ حَتَّى تَوْضِي وَيَعْدَ الرِّضَا، وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا بعدی را نصیبم کن تا رضایت تو حاصل شود، و پس از راضی شدنت باز هم مرا در ماه های رمضان حاضر فرما؛ تا آن که مرا از دنیا وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي بدون عیب و آفت خارج کنی در حالتی که تو از من راضی باشی و من نیز مورد رضایت و خشنودیت باشم. بار الها؛ در آن چه قضا و تَقَدَّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُخْتَوَمِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يَبْدُلُ أَنْ تَجْعَلَنِي وَمَنْ قَدَرْتَ به آن تعلق می پذیرد؛ و از امور قطعی و حتمی است که رد نمی شود و تغییر و تبدیلی نیز در آن راه نمی یابد؛ مرا از کسانی قرار ده تَثِيبٌ وَتَسْمِيٌّ وَتَقْضِي لَهٗ ، وَتَزِيدُ وَتُجِبُّ لَهٗ وَتَوْضِي، وَأَنْ كَهٗ ثَوَابِ مِي گیرند ، و مرتبه شان بالا می رود و حاجت شان برآورده می شود ، و برایش افزون می کنی ، و دوستش می داری و از او خشنود هستی؛ نیز نَكْتَبْنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا الْعَامِ ، وَفِي كُلِّ عَامٍ ، مرا از حاجیان خانه ات در حج امسال و سال های آینده قرار ده؛ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ ، الْمَشْكُورِ سَيِّئُهُمْ ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ ، الْمُنْتَقَبِلِ أَنْ دَسْتَهُ اِي كِه حَجِّ شَان عَالِي، وَ تَلَاشِ شَان مَوْرِدِ سِيَاَسْكَرَايِ، وَ كِنَاهَانِ شَان بَخْشِيْدِه شُدِه، مِنْهُمْ مَنَابِيْكَهُمْ، الْمُعَافِيْنَ عَلٰى اَسْفَارِهِمْ، الْمُقْبِلِيْنَ عَلٰى نُسُكِهِمْ، وَ عِبَادَاتِ حَجِّ شَان پَذِيْرْتِه شُدِه؛ سَفْرَهَايِ شَان بَا عَافِيْتِ وَ سَلَامَتِي، وَ عِلَاقَه مَنْدِ بِه اِنْجَام





زیرا، تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أُمَامِي، که من به واسطه محمد و آل محمد به تو رو آوردم، و آنان را پیشاپیش خود و امام حاجتی و طلبی، وَتَصَدَّرُ عَنِّي وَمَسْأَلَتِي، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَحَاجَتِي وَخَوَاسِئِهِمْ وَزَارِي وَخَوَاسِئِهِمْ بِدَرَكِهِمْ تَوْأَدُّهُمْ؛ پس مرا و جیبها فی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي دُنْيَا وَآخِرَتِي، از آبرومندان و مقربان در گاهت قرار ده؛ زیرا، تو با شناخت ایشان بر من مَنَنْتَ نِهَادِي؛ بِمَعْرِفَتِهِمْ، فَاجْتَمِعْ لِي بِهِمْ السَّعَادَةُ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. پس، سعادت و خوشبختی مرا در آخر کارم به واسطه آنان نصیبم گردان؛ راستی تو قدرت بر هر چیزی داری. این عبارات، در برخی از روایات، افزون است:

مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ، فَاجْتَمِعْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ بِوَاسِطَةِ إِيشَانِ بِرِمْ مَنَنْتَ نِهَادِي؛ پس پایان کارم را خوشبختی، امنیت و آرامش، سلامتی، وَالْإِيمَانَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالرِّضْوَانَ وَالسَّعَادَةَ وَالْحِفْظَ، يَا اللَّهُ أَنْتَ إِيْمَانِ كَامِلٍ، بِخَشْيَتِكَ وَرِضْوَانِ خُودَتِكَ، سَعَادَتِكَ وَنِجْمَانِي أَيْ جَانِبِ خُودَتِكَ قَرَارِ دِه. ای خدا؛ تو برآورنده لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَضَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنَا وَلَا تُسَيِّطْ عَلَيْنَا تَمَامَ خَوَاسِئِهِ مَا هَسْتِي؛ پس، بر محمد و آل او درود پیوسته نثار کن، و ما را عافیت بخش، و أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَكَفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا هِيْجَ يَكُ مِنْ مَخْلُوقَاتِكَ رَا كِه تَوَانِ تَحْمَلُشَ رَا نِدَاسْتَه بَاشِيْمَ بِرِمْ مَاسَلَطَ مَفْرَمَا؛ وَ تَمَامِ أُمُورِ دُنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. صَلَّى



عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَآخِرَتِ مَا رَا كِفَايَتِ كُنْ ؛ اِي صَاحِبِ شَكْوَه وَبِزَرِ گَوَارِي ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِ ، وَتَرْتَحِمُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تَرَحُّمٌ وَ مَهْرَبَانِي وَيْزَه نَمَا ، وَبِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ سَلَامِ بَفَرَسْتِ ؛ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرْتَحِمْتَ وَسَلَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَيَّ مَانَنْدِ بِرْتَرِينِ صَلَوَاتِ وَبَرَكَاتِ وَرَحْمَتِ وَسَلَامِ وَدَرُودِي كِه بِرِ اِبْرَاهِيمِ وَآلِ اِبْرَاهِيمِ ، اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . (۱۵)

ابراهيم و آل ابراهيم فرستادی ؛ راستی ، تو ستوده شکوه مند هستی .

### ۷ زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدس سرهما

ابوالحسین احمد بن حسین بن رجاء صیداوی ، این زیارت را از عثمان بن سعید قدس سره - که حسین بن روح قدس سره نیز در آن هنگام همراهش بود - نقل می کند و می گوید :

هنگامی که این دو بزرگوار به زیارت امام صادق علیه السلام آمده بودند ، در کنار باب السلام ایستادند و گفتند :

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ ، وَآبَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ سَلَامٌ وَرَحْمَاتُ اللَّهِ بَرِ تَوَايِ مَوْلَايَ وَفَرَزَنْدِ مَوْلَايَ مِنْ وَبَدْرِ صَاحِبِ اِخْتِيَارِ وَسُرُورَانِ مِنْ ؛ وَبَرَكَاتُهُ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا شَهِيدَ دَارِ اَلْفَنَاءِ ، وَرَعِيْمَ دَارِ اَلْبُقَاءِ ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ اَنْ كِه دَرِ اَيْنِ دُنْيَا گَوَاهِ مَا وَاعْمَالِ مَا هَسْتِي وَدَرِ اَخْرَتِ زَعِيْمِ وَرَئِيْسِ وَ مَهْتَرِ مَا مِي بَاشِي ؛ اِنَّا خَالِصَتُكَ وَ مَوْلَايِكَ وَنَعْتَرِفُ بِاَوْلَاكَ وَ اَخْرَاكَ . فَاشْفَعْ لَنَا اِلَى مَا ، مَخْلَصِ تُو وَ دُوسْتِ دَارِ تُو هَسْتِيْمَ ، بِه اَعَاظِ وَ پَايَانْتِ اعْتِرَافِ مِي كُنِيْمَ ، پَسْ ، نَزْدِ



هیچ چیزی در برابرش لایقش نیست، و بِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وِبِسْطَانِكَ اِيسْتَادَگِي نَمِي كُنْد، و به واسطه بزرگی و عظمت که همه چیز را پر کرده است؛ و به واسطه سلطنت و چیرگی و توانائی ات الّذی غلا كل شئ، و بوجهِكَ الباقی بَعْدَ فَتَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، که بر هر چیز برتری یافته است، و به واسطه ذات پاکت که پس از فانی شدن همه چیز باقی می ماند، و بِأَسْمَانِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، و بِعِلْمِكَ الّذِي أَحَاطَ وَ بِهِ نَامِ هَايْتِ كِه اَسَاسِ وَ پَايِه هِر چيز رَا پَر كَرْدِه اَسْت، و به دانشت که همه چیز را احاطه کرده است، بِكُلِّ شَيْءٍ، و بِثَوْرِ وَجْهِكَ الّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، یا نُورِ یا و به نور رخسارت که هر چیزی به سبب آن روشن شد؛ (از تو درخواست می کنم؛ (ای نور؛ ای ۱. دعای کمیل از حضرت خضر می باشد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به جناب کمیل تعلیم فرموده اند؛ به این جهت به «دعای کمیل» معروف شده است.

لازم به ذکر است که دعاهای حضرت خضر و حضرت الیاس علیهما السلام - که آن دو بزرگوار از همراهان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه هستند - و سائر یاران آن حضرت مانند حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام زیاد است، ما به جهت اختصار به ذکر این دعا اکتفا کردیم.

قُدُوسٌ، یا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَآخِرَ الْآخِرِينَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَنِّهَ از هر عیب و نقص؛ ای پیش از هر ابتدا؛ ای پس از هر پایان؛ بار الها؛

بیامر ز بر من الذُّنُوبَ الَّتِي تَهَيَّبُكَ الْعَصَمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ غَنَاهَانِي رَا كِه پَرْدِه هَاي حِيَا و عَصْمَت رَا مِي دَرْد. خدایا ؛ بیامر ز بر من گناهانی را که عذاب ها را فرود می آورد . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعْزِرُ النَّعَمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خدایا ؛ بیامر ز بر من گناهانی را که نعمت ها را دگرگون می سازد؛ خدایا؛ بیامر ز بر من الذُّنُوبَ الَّتِي تَخْبِسُ الدُّعَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ غَنَاهَانِي رَا كِه دَعَا رَا مَحْيُوس مِي كِنْد؛ خدایا؛ بیامر ز بر من گناهانی را که الْبَلَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ ، وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا . بلا را نازل می کند ؛ خدایا ؛ بیامر ز بر من تمام گناهانی را که انجام داده ام، و همه اشتباهاتی را که مرتکب شده ام . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِيكَ ، بارالها؛ من با یادت به سوی تو تقرّب می جویم ، و خودت را نزد تو شفیع و واسطه می کنم، وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدَيِّنِي مِنْ قُرْبِكَ ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ ، و به خاطر جود و بخشش از تو می خواهم که مرا به مقام قرب خود نزدیک گردانی، و شکرت را نصیبم نمایی، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ و يَادْت رَا بِه مِّنَ الْهَام كَنِ . بارالها ؛ من خاضعانه و ذلیلانه و از روی فروتنی ، از تو می خواهم خاشعٌ أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا ، که با من مدارا کنی، و بر من رحم کنی، و مرا خشنود و راضی و قانع نسبت به تقسیم نصیبت قرار دهی وَفِي

جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا. اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ وَ فِي هَمِّهِ حَالَاتٌ مَرَا فَرُوتِن سَازِي. بارالها؛ من از تو درخواست می کنم همانند درخواست کسی که فاقته، وَأُنزِلْ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَعَظْمُ فِيمَا عُنْدَكَ فَقْرٌ وَ بِي نَوَائِي أَوْ سَخْتٌ شَدِيدٌ، وَ فِي سَخْتِي هَا دَرخَوَاسْتِش رَا بَه دَرگَاهِ تُو آورده است، وَ بَه أَنجَه نَزْد تُو اسْت زَعْبَتُهُ. اللَّهُمَّ عَظْمُ سُلْطَانِكَ، وَعَلَا مَكَانِكَ، وَخَفِي مَكْرِكَ، بَسِيَارِ مُشْتَاقٍ گشته است. خدایا؛ سلطه و چیرگی تو بزرگ، و جایگاهت والا، و مکر تو پنهان، وَظَهَرَ أَفْرَكَ، وَغَلَبَ فَهْرَكَ، وَجَزَتْ قُدْرَتُكَ، وَلا يَمْكِنُ الْفِرَارُ وَ دَسْتورْتِ أَشْكَارِ، وَ قَهْرٌ وَ خَشْمَتٌ چیره، وَ تَوَانْتُ وَ قَدْرَتُ دَر جَرِيانِ اسْت، وَ بَه هِيچِ وَجِهِ نَمِي تُوَانِ مِنْ حُكُومَتِكَ. اللَّهُمَّ لا أَجِدُ لِتُدُنُوبِي غَافِرًا، وَلا لِقَبَائِحِي سَاطِرًا، از حُكُومَتِ فَرارِ كَرْد. بارالها؛ من برای بخشش گناهانم کسی را سراغ ندارم، و برای پوشاندن زشتی هایم کسی را نیافتم؛ وَلا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا غَيْرَكَ، لا إِلَهَ إِلاَّ وَ بَرای تَبْدِيلِ كَارهائِ زَشْتِ وَ ناهنجارم بَه خَوبِي وَ نِيكِي، كَسِي رَا نِيافْتَمِ جِز تُو. مَعْبُودِي جِز تُو نِيست، أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي، مَنزَه وَ سَتُودِ هِي، وَ تَنها بَه سَتائِشِ تُو مِي پَرِدازَم؛ بَرخودِ سَتَمِ كَرْدَم؛ وَ با نَدانِي وَ جَهْلِ خُودِ بَر تُو جَرأتِ يافْتَم؛ وَ سَكَنْتُ إِلى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي، وَ مَنكَ عَلَي. اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمِّ وَ بَه خَاطِرِ يادِ دِيرِينِ اتِ وَ احسانِ وَ لَطفِي كِه بَر مَن داري، آرامشِ داشْتَمِ وَ خيالمِ رَاحْتِ بُوَد. بارِ الها؛ مَولايِ مَن؛ چَه

مِنْ قَبِيحِ سَيِّئَتِهِ ، وَكَمْ مِنْ فَادِحِ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتُهُ ، وَكَمْ مِنْ عِنَارِ زَشْتِي هَيَّ بَسْيَارِي كَهْ مِنْ پُوشَانْدِي وَ بِلَاهَايِ سَنَكِينِي كَهْ مِنْ بَازِ گَرْدَانْدِي ، وَ چِهْ لَغْزَشْ هَايِ بَسْيَارِي كَهْ مِنْ بِلَايِ هَايِ ، وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهِ دَفْعَتُهُ ، وَ كَمْ مِنْ نِتَاءِ جَمِيلِ لَسْتِ أَهْلًا نِگَاهَمِ دَاشْتِي ، وَ چِهْ نَپَسَنْدِي هَايِي كَهْ مِنْ دُورِ سَاخْتِي ، وَ چِهْ نِنَا وَ مَدْحِ زَبِيهَا كَهْ لَا يَقْشِ نَبُودَمِ وَ لِيْ دَرِ بَيْنِ مَرْدَمِ لَهُ نَشْرَتُهُ . اَللّٰهُمَّ عَظْمَ بِلَايِي ، وَ اَفْرَطَ بِيْ سُوْءِ حَالِي ، وَ قَصِيْرَتَ پَخْشِ كَرْدِي . يَا بِلَايِي مِنْ بَزْرُوكِ اسْتِ ، وَ بَدْحَالِيْمِ مِنْ حَدِّ گَزْدَشْتِهْ اسْتِ ، يَا اَعْمَالِي ، وَ قَعْدَتِ بِيْ اَغْلَالِي ، وَ حَبْسِنِيْ عَنِّ نَفْعِيْ بَعْدُ وَ اَعْمَالِمِ مَرَا مَقْصَرِ سَاخْتِهْ ، وَ غَلِّ وَ زَنْجِيْرَهَايِمِ مَرَا زَمِيْنِ گِيْر كَرْدِهْ اسْتِ ، وَ اَرْزُوْهَايِ دُورِ وَ دِرَازِمِ بَاعْثِ جَلُوْگِيْرِيْ اَزِ سُوْدَمَنْدِيْمِ اَمَلِي ، وَ خَدَعْتِيْ الدُّنْيَا بِعُرُوْرَهَا ، وَ نَفْسِيْ بِجِنَايَتِيْهَا ، وَ مِطَالِيْ شَدِهْ اسْتِ ، وَ دُنْيَا مَرَا بِاِظْهَرِ فَرِيْنْدِهْ اَشْ فَرِيْفْتِهْ اسْتِ ، وَ نَفْسِمِ بِاِجْنَايَتِ هَايِيْمِ وَ اَمْرُوْزِ وَ فَرْدَا كَرْدَنْمِ مَرَا فَرِيْبِ دَاْدِهْ اسْتِ ، يَا سَيِّدِيْ ، فَاَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَخْجِبَ عَنْكَ دُعَايِيْ سُوْءِ اَيِّ اَقَايِ مِنْ ؛ بِهْ خَاطِرِ عَزْتَمَنْدِيْتِ اَزِ تُوْ مِيْ خُوَاْهَمِ كَهْ كَرْدَاْرَ زَشْتَمِ وَ رِفْتَاْرَ نَادَرْسْتَمِ مَانَعِ تُوْ عَمَلِيْ وَ فِعَالِيْ ، وَ لَا تَفْضُخْنِيْ بِحَقِيْقِيْ مَا اَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِيْرِيْ ، اَزِ اِجَابَتِ دَعَايِمِ نَشُوْدِ ، وَ بِهْ كَاْرَهَايِ زَشْتِ پَنْهَانِيْ مِنْ كَهْ تُوْ بَرِ اَنْ اِگَاْهِيْ دَاْرِيْ مَرَا رَسُوْا نَسَاْزِيْ ؛ وَ لَا تُعَاْجِلْنِيْ بِالْعُقُوْبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِيْ خَلَوَاتِيْ مِنْ سُوْءِ فِعْلِيْ وَ بَدِ رِفْتَاْرِيْ وَ بَدِ كَرْدَاْرِيْمِ دَرِ تَنْهَائِيْ هَا ، وَ اِسْأَلْتِيْ ، وَ دَوَامِ تَغْرِیْطِيْ وَ جِهَالْتِيْ ، وَ كَثْرَةِ شَهْوَاتِيْ

وَعَفَلْتِي . و کوتاهی و نارسایی پیوسته ام در عمل، و نادانی و شهوت های نفسانی زیاد، و غفلت و بی توجهیم باعث شتاب در عقوبت و کیفر تو نشود . وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَؤُفًا ، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ بَارِهَا ؛ به خاطر اقتدارت بر من ، در همه حالات با من مهربانی کن، و در تمام امورم الأُمُورَ عَطُوفًا ، إلهی وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ ، أَشَأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي ، مرا مورد عطف و خوش رفتاریت قرار ده؛ خدای من؛ و پروردگارم؛ من چه کسی جز تو دارم که از او درخواست کنم که بیچارگی و وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي . إلهی وَمَوْلَايَ أَجْرِيَّتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ كَرَفْتَارِي مَرَا بِرَطْرَفِ كُنْدٍ وَدَرِ أُمُورِمِ نِگَاهِی مِهرَبَانَانَه نَمَائِدِ؟! خدای من؛ و مولای من؛ حکم و دستوری به من دادی فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَلَمْ أَخْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عِدْوِي، فَغَرَّنِي بِمَا وُلِيَّ از هَوای نَفْسَمِ پیروی کردم، و از فریبکاری دشمنم (شیطان) در امان نماندم؛ در نتیجه، بآهوی وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ خَوَاشِ هَآئِش مَرَا فَرِيفَتَ، و قَضَا و قَدَرِ نَبِزِ بِهٔ او كَمَكِ كَرَدَ، و بَاعَثَ شَدَّ نَسْبَتِ بِهٔ ذَلِكِ بَعْضَ حُدُودِكَ ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ . فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) بَعْضِيَّ از حُدُودِ تَجَاوَزَ كُنْمَ، و بَا بِرِخِيَّ از دَسْتُورَاتِ مِخَالَفَتِ نَمَائِمِ . پَسِ بَرَايِ تُوَسْتِ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكِ ، وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ ، دَرِ تَمَامِ اَيْنِ هَا حُجَّتِ بِرِ مَنْ؛ و هِیچِ حُجَّتِي بِهٔ نِيفِ مَنْ نِيفِستِ دَرِ آنچِهٔ بِرِ مَنْ از قَضَا و فَرْمَانِ تُو جَارِي گِشْتِه؛ وَأَلْزَمَنِي حُكْمَكَ وَبِلَاؤُكَ ، وَقَدْ

أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَحُكْمٍ وَآزْمَايَشْتِ مِرَا مَلْزَمٍ سَاخْتَه وَرَهَا نَمِي كَنْد . اَيْنَكَ خَدَايْ مَنْ؛ پَسْ اَزْ اَيْنِ هَمَّه تَقْصِيرِ وَ كَوْتَاهِي، وَ اِشْرَافِي عَلَي نَفْسِي ، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَعْفِرًا وَ اِسْرَافِ  
بِرْ خَوِيْشِ، نَزْدَتِ اَمْدَه اَمْ بَا حَالَتِ عَذْرِخَوَاهِي ، پَشِيْمَانِي ، دَلْ شَكْسْتَه ، خَوَاهَانِ گَزْدَشْتِ وَ اَمْرُشِ تُو ، مُنْبِيًّا مُقْرًا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا ، لَا اَجْدُ مَفْرًا مِمَّا كَانَتْ مِيْنِي ، وَلَا مَفْرَعًا تُوْبَه وَ بَا زْگَشْتِ كَنْنَدَه، اِعْتِرَافِ كَنْنَدَه،  
وَ اِقْرَارِ كَنْنَدَه . هِيْجِ رَاهِ فَرَارِيْ اَزْ اَنْجَه اَزْ مَنْ صَادِرِ گَشْتَه نَدَارْمِ، وَ پَنَاهِگَاهِي اَتَوْجُهْ اِلَيْهِي فِيْ اَفْرِي غَيْرِ قَبُوْلِكَ عُذْرِي ، وَ اِذْخَالِكَ اِيْنَايْ فِيْ نِيْزِ بَرَايْ رُوِيْ اَوْرِيْ پِيْدا نَكْرَدَه اَمْ؛ جِزْ اَيْنِ كِهْ تُوْ پُوْزْشْمِ رَا  
بِيْذِيْرِي وَ مِرَا دَرِ سِيْعَه رَحْمَتِكَ . اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي ، وَ اِزْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي ، وَ فُكِّنِي رَحْمَتِ فِرَاگِيْرْتِ وَ اَرْدِ كُنِي . بَارِ اِلَها ؛ عَذْرَمِ وَ پُوْزْشْمِ رَا بِيْذِيْرِي، وَ بِرْگِرْفَتَارِي سَخْتَمِ رَحْمِ كَنْ، مِيْنِ شَدِّ وَ ثَاقِي ، يَا رَبِّ اِزْحَمْ  
ضَعْفَ بَدْنِي ، وَ رِقَّةَ جِلْدِي ، وَ دِقَّةَ وَ اَزْ بِنْدِ مَحْكَمِ وَ سَخْتَمِ رَهَايِيْمِ بَخْشِ؛ اِيْ پَرُوْرْدِ گَارِ مَنْ؛ بَهْ نَاتُوْانِيْ بَدْنَمِ رَحْمِ كَنْ، وَ بَهْ پُوْسْتِ نَازِكِ، وَ اسْتِخْوَانِ نَحِيْفِ مَنْ رَحْمِ كَنْ؛ عَظْمِي ، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذِكْرِي  
وَ تَرْبِيَّتِي وَ بَرِي وَ تَغْذِيَّتِي ، اِيْ كَسِيْ كِهْ اَفْرِيْنَشِ وَ يَادِ وَ پَرُوْرَشِ وَ نِيْكِي وَ غِذَا دَادَنْ بَهْ مَنْ رَا خُوْدَتِ اَغَاْزِ فَرْمُوْدِي . هَبْنِيْ لِاَيْدِيْ اَكْرَمِكَ وَ سَالِفِ بَرِّكَ بِي . يَا اِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي ، بَهْ خَاَطِرِ كَرَامَتِ اَغَاْزِيْنِ  
وَ اَوَّلِيَهِ اَتِ، وَ نِيْكِيْ هَايِ دِيْرِيْنَه اَتِ بَهْ مَنْ؛ مِرَا بِيْخَشِ . اِيْ خَدَايْ مَنْ؛ اَقَايْ مَنْ؛ اَتْرَاكَ مُعْذِبِيْ بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيْدِكَ ، وَ بَعْدَ مَا اَنْطَوِي



عَلَيْهِ قَلْبِي پروردگار من ؛ آیا بینم تو را که می خواهی پس از یگانه پرستی ام، مرا با آتش دوزخ عذاب کنی؟ و پس از این که قلبم آمیخته من معرفتت، وَلَهَجَ بِهٖ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاَعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ اِشْنَاخَتِ نَسَبْتِ بِهٖ تُو شُدِهٖ اَسْت؟ و پس از این که زبانم به ذکرت گویا شده است؟ و درون من با دوستی تو گره خورده؟ حُبُّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِي اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاصَّةً عَا لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ، و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه ام در پیشگاه ربوبیت تو؟ نه، هرگز اَنْتَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ تُصَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ، اَوْ تُبْعِدَ مِنْ اَذْنَبِيَّتِهِ، اَوْ تُو، بزرگوارتر از آن هستی که پرورده ات را ضایع و تباه گردانی، یا کسی را که نزدیک کرده ای دور کنی، یا تَشْرُدَ مِنْ اَوْيْتِهِ، اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلَاةِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ كَسِي رَا كِه پناه داده ای آواره کنی، یا کسی را که مورد کفایت و رحمت قرار داده ای به دست بلاها بسیاری ؛ و ای شتغری یا سَيِّدِي وَاِلٰهِي وَمَوْلَايَ اَتَسَلِطُ النَّارَ عَلٰی وُجُوهِ كَاشِ مِي دانستم، ای آقای من ؛ معبود من ؛ و مولای من ؛ آیا تو بر چهره هایی که در پیشگاه خَزَتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلٰی اَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، عظمت خاکساری کرده و به سجده افتاده است ؟ و بر زبان هایی که صادقانه به توحید و یگانگی ات گویا گشته، وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً، وَعَلٰی قُلُوْبٍ اعْتَرَفَتْ بِاِلٰهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً، وعلی و برای ستایشت تو را شکرگزاری کرده است، و بر دل هایی که به طور حقیقی به خدایی تو اعتراف کرده اند؛ ضَمَائِرُ خَوْتُ

مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحٍ وَبِرِ دُرُونِ هَائِي كِه اَز بَسِ نَسَبِ بِه تُو آكَاهِي يافته اند، فَرُوتَن گَشته اند؛ و بر اعضا و جوارحی کِه اَز رُوی فرمانبرداری بِه سَعَتِ اِلی اُوْطَانِ تَبَعِدِکَ طَائِعَةً ، وَأَشَارَتْ بِأَشْيَافِكَ مُرْدَعَةً ، سَوی مَحَلِ هَائِي عِبَادَتِ وَبِنَدِگِي تُو تَلَاشِ کَرده اند ؛ و با اعتراف بِه گَنَاهانِ خُودِ بِه سَمَتِ آمُرُوشِ تُو قَدَمِ بَرداشتِه اند ؛ آتَشِ رَا مَسَلَطَ مَا هَكَذَا الظُّنُّ بِكَ ، وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ ، مِي كَنِي؟ چَنینِ گَمَانِي نَسَبِ بِه تُو رَاهِ نَدَارَدِ وَدَربَارِهِ فَضْلِ وَبِزَرِگُوارِي تُو، اِینِ گُونِهِ بَرایِ مَآ بَازِگُو نَكْرَدِه اند؛ اِی بِزَرِگُورَا؛ اِی بَرُورِدِگَارِ وَأَنْتَ تَعَلَّمُ صَغْفَى عَن قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا ، وَمَا مِنْ اِینِ هَا دَر حَالِي اسْتِ کِه تُو مِي دَانِي، دَر مَقَابِلِ تَحَمُّلِ بَلَاهَائِي کَمِ دَنیاییِ وَمِجَازَاتِ اَنِ هَا تَابِ وَتُوَانِ نَدَارَمِ؛ بَجَرِي فِیْهَا مِنْ المَکَارِهِ عَلٰی اَهْلِهَا، عَلٰی اَنَّ ذَلِکَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ وَدَر بَرَابَرِ نَاخُوشِي هَائِي دَنیَا کِه بَر اَهْلِ دَنیاسْتِ نِیزِ تُوَانِ تَحَمُّلِ نَدَارَمِ؛ با اِینِ کِه اِینِ بَلَا وَمُصِیْبَتِي اسْتِ کِه قَلِيلٌ مَكْنُهُ ، یَسِیرٌ بَقَائُهُ ، فَصِیرٌ مُدَّتُهُ ، فَکَیْفَ اِخْتِمَالِي لِیَبْلَاٍ مَدَّتِ کَمِي مِي مَانَدِ، وَبَایَدَارِي اَنِ اِنْدَکِ وَزَمَانِشِ کُوتَاهِ اسْتِ. پَسِ، با اِینِ اوصافِ، مِنْ چِگونِهِ بَلایِ الْاٰخِرَةِ ، وَجَلِيلٌ وَقُوعِ المَکَارِهِ فِیْهَا ، وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ ، اٰخِرَتِ، وَنَاخُوشِي هَائِي طَاقَتِ فَرَسَايِشِ رَا تَحَمُّلِ کَنَمِ؟ دَر حَالِي کِه اَنِ بَلَائِي اسْتِ کِه مَدَّتِ اَنِ طُولَانِي، وَيَدُومُ مَقَامُهُ ، وَلَا يُخَفَّفُ عَن اَهْلِهِ ، لِاَنَّهُ لَا يَكُونُ اِلَّا عَنِّ وَمَانَدِگَارِيشِ دَائِمِي اسْتِ، وَنَسَبِ بِه اَهْلِ اَنِ نِیزِ تَخْفِيفِ پَذِيرِ نِیَسْتِ؛ چِرا کِه اِینِ (بِلا)

از غَضَبِكَ وَإِنْتِقَامِكَ وَسَيِّئَاتِكَ ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ غَضَبٌ وَانْتِقَامٌ وَخَشَمٌ تُو سِرْجَسْمَه گرفته است . و این، چیزی است که آسمان ها و زمین را یارای مقاومت در برابر آن نیست؛ وَالْأَرْضُ ، یا سَيِّدِي ، فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَجِزٌ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ ای آقای من؛ پس من چگونه این ها را تحمل کنم، با وجود این که بنده ای ضعیف، خوار، الْحَقِيزُ الْمَشِيكِيُّ الْمُسْتَكِينُ . یا إلهی وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَائِي ، كوچك، نیازمند و بیچاره هستم!؟ ای معبود من؛ و پروردگار من؛ و آقای من؛ و مولای من؛ أَيُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو ، وَلَيْمًا مِنْهَا أَصِحُّ وَأَبْكِي ، أَلَيْمَ الْعَذَابِ بَرَى كَدَامَ يَكُ مِنْ أَيْنِ أُمُورٍ بِه تُو شَكَائِتِ كُنْم؟ و برای کدام يك از آنها ضَجَه و ناله و گریه سر دهم؟ (آیا) برای دردناکی وَشِدَّتِيهِ ، أَمْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِيهِ ، فَلَيْتُ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ وَ سَخْتِي عَذَابِ؟ یا برای طولانی شدن و مَدَّتِ زِيَادِ مَصِيبَتِ وَ بَلَاءِ؟ (خدایا!) اگر برای عذاب، مرا در کنار أَغْدَائِكَ ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَاءِكَ ، وَفَوَّضْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ دُشْمَنَاتِ قَرَارِ دَهِي ، وَ مِيَانِ مَنْ وَ كَرَفَتَارَانِ بَلَايَتِ رَا جَمْعِ كُنِي ، وَ بَيْنِ مَنْ وَ أَجْبَاءِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ ، فَهَبْنِي يَا إلهی وَسَيِّدِي وَمَوْلَائِي وَرَبِّي ، دُوسْتَانِ وَ اَوَلِيَايَتِ جَدَائِي بِيْفَكْنِي ؛ گيرم که ای خدای من و ای آقا و مولا و پروردگار من؛ صَبْرْتُ عَلَيَّ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ ، وَ هَبْنِي صَبْرْتُ بَرِ عَذَابَتِ صَبْرٍ وَ شَكِيَايِي بُوْرزَم؛ ولي چگونه بر جدایی و فراق شکیبا باشم؟! گيرم که علی حَزَّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ ، أَمْ كَيْفَ بَرِ كَرَمِي وَ

سوزندگی آتش صبر کنم؛ ولی چگونه نسبت به محرومیت از تماشای کرامت و بزرگواریت، صبر کنم؟ یا چگونه، اَشْرِكُنْ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ . فَيَعْرِزُكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ با وجود آمدی که به عفو و بخشش تو دارم، در آتش دوزخ مسکن گزینم؟ ای آقا و مولای من؛ اَقْسِمُ صَادِقًا لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا، لَأَضَعَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا صَجِيجَ سَوِغَدٍ صَادِقَانَهُ مِي خورم، که اگر به من اجازه سخن گفتن بدهی، به طور حتم در بین دوزخیان فریاد اَلْمَاطِلِينَ ، وَلَأَصِيرُ حَنَّ إِلَيْكَ صِرَاحَ الْمُشْتَصِرِ حِينَ ، وَلَأَبْكِيَنَّ آرزومندان درخواهم داد و دردمندان صَجَه و ناله فریادرس جویان سرخواهم داد، و همانند عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ ، وَلَأَنَادِيَنَّكَ أَيَّنَ كُنْتُ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ ، عزیز از دست دادگان گریه های فراق خواهم کرد، و تو را ندا خواهم داد که: کجایی ای سرپرست مؤمنان؛ یا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ ، یا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ ، یا حَبِيبَ قُلُوبِ اِي نَهَائِتِ آرزوی عارفان و خداشناسان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ ای محبوب دل های الصَّادِقِينَ ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ . أَفْتَرَاكَ سَيِّئِحَانِكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ رَاسِتْگويان؛ ای معبود جهانیان؛ آیا پس ببینم تو را - ای کسی که منزه؛ ای خدای من و من به حمد تو مشغولم - تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِّنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ ، وَذَاقَ طَعْمَ كِه صَدَايِ بِنْدَه مَسْلَمَانِت رَا مِي شِنُوِي كِه در جهنم به خاطر مخالفت و نافرمانیش زندانی شده است؛ و به خاطر عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِي ، وَحُبْسِ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُزْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ مَعْصِيَتِ وَ گناهش مزه عذاب جهنم را چشیده است و بین طبقه های مختلف جهنم به خاطر جرم و گناهش زندانی شده است؛ او يَصِيحُ إِلَيْكَ صَجِيجَ مُؤْمَلٍ

لِرَحْمَتِكَ ، وَيُنَادِيكَ بِلسانِ أَهْلِ بَا صِجِّهِ وَ نَالِهِ ، بِه أُمِيد وَ آرزوی رحمت فریاد برمی آورد، و با زبان و طرز گفتار تَوْحِيدِكَ ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ . يا مَوْلای ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي يَگانه پرستانَت تو را ندا می دهد و توسل به ربوبیت و پروردگاری تو پیدا می کند. ای مولای من؛ چگونه این العذابِ وَهُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ جَلِيمِكَ ، أَمْ كَيْفَ تَوَلَّمَهُ النَّارُ بنده ات در عذاب باقی بماند با وجود این که به حلم و بردباری دیرینه ات امیدوار است؟ یا چگونه آتش او را به درد آورد ؛ وَهُوَ يَأْمُرُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتِكَ ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْبِهَا وَأَنْتَ با این که او به فضل و مهربانیت، آرزومند است ؟ یا چگونه زبانه های آتش، او را بسوزاند تَشْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ ، أَمْ كَيْفَ يَسْتَجِئُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ در حالی که صدایش را می شنوی و جایگاهش را می نگری؟! یا چگونه شعله ها و شراره های آتش او را در برگیرد در حالی که تَعْلَمُ ضَعْفَهُ ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ ، أَمْ نَاتَوَانِي او را می دانی ؟ یا چگونه با وجود راستگویی اش - که تو نیز از آن آگاهی - بین طبقه های جهنم بالا و پایین رود ؟ یا كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِئِهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يا رَبِّهٗ ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ چگونه مأموران آتش او را به سوی دوزخ می رانند در حالی که او ندا می دهد و می گوید: ای پروردگار من ؛ یا چگونه او به فضل تو امیدوار فی عَتَقِهِ مِنْهَا فَتَتَرَكُهُ فِيهَا ، هَيْهَاتَ ، ما ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ ، وَلاَ باشد تا رهايش کنی، ولی تو او را در

آتش وامی گذاری؟! نه هرگز! این بعید است و چنین گمان و اندیشه ای در مورد تو نیست؟ و این الْمُعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ ، وَلَا تُشْبِهْ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ مِنْ گونه در مورد فضل تو معروف نیست؛ و این، شبیه رفتار بزرگوارانه و بَرَكَةٍ وَإِحْسَانِكَ ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتُمْ بِهِ مِنْ تَعَذِّبِ نِكَوِي وَ إِحْسَانِ تُو، نسبت به یکتاپرستان نیست. پس یقین دارم و باورم بر این است که اگر حکم و دستور تو جَاحِدِيكَ ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَايِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا در مورد عذاب کردن منکرانت و جاودانه ماندن دشمنان خود در آتش؛ صادر نشده بود؛ به طور حتم) در روز قیامت،( تمام آتش را بَزْدًا وَسَيْلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًا وَلَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقْدَسْتُ سَرْدٌ وَ سَلَامَةٌ مِي كَرْدِي، وَ هِيْجَ كَسِ دَرِ اَنِ اسْتِقْرَارِ نَمِي يَافْتِ وَ جَا نَمِي كَرَفْتِ . لِيَكُنْ، تُو - كِهَ اَشْمَاؤُكَ اَقْسَمْتَ اَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ نَامِ هَايِ شَرِيْفَتِ پَاكِ وَ مَقْدَسِ اسْتِ - سَوِ كَنْدِ يَادِ كَرْدِي كِهَ جَهَنَّمَ رَا پَرِ اَزِ تَمَامِ كَافِرَانِ جَنِّي وَ اَنَسِي كَنِي، اَجْمَعِينَ ، وَ اَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَايِدِينَ ، وَ اَنْتَ جَلُّ تَنَاوُكَ قُلَّتْ وَ مَعَانِدَانِ وَ دَشْمَنَانِ سَرَسَخْتِ رَا بَرَايِ هَمِيْشِهَ دَرِ اَتَشِ نِگَاهِ دَارِي. وَ تُو - كِهَ مَدْحِ وَ ثَنَابِتِ شَكُوْهَمَنْدِ بَادِ - مُبْتَدِيًا ، وَ تَطَوَّلَتْ بِالْإِنْعَامِ مُنْكَرَمًا ، اَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ دَرِ اَعْاَزِ فَرْمُوْدِي، وَ دَرِ اَدَامِهَ نِيْزِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ بَرِ Bَخْشِيْدَنْتِ فَرِصْتِ دَادِي كِهَ : اَيَا كَسِي كِهَ اِيْمَانِ اَوْرَدِهَ بَا كَسِي كِهَ اَهْلِ فَاَسِيْعًا لَا يَشْتَوُونَ. اِلٰهِي وَ سَيِّدِي، فَاسْأَلْكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، فَسَقِ وَ بَدِي بَاشْ؛ مَسَاوِيْنْدِ؟! مَسَاوِي نِيْسْتَنْدِ . خدای

من؛ و آقای من؛ از تو می خواهم به واسطه قدرتت که آن را تقدیر فرمودی، و بِالْقَضِيَةِ الَّتِي حَكَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَعَلَيْتَ مَنْ عَلَيْهِ أُجْرَتُهَا، و دستوری که حتمی و لازم نمودی، و بر هر که اجرا کردی نیز پیروز شدی؛ أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُزْمٍ أُجْرِمْتُهُ، برای من ببخشی در این شب و این ساعت، هر جرمی که از من سر زده است، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ أَشْرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، و هر گناهی مرتکب شده ام، و هر زشتی که آن را پنهان داشته ام، و هر نادانی که انجام داده ام، كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَطَهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتِ بِإِثْبَاتِهَا أَنْ رَأَيْتُهَا كَتَمْتُهَا، یا علنی ساختم، پنهان کردم یا آشکار نمودم؛ و هر کار بدی را که به الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ نُوَيْسِنْدِ الْبُزْرِ الْبُزْرِ، و کاتبان و نویسندگان بزرگوارت دستور ثبت آنها را داده ای؛ همان نویسندگان بزرگوار که موظف به حفظ و ثبت اعمال من کرده ای و آنان را به شهوداً عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، همراه اعضا و جوارح خودم به عنوان شاهد و گواه رفتار من قرار داده ای؟ و از طرفی خودت نیز پیشاپیش آنها مواظب و مراقب رفتارم بوده ای وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ، وَبِقَضَايِكَ سَتَرْتَهُ، و هر چه از آنان مخفی شده است را نیز خودت گواه بوده ای؛ الْبَتَّةَ، کارهای مخفی را خودت به واسطه رحمتت پنهان نمودی و به فضل خودت وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ

أَوْ إِحْسَانٍ فَصَلُّهُ ، أَوْ بَرٍّ پُوشِيدِي . و از تو می خواهم فراوان کنی حظّ و نصیبم را از هر خیر و خوبی که فرو می فرستی، یا هر احسان و نیکی که لطف می کنی، یا هر خوبی نَشْرَبُهُ ، أَوْ رِزْقِي نَسِيطُهُ ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ ، أَوْ حَظًّا تَشْتَرُهُ . یا بین بندگانت پخش نموده ای ، یا روزی و نصیبی که گسترده ساخته ای، یا هر گناهی که بخشیده ای، یا هر اشتباهی که آن را پنهان زَبِّ یا زَبِّ یا زَبِّ ، یا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِي ، یا داشته ای. پروردگارا! پروردگارا! پروردگارا! ای خدای من؛ و آقای من؛ و مولای من؛ و مالک هستی من؛ ای مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي ، یا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَشْكَنَتِي ، یا خَيْرًا بِفَقْرِي کسی که اختیار و زمام من در دست اوست؛ ای کسی که بیچارگی و درماندگی ام را می دانی؛ ای کسی که از نیازمندی وفاقتی . یا زَبِّ یا زَبِّ یا زَبِّ ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْرَتِكَ ، و بی نوایی من آگاهی؛ ای پروردگارا! ای پروردگارا! ای پروردگارا! از تو می خواهم به حقّ خودت و پاکت، وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَايَكَ ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ و بزرگ ترین صفات و نام هایت؛ که تمام لحظه های شب و روزم را بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً ، وَبِحِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً ، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً ، با یادت آباد کنی؛ و پیوسته در خدمت خودت قرار دهی؛ و کارهایم را نزد خودت پذیرفته شده قرار دهی؛ حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا وَرِدًّا وَاجِدًا ، وَحَالِي فِي تَأْنٍ أَنْ تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا وَرِدًّا وَاجِدًا ، وَحَالِي فِي تَأْنٍ أَنْ تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا وَرِدًّا وَاجِدًا ، وَحَالِي فِي تَأْنٍ أَنْ تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا وَرِدًّا وَاجِدًا . یا سَيِّدِي



يا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي ، يا مَنْ إِلَيْهِ در خدمت تو پاينده باشد . ای آفای من؛ ای کسی که تکیه گاه و مورد اعتمادم، تنها تو هستی؛ ای کسی که بد حالی هایم را شَكْوَتْ اُخْوَالِي ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ، قُوْ عَلِي خِدْمَتِكَ تنها به تو شکایت می کنم؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ اعضا و جوارحم را برای خدمتگزاریت نیرومند کن، جوارحی ، وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي ، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي و دلم را بر قصد و آهنگ به سوی خودت محکم گردان، و نصیبم کن که به طور جدی از تو خَشْيَتِكَ ، وَالِدْوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي در هراس باشم، و همیشه و به طور دایم به خدمت تو بپردازم؛ تا در نتیجه در مَبَادِيِنِ السَّابِقِينَ ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ ، وَأَشْتاقَ إِلَيَّ مِدانِ هَایِ پِیشی گیرندگان به سوی تو روانه گردم ، و در زمره کسانی که نمودار گشته اند به سرعت به سوی تو بیایم، و در زمره قُوبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ ، وَأَذْنُوْ مِنْكَ دُئُو الْمُخْلِصِينَ ، وَأَخافَكَ مِشْتاقانِ با شوق فراوان به مقام قرب تو راه پیدا کنم ، و همچون نزدیک بودن اهل اخلاص به تو نزدیک گردم، و مَخافَةَ الْمُوقِنِينَ ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ . اَللَّهُمَّ وَمَنْ هَمَانِدِ ترسی که اهل یقین از تو دارند بترسم ؛ و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد آیم . بار الها ؛ هر کس اَرادَنی بِسُوءِ فَأَرِدُهُ ، وَمَنْ كادَنی فَكِدُهُ ، وَاجْعَلْنی مِنْ أَحْسَنِ قصد بدی در مورد من دارد، خودت در موردش قصد بد کن؛ و هر کس برایم مکر و حيله ای فراهم کند،

تو نیز با او مکر کن؛ و مرا از بهترین عبیدیک نصیباً عندک، و اقربهم منزله منک، و اخصهم زلفه بنده های بهره مند در نزد خودت، و از کسانی که نزدیک ترین جایگاه معنوی را نسبت به تو دارند، و بهترین درجه را به لدیک، فإنه لا ینال ذلک إلا بفضلیک، و جدد لی بچودک، و اعطف ایشان اختصاص داده ای، قرار ده؛ زیرا، این ها جز با فضل و فزون بخشی تو به دست نمی آید؛ و با سخاوت‌مندیت بر من بیخشی، و علی بمریدک، و احفظنی برحمتک، و اجعل لسانی بیدکرک لهجاً، با بزرگواری و شکوهت بر من عطوفت و مهربانی کن، و با رحمت مرا حفظ کن؛ و زبانم را به ذکر و یاد خود گویا، و قلبی بچبک مئیماً، و من علی بحسن إجابیک، و اقلنی عثرتی، و قلبم را از دوستیت بی قرار ساز، و با اجابت نیکو به درخواست من بر من منت گذار، و از لغزش من درگذر و اغفر زلتی، فإنک قضیت علی عبادک بعبادتک، و أمرتھم و لغزشم را نادیده بگیر؛ زیرا، تو به بندگانت دستور دادی تو را بپرستند، و بر آنان امر کرده ای بدعایتک، و صمنت لهم الإجابہ . فإلیک یا رب نصیبت و جہی، تا تو را بخوانند، و در مقابل نیز ضمانت کرده ای که اجابتشان کنی. پس پروردگارا؛ به سوی تو روی آورده ام، و إلیک یا رب مددتی یدی، فبجزتک اشیئتجبت لی دعائی، و دستم را تنها به طرف تو دراز کردم؛ پس، تو را به عزت سوگند؛ دعایم را مستجاب فرما، و بلغنی منای، و لا تقطع من فضلیک رجائی، و اکنفی شرّ

الْحِجْنَ و مرا به آرزویم برسان، و امیدم را از فضلت قطع مکن، و از شر دشمنانم چه جَنِّي وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي . یا سَرِيعَ الرِّضَا ، إِنْغَفِرْ لِمَنْ لَا يَتَّبِعُكَ إِلَّا وَجْهَ آدَمِي، مرا در امان دار و کفایتم کن. ای کسی که زود راضی می شوی؛ بیمارز کسی را که جز دعا کاری از دستش الدُّعَاءُ ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ ، یا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ ، نمی آید، زیرا، تو کاری را که بخواهی به طور کامل انجام می دهی. ای کسی که نامش، دواست؛ و یادش، شفاست؛ وَطَاعَتُهُ غِنَى ، إِزْحَمَ مَنْ رَأَسَ مَالِهِ الرَّجَاءُ ، وَبِإِسْلَاحِهِ الْبُكَاءُ ، و فرمان برداریش، مایه بی نیازی است؛ رحم کن به کسی که سرمایه اش امید است، و تنها اسلحه اش گریه است . یا سَابِغِ النِّعَمِ ، یا دَافِعِ النَّقَمِ ، یا نُورِ الْمُشْتَوِّحِينَ فِي الظُّلَمِ ، ای فرو ریزنده نعمت ها؛ ای برطرف کننده سختی ها و مجازات ها ؛ ای روشنی وحشت زدگان در تاریکی ها؛ یا عَالِمًا لَا يَعْلَمُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَفْعَلُ بِي مَا أَيْ عَالِمِي که تعلیم داده نشده ای ؛ بر محمد و آل محمد درود پیوسته بفرست ، و آن أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَنْبِيَاءِ الْمَيَامِينِ مِنْ إِلِهِ ، چنان که شایسته و بایسته توست با من رفتار کن. و درود پیوسته خداوند بر فرستاده اش و امامان پربرکت از آل او؛ وَسَلَّمْ تَشْلِيمًا كَثِيرًا . (۱۸)

و سلام بسیارش بر آنان باد .

.....(Anotates).....

(۱) آیه الله سید احمد مستنبط رحمه الله می گوید : ممکن است این چهار نفر از اصحاب بقیه ائمه علیهم السلام دارای فضیلت بیشتری بوده ،

بلکه بعید نیست معصوم باشند . و در حال حاضر نیز واسطه بین امام و شیعیان هستند ؛ همان گونه که در دوران غیبت صغری حدود هفتاد سال دارای این مقام بودند . (الزیاره والبیاره : ۱۳۲/۱)

(۲) مفتاح الجنّات : ۴۶۲/۱ به نقل از مصباح الزائر : ۵۱۴ .

(۳) بحار الأنوار : ۲۹۲/۱۰۲ .

(۴)

(۵)

(۶)

(۷)

(۸)

(۹) مکیال المکارم : ۳۳/۲ .

(۱۰) جمال الأسبوع : ۳۲۵ .

(۱۱) التحفه الرضویّیه : ۱۱۹ .

(۱۲)

(۱۳)

(۱۴)

(۱۵) إقبال الأعمال : ۵۸۰ .

(۱۶) بحار الأنوار : ۲۱۱/۱۰۰ .

(۱۷)

(۱۸) مصباح المتّهجد : ۸۴۴ ، مفاتیح الجنان : ۱۲۶ .

### خاتمه کتاب یا ملحقّات

#### بعضی از عباداتی که مورد توجه ....

در پایان کتاب ، به بیان برخی از مطالبی می پردازیم که حضرتش صلوات الله علیه به گونه ای دستور به انجام آن ها فرموده اند ؛ آن ها عبارتند از بعضی از دعاها و زیارت ها ، و برخی از دستورات و مطالبی که با موضوع کتاب مناسبت دارد . در ابتدا ، جریان سید رشتی رضوان الله علیه را بیان می کنیم ؛ زیرا جریان دیدار او ، مطالبی را در بر دارد که مولای ما امام زمان ارواحنا فداه به انجام آن امر فرموده اند .

محدّث نوری رحمه الله می فرماید : سید رشتی گفت : در سال ۱۲۸۰ (قمری) به قصد انجام حجّ حرکت کردم ، و از طرف رشت به تبریز رفتم . در تبریز به خانه حاج صفر علی تاجر معروف تبریزی رفته و به دلیل این که کاروانی برای عزیمت به حج نیافتیم ، سرگردان شده بودم ؛ تا آن که حاج جبار جلودار سده ای اصفهانی ، کاروانی برای رفتن به «طربوزن» تدارک دید .

من ، یک مرکب برای خودم از او کرایه کردم و به راه افتادم ، و وقتی به اولین

متزلگه بین راه رسیدم ، بنا بر تشویق حاج صفر علی تاجر ، سه نفر دیگر نیز به من پیوستند و با یکدیگر هم سفر شدیم ؛ آن سه نفر : ۱ - حاج ملا باقر تبریزی (که به نیابت از شخص دیگری عازم حج شده بود ، و نزد علما شناخته شده بود)؛ ۲ - حاج سید حسین تاجر تبریزی ؛ ۳ - مردی که خدمتکار بود ، و او را حاج علی می گفتند .

در بین راه به شهر «ارضروم» رسیدیم و از آن جا نیز عازم شهر «طربوزن» بودیم . در یکی از استراحتگاه های بین این دو شهر ، حاج جبار جلودار (رئیس کاروان) نزد من آمد ، و گفت : متزلگه بعدی که در پیش داریم ، ترسناک است ؛ بدین جهت ، لازم است عجله کنید و از قافله عقب نمانید .

زیرا ما در بین راه کمی از کاروان فاصله می گرفتیم ، حدود دو و نیم یا سه ساعت به صبح مانده بود ، که همگی با هم حرکت کردیم ، هنوز به طور تقریبی نیم فرسخ یا سه چهارم فرسخ از متزلگه قبلی دور نشده بودیم که ناگهان هوا دگرگون و تاریک شد ، و شروع به بارش برف کرد .

در این حال ، هر یک از دوستانم سرش را پوشانید و به سرعت ، حرکت کرد . من نیز چنین کردم ، لیکن نمی توانستم به سرعت آنان بروم ؛ آنان دور شدند و من تنها ماندم .

لذا ، از اسب پیاده شدم و در کنار جاده نشستم و به شدت دچار اضطراب و نگرانی شدم ؛ چون ، حدود ششصد تومان برای خرجی سفرم همراه داشتم . پس از

اندیشه در مورد وضعیتم، بدین نتیجه رسیدم که همان جا بمانم تا صبح شود، و به همان منزلگاه قبلی برگردم و از آن جا چند نفر را برای نگرهبانی از خود استخدام کنم، تا دوباره به کاروان برسم.

در همین اندیشه بودم که ناگهان باغی زیبا را در پیش رویم دیدم، و مشاهده کردم باغبانی در آن جاست و بیلی در دست دارد و برف ها را از شاخ و برگ درختان می ریزد. باغبان نزد آمد و به قدری پیش آمد که فاصله کمی بین من و ایشان بود. فرمود: تو کیستی؟

گفتم: دوستانم رفتند و من تنها ماندم، و راه را نیز بلد نیستم؛ سرگردان شده ام.

وی با زبان فارسی گفت: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی؛ و مقصودش نماز شب بود.

من مشغول نماز شب شدم، تا از تهجد فارغ گردیدم پس از آن دوباره نزد آمد و فرمود: آیا هنوز نرفته ای؟

گفتم: به خدا، راه را بلد نیستم.

فرمود: جامعه بخوان. من زیارت جامعه را حفظ نکرده بودم، و هیچگاه نمی توانستم آن را حفظ و بدون نگاه کردن به کتاب بخوانم؛ با این که بارها به حرم مطهر امامان علیهم السلام شرفیاب شده بودم، با این حال، در همان جا ایستادم و از حفظ شروع به خواندن زیارت جامعه کردم و آن را به طور کامل خواندم.

بار دیگر آن شخص آمد و فرمود: هنوز نرفته ای؟ بی اراده، اشکم سرازیر شد و گریستم؛ گفتم: این همه وقت است که این جا هستم، و راه

را بلد نشده ام!

فرمود: عاشورا بخوان.

در مورد زیارت عاشورا نیز همان وضع را داشتم، یعنی مانند زیارت جامعه نمی توانستم آن را از حفظ بخوانم، ولی برخاستم و بی اختیار آن را تا آخر خواندم و لعن و سلام و دعای علقمه را نیز قرائت کردم. دیدم دوباره آمد و فرمود: هنوز هم که نرفته ای؟!؟

گفتم: نه، تا صبح هم این جا می مانم.

فرمود: حالا من، تو را به کاروان می رسانم. رفت، و بر الاغی سوار شد و بیل خود را بر دوش گذاشت و آمد و گفت: پشت سر من سوار الاغ شو.

من سوار شدم و افسار اسبم را نیز به دست گرفتم ولی اسبم حرکت نکرد.

فرمود: افسار اسب را به من بده. افسارش را به دست آن شخص سپردم و او بیل خود را بر شانه چپ گذاشت و افسار اسب مرا با دست راست گرفت و به راه افتاد. اسبم، به گونه ای شکفت انگیز، گوش به فرمان او بود و به دنبال او به راه افتاد.

آن گاه دستش را بر زانویم نهاد و فرمود:

شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا. شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

ایشان به گونه ای مسیر را می پیمود که گویی زمین در زیر پایش درمی نوردد؛ ناگهان برگشت و به من فرمود: دوستان، آن ها هستند. دیدم که دوستانم در کنار نهر آبی فرود آمده اند، و از آب آن برای نماز صبح وضو

می گیرند .

من ، از الاغ پیاده شدم که سوار اسبم شوم ولی نتوانستم . ایشان ، از الاغ پیاده شدند و بیل خود را در میان برف ها زدند و مرا سوار بر اسبم نمودند . سپس ، سراسب را رو به محلی که دوستانم بودند ، گردانیدند .

در این اثناء بود که در خاطرم گذشت : این شخص کیست که به راحتی ، فارسی سخن می گوید ؟ با این که می دانم ، مردم این منطقه ، فقط به زبان ترکی ترکیه آشنا هستند ! بیشترشان نیز مسیحی اند . از طرفی ، چگونه با این سرعت ، مرا به دوستانم رسانید ؟ همین که برگشتم و به پشت سرم نگاه کردم هیچ کس را نیافتم و اثری از او ندیدم ؛ لذا نزد دوستانم رفتم .

نماز شب : آگاه باش ؛ فایده و ارزش نماز شب ، خارج از حدی است که بتوان بیان کرد ؛ چون نکات دقیق و اسراری دارد که در قرآن و احادیث، به طور مختصر بدان ها اشاره شده است . بدین جهت ، در برخی از روایات هنگام یاد از نماز شب ، سه مرتبه نام آن تکرار شده است .

شیخ کلینی و شیخ صدوق، و شیخ برقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت و سفارشات فرمود و دستور داد که آن ها را حفظ کرده و به آن عمل نمایند؛ آن گاه از خدای تعالی خواست تا آن حضرت را برای عمل به این سفارشات، یاری دهد . از جمله سفارشات یاد شده این است که فرمود



:

تو را به نماز شب سفارش می کنم؛ بر تو باد به نماز شب؛ بر تو باد به نماز شب .

در کتاب «فقه الرضا علیه السلام» نیز روایتی نزدیک به همین معنا ، آمده است .

زیارت جامعه : گروهی از علما تصریح فرموده اند که این زیارت ؛ بهترین و کامل ترین زیارت ها است .

عَلَمَة مجلسی رحمه الله پس از توضیح کوتاهی در مورد عبارت های زیارت جامعه که در دیگر زیارت ها چنین شرح و توضیحی نداده است می فرماید :

اندکی در شرح این زیارت کلام را طولانی کردم - گرچه حَقِّش را ادا نکرده ام - چون نخواستم سخن به درازا کشد ؛ چون این زیارت ، دارای صحیح ترین سند و مشهورترین راویان ، (فراگیرترین زیارت در مورد ائمه علیهم السلام) ، فصیح ترین الفاظ، رساترین معانی و بلندمرتبه ترین زیارات است .

زیارت عاشورا : در فضیلت و جایگاه آن، همین بس که سنخیت با دیگر زیارات ندارد؛ چون - گرچه سخنان و دستورهای معصومان علیهم السلام، از عالم بالا گرفته شده است، و این زیارت) به حسب ظاهر) و نیز دیگر زیارات، از دستورات معصومان علیهم السلام است؛ ولی - زیارت عاشورا، یک حدیث قدسی است و این عبارات، از جمله لعن، سلام و دعاهای آن، به همین شکل از خدای سبحان به جبرئیل امین و از او به حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم رسیده است .

تجربه نشان داده است که اگر چهل روز یا کمتر ، به طور دائم) هر روز) به خواندن این زیارت پرداخته شود ؛ هیچ داعی همانند آن برای برآوردن حاجات ، رسیدن به مقصود و دفع دشمنان وجود ندارد .

بهترین فایده ای که می توان از طریق مواظبت بر خواندن این

زیارت به دست آورد، آن چیزی است که یکی از اشخاص مورد اعتماد، نیکو رفتار و پرهیزگار، یعنی جناب حاج ملا حسن یزدی رحمه الله که از بهترین ساکنان شهر نجف بود، و پیوسته به عبادت و زیارت می پرداخت؛ از حاج محمد علی یزدی که او نیز مورد وثوق و اطمینان، نیکو رفتار، و از افراد فاضل و برجسته شهر یزد بود، می گوید:

مردی در یزد بود که از افراد نیک و برجسته بود. وی، شب ها به قبرستانی خارج از شهر یزد (که به زیارتگاه معروف بود) می رفت در آن زیارتگاه، چند تن از افراد صالح دفن شده بودند. سید احمد، همسایه ای داشت که از کودکی باهم بزرگ شده بودند، و معلم شان نیز یکی بود و باهم درس خوانده بودند تا آن که جزو صنف مالیات گیران دولت درآمد. البته این شخص از دنیا رفت، و محلّ دفنش نیز نزدیک همان مکانی بود که حاج محمد علی به عبادت می پرداخت.

وی، پس از مرگ آن شخص، او را با وضعی بسیار خوب و در نعمت های بهشتی مشاهده کرد. او در عالم خواب به طرف دوست مرده اش رفته و گفت: من از ابتدا تا پایان، و از ظاهر و باطن تو با خیر هستم؛ به خوبی نیز می دانم کسی نبوده ای که از نظر باطنی خوب باشی و کارهای زشت را بتوان حمل بر تقیه و پنهان کاری شرعی کرد، یا بتوان گفت به ناچار و برای کمک به مظلومان و ... وارد کارهای دولتی شده ای. کارهای تو، تنها سزاوار عذاب و بدبختی بود؛ بگو بدانم از کجا به این مقام و منزلت پس

از مرگ دست یافته ای؟!

گفت: درست است؛ همین طور است که گفتمی . من در عذاب سختی بودم و از روزی که مردم تا دیروز به شدت عذاب می شدم؛ تا آن که دیروز، همسر استاد اشرف آهنگر از دنیا رفت و در نزدیکی من حدود پنجاه متری بین قبر من تا جایگاه تو، دفن شد، دیشب که آن زن را در این جا به خاک سپردند، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام، سه مرتبه به دیدارش تشریف فرما شدند، و در مرتبه سوم دستور فرمودند تا عذاب را از تمام قبرستان بردارند. بدین جهت، من نیز راحت شدم و نعمت ها و شادی ها، مرا فرا گرفت.

وی، ناگهان از خواب پریده و چون استاد اشرف آهنگر و جای او را نمی شناخت، در بازار آهنگران به جستجو پرداخت و او را یافت؛ به آهنگر گفت: آیا شما همسر دارید؟

گفت: آری . او دیروز از دنیا رفته و در فلان مکان - همان مکان رانام برد - دفنش کردم ؟

گفت: آیا زنت به زیارت امام حسین علیه السلام شرف یاب شده بود؟ گفت : خیر .

پرسید: آیا برای آن حضرت عزاداری می کرد؟ گفت : نه .

گفت: آیا در خانه مجالس روضه تشکیل می داد؟ گفت : خیر .

آهنگر پرسید : مقصودت از این پرسش ها چیست؟ او نیز خوابش را تعریف کرد . و گفت: می خواهم بینم همسرت چه رابطه ای با امام حسین علیه السلام داشته است؟!

استاد اشرف آهنگر گفت : زخم ، پیوسته زیارت عاشورا می خواند .

پوشیده نماند، سید احمد) که این جریان در مورد او نقل شده است( از صالحان و پرهیزگاران بود، و در امور عبادی و زیارات، و ادای حقوق الهی و

حقوق مردم، و پاکیزگی و پاکی لباس و بدن از نجاسات و کثیفی‌ها؛ معروف بود.

## نماز شب

نیز، همگی او را به ورع و تقوا و نیکوکاری می‌شناختند و نزد مردم یزد و دیگر شهرها مشهور بود. البته، هر بار که زیارت می‌کرد نیز الطاف ویژه‌ای به او می‌رسید که نقلش در این جا مناسب نیست.  
(۱)

## نماز شب

اکنون به چگونگی نماز شب می‌پردازیم؛ پس از آن زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا را نیز نقل می‌کنیم.

نماز شب: زمانش از نیمه شب آغاز می‌شود، و هر چه زمان انجام آن به صبح نزدیک‌تر باشد، فضیلتش افزون‌تر است. البته اگر هنگام صبح، نماز گزار چهار رکعت از نماز شب را به جا آورده باشد، باید بقیه نمازها را بدون سوره و با حمد تنها انجام دهد.

نماز شب، هشت رکعت است که دو رکعت دو رکعت انجام می‌شود؛ مستحب است در دو رکعت اول در هر رکعت بعد از حمد، سی مرتبه سوره «توحید» را بخواند؛ در این صورت با پایان نماز، هیچ گناهی بین او و خداوند باقی نمی‌ماند.

هم چنین می‌تواند در رکعت اول پس از حمد، سوره «توحید» بخواند و در رکعت دوم سوره «کافرون» را قرائت کند و در نمازهای دیگر شش رکعت باقی مانده (هر سوره‌ای را خواست، بخواند.

نیز، می‌تواند در هر رکعت از هشت رکعت نماز شب، پس از حمد، سوره «توحید» را بخواند یا این که سوره‌ای نخواند و به حمد تنها بسنده کند.

(مستحب است بعد از دو رکعت اول، دعایی را که برای تعجیل فرج در ص ۱۹۸ نقل کردیم بخواند. و

بعد از رکعت چهارم، دعایی را که در ص ۲۰۰ نقل کردیم بخواند .)

قنوت نماز شب نیز مانند قنوت در نمازهای واجب ، مستحب است که در رکعت های دوم هر نماز ، قنوت خوانده شود . در ذکر قنوت می تواند سه مرتبه «سبحان الله» بگوید ، یا این دعا را بخواند :

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاغْفِرْ عَلَانَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، بار الها ؛ ما را ببخش ، و رحم کن ، و سلامتی بده ، و در دنیا و آخرت ما را ببخش ؛ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ .

به راستی که تو هر چیزی بخوای ، می توانی انجام دهی .

یا بگوید : رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ ، اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعَزُّ بِرُورِدِ گارا ؛ ببخش ، رحم کن ، از هر چه می دانی بگذر ؛ به راستی ، تو عزت مندترین ، اَلْاَجَلُ الْاَكْرَمُ .

باشکوه ترین ، و بزرگوارترین هستی .

روایت شده است : حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام ، هنگامی که شب ، در محراب عبادت می ایستادند ، می گفتند : اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِيْ سَوِيًّا ... «بارالها ؛ راستی ، تو مرا با اندامی متناسب آفریده ای ...» ، و این ، دعای پنجاهم صحیفه کامله سجادیّه است .

پس از انجام هشت رکعت نماز شب ، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر را به جا آورید ؛ در این سه رکعت نماز ، پس از «حمد» در هر رکعت سوره «توحید» را بخوانید ؛ تا ثواب یک ختم کامل قرآن را به دست آورید ؛ چون ، هر بار قرائت سوره «توحید» ، ثواب خواندن یک سوّم از قرآن را دارد .

نیز می توانید در رکعت اوّل شفع پس از «حمد» ، سوره «ناس» ؛ و در رکعت دوّم

پس از «حمد» ، سوره «فلق» را قرائت کنید .

پس از نماز شفع ، یک رکعت نماز وتر با سوره «حمد» و سوره «توحید» بخوانید ، و یا آن که بعد از سوره «حمد» سه مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و معوذتین - یعنی «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» - را قرائت کنید . پس از سوره ، دست ها را به دعا برداشته و در قنوت ، هر چه خواستید بخواهید .

شیخ طوسی رحمه الله می گوید : دعاهای قنوت ، بی شمار است ؛ و هیچ قنوت مخصوصی وارد نشده است که واجب باشد همان خوانده شود .

مستحب است انسان در حال قنوت از ترس خدا و هراس از عذاب الهی بگریزد ، یا حالت گریه کنندگان را به خود بگیرد؛ و برای مؤمنان دعا کند ، و مستحب است نام چهل مؤمن (شیعه) را یاد کند ؛ زیرا، هر کس برای چهل تن از شیعیان (مؤمنان) دعا کند ، دعای خودش نیز به خواست خداوند مستجاب خواهد شد . نیز، هر چه خواست پس از آن دعا کند .

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «من لا یحضر الفقیه» روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در قنوت نماز وترش این دعا را می خواند :

اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ فِيمَنْ هَدَيْتَ ، وَعَافِنِيْ فِيمَنْ عَافَيْتَ ، وَتَوَلَّنِيْ خَدَايَا ؛ در بین کسانی که هدایت می فرمایی مرا نیز هدایت کن، و در بین عافیت یافتگان مرا نیز سلامتی و عافیت ببخش، و هر که را سرپرستی فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ ، وَبَارِكْ لِيْ فِيمَا اَعْطَيْتَ ، وَقِنِيْ شَرَّ مَا قَضَيْتَ ، می کنی

مرا نیز در زمره شان در آور؛ و هر چه به من عطا فرمودی بابرکت گردان، و هر قضایی مقرر فرمودی مرا از سرّ و بدی آن حفظ کن؛ فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يَفْضِي عَلَيْكَ ، سُبْحَانَكَ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَسْتَغْفِرُكَ زِيْرًا تُوْحَكُم مِي كُنِي وُلي كُسي بر تُو حَكُم نَمِي كُنْد؛ مَنَزْهِي، اِي پُرورْدگار خانِه كَعْبَه؛ اَز تُو بَخْشِش مِي خُوْاهَم وَأَتُوْبُ إِلَيْكَ ، وَأُوْمِنُ بِكَ ، وَلَا تُوْكَلْ عَلَیْكَ ، وَلَا حُوْلَ وَلَا قُوَّةَ وَ بَه سُویت بازگشت مِي كُنَم، وَ بَه تُو اِيْمَان مِي آوَرَم، وَ بَر تُو تُوكل مِي كُنَم، وَ هِيچ نِيرو وَ جَنْبِشِي إِلَّا بِكَ يَا رَحِيْمُ .

جز از تو ، نيست ؛ اِي مَهْرِيَان .

سزاوار است در قنوت ، هفتاد مرتبه بگويد : «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي (وَأَتُوْبُ إِلَيْهِ) ؛ «طَلَب بَخْشِش اَز خُدا (پُرورْدگارَم) مِي كُنَم، وَ بَه سُوِيش بازگشت مِي نَمَايَم» .

شايسته است انسان، در اين هنگام دست چپ را بالا برده، و با دست راست تعداد استغفارهاي خود (هفتاد مرتبه) را بشمارد، (۲) و مستحب است سيصد مرتبه بگويد : «الْعَفُو» .

هر كس چَهار رَكَعت از نماز شب را پيش از اذان صَبِيح خوانده باشد ، مِي تُوَاند بَقِيَّه را پس از نماز صَبِيح بَه نِيْت ادا بَخُوَاند . هر كس نَمِي تُوَاند نماز شب را پس از نِيْمه شب بَخُوَاند ، جَايز است كِه آن را پيش از نِيْمه شب بَخُوَاند .

## زِيَارَت عَاشُورَا

زِيَارَت عَاشُورَا

الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِاللَّهِ ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنِي رَسُوْلِ اللّهِ ، سَلَامٌ بَر تُو اِي اَبَا عَبْدِاللّهِ؛ سَلَامٌ بَر تُو اِي پَسْر رَسُوْلِ خُدا؛ اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اِبْنِ سَيِّدِ الْوَصِيَّةِيْنَ ، اَلْسَّلَامُ سَلَامٌ بَر تُو اِي پَسْر اَمِيْر مُؤْمِنَان، وَ پَسْر سُرور اَوْصِيَا ؛ سَلَامٌ

عَلَيْكَ يَا بِنْتِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ الْعَالَمِينَ ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ بَرْتُو ، اِي پسر حضرت فاطمه، سرور زنان جهانيان؛ سلام بر تو، اِي خُونِ اللّهِ وَابْنِ نَارِهِ ، وَالْوَيْتَرَ الْمُؤْتُوْرَ ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَزْوَاجِ خِدا، و پسر خُونِ خِدا ، و خُونِي كِه بِه نَاحِقِ رِيخْتِه شُدِه و تا كُنُونِ اِنْتِقَامِشِ كِرْفْتِه نَشْدِه ، سَلَامِ بَرِ تُو و بَرِ رُوَانِ هَايِ پَاكِي اَلْتِي حَلَّتْ بِفِتَايِكِ ، عَلَيكُمْ مِنْي جَمِيعاً سَلَامُ اللّهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ كِه دَرِ اَسْتَانِ تُو اَرْمِيْدَنْد ؛ مَنْ ، بَرِ تَمَامِي شَمَا ، سَلَامِ الهِي رَا - تا زنده ام و وَيْتِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ . يَا اَبَا عَبْدِاللّهِ ، لَقَدْ عَظُمَتِ الزَّرِيَةُ ، وَجَلَّتْ تَا شَبِ و رُوْزِ باقِي اِسْت - نِنارِ مِي كِنَم . اِي ابا عبد اللّهِ ؛ بِه رَاسْتِي كِه سُوْگِ تُو بَسِيارِ بَزْرَگِ بُوْد ، وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ ، وَجَلَّتْ و مُصِيبَتِ تُو بَرِ مَا و بَرِ تَمَامِ مُسْلِمَانانِ بَسِيارِ كِرانِ و سَنگِيْنِ و بَزْرَگِ اِسْت ؛ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ ، و مُصِيبَتِ تُو دَرِ اَسْمَانِ هَا بَرِ تَمَامِ اَهْلِ اَسْمَانِ هَا بَزْرَگِ و كِرانِ اَمَد . فَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ اَسْسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ ، پَسِ خِدا لَعْنَتِ كِنْدِ مَرْدَمِي رَا كِه پايِه سَتَمِ و جَوْرِ بَرِ شَمَا اَهْلِ بَيْتِ رَا بِنَا نِهَادَنْد ؛ وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ دَفَعْتُكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ ، وَاَزَالَتُكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ اَلْتِي و خِدا لَعْنَتِ كِنْدِ مَرْدَمِي رَا كِه شَمَا رَا اَزِ جايگَاهِ تانِ دُورِ كِرْدَنْد ؛ و اَزِ مَرْتَبِهِ هَا و دَرَجَاتِي كِه رُتَبِكُمْ اللّهُ فِيهَا ، وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ قَتَلْتُكُمْ ، وَلَعَنَ اللّهُ اَلْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ خِداوند ، شَمَا رَا دَرِ اَن



مرتبه ها قرار داده بود، راندند؛ و خداوند لعنت کند کسانی را که شما را کشتند؛ و خدا لعنت کند کسانی را که پالتمکین من قتالکم، برئتُ إلى الله وإليكم منهم ومن أشباعهم زمينه جنگ را برای دشمنان با قادر ساختن آنان به جنگ با شما فراهم کردند؛ من به سوی خدا و شما از آنان، و از پیروان آن ها، و أتباعهم وأولياهم . يا أبا عبد الله ، إني سلم لمن سالمكم ، و دنباله روان آن ها، و دوستان و موالیان آن ها بیزاری می جویم . ای اباعبدالله؛ من، نسبت به کسانی که با شما سازش دارند، سازش دارم؛ و حزب لمن حازبكم إلى يوم القيامة ، ولعن الله آل زياد و با کسانی که به جنگ شما برخیزند ، سر جنگ دارم تا روز قیامت . و خدا لعنت کند آل زياد ، و آل مروان ، ولعن الله بنی أمیه قاطبه ، ولعن الله ابن مَرْجَانَه ، و آل مروان را، و خدا لعنت کند تمام افراد خاندان بنی امیه را ، و خدا لعنت کند پسر مرجانه را ، ولعن الله عمر بن سَعْدٍ ، ولعن الله شِجْرًا ، ولعن الله أُمَّه أَسْرَجَتْ و خدا لعنت کند عمر بن سعد را، و خدا لعنت کند شمر را ، و خدا لعنت کند مردمی را که اسب ها را زین کردند و أَلْجَمَتْ وَتَفَقَّيَتْ لِقِتَالِكْ ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي وَ لَجَامَ زَدْنَد ، و نقاب زدند برای جنگیدن با تو . پدر و مادرم فدایت ؛ به راستی که مصیبت تو بر من بسیار گران آمده است ؛ بِكَ ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ

وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يُزُقَنِي بِسِوَاكَ مِنْ خَدَاوَنَد ، كَه مَقَام وَ مَنزَلَت تُو رَا اِرْجَمَنَد سَاخْت ، وَ مَرَا نِيز بِه وَاسَطَه تُو گَرَامِي دَاشْت؛ دَرخَوَاسْت مِي كَنَم كَه رَا طَلَبَ تَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ خُونِ خَوَاهِي تُو بِه هَمْرَاه اِمَامِ پِيروزمندی از اهل بیت محمد - كَه دَرودِ خدَا بِرَاوِ وَ إِلِهِ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَ آلِ اَوْ بَاد - نَصِيبِم سَازِد . خدَايَا ؛ مَرَا نَزْدِ خَوَدَتِ بِه وَاسَطَه اِمَامِ حَسَنِ - كَه سَلَامِ بِرَاوِ بَاد - دَر الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ . يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَى اللَّهِ وَ اِلَى رَسُوْلِهِ دُنْيَا وَ آخِرَت ، اَبْرَوْمَنَد قَرَارِ بَدَه . اِي اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ؛ مَن بِه دَرگَاهِ خدَا وَ رَسُوْلشِ وَ اِلَى اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اِلَى فَاطِمَةَ وَ اِلَى الْحَسَنِ وَ اِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ ، وَ اَمِيْرِ مُؤْمِنَانِ ؛ وَ فَاطِمَه زَهْرَا ، وَ اِمَامِ حَسَنِ وَ تُو ، خَوَدِ رَا نَزْدِيكَ مِي سَازَمِ بَا دُوسْتِي وَ مِوَالَاتِ تُو ، وَ بِاَلْبِرِّ اَتَهِ وَ مَنُ فَاتَلِكَ وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ ، وَ بِاَلْبِرِّ اَتَهِ وَ مَنُ اَسَسَ وَ نِيزِ بَا بِيْزَارِي اَزِ هَرِ كَسِي كَه اَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ ، وَ اَبْرُؤُ اِلَى اللَّهِ وَ اِلَى رَسُوْلِهِ مَعَنُ پَايهِ سَتَمِ وَ جُورِ بِه شَمَا رَا بِنَا نِهَاد . وَ بِه خدَا وَ رَسُوْلشِ بِيْزَارِي خَوَدِ رَا اِعْلَامِ مِي دَارَمِ اَزِ كَسِي كَه اَسَسَ اَسَاسَ ذَلِكِ ، وَ بَنِي عَلَيْهِ بُيَاثَهُ ، وَ جَرِي فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ پَايهِ اَيْنِ كَارِهَا رَا بِنَا نِهَاد ، وَ بِنِيَانِ خَوِيْشِ رَا بِرِ اَنِ بِنَا نِهَاد ،

و ستم و جور خود را عَلَیْكُمْ وَعَلَىٰ أَشْيَاعِكُمْ . بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَیْكُمْ مِنْهُمْ ، وَأَتَقَرَّبُ بِرِشْمَا وَ شِیْعِیَانِ شِمَا رَوَا دَاسْت . بِه خِدا وَ نِیز بِه شِمَا بِیْزَارِی خُود رَا از آنان اعلام می کنم . وَ إِلَی اللَّهِ تُمَّ إِلَیْكُمْ بِمُؤَالَیْكُمْ وَ مَوَالَیِّكُمْ ، وَ بِالْبِرِّ آتِهِ مِنْ بِه سَوی خِدا وَ نِیز بِه سَوی شِمَا تَقَرَّبُ می جَویم ، با دوستی شِمَا وَ دوستی دَوستان شِمَا ، وَ نِیز با بِیْزَارِی جِستَن از اَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِیْنَ لَكُمْ الخُزْبِ ، وَ بِالْبِرِّ آتِهِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ دِشْمَنان شِمَا وَ كِسانی که آتِش جِنگ رَا عَلِیه شِمَا بِرِیا كَرْدَنَد ، وَ نِیز با اعلام بِیْزَارِی از پِروان شان وَ أَتْبَاعِهِمْ ، اِنِّی سِیَلَمُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ ، وَ خُزْبُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ، وَ وِلَیُّ وَ دِنباله رَوان آن ها . مَنْ با كِسانی که با شِمَا سَازش دارَنَد سَازش دارم ، وَ سِر جِنگ دارم با هر که با شِمَا سِر جِنگ دارد ، وَ دَوست لِمَنْ وَ الاكُم ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی اَكْرَمَنِ هِستَم نَسِبت بِه كِسی که با شِمَا دوستی كَند ، وَ دِشْمَن هِستَم نَسِبت بِه كِسی که با شِمَا دِشْمَنی كَند ؛ بِدین سان ، از خِداوند بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ اَوْلِیَائِكُمْ ، وَ رَزَقَتِی الْبِرِّ آتِهِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ ، اَنْ - که با شِناخت شِمَا وَ اَولِیای شِمَا بِرِ مِنْ اِرج نِهادد ، وَ بِیْزار بَودن از دِشْمَنان تان رَا نَصِییم سَاخته اسْت - دِرخواست می كَند تا یَجْعَلَنی مَعَكُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ ، وَ اَنْ یُثَبِّتَ لِی عِنْدَكُمْ قَدَمٌ دِر دِنیَا وَ اٰخِرَت ، مِرا با شِمَا قَرار دِهد ؛ وَ قَدَمِ رَاسِتی وَ دوستی نِزد شِمَا رَا صِدْقٍ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ ، وَ اسْأَلُهُ اَنْ یُبَلِّغَنی الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ دِر دِنیَا وَ اٰخِرَت بِرِایم

ثابت و استوار گرداند . و نیز درخواست می کنم مرا به جایگاه پسندیده ای که لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ شَمَا نَزِدَ خِدا دَارِيدَ بِرَسَانِدَ ؛ و خون خواهی را همراه امام هدایت گری از شما که آشکار ناطقِ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ ، وَأَشْيَأُ اللَّهُ بِحَقُّكُمْ ، وَبِالْشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ و گوینده به حق است ، نصیبم سازد . و از خدا درخواست می کنم به خاطر حق شما و به منزلتی که در عِنْدَهُ ، أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ پيشگاه او داريد ، به واسطه این که مصیبتی که به جهت شما به من رسیده ، پرارزش ترین ثوابی را که به مصیبت زدگان می دهد ، عطايم مُصِيبَةً مَا أَغْظَمَهَا وَأَغْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ كُنْدَ؛ مصیبتی که چه بسیار بزرگ بود، و سوگی که در اسلام و در تمام السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ أَسْمَانُهَا وَزَمِينُ، گران تمام شده است. بارالها؛ در این جایگاهی که هستم، مرا از کسانی قرار ده مِنْكَ صِلَوَاتٍ وَرَحْمَةً وَمَعْفُوَةً . اَللَّهُمَّ اجْعَلْ مَخِيَايَ مَخِيَا مُحَمَّدٍ كَمَا دَرُودَهَا وَرَحْمَتَ وَآمَرَشَ تُو، به ایشان می رسد. بارالها؛ زندگی و مرگ مرا همانند زندگی وَ اَلِ مُحَمَّدٍ ، وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ . اَللَّهُمَّ اِنَّ هَذَا وَ مَرَكِ مَحْتَرِدِ وَ اَلِ مَحْتَرِدِ قَرَارِ بَدَه . بارالها ؛ امروز، روزی نِيَوْمَ تَبَرَكْتُ بِهِنَّ اُمَّيَّةَ ، وَابْنُ اِكْلِهِ الْاَكْبَادِ اللّٰعِينُ بِنُ اللّٰعِينِ است که بنی اُمیّه و پسر زن (جگر خواره آن را مبارک شمردند؛ همان فرزند ملعون پسر فرد لعنت شده علی

لِسَانَكَ وَيُكَلِّمُكَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ بِرِزَانِ تُو وَ بِرِزَانِ بِمَابِرْتِ كِه دَرُودِ خِدا بِرِ اُو وَ آلِ اُو باد ؛ دَرِ هَرِ جَا كِه وَ مَوْقِفٍ وَ قَفَّ فِيهِ نَبِيِّكَ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلَيْهِ . اللَّهُمَّ الْعَنْ وَ قُوفِ كَرْدِ وَ جَايِ كَرَفْتِ بِمَابِرْتِ تُو - دَرُودِ خِدا بِرِ اُو وَ آلِ اُو باد - . بارِ الها ؛ اَبَا سُرَيْيَانِ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ ، عَلَيْهِمُ مِنَكَ اللَّعْنَةُ اَزِيدَ اَبُوسُفْيَانَ ، مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ رَا لَعْنَتِ كُنْ ؛ اَزِ سُوِيِ تُو لَعْنَتِ تا اَبَدِ وَ اَلْاَبَدِيْنَ ، وَ هَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ اَلْ زِيَادِ وَ اَلْ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمْ هَمِيْشِه بِرِ اَنِ هَا باد . وَ اَمْرُوزِ رُوزِيِ اسْتِ كِه آلِ زِيَادِ وَ آلِ مَرْوَانَ خُوشِحَالَ شَدَنْدِ كِه تُو اَنْسْتِه اَنْدِ اَلْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ حَسِيْنَ - كِه دَرُودِ هَايِ خِدا بِرِ اُو باد - رَا بِه قَتْلِ بَرِ سَاَنْسَدِ . خِدايَا ؛ بِه اَيْنِ خَاطِرْ ، لَعْنَتِ وَ اَلْعَذَابِ اَلْاَلِيْمِ . اللَّهُمَّ اِنِّي اَنْتَقَرُبُ اِلَيْكَ فِي هَذَا اَلْيَوْمِ ، وَ فِي وَ عَذَابِ دَرْدَنَاكْتِ رَا بِرِ اَيْشَانَ چَنْدِ بَرَا بِرِ كُنْ . بارِ الها ؛ بِه رَا سْتِيِ كِه مَنِ دَرِ اَيْنِ رُوزِ (عَاشُورَا) ، وَ دَرِ مَوْقِفِيِ هَذَا وَ اَيَّامِ حَيَاتِيِ بِالْبِرِّ اَتَه مِنْهُمْ ، وَ اَللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ ، اَيْنِ جَايِ كِه ، وَ دَرِ تَمَامِ رُوزِ هَايِ زَنْدِ كَانِيْمِ ، با بِيْزَارِيِ جِسْتَنِ اَزِ اَيْنِ دِشْمَنَانَ ، وَ لَعْنَتِ فَرِسْتَا دَنِ بِرِ اَيْشَانَ ؛ وَ بِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَ اَلِ نَبِيِّكَ ، عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

و با دوستی و موالات پیامبرت و آل پیامبرت - که بر او و بر ایشان درود باد - ؛ به تو تقرب می جویم و به درگاهت نزدیک می شوم .

سپس صد مرتبه بگویند : اللَّهُمَّ

الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ بَارِئِهَا؛ أَوْلِينَ كَسَى رَا كَه دَر حَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ سَتَم رَوَا دَاشْت، مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ . اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعَصَابَةَ الَّتِي وَآخِرِينَ فَرْدِي كَه دَر اَيْنِ سَتَمِ از او پيروى كَرْد، لَعْنَتِ كُن؛ خُدَايَا؛ جَمَاعَتِي رَا كَه بَه جَاهِدَتِ الْحُسَيْنِ، وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَيَّ قَتْلِهِ . اللَّهُمَّ نَبِرْد بَا حَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامِ پَر دَاخْت، وَگروهى كَه دَر كَشْتَنِ آن حَضْرَتِ از آنانِ پيروى، بِيَعْتِ وَ دِنْبَالَه رَوِي كَرْدَنْد، لَعْنَتِ كُن؛ خُدَايَا؛ الْعُنْهُمُ جَمِيعاً .

همه آن ها را لعنت كن .

سپس صد مرتبه بگوئيد : السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا أَبَا عَزِيدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ سَلَامٌ بَر تَوَايِ اِبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ بَر جَانِ هَا وَ رَوَانِ هَايِي الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيَّكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَيَّدَا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ كَه دَر آسْتَانَتِ آرْمِيدَنْد، سَلَامٌ هَمِيَشْگِي خُدَاوَنْدِ از مَن بَر تَوَا دَا هَنْگَامِي كَه مَن هَسْتَمِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ وَ شَبِّ وَ رَوْزِ بَاقِيِ اسْتِ . خُدَا اَيْنِ زِيَارَتِ رَا آخِرِينَ زِيَارَتَمِ از شَمَا قَرَار نَدَهْد؛ سَلَامٌ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ وَعَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ بَر حَسِينِ وَ بَر عَلِيِّ بِنِ الْحَسِينِ وَ بَر فَرَزَنْدَانِ حَسِينِ، وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ .

و بر ياران حسين .

آن گاه بگوئيد : اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّغْنِ مِنِّي، وَآيَّدَا بِهِ بَارِئِهَا؛ أَوْلِينَ ظَالِمٍ وَ سَتْمَكَارِ رَا بَه لَعْنَتِ مَن گَرَفْتَارِ كُن؛ وَ اَيْنِ لَعْنَتِ رَا اِبْتِدَا بَرِ أَوْلَا تُمْ الثَّانِي وَالثَّلَاثِ وَالرَّابِعِ . اللَّهُمَّ الْعَنِ يَزِيدَ خَامِساً، أَوْلِي، سَبْسِ دَوْمِي وَ سَوْمِي وَ

چهارمی بفرست . خدایا یزید را به عنوان پنجمین نفرشان لعنت کن، وَالْعُنْ عُيَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِقْرَةَ وَعَبِيدَ اللَّهِ فَرْزَنْدَ زِيَادٍ، و پسر مرجانه، و عمر پسر سعد، و شمر، و آل ابی سقیانَ وَالْزِيَادِ وَالْمُرَّوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . و آل ابوسفیان، و آل مروان را تا روز قیامت، لعنت کن . و در سجده بگوید: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ ، بار الها ؛ ستایش برای توست ، آن ستایشی که شکر گزاران بر مصیبت های شان نسبت به تو دارند ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ زَرِّيَّتِي . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ سَتَايشِ بَرَايِ خِدَاستِ دَرِ اَيْنِ مَصِيبَتِ بَزْرَگِ مَن . بار الها ؛ شَفَاعَتِ اِمَامِ حَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامِ رَا يَوْمَ الْوُرُودِ، وَتَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحَسَيْنِ وَأَصْحَابِهِ هَنَگَامِ وَرُودِ بَه صَحْنَةِ قِيَامَتِ نَصِييمِ كُنْ، و گام صادقانه را برای من با حسین علیه السلام و یارانش، در نزد خودت استوار کن؛ الْحُسَيْنِ ، الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهَجَّهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (۳) همان هایی که جان شان را به پای حسین - که درود بر او باد - ریختند . پس از زیارت دو رکعت نماز بخوانید، و بعد از آن دعای علقمه را قرائت کنید .

۱ . البلد الأمين : ۳۸۲ ، مفاتيح الجنان : ۹۰۲ .

عَلَمَه اميني رضوان الله عليه مي فرمايد : عَلَمَه مولى شريف شيرواني در كتاب «الصدق ج ۲ ص ۱۹۹» از مشايخ و اساتيد بزرگوارش يكي پس از ديگري تا از امام هادي عليه السلام روايت کرده است که آن حضرت فرمود :

هر کس زیارت عاشورا را بخواند و بعد از

آن يك مرتبه بگويد : اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ... تا به آخر ، و بعد از آن بگويد : اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً تَشِعاً وَتَشَعِينَ مَرَّةً ، و بعد از آن بگويد : اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ ، وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِئَاتِكَ تا به آخر ، سپس بگويد : اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ وَعَلَى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ تَشِعاً وَتَشَعِينَ مَرَّةً ، مانند کسی است که صد مرتبه لعن و سلام را از اول تا آخر به طور کامل خوانده است . (أدب الزائر : ۶۰)

در معنای این عبارت چند احتمال وجود دارد که به دو تا از آن ها اشاره می کنیم :

الف) پس از آن که يك مرتبه لعن را كاملاً گفت ، يك مرتبه بگويد : اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً تَشِعاً وَتَشَعِينَ مَرَّةً ، و پس از آن ، تمام سلام را بخواند و يك مرتبه بگويد : اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى ... تَشِعاً وَتَشَعِينَ مَرَّةً .

ب) پس از آن که يك مرتبه لعن را كاملاً گفت ، نود و نه مرتبه بگويد : اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً و پس از آن که يك مرتبه سلام را به طور كامل گفت ، نود و نه مرتبه بگويد : اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى ... اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ . احتمال اول ظاهرتر است و مانند آن در روايات وارد شده است ؛ نظير جريان حضرت نوح عليه السلام ، وقتی که آن حضرت قصد کرد سوار کشتی شود خداوند به او وحی کرد هزار مرتبه بگو : «لا إله إلا الله» و چون آن حضرت فرصت نداشت ، گفت : «لا إله إلا الله»







ایشان توسل و شفاعت به درگاهت می جویم؛ به حق ایشان اَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعِزُّمُ عَلَيْكَ ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ ، از تو درخواست می کنم و سوگندت می دهم؛ و به جایگاهی که آنان نزد تو دارند، وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ، و به ارزشی که نزد تو دارند، و به واسطه آن چیزی که آنان را بر جهانیان برتری بخشیدی ، وَبِاشْرَافِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ حَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ ، و به واسطه نامت که نزدشان قرار دادی و آن نام را تنها و تنها به ایشان اختصاص دادی و به هیچ یک از جهانیان ندادی ؛ وَبِهِ أَبْتَنُّهُمْ ، وَأَبْنَتْ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ حَتَّى فَاقَ فَضْلَهُمْ و به واسطه آن نام، ایشان را جدا کردی و فضل شان را نیز از فضل و ارزش دیگران جدا نمودی و در نهایت فضیلت آنان فَضْلَ الْعَالَمِينَ جمعاً . اَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ بر فضیلت و ارزش تمام جهانیان برتری یافت؛ (به واسطه همه این ها) از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد ، وَأَنْ تُكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي ، وَتُكْفِيَنِي الْمُهَمَّ مُحَمِّدَ دَرُودِ بِيُوسْتَه نثار کنی؛ و غم و اندوه و گرفتاری مرا برطرف کنی؛ و در امور مهم من اُمُورِي ، وَتَقْضِيَنِي عَنِّي دَيْنِي ، وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ ، وَتُجِيرَنِي مَرَا كِفَايَتِ كُنِي ؛ و بدهکاریم را از طرف من بپرداز، و از فقر و ناداری ، و از تنگدستی رهاییم بخشی ، مِنَ الْفَاقَةِ ، وَتُعِينِنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ ، وَتُكْفِيَنِي هَمَّ و مرا از درخواست کردن از مخلوقات بی نیاز کنی ،

و کفایتیم کنی از هم من اَخَافُ هَمَّهُ ، وَعُشِيرَ مِنْ اَخَافُ عَشِيرَهُ ، وَحُزُونََهُ مِنْ اَخَافُ وَ غَمِّ هَر كَه از هَمِّ و غَمِّ او می ترسم ؛ و از سَخْتِي هَر كَه از سَخْتِي او می ترسم، و اندوه هَر كَه از اندوه او می ترسم، حُزُونَتَهُ ، وَشَرَّ مِنْ اَخَافُ شَرَّهُ ، وَمَكْرَ مِنْ اَخَافُ مَكْرَهُ ، وَتَغْيَ و از شَرِّ هَر كَه از شَرِّ او می ترسم، و از نِيرِنِگِ هَر كَه از نِيرِنِگِ او می ترسم، و از سَتَمِّ مِنْ اَخَافُ نَبَغِيهِ ، وَجَوْرَ مِنْ اَخَافُ جَوْرَهُ ، وَسُلْطَانَ مِنْ اَخَافُ هَر كَه از سَتَمِّ او می ترسم، و از جَوْرِ هَر كَه از جَوْرِ او می ترسم، و از سَلْطَنَتِ و چِيرِگِي هَر كَه از سُلْطَانَتِهِ ، وَكَيْدَ مِنْ اَخَافُ كَيْدِهِ ، وَمَقْدَرَةَ مِنْ اَخَافُ مَقْدَرَتَهُ چِيرِگِي او می ترسم، و از دَامِ گَسْتَرِي هَر كَه از كَيْدِ او می ترسم، و از قَدْرَتِ مَنَدِي هَر كَه از تَوَانْمَنَدِي او بَر خُودَمِ می ترسم ، عَلَيَّ ، وَتَرَدَّدَ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدِ ، وَمَكْرَ الْمَكْرِ . اَللّٰهُمَّ مِنْ اَرَادَنِي و تَوَطَّنَهُ و مَكْرَ و حَيْلَةَ مَكَارِنَ و حَيْلَةَ گِرَانَ رَا نِيْزَ از مَن دُورِ كُنْ . بَارِ الْهَآ ؛ هَر كَسِ اِرَادَهُ بَدِّ بَرَايِمِ دَارِدْ ، فَمَا رَدَّهُ ، وَمَنْ كَادَنِي فَكَادُهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبِآسَهِ تُو دَر مَوْرَدِ او اِرَادَهُ فَرْمَا ، و هَر كَه دَامِ و تَوَطَّنَهُ اِي بَرَايِمِ دَارِدْ ، هِمَانَ رَا بَه خُودَشِ بَرگَرْدَانِ، و حَيْلَةَ و نِيرِنِگِ و بَدِي وَاْمَانِيَّتِهِ ، وَامْتِنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتُمْ وَاَنْتِي شِئْتُمْ . اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ و دَامِ هَايِشِ رَا از مَن بَرگَرْدَانِ؛ و هَر گُونَهِ مِي خُوَاهِي و هَر زَمَانِ مِي خُوَاهِي او رَا از مَن

باز دار. بار الها؛ او را مشغول کن عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجِيزُهُ، وَبِإِلَاقٍ لَا تَشْتُرُهُ، وَبِفَاقِهِ لَا تَسْرِدُهَا، وَبِسِرِّمَ بِفَقْرِي جَبْرَانِ نَاشِدِنِي، وَبِلَايِي أَشْكَارٍ وَبِنَهَانِ نَشِدِنِي، وَبِه تَنگدستی و نیازی که چاره ندارد، و بیماری لَا تُعَافِيهِ، وَذُلٌّ لَا تُعْرِضُهُ، وَبِمَسِيكِنِهِ لَا تُجَبِّزُهَا. اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذَّلِّ كِه عَافِيَتٍ وَبِهِوَدِي نَدَارِد، وَخَوَارِي كِه عَزَّتِي بَرَايَش نَبَاشِد، وَبِدَبْحَتِي جَبْرَانِ نَابَذِير. خدایا؛ ذَلَّتْ وَخَوَارِي رَا هِمَوَارِه نَضَبَ عَيْنِيهِ، وَأَذْخِلْ عَلَيَّ الْفَقْرَ فِي مَنَزِلِهِ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي نَصَبِ الْعَيْنِ أَوْ فِي مَقَابِلِ چشمتش قرار بده، و فقر و نیازمندی را وارد منزلش کن، و بدنش را گرفتار بیماری و درد کن؛ بَدَنِيهِ حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَأَنْتَبِيهِ ذِكْرِي تَا از یاد من بیرون رود با مشغله هایی که رهایی از آن وجود نداشته باشد؛ و بادم را از یادش ببر، كَمَا أَنْتَبَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنِّي بِسِرِّمَعِهِ وَبَصِيرِهِ وَبِلِسَانِهِ وَبِيَدِهِ هِمَانِ كَوْنِه كِه يَادَت رَا از یادش برده ای؛ و چشم و گوش و زبان و دست و وَرَجْلِيهِ وَقَلْبِيهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَأَذْخِلْ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكْ پَا و قلب و تمام اعضایش را مانع شو تا به من آسیبی نرساند، و تمام آن اعضایش را نیز السُّقْمَ، وَلَا تَنْسِفْهُ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكْ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ بيمار کن و شفایش مده، تا پیوسته مشغول بیماریش باشد و به فکر آزارِ ذِكْرِي، وَكَافِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا وَاز من و یاد من غافل گردد. و مرا کفایت کن؛ آنچه را که غیر تو

کفایت نمی کند؛ تو کفایت گری هستی که کافی سِوَاکَ ، وَمُفَرَّجٌ لَا مُفَرَّجَ سِوَاکَ ، وَمُعِیْتُ لَا مُعِیْتَ سِوَاکَ ، جز تو کفایت گر و بسنده ای وجود ندارد؛ و گشایشگری هستی که جز تو گشایشگری نیست؛ و فریادرسی هستی که جز تو فریادرسی نیست وَجَارٌ لَا جَارَ سِوَاکَ ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاکَ ، وَمُعِیْتُهُ سِوَاکَ ، و پناهنده ای هستی که جز تو پناهنده ای نیست ، به مطلوب نرسید هر کس به غیر تو پناه برد، و فریادرسش غیر تو باشد، وَمَفْرَعُهُ إِلَى سِوَاکَ ، وَمَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاکَ ، وَمَلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِکَ ، و پناهگاهش غیر تو باشد، و گریزگاهش به غیر تو باشد، و تکیه گاهش به غیر تو باشد وَمَنْجَاةٌ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِکَ ، فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي وَمَفْرَعِي وَمَحَلَّ نَجَاتِي جز تو باشد، پس تویی مورد اطمینان، امید، پناهگاه، وَمَهْرَبِي وَمَلْجَايَ وَمَنْجَايَ ، فَبِکَ أَسْتَتَفِیحُ ، وَبِکَ أَسْتَتَجِیحُ ، گریزگاه، تکیه گاه، و محل نجات من؛ بدین جهت است که تنها از تو درخواست پیروزی و کامیابی می کنم ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ ، وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشْفَعُ . فَأَسْئَلُکَ وَتَنْهَا بِنَهْیِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِسُورَةِ تَوْرٍ مِی آورم و توسل می جویم و شفاعت می طلبم . یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ ، فَلِکَ الْحَمْدُ ، وَلِکَ الشُّکْرُ ، وَإِلَیْکَ الْمُسْتَعِیْنُ ، فَأَسْئَلُکَ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَنْهَا بِنَهْیِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِسُورَةِ تَوْرٍ مِی آورم ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ، فَأَسْئَلُکَ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَنْهَا بِنَهْیِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِسُورَةِ تَوْرٍ مِی آورم ، از تو درخواست می کنم ، ای خدا؛

ای خدا؛ ای خدا؛ به حقّ محمد و آل محمدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تُكْشِفَ عَنِّی مُحَمَّد ، بر محمد و آل محمد درودی پیوسته نثار کنی و از تو می خواهم در غَمِّی وَهَمِّی وَكَرْبِی فی مقامی  
هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ هَمِينَ جَا كَه هَسْتَم بِرَطْفِ سَاذِی غَمِّ وَ هَمِّ وَ گِرْفَتَارِی اَم رَا هَمَانِ كُونَه كَه اَز پِیَا مِی ر عَزِی زَت ، گِرْفَتَارِی ، وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ ، فَكَشِفْتَ عَنِّی كَمَا كَشَفْتَ اَنْدُوه ،  
مَصِیْبَتِی ، بِلَا وَ تَرَسِ اَز دِشْمَنْشِ رَا بِرَطْفِ كَرْدِی وَ بِرَا یِشِ بَسَنْدَه بُوْدِی ، اَز مَن بِرَطْفِ كَن اَنْدُوه م رَا هَمَانِ كُونَه كَه اَز سَا حَتِ عَنُّهُ ، وَفَرَّجَ عَنِّی كَمَا فَرَّجْتَ عَنُّهُ ، وَاَكْفَيْتَنی كَمَا كَفَيْتَهُ ، وَاصْرِفْ مَقْدَسِ اَوْ  
بِرَطْفِ كَرْدِی ، وَ بِرَا یِ مِ گِشَا یِشِی عِنَا یَتِ فَر مَا هَمَانِ كُونَه كَه بِرَا یِ اَنْ حَضْرَتِ گِشَا یِشِ مَرْ حَمَتِ كَرْدِی ، وَ كَفَا یَتِ كَن مَرَا عَنِّی هَوْلَ مَا اَخَافُ هَوْلَهُ ، وَمُؤَوِّنَهُ مَا اَخَافُ مُؤَوِّنَتَهُ ، وَهَمِّ مَا هَمَانِ كُونَه كَه اَوْ رَا  
كَفَا یَتِ نَمُودِی ، اَز مَن بَگِرْدَانِ تَرَسِ اَنْجَه رَا كَه اَز اَنْ بِیْمَنَا كَم ، وَ زَحْمَتِ اَنْجَه رَا Kَه اَز زَحْمَتِ اَنْ تَرَسْنَا كَم ، وَ اَنْدُوه اَخَافُ هَمَّهُ بِلَا مُؤَوِّنَةٍ عَلَی نَفْسِی مِنْ ذَلِكْ ، وَاصْرِفْنِی بِقَضَا ِ اَنْجَه رَا Kَه اَز اَنْدُوه شِ  
هَرَا سَنَا كَم بَدُونِ زَحْمَتِی Kَه اَز اَنْ نَا حِیَه بِر مَن وَا رَدِ شُود . وَ مَرَا حَا جَتِ رُوَا بِرَگِرْدَانِ ؛ حَوَا نِجِی ، وَكَفَا یَتِی مَا اَهْمَنِّی هَمُّهُ مِنْ اَمْرِ اِجْرَتِی وَدُنْیَا یِ . وَ اَمُورِ مَهْمِ دُنْیَا وَ اَخْرَتِی رَا كَفَا یَتِ كَن وَ مَرَا بِرَگِرْدَانِ . یَا  
اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ ، عَلَیْكُمْ مِیْنِی سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا ای اَمِیْرِ مُؤْمِنَانِ ؛ وَ ای اَبَا

عبدالله؛ سلام الهی را پیوسته، ما بقیّت و بقیّ اللیل والنهار، ولا جعله الله اخر العهد من تا من هستم و تا شب و روز هست نثار شما دو بزرگوار می نمایم؛ خدا این زیارت را آخرین دیدار و زیارتی که، ولا فرق الله بینه و بینکما . اللهم اخینی حیوة محمد زیارتم از شما عزیزان قرار ندهد؛ و خدا میان من و شما جدایی نیاندازد. بار الها؛ مرا زنده بدار آن گونه که حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم و ذریّته ، و أمّتی مماتهم ، و توفی علی ملبّهم ، و احشونی فی و فرزندانش را زندگی بخشیدی؛ و مانند مردن ایشان بمیران ، و بر ملت و دین آنان قبض روحم کن ؛ و در زمرّتهم ، و لا تفرق بینی و بینهم طرفه عین اریدا فی الدنیا زمره شان محشور کن؛ و به قدر حتی یک چشم بر هم زدن بین من و ایشان در دنیا و الآخرة . یا امیر المؤمنین و یا ابا عبد الله ، اتیتکما زائراً و آخرت جدایی میفکن . ای امیر مؤمنان و ای ابا عبدالله الحسین؛ من، به عنوان یک زائر شما، و متوسلاً إلى الله ربی وربکما، و متوجّهاً إلیه بکما، و مستشفعاً و توسّل جوینده به خدا به واسطه شما دو نفر، و روی آورنده به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، و شفاعت طلب بکما إلى الله تعالی فی حاجتی هذه ، فاشفعالی ، فإن لکما عندی به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، در مورد این خواسته ام؛ خدمت تان شرفیاب شده ام. پس، برایم نزد خدا شفاعت کنید؛ الله المقام المحمود ، و الجاه الوجیه ، و المنزل الرفیع و الوسیله ، زیرا شما دارای مقامی ستوده شده،



آبرویی شایسته، و جایگاهی والا، و وسیله و واسطه نزد خدا هستید؛ اِنِّیْ اُنْقَلِبُ عَنْکُمْ مُنْتَظِرًا لِتَنْجِزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاجِهَا مِنْ مَنِّ اَزْ خِدْمَتِ تَانَ مَرْخَصِ مِیْ شَوْمِ وِلیِ اِنْتِظَارِ مِیْ کِشْمِ کِهْ خَوَاسْتِهْ اَمْ رَا حْتَمِیْ، بَرَأَوْرْدِهْ وَ کَامِیَابِ، اَللّٰهُ بِشَفَاعَتِکُمْ لِیْ اِلٰی اَللّٰهِ فِیْ ذٰلِکَ، فَلَا اُخِیْبُ وَلَا یُکُوْنُ مُنْقَلَبِیْ بِاِشْفَاعَتِ شَمَا نَزْدِ خُدَا، دَرِیَافَتِ کِنَمِ . خُدَا کِنْد، مَنِّ سَرِ خَوْرْدِهْ وَ نَاکَامِ نَشَوْمِ، وَ بَا زْ گِشْتَمِ مُنْقَلَبًا خَا نِیْرًا خَا سِیْرًا بَلُّ یُکُوْنُ مُنْقَلَبِیْ مُنْقَلَبًا رَا حِیًّا مُفْلِحًا بِاِ سَرِ خَوْرْدِ گِیْ وَ زِیَانِ هَمْرَاهْ نَبَاشْد؛ بَلْکِهْ بَا زْ گِشْتِیْ کَامِ یَا بَا نِهْ، اَمِیْدِ بَخْشِ، رَسْتِگَارِ مُنْجِحًا مُشْتَرِجًا بِاِ بَقْضَاءِ جَمِیْعِ خَوَآئِجِیْ، وَ تَشَفُّعًا لِیْ اِلٰی اَللّٰهِ . وَ پِیْرُو زَمَنْدَانِهْ اَزْ بَرَأَوْرْدِهْ شَدْنِ تَمَامِ حَاجَتِ هَا یَمِ بَاشْد؛ وَ - اَزْ شَمَا دُو نَفَرِ مِیْ خَوَاهِم - بَرَا یَمِ نَزْدِ خُدَا شَفَاعَتِ وِیْزِهْ اِیْ اِنْجَامِ دِهَیْد . اِنْقَلَبْتُ عَلٰی مَا شَاءَ اَللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ، مُفَوَّضًا اَثْرِیْ بِاِعْتِقَادِ وَ تَمَسِّکِ بِهْ اِیْنِ کِهْ تَنَهَا خَوَاسْتِ خُدَاوَنْدِ اِنْجَامِ مِیْ شُوْد، وَ نِیْزِ هِیْجِ نِیْرُوْ وَ جَنْبِشِیْ جِزْ اَزْ نَا حِیْهِ خُدَاوَنْدِ وَ جُوْدِ نَدَارْد، رِهْ سِیَارِ اِلٰی اَللّٰهِ ، مُلْجًا طَهْرٰی اِلٰی اَللّٰهِ ، مُتَوَكِّلًا عَلٰی اَللّٰهِ ، وَ اَقُوْلُ حَسْبِیْ مِیْ شَوْم؛ اَلْبِتَّهْ، اَمُوْرَمْ رَا بِهْ خُدَا یِ وَ اَکْدَارِ مِیْ کِنَمِ، وَ تَکِیْهْ بَرِ لَطْفِ اوْ مِیْ دِهَمِ، وَ تَوَكَّلْ بَرِ اوْ مِیْ کِنَمِ وَ مِیْ گُو یَم: اَللّٰهُ وَ کَفٰی ، سَمِیْعُ اَللّٰهِ لَیْنِ دَعٰی ، لَیْسَ لِیْ وَرَآءَ اَللّٰهِ وَ وِرَآءَکُمْ یَا خُدَا بَرَا یَمِ بَسْ وَ کَافِیْ اَسْت؛ خُدَا، دَعَا یِ هَمِهْ دَعَا کِنَنْدِ گَانِ رَا مِیْ شَنُوْد؛ بَرَا یِ مَنِّ جِزْ خُدَا وَ شَمَا - اِیْ سَادَتِیْ مُنْتَهٰی، مَا شَاءَ رَبِّیْ کَانَ، وَ مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یُکُنْ، وَلَا حَوْلَ بَزْرِ گَانِ مَنِّ - دَرِ گَاهِیْ نِیْسْت؛ هَرْ چِهْ پَرُوْرْدِ گَارَمِ بَخَوَاهْدِ هَمَانِ

می شود، و هر چه نخواهد به هیچ وجه انجام نمی شود؛ و هیچ نیرو و قوه ای بالله، اَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ، وَلَا جَعَلَ اللَّهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَجَنبِشِي جَزَازِ نَاحِيَةِ خَدَاوَنَد، نیست؛ با شما دو عزیزم خداحافظی می کنم؛ خدا نکند این آخرین ایلیکم. اِنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ، وَأَنْتَ يَا دِيَارْمَانَ بَاشِد. ای امیر مؤمنان، آقای من، مولای من؛ و نیز، تو ای ابا عبد الله یا سیدی، وَسَلَامِي عَلَيْكُمْ مُتَّصِلُ مَا اَتَّصَلَ اللَّيْلُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، ای آقای من؛ در حالی از خدمت تان رهسپار وطن می شوم که سلام من بر شما همانند اتصال شب و النهار، واصل ذلك ايليكم، غَيْرُ مَخْجُوبٍ عَنْكُمْ سِيْلَامِي اِنْ و رُوز، پیوسته و متصل خواهد بود، و به شما دو بزرگوار خواهد رسید، و امیدوارم که از رسیدن به شما باز نماند و پنهان نشود (ان شاء الله، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ اَنْ يَنْشَأَ ذَلِكُمْ وَيَفْعَلَ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. شاء الله). و نیز، به واسطه حق شما از خدا می خواهم که این را بخواهد و انجام دهد؛ زیرا خداوند ستوده شده و شکوهمند است. اِنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ، شَاكِرًا رَاجِعًا لِلْبِجَابِيَةِ، آفَايَان و سِرُورَانِ مِنْ؛ در حالی از خدمتتان رهسپار و مرخص می شوم که توبه کننده، ستایشگر، سپاسگزار و امیدوار به اجابت خداوند غیور ایس و لا قانط، اَيُّبًا عَائِدًا رَاجِعًا اِلَى زِيَارَتِكُمْ، غَيْرُ هَسْتَم، و مَأْيُوس و نَا اَمِيْد نِيْسْتَم؛ در حالی که خدمتتان خواهم آمد و دوباره زیارتتان خواهم کرد، و از شما رو نخواهم گرداند، رَاغِبٌ عَنْكُمْ، وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمْ، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ اِنْ شَاءَ



، و به برکت آن امام عزیز، خداوند باب مکاشفه را بر من گشود؛ مکاشفاتی که عقل های ضعیف، تحمل شنیدنش را ندارند.

در آن عالم مکاشفه - و اگر می خواهی بگو بین خواب و بیداری - در حالی که در رواق عمران نشسته بودم دیدم که در سامراء هستم، زیارتگاه آن دو امام علیهما السلام را دیدم که در نهایت ارتفاع و آراستگی است و بر مرقد پاک آن دو بزرگوار پوشش سبز رنگی دیدم که از لباس های بهشتیان بود و در دنیا نظیر آن را ندیده بودم.

در این حال، مولای مان و مولای همه مردمان امام زمان صلوات الله علیه را دیدم که پشت به ضریح و رو به درب حرم نشسته است. با دیدن آن حضرت، شروع به خواندن زیارت جامعه با صدای بلند مثل مداحان نمودم؛ پس از پایان زیارت، آن حضرت فرمودند: زیارت خوبی است.

عرض کردم: مولای من؛ جانم به قربانت؛ زیارت جدّ بزرگوارتان است، یعنی زیارتی است که از ناحیه جدّ بزرگوارتان امام هادی علیه السلام به ما رسیده است، و به قبر آن حضرت اشاره کردم.

فرمود: آری؛ وارد شو. پس از ورود، نزدیک درب ایستادم؛ فرمود: پیش بیا.

عرض کردم: مولای من؛ می ترسم بی ادبی شود، و کفر ورزیده باشم.

فرمود: اگر این کار با اجازه ما باشد، اشکالی ندارد. کمی پیش رفتم، و ترسان و لرزان بودم. فرمود: بیا جلو؛ بیا جلو. و آن قدر پیش رفتم که نزدیک حضرتش قرار گرفتم.

فرمود: بنشین. عرض

کردم: مولای من؛ می ترسم .

فرمود: نترس . همانند غلام و نوکری که در پیشگاه مولای بزرگواری می نشیند ، نشستم .

فرمود : راحت باش ، و چهار زانو بنشین؛ تو خسته هستی؛ پیاده و پابرهنه آمده ای .

خلاصه آن بزرگوار نسبت به غلام شان الطاف بزرگ نمودند، و گفتگوهای ارزشمندی کردند که توصیف آن و بازگو کردنش ممکن نیست؛ و بیشترش را نیز از یاد برده ام. سپس از خواب بیدار شدم و در آن روز شریف، اسباب زیارت فراهم شد، با آن که مدت طولانی بود که راه بسته بود، و موانع بزرگی در این راه ایجاد شده بود؛ به لطف خداوند راه باز شد و آن موانع برطرف گردید ، و من توانستم - همان گونه که حضرت فرموده بودند - با پای پیاده و برهنه، به زیارت مشرف شوم .

شبی در حرم شریف ماندم، و بارها این زیارت را خواندم ، در آن شب در بین راه نیز در حرم مطهر ، کرامت هایی عجیب ؛ بلکه - بهتر بگویم - معجزه هایی شگفت انگیز برایم آشکار شد که بیانش طول می کشد .

### زیارت جامعه کبیره

خلاصه شك ندارم که این زیارت ، از امام هادی علیه السلام رسیده و امام زمان ارواحنا فداه نیز آن را تأیید فرموده اند و بهترین و کامل ترین زیارت هاست ، و پس از خوابی که دیدم ، بیشتر اوقات ، امامان علیهم السلام را با این زیارت یعنی زیارت جامعه زیارت می کنم . و در عتبات عالیات ، آن بزرگواران را زیارت نکردم مگر با این زیارت و به همین جهت شرح و توضیح اکثر زیارت ها را به تأخیر انداختم تا به شرح این زیارت شریف بپردازم . (۶)

زیارت جامعه

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «من لا یحضره الفقیه»، و «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، از موسی بن عبدالله نخعی روایت می کند که گفت: به امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا؛ کلامی بلیغ و رسا به من بیاموز تا هنگام زیارت هر یک از شما عزیزان، بتوانم با آن، شما را زیارت کنم. حضرت فرمودند:

هنگامی که به درب حرم مطهر رسیدی بایست و بر یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم گواهی بده؛ یعنی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دَهْمِ جِزْ خِدا، مَعْبُودِي نِيست؛ يِگانِه است؛ شَرِيكَ نِدارد؛ و گواهي مي دهم كه حضرت مُحَمَّدٌ صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَزَّوَجَلَّ وَرَسُولُهُ.

- که درود خدا پیوسته بر او و آل او باد - بنده و فرستاده الهی است.

و در حالی که غسل داری وقتی که وارد شدی و قبر شریف را دیدی، بایست و سی مرتبه بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ»؛ سپس با آرامش و وقار در حالی که قدم هایت را نزدیک به هم برمی داری کمی راه برو. در این حال بیایست و سی مرتبه: «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو؛ سپس به قبر مطهر نزدیک شو و چهل بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» را تکرار کن. تا صد مرتبه تکبیر تمام شود. آن گاه بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ السَّلَامِ بِرِشْمَاءِ، أَيِّ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّتٍ؛ وَ مَحَلِّ قَرَارِ كَرَفْتِنِ رِسَالَتِ الْهِي وَ رِفْتِ

و آمد الملائکة، ومهبط الوحي، ومعبد الرخمة، وخزان العلم، فرشتگان، و فرود آمدن وحی و سخن خداوند، و معدن و گنجینه رحمت خداوند، و خزینه داران دانش، ومُنْتَهَى الْجَلْم، وَأَصُولَ الْكُرْم، وقادة الأمم، وأولياء النعم، و نهایت بردباری، و اساس و بنیان کرامت و بزرگواری، و پیشوایان ملت ها، و صاحب اختیاران همه نعمت ها، وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ، وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانَ وَعَنْصَرِهَاىِ اصلى نيكوکاران، و پشتيبان های نيكوکاران، و مدبر امور بندگان و رکن های البلاد، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَانِ، وَشَلَالَةَ النَّبِيِّينَ، شهرها، و درگاه های ایمان، و امینان خدای رحمان، و فرزندان پیامبران، وَصِفْوَةَ الْمُؤَسِّلِينَ، وَعَثْرَةَ خَيْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ و برگزیده پیامبران مرسل، و عترت بهترین برگزیده پروردگار هستی؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور ثابت وَبَرَكَاتِهِ. أَلْسَلَامَ عَلَى أَيَّمِهِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ دَائِمِي نَارَتَانِ بَاد. سلام بر امامان و پیشوایان هدایت، و چراغ های روشنی بخش در تاریکی ها، و پرچمداران تقوی، وَدَوَى النَّهْيِ، وَأَوْلَى الْجَحَى، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثِهِ پرهیزکاری و تقوا، و صاحبان عقل و خرد، و دارندگان ذکاوت، و پناهگاه مردم، و وارثان الأنبياء، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ الْخُشْنِي، وَخُجُوجِ اللَّهِ عَلَى پیامبران الهی، و نمونه و الگوی والا و برتر، و دعوت نیکو، و حجت های پروردگار بر أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. أَلْسَلَامُ مردم دنیا و آخرت و پیشینیان؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور

ثابت و دایمی نثاران باد . سلام علی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَهِ اللَّهِ ، وَمَعَادِنِ جَنَمِهِ اللَّهِ ، بر جایگاه های شناخت الهی؛ و منزلگاه های برکت خداوندی، و معدن های حکمت خدا، وَحَفَظِهِ سِرِّ اللَّهِ ، وَحَمَلِهِ كِتَابِ اللَّهِ ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ ، وَذُرِّيَّتِهِ وَنَهْجَانِ رَازِ خُداوند، و حاملان علوم و اسرار خداوند، و اوصیای پیامبر خداوند، و فرزندان رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . أَلَسَلَامُ فرستاده خداوند - که درود خدا بر او و آل او باد - و رحمت و برکات خداوندی نثارشان باد . سلام عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ ، وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ ، وَالْمُسْتَفْتِينَ بِرِ دَعْوَةِ كُنندگان به سوی خدا، و دلالت کنندگان بر آنچه مورد رضایت او است ؛ همان هایی که در اجرای دستور الهی پایدار و فی أَمْرِ اللَّهِ ، وَالتَّائِمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ پابرجایند، و محبت شان نسبت به خدا واقعی و کامل است، و اخلاص دارندگان در توحید و یکتائی خداوند هستند ، اللَّهُ ، وَالْمُطَهِّرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ ، الَّذِينَ وَ امر و نهی خداوند را آشکار می گردانند، و بنده های گرامی خداوند؛ همانان که لَا يَشِيقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند و خودشان به دستور او رفتار می کنند؛ و رحمت و برکات خداوند، نیز به طور دایم و ثابت نثارشان أَلَسَلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ ، وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ ، باد . سلام بر پیشوایان دعوت کننده (به سوی حق) و رهبران هدایت گر و سروران سرپرست ، وَالذَّادَةَ الْحُمَاهُ ، وَأَهْلَ الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ





، أَلْفَايُزُونَ بِكَرَامَتِهِ ، إِضِطْفَاكُمْ بِعِلْمِهِ ، آن ، و عمل کننده به اراده الهی، و رستگاران به کرامت او هستید . خدا شما را از روی آگاهی وازتصاکم لِعَيْنِهِ ، واختارکم لِمِزْرِهِ ، واجتباکم بِقُدْرَتِهِ ، وأَعَزَّكُمْ  
برگزید، و برای امور پنهانی خود پسندید، و برای رازهای نهانی خود اختیار کرده، شما را با قدرتش انتخاب کرد ، و بهداه ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ ، وَأَتَّجِبْكُمْ لِنُورِهِ ( ، وَأَيَّدَكُمْ بِهُدَايَتِ خُودِ شَمَا رَا  
عَزَّتْ مِنْد كَرْد ، و دلیل روشنش را به شما اختصاص داد، و برای روشنیش برگزید، بِرُوحِهِ ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ ، وَحُجَّجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ ، و با روح خود تأیید و تقویت کرد ، و به عنوان جانشینانش در  
زمینش پسندید؛ وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ ، وَحَفَظَهُ لِسِرِّهِ ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ ، وَمُسْتَوْدَعًا نِيزَ بِعَنْوَانِ حُجَّتِ هَايِ اُو بِرِ بِنْدِ گَانَش ، بَارَانِ آيِنَش ، نِگِهَانَانِ رَا زَش ، گنجینه داران دانشش ، محلّ ودیعه نهادن لِحُكْمَتِهِ ، وَتَرَا جَمَهُ  
لِوَحْيِهِ ، وَأَزْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ ، وَشُهَدَاءَ عَلَى حُكْمَتِهِ ، بِيَانِ كُنْنِدِه وَحِشِ بَرَايِ بِيَانِ مَقْصُودِ وَحِي ، پايه های توحیدش ، گواهان بر حَقِّهِ ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ ، وَأَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ . آفرید گانش ،  
نشانه های آشکار برای بندگانش ، محلّ نورافشانی در شهرهایش، و راهنمایان به راهش؛ شما را پسندید . عَصَمَكُمْ اللّهُ مِنَ الزَّلَلِ ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ خُودِ شَمَا رَا اَزِ لُغْزِشِ هَا حَفْظِ كَرْد ، اَزِ  
فِتْنِه هَا اِيْمِنِ دَاشْت ، و از هر گونه الدَّنَسِ ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا ، فَعَظَّمْتُمْ آلُودِ گِي پَاكِ گَرْدَانِيْد ، و هر گونه پليدي را از وجود شما دور گردانيد ، و به خوبی پاک و پاكيْزِه

گردانید؛ لذا، شما جلالت، و اکبریت شانه، و مجدت کرمه، و ادمت ذکره، و وکدت جلالش را با عظمت، و شأنش را بزرگ داشتید و کرمش را ثنا گفتید، و یادش را همیشه ادامه دادید، و میثاقه، و احکمت عمق طاعتیه، و نصیحتم له فی السرّ و العلانیه، بیمانش را تأکید نمودید، و قرارداد فرمان برداریش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار به انجام نصیحت و خیرخواهی پرداختید، و دعوتتم اِلی سبیلہ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، و یدلتکم و با حکمت و پند نیکو به راه او دیگران را فرا خواندید، و از انفسیکم فی مراضایه . و صبرتکم علی ما اصابکم فی جنبه، جان و روان خویش در راه رضا و خشنودی او گذشتید . و بر مصایبی که در کنارش بر شما وارد شد شکیبا بودید، و اقمتم الصلاه، و اتیتتم الزکاه، و امرتکم بالمعروف، و نهیتکم عن و نماز را بر پا داشتید و زکات را پرداختید و امر به معروف کرده و نهی از المنکر، و جاهدتکم فی الله حتی جهاده، حتی اعلتکم دعوتہ، منکر نمودید، و آن گونه که سزاوار بود در راه خدا جهاد کردید تا این که دعوت او را آشکار، و بیئتتم فرایضه، و اقمتم حدوده، و نشرتکم شرایع احکامیه، و فرایض او را بیان و حدودش را اقامه نمودید و دستورات احکامش را منتشر ساختید، و سننتم سننته، و صبرتکم فی ذلک منه اِلی الرضا، و سلمتکم له و روش او را سنت نهادید، و در این بین به سوی خشنودی او سیر کردید و به القضا،

وَصَدَقْتُمْ مِنْ رُؤْيِيهِ مَنْ مَضَى . فَالزَّائِغُ عَنْكُمْ مَارِقٌ ، حَكْمٌ وَفِرْمَانٌ أَوْ تَسْلِيمٌ شَدِيدٌ وَبِإِمْرَانٍ مَاضِيَةٍ أَوْ تَصَدِيقٌ نَمُودِيدٌ . بَسْ أَنْ كَمَا مِنْ رَاهِ شَمَا رُوْ كَرْدَانِدْ دَرِ وَاقِعِ مِنْ دِينِ خَارِجِ شَدِه ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لِاحِقٌ ، وَالْمَقْصَرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَمَلَاظِمٌ وَهَمْرَاهُ شَمَا بَهْ شَمَا بِيُوسْتَه ، وَآنَ كَمَا دَرِ حَقِّ شَمَا كُوتَاهِي كَرْدَه نَابُودِ گِشْتِ وَحَقِّ بَا شَمَاسْتِ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ ، وَمِيرَاثُ التَّبَوُّهِ وَدَرِ شَمَا وَبِهْ سُوِي شَمَاسْتِ ، وَشَمَا أَهْلِ حَقِّ وَمَعْدِنِ آنِ هَسْتِيدِ ، مِيرَاثِ بِيَامِرِي عِنْدَكُمْ ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ ، وَجَسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ ، وَفَضْلُ دَرِ اخْتِيَارِ شَمَاسْتِ ، وَبَارِ گِشْتِ آفَرِيدِ گَانِ بَهْ سُوِي شَمَاسْتِ وَحَسَابِ آنَانَ بَا شَمَاسْتِ ، وَسَخْنِي كَمَا حَقِّ وَبَاطِلِ الْخُطَابِ عِنْدَكُمْ ، وَآيَاتِ اللَّهِ لَدَيْكُمْ ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ ، وَنُورُهُ رَا فَيَصْلُهْ دَهْدِ دَرِ نَزْدِ شَمَاسْتِ وَآيَاتِ الْهِي دَرِ پِيشْگَاهِ شَمَاسْتِ ، وَآوَامِرِ وَدَسْتُورَاتِ قَطْعِي خَدَاوَنْدِ دَرِ شَمَا خَانْدَانِ اسْتِ وَنُورِ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ . مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ ، وَمَنْ وَبُرْهَانَ او نَزْدِ شَمَاسْتِ ، وَامْرُ او مَتُوخِهْ شَمَاسْتِ . هَرِ كَمَا وَلايْتِ شَمَا رَا دَاشْتَهْ بَاشْدِ بَهْ رَاسْتِي از وَلايْتِ خَدَا بَرِخُورْدَارِ اسْتِ ، وَهَرِ كَمَا عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهُ ، وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ بَهْ شَمَا دَشْمَنِي وَرَزْدِ بَهْ طُورِ قَطْعِ بَهْ خَدَا دَشْمَنِي وَرَزِيدَهْ اسْتِ وَهَرِ كَمَا شَمَا رَا دُوسْتِ بَدَارْدِ بَهْ يَقِينِ خَدَا رَا دُوسْتِ دَاشْتَهْ وَهَرِ

كِه فَقَدْ أُبْغِضَ اللَّهُ ، وَمَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ ، اَنْتُمْ اِز شَمَا كِيْنِه دَاشْتِه بَاشِد بِه يَقيِن اِز خِدا كِيْنِه وِرزيْدِه ، و هر كه به دامن شما چنگ زده در واقع به (الطاف) خدا چنگ زده است ، شما الصراط  
الاقوم ، وشهداء دار الفناء ، وشفعاء دار البقاء ، همان راه استوار و راست و گواهان دنياى گذرا و فناپذير و شفيعان جهان هميشگى آخرت والرحمة الموصوله ، والايه المخزونه ، والامانه المحفوظه ، و  
رحمت و مهر پيوسته و نشانه ذخيره شده و امانت حفظ شده والباب المبتلى به الناس . مَنْ اَتَيْكُمْ نَجِي ، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ وَهَمَان دَر گَاهِي كِه مَرْدَم بَدَان اَز مَوْدِه مِي شَوْنِد ، هَسْتِيْد . هر كس نزد شما آيد  
رهابى يابد ، و هر كس نيايد هلك ، اِلَى اللّٰهِ تَدْعُوْنَ ، وَعَلَيْهِ تَدْلُوْنَ ، وَبِه تُوْمِنُوْنَ ، وَكَلِه نَابُوْد مِي گَرْدِد ، شَمَا بِه سَوِي خِدا فَرَا مِي خَوَانِيْد و بَر او رَاهْنَمَائِي مِي كْنِيْد و بِه او اِيْمَان دَارِيْد ، وَتُسَيِّمُوْنَ ، وَبِأَمْرِهِ  
تَعْمَلُوْنَ ، وَ اِلَى سَبِيْلِهِ تُرْشِدُوْنَ ، وَبِقَوْلِهِ تَسْلِيْم او هَسْتِيْد و بِه دَسْتُوْر او عَمَل مِي نَمَائِيْد و بِه رَاه او اِرْشَاد مِي كْنِيْد و طَبَق فَرْمَائِيْش او تَحْكُمُوْنَ ، سِيَّعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ ، وَخَابَ مَنْ دَاوَرَى مِي  
كْنِيْد . اَنْ كِه وِلَايَت شَمَا رَا پَذيِرْفَت سَعَادَتْمَنْد گَرْدِيْد و اَنْ كِه بَا شَمَا دَشْمَنِي وِرزيْد هَلَاك و نَابُوْد گَرْدِيْد ، و اَنْ كِه جِخْدَكُمْ ، وَضَلَّ مَنْ فَاَرَقَكُمْ ، وَفَاَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ ، وَآمِنَ مَنْ مَنَكَرَ شَمَا شِد نُوْمِيْد  
گشت و اَنْ كِه اِز شَمَا جِدا شِد گَمْرَاه

گشت و آن که به شما چنگ زد رستگار شد ، و هر که به شما پناه آورد لَبِجاً إِلَيْكُمْ ، وَتَرَلِيمُ مَنْ صَدَقَكُمْ ، وَهُدَىٰ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ . مَنْ آيَمَنَ شَد ، و هر که شما را تصدیق کرد سالم ماند و هر که به شما پیوست و ملازم گردید هدایت یافت . هر کس اَتَّبَعَكُمْ فَالْبَيْتُ مَأْوِيهِ ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالْأَنْزَارُ مَثْوِيهِ ، وَمَنْ أَسْرَمَ عَلَيْكُمْ فَالْأَسْرَمُ مَنْكِرُكُمْ شَد کافر است و هر کس با شما جنگید مشرک است و هر کس حکم شما را رد کرد در پایین ترین ذَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ ، أَسْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى ، وَجَارٍ بَخْشِ دُوزَخِ جَايِ دَارِد . گواهی می دهم که این مقامات در گذشته برای شما بوده و در آینده نیز در لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَبِئَتَكُمْ وَاحِدَةٌ ، طَابَتْ حَقِّ شَمَا جَارِيِ اسْت ، و بدون تردید ارواح شما و نور شما و سرشت شما یکی است ، پاك است وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ . خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَ لَكُمْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَبَرَخِيِ اسْت دِيْكَرِ بِيْكَرِ بِيْكَرِ اسْت . خداوند شما را به عنوان نورهایی آفرید آنگاه شما را گرداگرد عرش خود قرار داد مُخْلِدينَ ، حَتَّىٰ مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ ، فَجَعَلَكُمْ فِي بِيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تَأْتِيَنَّكُمْ بِسَبَبِ وَجُودِ شَمَا مَنَّتِ نِهَاد ، پس شما را در خانه هایی قرار داد که اذن داد تُرْفَعُ

وَيَذَكِّرْ فِيهَا أَنفُسَهُمْ، وَجَعَلَ صِيَالَتَنَا (صِيَالَتَنَا) عَلَيْنَا، وَمَا بَلَدَ مَرْتَبَةَ غَشْتَهُ وَنَامَشَ فِيهَا بَرْدَهُ شَدِيدًا، وَصَلَوَاتُ وَدُرُودُ مَا رَا بِرِ شَمَا وَآنِجَهَ حَصَّنَا بِهِ مِنْ لِيَايَتِكُمْ، طَيِّبًا لِحَلْقِنَا، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَتَرْكِيهَ  
وِيْزَهَ مَا كَرْدَانِيْدَ اَزِ وِلَايَتِ شَمَا، بَاعَثَ پَاكِيْزَهَ بُوْدَنِ اَفْرِيْنَشِ مَا وَ پَاكِ شَدَنِ جَانِ مَا وَ تَرْكِيهَ لَنَا، وَكَفَّارَةَ لِذُنُوْبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِيْنَ بِفَضْلِيْكُمْ، وَمَعْرُوْفِيْنَ مَا وَ كَفَّارَهَ گِناهاَنِ مَا، قَرَارِ دَادِ. پَسِ مَا دَرِ پِيْشِگَاهَ  
اَوْ تَسْلِيْمِ بَرْتَرِيْ شَمَا بُوْدِيْمَ، وَ بَهِ بِتَّصْدِيْقِنَا اِيْبَاكُمْ. قَبْلَ عَالَمِ اللّٰهِ بِكُمْ اَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِيْنَ، وَ اَعْلَى تَصْدِيْقِ شَمَا شِنَاخْتَهَ شَدِيْمَ. پَسِ خِداوَنْدِ شَمَا رَا بَهِ شَرِيْفِ تَرِيْنِ جَايِگَاهَ گِرَاْمِيْ شَدِگَانِ وَ بِالْاَتْرِيْنِ مَنَازِلِ  
الْمُقَرَّبِيْنَ، وَ اَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُؤْمِلِيْنَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ مَنَزَلٌ هَا وَ مَرْتَبَةٌ هَايِ مَقْرَبَانِ وَ وَالْاَتْرِيْنِ دَرَجَهَ هَايِ پِيَامْبِرَانِ رَسَانِيْدِ، بَهِ گُوْنَهَ اِيْ كِهَ هِيْجِ مَلْحَقِ شُوْنِدَهَ اِيْ بَهِ اَنْ لَاحِقٌ، وَ لَا يَنْفُوْقُهُ قَلْبٌ، وَ لَا يَنْسِيْبُهُ سَابِقٌ،  
وَ لَا يَطْمَعُ فِيْ اِدْرَاكِهِ نَمِيْ پِيُوْنِدَدِ وَ هِيْجِ بَرْتَرِيْ جَوِيْ بَهِ اَنْ فَاتَقِ نِيَايِدِ، وَ هِيْجِ پِيْشِيْ گِيْرِنِدَهَ اِيْ بَدَانِ پِيْشِيْ نَكِيْرِدِ وَ هِيْجِ طَمَعِ كِنْدَهَ اِيْ بَهِ دَرَكِ اَنْ طَاوِعِ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقْرَبٌ، وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَ لَا  
صِدِّيْقٌ طَمَعِ نُوْرَزِدِ، تَا اِيْنِ كِهَ هِيْجِ فَرِشْتَهَ مَقْرَبِ وَ نَهِ پِيَامْبِرِ مَرْسَلِ وَ نَهِ صِدِّيْقِ وَ لَا شَهِيْدِ، وَ لَا عَالِمِ وَ لَا جَاهِلِ، وَ لَا ذَنْبِيْ وَ لَا فَاضِلِ، وَ لَا وَ نَهِ شَهِيْدِ وَ نَهِ دَاوَا وَ نَهِ نَادَاوَا وَ نَهِ پَسْتِ وَ نَهِ شَرِيْفِ وَ نَهِ مُؤْمِنِ صَالِحِ  
، وَ لَا فَاجِرِ طَالِحِ، وَ لَا جَبَّارِ عَنِيْدِ، وَ لَا شَيْطَانِ مُؤْمِنِ شَايِسْتَهَ وَ نَهِ بَدِكاَرِ

ناشایسته و نه سرکش عناد پیشه و نه شیطان مرید، وَلَا خَلِقُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَهُ أَفْرِكُمْ، متمرد و نه آفریدگانی که در این میان گواهند، نیستند مگر آن که به آن ها شناسانده جلال امر شما را وَعَظَمَ خَطَرَكُمْ، وَكَبَّرَ شَأْنَكُمْ، وَتَمَامَ نُورِكُمْ، وَصَدَقَ وَعَظَمَتْ مَنَزَلَتُكُمْ، و بزرگی شأن شما را و تمامیت نور شما را و عظمت منزلت شما را و شرافت موقعیت شما را و منزلت شما را در پیشگاه او وَكَرَامَتَكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتْكُمْ لَدَيْهِ، وَفَرَّبَ مَنَزِلَتَكُمْ مِنْهُ. بِأَبِي وَكَرَامَتِ شَمَّا رَا پِيش او و مخصوص بودن شما را نزد او و منزلت نزدیک شما را به او. پدرم، أَنْتُمْ وَأُمَّيْ وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مَادَرَمُ وَخَانَوَادَه ام و دارایی ام و خاندانم فدای شما باد، خدا و شما را گواه می گیرم که به راستی من مُؤْمِنٌ بِكُمْ، وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ يَعِدُّوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، به شما و آنچه شما ایمان آوردید، ایمان دارم و به دشمن شما و آنچه شما بدان کفر ورزیدید کفر می ورزم، مُشْتَبِهُ بِشَأْنِكُمْ، وَبِضَلَالِهِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ به شأن شما و به گمراهی مخالفان شما بصیرت و بینش دارم، دوستدار شما وَالْأَوْلِيَاءُ نَكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلِّمْ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، و دوستان شما هستم، کینه دشمنان را به دل گرفته و با آنان دشمنی



دارم ، با آن که با شما از در آشتی آید در صلح و آشتیم و خَوْبَ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ، مُحَقَّقٌ لِمَا حَفَقْتُمْ ، مُبْطِلٌ لِمَا أُبْطِلْتُمْ ، و با آن که با شما در جنگ باشد در جنگم ، آنچه را شما اثبات کردید من ثابت می دانم ، و آنچه شما ابطال کردید باطل می دانم ، مُطِيعٌ لَكُمْ ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ ، مُؤَيِّدٌ بِفَضْلِكُمْ ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ ، پیرو شما هستم ، به حقّ شما عارفم و به فضل و برتری شما معترف هستم ، دانش شما را تحمل می کنم و پذیرا هستم ، مُخْتَجِبٌ بِذَمِّكُمْ ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ ، مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ ، مُصَدِّقٌ و در پناه شما پنهان شده ام ، به شما معترف و به بازگشت شما مؤمن و بَرِّجِعْتِكُمْ . مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ ، اخذٌ بِقَوْلِكُمْ ، رجعت شما را تصدیق کننده ام . منتظر امر شما ، در انتظار دولت شما و گیرنده گفتار شما ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ ، زَائِرٌ لَكُمْ ، لَا يَذُ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ ، اجرا کننده فرمان شما هستم ، به شما پناهنده بوده ، زائر شما هستم ، به قبور شما پناه گرفته مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ ، وَمَتَقَرَّبُ بِكُمْ إِلَيْهِ ، وَمُقَدِّمُكُمْ تَوْسِطَ شِمَا بَه دَر گَاه خدَا شِفَاعَتِ مِي طَلِبِمْ ، و به وسیله شما به او تقرب می جویم ، و شما را پیشاپیش اَمَامِ طَلِبَتِي وَخَوَائِجِي ، وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَخْوَالِي وَأُمُورِي ، حَوَائِجِمْ وَخَوَاسْتِه هَائِمِمْ دَر هَمِه حَالَاتِمْ وَكَارِهَائِمِمْ قَرَار دَادِه ام . مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ ، وَشَاهِدُكُمْ وَعَانِيَتِكُمْ ، وَأَوَّلِكُمْ مِنْ بَه نِهَانِ وَآشكَارِ شِمَا ، شَاهِدِمْ وَغَائِبِ شِمَا

أَوَّلَ وَآخِرِكُمْ ، وَمُؤَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ ، وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ ، وَآخِرُ شِمَا إِيْمَانٍ دَارِمٌ ، وَهَمَّةٌ أُمُورِمٌ رَا بِهَ شِمَا وَآكَذَارِدِهَ أَمٌ ، وَبِهَ هَمْرَاهَ شِمَا دَرِ آنَ تَسْلِيمِ شِمَا هَسْتَمٌ ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِيعٌ ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ ، حَتَّى وَدَلْمٌ بَرَاىَ شِمَا تَسْلِيمِ وَبَدِيرَا ، وَرَأْيِمُ بِيرُو شِمَاسْتِ وَبَارِيْمُ بَرَاىَ شِمَا آمَادِهَ اسْتِ تَا يُحْيِي اللّهُ تَعَالَى دِيْنَهُ بِكُمْ ، وَيُرْدِكُمْ فِي أُنْيَامِيهِ ، وَيُظْهِرَكُمْ أَنْكَاهَ كِهَ خَدَاوَنْدِ دِيْنِشَ رَا تَوْسَطِ شِمَا حَيَاتِ جَدِيدِي بِيخْشَدِ وَشِمَا رَا دَرِ دُورَانِ خُودِ بَا زِ گَرْدَانْدِ ، وَشِمَا رَا لِعَدْلِيهِ ، وَيُتَمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِيهِ . فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ ، بَرَاىَ دَادِ گَرِيْشِ آشْكَارِ كَنْدِ وَدَرِ زَمِيْنِشِ قَدْرَتِ وَتَوَانْمَنْدِي دِهْدِ . پَسِ كَسِي كِهَ بَا شِمَا اسْتِ فَقَطْ بَا شِمَا اسْتِ ، نِهَ بَا غَيْرِ شِمَا ، اِمْنْتُ بِكُمْ ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهَ أَوْلَكُمْ ، وَبَرْتُّتُ إِلَى بِهَ شِمَا إِيْمَانِ آوَرْدَمُ وَوَلَايَتِ وَسَرِپَرَسْتِي آخِرِيْنِ شِمَا رَا بَسَانِ نَخَسْتِيْنِ شِمَا قَبُولِ نَمُودَمُ ، وَبِيْزَارِي مِي جَوِيْمُ بِهَ سُوِي اللّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْيِدِ آيْكُمْ ، وَمِنْ الْجَبْتِ وَالطَّاعُوْتِ وَالشَّيْطَانِيْنِ خَدَاوَنْدِ مَتَعَالِ ازِ دَشْمَنْتَانِ وَازِ جَبْتِ وَطَاغُوْتِ وَشَيْطَانِ هَا وَحَزْبِيْهِمُ الظَّالِمِيْنِ لَكُمْ ، الْجَاوِدِيْنِ لِحَقُّكُمْ ، وَالْمَارِقِيْنِ مِنْ وَحَزْبِ هَاىَ آنَا ؛ هَمَانِ هَايِي كِهَ بِهَ شِمَا سَتَمُ كَرْدِهَ ، حَقِّ شِمَا رَا مَنكَرُ شُدِهَ ، وَازِ وِلَايَتِكُمْ ، وَالْعَاصِيِيْنِ لِإِذْنِكُمْ ، الشَّاكِيِيْنِ فِيكُمْ ، الْمُتَحْرِفِيْنِ وَوَلَايَتِ شِمَا خَارِجِ شُدَنْدِ ، وَارْثِ شِمَا رَا غَضَبِ نَمُودِهَ وَدَرِبَارِهَ شِمَا بِهَ تَرْدِيْدِ افْتَادِهَ وَازِ شِمَا مَنَحْرَفِ



دارایم فدای شما باد ، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنَّاكُمْ ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ هَرَّ كَمَا خَدَا رَا ارَادَه كَرْد بَه شَمَا آغَاظ كَرْد وَ هَر كَه اُو رَا بَه بِيگَانِگِي شَنَاخْت اَز شَمَا پذيرفت وَ هَر كَه اُو رَا قَصْد كَرْد مَتَوَجَّه بِكُمْ . مَوَالِي لا اُخْصِي تَنَاكُمْ ، وَلَا اَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ ، شَمَا شَد . مَوَالِيَان مَن ؛ قَدْرَت شَمَارَش ثَنَاي شَمَا رَا نَدَارْم وَ بَا مَدْح شَمَا هَر كَر بَه كُنَه وَ حَقِيْقَت شَمَا رَاه پيدا نَمِي كَنَم ، وَمِنَ الوُضْفِ قَدْرُكُمْ ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ ، وَهُدَاهُ الْأَثْرَارِ ، وَ بَا تَوْصِيْفِ شَمَا هَر كَر بَه قَدْر وَ مَتَزَلْت شَمَا نَمِي رَسْم ، وَ شَمَا نُورِ نِيكَانِ وَ هِدَايَتِ صَالِحَانِ وَ حُجَّجِ الْبَجَارِ ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ ، وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ وَ حِجَّتِ هَايِ خُدَايِ جَبَّارِ هَسْتِيْد ، خُدَاوَنْد بَه وَسِيْلَه شَمَا (عَالَمِ هَسْتِي رَا) اِفْتِتَاحِ وَ بَه تَوْسُطِ شَمَا پَايَانِ مِي دَهْد وَ بَه سَبَبِ شَمَا الْعَيْثُ ، وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ، بَارَانِ مِي فَرَسْتَد ، وَ بَه وَسِيْلَه شَمَا آسْمَانِ رَا نِگَاهِ دَاشْتَه تَا بَرِ زَمِيْنِ - جَزِ بَه فَرْمَانِش - نِيْفْتَد ، وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ ، وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ ، وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ ، وَ بَه وَسِيْلَه شَمَا غَضَه وَ اَنْدَوَه هَا كَشُوْدَه وَ زَابِلِ مِي كَرْدَد وَ بِيْجَارِگِي هَا بَرَطْرَفِ مِي شُوْد ، وَ اَنْجَه بَه پِيَامْبِرَانِش فَرُو فَرَسْتَادَه وَ هَبَطْتُ بِه مَلَايَكْتُهُ ، وَ اِلَى جَدُّكُمْ - وَ اِكْرَ زِيَارَتِ اَمِيْرَالْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامِ بَاشَد وَ فَرَشْتِكَاْنِ بَه اَنْ فَرُوْدِ اَمْدَه اَنْد نَزْدِ شَمَا سْتِ وَ بَه سُوِي جَدَّتَانِ بَجَايِ وَ اِلَى جَدُّكُمْ بَگُو : وَ اِلَى

أَخِيكَ - بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ . اتَاكُمْ - و به برادرت - روح الأمين برانگیخته شده . اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ، طَاطًا كُلَّ شَرِيفٍ لِيَسْرِفَكُمْ ، خداوند به شما مقاماتی را داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است ، هر فرد شریفی در برابر شرافت شما سر فرود آورده و بَخَعُ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِبَطَاعَتِكُمْ ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِقَضَائِكُمْ ، وَذَلَّ كُلُّ وَهْرٍ سِرْكَشِيٍّ دَرِ بَرَابَرِ فَرْمَانِ شِمَا گِردَن نِهَادِه اِسْت ، و هر جبار و زورگویی در برابر فضل و برتری شما فروتن است ، و هر شیئی ۱ لَكُمْ ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ ، وَفَارَ الْفَأْتِزُونَ بِبِلَايَتِكُمْ ، چیزی در برابر شما ذلیل و خوار است و زمین به نور وجود شما روشن گشته و رستگاران به ولایت شما رستگار و فایز گشته اند ، بِكُمْ يُشَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتِكُمْ غَضَبٌ بِتَوْسُطِ شِمَا بِه سَوِي رِضْوَانِ وَبِهْشْتِ الْهِي رِهَسپَارِ مِي گِردَنَد و کسی که منکر ولایت شماست خشم خدای الرَّحْمَانِ . بِبَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي ، ذِكْرُكُمْ فِي رَحْمَانٍ رَا فِرَاهِمِ نَمُودِه اِسْت . بِدَرَم ، مَادَرَم ، جَانَم ، خَانُودِه اِم و دَارَايِمِ فِدَائِ شِمَا بَاد ؛ يَادِ شِمَا دَرِ الدَّاكِرِينَ ، وَأَشِمَاؤُكُمْ فِي الْأَشِمَاءِ ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ ، يَادِ آوَرَانِ وَنَامِ هَايِ شِمَا دَرِ مِيَانِ نَامِ هَا وَجِسْدِهَايِ شِمَا دَرِ مِيَانِ اجْسَادِ ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ ، وَآثَارُكُمْ فِي أَرْوَاحِ شِمَا دَرِ مِيَانِ اَرْوَاحِ وَجَانِ هَايِ شِمَا دَرِ مِيَانِ جَانِ هَا وَآثَارَتَانِ دَرِ مِيَانِ الْآثَارِ ، وَفُجُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ . فَمَا أَخَلَى أَسْمَانُكُمْ ، وَأَكْرَمَ آثَارُكُمْ





تو الْوَهَابُ ، شَيْحَانِ رَبَّنَا إِنَّ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا . يَا وَلِيَّ اللَّهِ ، إِنَّ بَسِيَارَ بَخْشَندهِ اِي ، پاك و منزّه است پروردگار ما به حقيقت وعده پروردگار ما محقق خواهد شد . اِي وَلِيَّ خِدا ؛ به راستي كه بِنَبِيِّ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَرَأَتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ ، فَيَحَقُّ مِيانِ مَنْ وَ خِدايِ متعالِ گناهاني است كه جز رضايِ و خشنوديِ شما آنها را از بينِ نمي برد ، پس به حَقِّ مَنْ اِثْمَنَكُمْ عَلَي سَيَرِهِ ، وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرٌ خَلْفِهِ ، وَفَرَنْ طَاعَتِكُمْ كَسِي كه شما را بر رازِ خودِ امينِ قرار داده و تدبير و امور و مراعاتِ حالِ بندگانش را به شما سپرد و طاعتِ شما را قرين و پيوسته با طاعتِ خودِ بِطَاعَتِهِ ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي ، وَكُنْتُمْ شُفَعَاتِي ، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ ، قرار داد ، كه نسبت به گناهانِ من طلبِ آمرزش و بخششِ كنيد و شما شفيعانِ من باشيد ، پس من به حقيقتِ مطيع و فرمان بردارِ شما هستم ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ ، وَمَنْ هَر كه از شما فرمان برد در واقع از خدا فرمان برده و هر كه از (فرمانِ) شما عصيانِ كند در واقع از خدا عصيانِ نموده أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ . أَللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ اسْت و هر كس شما را دوست بدارد در واقع خدا را دوست داشته و هر كه شما را دشمن بدارد در واقع خدا را دشمن داشته . بار خداوندا ؛ من اگر وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ ، الْأَيْمَةِ شَفِيعَانِي نَزْدِيكَ تَر به تو



جز محمّد و اهل بیت برگزیده اش - که پیشوایان الأبرار، لَجَعَلْتُهُمْ سَمْعَانِي، فَيَحْفَهُمُ الَّذِي أُوجِبَتْ لَهُمْ عَلَيْكَ، نيكوکارند - می یافتم آنان را شیعیان خود قرار می دادم، پس به حقّ آنها که آن را بر خود لازم شمرده ای اَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمَّلِهِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَيَحْفَهُمْ، وَفِي زُمْرِهِ از تو می خواهم که مرا در گروه اهل معرفت به آنان و حَقِّشان قرار دهی و در زمره المرحومين بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى كَسَانِي که به شفاعت آنان مورد رحمت تو قرار گرفته اند، وارد سازی؛ زیرا که تو مهربان ترین مهربانان هستی، و درود خدا بر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَتَسَلَّمَ كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (۷) محمّد و خاندان پاکش و سلام زیاد بر آنان باد و خداوند ما را بسنده است و خوب حمایتگری است.

### زیارت امین الله و فضیلت آن

زیارت «امین الله» و فضیلت آن

زیارت «امین الله» را به چند جهت آوردیم:

۱- در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمودند:

این کلام و این دعا (زیارت امین الله) را هر یک از شیعیان ما نزد قبر امیر مؤمنان یا یکی از امامان علیهم السلام بخواند، به طور حتم و بی شک، دعایش در صندوقچه ای از نور بالا می رود و تسلیم قائم آل محمّد ارواحنا فداه می شود ...

۲- این زیارت از زیاراتی است که حضرت مهدی صلوات الله علیه آن را خوانده است؛ چنان که در جریان شرفیابی حاج علی بغدادی خدمت آن حضرت آمده است.

۳- امام زمان ارواحنا فداه در جریان دیدار حاج علی

بغدادی، تصریح و تأکید فرمودند که: این زیارت از برترین زیارت هاست.

نکته مهمی که از آن جریان استفاده می شود این است که این زیارت، جزو زیارت های جامعه و عمومی امامان است و در تمام حرم های اهل بیت علیهم السلام می توان خواند؛ چنان که آن حضرت این زیارت را در حرم امام کاظم و امام جواد علیهما السلام در شهر کاظمین خواندند. البته، این نکته در روایت امام باقر علیه السلام نیز، به صراحت بیان شده است.

مرحوم محدث قمی می فرماید: این زیارت دارای اعتباری کامل است، و در تمام کتاب های ادعیه و زیارات آمده است.

علامه مجلسی رحمه الله این زیارت را بهترین زیارت ها از نظر متن و سند می شمارد؛ وی می افزاید: شایسته است در تمام حرم های مطهر و مقدس خوانده شود؛ چنان که با سندهای معتبر از جابر از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

امام سجّاد علیه السلام به زیارت قبر مطهر امیر مؤمنان علیه السلام رفت و نزد قبر ایستاد و گریست و قرائت نمود:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِيْنَ اللّٰهُ فِيْ اَرْضِهِ ، وَحُجَّتُهُ عَلٰى عِبَادِهِ ، سَلَامٌ بِرِ تَوْ، اِيْ اَمَانَتِ دَارِ خِداوَنَدِ دَرِ زَمِيْنِشْ، وَ حِجَّتِ اوْ بِرِ بِنْدِ گَانَشْ؛ ( اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ (۸) ، اَشْهَدُ اَنَّكَ جَاهَدْتَ فِيْ اللّٰهِ ) سَلَامٌ بِرِ تَوْ، اِيْ فَرْمَانِروایِ مُؤْمِنَان؛ ( گواهی می دهم که شما به طور کامل در راه خدا جهاد کردی حَقَّ جِهَادِهِ ، وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ ، وَ اتَّبَعْتَ سِرِّيْنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ حَقَّشْ را ادا فرمودی؛ به کتاب خدا عمل نمودی، و از سنّت های پیامبر - درود خدا بر او

و آل او - پیروی کردی؛ و اِلَهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللّٰهُ اِلَى جِوَارِهِ، فَفَبَضَّكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَ اَلْزَمَ تَا اَن كِه خدائند تعالی، شما را به جوارش فرا خواند، و با اختیار و انتخابش شما را از این دنیا به سوی خود برد؛ و اَعْدَاءَكَ الْحُجَبَةَ، مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْخُجُجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ. با وجودی که حجت های رسایی بر تمام آفریدگان داشتی، باز هم حجت را بر دشمنانت تمام کرد. اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بَارِهَا؛ نَفْس و روح مرا به تقدیرت مطمئن گردان، و به قضا و فرمانت خشنود گردان. حِرْصَ مَرَا بِدِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ، مُجِبَةً لِّصَفْوَةِ اَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي اَرْضِكَ به یاد خودت و دعا کردن به درگاهت افزون کن، و مرا دوست دار واقعی برای اولیای برگزیده ات قرار بده. مَرَا دَر زَمِينِ وَسَيِّمَاتِكَ، صَابِرَةً عَلٰى تَزْوَلِ بِلَايِكَ، شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، و آسمانت محبوب گردان؛ بر فرو ریزی بلاهایت شکیبیا ساز؛ بر زیادتی نعمت هایت سپاسگزار، ۱. این فقره از زیارت؛ در حرم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خوانده شود.

ذَاكِرَةً لِّسَوَابِغِ الْاَيَّامِ، مُشْتَاَفَةً اِلَى فَوْحِهِ لِقَائِكَ، مَتَزَوِّدَةً التَّوْفَى بِه يَادْ اَوْرَى نِعْمَتِ هَاى فِرَاوَانْت مَشْغُول دَار؛ به سرور و شادمانی دیدارت مشتاق کن؛ توشه بردارنده تقوا و پرهیزکاری لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُشْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِّاخْلَاقِ اَعْدَائِكَ، بَرَاى رُوْز قِيَامْت؛ و اجراکننده سنّت و طریقه اولیا و خاصان خود؛ جداشونده از اخلاق دشمنانت قرار ده؛ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ.

و از کار دنیا مشغول به حمد و ثنای خودت نما

سپس ، گونه مبارک خود را بر قبر آن حضرت قرار داده و گفت :

أَللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْبَةُ وَسَيِّئِلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ بَارِهَا ؛ راستی، قلب خاشعان و خداترسان ، واله و حیرانت است ، و راه های مشتاقان به سوی تو باز است ، شَارِعُهُ ، وَأَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحُهُ ، وَأَفْيِدَةُ الْعَارِفِينَ وَنَمَائِيَانِ، و نشانه ها برای کسانی که قصد رسیدن به تو را دارند آشکار است، و دل های اهل معرفت از تو بسیار مَنَكُ فَارِعُهُ ، وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ ، وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ دَرِّ هِرَاسِ اسْتِ، و صداهای دعا کنندگان به طرف تو بالا رونده است، و درهای اجابت و پاسخ گویی نیز لَهُمْ مُفْتَحُهُ ، وَدَعْوَةُ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ ، وَتَوْبَةُ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ بِرَایِ شَانِ بَازِ شَدَّةِ اسْتِ؛ و دعای هر کسی که با تو مناجات و به آرامی تو را بخواند مستجاب است، و توبه و بازگشت کسی که به مَقْبُولُهُ ، وَعَبْرَةُ مَنْ بَكَیِ مِنْ خَوْفِكَ مَرْخُومُهُ ، وَالْإِغَاثَةُ لِمَنْ سَوَى تُو بَازِگَرَدَدِ بِنْدِیْرَفْتِه شَدَّةِ اسْتِ، و اشک گریه کننده از ترس تو مورد تَرْحَمِ قَرَارِ مِی گِیْرَد؛ و دادرسی برای کسی که اسْتَعَانَ بِكَ مَوْجُودَةٌ ، وَالْإِعَاثَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولُهُ ، دادخواهی کند موجود است ، و برای کسی که از تو کمک بخواهد، کمک بلاعوض می فرستی؛ وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ ، وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَقَالَكَ مُقَالَهُ ، وَأَعْمَالَ و وَعِدِه هَائِي كِه بِه بِنْدِگَانْتِ دَادِه اِی قَطْعِي اسْتِ؛ و هر کس از تو درخواست چشم پوشی از لغزش خود را بکند چشم پوشی می کنی؛ الْعَابِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ ، وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ و اَعْمَالَ عَمَلِ كَنَنْدِگَانِ ، نَزْدِ تُو نَگْهَدَارِي و بَاقِي

می ماند؛ و نصیب ها و روزی های تو، به سوی بندگانت نازله، و عَوَايِدَ الْمَزِيْدِ اِلَيْهِمْ وَاَصِلَّهُ، وَذُنُوْبَ الْمُشْتَغْفِرِيْنَ فرستاده می شود؛ و عایدات بیش تر نیز برای شان ارسال و به دست شان می رسد؛ و گناه بخشش خواهان، مَغْفُوْرَةٌ، وَخَوَاتِيْجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّتِهِ، وَخَوَاتِيْرَ السَّآلِيْنَ عِنْدَكَ بخشیده شده است؛ و خواسته های آفریدگانت، نزد تو برآورده شده است؛ و پاداش و جایزه های درخواست کنندگان نیز مَوْفُوْرَةٌ، و عَوَايِدَ الْمَزِيْدِ مُتَوَاتِرَةٌ، وَمَوَايِدَ الْمَشِيْتِطْعِيْمِيْنَ مُعَيَّدَةٌ، نزدت فراوان است؛ و بهره های فراوان بی دری می رسد؛ و سفره های تو برای گرسنگان گسترده است؛ وَمَتَاهِلَ الظَّمَاةِ مُتْرَعَةٌ . اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِيْ، وَاقْبَلْ تَنَائِيْ، وَجَسْمَهُ هَا نِيْزَ بَرَايَ سِيْرَابِ شَدْنِ تَشَنُّكَانِ، لَبْرِيزِ وَ پَرَّآبِ اسْتِ . بَارِ اِلَيْهَا ؛ پَسْ، دَعَايِمَ رَا مَسْتَجَابِ كُنْ وَ پَاسِخِ بَدَه ؛ وَ تَنَاگوِيْمِ رَا بَبْدِيْر ؛ وَاجْمَعْ بَيْنِيْ وَبَيْنَ اَوْلِيَآئِيْ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ مَن وَ اَوْلِيَآيْمِ رَا كَرْدِ هَمْ اَوْر ؛ بَه حَقِّ مُحَمَّدِ، عَلِيٍّ، فَاطِمَه، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اِنَّكَ وَاِلَيْكَ نَعْمَائِيْ، وَ مُنْتَهَى مُنَايْ، وَغَايَةُ حَسَنِ وَ حَسِيْنِ؛ وَاقْعِيْتِ اَنْ اسْتِ كِه سِرْبَسْتِ نَعْمَتِ هَايِ مَن تُوِيِيْ، وَ حَدِّ نَهَائِيْ اَرْزَوِ، وَ نَهَابْتِ رَجَائِيْ فِيْ مُتَّقَلْبِيْ وَ مَتَّوَايْ .

امید من در دنیا و آخرت، تو هستی .

در کتاب «کامل الزیارات» ، این عبارات در پایان این زیارت آمده است :

اَنْتَ اِلٰهِيْ وَسَيِّدِيْ وَمَوْلَايْ، اِغْفِرْ لِّاَوْلِيَآئِنَا، وَكُفِّ عَنَّا اَعْدَاآئِنَا، تُو، خدای من، آقای من و مولای من هستی؛ دوستان ما را بیمارز، و دشمنان ما را از ما باز دار، وَاشْفَعْ لِحَمِيَّتِهِمْ عَنَّا اَذَانَا، وَاطْهَرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعَلِيَّا، وَادْحَضْ وَ اَنَانَ رَا اَز

آزار ما مشغول ساز؛ و کلمه و سخن حق را آشکار و آن را بالاتر از هر چیز قرار ده، و کَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . کلمه باطل را ناپود کن، و آن را پایین ترین درجه قرار ده. راستی، تو بر هر کاری توانایی .

سپس امام باقر علیه السلام فرمود :

هیچ یک از شیعیان ما این کلام (زیارت امین الله) را نزد قبر امیر مؤمنان علیه السلام نمی خوانند و دعا نمی کنند، مگر آن که دعایش در نامه ای از نور بالا می رود، و مهر پیغمبر بر آن می خورد، و نگهداری می شود تا به قائم آل محمد علیهم السلام سپرده می شود . در این حال نیز، بشارت و احترامات ویژه و اکرام، برای زیارت کننده ارسال می گردد - اگر خدا بخواهد - . (۹)

زیارت وارث (۱۰)

### زیارت وارث

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَدَمَ صَيِّمُوهُ اللَّهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ سَلَامٍ بَرِ تُو، اِي ارث برنده از حضرت آدم كه بر گزیده خدا بود، سلام بر تو، اِي ارث برنده از نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ ، السَّلَامُ نُوْحٍ كِه پيامبر خدا بود، سلام بر تو، اِي ارث برنده از ابراهيم كه دوست ویژه خدا بود، سلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى بَرِ تُو، اِي ارث برنده از موسى كه هم کلام خدا بود، سلام بر تو، اِي ارث برنده از عيسى كه رُوحِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ ، السَّلَامُ رُوْحِ خِدا بود، سلام بر تو، اِي ارث برنده از حضرت محمد كه دوست واقعی و محبوب خدا

بود ، سلام عَلَیْكَ یا وارثَ امیرالمؤمنینِ وَلِیِّ اللّهِ . السَّلَامُ عَلَیْكَ یابْنَ بر تو، ای ارث برنده از امیر مؤمنان که ولی خداست . سلام بر تو ، ای فرزند مُحَمَّدِ الْمُصِیْطَفِی ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یابْنَ عَلِیِّ الْمُوْتَضِی ، السَّلَامُ مُحَمَّدِ مصطفی، سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی (پسندیده شده) ، سلام عَلَیْكَ یابْنَ فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یابْنَ خَدِیجَةَ الْكُبْرَى ، بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا ، سلام بر تو ، ای فرزند خدیجه که بزرگ زنان بود . السَّلَامُ عَلَیْكَ یا نازَ اللّهِ وَاِبْنَ ثَارِهِ وَالْوِثَرَ الْمُوْتَوَّرَ ، اَشْهَدُ اَنَّكَ سَلَامٌ بر تو، ای خون خدا و پسر خون خدا که انتقامش گرفته نشده است؛ گواهی می دهم که تو ۱ . مفاتیح الجنان : ۶۹۸، مصباح المتعجد : ۷۳۸، و در مصباح الزائر : ۴۷۴ ، و مزار آقا جمال خوانساری : ۹۸ با تفاوت اندک.

۲ . در جریان تشرف مرحوم حاج علی بغدادی در حرم مطهر کاظمین علیهما السلام ، حضرت امام عصر صلوات الله علیه بعد از زیارت امین الله ، زیارت وارث را قرائت نمودند .

قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ ، وَآتَيْتَ الزُّكُوةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ نِمَازَ رَا بَهِ خُوبِی بَرِبَا دَاشْتِی ، وَ زَكَاتِ دَادِی ، وَ اَمْرَ بَهِ مَعْرُوفِ وَ نَهْیَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَأَطَعْتَ اللّهُ وَرَسُولَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِیْنُ ، فَلَعَنَ اللّهُ اَزْ مَنْكِرْ كَرْدِی ، وَ اَزْ خُدا وَ فَرَسْتَاذَه اش فَرْمَان بَرْداری كَرْدِی تا مَرگِ بَهِ سَرَاغْتِ اَمَد . پَس ، خُداوَنَد ، اُمُّهُ فَتَلَنْتَكَ ، وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ ظَلَمْتِكَ ، وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّهُ سَيِّعَتْ بِذَلِیْكَ كَشَنَدگانِ تُو وَ اُمْتِی كَه بَر تُو سَتَمْ كَرْدَنَد وَ گِرُوه هابی را

که با شنیدن خبر شهادت فَرَضِيَّتْ بِهِ . يا مَوْلایِ يا اَباعَبْدِاللهِ ، اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِیْ تو خَشَنود شدند ، لعنت کند . ای مولای من ؛ ای ابا عبدالله الحسین ؛ گواهی می دهم که تو نوری در الْأَضْیَابِ السَّامِیَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِیَّةُ پست های ارجمند، و رحم های پاک بودی؛ جاهلیت، با آن همه آلودگی و پلیدیش تو را آلوده نساخت ؛ بِأَنْجَابِهَا ، وَلَمْ تَلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ نِیَابِهَا ، وَأَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ و از لباس های ناپاکش بر تنت نبوشانید ، گواهی می دهم که تو یکی از دَعَائِمِ الدِّینِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِینَ ، وَأَشْهَدُ اَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرُّ الْتَقِیُّ پایه های اصلی دین اسلام هستی، و از تکیه گاه های مؤمنان می باشی . گواهی می دهم که تو امام و پیشوای نیکوکار، پرهیزگار، الرَّضِیُّ الرَّكِیُّ الْهَادِی الْمَهْدِیُّ ، وَأَشْهَدُ اَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ رضایت مند، خالص و پاک، هدایت گر و هدایت یافته هستی . گواهی می دهم پیشوایان و امامانی که از نسل تو هستند کَلِمَةُ التَّقْوَى ، وَأَعْلَامُ الْهُدَى ، وَالْعَزْوَةُ الْوُثْقَى ، وَالْحُجَّةُ عَلَی نِشانه تقوا، پرچم های هدایت، ریسمان محکم الهی و حجت خدا بر أَهْلِ الدُّنْیَا . وَأَشْهَدُ اللهُ وَعَمَلِکَتهُ وَأَنْبِیَاءَهُ وَرُسُلَهُ اَنِّیْ بِكُمْ تمام مردم دنیا می باشند . خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را به گواهی می گیرم که نسبت به شما اهل بیت مؤمنان ، وَبِإِیَابِکُمْ مَوْقِنٌ ، بِشَرَائِعِ دِینِی ، وَخَوَاتِیْمِ عَمَلِی ، وَقَلْبِی اِیْمَانِ و باور دارم، و به بازگشت شما یقین دارم ؛ و این به خاطر راه های دین من و پایان های عمل من است ؛ قَلْبِ مِنْ ، لِقَلْبِکُمْ سِیِّئَمٌ ، وَأَمْرِی لِأَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ ، صِلَوَاتُ اللهِ عَلَیْکُمْ وَعَلَى تَسْلِیْمٍ







علیه السلام بایست و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ نَبِیِّ اللّٰهِ ، سلام بر تو، ای فرزند رسول خدا ، سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ الْحُسَیْنِینَ سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان ، سلام بر تو، ای فرزند امام حسین الشَّهِید، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الشَّهِیدُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمَظْلُومُ شَهِید ؛ سلام بر تو ای شهید، سلام بر تو ای ستمدیده وَاِبْنَ الْمَظْلُومِ ، لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّهُ فَتَلَّكَ ، وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّهُ ظَلَمْتَكِ ، و فرزند ستمدیده؛ خدا ، گروه هایی را که تو را کشتند و بر تو ستم کردند ، مورد لعن و نفرین خود قرار دهد ، وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّهُ سَمِعَتْ بِذَلِکَ فَرَضِیْتُ بِهِ .

و آن ها که خبر این ها را شنیدند و خوشحال شده و این کارها را پسندیدند، لعنت و از رحمتش به دور سازد .

سپس ، خود را به قبر مطهر بجسبان و قبر را بیوس و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِیَّ اللّٰهِ وَاِبْنَ وَلِیِّهِ ، لَقَدْ عَظَمْتَ الْمُصِیْبَةَ ، سلام بر تو، ای ولی خدا و فرزند ولی خدا؛ به یقین مصیبت و گرفتاری که به واسطه شهادت تو وَجَلَّتِ الرَّزِیَّةُ بِكَ عَلَیْنَا وَعَلَى جَمِیعِ الْمُسْلِمِینَ ، فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّهُ بر ما و تمام مسلمانان وارد شد، بسیار گران و بزرگ است؛ خدا گروه های کشنده تو را فَتَلَّكَ ، وَأَبْرُهُ إِلَى اللّٰهِ وَ اِلَیْكَ مِنْهُمْ .

لعنت و از رحمتش به دور سازد؛ من نیز به سوی خدا و شما، از آن افراد ناپاک بیزاری می جویم .

سپس از دری که طرف پاهای مبارک علی

اکبر علیه السلام است ، از حرم بیرون برو ، و رو به قبر شهدای کربلا بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّائَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْرَفِيَاءَ سَلَامٍ بِرِشْمَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءِ خِدا و دُوسْتانِ او ، سَلَامٌ بِرِشْمَاءِ ، اِي بَرِگَزِيدگانِ اللّهِ وَوَدَّآئِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ خِدا و دُوسْتانِ وِيزه اش ، سَلَامٌ بِرِشْمَاءِ ، اِي يارانِ دِينِ خِدا ، سَلَامٌ بِرِشْمَاءِ ، اِي يارانِ رَسولِ اللّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، اِي يارانِ رَسولِ خِدا ، سَلَامٌ بِرِشْمَاءِ ، اِي يارانِ اميرِ مُؤمِنان ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ سَلَامٌ بِرِشْمَاءِ ، اِي يارانِ حَضرتِ فَاطِمَه ، سرورِ زَنانِ جِهانِ هستي ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ ، بِرِشْمَاءِ ، اِي يارانِ امامِ حَسَنِ فَزَندِ عَلِي ، سرپرستِ و وليِ خَيرِخواهِ مُسلمانان ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي ، طِبُّتُمْ سَلَامٌ بِرِشْمَاءِ ، اِي يارانِ ابِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ ؛ پَدَر و مَادَرَم ، فَدايِ شِما باد ؛ شِما پاك و طابِتِ الْأَرْضِ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ ، وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظِيماً ، فَيَا لَيْتَنِي وَ زَمِينِي كَهْ دَرِ أَنْ دَفِنَ شَدَه ايدِ نيزِ پاكِ اسْت ؛ بَه كَامِيابِي و رِستگاريِ بزرگيِ دِستِ يافْتيد ؛ اِي كاشِ مَن كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ .

نيز همراه تان بودم و با شما رستگار مي شدم .

سپس به طرف سر مطهر امام عليه السلام برگرد و تا مي تواني براي خودت ، خانواده ات ، پدر و مادرت ، و برادرانت دعا کن ؛ زيرا ، در آن حرم هيچ دعا و درخواستي رد نمي شود . (۱۱)

مطالبی که در این کتاب خواندید

، نمازها ، دعاها و زیارت هایى است كه با توفیق خداوند و به برکت امام عصر عجل الله تعالى فرجه ، آن ها را گردآوری و تألیف نمودم .

وَأنا العبد الفانى مرتضى ، ابن الورع العابد ذى المجد والسداد ، السید محمد جواد ، المتوفى فى يوم عاشوراء سنة ١٤١٥ هـ بعد قرأته زیاره عاشوراء فى مجلس العزاء لسید الشهداء علیه آلاف التحية والثناء ، ابن العالم العابد الزاهد السید محمد باقر ، ابن العالم الربانى آیه الله العظمى السید على السیستانی أعلى الله مقامه .

### منابع ومصادر كتاب

(١) نجم الثاقب : ٦٠١ .

(٢) الباقیات الصالحات ( حاشیه مفاتیح الجنان ) : ٢٦٠ .

(٣)

(٤)

(٥) مفاتیح الجنان : ٩٠٨ .

(٦) دار السلام : ٤٣/٢ .

(٧) مفاتیح الجنان : ١٠٧١ ، مزار آقا جمال خوانساری : ٦٠ .

(٨)

(٩)

(١٠)

(١١) مفاتیح الجنان : ٨٤٩ .

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
  ۲. ارتباط با مراکز هم سو
  ۳. پرهیز از موازی کاری
  ۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
  ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghamiyeh.com](http://www.ghamiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادهای انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادیه ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

